کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انتشارات دانشگاه تهران
۱۶۸

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد دوم

کتب ادبی

گردآورنده

ع. مشروی

۱۳۳۲

چاپخانهٔ دانشگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir
عالم المخطوطات والتراث

گشایش کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران

دانشگاه تهران از آغاز کار خود به تشکیل و تأسیس کتابخانه و نگاهداری کتابها بروش علمی خواه از راه پذیرفتن هدیه‌ها و بخششها که از طرف نیکمردان و فرهنگ دوستان میشود و خواه از راه خریدن کتابها توجه داشته و آنرا از وظائف مهمی میداند که همواره مورد نظر بوده است ؛ از اینرو در هر یك از دانشکده‌ها کتابخانه‌ای تأسیس شده است که اکنون محل رجوع و مطالعه و کار استادان و دانشجویان و اهل تحقیق میباشد . وظیفهٔ مهمتری که برعهدهٔ دانشگاه بود و تاکنون صورت عمل بخود نگرفته بنیادگذاردن کتابخانهٔ مرکزی است که در آن کتابهای مربوط بهمه علوم بخصوص تألیفات دانشمندان بزرگ جهان که در بررسیهای علمی سند رسمی میباشد گرد آید و بویژه کتابهای خطی فارسی و عربی و ترکی و اوراق و اسناد تاریخی که متأسفانه بسیاری از آنها از دستبرد بیگانگان و سوداگران کتاب بمصون نیامده و بیشتر آنها بابراتر سهل انگاری مالکان خصوصی راه بستی گرفته و بایکشورهای بیگانه رفته است در آن نگاهداری شود

برای برآوردن این منظور دانشگاه همیشه به بنیادگذاردن چنین بنگاه علمی امیدوار و متر صد بود.

خوشبختانه نخستین قدم در این راه بوسیلهٔ استاد دانشمند بزرگوار جناب آقای **سید محمد مشکوة**



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بیرجندی که از دیرباز شیفتهٔ علم و عاشق کتاب بوده و در فراهم آوردن کتابهای نفیس خطی عمری وثروتی صرف کرده‌اند برداشته شد. ایشان در دورهٔ زندگی خود ازهرگوشه وکنار کتابهائی را که نفیس ومفید ویکتا یافته گرد آورده واز سیزده کتابخانهٔ خصوصی مجموعه‌ای بالغ برهزاروصدوچند جلدکتاب و افزار علمی جمع کرده‌اند که همهٔ آنها را با نیتی صادقانه و قصد خدمت بعلم در اختیار دانشگاه تهران گذارده‌اند. و این قصد خیر را بمنظور پایه‌گذاری کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران درسیصدونودوششمین جلسهٔ شورای دانشگاه بتاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۲۸ باطلاع اعضاء شورای رساندند.

دانشگاه هم با صمیم قلب پذیرفتن این ارمغان بسیارگرانبها و بیمانند را که قطعاً سرمشق دیگر نیکوکاران و دوستداران فرهنگ ایرانی خواهد بود و همیشه مشوق در بسط وگسترش چنین کتابخانهٔ علمی میباشد اعلام داشت وآنچه تواست درسپاسگزاری ونگاهداری وفهرست نگاری کتابها ازروی آخرین روش کتاب شناسی وکتابداری درینغ ننمود. گردآوری کتابهای این کتابخانه بشانی است ازدامنه اطلاع وتبحر مردی که دریك عمر آنها را جمع آورده و بخشش آن دلیلی است برسعهٔ صدر وهمت بلند او.

***

تعدادکتابهای این کتابخانه بالغ برهزاروصد وچند جلد میباشد واز مشخصات ومزیتهائی که درآنها دیده میشود میتوان موارد زیر را یادآورشد:

الف ـ بسیاری از نسخه‌ها دارای ده تا پنجاه رساله ونامه وگفتار دانشمندان گذشته ایرانی وخاوری است که بسیاری ازآنها درسایرکتابخانه‌ها نیزبندرت پیدا میشود.

ب ـ درهمین مجموعه‌ها بیه‌سا که ازیك‌رساله نسخه‌های مکررهست وهریك ازآنها ازبرای نسخه شناسی مزیت خاصی را دارا است.

ج ـ نسخه‌هائی ازاین کتابخانه شاهانه‌است وبرای‌زمامداروایان زمان نوشته شده‌یادرکتابخانه های شاهان بوده ومهرگنجینهٔ آنهارا دارد.

د ـ برخی از نسخه‌ها بخط خود دانشمندی است که مؤلف آن کتاب است یا آنکه نزد او خوانده شده وگواهی واجازهٔ اوبرآن هست یا در روزگار او نوشته شده وبا نسخهٔ اصل او برابر شده است.

ه ـ برخی از نسخه‌ها دارای نوشته‌هائی است از دانشمندان بزرگ که باصطلاح گذشتگان اجازه وبلاغ قبال وقراء وسماع نامیده میشود واینگونه گواهیها درنشان دادن درستی نسخه ها در روزگارپیش بسیار مهم بوده است و دانشمندان میکوشیدندکه پس‌از تومیه شدن از یافتن نسخه‌های اصل بچنین نسخه‌ها برسند.

و ـ متنهائی ازکتابهای اخبار دراین کتابخانه هست که دارای مزیتهای مذکور درکتابهای فنی درایت وحدیث میباشد ومیتوان بدانها درمراجعه‌های علمی اعتمادنمود.

ز ـ نسخه‌هائی ازکتابها ورساله‌ها درآن هست که هنوزبچاپ نرسیده وشایسته است محافل علمی ودینی بچاپ آنها اقدام نمایند.

ح ـ ازنسخه‌های کهن که درزمان مؤلف یا اندکی پس‌ازاونوشته شده نیزدرآن هست.

ط ـ ازکتابهای علمی ودینی قدیم هم که بپارسی درآمده دراین کتابخانه دیده میشود

ی ـ نسخه هائی هم هست که ازنظر هنری‌گیرانبهاست ودرخط یا جلد آن ظرایف هنری بکار رفته است.

***

این بود شمه‌ای از مزیتهای کتابهای اهدائی استاد دانشمند که بدانشگاه واگذار شده است. حقیقت امرآنست که عمل خیرایشان مانند همان وقفها و واگذارهائی‌است که درمیان ایرانیان ازنظر دینی معمول ومرسوم بود و نیکوکارانی بودندکه برای مدرسه ها و مسجدها کتابها وقف میکرده‌اند و چون آن کتابها بصورت حبس شرعی از ملکیت خصوصی درمیآمد و ملك مردم میشد و نظارت درحفظ آن گذشته از متولیان مسجد واقف باحکومت شرعی بود دیری آن کتابخانه‌ها می یافید و از دستبرد سوداگران کتب مصون میماند. ولی متأسفانه با این عمل خیرهم درابقاء آن کوشش فراوانی نمیشد وچون بنگاه ثابتی با شخصیت حقوقی درآن ذینفع نبود ازمیان میرفت. اما وقف بردانشگاه با بنگاههای علمی مشابه آن گذشته از اینکه درمورد آنها روی سنن دینی درحفظ مال وقف شده کوشش لازم بخرج داده میشود با استفاده ازموازین قانونی هم همیشه دانشگاه ومانند آن خواهند کوشید که بادقیقترین مقررات وبرطبق‌اصول فنی کتاب شناسی وکتابداری در حفظ آنها قیام نمایند. دراهداء کتابها وسندهای تاریخی بدانشگاه و بنگاههای علمی دیگرگذشته ازاینکه همانها با بهترین طرزی نگاهداری میشود ونه یکیازآنمیان میرود ونه بتفاریق زاه نیستی‌میگیرد مهم اینست که واقف وعلاقمندان باو این اثر ویادگار زندگی علمی او را همواره پابرجای‌می بیند وازآن درمواقع احتیاج بهره میبرند. ومهمتراینکه شیفتگان علم ومعرفت بآنها دسترسی پیدامیکنند ودانشجویان‌ودانشمندوستان از آنها استفاده مینمایند ودرهنگام طبع و نشرکتابها با آسانترین راهی بآنها مراجعه میشود وهمه اینها ازهای نیکی‌است که ازیك‌عمل برخاسته‌است ودرهمه جهان هم این‌کار بجا و درست‌معمول‌است ودانشگاهها براست ازاینگونه هدیه‌ها و وقفها که اهل خیربدان اقدام میکنند ونام نیك خویش را با این کار برجای میگذارند.

***

پس‌دانشگاه جوان‌تهران که خودرا جانشین دانشگاههای آبرومند وبرادرچیره‌دست وبینا ودانا میداند امیدوار است که ایرانیان از این کار پسندیده و بسیار نیکوی استاد دانشمند متکوه پیروی نموده در بسط وگسترش‌دامنه فرهنگ‌ومعنیت ایرانی‌بکوشند ودر انجام‌دادن اینگونه کارهای نیك که سود هم‌میهنان ونام‌نیك هردورا باهم دارا است ازهیچ راه دریغ ندارند. دانشگاه یقین‌دارد که باگشایش این کتابخانه مرکزی‌که یکی ازهدفهای بزرگ آن گردآوری کتابهای خطی‌یعنی ذخائر ملی ایرانی است ایرانیان جویای دانش ومتدین اقبال‌کامل کنند وخواه با اهداء یا بافروش‌یابهای عادلانه نسخ خطی خودرا هم درجایگاه مطمئنی‌بگذارندکه بتوانند هرگاه بخواهند بدانها رجوع کنند وهم آنهارا درمعرض‌استفادهٔ دانش‌دوستان قراردهند. بدیهی‌است که‌دانشگاه تهران ازاستاد دانشمند ارجمند آقای مشکوة هم ازجهت کاربسیار بجا ونیکو وسودمندی‌که کرده‌اند وهم ازاین نظرکه سنتی راواریج کرده‌اند و یکمان کسانی‌ازاین‌عمل‌پیروی‌خواهندکرد بی‌اندازه‌سپاسگزارمیباشد ومیکوشدکه‌هم این گنجینه ها را بابهترین وضعی نگاه بدارد وهم با آسانترین راهی دردسترس مشتاقان بگذارد. ضمناً باید یادآور شدکه تا کنون سه جلد فهرست برای کتابهای مزبور باین شرح تهیه وچاپ شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جلداول — در ۲۷۵ ص که در آن ۱۵۶ کتاب در ۱۸۵ نسخه از کتابهای راجع به قرآن از تجوید و تفسیرهای فارسی و عربی و کتابهای ادعیه و زیارات و استخاره شناسانده شده است.

جلددوم — در ۸۶۰ ص که در آن ۹۷ کتاب از متون ادبی و فارسی و عربی در ۱۱۰ نسخه و ۶۹ کتاب از علوم ادبی فارسی و عربی در ۷۴ نسخه و ۷۳ کتاب تاریخ و رجال و فهرست کتابها و جغرافیا در ۷۸ نسخه و ۱۷ کتاب از کتابهای مختلف در ۲۲ نسخه شناسانده شده است

جلدسوم — در دو بخش

بخش نخستین در ۶۹۰ ص که در آن ۴۰ کتاب منطق در ۵۰ نسخه و ۳۶ کتاب فلسفه طبیعی و الهی در ۴۶۹ نسخه و ۱۷۵ کتاب عرفان در ۱۹۸ نسخه و ۱۲۵ کتاب کلام در ۱۳۹ نسخه و ۵۶ کتاب فلسفه عملی در ۶۴ نسخه شناسانده شده است.

بخش دوم در ۴۰۰ ص که در آن ۱۷ کتاب تاریخ فلسفه در ۱۸ نسخه و ۸۲ کتاب پزشکی در ۹۰ نسخه و ۱۲۶ کتاب ریاضی در ۱۳۳ نسخه و ۱۱۹ کتاب هنرهای شگفت انگیز یا علوم غریبه در ۱۱۹ نسخه و هفت شماره از قرارهای علمی شناسانده شده است.

روی هم ۱۴۷۷ کتاب در ۱۷۵۷ نسخه در این سه مجلد فهرست شناخته شده و فقط کتابهای اخبار و اصول و فقه مانده است که فهرست آنها آماده برای چاپ است و بهمین زودیکی منتشر خواهد شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مراسم تحویل کتابخانه

آقای سید محمد مشکوة

استاد دانشکدهٔ حقوق

به دانشگاه تهران

ضمیمه جزوهٔ چهارم جلد نهم خبرهای دانشگاه

دی ماه ۱۳۴۴

مجلس جشن بمناسبت اهدای کتابخانه آقای مشکوة بدانشگاه

آقای مشکوة کتابخانه خودرا که مشتمل بریکهزاروصد وچند جلد بود بدانشگاه اهداء کردند . برای قدردانی از این بخشش کریمانه مجلس جشنی درتاریخ دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۳۳ در تالار دانشکدهٔ ادبیات تشکیل گردید که درآن جناب آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی وجناب آقای دکترسیاسی رئیس دانشگاه وجناب آقای دکترشادمان وزیر دادگستری وجناب آقای دکترصالح استاد ورئیس دانشکدهٔ پزشکی ووزیر بهداری وجمع کثیری از دانشمندان وعلاقمندان بکتاب و کتابخانه حاضرشده بودند.

ابتدا جناب آقای دکترسیاسی رئیس دانشگاه بایانات ذیل جلسه را افتتاح کردند:

آقایان محترم



آقای دکترسیاسی هنگام ایراد نطق

مقدم برهرچیز وظیفه‌دار هستم ازذوات محترمی که دعوت دانشگاه‌تهران‌راپذیرفته واین مجلس را بوجود خود مزین فرموده‌اندسپاسگزاری کنم .

سه سال پیش دریکی‌ازجلسات رسمی شورای دانشگاه یکی ازآقایان‌اعضاء شوری اجازه خواستند که قبل‌ازدستوربیاناتی بفرمایند . مطلبی راکه ایشان عنوان کردند راجع

به کتب‌خطی واهمیت آنها بود . ضمن توضیحاتی که دادند معلوم شد که از ابتدای جوانی ودوران تحصیل علاقه ودلبستگی‌خاص نسبت بکتابهای نفیس‌خطی‌داشته‌اند وازهمان‌اوان بجمع آوری آنها همت گماشته‌اند وسالهای متوالی با عشقی سرشار هر کجا نسخه‌ای‌نادر ونفیس سراغ میکرده اند بدنبال آن میرفته‌اند وهرقدر هم گران قیمت بوده آنرا ابتیاع میکرده وبرذخائر کتابخانه شخصی‌خود میافزوده‌اندتا آنجاکه بتدریج‌تمام دارائی‌موروث که مبلغ معتنابهی بوده است دراین راه مصرف میشود .

این شخص محترم فاضل ارجمند جناب آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه بودند . سابقه فضل و کمال ایشان و علاقه مفرطی که نسبت بمطالعه ودقت در کتب خطی پیدا کرده بودند ایشانرا در این رشته یکی از کارشناسان ومتخصصین درجه اول ساخت وازاینرو کتابهائی مورد توجه وعنایت‌ایشان قرارمیگرفت وابتیاع میگردید که ازهرحیث ممتاز ونادر ونفیس بود . بعبارت دیگر ایشان سعی داشتند باینکه در گنجینه‌ای که فراهم کرده بودندجز درر شاهوارچیزی‌راه‌نیابد وحتی‌الامکان راه آن گنجینه برمهره‌های‌بی‌بها یاکم بها وفاقد امتیازخاص مسدود باشد بطوریکه سرانجام کتابخانه ایشان شامل‌متجاوز ازهزارنسخه نفیس خطی گردید که بهای‌فعلی آن غیرقابل تخمین است .

این‌خلاصهٔ توضیحات وبیانات جناب آقای مشکوة درآن‌جلسه شورای‌دانشگاه‌بود.

اعضاء شوری با کمال دقت باین بیانات گوش فرادادند وازاین توضیحات مستفید میشدند ولی مناسبت مطلب را باکارهای شوری درست درک نمیکردند درایتموقع ناگهان چیزی بگوششان خورد که سبب شد گردنها کشیده‌تر وچشمها فراخ‌تر وحواس‌ها جمع‌ترشود . آقای مشکوة به‌نتیجه سخنرانی خود رسیده بودند وآن نتیجه را با آهنگی متین و کلماتی شمرده دراین جمله بیان میفرمودند : « من تمام این کتابخانه یعنی سرمایه زندگی خودم را بدانشگاه تهران اهداء میکنم . »

دراینموقع‌این سخاوت وجوانمردی حس تقدیروتحسین همه ما را برانگیخت‌وشور وشعف زائدالوصفی‌درمحیط شوری ایجادنمود. چندتن‌از آقایان‌همکاران فی‌المجلس به‌بیان احساسات شورانگیز خود پرداختند وبنده هم مراتب سپاسگزاری وقدردانی دانشگاه را نسبت باین بخشش کریمانه که‌حقیقةً باید سرمشق همه مردمان نیك وفرهنگ‌دوست قرار گیرد بیان داشتم .

نظرمن این‌بود که مراسم تحویل این گنجینه نفیس ضمن تشریفات مخصوص صورت گیرد ولی قبل‌از آن مقدمهٔ مهمی بود که بایستی‌فراهم شود وآن عبارت بود ازتهیه‌فهرست تفصیلی این کتب . پس دانشگاه با کمك جناب آقای مشکوة فوراً انجام این مهم راوجهه همت خود ساخت وفهرست مزبور را دراین مدت درپنج مجلد تهیه کرده که هم‌اکنون سه جلد آن بزیورطبع آراسته شده وحاضراست وجلد چهارم تاچند روزدیگر وجلد پنجم تا سه چهارماه دیگر اززیرچاپ بیرون خواهد آمد ومنتشر خواهد شد . کسانیکه اهل تحقیق وتتبع هستند از اهمیت وفائده این فهرست بخوبی باخبرند ومیدانند که این فهرست حکم نورافکنی را دارد که بر گنجینه نفیسی که تاکنون در تاریکی وابهام قرار داشته است بدرخشد وآنرا روشنائی وصراحت بخشد وبهمه کس اجازه دهد از خصوصیات نسخه‌های

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نفیسی که آنرا تشکیل داده‌اند اطلاعات کافی بدست بیاورد ودر تحقیقات وتتبعات از آن استفاده کند .

حضار محترم باهمیت کتب ورسالات خطی وقوف کامل دارند . امتیاز یك نسخه خطی ازچندجهت میتواند باشد . یکی از نظر زیبائی آن یعنی از نظر حسن خط وتذهیب واحیاناً نقوشی که ممکن است درضمن متن ازطرف استادی هنرمند ترسیم شده باشد. دیگر از نظر مطلب علمی یا ادبی که هنوز منتشر نشده وچون گنجینه‌ای است دربسته که جز صاحب نسخه وشاید معدودی ازخواص دوستان او بآن دسترس ندارند .

بدیهی است که دراین مورد هرقدر مصنف مقامش والاتر باشد اهمیت نسخه بیشتر خواهد بود .

دیگر از نظر قدمت نسخه ، یعنی نزدیکی تاریخ استنساخ بزمان تألیف که البته هرچه نسخه قدیمتر باشد صحت ومطابقت آن با فکر وقلم نویسنده بیشتر وتصرف نسخه نویسان در آن کمتر خواهد بود . دیگر از نظر تعداد نسخ متشابه که بدیهی است هراندازه عده نسخ معدودتر باشد ارزش نسخه‌ها بیشتر است وچنانچه نسخه منحصر بفرد باشد بهمان نسبت ارزشش بالا میرود .

شك نیست که نسخی که جامع همه یا بیشتر این مزایا باشند بسیار نادر نبود درحقیقت نمیتوان روی آنها قیمت گذاشت .

اهمیتی را که کتابهای خطی فارسی دارا هستند کتب خطی زبانهای اروپائی نمیتوانند داشته باشند زیرا فاقد اکثر امتیازات مذکور فوق هستند ومخصوصاً هر گاه ازحیث مطلب مهم باشد اکثراً طبع ونشر شده ودومعرض استفاده عموم قرار گرفته‌اند ، درصورتیکه شمارهٔ کتابها و رسالات خطی فارسی که ازحیث مطلب شایسته توجه و مطالعه میباشند وهنوز بچاپ نرسیده‌اند ازحساب بیرون است .

با اینوصف کتابخانه های بزرگ اروپائی وآمریکائی ازجمع آوری وضبط کتب ورسائل خطی غفلت ندارند. من خود در کتابخانه کنگرس درواشنگتن و کتابخانه بریتیش میوزیم درلندن و کتابخانه ملی پاریس وهمچنین در کتابخانه‌های اختصاصی دانشگاههای بزرگ اروپا و آمریکا دیده‌ام که شعبه‌های مخصوصی برای مجموعه نسخ خطی دارند وبآن اهمیت میدهند وبسیارهم متعجب شده‌ام که در بعضی ازاین کتابخانه‌های خارجی عده کتابهای خطی فارسی بیش از آنست که ما در کتابخانه‌های خود داریم . من همیشه آرزومند بوده‌ام که این نقیصه رفع و کتابخانه دانشگاه تهران صاحب مجموعه‌ای از کتب نفیس خطی بشود.

با این مقدمه معلوم است که چقدر بخشش کریمانه جناب آقای مشکوة را ما بموقع دانسته‌واز آن مسرور وشکر گزار شده‌ایم . کتابخانه اهدائی ایشان درواقع هستهٔ مرکزی شعبهٔ کتب خطی دانشگاه تهران خواهد بود وهدیه ایشان ازاین‌جهت شایان سپاسگزاری وقدردانی است که ازپراکندگی این نسخ نفیس وازخروج احتمالی آنها ازایران جلوگیری نموده است .

جناب آقای مشکوة که علاقمند بحفظ این آثار نفیس درخود ایران بوده‌اند بخوبی تشخیص داده‌اند که مناسبترین ومطمئن‌ترین محل برای نگاهداری واستفادهٔ از این کتب

دانشگاه تهران است . ایشان بخوبی میدانند که این مؤسسهٔ بزرگ علمی از بدو تأسیس تاکنون امتحان خودرا ازلحاظ استقامت وپایداری وثبات داده‌است ومخصوصاً دردوازده سال اخیر بحرانهای گوناگون وخطرناکی که در بسیاری ازشئون این کشور اثرات شوم باقی گذاشته نتوانسته است در ارکان این دستگاه بزرگ علمی تزلزل ایجاد کند ومانع پیشرفت وسیر تکاملی آن بشود . ما دراین مدت کوتاه ازتعلیم وتربیت جوانان آنی غافل نبوده‌ایم وقریب دهزار پزشك ودامپزشك وحقوقدان ومهندس ومعلم بجامعه تحویل داده‌ایم ودویست وپنجاه جلد کتاب ازطرف دانشگاه تألیف وطبع ونشر شده است واین مؤسسه بصورتی درآمده است که امروزدولت ایران میتواند آنرا با سربلندی برجال ودانشمندان عالیمقام خارجی که بایران میآیند ارائه دهد .

مراد من دراینجا شرح خدمات دانشگاه وتوضیح اهمیت ومقام این مؤسسه علمی نیست بلکه میخواهم توجه مردم نیکوکار ودانش‌دوست را باستحکام اساس این دستگاه ووضع ثابت آن جلب کنم تا با اطمینان خاطر ازجناب آقای مشکوة سرمشق بگیرند وازمساعدت مادی ومعنوی باین مؤسسه بواهداء کتب وآثار نفیسی که دراختیاردارند خودداری نفرمایند.

دراینجا این عرایض لازم میدانم یك بار دیگر مراتب سپاسگزاری وقدردانی دانشگاه تهران را بفاضل ارجمند که سرمایهٔ مادی و مساعی معنوی ومحصول ذوق سرشار خودرا درطبق اخلاص گذاشته ویکجا بدانشگاه تهران اهداء فرموده‌اند معروض بدارم واین منشور را که حاکی ازهمین سپاسگزاری و نشانه ثابت وهمیشگی حق‌شناسی وقدردانی دانشگاه تهران است بایشان تقدیم میکنم .

***

سپس آقای سید محمد مشکوة بیاناتی باین شرح ایراد کردند :

در کتاب من لایحضره الفقیه تألیف صدوق این بابویه که در ری مدفون است روایتی نقل شده است که مضمونش این است : انسان تا زمانی که زنده است میتواند برای بعد از مرگ خود توشه وذخیره‌ای اندوخته کند. اما بعدازمرگ فقط هرچه درزنده بودن خویش اندوخته است نتیجه آن عایدش میشود .

چنانکه شیخ سعدی گوید :

برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست

فقط درچهارمورد ممکن است پس ازمرگ هم ثواب وخیر عاید شخص گردد: یکی اینکه فرزندی صالح تربیت کرده باشد که پس ازمرگ پدررا به نیکی یاد کند دیگر صدقه جاریه است یعنی اینکه شخصی بخشی ازمال خودرا برای مصالح عمومی مردم تخصیص داده ووقف کرده باشد : چنانکه مثلا بیمارستان یا پلی ساخته یا مدرسه‌ای بنا کرده باشد. سوم اینکه اثری علمی از خود باقی گذارده یا کتابی تألیف کرده که در پیشرفت تمدن ودانش مؤثر بوده است . چهارم اینکه قناتی جاری کرده یا درختی نشانده که مردم پس ازمرگ او ازآب آن قنات یا ازمیوه آن درخت بهره‌مند شوند .

در اینجا مرحوم مجلسی اول ملا محمدتقی دوشرحی که بفارسی براین کتاب نوشته است قصه‌ای از ایران باستان نقل میکند که بمناسبت آنرا عرض میکنم وحاصل آن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این است که انوشیروان دادگر پادشاهی دانش‌پرور بود ودستور داده بود که هرگاه کسی سخنی گوید که انوشیروان آن سخن را به‌پسندد وگوید « زه » ده لیره طلا باو بدهند ، روزی انوشیروان ازشکار برگشته ودردهکده نزدیک‌شهر پیرمرد صدساله‌ایرا دید که‌درخت زیتون غرس میکند . شاه درشگفت شد ازپیرمرد پرسید که درخت زیتون پس ازسی سال میوه میدهد وتو درصد سالگی چگونه امیدواری که سی سال دیگر زنده باشی واز میوه این درخت استفاده کنی ؟ ! پیرمرد پاسخ داد که «دیگران کاشتند ، ما خوردیم ما بکاریم دیگران بخورند .»

انوشیروان گفت «زه» ده لیره به پیرمرد دادند .

پیرمرد خندید . انوشیروان پرسید چرا خندیدی ؟ پیرمرد گفت :

من این درخت راکاشتم که سی سال دیگرمیوه بدهد وهمین حالا میوه داد .

انوشیروان گفت «زه» . ده لیره دیگربه پیرمرد دادند .



آقای حکوه هنگام ایراد سخنرانی

پیردوباره چنان خندید که به پشت افتاد . پادشاه پرسید دیگرچرا میخندی ؟ پاسخ داد که این درخت سالی یک‌بار میوه میدهد ، من که نیت خیرداشتم همین حالا دوبار میوه داد . شاه‌گفت « زه » ده لیره دیگر به پیرمرد دادند . آنگاه شاه براسب خود نهیب زد ورفت .

مقصود ازنقل این حکایت این است که بنده بهیچوجه توقع وانتظاری نداشتم‌بلکه نیتم فقط این بود که موازیت پیشینیان ما بدست بیگانگان نیفتد ودر دست هم‌میهنان ما از اهل فضل ودانش مورد استفاده قرار گیرد ومناسبترین محل نگاهداری وحفافت آنرا چنین تشخیص دادم که دانشگاه است که گویند : توقدر فضل‌شناسی که اهل‌فضلی ودانش .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اما تشکیل این‌مجلس شریف که رؤساء مجلس ووزراء ووکلاء دومجلس‌واستادان محترم دانشگاه‌درآن‌حضوردارند واعطای منشورازطرف شورای دانشگاه‌بمنظور تقدیر ازاین عمل‌بمنزله میوه‌ایست که آن‌پیرمرد بدرنگ پس‌ازغرس درخت زیتون‌دریافت کرد .

حقاً بنده گاهی که رجال نامی جهان ودانشمندان مغرب‌زمین بدیدن‌دانشگاه‌میآمدند وچیزی ازآثارعلمی تمدن دیرین مارا درآن نمی‌یافتند بسیارمتأثر میشدم . علی‌الخصوص هنگامی که‌میدیدم دانشمندان مابه ممالک متمدن مغرب‌زمین که سفرمیکنندعکس‌چند کتیبه کتابی که در کتابخانه‌های دانشگاهها یافته‌اند باخود به‌ارمغان میآورند . عجبا که‌مامیباید برای اطلاع برآثارپدران خود هم دست‌تکدی بسوی بیگانه دراز کنیم وچیزی‌ازموازیث آنان بدست خود ما نباشد .

امثال آقای اونوراولیس‌دانشگاه پاریس وهنری رئیس‌مجلس ملی‌فرانسه وپرفسور ماسینیون واومیر واومتر استادان دانشگاه پاریس که باینجا آمدند مادر دانشگاه چیزی ازآثارعلمی پدران خود نداشتیم که بآنان ارائه دهیم . بنده حسن تأثیرپیشینان را مشاهده کردم ادوارد بنش رئیس جمهورفقیدچکوسلواکی که بایران آمده بودند بکتابخانه سلطنتی آمد ودرآنجا مرحوم دکتر بهرامی مزقع گلشن را بوی نشان داد . ادواردبنش بی‌اختیار گفت ملتی که چنین آثاری‌ازخود باقی گذارده هرگز نمی‌میرد . اکنون‌این کتابخانه که ملاحظه میفرمائید همه‌ازهمانگونه آثاراست که کشورهای متمدن‌دربرابر آن‌سر تعظیم فرود میآورند .

این کتابخانه که تقریباً ازیکهزاروپنجاه مجلد فراهم آمده کتابی که مزیت علمی یا صنعتی نداشته باشد درآن یافت‌نمیشود . همه ازآن کتابهای خطی نفیس‌است‌واگر معدودی را در ویترین‌ها ملاحظه میفرمائید ویترین جا نداشته والا همه این کتابها نفیس وبیاعست که بعضی ازآنچه در ویترین جانگرفته ودرمخزن کتابخانه مانده برآنکه درویترین‌است ترجیح داشته باشد . مقصودم ازاهداء این کتابخانه این بود که‌یک کتابخانه بنام کتابخانه مرکزی دانشگاه تأسیس شود که مستقیماً زیرنظر شورای محترم دانشگاه اداره شود و من بعد هم شورای دانشگاه این عمل یعنی فراهم کردن نسخ نفیس را ادامه دهند ومردم خیرخواه هم کمک کنند که دردانشگاه کتابخانه بسیارآبرومندی‌داشته‌باشیم .

اطلاعاً عرض میکنم که شورای محترم دانشگاه این هدیه واین تقاضا را پذیرفتند وبلادرنگ چهار صندوق نسوز تهیه کرداند و تاکنون دو هزار وسیصد صفحه از فهرست کتابخانه درچهار مجلد بقلم آقایان محمدتقی دانش‌پژوه وعلینقی منزوی زیرنظر ولحت سرپرستی این بنده تألیف وطبع شده ومنتشر گردیده است . از فهرست کتابخانه فقط یک مجلدباقیمانده که راجع‌بکتب حدیث واخباروفقه واصول‌است آنهم بسیارمهم است‌وتألیف این جلد هم تمام‌است وازاین‌تاریخ طبع آن شروع میشود وامیدوارم تانوروزپایان‌برسد .

اینک لازم میدانم از کلیه آقایان رئیس مجلس و وزراء محترم و وکلا واستادان محترم دانشگاه ورجال وبزرگان ومحترمینی که این مجلس را مزین واین‌ضعیف‌رامفتخر فرموده ودعوت دانشگاه را پذیرفته اند تشکر کنم . علی‌الخصوص بموجب خبر مشهور

« من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » از رئیس وشورای محترم دانشگاه تشکر میکنم چون نگویم شکر او الشکر دین .

پس از پایان بیانات آقای مشکوة ، آقای احمد لیستر به پشت تریبون آمدند و اظهار کردند گرچه سن بنده اجازه شاگرد بودن را نمیدهد ولی به پیروی از فرمایشات جناب آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه چون خواستم در این مورد شاگرد حرف شنوئی معرفی شوم باین مناسبت یك جلد کلام‌الله مجید ویك قطعه چك بمبلغ ده هزار ریال بکتابخانه آقای مشکوة اهداء مینمایم .

آقای لیستر کلام‌الله مجید وچك را به آقای مشکوة تسلیم کردند .

سپس آقای دکتر کاسمی اسناد دانشکدهٔ پزشکی قطعه شعری را که بمناسبت اهدای کتابخانه آقای مشکوة فی البداهه سروده بودند قرائت کردند :

متن این شعر باین عبارت است :

داد مشکوة بدانشکده بارغبت وشوق — آنچه یك عمر به اندوختنش سعی نمود
وقف ابناء وطن کرد کتبخانهٔ خویش — آفرین باد بر این مرد و بر این فکر درود
جان گرفت از کرمش پیکر ارباب هنر — گرچه اورا بی این کار بتن جان فرسود
چشم صاحب نظران شد زتماشا روشن — چون از این گنج هنر همت وی در بگشود
نیکبختی بنگر کانچه وی از عمر بکاست — بر کمال هنر و رونق و دانش افزود
درچنین عهد که جان در گرو نان باشد — نیست ازهیچکس اینگونه مئونت مبهود
پاکبازی است چنین بخشش بی بذل وسخا — غایت جود بود آری بذل موجود

آنگاه از دعوت شدگان بصرف چای وشیرینی پذیرائی بعمل آمد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

بسمه تعالی

برخلاف ترتیب این مجلد که جلد دوم فهرست است چند ماه پس از انتشار بخشهای مجلدسوم منتشر میشود. وما درخاتمةالطبع بخش دوم ازجلد سوم (یا بقول این بنده جلدچهارم) این فهرست سبب این تأخیررا یاد کردیم ، ووعده دادیم که مجلد دوم دراوائل سال ۱۳۳۴ منتشر خواهدشد، وباوجود اینکه درراه انجام این کار دقیقهٔ ازسعی و کوشش فرو گذارنشد ، بازهم تاامروز بپایان رسانیدن آن بدرازا کشید.

کارهای علمی چنین است ، همچنانکه گمان میرفت که این مجلد در پانصدصفحه بپایان می‌رسد ، واکنون می‌نگریم که در بیش از هشتصدصفحه منتشر شده است.

وهمانگونه که این کتابخانه بداشتن کتابهای خطی نفیس بربیشتر کتابخانه‌ها برتری دارد، دربارهٔ نگارندگان فهرست آن هم اگر بگوئیم علی الخیر سقطنا درست گفته‌ایم ـ چه: مؤلف جلداول ودوم فاضل محترم آقای علینقی منزوی فرزند آیة‌الله جناب آقای شیخ آقابزرگ طهرانی صاحب کتاب الذریعه دامت برکاته العالیه هستند، و مؤلف مجلدات بعد فاضل ارجمند گرامی آقای محمدتقی دانش‌پژوه دام افضالهما واین هردو آقایان ازشاگردان پیشین این بنده واکنون ازفضلاء معروف می‌باشند ودر کتاب‌شناسی ونسخه‌شناسی ـ وفهرست‌نویسی نیز ممتازند ـ ودرفراهم‌ساختن این فهرست‌هم کمال سعی‌و کوشش بکار برده‌اند ـ واین‌بنده نیز تاآنجا که مقدور بود ازتشریك‌مساعی ـ وفراهم آوردن وسائل کار ومراقبت کافی ازتحمل‌جهدوبذل کوشش مضایقه‌نداشتم . و لهذا فهرست دچاروقفه وتعطیل نشد ، و برفهرستهائی که تاکنون چاپ ونشر شده برتری دارد . وتألیف مجلد چهارم (و بقول بنده پنجم) « در کتب حدیث وفقه واصول » دراین تاریخ بپایان رسیده ، وچاپ آن آغازشده، وبااهتمامی که در

انجام این کار از طرف کار کنان چاپخانهٔ دانشگاه بکار می‌رود امیدواریم آن مجلدهم تا دو الی سه‌ماه دیگر از چاپ بیرون آید، - و با نشر آن ، فهرست کتابخانهٔ اهدائی این بنده پایان پذیرد.

دراینجا لازم دانست متذکر شود - که دانشمند بزرگوار جناب آقای دکتر **علی اکبر سیاسی** رئیس معزز دانشگاه - وشورای محترم دانشگاه در بنیاد گذاردن وتحکیم اساس این کتابخانه وحفظ کتب آن از تهیهٔ صندوقهای نسوز وچاپ و نشر این فهرست دریغ نداشتند ، ودر حقیقت این کتابخانه در حدودی که میسر بود براساسی گذارده‌شد که حتی‌الامکان ازدستبرد حوادث وآفات بر کنار باشد.

لهذا تشکرات صمیمانهٔ خودرا بمحضر رئیس مفخم وشورای محترم دانشگاه تقدیم می‌دارد. و همواره در راه پیشرفت دانش و فرهنگ موفقیت یکایک آقایانرا از خداوند دانای توانا مسئلت می کند.

وچون رئیس محترم ادارهٔ انتشارات و رئیس چاپخانهٔ دانشگاه نیز درانجام کار فهرست وآنچه بدین کتابخانه مربوط بوده است جهد وافی مبذول فرموده‌اند، واز کمال همراهی ومساعدت خودداری نکرده‌اند، این احسان ومحبت آنانرا شکر گذاری می کند وتوفیقشانرا از خداوند خواستاراست.

طهران ۱۳۳۳/۹/۲۸ مطابق ۱۳۷٤/۲/٤

سیدمحمد مشکوة

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله علی عظیم افضاله وعمّ نواله وصلی الله علی محمد وآله

وبعد فقد اهدی لمکتبتنا العامة فی النجف الاشرف جناب الفاضل العالم العلامة المحقق الکتابی الزاهد علیشیخ المنزوی ایده الله کتابه المتضمن (فهرست) کتابخانة السید السند الجلیل السید محمد مشکوة علیه وعلی آبائه الطاهرین افضل التحیات والصلوات وهو الجزء الاول الذی خصه فی کتب القرآن العظیم والادعیة المبارکة وقد استوفی البحث فیه بالخصوص عن زبور آل محمد صلوات الله علیهم فاحسن واجاد وبلغ الغایة فی المراد ویلیق ان یکتب بسواد العیون لا بسواد المداد وبالجملة فمن یتتبع النظر فی هذا الجزء یعرف الفضل العظیم لمن اهدی هذه الکتب الثمینة وهو السید المشکوة ویعرف ما عناه العلامة المنزوی من التنویه عن سلامة الکتب ووصفها بالوصف الذی عن حزة وتحسین حتی کانک تری الکتاب بعینیک ما تالا بعینیک فجزاهم الله جمیعا خیر جزاء المحسنین والمجاهدین فی خدمة العلم والدین ووفقه لاتمام الاجزاء الباقیة التی هی من الآثار الخالدة والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر أملا حرره فی مدرسته العلمیة بالنجف الاشرف ۲۸ ربیع اول سنة ۱۳۷۲

محمد الحسین آل
کاشف
الغطاء

کلیشه تقریظ مرحوم آیة‌الله کاشف‌الغطاء برجلد اول فهرست که بخط خود در نجف بتاریخ ۲۸ ربیع یکم ۱۳۷۲ مرقوم داشته‌اند

بنام خدا

خوانندهٔ گرامی: چهار سال از گردآوری این دو جلد و فهرست گذشته و در این مدت نادرستیهای بسیار که در آن راه یافته بنظر من رسیده است، اند کی از آنرا در ص۶۵۸-۶۶۰ یاد کرده‌ام، و درست کردن دیگر غلطها را بخود مراجعه کننده واگذار کرده، و ازایشان میخواهم که بیشتر از مدار کی که داده‌ام استفاده کنند نه از خود کتاب.

گردآورنده **منزوی**

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار یکم

متنهای ادبی

فهرست این مجلد

مطلب	صفحه
۱ـ گفتار یکم ـ متنهای ادبی (۹۷ کتاب ۱۱۰ نسخه)	۱ـ۳۳۰ .
۲ـ گفتار دوم ـ علوم ادبی (۶۹ کتاب ۷۴ نسخه)	۳۳۳ـ۴۶۳ .
۳ـ گفتار سوم ـ تاریخ وجغرافیا (۷۳ کتاب ۷۸ نسخه)	۴۶۵ـ۶۸۳ .
۴ـ گفتار چهارم ازقلم‌افتاده‌ها (۱۷ کتاب ۲۲ نسخه)	۶۸۵ـ۷۳۳ .
۵ـ نمونه‌چندازخط دانشمندان‌وخوشنویسان‌ونسخه‌های کهن‌این کتابخانه	۷۳۵ـ۷۵۷
۶ـ یادداشتی چند .	۷۵۸ـ۸۶۰
۷ـ فهرست آنچه دراین جلد آمده است بترتیب الفباء .	۷۶۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هنر نویسندگی و انشاء چون مورد نیاز دربار پادشاهان بوده دارندگان آن مورد احترام اعیان و اشراف قرارداشته‌اند، و این علم طرف توجه دانشمندان بوده ودربارهٔ آن کتاب ورساله‌های بسیار و بسبکهای گوناگون نگاشته‌اند.

قلقشندی میگوید(۱) برخی ازایشان قواعد فن انشاء را باآوردن شاهدی چند یاد کرده ، و برخی جمله های اصطلاحی و مثالهای معروف ومتداول میان نویسندگان را گردآورده ومقصود ازآنها ابیان نموده‌اند. برخی دیگر نامه‌های خیالی نوشته و جواب هر کدام را پس از آن آورده تا نویسندگان را نمونهٔ باشد که از آن اقتباس کنند و مانند آنرا بسازند (که واین گونه کتابها بیشتر بنام ترسل و نامه نگاری معروف است) . برخی بگردآوردن الفاظ شیرین نویسنده پسند، وتعبیر الفاظ ناپسند و دور افتاده بسنده کرده‌اند . پایان.

یکی از بهترین آن کتابها «ادب الکاتب» میباشد .

چلبی در« کشف الظنون» این کتاب راچنین ستوده : هوخطبة بلا کتاب مع انه قد حوی من کل شیئی أحسنه . ابن خلدون در مقدمهٔ تاریخ خود (۲) از استادان آرد : ادبیات زبان تازی برچهار پایه استوار است :

۱ــ «ادب الکاتب» از ابن قتیبة .

۲ــ «الکامل» از مبرد (م- ۲۸۵).

۳ــ «البیان والتبیین» از جاحظ (م-۲۵۵) .

۴ــ «نوادر» از ابوعلی قالی (م-۳۵۶) پایان .

توان گفت : در نثر فنی تازی این کتاب جایگاه بلند دارد . نگارندهٔ آن ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری نحوی در کوفه بسال (۲۱۳) زاده

۱ــ صبح الاعشی ج ۱ ص ۸ و ۹

۲ــ مقدمهٔ ابن خلدون، کتاب اول فصل ششم، بند ۳۷ ــ علم ادب.

و در بغداد بسال (۲۷۶) مرده است. از ابوحاتم سیستانی (سجستانی) دانش آموخت، وابن‌درستویه ازشاگردان اوست، وچون مدتی قاضی‌شهر دنیور بوده بدانجا نسبت گرفته است.

نگارشهای او بسیار است بنامترین آنها: این کتاب، والامامه‌والسیاسة، الشعر والشعراء، عیون‌الاخبار، المعارف، مشکل‌القرآن، مشکل الحدیث، غریب القرآن، غریب الحدیث، التسویة بین‌العرب والعجم، تفضیل العرب علی العجم، وجز آنها میباشد که بیشتر آنها چاپ شده است.

چنانکه‌در بالا گفته آمد «ادب‌الکاتب» نزدادیبان‌عرب بسیار موردتوجه است، وآنرا کسانی شرح کرده اند مانند:

۱ــ ابومحمدعبدالله‌پسرمحمدمعروف‌بابن‌سیدبطلیوسی‌اندلسی(م-۴۲۱).

۲ــ ابومنصور موهوب پسراحمدبن‌جوالیقی (ز-۴۶۶) (م-۵۳۹).

۳ــ سلیمان پسرمحمد زهراوی.

۴ــ ابوعلی حسن پسرمحمد بطلیوسی‌اندلسی(م-۵۷۶).

۵ــ احمدپسرداودجذامی (م-۵۹۸).

۶ــ اسحاق پسرابراهیم فارابی (م- ۳۵۰).

اینان همهٔ کتاب راگزارش نموده‌اند، وبرخی‌تنها دیباچهٔ کتاب‌راشرح نوشته اند مانند:

۷ــ ابوالقاسم عبدالرحمان‌پسراسحاق زجاجی(م-۳۳۹ یا۴۰۸).

۸ــ مبارک‌پسرفاخرنحوی (م- ۵۰۰).

وبرخی تنها شعرهای کتاب راگزاره نموده‌اند مانند:

۹ــ احمد پسرمحمدخارزنجی (م-۳۴۸). (کشف‌الظنون).

قسمتی‌از ادب‌الکتاب بسال(۱۸۴۷م) درلیبزیك توسط‌آقای‌سپرول(۱)

1 – M. O. Sproull.

چاپ شده. وقسمتی نیز توسط‌آقای دکترماکس‌گرونرت(۲) بسال (۱۹۰۱م) درلیدن وسپس یکبار بسال (۱۳۰۰ هـ ق) وبار دگر بسال (۱۳۲۸ه‍ ق) همهٔ آن درمصر چاپ شده است.

این قتیبه در دیباچهٔ این کتاب از وضع زمانه گله گذاری کرده که مردم ادبیات وصنایع‌لفظی را کنار گذارده‌اند وبستاره‌شناسی وفلسفه‌ومانندآن پرداخته اند، وبرخدا وقرآن وحدیث اعتراض میکنند، وازعلوم عرب روی گردانیده اند، و خدا را سپاس گزارده که وزیر ابوالحسن ــ کسی که کتابرا بنام اوساخته ــ ازاین گمراهی ها دور وجامهٔ ایمان‌برتن دارد، وسپس گوید: این کتاب را برای زنده کردن و نگاهداری علوم ادبی وعربی نگاشتم. ودر پایان اعتراف میکند که برای یك نفر نویسنده دانستن ریاضی و طبیعی نیز بایاست، و از گفتار ایرانیان آرد: کسی که آبیاری و کندن قنات نداند، کسی که ازستاره شناسی سردر نیاورد، کسی که اندازه گیری سه‌وچهارگوشه نتواند، کسی که پل سازی و دولاب گردانی و آمار نداند؛ نویسندهٔ خوبی نخواهد بود.

این ادیب نادان حق دارد لفاظی وسخن‌سرائی را بر دانشهای سودمند برتر دارد. این‌مرد نواده قتیبه‌آن خونخوار درندهٔ‌ئیست که طبری هفتادصفحهٔ تاریخ‌خودرابگزارش‌جنایتهای‌اودرسرزمین‌پارتها و کشتار های مردم خراسان اختصاص داده، و قتل عامها و کتابسوزیهای او تاریخ تمدن ایران باستان راسر بریده‌است. هفت سال‌امیری‌او بر خراسان(۸۶-۹۱ه‍) یکی‌ازسیاه‌ترین‌صفحه های تاریخ بشری است، او ازآدم کشی چنان لذت می‌برد که دستور میدادیدرازای چهار فرسنگ بدورده دارها بپا کنند وانسانهایدان دار زنند

ابوریحان درحق ابن‌قتیبه گوید: وان‌کان ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبة الجبلی یهول ویطول فی جمیع کتبه و خاصة فی کتابه فی «تفضیل العرب

1 – Max. cr

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی العجم» وزعم ان العرب اعلم الامم بالکواکب ومطالعها ومساقطها ولاادری أجهل ام تجاهل... ولکن الرجل مفرط فیما یخوض فیه وغیرخال عن الاخلاق الجبلیة فی الاستبداد بالرای و کلامه فی الکتاب المذکور یدل علی احن وترات بینه وبین الفرس... (۱)

این کتاب بر(۱۲۷) باب بی‌شماره و نامرتب بخش شده، ودرهر باب چند مسئله از ادب عرب باز وموشکافی شده‌است. باب «مایتکلم العرب من الکلام الاعجمی» که معرب ها را یاد نموده از نظر ادبیات فارسی، و باب «مایغیرمن اسماء الناس» از نظر تاریخ وبیو گرافی تااندازهٔ قابل‌بررسی میباشد.

آغاز : قال ابومحمد عبدالله مسلم‌بن قتیبه: اما بعدحمدالله بجمیع محامده ...

[۱]

نسخه بخط نسخ . با «تثقیف‌التعریف» یکجا جلد شده ،واز برگ ۲۱۸ (۱۸۳تا۶۵)آن مجلد را گرفته. نام‌نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد رویه‌ها دارای جدولی از تلاولاژورد ومرکب‌سیاه است. عنوانها با شنگرف . تصحیح شده وافتادگیها در کناره نوشته شده . نخستین واژه رویهٔ دست چپ در پائین رویهٔ دست راست- برای راهنمائی- نهاده شده. پرشت برگ(۱۸۵) ناقص عضوهای تن‌آدمی بترتیب حرفهای هجاء عربی نوشته شده.

همه جلد (۱۸۵ برگ) این کتاب (۱۱۹) برگ. کاغذحنائی اصفهانی . جلد تیماج‌سرخ‌ضربی

اندازه : ۱۹٫۵×۳۶٫۵ و۱۱×۱۸ ، ۱۹ سطر .

[۲] انوارالفصاحة واسرارالبراعة(البلاغة) (عربی)

نهج‌البلاغه را در (حرف‌ن) این جلد یاد خواهیم کرد . وچنانکه خواهیم گفت آنرا شرحها بسیار است ، یکی از آنها این شرح است که برخی آنرا کوتاه شدهٔ شرح ابن میثم شمرده‌اند (۲) ولی نگارنده در دیباچهٔ آن گوید :

۱ — آثارالباقیه ص۲۳۸ و۲۳۹ چاپ اروپاوص۲۷۳ ترجمهٔ فارسی چاپ تهران

۲ — کمال‌الدین ابن میثم بن علی‌بن میثم بحرینی (۶۷۹-؟) شرح بزرگی بر نهج‌البلاغه نگاشته است ؛ آقای ابن‌یوسف درفهرست کتابخانه سپهسالار (ج۲- ص۵۳ و ۱۳۱) انوارالفصاحه مورد گفتگورا کوتاه شدهٔ این کتاب شمرده است

برای نگارش آن شرحهای ابن میثم و ابن ابی‌الحدید وجز آن‌را بررسی نموده وبویژه‌از خود کتاب(نهج‌البلاغه)برخوردارشدم. زیرا پارهٔ از آن پاره دیگریرا روشن نماید .

نگارنده نظام‌الدین گیلانی یکی‌ازدانشمندان سدهٔ‌یازدهم‌است. نام اورا صاحب‌ذریعه در (ج۲- ص۴۳۶) و (ج۴- ص۴۲۲) ملا نظام‌الدین علی بن‌حسن ابن‌نظام‌الدین گیلانی نوشته است ولی درنسخهٔ این کتابخانه نظام‌الدین احمد گیلانی آمده ودرفهرست سپهسالار (ج۲ — ص ۲۰ و۵۳ و ۱۳۱) نظام‌الدین حکیم‌الملک آورده است .

صاحب ذریعه که سه بخش این کتاب را دیده گوید : تاریخ پایان بخش نخست (۴-ع۱-۱۰۵۳) است واین‌یوسف‌درفهرست سپهسالار آنرا در(۱۰۳۶) دانسته . لیکن دربرگ (۱۸۶) نسخه این کتابخانهٔ تاریخ نوشتن را (۱۰۳۴) و بنابراین تاریخ نگارش پیش ازآن خواهدبود.

آغاز بخش‌اول : الحمدلله الذی دل‌علی‌ذاته‌بذاته ، وجل‌عن مغایرة صفاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وتقدس عن ملائمة کیفیاته . توحدت فی‌ذاتک فلا یدرک‌عارف، و تفردت فی‌صفاتک‌فلایبلغ مدحتک واصف. تقدست اسمائک...

درفهرست سپهسالار هنگام‌آوردن آغاز کتاب دوجمله را انداخته‌است

انجام بخش نخست : لاسیل‌لا حد من اهل الشرق و الغرب تهدیدی وتخویفی بالحرب‌قط. وانی‌علی‌یقین‌من‌ربی‌الحق‌وعلی‌صراط مستقیم.

آغاز بخش دوم : ومن کلامه(ع) : امابعد فان‌الامر نیزل من‌السماء الی الارض کقطرات المطر.....

یعنی خطبهٔ(۱) بیست وسوم ازباب یکم «نهج‌البلاغه» و بنابرین نخستین بخش این کتاب فقط یك دوازدهم نهج را شرح کرده است .

انجام بخش دوم : فاصبروافی البلایا والمصائب،فان‌الله مع‌الصابرین

۱ — شمارهٔ خطبه‌ها وبابهای نهج‌البلاغه برابرفهرستی‌است که درهمین‌بخش در زیر عنوان «نهج‌البلاغه» خواهیم آورد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آخرین خطبه این بخش: والله لایزالون حتی لاید عوالله محرما الااستحلوه ولاعقداً ...

و آن خطبهٔ نودوششم باب نخست از نهج البلاغه است. و بنابراین تاپایان بخش دوم فقط اندکی بیش از یکسوم نهج البلاغة شرح شده است.

انجام بخش سوم بنقل ذریعه در شرح این کلام است؛ که: ایها الناس لاتستوحشوا فی طریق الهدی لقلة اهله...

و آن خطبهٔ ۱۹۹ باب اول نهج البلاغة است، وبنابراین تاپایان این بخش نزدیك چهارهفتم نهج شرح شده است. وروی این زمینه میتوان حدس زد که این کتاب درشش جلد بوده است.

[۲]

۱۶۸ نسخه دارای هردو بخش است؛ یکم دربرگهای (۱-۱۸۷) ودوم از آنجاتاپایان جلد. خط متن نسخ وشرح بنستعلیق ریز. نام نویسنده محمدجعفر بن محراب هروی. تاریخ نوشتن بخش یکم (۱۳ رجب ۱۰۳٤) در شهر قندهار. ترجمهٔ قطعه های متن بفارسی باشنگرف. درزیرسطرها نوشته شده. عنوانها نیز باشنگرف است. پشت برك (۱) باخط شنگرفی نام کتاب را «انوار البراعة وانوار الفصاحه» نوشته. لیکن همانگونه که درپایان نسخه آمده ودرفهرستها یادشده: «انوار الفصاحة وأسرار البراعة» درست است.

(۲۴۴ برك) کاغذ اصفهانی. جلد پیاج مشکی کهنه.

اندازه: ۱۳×۲۰ و ۵×۷ـ۱۴. : ۲۲ سطر.

[۳] بشری اللبیب بذکر الحبیب (عربی)

بیست و نه چکامه است بشمارهٔ حرفهای الفباء عرب، و قافیهٔ هر چکامه یکی از آن حرفها است، و آنهارا بهمان ترتیب رده کرده است، چنانکه نخستین چکامه بقافیهٔ همزه و آخرین آنها بقافیهٔ یاء است. وهمهٔ آنها درستایش پیغمبر اسلام میباشد. درپایان برخی از آنها واژه‌های دشوار آنرا گزارش نموده است. سرایندهٔ وشرح کننده محمدبن محمدبن احمد معروف به ابن سیدالناس است. لقبش فتح الدین و کنیتش ابوالفتح یعمری ربعی اندلسی اشبیلی است. وی بقاهره درسال (٦٦١) بزاده

وهمانجا پرورش و آموزش یافت، ومدتی در دانشگاه ظاهریه درس میگفته وسپس بدمشق رفته ومدتی در آنجابوده، و سپس در قاهره بسال (۷۳٤) بمرد. اوراست «عیون الاثر فی فنون المغازی والسیر» و کوتاه شدهٔ آن بنام «نورالعیون» در سیرت و احوال پیغمبر. و «بشری اللبیب» که جای گفتگوی ماست.

بسیج قافیهٔ چکامه‌هایدان ترتیب، سراینده‌را ناچار کرده تارشتهٔ سخن راچنان بکشد که با آنهاسازش داشته باشد، وازاین روی گاهی از بکاربردن واژه‌های دور وپیچیده ناگزیرشده، وسپس درپایان چکامه، آن چندواژه دشوار راشرح وتفسیرنموده است.

مثلا در پایان چکامه بقافیهٔ «خ» چند واژه را گزارش داده وپس از آن گوید: کله من ابن سیده، من محکیه. ونیز در چکامهٔ بقافیه‌های «ذ، ز، ش» گزارشهائی چندداده ودراین جا بکتاب دیگر خود درمغازی ـ که شایدهمان عیون الاثرباشد ـ حوالت داده است. و همچنین درچکامهٔ «ظ» و جز آن.

آغاز:

یاخلیلی لیلة الجوزاء ما احتیالی فی المقلة الحوراء

انجام:

وما اشرق البدر المنیر کحسنه وانی له ذاك الجمال محاکیا

آخر قصاید الکتاب المسمی بشری اللبیب بذکری الحبیب.

[۳]

۱۶۵ نسخه بسیار گرانبها سلطنتی. خط نسخ. نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد. تصحیح شده.

رویه‌ها نه شماره دارد نه نشانه زیرصفحه. دو رویه نخست ویك رویه پایان کتاب. دارای جدول طلا و لاژورد است.

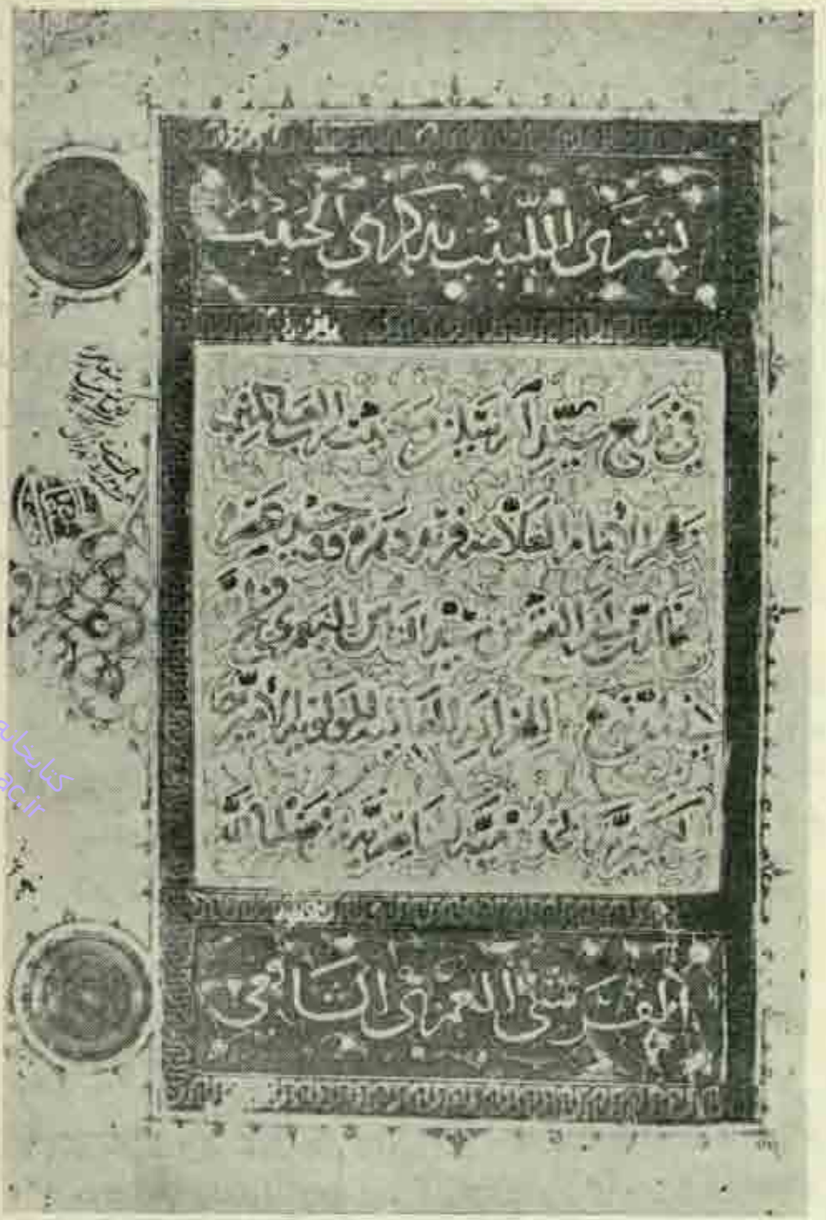
عنوانها باطلاوشنگرف نوشته شده. ودوطرف آن دو گل زرین میباشد

نسخه برای کتابخانهٔ عالیهٔ مولویهٔ امیریهٔ کبیریهٔ محبوبیهٔ ناصریهٔ بن فضل الله

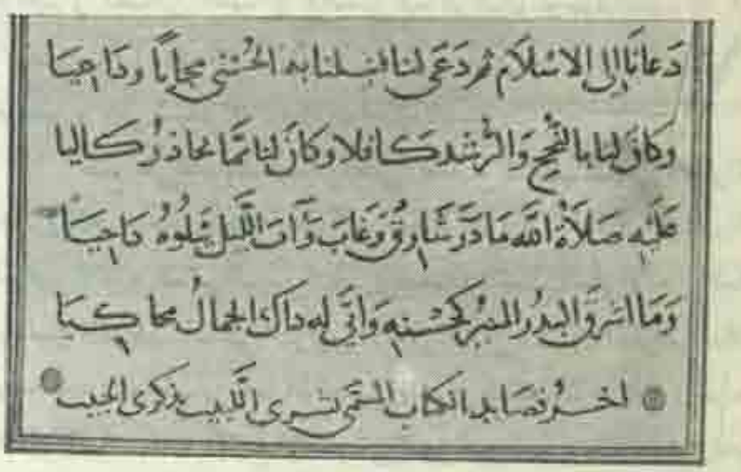
(٦٦ برك) کاغذ سمرقندی جلد پیاج قهوه‌ای ترباکی رنگ کهنه ضربی رنگ لا.

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۸×۵ـ۱۸ : ۱۳ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

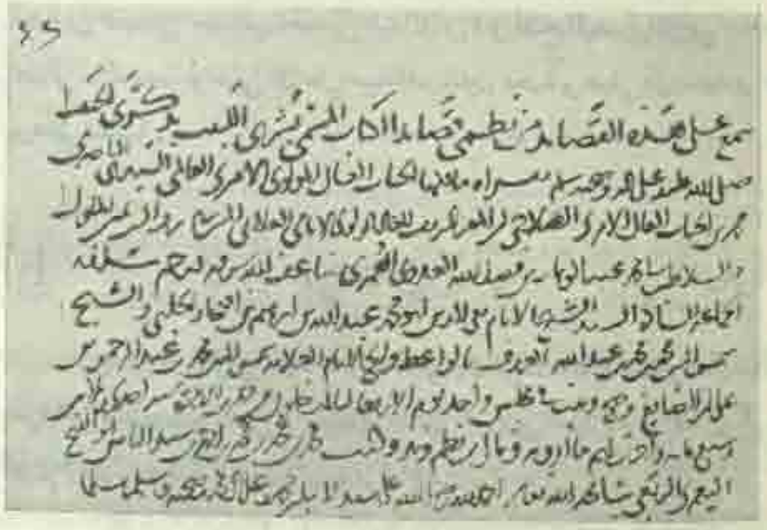


١- برگ (٢ - الف) نسخهٔ شمارهٔ ﴿١٦٠٥﴾ این کتابخانه که باتلا ولاژورد وشنگرف آرایش شده و در آن نام سرایندهٔ شعر و نام کتابخانهٔ که برای آن نوشته اند نقش شدهٔ .



٢) پنج سطر پایان برگ (٦٥ - ب) نسخهٔ شمارهٔ (١٦٠) این کتابخانه که آخرین دوبیه کتاب بشری اللبیب است.

در پایان نسخه اجازهٔ بخط سراینده (ابن سیدالناس) برای دارندهٔ نسخه که یکی از امراء بنام محمدبن ابی محمدفضل الله (صاحب ترانه) وسه نفر دیگر بنام عبدالله بن



﴿٣﴾ اجازهٔ سرایندهٔ «بشری اللبیب» بخط خود او در برگ ﴿٦٦﴾ نسخهٔ شمارهٔ ﴿١٦٠٥﴾ این کتابخانه .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابراهیم و محمدبن محمد و محمدبن عبد الرحمان موجود است ، که گراور آن در(ص۹) آورده شد . و در آن مجلس خود امیر «بشری اللبیب» را بلند خوانده و باقی شنیده اند . صورت اجازه اینست :

سمع علی هذه القصاید من نظمی؛ قصاید الکتاب المسمی بشری اللبیب بذکری الحبیب صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وسلم ، بقراءة مالکها الجناب العالی المولوی الامیری العالمی السیدی الناصری محمدبن الجناب العالی الامیری الصلاحی ابن المعز الشریف العالمی المولوی الامامی العلامی ... یمین الملوك والسلاطین ابی محمد عبدالوهاب بن فضل الله العدوی العمری ضاعف الله شرفه و رحم سلفه ؛ الجماعة السادة السید الشیخ الامام تقی الدین ابومحمد عبدالله بن ابراهیم بن افتخار الحلبی والشیخ شمس الدین محمدبن محمدبن عبدالله المعروف بالواعظ والشیخ الامام العلامة شمس الدین محمدبن عبدالرحمان بن علی بن الصائغ . وصح وثبت فی مجلس واحد یوم الاربعاء لثالث خلون من جمادی الآخرة سنة احدی وثلاثین وسبع مائة . واجزت لهم ما ازویه ومالی من نظم ونثر . و کتب محمدبن محمدبن محمدبن احمدبن سیدالناس ابوالفتح الیعمری الربعی سامحه الله تعالی . الحمدلله و صلی الله علی سید المرسلین محمد و علی آل محمد وصحبه و سلم تسلیما .

[٤] بوستان (فارسی)

یکی از بهترین نمونه شعر اخلاقی پارسی درسدهٔ هفتم «بوستان» است . سراینده شیخ مصلح الدین بن عبدالله سعدی شیرازی است که در دههٔ یکم سده هفتم زاده ودردههٔ پایان آن سده مرده است .

تأثیر سعدی در ادبیات جهانی وخاوری وبویژه درادبیات پارسی بیش از آنست که دراین کوتاه فهرست گنجایش داشته باشد ، ولی اندکی از آن رادر

زیرعنوان کلیات سعدی خواهیم آورد. وچنانکه خواهیم دید نامبردارترین اثر سعدی گلستان وپس از آن بوستان میباشد. وی این کتاب را درده باب ساخته:

۱ــ عدل وتدبیر (دادگری و رهبری).
۲ــ احسان (نیکی کردن).
۳ــ عشق (دلباختگی).
٤ــ تواضع (فروتنی) .
٥ــ رضا(پذیرش)
٦ــ قناعت .
۷ــ تربیت(پرورش).
۸ــ شکر(سپاس).
۹ــ توبه
۱۰ــ مناجات (رازونیاز) .

در آموزش وپرورش همه‌جا و ازجمله دراین کتاب سعدی همان روش عطار ومولوی را پیش گرفته . یعنی هدف عرفانی که زائیده اوضاع اقتصادی سدهٔ ششم ووضع سیاسی وفجائع سده هفتم است برفکرسعدی تسلط تام دارد . تاریخ سرودن بوستان راسعدی دراین بیت بسال (٦٥٥) آورده :

زهجرت فزون بود پنجاه وپنج که پرورشد این نام بردار گنج

یعنی یکسال پیش از نگارش گلستان که درتاریخ آن گفته‌است:

درآن مدت که مارا وقت خوش بود ز هجرت ششصد و پنجاه وشش بود

بوستان در (٤۰۲۳) بیت شعر است ، و تاکنون مکرر بچاپ رسیده ؛ جداگانه مانند: چاپ سنگی تهران (۱۳۲۸ ق) یعنی نزدیك (۱۲۸۸ ش) ، در (۱۳۲ص) وچاپ سربی(۱۳۱٦ش)فروغی در(۲٦۲ص). وچاپ سربی (۱۳۱۷ش) محیط در (۲۷۲ ص) ، و چاپ سنگی باهتمام محمد رضا تهرانی ساکن کربلا بی تاریخ همراه یك فرهنگ گلستان .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و همراه کلیات سعدی چند بار در هند و ایران مانند: چاپ سید محمد صاحب شیرازی بی‌تاریخ، و چاپ اقبال آشتیانی در تهران (۱۳۱۷ ش) در (۴۰۷ص)، و کلیات چاپ تهران (۱۲۵۹ ق) بخط محمد باقر خوانساری پسر محمد حسن خوشنویس، وجز آن.

آغاز:

بنام خداوند جان آفرین — حکیم سخن در زبان آفرین

انجام:

بضاعت نیاوردم الا امید — خدایا بعفوم مکن نا امید

[٤]

نسخه بخط نستعلیق زیبا، نام نویسنده عطارشیرازی؛ که گویا پسر شد عطارشیرازی نامبردار بوده و از صوفیان بنام سدهٔ دهم است. تاریخ نوشتن (۹۳۰)، دارای سرلوح بسیار خوب از تلا ولاژوردو شنگرف.

میان سطر های دوروبهٔ نخستین تلا اندازی شده. همه زوبه ها دارای دو جدول تلاو یك جدول لاژورد است.

(۱۸۰ برگ) — آغاز ترمه: جلد روحه سیاه‌الاکوب.

اندازه ۱۲×۱۹ر۷ و ۱۵×۱۲ سطر.

[٥] تنقیف التعریف (عربی)

درادبیات زبان تازی ودستورنامه نگاری برای طبقات مختلف اخلیفه‌ها، و زبران، والیان، بزرگان؛ مسلمان و کافر؛ عرب، ترك، ترکمان، کرد، وجز ایشان ونسخه های نمونه: فرمان، منشور، فتحنامه، منار که نامه، سوگندنامه، سفارشنامه وجز آن، بدانسان که نویسندگان ودیوانیان مصر وسوریه‌وعراق در سدهٔ هفتم‌وهشتم بکارمی برده‌اند،وچگونگی تغیرها که در آن دوره‌هابنگارش داده شده. مانند آنچه در(س۱)بعنوان ادب‌الکاتب گذشت.

نگارنده تقی‌الدین معروف بمقر تقوی‌ابن‌ناظرالجیش میباشد. جلال‌الدین

سیوطی دربارهٔ وی چند سطر(۱) بسنده کرده گوید:

تقی‌الدین عبدالرحمان بن احمدبن علی واسطی‌الاصل مصری‌زادگاه. بسال (۶۹۷)بزاده، مدتی منصب مقری گری اما کن مقدس داشته، و عهده‌دار مشیخهٔ حدیث درشیخونیه نیز بوده است. وبمصر درشعبان (۷۸۱)بمرد.» پایان».

ودربارهٔ ناظرالجیش گوید: محمدبن یوسف، محب‌الدین، حلبی بودو بقاهره آمد.اوراست‌شرح تسهیل وشرح تلخیص. مدتی ناظرسپاه ومدتی‌مدرس تفسیر درآموزشگاه منصوریه‌بود، وبسال(۷۷۸) بمرد.(۲)«پایان».

لیکن چنانکه‌می‌بینیم سیوطی‌هیچگونه‌بستگی‌میان‌این‌دوتن‌ندانسته‌است.

از دیباچهٔ تثقیف‌التعریف برآید که نگارنده سی سال سرکاردیوان پادشاهان ممالیك‌بحری مصربوده واین کتابرا در(۷۷۸) نگاشته‌است.

قلقشندی گوید: (۳) چون کتاب «التعریف بالمصطلح الشریف» (٤) نگارش مقرشهابی یعنی احمدبن فضل‌الله عدوی عمری مقداری ازاصطلاحها که نزد نویسندگان پسندیده است ترك کرده بود ابن ناظر الجیش؛ مقر تقوی (تقی‌الدین) دستور خودرا بنام «تثقیف‌التعریف» نگاشت. ودرآن‌از مقرشهابی پیروی نموده همان راه را رفت وآنچه از مصطلحات ازاومانده بود ویا پس از زمان او پیدا شده بود بیافزود، امروز (درپایان سدهٔ هشتم) این کتاب شهرتی بسزا دارد وچنان گرانبهاست که هر کس آنرا دارد پنهان کرده ازنمایاندن آن

۱ــ حسن‌المحاضره فی‌اخبار مصر والقاهره ج۱ص۱۸۱.

۲ــ همان کتاب‌ج۱ ص۲٤۸. واعلام‌النبلاء بتاریخ‌حلب‌الشهباء ج۵ ص۶۱.

۳ــ «صبح‌الاعشی‌ج۱ ص۴۹» چاپ۱۹۱۳م نگارش‌ابوالعباس احمدقلقشندی که آنرا نزدیك (۷۹۱) هنگامی که صاحب دیوان‌دربار بوسفی (ممالیك‌بحری)مصر بوده‌نگاشته‌است.

٤ــ التعریف بالمصطلح الشریف از شهاب‌الدین احمد بن یحیی بن فضل‌الله عمری (م-۷٤۹)وآنرا اعرف‌التعریف‌نیز گفته‌اند. اینکن‌نگارنده آنرا تعریف‌نامیده ومرتب برهفت قسمت‌است:

۱ــ درجه های نامه نگاری. ۲ــ عهدنامه‌ها.

۳ــ قسمت نامه‌ها. ٤ــ سپرده. ۵ــ مرزهای کشورهاومرزداری.

۶ــ چاپارخانه‌ها ودژها. ۷ــ دیگر نیازمندیهای نویسندگان.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دریغ کنند. وازسخنان‌پسین قلقشندی چنین نماید که وی «صبح الاعشی» را در جمع میان «التعریف بالمصطلح الشریف» و تکمیل آن «تثقیف التعریف» نگاشته است.

این کتاب بنام ملك‌شعبان اشرف(۱) پسر محمد ناصر پسر قلاوون پسر ابوب صالح، ازپادشاهان ممالیك مصر، ودر پایان سال(۷۷۸) نگاشته‌شده والبته پیش از کشته شدن ملك‌اشرف ــ که نیز درهمین‌سال میباشد ــ بوده‌است.

وآنرا درهفت قسمت ویك باب جداگانه مرتب ساخته:

قسمت یکم ــ نامه‌نگاری بنام خلیفه وشاه ووالی: ــ

باب یکم ــ خلیفه و ولی‌عهد خلافت‌او.

باب دوم ــ شاهان مسلمان، در سه فصل.

باب سوم ــ شاهان کافر.

باب چهارم ــ والیان ترك وترکمان و کرد که مقام‌شاهی دارند.

قسمت‌دوم ــ نگارش بسوی ولی‌عهدپادشاهان، درشش‌باب.

قسمت سوم ــ نگارش نامه بسوی بزرگان عربان و ترکمانان و کردان، دردو باب ــ

۱ــ عربان. ۲ــ ترکمان و کرد.

قسمت چهارم ــ نگارش بسوی وزیران وقاضی‌القضاةوپیران‌صوفیه.

قسمت پنجم ــ درچند باب:

۱ــ نگارش‌قراردادها. ۲ــ نگارش‌فرمانها ودستورنامه‌ها.

۳ــ توقیع‌نامه ها. ۴ــ منشورنامه‌ها.

۱ ــ پسر این‌پادشاه محمد ناصر بسال(۷۴۱)در گذشته وپس‌ازاو پسران وی‌بنام ابو کر و اشرف کجك (قجوق) واحمد واسماعیل‌بتخت نشسته وپس‌ازایشان شعبان‌اشرف بسال (۷۶۴) بتخت نشست وبسال (۷۷۸)ــ که این کتاب درآن‌نگاشته شده ــ کشته شد وپس ازاو پسربازده ساله‌اش ملك‌صالح را بتخت نشاندند واین آخرین تن ازخانواده ممالیك‌فرزندان‌قلاوون‌بوده‌است. «خطط‌الشام» ج۲ ص۱۴۹ تا ۱۵۷. و«طبقات‌سلاطین اسلام» ازلین‌پول (ص۷۲) دیده شود.

قسمت ششم ــ نگارش سپرده‌نامه. سفارشنامه. درسه باب:

۱ ــ سوگندنامه‌میان کافر ومسلمان.

۲ــ سپرده‌نامه ومتارکه‌نامه جنگ.

۳ــ فسخ‌نامه.

قسمت هفتم ــ درلقبهای بزرگان، درپنج باب:ــ

۱ ــ لقبهای‌شمشیر داران.

۲ ــ دارندگان‌مقام‌های مذهبی.

۳ ــ دارندگان‌وظایف دیوانی.

۴ــ پیران صوفی‌وپرهیزکاران.

۵ــ بازرگانان.

باب جداگانه: درنامه نگاری برادرانه.

آغاز: امابعد حمدالله علی‌مزید انعامه ونواله والصلاة والسلام...

انجام. مجدالجناب العالی. اوالمجلس العالی، وعلی هنافقس. والله اعلم بالصواب.

[۵]

۲۱۸ همراه ادب‌الکاتب دریك جا جلدشده. واز برگ یکم تا برگ (۶۴) را گرفته. خط نسخ‌زیبا. نام نویسنده وتاریخ نوشتن‌ندارد. همهٔ رویه‌ها دارای جدول تلا ولاژورد. عنوانها باشنگرف.

دربرگ (۶۴ب) کتاب پایان یافته ودر زیرآن نویسنده کتاب دیگری راآغاز کرده ولیکن دراین نسخه فقط چند سطر پایان رویه‌مانده. وباقی برگها از آن جدا شده است.

آغاز آنچه هست: احمدك‌اللهم والمحامد راجعة الیك ولا أحصی ثناء علیك کیف‌انشاء ثناء یلیق...

همهٔ جلد (۱۸۴برگ)این‌کتاب (۶۴ برگ)کاغذ اصفهانی‌حنائی. جلدلیماج حنائی ضربی متوالی اندازه: هر۱۹×هر۳۶ و ۱۱×۱۸ ؛ ۱۹ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٦] ترجمهٔ عهدنامه مالك اشتر (فارسی)

یکی از سودمندترین بخشهای کتاب نهج‌البلاغة(١) فرمان و دستوریست که بنام «عهدنامه مالك اشتر» مشهور است. و سیدرضی (م-٤٠٦) آنرا در بند (٥٣) باب دوم آن کتاب گذارده است.

از سرآغاز این فرمان چنین نماید که آنرا علی(ع) هنگامی که مالك اشتر نخعی را بامیری مصر بر گماشته، برای وی نگاشته است.

مالك اشتر یکی از یاران باوفا و از بزرگترین سپهسالاران علی (ع) بوده و نسب او را چنین نوشته‌اند: مالك پسر حرث (حارث) پسر عبد یغوث پسر سلمة پسر ربیعة پسر حرث پسر جذیمه پسر مالك پسر نخع، نخعی مذحجی. و بیشتر بلقب اشتر شهرت داشته است. عقلائی گوید: پیغمبر را درك کرده، ابن حبان گوید بر موك را نیز دریافت و در آنجا یك چشم خود را از دست داد. او از سران طائفهٔ خود بشمار میرفت و روز جمل و صفین با علی بود، و علی او را بجای قیس بن سعد بن عباده بر مصر گماشت. ابن سعد او را در طبقهٔ اول تابعان کوفه آرد. مرزبانی در معجم الشعراء گفته: لقب اشتر از آن روی بدو دادند که روز یرموك زخمی بسر او رسید و در این آن از یك چشم او همیشه چرك میآمد. سیف بن عمرو و ابوحذیفه نیز او را یاد کرده‌اند(٢) (پایان)

نسب مالك را ابن عبدربه بتفصیل آورده است(٣) شیخ طوسی(م-٤٦٠) در رجال خود شرح حال او را در شمار یاران علی (ع) آورده. علامه حلی (م-٧٢٠) در قسمت اول «خلاصة الاقوال» او را یاد نموده، و همچنین در دیگر کتابهای رجال مانند «وجیزه» و «حاوی الاقوال» و رجال ابن داود نیز یاد شده(٤) آنچه از همهٔ مدارك بر می‌آید مالك یکی از سران چهارگانه است که عثمان را

(١ — نهج‌البلاغة در (حرف — ن) خواهد آمد و یکی از شرحهای آن در (ص ٤) همین جلد گذشت.
٢ — الاصابه (چ — ١٣٣٣) ج ٦ ص ١٦٢ و ١٦١
٣ — عقدالفرید (چ — ١٩٤٠) ج ٣ ص ٣٤٧
٤ — تنقیح المقال (چ — ١٣٥٠) ج ٢ ص ٤٩

محاصره و سپس کشته‌اند.

او در این واقعه سرداری و نمایندگی مردم کوفه را داشته است. (١) و پس از آن نیز از طرفداران جدی علی (ع) و در جنگ جمل از سران سپاه وی بوده، و در این هنگام زور بازو و پهلوانی او زبانزد مردم گردیده، تا آنجا که چون زبیر برای جنگ تن بتن بسوی او رفت، عایشه بسیار ترسید، و بکسی که خبر تن درستی زبیر و رهائی او را از جنگ مالك اشتر بیاورد، چهار هزار یا ده هزار درم جایزه داده(٢) است. یکی از مناصب مهمی که مالك اشتر از طرف علی (ع) عهده دار شده ولایت مصر است، و گفتگوی ما در فرمان و دستوریست که در این هنگام از طرف علی(ع) برای او صادر گردیده.

این نامه بیش از باقی نامه‌ها و خطبه های کتاب نهج‌البلاغه بامور سیاسی و دستورالعملهای روزانهٔ حاکم و والی توجه نموده، چگونگی برخورد حاکم را با مردم، و نظر والی را باطبقات مختلف ایشان تعیین کرده. نام چند طبقه از آنها در این عهدنامه آمده است:

١ — ارتشتاران. ٢ — کارمندان.
٣ — داوران. ٤ — دهندگان مالیات و جزیت.
٥ — بازرگانان و هنرمندان. ٦ — بینوایان.

و سپس نامی از:

٧ — خانواده های کهن و ریشه‌دار (ذوی البیوتات الصالحة والاحساب.
٨ — جوانمردان (ذوی النجدة والشجاعة والسخاء).

برده است.

این عهدنامه بیش از باقی بخشهای نهج‌البلاغة مورد توجه شده، و شرحها و ترجمه‌های جداگانه بسیار دارد.

نام چند شمارهٔ آنرا از کتاب ذریعه و جز آن در اینجا می‌آوریم:

١ — عقدالفرید (چ ١٩٤٠) ج ٥ ص ٤٣ و ٤٩ و ٥٠.
٢ — عقدالفرید (چ ١٩٤٠) ج ١ ص ٩٣ و ج ٥ ص ٨٣.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱ــ آداب‌الملوك: از رفیع‌الدین نظام، پسر علی‌اصغر پسر میرزا رفیع، پسر ابوطالب وزیر (م- ۱۳۲۶ق).

۲ــ تحفهٔ سلیمانی: از سیدماجد پسر محمدحسینی بحرینی، بنام شاه‌سلیمان صفوی (م- ۱۱۰۶ق).

۳ــ تحفة‌الملوك: الذریعه (ج٤-ص۱۱۸).

٤ــ تحفة‌الولی: از محمدحسین پسر احمد یزدی. که بنام محمد ولی میرزا پسال (۱۲۲۷) نگاشته.

٥ــ دستور حکمت: از ادیب کرمانی (ن- ۱۳۲۱).

٦ــ عنوان‌الریاسة: الذریعه (ج٤-ص۱۱۸).

۷ــ الراعی والرعیه: از توفیق فکیکی (ج۱۳٥٤) نجف.

۸ــ نصایح‌الملوك: از ابوالحسن عاملی (ن-۱۱۳۱).

۹ــ نظم العهد: بشعر فارسی.

۱۰ــ شرح‌العهد: الذریعه (ج٤-ص۱۱۸).

۱۱ــ هدایات‌الحسام: از محمدحسین پسر علی‌نقی همدانی (ن-۱۳۰۸).

۱۲ــ ترجمهٔ عهدمالك: از محمدابراهیم بدایع‌نگار. (پایان سده‌سیزدهم) نسخهٔ آن در کتابخانهٔ رضویه میباشد.

۱۳ــ ترجمهٔ عهدمالك: از بدایع‌نگار) غیر از شمارهٔ پیش) و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ مجلس هست.

۱٤ــ ترجمهٔ عهدمالك: از مجلسی محمدباقر (م-۱۱۱۱).

۱٥ــ ترجمهٔ عهدمالك: از محمد صالح‌روغنی (ن-۱۰۹٤).

۱٦ــ ترجمهٔ عهد مالك: از شیخ محمد هادی پسر حسین فاتنی (م - ۱۳۷۰).

۱۷ــ دستور حکومت: از محمدعلی فروغی ذکاءالملك.

۱۸ــ ترجمه‌وشرح عهدمالك: از وقار (م-۱۲۹۸) پسر وصال‌شیرازی.

۱۹ــ مقتبس السیاسة: از محمد عبده (م- ۱۳۲۳).

۲۰ــ ترجمه بشعر ترکی: از محمد جلال‌الدین (ج- ۱۳۰٤) استانبول

۲۱ــ اساس‌السیاسة: شیخ محمد سلطانی (م-۱۳٥٤). (ج-۱۳۱۳ش)

ترجمهٔ که گفتار ما در آن است؛ بشیوهٔ نا پسندیدهٔ دورهٔ صفوی؛ کلمه بکلمه ترجمه شده، و هرسطر را در زیر آن بفارسی گردانیده، وبا شنگرف نوشته است.

آغازفرمان: هذا ماامربه عبدالله امیرالمؤمنین ...

آغاز: ترجمه‌این چیزی‌است که امرنموده است بآن بندهٔ خداعلی پادشاه مؤمنان مالك پسرحارث اشتررا ...

انجام: وبدرستیکه ما بسوی رحمت اوراغب میباشیم و سلام بررسول خدا صلی‌الله علیه وآله.

[٦]

نسخه در مجموعه‌ایست دارای:

۱۰۲۹ ۱ــ زادالزائرین که در (ج۱ص۱۲۱) این فهرست یادشده.

۲ــ رسالهٔ درفلسفه.

۳ــ این کتاب.

خط متن تازی‌عهدنامه نسخ‌است. وخط ترجمهٔ فارسی شکسته نستعلیق؛ باشنگرف در زیر سطرهای متن، ازبرگ (۰۰) تاپایان این جلد واگرفته. نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد.

کاغذ و خط این رساله و رساله فلسفه یکی‌است، وبارسالهٔ «زاد الزائرین» دو گونه است.

عدهٔ مجموعه (۲۱۳ برگ) این‌رساله (۱۸برگ) کاغذفرنگی. جلد تیماج‌سرخ ضربی‌مقوائی. اندازه: ۱۲٫٥×۱۸٫٥ و ۱۲×۷ ؛ ۸سطر متن و۸سطر ترجمه.

[۷] ترسل (فارسی)

کتابچه‌ایست درهنرنامه نگاری بزبان‌فارسی، مانندمنشآت‌خواجه‌جهان که‌در (حرف- م) خواهدآمد. نام‌نگارنده‌دراین کتابچه نیامده‌چون‌آغازآن‌از نسخهٔ این کتابخانه افتاده‌است، لیکن درپایان‌نسخهٔ این کتابخانه؛ نویسنده‌آنرا بمولانا عبدالواسع نسبت داده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وی دراین کتابچه مردم را از نظر کارشان بدسته ها بخش کرده‌وهر دسته را بسه طبقه نموده . مثلا میگوید: برای طبقهٔ اعلی مشایخ نویسند ... برای مشایخ طبقهٔ اوسط نویسند... برای مشایخ طبقهٔ ادنی نویسند ... وهمچنین: برای وزراء طبقهٔ اعلی نویسند... برای وزراء طبقهٔ اوسط ... برای وزراء طبقهٔ ادنی نویسند ... .

وپس از نگارش هر نامه پاسخ آنرا نیز بعنوان (جواب آن ...) آورده‌است.

ترتیب کتاب چنین است: مشایخ. سادات. علماء . قضاة. امراء دولت. وزراء ودر پایان یك نمونه از نامه برای پدر و یك نمونه پاسخ آنرا آورده است.

انجام: مصروف میگرددو الحمدلله ولی النعم ... ومن الله التأییدانه حمید مجید. تمام‌شد ترسل مولانا عبدالواسع والحمدلله...

ازطرز انشای نامه‌های این کتابچه،وهمچنین جداساختن بابی برای نامه‌نویسی بسوی سادات ، و اینکه در پایان برخی نامه‌ها جملهٔ [بالنبی و آله] آورده چنین بر می‌آید که نگارنده پس از صفویان زندگی میکرده و گویا اوهمان ملاعبدالواسع بن علامی نگارندهٔ «تسهیل الفوامض» یا«ایضاح الاعراب» باشد که درذریعه (ج٤ ص١٨٢) نام او آمده است .

وی نگارش «تسهیل»رادرشوال(١٠٨٦) بپایان رسانیده وبنابراین از دانشمندان سدهٔ یازدهم بوده است.

علامی پدرنگارنده شناخته نشد اگر چه از نظر تاریخ‌میتوان او را ابوالفضل ناگوری متخلص بعلامی دانست لیکن ابوالفضل علامی در کتاب«اکبر نامه»بسال(١٠٠٤) گزارش زندگی خودرا نگاشته (١) وفقط یك فرزند بنام عبدالرحمان بخودنسبت داده است.

[٧]

نسخه بخط نستعلیق زیبا . در مجموعهٔ ایست که در آن این کتاب و«دیوان بیانی» و«اخلاق ٤٠ باب» جلدشده . نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد. ٨٦٢

آغاز نسخه افتاده‌است،وازمیان نمونهٔ نامه برای مشایخ طبقه اعلی آغاز شده. از برك

١ - لغتنامهٔ دهخدا (حرف ا ـــ ص٧٣٢ متون٣ـــ ص) .

(١ـتا ١٨) مجموعه را گرفته.

دارای جدول زر ولاژورد . عنوانهارا باشنگرف ودرمیان جدول و یژه‌جای‌داده.

(١٨ برك) کاغذ اوعی ترمه . جلد تیماج حنائی ضربی طلاکوب.

اندازه : ٩ر٥×١٥ر٥ سم × ٩ر٥ ، ١٧سطر.

[٨] جوامع الحکایات ولوامع الروایات (فارسی)

یکی از بزرگترین و مهمترین منتهای ادبی زبان فارسی میباشد . این کتاب تاریخی است که بصورت داستانها درآمده‌ودرهرقسمت‌پدیده‌های تاریخی مربوط بآن‌رابعنوان حکایتهای گوناگون یاد کرده‌است. این‌روش تاریخ نویسی که در نگارش‌آن بیاد آوری خشک وقایع تاریخی بسنده‌نکرده، بلکه آنها رادر میان داستانهای شیرین و بـا الفاظ دلپسند بگنجانند ، در زمانهای پیش برای استفادهٔ دربارها و سرگرمی پادشاهان مرسوم بوده است . و مانند آن تاریخ نگارستان و نوادرالحکایات است که نخستین را قاضی احمد غفاری ودومین‌راعبدالنبی‌قزوینی تهیه کرده‌اند.

در نگارش این کتابها زیبائی متن بیش ازخود مطلب مورد توجه بوده واز این‌روی این گونه کتاب‌ها وبویژه برخی ازآنها مانند«جوامع‌الحکایات» در متون ادبی بشمارمیرود، و جنبهٔ تاریخی‌آن تحت‌الشعاع زیبائی‌ادبی‌میباشد.

ولیکن‌درعین‌حال نباید‌چنین‌مجموعهٔ داستانهارا باگردآوری‌داستان‌های گوناگون یك ملت که امروز مورد توجه قرار گرفته است (١) در یك رده قرار داد، چه‌گرد آوری داستانهای موجود غیر از نگاشتن تاریخ در قالب داستانهای ساختگی میباشد .

نگارندهٔ جوامع :

نورالدین‌محمد پسرمحمد پسر یحیی پسرطاهر پسرعثمان عوفی بخارائی

١ ـــ گذشته از اروپائیان که بیشتر داستانهای همه کشور های اروپائی راگرد آوری وچاپ کرده اند ، عربان نیز بتازگی این کار را آغازنموده و چهار جلد کتاب بنام «قصص العرب» چاپ ومنتشر ساخته اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حنفی(۱) در پایان سدهٔ ششم و آغاز هفتم میزیسته.

نخستین کسی که از او یاد کرده حمدالله مستوفی در سدهٔ هشتم میباشد که در تاریخ گزیده گوید جامع الحکایات از اوست، و در آغاز تاخت مغول در گذشت.

خواندمیر در حبیب السیر نیز او را یاد کرده گوید در عهد سلطان شمس الدین ایلتتمش در دهلی میزیست. و «جامع الحکایات» را بنام وزیر او (محمدبن ابی سعد جنیدی) نگاشت.

و همچنین اند کی از گزارش زندگی او در تاریخ فرشته و «مجمع الفصحا» آمده است.

وی خود را از نوادهای عبدالرحمان بن عوف عضو شوری خلافت پس از عمر می پنداشته، و نیز خود را از فرزندان ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی میدانسته (۲) و شرف الزمان مجدالدین محمدبن ضیاء الدین عدنان سرخکتی پزشک قلج طغماج خان از پادشاهان خانیه ماوراءالنهر دائی او بوده(۳).

وی در بخارا بزاد و پرورش یافت، و در مدرسهٔ «درخارخك»(٤) در نزد رکن الدین امامزاده، مجلس گوی آن مدرسه (گوینده ـ واعظ) و قطب الدین سرخسی دانش و ادب آموخت، و سپس و بشهرهای ماوراءالنهر و سیستان و هندوستان تا دهلی سفر هارفته، و استادان بیشمار دیده است.

وی پس از پایان تحصیلات بسال(۵۹۷) از بخارا بسمرقند آمده و چون دائی او مجدالدین محمدبن عدنان از درباریان پادشاه قلج طمغاج خان ابراهیم بوده، عوفی را بسرپرستی دیوان انشای پسرش قلج ارسلان عثمان بن ابراهیم ولیعهد

۱ــ نژاد و شهر او از بررسی کتاب جوامع الحکایات آشکار میشود:
«مؤلف کتاب محمدبن محمد عوفی بخاری میگوید که وقتی در نیشابور تذکیر میگفتم»
(برگ ۸۰–۸۱) نسخهٔ خطی این کتابخانه.
ولیکن چلپی در کشف الظنون لقب او را ابجای نورالدین، جمال الدین و هندوشاه در نجاب الیلف (ص۲۶۹) سدیدالدین آورده است.
۲ــ لباب الالباب ج۱ ص ۱۷۸–۱۷۹.
۳ــ لباب الالباب ج۱ ص۱۷۹–۱۸۱ و ۳۳۷.
٤ــ فارخك یا خارخك. ع ل. سبك شناسی ج ۳ ص۳۶.

گماشت. ولی عوفی بدست آوردن این مقام را در نتیجهٔ لیاقت نمائی خود در چند مجلس دانسته، و چند داستان در این باره یاد کند: یکی داستان گفتگو در بارهٔ معنی مثل: لایقاس الملائکة بالحدادین (۱) و دیگر داستان استعمال لفظ «قرابت» یا «قربت» برای داماد. و دیگر گفتگو در معنی بیت منصور منطقی که گوید:

بسان مرد ایرانی بنبث بباغ اندر گلی بشگفت خندان

و افسانهٔ سنك خندان یا حجرالباهت(۲) که در تبت است و مردم بیگانه بادیدن آن از خنده بسیار بمیرند.

عوفی تا نزدیك سال (۶۰۰) در دربار سلطان نصرة الدین عثمان بن ابراهیم مانده، سپس بخراسان آمده، و در این سال در نسا بوده است(۳) و در (۶۰۳) در نیشابور بوده. و پس از سال (۶۰۷) در اسفزار(٤) بوده. و پس از این تاریخ دراثر تاخت مغولان بسوی کشور سند شتافت و بنزد ناصرالدین قباجه که از ممالیك سلطان شهاب الدین (معزالدین) غوری است و بسالهای (۶۰۲–۶۲۵) در آن کشور پادشاهی کرده است، شد.

و در (۶۱۷) در اچه(۵) پایتخت ناصرالدین قباجه میزیسته (۶) و تا (۶۲۵) در آنجا بوده و در این مدت «لباب الالباب» را بنام وزیر او عین الملك فخرالدین حسین بن شرف الملك رضی الدین ابوبکر اشعری بنگاشت.

در این تاریخ سلطان شمس الدین التتمش (۷) از ممالیك غوری و بنیاد گذار خانوادهٔ (شمسیان دهلی) بجنگ ناصر قباجه آمد.

۱ــ حداد در این مثل بمعنی دربان است نه آهنگر.
۲ــ عجائب المخلوقات قزوینی چاپ وستنفلد ص۲۱۱–۲۱۲.
۳ــ لباب ج ۲ ص۳٤۵.
٤ــ لباب ج ۱ ص۱۱۱.
۵ــ [ا] شهریست در صوبه بها ولپور در کرانهٔ خاوری پنجاب در(۷۰) میلی جنوب خاوری ملتان و(٤۰) میلی شمال خاوری معبب کنونی رود سند.
۶ــ لباب ج۱ ص۱۱۵.
۷ــ از(۶۰۷ تا ۶۳۳) پادشاهی کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قباجه بدژ بکر (۱) پناه برد. التتمش شهر اچه را محاصره کرد و وزیر او نظام‌الملك جنیدی (۲) دژ بکر را محاصره نمود، در ماه جمادی‌الاول شهر اچه و در جمادی‌الآخر دژ بکر را بگشود.

ناصرالدین قباجه دارائی خودرا بافرزند بنزد التتمش فرستاد و بخشایش خواست. التتمش دستورداد تاخود بخدمت آید، ناصرالدین قباجه نپذیرفت و شب شنبه (۱۹ ج۲ – ۶۲۵) خودرا از قلعه برود سند انداخت و غرق کرد. التتمش پس‌ازاین برهمهٔ کشور سند وملتان‌دست یافت.

عوفی تا این زمان در دژ بکر محضور بود. وچنانکه خود دردیباچهٔ «جوامع‌الحکایات» اشارت نموده‌ازطرف قباجه بنگارش «جوامع‌الحکایات» مامور بود، و پس از مرگ قباجه این کتاب را بنام نظام‌الملك جنیدی وزیر التتمش گردانید. از (۶۲۵) ببعد عوفی دردهلی می‌زیست. وآخرین واقعه که در «جوامع الحکایات» یاد شده شورش اختیار الدین دولتشاه فرماندارلکهنو در (۶۲۸) می باشد وبنابراین تاریخ نگارش «جوامع الحکایات» نزدیك (۶۳۰) میباشد.

چنانکه دیدیم عوفی جوامع رادرآغاز کار بنام عین‌الملك وزیر قباجه می‌ساخت و چون دولت قباجه سرنگون شد عوفی نیز کتاب‌را از نام وزیر او بنام نظام‌الملك وزیر التتمش گردانیده است. گزارش زندگی این‌وزیررا آقای قزوینی (۱) چنین آورده است:

قوام‌الدین نظام‌الملك محمد پسر ابوسعد (سعید) جنیدی وزیر التتمش بوده، وپس‌از مرگ او وزیر پسرش رکن‌الدین فیروزشاه (ش۶۳۳ – ۶۳۴) شد. وسپس بهمدستی برخی‌ازبزرگان برفیروزشاه‌شوریده، فیروزشاه گرفتار شد وخواهرش سلطان‌رضیه بجای او بنشست. نظام‌الملك پادشاهی این‌زن را نیز نپذیرفت ولی

۱ – [بیلك] یا [بله ك] دژی است برتخته سنگی در میان رود سند و اکنون تابع بیشی است.

۲ – جوامع‌الحکایات بنام او نگاشته شده و گزارش زندگی‌اورا خواهیم آورد.

۳ – کوتاه شدهٔ گفتار قزوینی درسرآغاز لباب‌الالباب ج۱ ص یط – یك.

دراینجا شکست خورد وازشهر فرار نمود، ویکوه (بردار) یا (سر موربردار؟) رفت وهمانجا بمرد.

لقب اورا اوزتی ترجمان طبقات ناصری کمال‌الدین آورده، ولی قوام‌الدین درست‌تراست، چه‌درچندین‌جای «جوامع‌الحکایات» چنین‌یادشده، ونیز پدراورا راوزتی وریو درفهرست خود ابوسعید نوشته اند، ولی عوفی در «جوامع الحکایات» آنرا بادعد [ذ] قافیه آورده، وبنابراین ابوسعد درست‌است.

بایددانست اگرچه گفتهٔ آقای قزوینی درست‌است، ولی عوفی در «جوامع الحکایات» گاهی نیزاورادرشعرسعید آورده‌است چنانکه درپایان باب بیست‌وپنج قسمت یکم گوید:

سپهر مهر مخامد محمد بن سعید — که هست درگه اوملجأ الوالالباب

نگارشهای عوفی:

۱ – جوامع‌الحکایات ولوامع الروایات.

۲ – لباب‌الالباب. کهن‌ترین گزارش زندگی شاعران است. وآنرا در (۶۱۸) بنام عین‌الملك حسین وزیرقباجه نگاشته.

۳ – ترجمهٔ الفرج بعدالشدة قاضی تنوخی. عوفی درباب هفتم قسمت چهارم (۱) «جوامع‌الحکایات» پارهٔ ازآنرا آورده‌است.

٤ – مدایح السلطان. بشعر دربحرخفیف. بروزن حدیقهٔ سنائی. درآغاز باب دوازدهم قسمت اول (۲) جوامع الحکایات چندشعرآنرا چنین آورده:

می‌بینی چنین زدست نفس — که‌بود رای پیش و تیغ‌پس

و آن ترجمهٔ این چکامهٔ متنبی است:

الرأی قبل‌شجاعة‌الشجعان — هوأول و لهاالمحل الثانی

جوامع‌الحکایات (۳) یکی‌ازنامورترین کتابهای تاریخ وادب‌فارسی‌است، واهمیت آن ازنظرتاریخ وادب بسیاراست.

۱ – برك (۳۶۱ تا ۳۶۵) نسخهٔ این کتابخانه.

۲ – افسوس که این‌شعرهااز برك (۱٤۲) نسخهٔ این کتابخانه افتاده، ولی‌درنسخهٔ بهار و نفیسی ودیگران هست.

(۳) نام کتاب دربرخی نسخه هاو نسخهٔ این کتابخانه «جامع‌الحکایات ولوامع‌الروایات» میباشد. وچلپی نیزچنین آورده. ولیکن آقایان قزوینی و بهار بمناسبت واژه «لوامع» کلمه «جوامع» راکه در برخی نسخه های کهن دیده برگزیده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهرت عوفی بیشتر بسبب نگارش این کتاب بوده. واز نگارشهای دیگر او کمتر یاد شده است.

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (ن-۷۳۰) و عقیلی در آثار الوزراء (ن-۸۸۳) وقاضی احمد غفاری در نگارستان (ن-۹۵۹) و جهانآرا (ن-۹۷۱) ومصلحلاری درمرآتالادوار(ن-۹۷٤) ورازی درهفتاقلیم (ن-۱۰۰۲) ازاین کتاب ونگارندهاش یاد کرده اند.

شیوهٔ نگارش جوامع الحکایات:

عوفی درنگارشهای خودتااندازهئی شیوهٔدرازبافی وپیچیده گوئی داشته است. ولیکن«جوامع الحکایات» ازآنجا که مجموعهایاز داستانهااست کهبرخی ازآنهابانشای خودعوفی وبرخیدیگررا از کتابهایدیگران آورده، ازاینروی دارای شیوه ویژه نیست.

قطعههائیکه ازخود عوفیاستشیوه جملهپردازی سنگین درآننمایان است، مانند دیباچهٔ کتاب. وداستانهائی کهاز کتابهای دگرآمده، اگرچه عوفی آنها را نیز زیوروری نموده باشد، بازشیوهٔ اصلی آن تا اندازهٔ برجا مانده است. چنانکه داستان وزارت بوسهل زوزنی برای طغرلطاغی سلجوقی درباب هجدهم قسمت سوم(۱) کهبگفتهٔ آقایبهار(۲) بیشکازجلدسوم تاریخابوالفضل بیهقی گرفتهشده، ودارایشیوهٔ ساده ورسامیباشد.

یکی ازمختصات دستوری این کتاب «لباب الالباب» و«المعجمفیمعاییر اشعار العجم» که نزدیک بیکدیگر نگاشته شدهاند اینست که هرگاه فعلیبفعل دیگر عطف شده، خواه معطوف علیه اولشخص یادوم شخص ویا سوم؛ مفرد یا جمع باشد ـ یا اینکه فاعل هردو یکی است ـ فعل معطوف را بصورت سوم شخص میآورد.

اهمیت تاریخی جوامع الحکایات:

جوامع الحکایات عوفی دروضع کنونی مانند گنجینهٔ بی دراست. چهبسا وقایع تاریخی که درهیچ کتاب دیگریادنشده، وبسا آمار جغرافیائی وتاریخی

۱ــ برك (۳۲۵ب) نسخهٔ این کتابخانهٔ
۲ــ سبك شناسی ج ۳ ص۴۱.

که درهیچ جای دیگرنیامده(۱)وفقط دراین کتاب یادشدهاست. وچون ترتیب خود کتاب نیز ناهنجار است، بهترین راه برای استفاده ازاین کتاب آنست که درهنگام چاپ فهرست نام کسان، ونام‌جاها، ونام دسته وگروهها، وهمچنین فهرست واژههای دشوار آن، وکلمه هائی که دراین کتاب ضبط شده است تهیه وبرای استفاده بگذارند.

آقای بهار بسال (۱۳۱۵-۱٤) با رنج بسیاراین کتاب را باچند نسخه برابر وتصحیح کرده است وچون اسباب چاپ همهٔآن فراهم نبود ناچارمنتخب وکوتاه شدهای ازآن برگرفته ویك جلد از چهار جلد این منتخب را وزارت فرهنگ بسال (۱۳۲٤) برای استفادهٔ دانشآموزان دبیرستانهاچاپ کردهاست.

چلبی گرید: احمدبنمحمد معروف بابنعربشاه(م-۸۵٤) بدستورسلطان مراد عثمانی جوامع را از فارسی بترکی گردانید، بار دوم نجاتی شاعر ترك (م-۹۱٤) برایشاهزاده محمدخان وبارسوم ملاصالحبنجلال (م-۹۷۳)بدستور بایزید عثمانی همین کاررا انجامدادند ومحمد بناسعد شوشتری نیزآنرا کوتاه کردهاست.

آغاز: حمد وثنا مبدعی راکه از بدایت صباح وجود تا نهایت رواح عدم، هرچه هست درحد پادشاهی اوست. وشکر وسپاس موحدی را کـه از پیشگاه عدم تاپایگاه طبع هر که هست درتحت اوامر ونواهیاوست .... اشعار عربی را ترجمه کرده .... چه اگـر عربی زیادت ازحد شود شاهد زیبا بریده میآید بباطل میانجامد واینمجموع جامع(چنین)الحکایات ولوامع الروایاتنام نهاده شد ....

چنانکه گفتیم این کتاب دارای چهارقسمت، وهرقسمتدر بیستوپنج

۱ ــ مانند داستان وزارت بوسهل زوزنی برای طغرل سلجوقی. و مانند داستان مسافرتعوفی در دریاوگم شدن راه واستعمال قطب‌نما ازطرف ناخداوچگونگی بکاربردن آن و بی سابقه بودن چنین اختراع درخاور زمین، درباب بیستم از قسمت چهارم ــ برك (٤۰۸) نسخهٔ این کتابخانه.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باب، وهمهٔ آن دوصدباب است ودوهرباب مسئله‌ای راپیش کشیده وداستانهائی دربارهٔ آن آورده‌است. برای شناسائی محتویات کتاب واندازهٔ بزرگی و کوچکی هرباب، فهرست آنرا با شمارهٔ برگهای (۲) نسخهٔ این کتابخانه در اینجا میآوریم:

قسمت یکم:

یادی از خدا، پیغمبران، اولیاء، پادشاهان، وتاریخ هریك واطرافیان ایشان

۱ — توحید. برگ ۵
۲ — نبوت واعجاز. » ۱۲
۳ — اولیاو کرامتهای ایشان. » ۲۳
۴ — پادشاهان ایران. » ۳۳
قسمت (۱) از آغاز تا سکندر. » ۳۳
قسمت (۲) تاپایان اشکانیان. » ۵۷
قسمت (۳) تاپایان ساسانیان. » ۵۸
قسمت (۴) ملوك ترك وروم. » ۷۰
۵ — خلفای اسلام. » ۷۱
۶ — پادشاهان دادگر. » ۱۰۲
۷ — مآثر وجهانداری پادشاهان. » ۱۱۲
۸ — سخنان پادشاهان. » ۱۱۹
۹ — سیاست ایشان. » ۱۲۲
۱۰ — توقیع پادشاهان و نوشته های ایشان. » ۱۳۰
۱۱ — زیرکی زیرکان. » ۱۳۴
۱۲ — رایهای صواب وفکرهای درست. » ۱۴۲
۱۳ — مکرها که در باب ملك گیری شده است. » ۱۴۵
۱۴ — تدبیر و کاردانی. » ۱۶۱

۲ — هریك نسخهٔ این کتابخانه صد بیت یعنی هرروبه‌آن پنجاه بیت نوشته دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۵ — وعظوپندهای زاهدان بپادشاهان. » ۱۷۲
۱۶ — پاسخهای بجاوبهنگام. » ۱۷۹
۱۷ — داوران ودانشمندان (قضاة و علماء). » ۱۸۹
۱۸ — دبیران. » ۱۹۷
۱۹ — ندیمان. » ۲۰۲
۲۰ — پزشکان. ۲۰۶
۲۱ — معبران و خوابنمایان. ۲۰۸
۲۲ — ستاره شناسان. ۲۰۹
۲۳ — شاعران. ۲۱۲
۲۴ — مغنیان وهنرمندان. ۲۱۴
۲۵ — زیرکان تیزهوش. ۲۱۵

قسمت دوم:

خویهای نکو و دارندگان وداستانهای ایشان

۱ — شرم و سود آن. ۲۲۲
۲ — فروتنی وسود آن. ۲۲۴
۳ — بخشایش، وسود آن. ۲۲۵
۴ — بردباری. ۲۲۹
۵ — جوانمردی وبلندی همت. ۲۳۶
۶ — ادب. ۲۳۹
۷ — رأفت وشفقت. ۲۴۲
۸ — توکل. ۲۴۴
۹ — سخاوت. ۲۴۶
۱۰ — مهربانی ولطف و کرم. ۲۴۸
۱۱ — مهمان نوازی. ۲۵۱
۱۲ — شجاعت. ۲۵۵

۱۳ — شکیبائی . ۲۵۸
۱٤ — شکر وسپاس . ۲٦۰
۱۵ — حزم و اندیشه . ۲٦۲
۱٦ — پرهیز کاری . ۲٦٦
۱۷ — کوشش . ۲۷۰
۱۸ — گفتار وخموشی . ۲۷۳
۱۹ — وفا بعهد . ۲۷٦
۲۰ — میانجی گری و اصلاح . ۲۷۹
۲۱ — رازداری . ۲۸۱
۲۲ — امانت داری . ۲۸٤
۲۳ — نیك‌خوئی . ۲۸۸
۲٤ — پایداری و اندیشه . ۲۹۳
۲۵ — مشورت و صواب دید . افتاده

قسمت سوم

خوبهای گوناگون ناپسندمردم وداستانهای‌هریك .

۱ — خوبهای گوناگون مردم . افتاده
۲ — کینه‌ورزان . افتاده
۳ — آزو حرص مندان . افتاده
٤ — طمع ورزان . افتاده
۵ — دزدان . افتاده
٦ — گدایان . افتاده
۷ — دروغ گویان . افتاده
۸ — کسانی که دعوی پیغامبری کرده اند . ۲۹۷
۹ — بخیلان . ۳۰۱
۱۰ — پیمان شکنان . ۳۰٤

۱۱ — نادانان واحمقان . ۳۰۷
۱۲ — ستمکاران . ۳۰۹
۱۳ — درشت‌خویان . ۳۱۲
۱٤ — خسیسان پست همتان . ۳۱٤
۱۵ — اسراف کاران . ۳۱۷
۱٦ — خیانتکاران . ۳۱۹
۱۷ — ناحفاظی و بی ناموسی . ۳۲۱
۱۸ — کفران کنندگان نعمتها . ۳۲۳
۱۹ — سخن چینان . ۳۲۷
۲۰ — شتابزدگان در کارها . ۳۲۹
۲۱ — بد اعتقادان و ناحفاظان . ۳۳۲
۲۲ — زنان زیرك . ۳۳۵
۲۳ — زنان پارسا و نیکو کار . ۳۳۷
۲٤ — زنان ناپارسا . ۳٤۱
۲۵ — زنان حیله گر ومکار . ۳٤۵

قسمت چهارم

شگفتی های جهان وطبیعت .

۱ — سود خدمتگذاری شاهان . ۳٤۹
۲ — نتیجه (زیان) خدمتگذاری‌شاهان . ۳۵۰
۳— بیم وأمید . ۳۵۲
٤ — کسانی که بانیایش (دعا) از بلارستند . ۳۵٤
۵ — نیایش ودعاهای گوناگون . ۳۵۷
٦ — فالها و فالگیران بنام . ۳۵۹
۷ — گرفتاران در گرداب محنت که رهائی یافتند . ۳٦۱
۸ — کسانی که ازدست دزدان رستند . ۳٦۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹ — کسانی که از چنگ درنده رستند . ۳۶۸
۱۰ — عاشقان که بوصال نرسیدند . ۳۷۳
۱۱ — عاشقان که بوصال رسیدند . ۳۷۶
۱۲ — کسانی که بهلاکت نزدیك شده ورهائی یافتند . ۳۸۶
۱۳ — قضاوقدر: مخالفت وموافقت باآن. ۳۸۹
۱٤ — شگفتی های آفرینش . ۳۹۳
۱۵ — عمر حیوانهای گوناگون . ۳۹۵
۱٦ — جغرافیا (ممالك ومسالك) . ۳۹۹
۱۷ — روم وحبشه . ٤۰۰
۱۸ — ساختمانهای شگفت‌انگیز شهرها . ٤۰۳
۱۹ — طلسم های شگفت‌انگیز . ٤۰٦
۲۰ — شگفتی‌های دگر. ٤۰۸
۲۱ — جانوران وحشی. ٤۱۱
۲۲ — درندگان وحشی. ٤۱۵
۲۳ — شگفتی های جانوران . ٤۱۸
۲٤ — شگفتی‌های پرندگان . ٤۲۰
۲۵ — مزاحها وشوخیهای گوناگون . ٤۲۲

[۸]

نسخه بخط نستعلیق نام‌نویسنده درپایان قسمت یکم دوبرگ(۲۲۱الف)
۱۲۳ ۲۰ مرتضی حسینی آمده است. تاریخ نوشتن ندارد.ولی نزدیك سدهٔ یازدهم است ودر کنارهٔ برك(۸۱) بخطاهین نویسندهٔ شعری‌ازحیرتی شاعرسدهٔ دهم آمده است .

میان برگهای (۱۹۳ و ۱۹٤) از میان باب بیست و چهار قسمت یکم تامیان باب هفت قسمت دوم افتاده . وهمچنین ازپایان نسخه، یك برك‌ازباب‌بیست‌وپنج ۲۵ قسمت چهارم نابودشده است .

قسمت‌یکم دربرك (۲۲۱) وقسمت دوم‌میان برگهای (۱۹۳و۱۹٤) وقسمت سوم دربرك (۳٤۹) وقسمت چهارم درپایان جلدپایان یافته.

[۹] حدائق الحقایق فی شرح کلمات کلام الله الناطق (عربی)

نهج البلاغة در (حرف‌ن) این بخش خواهدآمد، وچنانکه خواهیم دید آنرا گزارده‌ها(شرحها) بسیاراست. ودوتااز آنهادر(ص٤و۱٦) این‌مجلد یاد شد. دیگرازشرحهای آن، این کتاب‌میباشد. گزارنده علاءالدین‌محمدپسرشاه‌ابوتراب ۵ محمدعلی حسنی، معروف‌بعلاء الدین گلستانه است. وی یکی ازبنامترین مردان خانواده گلستانه ازمردم اصفهان‌است که خودرا ازفرزندان محمد بطحائی می دانسته اند(۱) واز دانشمندان سدهٔ یازدهم ، واز بارسایان زمان خویش بوده . محمدبن علی اردبیلی «درجامع الرواة»(۲) که آنرا در زمان گلستانه نگاشته آرد: که دوبار منصب صدارت بوی پیشنهاد گردید واو نپذیرفت . ۱۰

مرگ علاءالدین گلستانه راشیخ عباس قمی(۳) وجواهرالکلام(٤) ودر حاشیه وقایع‌الایام (ص۱۹۸) بنقل ازتاریخ‌خاتون‌آبادیان: در(۲۷شوال-۱۱۰۰) آورده اند، ولیکن درحاشیهٔ (ص۳۸۳) وقایع‌الایام مرگ‌اورا نزدیك(۱۱۱۰) دانسته وحاجی نوری در«الفیض‌القدسی» درسال(۱۱۱۰) آورده .

۱۵ ونیز بنقل صاحب ذریعه (۵) شیخ علی حزین (ز-۱۱۰۳) درسوانح خود گوید: علاءالدین گلستانه را در کودکی دریافته ، وپدرم بااو دوست وهمنشین بود. وبنابراین بایستی گلستانه تانزدیك (۱۱۱۰) زنده باشد .

ونیز خط او درسرآغاز نسخهٔ از «جامع الرواة»(٦) که بسال (۱۱۰۰)

---

۱ — ذریعه ج ۲ ص٤٦۹.
۲ — نسخهٔ این کتابخانه بخط‌نگارنده درحاشیهٔ برگ(۲۵۲-الف).
۳ — هدیة الاحباب [چ-۱۳٦۹ش]ص۲۰۱
٤ — فهرست کتابخانهٔ معارف (علی کنونی) ج۱ ص ۱٤۵.
۵ — ج ٦ ص ۲۸٤.
٦ — نسخهٔ ازجامع الرواة اردبیلی‌در کتابخانه صدر دریغدادهست که برای کتابخانهٔ سلطنتی شاه سلیمان نوشته شده وبرای تبرك دانشمندان زمان‌را گرد آورده هریك ازایشان کلمه‌ای ازدیباچهٔ آنرا تا دوسطر بخط خود نوشته‌اند ، ونویسنده مقام ومرتبه علمی‌هریك را براعتبار ومعین نموده است . نخست مجلسی (بسم‌الله الرحمان الرحیم) را نوشته سپس آقاجمال خوانساری (الحمدلله) و علاء گلستانه (الشی) و محمد رحیم عقیلی (زین قلوبنا) وشیخ جعفر قاینی (بمعرفة‌الثقات) و آقارضی پسر برادر آقاجمال خوانساری (والعقول) وملا محمدتقی سراب (والایمان‌والاعیان) رانوشته‌اند . ونویسندهٔ نسخه‌مرتضی پسرمحمد یوسف‌افشار وتاریخ نوشتن (۱۱۰۰) میباشد، ونسخهٔ اصل این کتاب بخط نگارنده‌اش بشمارهٔ (۹۸۰) در این کتابخانه هست ودراین‌فهرست خواهدآمد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نوشته شده در کتابخانهٔ صدر در بغداد موجود میباشد.

صاحب ذریعه گوید علاالدین گلستانه داماد محمد باقر مجلسی (م-١١١٠) بوده است(١) و پسری بنام محمدباقر داشته(٢) وقمی در «هدیةالاحباب» مجلسی را شوهر خواهر گلستانه دانسته‌است.

نگارشهای گلستانه:

١ــ بهجةالحدائق در شرح نهج البلاغة (٣).

٢ــ حدائق الحقایق(٤) نیز در شرح نهج‌البلاغة.

٣ــ روضة الشهداء.

٤ــ منهج الیقین ترجمهٔ رسالهٔ «اهوازیه» در امامت منسوب بامام صادق (ع) (٥).

٥ــ شرح اسماءالله بنام «کاشف‌الاسماء»(٦) که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ میرزا طاهر تنکابنی(٧) واکنون در کتابخانهٔ مجلس هست.

٦ــ حاشیه نهج‌البلاغة(٨) وجز آنها...

وبنابراین وی دوشرح برنهج‌البلاغه نگاشته. ودر بخش یکم «حدائق الحقایق» که شرح بزرگتر ودومین شرح اواست وبسال (١٠٧٤) پایان یافته، از «بهجة الحدائق» یاد کرده است.

گویند این کتاب دربیست جلدبوده ولیکن تاکنون بیش از سه بخش

١ــ الذریعه ج ٢ ص ٤٦٩.

٢ــ روضات‌الجنات چاپ‌سال ١٣٠٦ق. ص(٥٥٢= ٦٥٤).

٣ــ الذریعه ج٣ ص ١٦١ آغاز آن: الحمدلله الذی ابلج نهج البلاغة فی مناهج البلاغ.

٤ــ همین کتاب که جای گفتگوی ماست.

٥ــ ذریعه ج ٢، ٤٨٥، و نسخهٔ آن در این کتابخانه هست.

٦ــ ذریعه ج ٢ ص ٦٧.

٧ــ فهرست سپهسالار ج٢ ص٦١.

٨ــ درحاشیه نسخه نهج‌البلاغة در کتابخانه سپهسالار بامضای «گلستانه» موجود است. «فهرست ج ٢ ص ١٥٦و١٥٧» ودرحاشیهٔ یکی ازچاپهای کهن نهج‌البلاغةدرایران نیز چاپ شده است. ذریعه ج٣ص١٦١.

ازآن یافت نشده، ابن‌یوسف(١) گوید: آقامحمدعلی بهبهانی برپشت نسخهٔ که در کتابخانهٔ میرزا طاهر تنکابنی بوده، واکنون در کتابخانهٔ مجلس موجوداست. بسال (١١٩٥) چنین نوشته: از این کتاب فقط تا گزارش خطبهٔ [کنتم جند المرئة] (خطبهٔ١٣) باب یکم نهج‌البلاغه ازخامه نگارنده بیرون آمده.

بخش اول تا پایان خطبهٔ دوم باب یکم نهج البلاغة وچنانکه خود در پایان آن بخش آرد: بسال (١٠٧٤) پایان یافته است. وبگفتهٔ ابن یوسف این بخش (٣١٠٠بیت) نوشته دارد.

بخش دوم تنها بشرح خطبهٔ شقشقیه (خطبه سوم باب‌یکم نهج) رادارد. وبسال (١٠٨٠) پایان یافته. واین بخش بزرگترین بخشهای این کتاب میباشد، وبگفتهٔ ابن‌یوسف دارای (١٦٨٠٠) بیت نوشته است.

بخش سوم بشرح خطبه [کنتم جندالمرئة] خطبهٔ سیزدهم باب یکم نهج البلاغه پایان می‌یابد، ابن‌یوسف گوید این‌بخش فقط (١٢٠٠بیت) نوشته دارد.

چون در نظر بگیریم که ابن سیزده خطبهٔ شرح شده فقط یک هشتم نهج‌البلاغة است و نگارنده آنرا در (٢١١٠٠ بیت) شرح کرده آشکار میشود که چرا برخی حدس زده اند دورهٔ این کتاب بیست جلد بوده است، وگرنه چنانکه گفتیم تاکنون بیش ازسه جلدآن دیده نشده است.

صاحب روضات گوید: پایهٔ این شرح بر اخبار است چنانکه شرح ابن ابی‌الحدید بیشترجنبهٔ کلامی دارد، وشرح ابن‌میثم جنبهٔ‌فلسفی. ولیکن چنانکه خود نگارنده در دیباچه این کتاب گوید: توجه او ببحثهای کلامی و اثبات امامت بسیاراست وبویژه بخش‌دوم کتاب که درشرح خطبهٔ شقشقیه‌است بکلی‌از گزارش متن دور افتاده و بیدگوئی و اثبات گناهها و بدرفتاریهای سه خلیفه (ابوبکر، عمر، عثمان) پرداخته است، ودراین‌راه‌تاآنجا رفته که باین‌ابی‌الحدید نیز پرخاشها دارد.

آغاز بخش یکم: الحمدلله الذی رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد...

١ــ فهرست سپهسالار ج ٢ ص ٦٦.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام آن فی‌روایة المفضل عودة تعلق علی الانسان . تم‌الجزء الاول من کتاب ...

آغاز بخش دوم : الحمدلله الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره ...

نگارنده این کتاب‌را بنام شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۸) نگاشته ودر دیباچه بخش یکم ودوم نام‌خود ونام کتاب ونام‌شاه راآورده است.

[۹]

این نسخه هردو بخش را دارد ، بخش یکم از برگ (۱ تا ۱۱۶) وبخش دوم که ناقص است از آنجا تا پایان جلد برگ ۲۲۷ . خط نسخ خوب . نام نویسنده ندارد . آقای مشکاة بر پشت (برگ یکم) آنرا بخط نویس خط نگارنده دانسته. دردریمه (ج۶ص۲۸۴-۲۸۵) نیز چنین آمده‌است، لیکن این سخن جای گفتگو وتردید است ، بلکه ازظاهر نسخه چنان نماید که برای کتابخانهٔ سلطنتی و بخط خوشنویس نوشته شده است . وجملهٔ [علی ید مؤلفه ...] درپایان بخش یکم نیز درهمهٔ نسخه های این کتاب هست ، ودلیل برخط نگارنده بودن این نسخه نمیشود بوزه در کنار رویه ها این نسخه ، نسخه بدلهارا نیز نوشته است.

تاریخ نوشتن ندارد ولی پیداست که در زمان نگارنده ، و برای کتابخانه شاه‌سلیمان صفوی‌که کتاب بنام اواست ، یعنی نزدیک سال نگارش (۱۰۷۴) نوشته شده است.

همهٔ رویه ها دارای جدول زر ولاژورد میباشد . عنوانها باشنگرف . روی واژه‌وجمله‌های‌متن نهج‌البلاغه خط‌شنگرفی کشیده‌است. تصحیح‌شده واصلاحات ونسخه بدلهارا در کنار رویه ها نوشته اند.

بخش‌دوم این نسخه ناقص‌است وفقط تاپایان (الطعن‌الثانی) ازمطاعن‌ابوبکر را دارد. وفقط (۹۵۰۰بیت) نوشته دارد، درصورتیکه همهٔ این بخش بگفتهٔ‌ابن‌یوسف (۱۶۸۰۰ بیت) میباشد.

(۲۲۸برگ) یك برگ دراول ویکی آخر سفید است . کاغذ نوعی ترمه . جلد تیماج زرد سوخته داخل تیماج سرخ . کناره تیماج سرخ . ضربی‌طلا کوب اندازه : ۱۸×۳۹ و ۱۰×۱۹٫۵ : ۱۸ سطر .

[۱۰] خمسهٔ نظامی یا پنج گنج (فارسی)

شعرشناسان گذشته برای‌شعر اقسام گوناگون یاد کرده‌اند مانند: ستایش نکوهش . سوگواری . توصیف . تشبیب . غزل . زهریات . می گساری . دهریات پند واندرز . درد دل گوئی . عذرخواهی . خودستائی . وجزآنها ولی‌دانشمندان امروز همه‌را درسه قسمت گرد آورده اند:

۱ ــ رزمی (حماسه)
۲ ــ آهنگ و آواز (غنائی)
۳ ــ بزمی (تمثیلی = نمایش) .

در شعر رزمی سراینده ، مردانگی‌های خویش وقوم خود وپهلوانیهای ایشان‌را یاد میکند، واین از مهمترین اقسام شعر است چه بوسیلهٔ اینگونه شعر تاریخ اجتماعی یك ملت زنده میماند . ودربارهٔ آن در عنوان « شاهنامه » در این‌فهرست گفتگو خواهیم نمود .

آهنگ وآواز خوانی شعریست که سراینده فقط احساسات درونی را آشکار میکند وجزآن خواستی ندارد واین کهن‌ترین نوع‌شعر میباشد ، چه پیش‌از تمدن‌بشر نیزمتداول بوده‌است.

شعر بزمی و نمایش شعریست که سراینده وضع زندگانی طبیعی جامعه را نمایش میدهد وآنرابرای شنونده مجسم میسازد این نوع شعرآخرین قسم آنست چه یك‌فکر دقیق وایدهٔ مترقی نیازمند است.

بیشتر شعر های قسمت یکم (رزمی) و قسمت سوم (بزمی) را بصورت داستان سروده اند . پس یکی از مهمترین نوع شعر پارسی شعر داستانی میباشد .

داستان سرائی درایران پیش‌از اسلام نیز معمول بوده است وعدهٔ ازآنها مانند «ایاتکار زریران» وجزآن برجای‌مانده است. شعرداستانی پس ازاسلام‌دو قسم دیده میشود رزمی، وبزمی. ودر عنوان شاهنامه اندکی درباره داستانها رزمی گفتگو خواهیم کرد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

داستانهای بزمی و اخلاقی کم و بیش از سدهٔ چهارم هجرت یافت شده است ولیکن پهلوان نام‌بردار این میدان نظامی گنجوی بزرگترین شاعر داستانسرای ایران و قفقاز میباشد که در سدهٔ ششم می‌زیسته.

نام و نشان نظامی :

ابومحمد(۱) ویس(۲) پسر یوسف پسر زکی پسر مؤید ملقب بنظامی گنجوی(۳). مادر او رئیسه نام واز نژاد کرد بود. دائی وی خواجه عمر نام داشته است.

نظامی سه همسر -یکی پس از دیگری- برگزیده و هرسه در زندگی او مرده‌اند. واز فرزندان او فقط محمدنام را می‌شناسیم که در زمان پایان‌یافتن خسرو وشیرین هفت ساله ودر آغاز لیلی مجنون چهارده ساله و در آغاز هفت پیکر نزدیک به نوزده سالگی بوده است. برخی قوامی گنجوی را عم نظامی دانسته اند(٤)

زادگاه وزایچه و مرگ نظامی :

نظامی در گنجه بزاده ولیکن عراقی (اراکی) نژاد است(٥)، او همه عمررا درشهر گنجه گذرانیده وبجائی نرفته است. وی یکی ازسالهای(٥٣٣ تا ٥٤٠)زاده است، ومرگ اودر آغاز سدهٔ هفتم (از٥٩٩ تا٦٠٧) میباشد.

---

۱ — شك نیست که او فرزندی بنام محمد داشته لیکن کنیت ابومحمد را نخستین بار محمد قزوینی در آثارالبلاد (ن- ٦٧٤) در (اقلیم پنجم در دنبال واژه«جنزه»معرب گنجه) یاد کرده است.

۲ — خود نظامی گوید :

یارب تو مرا که ویس‌نامم　　در عشق محمدی تمامم

(لیلی ومجنون - چ وحید- ص۳۵) ودر برخی نسخه ها «کاویس» آمده‌است.

۳ — در تذکره دولتشاه لقب او را نظام الدین دانسته . حاجی خلیفه او را جمال‌الدین خوانده است.

٤ — مجمع الفصحاء هدایت ج۱ص٤٧٨

٥ — گویند نیاکان نظامی ازدیه «تاج» درپیرامون قزوین وقم بوده‌اند.

گور نظامی :

قرهاد میرزا در سال (۱۲۹۲) سفری بقفقاز رفته گوید. (۱) در پیرامون شهر گنجه قبر نظامی‌را دیدار کردم.

سیدعبدالرحیم‌خلخالی مقالهٔ ازروزنامه بنگی‌فکر(۲) بترکی چاپ‌تفلیس بفارسی ترجمه کرده ودر سال ششم مجله ارمغان در (۱۳۰٤) چاپ کرده است دراین مقاله داستان کندن مردم گور نظامی را برای آنکه بشهر گنجه آورند یاد کرده گوید. قبرنظامی درنزدیکی دژقزل‌ارسلان‌یاقرسنگی شهر گنجه(۳) بوده . درآغازسدهٔ سیزدهم ساخته شده‌ودر (۱۹۲۲-م) کمیسونی بنام کمیسون نظامی مقبره بزرگی در درون شهر گنجه‌ساخته وجنازه نظامی‌را بیرون‌آورده می‌خواستند بداتجاآورند، ولیکن کمیتهٔ‌تتبعات‌آثار باستانی آذربایجان‌شوروی‌از انجام‌این کارجلوگیری‌نموده جنازه‌رابجای خودباز گردانیده‌وبنای‌زیبائی برآن ساخته است وتصویراین ساختمان‌در «گنجینهٔ نظامی» نگارش وحیددستگردی (صفحهٔ ـ ل) دیده میشود.

جشنهای هشتمین سدهٔ نظامی : (٤)

دراتحادجماهیر شوروی بمقتضی‌رژیم سوسیالیستی برای گسترش فرهنگ ملتها کوشش فراوان میشود. واز جمله درقفقاز برای زنده کردن آثار نظامی کوششها شده وقسمت بیشتر آثار اورا بنظم ونثرروسی وترکی‌قفقازی ومتن فارسی چاپ وپخش نموده‌اند.

نخستین بار بسال (۱۹۲۲ - م) ترجمهٔ منظوم روسی هفت‌پیکر توسط آ. ا. گروزینسکی منتشر گردید. و سپس بسال (۱۹۳۵-م) بمناسبت «کنگرهٔ صنایع ایران» که دولتین گراد برپا گشت ترجمهٔ منظوم خسرو وشیرین از

---

۱ — هدایة السبیل ص۲۰.

۲ — بنگی‌فکر شمارهٔ (۲۵٦و۲۵۷) بتاریخ۲۵ نوامبر ۱۹۲۳-م.

۳ — گنجه همان کن‌چای (= رودبن) است. این شهر درسدهٔ یازدهم میلادی آباد بوده وپس‌از ویرانی شاه عباس آنرا بسال (۱۰۱۵) ازنو ساخته است.

٤ — دراین قسمت ازیادداشتهای آقای‌سعید نفیسی اقتباس شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ا. اونایوسکی، و ترجمهٔ منظوم لیلی و مجنون از آنهره گلوبا انتشار یافت.
سپس بسال (۱۹٤۱–م) بمناسبت هشتصد سالگی تولد نظامی جشنهای باشکوه دربا کو پایتخت آذربایجان شوروی و شهر گنجه گورگاه نظامی برپا کردند. کنگره‌ای بنام نظامی از خاورشناسان بنام‌وشاعران و نویسندگان جمهوریهای شوروی گرد آوردند. بموجب دستور این کنگره آثار نظامی‌را بزبان های ترکی وروسی(۱) ترجمه ومنتشر گردید. وتصمیم گرفتند که بزبانهای دیگر جمهوریها نیز ترجمه شود. ومتن فارسی آنرا از روی نسخه های کهن چاپ ومنتشر کنند. ونیز دانشمندان رساله ومقاله‌ها در گزارش زندگی وی‌نگاشته و منتشر نمودند. و موزهٔ بزرگی در با کو بنام نظامی برای نمایش فرهنگ وتمدن آذربایجان شوروی فراهم کردند. ومجسمهٔ نظامی‌را درمیدان‌شهربا کو برپا ساختند(۲)

وینگاهی بنام «انستیتو ادبیات نظامی» دربا کو تشکیل دادند. از کار های این انستیتو پخش دوجلد ازمتن فارسی خسه میباشد که بسال (۱۹٤۷–م) شرفنامه‌را توسط ع. ع. علی‌زاده، و(ی. برتلس) واقبالنامه را توسط ف. بابایف و(ی. ا. برتلس) تصحیح وچاپ‌نمود.

از دیگران که دربارهٔ نظامی رنج برده اند میتوان از کسان زیر نام برد: احمدورغون لیلی ومجنون را و م. رحیم هفت‌پیکررا. و عبدالله‌شایق شرفنامه را. و م. رضا قلی‌زاده، اقبالنامه را بترکی سروده وبسال (۱۹٤۱م) منتشر کردند. و س. ایوانف، و ای. اوراتوسکی، و آ. پلاونیکا برخی از داستانهای اسکندرنامه را بروسی سروده و در همان سال پخش کرده اند.

و(ی.ا. برتلس) و (و. گرسلف) که خمسه‌را بروسی سرودندو بسال(۱۹٤٦م) منتشر کردند.

۱– اولی زبان ملی مردم امروزی میهن نظامی یعنی قفقازاست ودومی زبان بین‌المللی جمهوریهای توده شوروی است.

۲– تصویر این مجسمه در مجلهٔ «پیام‌نو» چاپ تهران سال پنجم دیده می‌شود.

از کسانی که دربارهٔ نظامی بررسیهای تاریخی واجتماعی نموده اند:
میکائیل‌رافیل کتابی‌بعنوان «نظامی» بسال «۱۹۳۹» دربا کومنتشرساخته وبرتلس کتابی بنام «شاعر ملی آذربایجان: نظامی» در با کو بسال (۱۹٤۰–م) منتشر ساخته. وحیدر حسینی‌اف رسالهٔ بعنوان «اوضاع اجتماعی زمان نظامی» بسال (۱۹٤٦–م) دربا کو منتشر کرده. وای.پ. شیلیکین کتابی بنام «بررسی بناهای آذربایجان در زمان نظامی» دربا کو بسال (۱۹٤۳–م) منتشر کرده. ونیز بسال(۱۹٤۰) کتابی بعنوان «نظامی» شامل مقاله های چندتن ازدانشمندان جمهوریهای شوروی دربا کو منتشر گردید.

داستانسرائی پس‌از نظامی:

پس‌از نظامی داستانسرائی در ادبیات پارسی گسترش یافت، و بیشتر شاعران به پیروی ازوی یك یاچند مثنوی داستانی سرودند، و آنهارا بگمان آنکه به پنج مثنوی برسانند از روز نخست خمسه یاپنج گنج مینامیدند. واگر بیش از پنج مثنوی می‌سرودند آنهارا بنامی که با شمارهٔ آنها مناسبتی داشته باشد می نامیدند.

اگر کسی هشت مثنوی میسرودآنرا هشت بهشت بشمارهٔ درهای بهشت موعود، وا گر هفت مثنوی میسرود آنرا هفتاورنگ بشمارهٔ ستاره های‌سیار درهیئت‌قدیم. واگر شش مثنوی میسرود آنراستهٔ ضروریه بنام شش‌شرطلازم برای زندگی درزیست شناسی باستانی. واگر پنج مثنوی میسرودآنراپنج گنج بشمار گنجینه هائی که درافسانه‌ها بخسروپرویز پادشاه ساسانی نسبت داده اند؛ ویا خمسهٔ متحیره می نامید بشمارهٔ هفت سیاره بجز ماه و خورشید؛ این پنج ستاره بنابر قواعد هیئت قدیم درهر سال چند روزی از راه پیمائی عادی خود باز می‌ایستد واندکی نیز واپس باز میگردد وسپس دو باره بروش عادی خود آغاز میکند وازاین روی‌این پنج ستاره را (متحیره) گمراه لقب داده‌اند.

چنانکه گفتیم برخی از شاعران موفق بسرودن همه پنج مثنوی نشده‌اند ولی‌ازهمان آغاز کارآنرا خمسه نامیده‌اند. وخمسه سرائی مانند دلیلی‌برتوانائی شعری‌بکار میرفته‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خمسه سرائی از زبان فارسی بزبان ترکی واردو و کردی نیز سرایت کرده وهم اکنون خمسه‌های فراوان بدین زبانها موجود است.

بنام‌ترین کسانی را که به پیروی از نظامی داستانهائی سروده‌اند درزیر نام می بریم:

- وصاف الحضرة نگارندهٔ تجزیه الامصار (ن- ۷۱۱) سه مثنوی داشته است.
- امیرخسرو دهلوی(م-۷۲۵) اوراست: مطلع‌الانوار، شیرین خسرو، لیلی ومجنون، آئینه‌سکندر، هشت‌بهشت.
- جلال فراهانی (م-۷۳۶) مخزن‌الاسرار را تتبع کرده
- خواجو کرمانی(م-۷۵۳) اوراست: روضة‌الابرار. گهرنامه. کمالنامه. گل ونوروز، هما وهمایون. (ذریعه:۷:۲۵۸).
- عماد فقیه (م-۷۷۳). اوراست: مونس‌الابرار.
- کاتبی ترشیزی (م-۸۳۹) اوراست: بهرام و گلندام، حسن و عشق، ناظر ومنظور، محب ومحبوب. (ذریعه۷:۲۶۲).
- داعی نظام شیرازی (م-۸۶۹) شش‌مثنوی‌داشته (ذریعه:۷: ۲۵۸).
- صاعدی خبوشانی زین‌الدین درسدهٔ نهم. اوراست: لیلی‌ومجنون.
- درویش اشرف مراغی تبریزی (م-۸۶٤) خمسه‌دارد(ذریعه: ۷:۲۵۹).
- جامی نورالدین (م-۸۹۸)هفت‌مثنوی بنام‌هفت‌اورنگ‌دارد.
- سنان‌پسرسلیمان ازامرای سلطان‌بایزیدعثمانی. چلبی گوید او نخستین کسی است که بترکی خمسه سروده است.
- آهی مشهدی. درمجالس‌النفائس گوید خمسه داشته.
- میرعلیشیر نوائی (م-۹۰۶) اوراست: حیرة‌الابرار، مجنون‌لیلی، فرهاد وشیرین، سبعهٔ سیاره، سدسکندری نخستین خمسهٔ ترکی.ازاوست(دولتشاه: ٤۹۷)
- حبدالله‌بن شمس‌الدین (م-۹۰۹) اوراست: لیلی ومجنون ترکی.
- مکتبی‌شیرازی. خمسهٔ داشته (ذریعه۷: ۲۶۳).

- نجاتی،عیسی (م-۹۱٤) اوراست: لیلی ومجنون ترکی.
- آصفی هروی(م-۹۲۰) مخزن‌الاسرار را تتبع کرده.
- هاتفی،عبدالله‌خبوشانی(م-۹۲۷) اوراست: لیلی‌مجنون، شیرین‌وخسرو، هفت منظر، تمرنامه (ذریعه:۷:۲۶۵).
- شهاب مروارید (م ۹۳۲) خسرو وشرین دارد (ذریعه۷ :۱۶۱).
- هلالی جغتائی (م-۹۳۶) اوراست: شاه و درویش، لیلی و مجنون، صفات العاشقین.
- جلیلی برسوی (م-۹۳۸) خمسه بترکی دارد. (کشف‌الظنون).
- فیض دکنی (م-۹۵٤) خمسه دارد، (ذریعهٔ ۷: ۲۶۲)
- غزالی‌مشهدی (م-۹۵۷) اوراست: اسرار مکتوم مرآت کاینات، نقش بدیع، رشحات حیات.
- صالح پسرجلال (م-۹۷۳) لیلی ومجنون ترکی دارد.
- موجی (م-۹۷۹) اوراست: یوسف‌زلیخا، لیلی مجنون.
- قاسمی گون آبادی (م-۹۸٤) اوراست: زبدة‌الاشعار، لیلی و مجنون، شاهنامه، وخسرو وشیرین، کارنامه.(ذریعه: ۷ : ۲۶۲).
- مفرده‌نویس: عبدی‌بیك شیرازی (م-۹۸۸) دو خمسه بفارسی سروده: نخست: روضة الصفا، روضة الازهار، جنة الاثمار، زینة‌الاوراق، صحیفة الاخلاص. (ذریعه: ۷ : ۲۶۳).

دوم: جام‌جمشیدی، هفت‌اختر، بهرام‌نامه، لیلی‌مجنون، آئینهٔ‌سکندری

- شیطوی‌یحیی اوبنودی (م-۹۹۰) اوراست: گلشن‌انوار، گنجینهٔ راز، کتاب‌اصول،یوسف‌زلیخا، شاه و گدا. همه‌بترکی.(کشف‌الظنون).
- وحشی بافقی (م-۹۹۲). اوراست: خلدبرین، ناظر ومنظور.
- ثنائی حسین (م-۹۹۶) اوراست: لیلی ومجنون، ساقی نامه.
- عرفی شیرازی. (م ۹۹۹) اورات مجمع الابکار، خسرو وشیرین.
- ابوالفتح لاهجی درسدهٔ دهم اوراست: مظهرالاسرار.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

– قاضی سنجانی همزمان بای قرا. اوراست: منظر الابصار.

– سالم تبریزی در سدهٔ دهم. اوراست: مهر ووفاء، لیلی ومجنون، یوسف و زلیخا.

– سودائی سدهٔ دهم اوراست: لیلی‌ومجنون بترکی.

– بهشتی سلیمان چلبی، هشت مثنوی بترکی سروده.

– فضولی صاحب «حدیقة السعداء» سدهٔ دهم، خمسهٔ بترکی دارد.

– فیضی دکنی (م–۱۰۰٤) خمسه دارد (ذریعه:۷:۲٦۲).

– شأنی یکلو(م–۱۰۲۳) مخزن الاسرار راتتبع کرده.

– شفائی اصفهانی (م– ۱۰۳۷) اوراست: لیلی و مجنون، دیدهٔ بیدار، مخزن‌الاسرار، وخسرو وشیرین‌رانیزتتبع نموده (ذریعه: ۷: ۲٦۰).

– ضمیری اصفهانی. همزمان شفائی اوراست: نازونیاز، بهار وخزان، لیلی ومجنون، وامق وعذراء، اسکندرنامه، حسنة الاخبار (ذریعه۷:۲٦۰).

– داودبن عبدالله اصفهانی. خمسه‌دارد (ذریعه ۷: ۲۵۸).

– سیدحسن بن فتح‌الله خمسه‌دارد که‌بسال(۱۰۳۸)سروده.(ذریعه:۷:۲۵۷).

– میرداماد (م–۱۰٤۱) گویند مثنوی داستانی بنام مطلع الانوار دارد.

– نوعی زاده عطاءالله‌عطائی(م–۱۰٤٤)خمسه‌بترکی‌دارد.(کشف‌الظنون).

– روح‌الامین میرجمله (م– ۱۰٤۷) اوراست: خسرو وشیرین، مطمح الانظار لیلی‌ومجنون، بهرام‌نامه، جواهرنامه (ذریعه ۷ : ۲٦۰).

– هدایت، میرزاحسین‌سرپرست‌اصطبل‌شاه‌عباس،پنج‌مثنوی در(۲٦۰۰۰ بیت) سروده هیچ‌یك از آن‌ها معنی ندارد (ذریعه۷:۲٦۵).

– فتوق الدین احمد یزدی معاصر شاه عباس ، او نیز خمسهٔ بشوخی سروده‌است (ذریعه۷:۲٦۲).

– ملامرادبن میرزاجان‌سدهٔ یازدهم، لیلی‌مجنون‌دارد.

– کاشف شیرازی همزمان شاه‌عباس. لیلی ومجنون، وهفت پیکر را تتبع نموده.

تجلی علی‌رضا (م– ۱۰۸۸) لیلی ومجنون «ومعراج‌خیال» سروده.

– زلالی خوانساری سده یازدهم هفت‌مثنوی داستانی‌دارد.

– زمانی یزدی (م– ۱۰۲۱) خمسه‌را تتبع نموده.

– ملك قمی : در سدهٔ دوازدهم : مخزن‌الاسرار راتتبع نموده و « منبع الانهار» نامیده.

– ظهوری (م–۱۰۲٦) اونیز مخزن‌را تتبع کرده.

– محمدهاشم(شاه‌طبیب)هروی‌نامی(م–۱۱۵۰)خمسه‌دارد. کشف‌الظنون.

– شعله اصفهانی گلپایگانی‌اوراست: چاه‌وصال،یوسف‌زلیخا(ن–۱۱۸۰).

– فتح‌علی‌خان صبا نیزدرسدهٔ سیزدهم مشهورترین کسی است که خمسه داشته است.

– عهدی گونابادی. گوهر شهوار را دربرابر مخزن‌الاسرار سروده.

–صرفی. لیلی‌ومجنون دارد.

– هوس‌محمدتقی. لیلی‌مجنون بزبان اردوسروده.

– حسینی قزوینی شیرازی (م–۱۲٤۹) خمسهٔ دارد. الذریعه ۷ : ۲۵۷.

– شهاب ترشیزی (م–۱۲۱۵) خسرووشیرین دارد. (ذریعه ج۷ ص۱٦۱)

– شعلهٔ تبریزی محمدجعفر. خسرووشیرین دارد (ذریعه ج۷ ص۱٦۰)

– ابوالبرکات لاهوری. خمسهٔ دارد (ذریعه ج۷ ص۲٦۳)

– دشتی محمدخان خسرووشیرین دارد (ذریعه ج۷ ص۱٦۱)

– نامی. محمدصادق (م–۱۲۰٤) خمسه دارد (ذریعه : ۷: ۲٦۳)

براین فهرست باید شاعرانی را که شبلی نعمانی در «شعر العجم» یاد کرده که هر کدام مثنوی به‌پیروی ازمخزن‌الاسرار سروده اند بیفزائیم(۱) :

محمد کاشی: گلشن ابرار.

رهائی‌هروی: منظور انظار

۱ – وجه گویه‌شبلی این‌نامهارا از کتاب هفت آسمان برداشته‌است. جلد یکم‌هفت آسمان در آغاز سده بیستم میلادی درهند چاپ شده ، ودرآن همهٔ کسانی که مخزن الاسرار را پیروی کرده‌اند رقم گردیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

امیر هاشمی کرمانی : مظهرالآثار.
نیکی اصفهانی: زبدة الافکار.
ملاشیدا : (م-١٠٦٢) : دولت بیدار.
محمدعلی حزین(م- ١١٨١): مطمح الانظار.
هاشمی بخارائی. مظهرالانوار.

شرحهای خمسه نظامی:

١ــ هفت آسمان درمعرفی مقلدین نظامی جلداول آن درهند اوایل سده بیستم میلادی چاپ‌شده .

٢ــ شرح مخزن‌الاسرار درلکنهو (چ-١٨٨١م) .

٣ــ شرح مخزن‌الاسرار محمدبن قوام‌الدین بن‌رستم بن رستم بلخی یکرائی.(ن-١٠٦١)

٤ــشرح مخزن‌الاسرار بترکی ازشمعی (م-١٠٠٦یا١٠١٠) .

٥ــ نثر خسرو وشیرین ازغلامحسین منشی (ن-١٨١٥م).

٦ــ شرح شرفنامه اسکندری از بدرعلی ومیرحسین علی (چ- ١٨١٢ و١٨٢٥م) کلکته.

٧ــ شرح شرفنامه ازمحمد غفران‌درلهاوور (چ-١٨٨٩م).

٨ــ شرفنامه باحاشیه(چ-١٨٧٦م) لکنهو.

٩ــ کشف‌الوقایع شرح شرفنامه ازحامدبن جمال بخاری.

١٠ــ شرح شرفنامه‌ازملامحمد سعدالله‌پتنالی (ن-١١٤٦ق).

١١ــ شرح‌شرفنامه. ازآرزو سراج‌الدین (م-١١٦٩)

١٢ــ فرهنگ‌اسکندر نامه بری.

١٣ــ کلید اسکندر (فرهنگ. . .).

١٤ــ نثر خسرو وشیرین(١) ازرضیه حدائق.

خمسهٔ نظامی تامدتی پس از مرگ او در یك جا فراهم نبوده است

١ــ فهرست بهالار ج٢ ص٥٢٨.

شمس قیس که‌پنجاه سال پس‌از نظامی میزیسته در بحر مشاکل از کتاب المعجم خسرو وشیرین رانام برده وازخمسه نام نمی‌برد.

واز گفتار قزوینی‌در آثارالبلادنیز آشکارمیشود که تاآن‌تاریخ(ن-٦٧٤) این پنج گنج دریکجاگردهم نبوده است.

خمسه اکنون نزدیك بیست ونه هزار بیت شعر دارد لیکن درتذکره‌ها آنرا بیست وپنج هزاربیت نوشته‌اند. ومسلماً دست‌نویسان برآن‌افزوده‌اند.

اینك ما بمعرفی هریك ازاین پنج گنجینه گرانبها جداگانه میپردازیم:

١ــ مخزن الاسرار : نظامی این مثنوی را در زمان جوانی (نزدیك سی‌سالگی) بنام بهرام‌شاه پسرداودپادشاه ارزنجان در(٢٢٠٢س‌یا ٢٢٦٠و)(١) بیت سروده است. و در آن پند و اندرز بسیار از گفته فیلسوفان یونان گنجانده است.

آهنگ : بحر سریع . واین وزن برای مثنوی پیش از نظامی بکار نرفته است.

تاریخ سرودن این مثنوی را وحید (٥٧٢) نوشته ولی در پایان نسخه (چ- ١٩٠٨ هند) (٥٨٢) نوشته شده. بهرحال بهرام شاه از طرف الب‌ارسلان حاکم ارزنجان بوده است.

آغاز :

بسم‌اله رحمان رحیم — هست کلید در گنج حکیم

انجام :

بـاد مبارك گهر افشان او — برملکی کاین گهراست آن‌او

دوم خسرووشیرین: بنام‌طغرل بن‌ارسلان شاه‌سلجوقی واتابك شمس‌الدین ابوجعفر محمد ایلدگز ملقب به‌جهان پهلوان وبرادر وی اتابك قزل ارسلان‌در (٥٧٣) آغاز ودر (٥٧٦) پایان یافته است.

١ــ س = نسخهٔ بهالار آنچنانکه درفهرست آن (ج٢- ص٥٢٧ــ ٥٣٠) آمده‌است.و = نسخه وحید دستگردی آنچنانکه در سرآغاز دفتر هفتم «گنجینهٔ نظامی گنجوی ــ ص ــ فد = ٤٨٤ آورده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

موضوع داستان دلباختگی خسروپرویز (۵۹۰-۶۲۸م) پادشاه ساسانی نسبت بشیرین دختر ارمنی که بعد زن خسرو گردید، و رقابت فرهاد یکی از سران سپاه با خسرو دراین عشق است. ریشه این داستان ازمتون پهلوی گرفته شده، وجاحظ در کتاب المحاسن والاضداد ازآن یاد کند.

آغاز:

خداوندا در توفیق بگشای — نظامی را ره تحقیق بنمای

انجام:

روانش باد جفت شادکامی — که بادا رحمت حق بر نظامی

و درتاریخ آن گوید:

گذشته پانصد و هفتاد و شش سال — نزد کس بر خط خوبان چنین خال

پس از نظامی شاعران بسیار ازوی پیروی کرده ومانند اینن مثنوی ساخته اند. در ذریعه (ج۷ ص۱۵۹-۱۶۱) دوازده شماره آنهابعنوان خسرو و شیرین یادشده. وبسیاری بنامهای شیرین‌وخسرو، وفرهادوشیرین، وشیرین‌وفرهاد نیز سروده اند.

آهنگ: بحرهزج مسدس مقصور است. پیش از نظامی فخرالدین گرگانی این آهنگ‌را برای «ویس ورامین» بکاربرده است.

سوم لیلی ومجنون: آنرا بنام شروانشاه در چهارماه بسال (۵۸۴) در (۴۴۵۰س، یا ۴۵۰۰و) بیت سرود.

موضوع داستان دلباختگی قیس عامری ودخترعمویش لیلی میباشد. این داستان در سدهٔ یکم هجرت در شبه جزیرهٔ عربستان بنام بوده، و در سدهٔ چهارم درایران نیزرُ بانزد شده وباباطاهرعریان همدانی دردوبیتهای خوداز آن یاد کرده است. نظامی برای نخستین بار این داستانرا جداگانه بفارسی سروده وچون این داستان بـا داستان رمئو ژولیت(۱) همانندی دارد آقای

۱ — گویند این داستان درایتالیا بسدهٔ چهارم میلادی واقع گشته وپس شکسپیر شاعر انگلیسی (م- ۱۷۱۳-م) آنرا بنظم آورده، وامروز پیس‌آن در تآترها وفیلم‌آن درسینما های جهان شهرت بسزا دارد.

علی‌اصغر حکمت کتابی در مقایسه میان لیلی و مجنون نظامی بـا رمئو ژولیت شکسپیر نگاشته ودر پایان کتاب فهرستی‌از (۴۰) منظومه فارسی و(۱۳)ترکی وبك کردی ازاین‌داستان‌آورده‌است‌وهمه‌این‌منظومه‌ها پیروی از نظامی‌سروده شده ولی باید گفت درمیان همهٔ آنها تنهالیلی ومجنون مکتبی است که درادبیات پارسی جای خودراباز کرده وتااندازهٔ‌بالیلی‌ومجنون‌نظامی‌رقابت‌توانسته‌است.

نظامی‌دراین‌منظومه کوشش کرده،شروانشاه‌راپارسی‌وغیرترك‌نمایش‌دهد.

آغاز:

ای نام تو بهترین سر آغاز — بی نام تو نامه کی کنم باز

انجام:

این نامه که نام دار وی باد — بر دولت او خجسته پی باد

آهنگ: بحرهزج مسدس اخرب مقبوض.

چهارم: هفت‌پیکر: آنرا بنام گرپ ارسلان بسال (۵۹۳) در(۴۵۸۷س، یا۵۱۳۰و) بیت سروده

دراین‌داستان رزمها وبزم‌های بهرام گور پادشاه ساسانی (۴۲۰-۴۳۸م) راگزارش داده است.

نظامی ریشه های این داستان را از شاهنامه گرفته ودر آن توجه ویژه بشماره مقدس هفت‌داشته است:

هفت گنبد بهفت رنگ، نشان میدهد. واز هفت مجلسی که درآن هفت لعبت هستند وهریك هفت داستان میسرایند، سخن میگوید. وسپس دادخواهی هفت مظلوم‌را از بهرام نقل میکند. جایگاه ادبی این داستان تا آنجا است که برخی‌آنرا از چهار دفتردیگرنظامی برترشمرده اند.

آغاز:

ای جهان دیده بود خویش ازتو — هیچ بودی نبود پیش ازتو

انجام:

دولتت را که بر زیادت باد — خاتم کار بر سعادت باد

ودر تاریخ آن گوید:

ازپس پانصد ونود سه فزان — گفتم این نامه را چو نام‌وران

آهنگ: بحر خفیف سالم مخبون مقطوع. واین همان‌آهنگ حدیقهٔ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سنائی (م-۵۲۵) میباشد.

پنجم : اسکندرنامه : دراین مثنوی داستان یورش اسکندر مقدونی به خاور زمین وافسانه ها که دربارهٔ آن نقل کننده گزارش شده است. ریشه های این داستان را مردی مصری درسدهٔ سوم میلاد گردآورده، وآنرا به «کالیستنس» تاریخ نگار زمان اسکندر نسبت داده. سپس این داستان را در دورهٔ ساسانی بزبان پهلوی گردانیده اند، ودر آغاز اسلام بتازی درآمده و داستانهائی که بعد ها بنامهای اخبار اسکندر واسکندرنامه وآئینه سکندر بفارسی و تازی وترکی و هندی وجزآن نگاشته شده ،وچند شمارهٔ آن در ذریعه (ج۲ ص۶۱ وج۷ ۲۵۶ ببعد) آمده همگی(۱) ازآن ترجمه ها گرفته شده است. گفتگوی ما در اسکندرنامه نیست که نظامی سروده وپنجمین مثنوی پنج گنج وی شناخته شده است. این مثنوی در دو بخش است وهر کدام نام جداگانه دارد وماهریك را جدا میشناسانیم :

۱ ـ شرفنامه : نظامی آنرا بتاریخ (۵۹۷) برای اتابك نصرةالدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان که در (ج۴ روضة الصفا) یاد شده سروده است.

همهٔ این مثنوی (۶۸۰۰ بیت) ودر آن میهن دوستی نظامی نمایانست. مانند آنجا که گوید :

زمین عجم گورگاه کی است — دراو پای بیگانه وحشی پی است

آغاز :

خدایا جهان پادشاهی تراست — زما خدمت آید خدائی تراست

انجام دربرخی نسخه های چاپ هند :

بتاریخ پانصد نود هفت سال — که خواننده را زو نگیرد ملال

نوشتم من این نامه را در جهان — که تا دور آخر بود جاودان

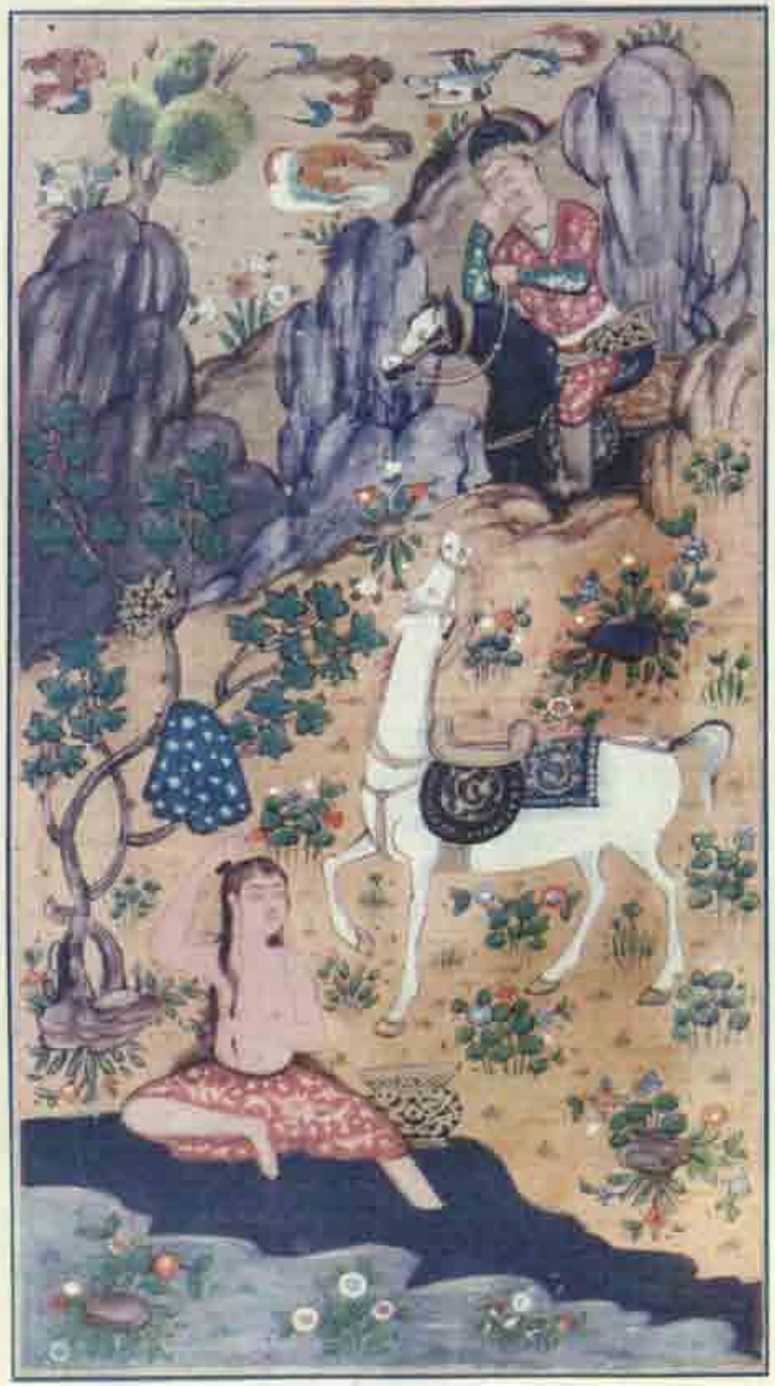
انجام نسخهٔ این کتابخانه :

از آن می که جان داروی هوش باد

مرا شربت و شاه را نوش باد

(۱)— یك نسخه اسکندرنامه بهنثر فارسی در کتابخانهٔ آقای سعید نفیسی هست ومتعلق بسدهٔ پنجم هجرت میباشد ، وبنا براین کهن ترین اسکندرنامه نیست که بزبان فارسی امروزی یافت شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



تصویر خسرو وشیرین

نمونهٔ یکی ازمجالس تصویر خمسهٔ نظامی شماره ۹۸ میان صفحه‌های ۵۰ و ۵۱

۳ ـ اقبال نامه یا خردنامه ـ آنرا بنام عزالدین مسعود بن ارسلان پادشاه موصل بسال در سالهای (۶۰۷–۶۱۵) در (۳۴۸۸ س با ۳۴۸۰ و) بیت سروده است.

دراین مثنوی اندرز و پندهای بسیار گنجانیده و بفیلسوفان یونان نسبت داده است. و دستورهای معانی بیانی و هنرهای لفظی را نیز در نظر گرفته است. نظامی درهنگام سرودن این مثنوی پیر بوده. و پس از پایان یافتن، آنرا بهمراه فرزند خود محمد بنزد ملك عزالدین بموصل فرستاده است.

آهنگ اسکندرنامه: بحر تقارب؛ فعولن فعولن فعولن فعولن. شرفنامه و اقبالنامه هردو بیك آهنگ سروده شده است.

شاید توان گفت که خمسهٔ نظامی پس از دیوان حافظ بیشتر از هر کتاب فارسی دیگر استنساخ شده، و در بیشتر کتابخانه‌ها نسخهٔ دستنویس آن یافت شود. و ازاین روی نویسندگان شعرهای بسیار بر آن افزوده اند و لی شعرشناسان کوشش کرده اند آنها را از خود کتاب جدا سازند. و حیددستگردی خمسهٔ نظامی را در شش دفتر چاپ و دیوان او را نیز دفتر هفتم قرار داده و در آن گزارش زندگی او را مفصل آورده است.

[۱۰]

نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب. نام نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن در پایان مخزن‌الاسرار (برك ۱۴۵) و پایان لیلی و مجنون (برك ۲۳۵) سال (۱۸۳ ـ ظ۱۰۸۳) نوشته شده. ۹۸

این نسخه همهٔ خمسه را دارد. بجز نیمهٔ دوم اسکندر نامه یعنی اقبال نامه که آن را نیاورده است

مثنوی مخزن‌الاسرار در برك (۴۷) پایان یابد و هفت پیکر در (برك ۱۰۵) و خسرو و شیرین در (برك ۱۷۸) و لیلی و مجنون در (برك ۲۳۷) و شرفنامه در پایان نسخه (برك ۳۱۶) و چنانکه می بینیم مثنویها را پیش کدارده است.

درهرروبه چهارستون و درهر سطر دو بیت نوشته شده است. جدول دور صفحه لاژورد و جدولهای درونی بازراست. عنوانها با شنگرف و درمیان جدول زرین جای داده شده.

دارای پنج سرلوح خوب در برگهای: ۳، ۴۷، ۱۰۵، ۱۷۸، ۲۳۷. و ده روبه حاشیه‌سازی در برگهای: ۳، ۴، ۴۷، ۴۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۳۷، ۲۳۸، و یازده مجلس صورت در برگهای ۲، ۳، ۴۵، ۴۵، ۴۷، ۱۰۴، ۱۰۵،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۳۶، ۲۳۰ ، ۳۱۶،۳۱۴ ، باشنگرف ولاژورد وسفید آبوزر، ودوروبه دریر گ‌های :
۱۷۸ ، ۳۱۴ ، با زرناب نقاشی شده .
(۳۱۶ برگ) که شش برگ آن پوست آهوی فارگ ودر میان اسامیها جاداده شده .
کاغذ ترمه خوب . جلد سوخت . دوروی زرکوب بسیار خوب بیرون مشکی درون سرخ
دارای رقم « آقا محمد صادق » .
اندازه : ص۲۸×۱۸ و ۳۱×۱۱ ؛ ۲۰ سطر .
نسخه در یوشش از ایلخانی سیرنیره رانگ باه‌توای ضربی جای گرفته است .

[۱۱] دیوان(۱) حسن دهلوی (فارسی)

حسن بن‌علی دهلوی سنجری ملقب بـه نجم‌الدین و متخلص به حسن همزمان امیرخسرودهلوی، وهردومرید نظام‌الدین اولیاء بوده‌اند . حسن مورد علاقه‌وعشق امیرخسرو بوده واین معنی زبانزد مردم گردیده، تاآنجا که علاء الدین

۷ — از نظر کتاب شناسی درفهرستها برای یافتن نام کتابهای شعری عنوانهای زیر باید جستجو شود :
(الف) — اگر درآن کتاب همهٔ شعرهای گوناگون یك شاعر گرد آمده باشد باید یکی ازاین عنوانها دیده شود :
کلیات ... ، دیوان ... ، مجموعهٔ اشعار ... ، ومانند آن؛
اگر درآن کتاب واحدهای شعری ویکه های مستقل را که هریك کتابی جدا ونامی ویژه داشته، گردآوری کرده باشند آنرا کلیات نامند
دربرخی «کلیات» ها مانند کلیات سعدی کتابچه های نثری مانند گلستان نیز دیده می شود .
واگر درآن کتاب چر یکه‌های مستقل شعری همه گونه دیگر شعرهای شاعر راگردگرده باشد دیوانش نامند؛
واگر فقط برخی ازشعرهای اوراگرد آورده باشند مجموعهٔ اشعاراو نامند .
ب) — واگر فقط یك‌نوع شعر درآن کتاب گردآورده باشند باید یکی از عنوانهای زیر دیده شود
غزلیات ... ، قصاید ... ، چکامه های ... ، مثنویهای ... ، پنج گنج ... ، خمسهٔ ... ، ستهٔ ضروریهٔ ... ، سبعهٔ ... ، هفت اورنك ... ، ترجیعات ودوبیتی های ... ، رباعیات ... ، تحمیسهای ... ، مخمسهای ... ، مسدسهای ... ، مسطهای ... ، سرودهای ... ، ، تصنیفهای ... ،
ج) — واگر فقط یك واحد مستقل ویکه جداگانه شعری درآن کتاب باشد، باید یکی ازعنوان‌های زیر دیده شود:
مثنوی، چکامه، قصیده، منظومه، ترجیع بند، ترکیب بند، دوازده بند، مخمس، مسدس، و مانند آنها.

باقی درزیرصفحهٔ آینده

فیروزشاه کوشش درجدائی آنها نمود، ولی سودمند نیافتاد. حسن درشعر، خود راسعدی هندخوانده وبخوشنویسی خودنیز اشارت دارد.

۱۵ جامی(۱) از گفتهٔ صاحب «تاریخ هندی» که معاصر حسن بوده آرد:
«وی مردی شیرین مجلس ومؤدب بود و کتابی بنام «فرائدالفوائد» نگاشته، ودر آن سخنان وپندهای مرشد خود نظام‌الدین اولیا راگرد آورده ، واین کتاب درآن روزگار دستورارباب عرفان شده . ووی‌راجزآن، دیوانهائی چندهست وصحائف نظم‌ونثربسیار. مرگ حسن درشهردولت‌آباد یا شهردیوگیرهند بسال ۲۰ (۷۲۷)بوده است .

گزارش زندگی او در «تذکرهٔ دولتشاه» درطبقهٔ چهارم و «مجالس العشاق» مجلس سی‌وچهارم و«مجمع‌الفصحاء» جلد اول ، و«تذکرهٔ خوشگو» و «هفت اقلیم» و «مرآت‌الخیال ص۴۸» آمده است.

نسخهٔ ازاین دیوان نزدآقای نخجوانی و دیگری در کتابخانهٔ سپهسالار است که (۶۴۰۰بیت) دارد. و نسخهٔ مادارای (۶۰۰۰بیت) میباشد .

بیشتراین دیوان درستایش شاه علاءالدین فیروز (محمدشاه) و چکامه ها و مثنویها وقطعه‌ها وحتی غزلها در ستایش اودارد ودو بیتهای عرفانی نیز در آغاز دیوان هست. درنسخهٔ ماغزلیات اونزدیك پنج هزاربیت میباشد.

[۱۲]

۱۰ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نام‌نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد ولیکن‌خط نزدیك بسدهٔ نهم یادهم‌است . عنوانها با لاژورد و زرناب .

باقی‌مانده‌صفحه‌پیش:
صاحب ذریعه برای ساده کردن کار و آسانی یافتن نامها ، همهٔ کتابها شعر - از هر کدام ازقسمهای سه‌گانهٔ بالا - را در زیرعنوان « دیوان » در آورده‌اند . ومن نیز در فهرست الفبائی که در پایان‌این‌فهرست‌خواهم آورد - برای‌آسانی کار خواننده - چنان‌خواهم کرد ؛ ولی دراینجا نیازی بتغییر دادن نام مشهور کتاب‌واحراف ازدستورهای گذشته یافتم، وبنا براین «کلیات» را در(حرف - ك) وخمسه را در (حرف - خ) میآورم . و کتاب‌شعری که نام ویژه داشته مانند «دیوان بیانی » که «مونس‌الاحباب‌نام» دارد‌بهمان نام‌خواهم آورد.
۱ - نفحات‌الانس (چ - نولکشور) ص۵۴۹

۱ - نفحات‌الانس (چ - نولکشور) ص۵۴۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میان برگهای : (۳-٤) و (٤-٥) و (۷-۸) و (۸-۹) و (۱۱-۱۲) و (۱۷-۱۸) و (۲۱-۲۲) و (۸۸-۸۹) و (۹۶-۹۷) و (۱۱۰-۱۱۱) افتاده دارد. آغاز و پایان نسخه نیز افتاده است.

تا برگ ۹ رباعیات، واز آنجا افتاده، ودر برگ ۱۸ مقطعات آغاز میگردد. واز برگ ۳۶ غزلیات بترتیب حروف الفباء آغاز میگردد. میان هر دو غزل واژهٔ «وله ایضاً» با زر یا لاژورد درمیان جدول نوشته شده.

همه رویه ها دارای جدول زر ولاژورد است. نسخه بغزلهای (قافیهٔ نی) پایان یافته، وگویا اندکی افتاده دارد.

برخی برگها پاره وصحافی شده، بویژه برگ (۲۳۳) که ازنیمه جداشده ویا کاغذ سفید وصله شده است.

(۲۵۱ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی. جلد تیماج قهوه‌ای‌سوده ویاز بصحافی‌دارد.
اندازه: ۱۳×۲۲ و ۶٫۵×۱۴٫۵ . ۱۴ سطر.

[۱۲] دیوان سحاب (فارسی)

سراینده محمد بن احمد حسینی اصفهانی است که بسال (۱۲۲۲) در گذشته‌است. تربیت (۱) بنقل از نگارستان دارا، اورا اردوبادی‌دانسته خودش «سحاب» تخلص میکرده، و پدرش که از شاعران بنام است، بهاتف متخلص بود، ودرپزشکی نیز دست داشته. سحاب دانش های ادبی‌را نزدپدر بیاموخت واز پزشکی نیزچیزی بر گرفت. درجوانی اهل عیش ونوش بوده، سپس به حجازومکه مسافرت‌نموده وپس‌از بر گشتن بوسیلهٔ فتحعلی‌خان صباملك‌الشعراء بفتحعلی‌شاه نزدیك گردید ودر پایان عمر از کارهای جوانی‌خود پشیمان وتوبه نموده ومجتهدالشعراء لقب گرفت. وپس‌از مرگ جسد او بنجف برده شد.

از نگارشهای سحاب اینهارا می‌شناسیم:

۱ — تذکرهٔ شعراء بنام «رشحات سحاب» بنام فتحعلی شاه است. و ناتمام مانده.

۱ — دانشمندان آذربایجان ص ۱۷۹.

۲ — «سحاب‌البکاء» درمراثی وتعزیه امامان.

۳ — دیوان شعر که‌بگفتهٔ‌انجمن خاقان(۱) ونگارستان دارا شامل هشت وبقول‌مجمع‌الفصحاء (۲) پنج هزار بیت است.

نسخهٔ (سپهسالار)دارای(٤۰۰۰ بیت) ونسخهٔ ما اندکی کمتر از (٤۰۰۰ بیت) ودارای قصاید وغزلیات است که دوهزار بیت‌آن غزل میباشد.

[۱۲]

۱۱۱ سخه بخط نستعلیق‌درشت. نام نویسنده وتاریخ نوشتن ندارد. ولی پیداست که در زمان سراینده نوشته‌شده‌است. ازآغاز نسخه تا برگ (۹۵) غزلها به ترتیب حروف نوشته شده. وازآنجا تا برگ (۱٤۱) چکامه ها بهمان ترتیب. وازآنجاتا برگ(۱۷۵) مقطعات ومثنویها. وازآن‌تا پایان‌نسخه (برگ۱۸۱) دوبیتی‌هامیباشد.

همه رویه ها دارای دو جدول زرین. عنوانها با شنگرف است.

(۱۸۱ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج سبز حریری کارکرده.
اندازه: ۱۶×۳۶ و ۵٫۱۰×۱۸٫۵ . ۱۲ سطر.

[۱۳] دیوان سنائی (فارسی)

ابوالمجدمجدودبن آدم‌سنائی‌غزنوی. این‌نام‌و کنیت‌را خوداو درشعر(۳) وزندگی گزاران درتذکره ها بنوداده‌اند. ولی‌در برخی‌از چکامه‌ها(٤)وی‌خود راحسن نامیده است.

امین احمد رازی درهفت اقلیم نام اورا مجدالدین دانسته، واین نادرست است. ودربشت‌نسخهٔ از کلیات سنائی(٥) که‌در کتابخانهٔ‌ملی‌هست اورا(ابوالحسن

۱ — انجمن‌سوم.
۲ — مجمع الفصحاء ج ۲ ص۲۰۷.
۳ — زانکه جد راستن شدم بنیت — کرد مجدود ما ندیم کنیت
٤ — زانکه نیکو کند از هم‌نامی — مدحت‌خواجه‌حسن‌شه حسن
٥ — این نسخه که میان سال های (۵۱۲ و ۵۲۵) نوشته شده چه‌سنائی (م—۵۲۵) را با جملهٔ [ادام‌الله تاییده] دعا کند، و بهرامشاه را که بسال (۵۴۹) بلخت نشسته با جملهٔ [خداالله ملکه] دعا کند. این نسخه را فخرالدین نصیری از اصفهان بدست آورده و بسال (۱۳۲۵ ش) وزارت فرهنگ آنرا برای کتابخانهٔ ملی تهران خریداری کرد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی‌بن آدم سنائی) نوشته اند . و نام و کنیت نخست درست‌تر از دیگران است . نام شعری و تخلص او «سنائی» نسبت به سناء است که بزبان‌تازی بمعنی روشنائی میباشد .

زادبوم و مرگ :

وی بسال(٤٦٤) بزاده(۱) وبسال (٥٢٥) درغزنین مرده(۲) و گور او درآنجا زیارتگاه بوده است. (۳)

برای نیمهٔ دوم زندگی، سنائی ازغزنین بخراسان آمده ، ودر جرگه مریدان خواجه ابویوسف همدانی درآمده وتوبه کرده است .

ابویوسف پیرخانقاه بزرگ خراسان ومرید ابوعلی فارمدی است.

درزندگی سنائی‌سفری ببخارای وسفری به بلخ‌وسفری‌نیز بحجاز نوشته اند. مذهب‌سنائی‌رابرخی‌شیعه‌آل‌عباس(٤)ومتاخران اوراشیعه‌دوازده امامی(٥) دانسته‌اند ولی درست آنست که وی شیعهٔ آغاز سدهٔ‌ششم ، یعنی مسلمان‌اصلاح طلب میبوده است .

شیوهٔ شعر :

سنائی درآغاز کار و نیمهٔ نخستین عمر بشیوهٔ فرخی و منوچهری میسرود برای تأمین عیش و نوش مادی شاهان و وزیران را ستایش میکرد، و به وصف طبیعت و زیبائیها بیشتر توجه داشت . ولی چون کامیابیهای جوانی را بپایان رسانید و بسن کهولت رسید ، افکار عرفانی که زائیدهٔ محیط اقتصادی آنزمان و هم واکنش می بند وباریهای جوانی او بود؛ در وی نیرو یافت . فرآورده های شعری سنائی در این دوره چون از

۱ — ابن‌یوسف درفهرست سپهسالار (چ۲ ص۴۹۳) این تاریخ را اودیک بیت شعر سنائی که درآغازهای باب‌پنجم‌حدیقه (باب غفلت) هست درآورده است.

عمردادم بجملگی برباد برمن آمد رشصت صدبداد

پس درتاریخ (٥٢٤ه) که حدیقه را سروده شصت‌ساله بوده‌است.

۲ — درمرگ سنائی چند گفته هست ودرست‌تر ازهمه این‌تاریخ است که محمدبن علی رضا همدمان سنائی دومقدمهٔ حدیقه آورده.

۳ — تذکره دولتشاه (ن - ۸۹۲)

٤و٥ — درآغاز نسخهٔ این کتابخانه وبیشتر تذکره های متاخر

تراوش مغز اوست از سرود های جوانی او که تقلیدی از گفته های فرخی و منوچهری است زیباتر میباشد .

بیشتر اشعار دیوان سنائی چنانکه خواهیم گفت در دورهٔ نخست سروده شده و پر است از ستایش شاهان ووزیران ولی‌حدیقه و دیگر نگاشته های او در دورهٔ دوم سروده شده است .

سنائی نخستین شاعر فارسی زبانست که ایده های عرفانی و صوفیانه را با شعر آمیخت. اگرچه‌بوسعید ابوالخیر شاعر عارف پیش از اومیزیسته ولیکن ازشعر او جز چند دو بیتی چیزی نمانده است . وعارفان پسین‌همه‌ازسنائی‌پیروی کرده اند . مولوی گوید :

عطار روح بود سنائی دو چشم او
ما در پی سنائی و عطار آمدیم

ازمسائلی که درشعرسنائی گنجیده‌است چنین می‌نماید که وی‌دردانشهای رسمی زمان خود مانند تفسیر ، حدیث ، فقه ، حکمت ، عرفان ، منطق ، کلام ، تاریخ ، ستاره شناسی و پزشکی دست داشته ، تا آنجا که فهم درست برخی ازشعرهای وی‌وابسته بدانستن قسمتی ازاین دانشها میباشد. چنانکه فهم اشعار صوفیانهٔ عارفان متاخر نیز تا اندازه‌ای وابسته بفهم اشعار پیشینیان مانند سنائی است . و این وابستگی را خود آنان نیز درك می کردنده اند (۱) ولیکن این معنی ساده و طبیعی را از کرمات خود می‌شمرده‌اند .

ناسازگاری افکار صوفیانهٔ سنائی که در اشعار وی گنجانده شده باعقاید خشك‌مذهبی آنزمان،مقامات‌مذهبی‌راواداشت تا برعلیه کتاب‌حدیقهٔ اودادخواهی مذهبی بنمایند، و اورا بدشمنی باآل‌سفیان‌وغلودردوستی آل‌علی‌متهم‌ساخته‌کافر دانستندتاآنجا که بهرامشاه‌با همه‌ارادت‌پیشین که‌داشت‌سنائی‌رابزندان‌افکند (۲)

(۱) شمس‌الدین افلاکی در «مناقب‌العارفین» از مولوی آورده : «هر که بسخنان‌عطار مشغول شود از سخنان حکیم سنائی مستفید شود ... و هر که سخنان سنائی بجد تمام مطالعه کند برسر سنای سخنان ما واقف شود.» ج ۲ مرآغاز حدیقه (ج ۲ - مدرس رضوی) (س. کو) بنقل‌از نسخهٔ «مناقب العارفین» آقای فروزانفر .

(۲) منتخب التواریخ عبدالقادربن‌ملوکشاه بدوانی جلد اول .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آثار سنائی :

۱ – دیوان سنائی. که گفتگوی ماذر آن است .

۲ – حدیقة‌الحقیقه . که در عنوان منتخب حدیقه آنرا می‌شناسانیم .

۳ – انتخابات. که گویا همان منتخب حدیقه باشد (ذریعه۲:۳۵۹).

٤–طریق‌التحقیق. یاوزادالسالکین، که بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در تهران و بمبئی در(۸۹٦بیت) چاپ شده .

۵ – سیرالعبادالی‌المعاد. یا کنزالرموز در مجمع الفصحاء (ج۱ص۲٦۲-۲۷٤) گنجانیده شده و سپس بسال (۱۳۱٦ ش) آقای سعید نفیسی آن را در(۷۷۰بیت) چاپ کرده‌است .

٦ – عشقنامه در(۱۰۰٦بیت) پند واندرز .

۷–بهروز وبهرام . هدایت‌درمجمع‌الفصحاء گوید‌داستان‌است(ذریعه۳: ۱٦۵). وآقای‌تربیت‌درمجله مهر(ش٦سال۵)چندبیتی از آن‌آورده است .

۸ – غربنامه . درسر آغاز حدیقه چاپ کلکته نامش آمده.

۹ – عقل‌نامه . نسخهٔ آن در کتابخانه سپهسالار هست. در (۱۹۵بیت).

۱۰ – کارنامه بلخ . یامطایبه‌نامه. نسخهٔ‌این کتابخانه (برگ۳٤۵پس).

۱۱ – دیباچهٔ حدیقة الحدیقه بنثر که گوینده در صبح روز مرگ خود در بستر بیماری بروز یکشنبه (۱۱ شعبان ۵۲۵) آنرا نگاشته .

۱۲ – دیباچهٔ نثری برای دیوان خود . نسخهٔ سدهٔ ششم از آن در کتابخانهٔ (ملك) هست . ودرسر آغاز دیوان چاپ شده .

۱۳ – جمع دیوان مسعودسعدسلمان توسط سنائی بوده . و چون آنرا گردآورد خواجه طاهر (ثقة‌الملك) بر او اعتراض نمود که اشعار بیگانه رابیژ با شعر مسعود در آمیخته ، پس سنائی چکامهٔ در پاسخ خواجه طاهرسرود. که در دنبال دیوان مسعود سعد چاپ رشید یاسمی(ص۷۳۳ – ۷۳۲) ودر دیوان سنائی چاپ مدرس رضوی (ص ۷۷۵) . و(برگ ۳۱۸) نسخهٔ شمارهٔ (۲۳۲) این کتابخانه آمده است .

۱٤–یك‌نامهٔ نثری ببهرامشاه غزنوی‌درتبرئهٔ خود،ویك‌نامهٔ‌منظوم‌برای

برهان‌الدین به‌بغداد دربارهٔ همان نوشته است .

دیوان او :

زندگی گزاران‌دیوان‌اورا‌دارای‌بیست‌ناسی‌هزاربیت‌دانسته‌اند . ومیرتقی کاشی آنرادر۱۳هزاربیت دیده ولی آخرین چاپ دیوان که توسط آقای مدرس رضوی در تهران منتشر شده است (۱۳۳٤٦ بیت) بیشتر ندارد .

اگرچه‌بیشترچکامه‌های‌این دیوان دردورهٔ نخست زندگی سنائی سروده شده،وپرازستایش شاهان ووزیران و گزافه گوئیها است ؛ باز هم نمایندهٔ افکار دوره های مختلف زندگی اومیباشد . وطرز فکرهای گوناگون درآن یافت‌شود. چنانکه‌دریك‌جا گوید:

هرگز نیافتم بچنین شعر هـای نغز — از هیچ رادمرد بده شعر یك شعار
تا پنج گانه‌ایم دهند از دویست‌شعر — اندر هزارروزدوچشم شود هزار

و در جای دیگر :

پیش هر دون مکن چو چنبر پشت — پـای هر سفله را مگیر چـو در
همچو نکبا از این و آن مربـای — همچو ترگس باین و آن منگر

چون عارفان پس‌از سنائی و صوفیان متأخر هریك از راهی خواسته‌اند از نام و شهرت‌سنائی‌استفاده‌نمایند ، ازاین‌رو در آثاراو دست‌برد زیاد زده اند وتاریخ و گزارش زندگی اورا باافسانه ودروغ بسیار آمیخته، تاآنجا که امروز در تاریخ مرگ او بیش از ده گفته می بینیم از (۵۲۰) تا (۵۹۰) دو نسخه از دیوان یا آثار دیگر او مانند یکدیگر یافت نشود، برخی از دیوانها دارای (٤۰۰۰ بیت) و برخی (٦۰۰۰) و برخی (۸۰۰۰) و (۱۰۰۰۰) تا (۱۲۰۰۰بیت) دیده میشود. ولی آخرین چاپ‌دیوان‌او بتصحیح‌وسرآغاز آقای‌مدرس رضوی‌در تهران‌بسال (۱۳۲۰ ش) دارای (۳۱۰) چکامه وهفت ترکیب بند و مسمط ، و (۳۷٦) غزل و (۱۸٤) قطعه و (٤۳۲) دو بیتی و دو فرد و همهٔ آن (۱۳۳٤٦ بیت) است .

این دیوان یك‌بار در تهران بی‌تاریخ(گویادر۱۲۷٤ ق) باندازهٔ ۲۰×۳۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بچاپ سنگ پخش شده، و یك بار نیز در هند (گویا ۱۳۲۸ق) و بار سوم در تهران با تصحیح آقای مدرس رضوی بسال (۱۳۲۰ش) بچاپ سربی پخش گردیده است.

آغاز نسخهٔ این کتابخانه:

ای منزه ذات تو عما یقول الظالمون
گفت علمت جمله را مالم تکونوا تعلمون

ودهمین بیت این چکامه همان آغاز نسخهٔ سپهسالار است که در (ج۲-ص۶۰۸) فهرست آنجا یاد شده. این چکامه در (ص۴۰۹) چاپ مدرس رضوی آمده است.

گزارش زندگی سنائی را در کتابهای زیر به بینید:

تاریخ گزیدهٔ مستوفی (ن - ۷۳۰) ج. گراوری ۱۹۱۰م (ص۷۸۴ و ۸۲۱).
نفحات الانس جامی (م-۸۹۸) (ج. نولکشور ص ۵۳۷).
تذکرهٔ دولت شاه (ن - ۸۹۲) - طبقهٔ دوم.
مجالس المؤمنین قاضی نورالله (م-۱۰۱۹). مجلس ششم.
حبیب السیر جزء چهارم از جلد دوم.
هفت اقلیم رازی (ن-۱۰۰۲) در شعرای خراسان.
کشف الظنون در عنوان «حدیقة الحقیقة».
آتشکدهٔ آذر (م - ۱۱۹۵) در خراسان - غزنین - ص ۹۳.
مجمع الفصحاء (ج۱ ص ۲۵۴-۲۷۴).
ریاض العارفین (ج۱۳۰۵ق) (ص۱۹۶-۲۱۰).
سخن وسخنوران (ج ۱ ص ۲۶۷-۳۲۷).
مقالهٔ آقای تربیت «مثنوی و مثنوی گویان ایران» (ص ۵۴۱ - ۵۴۴ شماره - ۶ سال ۵ مجلهٔ مهر سال ۱۳۱۶ ش).
- سرآغاز چاپ دیوان (۱۳۲۰ش) (بخامهٔ آقای مدرس رضوی).
- ذریعه: ج۲: ۳۵۹ و ج۳: ۳۶ و ۱۱۱ و ۱۶ و ج ۴: ۲۸۲.

[۱۳]

نسخه بخط نستعلیق زیبا، نام نویسنده ندارد، تاریخ نوشتن (۱-ج۲-۱۰۰۳) است که در برگ (۳۶۲-الف) دیده میشود. عنوانها با شنگرف وزر. همه رویه‌ها دارای جدول زرین ولاژوردین.

در سرآغاز این نسخه گزارش زندگی سنائی باهمان خط از جائی نقل کرده‌اند. ودر آن از تذکرهٔ میرقنی کاشی و تذکرهٔ دولتشاه و «مجمع العشاق» و «مجمع الشعراء» سخنانی آورده است. در سرلوح زیبا در برگ (۱-ب و ۶-ب) از لاژورد و شنگرف و زر هست از آغاز نسخه تا برگ (۳۲۹) چکامه ها و غزلها بی‌ترتیب آمده واز آنجا تا (۳۴۵) دو بیتها و از آنجا کارنامهٔ بلخ آغاز میشود.

این نسخه پیش از آنکه بدست آقای مشکاة بیفتد از آن آقای پارسا توسرکانی بوده، و هنگام تصحیح دیوان توسط آقای مدرس رضوی در اختیار ایشان قرار گرفته و در سرآغاز چاپ (۱۳۲۰ ش) بنشانی (نسخهٔ پ) از آن یاد کند (س - عج و عز) در کنار رویه (۳۱۷ب) خط محمود قاجار دیده میشود و گویا همانست که (ج۱-ص۵۲) این فهرست یادشده.

۳۶۲ ورق. کاغذ ترمه اصفهانی.
جلد روغنی دو رویه ۳ گل و بوته دار کناره و قه آن وصالی شده با ترنج منگنی.
اندازه: ۱۳ × ۲۳ و ۷.۵ × ۱۶ : ۱۷ سطر.

[۱۴] دیوان فغانی (فارسی)

بابا فغانی شیرازی در شعر فغانی تخلص می نمود، در آغاز در شیراز چاقوسازی میکرد و از این روی سکاکی تخلص می‌نمود. سپس برای گشایش در زندگی بتبریز شد و بدربار سلطان یعقوب (۱) پناه برد و بستایش گوئی وچکامه سرائی پرداخت، وکار او بالا گرفت و از طرف شاه بلقب بابا فغانی خوانده آمد و مقام «بابای شاعران» دربار گرفت. در باده نوشی و مهرورزی زبان زد شد، و پس از مرگ یعقوب در (۸۹۶) بشیراز باز گشت. و پس از اندکی بخراسان شده و مدتی در شهر ابیوردمی زیست در این هنگام میر علی شیر نوائی در مجالس او را از جملهٔ شاعران دربار سلطان شهید شمرده و گویا یکی از امرای زمان هرج و مرج خراسان را خواسته است. و او را بخوش طبعی ستوده(۲)، و در یکی از چکامه‌های خود بایسنقر میرزا را ستوده است(۳)

(۱) یعقوب از خاندان آق‌قویونلو حکمرانان آذربایجان در (۸۸۴ تا ۸۹۶) پادشاهی کرده است. طبقات لین‌پول ص ۲۲۷.
(۲) مجالس النفائس (چ تهران ۱۳۲۳ش) ص ۱۶۱ و ۲۰۷.
(۳) آنجا که گوید:
بحمدالله که باز از عدل یعقوبی جهان پر شد — بنای خطبهٔ شاهی بنام بایسنقر شد
(برگ ۱۹۴ ب) نسخه این کتابخانه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سام میرزا گوید:

روزی یك من شراب ویك من گوشت از حاکم شهر ابیورد(۱) جیره داشت. باری چون فغانی بسن پیری رسید مانند دیگر شاعران اهل حال وخوشگذران؛ توبه نموده و چکامهٔ در ستایش امام هشتم شیعه علی بن موسی الرضا(۱) سروده است. دیوان شعر او دارای غزلها و چکامه ها و قطعه ها و دو یتیها وترجیع بندها میباشد.

اشعار او بیشتر جنبهٔ عشقی و سوز و گداز دارد. این دیوان توسط آقای احمد سهیلی خوانساری بسال (۱۳۱۵ ش) در تهران چاپ شده و دارای (۵۸۲) غزل است و نزدیك (٤۰۰۰ بیت) شعر دارد. و در نسخهٔ سپهسالار که (۳۸۰۰) بیت شعردارد؛ شعر چاپ ناشده دیده میشود(۲). ولی نسخهٔ مابیش‌از (۵۰۰۰ بیت) شعر و بیش از ششصد غزل دربردارد.

گزارش زندگی فغانی را در جاهای زیر باید دید:

تحفهٔ سامی (ص۱۰۲-۱۰۳) ومجالس‌المؤمنین (ص۵۳۹-۵٤۰). هفت اقلیم در شعرای شیراز. مجالس‌النفائس (ص۱٦۱ و ۳۰۷). آتشکدهٔ آذردر شاعران شیراز. ریاض‌العارفین روضهٔ یکم. فهرست سپهسالار (ج ۲ ص ۹٤۸) و سرآغاز دیوان چاپی او بخامهٔ احمد سهیلی خوانساری.

[۱٤]

نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده محمد حسین چلایر (برگ۱۹۵-الف) تاریخ نوشتن ندارد، لیکن نزدیك بزمان خود شاعر (فغانی) درسدهٔ‌دهم میباشد. ازآغاز نسخه یك برگ افتاده، و رویهٔ سوم نسخه که‌زرافشانی نیز شده بجا مانده است. و تا برگ (۳٦ - الف) چکامه‌ها وترجیع بندها را نوشته پس دو رویه را سفید گزارده و از برگ (۲۷ب) غزل را آغاز کرده. این رویه را نیز زرافشانی نموده و یك سرلوح از لاژورد و شنگرف و زر و مرکب سیاه برآن

(۱) تحفهٔ سامی‌ص۱۰۲ - ۱۰۱.
(۲) فهرست سپهسالار ج۲ ص ٦٤۹.

نهاده است. غزل ها را بترتیب الفباء بسنجیده، و در برگ (۱۹۲ - الف) غزلها پایان یافته ویك ترکیب بند دومرگ شاه سروده، ازبرگ (۱۹۵ - الف) دوبیتیها آغازودر (۱۹۸ب)پایان یافته. و دراین‌جا نسخه افتاده دارد، و دربرگ(۱۹۹) یك مثنوی ناقص نوشته شده که دانسته نشد از آن کی و از کجا است.

همهٔ رویه‌ها بازر ولاژورد و شنگرف جدول‌بندی‌شده. بیت تخلص را در میان سطر نهاده و پیرامن‌آن جدول کشیده است. پیش از برگ یکم دو برگ سفید افزوده‌اند و بریك برگ آن‌گزارش زندگی بابا فغانی‌راازهفت اقلیم نقل کرده‌اند.

(۱۹۹ برگ) کاغذ ترمه نخودی.
جلد تیماج حنائی مقوائی کارکرده.
اندازه: ۱۰×۱۷ و ۷×۱۲؛ ۱۵ سطر.

[۱۵] دیوان فنا (فارسی)

در سوگواری و مرثیه و عزاداری برای سیدالشهداء (ع).

مرثیه سرائی:

تأسف از حادثهٔ نامطلوب یکی از غرایز انسان است. و سوگواری بر مردگان نیز مانند هر ناخشنودی دیگر یك مسئله طبیعی و تابع احساسات بشری است و شدت و ضعف‌آن‌بااندیشه وعقل‌نسبت‌معکوس دارد. درزمانهای گذشته سوگواری و نوحه سرائی برای گذشتگان یکی از اقسام شعر بوده و در فرهنگ ملتها جائی باز داشته است. ولی اندازهٔ گسترش این قسمت‌از ادبیات با چگونگی وشرایط محیطها تغییر میکرده است، دربیشتر جاهابس‌از وقایع ناگواری بزرگ و همگانی تا مدتهااندوه و سوگواری همگانی ادامه می‌یافته، مثلا پس از حمله وحشیانه ژرمنها بر روم تا مدتها در تآثر ها نمایش تراژدی‌بیشتر خواهان میداشت وهمچنین بوده‌است حال‌اروپا پس‌ازحمله هونها.

هولناکترین حادثه در خاور نزدیك در مدت هزار سالهٔ دوم میلاد تاخت و تاز مغولان میباشد که درسدهٔ هفتم هجری واقع و نزدیك بیست‌ملیون از مردم این سرزمین را بخاك و خون کشید و آبادیها را ویران ساخت. واکنش این مصیبتها در روان و فکر و اندیشهٔ مردم این سامان پس از سدهٔ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هشتم، بانواع گوناگون آشکار گردید. عرفان که تا این هنگام جنبهٔ اخلاقی و ملایم داشت بسوی بی شد و باری و خراباتی گری کشیده شد. سوگواری و آه و ناله که تااین زمان یك قسمت کوچك، ازادبیات بشمار میرفت اندك اندك برهمهٔ قسمتهای دیگر فرهنگ تسلط یافت. وعظ و خطابه که تا این هنگام عنوان تبلیغ و پند و اندرز دادن بمردم داشت جنبه عزاداری و سوگواری بخود گرفت. از آغاز سدهٔ دهم هجری با انتشار کتاب «روضه الشهداء» (۱) بخطیبانی که‌این کتابرا برمنبرهامی‌خواندند بجای‌عنوان کهنهٔ«خطیب»و«واعظ» وه کتابخوان»لقب‌نوین«روضه‌خوان»داده‌شد. بهترین‌اشعارسدهٔدهم شعرهائیست که در سوگواری سروده شده است(۲). در سدهٔ یازدهم و دوازدهم این‌معنی فزونی یافت و در این مدت شاعری که مرثیه نگفته باشد کمتر یافت میگردد. و بنابراین جای شگفتی‌نیست اگربه یتیم دیوان‌فناسرا پا ناله در مصیبت وآه واندوه است، و یك شعر جز نوحه‌سرائی‌در آن یافت نمی‌شوداین دیوان در نیمهٔ دوم‌سدهٔ دوازدهم سروده‌شده است. درآن‌زمان اصولا شعر جز در نوحه‌سرائی برای امامان مطرود و ناپسند و باصطلاح فقهی مکروه بوده است. سراینده این‌دیوان مردی عارف منش بنام میرزا عبدالرسول زنوزی - ازاطراف تبریز- پسر حسن حسینی است.

وی‌ازسخنوران نامبردارز نوز بوده‌ومدتی‌درشهرخوی‌می‌زیسته، وبیشتر عمر خودرا بجهان گردی گذرانیده و «فنا» تخلص می‌نمود. وی نزدیك بهفتاد سال عمر کرد.

فرزند او میرزا حسن زنوزی است که «فانی» تخلص میکرده ودرشهر خوی‌بسال(۱۱۷۰) بزاده

و بسال(۱۱۹۵) برای آموزش عالی بعراق رفته و تا (۱۲۱۶) زنده بوده است. گزارش زندگی پسر در ذریعه (ج۳-ص۴۲) آمده است.

(۱) نگارش ملاحسین‌واعظ کاشفی (م-۹۱۰).

(۲)درست بهترین شعرفارسی این‌سه‌را باید مرثیه‌های‌مخشم کاشی(م-پس‌از۹۹۱) شمرد. بویژه «دوازده بند» او که مورد تقلید عدهٔ بسیاری نیز واقع گردیده.

آغازدیوان:

باز این فغان و غلغله اندر زمانه چیست ؟
این آتش زبان فنا را زبانه چیست ؟

این دیوان نزدیك (۵۵۰۰ بیت) شعر دارد.

[۱۵]

نسخه بخط نستعلیق شکسته بسیار خوب. نام نویسنده عبدالکریم. بتاریخ ۱۲۶۱ (۱۲۶۱) در تبریز نوشته شده. عنوانها وبرگردانها (بندهای ترجیع) را با شنگرف نوشته. همهٔ رویه‌ها جدول بندی شده. دارای دو جدول زرین وشنگرفی وسیاه، میان دوجدول حاشیه نویسی نموده وباقیمانده صفحه‌را درآن‌نوشته برگردانها را میان جدول‌زرین ویژه نهاده است:

(۱۱۰ برگ)کاغذ ترمه اصفهانی. جلد تیماج‌سبزضربی زرکوب. دارای برگردان. درون ابری برقه‌دار سبز.

اندازه: هر۱۳×۲۱ وهر۶×۲۱ ؛ ۱۵ سطر. متن ۱۳ بیت شعر در حاشیه.

[۱۶] دیوان مجدالدین همگر (فارسی)

مجدالدین پسراحمد یزدی. در شعرخودرا «همگر» میخواند. یکجا خود را وارث ابوبکر(۱) خوانده و بیشتر جا ها خود را از نژاد ساسانیان نه از تخمهٔ تکین(۲) دانسته.

مستوفی درتاریخ گزیده وخوندمیر درحبیب‌السیر ودیگران نیز گفته‌اند: همگر یزدی است ودرجوانی بشیراز رفته ومدتی آنجا ماند. ولیکن هفت اقلیم وآتشکده اشتباهاً او را درشاعران شیراز آورده‌اند.

همگر لقب خود و پدر اوست، و در شعر گاهی خود را همگر و گاهی پسر همگر و گاهی مجد همگر خوانده است. واین لفظ بمعنی رفوگر و کسی است که شکاف را بهم کشد، گویا یکی از نیاکان او یا پدرش این هنر داشته است.

(۱) توئی محمد و من وارث ابوبکرم
چو یار غار توام این حدیث زیبا بیست
ولی‌اگر[من وارثت] بخوانیم، این‌معنی‌را نخواهدداد. وابوبکر کنیت مجدهمگر میشود.

(۲) هستم ز نسل ساسان ز تخمهٔ تکین
هستم ز صلب کسری نزدودهٔ نیسال

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پدرش احمد همگر یزدی از کارمندان دولت بوده و شعر نیز میگفته(۱) است.

همگر مردی خوش زبان و پاسخ گوی و شیرین سخن بوده است.

در تذکرهٔ دولتشاه او را ملك الشعراء عراق عجم و فارس خوانده ودر خزانهٔ عامره وفارسنامه ودیگران او را ملك‌الشعراء اتابك سعدبن ابی‌بکر دانسته اند. همگر از دربار سلغریان ستم نیز دیده و مدت ششماه در زندان ایشان زیسته(۲) و عمر او دراین‌وقت اندکی بیش‌ازسی‌سال بوده. و هنگامی نیز بیاری سلغریان جنگ کرده و اسیر دشمن گردیده است.

همگر با چهار تن از سلغریان همزمان بوده و ایشان را ستوده‌است: بسال (٦٢٣) ابوبکر پسرسعد پسرزنگی پسرمودود بتخت نشسته و سال(٦٥٨) بمرد و پسرش سعد دوازده روز پادشاهی کرد و سپس محمد پسر زنگی بتخت نشست ودر(٦٦٠) محمدشاه پسر سلغر پسر سعد پسرزنگی بتخت نشست وبسال (٦٦٢) پادشاهی این خاندان بدست مغولان بریده شد. (۳)

همگر نابودی این خاندانرا نیزدیده است ودر شعر برنابودی ایشان افسوس خورده‌است. و در آغاز کار هرچند حاکمان مغول باو نزدیك شده‌اند او روی خوش نشان نداده و بکرمان رفته‌است، و عصمت الدین والغ ترکان (ش٦٥٥-٥٨١) را ستوده و در این‌هنگام چهل ساله بوده است. سپس بشیراز باز گشته و صاحب دیوان خواجه شمس‌الدین محمد جوینی وزیرمغول‌راستوده است. و مدتی از طرف وی حکمران موصل گردیده و در آن دیار با کفار(٤) جنگ کرده‌است.

وی‌سفری بطوس برای دیدار صاحب دیوان‌وسفر دیگر ببغداد برای

(۱) خود گوید:

بفضل اگر پدرم حشمت و بزرگی یافت — چنانکه گشت سلاطین عصر را مجرب

و نیز بخود گوید:

ای‌که در شعر وارث همگر — صاحب فکر و نکته و آثار

(۲) کتابچهٔ مجد همگرنگارش آقا نفیسی.

(۳) طبقات سلاطین اسلام لین پول ص۱۵۵. و کتابچهٔ مجد همگر ص ۱٦.

دیدار برادرصاحب‌دیوان یعنی عطاملك‌جوینی تاریخ‌نگار نامبردار که‌در آن‌هنگام حاکم بغداد بوده، رفته است. و نیز با بهاءالدین محمد پسر شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان که مدتی حاکم اراك و اصفهان بوده است دوست شده، و ازاو حکومت اربل‌را خواسته. وپس‌از کشته شدن بهاءالدین در(٦٧٨) او را رثاء گفته است. و پس از کشته شدن صاحب دیوان در (٦٨٣) نیز او را رثاء گفته است.

برچیدن خاندان جوینی همگر را خانه نشین کرد. وی سه سال پس از ایشان در اصفهان گوشه نشین بود و در (۱۷ - صفر ٦٨٦) بدرود زندگی گفت بدرالدین جاجرمی در رثاء و تاریخ مرگ او گوید:

سال هشتاد بود وششصد وشش — هفده بگذشته بد ز ماه صفر

که شد از اصفهان بدار بقا — متبع فضل مجد دین همگر

پس سال (٦٧٠) برای‌تاریخ مرگ او درست نیست.

در دورهٔ جوینیان همگر در شعر از پیری می‌نالد.

شاعران این دوره داوری او را در شعر میپذیرفته‌اند وهنگامی که عدهٔ از شاعران کاشان در برتری شعر ظهیرفاریابی و شعر انوری گفتگوها کردند، امامی اهری و مجد همگر را بداوری پذیرفته و شمس‌الدین کاشی دادخواست منظومی بنزدآن دو فرستاد، وهریك ازآن دو شعری درپاسخ فرستادند. تاریخ چکامهٔ پاسخنامه همگر پایان رجب (٦٧٤) است.

آقای نفیسی در کتابچهٔ احوال‌همگراورا پایه گذار نوعی معماسرائی دانسته، گوید: پس‌ازاو جامی‌وشریف معمائی وشریف‌الدین علی‌یزدی ازوی‌تقلید واین روش را گسترش داده‌اند.

ازهفت اقلیم، و خزانهٔ عامره، ودولتشاه وجز آن برمیآید که وی‌خوش نویس و تند نویس نیز بوده است. جاجرمی در «مونس الاحرار» او را منشی الکلام یعنی دبیر خوانده. در خزانهٔ عامره و روز روشن در تند نویسی همگر نقل کرده اند که او سلجوقنامه را دریکروز دو شنبه سلخ‌رمضان(٦٦٩)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نوشته است(۱) و از بهاءالدین محمد پسر محمد جوینی سه هزار دینار برای این کار جایزه دریافته است .

هفت اقلیم شماره شعر دیوان همگر را (۳۰۰۰ بیت) دانسته و نسخهٔ که نزد آقـای نفیسی بوده و از آن در رسالهٔ « مجد الدین همگر » یـاد کند (۳۱۹۲ بیت) داشته است . و نسخهٔ این کتابخانه فقط (۱۴۵۰ بیت) دارد .

[۱۶]

نسخه بخط نستعلیق ریز ، نام نویسنده ندارد . در روی برگ (۱ـ الف) نوشته شده : این دیوان مجد الدین همگر در تهران در (۱۳۳۵ ق) برای کتابخانهٔ اینجانب نوشته شد (امضاء) و (مهر) که هیچیك خوانده نشد . در رویه (۱۶۳) دیوان پایان یافته و در رویه های (۱۶۶ تا ۱۷۳) فهرستی برای دیوان نوشته . عنوانها در فهرست با شنگرف و باقی عنوانها سفید مانده است . همه رویه‌ها دارای جدولی از زرولاژورد ، برخی نسخه بدل‌ها را در کنار رویه‌ها نوشته شده .

همهٔ این جلد (۱۹۴ رویه) که (۱۷۳ رویه) را نوشته و باقی را جدول بندی کرده و میخواسته چیز دیگری بنویسد ولی سفید مانده است . کاغذ آرمه سفید لیره رنك آهار مهره ، جلد ترمیم قهوهٔ متوالی .

اندازه ۹/۵×۱۲/۵ و ۸×۶ : می رویه نخست ۱۰ سطر دارد و باقی نسخه ۹ سطر یست .

[۱۷] دیوان مجذوب تبریزی (فارسی)

سراینده میرزا محمد پسر محمدرضا تبریزی ملقب بشرف الدین و متخلص به مجذوب ، نصرآبادی اورا دانشجوی خوب و گشاده‌دل و دارای ذوق صوفیانه بسیار دانسته گوید دانش جویـان تبریز همه روزه در آمـوزشگاه او گرد میآمده‌اند(۲) ـ هدایت اورا شاعر عارف دورهٔ صفوی شمرده(۳) آقای تربیت کتابچه منظوم بنام « تأییدات » در عرفان در سیصد و چهارده بند از او دانسته

(۱) دو کتاب بنام سلجوقنامه هست : الف) از امیر ناصرالدین یحیی پسر مجدالدین محمد ترجمان که باین بی‌بی نامبرده است شرحیست کوتاه در (۳۳۷ صفحه) بلیدن چاپ شده .
ب) منظومه ایست از قاضی طوسی ، ملك الشعراء بهاء الدین احمد پسر محمود در شصد هزار بیت .

(۲) تذکرهٔ نصرآبادی چ ۱۳۱۷ ش . ص ۱۹۲ — ۱۹۳ .
(۳) ریاض العارفین چ ۱۳۰۵ ق . ص ۱۳۵ .

و تاریخ سرودن آنرا (۱۰۸۸) دانسته . و از کتابچه دیگر او « شاه راه نجات » نیز نامبرده و تاریخ سرودن آنرا (۱۰۶۶) دانسته(۱) ، ولی نصرآبـادی تاریخ سراییدن این کتابچه را از گفتهٔ مجذوب چنین آورده :

بهر تاریخش آنکه درهاسفت | شاه راه نجات دلها گفت

یعنی [شاه ۳۰۶ + راه ۲۰۶ + نجات ۴۵۴ + دلها ۴۰ = ۱۰۰۶] .

و نیز نصرآبادی نمونه هائی از چند مثنوی وی آورده است ، و هدایت هم از مثنوی بحر خفیف شاه راه نجات نامبرده و هم دیوان او را که بیش از پنج هزار بیت شعر داشته ، ودارای چکامه‌های بسیار درستایش امامان می بوده است دیده وبیت زیر را تیزاوی آورده :

خـانقاهی که بخرجش نکند دخل وفـا
صرفهٔ وقف در آنست که می خـانه شود

تربیت نیز به سه مثنوی او که در بحرهای خفیف و رمل و تقارب بوده‌است اشارت کرده .

در کتابخانهٔ ملك یك نسخه از « شاهراه نجات » که درست هزار بیت دارد هست(۲) و بسال (۱۰۸۴) نوشته شده و از دیوان او نیز سه نسخه(۳) در آن کتابخانه هست و هریك نزدیك (۳۵۰۰) بیت شعر دارد و نیم بیشتر آن غزلها میباشد که بترتیب حروف الفبا بسیجیده‌است .

نسخهٔ دیوان وی که در این کتابخـانه هست گلچین از غزلیات مجذوب است ، و فقط بیست وشش غزل آنرا بر گزیده و از چکامه ومثنویهای او چیزی نیاورده است .

در پایان یادآور میشود که این مجذوب تبریزی غیر از مجذوب همدانی محمد جعفر فره گوزلو است که مجـذوب علیشاه خوانده شده و در تبریز دفن

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۳۲۶ .
(۲) فهرست دیوانهای کتابخانه ملك شمارهٔ (۱۲۳) .
(۳) فهرست دیوانهای کتابخانهٔ ملك شماره‌های (۱۳۰ و ۱۵۱ و ۲۸۹) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شده است. و نیز غیر از مجذوب علیشاه دیگر (میرسلام‌الله) است که مجرم تخلص داشته و اهل مراغه بوده.

[۱۷]

این نسخه با دیوان نور علیشاه در یك جلد است. و از برگ (۱۰۰) تا پایان جلد (برگ ۱۱۳) را گرفته. خط نستعلیق شکسته نام نویسنده ندارد. تاریخ نوشتن (جمعهٔ ۸ ـ ذیحجهٔ ـ ۱۲۳۳) . در برگ پایان نسخه هشت شماره مهر که گویا از آن بزرگان صوفیهٔ این‌زمانست دیده میشود. رویه‌ها دارای جدول زرین. پاین رویه‌ها بسبب دستمالی بسیار رنگ جعولها بسبزی تبدیل یافته. عنوانها با شنگرف مجموعاً بیست و شش غزل دارد.

همهٔ مجموعه (۱۱۳برگ) این‌دیوان(۱۳برگ) کاغذ‌ترمه سفیدخوب، جلدلیقاح سبزیك‌لا درون ابری یونه‌دار.

اندازه، ۸سم×۱۴سم و ۵×۱۰ ؛ ۱۱ سطر.

[۱۸] دیوان منوچهری (فارسی)

ابوالنجم احمدپسرقوص پسراحمد منوچهری دامغانی(۱) شاعر بزرگ فارسی‌زبان‌سدهٔ‌پنجم هجرت‌است. گویا تخلص خودرااز نام منوچهر پسرقابوس وشمگیر (ش۴۰۳-۴۲۳) گرفته‌است ، وتا این‌سال در دربارا‌ومیزیسته، وپس‌از مرگ‌منوچهری بری رفته وستایش‌علی‌بن‌عمران وظاهردیرعمید عراق‌میکرده است . و پس از سال (۴۲۴) بخراسان بدربارمسعود غزنوی‌شد، وبستایش وی ووزیرش احمد بن عبدالصمد پرداخت ، و بیشتر شعر خود را در این هنگام سروده است.

میرتقی‌کاشی عارف مسلکانه خواسته‌است منوچهری‌را عارف وسالك

(۱) خود گوید :

سوی تاج عمرانیان هم بدینسان بیامد منوچهری دامغانی

و بنابراین گفته دولتشاه ، که منوچهری بلخی است . و پیوی آذر در آتشکده از وی بی‌جا میباشد.

طریقت و مرید امام‌الحرمین ابوالمعالی عبدالملك‌بن‌ابی محمد جوینی بشناساند(۱) و این نادرست است چه در هنگام مرگ منوچهری (۴۳۲) این امام سیزده یا پانزده سال بیشتر نداشته است و او بسال (۴۱۷)یا(۴۱۹) زاده(۲) .

دولتشاه سمرقندی منوچهری را با احمد پسرمنوچهر معروف بشصت کله معاصر راوندی صاحب راحة‌الصدور ومعاصر طغرل‌بن محمدبن‌ملکشاه سلجوقی (ش۵۷۱-۵۹۰) اشتباه کرده و منوچهری را بلقب شصت کله‌خوانده، ودیگران نیز بپیروی و باین اشتباه دچار گشته اند (۳) .

میرتقی کاشی منوچهری را شاگرد ابوالفرج سکزی دانسته وبرخی اورا شاگردعنصری‌شاعردانسته، دولتشاه‌وامین‌احمدرازی‌درهفت‌اقلیم‌اورااز‌شاعران دورهٔ‌سلطان‌محمود دانسته وهدایت‌منصب‌ترخانی دورهٔ سلطان‌محمدبن‌محمودرا بمنوچهری داده و این هرچهار مسئله نادرست است چه منوچهری فقط بسال (۴۲۴) بدربار غزنوی رسیده ، نه محمد را دریافته و نه پدرش سلطان محمود را .

منوچهری‌در توصیف‌پدیده‌های جهان و نقاشی زیبائیهای‌طبیعت ومجسم نمودن مناظر دلپذیر از هنرمندان زمان خود شمرده می شود. وی بر خلاف شاعران دیگر بیشتر شادمان وخوشحال دیده میشود و ازشعر او کمترین‌اندوه بدل راه نیابد. و هیچگاه شادی کنونی‌را‌بپندارا‌ندوه‌آینده‌نمی‌آلاید :

منوچهری از نظر صنایع‌وهنرهای‌لفظی‌نیز‌بردست‌است. مسمطسازی‌نیز ازساخته های مغز اومیباشد ، که تاکنون یکی‌ازانواع مهم شعرشمرده میشود.

از نشیبه‌ها که بستارگان و صورتهای فلکی میکند گمان میرود که در ستاره شناسی تا اندازه‌ای دست داشته، ولی تعمق دراین‌علم ـ مانند دیگر دانش ها ـ نداشته است . و در عوض با شعر و ادبیات تازی

(۱) مجمع‌الفصحاء (ج ۱ ص۵۴۲).

(۲) سخن و سخنوران ج ۱ ص۱۲۹.

۳ ـ مقالهٔ قزوینی در شمارهٔ (۲) سال (۱) مجله یادگار چاپ تهران دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آشنائی درست داشته(۱) و از ایشان تقلید بسیار کرده تا آنجا که در برخی قصیده ها شرط تناسب محیط زندگی را از دست داده است .

این شاعر در جوانی و بسال (۴۳۲) (۲) مرده و بنابراین همهٔ دیوان او زادهٔ فکر جوانی است .

چاپهای دیوان منوچهری :

۱ ـ پاریس . با حاشیه و تصحیح آقای کازیمیرسکی(۳) خاور شناس لهستانی متن فارسی و حواشی بزبان فرانسه بسال (۱۸۸۶م) چاپ شده .

۲ ـ تهران بسال (۱۲۸۵ق) چاپ سنگ .

۳ ـ تهران بسال (۱۲۹۵ق) چاپ سنگ

۴ ـ در تهران : با حواشی و تصحیحات و پژوهشهای آقای محمد دبیر سیاقی بچاپ سربی بسال (۱۳۲۶ش) منتشر گردیده است .

کاملترین نسخه ها همین چاپ دبیر سیاقی است که در (۳۵۲ص) چاپ شده و (۱۷۰ص) آن تعلیقات است .

نسخهٔ این کتابخانه دارای (۲۹۰۰) بیت شعر است.

[۱۷]

نسخه بخط نستعلیق شکسته بسیار خوب نام نویسنده ابراهیم . تاریخ نوشتن ۱۰۷۷ (۲۳ـ۶۲ـ۱۲۹۳) بدستور لقمان دوران میرزا حسام‌الدین پسر جالینوس زمان میرزا محمد حکیم باشی شیراز در حال پریشانی نوشته شده (برگ ۱۱۶ب) . سپس در برگ (۱۱۷ پ) عبدالله موسوی بتاریخ یکشنبه دوم صفر سال پارس‌ئیل از نیامدن باران در داراب خراب شکایت نموده، که از خط و انشاء او مینماید با فضل بوده است .

در کنار رویه ها حاشیه های سودمند گزارش واژه های دشوار و شناساندن نامهای تاریخی وجغرافیائی وتفسیر اصطلاحها نوشته شده وامضاء(۱۲) زیر آن نهاده.

همهٔ رویه ها دارای دو جدول است یکی با زرولاژورد دوم بازر و مرکب سیاه . حاشیه هامیان دو جدول است . عنوانها و واژها که در حاشیه تفسیر شده با شنگرف است .

۱ ـ خود گوید :

من بسی دیوان شعر تازیان دارم زبر تو نداتی خواندالاهبی بصحنك فاصبحین

ومقصود وی معلقهٔ عمروپسر کلثوم از شاعران عرب جاهلی است.

۲ ـ مجمع‌الفصحاء ج ۱ ـ ۵۴۳ .

۳ ـ Kazimirski

در آغاز نسخه تا (برگ ۷۶ ـ الف) چکامه ها را نوشته ، و از آنجا تا برگ (۱۱۰ب) مسمطها ، و از آنجا تا برگ (۱۱۱ب) سه غزل و از آنجا تا (۱۱۵ب) مقطعات، و از آنجا تا پایان نسخه (۱۱۶ب) دو بیتها را نوشته . همهٔ این نسخه (۲۹۰۰ بیت) شعر دارد .

این نسخه پیش ازین در کتابخانهٔ تیمورتاش بوده ، و وی بـا مداد آبی رنگ برپشت برگ یکم یك سطر نوشته وبرخی جاها مانند برگهای (۱۰۱ و ۱۰۴) نسخه را با همان مداد تصحیح کرده . کنار برگهای آغاز و پایان نسخه آبدیده و کفك‌زده.

(۱۱۷ برگ) کاغذ ترمه سفید خوب. جلد لیقاچ سرخ با منوی.

اندازه . ۱۴٫۵×۲۰٫۵ و ۱۴×۷ : ۱۳ سطر.

[۱۸] دیوان ناصرخسرو (فارسی)

حکیم ناصر پسر خسرو پسر حارث علوی قبادیانی کنیتش ابو معین وتخلص شعری او حجت،وبناصر خسرو نام برداراست. اهل قبادیان بلخ بوده و درذی‌قعدهٔ (۳۹۴ ق) برابر باتیریامرداد سال (۳۸۲ش) در آن شهر بزاده(۱) ، و میان سالهای (۴۶۰) تا (۴۸۱)(۲) در شهر یمگان از بدخشان مرده است .

مدتی نیز در مرو مسکن داشته ، ولی زاد و بوم او همان قبادیان(۳)بلخ است . وی یکی از دهقانان و زمین داران آنجا بشمار میرفته وخاندان او از طبقهٔ اشراف وملاکین آن سامان بوده اند وبرادرش خواجه ابوالفتح عبدالجلیل نیز در دربار سلجوقیان محترم بوده است . ونسبت اصفهانی بودن که دولتشاه وآتشکدهٔ آذر باو داده‌اند درست نیست(۴) .

۱ ـ از سخن خود او در دیوان، ج ۱۳۰۴ (ص۱۷۳) سال زایچه آشکار میشود واز(ص۱۸۳) ماه آن.

۲ ـ مرگ ناصرخسرو را گوناگون نوشته‌اند ولی درست‌تر (۴۸۱) است که چلبی در تقویم التواریخ آورده .

۳ ـ برای شناسائی این شهر سمعانی نیز دیده شود . امروز این نام بیلوکی در ماوراء جیحون شمال شرقی بلخ و نزدیك سمرقند ولیز دیهی بهمین نام گفته میشود .

۴ ـ همین نادرستیها ربو را واداشته که در فهرست بریتش موزیوم دو تن بنام ناصر خسرو بشناسند یکی اصفهانی (ز ـ ۳۵۸) ودیگر خراسانی (ز ـ ۳۹۴) ولی در جلد بعد کنار خود را پس گرفته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

لقب حجت را در سفر مصر از مستنصر هشتمین خلیفه اسماعیلی (ش ۴۲۷-۴۸۷) دریافته و بعنوان یکی از حجتهای دوازده گانه (۱) برای خراسان بر گزیده شد.

لقب «علوی» را نه از راه نژاد بخود گرفته، بلکه این واژه نام طرفداران علی بوده، در برابر واژهٔ «عثمانی» که پس از کشته شدن عثمان بطرفداران وی گفته میشده است. و ناصر خود را از نژاد آزادگان ایرانی میدانسته(۲).

دهقان علی شطرنجی از شاعران سدهٔ ششم در شعر خود ناصر را بلقب «حمیدالدین» خوانده است(۳).

از جوانی ناصر خسرو و پیش از سفر هفت سالهٔ او اطلاع درست در دست نیست و گویا سبب آن غلبهٔ وضع زندگی مادی بر زندگی روحانی وی میباشد، وشاید اگر هم آثاری از آن دوره داشته بسبب تغییر فکر، خود آنها را نابود کرده است. زیرا که خود در دیوان و سفرنامه از شرابخوری و عشق‌ورزی وستایش گوئی وشوخیهای روزگار جوانی بیزاری می‌جوید، وی پس از آنکه از خوشیها مادی سیر گشت، بگفتهٔ خود چندسالی نیز در میان اهل طیلسان و دستار پژوهش و چون و چرا گذرانیده (٤) و چندی هم در جستجوی کیمیا بوده(٥) و همین (چون و چرا)ها و نپذیرفتن سخن بی‌دلیل، و ناشنیدن پاسخ قانع کننده در پرسش از رازهای طبیعت اورا در سن چهل سالگی سرگردان و پژوهنده کرده و این بی آرامی اورا بسفرها و آمیزش(٦) با بزرگان دینهای گوناگون وادار

۱ــ نزد باطنیان اسماعیلی امام زمان بالاترین مقام مذهبی بوده و قاضی القضاة و داعی الدعاة زیردست او بوده‌اند، و زیردست داعی الدعاة که باب نیز خوانده میشده دوازده «حجت» در دوازده قسمت از کشور های جهان بوده‌اند که بدستور وی کار میکرده‌اند، هر قسمت از این دوازده قسمت جزیره نام داشته و مسئول آنجا را «حجت» می نامیدند.

۲ــ حاشیه خطی آقای دهخدا بر سرآغاز دیوان چاپ ۱۳۰۵ــ۱۳۰۷. ص.ط.

۳ــ لباب الالباب (چ ۱۹۰۰م) ج ۲ ص ۲۰۲.

٤ و ٥ــ دیوان چ ۱۳۰٤ ص ۲۷۲ــ۲۷۳.

٦ــ دیوان چ ۱۳۰٤ ص ۱۷۳ــ۱۷۴ و جز آن.

کرده است.

ناصر خسرو در جوانی بافغانستان وسند و لاهور و هند و ترکستان(۱) سفر کرد. وپس از اینکه بلخ ازدست غزنویان بسلجوقیان رسید، بمیهن باز گشته و با برادر خود بخدمت ایشان کمر بسته است.

نظر بوضع طبقاتی و زمین داری ناصر خسرو از جوانی کار دیوانی داشته، وبدربار ها راه داشته و پیش از بیست وشش سالگی بدربار غزنویان میرفته و تا هنگام سفر حج این کار را داشته است.

خویشان او:

از برخی شعرهای او آشکار میگردد که پسری داشته و دو برادر نیز یکی بنام ابوالفتح عبدالجلیل که در خدمت سلجوقیان بوده ودیگر بنام ابوسعید که همسفر او بوده است(۲) داشته، و یکی از ایشان پس از آوارگی او از بلخ در آن شهر مانده است. خویشان وی نیز در دورهٔ دوم زندگانی (پس از سفر هفت ساله)، مانند دیگر مردم از ترس دستگاه دولتی در آشکار از ناصر روگردان بوده‌اند، وی از ایشان گله میکند، ولی از کتاب «وجه دین» که آنرا برای خویشان خود نوشته چنین می‌نماید که برخی از ایشان پیرو او بوده‌اند(۳) نویسندهٔ «سرگذشت» پسر عمی نیز بنام منصور برای ناصر یاد کند که ناصر کتابی باو اهداء نموده است(٤).

سفر هفت ساله:

این سفر که برای پژوهش و حقیقت جوئی انجام یافته از (۴۳۷) تا (٤٤٤) بدرازا کشیده است، روز (۲۳ شعبان - ۴۳۷) بنام حج مکه از مرو بیرون شده. در این سفر برادر کوچك و یك غلام خود را همراه داشته است. چنانکه از سفرنامه برمی‌آید از راه سمنان و ری و قزوین بآذربایجان رفته در تبریز قطران شاعر را دیده واز راه مرند و خوی بوان وسپس باخلاط و بطلیس و میافارقین

۱ــ سفرنامه ص ۲ و ۹۰.

۲ــ یگانهٔ کتاب مجعول «سرگذشت» که از گفته ناصر ساخته شده.

۳ــ وجه دین. ص ۲٦.

٤ــ ذریعه ج ۸ ص ۱۵۱ وعنوان «سرگذشت» همین فهرست دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و آمد و حران و سروج و شام و معرة (در این هنگام ابوالعلاء معری زنده بوده ولی معلوم نیست او را دیده‌باشد) و از آنجا بطرابلس و صیدا وفلسطین و در(۵- رمضان-۴۳۸) به بیت‌المقدس (اورشلیم) درآمده و دوماه آنجامانده و در (۵- محرم۴۳۹) بمکه‌درآمده، وازآنجا بطیبه وباکشتی بتونس‌وازآنجا بمصر آمده است. و در بندر سودانی «عیذاب» در دریای سرخ چندماه خطیب بوده(۱). از مدت هفت سال که در سفر بوده سه سال در مصر و سودان وتوبه و قیروان و تونس می‌زیسته، چهاربار بحج رفته و (۲۲۲۰) فرسنگ (نزدیک ۱۳۵۰۰ کیلومتر راه پیموده، و به هر شهر که میرسیده پژوهشهای فلسفی پرداخته، و با دانشمندان از هر مذهب و نژاد بحثها میکرده. تا بقاهره‌رسیده و براهنمائی مردی که او را (مؤید خداوند) یا (خواجه مؤید) یا (دربان شهرعلم) یا (باب)(۱) خوانده بآئین اسماعیلیان درآمده، و سخنان او درروز مجلس» ناصر را خیره کرده است. و از درجه های هفتگانه اسماعیلیان (۲) چهار درجه را پیمود و از درجهٔ مستجیب یعنی دورهٔ آزمایشی(۳) و درجه‌های ماذون(٤) فرد عادی و(داعی) گوینده(٥) گذشته وبدرجهٔ حجتی یعنی مسئولیت یکی از دوازده جزیره(٦) رسیده است. و برای عهده‌دار شدن این کاروبگفتهٔ

۱ — سفرنامه (ص۹٤).

۲ — مقریزی درخطاط دوفر را زیردست امام‌فاطمی میداند یکم‌را بنام قاضی القضات ودردرجه دوم کسی‌را بنام داعی‌الدعاة باب امام و سرور دوازده حجت بوده و بوسیلهٔ او مردم باین آئین وارد میگشته اند و ریاست (مجلس الحکمه) نیز با او بوده است.

۳ — که بعدها نه درجه گردید.

۳ — دراین‌دوره شخص تازه‌کارفقط حق شنیدن سخنان‌راداشته وحق بحث نداشته، و فقط پس ازماذون شدن حق داشته‌زبان بگشاید.

٤ — بعدها این درجه بماذون محدود و ماذون مطلق تقسیم شده است.

٥ — این‌درجه نیز بعدها بدودرجه‌داعی محدود وداعی مطلق تقسیم‌شده‌است.

٦ — اسماعیلیان جهان‌اسلامی را بدوازده بخش تقسیم کرده وهرقسمت را جزیره مینامیدند.

خودش برای شبانی رمهٔ مشایعان دین حق (۱) و رسانیدن دستورهای خداوند روزیعنی ابوتیم‌معد پسرعلی ملقب بمستنصر باللهٔ فاطمی بجزیرهٔ خراسان‌فرستاده شده است.

بازگشت بمیهن:

رنجهای فراوان که دراین سفربردو گردشها که کرد، در عقاید وی تأثیر بسزا نمود وچون درجمادی دوم‌سال (٤٤٤) درسن پنجاه سالگی ببلخ بازگشت بتبلیغ آئین شیعه اسماعیلی و پنهان فرستادن مأذونان و گویندگان (داعیان) بشهرها آغاز نمود، و چون ایدهٔ او نسبت بفکر دستگاه و رژیم آنروز برتری داشت و پیشروتر بود و بگفته خودش در «چون وچرا»، نیرومند بود سخنان وی پیشرفت کرد، روحانیان سنی وخشك وطرفداران وضع کهنه اسباب تبعید وی را بدست دولت سلجوقی فراهم ساختند، و مردم را برانگیخته خانه اورا خراب واورا آواره کردند. مدت‌آزادی اودربلخ‌بده‌سال نکشیده، چه‌او کتاب زادالمسافرین (ن-٤٥٣) را در حال پنهانی و آوارگی نگاشته است.

جائی را که ناصر خسرو در آن پنهان شده «دبستان المذاهب» کوههای بدخشان نوشته و«جامع‌التواریخ» کوههای سمنگان آورده است. ومدت آنرا هر دو بیست سال نوشته‌اند.

دراینمدت‌جای‌اورا کسی نمیدانسته،ولیکن‌ازسخنان‌او آشکارمیگردد که: وی پس از مدتی پنهانی بمازندران که پایگاه اسپهبدان شیعی بوده پناه برده است، و سپس بازگشته و بیمکان نشیمن گزیده و همانجای بدرود زندگی گفته است. این شهر در دورترین نقطه بدخشان و در استوار وتسخیر ناپذیری در میان کوهها بوده، ونام‌آن در کتابهای پیشینیان بشکل (یشقان) درآمده است. و امروز بگفته محمد نادرخان(۳) یمگان بدره‌ای گویند که دوازده آبادی دارد

۱— دیوان چ ۱۳۰٤ ص ۲۷۹ و ۲۹۵ و ۳۰۳

۲— زادالمسافرین ص ٤۰۲.

۳— کتاب «راهنمای قطغن و بدخشان» کوتاه شدهٔ سفرنامهٔ سپهسالار و وزیرجنك افغانستان محمد نادرخان (چ—۱۳۰۳ش— کابل).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و ازشهر جرم بجنوب کشیده شده و (تکاب یمگان) تابع جرم است . و یکی از آبادیهای یمگان که درمیان این‌دره‌است «زیارت حضرت‌سید» نام‌دارد که گویا گور ناصر خسرو باشد و مردم پیرامون جرم شیعه اسماعیلی هستند .

دولتشاه نیز گور ناصر خسرو را در درهٔ یمگان نوشته و خود ناصر خسرو نیز گوید «پانزده سال برآمد که بیمگانم» (۱) گویا ناصر خسرو در دژ تسخیر ناپذیر یمگان نیرو و استقلالی یافته و پیروانی فراهم آورده و ازاینروی در آثار البلاد او را پادشاه بلخ خوانده است . ولی او در دیوان خود ازپناه بردن باین کوه ناخشنود است و همواره آه و ناله میکند . و از دوری زن وفرزند و خویشان و خانه وشهر خود بسیار اندوه‌گین است.

مرگ ناصر :

دولتشاه سمرقندی‌درتذکره و چلبی در «کشف الظنون» مرگ اورا در (۴۳۱) وچلبی درتقویم‌التواریخ (۴۸۱) آورده وسازندهٔ کتابچهٔ«سرگذشت» آنرا روز جمعه ازماه ربیع‌اول که خورشید دربرج شیر وماه دربرج‌خرچنگ بوده است ، نگاشته وبگفته‌آقای تقی‌زاده این‌نشانی فقط باسال (۴۷۸)میسازد. و هدایت(۲) از گفته شاهد صادق (۴۷۱) آورده است .

دربارهٔ درازی‌عمر ناصرافسانه‌بسیار گفته‌شده . ودره«سرگذشت» عمراو را صد و چهل سال دانسته .

پایهٔ دانش‌وهنراو :

از آثار او چنین بر میآید که با کتابهای فلسفه ارسطو و افلاطون و فارابی و ابن‌سینا آشنا بوده است . و درجوانی مطالعه بسیار کرده.

در نقاشی نیز دست داشته ، و در عربستان محراب مسجدی را نقاشی نموده و اعاشه میکرده ودربیت‌المقدس از کرسی سلیمان عکس‌برداری کرده.

درملل و نحل وشناسائی آئینهای کهن مانند گبران ومانویان ومسیحیان ودیگران دست داشته . و کتابهایشان میخوانده . ولی‌بازهم دانشهای غیراسلامی

۱ — دیوان چ ۱۳۰۴ — ۱۳۰۷ ش . ص ۲۰.

۲ — آقای تقی‌زاده درسرآغاز دیوان چ ۱۳۰۴ — ۱۳۰۷ ش. ص ـ مد . از خط هدایت نقل کرده‌است.

او سست بنیاد است ، و نادرستیها دارد .

زبان فارسی وتازی را (هم‌زبان قرآن‌وهم زبان‌تودهٔ آنروز(۱) عرب) خوب‌میدانسته . وشاید اندکی هندی‌نیز دانسته باشد .

نگارشهای ناصر خسرو :

۱ — سفرنامهٔ سفر هفت ساله . سه بار چاپ شده : پاریس (۱۸۸۱ م) ، و تهران (۱۳۱۴ ق) با دیوان ، و برلن (۱۳۴۰ ق) . گویا این نسخه های چاپی کوتاه شدهٔ سفرنامه باشد نه همهٔ آن .

۲ — دیوان(۲) دولتشاه شمارهٔ بیتهای آنرا (۳۰۰۰۰) دانسته ولی نسخهٔ آخرین چاپ (تهران–۱۳۰۷ش) (۱۱۰۴۷)بیت دارد . وچاپ تبریز(۷۴۲۵بیت) و چاپ سنگی تهران (۱۳۱۴ق) (۶۵۷۵ بیت) و چاپ سنگی هند (۴۴۰۰بیت) دارد . از سخنان او برمیاید که شعر تازی نیز میگفته ولی در این دیوان که در دست است چنین چیزی یافت نمیشود .

۳ — زادالمسافرین. که‌آنرا بسال(۴۵۳)نگاشته‌وبدست‌ادواردبراون(۳) و محمد بنل‌الرحمان هندی در برلن بسال (۱۳۴۰ق) چاپ شده است .

۴ — روشنائی‌نامه منظوم‌ببحرهزج (۵۹۲بیت) در پند و اندرز. که آنرا «اته»(۴) درلایپزیك بسال (۱۸۷۹م) درمجلهٔ انجمن خاوری آلمان چاپ کرده وپس از آن در برلن بسال (۱۳۴۰) دنبال سفرنامه و سپس در (۱۳۰۷ش) در تهران بادیوان‌اودر (ص۵۱۱ تا۵۴۲) چاپ شده.

۵ — سعادتنامه در(۱۸۸۰م)بدست‌فاگنان(۵) فرانسوی باترجمهٔفرانسوی در (۲۸۰ بیت) و پس از آن بسال (۱۳۴۰ق) با سفر نامه در برلن در (۲۸۰ بیت) و سپس بسال (۱۳۰۴ – ۱۳۰۷ش) در تهران با دیوان از (ص۵۴۵) تا

۱ — سفرنامه. ص ۱۳۱

۲ — در کتابچه‌دروغین‌سرگذشت گوید : ناصر درزمان‌خود دیوان خویش گردآورد وسفارش نمود تابس‌از مرگ آنرا بجهان شاه‌بن کیوان بیمگانی بدهند .

۳ — E·G·Browne

۴ — Hermann ethe

۵ — Edman Fagnan

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(ص۵۶۰) در (۳۰۰ بیت) چاپ شده.

۶ ـ وجه دین. در آن حدیثهای اسلامی را تأویل کرده، و بگفته خود راز درونی و خواست درست آنها را بیرون میآورد. این کتاب را برای تازه واردان باین آئین و در زمان تبعید خود نگاشته نسخهٔ آن ناپیدا بود تا آنکه (زادویین) روسی نسخه‌ای کهن از آن بیافت و این نسخه اکنون در لنین گراد است. واز روی عکس آن در برلن بسال (۱۳۰۱ش) چاپ شد.

۷ ـ خوان اخوان. که در مصر بسال (۱۳۵۹ق) بوسیلهٔ یحیی خشاب در (۲۶۵ص) و یك سر آغاز چاپ شده است.

۸ ـ بستان العقول در زاد المسافرین (ص۳۳۹) از آن یاد کرده و نسخه‌اش یافت نشده.

۹ ـ دلیل المتحیرین. در بیان الادیان (ص ۳۹) باو نسبت داده شده و نسخهٔ آن نیز نابود است.

۱۰ ـ کتاب رد برمحمد زکریارازی که در زاد المسافرین (ص۱۰۳) از آن یاد کرده و نسخه آن ناپیداست.

۱۱ ـ جواب نودو یك مسئله (پاسخ پرسشها) که بادیوان از (ص۵۶۳) تا (۵۸۳) در تهران بسال (۳۰۴-۱۳۰۷ش) چاپ شده است.

۱۲ ـ شش فصل یا روشنائی نامهٔ نثری، ایوانف آنرا با یك سر آغاز بزبان انگلیسی چاپ کرده است.

۱۳ ـ گشایش ورهایش. پاسخ به سی پرسش است. آقای سعید نفیسی آنرا در بمبئی در (۱۳۲۸ ش) در (۱۲۵ص) چاپ کرده است.

وجز اینها نگارندهٔ کتابچهٔ «سرگذشت» که بخود ناصرخسرو نسبت داده شده، کتابهای زیررا بوی نسبت داده است: اکسیر اعظم، قانون اعظم، المستوفی، دستور اعظم، تفسیر قرآن، کتابچه در علم یونانی، کتابچه در سحر، کتاب کنز الحقایق.

کتابچه سرگذشت یگفتهٔ (اته) در سدهٔ دهم ساخته شده و بگفتهٔ تقی‌زاده(۱) از آن کهن‌تر است. نخستین کسی که از آن یاد کرده امین احمد

۱ ـ سرآغاز چاپ دیوان (ص ـ ب).

رازی درهفت اقلیم (ن ۱۰۰۲) است. وسپس میرتقی کاشی وسپس آذربیگ دلی آنرا در آتشکده(۱) آورده است.

دیگر از کتابچه‌ها که باو نسبت داده‌اند «سرالاسرار» است که در (تسخیر کواکب) و بکار کشیدن ستارگان میباشد این کتابچهٔ ساختگی بادیوان ناصر درهند چاپ شده است.

عقاید ناصر خسرو:

برای پی‌بردن باندیشه وفکر ناصر خسرو باید بوضع اجتماعی محیط او آشنائی یافت. ناصر گلی است که برشاخ وبرگ و ریشه و تخهٔ جامعهٔ ایران درسدهٔ پنجم شکفته است. افکار وایده های ناصر نمایندهٔ خواستهای مردم آن دوره است، ولیکن این خواستها بزبان یك فرد عادی از طبقهٔ سوم که صاحبان اصلی آن خواستها بوده‌اند بیرون نیامده، بلکه این خواستها بزبان کسی بیان شده‌است که خود وی از طبقهٔ اشراف آن دوره بوده و دراثر پیش آمدهای استثنائی و مطالعه بسیار با مردم رابطه گرفته و خواستهای ایشانرا با افکار خانوادگی خود آمیخته و بر زبان رانده است.

چگونگی جامعهٔ آنروز:

پیش از آمدن اسلام زندگی ملتهائی که در خاور نزدیك نشیمن داشتند بسیار بدبود، بیشتر مردم شهرها وهمهٔ مردم روستائی بردگانی بودند که برای ارباب های شهر نشین کار میکردند، و حق تغییر کار و جا بجا شدن نداشتند وبا زمینی که در آن میزیستند خرید وفروش میشدند. وبهمین سبب چون آواز روان بخش آزادی و برابری [انا کرمکم عندالله اتقیکم] را شنیدند ناگهان زنجیرها را ازدست وپای خود پاره کردند و درتیجه کاخ پرآب ورنگ دولت ساسانی با اندك فشار درهم فروریخت مهاجمین عرب سپاهیان شکست خورده را اسیر وبرده میکردند، و باین ترتیب بردگان پیش که اکثریت مردم بودند آزاد شدند و آزادان پیشین برده تازیان گردیدند. مردم این سرزمینها تا نیمهٔ

۱ ـ آتشکدهٔ آذر ـ شعرای اصفهان ـ ص۱۸۷ ـ ۱۹۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سده یکم از زیر فشار اربابان کهن آزاد بودند، ولی اندك اندك دستگاه دولتی عرب جای دستگاه گذشتهٔ پارسیان را بگرفت وستم وزور گوئی وفشار برطبقهٔ سوم بویژه برمردم جز عرب آغاز کرد. فئودالهای تازه بدوران رسیدهٔ عرب ملتهای این سرزمینها را در زیر فشار اقتصادی و سیاسی نهادند. سالیانه بیشتر از نیم دارائی مردم را بعنوان خراج و ملیونها پسران و دختران ایشان را بجای جزیه و مالیات برده ساختند. این فشارها روز بروز افزایش می‌یافت وازسدهٔ دوم آشوبها و قیامها و عصیانهای دسته جمعی آغاز شد، ولی سرنیزهٔ اربابان عرب و حمایت دولت از ایشان در هربار این قیامهای بی‌نقشه ورهبری نشده را خورد و خاموش میکرد.

واکنش این پیش آمدها در مردم روشن‌بین، آن بود که مقاومت خود را در زیر پرده انجام دهند. از آغاز سدهٔ سوم پنهان کاری ودسته‌بندی های نهانی فزونی یافت.

این گونه مقاومت پنهان کاری جنبه همدانی نداشت، وبیشتر هسته‌های مرکزی آن از روشنفکران که با دانشهای پیش از اسلام آشنائی داشتند پدید میآمد و بنا بمقتضای زمان آنرا در پوششی از مذهب پنهان می کرده‌اند. ایشان برای تطبیق قانونهای مذهبی با دانشهای خود، بتفسیر وتأویل و بیرون آوردن «خواستهای نهانی که در گفته های پیغمبر نهفته است» پرداختند ایشان میگفتند «آنچه در درون این قانونها نهفته است جز آنست که از برون آنها آشکار میگردد» و اندك اندك نام «باطنیان» (۱) برایشان نهاده شد، واین نام در برابر «ظاهریان» است که آنچه ازمتن حدیث ها آشکار است بکارمی‌بستند. با گذشت صدها سال پوسته مذهبی این افکار را فرامی گرفت، واین پوسته روز بروز کلفت‌تر میگردید تا آنجا که هسته علمی آنرا نابود میساخت.

۱ — این نام ازنظر خود باطنیان بدان معنی است که «ماخواستهٔ باطن ونهان ونهفته درقانون را می‌شناسیم وآنرا بکاربندیم» وازنظر دشمنان ایشان بدین معنی است که «ایشان دردرون خود جز آنند که بظاهر نمایند، اگردرآشکارمؤمن نمایند درپنهان بیدین هستند».

یکی از این دسته‌ها اسماعیلیانند که در آغاز جنبشی برضد عرب درمصر وایران با دو روش پدید آمده و با گذشت زمان پوسته مذهبی آن زیادترشده و تا کنون نیز دسته این نام بخود گیرند، ولی در هر دورهٔ افکار و عقاید ویژه داشته‌اند. پس اگر می گوئیم ناصر خسرو اسماعیلی‌است خواست مایك اسماعیلی سدهٔ پنجم میباشد. و برای شناسائی عقاید او باید عقاید اسماعیلیان آن دوره را بدانیم.

اگرچه پوستهٔ مذهبی کلفت، عقاید اسماعیلیان سدهٔ پنجم را فرا گرفته است ولی چون پایه این آئین در سدهٔ دوم برعلم استوار شده و از میان مردم برخاسته، تاسدهٔ پنجم نیزسروران این قوم برخلاف روحانیان ظاهری مذهب (۱) از بررسی کتابهای گذشتگان و دانشهای کهن دریغ نمیداشتند. ناصر خسرو که درمیان ایشان مقام (حجت) را داشته یعنی چهار درجه از هفت درجهٔ عقاید ایشانرا دیده و از آن گذشته است، از نظر علمی مقامی ارجمند داشته، واضافه بردانشهای کلاسیك آن زمان بافلسفه ایران باستان و یونان وحرانیان وصابئیان آشنائی درست داشته اگرچه نگاشته های ناصر وی را مردی پابند خرافات مذهبی اسماعیلیان می‌شناساند، ولی این کتابهای او برای مردم عادی وحداکثر برای اسماعیلیان درجه یکم یا دوم (۲) نوشته است.

نام و نشان اسماعیلیان درزمان ناصرخسرو آنچنانکه ازنگارشهای وی نمایان است بدین سان بوده است:

نام: دشمنان، ایشانرا بنامهای ملاحده، قرمطیان، شیعه سبعی، باطنی، اسماعیلی، فاطمی می‌خوانده‌اند، ولی خود ایشان خود را ملاحده یا قرمطی نمیدانسته‌اند و ناصر بقرمطیان ناسزا گفته است (۳).

۱ — برای بی‌بردن بشدت مخالفت روحانیان ظاهری با دانشها گفتار ابن قتیبه در (ص۱۵ — ٤) این مجلد دیده شود.

۲ — کتاب وجه دین را برای مستجیبان (آزمایشهای اسماعیلیان) وبویژه خویشان خودش نگاشته.

۳ — صفرنامه ۱۲۳-۱۲۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بنیادگذار ـ نخستین کسی که جنبش ضدعربی ایران پوشش مذهبی پوشانید عبدالله پسر میمون قداح بوده که خلیفه های فاطمی مصر(۱) نیز خودرا نواده های او دانند.

اوبرخی قواعد مذهبی بساخت وآنها را به‌محمدبن اسماعیل نسبت‌داد، و پس‌از وی سران قوم‌با کمك دستورهای فلسفه یونان وستاره شناسی حرانیان بنیاد این مذهب را استوار ساختند.

عقاید ایشان‌در سدهٔ‌پنجم(زمان‌ناصرخسرو):ایشان‌خدارا بالاتراز وصف میدانسته ، و (عقل کل) و (نفس کل) را بترتیب زیردست او میدانسته میگفتند: از ترکیب این دو ، جهان پدیدار گشته(۲) پس از این دو (برین گوهران) سه فرشته دانند بنامهای «جد» «فتح» و «خال» و این سه و آن دورا بنام « پنج جدعلوی» خوانند.

مظهر عقل کل دراین‌جهان «ناطق» ومظهر نفس کل «اساس» نام‌دارد. شش پیغمبر اولوالعزم‌ویك «قائم» هفت «ناطق»هستند ، که پس از عقل کل و نفس کل درجه سوم را دارند. هفت جانشین این ناطقها «اساس» نام دارند که مظهر نفس کل باشند ، و ایشان در درجه چهارم‌اند. پس از اساس اما مانند و ایشان رانیز بااساس‌هفت‌تن شمرند. پس‌هرناطق هفت‌امام دارد ونخستین ایشان‌اساس نام دارد ، و پس از ایشان حجت و داعی وماذون مستجیب میآید. پس هفت درجه مذهبی ایشان در این جهان «مستجیب ، ماذون ، داعی ، حجت ، امام ، اساس ، ناطق» است . وپنج تن آخرین ایشانرا «پنج حدجسمانی» میخوانند. دراسلام‌ناطق = محمد . اساس : علی. امام : حسن ، حسین، علی ، محمد، جعفر، اسماعیل است . و محمدبن اسماعیل که قائم است خود ناطق میباشد . و اساس وامامان‌دارد که‌خلیفه‌های فاطمی‌باشند . هرامام دوازده حجت دارد . این‌حجتها

۱ ـ پادشاهان مصر(از ۲۹۷) تا(۵۶۷) که از فرمان دولت عباسی بغداد سرپیچیدند.

۲ ـ مانند زروان دورهٔ ساسانی که یزدان‌واهرمن را زیردست‌داشت،واز ترکیب ایشان جهانی پدیدمی آمد.

شنانان رمه شیعه اسماعیلی هستند . وزیردست هریك‌سی تن داعی کار میکرد ، و ماذونان زیر نظر داعیان کارمیکردند، وتازه واردان باین آئین را مستجیب می‌خواندند.

همانطور که گفتیم این‌پایه‌ها همواره یکسان نبوده، و گاهی میان‌حجت و امام مقامی بنام « باب(۱) دیده میشود.

این‌اصطلاحها درهمهٔ‌دسته‌های اسماعیلیان‌نیزیکسان‌نبوده‌است . چنانکه «صباحیان» قزوین اصطلاحهای دیگری‌داشته‌اند مانند: سوس،داعی کبیر،رفیق، لاحق، فدائی. ایشان‌میدان کاریك‌حجت را بجای جزیرهٔ بحرمیخواندند . و همچنین دروزیان(۲) اصطلاحهای : کلمه ، سابق ، تالی ، متمم ، ذومعه ، جناح ، مکاسر، را برای پایه‌های یاد شده بکار میبرده‌اند(۳).

چنانکه گفتیم آئین‌اسماعیلیان درسدهٔ سوم‌برپایه‌زندگی مردم وخواستها ونیازهای ایشان استوار گشته وپس‌ازآن پیوسته مذهبی بخودگرفته است . در آغاز فقط با کسانیکه تازه کار بودند مدارا کرده وکارهای مذهبی را برای ایشان انجام میدادند وچون ازبوتهٔ آزمایش بیرون میآمد اخبار را تفسیر کرده و اورا از انجام کارهای مذهبی آزاد میکردند . ولی‌درسده های بعد که پوسته مذهبی‌این جنبش ضخیم‌تر گردید تاپایه چهارم و بلکه پنجم‌نیزعقاید دینی‌استوار بوده وکارهای مذهبی انجام میشده است . از اینجاست که در سدهٔ پنجم ناصر خسرو را که مقام حجتی وپایه چهارم‌را داشته مردی مذهبی می‌یابیم که واجبات وانجام ، ومحرمات را ترك میکرده است .

درسدهٔ‌پنجم‌اسماعیلیان‌برای‌حروف‌جمل(ابجد)نیروی‌ویژه می‌پنداشته‌اند،

۱ ـ پایه‌ای چهارگانه‌دوازده‌امامیان‌درپایان‌سدهٔ‌سوم و آغازچهارم.وهمچنین « باب» پایان درسدهٔ سیزدهم با این‌باب‌مقایسه شود .

۲ ـ مردمی که در سوریه نشیمن دارند و کوهی در آنجا بنام ایشان جبل د روز خوانده میشود .

۳ ـ در کتابهای حمزه پسرعلی‌پسراحمد بنیادگذار آئین‌دروزی‌این اصطلاحها بکار رفته است (تقی‌زاده ، سرآغازدیوان‌چاپ۷ ، ۱۳ش).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و دراستدلالهای خودآنها را مانند اصول مسلمه بکار می‌بسته‌اند، وهمین مسئله بعدها درپیدایش آئین حروفیان یاری کرده است و ما اندکی از آنرا در این فهرست یاد کردیم(۱).

برخی ناصر خسرو را صوفی دانسته اند(۲) و برخی او را پیرو دسته اخوان‌الصفا دانسته‌اند(۳) و این از همبستگی است که دربنیاد این آئینها بوده است. همهٔ این آئینها برضد قوانین خشك عربی قیام کرده وپوششهای مذهبی گوناگون برتن کرده‌اند.

اینان دانش‌را آخرین هدف بشریت میدانسته بهشت ودوزخ را بنفس انسان کامل و انسان جاهل تفسیر میکرده رستاخیز را یك جهان روحانی میدانسته‌اند(٤).

[۱۸]

نسخه بخط نستعلیق زیبا، نویسنده‌حافظ‌ابن‌عبدالکریم کرمانی. تاریخ نوشتن (۱۷ـع۱ـ۱۲۷۱) یکی ازادیبان بنام علی نائینی درتاریخ (۳ ـ شوال ـ ۱۳۰۲) آنرا باچند نسخه برابری وتصحیح‌نموده، واین‌را دربرگ(٤٥٢ الف) یادداشت کرده است.

تصحیحها ویادداشتهای او نیزدر کناره صفحه‌ها دیده میشود. ودربرخی جاها نسبت چکامه‌ئیرا بناصر تکذیب وآنرا بشاعر دیگر نسبت داده است. نسخه برای‌سردار خسنخان حاکم یزد و کرمان نوشته شده، ونویسنده در پایان نسخه چکامهٔ بقافیهٔ ها در ستایش ناصرالدین‌شاه، وهفت‌بیت مثنوی درستایش خسنخان یادشده، در (٤٥٠تا٤٥٢) نوشته است. ودرروبه (٤٥١) میگوید [لحره داعی‌الدولة فائز] وشاید فائزدشتستانی (۱۲۵۰ـ۱۳۳۰) باشد. وازه‌های دشواررادر کناره روبه‌ها گزارش‌نموده. همه‌روبه‌ها دارای دوجدول نخست بازردوم یا زر ولاژورد. عنوانها را میان دوجدول زرین نهاده وباشنگرف نوشته ولی ازروبه (۱۲٤) پس جای عنوانها سفید مانده است. در آغاز نسخه رساله سرگذشت منسوب به‌ناصرخسرو در (۲۰ روبه) نوشته شده. دارای دوسر لوح است از زرولاژورد، وشنگرف نخست درآغازسرگذشت. دوم در آغاز دیوان در

۱ـ همین فهرست ج ۱ ص۸۰ـ۸٤

۲ـ دولتشاه‌سمرقندی طبقهٔ نخست.

۳ـ اته در رساله «شرح احوال ناصرخسرو» بنقل تقی‌زاده در سرآغاز چاپ دیوان ۳۰٤ـ۱۳۰۷ ص ـ مط

٤ـ دیوان (چ۱۳۰۳ش)ص۵۰۷

برك(۱۱). برپشت برگ یکم خط تیمورتاش که نسخه پیش‌ازاین از آن اوبوده، دیده میشود. میان سطرهای روبه نخست کتابچه سرگذشت و روبه نخست دیوان زرافشانی شده‌است.

(۱۵۰روبه + ۲۰روبه) کاغذ فرنگی‌آهار مهره سفید. جلد روغنی زمینه بیرون میز درون سرخ‌ته‌بماج سیاه حاشیه‌۳خطی.

اندازه: ۱۳×۱۲ و ۵ر۷×۵ر۱۵ ، ۱۷ سطر.

[۱۹] دیوان نظیری (فارسی)

محمدحسین نظیری نیشابوری یکی‌ازشاعران‌فارسی‌زبان‌ایرانی‌هندوستان درسدهٔ یازدهم میباشد. نیاکان‌او ازجوین بوده ولی‌وی درنیشابور بزرگ‌شده است و از آنجا بهندرفته وبادرویشان انس گرفته. (۱) گویند وی‌نخستین شاعر ایرانی است که بهندوستان رفته وستایش امیران‌آن سامان کرده. بویژه مدتی خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (۲) را ستوده است. پس سفری بحجاز ومکه برای حج رفته و این سفرپیش‌از (۱۰۰۲) بوده است(۳) و دراین تاریخ شعراو زبان‌زد مردم بوده و پس‌از بازگشت چون سن پیری رسیده بود باحمد آباد گجرات گوشه نشینی گزیده، وبرهیزکاری‌پیشه کرده وبستایش امامان‌وپیغمبر بسنده نموده است، اشعار او در این دوره با تصوف هندی آمیخته است.

وی علم حدیث را از ملاحسین جوهری‌آموخته ومدتی باخواجه حسین ثنائی دوستی داشته و چکامه در سوگواری وی سروده، و بسال (۱۰۲۳) درگذشته است.

دیوان نظیری را خود اومرتب کرده، ودارای چکامه وغزل وترجیع‌بند وترکیب‌بندودوازده‌بند درستایش امامان دوازده گانه ودوبیتها؛ همگی‌نزدیك ده هزاربیت میباشد. پنج‌هزاربیت ازغزلهای وی‌بترتیب حروف الفباء درلاهور بسال (۱۹۲۸م) چاپ شده، وترجمهٔ اردوی آن نیز بچاپ رسیده.

۱ـ ریاض‌العارفین چ ۱۳۰۵ ص ۲۳۶ و آتشکده ۱٤۱۰

۲ـ درسدهٔ یازدهم ازامیران هند بوده.

۳ـ هفت اقلیم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز چکامه ها در نسخه ما برگ (۱–ب) و نسخهٔ سپهسالار چنین است:

ای جلالت خلوت از اغیار تنها ساخته
حکمت تو از کرم دی کار فردا ساخته

آغاز غزلها در نسخه سپهسالار:

اذا ماشئت ان تحیی حیاة حلوة المحیا
برسوائی بر آور سر ز مستوری برون نه پا

در نسخه ما برگ (۱۷ب):

ای از کرم ز ریخته خون سیل را
و ز لطف عید کرده عزای خلیل را

دو نسخه از این دیوان در کتابخانه سپهسالار بشماره (۳۸٤) و (۳۸۳) و سه نسخه در کتابخانهٔ ملك بشمارهٔ (۵۷ و ۱٤۵ و ۲۲۶) هست. نسخه ما نزدیك (۵۵۰۰ بیت شعر دارد که در سه بخش جدا نوشته شده بخش نخست بر گزیده چکامه‌های اواست و از برگ یکم تا (۱۷) را گرفته. بخش دوم غزل تا برگ (۲۰۰). بخش سوم دو بیتیها تا پایان نسخه برگ (۲۱٤) را فرا گرفته است.

[۱۹]

نسخه بخط شعلیق. نام نویسنده محمد قاسم کرمانی. تاریخ نوشتن ۱۰۵۸ (۱–ج۱–۱۰۵۶) عنوان چکامه‌ها و همچنین بیت تخلص غزلها را میان دو جدول نهاده. همه رویه ها دارای جدول لاژوردوشنگرف و زر میباشد. بر پشت برگ نخست خط و امضای لطفعلی بن محمد قاسم با خط زیبای شکسته.

چکامه‌ها در برگ (۱۸) پایان یافته و غزلها آغاز گشته و در برگ (۲۰۰) غزلها پایان و باقی نسخه را دو بیتیها گرفته است.

(۲۱۱ برگ) کاغذ حنائی. جلد نیماج. طرح ضربی. درون ابری آبی رنگ. چهارخانه اندازه ۱۵×۲۵ و ۷٫۸×۱۵ ، ۱۵ سطر.

[۲۰] دیوان نور علی شاه (فارسی)

محمد علی پسر میرزا عبدالحسین پسر محمد علی رقی طبسی. خودش نورعلی تخلص میکرد، و بنام نورعلی شاه شهرت گرفت. و پدرش فیض علی تخلص

می نمود. خاندان ایشان از رقه طبس بودند. نیایش محمدعلی امام جمعه فردوس(۱) بوده، پدرش فیض علی باصفهان آمده، و نور علیشاه در این شهر زاده(۲). ولی بگفته هدایت پدر و پسر باهم باصفهان آمده اند(۳) بهر حال پدر و پسر هر دو بشیراز رفته و مرید معصوم علیشاه(٤) که تازه ازهند آمده بود، شدند. و با او باراك آمده و پس از کشتن معصوم علیشاه، نورعلیشاه بعراق عرب رفت، و بآب فروشی درصحن امامان زندگی میگذرانید.

فقیهان نجف و کربلا نیز او را بعنوان صوفیگری از آن شهرها راندند. پس ببغداد نزد احمد پاشا والی عراق آمد. والی عراق نور علیشاه را گرامی داشت. نورعلیشاه در بغداد بسرودن جلدهای یکم و دوم «جنات وصال» پرداخت، و سپس بموصل شد. و در آنشهر بسال (۱۲۱۲) برابر لفظ «غریب» بمرد، و در بالای تپه که گویند گور یونس پیغمبر(۵) در آنجا است و در خاور دجله و برشهر موصل مسلط است بخاکش سپردند.

شاگردان و جانشینان نورعلیشاه

۱– میرزا محمدحسین دوقی کرمانی مشهور بروقی علیشاه (م–۱۲۲۵). در کرمان ارشاد میکرد، و پس از مرگش احمد پسر عبدالواحد مشهور بنظام علیشاه (م–۱۲٤۰) که شاگرد مجذوب نیز بوده است، و میرزا محمد تقی کرمانی جانشین او شدند. او راست: یك دیوان شعر و «مرآت المحققین» و مثنوی «غرایب»(٦)

---

۱ – شهری که پیش از این تون نام داشته.
۲ – طرائق الحقایق.
۳ – ریاض العارفین (چ ۱۳۰۵ ق) ص ۳۲۹
٤ – معصوم علی شاه هندی از طرف شاه علیرضای دکنی که خود را از جانشیان شاه نعمة الله ولی کرمانی (م–۸۳٤) می شمرد، در آغاز کار رندیه بشیراز آمد، فقیهان شیراز مردم را براو برانگیختند و کربیخان او را از شیراز بیرون کرده معصوم علی شاه باعدهٔ از مریدان باراك (عراق عجم) شد، آخوندان این شهر نیز او را تکفیر و مردم را واداشتند تا وی را کشته لاشه اش را بزور قراسو افکنند.
۵ – در کوفه نیز مسجدی در کنار نهر فرات هست که در آن قبری بنام قبر یونس پیغمبر دیده میشود.
٦ – ریاض العارفین (چ ۱۳۰۵) ص ۲۶۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲ـ حاج محمدحسین پسر زین‌الدین اصفهانی . در اصفهان ارشاد میکرد.
و پس از مرگش مجنوب همدانی مشهور بمجنوب علیشاه و کبوتر آهنگی (م-۱۲۳۹) جانشین وی گردید (۱) .

۳ ـ سید ابراهیم تونی مشهور بمظهر علیشاه که گویند در پایان عمر ناپدید گردیده است ،

٤ـ ملاعبدالصمد همدانی . (۲)

گزارش زندگی نورعلیشاه را در «بستان‌السیاحة» و «تذکرهٔ دلگشا» و «طرائق‌الحقایق ج۳» و «ریاض‌العارفین» و «فهرست کتابخانه سپهسالار ج۲» و «ذریعه ج ۲: ۱۹۵ و ج ٤: ۱٦۹ و ۳۳۷ و ج ٥ : ۳۹ و ۱٥۲ و ج۷ : ۲۰۱» بایددید.

آثار نورعلیشاه :

۱ـ جامع‌الاسرار: (ذریعه ٥ : ۳۹).

۲ـ اصول و فروع: همان (اصول‌الدین) است که چاپ شده. (ذریعه۲: ۱۹٥).

۳ـ کنزالاسرار. در دفتر «عوارف‌المعارف» در شیراز بسال (۱۳۱۷ش) چاپ شده است.

٤ـ تفسیر سورهٔ بقره بنظم (ذریعه : ٤ : ۳۳۷) و ریاض‌العارفین.

٥ـ روضة‌الشهداء (مراثی منظوم) . ریاض‌العارفین .

٦ـ شرح خطبة‌البیان بنظم (ذریعه ۷ : ۲۰۱) و ریاض‌العارفین .

۷ـ منطق بنظم فارسی که در تهران بسال (۱۲۷۰ق) چاپ شده و دنبال آن «صغری» درمنطق و افاداتی از آقاعلی حکیم است .

۸ـ پند و موعظه . نسخهٔ آن با دیوان او در کتابخانه مجلس هست .

۹ـ مشکاة النجاة در رسالهٔ اصول‌الدین شمارهٔ (۲) از آن یاد کرده .

۱۰ـ جنات وصال بنام‌ترین یادگارهای نورعلیشاه این کتاب است. وی

---

۱ ـ ریاض‌العارفین (چ ۱۳۰٥) ص ۳۰۳. دیوان مجذوب علیشاه نیز در این فهرست ص ٦۸ـ۷۰ یادشده است

۲ ـ ریاض‌العارفین (چ ۱۳۰٥) ص ۳۳۰ دیده شود .

میخواست این کتاب را درهشت دفتر پایان دهد و «هشت بهشت» ـ بشمار درهای بهشت موعود ـ بسازد. ولی نتوانست سومین را بپایان رساند پس شاگرد وی رونق علیشاه (م-۱۲۲٥) آنرا پایان داد ، ودفتر چهارم و پنجم را بدان افزود . و چون پنجم بپایان نرسیده بود نظام‌علیشاه (م-۱۲٤۰) که شاگرد رونق علیشاه و مجذوب علیشاه بود بهشت ششم و هفتم را بآن افزود .

۱۱ ـ دیوان غزلیات و قصیده و ترجیعهای او، که نسخهٔ آن در این کتابخانه و جای گفتگوی ماست و مکرر بچاپ رسیده است . غزلهای نسخهٔ ما (۱۸٥۰ بیت) است .

[۲۰]

این نسخه با منتخبات دیوان مجذوب در یك دفتر است . و از برگ یکم تا (۱۰۰) آنرا گرفته . از آغاز جلد تا برگ (۹٥ـالف) غزلیات و پس سه رباعی و پس از آن ترجیع بند است. و در برگهای (۹۸ و ۹۹) چند غزل از مغربی و عطار و رونق (رونق علیشاه م ۱۲۲٥) نوشته. و از برگ (۱۰۰) منتخبات دیوان مجذوب را آغاز نموده است . عنوانها که اندك است با شنگرف میباشد . نام نویسنده ندارد . تاریخ نوشتن پنجم ذیحجه (۱۲۳۳) است که در برگ (۹٥پ) دیده میشود . از آغاز نسخه تا برگ (۲۷) در کنار رویه‌ها بیرون جدول مثنوی منطق‌الطیر عطار (هفت وادی عشق) بخط همان نویسندهٔ متن نوشته شده . و آغاز آن مانند آغاز خود کتاب افتاده آغاز موجود :

خونم از تشویر تو آمد بجوش تاجوان مردی بسی کردم بهوش

آغاز نسخه افتاده و از غزلی آغاز میشود که شعر تخلص آفت ایست:

چون نور علی ما را گردیده بدل روشن
بـا پرتو آن بـتم چشم از همه روشنها

این نسخه نزدیك (۱۸٥۰ بیت) غزل دارد .

همهٔ مجموعه (۱۱۳ برگ) این دیوان (۱۰۰ برگ) کاغذ ترمهٔ سفید خوب. جلد تیماج سبز یك‌لا. اندازه ۸ر۱۲ در ۱۴ر۵ و ۱۰ × ۱۱ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۱] دیوان ابن‌فارض (عربی)

عمرو پسر ابوالحسن‌علی پسر مرشد پسر علی. کنیتش ابوحفص و ابوالقاسم ولقبش شرف و بابن فارض نامبردار میباشد. نیاکان وی در شهر حماه بشام بوده‌اند وپدرش قاضی قاهره(۱) بوده است. وی درقاهره در (٤- ذی‌قعده - ۵۷۶)بزاده، ودرخانهٔ پدر بزرگ شده، ودرجوانی‌فقه‌شافعی بیاموخت، وحدیث از ابن‌عساکر و جز او دریافت. سپس بپرهیزکاری و گوشه نشینی گرائید. گاهی بکوه ودره‌میرفت و گاه‌درمسجدهای خرابه وخرابات قرافه(۲) معتکف میشد، وگاه بنزد پدر باز می‌گشت. او در این هنگام جوانی خوش‌روی ونیکوسیرت‌وزیبا اندام وشیرین گفتار وحاضرجواب بود.

ذوق شعری‌نیکو میداشت، پس بدستگاه صوفیان گرویده توان شعر-سرائی خودرا دراین‌راه بکارانداخت. باریك بینیهای عارفان‌را باهنرهای‌لفظی شاعران‌در آمیخت. شعروی‌هم ازسخن سنجان دل‌می‌برد وهم‌صوفیان رامجذوب می‌سازد. مدتی‌درمکه‌تنهائی گزید وسپس بمیهن باز گشت ودرقاهره‌در گذشت. دربارهٔعقیدهٔ اومردم بدوراه رفته‌اند: دستهٔ روحانیان مذهبی خشك اوراتکفیر وديوانش پلید شمرند، و دستهٔ صوفیان واهل عرفان وی -را یکی از اولیاءالله وصاحب کرامت‌دانند. چلبی در کشف‌الظنون‌دراین‌باره‌خموشی را گزیده‌است.

ابن خلکان (ز- ٦۰۸) (م - ٦۸۱) پس‌از گزارش کوتاهی که‌یاران ابن‌فارض شنیده، میگوید: (۳)

دوبیتیها وموالیها و لغزها ساخته ودیوان وی معروف و لطیف است. یك موالی بزبان عامیانه مصر(٤) برای یك جوان‌قصاب که موردعلاقهٔ وی‌بوده است، سروده واین‌شعر در دیوانش یافت نشود.

زایچهٔ وی (٤-ذی‌قعدهٔ - ۵۷۶) بقاهره ومرگ او درسه‌شنبه (۲ ج۱- ٦۳۲) وفردای آنروز دردامنهٔ کوه مقطم بخاك سپرده شد.

۱ - واقب فارض یعنی قباله نویس ونکاحنامه نگار میباشد.
۲ - خرابات بنام درمصر.
۳ - وفیات‌الاعیان‌ج۱۹٤۸ م ج ۳ص ۱۲٦.
٤ - یعنی خودرا پایبند اعراب ودستورزبان ندانسته. [ابن خلکان]

شیخ‌بهائی (م-۱۰۳۱) در کشکول از وی بسیار یاد کرده و درجلد سوم چکامهٔ بائی کوچك او را که چهل و پنج بیت است و چکامهٔ فائی او را که درچهل وئه بیت‌است یاد کرده. و قاضی نورالله (م-۱۰۱۹) در مجالس المؤمنین او را شیعه دانسته واین چکامهٔ بائی رابوی نسبت داده است:

بآل محمد عرف الصواب وفی ابیاتهم نزل الکتاب

ولی‌این بیت‌از چکامه‌را یاقوت(۱) بعلی پسر عبدالله ناشی نسبت داده و از گفته وی‌آرد: آنرا بسال (۳۲۵) درمسجد جامع کوفه سرودم‌بومنبری که درآن مجلس بود بشنید ومانند آن بساخت.

آری‌نسبت دادن چکامه ومانند آن بیکی‌ازمردان نامبردار، برای‌وانمود کردن‌اینکه: اودارای چنین وچنان عقیدت‌بوده است، درتاریخ‌بسیاردیده‌شده، وچه بسا چکامه‌ها که بعدها بدیوان ابن فارض داخل کرده باشند.

گرد آورنده این دیوان که نوادهٔ ابن‌فارض، یعنی پسر دختر اوست در دیباچه‌ای که خودبر آن نگاشته دربارهٔ یك‌چکامه گوید: صدسال پس‌ازسراینده (ابن فارض) ناپدید بوده، پسراین فارض شصت سال و من چهل سال دنبال آن گشتیم، تامن آنرانزد یکی ازدوستانم درمصر یافتم. ونیز گوید: که دراین‌مدت صدسال تصحیفها وتغییرهادردیوان‌پدیدآمده‌بود، ومن آنهارا باصل باز گردانیده تصحیح کردم.

نام گردآورنده دیوان علی‌است، وآنرا ازپسر ابن‌فارض‌جمال (کمال) الدین محمد (۲) که دائی گردآورنده است روایت نموده گوید:

چون دیدم درنسخه های دیوان تصحیف وتغییرها رخ داده این نسخه را که اززبان فرزندش جمال الدین محمد شنیده‌ام گرد آوردم. و اوبچرآخرین چکامه(۳) همه‌را ازپدر شنیده بود، جمال‌الدین شصت سال ومن چهل سال‌دنبال

۱ - معجم‌الادباء ج۱۹۲۸م.ج۵ ص۲۳۹
۲ - در برك (۱ - ب) نسخهٔ ابن کتابخانه جمال‌الدین ودربرك(٦ - الف) کمال‌الدین آمده است.
۳ - چکامه که دربرك (٦٤ب) نسخه ماهست وآغاز آن چنین است:
ابرقاً بدا من جانب الغور لامع ام ارتفعت عن‌وجه سلمی البراقع
که آنرا درحال تجرید در کشور حجاز سروده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این چکامه می گشتیم، تا آنکه من آنرا یافتم. سپس گزارش آمیخته با افسانه و کرامات از زندگانی ابن فارض آورده‌است. سپس از گفته پسر ابن فارض آورد: چون بسال (٦٢٨) من و برادرم بهمراه پدر بمکه شدیم شهاب الدین سهروردی ودستهٔ از پیران عراق بحج آمدند، و بایدرم روبرو شدند، و من و برادرم بدست شهاب سهروردی خرقه پوشیدیم. و مرگ او را (١) در جامع ازهر درقاهره در تالار سخنرانی (قاعهٔ خطابه) در (٢ ج ١-٦٣٢) وزایچه اورا (١) (٤ - ذی قعده -٥٧٧) آورده‌است. ودرپایان گوید: این گزارش را «عنوان الدیوان» نامیدم (٢)

گزارش از زندگی علی گرد آورندهٔ دیوان که نواده ابن فارض است جز آنچه ازدیباچهٔ این دیوان برمی آید بدست نیامد.

گزارشهائی که برای این دیوان نگاشته شده است:

١- شرح دیوان ابن فارض. از بدرالدین بوریني ابوالضیاء حسن بن محمد دمشقی صفوری (ز-٩٦٣-م١٠٢٤).

٢ - شرح دیوان ابن فارض. از عبدالغنی نابلسی. این دوشرح را کنت رشید دحداح دریك کتاب دوجلدی گردآورده، وبسال (١٨٥١م) درشهرمارسیل چاپ کرده، ونام خود را برپشت جلد رشید بن غالب مجتبی نوشته است. وسپس ازروی این نسخه درچاپخانهٔ خیریه مصر بسال (١٣١٠ ه ق) چاپ شده.

شرح دیوان ابن فارض بسال (١٢٨٩ ه ق) دربولاق وبسال (١٣٢٩ ه ق) در ازهریه نیز چاپ شده‌است (معجم المطبوعات - دیده شود).

٣- گزارشی بنام سابق الاظعان. از جلال الدین سیوطی (م-٩١١). بوریني درشرح خوداز آن نقل کرده است.

شرحهای تائیه:

دوچکامه از ابن فارض بقافیهٔ تاهست. یکی کوچك بنام «تائیهٔ صغری»

١ — گرد آورندهٔ دیوان، تاریخ مرگ ابن فارض را از گفتهٔ پسرش شهاب الدین احمد - وزایچهٔ وی‌را از گفتهٔ همان شهاب برای زکی الدین عبدالعظیم محدث، وهم از گفتهٔ همو برای ابن خلکان، شنیده ودرایجا آورده است، درنسخه های چاپی و فیات الاعیان ابن خلکان زایچهٔ ابن فارض را از گفتهٔ یکی از یاران آورده. وگویا همین محدث راخواستهٔ باشد.

٢ — این گزارش ازدیك یك چهار نسخه دیوان را گرفته است.

که دردیوان اوست ودیگر بزرگ که جداگانه شرحها دارد. تائیهٔ بزرگ ابن فارض که آنرا «لوایح الجنان وروائح الجنات» و نیز «نظم السلوك» نامیده‌اند بیشتر ازدیگر چکامه‌ها بررسی و گزاره شده‌است. ابن فارض در این چکامه هنرهای لفظی بسیارمانند: تجنیس، ترصیع، اشتقاق، بکار برده است. چلبی بهریك از ٤٨ بیت زیر گزاره‌ای برای این چکامه نسبت داده‌است:

١ - محمدبن احمد فرغانی (م-٧٠٠) شاگرد صدرالدین قونوی. یکبار بفارسی ودیگربار بتازی گزاره نموده. (١)

٢ - تلمسانی عفیف الدین سلیمان پسرعلی (م-٦٩٠) شاگرد دیگرصدرقونوی.

٣ - کمال الدین عبدالرزاق کاشی پسرجمال الدین احمد (م-٧٣٠).

٤- عزالدین محمودپسرعلی (٢) نطنزی کاشانی (م-٧٣٥). بنام: «کشف وجوه الغر».

٥- قاضی سراج هندی (م-٧٧٣).

٦ - شرف الدین داود پسرمحمودقیصری

٧ - شیخ علاءالدین عطیه (علوان هیتی) (م-٩٢٢) «المددالفائض».

٨ - شیخ زین العابدین پسرعبدالرؤف مناوی (م-١٠٣٢).

٩ - صدرالدین علی اصفهانی (م-٨٣٦).

١٠ - شیخ اسماعیل انقروی مولوی (م-١٠٤٢). بترکی (ن-١٠٢٥).

١١ - ملامعروف قاضی مصر. بترکی.

١٢ - شیخ رکن الدین شیرازی.

١٣ - شرح برتائیه کوچك (تائیهٔ صغری) ازبوریني صاحب شرح دیوان.

١٤ - شرح جامی بفارسی نسخه آن در این کتابخانه هست.

ردها بر ابن فارض:

اشعار عارفانه ابن فارض باخشکی روحانیان سنی ساز گار نبوده بویژه تعبیرهای عرفانی ازخدا و فرشتگان و عقیده بوحدت وجود، و اشارت نمودن بخداوند باضمیر مؤنث، وجز آنها سبب گردید که برشعر وی ردها پر از دشنام

١ — دیباچهٔ این دیوان برك (٦ب) و کشف الظنون دیده شود.

٢ — نسخهٔ از آن بشمارهٔ (٢٧١) در این کتابخانه هست، ودر (١٣١٩ق) بنام عبدالرزاق کاشی چاپ شده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نویسند. چلبی در کشف الظنون کسان زیر را در شمار ردنویسان بر ابن فارض نامبرده است:



(۵) برگ (۹—الف) دیوان ابن فارض ، نسخهٔ ۲۳۸ این کتابخانه.

۱ – ابراهیم بقاعی برهان‌الدین (م-۸۸۵) .

۲ – نجم‌الدین احمدبن حمدان حرانی شرح برتائیه نگاشته .

۳ – قاضی شمس‌الدین محمد بساطی شرح برتائیه نگاشته .

[۲۱]

۲۳۸ بخط نسخ نزدیک بثلث . نام‌نویسنده بدارد . تاریخ نوشتن (۷۷۵) . چندین بار بدست دانشمندان تصحیح وبررسی شده وهریك گواهی خودرابرروبه (۶۹—الف) نوشته‌اند وگراور این‌روبه درابنجا دیده میشود . در پائین روبه خط محمدبن صالح بن عطاءالله دربایان ذی‌قعده (۹۰۴) ودرمیان روبه سمت چپ خط محمدبن بدرالدین سجستانی در (۹۶۲) دیده میشود . و درسمت چپ بالای صفحه خط ابوالحسن بن‌محمد باقر در (۱۱۰۵) دیده میشود . عنوانها با شنگرف و لاژورد ودرینهٔ بحت‌عنوانها بازر نوشته‌شده . در کنارهمهٔ روبه‌هاحاشیه‌های‌سودمنداز خود گرد آورنده (علی نواده ابن‌فارض) دیده میشود که امضای (منه) دارد. برخی‌از برگهادواثر دستمالی سایده‌شده . پیش‌از نسخه دو برگ‌سفید درصحافی نهاده‌اندودرپشت‌نخستین آنها فرهاد میرزاتملك خود را در (۱۷ محرم-۱۲۷۴ق = ۲سپتمبر۱۸۵۷م) نوشته است.

(۶۹ برگ) کاغذ عطائی، جلد متوی ابری ته‌پیاز زرد،
اندازه : ۱۷ × ۲۵ و ۱۲ × ۱۹ ، ۱۹ سطر.

[۲۲] **ریاض الانشاء** (فارسی)

درهنر انشاء و نامه نگاری فنی ، مجموعهٔ لیست از نامه های گوناگون خواجه‌نجم‌الدین محمود پسرشیخ محمد گیلانی که بخواجهٔ جهان نامبردارست . وی آنها رابرای‌دوستان‌خود، ویاازگفتهٔ‌شاهی بشاه یاوزیردیگر، نگاشته‌است. گزارش کوتاه زندگی نگارنده را درهفت اقلیم درقسمت گیلان آورده گوید: درجوانی بجهان گردی‌پرداخته،تاآنکه نزد سلطان محمدلشکری پادشاه دکن رسید، ودرآنجا اقامت گزیدودراندك زمان اعتبار یافت، ولقب «خواجهٔ جهان» گرفت ، ودرپایان کار حسودان بایك‌نامه ساختگی او را ازدیده پادشاه انداخته بکشتن دادند . چلبی گوید : خواجه ازمشاهیر دنیا و دارای مال بسیار بوده بخششهای وی از هند بدانشمندان روم وایران میرسیده و درآنجا مقام وزارت داشته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درطبقات اکبری گوید: خواجهٔ جهان درروز کاربزرگواری خود با دانشمندان وادیبان عراق وخراسان دادوستد نامه وهدیه میداشته، وازجمله‌میان وی وجامی چندنامه دادوستد شده است.

خواجه دردیباچهٔ ریاض‌الانشاء خود گوید: نامه‌هائیرا که برای‌دوستان نگاشته‌ام دراین کتابچه گرد آوردم.

از آثار دیگر وی کتابی بنام «مناظر الانشاء» بجا مانده است که در دیباچهٔ «ریاض الانشاء» نگاشتن آنرا نوید داده، ودرزمان امین احمدرازی این کتاب نزد ادیبان نامبردار بوده، و در هفت اقلیم ازآن یاد کرده، و چلبی در کشف الظنون درعنوان «مناظر الانشاء» فهرست آنرا داده است. نسخهٔ مناظر الانشاء در کتابخانهٔ(۱) سپهسالار هست، و آقای ابن یوسف گزارش زندگی نگارنده‌اش را در (ج۲ص۹۹-۱۰۲) فهرست آن کتابخانه آورده، مرگ اورا بسال (۹۶۲) ازیادداشتهای آقای تربیت نقل نموده است.

نگارندهٔ کتاب مناظرالانشاء راپس‌ازمرگ جامی بسال(۸۹۸) و کتاب ریاض‌از انشاء راپیش ازاین تاریخ نگاشته ونامه‌هائی که برای جامی نوشته در این کتاب دیده میشود، و کسی که با جامی‌نامه نگاری داشته عادتاً نمی‌تواند تا(۹۶۲) زنده بماند.

برای روشن شدن دورهٔ زندگی این مرد فهرستی از نامه هائی که در کتاب ریاض الانشاء گنجانیده در اینجا میاوریم:

۱- نورالملةوالدین‌خواجه‌عبیدالله مدالله‌ظلاله - ازوی برکت خواسته.

۲ - صدرالدین رواسی قدس‌سره.

۳ - عبدالرحمان جامی دام‌بقاء. (۲)

۱ — فهرست این کتاب چنین است:

دیباچه درشناسائی این دانش وسودآن درهشت بخش. گفتاراول‌درتقسیم کلام بروش‌دبیران. درچهارمنظر. گفتاردوم‌درشرائط نگارش میان‌مردم. پایان‌نامه دردستورهای املائی‌ونویسندگی آغاز: یا مبدع‌الانشاء بسط نورالوجود... امابعد چنین گوید فقیرمحمود بن‌شیخ‌محمد گیلانی که برخاطرپاك وضمیردراك صدرنشینان‌محافل ادراك ظاهروهویداست...

۲ — (م — ۸۹۸)

۴- سلطان ابوسعیدگورکان اسکنه‌الله فسیح‌الجنان. (۱)

۵- سلطان محمد پسرمراد عثمانی خلدالله ملکه. (۲)

۶- علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ایام سلطنته.

۷- علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ایام معدلته.

۸- یکی ازوزیران‌زمان.

۹- از مکه برای برادر خود بگیلان نگاشته.

۱۰- نیز ازشام برای برادر خود بگیلان فرستاده.

۱۱- برای شرف‌الدین علی یزدی افاض‌الله علیه. (۳)

۱۲- ازمحمدشاه بهمنی(۴) برای محمود شاه گجراتی. (۵)

۱۳- بسلطان شمس‌الدین محمد گیلانی خلدالله ملکه.

۱۴- برای برادرش تغمدالله برحمته.

۱۵- نیز برای‌برادرش سفارش‌فخرالدین‌احمد اسفراینی‌منجم را کرده

۱۶- بپسر برادرش عمیدالملك.

۱۷- درگله گزاری ازحسودان ببرادر نگاشته.

۱۸- ازگفتهٔ محمد شاه بهمنی (۴)برای محمود شاه گجراتی. (۵)

۱۹- بشیخ داود پیغامبر سلطان محمود خلجی(۶).

۲۰- به‌برادرزاده‌خودعمیدالملك‌هنگام‌برگشتن‌وی‌ازمکه‌به‌دابول‌نگاشته.

۲۱- برای علاءالسلطنه گیلانی خلدالله ملکه.

۲۲- ببرادر خود.

۲۳- ازمحمد شاه بهمنی (۴) بمحمود شاه گجراتی. (۵)

۱ — درخراسان وماوراءالنهر (ش۸۵۴ - ۸۷۳) (ش۸۳۱ — ۸۷۳۲)

۲ — محمد فاتح قسطنطنیه (ش۸۵۵-۸۸۶).

۳ — معمائی (م — ۸۳۰).

۴ — (ش ۸۶۷ — ۸۸۷) طبقات سلاطین لین‌پول.

۵ — محمود شاه اول (بای‌قرا) (ش ۸۳۶ — ۹۱۷) طبقات لین‌پول ص ۲۸۲.

۶ — محمود اول خلجی پادشاه‌مالوه (از۸۳۹ تا ۸۸۰) طبقات سلاطین لین‌پول ص۲۸۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۴- یکی از وزیران.
۲۵- یکی از خویشان خود سفارش فرزندان و نوادگان خود کرده.
۲۶- بفرزند کوچك خود الغ خان نوشته(۱) تشویق بکار نموده.
۲۷- نیز بهمان فرزند توبیخ از ترك دانشجوئی وتشویق بعلم‌آموزی.
۲۸- بشمس‌الدین محمد گیلانی.
۲۹- بعمدةالملك وزیر دام‌فضائله.
۳۰- ابوسعید تبریزی. (ره)
۳۱- بسید مهدی.
۳۲- بمحمود پاشا وزیرروم. (دام‌علاه).
۳۳- بپسرش عبدالله حسین بگیلان (۲) اندوه فراق و امید بوصال.
۳۴- بوزیر شرف‌الملك.
۳۵- بسیدابراهیم بن‌السید الشریف (ره).
۳۶- بپسر بزرگ خود ملك‌التجار. پند واندرز.
۳۷- نیز بهمین پسر.
۳۸- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله).
۳۹- بعلاء السلطنه گیلانی. تبریك فتح مملکت کوه دم و کوچیان بدست‌علاءالسلطنه وخبرفتح‌قلاع هندیان بدست‌خود، وعذرخواهی از نفرستادن فرزندش عبدالله.
۴۰- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله).
۴۱- بجلال‌الدین دوانی (۳).
۴۲- بپسر برادر خود عمیدالملك بمکه. فتح‌نامه نگاشته.
۴۳- بیکی ازیاران.

۱- شماره‌های ۲۵ ۴۴ ۶۷ ۷۳ ۷۴ ۵۰ ۷۵ ۸۲ نیز برای این پسراست
۲- این پسر را از گیلان بهند آورده وسپس او را بخدمت علاءالسلطنه باز گردانیده است
۳= (م- ۹۰۷)

۴۴- بپسرش الغخان.
۴۵- بقاضی‌شرف‌الدین صدرجهان(۱).
۴۶- ازمحمد شاه بهمنی بمحمود شاه گجراتی.
۴۷- بپسر برادرش جمال‌الدین حسین. هنگامی که ازمکه‌بدابول رسید.
۴۸- بیکی از اشراف.
۴۹- بعلاء السلطنه گیلانی (خلدالله‌ملکه) فتح‌نامه نگاشته.
۵۰- بسلطان حسین بایقرا (خلدالله ملکه). (۲)
۵۱- بسلطان حسن‌بیگ (خلدالله ملکه).
۵۲- سلطان میرزاده جهانشاه لاری (خلدالله ملکه).
۵۳- بعبدالرحمان جامی (دام‌ظله).
۵۴- بپسر برادر خود عمیدالملك بمکه.
۵۵- بمعین‌الدین.
۵۶- بعلاء الدین عبدالله (دام ظلال تقویه).
۵۷- شمس‌الدین محمد گیلانی.
۵۸- بعلاءالسلطنه گیلانی (خلدالله سلطنته). سفارش فرزند کرده.
۵۹- بعبدالرحمان جامی (دام ظله).
۶۰- ازمحمد شاه بهمنی بشاه حسین جونپوری.
۶۱- بیکی ازیاران.
۶۲- ازمحمد شاه بهمنی بمحمد شاه گجراتی.
۶۳- بپسر برادرش عمیدالملك.
۶۴- بوزیر نظام‌الملك.

۱- چندتن بصدرجهان نامبرداراند(الف) کسی که نقش‌نگین اوتاریخ(۱۰۸۰) داشته (ذریعه ج-۴۱۴ب)صدرجهان‌طبسی‌حسینی پسرروح‌الله که ازملامحمودلاهجی در(۹۷۴)اجازت گرفته (ذریعه۱۰۱۹۲۴۹ج) سفیر اکبر پادشاه هندی که بسال (۹۹۰) بدربار ایران آمده وبازگشته وبسال (۱۰۲۷) درسن صدوبیست سالگی‌درگذشته (صبح گلشن). و احمد پسر عبدالرزاق خالدی زنجانی وزیر کیخاتو در (۶۹۲ ق).
۲- ش(۹۰۸- ۹۱۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۶۵- یکی ازیاران . ۶۶- بشرف‌الدین صدرجهان .
۶۷- پسر خود الغ خان . ۶۸- سیف خان رسول گجرات .
۶۹- بملك عبدالملك (دام بقاء) .
۷۰- بشیخ داود رسول هندو .
۷۱- ازمحمد شاه بهمنی بسلطان محمود خلجی .
۷۲- بملا محمدلاری . ۷۳- پسر خود الغ خان .
۷۴- نیز بهمان پسر . ۷۵- نیز بهمان پسر .
۷۶- ازمحمد شاه بهمنی بشاه محمد گجراتی .(۱)
۷۷- بملا ابوسعید (دام عمره) .
۷۸- بشیخ محمود هندوی .
۷۹- ازمحمد شاه بهمنی بمحمود شاه گجراتی .
۸۰- نیز ازمحمد بمحمود پادشاه گان .
۸۱- پسر برادرش برهان الدین بمکه .
۸۲- پسر خود الغ خان . ۸۳- یکی ازوزیران .
۸۴- یکی از قاضیان . ۸۵- یکی از شاهان .
۸۶- یکی از فرزندان . ۸۷- یکی از خویشان .
۸۹- یکی از یاران . ۸۸- یکی از وزیران .
۹۰- یکی از یاران . ۹۱- یکی از یاران .
۹۲- یکی از یاران ۹۳- بدختر یکی ازشاهان .
۹۴- یکی از بزرگان . ۹۵- یکی از شاهان .
۹۶- بعبدالرحمان جامی . ۹۷- یکی از شاهان .
۹۸- یکی از سیدان . ۹۹- یکی از وزیران .

۱- باورقی شمارهٔ (۶۴و۶۶) ص ۹۶ دیده شود .

۱۰۰- یکی از عارفان . ۱۰۱- یکی از فاضلان .
۱۰۲- اززبان یك شاه برای شاه روم .
۱۰۳- یکی‌از بزرگان .

درنامه (۲۱) که‌دریاسخ‌بعلاء السلطنهٔ گیلانی‌نوشته، گوید: چون گوهررا درکان بی‌ارزش دیدم ، از گیلان بیرون آمدم تا بدرگاه شاهان بهمنی رسیدم، وچون‌همایون شاه‌فوت‌شدپسرش نظام‌شاه مرامورداطف‌نگاه‌داشت، وبی‌وفائی است که‌رهایش کرده بمیهن باز گردم. شما فرزندان مرا بدینجا بفرستید تایکی را که لایق باشد دوباره بخدمت شما بفرستم . درنامهٔ (۶) فرزندش عبدالله را برای‌فرستان بنزدعلاء السلطنه‌نامزد کرده. ودرنامهٔ (۳۹) ازنفرستادن اوو تأخیر یك‌سال‌عذرخواهی کرده. ودرنامهٔ(۷) اورا فرستاده‌است . چندین‌نامه بخانواده وفرزندان خود که‌در گیلان‌بوده‌اند نگاشته. ونامه‌هائی نیزبجامی وشرف‌الدین علی یزدی و جز ایشان از بزرگان نگاشته است . وی شعر نیز نیکو میگفته وچکامه وبیتها و دو بیتیهای فراوان ازو دراین کتاب یافت میشود .

آغاز : یامن‌توحد ببدایع‌الابداع والانشاء وتفردباجراء قلم‌الاختراع علی وفق... وبعد جواهر ذواهر مقال که واسطهٔ سلك مقتضی حال و خلاصهٔ... نام نگارنده ونام کتاب را در دیباچه‌آورده بوزارت‌خودنیز اشارت کرده است .

[۲۲]

۱۳۲ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده و تاریخ نوشتن افتاده . ولی پیداست که درزندگانی نگارنده درسدهٔ دهم نوشته شده . عنوانها باشنگرف است . پایان نسخه‌افتاده دارد. وفقط تامیان‌نامهٔ شمارهٔ (۱۰۳)مانده وبدین‌جمله پایان‌می‌یابد [درپرورش‌وی شاهنشاه فریدون فراسکندرمنش] .

(۱۳۲برگ) کاغذ فرنگی آهار مهره شده . جلد تیماج مشکی یك لا .
اندازه ۱۴×۲۴ و ۱۰×۳۰ ، ۲۱ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۳] سر گذشت (فارسی)

یا رسالة الندامة الی ذاالقیامة

نام نخستین را آقای تقی‌زاده درسرآغاز دیوان ناصرخسرو برای‌این کتابچه بکار برده گوید: کهن‌ترین جا که ازاین کتابچه نام برده شده، تذکرهٔ «خلاصة الاشعار» (ن-۹۸۵ - ۱۰۰۰) میباشد که میگوید اصل آن بتازی بوده ووی آنرا بفارسی گردانیده است. و پس‌از وی امین احمد رازی درهفت‌اقلیم (ن-۱۰۰۲) آنرا کوتاه کرده. وسپس لطفعلی آذرنیز آنرا در آتشکده ازروی خلاصة‌الاشعار کوتاه کرده ولی از هفت اقلیم مفصل‌تر آورده است. و سپس همین نسخه در سرآغاز دیوان ناصر در تبریز چاپ شده است.

ولیکن رضاقلی‌خان‌هدایت بجای خلاصة الاشعار میرتقی کاشی، تذکرهٔ عرفات تقی‌الدین محمد حسینی اوحدی بلیانی یاد کرده است. پایان.

در خلاصة‌الاشعار نسخهٔ (مجلس) ونسخهٔ آقای صادق انصاری‌درتهران نام‌ناصر خسرو‌نیامده‌ودر تذکرهٔ عرفات‌نسخهٔ(ملك)درتهران‌نیز گزارش کوتاهی‌از ناصر آمده واز کتابچه‌سرگذشت نامی‌نیامده‌است. ولی‌ازفهرست کتابخانه بانکی‌پور هندوستان چنین نماید که درخلاصة الاشعار نسخهٔ آن کتابخانه گزارش‌زندگی ناصرخسرو هست.

این کتابچه گزارش ساختگی است از زندگانی ناصرخسرو وبراست از افسانه های سحرآمیزدیوان وپریان‌وطلسم‌ها وتسخیرها وکارهای‌شگفت‌انگیز که بناصرنسبت داده شده وداستانهای تاریخی‌رانیز باتناقضها واشتباه هاودروغ های آشکار آورده.

مانندآنکه ناصر رابه پیغامبری ازطرف دربارخلافت بغداد (القادربالله) به‌پیش ملاحدهٔ گیلان یالموت فرستاده.

اته گوید: کتابچه «سرگذشت» درسدهٔ دهم‌هجری ساخته وبناصر نسبت داده شده، ولیکن بنقل آقای تقی‌زاده از مستر براون (۱) قسمت زیادی از مطالب این کتابچه در مجموعهٔ که اشعار ناصر وجزاو را دربردارد وبتاریخ (۷۱٤)نوشته شده‌در کتابخانهٔ‌دیوان‌هند درلندن هست؛ و بنابراین‌تاریخ کتابچه سرگذشت از پندار اته کهن‌تر میباشد. بویژه که برخی داستانهای آن مانند حمام های اسرارآمیزدر کتاب آثارالبلاد (ن-٦۷٤) ز کریا پسر محمد قزوینی نیز آمده است.

درتذکرهٔ دولتشاه (ن-۸۹۲) نیز افسانه های سحر وطلسم‌بندی وتسخیر بناصر نسبت داده است.

نسبت سحر وتسخیر وطلسم‌بندی بناصر پیشینه بسیار دارد تاآنجا که در زمان‌خود وی‌نیز ازاین گفتگوهابوده است وخودبدانها اشارت کرده(۲) گوید:

افسانه ها بمن بر چون بندی
گوئی که من بچین و بما چینم
برمن گذر یکی بیمکان در
مشهور تر از آذر برزینم (۳)

جهل و نادانی همگانی در زمانهای پیشین سبب میگردید که چون دانشمندی یافت میگشت مردم او را بالاتر از خود مینگریستند، و برای او بادستگاه ماوراء فیزیك ارتباط برقرار میکردند، بویژه اگر کسی دردانش فیزیك وشیمی (کیمیای آنروزی) نیزدستی داشت اورا افسونگر، ساحر،وتسخیر کننده ارواح ودیوان‌وستارگان وجزآن‌میخواندند، زیرا که‌این دانشهایکسره از دسترس‌مردم بدور بود، وآنرا بنام «علوم غریبه» و دانشهای دور وناشناخته میخواندند، واز همین‌روی کسانیکه دارای چنین دانشها بودند دارای نیروئی

۱- سرآغازدیوان.(چ-۱۳۰۷ ص سا).
۲- دیوان ناصر(چ۱۳۰۷ص ص۷۲).
۳= نام ششمین آتشکدهٔ نامیردار ایران در زمان ساسانیان.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بودند، ودیگران ناگزیر ازایشان حساب میبردند، وچه بسا ادعاهای گزاف پیمبری و ولایت وجز آنها میکردند، ونادانی مردم ایشانرا به پیروی از وی وامیداشت، واگر خود وی نیز چنین گزافه گوئیها نمیکرد، نادانی، مردم راوادار میکرد دربارهٔ وی پندارها بافند وکارهای ساده وطبیعی اورا شگفت آمیز بینند وآنرا بزرگ کرده، شاخ برگ زده، جادو بنمایانند.

دربارهٔ ناصرخسرو، چگونگی زندگی شخصی اونیز دراین راه یاری کرده. ناصردارای مذهبی مخالف مذهب همگانی مردم و پیرو سازمان پنهانی باطنیان بوده وحروف جمل ورمزهای دگربرای بیان مطلب خود بکار میبرده است. ودراثر کوشش درپیشرفت عقیدهٔ خودآواره ودربدر و کوه‌نشین گردید، ودرمغاره هاوبلندیها وگذرهای بن‌بست وکله کوهها بست‌نشسته، وبویژه گاهی نیز دربرخی چکامه ها ازاین‌راه بخود بالیده است.

دراین کتابچه ساختگی از کتابهای جامع کبیروسر کبیر نگارش محمد پسرحسن شیبانی(۱) وکلیات‌شامل نگارش‌علی‌بن موسی‌الرضا(ع)نامبرده گوید اندك ناسازگاری میان‌آنها دیدم، ونزدیك نهصد تفسیر بررسی کردم، وکتاب قسطالوقا(۲)ی مسیح‌را خواندم وزبان‌سه کتاب انجیل، توراة وزبوررا آموختم وروزگار مرا بمصر انداخت وبوزارت پادشاه آنکشور رسیدم. وسپس بسخن چینی حسودان ازکار بر کنار ونیمه شب‌ازمصر گریختم وبیغداد رفتم وبوزارت القادربالله گماشته شدم. وسپس مرا بسفارت نزد ملاحده فرستاد و در آنجا ناطوس مغربی‌را ـ که دربابل شاگرد من بود ـ دیدم واو مرا بایشان شناسانید. ملاحده مرا با احترام نگاهداشتند، وچون بگریختم مرا دربند کردند، و وادار

۱ ـ که درج۱ ص۲۳۷-۲۳۹ این فهرست یاد او گذشت.

۲ ـ خواست وی انجیل لوقا می باشد که یکی از چهار انجیل است و با نام قسطابن‌لوقا یکی‌از پزشکان مسیحی بملیکی رومی زمان‌عباسی‌اشتباه کرده وبدینصورت درآورده است

کردند،تاتفسیری‌مطابق عقیدهٔ آنان نوشتم، وچون‌این کتاب بدست مسلمانان‌فتاد مرا تکفیر کردند. سر انجام بوسیله تسخیر وسحر از دست ملاحده گریخته به نیشابور شدم.

در اینجا شخصی را بجرم آنکه وقتی شاگرد من (ناصر) بوده کشتند و من ترسیده گریختم و ببدخشان شدم. پادشاه آن کشور عیسی‌پسراسد علوی مرا بوزارت گماشت. مردم این‌شهر همه دوستار خاندان پیغمبر بودندجز حکیم نصرالله ساروی دانشمندآن دیار که در تسنن تعصب داشت، وبنابر رفعت جاه بامن دشمنی میکرد و کتاب تفسیر مرا مدرك‌فتوای کشتن من قرارداد. من شبانه گریخته بدیه‌یمگان شدم کلانتر آنجاوزارت برمن‌عرضه کرد ومن‌نپذیرفتم وبیست وپنج‌سال درغاری بنماز ونیایش گذراندم: و ریاضت بدانجا رساندم که درسی‌شبانه‌روز، یکبارمیخوردم، وچون‌عمرمن بصدو چهل‌سال‌رسیددرخواب‌مرا ازمرگ خبردادند، وچون ازخواب برخاستم این کتابچه برای یادگار نوشتم. یا اخ‌السعید در روز جمعهٔ ماه ربیع‌الاول‌هنگامی که خورشیددر برج‌شیر، وماه در خرچنگ باشد من بنیرم [سپس جمله هائی بفارسی مانند ترجمهٔ دعای عدیله آورده است. وسپس وصیتهای خودرا نوشته]: دو کتاب‌مرا درعلم یونان‌وسحر بسوزان، وقانون‌اعظم را بپسرعمم منصورده، و زادالمسافرین رابسیدالحکماء عیسی‌پسراسد علوی‌ده، و دستور اعظم درفقه بحکیم نصرالله قاضی‌بدخشان‌ده، و کتاب اشعار مرا بجهانشاه پسرگیو یمگانی ده، وباقی را آنچه خواهی کن. [سپس گوید]: هذا آخر کلام‌الحکیم.[سپس گوید]:

ابوسعید برادرش نقل میکرد: چون‌مناجاتش باتمام رسید مراگرفت ... وبمرد... پس‌اورا غسل‌داده در کفنی که سه‌بار بزیارت برده بود کفن کردیم ودرهمان غاردفن کرده وبکرامت‌حکیم درب‌غار بهم برآمد.

مطالب این کتابچه سراسر آمیخته باسحر و کرامت و یاری جنیان و دیوان میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: حکیم ناصرخسروعلوی، حقیقت احوال اوحسباً و نسباً بنگارش رساله که خود دروقایع احوال خود نوشته اینست: امابعد: چنین گوید کمترین خلق‌الله ناصر الدین خسروبن حارس‌بن عیسی‌بن حسن‌بن محمدبن موسی‌بن علی‌بن موسی‌الرضا(ع) که دوربعان عمرمشعوف بودم بتحصیل ...

انجام: درحال درب‌غار بهم‌برآمدوباسایر اجزای آن کوه یکسان‌شد. اینست رسالهٔ که براحوال خود نوشته بود.

[۲۳]

خط نستعلیق زیبادرسرآغاز نسخهٔ دیوان ناصرجای گرفته که در (ص۷۳ـ۸۶) این فهرست یاد شده است.

نام نویسنده وتاریخ نوشتن‌همانست که درآنجا یادشد. دارای یک سرلوح خوب از شنگرف و لاژورد و زر. رویه نخست زر افشانی شده. همهٔ رویه ها دارای جدول زر ولاژورد.

این کتابچه در (۱۰ برگ) همه مجموعه (۴۷۲ رویه) کاغذ وجلد همانست که در (ص۷۳ـ۸۶) گفته شد.

[۲۴] شرح خطبة البیان (فارسی)

یکی‌از شرایط بزرگواری در نزدعرب نیروی سخنرانی وتوانائی‌سخنوری بوده، وشك نیست که علی(ع) یکی از سخنوران نامبردار سدهٔ یکم هجرت است، وسخنرانیهای وی زبانزد مردم بوده، وتاپایان سدهٔدوم وآغاز سوم‌متن این سخنرانیها سینه بسینه آمده است، وچنانکه درعنوان «نهج‌البلاغة» خواهیم گفت؛ درسدهٔ سوم و چهارم بافزونی و کاهشها که دراین مدت در آنها راه یافته‌بود، نوشته‌شد، وسخنرانیهای دیگرساخته‌شد وبرآنها افزوده گردید. ودر آغاز سدهٔ پنجم سیدرضی ازمیان آنها آنچه را بذوق خود از علی(ع) شناخت گلچین کرد ودر «نهج‌البلاغه» آورد. درهمین زمان‌پاره های‌دیگر ازسخنرانیها بوده که بعلی‌نسبت‌داده‌میشده ولی‌سیدرضی، بسبب نابرابری‌متن‌ها، وبی‌اعتباری

زنجیرهٔ سندها، وناسازگاری باعقیدهٔ سیدرضی، ودوربودن ازاندیشه او، آنها راپسندیده ورها کرده است.

آنچه از این سخنرانیها در نهج‌البلاغه نوشته گردید تااندازه ازدست‌برد بدور ماند، وآنچه دربیرون‌ماند؛ دست انداز غرض رانان و بازیگران مذاهب و آئینهای گوناگون گردید. مانند آنهاسخنرانیها (خطبه‌ها) ساخته وبنامهای گوناگون خوانده شد.

کهن‌ترین جائیکه نام‌چند سخنرانی‌علی(ع) دیده شده که برخی از آنهادر نهج‌البلاغه نیست کتاب «مناقب» نگارش ابن‌شهرآشوب(۱) میباشد که‌محمدباقر مجلسی(۲) ازآن نقل کرده‌است.

دراینجا نام خطبه های: توحید، شقشقیة، هداية، ملاحم، لؤلؤة، غراء، قاصعه، افتخار، اشباح، درةیتیمه، اقالیم، وسیله، طالوتیه، قصبیه، نخیله، سلمانیه، ناطقه، دامغه، فاضحه، وموقعه خالی ازالف، وخطبه دیگرخالی‌ازحرف نقطه دار، یاد شده.

واز مدرك آنها نام: نهج‌البلاغهٔ سیدرضی و «کتاب‌الخطب» اسماعیل‌پسر مهران و «کتاب‌الخطب» زید پسر وهب‌را آورده است

درسدهٔ هفت وهشت غوغای مغولان همهٔ آوازها راخاموش کرده ودر آغاز سدهٔ نهم باز زمزمهٔ پنهان کاری وباطنی گری ازنو بوسیله دستهٔ حروفیان در کردستان ونقطویان (پسیخانیان) درگیلان‌شنیده میشود(۳).

۱ـ نگارندهٔ «معالم العلماء» (بـ۵۸۵).

۲ـ در «بحارالانوار» ج۱۰۴، تبریز، ج۹، ص۵۳۵.

۳ ـ اندکی از تاریخچهٔ باطنیان پیش از مغول را در دنباله گزارش زندگی ناصرخسرو در (ص۷۳ـ۸۶) این فهرست. و اندکی از تاریخچه باطنیان پس ازمغول (حروفیان کردستان) را در دنباله گزارش زندگی فضل‌الله استرآبادی و جاودان نامهٔ وی‌درجلداول این‌فهرست(ص۸۰ـ۸۵)یاد کردیم.و برای‌تاریخ باطنیان گیلان(پسیخانیان) که‌بند کشیده شده، وبصورت دین آلهی اکبر پادشاه درآمده؛جزوهٔ‌سیزدهم‌ایران کوده دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

طرز فکر و عقاید این دسته‌ها و بویژه حروفیان بیش از افکار باطنیان(۱) پیش از مغول در پوستهٔ مذهبی پوشیده و پایهٔ علمی آن کمتر میباشد. یکی از بهترین

۱ــ باطنیان پیش از مغول خود را اهل باطن و دشمنان را ظاهری مینامیدند، ولی باطنیان پس از مغول (حروفیان کردستان) خود را نیازی و دشمنان خود را نمازی میخوانند. اینان مانند باطنیان باستانی احکام ظاهری و فرعی اسلام را بکار نمیبسته و نمیپندند. دسته هائی از ایشان تاکنون در کردستان ایران و عراق و ترکیه بجا مانده اند. و بنامهای اخیان و کاکائیان و بکتاشیان نامبردارند.

در دائرة‌المعارف اسلامی دستهٔ اهل‌الحق را که در پیرامون کرمانشاه نشیمن دارند از اینان دانسته است. و دسته دیگر که قزلباش نامدارند پیرو شیخ صفی نیای خاندان صفوی؛ میباشند.

عقاید ایشان را باید از بررسی کتابهای ایشان بدست آورد.

ما در اینجا فهرست کوتاهی از کتابهائیکه امروز نزد این گروه مقدس است میآوریم. برخی این کتابها را عباس عزاوی در «تاریخ عراق عرب میان دو اشغال» ج ۲ ص ۲٤٦ـ۲٥٤ و برخی را همو در «تاریخ کاکائیان» ص ٥۳. و برخی را مستر براون تاریخ ادبیات ایران ج۳ و برخی را صاحب‌ذریعه آورده‌است. برای بررسی بیشتر؛ تاریخ باطنیان کردستان کتابهای «کاشف اسرار بکتاشیان» از اسحاق افندی و تاریخ «کاکائیان» از عباس عزاوی و این فهرست ج۱ ص ۸۰ ــ ۸٥ و ج ۲ ص ۷۳ـ۸٦ و برای تاریخ باطنیان گیلان (مطویان) جزوهٔ ۱۳ «ایران کوده» دیده شود.

۱ــ آدم نامه
۲ــ آخرتنامه: از فرشته‌زاده.
۳ــ استوا نامه. از میرغیاث‌الدین
٤ــ اسکندرنامه. از علی‌الاعلی
٥ــ اطاعتنامه. از کمال‌صنائی
٦ــ بشارتنامه. از رقیعی
۷ــ بکتاشی نفس‌لری
۸ــ بویروغ.
۹ــ تحفة‌العشاق
۱۰ــ تراب‌نامه.
۱۱ــ توحید. از سلیمان افندی کابی بارسی
۱۲ــ جاودان عرفی.
۱۳ــ جاودان کبیر. از فضل‌الله استرآبادی. چاپ‌شده.
۱٤ــ حقایق‌نامه یا دیباچهٔ حقایق.
۱٥ــ حقیقتنامه.
۱٦ــ حیاة
۱۷ــ خطبة‌البیان (خطبة‌الافتخار). چاپ شده.

بقیه در پاورقی صفحه بعد

دستگیره‌های ایشان در مبارزه و استوار ترین دلیلهایشان در استدلال، همین سخنرانی‌ها (خطبه‌ها) بوده، بر آنها میافزودند، و از آنها میکاستند، و بنام آنها، و مانند آنها میساختند، و بزرگان مذهبی نسبت میدادند.

بقیه از پاورقی صفحهٔ پیش:

۱۸ــ خطبهٔ تطنجیه (خطبة الاقالیم). چاپ شده.
۱۷ــ دیوان ابدال.
۲۰ــ دیوان روحی بغدادی. چاپ شده.
۲۱ــ دیوان فضولی بغدادی. چاپ شده.
۲۲ــ دیوان نسیمی. چاپ‌شده.
۲۳ــ دیوان محیطی.
۲٤ــ دیوان ویرانی.
۲٥ــ دیوان یمینی.
۲٦ــ ذره‌نامه از سیدشریف
۲۷ــ زبورداود. بعربی
۲۸ــ سرانجام. از ملاعابدین.
۲۹ــ عرشنامه، از فضل‌الله استرآبادی
۳۰ــ عرشنامه. از علی‌الاعلی.
۳۱ــ عرفنامه. از فضل‌الله استرآبادی
۳۲ــ عشقنامه. از فرشته زاده.
۳۳ــ فرقان الاخبار. از نعمة‌الله ولی (م ۸۳٤).
۳٤ــ فرقان اهل‌الحق.
۳٥ــ فیضنامه.
۳٦ــ قسمنامه. ازمحیطی بابا.
۳۷ــ قیامتنامه. ازعلی‌الاعلی
۳۸ــ کتابچهٔ بدرالدین.
۳۹ــ کتابچهٔ حروف.
٤۰ــ کتابچهٔ فضل‌الله.
٤۱ــ کتابچه. از گلشنی.
٤۲ــ کتابچهٔ از نسیمی.
٤۳ــ کتابچهٔ نقطه.
٤٤ــ کتاب ویرانی
٤٥ــ کرسینامه. از علی‌الاعلی
٤٦ــ کشفنامه. ازمحیطی‌دده.
٤۷ــ مبدأ ومعاد.
٤۸ــ محبتنامه.
٤۹ــ محرمنامه.
٥۰ــ محشرنامه. ازامیرعلی.
٥۱ــ مرشد.
٥۲ــ مناقب بکتاش ولی.
٥۳ــ وحدتنامه. از مقیمی.
٥٤ــ ولایتنامه.
٥٥ــ هدایتنامه.

برخی از این کتابها با سرآغاز هائی بخامهٔ رضا توفیق دانشمند ترکیه و کلیسان هوار چاپ شده و در آنها کتابخانه وجای این کتابها را یادداشت کرده‌اند. و برخی از آنها نسخه های فراوان دارد، و شماره های ۱۳، ۲۲، ۲۳، ۲٤، ۲٦، ۳٥، ۳٦، ۳۷، ٤۱، ٤۲، ٤٤، ٤٥، ٤٦، ٤۷، ٥۰، ٥۲، نزد آقای عباس عزاوی در بغداد هست وفهرست آنرا در کتاب «عراق میان دو اشغال» ــ اشغال بغداد بدست نیروی مغول در (٦٥٦ق) واشغال انگلیس در (۱۳۳٦ق) آورده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در پایان سدهٔ هشتم مردی بنام شیخ رجب برسی (۱) و دیگری بنام فضل‌الله استرآبادی و دیگری بنام محمود مطرود (پسیخانی) میبینیم که خود و شاگردان ایشان افکار صوفیانه و فلسفه اشراق سهروردی را با پندارهائی درباره سحر و طلسم درآمیخته، برای دعا و ذکر، و برزبان راندن واژه‌ها و حروف و شماره‌ها؛ نیروئی میپنداشته‌اند.

در کتابهای اینان سخنرانیهائی دیده میشود که بعلی نسبت داده شده. نام برخی از این سخنرانیها همان نامهای کهن است که در کتابهای پیشینیان نیز یافت میشود، لیکن روش انشاء و مطلب آنها از آن سدهٔ هشتم و نهم میباشد. برخی از آنها روشهای گوناگون دارد؛ بخشی از آن در سدهٔ سوم و چهارم ساخته شده و بخش دگر ساختهٔ سدهٔ هشتم و نهم است. برای برخی از آنها نام نوینی نیز نهاده‌اند. چنانکه شیخ برسی در مشارق‌الانوار سخنرانی بنام «خطبة تطنجیه(۲)» از علی(ع) آورده که در پایان آن از اقالیم چهارگانه یادشده و صاحب ذریعه گوید این همان «خطبة‌الاقالیم» است که این شهر آشوب نامبرده است(۳) و همچنین شیخ برسی(٤) سخنرانی دیگری را بنام «خطبة الافتخار» آورده، و مینماید که همان یاد کردهٔ ابن‌شهر آشوب باشد. ولی مطلب آن با مضمون سخنرانی که امروز به «خطبة البیان» نامبردار است یکی است، پس آشکار میشود که «خطبة الافتخار» با گذشت زمان تغییر شکل و تغییر نام داده و «خطبة البیان» گردیده است.

۱ــ حافظ رضی‌الدین رجب پسر محمد پسر رجب برسی حلی، نگارنده مشارق‌الانوار (ن-۷۷۳) و مشارق‌الامان (ن-۸۱۱) و کتابهای دیگر که همه پراست از تندرویها و گزافه گوئیها در ستایش بزرگان مذهبی شیعه.

۲ــ این سخنرانی را سید کاظم رشتی (م-۱۲۹۵) شاگرد شیخ احمد احسائی (م-۱۲٤۱) از بزرگان «شیخیان» گزارش درازی نگاشته و بسال (۱۲۷۰) چاپ شده است.

۳ــ ذریعه ج۸ ـ ص ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲.

٤ــ مشارق‌الانوار. ص ۱۷۱.

در کشف الظنون گوید: این خطبه هفتاد کلمه است، و برخی آنرا ساختگی شمرند.

صاحب ذریعه گوید: شیخ علی بارچینی یزدی(م-۱۳۳۳) در «الزام الناصب» چاپ تهران سه نسخه از این خطبه را آورده است. یك نسخهٔ آنرا از «الدر المنظم فی السر الاعظم» نگارش محمد پسر طلحه شافعی (م-٦٥۲) آورده است(۱) و در نسخهٔ دیگر نامهای والیان و امیران صاحب‌الزمان بر شهرها و یاران وی یادشده است. نسخهٔ دیگر همراه خطبة الاقالیم در کتابخانهٔ (رضوی) هست که بتاریخ (۹۲۳) نوشته شده.

سید شبر نیز نسخهٔ از آن را در کتاب «علامات الظهور» آورده.

وقاضی سعیدقمی (م-۱۱۰۳) نیز نسخهٔ کوتاهی از آن را در «شرح حدیث غمامه» آورده، و ابوالقاسم قمی (م-۱۲۳۱) بخشی از آنرا شرح کرده و در دنبال کتاب «جامع الشتات» چاپ شده است.

گزارش دیگر این خطبه بمیر سید شریف گرگانی (م - ۸۱٦) نسبت داده شده و جای گفتگوی میباشد.

دیگر ترجمه شاپور کاشی است (ن-۸٤٦) نسخه‌اش بشمارهٔ (۱٦٤) در این کتابخانه هست.

دیگر از گزارشهای خطبة‌البیان «خلاصة الترجمان» نگارش محمد پسر محمود دهدار (ن-۱۰۱۳). وی از طرفداران حروفیان کردستان و از دشمنان سرسخت نقطویان گیلان است.

گزارش دیگر بزبان ترکی در یك مجلد است. چلبی (م-۱۰٦۷) آنرا در «کشف الظنون» یاد کرده است.

دیگر ترجمهٔ خطبة‌البیان از نورعلیشاه (م-۱۲۱۲) نسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالار است.

دیگر گزارش فارسی «معالم التنزیل» از مجدالاشراف شیرازی ذهبی (م-۱۲۸٦) بسال (۱۳٤۳ق) در شیراز چاپ شده.

۱ــ شیخ سراج‌الدین حسن نیز نسخهٔ خود را از این کتاب نقل کرده است (ذریعه)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دیگر گزارش سیدحسین قدسی شریفی (ن-۱۳٦۲ق).

چنانکه دیدیم این سخنرانی نسخه های گوناگون، کوتاه و بلند دارد، آغاز نسخه ها نیز گوناگون است. کشف الظنون و ذریعه آغاز آنرا چنین آورده اند:

الحمدلله بدیع السماوات وفاطرها، وساطح المدحیات وقادرها... ومدبر الافلاك ومسیرها، الی أن قال سلمان: فقام الیه سوید بن توفل الهلالی من لفیف الخوارج... أنا آیة الجبار، اناحقیقة الاسرار... اناالاول اناالاخر...

سپس مالك اشتر برخاسته پرسشی میکند وپاسخی میشنود، وعلی بازبه سخنرانی ادامه داده: [انا... انا...] میگوید. ناگاه سوید پسر توفل فریاد کشیده می‌میرد. سپس مقداد پسر اسود برخاسته پرسشی کرده وپاسخی شنیده. وتاسخنرانی پایان می یابد.

ولی نسخه‌های کوتاه واز جمله دو نسخهٔ شمارهٔ (۱٦٤) و(۱۰۱۵) این کتابخانه این دیباچه را ندارد و فقط [انا... انا...] را دارد.

آغاز خطبة البیان نسخهٔ این کتابخانه:

انا الذی عنده مفاتح الغیب...

انجام: انا اظهر کیف اشاء انا باب حطتکم.

گزارشی که اکنون جای گفتگوی ماست در پایانش چنین نوشته شده:

[تمت بحمدالله وفیضه رسالة شرح خطبة البیان سید شریف (ره).] وبدین سبب من دراین فهرست ج۱ ص۱۹۹ آنرا منسوب بمیرسید شریف گرگانی (م-۸۱٦) یادداشت کردم، ولی تندرویها و غلوهائی که در این رساله در بارهٔ علی(ع) هست با فکر میرسید شریف ناسازگار است، وشاید که این کتابچه ازسیدشریف نگارندهٔ ذره نامه، باشد که در (ص۱۱۱ همین جلد) یاد شد.

آغاز: سپاس نامحصور وستایش موفور نثار ذات علی عظیمی است که خطبة بیان معانی بدیع حکمت...

انجام:

هر که داند علی بدین توجیه — میشود سرور نبی آدم
شرف معجزات او بر زندیق — حدیث نور چراغ است ودیدهٔ اعمی

همهٔ این کتابچه کمتر از (۵۰۰ بیت نوشته) دارد، و در آن دشواریها واشکال‌های این خطبه را باتفسیر وتأویلهای عرفانی باز کرده

[۲٤]

۱۰۱۴ (۲٦ مین) کتابچهٔ دفتریست که ٤۷ کتابچه در بردارد ودر (ج۱ ص۱۹۹ - ۱۰۱۵ ۲۰۰) این فهرست آنرا شناسانده‌ایم. از برگ (٦۰پ) تا (٦۷پ) را گرفته. خط نستعلیق ترکی. نویسنده محمدبن سعدالله. در تاریخ (۹۱۳) نوشته شده.

همهٔ این دفتر (۱۷۷ برگ این کتابچه (۷ برگ) کاغذ وجلد واندازه در (ج۱ ۰۱ ص۲۰۱) یاد شده.

[۲۵] شرح و ترجمهٔ خطبة البیان (فارسی)

خود خطبة البیان را در بالا شناسانده‌ایم. این ترجمه و گزارش منظوم از شاپور کاشانی است (۱) که آنرا بنام شمس الدین محمد فرمانفرمای کاشان بسال ۸٤٦ سروده است.

آغاز: ۱۵

حرف اول بنام آن معبود — کوست فی الارض والسما موجود

تا آنجا که:

روزی از روزگار در کاشان — مقصد ماه بهمن و رمضان
خلق در طاعت خدا دلخوش — سال تاریخ هشتصد و چهل و شش

تا آنجا که: ۲۰

هر کس این نظم را پسند کند — یاد شاپور در مدد کند

تا آنجا که گوید: اناالذی عنده مفاتح الغیب. (صدق علی)

۱- این مرد غیر از شاپور تهرانی است که از فرزندان امیدی تهرانی است چه امیدی شاگرد ملاجلال دوانی (م-۱۹۰۷) بوده است، ونیز غیر از شاپور یشابوری همزمان جلال الدین خوارزمشاه میباشد. ۲۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

منم از حکم خالق بی‌عیب　　مطلع بر کلید مخزن غیب

انجام: اناأظهر کیف اشاء . صدق‌علی.

منم آنکس که میشوم ظاهر　　همه حالی بقدرت قادر

[۲۵]

نسخه در دفتریست دارای «کلمات قصار» سخنان کوتاه پیغمبر وعلی(ع) وچند کتابچه دیگر.

۱۹۴ از برگ (۷۰ الف) تا (۸۸ب) را گرفته . خط متن تازی نسخ، وترجمهٔ فارسی نستعلیق.

نام نویسنده: محمدافضل پسر قیصرعلی . تاریخ نوشتن (۱۰۹۷) و(۱۰۹۸) در پایان هر جمله از خطبةالبیان نوشته است [صدق‌علی] علی راست گفته. درنیمهٔ نخست عنوانها باشنگرف است، ودرنیمهٔ دوم همهٔ شعرها را باشنگرف نوشته است.

همهٔ دفتر (۹۰ برگ) این کتابچه ۱۹ برگ. کاغذ آهار مهره سفید، جلد تیماج یك لا قهوهٔ.

اندازه: ۱۰×۱۸ و ۵×۱۴ : ۲۵ سطر.

[۲۶] شرح دیوان امیرالمؤمنین علی(ع) (فارسی)

جاحظ (ز ۱۶۳ م ۲۵۵) گفته: علی جز رجز (۱) شعر نسروده است. لیکن‌ابن عبدربه(م۳۲۸) گوید: علی ازابوبکر وعمربهترشعر می گفته است(۲) ونجاشی(م- ۴۵۰) در رجال خود بعبدالعزیز بن یحیی الجلودی (م - ۳۳۲) کتابی بنام «شعر علی» نسبت داده، و شاید او نیز همین ارجوزه ها را گرد آورده باشد.

ازجلودی گذشته، جزدرنیمهٔ دوم‌سدهٔ ششم که «انوارالعقول» نگارش یافته‌نامی‌از«دیوان‌علی» دیده‌نمیشود، ولی‌نگارندهٔ انوارالعقول درسرآغازآن، ازسه دیوان دیگرنام میبرد که از بودن آنها جزدراینجا خبرنداریم.

۱- رجزشعریست رزمی که درمیدانهای جنگ میسروده‌اند. قافیهٔ آن‌آسان وجفت جفت (مثنوی) است. وزن آن درشعر عرب (مستفعلن) سه‌یا چهاربار. و درشعر فارسی (فعول) چهاربار بوده‌است. وچون‌آسانترین شعرسرائی بوده ادیبان‌مانندجاحظ نمیخواهند رجز خوانی وار جوزه سرائی‌را درشمار شعرگوئی آرند.

۲- العقدالفرید ج ۱۹۴۰م ج۳ص۱۳۴.

درسدهٔ های پسین‌نیز چندین‌بار «دیوان علی» گرد آوری گردیده است.

برخی ازاین شعرها که شاید زنجیرهٔ سندآن بسده‌های نخستین نیزبرسد درآغازصورت‌انشاد داشته‌ودرسده های‌پسین‌است که بصورت‌انشا (۱) علی(ع) درآمده، چنانکه دربارهٔ چکامهٔ بقافیه با، :

مالی‌وقفت‌علی‌القبور مسلماً　　قبر الحبیب فلم یرد جوابی

که در دیوان چاپی و در بحارالانوار (۲) و در «الفصول المهمه» (۳) بعلی(ع) نسبت داده شده، درشدالازار (۴) آنرا انشاد وی دانسته‌است.

مادراین‌جا بترتیب تاریخ از برخی کسان که دربارهٔ شعرعلی کاری‌انجام داده‌اند نام میبریم:

۱- کهن‌ترین‌جائی که از گردآوری دیوان برای‌علی(ع) یادشده‌درجال نجاشی‌است که دربارهٔ ابواحمد عبدالعزیز جلودی (م- ۳۳۲) گوید: کتاب‌شعر علی گرد آورده است.

۲- گردآوری‌ابوالحسن‌علی‌بن‌احمدبن محمدفنجگردی(۵) نیشابوری شیخ‌الافاضل(م-۵۱۲ یا ۵۱۳)(۶) که هشتاد سال عمر کرده.

۱- شعر شناسان عرب واژهٔ «انشاء» را برای شعر گفتن بکاربرند، و«انشاد» را برای خواندن شعردیگران.

۲- بحارالانوار ج۱۰ ص ۶۳.

۳- ص ۱۵۲.

۴- شدالازار (ن-۷۹۱) چ ۱۳۲۸ ش. ص۲۸ و۲۹.

۵- فنجگرد از دیهای نیشابور است (معجم البلدان).

۶- گزارش زندگیش را یاقوت در «معجم‌الادباء» چ دوم ج ۱۲ ص۲۷۰ از «الوشاح» بیهقی، واز کتاب عبدالغفار فارسی آورده. وسیوطی نیزدر «بغیةالوعاة ص ۳۲۹» از «السیاق» و «الوشاح» آورده است، ولی هیچیك، ازاین‌دیوان نامی نبرده اند. ونخستین بار نام این دیوانرا درشمار منابع انوار العقول فی‌اشعار وصی الرسول» (ن. پایان سدهٔ ششم) . می یابیم. وصاحب «ریاض العلماء» نیز آنرا یاد کرده.

یاقوت گوید: میدانی درسرآغاز «السامی فی‌الاسامی» نام‌فنجگردی‌را برده است. پوشیده نماندکه در سرآغاز چاپ علی اصغر اصفهانی (۱۲۶۵- ق) فقط نام ابوالبرکات علی‌بن مسعودبن اسماعیل‌آمده است ولیکن درچندنسخهٔ‌دست‌نویس‌ازجمله نسخهٔ آقای‌دهخدا نام‌علی‌بن مسعود و نام‌ابوالحسن علی‌بن احمدفنجگردی هردوهست و ازفنجگردی ستایش بسیار کرده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

این دیوان در (۲۰۰ بیت) بوده است و بنام «سلوة الشیعة» یا «تاج الاشعار» خوانده شده این دیوان نخستین مدرك دیوان «انوار العقول» بوده است. (ذریعه ج۳ : ۲۰۵).

۳ــ دیوان ناشناس. که برخی شعرهای آن را از کتاب محمد پسر اسحاق (م-۱۵۱) نگارندهٔ «سیرة النبی» بیرون آورده، و برخی را از کتابهای دگر این دیوان، دومین مدرك کتاب «انوار العقول» است. و از دیوان فنجگردی بزرگتر بوده.

٤ــ ابوالسعادات هبة‌الله پسر علی پسر محمد پسر حمزه حسینی بغدادی، که به ابن‌الشجری نامبردار است. (ز-٤٥٠ ــ م-٥٤٢). نخستین بار قطب کندری گردآوری دیوان علی را به او نسبت داده و سومین مدرك «انوار العقول» شمرده است، ولی ابن خلکان (۱) و یاقوت در معجم الادباء (۲) در گزارش زندگیش از این دیوان نام نبرده‌اند.

٥ــ الحدیقة الانیقة: گردآوری قطب الدین کندری (۳) محمد پسر حسین پسر حسن بیهقی نیشابوری.

نگارندهٔ «حدائق الحقائق» در شرح نهج البلاغة (ن-٥٧٦) و شاگرد طبرسی تفسیرنگار (م-٥٤٨) وی دو دیوان برای علی (ع)، ساخته در نخستین آنها شعرهای اخلاقی وی را گرد کرده و «الحدیقة الانیقة» نامیده. و دومین آنها را انوار العقول نامیده. (ذریعه ٦: ۲۸۱)

٦ــ انوار العقول فی اشعار وصی الرسول: دومین دیوانی است که قطب کندری گرد آورده. در سر آغاز آن نام سه دیوان (٤) را بعنوان مدرك کتاب خود آورده. و نسخهٔ آن در کتابخانه‌های (طهرانی در سامراء) و (عطار در بغداد)

۱ــ ج ٥ ص۱۰۱ چ۱۹٤۹م.
۲ــ ج ۱۹ ص ۲۸۲ چ دوم.
۳ــ در (ذریعه ۲ : ۱۱۸) اورا ازدیه کندر [ك د] ازدیه های نیشابور دانسته ودر برخی جاها کیدری [ك د] آمده است
٤ــ شماره های ۲، ۳، ٤ دیوانهای بالا

و (خوانساری در نجف) هست. (ذریعه ۲ : ٤۳۱).

۷ــ گردآوری ملاقاسم علی پسر محمدتقی خوانساری. در آن از کتاب «تحفة الزائر» محمدباقر مجلسی نقل کرده. (ذریعه ۹: خطی).

۸ــ دیوان مشهور که امروز بنام «دیوان امیرالمؤمنین علی (ع)» نامبردار میباشد. و چندبار چاپ و پخش گردیده است. این دیوان با اندکی فزونی و کاهش همان دیوان «انوار العقول» کندری است، کسی برای آسان کاری، سندو زنجیره های آن کتاب را انداخته و بدین صورت در آورده.

۹ــ گزارش میبدی بنام «شرح دیوان امیرالمؤمنین علی (ع)» نامبردار است، و جای گفتگوی ما همین کتاب است. نگارنده هر بیت شعر علی را با یك دو بیتی بپارسی گردانیده است.

۱۰ــ گزارش حسین پسر اسماعیل متخلص بحسینی. نسخهٔ آن در مجلس هست که تاریخ آن (۱۰۰٤) است گویا نگارنده این کتاب دستبرد هائی بشرح میبدی زده است.

۱۱ــ ترجمهٔ دیوان علی بشعر پارسی از میرصدرالدین سلطان ابراهیم امینی سرایندهٔ «فتوحات شاهی» بنام شاه اسماعیل (۹۰٥-۹۳۰) (۱) گویا این مرد همان سلطان ابراهیم صدر باشد که در مجالس النفائس (۲) نامش آمده است.

۱۲ــ گزارش بزبان تازی از سیدنورالله شوشتری (شاید قاضی نورالله م-۱۰۱۹) نسخهٔ شمارهٔ (۷۱۲۲) کتابخانه سپهسالار.

۱۳ــ البهجة السنیة بشرح القصیدة الزینبیة: از عبدالمعطی سملاوی. پسر سالم پسر عمر شبلی. وی از مردان سدهٔ یازدهم هجرت در کشور عثمانی است، و چکامهٔ «زینبیه» را که بعلی نسبت داده شده گزارش نموده، و این گزارش در اسکندریه مصر بسال (۱۲۸۸ ق) در (۷۱ص) و نیز در مصر در (۱۳۰٦ق) چاپ شده است.

۱٤ــ گزارش ترکی دیوان (ع): از امیراسماعیل حقی (م-۱۱۲۷) این

۱ــ نسخهٔ فتوحات نزد آقای میرزا جعفر سلطان القرائی در تبریز هست.
۲ــ ص۱۳۸ چ۱۲۲۰ ش.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گزارش ازشرح میبدی بسیار بزرگتر استوهنوز چاپ نشده(۱)

۱۵ــ عقیده ادبیه ترجمهٔ زبتیه: ترجمه‌ترکی‌استازاین چکامه که‌بعلی نسبت‌داده شده. با خود چکامه دراستانبول بکوشش احمدعزت بسال(۱۳۱۵ق) در(۳۶س) چاپ‌شده.

۱۶ــ گردآوری سید محسن امین عاملی نگارندهٔ اعیان الشیعه (م-۱۳۳۰ ش). وی باذوق خود شعرهائی‌را که ازعلی(ع)شناخته گلچین کرده وبه ترتیب حرف های الفباء بسال (۱۳۶۶ ق) در (۱۴۹ س) در دمشق چاپ کرده است.

۱۷ــ گردآوری شیخ محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی نگارندهٔ ریحانة‌الادب. وی در کتابی بنام «دیوان‌المعصومین» شعرهائی را که یکی از چهارده تن(۲) نسبت داده شده گردآورده. جلد دوم این کتاب[۱] که شعر نه تن ــ از سجاد(ع)تاصاحب‌الزمان ــ را دربردارد چاپ‌شده وجلدنخست که شعرپیغمبر ودخترش وعلی وحسن وحسین‌را دربردارد آمادهٔ چاپ است.

چاپهای دیوان

۱ــ با گزارش لاتینی از کوی پرس (۳) در لیدن در (۱۷۴۵م) در (۱۹۵ س).

۲ــ باگزارش ترکی واژه ها، دربولاق (۱۲۵۱ــق) در(۷۲س) ودرپایانش چکامه ودعای «جنة‌الاسماء» رانهاده اند که در (۲۵۲ بیت) است.

۳ــ چاپ سنگ درمصر(۱۲۸۶ق) در(۷۶س).

۴ــ باگزارش فارسی‌واژه هادر(۱۲۸۴ق) درتهران.

۵ــ چاپ سنگ دربمبئی (۱۳۰۰ق).

۶ــ چاپ علمیه قاهره (۱۳۱۱ق) که درپایانش چکامه بقافیه عین از

۱ــ از یادداشتهای دستی آقا مدرس خیابانی نگارندهٔ ریحانة الادب.

۲ــ چهارده معصوم در اصطلاح شیعه دوازده امامی به پیغمبر اسلام محمد (ص) ودختروی‌فاطمه(ع) ودوازده امام(ع) گفته میشود.

۳ــ G. Kuypers.

عبدالباقی عمری در (۷۵ بیت) درستایش علی (ع) نهاده‌اند.

۷ــ چاپ مصر ۱۳۱۲ق.

چنانکه گفتم یکی از شرح کنندگان این دیوان قاضی میر حسین پسر معین‌الدین میبدی(۱) میباشد وی ملقب‌بکمال الدین و تخلص او منطقی بوده است (۲).

صاحب کشف‌الظنون اوراحسینی(۳)وآیتی(۴)وبرااز قاضیان‌بنام‌وشاعران یزدشمرده‌است. میبدی ازدانشمندان ومتکلمان صوفی مشرب سدهٔ نهم‌است، که درفروع‌واحکام مذهبی‌سنی‌مذهب بوده، ولی درعقاید اصولی بشیعیان نزدیکتر میباشد و این صفت که در بیشتر مبنیان صوفی دیده میشود، در اثر نزدیکی وارتباط‌میان‌صوفیگری وشیعگریست.

میبدی شعر نیز میگفته و در کتابهایش و بویژه در شرح دیوان امیر بسیاری ازآنرا آورده وبویژه درمعما دست درازی داشته(۵). ولی پایه دانش او بالاتر ازجایگاه شاعران است، وی‌درجوانی بشیراز رفته، نزد دانشمند آغاز سدهٔ نهم، جلال‌الدین دوانی فلسفه آموخته است (۶) نگارشهای وی بیشترجنبهٔ فلسفه دارد وشعروادبیات‌او نیزباعرفان وتصوف آمیخته وازهمین روی‌تخلص‌را «منطقی» برگزیده است.

مرگ میبدی در(۹۱۸) برابر واژهٔ (قاضی) است واز آثار وی دریزد:

۱ــ نام یکی از دیه های پیرامون یزد است وآنرا میبد [م ب] با دال بی نقطه هردو آورده اند. وتابرد دو فرسنگ راه دارد، وفرش‌آن نامبردار بوده‌است. فیروزآبادی در قاموس آنرا دو واژه های «میبد» و «یزد» یاد کرده. یاقوت در معجم البلدان آنرا از اصطخری نقل کرده و چند تن از مردان نامی آنرا یاد کرده است.

۲ــ تحفهٔ سامی ص۴۸. چ ۱۳۱۴ ش.

۳ــ وازین‌روی صاحب ذریعه در (ج۶ــص۱۳۸) اورااسیددانسته لیکن‌نام‌ونژاد اورا در بخش دانشمندان غیر سید آورده است.

۴ــ آتشکدهٔ یزدان ص۳۳۲ درشاعران یزد

۵ــ تذکرهٔ نصرآبادی ص۵۱۲.

۶ــ تذکرهٔ سامی ص ۴۸.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حمام قاضی هنوز پابرجا مانده است (۱).

آثار میبدی

۱ــ شرح هدایة اثیرالدین ابهری(۲) در فلسفه بزبان تازی (ن-۸۸۰). یکبار جداگانه ویکبار در کنارهٔ «شرح نهج‌البلاغه» میرزا باقر نواب درتهران چاپ شده است.

۲ــ شرح و گزارشی که بر کافیهٔ ابن‌حاجب در دستور زبان عرب نوشته (روضات).

۳ــ گزارشی که بر شمسیهٔ منطق «تحریر القواعد المنطقیه» نوشته‌ودر کنارهٔ «میزان الانتظام» دراستانبول بسال(۱۳۲۷ق) چاپ‌شده است.

٤ــ جام گیتی‌نما، بفارسی (ن-۸۹۷). (چ پاریس ۱٦٤۱م). (الذریعه ج ٥ : ۲٥).

٥ــ گزارش حدیث [صعدنادری الحقایق] که بعسکری(ع) رسانندش. (الذریعه ج٦ : ۱۳۸).

٦ــ گزارش طوالع‌الانوار (ریحانه‌الادب).

۷ــ حاشیه برتحریرمجسطی ازخواجه نصیر (ریحانةالادب).

۸ــ حاشیهٔ بر تحریر اقلیدس از خواجه نصیر. نسخه آن در کتابخانهٔ (رضوی) هست ذریعه (٦ : ۳۳).

۹ــ کتابچهٔ درمعماگزاری. آیتی‌باو نسبت داده‌است، ودر تذکرهٔ نصر آبادی (ص٥۱۲) نیزچند معما بوی نسبت داده است. ولی گمان میکنم آیتی «دستور معما» نگارش میرحسین معمائی نیشابوری (م-۹۰٤) را که در «کشف الظنون» بعنوان«معمیات» ودرذریعه (ج۸ ص۱٦۸) آمده،بغلط بمیرحسین‌میبدی یزدی (م-۹۱۱) نسبت داده باشد.

۱۰ــ نامبردار ترین یادگار میبدی گزارش دیوان امیرالمؤمنین (ع) است که جای گفتگوی ما است.

۱ــ آتشکدهٔ یزدان ص ۳۳۲.

۲ــ صاحب روضات بغلط : خود هدایه‌را نگارش میبدی دانسته، وشیخ‌عباس قمی در «هدیةالاحباب» وآیتی در «آتشکدهٔ یزدان» ازوی واگرفته‌اند.

این گزارش در دورهٔ صفویان‌جایگاه بس ارجمند داشته ومانند یك‌سند ومدرك بدان استدلال میکرده اند.

نصرآبادی ازیك کتاب نگارآن دوره آرد: کاش‌تمام نگارشهای من‌از قاضی میرحسین بود وشرح دیوان او از من(۱) اگرچه همه نگارشهای میبدی آمیخته باعرفانست، ولی این‌معنی‌دراین شرح پیش‌از همه‌جا آشکار است.

این گزارش دارای یك دیباچهٔ بزرگ است که خودیك کتاب جداگانه بشمارمیآید، وچون دارای مطالب عرفانی و فلسفی و علمی‌است، نسخه های جداگانه نیزازآن یافت میگردد، وبنام «فواتح» شناخته میشود. وی در این کتابچه پایه های بالارفتن (درجات صعودی) وپائین آمدن نفس آدمی را یاد کرده، ازحروف نورانی ونخستین واژه های سوره های قرآن (فواتح سور) یاد کرده، واز آنها جملهٔ [صراط علی حق‌نمسکه] پیرو راه علی رستگار است، بیرون آورده.

این دیباچه هفت فاتحه دارد ودر آن عرفان و فلسفه و منطق و ریاضی ونجوم درآمیخته، واز آنها لزوم دوستی و پیروی و سرسپردن باولیاء وبویژه خاندان پیغمبر را نتیجه گرفته است.

ازاین دیباچه درست‌آشکارمیشود که میبدی تاچه‌اندازه برعلوم کلاسیك زمان خود چیره واز باریك‌بینی‌های ادبی واستدلالهای فلسفی آگاه بوده‌است. این دیباچه نزدیك سه هزار و پانصد بیت نوشته است و هفت فاتحه دارد. وپس‌از پایان آن بگزارش شعرهای دیوان آغاز کرده گوید اکنون که‌فاتحه ها پایان یافت بگزارش شعرها پردازم، نخست‌واژه‌هارا گزارش‌دهم‌وپس‌از آن شعر را بی کم‌وکاست بنثر فارسی گردانم، وسپس‌آنرا بیك دو بیتی فارسی در آورم ودر پایان داستانها وجز آنرا آرم.

سپس بگزارش این بیت آغاز نموده:

الناس من جهة التمثال اکفاء

ابو هم آدم والام حوا.

در سرآغاز کتاب، نگارنده نام خودرا یاد کرده گوید: اگرچه دانسته

۱ــ تذکره نصرآبادی چ۱۳۱۷ش. ص ٥۱۲.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نیست که همهٔ این شعرها از آن علی باشد، ولی اگر یکی از آنها نیز از او باشد برای من بسنده است(۱).

میبدی در این کتاب مانند یك شیعی دورهٔ صفوی دربارهٔ علی تندروی وغلو کرده، وداستانها از جنگها و کارهای وی آورده است.

آغاز دیباچه : سپاس سعادت اساس، وشکر عبادت لباس، معبودی را که اعلام نبوت وولایت درمیدان فتوت...

انجام : واز نظر درویشان محفوظ باشد، ودر آخرت واسطهٔ خلاص ونجات، ورابطهٔ رفعت درجات شود. من منظومات الشارح:

ان النبی محمداً و وصیه و ابنیه وابنته البتول الطاهرة

تا چهار بیت، و سپس :

لله در کم یاآل یاسینا یاانجم الحق اعلام الهدی فینا

تا هشت بیت. پنج بیت از این هشت بیت در نسخهٔ این کتابخانه در متن نوشته شده، وسه بیت از خامه نویسنده افتاده، و کسی که گویا خود نگارنده (میبدی) باشد آنرا در حاشیه افزوده است.

[۲۶]

نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد. لیکن در طرف چپ وپائین برگ (۲۳۹ ب) این جمله دیده می‌شود [کتبه العبد الفقیر عبدالحی عبدالرحمان (چنین) عفی‌الله عنهما الغفران (چنین) تاریخ سنهٔ تسع مائه] در کنار راست همین برگ کسی که گویا نگارنده باشد سه بیت شعر بر متن افزوده، وپس از آن اجازه‌ای برای کسی بنام تقی‌الدین محمد نوشته متن این اجازه چنین است :

صورت هذه الحروف للاخ الرؤف مرکز دایرة الهدایة و دایرة مرکز الدرایة .... ذوالحسب البهی والنسب العلی المرتقی الی سماء السماحه، المنتهی الی البلاغة والفصاحه، محرز قصبات السبق عن الاقران بین الاکفاء، وعین الاعیان تقی‌الدین محمد

۱ـ در نسخهٔ این کتابخانه در اینجا یك حاشیه از قطب‌الدین محمد شریف نوشته‌است. وسخن شارح را در این باره رد کرده، ودرستی نسبت همهٔ شعرها را بعلی تأکید میکند.

لازال مؤیداً . واز جوان بذکر نی مقیب الصلوات، فی مجالس الحلف والخلوات، وانا خادم اهل الیقین حسین بن معین جعله ...

همه رویه های این نسخه پر است از حاشیه ها با رمز (منه) و (ه) و (۱۲) و(قطب‌الدین محمد شریف) و(صحاح) و(قاموس) و(ه‌س) و(مهذب‌الاسماء) و(مجمل) و(مغرب) و (دیوان) و (فایق) و (شرح مصابیح قاضی) و (نهایه) و (مغنی اللبیب) و (بیهقی) و (کفایة التعلیم) و(انوار) و(کشاف) و (مجمع الامثال) و (تاج المصادر) و(اصطلاحات کاشی) و(قیصری) و(حکمت اشراق) و(مواقف) و(شرح تجرید قوشچی) و(فصل الخطاب) وجز آن.

در برگ (۲۶ب) دیباچه پایان یافته، شرح دیوان آغاز میگردد.

عنوانها ومتن شعرهای دیوان باشنگرف است.

همه رویه ها دارای جدول زر و مرکب سیاه . حاشیه ها بیرون جدول با خطهای گوناگون نوشته شده .

دارای یك سرلوح زر ولاژورد در نخستین رویه کتاب در برگ (۴ ب) . پس از پایان کتاب در برگ (۲۴۹ ب) یك برگ از کتاب دیگر صحافی شده و در یك برگ دیگر دعا نوشته شده است . یکی از آنها نیز دوبرگ سفید گشت .

(۲۴۱ برگ) کاغذ ترمه نخودی، جلد تیماج حنائی ضربی کهنه دارای لبه برگردان

اندازه : ۱۵×۲۵ و ۹×۱۸ ، ۲۵ سطر .

[۲۷] شرح دیوان انوری (فارسی)

اوحدالدین محمد پسر وحیدالدین محمد پسر اسحاق ابیوردی یاخلوردانی متخلص بانوری. در جوانی پدرش در گذشت. وی دارائی پدر را در راه دانشجوئی صرف کرد، و در دانشهای زمان خود زبردست شد، و چون دارائی بپایان رسید بشاعری و ستایش سنجر سلجوقی (۴۷۹ - ۵۵۲) ودرباریان وی پرداخت، ولی چون بادانش سروکار داشت باندك بی‌حرمتی پاسخ میداد وبهجو میپرداخت، همین هجو گوئی سبب شد که عوام بلخ‌را براو بر انگیختند، قاضی حمیدالدین نگارندهٔ مقامات حمیدی اورا ازاین شورش نجات داد. انوری در ریاضی و نجوم وهیئت زبردست بوده، قران ستارگان سیاره را در (۵۸۱-۵۸۲) پیش بینی کرده وبنابر عقاید باستانی اعلام کرد که جهان در اثر این پیش آمد نابود خواهد شد،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی این گمان او نادرست درآمد واورا درچشم مردم کوچك کرد.

مرگ انوری را گوناگون آورده‌اند، وازهمه نزدیکتر(۵۸۳)است.

در تذکره ها آرند که انوری چند کتاب در ریاضی و ستاره شناسی وجز آن نگاشته، ولی اکنون جزیك دیوان از آثار وی بجا نمیباشد.

دیوان انوری در(۱۳۲۶ق) درتبریزدر(۱۰۰۰۰ بیت)چاپ شده، ودارای چکامه‌ها، مقطعات، دوبیتی‌ها وچند غزل است. ونسخهٔ کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۱۳۹۴۶) دارای (۱۲۰۰۰ بیت شعر) است و از آنجا که انوری در دانشهای زمان خود دست داشته شعروی پراز اصطلاحهای علمی است، وفهم شعر او بی شناختن آنها دشوار است، واز این روی کسانی دیوان وی را گزارده نموده‌اند.

یکی از گزارشهای این دیوان شرح محمد پسرمحمود پسرمحمدشادی آبادی است(۱) که شرحی نیز بردیوان خاقانی دارد و همزمان پادشاهی بنام ناصرالدین بوده است.

دیگر گزارش فراهانی است که نسخهٔ آن دراین کتابخانه هست وجای گفتگوی ما میباشد.

در تذکرهٔ نصرآبادی (۲) و شاهد صادق احوال وی را آورده گویند میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی دراثر فشار زندگانی ازشهر خود شیراز پناه برده. درنصرآباد حسنعلی دائی محمد طاهر نصرآبادی را دیده وی اورا برای آموزش پسرانش نزدخود نگاه داشت. اوشرح تجرید ودیگر کتابها بپسران نصرآبادی میآموخت. و پس از دو سال ازآنجا بشیرازشد. امامقلی خان(۳) فرماندار شیراز اورا گرامی داشت، ولی دراثر سخن‌چینی بدگویان در(۱۰۴۰) اورا کشت.

۱ـ ربو گوید: شادی آباد پایتخت بخش ملوه (مالوا) واکنون (منده) خوانده شود. وپادشاه معاصراو ناصرالدین‌خلجی (ش۸۰۶ـ۹۵۶) میباشد. باید گفت: دردیباچه‌شرح دیوان خاقانی نسخهٔ سپهسالار شمارهٔ (۲۷۰) اورا دلشاد آبادی‌ونسخهٔ (۲۶۹) شادی آبادی نوشته‌اند.

۲ـ تذکره نصرآبادی چ‌تهران ۱۳۱۷ش. ص۲۷۶ـ۲۷۷.

۳ـ امامقلی پسر الله‌وردی فرماندار شیراز (از۱۰۲۱ تا۱۰۴۳)

وی دراین کتاب فقط شعرها و واژه هـای دشوار را گـزارش نموده. نخست یك یاچند بیت را نویسد و گزارش نماید، و سپس واژه هـای چند شعر دیگر دنبال آنرا آورده گزارش نماید. واز شعر شاعران بزرگ گواهها آرد، و کتابهای کلاسیك زمان خود نقل کند.

وی دراین کتاب از کتابهای زیرنقل میکند:

التفهیم‌بیرونی(م-۴۴۰)وشرفنامه منیری، ونزهةالقلوب‌مستوفی(م-۷۵۰) واصطلاحات الشعراء‌آذری، وجوهریهٔ خواجه نصیر طوسی (م-۶۷۲) و مجمل التواریخ. و شرح دیوان خاقانی ازشیخ‌آذری، واداةالفضلاء دهلوی، وشرح هیاکل‌النور دوانی(م-۹۰۷)، و کفایةالحساب غیاث‌الدین‌منصور دشتکی(۹۴۸) وشرح تذکره ازشمس‌الدین، و روضةالصفا ازمیرخوند، وفرهنگ حسین‌وفائی و حدایق‌العجم. و مجمع‌الامثال میدانی. و منتخب کتاب تکمیل از میرعطاءالله و معیارالاشعارخواجه نصیر، والمعجم فی‌معاییراشعارالعجم‌ازشمس‌قیس، وحاشیه شرح جدیدتجرید ازترمذی، وترجمه فارسی معاد از بوعلی، وتأویلات‌عبدالرزاق کاشی(م-۷۳۰) وفرهنگ میرزا، وتحفه. وحدیقهٔ‌سنائی. وفرهنگ شمس فخری وربیع‌الابرار. زمخشری، وامامت‌خواجه‌نصیر. وجام‌جهان‌نما‌ازغیاث‌الدین‌منصور. ورساله ازرسایل فرس بخط قدیم. وشرح مقامات حریری ازجوهری. وعجایب المخلوقات، و شرح دیوان از قاضی‌میرحسین، والسامی فی‌الاسامی. واشعارحافظ شیرازی، وخفاف. ومهجة‌التوحید.

این کتاب در دوقسمت است: نخست گزارش چکامه های دیوان انوری، دوم گزارش مقطعات.

بخش یکم را درجوانی نگاشته وبخش دوم را درپیری. ودردیباچهٔ‌بخش دوم بدین معنی اشارت کرده واز نادرستیهای بخش‌یکم پوزش خواسته است. دربرخی نسخه‌ها مانند نسخهٔ شماره (۱۱۰۶) کتابخانهٔ مجلس بخش یکم‌دارای دیباچه‌میباشد، وبرخی دیگر مانند نسخهٔ این کتابخانه دیباچه ندارد.

آغاز این دیباچه در نسخه یاد شده افتاده است، و نسخه چنین آغاز می گردد:

که بفسون خواهش بی‌تمیز پلاس کهنهٔ لفظ رابیهای‌پرند معنی بفروشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وسرچشمهٔ... خامهٔ جهان‌نورد این گوشه‌نشین بساط‌سخن ابوالحسن...

آغاز بخش یکم:

باز این چه جوانی و جمالست جهانرا
وین حال که نو گشت زمین را و زمانرا
هم جمره برآورده و فرو برده نفس را
هم فاخته بگشاده و فرو بسته زبانرا

جمره بنا بر مشهور بخاریست که در آخر زمستان از زمین برآید، وده‌ر اصطلاح تاوزبان ...

انجام بخش نخست: سطرلاب: آلتیست معروف که ارتفاع... سطرلابون یعنی... محال؛ خطا فلابی بفتح... تعلیم؛ کسیرا چیزی... رسن تابی؛ پس‌روی ... دول؛ بضم واو آنچه بی‌تامل برزبان قلم آید اینست که ذکر شد.

آغاز بخش دوم ،

ای نام تو قالب عبارت را روح
در راه تو پای عقل و دانش مجروح
... ابوالحسن الحسینی الفراهانی ...

دو دیباچه بخش دوم میگوید میخواستم شرح چکامه‌ها را که در جوانی نگاشته‌ام بازدید کرده راست‌سازم ولی ، دوستانم نگاشتن بخش دوم را لازم‌تر دانسته، مرا براین وادار کردند .

این گزارش نزدیك (۴۳۰۰ بیت) نوشته دارد .

در نسخهٔ این کتابخانه دیباچهٔ بخش یکم وهمهٔ بخش دوم رانداخته‌اند. نسخهٔ مجلس هم دیباچه وهم بخش دوم را در بر دارد، ونسخهٔ آقای مدرس رضوی نیز بخش دوم را دارد .

[۲۷]

فقط بخش یکم را آنهم بی‌دیباچه دربردارد.

۲۳۳ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نویسنده محمد عیسی. در (۱۲۳۶) آنرا نوشته. شعرهای انوری را باشنگرف وشعرهای دیگررا با لاژورد وواژه های تفسیرشده را با زر نوشته است .

همهٔ رویه‌ها دارای دو جدول بیرون با زر ، و درون با زر ومرکب سیاه .

نخستین رویه حاشیه سازی و زرافشانی شده‌است .یك سرلوح زر وشنگرف‌ولاژورد در برگ(۱ ـ پ) دارد میان برگهای (۸۲ـ۸۳) دو برگ افتاده است . درپایان نسخه دوبرگ (۱۰۸ و۱۰۹) سفیدمانده‌است .

(۱۰۹ برگ) کاغذ دولت آبادی . جلد تیماج مشکی سوخته زرگوب داخل تیماج حنائی کهنه .

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۶×۱۳ ، ۱۵ سطر .

[۲۸] شرح دیوان خاقانی شیروانی (فارسی)

نام او بدیل(۱) یا ابراهیم(۲) یاعثمان(۳) ولقبش افضل(٤)الدین واهل شیروان‌است. وخودرا حسان‌العجم نیزمی‌خوانده . وبقول شادی‌آبادی درشرح این دیوان، لقب سلطان‌الشعراء نیزداشته است. درآغاز کار حقایقی(۵) و سپس بنام خاقان اکبر منوچهر شروان شاه ، پادشاه روزگار خود ، خاقانی تخلص گرفته است .

وی در شعر نام پدر خود را علی و کارش را درودگری یادآور شده . مادر بسیار مهربان او بانوی نستوری مذهب بوده واز این روی خاقانی را به اصطلاح های آئین مسیح آشنا می یابیم . عموی خاقانی کافی الدین عمر پسر عثمان پزشك و فیلسوف بوده ، وخاقانی را که از کودکی بی پدر شده ، او پرورانیده است .

در تاریخ مرگ وی چندگفته است که ازهمه نزدیکتر ۵۹۵ میباشد ودرتبریز درسرخاب بگورستان شاعران دفن شده .

۱ـ خود دراشعارش،وجامی‌در نفحات‌الانس: ٥٤٦.

۲ـ تذکره دولتشاه طبقهٔ دوم،ومرآت الخیال چ هند ص۲۹ .

۳ـ شادی آبادی در دیباچهٔ‌شرح دیوان‌خاقانی نسخهٔ‌شمارهٔ (۲۷۰) کتابخانهٔ سپهسالار .

٤ـ خودش وهمچنین ابوالعلاء گنجوی درشعر ، وی رابه چنین لقب خوانده‌اند

۵ـ خود در دیباچهٔ تحفة‌العراقین بدان اشارت کرده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آثار خاقانی (۱)

۱ــ دیوان که جای گفتگوی ماست.

۲ــ تحفةالعراقین در (۳۲۷۱بیت) شعر (چ هند ۱۸۵۵م) ونیز در دنبال دیوان در هند چاپ شده.

۳ــ ختم‌الغرائب (۲)

٤ــ نامه‌های گوناگون. نسخهٔ آنها در سپهسالار بشمار (٦۰۰) هست.

(چ مجله ارمغان ـ تهران).

روش خاقانی :

خاقانی از شاعران چکامه سرا بشمار میرود. او در توصیف و نمایش پدیده‌های جهان استاد و باریک‌بین است. شعراو مانندنقش ونگارهای ریزه کاری شده، جزئیات رابرای خواننده روشن مینماید.

خاقانی بر واژه های فارسی وتازی واصطلاحهای دانشهای روزگار خود چیره بوده است، لیکن وی این زبانها را آموخته است نه اینکه زبان مادری او باشد، وبنابراین نمیتوان توقع داشت وی مانند یك شاعر دری گوی خراسانی ساده ورسا وناپیچیده شعر بسراید.

خاقانی برای دانشمندان واصطلاح دانان وادیبان دربار شعرمیسروده

۱ــ کهن‌ترین گزارش زندگی خاقانی در لباب‌الالباب ج۲ ص۲۲۱ وقزوینی در آثارالبلاد دنبال شیروان و مستوفی در تاریخ گزیده (چ گراوری ۱۹۱۳ م ص ٤٦۲ و۷۸۷ و ۸۱۸ و۸۲۷ و۸۲۸ وتذکره دولت شاه طبقه دوم ونفحات‌الانس جامی ص ٥٤٦ وامین احمد رازی در هفت اقلیم ومجالس‌المؤمنین قاضی نورالله (بـ۱۰۱۹) مجلس دوازدهم و آتشکده آذر ص۳٥ ومجمع الفصحاء ج ۱ ص ۲۰۰ و پژوهشهای دانشمندان امروز؛ تربیت در مجله گنجینهٔ فنون شماره دوم سال ۱۳٤۱ق و در دانشمندان آذربایجان (ص۱۲۹ــ۱۳۲). قزوینی در حواشی چهار مقاله (ص ۱٥۱) و فروزانفر در سخن و سخنوران ج۲ ـ ص۳۰۰ و٤۰۳. وتربیت درمجلهٔ مهر بعنوان مثنوی ومثنوی‌سرایان شمارهٔ۷ سال٥ ـ آذر ۱۳۱٦ش.

۲ــ خود گوید :

انك ختم‌الغرائب آخر دیدند تاچه تنا خوانده‌ام برای‌صفاهان

است نه برای همگان، اگر او میخواست برای مردم شعربگوید ناچار بودمانند فردوسی وحافظ وسعدی بزبان همگان فهم بسراید.

درشعر وی مانند شعر همهٔ شاعران دانشمندی که بجز زبان مادری خود شعر سروده‌اند(۱) پیچیدگی ونارسائی بسیار دیده میشود. تا آنجا که عرفی شیرازی گفته است: بیش از پانصد بیت از دیوان خاقانی بی معنی میباشد. و عبدالوهاب حسینی در دیباچهٔ شرح خود (۲) عرفی را بر این سخن سرزنش کرده‌است. ونیز مولوی در مثنوی(۳) منطق‌الطیر خاقانی(٤)را بصداوانعکاس صوت‌مانند ساخته.

بی‌شك یکی ازعوامل مؤثرپیچیدگی درشعر خاقانی آنست که وی بلهجهٔ دری آشنائی درست نداشته است. چنانکه میدانیم مهن لهجهٔ دری سرزمین خراسان است، ودردیگر استانهای ایران تا سدهٔ پنجم لهجه های دیگر فارسی روابوده‌است؛ مانند کردی در کردستان، آذری در آذربایجان، تبری در تبرستان، گیلکی در گیلان، پهلوی جنوبی در جنوب.

و چون خراسان دور ترین استان این کشور از پایگاه پادشاهان تازی (بغداد) بود، وزودتر ازدیگرجاها بیرق آزادی برافراشته وزبان خود (دری) را رسمیت داده بود، مردم دیگر استانها بسر زمین خراسان با دیدهٔ احترام وامیدواری مینگریستند و چون بیرق آزادی ایران از این سرزمین بر دیگر استانها گسترش یافت زبان ایشان(دری) نیز زبان رسمی وزبان دانش ونامه نگاری و شعر در همهٔ استانها گردیده مردم استانها لهجهٔ دری را با آنکه تا اندازه‌ای از لهجهٔ ایشان جدا بود؛ بر زبان بیگانه و دشوار تازی که تا آن

۱ــ مانند بسیاری از سرایندگان فارسی هندوستان و همچنین عربی سرایان ایران وهند وترکیه.

۲ــ جای گفتگوی ما همین گزارش است.

۳ــ ج۲ ص۱۸۹ چ علاءالدوله.

٤ــ خاقانی درچند جا شعرخودرا بمنطق‌الطیر سلیمان مانند کرده است

روزگار زبان رسمی و مذهبی بود، برتر شمردند، آنرا شیرین و دلپذیر یافته با موزش آن پرداخته و رواجش گردانیدند.

آری در سدهٔ چهارم و پنجم سامانیان و غزنویان در خراسان لهجهٔ دری را رسمی شناخته گسترش دادند ولی دیلمیان در بغداد و ری لهجه های محلی را پست شمرده و زبان تازی را گرامی میداشتند. و از این روی لهجهٔ دری در این دو سده گسترش یافت و پرمایه گشت ولی لهجه های محلی دیگر ناتوان گشته روی بنابودی نهاد. و چون در نیمهٔ یکم سدهٔ پنجم سلجوقیان از خراسان بعراق و آذربایجان در آمدند، لهجهٔ دری را با خود آورده و بجای زبان تازی زبان رسمی گردانیدند، و بزودی جای زبان یگانه تازی را گرفته آنرا براند. و چون این لهجه با زبان مردم آن استانها از یك ریشه و هم زبان رسمی بود اندك اندك لهجه های محلی را نیز نابود ساخت.

از این پس شاعران دری گوی مانند قطران و غضائری رازی و ابوالمعالی رازی در آذربایجان و ری یافت شدند. و در این روزگارست که می بینم دیوان شاعران خراسان- چون منجیك و دقیقی - در آذربایجان بدست قطران افتاده، و این شاعر آذربایجانی دری گوی گزارش برخی واژه های دری را که برای وی دشوار بوده از ناصرخسرو(۱) پرسیده است. و گرنه پیش از این تاریخ از لهجهٔ دری در این استانها اثری نیست، و آثاری که بجا مانده است بزبان تازی و اندکی نیز بزبانهای محلی میباشد.

با این همه نباید گمان برد: دیوان خاقانی از شعر ساده و رسا تهی میباشد. مقام دانش و وسعت فکر این شاعر باو توانائی داده است که معانی باریك را در قالب واژه های شیرین بریزد، و کسانی را که با روش او آشنا باشند شیفتهٔ

۱- و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعری نیك میگفت، اما زبان فارسی نیکو نمی دانست پیش من آمد دیوان منجیك و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند، و هر معنی که اورا مشکل بود از من پرسید با او بگفتم و شرح آن بنوشت، و اشعار خود بر من خواند. سفرنامهٔ ناصرخسرو، چ برلن ۱۳۴۱ ق. ص۸.

خودسازد، و ازهمه بالاتر دیوان وی یکی از منابع واژه های علمی فارسی میباشد که برای دانشجویان زبان فارسی بسیار سودمند است.

دیوان خاقانی را دارای بیست و دو هزار بیت نوشته اند و سه بار در هند چاپ شده که آخرین آنها در (۱۲۹۵ق) و (۱۳۲۵ق) بوده و سپس بسال (۱۳۱۷ ش) نیز یکبار توسط عبدالرسول در تهران چاپ شده است. ولی شمارهٔ شعر این چاپ (۱۷۷۰۰ بیت) بیشتر نیست.

چون شعر خاقانی دارای واژه های دشوار و اصطلاحی دانشمندان نجوم و هیئت و ریاضی و موسیقی و شطرنج و دیگر علوم است ناچار چندین کس آنرا شرح کرده اند:

۱- گزارش شیخ آذری. دولتشاه آنرا شرح یك قصیدهٔ خاقانی دانسته. و فراهانی نیز در شرح دیوان انوری از آن نقل کرده.

۲- جامی عبدالرحمان (م-۸۹۸) از فهرست آصفیه (ج۲ ص۱۲۵۲) بر آید که نسخه اش در آن کتابخانه بشماره (۹۳- دیوانهای فارسی) هست.

۳- شرح محمد پسر داود پسر محمد پسر محمود شادی آبادی(۱) معاصر شاه ناصرالدین(۲). وی بر دیوان انوری نیز گزارشی نگاشته است.

٤- گزارش عبدالوهاب پسر محمد حسینی حسنی معموری متخلص بغدائی، جای گفتگوی ما نسخهٔ این کتابست که بشماره (۲۱٦) در این کتابخانه هست. وی این کتاب را بسال (۱۰۱۸) نگاشته، و مطالب بسیار در آن گنجانده است.

در چکامهٔ که آغازش چنین است:

۱- که در (ص۱۲٦) یاد او گذشت

آغاز گزارش شادی آبادی چنین است: جواهر زواهر سپاس بی قیاس تار... این گزارش نزدیك (۱۲۰۰۰ بیت) نوشته دارد. و نامرتب میباشد. نسخه های آن در کتابخانه سپهسالار بشماره (۲٦۹ و ۲۷۰) و نزد آقای مدرس رضوی و جز او دیده شده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جام طرب کش که صبح کام برآمد
خندهٔ صبح از دهان جام بر آمد

لحن های موسیقی را بر شمرده وشعر چندتن از شاعرانرا برای مثال آورده است .

وی شیعی مذهب بوده وهمه جاازامام جعفرصادق ودیگرامامان ومذهب امامیه بنیکی یاد کرده ، و[حی علی خیرالعمل] را جزو اذان دانسته‌است، و معنی فقروفنافی‌الله را ازمحققان صوفی نقل کرده، وبهشت‌را از گفته ایشان روحانی نقل کرده ، و از اصطلاح هـای هندیان و سیستانیان و خراسانیان بسیار آورده است .

در دیباچه‌ازاینکه‌مردم ارزش شعرخاقانی‌را نمیدانند واینکه‌بی کمالی چون عرفی شیرازی (بگفته او) بشعر خاقانی خرده گیری کرده؛ سخت بر آشفته است.

در پایان گزارش چکامه‌ای که آغازش چنین است :

مرغ شد اندر سماع رقص کنان صبحدم
بلبله را مرغ دار وقت سماع است‌هم

میگوید: [والحال که تاریخ هزار و هژده سال از هجرت گـذشته نسرین در جدی واقع‌اند و یك دورهٔ آنها در مدت بیست و چهار هزار سال به اتمام میرسد ...]

در نیمهٔ نخست‌این گزارش چکامه ها بترتیب حرفهای قافیه آنها بسیج شده ، و در نیمهٔ دوم غـزلها وقطعه ها را گزارش نموده ، وهمه کتاب نزدیك (۱۳۸۰۰) بیت نوشته دارد.

برخی‌بخشهای کوتاه‌این شرح‌دربلورقی‌دیوان خاقانی‌چاپ‌عبدالرسولی درتهران چاپ شده‌است.

وی دراین کتاب از کسان و کتابهای زیر نام برده است :

فردوسی . انوری . گرشاسبنامهٔ اسدی . کسائی . سیف اسفرنگ

ظهیرفاریابی . عطار . مولوی . منطق‌الطیرامیرخسرو . ازرقی . خلاق‌المعانی . نظامی گنجوی . شمس فخری . شرح مخزن‌الاسرار نظامی . لغت فرس‌اسدی . صحاح جوهری . شرفنامه . ادات الفضلاء (آداب الفضلاء) . فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری معاصر شمس الدین محمد خفری . دستور اللغة . فرهنگ سروری کاشانی . نصاب الصبیان . کنزاللغة . مطول تفتازانی . تفسیر کبیر . تفسیر بیضاوی . شهربانو مادر امام زین‌العابدین . شهرهای جابلقا و جابلسا . تاریخ طبری . چکامهٔ بوعلی سینا . ابن‌عربی . سعد حموی . عبدالرزاق کاشی . شیخ‌سری سقطی . ملاحسین کاشفی .

آغاز : خاقان کشور سخنوری و سلطان ملك بلاغت گستری ...

نام نگارنده در دیباچه یادشده است .

انجام : خربط ؛ بط کلان است که آنرا قاز گویند ، و آنرا شکل ابلهانه است، وسفید میباشد . وبمعنی ابله و نادان نیز آمده . ودراین مقام معنی ثانی‌مراد است تمت .

[۲۸]

نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده محمد معصوم پسر محمدباقر منشی ، به دستور آق اولی‌خان برادر آقاعلی خان پسر سلمان‌خان خوشویس. در تاریخ دهم جمادی اول سال (۱۰۳۷)یعنی نوزده سال پس‌از نگارش کتاب نوشته شده است .

شعر هارا با شنگرف نوشته بربشت برگ‌یکم چنددست‌خط مالکیت نوشته‌شده یکی از حسن علی پسر عبدالله پسر حسن شوشتری ، ودیگر در اصفهان بسال (۱۱۲۵) و نیز در پشت همان برك نوشته شده :

شرح بعضی ازاشعار بلاغت شعارافضل‌الدین‌خاقانی للسیدعبدالوهاب المعموری

میان برگ (۱و۲) یك برگ افتاده است.

در هریك از برگهای (۱۶۳) و (۱۷٤) یك رویه سفید مانده است .

(۳۱۴ برگ) کاغذ نخودی رنگ. جلد تیماج‌کهنه سایده حنائی‌مقوائی.

اندازه : ۱۴×۲۰ ۱۳ تا ۱۵ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۴۹] شرح کلمات قصار پیغمبر (فارسی)

اگرچه پس از مرگ پیغمبر(ص) جز قرآن چیزی از سخنان وی گرد آوری نگشت، لیکن حدیثهائی از وی سینه بسینه آمده که در سده های سوم وچهارم آنها را گردآوردند و کتابها ساختند، وچون از پیغمبر حدیثی آورده‌اند که برای نقل چهل حدیث از او پاداشها معین کرده است، از این روی کسانی بگردآوری «چهل حدیث» پرداخته اند. وبرخی از شیعیان که روایت کردن حدیثها درستایش علی (ع) را نیکو شمرند، بگردآوری حدیث هائی که در ستایش وی از گفته پیغمبر نقل شده است، پرداخته اند مانند «صحیفة المحبة» که در این فهرست یاد خواهد گشت. وسپس در سده های پسین کسانی در میان آنها حدیث‌های کوتاه را بتقلید از سخنان کوتاه بزرگان دریکجا گرد آورده اند. (ذریعه: ٤: ۱۳۱ و۷: ۲۰۷ دیده شود).

سه کتابچه در این زمینه در اینجا یاد میگردد که همه در یك دفتر جای گرفته‌است، وبشمارهٔ (۱٦٤) در این کتابخانه میباشد.

۱ــ چهل کلمه با ترجمهٔ هر کلمه بیك بیت فارسی. آغازش افتاده‌است. گردآورنده وسراینده شناخته نشد. پایان آن چنین است:

القلب میت وحیواته بالعلم (صدق رسول‌الله).

دل جاهلان را تو مرده شناس

نباشد دل جاهلان حق شناس

تمت الاربعین حدیثاً.

۲ــ چهل حدیث کوتاه بی ترجمه

آغاز: بسمله. حمدله... قال النبی (ص) من قرأ، أوحفظ اربعین حدیثاً ...

قال النبی(ص): الصلاة عماد الدین ...

انجام: والخامس فقیرصابر. والسادس امراة محصنة. تمت.

گردآورنده شناخته نشد.

۳ــ سی حدیث کوتاه باترجمه هریك بدو بیت فارسی.

گردآورنده و نگارنده شناخته نشد.

آغاز: ومن کلامه (ص): انما الاعمال بالنیات. صدق رسول‌الله (ص).

اصل اعمال نیت نیکو است نیت نیکدار ای مهتر

انجام: قال رسول‌الله(ص): احمدك بجمیع محامدك. صدق (ص).

دوجمله پایان‌را بفارسی ترجمه نکرده‌است.

[۲۰]

۱٦٤ نسخه در آغاز یك دفتر بدین‌ترتیب جا گرفته ۱)چهل کلمه باترجمه ۲) چهل کلمه بی‌ترجمه ۳)سی کلمه باترجمه، وپس ازآن «صحیفة المحبة» و کتابچه های دیگرهست. نویسنده محمدافضل پسرقیصر علی قریشی است. در چهارم جمادی یکم سال(۱۰۹۸) نوشتن آن پایان یافته. و کتابچهٔ یکم‌را در(۱۰۸۸) پایان‌رسانیده است. جمله‌های[قال النبی...] را باشنگرف، ومتن‌حدیث‌را بانسخ سیاه، وترجمه‌فارسی را بانستعلیق ومرکب سیاه نوشته. همهٔ دفتر(۹۰برگ) این سه کتابچه (۹ برگ) کاغذ و جلد درص۱۱٦یاد شده‌است.

[۳۱] شرح کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) (فارسی)

چنانکه درعنوان «نهج‌البلاغه» خواهیم گفت حضرت‌علی(ع) مانندیگر سخنوران بنام عرب سخنان کوتاه اندرزوار بسیار داشته است. ودرسده های پسین کسان بسیاروقت خودرا در گردآوری سخنان کوتاهی که بوی‌نسبت‌داده شده، صرف نموده‌اند.

گویند (۱) نخستین کس که بگرد آوری سخنان کوتاه علی پرداخته جاحظ (۱٦۰ـ۲۵۵) میباشد که صدشماره ازآنها را برگزیده ودریکجا گردآورده است.

۲ــ ابویوسف یعقوب پسرسلیمان اسفرائنی قاضی، کتابی بنام «الفرائدوالقلاید» دراین‌باب نگاشته. دودیباچه عیون‌الحکم نام‌آن آمده، ونسخهٔ سدهٔ‌ششم آن در کتابخانهٔ مروی تهران هست. فهرست سپهسالار ج۲ص۱٤۷.

۳ــ قطب راوندی (م ـ۵۷۳) صد کلمهٔ جاحظ را شرحی نوشته است. فهرست سپهسالار ج۲ص۸.

(۱) گزارش زندگی جاحظ در فهرست ابن‌ندیم وابن‌خلکان وبغیةالوعاة آمده وهیچ کدام گردآوری سخنان کوتاه علی را بوی نسبت نداده اند. آدی در روضات (ن ـ۱۳۱۳) ازفصول‌الائمة نقل کرده که جاحظ‌دربرخی‌ازنگارشهای خودآنها را گرد کرده‌است، ونیزدردیباچهٔ دو کتاب «غررالحکم‌ودررالکلم» آمدی، و«عیون‌الحکم» لیثی‌واسطی‌چنین نسبتی بجاحظ داده شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

٤ ـ دیگر : ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد پسر محمد پسر عبدالواحد تمیمی آمدی . کتابی بنام غررالحکم نگاشته و نسخهٔ آن بشمارهٔ (۹۵) دراین کتابخانه هست. ودرباوهٔ آن ونگارنده‌اش گفتگو خواهیم نمود .

٥ ـ عیون‌الحکم والمواعظ وذخیرة المتعظ والواعظ، ازعلی بن محمد لیثی واسطی نسخهٔ آن بشمارهٔ (۹٦) دراین کتابخانه هست، و دربارهٔ آن نیز گفتگوخواهیم نمود .

٦ ـ ابن ابی‌الحدید (م٦٥٥) در پایان شرح نهج‌البلاغة هزار کلمه را گرد آورده است .

۷ـ نثراللالی ازابوعلی طبرسی (م-٥٤٨) یا فضل‌الله راوندی (م-٥٤٨) یا قطب راوندی (م-٥۷۳). در(۱۳۱۲ق) چاپ شده

۸ـ رشید وطواط (م-٥۷۳) صد کلمهٔ جاحظ رایك‌بار بنثرتازی وباردوم بنثر فارسی وسوم باربشعر فارسی دریك جا گردآورده و«مطلوب کل طالب» نامیده. وترجمهٔ منظوم فارسی آن تنها چندبار درایران چاپ‌شده است .

۹ـ ابن میثم بحرینی (م-٦۷۹) شرحی بنام منهاج‌العارفین براین صد کلمه نگاشته. ونسخهٔ آن بشمارهٔ(۱۷٤) دراین کتابخانه هست .

۱۰ـ ابوالمحاسن ابن‌ساوجی. محمدپسرسعدپسرمحمدپسرنجوانی بسال(۷۳۲) هر کلمه‌از نثراللالی رابیك‌بیت فارسی نظم کرده و بنام «بدرة المعانی فی ترجمة اللالی» دراستانبول (۱۳۱٥ق) چاپ شده . (دانشمندان آذربایجان-ص۲۱).

۱۱ـ درویش اشرف در(۸۳۸ق) صد کلمهٔ جاحظ را بنظم فارسی درآورده است. (دانشمندان آذربایجان ص۱٤۷)

۱۲ـ جامی (م-۸۹۸)صد کلمهٔ جاحظ رابنظم‌فارسی درآورده است (گنجینهٔ تربیت) .

۱۳ـ ترجمهٔ منظوم فارسی صد کلمهٔ جاحظ از عادل . (سدهٔ۸-۱۰) نسخهٔ (۳۰٤۹و۲۷۹۹) سپهسالار .

۱٤ـ ترجمهٔ منظوم فارسی نثراللالی ازهمان عادل. (چ‌تهران - ۱۳۰٦) و نسخهٔ (۱٦٤) این کتابخانه .

۱٥ـ میرعلی شیرنوائی(م-۹۰٦) هر کلمه از نثراللالی رابیك دو بیتی ترکی

سروده ونظم‌الجواهر نامیده است .

۱٦ـ عبدالواحدمفسرصوفی‌روزگارصفوی صد کلمه‌جاحظرابنظم فارسی سروده است. (وقایع‌الایام خیابانی ج۳-ص۳۹۳).

۱۷ـ ملامحمد پسرابوطالب استرآبادی درروزگارصفوی. صد کلمهٔ جاحظ را بفارسی ترجمه کرده (الذریعه ج ٤ص۱۳۲) .

۱۸ـ حسین‌بن یوسف هروی (سدهٔ-۱۰) چهل کلمه‌را بدوبیتهای فارسی ترجمه کرده .

۱۹ـ مکتبی شیرازی (م-۹۰۹) شصت کلمه‌رابنام « کلمات علیه‌غراء» در (۱٥۰۰بیت) بفارسی سروده است درتهران (۱۳۱۳ش) چاپ شده.

۲۰ـ مولی میرقاری کوکبی گیلانی همزمان شاه عباس (ش-۱۰۳۷) در کتاب زبدة‌الحقایق‌خود فصلی‌برای این کلمه‌ها گشوده است(فهرست سپهسالار ج ۲- ص۱٤۷) .

۲۱ـ نظم‌الغرر ونضدالدرر درترتیب‌غررالحکم آمدی. ازعبدالکریم‌پسر محمدیحیی قزوینی همزمان‌شاه‌سلطان حسین‌صفوی(ش۱۱۰۱-۱۱۳٥). نسخه‌اش درسپهسالار بشماره (۳۰٥۱)هست .

۲۲ـ اصداف‌الدرر در ترجمه غررالحکم آمدی بفارسی. ازهمان‌عبدالکریم پسرمحمد یحیی قزوینی. درشیراز بسال (۱۳٤٤ق) چاپ شده است .

۲۳ـ آقاجمال خوانساری (م-۱۱۲٥) شرحی‌بفارسی برغررالحکم آمدی نوشته است . نسخهٔ سپهسالار شمارهٔ (۳۳۰۷) .

۲٤ ـ خواجگی زاده صد کلمه را بترکی شرح کرده است (کشف الظنون) .

۲٥ـ یوسف‌نصیب. نثراللالی رابترکی‌ترجمه کرده وبنام‌رشتهٔ جواهردر (۱۲٥۷ق) دراستانبول چاپ‌شده. (فهرست کتب عربی‌لندن) .

۲٦ـ معلم‌ناجی نیزنثراللالی‌را بترکی‌ترجمه‌نموده، وبنام «امثال‌علی» در استانبول‌بسال (۱۳۰۳ق) چاپ شده (فهرست کتب عربی لندن) .

۲۷ـ لسان‌الملک سپهر درناسخ‌التواریخ‌پایان جلددوم کلمه‌های کتاب عیون‌الحکم‌را بفارسی گردانیده وبسال (۱۲۸۹) چاپ کرده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۸- محمد علی جراح نظام در (۱۲۷۵ق) کتابچه بنام تصایح حضرت امیر گرد آورده .

۲۹- حالی خوشنویس، عمادالفقراء محسن ازدبیلی؛ کتاب عبدالکریم پسر محمد یحیی قزوینی را بفارسی ترجمه ودرشیراز در(۱۳٤٤ق) چاپ کرده است .

۳۰- فلاشیر آلمانی کتاب رشید وطواط راباآلمانی ترجمه وبااصل فارسی آن درلایپزیک در(۱۸۳۷م)چاپ کرده است .

۳۱- کاظم پسر محمد گیلانی(فیلسوف الدوله)نثر اللالی رابفارسی ترجمه وبسال (۱۳۱۸ق) درتهران چاپ کرده است .

۳۲- مؤرخ الدوله احمدعلی سپهری (۵۷۰ کلمه) رایا ترجمه فارسی وفرانسه گردآورده. وبنام« کلمات قصار» چندبار چاپ شده .

۳۳ - کمال الدوله محمد حسن قاجار همزمان مظفرالدین شاه(٤۳۰) کلمه را بنام «ابواب الحکم» گرد کرده وبسال (۱۳۱۹ق) درتهران چاپ کرده .

۳٤- سیدعبدالله بهبهانی بوشهری کتابی بنام« محفظة الانوار »در (۱۳٤۳ ق) درشیراز چاپ کرده .

۳۵- شیخ عباس قمی (م-۱۳۵۹ق) صد کلمه را بفارسی ترجمه وشرح ودوبار بسالهای(۱۳۳۱ق و۱۳۵۳ق) درتهران بنام حکمت بالغه چاپ کرده است .

۳٦- سید هبة الدین شهرستانی نیزصد کلمه گرد آورده است .

یکی از گزارشها که اکنون جای گفتگوی ماست شرح وترجمه لیست بنظم فارسی برای بیست و نه کلمه بترتیب حروف الفباء خطاتازی(آ-ی) ولام الف لا را نیزیك حرف شمرده. وی هر کلمه را بدوشعر فارسی سروده است، بجز آخرین کلمه را که بایك غزل هشت بیتی ترجمه کرده است . وهمهٔ آن (٦۳بیت) است

آغاز: مشتمل بربیست و نه کلمه مع حروف الابجد من کلام امیرالمؤمنین وامام....

...الف :- اشرف العبادة الاخلاص بالشهادة .

همچو خورشید اگر شرف خواهی
آن شرف از عبادت خاص است
چون زبانت شود شهادت گوی
پس دلت را کمال اخلاص است .

ب - : بدرالاحسان لایبلی وربه لایفنی ...

انجام ی:- یشهدعلیکم الکتاب یوم الحساب .

ای دل اسباب راه حاصل کن
چون ترا عمر راه خواهد بود

تا آنجا که گوید :

اسدی توبه کن که ناظر تو
مطلع از گناه خواهد بود

وبنابراین تخلص سراینده اسدی است ولی من اورا نشناختم .

[۳۱]

۱٦٤ نسخه ششین کتابچهٔ این دفتراست. خط متن تازی نسخ وشنگرف. وشرح فارسی بانستعلیق وسیاه . نام نویسنده ندارد ولی همهٔ این دفتر بخط محمدافضل است که در(ص۱۱٦) یادشده ودر(۱۰۸۸) تا(۱۰۹۸) نوشته شده .

همهٔ دفتر(۹۰ برگ) این کتابچه (٤ برگ) کاغذ وجلد در(ص۱۱٦) یادشده .

[۳۲] شرح گلستان (عربی)

گلستان نامبردارترین یادگارسعدی شیرازی، بلکه بنامترین کتاب فارسی میباشد، وگفتگو دربارهٔ آن از گنجایش این کوتاه فهرست بیرون است، گلستان تاچندین سده یگانه کتاب ادبی واخلاقی وسزاوارخوانده شدن دردربارهای خاور نزدیک ومیانه بشمار میرفت، ازدورترین نقاط هندتا استانبول شاهزادگان این کتاب رادرس میگرفتند ومیخواندند. وچون زبان مادری بیشترایشان جز فارسی بودنا گزیر دانشمندان راوادارمیکردند گزارشهابزبانهای گوناگون هندی وتازی وترکی وجز آن برای گلستان بنویسند،ومن چندشماره از آنهارادراینجا یاد میکنم :-

- کهن ترین گزارش که چلبی برای گلستان یاد کرده شرح منیری است، وی ازبرخی نقل کند که شرح علی زاده (سیدیعقوب پسرسید علی) دزدی این شرح است .

- شرح علی زاده ؛ سیدیعقوب پسرعلی که جای گفتگوی ماست .

- شرح ملالامعی (م۹۳۸) فقط بردیباچهٔ گلستان بوده .

- شرح ملامصطفی پسرشعبان که بسروری نامبردار است وبسال (۹٦۹)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در گذشته. وی گلستانرا بزبان تازی برای سلطان مصطفی پسر سلیمان گزارش نموده و بسال (۹۵۷) پایان یافته.

- شرح قاضی محمود پسر میناس،
- شرح ملاضعیفی قرطوی.
- شرح ملاسودی (م -۱۰۰۰).
- شرح ملاشمعی (م - ۱۰۰۰) بترکی.
- شرح ملامحمد تیری (م - ۱۰۱۶) متخلص بعیشی.
- شرح هوائی برسوی (م-۱۰۱۷).
- شرح ملاحسین کفوی (م-۱۰۱۲) قاضی مکه (ن-۱۰۰۵)، وچون این شرح پاکنویس نشده بود، ملاحسین پسر کوزلجه رستم پاشا معروف بحسینی آنرا پاکنویس کرده و دیباچهٔ در گزارش زندگی شرح کننده بر آن افزوده «بستان افروز جنان» نامیده است.
- ترجمه ترکی از اسعدافندی. (کشف الظنون).
- شرح ترکی محمود طائع پسر محمد پسر آدم بغدادی ساکن استانبول (م-۱۲۶۸ق) (ذیل کشف الظنون).
- بهار یاران، در شرح گلستان. بفارسی از محمد غیاث الدین هندی (چ نولکشور ۱۹۰۶م) دارای (۴۸۰ ص).
- شرح گلستان بفارسی از شیخ محمد ولی صاحب هندی (چ هند).

وجز اینها چندین فرهنگ برای واژه های گلستان تاکنون در ایران و هند وترکیه چاپ شده است.

جای گفتگوی ماشرح سیدیعقوب پسر علی معروف بعلی زاده است. وی چنانکه چلبی در کشف الظنون آرد بسال (۹۳۱) در گذشته.

ونیز چلبی از کسی نقل کرده: علی زاده شرح منیری را برداشته ودر آغاز وانجام آن نام خود نهاده. وآن کس شرح منیری را دیده وباشرح علی زاده برابر کرده است.

آغاز: شرح: (از نسخهٔ این کتابخانه افتاده است).

آغاز: باب یکم: باب اول درسیرت پادشاهان او هی عبارة عن الطریقة حمیدة کانت اوذمیمة.

(حکایت) پادشاهی راشنیدم که بکشتن اسیری اشارت کرد، بیچاره در آن حالت نومیدی بزبانی که داشت یعنی بلسان کان فی فیه ملک را دشنام دادن گرفت وسقط بفتحتین الهذیان وهو فی الاصل المتاع الردی گفتن آغازید...

انجام: بررسولان پیام ای خیر باشد وبس، نظم: یاناظراً فیه سل الله مرحمة علی المصنف واستغفر لکاتبه واطلب لنفسك من خیر ترید یه من بعد ذلک ای من بعد ذلك اطلب لنفسك اطلب من الله غفراناً لصاحبه. فحمداً ثم حمداً؛ علی توفیقنا اتمام شرحه فالمرجو من الناظرین ان یدعوا بکر مهم الخطیر لمؤلف هذه الحروف وکاتبها الفقیر یعقوب بن السید علی الحقیر عفی عنهما الملک الکبیر. تم.

این گزارش بزبان تازی است وبامتن فارسی آمیخته است. ونگارنده اش ترکی خوب میدانسته و بسیاری ازواژه های گلستان را بترکی ترجمه کرده است.

[۳۷]

۲۳۵ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی نزدیك بروزگار نگارنده (سدهٔ دهم) میباشد. عنوانها باشنگرف است. روی متن فارسی گلستان نیز خطشنگرفی کشیده است. نسخه را تصحیح کرده ودرستها رادر کنار رویه نوشته است. آغاز نسخه افتاده. آغاز آنچه هست درشرح شعر: اول اردیبهشت ماه جلالی بلبل گوینده برمنابر غضبان. گوید: وجه توصیف الشیخ بقوله: ماه جلالی. ماسمع مماتلوعلیك...» حاشیه ها بارمزمنه بسیار دارد. ودر (برگ ۱۹) یك حاشیه رمز (لکاتبه) دارد.

در آخرین رویهٔ نسخه شعری درتاریخ مرگ سعدی چنین نوشته است:

همای روح پاك شیخ سعدی — مه ذیحجه بود ودر (خصا) سال
شب سه شنبه و هنگام صبحی — بیفشاند ازغبار تن بدو بال(۱)

در (برگ ۱۴۱ب) چندبیت از نظامی، خسرودهلوی، جامی، ونوائی نوشته. ودر برگ (۱ - الف) چندشعر فارسی بسبك ترکی عثمانی نوشته مانند:

اگر آل عثمان نجاتم دهد — ز دست فرنگی نجاتم دهد

(۱۴۱برگ) کاغذ لندی. جلد تیماج مشکی مقوائی کهنه.
اندازه: بحر ۱۲×۱۷٫۵ و ۸×۱۳ ؛ ۱۹ سطر.

(۱) (خصا = ۶۹۱) باید یادآورد که در کشف الظنون این شعر زیر را تاریخ مرگ سعدی دانسته:

گلستان عین تصنیفات او بود — شده تاریخ هم عین گلستان

(عین گلستان = ۶۹۱)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۳۳] شرح لامیة العرب (عربی)

چکامه حماسی و اخلاقی بقافیهٔ لام از شنفری شاعر روزگار جاهلیت عرب بجا مانده ، و بعدها بلامیة العرب نـام بردار شده است ، و در برابر آن چکامه لامی طغرائی (م-۵۱۴) نام لامیة العجم و چکامهٔ لامی محمد (ابن الحکیم) پسر محمد حلبی نام لامیة الروم بخود گرفته، و در این اواخر لامیه‌ئی نیز بنام لامیة الهند سروده شده است . هریك از این لامیه‌ها شرحها دارد، و از همه بیشتر لامیة العجم طغرائی گزارش شده است. سرایندهٔ لامیة العرب شنفری پسر اوس پسر حجر پسر هنو پسر غوث پسر بیت پسر مالك پسر زید پسر کهلان پسر سبا، است . چابی نژاد اورا در کشف الظنون چنین آورده ، و در نـام او بشنفری بسنده کرده است، ولی در ریحانة الادب و جواهر الادب نام اورا ثابت، و در معجم المطبوعات عربی «شمس» و در قاموس الاعلام زرکلی «عمرو» دانسته‌اند. مرگ او نزدیك سال (۵۱۰م) یعنی ۱۰۰ سال پیش از هجرت بوده جرجی زیدان اورا در شمار شاعران دوره گرد (صعالیك) آورده و از آغانی-ج ۲۱-۸۷، و «الشعر و الشعراء-۱۸» و «خزانة الادب ج ۲-۱۶» نقل کند که وی از قهرمانان دو عرب و در ردیف تابط شراً و سلیك و عروه پسر ورد بوده، واسب بپایش نمیرسید. و چون دونده خوبی بود بتاخت و تاز و چپاول مردم رندگی میکردانید. و داستان اورا چنین یاد کرده‌اند : وی سو گند یاد نمود که صد تن از خانوادهٔ سلامان بکشد. پس ۹۹ تن بکشت و در این هنگام بدست همان خانواده کشته شد ولی یك تن دیگر از ایشان که پا برجنازهٔ شنفری گذارده استخوانش بیافرو رفت و از این زخم بمرد. میدانی نیز در دو امثال مثل عربی «اعدی من الشنفری» داستان اورا باشاعر و لگرد دیگر بنام «تابط شراً» آورده است. لقب شنفری بمعنی دارندهٔ لبان کلفت است و از این روی شترا را نیز بدین لقب خوانده‌اند.

شعر وی در عقد الفرید (۱) و مفضلیات (۲) آمده است میان شعرهای او چکامهٔ لامی که (۶۸ بیت) دارد بیشتر بررسی و گزارش شده، و من چند شمارهٔ آنرا در اینجا می آورم :

۱) شرح ابو العباس ثعلب، احمد پسر یحیی (کشف الظنون).

۲) شرح مؤید الدین پسر عبد اللطیف پسر سعید نخجوانی (کشف الظنون) نسخهٔ آن در کتابخانهٔ عطار باشی موصل هست (مخطوطات موصل ، ص ۲۶)

(۱) چ ۱۹۴۰م - ج ۱ ص ۸۱

(۲) تمدن اسلام جرجی زیدان چ سوم - ج ۱ ص ۱۳۴ .

۳) اعجب العجب فی شرح لامیة العرب. از جار الله زمخشری (۵۳۸۲) (چ استانبول ۱۳۰۰ ق ه) .

۴) شرح مهذب الدین ابو نصر محمد پسر یحیی معروف بابن کرم نحوی . نام این شرح در سر آغاز شرح واسطی نسخهٔ این کتابخانه آمده است .

۵) شرح واسطی که جای گفتگوی ماست .

۶) سیلوستر دوساسی (۱) (۱۷۵۰-۱۸۳۸م) آنرا در دفتری بنام «الانیس المفید للطالب المستفید» در پاریس بسال ۱۸۰۶م چاپ کرده .

۷) ریس (۲) خاورشناس آنرا بآلمانی گزارش نموده و در مجلهٔ خاوری آلمان بسال (۱۷۵۳م) چاپ کرده است .

۸) جمیز ردهوس (۳) خاورشناس آنرا بانگلیسی ترجمه و در مجله آسیائی لندن بسال ۱۸۸۱م در (۳۱ص) چاپ کرده است .

۹) نلد که (۴) . (۱۸۳۷-۱۹۳۱م) آلمانی بسال ۱۸۹۶م با افزودن مطالبی بر سیلوستر دوساسی همان را در لندن در (۱۶ص) چاپ کرده است .

این چکامه همراه همهٔ این گزارشها چاپ شده، و نیز بسال ۱۳۱۹ق بتصحیح احمد محمصانی و بسال ۱۳۲۴ق در مصر چاپ شده است. و یك بار نیز بسال (۱۳۱۱ق) در مصر دفتری بنام «اللامیات الثلاث» چاپ شده و در آن همراه لامیة العجم و لامیة العرب ؛ لامیه‌ئی بنام «لامیة الترك» آورده ، و گویا خواست پخش کننده ، شناساندن سرایندهٔ لامیة الترك: یعنی حسن حسنی بیك عزتلو می بوده که از دوستان وی بوده است.

جای گفتگوی ما شرح واسطی است بر لامیة العرب. تکارنده یعنی واسطی شناخته نشد ولی آنچنانکه نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در سر آغاز این کتاب نوشته؛ واسطی پس از گزارندهٔ دیگر یعنی ابو نصر محمد پسر یحیی پسر کرم نحوی زندگی میکرده است .

نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در سر آغاز آن چنین نوشته :

«قال النبی (ص) علموا الولاد کم لامیة العرب فانها تعلمهم مکارم الاخلاق .

(۱) B Sylvestre de sacy

(۲) Reuss .

(۳) Sir james william Redhouse.

(۴) T - Noeldeke.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین. وبعد فهذا کتاب یشتمل علی قصیدة الشنفری وشرحها (چنین) المنسوب احدهما الی الشیخ العالم المهذب للدین ابی نصر محمدبن یحیی ابن کرم النحوی والاخری الی الواسطی رحمهما الله تعالی، بلازیادة ونقصان. وشرح ابن کرم مقدم علی شرح الواسطی وبینهما (چنین) عمل علی ابتداء. کلام الواسطی، وچنین مینماید که میخواسته هردوشرح را بی کم و کاست بیاورد و شرح واسطی را اگرچه پس ازشرح ابن کرم نگاشته شده، پیش انداخته. ولی نتوانسته‌است شرح واسطی را بپایان رساند تاچه رسدبشرح ابن کرم.

آغاز:

اقیموا بنی امی صدور مطیکم فانی الی قوم سواکم لامیل

یخاطب قومه ویؤدنهم بالرحیل. المطی الابل سمیت بذلک لانها تمطی ای ترکب مطاها وهو ظهرها. ویقال سوی وسوی بکسر السین وضمها وهما مقصوران، فان فتحت السین مددت فقلت . . .

[۳۳]

۱۹۹ نسخه دردفتریست که این کتابچه و «شمایل خاقان» ودو کتابچه درموسیقی رادربر دارد. از برگ (۱تا۱۹۱) دفتررا گرفته. خط شرح نستعلیق زیبا، ومتن شعر را نتوشته، وگویا میخواسته با مرکب رنگین یازرین بنگارد ولی نیمه کاره بجا گذارده فقط شرح (۳۰شعر) از(۶۸شعر) رانوشته است. نام نویسنده وتاریخ ندارد ودرپایان کتابچهٔ موسیقی که بخط همین نویسنده است نام محمدعلی وتاریخ (۱۲۸۷ق) دیده می شود.

همهٔ دفتر(۸۷برگ) این کتابچه (۱۹۱برگ) کاغذفرنگی آهاربهره نقدی. جلدلوحهٔ این کتابخانه

قطع زرد شمالی ۱۰اندازه: ۱۴٫۵×۷٫۵و۲۲×۱۷٫۵ : ۱۲ سطر.

[۳۴] **شرح مثنوی مولوی** (عربی)

یاجواهرالاسرار وزواهرالانوار

این شرح نگارش کمال‌الدین حسین پسرحسن خوارزمی از صوفیان بنام وشاگردابوالوفاء میباشد. وی‌همزمان شاهرخ‌میرزا ودرخوارزم میزیسته. وقتی حنفیان‌این شهربسبب سرودن یک‌غزل وی‌را تکفیر کردند، شاهرخ اورابهرات

کشانیده محاکمه نمود و چون درهنر سخنرانی واستدلال نیرومند بود در این دادگاه بیگناه شناخته شد و آزادگردید(۱).

ودرپایان نیزازبکان اورا در(۸۳۸) (۲) یا(۸۴۰) (۳) کشته‌اند. گور اودر پائین پای گور استادش ابوالوفاء درخوارزم میباشد.

کمال‌الدین حسین دارای نگارشهائی چند است؛ خوند میر شرح مثنوی ومقصدالقصی درترجمهٔ مستقصی‌را ازآن‌جمله نام‌برده‌است (۴) ومیرعلی شیرشرح مثنوی وشرح چکامهٔ برده بزبان‌ترکی خوارزمی بدان افزوده است(۵) وخود درديباچهٔ جواهرالاسرار گوید پس ازآنکه کنوزالحقایق و رموزالدقایق را نگاشتم دوستانم ازمن خواستارشدند تاگزارشی برمثنوی بنگارم. وچنین‌نماید که کنوزالحقایق رامانند حاشیه کوتاه درهنگام تدریس مثنوی براین کتاب نگاشته‌وسپس این گزارش بزرگ‌رابنام (جواهرالاسرار) برای مثنوی نگاشته است.

چلبی در کشف‌الظنون آغاز کنوزالحقایق راچنین آورده:

حمد بی‌حد وغایت، وثنای بی‌عدو نهایت ...

وی این کتاب را فارسی دانسته است. و نیز جواهرالاسرار (شرح بزرگ مثنوی) را بحسین پسر علی واعظ کاشفی نسبت داده است (۶). و این هر دو نادرست است.

جواهرالاسرار یکبار درهند بچاپ سنگ‌بخش شده است. نسخهٔ خطی

---

(۱) مجالس النفائس چ تهران ۱۳۲۰ش. ص۹و۱۸۵. وحبیب السیرجلدسوم جزء ۳. ص ۱۴۴.

(۲) حبیب السیرهمانجا.

(۳) کشف‌الظنون (حرف م) مثنوی.

(۴) حبیب‌السیر جزوسوم جلد سوم‌ص۱۴۴.

(۵) مجالس النفائس ص۹و۱۸۵ چاپ تهران ۱۳۲۰ش. گویا فقط شرح قصیدهٔ برده بترکی بوده‌است، زیراکه شرح بزرگ مثنوی یعنی جواهرالاسرار بفارسی میباشد. وشرح کوچك (کنوزالحقایق) رانیزچلبی در کشف‌الظنون فارسی شمرده است.

(۶) حرف م کشف‌الظنون. «مثنوی»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آن در بریتش موزیوم (۱) ودیگر دردانشگاه کمبریج (۲) ودیگر نزد آقای فروزانفردرتهران هست، و هر سه آنها ناقص میباشند.

چنانکه ازدیباچهٔ جواهرالاسرار آشکار میشود:

وی ببرکت معاشرت با خواجه سلمه‌الله (۳) از کودکی با مثنوی آشنا شده وآن قدر دراین رشته تعمق کرده تا آنکه ازشهرها معنی ابیات مثنوی از وی میپرسیدند. مدتها آنرادرس میگفته‌است. پس بخواهش یاران کتاب «کنوزالحقایق فی رموزالدقایق» رانگاشته، وسپس ازاوخواسته‌اند که مثنوی راشرح کندواوچون دستور غیبی نداشته، این خواهش را نمی پذیرفته است. تا اینکه حضرت امیر زاده اعظم... خواجه درمشاه اعظم ناصرالدین ابوالمناقب شاه‌زاده ابراهیم سلطان که صیت شهریاری... پدریگانه ... اعنی امیر مرحوم مغفورغیاث‌الدین ابوالفتح شاه ملک بهادر تغمده‌الله بغفرانه در آفاق انتشار یافته ... وفیض او بحرم مکه ومدینه نیزرسیده ...نامهٔ باوتوشته ونگارش شرح مثنوی ازوی خواسته، پس این دستور را الهام الهی دانسته وشرح را نوشته است، ونام آنرا (جواهرالاسرار و زواهرالانوار) نهاده.

پیش ازشرح سرآغازی درده گفتار (ده مقالت) آورده:

یکم ـ گزارش زندگی چندتن ازعارفان: ۱) علی ۲) حسن ۳) حسین ۴) علی پسرحسین ۵) محمدباقر ۶) جعفرصادق ۷) اویس قرنی ۸) حسن بصری ۹) مالك دینار ۱۰) محمدواسع ۱۱) حبیب اعجمی ۱۲) ابوعثمان مکی ۱۳) ابراهیم ادهم ۱۴) رابعهٔ عدویه ۱۵) فیضل‌عیاض ۱۶) بشرحافی ۱۷) ذوالنون ابوالفیض مصری ۱۸) بایزید بسطامی ۱۹) عبدالله‌مبارك ۲۰) سفیان‌ثوری ۲۱) شقیق بلخی ۲۲) داود طائی (۱) ۲۳) معروف کرخی ۲۴) سری سقطی ۲۵) جنید بغدادی ۲۶) احمد پسرمحمد رودباری ۲۷) ابوعلی پسرکاتب ۲۸) ابوعثمان سعید پسر سلام مغربی ۲۹) ابوالقاسم گرکانی ۳۰) ابوبکر نساج ۳۱) احمد غزالی ۳۲) ابونجیب

(۱) شمارهٔ Add. 14051. فهرست ریو ص ۵۵۸ دیده شود.

(۲) فهرست کمبریج OR. 238.

(۳) دراین جادر (برگ ۳۰ـالف) میگوید قسمی تیرك است و پس ازاین فقط یاد کردن احوال پیران زنجیرهٔ خرقهٔ مولوی پسنده خواهم کرد.

سهروردی ۳۳) عمار یاسر ۳۴) نجم‌الدین کبری سپس زنجیرهٔ خرقهٔ ملای رومی را آورده

گفتار دوم در گزارش واژه‌های اصطلاحی صوفیان. و گفتارهای دیگر درمسائل عرفانی گفتگو کرده است. این کتاب دو دیباچه دارد. یکی بتازی ودیگر بفارسی.

آغاز دیباچهٔ تازی: الحمدلله‌الذی جعل‌السنة افرادالانسان وسیلةلکشف لوازم‌العرفان ...

آغاز دیباچهٔ پارسی: حمدبی‌حد و (غایت) وثنای بی‌عدوتهایت؛ حضرت پادشاهی ....

انجام‌دیباچه: لاجرم بدین‌ده‌مقاله که مصداق تلك عشرة کاملة ...

آغاز گزارش دفتر یکم: هرآینه برآراء زاهرهٔ ارباب ...

انجام‌دفتریکم: وتاختامه مسك‌باشد لاجرم‌بابراد این‌ابیات تجاسرنموده شد .... (سپس (۴۸) بیت شعرآورده‌است).

آغازدفتردوم: الحمدلله‌الذی جعل‌قلوب‌العارفین ... وبعد بدانك حضرت مولوی را درنظم جواهر ...

انجام دفتردوم:

همچون حسین از شق عالم خیال
مردم هزار شاهد زیبا برآورم

آغاز دفترسوم: حمدی چون قدرت قاهره الهی ... بعد از سلوك ... در دیباچهٔ دفتر سوم ...

انجام این‌دفتر: وازسر ذوق درمخاطبه گوید: (دراینجا ۱۳ بیت شعر. آورده‌وپس از آن گوید): تمت‌الکتاب. الهی بحرمت رندان سرمست که شراب صافی ... (ودراینجایك‌صفحه بیاض آورده‌است).

متن‌را دربرخی جاها باواژه (متن) از شرح جدا نموده، وگاهی باجملهٔ (قال قدس سره) آغاز کرده است.

برای دفتریکم‌ودوم‌دیباچهٔ بزبان تازی‌نوشته ولی‌برای دفترسوم بفارسی آغاز کرده است.

ازاین کتاب جز شرح سه دفتر مثنوی که در نسخه این کتابخانه هست،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح دیگر دفترها دیده نشده، و گویا بیش از آن از خامهٔ نگارنده بیرون نیامده است.

[۳۴]

۲۲۵ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده ندارد. دفتر دوم در تاریخ دوشنبه (۱۰ جمادی یکم سال ۸۴۰) و دفتر سوم در دوشنبه یکم ذیحجه سال (۸۴۱) نوشته شده است. دیباچه در (برگ ۸۴) و دفتر یکم در برگ (۲۴۴) و دفتر دوم در (برگ ۳۶۲) و دفتر سوم در پایان نسخه در (برگ ۵۷۲) پایان یافته است.

عنوانها با شنگرف نوشته شده. همهٔ رویه‌ها با دو خط زرد و سیاه جدول بندی گردیده دورویهٔ (۱ ب) و (۲-الف) با لاژورد و زر نقاشی شده و دیباچهٔ عربی را در این دورویه در زمینهٔ زرین با خط سیاه نوشته است. و سرلوحه‌ای در برگهای (۲ ب و ۸۴ و ۲۴۴ و ۳۶۳) دیده میشود. این نسخه در زمان نگارنده و گویا برای کتابخانهٔ پادشاهی شاهرخ نوشته شده است. در برگ پایان نسخه تملک بتاریخ ۱۲۷۶ هست که مهر (اللهم صل علی محمد و آل محمد) دارد.

(۵۷۳ برگ) کاغذ سمرقندی. پلدتیماج. قهوه‌ای حنائی کهنه. درون تماج مشکی. درمیان ترنجی ازموخت دارد که رقیمه لاژوردین و باررقاشی شده است.

اندازه: ۱۷×۲۶ و ۱۲×هر ۲۰ : ۱۹ سطر.

[۳۵] شرح نهج البلاغه (عربی)

یکی از گزارندگان نهج البلاغه ابن میثم است. وی یکی از فقیهان عارف و زاهد سدهٔ هفتم بوده و بسال (۶۹۹) در گذشته. گزارش زندگی وی در لؤلؤة البحرین (ص ۱۶۱ تا ۱۶۶) و امل الامل (ج ۲-ص ۷۲) و کشف الظنون در عنوان «نهج البلاغة» و مجالس المؤمنین، و محبوب القلوب، و روضات الجنات (ص ۱۴۲-۱۴۴) و فهرست سپهسالار (ج ۲ ص ۴۹) آمده است. چنانکه در دیباچهٔ شرح نهج البلاغة گوید: برای اینکه عطاملك جوینی (۱) و دو پسر او ابومنصور محمد و ابوعباس علی را از بررسی کتابهای بی‌سود ادب؛ مانند تاریخ یمینی و مقامات حریری باز دارد، کتاب نهج البلاغة را گزارش نمود، و چون این شرح بسیار بزرگ شده، بدستور او آنرا کوتاه نموده است. این دو شرح هردو موجود است. و برخی شرح کلمات قصار ابن میثم (۲) را شرح سوم او شمرده و شرحهای اورا بلقب بزرگ و میانه و کوچك خوانده اند.

(۱) علاءالدین وزیر (م-۶۸۰).

(۲) ص ۱۳۸ س ۴ ا این مجلد دیده شود.

شرح بزرك ابن میثم در (۶۷۷) نگاشته شد، و «مصباح السالکین» نام دارد و در (۱۲۷۶) در تهران چاپ شد. این گزارش دارای یک سر آغاز بزرك در (۳۳۸۰ بیت) در سه قاعده میباشد.

در کشف الحجب (ص ۴۹۶) گوید علامهٔ حلی آنرا کوتاه کرده است. و برخی انوار الفصاحه (۱) و شرح فارسی آملی رانیز کوتاه شدهٔ این کتاب دانسته‌اند.

شرح کوچك ابن میثم که خود آنرا از شرح بزرگ بیرون آورده و اکنون جای گفتگوی ما میباشد از خود نهج البلاغة نیز اندکی کمتر است. برخی این شرح را شرح متوسط خوانده و شرح کلمات قصار ابن میثم را شرح کوچك نامیده‌اند در این گزارش سر آغاز شرح بزرگ را نیاورده، و پس از یك صفحه دیباچه که در آن انگیزه نگارش دو شرح را یاد کرده بگزارش متن نهج البلاغه پرداخته، و آنرا بسال (۶۸۱) بپایان رسانیده است.

آغاز: سبحان من حسرت ابصار البصائر عن ... اما بعد فلما کان من تمام نعم الله علی و کمال احسانه الی، اتصالی بخدمة حضرة ...

انجام: وهذا اختیار مصباح السالکین لنهج البلاغة من کلام ... و فرغ من اختصاره اضعف ... شوال سنة احدی و ثمانین و ستمایة.

[۳۵]

۲۲۶ نسخه بخط نسخ سدهٔ هشتم پانهم سه برك از آغاز و سه برك از پایان افتاده و بخط تازه نوشته شده. تاریخ و نام نویسنده ندارد. در برخی برگها مانند (۱۸۷ و ۱۹۰) حاشیه‌هائی باخط تازه دیده میشود عنوانها با شنگرف است.

(۳۶۱ برك) و دو برك جلید در آغاز و انجام. کاغذ نخودی رنك

اندازه: ۱۷×۲۴٫۱۲×هر ۱۸ : ۲۱ سطر.

[۳۶] شرح نهج البلاغه (فارسی)

یکی از شرح کنندگان نهج البلاغة عزالدین آملی پسر جعفر پسر شمس الدین آملی است. گزارش زندگی او در هفت اقلیم دنبال واژهٔ آمل. و در مستدرك الوسایل حاجی نوری (ج ۲-ص ۵۱۴) و ذریعه (ج ۴-۲۱۳ و ج ۷-۲۰) آمده است. وی همدرس محقق کرکی (م-۹۴۰) و قطیفی بوده و هر سه شاگرد علی بن هلال جزائری بوده و نزد وی درس خوانده‌اند. او کتابی نیز بنام «حسینیه»

«۱» ص ۴ تا ۶ این مجلد و فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۵۷-۵۸ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و کتاب دیگر بنام «اللمعة» داشته‌است. وی در آغاز کتاب آنرا ترجمهٔ نهج‌البلاغة خوانده‌ولی تاریخ‌نگاران وهمچنین نویسندهٔ نسخهٔ این کتابخانه در برگ (۲۲۲) آنرا شرح نهج‌خوانده‌اند، وصاحب فهرست سپهسالار (ج۲ص۵۷-۵۸) آنرا ترجمهٔ کوتاهی ازشرح بزرگ ابن‌میثم(۱) دانسته است. وآنچه مسلم است سرآغاز این کتاب باسرآغاز شرح ابن‌میثم همانندی دارد و گاهی از ابن‌میثم نقل‌میکند. ازاین شرح فقط یک‌جلد دراین کتابخانه هست که بشرح خطبهٔ (۹۶) (والله لایزالون حتی...) پایان یافته، واین برابر است باپایان جلد دوم شرح بزرگ ابن میثم، یعنی کمتر ازنیمهٔ نخست نهج‌البلاغة را دربردارد. نگارنده در ۲۹ ذیقعده سال۹۴۴، این‌جلد را بپایان رسانیده، ودانسته نیست که آیا درهمین‌جا مانده‌ویا کتابرا بپایان رسانیده است. این‌جلد نزدیک (۱۶۰۰۰بیت) نوشته است.

درسرآغاز کتاب(برگ۲۳) گور(سیدمرتضی وبرادرش سیدرضی)رادر کربلا دانسته ولی امروز بشهر کاظمین گنبد و بارگاهی بنام‌ایشان دیده میشود. درديباچهٔ کتاب آنرا باقاحسن وکیل‌السلطنه دارالمرزمازندران پیشکش نموده، این‌مرد درزریعه (۲۰۷) تاج‌الدین‌حسن‌خوانده‌شده،ودرفهرست سپهسالار اورا وکیل آقامحمد دانسته‌است.

آغاز، راجینك‌الاعانة یاکریم عز... اما بعد این کتابیست مشتمل برلطایف فواید... درترجمهٔ نهج‌البلاغة که دردریای مظهرعجایب ...

انجام جلداول: وقداتفق‌الفراغ من کتبه ظهیرة یوم‌الاثنین‌تاسع‌العشرالثالث من‌الشهرالحادی‌عشرفی‌شهورالسنةالرابعةالکائنةفی‌العشرالخامس‌الواقع‌فی‌المائة العاشرةالداخلة فی...علی‌ید مترجمه‌العبدالفقیرالحقیرالراجی عبدالموالی‌عزالدین ابن‌جعفر بن‌شمس‌الدین‌الاملی بدل‌الله‌سیآتهم ... وواهب‌العطیات.

[۳۶]

۱۷۵ خط شرح نستعلیق وخط متن نسخ‌است. نویسنده حسین بن اسماعیل مازندانی، آنرا در رمضان ۱۰۳۵ نوشته. عنوانها باشنگرف. در رویهٔ یکم آغاز دیباچه و رویهٔ(برگ۲۳)آغاز کتاب «بسمله»را بخط درشت بامرکب سیاه نوشته. روی‌متن که بخط نسخ ودرشت است‌خطی شنگرفی کشیده.

(۳۲۲برگ کاغذ نوعی ترمه. جلدتیماج‌مشکی‌عنوانی زرکوب‌گهنه. اندازه: ۱۹ - ۲۶و ۸٫۹×۱۸٫۲؛ ۲۰سطر.

(۱) رویه ۱۵۱-۱۵۰ این مجلد دیده شود.

[۳۷] شمایل خاقان (فارسی)

یکی‌ازنگارشهای میرزا ابوالقاسم‌قایمقام‌دوم‌است. وی‌پسرمیرزاعیسی‌دوم معروف بمیرزابزرگ وقایمقام‌یکم‌است، اوپسرمحمدحسن پسرمیرزاعیسی یکم میباشد. خانوادهٔ ایشان ازفراهان بوده‌اند. عیسی یکم پدرمحمد حسین وفاوزیر کریم‌خان زند بوده، میرزا بزرگ درشیراز بزاده وزیر سایه عموی خود(وفا) پرورش‌یافته‌وبدربارزندراه‌یافت. وپس‌ازبرچیده‌شدن‌آن دستگاه، بدربارقاجار درتهران گرائید، وچون عباس‌میرزانائب‌السلطنه گردید میرزابزرگ نیزقایمقام صدراعظم‌خوانده شد، وباعباس میرزا بآذربایجان رهسپار گردید. وپس‌ازمرك او بسال(۱۲۳۸)لقب‌قایمقام وسیدالوزراء بپسروی‌ابوالقاسم‌رسید. وی که‌نزدیك سال(۱۱۹۳) بزاده‌پس‌ازمرگ پدربوزارت عباس‌میرزا رسید. ودرجنك قفقاز وشکست‌درآنجا وآشتی، شریك بود. وپس از مرگ عباس میرزا (در۱۲۴۹) بتهران آمد، وپس‌ازمرگ‌فتحعلی‌شاه(در۱۲۵۰)قایمقام‌پادشاهی‌را برای‌محمدشاه پسرعباس‌میرزا استوارساخت(۱) وپسران فتحعلیشاه رامحروم کرد، ولی‌باهمهٔ این خوشخدمتیها درهمان‌سال‌اول‌پادشاهی، محمدشاه که اززرنگی‌قایمقام‌بیمناك شده بود در۲۹صفرسال۱۲۵۱ اورادر کاخ‌باغ‌نگارستان خفه کرد، وگوراورا نیزنابدیدساخت، وخانه‌اش‌راتاراج‌ودارائیش بگرفت. قایمقام‌درنثرنویسی‌فارسی زبردست بوده وشعر نیز گاهی‌میگفته وتنالی تخلص‌میکرده ودرنثر ونظم‌تازی نیز دست داشته است. نگارشها ومنشآت قایمقام درتاراج خانه‌اش از میان رفته است، واندکی ازآنها رافرهاد میرزا پسرعباس میرزا بپاس خدمتها که بپدرش کرده بود در دفتری گردآوری کرده وبنام «منشآت قائمقام» درتهران بسال (۱۲۸۰ق=۱۸۶۳م)در(نزدیك۱۶هزاربیت نوشته) چاپ کرد ودیوان شعراورا نیز بدنبال‌آن نهاد ومیرزا محمودخان ملك‌الشعراء نوادهٔ فتحعلی‌خان صبا برای آن دیباچهٔ‌نوشته وسپس بسال (۱۲۹۴) درتبریز ازروی چاپ یکم‌آنرا دوباره چاپ‌وپخش کرده اند.

(۱) البته تزاروس هم بی‌میل نبود که پادشاهی ایران دردست فرزندان کسی باشد که بدست لشکراو شکست‌خورده بود،واین معنی ازقرارداد‌تر کمانچای بدرستی آشکار میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست این دفتر درچاپ یکم : تهران ۱۲۸۰ ق چنین است :

- نامه ها که بکسان نگاشته . ص ۱ تا ۲۲۶.
- کتابچه درعروض وخرده گیری ازمیرزاآقاسی .ص ۲۲۷.
- دیباچهٔ برای «جهادیهٔ بزرگ» ازمیرزا بزرگ قایمقام یکم .ص۲۴۷.
- دیباچه برای «مفتاح‌النبوه» ملارضا همدانی . ص ۲۸۱ .
- دیباچه برای «جهادیه کوچك» ازپدرش میرزا بزرك . ص۲۹۱.
- دیباچه برای «اثبات‌النبوه» ازهمو . ص ۲۹۹.
- کتابچهٔ «شکوائیه» بزبان تازی . ص۳۲۶ .
- شمایل‌خاقان. ص۳۷۸تا۴۵۰ .
- نامه‌ها . پیامها . فرمانها.ص۴۵۶. وبدنبال آنها دیوان شعرا وبا صفحه شمار دیگر نهاده شده‌است . دیوان‌شعراوتا کنون‌سه‌بار چاپ شده که آخرین آنهاچاپ ارمغان است که‌نزدیک(۲۰۰۰) شعردارد.وبسال (۱۲۹۸ش)چاپ‌شده ودرآغاز آن گزارش زندگی قایمقام رایکی ازنوادگانش بنام عبدالوهاب قایمقامی گرد آوری کرده چاپ نموده‌اند . دست‌چینی از منشآت قایمقام نیز یکبار با منشآت میرزا مهدی وزیر نادرشاه ، و صاحب دیوان علی‌آبادی ، و فاضل گروسی ، ومعتمدالدوله نشاط، بنام«مخزن‌الانشاء» بسال(۱۲۷۳ق)چاپ شده‌است. یکی از مثنویهای اوجلایر نامه است که ایرج‌میرزا درعارفنامهٔ خود دربارهٔ آن گوید :

جلایر نامهٔ قایمقام است که‌سرمشق‌من‌اندراین کلام است

قایمقام از پیشآهنگان بازگشت ادبی‌است . اومیخواست شعررا بسبك خراسانی برگرداند و نثر را ازپیچیده گوئی برهاند .

یکی ازنگارشهای قایمقام‌دوم «شمایل‌خاقان» است که جای گفتگوی‌ماست . این کتابچه نیز مانند دیگر نوشته‌های او نمایندهٔ چاپلوسی اشراف‌منشانه وستایش گوئیهای درباریان است. دربارهٔ انگیزهٔ نگارش‌آن گوید امروز مردم دودسته شده‌اند یکی کسانیکه با دربار نزدیك هستند ودیگر توده مردمند که از فیض حضور ذات‌اقدس محروم‌اند، وشاه ازراه‌لطف بمردم، نخواست‌ایشان ازشنیدن صفات پسندیده واخلاق‌ملوکانه محروم‌باشند.پس دستورداد کتابی درشناساندن شاه نگاشته شود واوصاف واخلاق پسندیده ذات مبارك درآن گردآید ، ومرا

مأمور گردآوری آن‌نمود. سپس فهرست کتاب راآورده ،ودرآن یك دیباچه وسه‌در(باب)نهاده، دریکم دارای سه‌جلوه است، دردوم چهارنمایش دارد، ودر سوم هفت نمایشگاه دارد.

ولیکن جزتاجلوه دوم ازباب اول این کتاب از خامهٔ وی بیرون نیامده است، ودیباچهٔ آن دردو جای دفتر«منشآت قائمقام» چاپ‌شده: ص۱۱۶ وص۳۷۸ ودرجای دوم ازدوباره آوردن پوزش خواسته است .

آغاز : سبحانك‌لااحصی... واجب‌عین کمال است ...

[۳۷]

۱۹۹ این نسخه‌دومین کتابچهٔ این‌دفترست، وازبرك(۲۰تا۵۱)راگرفته.خط نستعلیق زیبا. نام نویسنده درپایان این کتابچه نیست لیکن درپایان دفترنام خود را محمدعلی وتاریخ‌را ربیع دوم ۱۲۸۷ نوشته است . دیباچهٔ کتاب را ازبرك (۲۰تا۲۵) بچلیپا نوشته وجزآنرا راسته نوشته است .

این نسخه درست ازروی نسخهٔ چاپ یکم (تهران - ۱۲۸۰) نوشته شده تاآنجا که پوزش ازدوباره‌چاپ کردن دیباچه رانیز(دربرك۲۰) رونویس کرده است .

همهٔ دفتر (۷۸برك) این‌کتابچه (۴۰برك)کاغذ فرنگی آهارمهر . سفید . جلدکهنه بوده بوسیلهٔ کتابخانه بالیماج زردمتوالی آنراجلد کرده‌اند .

اندازه : ۱۲ × ۱۷ و۱۱ × ۱۶ س. م. تا۱۵ سطر .

[۳۸] صحیفهٔ شاهی (فارسی)

درانشاء ونامه‌نگاری‌فارسی.ازملاحسین کاشفی‌سبزواری(م۹۱۰)میباشد. وی مردی دانشمند وساده دل وسهل‌انگاربوده به‌بیشتر دانشها دست‌میازیدودر آن نامه مینگاشت . وخودرا درهمهٔ آنها سرآمد روزگار میپنداشت . کار او وعظ وسخنرانی (روضه‌خوانی) بوده ودردربار سلطان حسین بایقرا و میرعلی شیرنوائی راه‌داشت، فهرست‌نگارشهای اوچنین‌است؛ درتفسیر: جواهرالتفسیر، مواهب علیه، جامع‌الستین. دراخلاق. اخلاق محسنی، انوار سهیلی، لوایح‌القمر، روضة‌الشهداء ، لب‌لباب مثنوی وجزآن . درادبیات مخزن‌الانشاء، صحیفه‌شاهی، وجزآن. درطلسم‌وسحر:اسرارقاسمی، وجواهرالاسرار.

یکی‌ازنگارشهای ادبی‌او که جای گفتگوی‌ماست «صحیفهٔ شاهی» است وی مسائل انشاء ونامه‌نگاری رادراین کتاب بصورت جدول‌بندی نگاشته‌است، وچنانکه ازدیباچهٔ آن آشکارمیگردد کاشفی این کتاب رانخست (بسال ۹۰۷)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سلطان حسین بای‌قرا و میرعلی‌شیر نوائی نگاشته و «مخزن‌الانشاء» نامیده، و سپس آنرا بنام شاهزاده ابوالمحسن میرزا کوتاه کرده و کتابی دیگر با همان سبک وترتیب ساخته و بنام «صحیفهٔ شاهی» نامیده است.

نسخهٔ مخزن‌الانشاء در بریتش موزیوم(۱) و مجلس(۲) دیده میشود.

صحیفهٔ شاهی در لکهنو چاپ شده است و آغاز آن چنین است:

ای بنامت صحیفهٔ شاهی　　شده مشهور ماه تا ماهی

... اما بعد چون بتوفیق حضرت متمم‌الامور عمت ... کتاب مخزن‌الانشاء وقسم مجاوزات باتمام رسید ...

نسخه‌هائی نیز از آن در کتابخانه‌ها دیده میشود. در دیباچهٔ نسخهٔ این کتابخانه که جای گفتگوی ماست نام سلطان حسین و شاهزاده ابوالمحسن میرزا هردو هست.

فهرست مخزن‌الانشاء و صحیفهٔ شاهی چنین است:

عنوان: در آنچه دبیران را شاید. (یک صفحه).

صحیفهٔ یکم: خطابات که (۳۹/ کتاب) را گرفته ودوازده بخش دارد.

صحیفهٔ دوم: جوابات (۰۹/ کتاب) را گرفته.

صحیفهٔ سوم: آنچه در نامه نویسند (۴۵/ کتاب) وهشت بخش است.

خاتمه: ستایش و نیایش (۰۶/ کتاب) را گرفته است.

در کشف‌الظنون نام صحیفه شاهی را آورده واز کتابهای انشاء شمرده. واز نگارنده‌اش نام نبرده، ولی در عنوان مخزن‌الانشاء بدرستی آنرا شناسانیده است.

آغاز مخزن‌الانشاء:

حمد خداوندسرایم نخست　　تاشوداین‌نامه بنامش درست

ودردیباچهٔ آن نام کتاب یادشده. کاشفی نه تنها این کتابرا باندکی دگرگونگی دوبار نگاشته، بلکه «اخلاق محسنی» را نیز با نام دگر، دوباره نگاشته است (۳).

[۳۷]

۱۱۴ نسخه بخط نستعلیق. همه‌رو به‌ها جدول بندی‌شده. نام نویسنده وتاریخ از پایان نسخه افتاده است. دارای سرلوح بسیار زیبا بازروشنگرف ولاژورد. عنوانها باشنگرف

(۱) فهرست ریوص ۵۲۸. نسخه دارای (۲۵۰ برگ).
(۲) بشمارهٔ (۱۱۱۵) خطی. نسخه دارای ۴۱۹ ص.
(۳) ذریعه ۱: ۳۷۸.

وبرخی بازرنوشته‌شده، ولی بیشتر آنها غلط‌وجابجا گذارده شده. شگفت است که نسخهٔ شمارهٔ (۱۱۱۵) کتابخانهٔ مجلس نیز نامرتب است.

(۲۰۱ ورق) کاغذ ترمه اصفهانی جلد تیماج حنائی یک‌لاکهه حاشیه مشکی
اندازه: هر ۳۰×۳۰ و ۱۴×۰ر۱۸ تا ۲۳ تا ۲۶ سطر

[۳۹] صحیفة المحبة یا چهل کلمه (فارسی)

چهل کلمه کوتاه از زبان پیغمبر(ص) درستایش پسرعمویش علی(ع) است چنانکه نگارنده درسر آغاز گوید: آنهارا از کتابهای حدیث مانند «السبعین فی فضایل امیرالمؤمنین» نگارش علی دوم پسر میرسیدعلی همدانی گردآورده وهریک‌را بایک‌دوبیتی بفارسی گردانیده وسپس آنرا بسلطان احمدخان پیشکش نموده‌است. نام نگارنده وزمان وی شناخته نشد. گویا احمدخان همان خان احمد گیلانی باشد.

آغاز: حرفی که برزبان نیست وحدیثی که جزز جان نیست ...

انجام:

جن محاسب شود و کاتب انس　　شرح فضل علی نشاید داد

[۳۹]

۱۱۴ چهارمین کتابچه دفتریست که در (ص۱۱۶) معرفی گردیده. خط متن عربی نسخ. وترجمه بشعر فارسی نستعلیق. نام نویسنده محمدافضل پسر قیصر علی تفرشی درتاریخ جمعه جمادی دوم(۱۰۷۷) نوشته‌شده. از برگ(۱۶ تا ۲۱) دفترا گرفته است.

[۴۰] صد کلمه جامی (فارسی)

چنانکه در(ص۱۳۷) دیدیم یکی از بنامترین مجموعه‌های سخنان کوتاه علی(ع) صد کلمه‌ایست که بجامی نسبت داده شد. و بنام «مایة کلمة» نامبردار است. این کتابچه چندین بار بفارسی ودیگر زبانها بنظم ونثر ترجمه شده است. یکی از ترجمه های منظوم آن از حافظ عادل‌است که نسخهٔ آن در کتابخانه سپهسالار بشمارهٔ(۲۷۹۹) و(۳۰۴۹)(۱) هست. ترجمهٔ منظوم دیگر که جای گفتگوی ماست، سرایندهٔ آن شناخته نیست.

آغاز: صد کلمه از اسرار حکمت از لفظ گهربار در نثار امیرالمؤمنین ... شاه مردان شیریزدان ... لو کشف‌الغطاء ماازددت ...

انجام: قلب‌الاحمق وراء لسانه.

(۱) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۷۲ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرد احمق که درسخن گفتن دل خود تابع زبان دارد

[۴۰]

۱۹۴ نسخه پنجمین کتابچه ازدفتریست که در(ص۱۱۶)شناسانده شده . خط‌متن‌عربی نسخ وشعرفارسی نستعلیق،عنوانها باشنگرف است. ازبرگ(۲۲ـتا۲۳)دفتر را گرفته .

[۴۱] العقدالنفیس و نزهة الجلیس (عربی)

یا ـ الفرائد والفلائد

سخنان کوتاه و سودمند بزرگان در اخلاق و کشور داری و مثالها و پند و اندرزها. نگارش ابومنصورعبدالملک‌پسرمحمدپسراسماعیل‌ثعالبی(ز۳۵۰ـم۴۲۹) نیشابوری نگارندهٔ یتیمةالدهر وجز آن. گزارش زندگی وی دربیشتر کتابهای تاریخ ورجال وفهرستها آمده است. این کتابچه هشت‌باب‌دارد ، ودومصربسال (۱۳۲۷) در(۸۸ص) چاپ شده است .

[۴۱]

۱۳۵ نسخه بخط نسخ. بام نویسنده ابراهیم پسرتقی‌الدین. درتاریخ سه‌شنبه یکم ماه صفرسال هزارودونوشته شده. عنوانها باشنگرف .

(۳۵برگ)کاغذ ترمه لحدی. جلد نیمایی سرخ یک‌لا .
اندازه : ۱۱ × ۱۸و۷ × ۱۴؛ ۱۵سطر.

عیون‌الحکم‌والمواعظ‌وذخیرة‌المتعظ‌والواعظ

[۴۲] یا : العیون والمحاسن(۱) (عربی)

سخنان کوتاه علی(ع) بترتیب حروف درآن گردآوری شده است . وبشمار حروف‌عربی بیست ونه‌باب(۲) (بخش)دارد. وآغازهرباب فهرست آنرا باشمارهٔ سخنان آن یاد کرده، ودر دیباچهٔ گوید دراین کتاب (۱۳۶۲۸) شماره از سخنان کوتاه علی(ع) را درنود ویک‌فصل دربیست ونه‌باب آورده‌ام ویک‌باب(سی‌ام) نیز درسخنان گوناگون وپند واندرز وبدگوئی از دنیا برآن افزودم ، ولیکن

(۱) مجلسی دربحارج۱۷ص۱۳۶ج کمپانی « وذخیرةالمتعظ والواعظ» آورده ،گوید: من (درج۱ص۵و۱۳و۱۴) آنرا العیون والمحاسن نامیده‌ام. وصاحب کشف‌الحجب نیز نام دوم‌را براین کتاب نهاده .

(۲) پیشینیان(لا) راحرفی جداگانه میشمرده وحرفهارا (۲۹) میشمرده‌اند .

هیچ‌یك ازنسخه‌ها ؛ مانند دونسخهٔ‌سپهسالارشماره‌های (۱۷۸۵و۱۷۸۴) ونسخهٔ نگارندگان ناسخ‌التواریخ (۱) و وقایع‌الایام، و نسخهٔ کتابخانهٔ طوس (۲) (ش۶۸۲۱)باب سی‌ام راندارد، وگویا میخواسته آنرا بنگارد و نتوانسته است .

نگارندهٔ این کتاب شناخته نیست ، مجلسی‌دربحار (ج۱ص۵و۱۳و۱۴) نیز اورا نشناخته، ولی در(ج۱۷ص۱۳۶) این کتاب راهمان «العیون والمحاسن» دانسته ، وآنرا نگارش علی پسرمحمد پسر شاکر مؤدب لیثی واسطی شمرده ، گوید: درآن سخنان علی ودیگر امامان گرد آمده است . وسیدحسن صدر در تأسیس‌الشیعه (ص۴۲۰) چ۱۹۵۱م نیز از او پیروی کرده‌است . ولیکن عبدالله افندی‌درریاض‌العلماء در گزارش‌زندگی این‌مرد گوید : اوراست کتابی دراخبار فضایل خاندان پیغمبر که بسال(۴۵۷) پایان یافته. وسیداعجاز حسین در کشف‌الحجب‌نام کتاب علی‌پسرمحمدلیثی‌را «العیون‌والمحاسن» آورده نه‌عیون‌الحکم.

پس دانسته میشود که لیثی درسدهٔ پنجم بوده و کتابش‌العیون والمحاسن نام‌داشته ودراخبارفضایل بوده ، درصورتیکه جای گفتگوی ما کتابی است بنام عیون‌الحکم واز سدهٔ ششم نیز پائین‌تر نگاشته شده(۳) ودرآن سخنان کوتاه علی(ع)بتنهائی گردآمده است .

نگارندهٔ این کتاب «غررالحکم ودررالکلم» آمدی (۴) را با افزودن برخی‌جمله‌ها وسخنان کوتاه دراین کتاب گردآورده وترتیب آنرا نیزدگرگون نساخته تاآنجا که دیباچهٔ آن‌را نیزبا جابجا ساختن برخی واژه‌ها آورده‌است،

تاریخ نگارش‌این کتاب نیزبدرستی دانسته‌نیست، وشاید بابررسی بیشتر وبرابر کردن نسخهٔ آن‌با غررالحکم آمدی آشکار شود. درپایان نسخهٔ این کتابخانه‌زنجیرهٔ نسخه‌های آنرا چنین‌آورده است: این‌نسخه در(۱۲۷۹) ازروی

(۱) لسان‌الملك سپهر درپایان (ج۲ناسخ‌التواریخ) بیست ونه‌باب این کتاب را با ترجمهٔ فارسی آورده، وهیچگونه اشاره بنام کتاب نکرده ، و نگارندهٔ وقایع‌الایام چنین پنداشته که سپهر خود اینـ سخنان را گرد کرده ، ولی‌ابن‌یوسف در فهرست سپهسالار (ج۲ ـ۷۴و۱۴۶) باین پی‌برده وگوشزد ساخته است .

(۲) فهرست کتابخانه رضوی (طوس) ج۴ص۱۳۱ .

(۳) اگردیباچه کتاب‌ساختگی نباشد، ازآن‌آشکارمیگردد که پس ازابن‌جوزی (م-۵۹۷) وخوارزمی (م۵۶۸) نگاشته شده است .

(۴) در ص ۱۶۰ همین جلد شناسانده خواهد شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نسخهٔ نوشتهٔ(۸۶۷) و آن ازروی نسخهٔ نوشتهٔ(۷۰۹) و آن از روی نسخهٔ نوشتهٔ (۶۱۴) نویسانده شده‌است. اگراین زنجیره ساختگی نباشد میتوان پذیرفت که نگارش این کتاب در آغاز سدهٔ هفتم بوده‌است، وچون در دیباچهٔ آن از کتاب منثورالحکم ابن جوزی (م-۵۹۷) ومناقب‌خوارزمی(م۵۶۸) یاد کرده نمیتوان آنرا ازمیان دوتاریخ (۵۹۷ تا۶۱۴) بیرون داست.

آغاز: الحمدلله باری النسم وفالق... وبعدفان الذی حدانی علی جمع فوائدهذا... مابلقنی من افتخار ابی عثمان الجاحظ(۱) حین جمع المایة حکمة الشاردة عن الاسماع الجامعة انواع الانتفاع.. وسمیته بکتاب عیون الحکم و...

انجام: فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم.

[۴۲]

۹۶ نسخه بخط نسخ، بنام نویسنده محمدعلی پسرمحمد صادق درماه شوال (۱۲۷۹) نوشته‌شده، و چنین وانمود. که از روی نسخه‌ئی (بتاریخ ۸۶۷) وآن ازروی نسخه‌ئی (بتاریخ۷۰۹)وآن ازروی نسخه‌ئی که (بتاریخ۶۱۴)بوده رونویس‌شده‌است ونسخهٔ (۸۶۷) درحلب بخط ابواسحاق بن محمد نوشته بوده است.

عنوانها باشنگرف. رویه‌های دارای دوجدول است اززر. درروبه (۴۵۶) کتاب پایان پذیرفته وتا رویه(۴۵۹) زنجیرهٔ نسخه‌های این کتاب راآورده است. وپنج برگ سفید پس ازآن نهاده است.

(۲۴۱ر×ك) [۴۵۹]کاغذ قرمه قندی. جلد تیماج سوخ زرکوب منوالی.

اندازه ۱۳ر×۲۲و۷×۱۴: ۱۳سطر.

[۴۳] غررالحکم ودررالکلم (عربی)

سخنان کوتاه علی(ع) درآن گردآوری شده است. نگارنده ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحدپسرمحمدپسر(۲) محفوظ‌بن‌عبدالواحدپسرمحمدبن‌عبدالواحد تمیمی آمدی(۳) است. درروضات (ج یکم-ص۴۷۴) او را همزمان سید رضی (م-۴۰۶) ومرتضی (م۴۳۶) وشیخ طوسی (م۴۶۰) شمرده، واز این‌شهر آشوب

(۱) نسخهٔ این کتابخانه: حافظ.

(۲) حاجی نوری درمستدرك ج۳ص۴۷۱ برروی واژهٔ ابن که بجای «پسر» میباشد. نشانهٔ: ز، نهاده وگویا وی این واژه رازیاد داسته و «محفوظ» راصفت پدرآمدی دانسته نه نام نیای او.

(۳) آمدشهریست میان دجله وفرات ازدیار بکر. (معجم‌البلدان).

درآغاز کتاب مناقب و «معالم‌العلماء» نقل نموده: که وی اجازهٔ روایت این کتاب را ازنگارنده‌اش گرفته، وهم گفته‌است که دانشمندان‌شیعه ازوی روایت نمی کرده اند. صاحب معجم‌المطبوعات مرگ‌اورا‌بسال (۵۱۰) آورده است.

این شهرآشوب برای بزرگ داشتن آمدی اورا بلقب سیدخوانده است وچون این واژه درایران پس از صفویان معنی «نوادهٔ امام» بخود گرفته است، حاجی نوری که آمدی‌را ازایشان نمی‌دانسته ازاین لقب درشگفت مانده است.

این کتاب نزدیك (۴۰۰۰ بیت‌نوشته) داردوبیست وته‌باب بترتیب‌حروف الفباء عربی‌دارد. وبخش هرحرف‌را بچندفصل‌تقسیم کرده؛ ودرهر فصل‌سخنانی که آغازشان واژهٔ مخصوصی است گرد آورده، چنانکه: درباب حرف الف فصلی برای سخنانی که‌آغازشان واژهٔ (ان) وفصلی برای سخنانی که آغازشان واژه (ایاك) و(آفة)(۱) وهمچنین... آورده است.

چنانکه در(ص۱۳۹) گفتم؛ عبدالکریم‌قزوینی همزمان شاه سلطان‌حسین‌صفوی کلمه‌های این کتاب‌را بترتیب‌موضوعها درنود وته باب مرتب‌ساخته، وباردیگر همو آنرا بفارسی ترجمه کرده‌و«اصداف‌الدرر»نامیده است.و آقاجمال‌خوانساری نیز گزارشی بفارسی برغررالحکم نگاشته است. ونسخهٔ‌هرسه کتاب در کتابخانه سپهسالارهست. ومیرزامحسن حالی‌خوشنویس اردبیلی‌نیزبخشی ازآنرا ترجمه ودرشیراز بسال (۱۳۴۴ق) چاپ کرد.

این کتاب در بمبئی بسال ۱۲۸۰ چاپ شده وحرف الف آن درمصر بسال ۱۹۱۲م = ۱۳۳۱ نیز چاپ شده است.

[۴۴]

بخط نسخ کهنه، نزدیك‌سدهٔ هشتم نوشته‌شده. پس از برگ (۱۳۶) افتاده، ونزدیك سدهٔ دوازدهم کسی آنرا ازاو نوشته وپایان داده‌است. پیش‌ازآغاز نسخه (۱۵ برگ) باهمان کاغذ کهنه هست. ودرآن باخطی کهن دعاهای شبهای ماه رمضان‌را تاشب۲۳ نوشته‌اند.

عنوانها باشنگرف. برخی واژه‌ها اعراب زبر وزیرگذاری شده. تصحیح شده وافتاده‌ها را در کناره‌نوشته‌اند. در (برگ۱۵) پیش ازنسخه تملك (محمدبن محمدبن

(۱) برای برخی واژه ها دو فصل جدا دیده میشود، مثلا برای (آفة) دوفصل ساخته‌شده که کلمات هردوبا اندکی دگرگونگی‌یکی‌میباشد. برك ۲۳و۵۴ نسخهٔ ۹۵ این کتابخانه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حسن الحسینی الشهیر بالعیناثی العاملی،...) دیده‌میشود، و بالای آن شعری از احمدبن عبدالله ابن‌النوح رحمه‌الله هست. و در روبهٔ مقابل آن اجازه‌ای بوده است که در اثر چسبندگی برگها نابودشده است.

(۱۴۸برگ) کاغذ بخش کهنه سمرقندی لحدی و بخش نوفرنگی سفیداست. جلدتیماج سرخ متوالی اندازه ۱۵ × ۲۴ و ۱۱ × ۱۹ سانتی‌متر.

[۴۴] غررالفوائد و درر القلائد(۱) (عربی)

این کتاب سخنرانی و گفتارهائی است در تفسیر آیه‌ها نه بترتیب قرآن بلکه جداجدا و جابجا، که آنها را مانند درس برای شاگردان درهشتاد مجلس گفته واز این روی آنرا «امالی»(۲) نیز نامند. این گفتارها بیشتر جنبهٔ ادبی دارد یعنی بایرادها و اشکالهای ادبی که در قرآن دیده‌شود، وبادشمنان اسلام بدید آورند، پاسخ گفته است، و کمتر جنبهٔ خبری دارد یعنی از حدیثهائیکه بعدها در کتابهای تفسیر شیعه دیده میشود در آن کمتر یافت میگردد. ترتیب کتاب بریاب وفصل نیست بلکه هر بخش را که در یک نشست میگفته مجلس نامیده است ودر آن از فنون ادب عربی مانند صرف، نحو، لغت، لغز، شعر، مثل، وجز آن گرد آورده و کتابچهٔ «پاسخ پرسشهای سلاری» را نیز جزو این کتاب شمرده‌اند. ابن‌خلکان(۳) این کتاب را ستوده و آنرا نشان دانش وهنر نگارنده‌اش دانسته است.

نگارنده ابوالقاسم علی پسر حسین پسر موسی پسر محمد پسر ابراهیم پسر موسی الکاظم(ع) است که بشریف مرتضی وعلم‌الهدی نام‌بردار است. وی در(۳۵۵) زاده ودر یکشنبه (۲۵-ع ۱-۴۳۶) در گذشت او برادر شریف‌رضی بوده و پس از مرگ برادرش در(۴۰۶) سرور خاندان طالبیان در بغداد گردید واز این راه دارائی فراوان میداشت. درخانهٔ او گشاده وسفره‌اش بروش سران ایلات گسترده می‌بود صاحب‌ریاض‌العلماء گوید وی هشتاد دیه را میان بغداد و کربلا مالك بود وصفدی در «وافی بالوفیات» درآمد سالانهٔ اورا بیست وچهارهزار دینارزرد دانسته

(۱) در نسخهٔ کهن این کتابها چنین است ولی در روضات «غررالفرایدودررالقلاید» خوانده شده است.

(۲) درسها که استادان برای شاگردان میگفته اند، اگر بدست استاد نوشته میشد «امالی» که جمع املاء ودیکته است، خوانده میشد، واگر آنها را شاگردان گرد آورده مینوشتند «تقریرات» خوانده میشد، که جمع تقریر وبمعنی باز گفتن میباشد. وهم اکنون کتابهای بسیارهست که یکی از این دو نام را دارد. الذریعهٔ ج۲ص ۳۰۵ وج۴ص۳۶۶ دیده شود.

(۳) وفیات‌الاعیان ج۱۹۴۸ ج۳ ص۳.

وچون در خاندان دانش وفرهنگ زاده بود از دانشهای ادبی ودینی نیز بهره فراوان داشت، دانشمندان شیعه مانند شیخ‌طوسی (م-۴۶۰) وجز او از وی روایت کنند واو نیز از دانشمندانی مانند شیخ مفید (م-۴۱۳) روایت کند. کتابخانهٔ داشت که شمارهٔ کتابهایش را تاهشتاد هزار بلکه صدوچهل هزار نوشته‌اند. وی دارای ذوق‌هنری نیز بوده است؛ گویند از هرچه خوش میداشت شماره‌های گوناگون آنرا تاهشتاد شماره گرد میآورد و کتابی بنام «ثمانین = هشتاد» نگاشته(۱) واز این‌روی اورا (هشتادی = ذوالثمانین) لقب داده بودند. وی در نظم ونثر تازی سرآمد روزگار خود میبوده کتابها در دانشهای روزگار خود نگاشته که فهرست آنها در کتابهای تاریخ وزندگی گزاریها یاد شده است. خودخواهی اشرافیت در گزارش زندگانیش دیده میشود؛ وقتی در حضور فیلسوفی چون ابوالعلاء معری بمتنبی بدگوئی نموده، ابوالعلاء مؤدبانه ویا کنایت بوی گوشزد کرده که چنان نیست، وی دستورداده ابوالعلاء را از مجلس براندند.

او در بارهٔ مذهب شیعه متعصب بوده و کتابها در استدلال برای این مذهب نگاشته ومجلسها بحث و گفتگو گذرانیده ولی هنگامی که دولت وقت یك‌ملیون درم برای رسمیت‌دادن بمذهب شیعه ازاو خواست، وی نیم آنرا از مردم شیعه که بینوا بودند بخواست و خود نیم دیگر را بگردن گرفت، وچون مردم توانائی نداشتند این کار انجام نیافت، ونگارندهٔ «حدائق‌المقربین» مال خواسته شده را صدهزار درم نوشته که دربرابر درآمد او ناچیز است. او با اینکه از برادرش شریف‌رضی بزرگتر بودسی سال پس ازوی زندگی کرد و پس از برادر سرپرستی(۲) خاندان طالبی باو رسید، وریاست و کارهای طالبیان از طرف دولت بدو سپرده شد ولی پس ازمدتی ازاین کار کناره گرفت، ودر(۴۳۶) در گذشت. تن اورا درخانه‌اش امانت گذاردند وسپس بکربلا برده نزدیك قبرحسین بن‌علی(ع) بخاك سپردند. ولی بعدها در کاظمین گنبدی بنام او برپا شده واکنون برجا میباشد.

برخی از تاریخ نویسان مانند ابن‌خلکان در اینکه آیا نگارندهٔ نهج‌البلاغة او است یا برادرش، اختلاف نموده‌اند ونیز حسن پسر سلیمان شاگرد شهید آنرا

(۱) شاید کتاب الثمانین همین «غرر» باشد که در ۸۰ مجلس میباشد.

(۲) در آن روزگار کسانی که خودرا از فرزندان پیغمبر و علی(ع) می‌شمردند واز این راه خودرا تابع برخی قانونها ومقررات ویژه میشمردند بسیارشده بودند، ودرهر شهر برای رسیدگی بکارهای ایشان سرپرستی بنام (نقیب‌الطالبیین) منصوب میگردید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارش شریف مرتضی دانسته نه برادرش شریف رضی، ولی این گمان درست نیست. دیگر از آثار او دیوان وی میباشد که آرادارای (۲۰۰۰۰ بیت) نوشته‌اند وبنام ترین آثاروی همین کتاب «غرر» است که جای گفتگوی مسااست. شریف مرتضی خودبراین کتاب «تکمله» ودنباله نگاشته است. صاحب روضات گوید من نسخهٔ آنراندیده‌ام. وشایداین دنبالهٔ همان «مسایل سلاریه» باشد: که در چاپ (۱۲۷۲) باآن دریکجا چاپ شده است.

نسخه‌های این کتاب: الف: نسخهٔ محمد بدرالدین نعسانی چاپ (مصر ۱۹۰۷ م) وی کتابرا بچهاربخش نموده؛

بخش یکم بمجلس یکم در تأویل آیهٔ: «واذا اردنا ان نهلك قریة امرنا» آغاز شده، وبمجلس ۲۲ تأویل «سأصرف عن آیاتی الذین یتکبرون» پایان یافته.

بخش دوم. باتأویل یك خبر وشمس بمجلس ۲۳ آغاز، وبمجلس ٤۰ تأویل آیهٔ «یا ایهاالذین آمنوا استجیبوا» پایان یافته.

بخش سوم بمجلس ٤۱ تأویل «فاین تذهبون. ان هوالا...» آغاز، وبمجلس ٥٦ تأویل «واسأل من ارسلنا من قبلك» پایان یافته.

بخش چهارم بتأویل خبر «کل مولود یولدعلی الفطرة» آغاز وبمجلس ۸۰ تأویل آیهٔ وهدینا النجدین پایان یافته است.

ب: نسخهٔ فرهاد میرزا (چ تهران-۱۲۷۲ق) باهمین ترتیب همه‌را دریك جلد گردآورده، ودر آغاز مجلس (۳٤) تأویل آیهٔ «لاتثریب علیکم الیوم یغفرالله لکم» در کنار صفحه چنین چاپ شده است: «تم الجزء الاول من الغرر والدرر ویتلوه الجزء الثانی» ودر پایان کتاب نسخه «مسایل سلاریه» را در (٥۰ ص) چاپ کرده‌اند.

ج - نسخهٔ این کتابخانه درپایان مجلس ۳۳ بخش یکم پایان یافته، ودرپایان مجلس ٤٦ بخش دوم پایان یافته، و پایان دیگر بخشها افتاده است. این نسخه ناسازگاریها دیگری نیز با نسخه های چاپی دارد. مانند اینکه مجلس یکم ودوم راجای یکدیگر نهاده ودرپایان مجلس ٤٦ نزدیك ٥۰ سطر کمتر از نسخه‌های چاپی دارد.

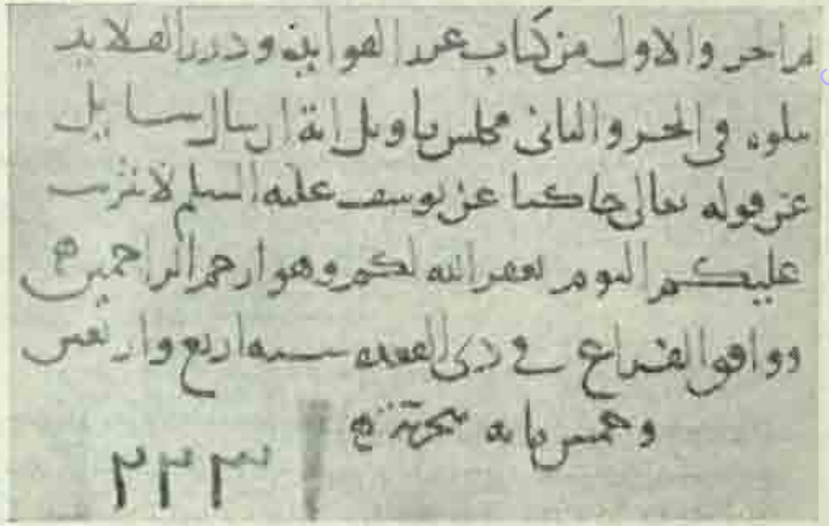
[٤٤]

۲۲۳ نسخه بخط نسخ سدهٔ ششم. نام نویسنده ندارد. تاریخ آن درپایان بخش یکم (برك ۳٦ الف) وپایان بخش دوم (برك ۸۰- الف) ذی‌قعده ٥٤٤ نوشته شده‌است. نسخه تصحیح شده وافتادگیها در کناره نوشته شده. شعرها درمیان سطروعنوانها را باخامهٔ درشت نوشته است. حاشیه‌ها بارمز (ه) وجز آن دارد. «صفحه شمار داشته و نه پابرگی» فروشندهٔ نسخه برای پوشایدن افتادگیهای آن پابرگی دروغین برایش نهاده است.

مجلس یکم ودوم این نسخه جابجا است ودربرخی جاهای دگرنیز بانسخه‌های چاپی ناسازگار است.

این نسخه سه‌بخش ازچهاربخش کتابرا دارد، ودرچند جای آن نیز افتادگی هست.

فهرست مجلسهای آن چنین است:



(۱۵) برك (۳٦ الف) نسخه ۲۲۳ غرر ودرر چندمرتضی

مجلسهای ۱ تا ۸ (برگ ۱ تا ۳۰) را گرفته. ودراینجا مجلسهای ۹ تا ۲٥ افتاده است، ودر (برگهای ۳۱ تا ۳٥) مجلسهای ۲٦ و ۲۷ و ۲۸ دیده میشود ودراینجا نیز مجلسهای ۲۹ تا ۳۳ افتاده است. ودربرگ (۳٦- الف) پایان مجلس ۳۳ که پایان بخش اول کتاب است دیده میشود (و کلیشه آن نیز در بالادیده میشود). در برگ (۳٦ ب) بخش دوم کتاب بمجلس ۳٤ تأویل «لاتثریب علیکم الیوم» آغاز میشود، وتا برك (۸۰- الف) مجلس‌های بخش دوم درست هست وبمجلس ٤٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تأویل «واذا سألك عبادی عنی فانی قریب» پایان یافته است در اینجا برگ (۸۰ - الف) نو نویسی است و تاریخ آن ساختگی میباشد. آغاز بخش سوم که آغاز مجلس ٤٧ تأویل «هوالذی انزل من السماء ماء لکم منه...» میباشد افتاده، ودر برگ (۸۱-الف) از میان مجلس ٤٧ بجامانده و از اینجا تا برگ (۱۱۷ب) که پایان نسخهٔ این کتابخانه میباشد مجلسها درست است، ودر این برگ آغاز مجلس ٦٠ تأویل «ولاتقولن لشئی انی فاعل ذلك غداً» دیده میشود و باقی آن تا پایان کتاب که ۸۰ مجلس میباشد افتاده است.

(۱۱۷) برگ کاغذ نخدی جلد مشکی کهنه و نیازمند صحافی است. اندازه: ۱۶٫۵ × ۲۱ و ۱۳ × ۱۶٫۵؛ ۲۴ سطر

[٤٥]

فرهاد و شیرین (فارسی)

چنانکه در (ص٤٨) گفتیم ریشهٔ این داستان از متون پهلوی ساسانی گرفته شد و پهلوان آن خسرو پرویز ساسانی (۵۹۰-۶۲۸م) و شیرین دختر ارمنی میباشد که معشوقهٔ وی بود و سپس همسر او شد، و فرهاد یکی از سران سپاه و رقیب خسرو میباشد. کسان بسیار این داستان را بشعر سروده‌اند، که برخی از ایشان را در (ص٤٢-٤٦) یاد کردیم. یکی از آنها که جای گفتگوی ماست از وحشی بافقی است که وصال شیرازی آنرا بپایان رسانیده است.

وحشی چنانکه یاسمی گوید در (۹۵۳) نزدیك ۲۵ سال داشته و بگفتهٔ اوحدی در «عرفات العاشقین» بسال (۹۹۱) برابر (بلبل گلزار معنی بسته لب) در یزد در گذشته است. گور او ناپدید بود و در سال (۱۳۲۸ق) یافت شد و نزدیك ساختمان تلگرافخانهٔ یزد پهلوی فرمانداری چهارطاقی بر آن ساخته شد. نیاکان وحشی کرمانی و خود او یزدی بوده و سفری بهند رفته، در صبح گلشن برادر وحشی را با تخلص مرادی یاد کرده است. شعر او بسبك صفوی است که بسبك هندی می گراید، و بیشتر در ستایش شاه تهماسب صفوی و میرمیران است. او فرهاد و شیرین را در برابر خسرو و شیرین نظامی سروده و «ناظر و منظور» را در برابر «لیلی و مجنون» و «خلد برین» را در برابر «مخزن الاسرار». و فرهاد و شیرین را بسال (۹۶۶) آغاز کرد و نتوانست آنرا بپایان رساند بلکه فقط تا داستان دیدن فرهاد شیرین را در کوه بی‌ستون، در هزار بیت سروده و بدین بیت پایان داده است:

اگر چه صد نواخیزد ازین چنگ
چو نیکو بنگری باشد یك آهنگ

سپس وصال شیرازی دنبال آنرا از داستان دستور دادن شیرین بفرهاد برای کندن کوه، بدین بیت آغاز کرده:

هزاران پرده بر قانون عشق است
بهر یک نغمهٔ زافسون عشق است

و بدین بیت پایان داده است:

من و فرهاد و صد همچون من و او
زشه با حال خوش با فال نیکو

پایان دهنده میرزا محمد شفیع پسر محمد اسماعیل پسر محمد شفیع پسر میرزا اسماعیل، بلقب میرزا کوچك (۱) نامبردار و از هنرمندان دورهٔ فتحعلی شاه قاجار بشمار بوده است. وی در آغاز کار مهجور تخلص میکرد و سپس بدستور استاد و پیرخود میرزای سکوت وصال تخلص گرفت، و در پایان برخی قرآنها که بخط زیبای خودنوشته، خود را «کاتب آلهی» خوانده است. نگارشها که از وصال بجامانده چنین است: ۱) بزم وصال مثنوی در (۷۰۰۰ بیت) ۲) دنبالهٔ فرهاد و شیرین وحشی. چای گفتگو، ۳) ترجمه و شرح اطواق الذهب زمخشری چاپ شده، ٤) دیوان وصال نزدیك (۳۰۰۰۰ بیت) ۵) سفینه در گزارش حدیثهای قدسی (۲) ٦) صبح وصال مانند گلستان. وی دانشهای زمان خود را آموخته، در فلسفه و عرفان و ریاضی دست داشت، و در نقاشی و موزیك زبردست بود و هفت گونه خط: نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحانی، تعلیق، شکسته را پخته مینوشت، و کتابهای بسیار بخط خود نوشته و از این راه زندگی میگذرانید. بویژه در آغاز کار شهنگامی که زلزله شیراز (در ۱۲۳۹) خانه او را ویران ساخت مدتها از این راه بسختی زندگی نموده است. وی خطوشعر را در خاندان خود بارث گذارد و تا کنون بیشتر نوادگانش هنرمند میباشند. اگرچه وی در غزلسرائی

(۱) یکی از رسوم خانوادگی چنین بوده است که اگر کودك نوزاد را بنام نیای پائین او مینامیدند کودك را بلقب «کوچك» میخواندند، و اگر نام نیای بزرك (نیای پدرش) را باو میدادند، وی را بلقب «بزرك» میخواندند، و برای احترام، از آوردن نام نیای کودك خودداری میکردند.

(۲) حدیث قدسی را در (ج ۱ ص ۱۳۱) این فهرست ببینید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

استاد بوده‌ولی‌در چکامه سراتی‌ومثنوی‌نیزروش باز گشت‌بسبك کهن‌خراسانی‌را پیروی میکرده است ؛ و از این روی دنبالهٔ فرهاد وشیرین را اونیرومنه تراز وحشی‌سروده است ، اگرچه بخش وحشی‌دارای سوزو گداز بیشتر میباشد .

وصال دنبالهٔ فرهاد و شیرین را بدستور فرهاد میرزا پسر عباس میرزا وبسال (۱۲۵۸) چهارسال پیش ازمرگش سروده‌است ، ودر(۱۲۶۲) در شیرزا در گذشته و نزدپیرش‌سکوت بخاکش‌سپردند .

فرهاد وشیرین ازوحشی با دنبالهٔ آن از وصال یك بار بسال (۱۳۰۳ ق) درتهران‌یکجا چاپ شده واز (ص ۱ تا ۵۳) آن از آن وحشی واز آنجا تا پایان (ص۱۸۳) از آن‌وصال‌است . سپس کوهی کرمانی‌بسال(۱۳۰۶ش) بخش وحشی را تنها چاپ کرده، ودر سرآغاز آن گزارش زندگی او را بخامهٔ رشید یاسمی گذارده است .

[۴۵]

۱۶۹ این نسخهٔ فرهاد وشیرین فقط بخش وصال را دارد . بخط نستعلیق زیبای پسر وصال است که نام خود را محمد (۱) این وصال نوشته . و آنرا بدستور فرهاد میرزا در ۱۲۶۰ نوشته است هر رویهٔ از برگهای آن دوجدول دارد ؛ جدول برون بازروشنگرف و جدول درون بازروشنگرف و لاجورد وسبزی آراسته شده . رویه‌شمار ندارد ولی‌پای‌برگها نشان گذارده‌است .عنوانها همه باشنگرف‌است . دو رویه (۱ ب و ۲ ـ الف) زرافشانی شده یك‌سرلوح بسیارزیبا (برگ ۱ ب)باشنگرف‌ولاجورد وسبزی وزرناب دارد . در (برگ ۱ـالف) باخط همان نویسنده نوشته‌است: [فرهادوشیرین‌را وصال بسال(۱۲۵۸) برای فرهادمیرزا سروده‌است].

(۵۸ برگ) کاغذ خان‌بالغ نخودی ـ جلد تیماج سیر زرکوب مذهبی اندازه :
۱۴ × ۵ ر ۲۱ و ۸ × ۱۵ : ۱۲ سطر .

(۱) میرزامحمد داوری‌سومین پسر ازپسران‌ششگانهٔ وصال وازهنرمندان بنام‌شیراز است . دیوان او نزدیك (۱۵۰۰۰بیت) دارد . وی‌بسال(۱۲۸۳یا۱۲۸۴) درگذشت ودر شاه چراغ نزدیك پدرش و میرزای سکوت بخاك سپرده شد .

[۴۶] کشف‌الوجوه الغرلمعانی نظم‌الدر [عربی]

گزارشی است برچکامه بقافیهٔ«ا» از ابن‌فارش‌شاعرصوفی‌مصر (م ۵۳۲) که‌در(ص۹۲-۹۷) این‌فهرست یادا‌و گذشت . این چکامه (۷۶۰ بیت) شعردارد ونظم‌الدربانظم‌السلوك وتائیهٔ بزرگ نامبردار شده است . چکامهٔ‌تائی‌دیگری نیزبابن فارض نسبت دهند که تائیهٔ کوچك نام دارد .

این گزارش‌نزدیك (۶۶۰۰ بیت) نوشته دارد، وسرآغاز آن‌دیباچه‌میباشد دردوبخش که‌هر کدام پنج فصل دارد .

آغاز دیباچه : الحمدلله‌الذی فلق بقدرته صبح‌الوجود عن‌غسق العدم ... اما بعد فمماشاع بین‌الناس... وسمیتها کشف الوجوه الغرلمعانی نظم‌الدر ...

آغاز گزارش چکامه :

سقتنی حمیاالحب‌راحة مقلتی و کاسی‌مجیا من‌عن‌الحسن‌جلت

الحمیاسؤرة‌الشراب، والمحیاالوجه، وجل‌الشئی عظم ...

این کتاب یك‌باردرمصر بسال(۱۳۱۰ق) ویك‌باردر تهران بسال(۱۳۱۹ق) چاپ‌شده، ودرهردوآنرانگارش‌ملاعبدالرزاق کاشی(م۷۳۶)شناسانده‌اند. چاپ مصردر کنارهٔ‌شرح‌دیوان‌ابن‌فارض(۱)نهاده شده،وتصحیح کنندگان‌درپایان‌نسخه (ص۳۲۰) گفته‌اند: چون این‌چکامهٔ تائی در دیوان ابن‌فارض نبوده ، و گزارش آن دراین شرح نیست ؛ ما گزارش عبدالرزاق کاشی را براین چکامه در کنارهٔ صفحات چاپ کردیم ، وچون این‌چکامه تائی شرحهای کوچك و بزرگ بسیار داشت ، ما این گزارش را که میانه‌روتراز دیگران بود برگزیدیم .

ولی درست‌آنست که این کتاب نگارش عزالدین محمود پسرعلی کاشی نطنزی میباشدچه دردوجای نسخهٔ این کتابخانه که (بسال۷۱۵) نوشته شده‌آنرا بوی نسبت‌داده‌اند، وهمانگونه که آقای‌همائی درسرآغاز کتاب مصباح‌الهدایة آورده است ؛ جامی درنفحات‌الانس دربارهٔ عزالدین محمود گوید : چنانکه در دیباچهٔ شرح تائیه میگوید: « ولم ارجع فی‌املائه‌الی مطالعة شرح کی لایرتسم

(۱) این‌شرح رادرشیدبن‌غالب ازترکیب دوشرح تهیه نموده‌است؛ الف: گزارش حسن بوریني. ب : گزارش عبدالغنی نابلسی .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

منه‌فی قلبی‌رسوم و آثارتسد باب‌الفتوح وتنشیث باذیال‌الروح»(۱) وهمین‌عبارت در این شرح دیده میشود (ص ٦ - چ تهران) محمودبن علی کاشانی تطنزی شاگرد نورالدین عبدالصمد پسر علی اصفهانی نطنزی (م ٦٩٩) از پیران سهروردیان‌بوده‌و بسال(۷۳۵)در گذشته‌است(۲) ودد(ص۷۹۳)تاریخ گزیده‌مرگ اورادرعهدابقاخان(٦٦۳-٦۸۰)دانسته،واین‌نادرست‌است،چه‌اوهمزمان کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی (م-۷۳٦) میباشد وهردو شاگرد نورالدین عبدالصمد پسرشیخ علی‌اصفهانی‌هستند.وی کتاب‌عوارف‌المعارف‌را بدووواسطه‌از نگارنده‌اش(شهاب سهروردی) (٥٤۲-٦۳۲) روایت میکرده(۳) و دراجازهٔ که بیکی ازشاگردان خود داده بدان اشارت نموده است(٤). جامی سه‌دوبیتی ودوقطعه فارسی نیزاز عزالدین محمود آورده است(٥).

آثار عزالدین محمود : تاآنجا که مامیدانیم ازوی‌دو کتاب بجامانده است.

۱ــ مصباح‌الهدایة چ‌تهران۱۳۲۳ش بتصحیح آقای‌جلال همائی بایک‌سرآغاز درگزارش زندگی او.

۲ــ گزارش چکامهٔ تائی ازاین فارض که جای گفتگوی ماست.

۳ــ ترجمهٔ عوارف نگارش شهاب‌الدین سهروردی. و این سومین را من ندیده‌ام و فقط جامی درنفحات وچلبی‌در کشف‌الظنون بوی نسبت داده است.

باید یادآورشد: کسی که نسخهٔ (شمارهٔ۲۷۱) این کتابخانه ازآن او بوده‌بر پشت آن نوشته است که این شرح نگارش ابوسعید ابوالخیر (م.٤٤) میباشد.

[٤٦]

۲۷۱ خط نسخ. نام نویسنده عبدالقادربن‌عمربن‌محمد. درتاریخ(۷۱٥) نوشته‌شده. عنوانهای دیباچه ومتن شعرهابامشکرف نوشته‌شده. اوحدبن اسعدبن بهرام‌المستوفی، در(۲ذی‌قعدهٔ ۸۳٥)آنرا مقابلت‌وتصحیح‌نموده وافتادهها رادر کناره‌نوشته است، ودست نویس اودرپایین برگ(۱۷۰ب) دست راست کلیشه (ش۸) دیده‌میشود. ومحمد شفیع‌بن محمدمقیم بسال(۱۱۱۷)آنرا اعراب گزاری کرده است، ودست‌نویس اودر پایین همان صفحه دست‌چپ دیده میشود. این نسخه ازبرگ نخست‌تا (۱۷۰)

۱ــ نفحات‌الانس ص ٤۲۷و٤۲۸ .چ نول کشور۱۹۱٥ م.

۲ــ کشف‌الظنون درعنوان «عوارف‌المعارف» و «نایة‌ابن‌فارض».

۳ــ نفحات‌الانس چ نول کشور۱۹۱٥ ص٤۲۸و٤۲۹. این‌دو واسطه چنین‌است: عبدالرحمان‌بزغش (م۷۱٦) ازپدرش‌علی‌بن‌بزغش (م٦۷۸) ازشهاب‌سهروردی (م٦۳۲).

٤ و ٥ ــ نفحات همان‌صفحه.

این دفتررا گرفته، وپس ازآن‌چکامهٔ لامی‌ازرشیدالدین وطواط‌دربرگ، وپس‌از آن‌چکامهٔ میمی ازابن فارض هست که دردوصفحه است، ودرآخرین صفحه چند شعراز مثنوی‌را آورده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی فلق بقدرته صبح الوجود عن غسق العدم
فجعله آیة مبصرة لقوم علموا دلیلا وفق حکمته رتق الجمع

(ش۷) آغاز «کشف الوجوه الغر» برگ(۱ب) نسخهٔ ۲۷۱ این کتابخانه.

کما سبق مرارا وهذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا المختصر
من شرح القصیدة المسمون الله المقتدر ثم شرح هذه القصیدة
المبارکة یوم الخمیس العاشر من جمادی الاخری لسنة خمس
وسبعین وستمایة علی ید الفقیر
عبد القادر بن عمر بن محمد
غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما بمحمد وآله

(ش۸) پایان کتاب،دست‌خط‌مستوفی ومحمدشفیع برگ(۱۷۰ب)این‌نسخه.

دربرگ (۱ــالف) نخست باخط نستعلیق‌سیاه، نام چکامه وسراینده را نوشته، و سپس باهمان خط باسرخی شرح کننده‌عزالدین محمود راشناسانیده

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

است. ودر پایین آن صفحه نیز خط اوحدبن اسعدیاد شده دیده میشود، وتاریخ آن(ذیحجهٔ ۸۳٤) است. یك برگ نیز پیش از برگ نخست هست که شماره ندارد وبر آن نام کتاب و نگارنده‌اش عزالدین محمود با خط نسخ کهنه نوشته شده وسپس درزیر آن این عبارت دیده میشود(شرح قصیدهٔ تائیهٔ ابن‌الفارض(ره) للشیخ الجلیل ابوسعیدابوالخیر) وسپس چندشعر دیگرهست.

(۱۷۷برگ) کاغذ دولت آبادی . جلدتیماج حنائی‌کهنه . اندازه : ۱۱ × ۲۱و۸ × ۱۷ : ۲۴سطر.

[٤٧] کشکول (عربی وفارسی)

این واژه را آقای دوزی در کتاب خود « دنبالهٔ فرهنگهای زبان تازی » از ریشهٔ فارسی شمرده که بزبان تازی درآمده است ، و بکار بردن آنرا بصورت های « کشکل» و« کشکول» و« کشکولة» بمعنی جامی که درویشان آشامیدنیها در آن ریزند آورده است . وچنانکه میدانیم امروز نیز کشکول بظرف وبژه‌ای گویند که درویشان و گدایان بگردن آویخته وخوردنیها که ازمردم می ستانند در آن گرد کنند،واز این روی همواره درآنها خورا کیهای گوناگون وناساز گار فراهم آید. در گذشته برخی از مردان که سختی تخصص و کارشناسی برخود هموار نمیکردند واز هردانش اندك بهره می‌یافتند دفترچهٔ برای خود گرد می آوردند هرآنچه باندیشهٔ ایشان میگذشت در آن می‌نوشتند و آنرا کشکول وجنك وسفینه (۱) مینامیدند، واین بدان معنی است که در کشتی نیز چیزهای گوناگون گرد آید.

درذریعه (ج۵ص۱٦۵) ده‌شماره کتاب بنام جنك شناسانده است. ودر(حرف‌ك

۱ ـ جنك واژه‌ایست چینی بمعنی کشتی ودر دلاروس‌فرانسه ودائرة‌المعارف‌انگلیسی آنرا بصورت ژنك آورده وچنانکه‌از کریشتن‌سن، در (ایران‌درزمان ساسانیان ترجمهٔ یاسمی. چ تهران ۱۳۱۷ص۲۱) برمی‌آید بصورت «یانه» نیز بکار برده شده است ، ودرآسیای مرکزی مهایانه (کشتی بزرك) وهینایانه(کشتی کوچك) نام مذهبی بوده است . وشاید بتوان این واژه‌را با «ارتنك» وارژنك کتاب مانی (کشتهٔ ۲۷۲تا۲۷۵م) که برازصورتهای گوناگون بوده‌است پیوند داد . باری این‌واژه پس ازمغول‌درایران فراوان دیده شده وآنرا کنایت ازکتابی که درآن گفته‌های گوناگون جای دهند ، بکار برده وسپس آنرا بتازی ترجمه کرده سفینه گفته‌اند .

حافظ شیرازی (۷۲٦ـ۷۹۱) گوید :

درین زمانه رفیقی که خالی‌ازخلل‌است صراحی می ناب و سفینهٔ غزل است

وسفینه رابجای جنك برای کتابی که درآن غزلها نوشته باشند بکاربرده است .

ـ ذریعه) نیز چندین کتاب بنام کشکول آورده است ، یکی از آنها کشکول شیخ بهائی (م-۱۰۳۱) است که جای گفتگوی ما است. نیاکان شیخ بهائی از جبل عامل(در کشورسوریه کنونی) بایران آمده‌اند. گزارش زندگی‌اودربیشتر کتابهای تاریخ یاد شده، و آقای سعید نفیسی یك کتاب دربارهٔ آن نگاشته ودر (۲۰۸ص)بسال(۱۳۱٦ش)درتهران چاپ کرده است. اودراین کتاب۸۸نگارش‌از بهائی‌شناسانده وشعرهای‌فارسی‌اورا (۲۵۵۳بیت) برشمرده‌است، یکی‌از نگارش های شیخ « مخلات » = توبره، نام دارد که درآن نیز مانند کشکول مطالب گوناگون گردآورده است. ودرمصر بسال۱۳۱۷ق‌چاپ وپخش‌شده است .

کشکول درپنج بخش است و در دیباچهٔ آن گوید : در جوانی «مخلات» را نگاشتم وچون‌پس‌ازآن، چیزهای بسیار وتازه‌تر باندیشهٔ من‌رسید، آنها را دراین دفتر بنام کشکول گردآوردم . وبرخی رویه های آنرا سفید گذاردم‌تا برای اندیشه‌های نوجای‌افزودن باشد. درتاریخ‌عالم‌آرا (ن۱۰۲۵) نام کشکول در ردیف نگارشهای شیخ بهائی دیده میشود، وبنابراین کشکول پیش از این تاریخ‌نگاشته شده . شیخ‌چند کتابچه دیگرخود(مانندمنظومه‌شیروشکر)را در کشکول گنجانده است .

نگارنده خلاصة‌الاثر گوید: کشکول رادر مصرنگاشته ولی ازآن کتاب پیداست که دریك زمان ویکجا نگاشته نشده است . کشکول یکبار بدستور سلطان عبدالله‌قطب‌شاه پادشاه‌هند بدست‌مردی بنام‌احمد شهیدی عاملی بفارسی ترجمه شده است، و بخش‌یکم آنرامحمود مازندرانی در (ص۲۹۸-۳۳٦) دفتری بنام « مطارح‌الانظار » در بمبئی بسال (۱۲۸۷) منتشر کرده ، ولی نام ترجمه کننده در آنجا (ص۲۹۸) بغلط احمد الشهیرالعاملی آمده است . و نیز بنقل تربیت (۱) از گلستان ارم : ملامحمد پسر ملانجفعلی باکوئی بدستور فتح علی خان (گویا درسدهٔ دوازدهم میزیسته) بازدیگر آنرا ترجمه کرده است .

چاپهای کشکول :

نخستین‌بار درتهران بسال ۱۲٦٦ق چاپ سنگ یك ستونی پرغلط چاپ شد، وسپس در مصر (بولاق) بسال (۱۲۸۸ق) چاپ شد . در این چاپ بخشهای

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۳۳.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فارسی تهیه‌شده است (۱) و گزارشی از احمد منیفی بر چکامهٔ بهائی بنام «وسیلة الفوز والامان فی مدح صاحب‌الزمان» همراه این کشکول چاپ‌شده است. سومین بار عبدالغفار نجم‌الدوله و برادرش عبدالوهاب منجم‌باشی از سال ۱۲۸۷ تا ۱۲۹٦ق نسخهٔ کشکول را از روی چ ۱۲٦٦ق و چ مصر ۱۲۸۸ق تصحیح، و در (۳۹٦س) در تهران چاپ کرده‌اند. و در سرآغاز چاپ آن (ص ۱۵۰-۱۵۱) تصحیح کننده گوید: در آن دست بردیم، نادرستهارا درست کردیم، برخی چیزها افزودیم مانند متن دیوان سجاد که (۱۵۰ بیت) بود، و ما آنرا در صفحه‌های ۳۷۳ و ٤٤۸ گنجاندیم و همچنین لغزی در ص ۵۹۷ افزودیم. دیگر بار در سال (۱۳۰۲ق) مصر، چ بهیه و شرفیه. و باز بسال ۱۳۰۵ق، مصر، چ میمنه (۳۵۱س) و در کرانه‌های آن «ادب‌الدنیا والدین» را چاپ کرده‌اند، و نیز بسال ۱۳۱۸ق، مصر، چ محمودیة (۳۳۱س) و بسالهای ۱۸-۱۳۲۰ق در تهران نجم‌الدولة نسخه خود را دوبارهٔ باهمان شکل (چ ۱۲۹٦ق) چاپ کرده، و فقط سرآغاز آنرا دگرگون ساخته در سرآغاز این چاپ از اینکه چاپخانه‌های هند نسخهٔ او (چ ۱۲۹٦ق) را بی اجازهٔ او در بمبئی چاپ کرده‌اند گله کرده است. دیگر چ هند که در بالا یاد شد. دیگر چ مصر، بولاق در (٤۳۱س) بسال ۱۳۲۹ق. این است آنچه من از چاپهای کشکول دیده‌ام.

[٤۷]

۱۳۳ بخط نسخ زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی از خط و کاغذ پیداست که در روزگار نگارنده در سدهٔ یازدهم نوشته شده.

بخش یکم در (برگ ۷۰) و بخش دوم در (برگ ۱۱۱) و بخش سوم در (برگ ۱۸۱) و بخش چهارم در (برگ ۲٦۱) و بخش پنجم در (برگ ۳٤۲) پایان یافته است.

همهٔ رویه‌ها بازرجدول بندی‌شده. عنوانها باشنگرف است. پنج سرلوح در آغاز پنج بخش کتاب دو برگهای (۳، ۷۰، ۱۱۱، ۱۸۱، ۲٦۲) دارد همه بازر و شنگرف و لازورد آرایش شده. سطرها را چلیپا و راسته و برخی از رویه‌ها نیمی راسته و نیمی چلیپا و گوناگون نوشته است. افتادگیها را در کناره نوشته است. دو برگهای (۳٤۳ و ۳٤٤) دونامه یکی از حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهائی باو، و دیگر از بهائی بپدرش حسین با خط نستعلیق نوشته است. هردو بزبان تازی است، و در کناره بفارسی بر آنها حاشیه

۱ ـ منجم‌باشی در سرآغاز چاپ ۱۲۹٦ گوید مصریها بخشهای فارسی آنرا انداخته‌اند ولیکن رئیس قسمت خطی کتابخانه ملی آقای مجدت میگوید در نظر دارم نسخهٔ خطی از کشکول دیدم که بخشهای فارسی را نداشت، و شاید چاپ کنندهٔ مصری از روی چنین نسخه چاپ کرده باشد.

نوشته‌اند و گزارش داده‌اند.

از برگ (۳٤٤ب تا ۳۵۰) پایان جلد، یک رساله از شیخ بزبان تازی در لغز بنام «لغز الزبدة» باهمان خط نستعلیق نوشته شده است، و در حاشیه شرح و گزارش آن نیز به زبان تازی و همان خط نستعلیق نوشته شده است. کتاب در (برگ ۳) آغاز شده. در برگ (۱ـب) لغزی از شیخ نوشته شده است.

(۳۵۰ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی، جلد رو و پی دورو گهنه، درون گل برنه‌دار ابه‌ایماج سرخ. اندازه ۲۴.۸×۱۳ و ۸.۸×۱۹.۵

[٤۸] کلیات امیر خسرو دهلوی (فارسی)

یکی از بزرگترین شاعران پارسی گوی هنددرسدهٔ هفتم ابوالحسن امیر خسرو پسر امیر سیف‌الدین محمود است. خاندان او از ایل لاچین و از امیرزادگان هزارهٔ بلخ یا «کش» در ترکستان بودند و در آشوب مغولان از میهن خویش گریخته بهندوستان آمده، در پتیالی در اکره که مؤمن آبادش نیز گویند، نشیمن گزیدند. امیرخسرو در این شهر بسال (٦۵۱) بزاد، پدرش که در دربار سلطان تغلق بامارت رسیده بود درسال (٦۵۸) در جنگ کشته شد، و او از هفت سالگی در پناه برادران خود تاج‌الدین زاهد و علاءالدین علیشاه پرورش یافت، ولقب امیری از پدر بارث برد و در شهر دهلی سکونت گزید و بدهلوی نامبردار شد. او خود را در شمار پیروان پیر صوفی وقت شیخ نظام‌الدین اولیاء می‌شمرد و چون نظام‌الدین در گذشت امیر خسرو از کار دولتی کناره گرفت و پس از ششماه جهانرا بدرود گفت، و نزدیک گور پیرواستاد خود (اولیاء) بخاک سپردند. امیر همزمان سعدیست ولی از سعدی بااحترام بسیار یاد کرده(۱) و از آنجا که از خانواده اشراف و از امیران و کارمندان عالی‌رتبهٔ دوات در دهلی بوده خودپسندی اشرافیت آمیخته باشکسته‌نفسی صوفیانه از نگاشته‌های او بویژه دیباچه‌ها که بردیوانهای خود نگاشته نمایان میباشد. او همه‌جا خود را (این بندهٔ حقیر) یاد میکند ولی هنرهای شعری بسیار از ابتکارهای خود می‌شمرد و خود را یك نابغه قلمداد می کند، و از شعرهائی که در دوازده سالگی گفته‌است یاد نموده، و از هیچگونه خود ستائی فروگذار نمیکند. گویند او از پیر خود نظام‌الدین اولیاء خواهش کرد تا تخلصی جزء خسرو، که نام بزرگانست بدودهد، او وی را ترك‌الله و محمد کاسه لیس لقب داد، ولی ما هیچ شعری از او با تخلصی جزء خسرو، نیافته‌ایم گزارش

۱ ـ در قران‌السعدین.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

زندگی وی در تاریخ فرشته (چ هند ج۲ ص۷۵۳) و تذکرهٔ دولتشاه طبقهٔ چهارم و خزانهٔ عامره (چ ۱۸۷۱م ص۲۰۹) و بیشتر کتابهای تاریخ ادبیات، مانند شعرالعجم شبلی نعمانی (چ تهران ۱۳۲۷ ج۲ ص۷۷-۱۴۹) و تاریخ ادبیات ادوارد براون (چ تهران ۱۳۲۷ ج۳ ص۱۳۰) و مهمتر از همه آنچه خود در هریك از دیباچه‌ها که برای دیوان های خود نگاشته است دیده میشود.

آثار امیرخسرو:

دولتشاه سمرقندی شمار شعرهای اورا یك کرور یعنی پانصد هزار دانسته گوید: سلطان سعیدمیرزا بایسنغرخان (م-۸۳۸) کوشید تاهمه را گردآورد، ولی نتوانست بیش از صدوبیست هزار فراهم سازد، و نا امید گردید. امیرخسرو در یك جا گفته است: شعر من از پانصد هزار کمتر و از چهار صدهزار افزون است. و نیز گویند وی خود و نه نگارش از خود بجا گذارده است، اینك ما برخی از آثار وی را یاد میکنیم:

الف - دیوانها: امیرخسرو درزمان زندگی برای خود پنج دیوان بسیجید. و برای هر یك دیباچهٔ بنثر نگاشت، و در هریك اندکی از زندگی خود گزارش داده است.

۱) نخستین دیوان خودرا «تحفةالصغر» نامیده و در دیباچه دومین دیوان چنین وانموده‌است که در «تحفةالصغر» شعرهائی را گردآورده که درسن دوازده تابیست و چهار سالگی سروده است. این دیوان دارای چکامه و غزل و مقطعات و جز آن میباشد. وهمهٔ آن در پیرامن (۱۴۰۰۰ بیت) دارد. نسخهٔ کلیات این کتابخانه این دیوانرا ندارد. ولی نسخهٔ آن در سپهسالار و مجلس هست.

۲) وسطالحیات - در دیباچهٔ نثری آن گوید شعرهائیرا که تا ۳۱ سالگی سرودم در آن گرد آوردم.

آغاز دیباچه: حمدیکه ازمیان جان بر آید و ثنائیکه ازوسط دل گشاید.

آغاز دیوان:

حمد رانم برزبان‌الله رب‌العالمین آنکه بخشنده‌است از فرآن هدی للمتقین

نسخهٔ ناقص این کتابخانه نزدیك (۲۲۰۰ بیت) دارد.

۳) غرةالکمال - در دیباچهٔ نثر و درازی که برای آن نگاشته خود را چهل ویك ساله خوانده، و هنرهای شعری خودرا یکایك برشمرده و چند شعر تازی

نیز از خود آورده ولی خستوان است که تازی نیك نمیدانسته. و نیز خودرا باشاعران بزرگ سنجیده گوید پیش ازمن هیچکس سه دیوان شعر کرد نیاورده‌است.

این دیباچه (۱۹۰۰ بیت نوشته) دارد که در نسخهٔ این کتابخانه فقط (۱۲۰۰ بیت) مانده و آغاز آن افتاده‌است، و دیوان غرةالکمال (۱۲۰۰۰ بیت شعر) دارد ولی نسخهٔ این کتابخانه فقط چکامه‌هارا دارد که (۱۸۰۰ بیت) است.

آغاز دیباچه: از نسخهٔ این کتابخانه افتاده‌است.

انجام دیباچه: ویاتقدیر کرده که بخواهدرفت. ختم همهٔ سخن براین میکنم: لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله. ختم اینست توفنا مسلمین والحقنا بالصالحین.

آغاز دیوان غرةالکمال:

چه زهره خاك مسکین را که توحید خدا گوید

بدین آلودگی ذات مقدس را ثنا گوید

و درسرلوح آن این شعر دیده میشود:

چون آفتاب روشن توحید ذوالجلال

بنمود رخ ز مطلع این غرة الکمال

انجام:

تا او بود همه نه جهان ماند و نه من

خودبشنود زخود لمن‌الملك را جواب

تمت‌القصاید بعون‌الله.

۴) **بقیهٔ نقیه:** شعرهای دوران پیری خودرا دراین دیوان گردآورده. ودر آن علاءالدین محمدشاه و پسرش را ستوده‌است.

۵) **نهایةالکمال:** آخرین شعرهای امیرخسرو دراین دیوان است. ودر آن سلطان غیاث الدین تغلق را ستوده وسلطان قطب‌الدین مبارکشاه را رثا گفته است. نسخهٔ کلیات این کتابخانه دیوانهای چهارم و پنجم را ندارد.

ب: خمسه: چنانکه در (ص۴۲) گفتم امیرخسرو اولین کسی است که به پیروی از نظامی خمسه بترتیب زیر سروده‌است. **نخست: مطلع‌الانوار** در برابر مخزن‌الاسرار که آنرا بنام علاءالدین محمد شاه در بیست مقاله در (۳۳۱۰ بیت)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سروده و بسال (۶۹۸) پایان داده .

آغاز :

باسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم خطبهٔ قدس‌است بملك قدیم

این‌منظومه با گزارش‌محمد ابوالحسن در(۱۳۰۲ق) درهند ونیز درعلیگره (۱۹۲۶م) چاپ شده‌است .

دوم : **شیرین وخسرو** : در برابر خسرو و شیرین نظامی، که آنرا بنام همان علاءالدین بسال (۶۹۸) در (۱۴۲۴بیت) سروده ودرپایان‌بندی خطاب به‌پسرش مسعود هست :

آغاز: خداوندا دلم‌را چشم‌بگشای

بمعراج یقینم راه بنمای

این کتاب نیز درعلیگره بسال (۱۹۲۷م) چاپ شده‌است.

سوم: **مجنون ولیلی** : برابر لیلی ومجنون نظامی که درهمان‌سال‌وبنام همان شاه سروده ، ودر آن بیتهائی دربارهٔ مرگ مادر و برادر خود دارد. همهٔ این داستان (۲۶۶۰بیت) است وبسال(۶۹۸) پایان یافته.

آغاز: ای‌داده بدل‌خزینهٔ راز

عقل ازتو شده خزینه پرداز

انجام : این نامه سزای آفرین باد

انشاءالله که همچنین باد

این کتاب در کلکته (۱۲۴۴ق) ودرلکهنو(۱۲۸۶ق) ودرعلیگره (۱۹۱۷ م) چاپ شده است .

چهارم : **آئینهٔ اسکندری** : برابر اسکندرنامه ، که در(۶۹۹) بنام همان شاه در (۴۲۳۵بیت) سروده است.

آغاز : جهان پادشاها خدائی تراست

ازل تا ابد پادشاهی تراست.

انجام : رسید از بتان جام خسرو بکام

بیك نغمه کن کار او را تمام

پنجم: **هشت بهشت**: یابهرامیه. آنرادر برابرهفت‌پیکر نظامی، بسال(۷۰۱) در(۳۳۵۰بیت) سروده، ودرپایان‌آن گوید همه‌خمسه‌را درسه‌سال‌سروده وقاضی شهاب‌الدین آنرا بازدید وتصحیح نموده است.

آغاز : ای گشایندهٔ خزانهٔ جود نقش پیوندکارگاه وجود

انجام: نامهٔ‌او که‌حرز جانش باد درقیامت (زبد) امانش باد.

این کتاب درعلیگره(۱۹۱۸م) چاپ شده‌است.

همهٔ‌خمسه(۱۷۵۷۹بیت)دارد. نسخهٔ‌ازاین‌خمسه‌در بخش خطی شرقی کتابخانهٔ تاشکنداوزبکستان‌هست که‌بخط‌شمس‌الدین‌محمد حافظ‌شیرازی‌در(۷۵۰) نوشته شده‌است‌واستادآ. آ. سمیوف‌در گفتار خود درروزنامهٔ «دوست‌ایران»شمارهٔ۴۶ ، شنبه ۱۹ آذر۱۳۲۲ ، آنرا خط حافظ شیرازی شاعر معروف دانسته ودوصفحهٔ آنرا کلیشه و چاپ نموده و همانرا آقای دهخدا درلغتنامه (واژهٔ‌حافظ) آورده است ولی آقای دکترمعین درآن تردید نموده است(۱)

ج: نگارشهای دیگر او :

۱)**قران‌السعدین**: بروزن مخزن‌الاسرار نظامی در(۴۳۹۴بیت) سروده شده ودر آن گفتگو وستیزهای معزالدین کیقباد(۶۸۶-۶۸۹) را با پدرش ناصر الدین بغراخان پادشاه بنگاله (۶۸۱-۶۹۱) برسر تاج و تخت پادشاهی آورده وداستانرا چنین پایان داده که پسروپدر یکدیگررا دیدارمیکنند وباگفتگوی دونفری همه ستیزها ازمیان‌میرود، و آشتی کرده پدر پادشاهی پسررا میپذیرد. این‌منظومه دررمضان(۶۸۸) بدستورشاه پایان یافته ، ودراین‌هنگام امیرخسرو سی‌وشش‌ساله‌بوده‌است. قران‌السعدین‌بسال(۱۲۵۹ق)درلکهنو،وبسال(۱۲۶۱ق) باگزارشهای قدرت‌احمد، وبتنهائی درعلیگره بسال(۱۹۱۸م =۱۳۳۶ق) چاپ شده است.

درفهرست مجلس (ج۳ ص۳۰-۵۲۸) گوید: نورالحق پسر عبدالحق نیز

(۱) رسالهٔ امیرخسرو، نشریه مجلهٔ مهر سال ۱۳۳۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قران‌السعدین‌را گزارش کرده‌است.

آغاز: حمد خداوند سرایم نخست تاشود این‌نامه زنامش درست

انجام: بو که‌برآرد بچنین‌نامه‌نام بر در شه خدمت من والسلام

۲) دولرانی خضرخانی. یاخضرخانی: این‌منظومه‌رابحرهزج‌در(۴۵۱۹بیت) درچهارماه ازسال (۷۱۵) سروده و در (۶ذیقعده-۷۱۵) آنرا پایان داده است. درفهرست آصفیه گوید این‌منظومه بسال(۱۳۳۶ق) چاپ شده‌است. و آن داستان عشق‌ورزی خضرخان پسر علاءالدین محمدشاه خلجی فرمانداردهلی در(۶۹۵-۷۱۶) با دوشیزه دیولدی دختر رانی هندو میباشد. امیر خسرو گوید خضرخان داستانرا بنثر نگاشته وبمن دستورداد آنرا سرودم.

آغاز: سر نامه بنام آن خداوند که خوبانرا بدلها داده پیوند

انجام: نمیخواهم‌ره‌بخشش‌زهر کس توخسروراهمی‌بخشی‌همین‌بس

دولرانی خضرخانی بسال(۱۳۳۶ق=۱۹۱۸م) درهند چاپ شده‌است.

۳) نه‌سپهر. دریك جلد (۴۹۰ص) با سر آغاز انگلیسی ازمحمد وحید زاده درکلکته بسال(۱۹۳۸م) چاپ شده‌است.

۴) دست‌چین کلیات امیرخسرو (چ نولکشور-۱۹۱۰م) در (۴۷۶ص) در سه بخش آ) ۲۱ چکامه تا (ص۳۷). ب) ۹۲۳ غزل برگزیده ازهمهٔ پنج دیوان تا (ص۴۵۶). ج) مقطعات تا (ص۴۶۶). درآغاز هرچکامه وغزل معین شده‌است که ازچندمین دیوان است.

۵) جواهرخسروی یا لآلی عمان بزبان اردو، بسال ۱۳۳۶ ق درهند چاپ شده است

۶) پنج رساله بنام اعجازخسروی، در دو جلد بسال (۱۸۷۶م) در هند چاپ شده است.

۷) تغلق نامه در(۳۰۰۰بیت). در(۱۵۴ص) بسال(۱۳۵۲ق)چاپ‌شده.

۸) تاریخ‌دهلی بنام «خزائن‌فتوح» یاتاریخ علائی درتاریخ علاءالدین محمد شاه خلجی (۶۹۵=۷۱۵).

۹) اشك‌وآه: نسخهٔ ازآن در کتابخانهٔ آصفیه میباشد

۱۰) عشقیه‌یاعشیقه: در (۴۰۰۰بیت) نسخه‌اش درآصفیه هست. وآن غیر از قرآن‌السعدین است.

۱۱) فانواستیا: درموزیك.

[۴۸]

۱۰۰ نسخه بخط نستعلیق. نام‌نویسنده وتاریخ‌ندارد، ولی دربشت برگ (۳-الف) باخط نو نوشته اند: تاریخ‌الکتابة (۹۹۳) متن وحاشیه را جدا ازهم نوشته است. درهرروبه‌ا چهارده‌بیت‌درمتن وسی‌بیت درحاشیه نوشته‌دارد. عنوانها باشنگرف در زمینهٔ زرین نوشته شده. همه رویه‌ها بازر و شنگرف و لاژورد جدول‌بندی شده. هرروبه چهارجدول دارد، نخست جدول برونی پدورصفحهٔ بزرك، دوم جدول میان دو لنگه شعرحاشیه، سوم جدول درونی دور صفحهٔ کوچك، چهارم میان دولنگه شعر متن. درهرصفحه سه قطعه زرنگار در (بالاوپائین ومیان) با زر وشنگرف ولاژورد هست بطوریکه کلچه‌های بالا وپائین درصفحه راست گوشهٔ چپ ودرصفحه‌چپ گوشهٔ راست‌جادارد. وکلچه‌های کمری درطرف راست صفحه‌راست، ودرطرف‌چپ صفحهٔ‌چپ دیده میشود.

دورویهٔ (برگ۳پ و۴-الف) درنگاراست وبالاژوردوشنگرف گل وبوته شده، ودرمیان هریك یك‌ترنج بزرگ زرین هست. میان‌ترنج‌سمت‌راست با سفید آب‌دو بیت نخستین از «مطلع‌الانوار»(۱) و در رویهٔ برابر آن نیز بیت‌سوم وچهارم آن دیده میشود. این‌نسخه دارای پنج سرلوح‌است دربرگهای: (۴ب و۱۴ب و ۴۰پ و۱۴۳ ب و۱۴۴ب) ومیان سطرهای این پنج صفحه و پنج‌صفحه روبروی هریك، زرافشانی شده‌است. ودرآغاز کتاب‌دولرانی دربرگ(۲۰۹پ) یك کلچهٔ زرنگار دیده میشود.

فهرست این کلیات: این‌نسخه کامل‌ترین نسخهٔ کلیات امیرخسرو بوده چه‌پنج گنج اورا (درحاشیه) باسه‌دیوان‌وی(درمتن) وقران‌السعدین(درحاشیه) و دولرانی(درمتن وحاشیه) دربر داشته.

ولی اکنون نخستین دیوان (تحفة‌الصغر) که درمتن بوده ونخستین‌مثنوی ازپنج گنج (مطلع‌الانوار) که درحاشیهٔ آن بوده، افتاده وفقط برگ آغاز آنها جا مانده است، وکسی که آنرا جلد کرده برگ آغاز مطلع‌الانوار را بابرگ نخست دیوان دوم «وسط‌الحیات» که لیلی‌مجنون نیز درحاشیه‌آنست بهم‌چسبانیده‌است، واکنون‌این برگ (برگ شمارهٔ ۴۸) این‌جلد میباشد.

(۱) صفحهٔ ۱۷۸ همین‌جلد دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درمتن:دوبرگهای (٤تا١٤) دیباچهٔ شری وسط الحیات،ودوبرگهای(١٤-٩٩)چکامه های آن میباشد، ودراینجا باقی این دیوان افتاده است.

درحاشیه برگهای (٤-٤٠) مجنون و لیلی هست و آغاز آن چندبیت افتاده ، ودر حاشیهٔ برگهای(٤٠-٩٩) شیرین خسرو دیده میشود وپایان آن افتاده است.

درمتن برگهای(١٠٠-١٤٣) دیباچهٔ دیوان سوم (غرة الکمال) دیده میشود که آغاز آن افتاده ودرمتن برگهای(١٤٣-٢٠٩) چکامه های این دیوان هست.ولی درمیان برگ های (٢٠٢-٢٠٣) افتاده است.

درحاشیهٔ برگهای(١٠٠-١٤٤) آئین اسکندری نوشته شده، وآغاز آن افتاده است ودرحاشیه برگهای (١٤٤-٢٠٢) هشت بهشت درست مانده است. ودرحاشیه برگهای (٢٠٣-٢٤٧) قرآن السعدین نوشته شده،وآغاز آن افتاده است.

آخرین کتابچهٔ این کلیات دولرانی خضرخانی است که ازبرگ (٢٠٩) تا(٢٤٧) درمتن وازآنجا تاپایان نسخهٔ برگ (٢٨٤) در متن وحاشیه نوشته شده، ونویسنده در حاشیه (برگ٢٤٧-الف) این شعر را نوشته:

بعدازاین متن وحاشیه چونیکی است هر که خواند غلط نپندارد

پنج برگ نازك سفید پس از برگهای (٣و١٤و٤٠و١٤٣و١٤٤) نهاده شده تا از ساییدن دوصفحهٔ زرافشانی شده جلوگیرد. هنگام صحافی سه برگ سفید درپایان وسه برگ درآغاز نسخه نهاده شده. برگ یکم شماره ندارد، دوبرگ دوم وسوم (شمارهٔ١و٢) کسی گزارش زندگی امیرخسرو را ازتذکرهٔ دولتشاه آورده است. ودربرگ (٢-ب) بخشی ازدیباچهٔ غرة الکمال را که درچگونگی گردآوری سه دیوان میباشد ازبرگ (١٢٢) این نسخه رونویس کرده است. برپشت (برگ-١-الف) نام کتاب و تاریخ مرگ امیر خسرو و تاریخ نوشتن نسخه و فهرست نادرستی ازاین نسخه نوشته شده است درپشت (برگ-٣-الف) نیز باخط نوین نام کتاب وتاریخ نوشتن نسخه نوشته شده است.

(٢٨٤ برگ) نوشته دارد دویك برگ پیش از نسخه وسه برگ درپایان، سفیدونی شماره هست. کاغذسمرقندی نخدی رنگ. برون جلدروغنی زمینه نارنجی رنگ،درحاشیه دوجدول ومیان آنها گل بوته ونگارنگ ریز، ودرمیان یك ترنج و گل بوته زرین وریزدارد،وحاشیهٔ آن سبزاست. این جلد اصلاح وپیوندشده است واز کتاب دیگر جدایش ساخته باتیماجی قهوه‌ئی باین نسخه نه بندی کرده‌اند.

اندازه: ٢٥/١٨×٢٨/٥ و١٣×٢١ : ١٤سطردرمتن و ٣٠سطر درحاشیه دارد

[٤٩] کلیات اهلی شیرازی (فارسی)

اهلی شیرازی نامش محمد و همزمان اهلی ترشیزی خراسانی بوده. وی سلطان یعقوب(م-٨٩٦) ومیرعلی شیر(م-٩٠٦) و شاه اسماعیل (م٩٣٠) را ستوده ودرشیراز درسن پیری بسال(٩٤٢)در گذشته است. ملامیرك درتاریخ مرگ وی گوید:

سال فوتش زخرد جستم گفت: «پادشاه شعرا بود اهلی=٩٤٢»

وتن اورا نزدیك گور حافظ بخاك سپرده اند. ازشعر او چنین برمی آید که وی پیش ازدورهٔ صفوی سنی یا نیمه‌سنی بوده ولی درروزگار شاه اسماعیل مانند یك شیعی دوازده امامی شده است.

این اهلی را نباید با اهلی ترشیزی که او نیز درهمین زمان می زیسته اشتباه کرد. گزارش زندگی ایشانرا در آتشکدهٔ آذر ص ٦٨ و٢٦٣ و تذکرهٔ نصر آبادی ص٥١١ و تذکرهٔ تحفهٔ سامی ص١٠٣ وادبیات براون ج٤ ص٦٥ به‌بینید. خصوصیت شعر اهلی شیرازی شیرین کاریهای هنری وریز کاریهای بدیعی وشعری آنست ، او میکوشید چنان شعر گوید که دیگران نتوانند. نسخهٔ کلیات او که در کتابخانه‌ها دیده میشود دارای بخشهای زیر است:

١)سحر حلال را دربرابر مجمع البحرین وتجنیسات کاتبی سروده است ودر دیباچهٔ آن گوید: «مجمع البحرین و نسخهٔ تجنیسات یکجا جمع آوردم وباوجوداین تکلیف لزوم مالایلزم ذوقافیتین هم لازم آن نمودم بطریقی که اگر درمقابلهٔ نسخهٔ تجنیسات خوانند (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) که بحررمل مسدس مخنوف است جواب آن باشد، یازیادتی صنعت ذوبحرین وذوقافیتین، واگردرمقابل مجمع البحرین او خوانند ، وزن (مفتعلن مفتعلن فاعلن) که بحرسریع مسدس مطوی مکفوف است و بحر رمل مسدس درتحت اوست جواب آن باشد، با زیادتی صنعت تجنیسات ودیگر التزامات که درآن نسخه نیست».

این مثنوی در(٥٢٠بیت(١)) ودرآن شاه اسماعیل صفوی (٩٠٦-٩٣٠) را ستوده است، وداستان دلباختگی شاهزاده جم را بدختری بنام گل آورده.

آغاز: حمدبی حد، وثنای نامحدود وشکر نامعدود...

(١) درفهرست مجلس ج٣ ص ٥٣٨ شماره آنرا ٦٢٠ نوشته ولی نسخهٔ چاپی ونسخهٔ این کتابخانه فقط ٥٢٠ بیت است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ای همه عالم برتو بی‌شکوه　　رفعت خاك ازدر تو بی‌شکوه

انجام: شرطشد ازهمت محمود باد　　آخر کار همه محمود باد

این مثنوی یك‌بار در بمبئی در (۵۵ س) و یك‌بار در تهران (۱۳۱۶ ق) در (۵۲ س) چاپ شده است.

۳) شمع و پروانه. (۱۰۰۱ بیت) است. وی دراین کتاب داستان دلباختگی این دورا سروده و آنرا بسال (۸۹۴) پایان داده، و در آن سلطان یعقوب و امیرشاه قلی بیگ را ستوده است و دیباچهٔ نثری ندارد.

آغاز: بنام آنکه مارا از عنایت　　دهد پروانه وشمع هدایت

انجام: سخن کز بهر تاریخش کنم کم　　بود (تم الکتاب) الله اعلم = ۸۹۴

***

نشاط‌افزای بزم مقبلان کن　　قبول خاطر روشن‌دلان کن

درانجام کتاب از خسروشیرین نظامی، ویوسف وزلیخای جامی نام برده‌است، وشمارهٔ بیتهارا مانند نامهای خدا (۱۰۰۱) دانسته.

۳) چکامه‌ها، که‌درستایش پیغمبر وامامان‌شیعه وشاه‌اسماعیل،ومیرسیدشریف وعفیف‌الدین، و نظام‌الدین احمد، و معین‌الدین محمدصاعدی، و امیرسعدالدین اسعد، و میرعلی‌شیر نوائی، و امیرنجم‌الدین محمود، و اخی‌بیگ، و یعقوب خان وقاسم‌بیگ،وقاضی‌مسعود، وعبدالله‌وزیر،وروزبهان،وقاضی‌سلام،وامامزاده‌حمزه سروده.این‌بخش نزدیك (۳۰۰۰ بیت) است،و چنانکه پیداست کسانیرا که دشمن مذهبی یکدیگر بوده‌اند ستوده،وسبب آنست که وی عمردراز داشته، وروزگار پیش و پس‌از شاه‌اسماعیل‌را دریافته و نان‌را بنرخ‌روز خورده‌است.

آغاز: الهی بسردفتر حکمت‌الله　　بی‌آدم آئینهٔ قدرت‌الله

۴) دومخمس: یکی در ۶ ودیگری در۷ بند.

۵) قطعه‌ها، وماده‌تاریخها: درپیرامن (۲۵۰ بیت).

۶) غزلها: بترتیب حرف‌قافیه‌ها، نزدیك (۵۶۰۰ بیت).

۷) **ساقینامه:** هفتاد و شش (۱) دو بیتی است که هریك بواژه (ساقی...)

(۱) نسخهٔ مجلس ۱۰۲ دوبیتی دارد. فهرست ج ۳ ص ۵۳۶-۵۴۱

آغاز شده است با یك دیباچه نثری

۸) گنجفه (۱): (۹۶ دوبیتی) است که درنسخهٔ این کتابخانه آنهارا با بخش دوبیتها یکجانهاده و روی هم‌نزدیك (۸۰۰ دوبیتی) آورده است.

۱۰) چکامهٔ هنری یکم: در ستایش میرعلی شیرنوائی (م ۹۰۶) دارای دیباچهٔ نثری‌است که هنرهای بکار برده را برشمرده است.

آغاز: حمدی از حد افزون وسپاس از قیاس برون ...

نسیم کاکل مشکین کراست چون تو نگار

شمیم سنبل پر چین کراست مشک تتار

۱۱) چکامهٔ هنری دوم: در ستایش سلطان یعقوب (م ۸۹۶) با دیباچهٔ نثری.

آغاز: بعد از حمد بیحد و سپاس بیقیاس ...

هوای جنت کویت نسیم عنبربار

فدای نکهت مویت شمیم مشك تتار

۱۳) چکامهٔ هنری سوم: درستایش شاه اسماعیل (۹۰۶-۹۳۰) با دیباچهٔ نثری.

آغاز: حمدوسپاس بی‌قیاس صانعی را ...

هوای گلشن کویت نسیم باد بهار

گدای خرمن مویت شمیم مشك تتار

این چکامه را، خردنامه، نامیده و، میزان خرد = ۹۱۲، سال سرودن آنست.

دراین چکامه‌های سه گانه‌بسیاری ازهنرهای شعری‌را با دشواری و رنج فراوان بکار برده ومعنی‌را تاآنجا فدای لفظ کرده است که برخی از شعرهایش بی‌معنی و برخی سرد و بی‌مزه مینماید

و نیز ازمیان‌واژه‌های هردو یاسه بیت، یك‌بیت‌جدا بیرون آورده، واین بیتهای نوزاد را با کشیدن خطی‌از چکامهٔ مادر جدا نموده، و در کنارهریك، هنرهای

(۱) دربارهٔ این منظومه درحرف (گ) این فهرست گفتگو خواهیم کرد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شعری که در آن بکار رفته است یادداشت نموده ، و از این‌روی چکامهٔ مادر را باید با قلم مرکب سیاه و رنگین بنویسند تا چون واژه‌های رنگین را جدا سازند بیتهای دیگر پیدا شود .

نسخهٔ از کلیات اهلی شیرازی در نجف نزد استادم آقای شیخ عبدالحسین رشتی دیدم که آغاز و انجام نداشت و شناخته نبود ، من که در آن روزگار در جستجوی شعرهای دشوار و سنگین بودم ، چکامه‌های هنری آنرا با راهنمائی آن استاد و با دقت بسیار در زیر کاریهایش رونویس کردم .

[۴۹]

۱۰۵ نسخه بخط نستعلیق زیبا ، نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که در دورهٔ صفوی و برای یکی از مردان دولت نوشته شده . همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدول‌بندی شده ، عنوانها با شنگرف است .

فهرست آنچه در این نسخه هست چنین است :

سحرحلال بر گهای (۱ـ۱۰) شمع وپروانه (۱۱ـ۳۱) چکامه‌ها (۳۱ـ۹۰) غزلها (۹۰ـ۲۶۳) سافینامه (۲۶۳ ـ ۲۶۷) گنجفه (۲۶۷ ـ ۲۷۴) دو بیتیهای دیگر (۲۷۴ـ۳۰۵) چکامهٔ هنری نخست (۳۰۵ ـ ۳۱۹) چکامهٔ هنری دوم (۳۲۱ ـ ۳۳۶) چکامهٔ هنری سوم (۳۳۷ـ۳۵۰) . هفت سر لوح از شنگرف ولاژورد و زرو سیاهی دو برگهای ۱ب و۱۱ ب و۳۱ ب و ۹۰ب و ۲۶۳ ب و۲۶۸ ب و۳۰۵بدیده‌میشود. و نیز هر یك از این‌رویه‌ها با رویه‌های برگ روبروی آن زرافشانی و لایلای سطرها نقاشی شده است . میان برگهای (۱و۲) یك برگ افتادگی دارد. تا برگ (۳۰۴) متن و حاشیه نوشته شده و از آنجا تا پایان نسخه ، سه چکامه هنری تنها درمتن است .

(۳۵۰ برگ) کاغذ سمرقندی نخودی جلد لیقاج حنائی کهنه لچه‌بندی شده درون مشکی سوخت کهنه . اندازه : ۱۵×۲۶ و ۹×۱۷ ، ۱۱ سطر.

[۵۰] کلیات جامی (فارسی)

نورالدین عبدالرحمان جامی (ز - ۸۱۷م ۸۹۸) زبردستی در شعر و ادب فارسی را با تسلط درعلوم کلاسیك زمان خود بویژه عرفان و دانشهای مذهبی جمع کرد، وسرآمد دانشمندان روزگار خویش گردید . در همهٔ کشورهای مسلمان آنروز ازهندوستان تامصر و استانبول نامیردار بود، وبیشتر دانشمندان این کشورها با دادوستدنامه با این استاد خودرا سرفراز میکرده‌اند ، و بیش از صد شماره از نامه‌های وی که برای پادشاهان و دیگر بزرگان فرستاده در

کتابچهٔ در کتابخانهٔ ملی تهران هست(۱) و بسیاری از نامه‌ها که برای وی فرستاده‌اند در کتابهای دیگر مانند « ریاض‌الانشاء » از منشات خواجهٔ جهان دیده میشود(۲) . واز همین‌جاست که بگفتهٔ ناسولیس در نگاشته‌های جامی خود پسندی دیده میشود ، او دانشمندان روزگار خودرا کوچك میشمرد ، وهیچکس را باستادی نمی‌پذیرد ، او گفته است من فقط از پدرم سپاس گزارم که بمن زبان آموخت . باری این کوتاه فهرست، گنجایش گزارش زندگی این مرد نامبردار، ندارد . من با یادآوری چند مدرك بسنده میکنم :

گزارش زندگی جامی در همهٔ کتابهای تاریخ ادبیات ولی بهتر از همه در سه کتاب زیر دیده میشود .

۱) شرح حالی که شاگردش رضی‌الدین عبدالغفور لاری (م شعبان ۹۱۲) نگاشته ، ونسخهٔ از آن که بتاریخ (۱۰۲۶) ودر دنبال نسخهٔ نفحات‌الانس نوشته شده ، نزد عباس اقبال درتهران ، ونسخهٔ دیگر در بریتش‌موزیوم هست(۳) .

۲) گزارش علی بن حسین کاشفی همریش جامی در کتاب رشحات عین الحیات ، (ن-۹۰۹) .

۳) خمسهٔ متحیره نگارش میرعلی شیرنوائی (م-۹۰۶) بترکی جغتائی که محمدآقای نخجوانی آنرا بفارسی گردانیده است(٤)، وجز آن در مرآت‌الخیال میرعلی لودی ، مجالس‌العشاق بایقری ، و تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی ، ومجالس النفائس، وتذکرهٔ سام‌میرزا، وحبیب‌السیر، ولطائف‌الطوائف علی بن حسین کاشفی وشقائق نعمانیه، وهمهٔ تذکره‌ها که‌تازه نگاشته شده‌است ، نیز گزارش زندگی او آمده ، وکاپیتن ناسولیس در سرآغاز چاپ نفحات‌الانس (چ کلکته ۱۸۵۹م) چکیدهٔ همهٔ آنهارا آورده ، و ادوارد براون نیزدرتاریخ‌ادبیات خود (چ تهران ۱۳۲۷ ج۳-ص۵۶۲-۵۹۷ ترجمهٔ حکمت) چیزهائی برآن افزوده ، وسپس آقای علی‌اصغر حکمت آنچه دربارهٔ جامی دانستنی بوده‌در کتابی که دراین‌باره نگاشته

(۱) جامی علی‌اصغرحکمت. چ تهران ۱۳۲۰ ص۲۰۵ .
(۲) ص ۹۷ همین مجلد دیده شود .
(۳) از سعدی تا جامی (ص۵۶۵) و «جامی-ص۵۶» .
(٤) «جامی» چ۱۳۲۰ ص ۱ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گردآورده و بسال (۱۳۲۰) درتهران پخش کرده است .

آثار جامی :

سام‌میرزا شمارهٔ نگارشهای ویرا ٤٤ دانسته و نام برده (۱) و میرعلی شیرلودی (۲) آنرا نود و نه دانسته و نام نبرده‌است . و برخی شمارهٔ آنرا برابر نام جامی پنجاه و چهار دانسته‌اند. اینك فهرستی از بنام‌ترین نگارش‌های او را در زیر میآورم .

الف - دیوانها : جامی سه‌بار شعر خودرا گردآوری کرده است .

یکم : آنست که‌بسال (۸۸٤) گردآورده و دارای دیباچه‌ئیست به‌نثر که‌چنین آغازیده :

باسم الله الرحمان الرحیم هست صلای‌سرخوان کریم

أنجام : أدهم : چوخوش‌باشد که در کاشانهٔ غم

دو همدم درد دل گویند با هم

دوم : شعرهائیست که بسال (۸۸۵) گرد آورده و بدیوان یکم افزود و این نیز دارای دیباچه ایست که چنین آغاز میشود :

---

(۱) بدین ترتیب ۱) تفسیر آیهٔ وایای فارهبون ۲۰) شواهدالنبوة ۳۰) اشعةاللمعات ٤) شرح فصوص ٥) لوامع ٦) شرح برخی شعرهای چکامهٔ تائی ابن فارض ۷) شرح رباعیها۸) لوایح۹) شرح چند بیت ازمثنوی۱۰) شرح حدیث ابوذرغفاری۱۱) کتابچه دروجود۱۲) ترجمهٔ چهل‌حدیث۱۳) کتابچهٔلااله‌الاالله۱٤) منقبتهای خواجه عبدالله انصاری ۱۵) تحقیق آئین های صوفیان ، متکلمان ، حکیمان۱٦) جواب پرسشهای هندوستان ۱۷) کارهای‌حج۱۸تا۲٤)هفت‌اورنگ۲۵) کتابچه در قافیه۲٦تا۲۸) سه دیوان۲۹) بهارستان ۳۰) کتاب بزرك معما ۳۱) معمای متوسط ، ۳۲) معمای کوچك ۳۳) معما کوچکتر۳٤) عروض ۳۵) موزیك۳٦) نامه ها ۳۷) فواید ضیائی ۳۸) شرح مفاتیح ۳۹) نقدالنصوص٤۰)نفحات‌الانس٤۱) روش صوفیان ٤۲) شرح یك بیت ازامیرخسرو ٤۳) منقبتهای مولوی ٤٤) سخنان خواجه پارسا . تحفهٔ سامی چ ۱۳۱٤ تهران - ص ۸٦ .

(۲) مرآت‌الخیال. چ بمبئی. ص۷۳ .

بسم‌الله الرحمان‌الرحیم املی حمدالمنان الکریم

آنکه‌باین‌نکته‌نسجیده گشت فاتحه آرای کلام قدیم

متکلمی که خلعت اعجاز کلام معجز طراز ...

سوم : سومین‌بار اشعار خودرا بسال (۸۹۷) گردآوری کرده‌است . وی دراین‌سال همهٔ اشعار خودرا از نو به بخش نموده، نخست را که شعر روزگار جوانی‌او بوده، فاتحةالشباب، ودوم‌را ،وسط‌العقد، وسوم‌را که‌شعر پایان‌زندگانی و روزگار پیری‌اوست ، خاتمةالحیات ، نامیده است، و این کار بدستور میرعلی شیر و پیروی از کار امیرخسرو دهلوی بوده‌است (۱) .

آغاز :

بسم‌الله الرحمان الرحیم طرفه‌خطاییست زسفر کریم

انجام : هوش‌تو از آن‌دو حرف مدهوش‌شده است

مدهوش تو را ز رفتن هوش چه غم

هریك از این دیوانها دارای بخش چکامه‌ها ، مثنویها ، غزلها ، مقطعات، برگردانها، دوبیتها میباشد ، ودرهمگی آنهاروش عرفانی واخلاقی‌جامی آشکار است و کمتر معنی تازه ونو درآنها دیده میشود .

ب - بهارستان - وی‌این کتاب را برای فرزند ده سالهٔ خود ضیاء الدین یوسف که‌گلستان را میخواند، نگاشته و بنام سلطان‌حسین‌آراسته و در انشاء آن از گلستان پیروی کرده و برهشت روضه بخش کرده ۱) داستانی چند از صوفیان ۲) سخنانی از حکیمان ، ۳) دادگستری شاهان ، ٤) سخاوت و کرم ، ٥) عشق ، ٦) مطایبه‌وشوخی ، ۷) شاعرانی‌چند ۸) داستانهائی‌از زبان‌جانوران. وی در پایان کتاب مانند سعدی گفته است که شعرهای کتاب را خود سروده‌ام و ازدیگران عاریت‌نیاورده‌ام .

آغاز :

چو مرغ امرذی بالی ز آغاز

نه از نیروی حمد آید بپرواز

انجام درتاریخ پایان کتاب بسال (۸۹۲) :

---

(۱) ترجمهٔ خمسةالمتحیرین و دیباچهٔ دیوان سوم از خود جامی.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بوقتی شد آخر که تاریخ هجرت
شود نهصد ار هشت بر وی فزائی

ج- کتابهای دیگر:

- چند کتاب درمعما (۱)
- هفت اورنگ : سلسلة الذهب، سلامان و ابسال، تحفة الاحرار، سبحة الابرار یوسف زلیخا ، لیلی و مجنون خردنامه (۲) .
- کتابچهٔ درفن قافیه بنام « الرسالة الوافیة فی علم القافیه» بفارسی
- « نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص » در گزارش نقش الفصوص محیی الدین عربی .
- لوایح : درعرفان بفارسی .در(حرف ـ ل) خواهد آمد .
- لوامع : در گزارش چکامهٔ میمی « خمریه » ابن فارض شاعر صوفی مصر که در (ص ۹۲-۹۷) یاد شد .در(حرف ـ ل) خواهد آمد.
- ارکان حج : در کارها که حاجیان در کعبه انجام دهند .
- نفحات الانس : در گزارش زندگی (۵۸۲مرد) و (۳٤ زن) از بزرگان صوفی و پیران ایشان (ن -۱-۸۸۳ق)
- سخنان خواجه پارسا . محمد (م - ۸۲۲ ق) .
- شواهد النبوة . در گزارش زندگی پیغمبر و یاران و تابعان ایشان که همه را از عارفان برشمرده است. (ن-۸۸۵ق) .
- اشعة اللمعات : گزارش لمعات فخرالدین عراقی(م ٦۸۸ق) . (ن - ۸۸٦ ق) (چ تهران ۱۳۰۳ ق) .
- چهل حدیث : چهل حدیث را با چهل دوبیتی فارسی سروده (ن-۸۸٦ق) .
- تجنیس خط : واژه‌های تازی که در نوشتن همانندهستند در آن گرد آورده است . نام این کتاب درفهرستهای نگارشهای جامی نیامده ، ولی درهند چاپ شده و آقای حکمت آنرا یاد کرده .
- گزارش برچهل و چهار دوبیتی صوفیانه خود.

(۱) درگفتار دوم این فهرست یاد خواهد شد.
(۲) در (حرف ـ ه) همین گفتار خواهد آمد.

- دفتر نامه‌های جامی ، در پنج بخش ، نسخهٔ آن در کتابخانهٔ ملی تهران هست .
- نی نامه یا رسالهٔ نائیه درشرح دو بیت از مثنوی در کنارهٔ اشعة اللمعات در تهران (۱۳۰۳ ق) ص ۳۸۲ و در مجله ارمغان سال ۱۷ - ش ۸ - ص ۵۷٦ چاپ شده .
- غزلیات جامی: دربارهٔ غزلیات جامی دانشمندان آلمانی فن روزنزویك(۱) و دو کرت(۲) و ویکرهوزر(۳) و بلوتن کرانز(٤) برررسیهای بسیار نموده اند(۵). دیوان غزل او در استانبول (۱۲۸٤ق) و لکهنو(۱۲۹۸ق) و همراه کلیات شعر جامی در نولکشور(۱۹۳۰م) در(٦۳٤ص) و در تهران(۱۳۱۷ش) در(۳۱٦ص) چاپ شده.
- فواید ضیائیه . شرح کافیهٔ ابن حاجب ، در دستور زبان تازی . بارها بنام شرح جامی چاپ شده ، و از کتابهای درسی دانشجویان قدیم بشمار است .

[۵۰]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا نام نویسنده در رویه (۵۰۲) محمدبافر پسر حاجی محمدشریفی و تاریخ آن سوم رجب (۹٦٦) آمده . و در رویهٔ (۵۹۲) تاریخ رمضان ۹٦٦ و در (رویهٔ ۷٤٦) دوشنبه ۲٦ جمادی یکم ۹٦٦ و در (رویهٔ ۹٤۸) نام نویسنده محرمی آمده که آنرا درشهر هرات در تاریخ ۸٦٦ (۹٦٦ درست است) نوشته است . و در (رویهٔ ۱۲٤٤) نام محرمی زورآبادی و تاریخ ۲۵ محرم ۹٦٦ دیده میشود . و در (رویهٔ ۱۳۱۸) نام محرمی و تاریخ رجب ۹٦٦ هست . و در (رویهٔ ۱٤۹۰) تاریخ ۹٦۲ دیده میشود .

متن از حاشیه جدا است و درهریك کتابهائی نوشته شده، و فهرست آن چنین است: درمتن: دیوان یکم رویهٔ (۱ تا ۷٤٦) دیوان دوم (تا رویهٔ ۱۱۰۱) و در اینجا از پایان دیوان دوم و آغاز دیوان سوم چندبرك افتاده. دیوان سوم (رویه‌های ۱۱۰۲ تا ۱۳۱۸). بهارستان از اینجا تا (رویهٔ ۱٦٦٤) . معمای کوچك تا (رویهٔ ۱۷۱۳) . و درحاشیهٔ

(۱) کتاب روزنزویك دربارهٔ جامی در وین بسال ۱۸٤۰ م چاپ شده .
(۲) کتاب آثار رو کرت Rückert درسالهای (۱۸٤٤ - ۱۸۷٦ م) نگاشته شده .
(۳) Wickerhaveer
(٤) کتاب بلوتن کرانز Blutenkranz جزء ۷٤ ج لایپزیك ۱۸۵۵ م، و وین ۱۸۵۸ م .
(۵) تاریخ ادبیات براون ج ۳ ص ۵۹۲ ج تهران ۱۳۳۷ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چنین‌است : سلسلة‌الذهب دفتر یکم (رویهٔ ۱ تا ۲۸۹) دفتر دوم (تا ٤۱٥) دفتر سوم (تا ٥۰۳) . سلامان وابسال (تا ٥۹۳) تحفة‌الاحرار (تا ۷۲۷) . سبحة‌الابرار (تا ۹٤۹) . یوسف و زلیخا تا (۱۲٤٤) ولی درمیان رویه‌های (۱۱۰۱ و ۱۱۰۲) چند برگ افتاده است . لیلی ومجنون از (رویهٔ ۱۲٤٥) تا (۱٥٤٤) . خردنامه تا پایان‌نسخه (رویهٔ۱۷۱۳) ازپایان‌نسخه نیز چندبرگ افتاده‌است. در (برگ ۱-الف) فهرست کتابهای این کلیات نوشته شده همهٔ رویه‌ها دو جدول‌دارد؛ جدول حاشیه با لاژورد و زر ، جدول‌متن بازر تنها. برگهای (۱-ب) و (۲-الف) با زر و لاژورد وشنگرف وسفیدآب حاشیه سازی شده است . (رویهٔ ٥) یك گلچه دارد . در حاشیهٔ رویه‌های ۲۸۹ ، ٤۱٥ ، ٥۰۳ ، ٥۹۳ ، ۷۲۷ ، ۹٤۹ ، ۱۲٤٥ ، ۱٥٤٤ سرلوحه‌هائی از لاژورد و زر و شنگرف و چند گلچه‌هست. درمتن رویه‌های : ۱ و ۷٤۷ و ۱۳۱۹ و ۱٤۹۱ ، ۱٦۱۷ و ۱٦٦٥ نیز سرلوحه‌هائی بزرگتر ازسرلوحه‌های‌حاشیه دیده‌میشود. عنوانها با شنگرف است. بهنای متن یك بیت و پهنای حاشیه یك لنگه شعر است . رویه‌ها شماره دارد .هشت برگ سفید درآغاز نسخهٔ و۸ برگ در پایان نهاده شد .

(۸٥۷ برگ) نسخه ۱۷۱۳ رویه شماره گذاری شده . کاغذ دولت آبادی . جلد تیما مذهبی سوخت کهنه‌گوشه‌گذاری و لبه بندی‌شده‌است. اندازه: ۱۸٫٥×۳٥٫٥ و ۱۰×۱۷٫٥ ، متن ۱۴ سطر حاشیه ۲۸ لنگه شعر .

[٥۱] کلیات سعدی (فارسی)

در (س۱۰) این مجلد وعده دادم که اندکی دربارهٔ تأثیر سعدی در ادبیات فارسی و ارتباط آن با ادبیات ملل همسایه و خاور میانه دراینجا گفتگو کنم ، ولی اصرار کمیسیون کتابخانه دانشگاه بر کوتاه‌نویسی، مرا ناچار کرد از آن چشم پوشم. اینك بشناساندن کلیات سعدی وتاریخچهٔ آن‌بسنده میکنم .

چنانکه در (س٥۲) اشارت رفت واژهٔ «کلیات» از ریشهٔ «کل» عربی ساخته شده و ما فارسها این واژه‌را بمعنی دفتری که همهٔ نگارشهای کسی در آن گرد آمده باشد بکار میبریم .

دانسته نیست که نگارشهای سعدی‌را چه کسی‌دریك دفتر گردآورده ، برخی گردآوری کلیات‌را از خود سعدی‌دادنند وبرخی انجام‌آنرا پس‌از سعدی‌دانسته و دیباچهٔ آنرا نیز ساختگی دانند. آنچه میدانیم ، فردی‌بنام علی‌پسر احمد پسر ابوبکر که به‌بیستون نامبردار بود یك‌بار بسال (۷۲٦) و دیگربار بسال(۷۳٤) فهرستی برای پنج کتاب‌غزل‌سعدی‌ترتیب داده ، و دیباچهٔ برکلیات نگاشته ، از

این دیباچه چنین بر می‌آید که در آن روزگار برخلاف امروز ؛ غزلهای این پنج کتاب نه بترتیب حرف اول نخستین شعرغزل بوده ، ونه‌بترتیب حرف قافیهٔ آنها ، پس بیستون نخست فهرستی بترتیب حرف اول آنها تهیه کرده ، و پس از هشت سال که بنادرستی این روش پی‌برد، فهرست دیگر بترتیب حرف‌قافیه آنها درست کرده است . و کتابچهٔ نثری شوخیها (مضحکات) را که پیش از گلستان ودرپایان کتابهای نثربوده ، درپایان کلیات نهاده است . هنوز دانسته نیست؛ درآن روزگار چه هماهنگی میان غزلهای پنج غزلنامه سعدی وجود داشته، وآیابترتیب تاریخ سرودن‌آنها یا ترتیب دیگربسیج بوده‌است ؛ بهرحال پس‌ازآنکه‌بیستون فهرستی مرتب‌برحرف قافیه تهیه کرد کسانی غزلهای‌هریك ازاین پنج کتابرا درهم‌آمیخته و برابرفهرست بیستون مرتب‌ساختند وهماهنگی پیشین‌را ازمیان بردند، وتاهنگامیکه نسخه‌ئی باترتیب کهن یافت‌شود ، انگیزه ودلیل‌چنان‌ترتیب‌پنهان‌خواهدماند.

فهرست کلیات بیستون چنین است :

الف : هشت کتابچه نثربدین ترتیب :

۱) دیباچهٔ بیستون (ن - ۷۳٤) ۲) دیباچهٔ که بخود سعدی نسبت دهند ۳) مجلسهای پنجگانه ٤) پاسخ پنج پرسش شمس‌الدین صاحب دیوان ٥) پاسخ نثری به‌پرسش منظوم سعدالدین نطنزی دربارهٔ عقل وعشق ٦) نصیحت‌الملوك ۷) سه رساله : الف) ابافاخان ب) انکیانو، ج) شمس‌الدین‌تازی، ۸) گلستان .

ب : کتابهای منظوم، بدین ترتیب :

۹) بوستان یا سعدی‌نامه ۱۰) چکامه های تازی ۱۱) چکامه های پارسی که پایان آن‌مرثیه هانهاده شده۱۲) ملمعات ۱۳ تا ۱۷) غزلنامه ها : طیبات ، بدایع،خواتیم، غزلهای کهنه،صاحبیه(۱) ۱۸مقطعات۱۹)دوبیتی‌ها.۲۰)تك‌شعرها (مفردات) ۲۱) خبیثات، شعر ۲۲) شوخیها، نثر .

(۱) این چند بخش غزلهائیست که پیش از ترتیب بیستون از روی تاریخ نظم یا هم‌آهنگی دیگر مرتب بوده، و پس از آنکه غزلها بترتیب امروزی بحرف قافیه مرتب‌شده ، هیچ‌راهی برای‌فهم‌چگونگی تقسیم‌بندی باستانی دیده‌نیشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جز ترتیب بیستون ترتیبهای دیگری نیز از کلیات دیده شده وهم اکنون نسخهٔ ناقصی از سدهٔ نهم در کتابخانهٔ ملك هست که فهرست آن چنین است : در آغاز کنونی نسخهٔ گلستان دیده میشود ، سپس نصیحت‌الملوك، دومجلس از پنج مجلس، بوستان(سعدینامه)وسپس کتابهای غزل نهاده شده‌است. بازگی نیز چندین بار بخش بندی کلیات را د گرگون کرده در ایران وهند چاپ کرده‌اند ، چنانکه فروغی (محمدعلی ذکاءالملك) همهٔ غزلها را بترتیب حرف قافیه فراهم آورده در یك جلد بسال (۱۳۱۸ ش) چاپ کرد.

تاریخ هیچیك از نگارشهای سعدی که در کلیات گرد آمده از ۶۵۵ پیش نمی‌رود، و آن تاریخ سرودن بوستان میباشد. هر یك از بخشهای کلیات بتنهائی چندبارچاپ شده‌است. گلستان و بوستان چندین بار بزبانهای گوناگون ترجمه و گزارش شده است.

[۵۱]

۱۷۳ نسخه بخط نسخ . متن وحاشیه ونیال یکدیگراست. نام نویسنده ، وتاریخ ندارد - فهرست آنچه دراین نسخه هست چنین است : دیباچهٔ بیستون (برگ ۱) دیباچهٔ سعدی(گ۳) پنج مجلس(گ۴) پاسخ بصاحب دیوان(۱۸) عقل وعشق(۱۹) نصیحت‌الملوك (۲۱) سه رساله (۲۸) گلستان (۳۱) بوستان(۱)ـ(گ۹۰) چکامه‌های تازی (۱۴۹) چکامه‌های پارسی (۱۵۵) مرثیه‌ها (۲۰۰)ملمعات (۲۰۴) ترجیع و برگردانها (۲۰۸) طیبات (۲۱۳) بدایع (۲۹۴) خواتیم (۳۳۰) غزلهای کهن (۳۴۱) صاحبیه (۳۵۱) دوبیتیها (۳۶۹) تك شعرها(مفردیات) (۳۷۴) جیمات (۳۷۷) مجلس‌های شوخی بر گ‌های (۳۸۳و ۳۸۵ و ۳۸۷) .

همه رویه‌ها دارای جدول بازر و شنگرف ولاژورد . عنوانها باشنگرف و برخی بالاژورد . دارای یك سراوح بزرك در (برگ ۱ب) ودرهر یك از رویه‌های بیست وچهارگانه یاد شده یك سراوح کوچك دیده میشود . میان سطرهای برگ (۱ و ۲) زرافشانی شده. برگ یکم ودوم شماره گذاری نشده دو کنار برگ(۲ـالف و ۲۱۰ب) حسن علی رکن‌الممالك گزارشی از زادگی خود نوشته است .

دربرگهای بی‌شماره دوشعر ازمیرزا تقی علی آبادی دیده میشود .

(۴۹۰ + ۲ برگ) کاغذ آرمه . جلد تیماج قهوه‌ای زرکوب کهنه بود. توسط کتابخانه ضبط‌اق شد اندازه : ۲۴/۳×۱۵/۵ و۱۵×۸/۸؛ ۳۱ سطر

۳۰ نسخهٔ دیگر بوستان بشماره (۱۰۶) درس(۱۰) این مجلد یادشده .

[۵۲] کلیات طغرا (فارسی)

طغرا را برخی مشهدی و برخی تبریزی شمرده‌اند . وهمه‌وی را بلقب ملاطغرا خوانده ونام اورا نیاورده‌اند .

غلامعلی آزاد بلگرامی گوید (۱) : طغرا در نثر نگاری، روش نوین بکار بست ودر گزارش زندگیش گوید ازمیهن خود بهند آمد وبدربارشاهزاده مراد بخش پسر جهان پادشاه میزیست وبگردش کشور دکن می‌پرداخت، ودرپایان بکشمیر گوشه گیری گزید ، و همانجا درگذشت و نزدیك گور ابوطالب کلیم بخاکش سپردند ، غنی(۲) اورا مشهدی وساکن کشمیروسال مرك اورا(۱۱۰۰) یاد کرده . درتذکرهٔ نصرآبادی اورا تبریزی دانسته ولی گزارش زندگی طغرا را باگزارش زندگی وحشت درآمیخته ونادرست چاپ کرده اند (۳) .

تربیت (۴) از کتاب حدیقة‌الشعرا مردی را بالقب طغری مشهدی ، بنام محمدعلی تبریزی ازشاعران سدهٔ سیزدهم شمرده ، و نباید اورا با جای گفتگو اشتباه کرد .

مدرس (۵) نیز برخی از کتابهای طغرا (جای گفتگو) را در گزارش زندگی طغرائی پدر این پسین شاعر آورده است.

طغرا در کتابچهٔ الهامیه از دیوان شعر خود یاد کرده که دارای غزلها و چکامه‌ها وقطعه و دوبیتیها بوده، وهم ازمجموعهٔ نثری خود نام برده، واز خویش واز این دو کالای خویش ستایش بسیار نموده گوید : «باآنکه دوسه مرتبه جواهر خانهٔ سخن

(۱) سرو آزاد ، بخش یکم شاعران پارسی زبان هند چ ۱۹۱۳ م ص ۱۲۴.
(۲) تذکرهٔ غنی چ علی گره ۱۹۱۶، ص۸۴.
(۳) گزارش تذکرهٔ نصر آبادی چ تهران ۱۳۱۷ ش . ص ۳۳۹ چنین است : « ملاطغرا تبریزی : شخصی میگفت مشهدی است درهند میباشد . درنظم ونثر کمال قدرت دارد . چنانچه منشآت اوبنظر فقیررسید طورش غرابتی دارد در کمال پاکی .. [با وجود آزاد وحشت تخلص دارد ... بسلامت مراجعت نماید] این اشعار از اوست ...»
با اندکی بررسی دانسته میشود: چند سطری که میان دوکشان [ ] نهاده ام از گزارش زندگی وحشت (ص ۳۴۲ همان کتاب) بدینجا آمده است و بزندگی طغرا پیوستگی ندارد .
(۴) دانشمندان آذربایجان . چ تهران ۱۳۱۴ . ص ۲۴۶.
(۵) ریحانة‌الادب ج ۳ ص ۳۴ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

تاراج حوادث پذیرفته باز آنقدر هست که صندوقکدهٔ افلاک را گنجایش آن نیست... و نام دوچکامه خود «کشف‌الرموز، عرض‌الحقایق» را آورده است و نیز همانجا ازوزیرراست فرزین که از رسیدن کتاب او بنظرشاه مانع گشته،یاد کرده غزلی در بدگوئی از وزیر سروده. وما یکی از بیتهایش را اینجا می‌آوریم:

از سلك اهل دنیا گر پاکشم مکن عیب
دانسته می‌گریزد مرد از قطار نامرد

از دفتری که در آن چندین کتابچهٔ طغرا گردآمده وبکلیات طغرا نامبردار شده، یك‌نسخه در کتابخانهٔ مجلس هست که فقط شانزده کتابچه در بردارد، ولی نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه (جای گفتگو) ۲۵ کتاب دارد، و فهرست آن‌ها چنین است:

۱- پریخانه: بمعنی تکده.

آغاز: پریخانهٔ طغرا چون بنام خدیوایران زمین تازگی...

ای راقم فرد رزق چه صبح و چه شام
طراح وجود خلق چه خاص وچه عام

انجام: آن تازه مرقع سرا پا زینت
از چشم بد کسان میناد گزند

این کتابچه درپیرامون(۲۴۰ بیت‌نوشته) دارد، ونسخهٔ مجلس آن را ندارد.

۲- تاج‌المدایح: دربارهٔ مراد بخش، ودرپیرامون (۲۵۰ بیت‌نوشته)است.

آغاز: چون این نسخه زیب(۱) لوایح شد
مسمی (۲) بتاج المدایح شد

انجام: روبهرجائی که آرد در سرابستان دهر
صد هزارش بلبل طغرا لقب‌همراه باد

این کتابچه نخستین نامهٔ کلیات طغرا درنسخهٔ مجلس میباشد.

۳- مرتفعات: در این کتابچه واژه های ستاره شناسی بسیار به کاربرده است و درپیرامن (۱۰۰ بیت نوشته) دارد.

(۱) درنسخهٔ مجلس: رشك (۲) درنسخهٔ مجلس: مخاطب

آغاز: ازمرتفعات طغراسپهرفصاحت کوکبهٔ ظهوریافته...

انجام:

در حیرتم که بهرچه بقدر مانده است
در صفحهٔ وجود چو تصویر آفتاب

این کتابچه درنسخهٔ مجلس هفتمین کتاب کلیات است.

۴- خمسهٔ ضروریه: طغرادراین کتابچه‌پنج‌تن‌ازهمکاران‌خودرابسختی ناسزا گفته است: شیخ محمد خاتون، محمد طاهر، ادریس مازندرانی، یولچی خان، درویش روستائی

آغاز: آزرده‌ام از دیدن بی‌دردی چند
افسرده‌ام از صحبت دم سردی چند

انجام: از گنجینهٔ حکمت پدر بزرگوار استخراج این جواهر آبدار بقرض استعمال درآورده باشد.

این کتابچه پیرامن(۷۶ بیت‌نوشته) دارد.

۵- تذکرة‌الاحباء: دراین کتابچه۱۲تن‌همزمانان‌خودراستوده‌شیخ‌محمد علی تبتی، میرزا تیمورخان، حکیم‌محمدرضاخراسانی، شیخ‌عبدالکریم دربیتی درویش عبدالله، قاضی محمدقاسم، میرالهی، حافظ میرك علی، ابوطالب همدانی، محمدصالح‌جراح، شیخ‌اسماعیل، پهلوان‌شیرعلی.

آغاز: طغرا تا کی زبان تیز کنی — دروصف‌شهان‌سخن‌جلوریز کنی
آن‌به که‌بجای‌خفتگان‌دم‌صبح — توصیف دوازده سحر خیز کنی

این کتابچه نیزپیرامن (۷۵بیت‌نوشته) دارد.

۶- ثمرهٔ طبی: درآن، نام داروها و گیاههای‌پزشکی بسیار بکاربرده.

آغاز: ثمرهٔ طبی طغرا که این تازه میوهٔ کاغذین سبد است...

انجام: عالم همه محتاج دوای عمل‌اند
جز خالق فریاد رس بی‌علت

این کتابچه نزدیك(۴۲۰ بیت نوشته) دارد

۷- مجمع‌الغرایب: نزدیك(۱۰۰ بیت نوشته) دارد ودر نسخه مجلس یازدهمین کتابچه کلیات بشمار است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : زین نسخه که پادشاه کلکنده شنید
طغرا بـه نشان خسرو هنـد رسید
انجام : چو طغرا صید هر گل پیرهن شو
باین سبزان دمی بنشین چمن شو

مشابهات ربیعی :
آغاز : مشابهات ربیعی طغرا نسبت بنغمات عندلیبان گلشن اعجاز ...
انجام : زینسان اگر بشغل کتابت گشود کف
خواهد کنار کرد چو بند قلم ازو
این کتابچه نزدیك (۱۰۰ بیت نوشته) دارد ، و در نسخهٔ مجلس ششمین نامهٔ کلیات است .

۹ ــ مرآت الفتوح : نزدیك (۲۵۰ بیت نوشته) دارد و در نسخهٔ مجلس نامهٔ چهارم است .
آغاز : مرآت الفتوح طغرا سنجلی است که چون بساختن ش پرداخته ...
انجام : سرخ روئی کرد ازطغرا سرایت درقلم
ازطفیل نسبت نامش نشان را مژده باد

۱۰ ــ کنز المعانی :
آغاز کنزالمعانی طغراخانه گنج‌زربست کاغذین دیوار ...
انجام : دلش پر از رموز آگهی باد
بدستش نامهٔ فرمـاندهی بـاد
این کتابچه (۱۰۰ بیت‌نوشته)دارد و در نسخهٔ مجلس هشتم میباشد

۱۱ ــ جوش بلبل :
آغاز : ازلب طغرا چو گل کرد این نوای پرخروش
جوش بلبل شد خطابش درمقامات سروش
انجام : هندی نژادیست این بکر مطبوع
ز افشان بگردن افکنده هاله
عقدش چو بنـده نـازك جوانی
طغـرا نویسد رنگین قبـاله
این نامه (۱۱۰ بیت نوشته) دارد ، ودر نسخهٔ مجلس، پانزدهم میباشد .

۱۲ ــ تجلیات:
آغاز : طغرا از تجلیات خویش بی‌هوش ساز ناطقه گردید ...
انجام : سخنور با سخن دارد سروکار
زمین فکرچه گلخن چه گلزار
این نامه (۱۸۰ بیت نوشته) دارد و در نسخهٔ مجلس نهمین کتاب است .

۱۳ ــ تحقیقات:
آغاز : طغرا چوبآسمان تاز گی خیال راه یافت ...
انجام : مدادش آنچنان شد عاقبت اردورهٔ سودا
که طغراهم قلم در کف برای امتحان دارد
این نامه (۷۰ بیت نوشته) دارد ودرنسخهٔ مجلس دوازدهمین نامه است

۱۴-آشوب نامه: یا هفت آشوب . این کتابچه هفت بخش و یك دیباچه و خاتمه دارد، وهر بخش دیباچه‌ئیست که طغرا برای یکی ازهفت مثنوی زلالی خوانساری نگاشته . طغرا در دیباچهٔ هفت‌آشوب شاعران زیررا نام برده و هر یك را با چند جمله کوتاه ستوده است : عنصری ، فردوسی ، انوری ، فرخی ، سنائی، قطران،عطار، خیام، نظامی، عبدالرزاق، رشید، سعدی، کمال، ابوالفرج ملای‌روم، سلمان، خسرو، حافظ، جامی، مکتبی، آذری، اوحدی، کاتبی، معزی، ازرقی، ابوالعلاء ، سهیلی، سیف‌اسفرنك، شاهی، هاتفی، هلالی، آصفی، فغانی ، عصار ، اهلی، نظام، امیدی، وحشی، عبید، ضمیری، غزالی، سبحانی، عرفی، شاه طاهر، نوعی، سنجر، فیضی، ظهوری، ملك، طالب ، مشرقی، مغربی، و در پایان نام‌زلالی را باستایش فراوان آورده واز (سبعهٔ سیاره) هفت اورنك وی‌تعریف بسیار کرده، وسپس آشوبهارا آغاز کرده است .

آشوب یکم . دیباچهٔ محمود و ایاز (۲) ۱٤ سطراست .
آغاز : مثنوی محمود و ایاز است ، که بنـای لفظ و معنی برنـاز و نیاز است ....

آشوب دوم : دیباچهٔ حسن گلوسوز، ۱۵ سطر.
آغاز:مثنوی حسن گلوسوزاست ، که درچشم عشق‌بارسخن را طراوت

(۱) محمود وایاز زلالی در ۱۳۲۰ ق درتهران چاپ‌شده، ولی‌این‌دیباچه درآن نیامده‌است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

افروزاست (۱)...

آشوب سوم : دیباچهٔ شعلهٔ دیدار ، ۱۳ سطر.

آغاز : مثنوی دیداراست که دورهٔ بیت روشنش ....

آشوب چهارم : دیباچهٔ سلیمان نامه ، ۱۵سطر .

آغاز : سلیمان‌نامه است که نوشتن کلمات آن سبب علو خامه است ...

آشوب پنجم : دیباچهٔ آذروسمندر، ۱۳سطر

آغاز : مثنوی آذر وسمندراست که زمین شعرش ...

آشوب ششم : دیباچهٔ میخانه ، ۱۳سطر .

آغاز : مثنوی میخانه است که ابیات یکیفیتش همه‌جا مستانه است ...

آشوب هفتم : دیباچهٔ ذرهٔ وخورشید ، ۱۳ سطر .

آغاز : مثنوی ذرهٔ و خورشید است که شعاع نظمش فروغ ده سیاه و سفید است ...

در خاتمهٔ آشوبنامه از شیخ ابوالحسن (۱) که محمود و ایاز زلالی را جمع آوری و پاکنویس کرده، نام برده واوراستوده است.

آغاز آشوب‌نامه :

این نامه را چو خامهٔ طغرا تمام کرد
آشوب نامه اش زره شور نام کرد

انجام :

بترتیب مذکور باد این کتاب که فیضش بـا علی و اتنا رسد

این کتاب (۳۵۰ بیت نوشته) دارد ونسخهٔ مجلس آنرا ندارد .

۱۵ ـ ضیافت معنوی : (۱۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : ضیافت معنوی طغرا این مجموعه طبقهای کاغذین است ....

انجام : خوانی که‌سر کار کشند ازپی‌خیر
از پیش جرو که تا لب جیحون بـاد

(۱) در ذریعه (ج۷ـ ص ۱۵) آغازدیباچه چنین آمده است : (تعالی شأنه از این آیهٔ مطالعه فیروز، درشأن فهرست حسن گلوسوز ....» . وگویاآن دیباچه جز دیباچهٔ طغرا باشد .

(۲) درتذکرهٔ نصرآبادی چ۱۳۱۷ ش. ص۲۳۰ شیخ‌عبدالحسن آمده است .

۱۶ ـ انوارالمشارق : (۳۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : انوارالمشارق طغرا اگر بآسمان فصاحت ضیا نمی‌داد ....

انجام : چون ساقی دوران دهدش بادهٔ عیش
ساغر ز هـلال عید در چنگش بـاد

دراین کتابچه علی(ع) را ستایش بسیار نموده است

۱۷ ـ جلوسیه : این کتابچه (۳۶۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : جلوسیهٔ طغرا عبارت است ازاین رقم که چون بدعوای...

انجام:چون‌تخت‌چرخ، یادترامستقیم‌چتر
چون‌تاج مهر، بـادترا برقرار تخت

۱۸ـ **فردوسیه** : این کتاب دروصف کشمیر و پادشاه آنست و (۴۵۰ بیت نوشته)دارد. عنوانهایش درنسخهٔ مجلس (طوطیه) یا (توطئه) بوده و در نسخهٔ این کتابخانه عنوانها را انداخته‌اند .

آغاز : فردوسیهٔ‌طغراعبارتست‌ازاین‌تازه‌بوستان، که‌چون‌موسم‌اردیبهشت فکربطراحیش‌پرداخته، و درزمین رضوان پسند کاغذش بجای گل وریحان خط وخال‌حوروغلمان رانهال تحریرساخته. قطعه (۱) :

ای در طلب تو خانه بردوش سحـاب
بـارانی قطره در رهت سالـك آب

انجام : مطربان محفلش را بی تلاش ابر دست
جوش گلهای صدا در شاخسار ابر بـاد

۱۹ـ **چشمهٔ فیض** : شصت وشش‌نامه است که اززبان ۶۶تن ازدربازیان درپاسخ دست‌خط شاه دکن‌حیدرآباد ، خطاب بشاه نگاشته ، دردیباچه‌انگیزه این نگارش را چنین آرد: که‌چون بیشتر درباریان نمی توانستند پاسخ شایسته بدست‌خط‌شاه نویسند، من بدین‌کار دست‌زدم . ازاین کتابچه نام ونشان و مقام بیشتر درباریان هندآشکار میگردد .

آغاز : چشمهٔ فیض طغرا تمام این تازه مقالست کـه از تری لفظ خشکی ...

(۱) جمله های پیش از شعر در نسخهٔ مجلس هست و از نسخهٔ این کتابخانه افتاده‌است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام :

از آب و رنگ مدح بدربار خسروی
تا نه رواق خیمه و خرگاه تازه شد

این کتاب درپیرامون (۹۰۰ بیت نوشته) دارد .

۲۰- **الهامیه** : بیشتر آنرا گزارش زندگی وی فرا گرفته است.

آغاز : الهامیهٔ طغرا سماوی کلامیست از پردهٔ غیب...

انجام : دارم ز خدا امید، کین شرح مقال
در بزم سخن، ساز ملامت نشود

۲۱- **عبرت نامه** : چندین رقعه‌است : رقعه‌ئی دردزدیهای شعری و مضمونها که نصیرا شاعر از ظهوری شاعر دزدیده است. رقعهٔ قمارنامه ، که از چندگونه بازی یاد کرده : نرد، گنجیفه (۱)، شطرنج. رقعه‌هائی نیز بنام محمد کریم، قاضی نظاما، روشن‌قلم، میرزا سنجر، شماخوشتویس، خواجه‌لاله ، میرزا جلال اردستانی(۲)، میرک دشت بیاضی، میرزا رحیم، میرمحمد صالح، ملااحمد سلیمانی، ملانصیرمحمد نجومی، حکیم محمدحسین پزشک، آقا محمد خان ، احمدجلیلی ، میرزا صانعی، میرزا بزمی ، سید عبدالرحیم ، میرزا شریف در آن میباشد. این کتابچه (۸۵۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : قلمی بهر (۳) شده عبرت نامه
تا شود روسیه آن زرد سخن چون خامه

انجام : ایمان محفوظ باد بشفیع یوم‌المعاد .

۲۲- **وجدیه**: درهنر موزیك، باختراع فیثاغورث آنرا و نظر صوفیان: مانند نظام‌الدین اولیاء و عطار و شیخ عراقی در بارهٔ آن، و فرق میان سرود ایرانی و هندی(٤) میباشد، و پس از آن گفتگوئی از زبان آلتهای موزیك آورده که هریك کار خود را بیان و برتری

(۱) دربارهٔ بازی گنجیفه کتابی از اهلی شیرازی در این کتابخانه هست که در (حرف گ) همین گفتار در (ص۲۰۹) خواهد آمد .

(۲) طغرا در این جا (برگ ۱۷۷ ـ الف) میگوید از زمان پیغمبر هزار سال گذشته است .

(۳) سفید مانده .

(٤) طغرا در اینجا میگوید : سرودهای ایرانی از گفتهٔ مردزن باشد، و سرودهندی از زبان زنان بمردان. (برگ ۱۹۹ ب)

خویش را بردیگران مینماید، وفهرست نامهایشان چنین است: قانون، دوتار، تنبور، عود، چنگ، نی، چغانه، کمانچه، موسیقار، نی‌انبان، بلبان، رود، ارغنون، خنبر، دف، خنجری، دایره، مندل، تال، این کتابچه نزدیك (۵۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : این نامه که آواز در انشا دارد
صد شعبهٔ معرفت در املا دارد

انجام : الهی خانهٔ خود کن مقامم
کزو مانند چو ابراهیم نامم

۲۳ - **تعدادالنوادر** : درشگفتیهای کشمیر و آن هشت چیزاست .

آغاز : تعداد النوادر طغرا که عبارتست از این مقالات رنگین ...

انجام : تا پای خزان بباغ لطفش نرسد
کرده است بهار را زمین گیر سخن

این کتابچه (۱۵۰ بیت نوشته) دارد .

۲٤- **معراج الفصاحت** : دربیان برخی از صفتهای شاه : تهور، شوکت ، دیوان‌داری، فضیلت، سعادت.

آغاز : معراج فصاحت طغرا بعرش خیال رفرف معنی دارد ...

انجام : از دولت مدح آن پیمبر طینت
در جرگه دوستان خود راهم ده

۲۵- **نمونه انشاء** : نیز در برخی صفات او : سخاوت ، عدل ، شجاعت کمانداری ، علم‌زیاتی، خوشنویسی، والائی، کامرانی، سرودشناسی .

آغاز : طغرای فردانتما چون بتحریر صفت اعلی شتافته، این نوشته ...

انجام : زان پیش که آید بلبش حرف دعا
آمد بزبان استجابت : آمین

۲٦- درنسخهٔ کتابخانهٔ مجلس کتاب بی‌نامی از طغرا هست که مطالب آن مانند وجدیه درموزیك است، و نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه آنرا ندارد. این کتاب(۱٦۰ بیت نوشته) دارد و چهاردهمین کتابچهٔ آن نسخه میباشد .

آغاز : دیشب که بروشنائی چراغ پیالهٔ چنك بمطالعهٔ قواعد صدامینمود ونائی بخواندن مقاصد صوت مشغول بود، بقانونی که مقام گزینان ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام: چون ساقی دوران دهدش بادهٔ عیش
ساغر ز هلال عید در چنگش باد

در این کتابچه نیز اززبان هریك از آلات(۱) موزیك گفتاری آورده . این گفتار ها از آنچه دروجدید هست بیشتر میباشد و در آنها بآیه های قرآن نیز استدلال شده است ، و پس ازآنها بوصف مجلسهای خوشگذرانی شاه پرداخته است .

نسخهٔ کلیات طغرا در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۹۲ موقت) میباشد وفقط دارای ۱۶ کتاب است ، و کتابچه های (۱و ۴ و ۶ و ۱۴و ۱۵و ۱۷و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۵) را ندارد . خط نسخهٔ مجلس خواناتر است ، نویسندهٔ نسخهٔ ما برخی عنوانها را انداخته وخطش شکسته‌تر میباشد .

[۵۲]

نسخه بخط نستعلیق‌شکسته : نام نویسنده و تاریخ ندارد لیکن در پیرامن سدهٔ دوازدهم نوشته‌شده است. فهرست کتابچه‌های این کلیات چنین است : پریخانه (برگ ۱-ب) تاج‌المدایح (۹ - ب) مرثیات (۱۸ - الف) . خمسهٔ ضروریه (۲۱ب) تذکرةالاحباء (۲۴ ب) تحفهٔ طبی (۲۶ب) مجمع الغرایب (۴۱-الف) . مشابهات‌ربیعی (۴۴ ب) مرآت الفتوح (۳۷ ب) کنزالمعانی (۵۶ ب) . جوش بلبل (۵۹ ب) تجلیات (۶۳ - الف). تحقیقات (۶۹ - الف). آشوب نامه (۷۱ ب). ضیافت معنوی (۸۲-الف) انوارالمشارق (۸۶ ب) . جلوسیه (۹۷ب) فردوسیه (۱۰۹ ب) . چشمهٔ فیض (۱۲۴ ب) الهامیه (۱۵۴-الف) عبرت‌نامه (۱۶۳ب (وجدیه (۱۹۱ب) . تعدادالنوادر (۲۰۷ب) معراج‌الفصاحت (۲۱۰ب) . نسولهٔ‌انشاء (۲۱۴-الف) .

عنوان ها باشنگرف‌است. حاشیه‌ها بامضای (۱۲) دارد . تصحیح گشته وافتاده‌ها در کناره نوشته شده . چهاربرك پس‌ازنسخه، ازکاغذ خودکتاب هست. در برك پیش از نسخه فهرست کتابچه ها نوشته شده .

(۳۱۸ برك) شماره دار، و(۱۰برك سفید بی‌شماره)کاغذ ترنج‌لرمه .
جلد گیماج سرخ مقوالی زرکوب‌کهنه . اندازه : ۱۸ × ۲۹٫۵ و ۱۰ × ۱۹٫۵، ۱۵سطر .

۱- نام آن ها چنین است : عود ، رود ، قچك ، رباب ، بربط ، موسیقار ، تنبور ، کمانچه ، ارغنون،

[۵۳] کلیات[۱] کمال‌اسماعیل (فارسی)

کمال‌الدین‌اسماعیل اصفهانی‌فرزند جمال‌الدین محمدپسر(۲) عبدالرزاق اصفهانی، سخن‌سرای نامبردارسدهٔ ششم وهفتم است .

برادرش معین‌الدین عبدالکریم ازدانشمندان(۳) وخود و پدرش جمال‌الدین ازشاعران زبردست بوده‌اند . (۴) خاندان وی ازراه نقاشی و وزرگری وبازرگانی زندگانی میگذرانیده‌اند و نخستین کس ازایشان که بشعر پرداخت پدرش جمال بود (۵) . کمال‌در پایان زندگی به پیروان شهاب سهروردی سر سپرد (۶) وی شاهان خوارزمشاهی و خاندان صاعدی وخجندی و شرف‌الدین علی وجزایشان را ستایشها کرده است . در برخی ازشعرها سن‌خودرا بیش از شصت سال شمرده لقب خودرا گاه کمال (۷) وگاهی کمال‌الدین (۸) و نام

(۱) دراین‌دفتر یك بارهٔ بتری‌نیز از کمال‌اسماعیل‌هست، وازاین‌روی آنرابعنوان «کلیات» یاد کردم، نه «دیوان»

(۲) المعجم فی معاییر اشعار العجم . چ اروپا و[راحةالصدور این راوندی . چ لیدن ص۳۳ چنین آورده اند ، ولی در بیشتر تذکره ها عبدالرزاق را لقب محمد دانسته‌اند .

(۳) این گفتهٔ دولتشاه سمرقندی است ، ولیکن وحید دستگردی از دیوان جمال‌الدین چنین درآورده که‌وی چهارپسرداشته ونام یکی ازایشان کمال‌الدین‌محمود بوده است

(۴) درسنجش میان‌شعرپسر (کمال) وپدر(جمال) گفتگوها شده‌است ، وبیشتر شعرشناسان‌شعرپسررا پسندیده‌تردانند ، ولی‌دولتشاه گوید‌سلطان سعیدالغ‌بیك گورکان شعرپدر را بهتر میداست .

(۵) خود گوید : نیست پوشیده که درعهد صدورماضی
رخت زی مدرسه آورد ز دکان پدرم
از کرم عذر چه گویی که در ایام تو من
از میان علما رخت بیازار برم

(۶) شهاب‌دین عمر سهروردی آن ره رو
که از ممالك او دیو برحذر یابی

(۷) دربرك ۳۶۰ نسخهٔ این کتابخانه گوید
اگر بثوبت من ختم شد سخن چه عجب
رسیده است دز ایام من سخن به کمال

(۸) کمال‌الدین که چرخ پیرنارد جوانی چون تو درانواع کامل

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خودرا اسماعیل آورده است(۱) یك چکامهٔ او تاریخ ۸۵ یعنی(۵۸۵) دارد (۲) وی مرك فرزندخودرا نیزدیده وچکامه‌ئی دراین باره سروده است (۳) حمدالله مستوفی کتابچه‌ئی بنام «قوسیه» بدو نسبت‌داده . درکلیات او نیز یك‌نامه به‌نظر دیده میشود (٤) . دیوان کمال دارای چهار بخش است آ) چکامه ها ب) مقطعات ج) غزلها . د) دوبیت و تك شعرها .

غزلهای وی مانند همزمانان خودش تخلص ندارد . شمارهٔ شعر اورا هدایت پانزده هزاردانسته ، ولی نسخهٔ این کتابخانه اند کی بیش‌ازسیزده هزاروپانصد میباشد. چکامه‌های کمال بسیارمحکم‌است وبرخی از آنهاراشاعرانی مانندسلمان ساوجی پاسخ گفته‌اند. شعرشناسان کمال‌را(خلاق‌المعانی)معنی آفرین‌لقب‌داده‌اند دولتشاه داستان کشتن کمال را بدست مغولان در دوم جمادی یکم سال (٦۳۵) یاد کرده (۵) دیوان کمال دوبار درهند چاپ شده نخست بی تاریخ توسط محمد صاحب ملك‌الکتاب در(۲۰۸ص)چهارستونی . دوم که از چاپ یکم بیشتراست است در (بمبئی ۱۳۰۷ق) بوده است .

[۵۳]

۸٤۱ نسخه بخط نستعلیق . نام‌نویسنده وتاریخ ندارد . ولی نزدیك سدهٔ یازدهم‌نوشته شده. نزدیك(۱۳۵۰۰ بیت) دارد . بخش یکم چکامه‌ها دربرگهای (۱تا۲۵۸) وبخش دوم قطعه‌ها در(۲۵۸تا۳۸۷). دربرگهای(۳٤۸و۳٤۹) یك نامه‌بیش‌ازاوهست. بخش سوم غزلدو(گ۳۸۷تا٤٤۸)بخش‌چهارم دوبیتها وتك‌شعرها (گ ٤٤۸-۵۱۷) نوشته شده‌است . همهٔ‌رویه‌ها دارای جدولی ازلاژورد وزروشنگرف‌وسبزی . عنوانها باشنگرف است . درآغاز هربخش یك سوم بالای صفحه را زراندود کردهٔ و دورآن بالاژورد وشنگرف جدول بسته است

در(گ۱ب) یك‌سراوح زیبا بازروشنگرف ولاژورد دیده‌میشود، ومیان‌سطرهای آن رویه وصفحهٔ روبروی آن زرافشانی شده‌است . دربخش چهارم دور دوبیتها وتك

(۱) در گ ۲٤۹ نسخهٔ این کتابخانه گوید :

سخت است جای اسماعیل کوشکوه ولقای اسماعیل

(۲) گ ۱۰٦ب و۱۰۸ب نسخهٔ این کتابخانه .

(۳) گ ۲۵۷ ـ الف . نسخهٔ این کتابخانه .

(٤) گ ۳٤۸و۳٤۹ نسخهٔ این کتابخانه .

(۵) برای گزارش زندگی کمال اسماعیل : تاریخ گزیده ص۸۲٤ چ گراوری‌اروپا و تذکرهٔ‌دولتشاه، طبقهٔ دوم، هفت‌اقلیم و آتشکده‌آذردر(اصفهان) مجمع‌الفصحا (ج۱ ٤۷۹) وذریعه ج۹ دیده‌شود . وازهمه بهترپیش گفتاروحید دستگردی بردیوان جمال الدین اصفهانی . چ تهران ۱۳۲۰ ش میباشد .

شعرها جدولی باشنگرف بسته . تصحیح گشته وافتادگیها در کنارهٔ‌آن نوشته شده .

(۵۱۷ برگ) کاغذ آرمه سمرقندی قندی‌رنگ ، جلد تیماج مشکی مقوائی زرکوب‌سوخت درون‌کاغذهای گل بوته مایل .

اندازه : ۱۵×۳۴ و۱۵×۸۸؛ ۳۱سطر .

[٥٤] کلیات مجمر (فارسی)

مجمر، سیدحسین طباطبائی نام داشته، و از زوارهٔ اصفهان برخاسته، وی در (۱۱۹۰ق) زاده (۱) و در آغاز زندگی دریکی از اطاقهای مدرسهٔ کاسه‌گران اصفهان بآموزش می‌پرداخت‌وازراه‌زرنگاری(تذهیب) کتاب،زندگی میگذرانید. در(۱۲۱۸ق) گروسی‌مجمررادراین مدرسه دیده، گویدمعتمدالدوله (عبدالوهاب نشاط) اورابتهران آورده بایروان بنزدفتحعلی‌شاه برد، شاه اورا بنواخت ولقب مجتهدالشعراءداده همنشین شاهزاده حسنعلی میرزا گردانید، مجمردرجوانی بسال (۱۲۲۵ق)در گذشت‌ودرقم‌بخاکش‌سپردند.دیوان‌وی‌پنج‌باشش‌هزار بیت‌دارد(۲) دیوان‌مجمر بایك صفحهٔ پیش گفتارو گزارش کوتاهی اززندگی مجمر بخامهٔ‌میرزا ابوالحسن جلوه درذیحجهٔ(۱۳۱۲ق) درتهران‌چاپ شده ، وداستانهائی چند(نظم ونثر) بروش گلستان، پیشاپیش آن نهاده شده‌است .

نسخهٔ ناقصی‌ازدیوان مجمردرسپهسالارهست که۳۹۰۰بیت دارد (۳) ولی نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) نزدیك ٤۵۰۰بیت) دارد، وداستانهای نثری‌رانیز دربردارد، سپس چکامه‌ها درستایش‌فتحعلی‌شاه وپسرش حسنعلی‌میرزا ودختراو شاه‌جهان‌وقطعه‌های گوناگون‌وماده تاریخها که کهن‌ترین‌آنها تاریخ ساختمان بر که‌ئی‌درشهرزواره(مدینةالسادات)بسال(۱۲۰۹ق)میباشد وآخرین‌آنها تاریخ ساختمان مسجدی‌درتهران بسال (۱۲۲۵ق) است. وپس‌ازآن غزلها دردوبخش آمده است. الف) غزلهای نوبنام «تحفةالملوك» که بیت پایان هریك ازآنها نام فتحعلی‌شاه‌ونام‌سرایندهٔ «مجمر»رادربردارد . ب) غزلهای کهن که‌فقط‌نام«مجمر»

(۱) در انجمن خاقان مرگ وی را (۱۲۲۵ ق) آورده، و جلوه درپیش گفتار چاپ دیوان مجمر (تهران ـ ۱۳۱۲ ق) گوید گویا وی درسی وپنج سالگی بدرود زندگی گفت .

(۲) انجمن‌سوم انجمن خاقان، ومجمع الفصحا ج ۲ـص ٤۶۵ـ٤۸۳، ولی نسخهٔ چاپ ۱۳۱۲ق ۳۰۳ صفحهٔ۱۶سطری دارد .

(۳) فهرست . ج۲ ص۶۷۱ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در بردارد. سپس دو بیتیها و تک‌شعرها میباشد.

[٥٤]

۱۰۹ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده و تاریخ ندارد. لیکن پیداست که پس از روزگار سراینده و برای کتابخانهٔ فتحعلی‌شاه نوشته شده. فهرست این نسخه چنین است:

داستانهای نثر و نظم بروش گلستان (گ۱-۱۳) مثنویهائی در گفتگو با: عشق عقل، سخن (گ۱۳-۳۰) چکامه‌ها (گ۳۰-۱۱۷) قطعه‌ها (گ۱۱۸-۱۳۱) شوخیها (گ۱۳۱-۱۳۹) ماده تاریخها (گ ۱۳۹-۱٤۹) متفرقه (۱٤۹-۱٦۰) غزلهای تحفة الملوك (۱٦۰-۱۸٦) غزلهای کهن (۱۸٦-۲۱۲) متفرقه (۲۱۲-٦۱٤) دو بیتیها (۲۱٤-۲۱۸) تک شعرها (۲۱۸-۲۲۰).

همهٔ رویه‌ها از آغاز بخش چکامه‌ها بازرو و لاژورد جدول بندی شده. عنوانها با شنگرف است. شش سرلوح بازر و ساده در رویه‌های (۳۰ پ، ۱۱۷ پ، ۱۲۵ پ، ۱۳۹ آ، ۱۸۷ پ ۲۱۲ پ) دارد. در رویهٔ (۱ ب) در آغاز داستانهای نثر چنین نوشته شده: این داستانهای پراکنده، پس از مرگ مجمر گرد آمد، و در آغاز دیوان نهاده شد. برگهای ۸۵، ۸٦، ۱۵۹، ۲۲۰ و ۲۲۱ سفید است.

(۲۲۱ برگ) کاغذ سفید. جلد لیماج مشکی یک لا حاشیه زرد.
اندازه: ۱۷×۳۷ و ۹×۱۷ : ۱۱ سطر.

[٥٥] گلستان (فارسی)

در (ص ۱٤۱-۱٤۳) و (ص ۱۹۲) اندکی دربارهٔ این نامبردار ترین کتاب فارسی گفتگو شد، از چند گزارش آن نیز نام بردم. در اینجا چند گزارش دیگر را یادآوری مینمایم:

- سراج‌الدین علی‌خان آرزو هندی (م - ۱۱۹٦) آنرا بفارسی گزارش نموده و خیابان گلستان نامیده و در (۱۲٦۷ق) در دهلی چاپ شده.
- میرنورالله احراری هندی، بفارسی گزارش داده و آرزو از آن نقل کرده است.
- عبدالله موسوی (جنید) فرهنگی درسه بخش برای گلستان نگاشته.
- ملاسعد تتوی. نیز بفارسی گزارشی داده و سراج‌الدین آرزو از آن نقل کرده است.
- محمد، تاج‌الدین بهجت. بفارسی گزارش داده و چمنستان نامیده است و بسال (۱۲۹۸ق) چاپ شده‌است.

ترجمهٔ بزبانهای بیگانه:
- اندره دوریر، بفرانسه، بسال ۱٦۳٤ م = ۱۰٤۳ق.

- ژانتیوس بلانیی بامتن فارسی بخط نسخ در ۱٦٥۱م = ۱۰٦۱ ق.
- بانگلیسی در ۱۸۷٤ م = ۱۱۸۸ ق.
- فردریك اکسن باخ از فرانسه به آلمانی بسال ۱٦۳٥ = ۱۰٤٥ق.
- آدام اول آریوس، به آلمانی، ۱٦٥٤ م = ۱۰٦٤ق.
- بروسی، در ۱۸۸۲ = ۱۲۹۹ق.
- هلندی، ۱٦٥٤ = ۱۰٦٤ق.
- کازیمیرسکی لهستانی پلونی، ۱۸۷٦م = ۱۲۹۳ق.
- هندی، ۱۸۰۲ م = ۱۲۱٦ق.
- جبرئیل مخلع پسر یوسف (م۱۸٥۱م) بعربی (ج۱۲٦۳ق) بولاق.

[٥٦]

۱۷۳ نسخهٔ بخط نسخ هشتمین کتاب دفتر یست که بنام کلیات در ص ۱۹٤ این مجلد یاد شده. از برگ ۷ تا ۲۰ آبرا گرفته. عنوانها با شنگرف است. کاغذ گوجلدهاست که در (ص۱۹٤) یاد شد.

[٥٦] گنجیفه (فارسی)

گنجیفه یا گنجفه نوعی ورق بازی ایرانی است (۱) که اکنون از میان رفته است.

در این بازی هشت دستهٔ دوازده برگی که نوع و نقش و رنگ داشته بکار میرفت، هریك از این دسته های هشتگانه نامی بترتیب زیر داشت: ۱) غلام ۲) تاج ۳) شمشیر ٤) اشرفی ٥) چنك ٦) برات ۷) سکه ۸) قماش. و هریك از این دسته‌ها دوازده برگ داشت، دو تا بنام شاه و وزیر، و دیگران با شمارهٔ (۱ تا ۱۰) شناخته میگردید. برای این بازی دستگاه ویژه میساختند و آنرا گنجیفه مینامیدند. برگهای نود و شش‌گانهٔ این دستگاه طوری ساخته میشد که هریك از آنها بتنهائی شناخته میگردید.

جای گفتگوی ما کتابچهٔ شعریست که یك دیباچه و ۹٦ دو بیتی دارد. سراینده

(۱) امروز نوعی ورق بازی بکار میرود که گنجیفهٔ فرنگی نیز نام دارد، و آن ٥۲ برگ دارد که چهار دسته بنامهای: گشنیز، خشتی، دلی، سروی، پخش شده، و هریك سیزده برگ دارد، که سه‌تای آن‌ها: شاه، بی‌بی، سرباز نام دارد، و باقی از ده تا تك‌خال نامیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اهلی شیرازیست که‌در(ص۱۸۳-۱۸۶) این جلدیادشد. وی دردیباچهٔ گوید این دو بیتیها را آن گونه سرودم که هرگاه هر یك از آن ها را بر یك برگ سفید و بی نشان بنویسند بجای یك برگ گنجفه باشد، وهمهٔ آنها بجای یك دستگاه گنجفه بکاررود.

اکنون از بازی گنجفه فقط نامی درفرهنگها مانده‌است واز روش این بازی چیزی نمی‌دانیم. طغرای مشهدی که‌در(ص۱۹۵-۲۰۴) این مجلدیااو گذشت‌در بخش قمارنامه از کتابچهٔ عبرت‌نامه ازسه گونه بازی‌یاد کرده که یکی‌از آنها گنجیفه است، و بررسی آن معنی برخی ازاصطلاحها ونام ورقهای این‌بازی را روشن میسازد (۲).

نسخهٔ ازاین کتابچه رامن با نسخه های کتابخانهٔ دانشگاه و مجلس برابر کرده ودر آغاز سال۱۳۳۲ درمجلهٔ دانش وبتنهائی چاپ وپخش کردم.

چنانکه گفتم این کتابچهٔ یاددیباچهٔ نثری و ۹۶ دوبیتی دارد.

آغاز دیباچه : بسم‌الله تیمناً بذکره‌الاعلی. پوشیده نماند بر ارباب صورت ومعنی که این بندهٔ کم بضاعت...

آغاز گنجفه : ای سروسهی خاك رهت وقت خرام
کی صورت مه بود چو حسن تو تمام

(۲) عبارت طغرا چنین است :

.... گنجیفه رادلدارتبع مهاجرت پاریاره گردیده، و از دفتروجودش دوفرد را هیچکس یکجاندیده، اصافش از کسادبازاری دکانها برچیده‌اند، ودست امیدازدامن خریدار کشیده شمشیرمنتظر که آب رفته، بجوی باز آید، وچنگ گوش برصدا، که‌تار امید به‌آواز آید، ازبی‌رونقی قماش پنبه راآتش بجان افتاد، وتاج رادر کلاه اعتبار پشمی نماند. زرسرخ برنگ زرد عهدبسته، وزرسفید بردلیل‌سیاه نشسته، ده غلام را یك پشیز نیرزند، ودستهٔ برات‌را بکاغذ حلوائی نمی‌شمرند. رباعی :

در گنجیفه هون اگر که نا صاف رسد
رونق ز قماش تا بشداف رسد
کر صف غلام یابد یك هون
خیرش بدو صد خواجهٔ صراف رسد

کلیات طغرا (برگ۹۰) نسخهٔ این کتابخانه بشمارهٔ (۱۱۰) دیده شود.

هر کس که ترا بنده بود پادشه است
از بندگی تو پادشاه است غلام

این دوبیتی برای نخستین برك (شاه) ازدستهٔ یکم (غلام) سروده شده.

انجام گنجفه : ای کژستم‌تواشك‌باشند همه
جویای غمت نهان و فاشند همه
اهلی بوفای تو نظر دوخته است
از اهل جهان که یك قماشند همه

این دوبیتی برای برگ‌دوازدهم (تك‌خال) ازدستهٔ هشتم (قماش)سروده شده‌است.

[۵۶]

۵۶ نسخه‌بخط نستعلیق‌دردفتریست که‌بعنوان کلیات‌اهلی‌شیرازی در(ص۱۸۶) این مجلد یادشده. ازبرگ (۲۶۸تا۲۷۴) آنرا گرفته است.
همهٔ دفتر(۴۵۰ برگ) این کتابچه (۶برگ) کاغذ وجلد و اندازه همانست که‌در(ص۱۸۶) این مجلد یادشده است.

[۵۷] گنجینهٔ نشاط (فارسی)

نگارندهٔ آن میرزاعبدالوهاب اصفهانی ملقب‌بمعتمدالدوله ومتخلص به‌نشاط ازمردان ادب وسیاست روزگارفتحعلی‌شاه قاجاراست. وی خط شکسته‌راخوب مینوشت ودرشعرفارسی زبردست بود، وشعرتازی وترکی نیزمیسرود. درشهر خود اصفهان انجمن ادبی بپاساخت، ودرشعرپارسی جنبشی‌پدیدآورد که هدف آن بازگشت بسبك‌خراسانی وزنده کردن روش چکامه سرائی شاعران‌پیش از مغول بود، بزرگترین شاعران همزمان نشاط در این انجمن شرکت جستند، نشاط دراین راه دارائی خود رانیز ازدست نداد. براون گوید : از بس‌شاعران وصوفیان رابنواخت‌تهی‌دست گردید(۱).

از آثار وی گنجینه که‌جای گفتگوی ماست‌بجا مانده وازساقینامه‌او نیز هدایت(۲)بیت‌هائی آورده‌است. نشاط بسال(۱۲۴۴ق) در گذشت ومنصف‌قاجار

(۱) تاریخ ادبیات براون، چ‌تهران، ج ٤ص۲۰۰،
(۲)مجمع‌الفصحاء چ۲ص۵۱۱،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در تاریخ مرگ اواین لنگه را بسرود : « از قلب جهان نشاط رفته ».

گنجینهٔ نشاط کتابی است بنظم و نثر در پنج درج : ۱) درود و ستایش پروردگار بروش خدا پرستان ۲) ستایش شاه، ۳) نامه ها، فرمانها که از زبان فتحعلی شاه برای شاهان روزگار بانگلستان ، فرانسه، عثمانی، افغانستان، عربستان سعودی و مانند ایشان و وزیران و بزرگان بغداد، نجف، افغان، وجز آن نگاشته است ، و در آنها چکامه ها و قطعه ها نیز دیده میشود، ٤) نامه ها که خود نشاط بشاهزادگان و وزیران، و یا از زبان ایشان برای دیگران نگاشته، و در آغاز این درج نامهٔ بی نقطه ای که وی بشاه نگاشته است دیده میشود، ٥) وازدات و نامه های گوناگون نظم و نثر.

آغاز : درج اول در تقلید از باب توحید واصحاب یقین ... بسمله. ابواب مخزن وجود بحکم...

انجام : ازدوست رنجیده رادیدم که همی رفت... با دشمنان تذلل وخضوع سازی نه که بادوستان تجلدو بی نیازی .

[٥٧]

۹۲ نسخه بخط نستعلیق ، نام نویسنده و تاریخ ندارد ، ولی در پایان لوامع جامی (برگ ۱۸۷) که دنبال آنست تاریخ ۱۲٤٦ دیده میشود . نخستین کتاب این دفتر است از برگ (۱ تا ۱۲۱) آنرا گرفته. کتاب دوم شعر نشاط است که در عنوان «مجموعهٔ شعر نشاط» یاد خواهدشد . کتاب سوم لوامع جامی و چهارم بخشی از منشآت میرزا مهدی استرآبادی میباشد. عنوانها باشنگرف است. رویه شمار نداشته، ولی نشان پابرگی دارد . فهرست این نسخه چنین است: درج یکم تا برگ (۱٤) دوم (۱٤–٦۱) سوم (٦۱–۹٤) چهارم (۹٤–۱۱۰) پنجم (۱۱۰–۱۲۲).

همه دفتر (۱۸۹ برگ) این کتاب (۱۲۸ برگ) کاغذ اصفهانی . جلد تیماج قهوه ای یک لا .

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۲ و ٦ × ۱۳ . با ۱۷ سطر .

[٥۸] لوامع أنوار الكشف والشهود على قلوب (فارسی) ارباب الذوق والوجود

گزارشی است بفارسی بر چکامه ای بقافیهٔ میم در وصف می و ستایش آن بمعانی عرفانی. سرایندهٔ چکامه ابن فارض شاعر عارف مصری عرب زبان (٥۷٦–٦۳۲) میباشد که یاد او گذشت(۱) وچنانکه در آنجا گفتم نام چکامه های تائی و میمی وی

(۱) همین جلد (ص۹۲–۹۷)

زبانزد همهٔ صوفیان بوده است و آنها را گزارشها نوشته اند. چلبی(۱) گزارندگان زیررا برچکامهٔ میمی یاد کرد :

- عزالدین محمود کاشی (م-۷۳٦).
- قیصری، شیخ داود پسر محمود (م-۷۵۱) بعربی باسه پیش گفتار، و آنرا به امیرالدین عبدالکافی پسر عبدالله تبریزی پیشکش نمود.
- سیدعلی پسر شهاب همدانی (م-۷۸٦) مشارب الاذواق را بفارسی نگاشت
- جامی(۲) که گزارش او جای گفتگوی ماست.
- احمد پسر سلیمان که بابن کمال پاشا نامبردار است (م-۹٤۰) بجامی پاسخ هاداده است .
- ملاعلمشاه عبدالرحمان پسر صاچلی امر (م-۹۷۸).
- قاضی صنع الله پسر ابراهیم (م-۱۰۵۰) بیاری جامی برخواسته و بابن کمال پاشا چهل پاسخ داده است .
- محمد پسر ناصر، حسینی گیلانی طبیب .

جای گفتگو گزارشی است که جامی (۲) براین چکامه نگاشته و آنرا « لوامع انوار الکشف والشهود » نامیده و به «لوامع جامی» نامبردار شده است . جامی هربیت از چکامهٔ ابن فارض را بیك دو بیتی فارسی گردانیده و هر گفتار این کتاب را «لامعه» نامیده است .

تاریخ نگارش آن در یك دوبیتی در پایان کتاب سال (۸۷۵) معین شده، و یك دیباچه در بیست وسه صفحه برای آن نگاشته است .

آغاز چکامه :

شربنا علی ذکر الحبیب مدامة
سکرنا بها من قبل ان یخلق الکرم

دوبیتی فارسی آن :

دوزی که مدار چرخ وافلاك نبود
و آمیزش آب و آتش وخاك نبود

(۱) کشف الظنون (حرف-ق) قصیدهٔ خمریه.

(۲) نورالدین عبدالرحمان که در (ص۱۸٦–۱۹۲) این مجلد یاد او گذشت .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بریاد تو مست بودم و باده پرست
هرچند نشان باده و تاك نبود (۱)

آغاز لوامع : سبحان من جمیل لیس لوجهه نقاب الا النور... اما بعد این ورقی چند است در شرح الفاظ... قصیدهٔ میمیهٔ خمریهٔ فارضیه... و هر مقدار مستقلی از کلمات جامعه تصدیر می یابد بکلمهٔ لامعه، تنبیهاً علی انهامن لوامع انوار الکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق والوجود...

انجام : الهی هرچه در دل گذشت یا بر زبان ... قطع مراحل به ترتیب این لوامع، وطی این منازل تألیف مرابع، فی تاریخ یفهم من هذه الرباعیة :

بی دعوی فضل جامی ولاف وهنر
در سلك بیان کشید این نقل گهر
و آن لحظه که شد تمام آوردبدر
تاریخ مه و سال وی از (شهر صفر = ۸۷۵)

[۵۸]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده ندارد. در تاریخ ۱۲٤٦ نوشته شده که در پایان کتاب دو برگ (۱۸۷ـالف) دیده میشود. عنوانها با سیاهی درشت و برخی با شنگرف است. روی متن چکامه، خطی شنگرفی کشیده است.

این نسخه در دفتریست که چهار کتاب در بر دارد ۱) گنجینهٔ نشاط ۲) مجموعهٔ شعر نشاط ۳) این کتاب که از برگ (۱۵۳ تا ۱۸۷) دفتر را گرفته است. ٤) برخی از منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی.

همهٔ دفتر (۱۸۹ برگ) این کتاب (۳۴ برگ) کاغذ اصفهانی.

جلد تیماج قهوه یك لا. اندازه : ۱۴×۲۰/۴ سطر.

[۵۹]

۸۶۷ این نسخه چهار دهمین کتابچهٔ دفتریست که بیشتر آن کتابچه های عرفانی میباشد و دهمین کتابچهٔ آن لوایح جامی است که آن نیز یاد خواهد شد از برگ (۲۰۵ تا ۲٤۵) دفتر را گرفته است.

همه دفتر (۲۷۰ برگ) این کتابچه (۴۰ برگ) کاغذ کبود رنگ

جلد تیماج مشکی فرموده از یك طرف افتاده است. اندازه : هر ۱۰×۱۷، ۱۲ سطر

(۱) آغاز یکی از غزل‌های جامی نیز چنین است :
بودم آن روز در این میکده از درد کشان
که نه از تاك نشان بود و نه از تاکشان

[۶۰]

۳۳۹ نسخه بخط شکسته سی و هفتمین نامهٔ دفتریست. برخی از آن بچلیپا نوشته شده دیباچه آن افتاده است. آغاز کتونی (شربنا علی ذکر...) آخرین لامعهٔ آن نیز افتاده است.

[۵۹] لوایح (فارسی)

کتابچهٔ نیست بنثر فارسی در عرفان. دارای ۳٤ گفتار که هریك را لایحه و کتاب را لوایح نامیده و هریك را بدو بیتهائی پایان داده است.

در دیباچهٔ درازی که برای آن نگاشته چند دو بیتی آورده و در یکی از آنها کتاب را بشاه همدان پیشکش کرده گوید:

سفتم گهری چند چو روشن خردان
در ترجمهٔ حدیث عالی سندان
باشد ز من هیچ مدان، معتمدان
این تحفه رسانند بشاه همدان (۱)

چاپی (۲) گوید : سید کاسه گرانی لوایح را گزارشی نیکو بفارسی نگاشته و در ذیل کشف الظنون آرد (۲) : عماد الدین فضل الله پسر علاء الدین پسر علی مشهدی طوسی (م-۹۱٤) نیز لوایح را شرح کرده است.

آغاز : لااحصی ثناء علیك، کیف... خداوندا سپاس تو بر زبان...

انجام (نسخهٔ ۱۱۸) :

چون جلوهٔ آن جمال بیرون زنیست
پا در دامان و سر بجیب اندر کش

انجام و نسخهٔ چاپی :

لب بگشائی بنطق خاکت بدهن.

این کتاب یکبار در لکهنو (تولکشور) (۱۳۵۵ق = ۱۹۳٦) با منهاج العارفین و یکبار در تهران (۱۳۱۲ش) با شرح چکامهٔ میرقندرسکی و رساله از مجذوب همدانی چاپ شده است. در (۷٤ ص) با پیشگفتاری از حسین شجره

[۶۱]

۱۱۸ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده ابوسعید در ماه جمادی دوم سال (۹۰۲) آنرا نوشته است.

(۱) حکمت در کتاب جامی (ص ۱۷۱) گوید : شاید از شاه همدان جهانشاه قره قوینلو ترکمان را خواسته که در (۸۷۰) پادشاه آذربایجان و کردستان و همدان بوده است.
(۲) کشف الظنون (حرف دال) و ذیل کشف الظنون (حرف ـش).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عنوان ها با شنگرف . پشت نخستین و آخرین صفحه شعری چند با خط کهنه نوشته‌اند. برخی جاها تصحیح شده و افتادگی را در کناره نوشته‌اند.

(۴۰برگ) کاغذ ترمه قدیمی. دو برگ ساید پیش از نسخه و دو برگ پس از آن افزوده‌اند . جلد تیماج مشکی بی‌لا

اندازه : ۹ - ۱۷ و ۸ر۴×۱۳ ، ۱۶ سطر

[۶۲]

۸۶۷ نسخهٔ خط نستعلیق دهمین کتابچهٔ دفتری است که بیشتر آن در عرفان است از برگ (۱۳۲ تا ۱۵۰) دفتر را گرفته

همهٔ دفتر (۴۷۰برگ) این رساله (۱۸ برگ) کاغذ آبی‌گبود رانک . جلد تیماج قهوه مقوائی فرسوده از بالا بی افتاده .

اندازه : ۵ر۱۰×۱۷

[۶۰] مثنوی مولوی (فارسی)

چنانکه در(ص۱۱۶) گفتم شعرهائیکه قافیهٔ آنها جفتاجفت باشد مثنوی نام داشته. درمثنوی آهنك همهٔ لنگه باید برابر باشد ، و هر جفت آنها یك قافیه داشته باشد، و این آزادترین و کهن‌ترین گونه‌های شعر بوده. رودکی کلیله‌ودمنه را دربحر رمل جفتاجفت سروده وابوشکور آفرین‌نامه ودقیقی وفردوسی واسدی شاهنامه و گرشاسپنامهٔ خودرا بیحر تقارب جفتاجفت سروده‌اند .

ولی پس ازسدهٔ هفتم شهرت نام مثنوی مولوی ، این‌واژه راوبژهٔ این کتاب ساخته، وامروزه آهنك مثنوی، یآهنك ویژه‌مثنوی مولوی‌یعنی بحررمل‌مسدس مقصور بوزن (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) گویند، وشعریرا مثنوی نامند که‌یکی ازشاخه‌های بحررمل سروده شده و قافیهٔ آن جفتاجفت باشد .

سرایندهٔ مثنوی:

جلال‌الدین محمد بلخی (ز.بلخ ۶ - غ۱ - ۶۰۴ ه‍.م- ۵ ج۲-۶۷۳) پسربهاء الدین محمد بلخی که به ملای روم نامبردار است و دربرخی از غزلها «خاموش» تخلص میکرده . در(۶۰۹) ازخراسان به‌آسیای کوچك (روم خاوری) رفته . وسروری صوفیان‌آنسامان بخاندان اورسید. گزارش زندگی اووخاندانش در این کوتاه فهرست جایگزین نمی‌باشد . برای بررسی آن، کتاب های زیر دیده شود :

- معارف سلطان ولد بهاءالدین پدرملا .
- مقالات شمس تبریزی (نسخهٔ‌عکس کتابخانهٔ ملی‌تهران).

- مثنوی‌ولدی .
- معارف سلطان ولدپسرملا دو(۱۰۰۰۰ بیت) توسط همائی چاپ شده .
- مناقب‌العارفین . ازشمس‌الدین‌افلاکی.
- کتابیکه‌سپهسالار.درگزارش‌زندگی‌ملاوخانواده‌وی‌نگاشته ودردنبال مثنوی بعنوان جلدهفتم(متم جلدششم) در کانپوربسال (۱۷-۱۳۱۹ق) چاپ شده .
- شخصیت‌مولانا . از حسین شجره . (۳۳۸ص) چ تهران .
- شرح احوال مولانا . ازفروزانفر. چ تهران ۱۳۱۶ش.
- پیش گفتار مثنوی چ خاور (۱۵-۱۳۱۹ش) تهران .

آثار ملای روم :

۱- **دیوان غزل:** ملادرهمهٔ‌غزلهای خودبرخلاف‌شاعران‌دیگربنام‌شمس‌تبریزی استادخودتخلص جسته‌است بجزچندغزل که بنام‌صلاح‌الدین‌زرکوب‌وحسام‌الدین چلبی‌وباتخلص «خاموش» است. شمارهٔ‌شعراین‌دیوانرا پیشینیان‌مانند دولتشاه‌سمی هزاردانسته‌اند،ونسخه‌های‌دست‌نویس‌ازپنج‌تاپنجاه‌هزاردارد، ونسخهٔ‌چاپی‌پنجاه هزاربیت است . و بی‌گمان بسیاری برآن افزوده شده است . چنانکه بیش از ۲۰۰ غزل ازشاعری بنام شمس (شمس مشرقی) برآن افزوده‌شده ، وفروزانفر آنها راازغزلهای مولوی‌جدا کرده‌است، ونیزدرزمان‌صفوی برای‌شیعه‌نمایاندن ملاشعرهائی برایش‌ساخته‌شده.

۲- **دیوانچها** : بسال (۱۳۱۲ق) در چاپخانهٔ اختر استانبول ۱۶۵۹ دویتی بنام ملا چاپ‌شد، ولی بی‌گمان بسیاری از آنها سرودهٔ ملا نمیباشد.

۳- **فیه‌مافیه** : دفتریست که گفتارهای عرفانی‌ملارا، پسرش بهاءالدین ولد یا دیگری‌مینوشته، وبدینصورت درآورده، و بیشتر آنها گفتگوی ملا بامعین‌الدین پروانه است (۱) این کتاب یك بار در(۱۳۳۳ق) درتهران‌وبار دگر در(۱۳۲۷ش) درهمین‌جا چاپ شده .

۴- **نامه‌ها** : نامه هائیست که ملا برای دوستان خود نگاشته است . محمد فریدون نافذآنها راگردآوری و چاپ کرده است .

(۱) معین‌الدین پروانه بهیت توطئه یا مصریان، بدستور آباقاخان در سال (۶۷۵ق) کشته‌شد (مختصرالدول ابن عبری چ بیروت ،ص۵۰۱).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۵ ـ هفت مجلس : هفت گفتار از ملاست . نسخهٔ آن (نوشتهٔ ۷۸۸) در کتابخانهٔ سلیم آقا در اسکدار بوده و محمد فریدون نافذ آنرا در (۱۳۱۵ش) چاپ کرده و سپس در پیشاپیش مثنوی در تهران (چ خاور ۱۵-۱۳۱۹ ش) آمده است .

۶ ـ مثنوی مولوی: که جای گفتگوی ماست کتابی عرفانی است که افکار صوفیان سدهٔ هفتم بصورت داستانهای منظوم و دنبال هم بزبان ساده در آن گرد آمده، آیه‌های بسیار از قرآن و حدیثهای فراوان از پیغمبر در این کتاب تفسیر و مطابق عقیدهٔ صوفیان تأویل شده است . اگرچه پیش از مولوی شاعران صوفی مانند سنائی و عطار مثنویهای عارفانه سروده‌اند ولی هیچ یك باین دراز اسخن سرائی نکرده‌اند.

جهان بینی صوفیانهٔ مولوی در کتاب مثنوی :

هستی جهان یکی است و همو خدا است و جهان جلوه گاه اواست، جهان ماده سایهٔ جهان معنی است و حقیقتی ندارد . روان آدمی پرتوی از هستی خداست و از آن جدا گشته و بقفس خاك فرود آمده و زندانی شده و همواره آرزوی رهائی دارد ، اینست عشق پاك و درست ، اینست معنی سوز و گداز عشق عارفانه .

بشنو از نی چون حکایت میکند
و از جدائیها شکایت میکند

ادراك و فهم بشر از راه منطق و استدلال نارسا و ناقص است. دانش درست از راه الهام و اشراق بدست آید .

پای استدلالیان چوبین بود
پای چوبین سخت بی تمکین بود

فکر صوفیانه در آن روزگار فکری آزاد بود ، بند های افکار خشك مذهبی را پاره میکرد، و بدارندهٔ خود اجازهٔ بررسی و کنجکاوی میداد، و بدینجهت همیشه مورد فشار ظاهر بینان و دستگاههای عوام فریبی بود، و از این روی در آموزش صوفیانه پنهانکاری جای استواری داشته است

دانه چون اندر زمین پنهان شود
سر آن سرسبزی بستان شود

مثنوی در شش دفتر است، عبداللطیف در دیباچهٔ خود بر نسخهٔ ناسخه مثنوی گوید : ملا میخواست به پیروی از نظامی پنج گنج بسراید ، و پس از انجام آن از نو بسرودن شعر میل کرد، و این از چندیت آغاز دفتر ششم آشکار میشود . اینك فهرست دفترها :

دفتر نخست : در پیرامن سال (۶۵۷) آغاز شده ، و در (۶۶۰) پایان یافته، ۱۸ بیت آغاز دفتر را خود ملا نوشته، و باقی را میسروده و حسام‌الدین چلبی و دیگر یاران مینوشته‌اند .

شمارهٔ بیتهایش در چاپ خاور = خ ۴۵۳۷، و در چاپ نیکلسون = ن ۴۰۰۳) است (۱) .

آغاز: بشنو از نی چون حکایت می کند
و از جدائی ها شکایت می کند

انجام :

صبر آرد آرزو را نی شتاب صبر کن والله اعلم بالصواب

دفتر دوم : در سال (۶۶۲) بدان آغاز کرده، و سبب دو سال تأخیر، دل سردی حسام‌الدین بوده که از مرگ زن او رخ داده . شمارهٔ بیتهای این دفتر: خ: ۴۱۵۶ و ن: ۳۸۱۰ است .

آغاز : مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

تا آنجا که :

مطلع تاریخ این سودا و سود سال هجرت شصت و شصت و دو بود

انجام :

قوم دیگر ناپذیرا ترش و خام ناقصان مر مبدی تم الکلام

دفتر سوم : شمارهٔ بیتها در خ ۵۲۴۶ ، و ن : ۴۸۱۰ بیت است .

آغاز : ای ضیاء الحق حسام‌الدین بیار
این سوم دفتر که سنت شد سه بار

انجام :

گر تو خواهی باقی این گفتگو ای اخی در دفتر چارم بجو

دفتر چهارم : شمارهٔ بیتها پیش در، خ: ۴۱۳۱، و ن: ۳۸۵۵ است .

(۱) این دو چاپ از آن روی که نخست بزرگترین و دوم کوچکترین چاپها است در اینجا آورده شده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : ای ضیاءالحق حسام الدین تولی
که گشت از مه بنورت مثنوی

انجام :
عرش چه ؟ و چرخ چه ؟ ای ذوالباب فهم کن و الله اعلم بالصواب

دفتر پنجم : پنجمای این دفتر در خ ۵۵۵۴۵ و ن ۴۲۳۸ میباشد.
آغاز : شه حسام الدین که نورانجم است
طالب آغاز سفر پنجم است

انجام :
هین مجو تریاق فاروق ایغلام ناشوی فاروق دوران والسلام

دفتر ششم : بگفته دده بسال (٦٦٦) پایان یافته است . آخرین داستان این دفتر ناتمام مانده وهمهٔ آن در نسخهٔ ن (۴۹۱۶ بیت) میباشد و در خ ۵۳۵۷ است .
آغاز : ای حیات دل حسام الدین بسی
میل مثنی جوشد بقسم سادسی

انجام :
چون فتاد از روزن دل آفتاب ختم شد والله اعلم بالصواب

انجام خاتمهٔ که بهاءالدین پسر سراینده (۱) برای مثنوی سروده است:
بام گردونرا ازو آید نوا گردشش باشد همیشه زانهوا

دفتر هفتم :
چنانکه دیدیم مثنوی شش دفتریش بوده ،ولیکن درسدهٔ یازدهم مردی بنام اسماعیل دده پسر احمد انگارائی هنگامی که بسال ۱۰۳۵ گزارش برشش دفتر مثنوی مینگاشته ،بگفتهٔ خود بنسخه‌ای ازمثنوی برخورده که در (۸۱۴) نوشته شده ، و در آن بفتری بنام دفتر هفتم مثنوی دیده است .
آغاز : ای ضیاءالحق حسام الدین سعید
دولتت پاینده فقرت برمزید

انجام : حسبی الله ما عنان اختیار
با تو داریم ای قدیم کردگار

(۱) درستی نسبت شعرهای خاتمه بپسرملا جای شك است .

تاریخ سرودن این دفتر چنین آمده است (۱):
مثنوی هفتمین کز غیب جست ششصد و هفتاد تاریخ ویست

این دفتر فقط درچاپ خاوردنبال مثنوی آمده و ۱۷۶۲ بیت دارد .

دیباچه ها :

در آغاز هردفتریك دیباچه بنثردیده میشود که بخود ملانسبت داده شده وشمس الدین افلاکی درمناقب نیز دربارهٔ تغییردادن ملادیباچهٔ دفتردوم راسخن بمیان آورده وفروزانفر نیزاین دیباچه‌ها را ازخودملادانسته،ولی اگرپذیرفته شود که ازخود اوست نبایددست بردیگر آنرا در آنها نادیده گرفت . بهرحال دودیباچهٔ نخست بفارسی و چهار دیگر بتازی است، و عبداللطیف عباسی آنها را بفارسی گردانیده است .

دده گفته است ملا مثنوی را در (٦٥٧) آغاز کرد و در (٦٦٦) پایان داد (۲)

برخی نام مثنوی رامصقل الارواح، نوشته‌اند، باین‌دلیل که این‌واژه در یکی ازشعرهای مثنوی آمده است (۳) ولی این نادرست است‌چه در آنجا صیقل الارواح صفت مثنوی آورده شده‌است . وبرخی نیز نام آنرا « حسامی نامه » دانسته وبیتی دیگر دلیل آورده(٤) است .

شمارهٔ بیتهای مثنوی در نسخه ها گوناگون است : در تذکرهٔ دولتشاه آنرا(۴۸۰۰۰ بیت) دانسته وچلبی (۲۶۶۶۰) شمرده (۵) ودرنسخهٔ کتابخانهٔ ملی تهران ،نوشتهٔ ۸۰۹ (۳۲۰۰۰ بیت) ودرنسخهٔ مجلس ، نوشتهٔ سدهٔ دهم(۳۱۰۰۰ بیت) چاپ نیکلسون (۲۵۶۳۲ بیت) وچاپ خاور(۲۹۷۳٤) ونسخهٔ ۹۹ کتابخانهٔ دانشگاه (جای گفتگوی) ۲۸۳٤۰ بیت دارد.

برخی ازبنام‌ترین کسان که دربارهٔ مثنوی کاری انجام‌داده‌اند :

(۱) مثنوی ص ۴۲۰ س ٤٤ چ خاور ۱۵-۱۳۱۹ ش .
(۲) فروزانفر، کتاب مولانا جلال الدین چ ۱۳۱۵ ش - ص ۱۶۹ و گویا اسمعیل دده راخواسته‌است .
(۳) مثنوی که صیقل ارواح بود بازگشتش روز استفتاح بود
(٤) گشت ازچلبی چو توعلامه‌ئی درجهان گردان حسامی نامه‌ئی
ابن یوسف درفهرست کتابخانهٔ مجلس ج ۳
(۵) کشف الظنون «مثنوی»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ کمال‌الدین حسین خوارزمی (م-۸٤۰) دو گزارش دارد (۱).

ـ نظام‌الدین داعی نیشابوری واعظ (م-۸۷۷) درشیراز. گزارشی برمثنوی نگاشته است. (ذیل کشف الظنون).

ـ شیخ علاءالدین علی مصنفك پسرمحمد(م-۸۷۵) برخی بیتهای مثنوی را به فارسی گزارش داده (کشف‌الظنون).

ـ ملاحسین کاشفی (م-۹۱۰) ازمثنوی گلچین کرده، واللباب‌المعنوی نامیده ونسخهٔ آن درمجلس هست (۲).

ـ سینه چاك، ملایوسف مولوی (م-۹۵۳) ۳٦۰ بیت از آن دستچین کرده و«جزیرهٔ مثنوی» نامیده (کشف‌الظنون).

ـ سپس درویش علمی آنرا گزارش نموده است (کشف‌الظنون).

ـ ابراهیم دده (م-۹۵۷) دست چینی ازمثنوی گردآورده و «مفردات‌مثنوی» نامیده، نسخه‌یی از آن درمجلس هست (فهرست ج۳-)

ـ سروری، مصطفی پسرشعبان (م-۹٦۹) آنرا بفارسی گزارش داده ونسخهٔ آن درمجلس هست (۳).

ـ ملاسودی (م-۱۰۰۰) بترکی گزارش داده(کشف‌الظنون).

ـ ملا شمعی (م-پس ۱۰۰۰) در شش جلد بترکی گزارش داده (کشف الظنون)

(۱) چنانکه در (ص۱٤۷) گفتم خوارزمی، نخست کنوزالحقایق را که گزارش کوتاه است نگاشت وسپس جواهرالاسرار را که گزارش بزرگ اوست. ولی درنسخه های چاپی کشف‌الظنون درعنوان «مثنوی» کتاب جواهرالاسرار بغلط دردنبال نام ملا حسین کاشفی آمده است

(۲) این غلط ازچلبی نبوده بلکه ازنویسندگان کشف‌الظنون است. ایشان چند سطر، (وفی نسخة اخری سماه جواهر ۰۰۰ تا آنجا که ۰۰۰ واصطلاح التصوف) را بجای آنکه دنبال نام (کمال‌الدین حسین بن حسن الخوارزمی) بگذارند، در دنبال نام (الشیخ حسین بن علی الکاشف) آورده‌اند. این کتاب درهند (نولکشور ۱۸۹٤م = ۱۳۱۲ق) بنام حسین بن حسن سبزواری در (۷۰۰ص) چاپ شده‌است.

(۳) فهرست مجلس ج ۳ ص ۲۱ و ٦۷۱ دیده شود. درکشف الظنون کتاب جواهرالاسرار بیزدردنبال لباب معنوی بغلط بکاشفی نسبت داده شده. حاشیهٔ شمارهٔ (۱) درهمین صفحه دیده شود.

(۳) فهرست مجلس ج ۳ ص ۵۰۳.

ـ عبداللطیف عباسی «نسخهٔ ناسخه» تهیه کرده (جای گفتگواست).

ـ شیخ اسماعیل دده‌پسراحمدمولوی آنکارائی (م- ۱۰٤۲) یکبار بسال (۱۰۳۵) گزارش داده ودفترهفتم را که(بگفتهٔ خودش) درنسخهٔ (نوشتهٔ ۸۱٤) یافته، برشش دفترافزوده وآنرانیز گزارش‌نوشته (۱) این گزارش درشش‌جلد بوده، وآنرا «فتاح‌الابیات» نامیده، وسپس کتابی دیگرساخته و«جامع‌الابیات» نامیده، ودرآن آیه‌ها وحدیثها که درمثنوی آمده گزارش داده است. وسپس به سال (۱۰٤۱) بدستور یحیی‌افندی دستچینی از مثنوی برگزیده وآنرا «نصاب مولوی» نامیده، و برسه بخش و یك صد درجه تقسیم کرده است. (کشف الظنون).

ـ شیخ عبدالمجید شیخی سیواسی (م - ۱۰٤۹) شرحی مزجی بترکی بدستورسلطان احمدخان برمثنوی آغاز کرده وداستان نخجیر وشیر دفتر نخست رسانیده وبیشترنتوانسته‌است. (کشف‌الظنون).

ـ عبدالله پسرمحمدرئیس‌الکتاب عثمانی(م-۱۰۷۲)دفترنخست‌را گزارش داده وسخن‌را بدرازا کشانیده است. (کشف‌الظنون).

ـ نجیب‌الدین رضا، از ذهبیان شیراز، بسال (۱۰۹٤) دنبالهٔ دفتر ششم مثنوی رابپایان رسانیده و«سبع المثانی» نامیده. ودر (۱۳٤۲ق) درشیراز بخط احمدتبریزی چاپ‌شده.

ـ ظریفی! حسن‌چلبی، برخی ازبیتهای دفترنخست را بفارسی گزارش نگاشته و «کاشف‌الاسرار» نامیده (کشف‌الظنون).

ـ علائی پسر محیی واعظ شیرازی شریف، واژه های دشوار مثنوی را گزارش داده، وآنرا «ازهارمثنوی و انوار معنوی» نامیده. و درآن گوید: نخست دیباچه را گزارش دادم وسپس واژه‌های تازی هردفتر رابترتیب‌حروف الفباء وپس از آن واژه های فارسی را بهمان ترتیب گزارش دادم. (کشف الظنون).

(۱) و چون پیروان مولوی این دفترهفتم را ازمولوی‌نداستندوپاسخها برآن نگاشتند، اسماعیل دده درگزارش خود، همهٔ اشکال های ایشانرا پاسخ گفته است کشف‌الظنون عنوان مثنوی «واحوال مولانا ص۱۷۰ دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز
library.tabriz.ac.ir

ـ خلاصهٔ مثنوی، گلچین نزدیک یکدهم مثنوی است. نسخهٔ آن در مجلس میباشد (فهرست ج ۳ـص۵۰۳)

ـ ضعیفی، محمد قره‌طوی رومی آنرا شرح کرده (ذیل کشف‌الظنون).

ـ جلوتی استانبولی، اسماعیل حقی (م ـ ۱۱۳۷) گزارشی نگاشته. (ذیل کشف‌الظنون).

ـ ده یعقوبی، سیدعاید کابلی نقشبندی، گزارش کرده (ذیل کشف‌الظنون بنقل از مجموعة‌التراجم عارف‌حکمت).

ـ احراری، محمد نورالله هندی نیز گزارشی برمثنوی دارد. (ذیل کشف الظنون).

ـ بحرالعلوم انصاری، عبدالعلی محمد پسر نظام‌الدین محمد لکهنوی (م ـ ۱۲۲۵ق) مثنوی‌را در سه‌جلد شرح‌نموده که‌در نولکشور بسال ۱۸۷۳م = ۱۲۹۰ق چاپ‌شده است.

ـ الهی بخش‌هندی (ز ۱۱۶۳ـم ۱۲۴۵ق) در ۱۲۱۶ق کبوددفترششم را بپایان رسانید و کتابچه‌ئی در گزارش زندگی ملا بنام «حضرات خمسه» نگاشته و در ۱۷ سال (۱۷ ـ ۱۳۱۹ق) در کانپور در پایان مثنوی شش جلدی چاپ شده است.

ـ حاشیه‌هائی از احمد حسن‌هندی و محمد امدادالله هندی در کنارهٔ نسخهٔ مثنوی شش جلدی (چ کانپور ۱۷ـ۱۳۱۹ق) چاپ شده‌است.

ـ حسینی، حاج محمد حسین پسرمحمد حسن اصولی (ز ـ ۱۱۸۴ـم ۱۲۴۹ق) نیاکانش قزوینی، وخود کربلائی، وسپس شیرازی، وشاگرد سکوت بود. وی گزارشی بفارسی برشش دیباچهٔ مثنوی نگاشته، وبشیراز باسه مثنوی، اشترنامه مهروماه، وامق‌وعذرا (هرسه از حسینی) یکجا چاپ شده.

ـ حاج ملاهادی سبزواری (م ـ ۱۲۸۴) مثنوی را گزارشی داده و در یك جلد (۵۱۱ص) در تهران یك‌سال پیش ازمرگ نگارنده نوشته شد و یك سال پس از مرگ او چاپ وپخش شد.

ـ وقار شاعر خوشنویس شیرازی (م ـ ۱۲۰۰) پسر وصال شیرازی مثنوی را به خط زیبای خود چاپ کرده.

ـ علاءالدوله، محمد رحیم‌خان، مثنویرا ازروی نسخهٔ (نوشتهٔ ۹۰۰) دریك‌جلد بافهرست‌مطالب وفهرست بیت یابی، نگاشتهٔ میرزا احمدادیب اوسال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ق در تهران چاپ کرد، و بیت های آن از چاپ وقار کمتر است.

ـ میرزا محمود خوانساری نیز مثنوی را چاپ کرده است.

ـ حاج سید محمد صاحب در بمبئی مثنویرا در (۸۲۰ص) در (۱۳۱۸ق) چاپ کرده است.

ـ رینولد. الین نیکلسون (۱) از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰م مثنوی را در سه‌جلد و (۲۵۶۳۲ بیت) با دوجلد گزارش بزبان انگلیسی چاپ کرد.

ـ چاپخانهٔ بروخیم در تهران بسال (۱۳۱۴ ش) مثنوی‌را در سه جلد چاپ کرد.

ـ محمد رمضانی دارندهٔ بنگاه خاور درتهران بسال (۱۵ ـ ۱۳۱۹ش) مثنوی را با مجلسهای هفتگانه و گزارش زندگی ملا ویك فهرست بیت یابی با کتاب لطائف اللغات، دریك‌جلد چاپ کرد، وشمارهٔ بیتهای‌مثنوی دراین‌چاپ (۲۹۷۳۴) است.

ـ چاپخانهٔ علمی درتهران نیزبسال ۱۳۲۰ ش، مثنوی‌را در (۸۱۵ص) چاپ کرد.

مثنوی‌مسدس یا «نسخهٔ ناسخهٔ‌مثنویات سقیمه ومثبت ومروج نسخ‌صحیحهٔ مستقیمه». گفتار ما در این مثنوی است که عبداللطیف پسر عبدالله کبیر عباسی درسدهٔ یازدهم بانسخه‌های بسیار برابرو تصحیح‌نموده وچندیباچه برای‌دفترهای آن نگاشته است.

---

۱ ـ Reynold A. nicholson

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وی در دیباچهٔ کتاب لطائف‌اللغات، پدر خود را بلقب کبیر، و در دیباچه‌های مثنوی بلقب عباسی خوانده‌است.

آثار عبداللطیف : الف : لطائف‌اللغات؛ فرهنگ واژه‌های مثنوی. این کتاب یکبار درهند (۱۸۷۷ م) ویکبار همراه مثنوی (چ خاور ـ تهران ۱۵-۱۳۱۹ش) پخش شده است.

ب) لطائف معنوی از حقایق مثنوی : در گزارش بیتهای مشکل آن کتاب در دیباچهٔ «مرآت‌مثنوی» (۱) از این کتاب یاد کرده‌است، ودر (۱۲۹۲ق) درهند چاپ شده.

ج ـ مرآت مثنوی : و آن دیباچه‌هائیست که برمثنوی تصحیح‌شدهٔ خود نگاشته وبدین‌نام خوانده (۲) است.

د ـ تصحیح‌مثنوی: عبداللطیف‌در دیباچه‌یی که بنام‌مرآت‌مثنوی براین کتاب نگاشته، گوید: نخست بسال (۱۰۲۴ق)مثنوی‌را درراه کابل بانسخه‌یی که‌استادان آنرا در مدت سی و پنجسال با شصت نسخه تصحیح کرده بودند، برابر کردم وسپس بار دوم بسال (۱۰۲۵ق) باچهارپنج نسخه دیگر تصحیح کردم، وسومین بار در (۱۰۳۰ق) در راه دکن با دوستی همسفر دربارهٔ آن گفتگو نمودیم. وچهارمین بار در(۱۰۳۱ق) دربرهانپور بوده و دراین چهار پنج‌بار آن‌را بیش از بیست نسخه و روی هم با بیش ازهشتاد نسخه برابر و تصحیح کرده است (۳).

عبداللطیف شش دفترمثنوی را جداجدا جلد کرده، وبرای‌هریك‌دیباچه‌یی، وبرای‌همه‌نیز دیباچهٔ‌هفتمی نگاشته‌است (٤) و آنهارا «مرآت‌مثنوی» نامیده،

(۱) نسخهٔ ۹۹ این کتابخانه برك (۳ـالف).

(۲) نسخهٔ ۹۹ این کتابخانه برگهای (٦ب و ۷۱ب).

(۳) از گفتار عبداللطیف پیداست که این آمارها تقریبی است. نسخهٔ این کتابخانه (برك ۲ـالف) دیده‌شود.

(٤) درفهرست سپهسالار ج۲ص ۲۷۷ گوید نسخهٔ مجلس هفت دیباچه‌دارد و خود نیز درنسخهٔ ۹۹ دانشگاه (برگ۷۱ب) از دیباچه‌های سه (ششگانه) و دیباچهٔ کل (دیباچهٔ‌هفتم) نام‌برده‌ولیکن‌دراین نسخه‌فقط دیباچهٔ دفترنخست ودوم ونیز دیباچهٔ همه (دیباچهٔ هفتم) دیده میشود، ودفترهای ۳و٤و٥و٦ دیباچه ندارد.

ودرهریك شماره بیتهای آن دفتررا یادداشت کرده (۱) وتاریخ پایان یافتن این کاررا بسال (۱۰۳۲) دراین بیت آورده (۲) است :

منهی عقل سال تمامی آن بصدق
گفت: «انصرام یافته دیباچهٔ لطیف».

ازمثنوی عبداللطیف‌یك‌نسخه‌نیزدر تهران‌نزدملك‌الشعراء بهار بوده (۳) و یکی نزد سیدنصرالله تقوی، و نسخهٔ دیگر درمجلس‌هست (٤) شمارهٔ بیتهای این‌مثنوی درنسخهٔ ش ۹۹ دانشگاه چنین‌است :

دفتریکم ٤٥۳۸ بیت، دوم ۳۸٦٦سوم ٥۳۱٤ چهارم ٤۲۰۲ پنجم ٤۸۷٤ ششم ٥٥٤٦ وهمهٔ‌آن ۲۸۳٤۰ بیت میباشد.

[٦۳]

۹۹ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده محمد مقیم در منزل عرف اسلام پوری، دفتریکم بتاریخ (٦ ـ شوال ۱۱۱۳) دوم (۲۳ شوال ۱۱۱۳) سوم (۲۰ ذیقعده ۱۱۱۳) چهارم (٦ رمضان ۱۱۱٤) پنجم (۲۳ رمضان ۱۱۱٤) ششم (۱۰ شوال ۱۱۱٤) نوشته شده است. مبدا تاریخها راهنه جا ازآغاز پادشاهی عالمگیر (حال ٤٦و٤۷) نوشته بجز در پایان دفترششم که تاریخ هجری (۱۱۱٤) نوشته است.

فهرست این نسخه چنین است، پیش گفتار نویسنده (که چرا آنرا درشش جلد جدا نوشتم؟) گ ۱. ب. دیباچهٔ عبداللطیف عباسی گ ۲ـ۸ فهرست دفتر یکم ۸ـ۱۰ دیباچهٔ نازی گ۱۰ ترجمهٔ‌آن گ ۱۱، گزارش عبداللطیف بر دوبیت آغاز مثنوی گ۱۲. دفتریکم ۱۳ـ۷۰، دیباچهٔ عبداللطیف گ۷۱. فهرست‌دفتردوم گ ۷۲

(۱) خود دردیباچهٔ دفتر دوم (برك ۷۱ ب) چنین گفته‌است، ولیکن در(نسخهٔ ۹۹) دانشگاه شمارهٔ بیتها دیده نمیشود.

(۲) در پایان دیباچهٔ دفتر دوم گوید این شعر تاریخ پایان دیباچهٔ کل میباشد ولی خود آنرا درپایان دیباچهٔ دفتریکم‌آورده نه درپایان دیباچهٔ کل.

(۳) پیش گفتار مثنوی چ خاور ۱۵ ـ ۱۳۱۹ ش ص ۱۱.

(٤) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۲۲۷، وفهرست مجلس ج ۳ ص ۱۰۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دیباچهٔ خود مثنوی ۷۳ . دفتر دوم گ ۷۵ — ۱۲۵ . دیباچهٔ سوم بتازی گ ۱۲۷ ترجمهٔ فارسی آن گ ۱۲۸ . دفتر سوم گ ۱۲۹ — ۱۹۵ . فهرست چهارم ۱۹۶ ، دیباچهٔ تازی ۱۹۸ . ترجمه ۱۹۸ . دفتر چهارم ۲۰۰ — ۲۵۳ . فهرست پنجم ۲۵۳ دیباچه ۲۵۵ . دفتر پنجم ۲۵۶–۳۱۷ فهرست ششم ۳۱۸ . دیباچه ۳۲۱ . دفتر ششم ۳۲۲ – ۳۹۲ . در برگ ۳۷۸ ب در کناره حدیثی را که در متن هست الحاقی شناسانده است . برگ ۳۸۰ شرحی است به نثر برای حدیثی که درمتن آمده است .

گزارشهای عبداللطیف برمثنوی بصورت حاشیه بامضای (منه–لطایف) که اشاره بلطایف متون و یا لطایف اللغات است در کنارهٔ رویه‌ها ، از آغاز کتاب تا برگ ۲۶ نوشته شده ، وپس از آن سفید مانده است .

درهرسطر دویت نوشته دارد . همه رویه ها با زر جدول بندی شده : سه جدول میان چهارلنکه شعردرمتن، یك جدول گرداگردصفحهٔ کوچك ، یك جدول پشت حاشیه کنارصفحهٔ بزرك است. عنوانها همه با شنگرف است . هفت سرلوح با زر وشنگرف ولاژورد دربرگهای ۱و۱۳و۷۵و۱۲۹و۲۵۶و۳۲۲ هست میان سطرهای این صفحه‌ها بادورویهٔ برابر آنها زرافشانی شده‌است .

یك برسفید درآغاز نسخه بی‌شماره است که فهرست نسخه روی آن دیده میشود ودوبرك سفید بی‌شماره دربایان نسخه هست .

برك ۷٤ وبیشتر برك ۱۹۹ وپشت برك یکم هردفتر سفید است وچنانکه نویسنده دربرك ۱ ب نوشته این نسخه درشش جلد جدا بوده است ، وهنگام صحافی برگهای ۴۰–۳۵ جابجا گذارده شده است .

(۳۹۲ برگ) کاغذ ترمه ، جلد روغنی‌مل وبوته دوروی، باتیماج سرخ تهبندی شده .

اندازه : ۱۵×۲۷٫۵ و۱۰×۱۹٫۰ ۲۱ سطر

[٦١] هفتوی شیر و شکر (فارسی)

چنانکه در (ص ۱۷۳) گفتم ازشیخ بهائی در بیرامن (۲۵۰۰ بیت) شعر بجا مانده است و درمیان آنها چهارمثنوی دیده میشود .

۱ – نان وحلوا : در (حرف – ن) همین گفتار یادخواهد شد .

۲ – نـان و پنیر : در ۳۰۹ بیت . دنبـال موش و گربـه در مصر چـاپ شده است .

۳ – توتی نامه . بر وزن مثنوی ملای روم در ۱٤۳٤ بیت کـه آقای سعیدنفیسی در کتاب « احوال شیخ بهائی – ص ۱۲۰ – ۱۲٤ » آن را شناسانده است .

٤– شیروشکر (جای گفتگو) . این کتاب درشش بخش شعر، وپاك دیباچه بنثر میباشد. دردیباچه گوید تا کنون بآهنگ مثنوی بحر خفیف، کس بزبان فارسی شعر نسروده، ومن نخستین کس هستم . بخش یکم درهشدار بگمراهان. دوم: پند بروان گمراه کننده (نفس اماره بسوء) سوم : بندی دانشهای رسمی و کلاسیك. چهارم : ستایش اردانشهای دینی. پنجم : آرزوی همنشینی با اهل حال وذوق . ششم : توبه از گناه ها.

این کتاب در کشکول شیخ بهائی چاپ حاج نجم‌الدوله (۱۲۸۷ تا ۱۲۹٦ ق) درورویه‌های (۱۱۱ تا ۱۱٤) چاپ شده . دراینجا نام شیروشکر دیده نمیشود و ۱٤۲ بیت دارد . وبارد گرد استانبول همراه نان وحلوا و نان وپنیر ، بنام «مقالات شیخ بهائی » در (۱۲۸۲ ق) چاپ شده است .

[٦٤]

۱٤۹ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ نداود. دوبرگ ٦۸ تا ۷۱ دفتری جاگرفته که نان‌حلوای شیخ بهائی نیز درآنست .تاریخ نان‌وحلوا ۱۲ صفر ۱۰۵۸ میباشد (برگ ۸۱) و نیز کتابچهٔ نصایح عبدالوهـاب امامی در آنست ، و این درخاتون آباد اصفهان در ۲۵ ع ۱ — ۱۰٤۳ نوشته شده است .

دراین نسخه فقط ۷۵ بیت از ۱٤۲ بیت‌مانده، وبخشهای سوم وچهارم (بدگوئی از دانشهای رسمی و کلاسیك ، وستایش دانشهای دینی) از میان برگهای (٦۹ و ۷۰) افتاده است . عنوانها با شنگرف . در پایان نسخه نوشته‌شده: [تمت‌الشیرو شکر] . (چنین) .

همهٔ دفتر (۱۱۷ برك) این کتابچه (۴ برگ) کاغذ ترمه میزجلد تیماج حنائی‌کهنه.

اندازه : ۱۰×۱۹٫۰ ۱۷ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۶۵]

۸۶۶ نسخه بخط نستعلیق شکسته، نویسنده محمد باقر در برگهای (۲۵۸ تا ۲۶۱) دفتری جا دارد که کتابی در جفر نیز در آن هست و در پایان آن (برگ ۱۵۱ پ) نام نویسنده محمد باقر پسر مرتضی یزدی و تاریخ نوشتن (۱ — ج ۱ — ۱۲۷۷) آمده است. نسخه درست است و فقط ۱۳۹ بیت دارد. عنوانها با مرکب سیاه درشت نوشته شده.

همهٔ دفتر (۲۷۰ برگ) این کتابچه (۴ برگ). کاغذ فرنگی نخودی جلد نداشته توسط کتابخانه جلد شده، تیماج زردقهوائی.

اندازه: ۱۱×۱۷، ۱۵ سطر.

[۶۴] مجموعه (فارسی و عربی)

دراین دفتر کتابچه های زیردیده میشود:

۱ - چهل جمله از سخنان کوتاه پیغمبر باترجمه فارسی (گ۱-۷).

۲- چهل جمله دیگر از سخنان پیغمبر بی ترجمه (گ۷-۱۱).

۳ - سی کلمه دیگر از همو بترتیب حروف الفباء (گ۱۱-۱۶)، این سه کتاب در (ص۱۳۶ و ۱۳۷) این مجلد یادشد.

۴ - صحیفة المحبة در (ص۱۵۷) یادشد.

۵ - صد کلمه جاحظ در (ص۱۵۷) یادشد. و نسخهٔ دیگر از آن بشمارهٔ (۱۲۴) دراین کتابخانه هست و در (ص۲۳۲) یاد شد.

۶- بیست و نه کلمه از سخنان کوتاه علی (ع). (گ۳۳-۳۶) در (ص۱۳۷-۱۴۱) این مجلد یادشده است.

۷ - نظم اللئالی. در (حرف ن) این گفتار خواهد آمد.

۸ - مناجات منظوم از علی (ع) بقافیه عین با ترجمهٔ هر بیت بیك بیت فارسی (گ۵۹-۶۲).

آغاز:

لك الحمد یا ذاالجود والمجد والعلی

تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

بزرگوار خدایا تراست حمد و ثنا

که هم زتست عطا وهم از تو منع عطا

نسخهٔ دیگر از متن این مناجات بشمارهٔ (۱۲۴) دراین کتابخانه هست، ولی در آن نسخه هر بیت بدو بیت فارسی ترجمه شده است.

متن تازی این چکامه چندین بار در کتابهای دعا چاپ شده است.

۹ - مناجات منظوم. بیست و نه مخمس است که قافیهٔ هریك از آنها یکی از حرفهای الفباء تازی است بترتیب (الف-ی). با ترجمه فارسی بنثر، نسخهٔ دیگر از این چکامه بشمارهٔ (۱۲۴) دراین کتابخانه هست که در (ص۲۳۲) یادشد. هریك از این دو نسخه دیباچه ئی دارد که زنجیرهٔ سندی برای آن نشان میدهد. در اینجا آنرا از ابوالعلی الفضل بن الحسین ابن الطبرسی (چنین) روایت کرده و گویا طبرسی تفسیر نگار (م-۵۴۸) را خواسته است (گ۶۳ - ۶۹).

۱۰- خطبة البیان در (ص۱۱۵) یاد آن گذشت.

۱۱ - شعرهائی چند بتازی که آغاز آنها افتاده است. (گ۸۹-۹۰). هفت بیت دربارهٔ روزهای هفته است که نسخهٔ دیگر آن بشمارهٔ (۱۲۴) در (ص۲۳۳) این مجلد یاد شده.

[۶۶]

۱۶۴ نسخه بخط نسخ و نستعلیق، نویسنده محمد افضل پسر قیصر علی نقرشی است که بتاریخ ربیع دوم ۱۰۹۸ آنرا نوشته است. (گ۵۸ ب) عنوان ها با شنگرف و از برگ (۵۹) ببعد عربی را با سیاه و فارسی را با شنگرف نوشته است.

همه دفتر (۹۰ برگ) کاغذ آهار مهره سفید، جلد تیماج قهوه ئی لاکی.

اندازه: ۱۰×۱۸ و ۵×۱۴، ۲۵ سطر.

[۶۳] مجموعه (فارسی)

دراین دفتر کتابچه های زیردیده میشود:

۱- چکامهٔ لامی نامهای خدا (اسماء الحسنی) ۶۶ بیت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز :

بدات بسم‌الله والحمد اولا　　علی نعم لم تحص فیما تنزلا

انجام

کذالانبیاوالآل والصحب کلهم　　و بعد فحمد الله ختماً و اولا

۲- نامهای خدا به‌نثر (بر گ ٤).

۳ - نامهای پیغمبر . دراین بخش هرصفت نیکی که‌درزبان تازی بوده، درشمار نامهای وی آورده‌است(بر گ ٥).

٤- آیه‌های قرآن که روزی گشایش دهد (بر گ ٦٦٥).

٥ - نزهة‌الکتاب - در (حرف ن) این گفتار خواهدآمد .

٦ - خاطریه - درجلد اول (ص ١٠٤) این فهرست یادشده است .

۷ - نامهائی چندبسریانی برای خداوند وفرشتگان (بر گ ۷۹-۸۱)

۸ - کلمه‌هائی چنداز علی دست‌چین ازغرر و درر (ك ۸۳-۸٦) .

۹ - عائة کلمة علی(ع) باصد کلمهٔ جاحظ (ك۸٦-۱۰٥) . که نسخهٔ دیگری از آن بشمارهٔ (١٦٤) دراین کتابخانهٔ هست ، و در (ص۱٥۷-۱٥۸) این مجلد یاد شد .

نسخهٔ ۱۲٤ (جای گفتگو) از نسخهٔ ١٦٤ درست تروبهتراست و کلمه هادراین دونسخه جابجا نهاده شده است .

این نسخه دیباچه‌ئی بتازی دارد ، ودرآن گوید : این صد کلمه رامحمد پسر احمد راشدی گزارش نموده است . در این نسخه ، نخست کلمه را بتازی وپس ازآن ترجمهٔ آن به‌نثرفارسی وسپس یك دو بیتی بفارسی آورده . این دوبیتیها همانست که درنسخه١٦٤ آمده است .

۱۰ - مناجات منظوم : بیست ونه مخمس است که قافیهٔ هریك ازآن یکی‌از حرفهای الفباء تازی است بترتیب (الف - ی) باترجمهٔ هریك بدوبیت فارسی . دردیباچهٔ آن گوید : من بنده درگاه شیخ صفی ، مرتضی قلی متوالی ، به سال

۱۰٦۸ در دارالاشاد اردبیل آنرا بنظم ترجمه نمودم . (گ۱۰٦-۲۱۱).

آغاز: دیباچه : مطلع آیات کلام کریم این مخمس ترکیبی است در مناجات...

آغاز مناجات:

یا سامع الدعاء　　یا رافع السماء

ترجمه :

یارب بشنو دعای مظلومانرا　　ای کرده بلند رفعت کیوان را

انجام:

با نعمت بسیار و شراب واقر　　لعل لب حور در کفم بستودی

نسخهٔ دیگر از این مناجات در دفتری بشمارهٔ (١٦٤) در این کتابخانه هست که بانثرفارسی ترجمه شده‌است، ودر(ص۲۳۱) یادشد.

۱۱ - مناجات منظوم بقافیهٔ یاء درشش بیت ازعلی(ع) باترجمه‌هربیت بیك شعرفارسی (گ۱۱۲-۱۱۳)

۱۲ - مناجات منظوم دیگر ازعلی چکامه‌ئی‌است بقافیهٔ عین‌باترجمهٔ هر بیت بدو بیت فارسی . بایك دیباچه بتازی (گ ۱۱۳-۱۱۸) .

آغاز: الحمدالله ذی العزة والجلال...

لك‌الحمد یاذاالجود و المجد والعلی　　تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

ای روی زمین ز فیض عامت گلشن

عالم همه از پرتو نورت روشن

فی‌الحال شود چراغ گیتی تاریك

از فضل تو گرد می نیاید روغن

نسخهٔ دیگر ازاین مناجات بشمارهٔ (١٦٤) دراین کتابخانه هست ولی در آن نسخه هربیت بیك فارسی ترجمه شده است (ص۲۳۱) این‌فهرست دیده‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۳ ـ هفت بیت تازی برای هریك از روز های هفته که آنرا نیزاز علی دانسته، وهر بیت رابیك بیت فارسی ترجمه کرده (ك۱۱۸-۱۱۹). نسخهٔ دیگر از آن بشمارهٔ (۱٦٤) دراین کتابخانه هست.

آغاز: لنعم الیوم یوم السبت حقا لصید ان اردت بلا امتراء

چو خوش روزیست حقا روز شنبه
برای صید کردن سوی صحرا

۱٤ ـ چند آیه و حدیث باترجمه بشعرفارسی (۱۱۹-۱۲۰).

۱۵ ـ ششصد و پنجاه کلمه پند واندرز بتازی ازابوعبدالله محمد پسرابراهیم خازنی که آنرا برای ابوالحسن علی پسرمحمدوزیر نگاشته.

آغاز: الحمدلله رب العالمین... امابعدفهذا ماجمع الشیخ الرئیس العالم ابوعبدالله محمدبن ابراهیم الخازنی رحمه‌الله من الاخبار... لاجل قوام الدین شرف الوزراء ابی‌الحسن علی بن محمد رحمه‌الله وهی ٦۵۰ خبراً..... علی حروف الهجاء.

... باب الالف: اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه ـ آفة...

انجام: یحشر القضاة مع السلاطین والعلماء مع الانبیاء والحمدلله علی تمامه.

یك باب نیز برای «لام الف لا» باز کرده، و کتاب سی باب دارد (گ ۱۲۱ ـ ۱۳۷).

۱٦ ـ ده بیت فارسی درترکیب یك معجون دارو، بوعلی سینا نسبت داده شده است (گ۱۳۷).

۱۷ ـ **دعای جلجلوت** ـ ٤۱ بیت است بتازی، با یك دیباچه و چند جملهٔ دعائی درپایان آن (گ۱۳۸-۱٤۱). عمربسرعمربیاسی چکامهٔ جلجلوات راشرح کرده‌است. «ذیل کشف‌الظنون ـ قصیدهٔ ...».

۱۸ ـ **چهل حدیث** ـ باترجمه بنظم‌فارسی ازجامی، وترجمه بنظم‌ترکی ازفضولی بغدادی (گ۱٤۲-۱٤۹).

آغاز دیباچهٔ فضولی: اصح اقاویل منقوله .... اما بعد بوقرق حدیث معتبر در، بلکه قرق دانه گوهر در، که استاد گرامی مولانا عبدالرحمان جامی ....

آغاز ترجمهٔ جامی: صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین ...

آغاز چهل حدیث: لایؤمن احدکم حتی یحب لاخیه مایحب لنفسه.

هر کسی رالقب مکن مؤمن گرچه ازسعی جان وتن کاهد
تا نخواهد برادر خود را آنچه از بهرخویشتن خواهد

مؤمن اولماز کی حقیقت‌ایله طو تمیخنه طریق ترك هوا
هرنه اوز نفسنه روا کورسه یاندو قرداشه کور منیجه روا

۱۹ ـ **سورة الرحمان از کتاب زبور**: چهل و یك بیت شعر تازی است با ترجمهٔ هریك بدو بیت فارسی و دوبیت ترکی سراینده در دیباچهٔ فارسی گوید:

سورةالرحمان در کتاب زبورداود بزبان سریانی بوده، وبشعر تازی ترجمه، وسپس خاصیت‌ها برای خواندن آن برشمرده‌است (گ۱۵۱-۱٦۳).

آغاز دیباچه: روایت‌است‌ازحضرت امیر....

آغاز شعر:

اناالموجود فاطلبنی تجدنی فان تطلب سوای لم تجدنی
منم‌موجودای طالب کجائی چرا در حضرت ما می نیائی

۲۰ ـ **چکامهٔ شیخ عبدالقادر گیلانی**: با یك دیباچه بتازی (گ ۱٦۳ ـ ۱٦۵).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز چکامه :

نظرت بعین الفکر فی حال حضرتی حبیباً تجلی للقلوب فحنتی

۲۱ - دو بیت بتازی که برعصای موسی پیغمبر نوشته بوده (گ ۱۶۵)

۲۲ - چکامه بقافیهٔ میم بنام «برده» درستایش پیغمبر (۱)، با ترجمهٔ هربیت فارسی بقافیه میم و یك بیت ترکی بقافیهٔ یاء (گ ۱۶۶-۲۰۷).

آغاز :

أمن تنکر جیران بذی سلم مزجت دمعاً جری من مقلة بدم

ای زیاد صحبت یارانت اندر ذی سلم

اشك چشم آمیختی باخون روان گشته بهم

ا کد کمی ذی سلم ده کی اهل و جیرانی

کیم قان یاش آغلمق کوز کوك اولدی عاداتی

انجام :

چون ز هجرت ششصد وده سال تازی رفته بود

اتفاق افتاد نظم فارسی اندر رقم

بنده مداح رسولم شهرتم حافظ شرف

نام من باشد محمد من محمد چاکرم

تمت القصیده البردیة علی یدا حقر الطلاب سلیمان بن محمد المکری لاجل الوزیر اسحاق پاشا فی شهر ربیع الاخر سنة (۱۱۹۵ق).

ولی از شعرها پیدا است که در سدهٔ هفتم سروده نشده، و گویا نویسندهٔ بجای نهصد، ششصد نوشته است.

۲۳ - صد وصیت لقمان : صدپند را بنام لقمان حکیم در صد بیت فارسی سروده است (گ ۲۰۷-۲۱۳).

(۱) نسخهٔ دیگری از این چکامه در این کتابخانه هست که در بخش از قلم افتاده‌ها در پایان این فهرست خواهد آمد.

آغاز :

حمد بی حد کردگار یاکرا آنکه ره نبود دراو ادرا کرا

انجام :

سالهای هشتصد وهشتاد وهشت رفته بدآنم که این منظوم گشت

هر چه گفت آن پیشوای شیخ و شاب

گفته شد و الله اعلم بالصواب

۲۴ - قطعه‌یی از بهلول بغدادی : درهفت بیت بتازی (گ ۲۱۳).

۲۵ - سخنان کوتاه شافعی : باترجمهٔ هریك بدو بیت فارسی. سرایندهٔ مقصود پسر شاه ولی سلیمانی است. که گویا ازمردم شهرسلیمانیه مرکز کردستان بوده است. وی یك دیباچه بزبان ترکی نیز برای آن ساخته است (۱) (گ ۲۱۴ - ۲۳۵).

آغاز : الحمدالله رب العالمین... امابعد بریله دیر حقیر ذی التقصیر الجانی مقصود ابن شاه ولی السلیمانی که چون نقاد شریعت نبوی ... محمد ابن ادریس شافعی (ض) باب حکمت و نصیحت ده .... قال الامام الشافعی (ض) : الکلام یقضة العقل، والسکوت...

سخن گفتن بود بیداری عقل خمش بودن بود خواب وی ای جان

نگه کن تاچگونه پاس داری ورا در خواب و در بیداری آن

انجام :

اسامی تا توانی کوش در علم اگرچه جهل مقبولست این آن

۲۶ - شعری چند ازمقصود خلخالی ودیگران. (گ ۲۳۵ - ۲۳۶)

۲۷ - چکامهٔ درسی وته بیت بتازی بنام «طنطرانی» باترجمه هربیت بیك بیت ترکی (ك ۲۴۰-۲۴۶)

(۱) نویسندهٔ نسخه نیز دیباچهٔ دیگر بترکی بر آن افزوده، ودر آن گوید آنرا بدستور وزیر اعظم اسحاق پاشا ادام الله سلطنته نوشتم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز:

یا خلی البال قد بلبلت بالبلبال بال

بالنوی زلزلتنی والعقل فی الزلزال زال

ای مه نا مهربان آواره قلدك کو کلمی

هجریدمی صبر آیدوب بیچاره قلدك کو کلمی

۲۸ - چکامه تازی بقافیهٔ لام، بنام « بده الامالی » در ۶۷ بیت (گ ۲۴۶ ۲۴۹).

آغاز: یقول العبدفی بدء الامالی لتوحید ینظم کاللالی

این چکامه را احمد پسرعلی سندوبی ازهری شافعی (م ۱۰۹۷) شرح کرده است (ذیل کشف الظنون-قصیدهٔ...)

۲۹ - مناجات ابوالمعالی ۲۲ جمله های دعائی بتازی باسجع، بقافیه جیم - با یك دیباچه تازی در خواص آن (گ ۲۴۹-۲۵۱)

آغاز: یا عالم سری و جهری وخفیتی اجعل لی من کل ضیق مخرجا...

۳۰ - مناجات احمد جامی، ۲۸ بیت ترکی در مناجات است که آنرا باحمد نامی ملقب بهجامی نسبت داده (ك۲-۲۵۳)

۳۱ - مطالبی دربارهٔ قرآن نقل اززمخشری وشیخ احمدطیفوری سجاوندی و۸ بیت فارسی دربارهٔ وقف (ك۴-۲۵۵).

۳۲ - چهارده بیت مثنوی ترکی از نیازی (ك۵۵-۲۵۶).

[۶۷]

۱۲۴ نسخه بخط نسخ غربی ایران که ترکان و کردان بکاربرند. نام نویسنده سلیمان قاضی پسر محمد مکری، آنرا برای وزیراجل اسحاق پاشا در تاریخ ربیع یکم ودوم ۱۱۹۵ نوشته است (برگ ۲۰۷ و۷۹ دیده شود) عنوانها وبرخی شعرها باشنگرف نوشته شده است.

همه دفتر (۲۲۶ = ۷ برگ) ۷ برگ آغاز نسخه شماره نداشته است،کاغذ فرنگی سفید ولبه‌ی رنگ جلد تیماج حنائی دولا پی‌متوا.

اندازه: ۶٫۷×۱۳٫۵؛ ۹ تا ۱۳ سطر.

[۶۴] مجموعهٔ شعر نشاط (فارسی)

گزارش کوتاهی اززندگی نشاط در(ص۲۱۱) گذشت، وچنانکه گفتم وی یکی ازرهبران جنبش شعری بازگشت بسبك باستانی چکامه سرائی است. نسخهٔ‌دیوان‌او درمجلس(۲۶۵۰بیت)دارد، ونسخهٔ آن‌فراوان‌است. نسخهٔ‌این کتاب خانه فقط دارای (۹۶ غزل) است بترتیب حروف الفباء (آ-ی) و (۱۵۰بیت) قطعه ودوبیتی در دنبال آنست.

آغاز:

پیداست سر وحدت از اعیان، اماثری

العکس فی المرایا و النفس فی القوی

[۶۸]

۱۲۵ نسخه بخط نستعلیق دومین کتاب‌دفتر بست که در(ص۲۱۲) یادشد. از(برك ۱۲۲ تا ۱۵۲ را گرفته است.

نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی در پایان کتاب سوم برك (۱۸۷) تاریخ (۱۲۴۶) دیده میشود. غزلها ازبرگ ۱۲۲ تا ۱۴۷ و قطعه‌ها تا ۱۵۰ ودوبیتیها تا ۱۵۲ میباشد.

همهٔ دفتر (۲۷۰ برگ) این کتابچه (۴۰ برك) کاغذ وجلد در (ص ۲۱۳) ایرمجلد یاد شده.

[۶۵تا۷۶] مجموعهٔ غزلها (فارسی)

دراینجا ازدفتری گفتگو میکنیم که دوازده کتاب جداگانه در آن دیده میشود، یازده بخش آن دیوانهای غزل یازده شاعراست که هریك را جداگانه در این دفتر گردآورده، ولی بیشتر آنهابترتیب حرف قافیه یاترتیب دگر مرتب نشده است. وبخش دوازدهم غزلهای پراکنده ئیست ازچند شاعر. سزاوربود که‌هریك‌ازاین‌دیوانها در (حرف‌د) جداگانه شناسانده‌میشد، ولیکن‌پیروی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ازفهرست اموالی کتابخانه ، این نسخه را که ازنخست در(حرف ـم)نهاده‌شده ، در همین جا گذاردیم . اینک دیوانها بهمان ترتیب که در این دفتر هست یاد میگردد :

(٦٥) دیوان غزل جلال‌عضد :

سید جلال‌الدین پسر سید عضدالدین یزدی از شاعران نیمهٔ یکم سدهٔ هشتم است . پدرش عضد وزیرامیر مبارزالدین محمد مظفربود . و خودش ستایشگر شیخ ابواسحاق اینجو (م۷۵۷) و آل مظفر وطغا تیمور (۷۳۷-۷۵۳) بوده است بعماد (۱) ارادت داشته و با وی بسفرحجاز رفته است . آذر جلال را نیز مانند پدرش وزیرخوانده است (۲) . درتذکره ها داستانی ازروزگار کودکی جلال آورده‌اند که چکیدهٔ آن چنین است : امیر مبارزالدین بآموزشگاه رفته ، از آموزگارجلال‌میپرسد: کدام کودك ازهمه خوشخط تراست ؟ پاسخ میشنود آن که قلمش بهتر، وآنکس قلمش بهتر که قلمتراشش تیزتر، و آنکس قلمتراش نیکودارد که پدرش دارا ترباشد ، و اوپسر وزیرتر؛ جلال‌عضد است . سلطان سعید بای سنقر شعرجلال را ازشعر همسران وی برترمیشمرد . یکی ازچکامه های وی بنام هفت‌رنگ زبان زد شاعران میباشد (۳) . دیوان وی را آذر در چهارهزاربیت دانسته نسخهٔ ازآن در کتابخانهٔ ملك ونسخهٔ دیگر در کتابخانهٔ مجلس میباشد (۱) نسخهٔ دانشگاه صد وسی ویک غزل در پیرامن ۹۵۰ بیت دارد، ولی‌هیچگونه‌ترتیب درآنهانیست؛ نسخهٔ مجلس ۲۷۰ غزل مرتب بحروف قافیه دارد ، ولی برخی از غزلهای نسخهٔ دانشگاه (مانند غزلهای ۱و۲و۷) را ندارد .

آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است . آغازآنچه هست :

باز می‌ناید دل ما از پریشانی هنوز
میتپم پیش بتان برخاك پیشانی‌هنوز

(۱) فهرست کتابخانهٔ مجلس ج۳ . ص ٦٥۲ .
(۲) آتشکدهٔ آذر ص ۲٥۹ . ولی این‌سخن بی‌پایه است .
(۳) تذکرهٔ دولتشاه طبقهٔ پنجم .

تاآنجا که : سرعشقت را جلال ازخلق میدارد نهان
همچنان پیدا نگشت این داغ پنهانی هنوز

انجام : کجا یار گردی تو با اوجلال
که شه همنشین گدا کی شود .

(٦٦) دیوان غزل سعدبخاری(۱) :

وی ازشاعران سدهٔ نهم است . میرعلی شیر نوائی گوید (۲) : از مریدان میرقاسم انوار(م-۸۳۷) بودو چون‌باجوانان لوند شهرنشست وبرخواست میکرد و بی‌باك‌ونایاك بود، میراو را ازخانقاه بیرون راند وخاك ناپاك کلبه‌اش نیز از خانقاه بیرون ریخت ، سعد دراین باره غزلی سرود که آغازش چنین است :

مرا درعالم رندی برسوائی علم کردی
دلم‌بردی وجانم‌را ندیم صدغم کردی

سپس میر علی شیر یك غزل از وی آورده که غزل ۲۲ نسخهٔ دانشگاه می‌باشد .همهٔ این دیوان ٦۱غزلست که ۳٦۰ بیت‌دارد.

آغاز: بغیر ناله ز کس همدمی نمی بینم
بغیر غم ز کسی محرمی نمی بینم

تاآنجا که : رسد بسعد ازاین باده عاقبت قسمی
که پیر میکده جز قاسمی نمی‌بینم

انجام : گهت مینشاند بعرش مراد
گهت زیر پالان نکبت کشد

نصر آبادی وی را حافظ سعد بخاری از اهل بخارا خوانده است (۳) و دومعما ازاوآورده .

۱ — سعدالدین هروی (۸٤۹ه) وچندتن دیگر از شاعران به سعد نامبر دارند ولی نسخهٔ دیوان (جای گفتگو) شعرسعد بخاری را در بردارد ودیوان وی‌میباشد .
(۲) مجالس النفائس ص ۸ و۱۸٤ .
(۳) تذکرهٔ نصرآبادی ص ۵۲۷ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۶۷) دیوان غزل خیالی بخارائی :

از شاعران نیمهٔ یکم سدهٔ نهم (م - نزدیک ۸۵۰ ق) دولتشاه (۱) اورا شاگرد عصمت بخارائی (م ۸۲۹) شمرده گوید دیوانش در بدخشان و ترکستان نامبرداراست ، ویك غزل اورا که پنجاه و نهمین غزل نسخهٔ دانشگاه میباشد، از او آورده‌است . پایان این غزل چنین‌است:

از ده غربت خیالی عاقبت جائی رسید
هر که جائی میرسد از راه غربت میرسد

ونیز گوید : خیالی سبزواری و خیالی تونی شاعران خوب بوده ولی بپای خیالی بخارائی نمی‌رسند . میرعلی شیر (۲) گور اورا در بخارا دانسته. این نسخه ۱۱۰ غزل ویك قطعه دارد و همهٔ آن (۵۷۰ بیت) است .

آغاز : ای زده کوس شهنشاهی برایوانت قدم
هر دو عالم برصفات هستی ذاتت علم

انجام دوبیتی:

اسرار ازل باده پرستان دانند
قدرمی‌وجام تنگ دستان دانند
گر چشم تو حال من بداند چه عجب
شك نیست که حال مست مستان دانند

(۶۸) دیوان غزل بساطی سمرقندی :

دولتشاه (۳) گوید وی بروزگار خلیل بهادر پسرامیرانشاه گورکان(م۸۱۴) نام‌آور گردید ، در آغاز حصیری تخلص‌داشت ، وشاگرد عصمت بخاری(م۸۲۹) بود و او بساطی تخلصش‌داد . وی درشعرخود کمال خجندیرا ناسزا گفته است ،

(۲) تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی طبقهٔ ششم .
(۲) مجالس النفائس ص۱۲و۱۸۸
(۳) تذکرهٔ‌دولتشاه، طبقهٔ‌ششم.

میرعلی‌شیراورا (۱) بی‌دانش ولی شیرین زبان شمرده است . نسخهٔ از دیوان او رانزدمحمد محیط طباطبائی درتهران دیدم .

نسخهٔ‌دانشگاه بیست‌وهشت‌غزل ویك‌قطعه‌دارد وهمهٔ‌آن(۱۷۰بیت)است.

آغاز: یارب اندر کعبهٔ صدق و صفا را هم ببخش
از کرم برآب چشم و آتش آهم ببخش

تا آنجا که :

چون بساطی گرچه دور افتاده‌ام از راه تو
جرعه‌یی از جام نزدیکان در کامم ببخش

انجام ازیك‌قطعه:

از ریش و پوستین نشود خواجه آدمی
بز ریش دارد و سگ دیوانه پوستین

(۶۹) دیوان غزل ریاضی سمرقندی :

میرعلی‌شیر (۲) (م ۹۰۶) اورا مردی بد سرشت شمرده گوید : شعری نادرست از آن اورا درست کردم ، ولی وی نپذیرفت، سپس دو سر غزل ویك غزل درست‌ازوی آورده . این سه‌غزل درنسخهٔ این کتابخانه بشماره‌های (۶۹و۸۴) دیده‌میشود.

دراین نسخه ۸۸ غزل‌هست که همهٔ‌آن ۵۲۸ بیت دارد . نسخهٔ دیگر از این دیوان با ۴۸۶ بیت نزد سلطان القرائی درتبریزاست . ونسخهٔ نیزدربریتش موزیوم هست (۳)

آغاز: صنع او آنم که نقش گنبد افلاك بست
مایه حیرت بنال طلایر ادراك بست

(۱) مجالس النفائس۱۳و۱۸۸
(۲) مجالس النفائس ص۳۸و۲۲۲
(۳) فهرست ریو ۲۸۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تاآنجا که :

ای ریاضی گرد تن از دامن جان برفشان
راه آب چشمهٔ خورشید را این خاك نیست

انجام آخرین غزل :

دوتا شد چون کمان قد ریاضی دور از آن ابرو
ز اشك سرخ پوشیده است چشم خونفشان توزم

(۷۰) دیوان غزل سیفی (۱) بخاری :

میرعلیشیر (م-۹۰۶) وی را از همزمانان خود شمرده (۲) گوید سیفی از بخاراست و بهرات آمد و بیشتر دانشهای روز را آموخت و بسرودن شعر پرداخت و مثلهای وی نام بردارشد ، او برای جوانان شعر بسیارسرود، و این روش را او پدید آورد ، و سپس آغاز یك غزل را که در « پرداز گری » (۳) سردوده چنین آورده است :

بت پرداز گرم کو بکسان میسازد هیچ باحال من خسته نمی پردازد

وی در معما سازی نیز زبردست بوده و کتابچه یی در آن نگاشته است. نصرآبادی یك معمای او را آورده (٤). او مردی بدمست بود، از بوی شراب نیز مست و بی‌ادب میگردید ، ولی درهشیاری مردی تیزهوش وسنگین و باادب بود سپس علیشیر چندسر غزل اورا آورده که یکی از آنها آغاز غزل یازدهم نسخهٔ دانشگاه است و آن چنین میباشد :

دو رود گشته روان از دو چشم تر ما را
به یاد قامت سرو درودگر ما را

(۱) دولتشاه سمرقندی در تذکرهٔ خود (ن-۸۹۲ه) سه تن بنام سیفی نامبرده . الف بیشابوری ب ـ سیفی ازسرداران امیرتیمور ج ـ سیفی بخاری «جای گفتگو»
(۲) مجالس النفائس ص ۵۸ و ۲۳.
(۳) اصطلاحی بوده که دراین غزل بمعنی عشوه‌گری بکار رفته.
(۳) تذکره نصرآبادی ص ۵۱۳

این دیوان چهل و نه غزل ودو قطعه دارد و همهٔ آنها ۲۶۰ بیت است .

آغاز دیوان :

تا باو کردم عیان عشق نهان خویش را
ساختم بیگانه ماه مهربان خویش را

تاآنجا که :

جان من دور از تو سیفی هست زار وناتوان
تاکی از خود دور داری ناتوان خویش را

انجام ازیکقطعه :

اجزای وجودم همگی دوست گرفت
نامی است زمن برمن وباقی همه اوست

(۷۱) دیوان غزل اختیار :

سام میرزا گوید (۱) : قاضی اختیار ترشتی خراسانی است، درروزگار میرزا حسین بای قرا (م-۹۱۱) قاضی القضاة هرات بود، و بگرد آوری زر وامساك نامبردار گردید، در شعر زبردست بود. اورا است «مختار الانوار» ودرپایان زندگی مثنوی بنام شاه اسماعیل صفوی سرود و «عدل وجود» نامش داد ، و آن پنجهزار بیت دارد. گویند هزاربیتش را از ریاضی دزدیده است . میرعلیشیر نوائی گوید (۲) : سیدی بروقار بود، ودرداد گاه مولانا نظام الدین دفترداری و نویسندگی میکرد، و کس دربارهٔ او سخن نگفته جزاینکه بسیاررنج میبرد تادستار خویش دانشمندانه بندد وبار گران بر سر میکشید . وی شعری در تاریخ ساختمان حوض پای حصار سرودهو واژهٔ «ساقی کوثر=۸۹۷» را که تاریخ است در آن گنجانده .

نسخهٔ دیوان وی که در این دفتر است ٤۰ غزل دارد وهمهٔ آن ۲۷۰ بیت میباشد .

(۱) تذکرهٔ سام میرزا چ تهران ۱۳۱٤ ش . ص۳۰ - ۳۳ وذریعه ج۹ ص۶۲.
(۲) مجالس النفائس ص ۹۵ و ۳۷۱ . یاد آور میشوم که نسخهٔ بدل (افتخار) بجای (اختیار) درمجالس النفائس بیجا ونادرست است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز :

بگاه جلوه بتم چون ز رخ نقاب گشاید
مرا ز حسرت رویش ز دیده آب گشاید

تاآنجا که :

زکار بسته مبر اختیار امید که ناگه
دری ز همت اولاد بوتراب گشاید

انجام :

چو میدانی که عشقش باخود آوردست آزمبداً
چرا بر اختیار خسته دل انکار بایستی

(۷۲) دیوان غزل مهدی استرآبادی :

سام میرزا گوید(۱) : وی برادر مولانا نظام معمائیست، وسپس اورا بخوش طبعی وملائی ونا داری ستوده گویددرنهصد وبیست وچهار بدرود زندگی گفت و پس از آن یك غزل درست و دوسر غزل دیگر ازوی آورده است . میرعلی شیرنوائی (۲) نیز از وی نام برده و همان سر غزل را آورده است . یادآور میشوم که نسخهٔ جای گفتگو جزمهدی نشان دیگراز شاعر ندارد و در تذکره ها چندشاعر باین نام یاد گردیده، چنانکه نصرآبادی (ن-۱۰۸۳) دوشاعر ازسدهٔ یازدهم بنام مهدی قمی اصفهانی (۳) ومهدی طباطبائی (٤) آورده‌است، ولیکن چون نسخهٔ جای گفتگو پیش ازسدهٔ یازده نوشته‌شده، نمیتوان آنرا جز مهدی استرآبادی شاعرسدهٔ دهم دانست .

آغاز :

در چمن می کرد یاد قامتش باد صبا
سرو بشنید این سخن فی‌الحال بگرفت‌ازهوا

(۱) تذکرهٔ سامی ص ۱۲٤ .
(۲) مجالس‌النفائس چ تهران ۱۳۲۰ش ص۷۸.
(۳) نصرآبادی ص۱۲۰.
(٤) تذکرهٔ نصرآبادی ص۱۲۲.

تاآنجا که :

گفته‌ئی مهدی که تیراو بجان دارم هوس
ترجمان بسیارا کنون کزتوپیداشدصدا

انجام ، تك‌شعر :

مردم ای دل چه کشی طرهٔ ریحانی
تا نیفتی بکامی ننشینی جایی

(۷۳) دیوان غزل خواجه مسعود قمی:

از کلانتران شهرقم بود و در زمان سلطان حسین بایقرا (م - ۹۱۱) بهرات شد وهمانجا زندگی بدرود گفت، و نزدیك گور پیر سیصدساله بخاکش سپردند . مثنوی و غزل را نیکو میگفته ، بامیر علی شیر نوائی همنشین بوده ، وبدستور سلطان‌حسین‌میرزا تاریخ پادشاهی‌اورا دردوازده هزار بیت‌سروده(۱) است. دیگر ازآثار او دیوان او است که میرعلی‌شیر گوید فراوان‌است ، وهم مثنوی یوسف وزلیخا و گفتگوی شمس وقمر ، و تیغ وقلم میباشد. سام‌میرزا سه سر غزل (۲) و بیتی از گفتگوی تیغ و قلم آورده ، و قزوینی در ترجمه مجالس‌النفائس یك بار دربهشت دوم ص ۲۱۲ دوسرغزل ازوی آورده ، و بار دیگر در بهشت ششم ص ۳۱۱ سه سر غزل دیگر از وی آورده (۳) است. نسخهٔ دانشگاه ٤۵ غزل و یك دو بیتی دارد وهمهٔ آن ۲٤۰ بیت است .

آغاز :

از کوی تو کز گریهٔ من گشت گل آنجا
رفتم من محنت زده و ماند دل آنجا

(۱) درمجالس‌النفائس ص ۳۸ و۲۱۲ چنین‌آمده، و درتذکرهٔ سامی ص ۱۰٦ گوید : بیشتر ازده هزار بیت .
(۲) یکی‌ازآنها بیت آغازغزل‌شمارهٔ۲٦ نسخهٔ دانشگاه می‌باشد . گ ۱٤۰ب دیده شود
(۳) یکی ازاینها نیز بیت یکم‌غزل شمارهٔ۲۳ نسخهٔ دانشگاه است . گ ۱٤۰ـ الف ، الف دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تاآنجا که :

جایی که شبی با سگ کوی تو توان بود
لطفی کن و مسعود گدا را بهل آنجا

انجام پسین غزل :

تا چو مسعود دم از شمع جمالت زده ام
نیست در گفتهٔ ما هیچ سخن بی سوزی

(۷۴) دیوان غزل صفائی :

در «مجالس النفائس» نگارش میرعلی شیر (م - ۹۰۶) ترجمهٔ هراتی ص ۷۹ گوید از شاعرانی است که تازه پیدا شده ، و در ترجمهٔ قزوینی (ص ۳۰۳) او را از شاعران سلطان یعقوب (آق اوتیلو) شمرده است .

این نسخه دیوان صفائی شصت و سه غزل در ۳۶۰ بیت دارد

آغاز :

تابکی ازپی هر کار جگرخون باشی
وقت آن شد که حریف می گلگون باشی

تاآنجا که :

ای صفائی دو سه روزیست جهان خوشدل باش
حیف باشد که تو با خاطر محزون باشی

انجام :

صفائی نسبتی میداشت با روی پریرویان
اگر حسن سخنهای تو بروجه حسن بودی

(۷۵) دیوان غزل اوحدی مراغه‌ئی:

اوحدی پسر حسین (۱) شاعر عارف نیمهٔ یکم سدهٔ هشتم است . تربیت (۲) لقب او را رکن‌الدین دانسته و از کتاب « صحف ابراهیم » آرد که تخلص وی

۱) روی سنگ قبر او نام پدرش چنین آمده است .
۲) دانشمندان آذربایجان ص ۴۴ .

صافی بود و چون به پیروان او حدالدین کرمانی عارف (م-۶۳۶) گرائید اوحدی تخلص گرفت. وی در مراغه پیرامن سال (۶۷۳) زاده(۱) و همانجا بسال (۷۳۷) در گذشته است. «جام‌جم» و «ده‌نامه» ــ منطق‌العشاق» ودیوان پانزده‌هزار بیتی از او بجامانده است .

گزارش زندگی او در هفت‌اقلیم و آتشکدهٔ آذر در بخش مراغه و تذکرهٔ دولتشاه طبقهٔ چهارم، ومجمع‌الفصحا، ودانشمندان آذربایجان، و پیش گفتار چاپ جام‌جم از وحید دستگردی دیده میشود . غزلهای اوحدی در دیوانش بترتیب حروف قافیه مرتب است ولی در نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) غزلها را بی ترتیب بدنبال یکدیگر آورده ، آغاز وانجام نسخه افتاده و ۱۵ غزل که در پیرامن صدبیت است از آن بجا مانده است .

آغاز آنچه هست :

آن چشم مست من که دلم گشت زار ازو
ای دوستان بسوخت مرا زینهار ازو

تاآنجا که :

گفتم که اوحدی زغمت مرد، رحمتی
گفتا مرا چه غم که بمیرد هزار ازو

انجام آنچه هست :

میدان فراخ یافته اوحدی ولی
در وصل او عجب که رسد دست تنگ تو

(۷۶) غزلهای پراکنده :

در این بخش که آغاز وانجامش نیز افتاده ۲۳ غزل درست و چند غزل ناقص

(۱) اوحدی در تاریخ سرودن جام جم (۷۳۲) گفته است :

چون ز تاریخ بر گرفتم فال — مقتصد رفته بود وسی و دو سال

وهم در این کتاب گفته است :

اوحدی شصت سال سخنی دید — تا شبی روی نیک بختی دید

فهرست کتابخانه سپهسالار ج۲ ص ۴۸۷ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ازشاعران پرا کنده بترتیب زیردیده‌میشود .

۱) یك غزل ناقص بقافیهٔ «ی» ازشاهی(۱) که انجامش اینست :

چواودوی تورا می‌بیند ازخود میرودشاهی
توحال اوهمی دانی ولی با خود نمی آری

۲) یك‌غزل ازطوسی(۲) که پایانش چنین است :

شنیدی درد و آه ونالهٔ زار از پی تیرش
هنوزای‌طوسی‌دلخسته تادردل چهاداری

۳) یك غزل بی‌تخلص وناشناخته .

٤) یك غزل ازفیضی . گویا وی همان فیضی برادرابوالفیض پسرشیخ‌مبارك (م-۱۱۰٤) باشد که وزیرا کبرپادشاه‌هندی‌بوده‌است . پایان این غزل‌چنین است :

گریبان میدرد فیضی از آن سودا که تا روزی
بگیرد دامن وصلش . . . . دهد یاری

۵و٦) دوغزل ازطالب شیرازی (۳) که پایان هردورامیآوریم :

هرچه از خوبی شیراز بگوید طالب
اهل معنی همه‌دانند که صد چندانست

***

طالبا بی غرض از لفظ اصیلی بشنو
شهر شیراز تو یك گوشهٔ اصفهانست

---

۱) گزارش زندگیش ، درتذکرهٔ دولتشاه و آتشکدهٔ آذر ص ۷۹ و صبح گلشن ص ۲۲۱و۲۳، وذریعه ج ۷ : ۲٦۱ وج ۹، وفهرست‌سپهسالار ج۲ ص ٦۱٦ وخطوط خوش کتابخانهٔ سلطنتی ص ۱۳۱ دیده شود .

۲) مجالس‌النفایس ص ۱۹۲ ومرآت الخیال ۳۱۰ وتذکرهٔ دولتشاه دیده شود

۳)وی‌غیرازطالب آملی (م ۱۰۲۸) است که گزارش زندگیش‌درشمع‌انجمن ۲۷۲و ادبیات براون ٤ : ۱۷۹ وتذکرهٔ نصرآبادی ۲۲۳ وذریعه دیده میشود .

۷تا۱۱) پنج‌غزل‌ازسکاك : شایدهمان‌بابا فغانی باشد که در(ص ٦۱-٦۳) یاد شد (۱) .

انجام سه غزل آنرا اینجا میآوریم که یکی از آنها بی‌تخلص است :

گر رود سکاکرا سر درسر کار یتان
ترك ندهددوستی‌بین‌تاچه‌سان خوددشمنست

***

گفته‌ئی سکاك آخرصیدما خواهدشدن
این سخن دیرست گویا خودمعین کرده‌است

* * *

صدباربیش کشت ودگرساخت زنده‌ام
کوی علیست یار و حکیمی نصیر او

۱۲و۱۳) دوغزل از آصفی که گویاهمان‌آصفی هروی(۲) (م - ۹۲۳ق) باشد .

پایان نخستین‌آنها اینست :

زجان آصفی ای جان نماند جزرمقی
بیاد می بسر او که آخرین نفس است

۱٤) یك غزل ازقاسمی که پایانش چنین است :

قاسمی بازآزتودرتو گریخت که مفرهم توئی و ملجا تو

۱۵) غزلی ازمحبی بااین پایان :

تا هست وبود و باشد از این روز تا ابد
محبی بجان محبست همهٔ اولیای تو

---

۱) و شاید سکاکی سمرقندی باشدکه گزارش زندگیش در مجالس‌النفائس ص ۵۱ و۲۲۵ ونفحات‌الانس ص ۱۸۲و۳۷۱ دیده میشود .

۲) گزارش زندگیش دردوضة‌الصفا و تذکرهٔ دولتشاه و مرآت‌الخیال ص ۷۵ و مجالس‌النفائس ص ۵۸ و ۲۲۱ و تذکرهٔ سامی ص ۹۷ و نصرآبادی ص ٤۷۱ آمده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۶ و ۱۷) دو غزل بی تخلص .

۱۸ تا ۲۰) سه غزل از حسن، که گویا همان حسن دهلوی باشد که در (ص ۵۲–۵۴) یاد او گذشت . غزل یکم ناقص و غزل دوم بدین شعر پایان یابد :

از بهر وصل او حسن وجه زری دارد ولی
شد وصل او چون کیمیا و از کیمیا نایاب تر

۲۱ تا ۲۴) چهار غزل ناشناس . میان آنها نیز افتاده است .

۲۵) غزلی از تسیمی (۳) که بدین شعر پایان یافته :

ای تسیمی پاك می بازی نظر آفرین بر دیدهٔ بینای تو

۲۶) غزلی از عطار (۲) بدین پایان (تخلص) :

قصهٔ عطار از هر سو گذشت عرضه خواهد داشت او بر رای تو

[۶۹ تا ۸۰]

۱۲۵ سخهٔ خط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی از خط و کاغذ پیدا است که در اینجا یکم سدهٔ دهم میباشد . در « گ ۱۵۳ ب » نویسنده‌یی که در انتظار ظهور و جنبش امام زمان بوده این شعر را نوشته ؛ خواجه میر طوسی فرماید :

در نهصد و پنجاه و یك از ماه رجب آن بدر سعادت بدمد در دل شب
دین دارانرا برهاند ز تعب یعنی مهدی خلاصه آن شاه عرب

عنوانها با زر در میان جدول زرین نوشته شده و دور بر آن شنگرف افشانی شده است. همهٔ صفحه‌ها با زر و سیاهی جدول بندی شده میان هر دو غزل یك سطر سفید و میان آن جملهٔ «وله=وازاوست» در میان جدول نوشته شده .

فهرست این دفتر چنین است . غزلهای جلال « گ ۱ تا ۳۹ » و آغاز آن افتاده است. غزلهای سعد « گ ۳۹ — ۴۵ » غزلهای خیالی « گ ۵۴ — ۷۷ » بساطی « گ ۷۸ — ۸۵ » ریاضی « گ ۸۵ — ۱۰۶ » سیفی (گ ۱۰۶–۱۱۷) اختیار « گ ۱۱۷–۱۲۸ »

۱) گویا همان تسیمی شیرازی «م ۸۳۷» شاگرد فضل‌الله استرآبادی حروفی باشد ریاض‌العارفین چ ۱۳۰۲ ق ص ۲۳۶ و ج ۱ همین فهرست ص ۸۰–۸۵ دیدهٔ شود .

۲) شاید روح عطار باشد که دیوانش با دیوان جلال عضد جلد شده و این نسخه در کتابخانهٔ مجلس هست . ص ۲۴۰ همین مجلد دیده شود .

«مهدی ۱۱۸ — ۱۳۵» خواجه مسعود « گ ۱۳۵ - ۱۴۲ » صفائی « گ ۱۴۲ = ۱۶۰ » در اینجا (گ ۱۲۳ = ب و ۱۲۴ الف) سفید مانده و چند شعر از همایون و دیگران در آن دیده میشود . و میان (گ ۱۵۷ و ۱۵۸) و همچنین (۱۵۸ و ۱۵۹) افتاده است . غزلهای اوحدی در (گ ۱۶۰ – ۱۶۴) است ؛ ولی میان برگهای (۱۵۹–۱۶۰) و (۱۶۴–۱۶۵) افتاده است . و غزلهای اوحدی آغاز و انجام ندارد . در برگهای ۱۶۵ تا ۱۷۰ غزلهای پراکنده و ناقص با تخلص‌های میرشاهی، طوسی، فیضی، طالب، سکاك، آصفی، قاسمی، حسن، نسیمی، عطار دیده میشود . آغاز بخش غزل سعد (گ ۳۹ پ) و خیالی (گ ۵۴ پ) و بساطی (گ ۷۸ ب) و ریاضی (گ ۸۵ ب) و سیفی (گ ۱۰۶ پ) و اختیار (گ ۱۱۷ پ) و مهدی (گ ۱۲۸) و مسعود (گ ۱۳۵ پ) و صفائی (گ ۱۴۵) سرلوحهای ساده با سیاهی و شنگرف دارد . در برگ (۴۶ - الف) مهر خدیجه دیده میشود که گویند یکی از بانوان فتحعلیشاه قاجار بوده و در برگ (۱۰۷ الف) مهر (العبد غازی بن سلیمان الشریف) دیده میشود .

(۳۷۰ برگ) کاغذ نخودی رنگ . جلد تیماج مشکی فرسوده
اندازه ۱۱۰ × ۱۸ و ۶ × ۵ و ۱۲ : ۱۴ سطر .

[۷۷] مظهر البینات و مظهر الدلالات (فارسی)

ترجمهٔ نیست بفارسی از کتاب شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی الحدید . نهج البلاغه در (حرف ـن) خواهد آمد ، و چند گزارش آن در ص ۴ و ۱۵۰ و ۱۵۱ یاد گردید .

یکی از گزارشهای نام‌بردار نهج البلاغه شرح ابن ابی الحدید عزالدین عبدالحمید بسر هبة‌الله بسر محمد بسر ابوحدید مدائنی معتزلی (۵۸۶) بمدائن (م-۶۵۵) بغداد میباشد، وی از مردان ادب و کلام بود ، و مانند دیگر دانشمندان سدهٔ هفتم بیشتر بگفتگو در سخنان و نگارشهای دیگران پرداخته است .

او بیش از آنکه پدید آرنده باشد روشن کننده است ؛ چنانکه « الفلك الدائر » را دربارهٔ « المثل السائر » از ضیاءالدین ابن اثیر (م ۶۳۷) نگاشته (۱) و « الاعتبار » را دربارهٔ « الذریعه » مرتضی (م-۴۳۶) و « نقض المحصول » را دربارهٔ « محصول » فخر رازی (م-۶۰۶) ، و « مشکلات الغرر » را دربارهٔ « غرر الادله » از

۱) در هند ۱۳۰۹ ق در ۱۸۴ ص، چاپ شده .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد پسر علی بصری (م-۴۶۳) نگاشته و «یاقوت» ابن نوبخت، و «نهج‌البلاغهٔ» رضی (م-۴۰۶) را شرح کرده است او فقط در «العبقری الحسان» شعر و نثر و نامه های خود را گرد آورده است (۱)

ابن‌ابی‌الحدید بیش از سدهٔ دهم یك دوستدار علی و خاندان او شناخته شده است ولی پس از این تاریخ در اثر تکامل شیعیگری در روزگار صفوی، وی یك سنی متعصب شناسانده گردید تا آنجا که شرح نهج‌البلاغهٔ او را پاسخ نوشتند.

وی این گزارش را در چهار سال و هشت ماه (از آغاز رجب ۶۴۴ تا پایان صفر ۶۴۹) بنام ابوطالب محمد پسر محمد ابن علقمی وزیر نگاشته و نام او در دیباچه آورده.

هندوشاه در تجارب السلف (۲) داستانی از چگونی نگارش ابن ابی‌الحدید شرح نهج را برای ابن‌علقمی وزیر، و دریافت پاداش سنگین ازوی یاد کرده است. ابن ابی‌الحدید در این شرح سخن را بدرازا کشانیده. داستانهای تاریخی مانند پیدایش اسلام و پیشرفت و کارزارهای پیغمبر و جنگلهای مسلمانان و جنبش زنگیان در سواحل خلیج فارس و یورش ترکان و جز آنرا بجا و بی‌جا و با اندك مناسبت یاد کرده، و همه را از سخنرانیهای علی بیرون آورده (۳) و آنچه از آنها پس از روزگار علی (ع) بوده پیشگوئی شمرده است. او با اینکه هزار جمله بند و اندرز در پایان کتاب بر نهج‌البلاغه افزوده و بعلی (ع) نسبت داده است باز هم مانند سیدرضی (نگارندهٔ نهج‌البلاغه) درستی این نسبت را تضمین نمی کند.

وی در گزارش عهدنامهٔ مالك اشتر بند ۵۳، در جملهٔ (وتفقد امر الخراج)

---

۱) هفت چکامهٔ از آن بنام السبع العلویات در ایران بسال ۱۳۱۷ ق چاپ شده است.

۲) تجارب السلف (ن-۷۲۴) چ تهران اقبال آشتیانی ص۳۵۸

۳) همین کاررا جوهری طنطاوی روحانی سدهٔ بیستم درمصر، دربارهٔ قرآن کرده وی هرچه خود میدانسته از قرآن بیرون آورده‌است.

گوید ومانند این سفارش را در عهد نامهٔ شاپور پسر اردشیر بابکان که بپسر خود نگاشته دیدم، سپس متن عهدنامهٔ شاپور را آورده است (۱) ودرجای دگر عهدنامهٔ اردشیر و پندپرویز بوزیر خویش (۲) ودرجای دیگر نامهٔ اسکندر بارسطو را درهمین زمینه آورده (۳) است.

فهرست شرح ابن‌ابی‌الحدید:

ابن‌ابی‌الحدید گزارش خود را به بیست بخش بسیجیده‌است: یکم) از بند ۱ تا ۲۵ نهج (٤) را گزارش داده، دوم) از بند ۲۶ تا ۴۳ میباشد. ولی در آغاز بخش دوم چند صفحه دربارهٔ بند ۲۵ گفتگو دارد، سوم) از بندهای ٤٤ تا ۵۲ را گزارش داده ولی در آغاز آن نیز درباره بند ۴۳ که در بخش سوم است گفتگو کرده، چهارم) بندهای ۵۳ تا ۵۸ را شرح کرده، پنجم) بندهای ۵۹ تا ٦٤ را در بردارد. ششم) بندهای ٦۵ تا ۸۹-د، را. هفتم) از پایان بند ۸۹ - ه تا ۱۲۱. هشتم) بندهای ۱۲۲ تا ۱۳۳ و در گزارش بند ۱۲۶ همهٔ داستان جنبش زنگی را (۵) یاد کرده است. نهم) بندهای ۱۳٤ تا ۱۷۱. دهم) ۱۷۲ تا ۲۰۰. یازدهم ۲۰۱ تا ۲۲۵. دوازدهم) در این بخش فقط بند ۲۲۶ را آورده و دربارهٔ عمر خطاب بدرازا سخن گفته و ازوی دفاع نموده است. سیزدهم) ۲۲۷ تا پایان باب یکم نهج‌البلاغه را در بردارد. چهاردهم) از آغاز باب دوم نهج‌البلاغه از نامهٔ یکم تا نامهٔ نهم را گزارش نموده. پانزدهم) از نامهٔ ۱۰ تا ۲۸ را گزارش نموده.

---

۱) شرح ابن‌ابی‌الحدید چ مصطفی البابی بمصر ۱۳۳۹ق ج٤ ص۱۳٦.

۲) همان جلد ص۱۵٦ و۱۵۷ و۱۵۸ و۱۳۹

۲) همان جلد ص۱۲۹ و۱۲۰

٤) شمارهٔ بندها وخطبه ونامه های نهج‌البلاغه که من بدان اشاره میکنم برابر فهرستی است که در زیر عنوان نهج‌البلاغه یاد خواهدشد.

۵) جنبش بردگان زنگی یکی از بزرگترین جنبشهای طبقاتی در اسلام است ومن پایان نامه تحصیلی خود را در رشتهٔ قضائی دانشکدهٔ حقوق بدان اختصاص داده وبتفصیل در آن گفتگو کرده‌ام.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شانزدهم) نامه‌های ۲۹ تا ۴۵ ب . هفدهم) نامهٔ ۴۶ تا ۶۴ را هجدهم) نامه‌های ۶۵ تا ۷۹ که پایان باب دوم نهج‌البلاغه است گزارش نموده . و نیز اند کی از باب سوم (سخنان کوتاه علی) را گزارش نموده است . نوزدهم) از جملهٔ (انما المرء فی الدنیا عرض تنتقل فیه المنایا) تا جملهٔ (العین حق والرقی حق) گزارش داده .

بیستم) از جملهٔ (مقاربة الناس فی اخلاقهم) تا پایان نهج‌البلاغه (اذا احتشم المؤمن) گزارش داده وسپس هزار جمله از بند واندرزها که در روزگار ابن ابی الحدید بعلی نسبت میداده‌اند ولی درروزگار رضی چنان شناخته نبوده آورده است .

ناسازگاریها که میان شرح ابن ابی الحدید و متن نهج‌البلاغه دیده میشود .

۱) بند ۱۲۱ ب در شرح ابن ابی الحدید خطبه‌یی جداگانه شناخته شده و با جملهٔ (ومن کلامه علیه السلام) آغاز ، ولی در متن نهج، دنبالهٔ بند ۱۲۱ میباشد و با جملهٔ (ومنها...) آغاز یده.

۲) بند ۱۴۸ ج، در متن نهج‌البلاغة پیوست بند ۱۴۷ ب، آمده ولی در شرح ابن ابی الحدید، جداشده و با جملهٔ (ومنها...) آغاز یده .

۳) ترتیب وجای بند ها و خطبه‌ها در متن نهج با جای آن‌ها در شرح ابن ابی الحدید دگرگون است :

الف) بندهای ۱۸۳ تا ۱۹۰ نهج، در شرح ابن ابی الحدید، میان بندهای ۲۳۳ و ۲۳۴ نهاده شده است .

ب) بند ۲۳۸ نهج‌البلاغه نیز پس از بند ۱۹۰ نهاده شده .

ج) بند ۲۳۹ که آخرین بخش یکم نهج‌البلاغه است، پس از از بند ۲۱۸ نهاده شده است .

۴) بسیاری از واژه‌ها وجمله‌ها در متن نهج‌البلاغه امروز با آنچه در شرح ابن ابی الحدید دیده میشود دگرگون است .

این ناسازگاری ها میرساند که نسخهٔ نهج‌البلاغه که در سدهٔ هفتم بدست ابن ابی الحدید بوده با نهج‌البلاغهٔ امروزی فرقهائی داشته است .

چاپهای شرح ابن ابی الحدید:

تهران در دو بخش بسال ۱-۱۲۷۰ق.

مصر در دو بخش بسال ۱۲۸۱ق.

مصر چاپخانه میمنیه . بسال ۱۲۹۰ق در دو بخش.

مصر در ۲۰ بخش بسال ۱۳۳۱ق.

مصر ۲۰ بخش را در چهار جلد بسال ۱۳۳۹ ق.

برخی از کارها که دربارهٔ ابن ابی الحدید انجام یافته :

۱) شمس پسر محمد پسر مراد بسال (۱۰۱۳ ق) شرح ابن ابی الحدید را بفارسی گردانیده و بر آن افزوده است . عبدالله افندی در ریاض العلماء گفته است که شمس بدستور درویش پسر مظفر ودر روزگار شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) شرح ابن ابی الحدید را ترجمه کرد. ولی از نسخهٔ این ترجمه که بخط نگارندهٔ آنست، واز کتابخانهٔ محتشم السلطنه اسفندیاری بکتابخانهٔ مجلس آمده، تاریخ نگارش (۱۰۱۳ق) ونام نگارنده درست آشکار است (۱)

۲) سلطان محمود پسر غلام علی طبسی شاگرد مجلسی (۲) شرح ابن ابی الحدید را کوتاه کرده است (۳)

۳) فخر الدین عبدالله پسر مؤید بالله ، نیز آنر کوتاه کرده «العقد النضید» یا «الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید» نامیده است و نسخهٔ نوشتهٔ (۱۰۸۰ق) آن در مجلس هست (۴)

۴) سید هاشم بحرینی (م-۱۱۰۷ق) نیز کتابی بنام سلاسل الحدید نگاشته

---

۱) فهرست سپهسالار ج ۲ ص ۱۳۰ وذریعه ج ۴ ص ۱۰۹.

۲) از مجلسی دوم بتاریخ (ج ۱ - ۱۰۹۶) اجازت دارد . ذریعه ج ۱: ۱۵۱ دیده شود .

۳) امل الامل ج ۲ و ذریعه : ۱: ۹۴.

۴) فهرست مجلس ج ۱ - ص ۱۶۷ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وستایشهائی را که ابن‌ابی‌الحدید ازعلی(ع) دراین شرح نموده در آن کتاب گرد آورده است.

۵) شیخ یوسف بحرینی صاحب حدائق (م-۱۱۸۸ ق) پاسخی براین‌ابی‌الحدید نگاشته، و آنرا «سلاسل‌الحدید فی‌تقیید ابن‌ابی‌الحدید» نامیده‌است.

۶) حاج نصرالله پسر آخوند ملا لطفعلی دزفولی (۱) درروزگار ناصرالدین شاه قاجار آنرا بفارسی گردانیده و «مظهرالبینات» نامیده که جای گفتگوی ما است. وی در برخی ازجاها جملهٔ (ومظهرالدلالات) و در برخی جاها جملهٔ (ومظهرالایات) را بنام کتاب افزوده است. روش اودراین ترجمه چنانست که متن نهج‌البلاغه را بی‌ترجمه مینویسد وسپس گفتار ابن‌ابی‌الحدید را واژه‌بواژه بفارسی میگرداند. وهرگاه بخواهد ازخود چیزی بیفزاید با واژهٔ (اقول — میگویم) آغاز و بواژه (انتهی — پایان یافت) پایان میدهد. وی کتابرا در چهارجلد نگاشته وپنج بخش ازشرح ابن‌ابی‌الحدید را در یك جلدجای داده وبرای هرجلد دیباچه‌ئی نگاشته‌است.

درپایان کتاب، چگونگی نگارش این ترجمه چنین آمده است:

درجمادی یکم سال ۱۲۷۸ ق برابر جملهٔ (باقاهرالمضلین) ناصرالدین شاه دستوردادواو بکار آغاز کرد. وچهارده سال بیرون‌ازشهر تهران درآن کار کرد تا در ۱۲۹۲ ق برابر واژهٔ (اومفان) آنرا بپایان رسانید و بتهران آورد. ناصرالدین‌شاه، بمعزالدوله فرماندار خوزستان (عربستان) دستور دادوبایل تصحیح وپاکنویس آنرا فراهم‌سازد، وی‌یك‌نویسنده دراختیار نگارنده گزارد واو تا دو سال آنرا پاکنویس کرد، و درجمادی دوم سال ۱۲۹۵ ق برابر جملهٔ (یامظهرالحق) وجملهٔ (الم ذلك‌الکتاب) پاکنویس آن را به پایان رسانیده است.

و نیز در دیباچهٔ بخش ششم که آغاز جلد دوم کتاب است همین گفتگو را

۱) گ ٦ پ نسخهٔ شمارهٔ ۸۸ اینکتابخانه دیده شود.

نقل‌ازدیباچهٔ جلد یکم آورده گوید: بدرازا کشیدن نگارش این کتاب تاچهارده سال این سود را داشت که بروزگار فرخندهٔ عم شهریار ..... معزالدوله [بهرام‌میرزا (۱)] رسید. ووی درپاکنویس آن کوشش بسیارنمود.

نگارنده‌دراین‌دیباچه گوید من‌از شاه‌دستور داشتم که‌امانت درترجمه‌را بدرستی نگاهدارم،وبرای‌اینستکه آنراواژه بواژه بفارسی گردانیدم،تا آنجا که (ضمیرشأن‌وقصه)، و (لام‌ابتداء) را نیزترجمه کرده‌ام. ولی باید گفت پوزش‌او پذیرفتنی‌نیست، زیرا که وی بیش‌ازآنکه بخواهد به پیروی از دستور، امانت دارباشد، پرورش یافتهٔ روش‌ترجمه‌های دوحانیان روزگارصفوی وقاجاربوده است، وگرنه‌اومیتوانست بهترازاین بنگارد وامانت رانیزنگاهدارد. اودیباچه های خودرا نیزباهمین سبك نگاشته است.

اینك‌آغازوانجام بخشهای این کتاب: بخشهای یك ودو درنسخهٔ‌دانشگاه نیست.

آغاز بخش سوم: نیز افتاده است.

انجام آن: وصلوات بربهترین‌خلق‌اوسیدنا محمدوآله‌الطاهرین. واین است‌آخرجزوسوم،ودرعقب اوست جزوچهارم.

آغاز بخش‌چهارم: بسم‌الله... حمداز برای‌خداوندیگانه عادل وحکیم است... الاصل: ومنها فی‌ذکر یوم‌النحر...

انجام آن: پس دانستم که هلاك نمیشود مگر بآب. و این بود آخر جزوچهارم...

آغاز بخش پنجم: وحمد مخصوص پرورگارعالمین‌است... الاصل:و قال علیه‌السلام لماعزم علی‌حرب‌الخوارج...

۱) نام بهرام‌میرزا بخط متن نیست. نویسنده جای آنرا سفید گذارد تا با زر بنویسد، ولی نتوانسته، وسپس کسی‌دیگر آنرا نوشته است. برگ ٦ پ نسخهٔ شمارهٔ ۸۸ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام آن : افتاده

آغاز دیباچهٔ بخش ششم : بسم‌الله ... الحمدلله ... اما بعد پس معروض میدارد احقر خدام شریعت ...

آغاز شرح : الحمدلله ... الاصل ومن کلام له فی معنی الانصار . قالوا ...

انجام : وشبیه است امر وبعضی از نیکی اورا . این بود جزو ششم .

آغاز بخش هفتم : بسم‌الله ... الحمدلله الواحد العدل. الاصل : فلما مهدارضه ... الشرح : مهدارضه یعنی صالح و مستوی ...

انجام آن : افتاده.

آغاز بخش هشتم : افتاده

انجام آن : وهمین مغیرة بن أخنس کشته شد باعثمان در یوم الدار . وبتحقیق که ماذکر کردیم مقتل اورا درسابق . واین بود جزو هشتم از نهج البلاغة.

آغاز بخش نهم : حمد مخصوص یکتائیست عادل ، و بدانکه ...

انجام آن : وخدای تعالی درپناه خود دارد مارا از آن عقوبات . این بود آخر جزو نهم از شرح نهج البلاغة.

آغاز بخش دهم : الاصل : ومن کلام له ... فی معنی طلحة بن عبدالله : قد کنت وماالهدد بالحرب ...

انجام آن : کافی است ونیکوو کلی . واقول تمام شد ترجمهٔ جزوه دهم درروز نصفهٔ شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۲۸۸ ...

نسخهٔ دانشگاه بخشهای یازده تا پانزده را که جلد سوم ترجمه است ندارد

آغاز بخش شانزدهم : افتاده است .

انجام آن : واستشهاد کرده است بدخول لام امر برصیغهای حاضره. انتهی. تمام شد جزو شانزدهم .

آغاز بخش هفدهم : الاصل : ومن کتاب له الی بعض عماله اما بعد ...

انجام آن : تاآنکه اسلام را اختیار نمود در موضع معروف بجعرانه .

آغاز بخش هجدهم : وگفته است واقدی آنکه گریخت هبیرة بن ابی طالب ...

انجام آن : وگفته‌ام من آنکه ... کاشف است از آنکار امیرالمؤمنین بیعت ابی بکر را ... و این بود آخر جزو هجدهم و درعقب او است جزو نوزدهم.

آغاز بخش نوزدهم ، الاصل : انما المرؤ فی الدنیا غرض ... الشرح بتحقیق که سبقت گرفت قدر بسیاری ...

انجام آن : بلکه صورت روحانی بود یا ازاجنه.

آغاز بخش بیستم : وقال علیه السلام مقاربة الناس فی اخلاقهم أمن من غوائلهم الشرح : وبسوی این معنی ...

انجام آن : وهوولی التوفیق . پس تمام شد این مصنف .... وسپس دوصفحه در چگونگی نگارش این ترجمه نگاشته است .

جای هریك از بخشهای بیستگانهٔ ترجمهٔ شرح ابن ابی الحدید در کتابخانهٔ دانشگاه تهران .

بخش یکم : در نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه نیست .

بخش دوم : در نسخهٔ دانشگاه نیست .

بخش سوم : گ ۱-۶ نسخهٔ شمارهٔ ۱۰۹۸.

بخش چهارم : گ ۶-۸۲ نسخهٔ شمارهٔ ۱۰۹۸.

بخش پنجم : گ ۸۲-۱۴۷ نسخهٔ شمارهٔ ۱۰۹۸.

بخش ششم : گ ۱-۱۰۹ نسخهٔ ۸۸ .

بخش هفتم : گ ۱۰۹-۱۴۶ نسخهٔ ۸۸.

بخش هشتم : گ ۱-۸۰ نسخهٔ ۹۰.

بخش نهم : گ ۸۱-۲۲۵ نسخهٔ ۹۰ .

بخش دهم در نسخهٔ ۹۱.

بخش یازدهم ـ در کتابخانهٔ دانشگاه نیست .

بخش دوازدهم : نیز در کتابخانهٔ دانشگاه نیست .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بخش سیزدهم : نیز در این کتابخانه نیست .

بخش چهاردهم : نیز دراینجا نیست .

بخش پانزدهم : نیزدراینجانیست .

بخش شانزدهم : گ : ٤-۱۳۲ نسخهٔ شمارهٔ ۹۲ .

بخش هفدهم : گ ۱۳۲-۲٦۱ نسخهٔ شمارهٔ ۹۲.

بخش هجدهم : در نسخهٔ ۸۹

بخش نوزدهم گ ۱-۹۷ نسخهٔ ۱۰۹۹

بخش بیستم : گ ۹۷ - ۲۰۵ نسخهٔ ۱۰۹۹

[۸۱]

۱۰۹۸۱۰ این جلد بخشهای سه وچهار وپنج شرح نهج‌البلاغه را در بردارد که بند های ٤٤ تا ٦٤ باب یکم نهج‌البلاغه در آنها گزارش شده . بخش سوم این نسخه ناقص است وازبند ۵۱ ببعد درآن‌دربرگهای (۱ تا ٦) دیده میشود . بخش چهارم درست است (گ ٦ تا ۸۲) و بخش پنجم در برگهای (۸۲ تا ۱٤۷) نیز ناقص مانده ویك برگ ازپایانش افتاده است . خط نسخ . نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی پیداست که نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ آن را در تاریخ (۹۳ تا ۱۲۹۵ ق) نوشته‌است.صفحهٔ بعد دیده‌شود.

روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده . نسخه پاکنویس اصل است . بدست نگارنده تصحیح‌شده، خط و مهروی در کناره ها دیده میشود،مهر او چهار گوش ۱۵×۲۱میلیمتراست، واین‌جمله روی‌آن دیده میشود: (لااله‌الاالله الملك‌الحق المبین عبده نصرالله) . این‌جلد پیشتر دنبال‌جلدشمارهٔ (۸۸)بود وماآنرا جدا کردیم‌وبرگ شمارجدا برایش نوشتیم.

همهٔ دفتر (۱۲۷ برگ) کاغذ فرنگی‌سفید . جلدندارد .

اندازه : ۲۱×۳۳ و۵ر۱۳×۵ر۲۳ : ۳۰ سطر.

[۸۲]

۸۸ ۲۵ این مجلد دوبخش ششم (برگهای ۱ تا ۱۰۹) وهفتم (برگهای ۱۰۹ تا ۱٤٦) شرح ابن‌ابی‌الحدید، یعنی بند های ٦۵ تا ۱۲۱ باب‌یکم نهج‌البلاغه

را دربرداشته، ولی اکنون۱۸ بندازپایان بخش‌هفتم افتاده، وتابند ۱۰۳دربرگ۱٤٦ جا مانده است .

نسخه پاکنویس‌اصل، دارای دستخط ومهر نگارنده. نام نویسنده وتاریخ ندارد ولیکن پیداست که نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ (۹۱) اسداله پسرمرحوم‌مهدی‌انصاری دزفولی در(۹۳تا۱۲۹۵ق)آنرا نوشته است .

خط متن را درشت وبشنج نوشتهٔ وروی آن خط شنگرف کشیده است .

(۱۲٦ برگ) کاغذ فرنگی سفید . جلد مقوا. ته پارچه.

اندازه ۲۱×۳۳ و ۵ر۱۳× ۵ر۲۰ ۲۰ سطر

[۸۳]

۹۰ این جلد بخشهای هشتم (دربرگهای ۱-۸۰) ونهم (دربرگهای۸۱-۲۲۵) شرح‌نهج‌البلاغه (جزبند های ۱۲۲ تا ۱۷۱ باب یکم نهج‌البلاغه) را دربر دارد ولی یك برگ ازآغاز بخش هشتم افتاده است . خط نسخ . نام نویسنده‌وتاریخ ندارد. ولیکن‌پیداست که‌همان نویسندهٔ نسخهٔ (شمارهٔ ۹۲) اسدالله پسرمهدی در(۹۳ تا ۱۲۹۵ ق) آنرا نوشته است . خط متن درشت و روی آن خط شنگرفی کشیده . نسخه پاکنویس و بدست نگارنده‌اش تصحیح شده. خط ومهر او در کناره ها دیده می‌شود .

(۲۱۵ برگ)کاغذ فرنگی سفید جلد مقوی. ته پارچه.

اندازه ۲۱×۳۳ و ۵ر۱۳×۵ر۲۵، ۲۰ سطر.

[۸٤]

۹۱ این جلد بخش دهم شرح ابن‌ابی‌الحدید را دربردارد که ازبند ۱۷۲ تا۲۰۰ باب یکم نهج‌البلاغه را گزارش داده است . نسخه درست وپاکنویس اصل است . بدست نگارنده تصحیح شده خط و مهر اودر کناره ها دیده میشود . نویسنده اسدالله پسرمرحوم مهدی انصاری است . تاریخ ندارد ، ولی تاریخ دستخط نگارنده (گ ۱۰٦ — الف این‌مجلد) ۹ ذی‌قعده سال ۱۲۹۳ ق میباشد وتاریخ دستخط وی‌درپایان‌جلد چهارم (برگ۲۷۱ب‌نسخه شمارهٔ۸۹ این کتابخانه) سال ۱۲۹۵ق- براین جملهٔ یا مظهرالحق می‌باشد . روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده است .

(۱۰۶ برگ)کاغذ فرنگی سفیدجلد مقوا. ته‌پارچه.

اندازه : ۱۰×۳۳ و۳ر۲۵ × ۲۰سطر.

[۸۵]

۹۲ این جلد بخشهای ۱٦ و۱۷ شرح ابن‌ابی‌الحدید رادربردارد. که درآن بند های ۲۹ تا ٦٤ باب دوم نهج‌البلاغه شرح شده است . آغاز بخش ۱٦ این

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نسخه ناقص است و از بند ۳۱ بیعد باقی مانده است . بخش ۱۷ درست است (گ ۱۳۲-۲۶۱) . نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ آنرا در تاریخ (۹۳ تا ۱۲۹۵ق) نوشته . نسخهٔ پاکنویس اصل است . و بدست نگارنده تصحیح شده. خط و مهر وی در کنارههای آن دیده میشود . روی جمله های متن خط شنگرفی کشیده است

(۲۶۱ پ س) به پ س آغاز سفیداست کاغذ فرانگی سفید . جلد مقوی. نه پارچه.
اندازه : ۲۱×۳۴ و ص ۱۲×۲۰٫۲۵ سطر.

[۸۶]

۸۹ . این جلد بخش ۱۸ شرح ابن ابی الحدید را در بردارد، که بندهای ۶۵ تا ۷۹ پایان باب دوم و اندکی از آغاز باب سوم نهج البلاغه در آن شرح شده است. این بخش ۱۸ در چند جلد دیگر پراکنده بود : (گ ۱ تا ۸) در یك جا بود ، و (۱۰-۲۶) در جای دیگر و (گ ۲۷-۹۳) در جای دیگر بود ، من آنها را در این مجلد گرد هم آوردم . خط نسخ . نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ اسدالله پسر مهدی انصاری در سالهای ۹۳ تا ۱۲۹۵ق آنرا نوشته است . میان برگهای ۲۶ و ۲۷ افتادگی دارد . نسخه پاکنویس اصل است . نگارنده اش آن را تصحیح کرده . خط و مهر او در کناره دیده میشود . روی متن نهج البلاغه خط شنگرف کشیده است .

(۹۳ پ س) کاغذ فرانگی سفید. جلد اداره .
اندازه: ۲۱×۳۱ و ص ۱۲×۲۰٫۲۵، ۳۰ سطر .

[۸۷]

۱۰۹۹ . این جلد بخش های ۱۹ و ۲۰ شرح نهج البلاغه را درست در بردارد . بخش ۱۹ در برگهای (۱ — ۹۷) بخش ۲۰ در برگ های (۹۷ — ۲۰۵) . بیشتر اندکی از بخش ۱۸ در آغاز این مجلد بود و کتابخانه آنرا با باقی بخش ۱۸ یکجا نهاده شماره ویژه داد . خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولیکن پیداست که همان نویسندهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۹۱ اسدالله پسر مهدی آنرا در سالهای (۹۳ تا ۱۲۹۵ ق) نوشته است . نسخهٔ پاکنویس و نگارنده اش آنرا تصحیح کرده . خط و مهر او در کناره ها دیده می شود . روی جمله های متن نهج البلاغه خط شنگرف کشیده است .

(۲۰۵ پ س) کاغذ فرانگی سفید . جلد مقوی. نه پارچه.
اندازه : ۲۱×۳۴ و ص ۱۲×۲۰٫۲۵، ۳۰ سطر.

[۸۷] **منتخب التماثیل** (فارسی)

داستانها و افسانه‌های مذهبی و تاریخی در آن گرد آمده است . در دیباچهٔ آن گوید: من علی اکبر پسر عبد علی کرمانی که از میهن خود بشهر کرمانشاه افتاده ، گرفتار زن و فرزند بودم در هنگام بیکاری بگرد آوری و نگارش کتاب منتخب نور العیون (۱) و این کتاب منتخب التماثیل که از پند و موعظه خالی نیست پرداختم . نسخهٔ این کتاب بدست نگارنده اش در تاریخ ۱۲۶۹ ق نوشته شده است .

از دانشمندان کرمان در سدهٔ سیزدهم چند تن نام علی اکبر داوند :

۱- علی اکبر زرندی کرمانی که در تاریخ ۱۶ - ع ۱ - ۱۳۲۲ق فهرستی بر مجالس المؤمنین چ تهران ۱۲۹۹ ق در (۱۰ ص) نگاشته و گزارش زندگی قاضی نورالله را اروضات در آغاز آن نهاده (نسخه نزد آقای سید محمد هاشمی کرمانی در تهران است).

۲- ملا علی اکبر کرمانی پیشنماز مسجد جامع کرمان (م-۱۳۲۱ق) (۲)

۳- علی اکبر کرمانی، که در تاریخ کرمان احمد علی خان از دانشمندان آغاز سدهٔ سیزدهم شناخته شده .

۴- علی اکبر زمان (۳) دانشمندی که در ۱۲۵۴ ق از کرمان بیزد تبعید شد و از آنجا بتهران و مشهد رفت و در اینجا در ۱۲۷۵ق در گذشت ، و گویند دولت او را مسموم کرد (۴) .

۵- علی اکبر کرمانی که بحاج واعظ نامبردار بوده ، و پسرش

(۱) جلد سوم این فهرست ص ۶۳۰ دیده شود
(۲) از یادداشت های آقای سید محمد هاشمی کرمانی در تهران .
(۳) پسر زمان ؛ چنین است در اصطلاح مردم کرمان .
(۴) تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی ص ۵ چ تهران ۱۳۲۵ ق و گویا همین برداشت که بدستور او (ذکرا) و (قواعد) شهید در تهران سال (۱۲۷۲ق) چاپ شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد حسین در پایان سدهٔ سیزدهم درسامرا، شاگرد میرزا حسن شیرازی بوده است (۱).

نگارندهٔ منتخب‌التمائیل که‌شاید (۲) پسر ایشان‌باشد، دراین کتاب که بخامهٔ خوداوست‌غلط املائی بسیاردارد. در پایان کتاب‌نامهٔ امیر معصوم‌جان‌بیگی(۳) فرمانفرمای ماوراء النهر را که در تاریخ شعبان هزار و دویست و دو هجری برای مجتهدان وخانهای خراسان نگاشته، آورده‌است. و سپس پاسخی را که آقا محمد رفیع پسر عبدالوهاب، بدستور امیر محمدخان بلو فرستاده، آورده است، ولی پاسخ‌را‌بپایان نرسانیده است. نامه‌آن سنی وپاسخ این شیعی براست از ناسزا گوئیهای مذهبی، وتهدید بکشتارهای دسته جمعی، وویران کردن‌شهر ها وجز آن.

آغاز: سپاس بی‌حد و ستایش بی‌عدد، بی‌مثلی راسزاست ...

[۸۸]

۸۹۸ نسخهٔ بخط نسخ وتعلیق ریز وبد. بخامهٔ نگارندهٔ کتاب‌علی‌اکبر بن‌عبدعلی کرمانی است. کتابچهٔ سوم‌دفتری است که چنین بسیج شده:

الف - آب حیات بزرك محمد جعفر استرآبادی (گ ۱-۳٤) بتاریخ ۱۸ - ع۲ - ۱۲٦۸ ق بخامه علی‌اکبر کرمانی نوشته شده.

ب - منتخب‌نورالعیون از همین علی‌اکبر کرمانی بخامهٔ خودوی درتاریخ ۲٤-ج۲

(۱) ذریعه ج ٤: ۲۰۳.

(۲) درپایان نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) بخامهٔ همین علی اکبرچند مجلس روضه خوانی وچندین بیت نوحه سرائی نوشته شده است. وبرازانشای اینکتاب پیداست که نگارنده‌اش روضه خوان و واعظ بوده

(۳) این مردهمان امیرمعصوم ملقب بشاه مردان ومشهور بجانب بیگی است که سرجان ملکم درپایان باب بیستم‌تاریخ خود(چ‌بمبئی - ۱۳۲۳ ق ج۲ص۱۳۲) گزارش زندگی‌اورا آورده است.

۱۲٦۸ ق نوشته شده (گ ۳٤-۱۱۳).

ج - منتخب‌التمائیل (جای گفتگو) بخط نگارنده‌اش نوشته شده ولی تاریخ ندارد(گ ۱۱٤-۱۷٦).

د - جواهرالاخبار که آن نیز بخامهٔ همین علی‌اکبراست و بتاریخ (۱۲٤۸ ق نوشته شده(گ ۱۸٦-۲۲٦).

ه - چندمجلس وعظوروضه خوانی برای حسین بن‌علی(ع) بخامهٔ همین‌علی‌اکبر کرمانی(گ ۲۲۸ - ۲۳۰).

عنوانها را باخامهٔ درشت وسیاه نوشته و روی‌آن خط شنگرفی کشیده است. اندکی حاشیه نیزبرگزانه‌هایش نوشته شده.

همهٔ دفتر ۲۳۰ برگ. این کتابچه ۶۳ برگ. کاغذ فرنگی‌آهار مهره خورده. جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی.

اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۰×۱۶ : ۳۱ سطر بر

[۷۹] منتخب الجواهر العلية (فارسی)

سخنان کوتاه پند و اندرز راگردآورده و بعلی (ع) نسبت داده است.

نگارنده دردیباچه خود را علی بغدادی شناسانده، و نام کتابهای الواحدة، کشف‌الغمة، نهج‌البلاغة، الفصول المهمة، راآورده، وشماره سخنانیرا که گرد آورده، هزارو دویست تعیین کرده، ولی کمتر مینماید. دراین کتاب سخنان‌را بترتیب حرف آغاز آنها بسیجیده و برای هر یك از ۲۸ حرف بابی ساخته، وترتیب‌درونی‌هرباب حرف‌دوم نمی‌باشد بلکه واژه‌های این باب را همان طور که‌در (ص۱٦۱) در غررالحکم دیدیم دسته بندی کرده است. نسخه‌ئی از این کتاب در کتابخانهٔ رضوی (طوس) هست ودرجلد پنجم فهرست (ص۱۸۲ شناسانیده شده است.

در ذریعه ج ٥ - ص ۲۷۳ گوید علی بغدادی‌الجواهرالعلیه‌فی‌الکلمات‌العلویة را نخست بعنوان دنبالهٔ کتاب غرر و درر آمدی نگاشته وسپس خود آنرا کوتاه کرده و منتخب الجواهر نامیده است. نگارنده دردیباچه گوید واژه هایدشوار را تفسیر کرده‌ام، ولی وی این کار را در حاشیه نموده نه درمتن.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: الحمدالله الذی انطق لسان‌خاتم النبوة ومظهرها ...
انجام: یطلبك‌رزقك اشدمن طلبك‌له، فاجمل فی‌الطلب.

[۸۹]

۲۱۷ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده‌سیف‌الدین محمود. تاریخ ندارد ولی پیش از ۱۱۹۵ ق نوشته شده. این تاریخ درپشت نخستین برگ دیده‌میشود کتاب ازبرگ ۳آغاز میشود.

عنوانها با شنگرف. آب وهوای هندکاغذ آنرا پوسانده دربرك ۱و۲ داروهای گرم‌هندی نوشته‌شده

درنخستین صفحه یك غزل معمی چنین‌آمده است:

دوش پیش از صبحدم آشفته خوابی دیده‌ام
آتشی افروخته در برج آبی دیده ام

تاآنجا که:

عاقلان تعبیر خواب شمس بشکافی کنید
زانکه‌بنده هم بنوبت‌شیخ وشابی دیده‌ام

۱۰۹ برگ) کاغذ نخودی رنك. کیماج قهوه‌ای‌فرسوده.
اندازه: ۱۳×۱۸و۷ × ۱۳، ۱۴سطر.

[۸۰] منتخب حدیقة الحقیقة (فارسی)

حدیقةالحقیقةوشریعةالطریقة مثنوی‌است(۱) عرفانی وفارسی ببحرخفیف که فخری‌نامه نیزنامیده شود. سرآینده‌آن ابوالمجد مجدود سنائی (ز ۴۶۴ - م ۵۲۵) است که اندکی‌از گزارش‌زندگیش در(ص۵۵ - ۶۱) این مجلد گذشت شمارهٔ شعرهای حدیقه درنسخه ها گونان میباشد، وسبب آنست که چون‌سنائی حدیقه را بسرود، ناساز گاری افکار صوفیانه باعقاید خشك مذهبی و همچنین

(۱) آنچه دراینجا دربارهٔ حدیقه‌آورده‌ام ترجمه نیست ازآنچه پنوم دردریمه (ج۶ ص۳۸۲) آورده وآنچه خودم دردریمه افزوده‌ام. واندکی نیزاز مدرکها که در ص ۶۱ یادکرده‌ام دراینجا افزوده‌ام.

ستایشها که ازخاندان علی درآن بود سنیان غزنین را واداشت تابرعلیه او داد خواهی کنند، وبهرامشاه غزنوی باهمه دوستی که با سنائی داشت اورا بزندان افکند. سنائی ناچار حدیقه را تا آنجا که بچشم سنیان مذهبی بد نباشد کوتاه کرد، و نسخهٔ کوتاه شده را با یك نامهٔ منظوم برای برهان‌الدین ابوالحسن علی پسر ناصرغزنوی که به بریان نامبردار بود ببغداد فرستاد، و نامهٔ دیگربنثر برای بهرام‌شاه نگاشت وازسنیان‌غزنین شکایت نمود، وسپس‌بارد گراز حدیقه ۱۰۰۱ بیت بشمار نامهای خداگزین کرد، ودرتاریخ این کارخود گوید:

بود نیمی گذشته از مرداد — که ازاین گفته‌ها بدادم داد

برترین نسخه های حدیقه‌آنست که شاگرد او محمد پسرعلی وفا پس از مرگ سنائی وبدستور بهرامشاه غزنوی فراهم‌آورده و پاکنویس کرده و یك پیش گفتار برآن‌افزوده. این حدیقه ده هزار بیت در ده باب دارد، سنائی آنرا درسیزده ماه (از آذر ۵۲۴ تا دیماه ۵۲۵) سروده ودربارهٔ تاریخ‌آن گوید:

شد تمام این کتاب درمه دی — که در آذر فکندم آنرا پی
پانصد و بیست و چار رفته زعام
پانصد و بیست و پنج گشت تمام

همهٔ‌حدیقه بسال۱۲۷۵ق = ۱۸۵۹م‌دربمبئی‌چاپ‌سنگ‌شده، وسپس‌بسال ۱۳۰۴ = ق ۱۷۸۶م بالطائف‌الحقائق عبداللطیف عباسی بچاپ سنگی در هند پخش‌شده و (۱۱۴۶۰ بیت) دارد ونیز یك‌چهارم آن بنام طریقهٔ علائی توسط علاءالدین‌خانصاحب فرماندارلوهاور (هند) بسال ۱۲۹۰ ق = ۱۸۷۳ م در آن شهر چاپ سنگ شده و نیز در سال ۱۳۱۶ق منتخب دوم (الهی نامه ۱۰۰۱بیتی) درتهران بکوشش علی‌نقی مؤتمن بنام «لطیفة‌العرفان» چاپ شده، و نیز باب یکم حدیقه باترجمهٔ انگلیسی ازمازور استفانسون(۱) بسال ۱۹۱۰ چاپ‌سربی گردیده است. وبهترین چاپ آن درتهران با کوشش وتصحیح آقای محمد تقی مدرس رضوی بسال (۱۳۲۹) انجام یافته است

نسخهٔ جای گفتگو حدیقهٔ هزار بیتی است. ولی این نسخه ۱۰۱۷ بیت دارد.

(1) Maguor g. stephenson

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۹۰]

۱۰۴ نسخه بخط نستعلیق بسیارخوب، نویسندهمعهد شفیع وصال شیرازی(۱) است که درتاریخ جمادی یکم سال ۱۲۵۵ ق آنرا نوشته. درهمهٔ صفحه ها متن ازحاشیه جدا است متن از کاغذ سفید بوده وحاشیه از کاغذ نخودی بآن افزوده شده، وبازرناب جدول بندی گردیده است. دارای یك سرلوح ازلاژورده، زرهشنگرف وسبزی «ك ۱سب» چهاررویهٔ «۱سب» و«۲ـالف» و «۲۹ـالف» و«۳۹ سب»زر افشانی شده. دارای پنج گلچهٔ سر نامه در ك ۱ و ۲ و ۳۹. جای عنوانها را سفید گذارده تابعد نویسد ولی انجام نداده‌است. برگ‌شمار نداشته‌ولی درپائین رویه های دست‌راست نشان‌رویهٔ دست‌چپ نهاده شده

در آغاز نسخه صورت مرحوم وصال دریك مجلس نشسته وغلام سیاهی غلیان بدست در پشت سروی ایستاده. باتاریخ ۱۲۶۷ق دیده میشود.

نسخهٔ دریك پوشه تیماج سبز دردار، جای گرفته است

گرچه بسیار دیده تألیف	هیچ دیدی چنین صنف تصنیف
گرچه بستاین عقیده و مذهب	هم بدین چه بداریم یارب
رویمی گذشته از مرداد	کزاین گفتا بدادم داد
پانصد و بیست و چار رفته بعام	پانصد و بیست و پنج گشته تمام
بار بر مصطفی درود و سلام	
تا بود الدهر صد هزاران عام	
کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی غفرذنوبه	
فی شهر جمادی الاولی سنه هزار دویست و پنجاه و پنج هجری	

(۱) گزارش زندگی وی در (ص۱۶۷) این جلد دیده شود.



صورت وصال شیرازی

صویر مرحوم وصال شیرازی شاعر وخوشنویس بنمی بخامهٔ لطعلیخان غفاری (حجآقای دکترصورتگر استادانشگاه) یك بیت شعر که روی کتابی که در دست وصال است نوشته شده اثر طبع خود او و خط خود وی است.

میان صفحهٔ های ۲۷۰ و ۲۷۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۵۱ برگ) کاغذ متن سفید کرمه - حاشیه نخودی فرنگی - جلد تیماج مشکی سوخت زرکوب.
دروندروشنی گل بوته آبی
اندازه : ۳۰×۲۹و۱۰×ص۱۷، ۱۱ سطر.

[۸۱] منتخب شعر نظامی گنجوی (فارسی)۱

این کتاب همانطور که روی آن نوشته‌اند «اخلاق نظامی» کتابی اخلاقی است، وسی پنج باب دارد و درهریك از آنها از کتابهای پنجگانه نظامی شعر هائی بدین ترتیب گردآورده است : باب توحید، باب نعت پیغمبر، باب راستی، شکیبائی، روزی، قناعت فال نیك، پند ویژه، پندهمگانی، هیبت‌شاهان، صفت دولت، پناه بدولتمندان، داد، وهمچنین تاپایان کتاب. گردآورنده این شعرها شناخته نیست.

آغاز: باب اول در توحید :

ای همه هستی زتو پیدا شده
خاك ضعیف از تو توانا شده

انجام: اعتمادی نمی کنم بر کس
بر خدا اعتماد دارم و بس

[۹۱]

۱۴۷ نسخه بخط نستعلیق بروش هندی. نام نویسندهٔ و تاریخ ندارد. عنوان ها با شنگرف روی برك نخست، مدیر کتابخانه خیام آنرا بسید محمد مشکات دانشجوی دانشگاه تهران بسال ۱۳۶۶ ق هدیه کرده است

(۴۰ برگ) کاغذ سمرقندی سفیدی آهار مهره شده، جلد مقوی قه و برگردان تیماج قهوه‌ئی.
اندازه: ۱۳×ص۸و۲۰ : ۱۴،۱۴ سطر.

[ ] منشآت میرزا مهدیخان (فارسی)
منشی نادرشاه

میرزا محمد مهدی پسر محمد نصیراستر آبادی (۱) منشی نادرشاه افشار (ش ۱۱۴۵-۱۱۶۰) یکی ازنام ترین نویسندگان سدهٔ یازدهم ایران است که

۱) وی فردیباچهٔ تاریخ نادری، خود وپدرخود را چنین نامیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بمیرزا مهدی خان استرآبادی نامبردار شده است. وی در نگارش دنبالهٔ راه وصاف‌الحضرة وصابن‌الدین علی ترکه را پیموده، نگارشهای وی اگرچه در پختگی و هنرنمائی شایان بررسی میباشد ولی باز هم از پیشینیان خود ساده‌تر نگاشته است.

بهار (۱) نگارشهای میرزا مهدی خان را برسه بخش نموده:

الف ـ نثربسیار پیچیده که دنبالهٔ روش جوینی ووصاف میباشد واین روش را در «درهٔ نادری» بکار برده است.

ب ـ نثرمیانه. واین روش در «جهان گشای» دیده میشود، که فقط در آغاز فصلها شیرین کاری ازخود نموده است.

ج ـ نثرساده: درمنشآت پرا کنده خود این روش رابکار برده است.

میرزا مهدی خان با آنکه کتابهای کلاسیك چون درهٔ نادری و جهان گشا نگاشته که دربیشتر آموزشگاهها خوانده میشد وزبانزد بیشترمردم بود، بازهم گزارش زندگیش فراموش شده است. ازآنچه خودش در«درهٔ نادری» و«جهانگشای» گفته که بگذاریم کهن ترین کسی که از وی یاد کرده سید علی حسن پسر محمد صدیق حسن هندی است. اودرصبح گلشن (ن-۱۲۹۵) دوجا نام میرزا مهدی‌را آورده نخست در(حرف ـ ك) بعنوان کوکب دوم با اندك دگرگونی در (حرف ـ م) بعنوان مهدی خان منشی. ودر دومین بار هیچ یادی ازتخلص کوکب نکرده است. سپس شمس سامی در قاموس الاعلام ترکی همین دو گزارش را درحرفهای (ك‌وم) بترکی ترجمه کرده و هیچ متوجه نشده است که وی‌را دردوجا آورده، تاریخ‌نگاران اروپائی مانند «ریو»(۲) ولکهارت(۳)

۱) سبك شناسی ج ۳: ص ۱۰۰، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۵۲

۲) فهرست ریو ص ۲۹۲ ج ۲

۳) Nader Jhah L. Lokhart: B. A. PH. d. «ص۲۹۲-۲۹۶»

نیز اورا بلقب کوکبی خوانده‌اند. ویك کتاب نیز بنام «انشاءالدرر» درهندوستان بنام کوکب چاپ شده است (۱) ولی گویا کوکب یا کوکبی لقب شاعریست که درهند بوده است، چه نام میرزا مهدی خان در تذکره های فارسی در شمار شاعران نیامده. آذربیگدلی در «آتشکده ـ ص ۳۶۰» ومحمدصادق «نامی» در «گیتی گشا ـ ص ۳۲» آنجا که داستان سفارت مصطفی‌خان شاملو ومیرزا مهدی خان‌منشی‌نادر را (بسال ۱۱۶۰) بدربار عثمانی آورده‌اند، وهمچنین خود میرزا مهدی درسراسر «درهٔ‌نادری» و«تاریخ‌جهان گشای‌نادری» هیچگاه بلقب کوکب یا کوکبی‌اشارتی نکرده‌اند.

ازاین که بگذریم درفهرست مجلس (ج ۳ ـ ص ۱۰۰) بنقل از گفتهٔ‌محمد علی تربیت که خود را نوادهٔ میرزا مهدی منشی نادر میدانسته، آرد که چون‌میرزا مهدی‌خان برسم‌سفارت بغدادرسید خبرمرگ‌نادربخش‌شد، پس‌وی (بسال ۱۱۶۰) بتبریزبازگشته گوشه نشینی گزید، وپس ازاندکی‌بدرودزندگی گفت. ولی میدانیم میرزامهدی منشی که در آذربایجان گوشه نشین شده است منشی محمد شاه قاجار بود نه منشی نادرشاه و شاید نیای محمد علی تربیت نیز همین مرد (میرزا مهدی خویی منشی محمد شاه قاجار) باشد (۲).

تاریخ زایچهٔ میرزا مهدی و نیز آغاز منشی گری وی دانسته نیست ولی

۱) ذریعه ۲: ۳۹۲.

۲) شگفت است که نام این دومنشی و نام پدرشان یکی‌است، یکی استرآبادی منشی نادر ودیگری خوئی منشی محمد شاه بوده است.

هدایت در(مجمع‌الفصحاء ج ۲ ص ۴۳۹) دوم را میرزا مهدی خوئی پسرمحمد نصیرخوانده گوید پدرش ازبزرگان خوی ومنشی دولت شاه وخودش منشی‌محمد شاه قاجار بود، میرزا طاهر دیباچه نگار منشی آقا خان نوری (صدراعظم ایران بسال ۱۲۶۸ ق) درگنج شایگان: میرزا مهدی خویی را درشمار ستایش‌گران آقاخان شمرده، گوید: اکنون شصت سال‌عمردارد وگوشه نشینی گزیده‌است. گنج شایگان در تهران‌بسال ۱۲۷۲ ق چاپ شده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

چون آستر آبادی است شاید که ازدستگاه فتح علی‌خان‌قاجار بدستگاه نادرراه یافته‌باشد.

از مرگ وی نیز خبری نداریم جز اینکه در فهرست مجلس (۳: ۱۰۰) از جهانگشا آرد که پس از (۱۱٦۱) در خراسان بدرود زندگی گفته ولکهارت گوید تا(۱۱۷۳ق) زنده بوده‌است آثارمهدی‌خان‌منشی‌استرآبادی:

۱ – درهٔ نادری – ج ۱۲۸۱ ق – و ۱۲۷٤ ق تبریز – و ۱۲۹۲ ق تهران – و ۱۳۰۳ق بمبئی (۱)

۲– جهانگشای نادری، یا تاریخ‌نادری (۲)– ج ۱۸٤۹ م= ۱۲٦۸ ق بمبئی و ۱۳۱۲ ق ایران، ترجمهٔ فرانسهٔ این کتاب در پاریس ۱۷۷۰ م و انگلیسی در ۱۷۷۳ م درلندن بخش‌شده و گیدیوی آلمانی نیز آنرا ازفرانسه بآلمانی ترجمه کرده است (۳) نگارنده در دیباچهٔ آن خود را (طرازندهٔ این تاریخ بی‌نظیر محمدمهدی‌بن محمد نصیر) خوانده‌است.

۳–منشآت نادری – چاپ‌شده(٤) این کتاب بسیار بزرگ بوده وپدرم‌صاحب ذریعه جلد پنجم آنرا درتهران دیده است ودرآن از منشآت امامقلی میرزا نقل کرده است(٥). وقسمتی دیگراز منشآت او را در تهران ۱۲۸۵ ونیزدرضمن مخزن‌الانشاء (ص۲٤–۱۲٥) در۱۲۷۳ ق در تهران وقسمتی بنام «انشاءالدرر» دربمبئی چاپ شده است(٦)

---

۱) ذریعه ۸ . ۱۱۲.

۲)ذریعه ٤ . ۲٤۸ و٥ . ۳۰۰.

۳) فهرست ریو ص ۱۹۲ ونادرشاه لکهارت ص ۲۹۲ – ۲۹٦.
L. Lokhart. B. A. PH. D. London 1938

٤) ذریعه ۲ . ۳۹۲.

٥) ذریعه ۳ . ۱٦۹و۲ . ۳۹٤.

٦)ذریعه۲: ۳۹۲.

٤–مبانی‌اللغه یامبادی‌اللغه (۱) پیش گفتاربست که‌برای کتاب‌سنگلاخ‌در لغت ترك نگاشته ودر بمبئی بایك سرآغاز ازمستروا‌س بسال ۱۹۱۰ م‌چاپ‌شده است(۲).

٥ – سنگلاخ درلغت ترك است. از دیباچهٔ آن چنین نماید: «که چون او (محمد مهدی غفرذنوبه) ازآغاز زندگی شعر میرعلی‌شیر نوائی را بررسی میکرده، برآن شده است که واژه‌های ترکی آنرا گردآوری و گزارش‌نماید، وگرچه پیش ازاو طالع هروی، وفراغی وندرعلی، ومیرزا عبدالجلیل نصیری کتابها دراین باره نگاشته‌اند ولیکن‌وی بیش ازایشان سخن را بدوازا کشانید واین کار بروز گاری که اووقایع نگارشاهنشاه ... نادرشاه افشار بوده‌است انجام یافت (۳)» این کتابرا محمد خوئی برای عباس میرزا «م– ۱۲٤۹ ق» پسر فتحعلیشاه قاجار کوتاه کرده وخلاصهٔ عباسی نامیده‌است(٤).

پارهٔ ازمنشآت اودرپایان یك دفتر بشمارهٔ ۹۳ دراین کتابخانه‌هست وجای گفتگوی ماست. وآن سه‌بخش‌است:

۱– گواهی‌نامه‌ایست که درآغاز آن نام خود راباد کرده است.

۲–نامه‌ئی که‌ازجانب‌پادشاه برای‌سیدی‌مفیدشیخ‌الاسلام‌استرآبادنگاشته.

۳– ازجانب پادشاه برای میرسهراب‌بیگ وزیرهرات نگاشته.

[۹۲]

۹۳ نسخه بخط نستعلیق – نام نویسنده‌وتاریخ ندارد ولی‌دوپایان دفتری جادارد که در۱۲٤٤ نوشته شده (برگ ۱۸۷– الف)

همهٔ دفتر(۱۸۹ برگ این کتابچه(۳ برگ) . کاغذ وجلد در(ص۲۱۲و۲۳۹) یادشده است اندازه۱۱×۱۸و٦×۱۲٫٥: ۱۳ سطر.

---

۱) درفهرست‌سپهسالار ۲ – ۲٦۹مبانی،ودرلکهارت۲۹۲–۲۹٦ مبادی‌آمده‌است.

۲) فهرست چاپهای بریتش موزیوم زیرعنوان مهدیخان

۳) نسخهٔ مجلس بشمارهٔ ۸٦۰ دیده شود ونیزفهرست آن‌جا (۹۹.۳).

٤) نسخهٔ مجلس بشمارهٔ ۸٥٥ وفهرست‌آن کتابخانه ج۳ . ۱۱۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۸۳] منشآت متفرقه (فارسی وعربی وترکی)

این دفتردارای بخشهای گوناگون بترتیب زیر میباشد:

۱- رسالهٔ شوقیه:

سی‌وهفت نامه شوقی وتهنیت وسپاس گزاری‌است. درآغاز آن نام نگارنده را ندارد ولی در پایان شش سطردیده میشود که گویا بخامهٔ نگارنده است، ودرآن خودرا مصطفی پسرمولانا حسام شناسانده: و کسی در کنارهٔ آن بترکی نوشته است: «بودرسالهٔ حسام زاده ...» این کتابچه در کشف الظنون یاد شده ونگارنده‌اش را مصلح‌الدین مصطفی خوانده است.

آغاز: حمداً لملك ملك ملاك الملك حكماً. و احاط بكل ...الاهی رسالهٔ شوقیهٔ اکثرها عربی و بعضها فارسی و بعضها ترکی... الرسالة الاولی فی الشوق: مطلع طوالع المحامد...

انجام:

برآمد اختر دولت بطالع مسعود
رسید دست تمنا بدامن مقصود

این کتابچه (گ ۱ تا ۲۰) دفتر را گرفته. و در کنارهٔ برگ (۷ - الف) حاشیه‌یی نوشته شده ودرپایان آن رمز منه سلمه‌الله دارد وبنابراین حسام‌زاده درهنگام نوشته‌شدن این نسخه (سال ۸۹۴) زنده‌بوده. وشش سطر پایان کتاب در (گ ۲۰ - الف) چنانکه یادشد بخامهٔ خود اواست وساختگی نمیباشد. خط حسام زاده در (گ ۵۵ پ) نیزدیده میشود.

۲- منشآت جلال الدین عکاشه (۱):

جلال‌الدین فریدون‌بن عکاشه، متخلص بعکاشه یکی ازشاعران ونویسندگان

۱) عکاشهٔ بروزن گشاده یا بتشدید کاف یعنی عنکبوت نام چندتن از یاران پیغمبر است مانند عکاشه بن محصن اسدی وعکاشه‌بن تورعوتی (کتابهای رجال حدیث دیده شود) ونیزنام شاعری عربی زبان بوده بنام عکاشه‌بن عبدالصمد عمی (دائرة المعارف فرید وجدی ج ۶ ص ۵۳۵ واغانی ۳: ۷۳-۷۷ دیده شود.

صوفی مسلك گمنام است که بعربی وفارسی مینگاشته ومیسروده، نام وی‌رادر تذکره‌های شاعران نیاورده‌اند.

آقای برقعی در «راهنمای دانشوران ج ۲ ص ۱۸۱» وی را از شاعران سدهٔ هشتم‌خوانده. ولی اگروی‌همان صوفی باشد که عطار درمقالهٔ بیست‌ویکم منطق‌الطیر آنجا که گوید:

یك شبی عکاشه گفت ای حاضران
این جهان گر پرشود از کافران

ازوی یاد کرده، پس ناچار قبل‌ازاین تاریخ میزیسته است.

این کتابچه سی‌واند قطعه نثرونظم است که برخی از آنها نام ویژه‌داده است مانند: رسالهٔ منطقیه رسالهٔ طبیه، رسالهٔ نجومیه: اصطلاحات حکماء، اصطلاحات‌محاسبین. وهریك ازاینها نامه‌ئیست که درآنها اصطلاحهای یکی از دانشها را بیشتر بکار برده است. یکی دیگر از آن نامه ها را از زبان ملك‌الاسلام کیخسرو برای شیخ‌الاسلام امین‌الدین نگاشته، ودیگری فتح‌نامه برای مسعود شاه میباشد.

دیگرچکامه‌یی‌میی‌است بقافیهٔ نون‌در کرم‌در ۱۸ بیت. آغاز:

زهی بذات کریم تو زنده جان کرم
زهی زمان تو دیباچهٔ زمان کرم

دیگر چکامهٔ دالی (بقافیهٔ راء) درسی‌بیت است، که آغازش چنین میباشد:

لاله رااززاله درج در گوهر کرده‌اند
حقهٔ یاقوت گل پر زر احمر کرده اند

دیگرچکامهٔ میمی (بقافیهٔ یاء) در ۱۳ بیت‌است، آغاز:

مدتی اسباب عیش و کامرانی داشتیم
ساغر لذت پرآب زندگانی داشتیم

دیگرچکامه‌یی بقافیهٔ قاف‌است در ۱۵ بیت. آغاز:

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرا زعالم علوی خبر رسید که خوش
فرشتهٔ ز مطبقان طاق سبع طباق

دیگر چکامه‌یی بقافیهٔ ها در ۱۹ بیت است ، آغاز :

ای حریم ملك و ملت را پناه
آسمان را آستانت سجده‌گاه

آغاز : اللهم انانستوهبك تمام ماأولیتنا ... اما بعد بزرگترین موهبتی ... دوستی باشد که ... شاهزادهٔ جهان، ملکهٔ زمین وزمان ... خدیجه عصمتی که دین محمدی ... (من منشآته) : ازال الله عنکم کل آفة ...

چنین مینماید که این کتابچه را بنام شاهزاده‌یی خدیجه نام نگاشته است .

انجام : که حریم ملك و ملت را شادروان است ، برذروهٔ کیوان باد . تمت منتخبات المنسوبة الی المولی المغفور جلال الدین عکاشة .

وچنین نماید که این کتابچه گلچینی ازمنشآت عکاشه است نه همهٔ آن . (ك۲۱ ٤۳) ، بخش دیگر ازمنشآت عکاشه درص۲۸۱ خواهد آمد

۳- سرنامه های متفرقه :

این نامیستکه خود بدین کتابچه داده ، و در آن منشآت پراکندهٔ دیگران را گرد آورده است ، مانند : نامهٔ علی چلبی یگانی ، نامهٔ ملا سراج بقطب الدین ارزینقی (گ ۵۱) وپاسخ این بدو . نامهٔ سلطان احمد به علی پاشا ، نامهٔ احمد پاشا به داود پاشا ، عزا نامه از کمال چلبی معروف به تاج زاده ، چکامهٔ شیخ (چنین) نعمة‌الله درنشانهای قیامت وجنبش مهدی (گ ٥٤) نامهٔ ملا خسرو بملا سراج (ك ٥٥) ، نامهٔ دیگر او برای خواجه زاده ، نامهٔ مصطفی چلبی برای برادرش محمد چلبی ، نامهٔ احمد پاشا باسکندر پاشا ، نامهٔ محمود پاشا به محمد پاشا و پاسخ آن ، (گ ٥٩) نامهٔ نقطه‌چی زاده (شیخ محمد پسر نقطه‌چی) به داود پاشا ، تقریظ سنان پاشا برشرح صحیح بخاری نگارش احمد کورانی بامضای خضر بن جلال الدین (گ۶۱) تاریخ جلوس سلطان احمد(۹۰۳)

وفتح‌نامه. شعر هائی از ملای روم و کمال اسماعیل و سلیمشاه. قطعه بشوتازی بتاریخ ۹۰۳ (گ۸۱) ودیگری بترکی بامضای سلطان محمد سلیمان (ك۸۳)، نامهٔ مؤید زاده بیعقوب پاشا (گ ۹۱) ، فتح نامهٔ روم از تیموربك بفرزندان، از منشآت ملا شمس الدین (ك۹۳). نامهٔ تیمور بیایزید (ك۹۷) نامهٔ سلطان احمد ، به سلیمان چلبی (ك۱۰۱) قطعه‌یی ازمنشآت هنری کسی بنام منصور (گ۱۰٤-۱۰۵).

۴- منشآت .....

۶۳ نامه‌های فارسی وترکی وعربی است که بیشتر آنها باجملهٔ : للفقیر ، و یا : لمولانا منشی آغاز میگردد ودر چندجا نامهٔ خواجهٔ جهان(۱) را باپاسخ منشی باو آورده‌است. و همهٔ نامه‌ها میان سران دولت عثمانی داد و ستد شده است .

همهٔ این کتابچه بخامه نگارندهٔ آن میباشد ولی نام وی شناخته نشد .

آغاز : هرچند شهسوار عقل دراك ، نشیب وفراز کرهٔ خاك ....

انجام آن افتاده است . (گ ۱۰۶-۱۸۹)

منشآت گوناگون ...

نامه هائیست از نگارندگان پراکنده . بیشتر آنها بسواژه (خواجه) آغاز میشود ، وگویا از خواجهٔ جهان باشد (۱) نگارندگان دیگر؛ سلطان محمد پسر غیاث بیك، ملاعبدالوهاب طوسی (ره) ، ملاسمی (ره)، حسین خوارزمی ، شرف الدین یزدی ، خواجه شهاب الدین از هند بامیر فیروز شاه . سپس فصلهائی چنین بسیج شده : صفات پادشاهان ، ستایش شاهان ، دعا، عنوان نامه‌های پراکنده برای کسانی بی‌نام و با نام مانند عبدالرحمان جامی، خواجهٔ امین، شاهرخ میرزا ، پیردرویش (گ۱۹۰-۲۵۰)

۶- منشآت شرف الدین هاشم :

شرف الدین هاشم پسر کمال الدین عبدالعزیز پسر شهاب الدین فضل‌الله کاتب . وی در دیباچه این کتابچه خود را چنین شناسانده است ، ولی یکی

۱) وی نگارندهٔ ریاض الانشاء است که در (ص۹۷-۱۰۳) یادشد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

از نامه ها امضای محمد منشی خالدی دارد (گ ۲۶۳ ب) عنوانهای این کتابچه: بیع نامه، سلم نامه، آزادنامه، اجاره نامه و... میباشد (گ ۲۵۱-۲۶۶).

۷- ترسل عبدالواسع:

نسخه‌یی دیگر از این کتابچه بشمارهٔ (۸۶۲) در (س ۱۹-۲۱) این جلد یادشد در آنجا گمان بردم که این کتاب پس از صفویان نگاشته شده، ولی نویسندهٔ نسخهٔ جای گفتگو (شمارهٔ ۲۲۹ گ ۲۸۸ - ۲۷۲) در پایان آن گوید: «تم الترسل فی وقت نصف اللیل سلخ محرم الحرام ۸۹۲». آغاز این نسخه از نسخهٔ ۸۶۲ ناقص‌تر است، و از نامه برای طبقهٔ اوسط علما آغاز میگردد.

نویسنده کم‌سواد و بدخط است در (گ ۲۵۹ - الف) نامهٔ بأمراء طبقهٔ اعلی را انداخته و پاسخ آن را آورده است. و چنانکه دیدیم نامی از نگارنده «عبدالواسع» در آن دیده نمیشود «گ ۲۶۷-۲۷۲).

۸- کتابچه در بیماری اسب و معالجهٔ آن. (گ ۲۷۳-۲۷۷)

۹- شرایط خوش نویسی (گ ۲۷۸ و ۲۷۹).

۱۰- اختیارات: نیکی و بدی روزها و شکوم ها و فال‌ها (گ ۲۷۹-۲۸۵)

[۹۳]

۸۹۲ نسخه بخط نسخ غربی ایرانی (نسخ ترکیه) باقلم ریز بچز (گ ۱۰۶-۱۸۹) که با خامهٔ درشت‌تر نوشته شده. نام نویسنده محمد پسر یوسف (گ ۲۰ و ۴۳) در تاریخ ۸۸۴ (ك ۲۰) و ۹۰۱ (ك ۴۳ ب) و ۹۰۲ (ك ۶۲ ب) و ۸۸۷ (ك ۲۲۰) و ۸۸۶ (ك ۲۲۱) نوشته شده. عنوانها در آغاز نسخه باشنگرف است و در پایان یاسیاهی نوشته شده و روی آن خطی شنگرفی کشیده است. برخی صفحه‌ها آب دیده است. مهرهای گوناگون و پاک شده دارد.

همهٔ دفتر (۲۸ برگ) کاغذ گوناگون. جلد تیماج حنائی مقوائی فرسوده.

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۸×۱۴، سطرها گوناگون ۲۱ تا ۱۳.

[۸۴] **منشآت قطب محجبی** (فارسی)

پنج پاره از منشآت این مرد است، و گزارش زندگیش را در جائی نیافتم

آغاز: اگر بنده از خدای خویش عاصی نشود، دوام عافیت...

انجام: که جز این هیچ روی نیست، والیه یرجع الامر کله فاعبده و توکل علیه وما ربك بغافل عما تعملون، والسلام علی من اتبع الهدی.

[۹۴]

۸۹۰ این نسخه ۲۵ مین کتابچهٔ این دفتر است گ ۱۰۸- ۱۰۹ آنرا گرفته. خط شکسته. نام نویسنده و تاریخ ندارد. عنوانها باشنگرف. روی نمله های تازی خط شنگرفی کشیده است.

همه دفتر ۱۲۹ برگ. این کتابچه ۲ برگ. کاغذ نخودی. جلد تیماج حنائی مقوائی ضربی.

اندازه ۱۵×۲۶ و ۱۰×۱۸ سطرها یکیا.

[۸۵] **منشآت کاشه** (فارسی)

در س ۲۷۶ تا ۲۷۸ این مجلد آنچه میدانستم در بارهٔ عکاشه نگاشتم، واینك بخش دیگر از منشآت اورا می‌شناسانم. دو برگهای (۱۱۱ تا ۱۲۹) نسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰ کتابچه‌یی دیده میشود که آنرا نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی برای فرماندار سمرقند گردآورده و در آغاز نام وزیر او (خواجه ناصرالدین عمر) رایاد کرده است، و در دیباچه گوید: چون بجز سخن سرمایه نداشتم، دفتری از منشآت منشیان بنام فراهم آورده پیشکش ساختم... ولی در این دفتر جز سی وهشت پاره از منشآت جلال‌الدین فریدون عکاشه چیزی دیده نمی شود. برخی از این منشآت همانست که در س ۲۷۸ یادشد، مانند: اصطلاحهای منطقیان، پزشکان ومستوفیان، ستاره شناسان، صوفیان. برخی را بنام رسالهٔ ربیعیة و برخی را فریدونیه نامیده و دیگران را با جملهٔ: و من انشائه ایضاً.... آغاز کرده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : فتایح حمد وسپاس وصحایف شکر بی‌قیاس ...

انجام : بانی بدوامی که در اعداد ستینش

آحاد شمارند الوف دو ...

[۹۵]

۸۹۰ نسخه ۲۶ مین کتابچهٔ دفتر است . وگ ۱۱۰ — ۱۲۹ آنرا گرفته . خط کاغذ جلد همانست که در س ۲۱ یاد شده است .

[۸۶-۸۹] منشآت ظهوری ترشیزی (فارسی)

نورالدین‌محمد(۱) متخلص بظهوری (ملا...). امین‌رازی درهفت‌اقلیم اورا تربتی و آذر (۲) اورا ترشیزی خوانده‌اند ،هدایت (۳) اورا ترشیزی وهمزمان شاه عباس شمرده . ریو (٤) گوید وی درهند بیش از ایران نامبردار بوده هندیان‌نثر اورا می‌پسندند(٥)ولی ایرانیان آنرا پسندیده‌ندانند . او وپدرزنش ملك قمی بسال(۱۰۲٤ق)(٦) — (۱٦۱٥ - م) درهنگام شورشی که در دکن (هندوستان)روی‌داد کشته‌شد.

۱) درفهرست مجلس ج ۱ ص ۱٦٤ و ۲٤٥ و ۲٤٦ اعتصام زاده ایت نام و لقب بدوداده . و بر پشت جلددیوان‌چاپ‌نولکشورنیزچنین‌است .

۲) آتشکده : ٦۸.

۳) پایان بخش هشتم روضة‌الصفا .

٤) فهرست ریو . ص ٦۷۸ .

٥) ناصرعلی‌سرهندی او را از نظامی گنجوی برتر شمرده . مرآت‌الخیال ص۷۷ دیده شود .

٦) ابوطالب کلیم تاریخ مرگ ملك قمی را دو(۱۰۲٥) دانسته وچنین‌سروده :

ملك آن پادشاه ملك معنی — که نامش سکهٔ نقد سخن بود
چنان آفاق‌گیرازملك معنی — که حد ملکش ازقم تادکن‌بود
بجستم سال تاریخش ز ایام — بگفتا « اوسراهل سخن بود »

آثار ظهوری :

۱- دیوان‌چکامه‌وغزل: نزدیك‌پانزده هزاربیت‌دارد. وبیشترچکامه‌هایش درستایش‌امامان ۱۲ گانه وعادلشاه پادشاه دکن وابوالفیض فیضی (۹۸۰-۱۰۰٤) است . دیوان ظهوری درنولکشور چاپ شده‌است .

۲- ساقینامه: نزدیك(٤۱۰۰ بیت) بحرتقارب بنام عادلشاه‌است. آذردوش آنرا نپسندیده است .این کتاب‌درهندبسال(۱۲٦۳ق) در(۲۲٤س)چاپ‌شده.

۳ - منشآت ظهوری :

نثرظهوری مانندطغرای‌مشهدی(۱)در سدهٔ‌یازدهم‌درهندبکارمیرفته‌وشاهکار هنری‌بشمارمیآمده‌است. دراین‌روش کوشش‌میشده که یك‌معنی‌را چندباروبچند عبارت گزارش نمایند(۲) وهنرهای لفظی‌بسیار و سجعهای پی درپی بکاربرند. چهاریاره‌ازمنشآت‌ظهوری‌دراین کتابخانه‌هست که‌درزیرشناسانده میشود.

۸٦ - دیباچهٔ نورس :

پس ازستایش بسیاراز ابراهیم عادلشاه (۳) گوید یکی ازحقوق این‌شاه بر مردم آنستکه کتاب نورس خیال را بنگاشته ، و سپس دلیل نامیده شدن بنورس (وجه‌تسمیه) را آورده گوید «هندیان‌مجتمع را نورس گویند وفارسیان اگرنورس نهال فضل و کمالش‌دانند بجااست ».

آغاز : سرود سرایان‌عشرتکدهٔ قال که‌بنورس‌سرایستان خیال...

انجام : هم بروفق مدعایش رسم وقانون زمان زیب دعا براجابت منت سازباد .

۱) درص۱۹٥ یادوی گذشت .

۲) برای یك‌تن هندی که میخواست کتابی را ازبانی‌جزربان مادری خودبخواند بهترهمین بود که یك معنی بچندعبارت بیان گردد .

۳) ابراهیم‌دوم، ششمین‌تن‌ازپادشاهان‌عادلشاهی بیجاپور دکن‌هندوستان‌میباشد که از ۹۸۷ق تا ۱۰۳٦ ق پادشاهی کرده است . تاریخ فرشته بنام اونگاشته شده ، وگورا وبهلوی مسجدیست که خود ساخته است . دربارعادلشاهی در ۱۰۹۷ ق بدست امپراتوران مغلی‌هند برچیده‌شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۸۷- گلزار ابراهیم :

درستایش ابراهیم‌عادلشاه‌است و نام اورا در آغاز آورده ، از کتابخانهٔ او نیز نامبرده ، گوید عمرشاه اکنون در دههٔ سوم میباشد ، و نیز از کتابچهٔ دیباچهٔ کتاب نورس ، یاد کرده است ، وپس از گزافه گوئیها درستایش شاه ، میگوید این ستایش ها مانند حمد و ثنای شاعران نیست که نیازی بپوزش خواستن از دراز گوئی باشد .

آغاز : خرمی چمن بطراوت‌حمدبهار پیرائیست که گلزار ابراهیم رادر رخسار یوسف ...

انجام :

داستان شد ختم بستان رخش
غیرت گلزار ابراهیم باد

۸۸- خوان خلیل:

در ذریعه آنرا دومین دیباچه شمرده است . (۱) ولی ازخودآن چنین بر آید که کتابی جداگانه است که آنرا بنام عادلشاه پادشاه دکن و درستایش وی نگاشته و در آن از کتابچه‌یی که عادلشاه در بارهٔ خطرنج نگاشته یاد کند، وسپس بشناساندن‌دربارِیان اومانند شاه‌نواز خان،شاه خلیل‌الله، ملافرخ‌حسین‌خدام حیدرذهنی‌پرداخته، ودربایان‌خودرا (ظهوری) درشماردربارِیان نام‌برده گوید: « چون قبل از این درپیرایش گلزار ابراهیم و اکنون در گستردن خوان خلیل سهیم وعدیل ملك‌الکلام است ...» واز این گفتاراوپیدا است که گلزارابراهیم‌را پیش‌از خوان خلیل نگاشته است .

آغاز :

ای از تو برأهل تخت اکلیل سبیل
گر ذکر جمیل است و گر قدر جلیل

۱) ذریعه ج ۷ ص۲۷۵ولی خود او در گلزار ابراهیم‌ازدیباچهٔ کتاب‌نورس یاد کرده، و در خوان خلیل از گلزار ابراهیم یاد کرده ، پس خوان خلیل سومین آنها میباشد .

انجام : و تمام عمراگر کسی از اینهاگوید ، همیشه درابتدا بوید. اولی اختتام نماید بدین بیت ختم گردید :

تادراین مهمان سرا خوان خلیل‌آمد بیاد
میزبان خلق ابراهیم عادل شاه باد

۸۹- نامه‌های گوناگون :

یکی را برای فیضی (م-۱۰۰٤) نگاشته و نسخهٔ‌آن با پنج نامهٔ دیگر باسه‌دیباچه نامبرده ، در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۲۸۸) میباشد . ونامهٔ‌دیگر که جای گفتگوی ما است در تعریف ملاعرفی نگاشته شده .

آغاز : بلمعهٔ طورافاضتش چراغ علم روشن است ....

انجام : نمك خوان شوق زور ، قصیدهٔ تعویذ بازوی صبر .

[۹۶-۹۹]

۸۹۵ نسخهٔ بخط شکسته . نام نویسنده وتاریخ ندارد. دردفتری جداداده وفهرست آن چنین است :

نورس(ک۸٤-۸۹) گلزار ابراهیم (ک۸۰-۸٤) خوان خلیل (۷۱-۸۰). نامه تعریف ملاعرفی (ک۱۰۵-۱۰۶) .

عنوانها باشنگرف . سطرهاچلیپا است .

اندازه : ۱۵×۲۴ و۲۰×۱۸ .

[۹۰] منهاج‌الراغبین (عربی)

گزارشی است برصد کلمهٔ جاحظ (۱) وگویند آنرا کمال‌الدین میثم‌ابن میثم بحرینی (م۶۹۹ ق) (۲) برای الصاحب‌المعظم ملك وزراء العالم ... شهاب الدین‌مسعود ابن کوکوشاسف (۳) ، درسه بخش (قسم) نگاشته . الف) پیش

۱) برای شناختن‌صد کلمه، ص ۲۳۶ و ۱۵۰ و۱۵۷ و۲۳۲ همین‌جلد فهرست دیده شود .

۲) برای شناسائی ابن‌میثم ص ۱۵۰ این جلد فهرست دیده شود .

۳) شاید حاجب کبیرشهاب‌الدین مسعود خوارزمی از دربارِیان تکش خان درسدهٔ هفتم باشد (دستور الوزراء، ص ۲۳۱-۲۳۲) دیده‌میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار، که گفتاری فلسفی و عرفانی میباشد، و خود چند فصل و بحث دارد. این بخش ۲/. کتابرا گرفته. ب) گزارش صد کلمه: ۷/. کتابرا گرفته. ج) پایان نامه دو فصل در کلام و اثبات امامت علی ۱/. کتابرا گرفته است. نگارندهٔ این کتاب صوفی(۱) و دربارهٔ علی تندرو است، و انشای آن نیز با انشای شرح نهج البلاغهٔ ابن میثم دگرگون است، و همان گونه که نمی توان صد کلمه را بیقین از آن جاحظ شمرد، این گزارش را نیز نمی توان حتماً از ابن میثم دانست.

آدی کسانی نیز این کتاب را سومین شرح ابن میثم بر نهج البلاغة شمرده‌اند (۲)

آغاز: اللهم یا ذاالجلال والاکرام ... امابعد لماکان اکمل السعادت واتمها واشرف الدرجات...

انجام: واعذنا من شرور انفسنا وسیآت اعمالنا وقبایح افعالنا بحق محمد وآله وعترته الطاهرین. آمین یارب العالمین

[۱۰۰]

۱۷۴ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در ۶ ج ۲- ۱۰۳۳ نوشته شده. روی عنوانها خط سیاه کشیده. شان یا برگی دارد ولی رویه شمارنداشته. ویرگ شمارتازه بر آن نوشته شده است.

(۲۳۸ برگ) کاغذ فرنگی آهار مهره. سفید. جلد تیماج حنائی متوالی.

اندازه: ۱۱×۱۷و۷×۱۲ = ۱۳ سطر.

[۹۱] من فی الاحباب (فارسی)

دوبیتی هائی است صوفیانه که برخی را مانند نیایش و دعا برای دور کردن بلا ها و درمان درد ها سروده، و خود سراینده این را در دیباچه گوشزد نموده است. و برخی را برای گنجانیدن در نامه‌ها.

۱) اعجاز حسین در کشف الحجب ص ۵۶۶ نیز صوفی بودن وی را گوشزد کرده است.

۲) ص ۱۵۰-۱۵۱ دیده شود.

آغاز:

ای لطف تو داده شهریاران را تاج
شاهان بتو الت چو گدایان محتاج

تا آنجا که گوید: عرض نیاز بندهٔ کم بضاعت ... عبدالله آنکه چون ... واینرا «مونس الاحباب» نام نهادم ...

انجام: دراظهار اشتیاق:

گر دور فتادم ز وصالت بغرور
دارد دلم از یاد تو صد نوع حضور
خاصیت سایه تنو دارم که مدام
نزدیك توام اگر چه می‌افتم دور

نویسنده در پایان نسخهٔ این کتابخانه، سراینده را چنین می‌شناساند: «خواجه شهاب الدین عبدالله صدر ملقب بمرواربد».

میرعلی شیر نوائی در مجالس النفائس گوید. خواجه عبدالله صدر پسر خواجه محمد مرواربد. مدتی در دیوان وزارت مهرزد، و سپس دست کشید و گوشه گیری گزید، خوش نویس، و منشی بی مانند، وسازنده دلپذیر بود، همه سازی باقانون می نواخت و کس بخوبی او نمی توانست، وغیر ازبی پروائی عیبی دگر نداشت(۱).

چنانکه پیداست میرعلی شیر تخلص بیانی برای او نیاورده، و پس از وی حکیم شاه محمد قزوینی در بهشت هشتم که بر مجالس النفائس افزوده مردی بنام بیانی را از شاعران سلطان یعقوب آق قویونلو شمرده است (ص ۳۰۰) آن کتاب دیده شود.

سام میرزا گوید پسر خواجه محمد کرمانی بود. یکی از پادشاهان تیموری اورا بریاست قطیف و بحرین فرستاد، در باز گشت دری چند آبدار برای شهریار آورد پس بلقب مرواربد نامبردار شد. در شعر و نثر استاد بود و خطی نیکو میداشت. در جوانی در دربار حسین میرزا بامارت رسیده بجای میرعلی شیر مهرزد، وپس ازمرك حسین میرزا گوشه نشین شد و بقرآن نویسی پرداخت، تا آنکه چون شاه اسماعیل صفوی خراسان بگرفت او را از گوشه

۱) ترجمهٔ مجالس النفائس (چ ۱۳۲۳) ص ۱۰۶ و ۲۸۱.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

گیری بیرون آورده گرامی داشت ولی او بسبب بیماری « آبله فرنگی » استعفا کرده گوشه گیری گزید و بسرودن تاریخ آن دوزگار پرداخت، ولی پیش از پایان دادن ، دررجب ۹۳۲ ق (چنین) در گذشت . دیوان غزل و چکامه و دو بیتی او(۱) بنام «مونس الاحباب» و نیز «تاریخ شاهی» و «منشآت» او فراوان است و « تاریخ منظوم » و « خسرو و شیرین » او چون تا تمام است کمتر یافت شود . سپس شعرهائی ازاو آورده وخودراشاگرد اوشمرده است(۲) خسرووشیرین وی در ذریعه نیز یاد شده است (۷ : ۱۶۱) چلبی در کشف الظنون این دیوانرا بنام مونس الاحباب یاد کرده گوید : دیوان شهاب الدین عبدالله متخلص ببیانی است که در نهصد وبیست ودودر گذشته .

[۱۰۱]

۸۶۲ نسخه بخط نستعلیق در مجموعه‌ایست دارای ترسل عبدالواسع (۳) و این دیوان (گ ۱۹-۳۰) وکتاب جواهر الاخلاق (٤) کاشفی (گ ۳۱ - ۲۲۲) میباشد .

نام نویسنده وتاریخ ندارد. ولی پیداست که درآغاز سدهٔ دهم وشاید برای کتابخانهٔ خودسلطان حسین میرزا بای‌قرا نوشته شده باشد .

رویه ها دارای جدول زرولاژورد . هردوبیتی جدولبندی جداگانه دارد وروی هر دوبیتی موضوع آنرا با شنگرف میان دو جدول نوشته است .

همهٔ دفتر (۲۲۲ برگ) این دیوان (۱۱ برگ) کاغذ فرنگی ترمه ، جلد پهلوی حنائی زرکوب .

اندازه : ۹٫۵×۱۵و۵×۹٫۵ و ۶٫۹ به ۱۲ سطر .

۱) مونس الاحباب را نام دیوان چکامه و غزل بیانی دانسته ولی در آغاز نسخهٔ جای گفتگو، خودسراینده مونس الاحباب را نام این دوبیتیها شمرده است.

۲) تذکرهٔ سامی ص ۶۳-۶۶

۳) این کتاب درهمین جلد ص ۱۹-۲۱ و ۲۸۰ شناسانده شد .

٤) ازاین کتاب دونسخه بشماره ۸۶۲ و ۴۱۹ درجلدسوم این فهرست ص ۶۵۸ — ۶۵۹ شناسانده شده است .

[۱۰۲] **نان وحلوا** (فارسی)

چنانکه در (ص۲۲۸) یاد شد ازشیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق) چهار مثنوی بجا مانده است ، و یکی از آنها این کتابچه میباشد ، وی درديباچهٔ نثری آن گوید: این سوانح سفر حجاز(۱) است که بپارسی وتازی سروده‌ام . یعنی اندیشه هائیست که دراین سفر بذهنم رسیده‌است . شیخ که دراصفهان دارای مقامات عالی دولتی مانند شیخ الاسلامی بوده است ، در سفر حج بفکر زهد و پرهیز کاری افتاده ومردمرا بگوشه گیری ازدنیا میخواند ، ونیز بریاکاران وسالوسان خوش آشکار بد درون؛ سخت میتازد ، تنکابنی گوید کسی که در این کتابچه جای گفتگواست، و او را ریاکار وزاهدنماخوانده، میردامادیکی دیگر ازروحانیان دربار صفوی است که داماد شاه عباسی بوده، و سپس داستانی از کشمکش های این دوتن آورده است (۲) . این کتابچه ٤۰۸ بیت بروزن مثنوی مولوی دارد وچندین بارچاپ شده است ، یکی بتاریخ ۱۲۸۲ ق در استانبول با مثنوی شیر وشکر و نان پنیر بنام مقالات شیخ . ودیگر درتهران ع۲- ۱۳۳۲ ق در ۲۳ ص با ۲ ص فرهنگ واژه‌ها .

آغاز: ایهاللاهی عن العهد القدیم
ایهاالساهی عن النهج القویم

انجام: یا بهائی اتخذ قلباً سواه
فهو ما معبود الا هواه

[۱۰۳]

۱۴۹ نسخهٔ بخط نستعلیق ، درتاریخ ۱۲ صفر ۱۰۶۷ نوشته شده . در دفتریست که درص ۲۲۹ شناسانده شده است ، واین سومین کتابچهٔ آنست . (گ ۷۱

۱) و از این روی برخی این را نام کتابچه شمرده‌اند ، ولیکن شیخ برای این کتابچه نامی نگذارده ، ونام «نان‌حلوا» نیز ازاین‌روی بدان داده‌اند که درآغاز چند بیت آن جملهٔ : نان وحلوا چیست ، دیده میشود .

۲) قصص العلماء ص ۱۷۸-۱۸۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۸۱) را گرفته، وهمهٔ آن ۳۱٤ بیت است.
همهٔ دفتر ۱۱۷ برگ. کاغذ وجلد واندازه در ص۳۲۹ دیده شود

[۹۳] نثراللالی (عربی)

در (ص ۱۳۸–۱٤۱) کتابهائی که در آن سخنان کوتاه گرد آمده و بعلی(ع) نسبت داده شده، یاد گردید. دوتا ازینام ترین آنها نثراللالی، وصد کلمه میباشد که نگارندهٔ هیچیك بدرستی دانسته نیست.

صد کلمه را بجاحظ نسبت میدهند و چندین بار بنثر و نظم فارسی و ترکی وهندی وجز آن ترجمه شده‌است(۱) سخنان این کتاب بترتیب حرف آغاز آنها نیست. نخستین کلمهٔ آن اینست: لو کشف الغطاء ماازددت یقیناً.

نثراللالی مرتب بترتیب القباء میباشد و ۲۵۸ کلمه را در ۲۹ باب آورده و«لام الف‌لا» (۲) را نیز یك حرف شمرده است. و این نیز میرساند که تاریخ

۱) گمان نمی کنم این صد کلمه پیش از سدهٔ ششم گرد آمده باشد، و شاید گردآورندهٔ آن رشید وطواط باشد چه یاقوت در (معجم الادباء ۱۹: ۲۹) وچلبی در کشف الظنون کتابی دراین باره بنام «مطلوب کل طالب» بدو نسبت داده‌اند، و دولتشاه سمرقندی ودیگر تذکره نگاران آنرا «ترجمه صد کلمهٔ علی(ع)» نام داده‌اند.
ولی هیچکس جز آقای اقبال درمقدمهٔ حدائق السحر کتاب وطواط را بنام نثراللالی نخوانده است.

دو نسخه ازصد کلمه بشماره های ۱۲٤ و ۱٦٤ در (ص ۱۵۷ و ۲۳۳) این مجلد شناسانده شدهٔ ودرهردو، سخنانرا بانظم بفارسی ترجمه کرده‌اند، ودردیباچهٔ نثری که در آغاز نسخهٔ ۱۲٤ دیده میشود، گفته شده است: محمد پسر احمد راشدی آنرا گزارش نموده، ولی پس ازپژوهش چنین آشکار گردید که این ترجمهٔ منظوم فارسی هماست که برشید و طواط نیز نسبت داده شده، و شاید فقط ترجمهٔ نثری از آن راشدی باشد.

۲) صاحب اقرب الموارد گوید: ابن جنی آنرا نشانهٔ الف مد(آ) شمرده، وچون این حرف حرکت پذیر نبوده وعربان نمی توانستند آنرا تنها برزبان رانند بناچار آنرا برلام سوار کردند. پس باید آنرا «لا» خواند، واینکه عوام آنرا «لام الف‌لا» خوانند غلطی است که آموزگاران ازناگزیری بکودکان میآموزند.

این کتاب پیش از سدهٔ ششم نیست. نگارندهٔ آن را در پشت نسخهٔ(چ تهران ۱۳۱۲ ق) طبرسی تفسیر نگار (م ۵٤۸) نوشته‌اند. ولی صاحب روضات در (ص ۵۱۲) گوید: ازطبرسی نیست، بلکه گمان میکنم از علی پسر فضل‌الله راوندی (م پس از ۵٤۸) باشد. ودر کشف الحجب نیز همین گفته را پذیرفته. و سپس خیاباتی دروقایع الایام (چ۳: ٤۰۹) از «ریاض العلماء» آرد: گردآورندهٔ نثراللالی قطب‌راوندی است (۱).

چنانکه در (ص ۱۳۷) گذشت نثراللالی را ابوالمحاسن ابن ساوجی در سدهٔ هشتم وشاعری عادل نام بنظم فارسی، ومیرعلی‌شیر(م ۹۰٦ق) بنظم ترکی ویوسف نصیب‌نیز بترکی(چ۱۲۵۷ق) ومعلم‌ناجی بترکی (چ ۱۳۰۳ق) وفیلسوف الدوله بفارسی (چ۱۳۱۸ق) ترجمه کرده‌اند.

آغاز: حرف الالف: ایمان المرء یعرف بایمانه.

انجام: (در نسخهٔ۸٦۳): یسعد الرجل بمصاحبة السعید.

انجام (در نسخهٔ ۱٦٤): یبلغ المرء بالصدق الی منازل الکبار (۲).

[۱۰۳]

۸٦۳ نسخه بخط نستعلیق (گ ۷٤–۸۱) دفتری جای دارد. نام نویسنده وتاریخ ندارد. عنوانها باشنگرف است. دیباچه ندارد، و ازحرف الف آغاز شده است.

همهٔ دفتر(۸۱ برگ) اینجا کتابچه (۸برگ). کاغذ نخودی. جلد تیماج سیاه لا
اندازه: ۹×۱٦؛ ۱۱ سطر:

[۱۰٤]

۱٦٤ نسخه هفتمین کتابچهٔ دفتر است. متن عربی با ترجمه فارسی آمده. متن عربی بخط نسخ وترجمه نستعلیق است. عنوانها با شنگرف است، (گ۳٦–۵۸).

همهٔ دفتر۹۰ برگ این کتابچه ۴۳ برگ. کاغذ وجلد واندازه درص۳۴۱ یاد شده است.

۱) قطب‌الدین سعید پسر هبة‌الله راوندی (م–قم–۱٤ شوال–۵۷۳).
۲) نسخهٔ چاپی برابر این نسخه است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۹٤] زهة‌الکتاب وتحفة‌الاحباب (فارسی)

نگارندهٔ آن حسن پسرعبدالمؤمن خوئی (۱) مظفری است که آنرا برای ... سپهدار ... یولق ارسلان (۲) پسرسعید شهید حسام‌الدین الیبورك (٤) پسرامیرچوبان درچهار بخش «قسم» نگاشته‌است. ۱ـ صدآیه قرآن که میتوان آنرا در نامه‌ها گنجانید، با ترجمهٔ فارسی، ۲ ـ صد حدیث از پیغمبر با ترجمه، ۳ ـ صد کلمه از سخنان کوتاه یاران پیغمبر و دیگر بزرگان، ٤ ـ صد بیت تازی با ترجمهٔ هریك بیك شعر فارسی از خود نگارنده. در سه بخش نخست ترجمه را پیش از متن آورده و در بخش چهارم متن عربی را پیش از ترجمه نهاده است. در دیباچه نام کتاب و نام خود ونام یولق ارسلان و فهرست کتاب را یاد کرده است. ودرپایان کتاب گوید: درآغازمحرم سال ۷۸٤ (۳) بنگارش این کتاب آغازیدم و در پایان آن‌ماه بپایانش رسانیدم.

آغاز: الحمدلله‌الذی تفضل علی عباده بمواهب‌الانعام ... امابعد چنین گوید ناظم‌این قلائد و ناشراین فرائد ...

انجام:

تاگرد قطب گردد برروی چرخ فرقد
عیش تو باد دائم اقبال تو مخلد

---

۱) نسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰: حوینی.

۲) و۳) یولق ارسلان پنجمین تن ازاراتقیان فرماندار ماردین (شمال عراق) باشد که از ۵۸۰ تا ۵۹۷ فرمان‌روائی کرده است. طبقات سلاطین اسلام‌لین‌پول. چ تهران ۱۳۱۲ ص ۱٤۸-۱۵۰ واین خلکان چ تهران ص ٦٤ و اعتمامه ـ الف ـ ص ۱٦۲۸ و۲۹ دیده شود. توسلدهٔ نسخهٔ ۱۲٤ (برگ ۷۳ـالف) این کتابچه‌خمسمایه‌را بغلط سبعمایه نوشته‌است.

٤) در طبقات سلاطین اسلام: آلبی. درنسخهٔ شمارهٔ ۸۹۰. البوك آمده است.

و سپس پایان‌نامه یی کوتاه بنثر درتاریخ نگارش کتاب آورده ویك چکامه تائی بقافیهٔ لام در ۲۵ بیت درستایش یولق ارسلان و تعریف این کتاب سروده است. وبیت ۲۲ آن چنین است:

اخلاص بنده‌گی حسام اندر جناب
خالیست از گمان و بری از تحلل‌است

[۱۰۵]

۱۲٤ نسخه بخط نسخ باختراپران درتاریخ (۳ـ ع ۱ـ ۱۱۹۵) نوشته شده. پنجمین کتابچهٔ دفتریست که همهٔ آن بخامهٔ سلیمان‌قاضی در کردستان نوشته شده. برگهای (۸تا۷۳) دفتررا گرفته. عنوانها باشنگرف.

همهٔ دفتر (۳۵٦ برگ) این‌کتابچه (٦٦ برگ) کاغذ وجلد واندازه همانست‌که‌درص ۲۳۸ ـ ۲۳۹ یاد شده است.

[۱۰٦]

۸۹۰ این نسخه ناقص است وفقط سه بخش نخست کتاب را دارد وبخش چهارم آنرا نوشته است. خط نستعلیق زیبا. نام نویسنده وتاریخ ندارد.

یازدهمین کتابچه دفتراست. وبرگهای (۵۵تا۷۰) آنرا گرفته. سطرها مانند باقی کتابچه‌های این دفتر بچلیپا نوشته شده. عنوانها باشنگرف‌است.

همهٔ دفتر (۱۳۹ برگ) این‌کتابچه (۱۵ برگ) کاغذ وجلد و اندازه همانست که در ص۲۸۵ یاد شده‌است.

[۹۵] نظم‌اللالی (فارسی)

چنانکه در(ص۱۳۷-۱٤۱و۲۹۰) دیدیم نثراللالی یکی‌از کتابهائی‌است که سخنان کوتاه‌پندآمیز علی(ع) درآن گرد آمده است، و چندین بار بزبانهای فارسی وترکی بنظم‌و نثر ترجمه شده‌است. اینك یکی از ترجمه‌های منظوم فارسی آن‌شناسانده میشود. سرایندهٔ این‌ترجمه شاعری‌عادل نام‌است. وهمهٔ ۲۵۸ جملهٔ‌اندرز کوتاه را در ۲٦۰ بیت بنظم درآورده. این مرد حافظ قرآن بوده است و درترجمهٔ جملهٔ شفاءالجنان فی‌القرآن گوید:

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هر که قرآن خواند او را ورد چون عادل شود .

عناقبت درد دل او را شفا حاصل شود

ودر ترجمهٔ : کلام‌الله دواء القلب ، گوید :

دردل را از کلام حق تعالی جو دوا .

خودتورا درسینه‌محفوظ‌است‌قرآن‌عادلا

گویا این عادل کسی‌است که چکامهٔ ابوالفتح بستی را بسال ۹۰۳ گزارش داده است . (۱) و نیز همان عادل پسرعلی پسر عادل حافظ باشد که ترجمان القرآن جرجانی را بترتیب نو درآورده است (۲) .

آغاز:

هر که درهر کار بسم‌الله الرحمان رحیم

گوید ابتر گردد ازوسواس شیطان‌رجیم

انجام :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء

ختم کن بر صدق ای عادل کلام اولیا

تمت کلمات الموسومة بنثر اللالی مع نظمه نظم اللالی ...

نام نظم‌اللالی جزدراینجا درجائی دیده نمیشود .

---

۱) نسخه‌ئی از این شرح در کتابخانهٔ سید نصرالله تقوی درتهران هست که در آغاز آن خود را چنین نامیده : حقیر مقصر بتقصیر اصغر العباد جرما و اکثرهم جرما :

آنکه نعت نبی و مدح ولی — بعبارات و اصطلاحات جلی

گوید ازصدق نیت واخلاص — افقر خلق عادل بن علی

ج ۲ ص ۶۹ فهرست سپهسالار دیده شود .

۲) ودرآغاز آن نیز خود را ، اصغر العباد جرما واکبرهم جرما عادل بن علی بن عادل‌الحافظ خوانده است .

ج ۱ ص ۳۴ – ۳۳ همین فهرست کتابخانهٔ دانشگاه دیده شود .

[۱۰۷]

۱۶۴ نسخه هفتمین کتابچهٔ دفتراست . نظم فارسی را زیر متن عربی نوشته . متن بنسخ وترجمه بنستعلیق ، عنوانها باشنگرف است (ک ۳۶–۵۸)

همه دفتر ۹۰ برگ این کتابچه ۲۳ برگ . کاغذ و جلد و اندازه در ص ۲۳۱ یاد شده است .

[۹۶] نهج‌البلاغه (فارسی)

با سخنرانی‌های ولی (ع)

سخنرانی (خطابة وخطبة) زادهٔ خیال است ، ورسائی آن بسته به قدرت تخیل میباشد ، سخن‌رانی را شعرنثری نیز توان‌نامید ، درادوار گذشته‌وروزگار پهلوانی متوحشانه که بشرزندگی ایلاتی داشت ، سخنرانی وسیلهٔ برنده‌ئی برای پیشرفت بود ، و برای تهییج و تشویق مردم بجانبازی و مبارزه بکار میرفت . فصاحت و بلاغت مانند دیگر هنر هائی زیبا وابسته شرایط زندگی اقتصادی میباشد ، و از این روی در ملتهای گوناگون که زندگیهای جداگانه داشتند فصاحت ورسائی ، معنیهای گوناگون داشت ، جاحظ گوید : بفارسی گفتند : بلاغت چیست ؟ گفت : شناسائی جای فصل ووصل ؛ راندن و ایست کردن ، از یونانی پرسیدند گفت : درست بخش بندی ، و گزین کردن ، ازرومی پرسیدند، گفت : پاسخ کوتاه را زود وبجا ، وپاسخ دراز را شیرین و دلکش گفتن ، از هندو پرسیدند ، گفت : استدلال روشن داشتن و فرصتها غنیمت شمردن و نتیجه نیکو گرفتن ، ولی مرة سخنران عرب گوید : بلاغت ؛ وقت شناختن ، واز بکار بردن واژه‌های دشوار خودداری کردن است ، وآرایش سخن ونمك سخنرانی بسته بقیافهٔ سخنران وشیرین زبانی وخوش لهجگی وی‌میباشد ، وازاین روی آرایش ظاهری گوینده، ازپایه‌های استوار سخنرانی بشمار میرود . ولی سهل پسرهارون دراین‌جا درست وارونه رای داده گوید : اگردوتن سخنران هردو

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در بلاغت برابر باشند، یکی خوش روی و دیگری زشت، شنوندگان و بینندگان سخنرانی مردزشت را نیکوتر میدارند (۱).

جرجی زیدان دربارهٔ دگرگونی خطابه نزد رومیان و عبرانیان گوید: رومیان که رزم‌جو و پهلوان بودند خطابه را برتر از شعر میشمرده و بیشتر بکار بسته‌اند، و یهودیان که چندین بار سر کوب شده بودند از سخنرانیهای رزمی و پهلوانی رو گردان بودند و بیشتر بشعر اخلاقی و شکایت و فروتنی روی میآوردند (۲).

ونیز جاحظ در بارهٔ دگرگونی خطابه نزد عربان و پارسها گوید: خطبه‌های پارسیها برپایه اندیشه و کوشش وهمکاری و بررسی کتابها واستفاده ازسخنان گذشتگان وافزایش برآن، استوار بوده، ولی سخنرانیهای عربان بر پایهٔ بدیهه گوئی بی کوشش و پژوهش است و همهٔ توجه گوینده بدرست چیدن و بسیجیدن واژه ها میباشد. (۳) این دگرگونی در سده های دوم تا چهارم اسلام میان شعوبیان طرفدار فرهنگ پارسی و عربان گفتگو ها پدید آورده است وجاحظ همه جا ازعربان طرفداری کرده است.

پیشرفت خطابه وسخنرانی‌های عرب:

خطابه عربان پیش ازاسلام باسخنرانیهای ایشان درسدهٔ یکم وسدهای پسین اسلامی دگرگونست.

پس از آمیزش عربان با پارسیها اندك اندك پایه‌های سخنرانی پارسی در خطابه عربی گذارده شد. جاحظ گوید: طایفهٔ بنی عبد قیس پس از جنگ اباد ازمیان عربستان رانده شده دستهٔ بی بحرین آمدند و درشعرسرآمد گردیدند ودسته‌یی بعمان رفته درخطابه زبردست شدند (٤). جرجی زیدان گوید و از آن

(۱) البیان والتبیین ۱: ۷۸ و ۸۸. چ مصر ۱۹۳۲م.
(۲) تاریخ تمدن اسلامی ۳: ۲۹. چ مصر ۱۹۰٤م
(۳) البیان والتبیین ۳: ۲۰ و ۲۱.
(٤) البیان والتبیین ۲: ۲۰ بنقل جرجی زیدان.

جهت خطابه در یمن پیشرفت بسیار کرد که آمیزش ایشان با پارسی ها بیشتر بود (۱).

جاحظ درجلد دوم البیان والتبیین خطبه‌هائی ازابوبکر وعمر وعلی و عبدالله ابن مسعود ومعاویه بن ابی سفیان وزیادبن ابیه، و قطعاتی چند ازسخنرانان بنام عرب، مانند: عثمان بن ابی عاص، عقیل بن علفه، عمرو بن معدیکرب، عبیدالله زیاد، وقتیبة بن مسلم، واحنف قیس، وجامع محاربی، وحجاج یوسف، وکلثوم بن عمرو، وجزایشان، وسپس ازخطبه‌های پادشاهان بنی امیه وبنی عباس و سرداران سپاه ایشان وزاهدان وعابدان آن روزگار آورده است.

اگر بهمهٔ این خطبه‌ها نگاه کنیم درمی‌یابیم که تعریف خطبه درنزد عرب بر خطبه های کهن ایشان راست آید، و ایرادهای شعوبیه برآن‌ها وارداست، ولی پس از آنکه تمدن عرب باتمدن ملتهای همسایه درآمیخت وسطح زندگی آنان بالا آمد، اثراین تغییردرخطبه‌های ایشان نیزمانند همه چیز دیگر نمودارشد، چنانکه گاه گاه درسخن‌های سیاستمداران ایشان بمطالب سیاسی واجتماعی برمیخوریم.

برخی ازخطبه‌ها که نزد عربان شهرت می‌یافت تام ویژه بخود می گرفت، مانند خطبة‌الجوز که خطبه ایست مرآل رقعه، وخطبة‌العذراء ازقیس ابن‌خارجة، والخطبة‌الشوهاء، از سحبان‌وائل(۲).

احمد زکی صفوت مصری در این روزگار بسیاری از سخنرانیها و نامه های بزرگان وسیاستمداران عرب را درچهارجلد، ۵۰۰ صفحه‌یی گردآورده، بنام جمهرة رسایل‌العرب در مصر بسال ۸-۱۹۳۷م چاپ کرد، ولی وی نیز مانند پیشینیان خود درنج برابر کردن وسنجش آنها رابرخویش هموارننموده‌است.

خطبه وسخنرانیهای علی (ع):

شك نیست که علی(ع) یکی از زبردست ترین سخنرانان عرب در سدهٔ یکم

(۱) تمدن اسلامی ۳:۲۸
(۲) البیان‌والتبیین ج۱ص ۲۷٤ و۲۷۵.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بوده است ، ومشخصات سخنرانیهای وی گرچه از حدود خطبه‌های آن روزگار بیرون نمیباشد ولیکن میتوان آنرا سرآمد آنها شمرد .

این سخنرانیها مانند دیگر خطبه های آن دوره تا دویست سال سینه بسینه بآیندگان رسیده ، وفقط درسدهٔ سوم بخامهٔ نویسندگان بر کاغذنقش بسته است. ابن ابی الحدید گوید : عبدالحمیدبن یحیی گفت : هفتاد خطبه‌ازخطبه‌های علی‌را ازبرمی‌داشتم وسپس برشمارآن افزوده‌شد، ابن‌نباته گفته‌است: صدخطبه ازاو ازبرداشتم (۱) و دراین مدت کاهش وافزایش بسیار درجمله‌های (۲) آن روی‌داده، حتی برخی از آنهارا درست بدیگران نسبت‌داده(۳)، یاسخنرانیهای

۱) شرح ابن ابی‌الحدید ج مصر۱۳۳۹ ق ج ۱ ص ۱۸ .

۲) ناسازگاری جمله های سخنرانی درمتن نهج‌البلاغه باآنچه درگزارش ابن ابی‌الحدید آمده ، وهمچنین دگرگونی آنها باعتن برخی ازآنها که درالبیان‌والتبیین جاحظ آمده است ، بررسی شود .

۳) چنانکه: الف ـ جاحظ‌بند ۳۲باب نخست نهج‌را «ایهاالناس فداسبقنا...» بمعاویه نسبت داده، ولی گوید بسخنان علی بیشترماند (البیان والتبیین۲ : ٤٦و٤٧) وسیدرضی نیزاین دودلی را از وی نقل کرده است .

ب ـ آغاز بند۱۹۱ (خطبه‌همام)را درسیرة عمربن‌عبدالعزیز ودرالبیان والتبیین ج ۲ص ۹٦ در آغاز سخنرانی‌عبدالله ابن‌اهتم نهاده‌اند

ج ـ خطبةالاستسقاء : صدوق (۳۸۱م)درباب نمازاستسقاءاز«من لایحضره‌الفقیه» سخنرانی بدین نام یعلی نسبت داده که درنهج نیست ودوسخنرانی نیزبدین نام درنهج‌البلاغه (بند ۱۱۳و۱٤۱) آمده ، وبرخی جمله‌ها درهرسه یکراست . ذریعه ج ۷ ص ۱۹۷ دیده شود .

د ـ عهدنامهٔ مالک اشتر (بند ۵۳ ـ باب دوم) را ابوحنیفه نعمان مغربی یا دگرگونی جمله‌ها آورده گوید : شاید ازعلی باشدولی‌من آنرا ازپیغمبر روایت کرده‌ام دعائم‌الاسلام ج مصر ۱۹۵۱ م ج ۱ ص ٤۱۲ تا ٤۳۳ دیده شود .

هـ ـ برخی از کلمات که درنهج یعلی‌نسبت داده شده در کتابهای دیگربدیگران مانند ابن‌مقفع وسحبان وائل ودیگرنویسندگان نسبت داده‌اند مستدرک نهج‌البلاغه ج نجف ۱۳۵٤ ق ص ۱۱۵ دیده شود .

دیگران‌را بنام اونوشتند .

برخی از دانشمندان برای جدا کردن سخنان علی (ع) از دیگر سخنرانیها نشانه ها گردآورده‌اند ، چنانکه درباره جدائی سخنان علی و معاویه گویند : علی در سخنرانیهای خود مردم را بخش بندی میکند و از فشار برایشان وترس وتقیه ایشان اززورمندان یاد کند، ومردم‌را باخلاق‌نیکوی‌مذهبی؛ زهد پرهیزگاری ، بندگی خدا می‌خواند . و وصف زاهدان و پرهیزگاران را یاد آوری مینماید . ولی درسخنرانیهای معاویه چنین چیزها یافت نگردد (۱)

گردآورندگان وراویان سخنرانیهای علی (ع) :

الف ـ کسانیکه پیش‌از رضی‌این کار کرده‌اند :

۱ـ ابوسلیمان زید پسروهب جهنی کوفی(م٦٦ق)(۲)

۲ـ مسعدة پسرصدقة عبدی که درنیمهٔ دوم سدهٔ نخست میزیسته (۳) .

۳ـ ابومخنف‌لوط پسریحیی (م۱۵۸) (٤)

٤ـ ابن ابی‌دوبب . خطبةالبالغة راروایت کرده(۵)

۱) البیان والتبیین ۲ : ٤۷ ونهج البلاغه بند ۳۲ باب نخست .

۲) ابن حجر در«تقریب» اورا یادکرده . طوسی (م ٤٦۰) درفهرست (چ نجف ۱۹۳۷م. ص۷۲) گوید : سخنرانیهای‌علی‌رادر کتابی گردآورد. برقی(م۲۷٤یا۲۸۰ق) در کتاب «صفین» آرد : زید دراین جنك باعلی بود وچند سخنرانی‌وی‌راگردآورد. خاتمهٔ مستدرك الوسائل ص۸۰۵ دیده شود .

۳) نجاشی(م٤۵۰)دررجال خود(چ بمبئی ۱۳۱۷ق ـ ص۲۹۵) گوید: چندسخنرانی علی‌را ازگفتهٔ امام صادق(ع) در کتابی گردآورده . نسخهٔ آن بدست علی‌بن‌طاوس (م٦٦٤ق) وسپس درسدهٔ هشتم بدست حسن پسرسلیمان حلی شاگرد شهید رسیده ، ودر«منتخب البصائر» ازآن آورده است . ذریعه : ۷ : ۱۹۰و۱۹۱ دیده‌شود .

٤) طوسی درفهرست (ص۱۲۹) گوید: اوراست کتاب«خطبةالزهراء» ازسخنرانی های علی(ع) . ابن‌ابی‌الحدید نیزازوی نقل کند .

۵) ابونعیم اصفهانی درحلیه؛ خطبةالبالغة راازوی نقل کند. بحارالانوار.ج تبریز : ج۱۷ : ص۱۱۲ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۵- نصر پسر مزاحم درسدهٔ دوم (۱).
۶- اموی، ابومحمد یحیی پسر سعید کوفی (م۱۹۴ق)(۲).
۷- فزاری، ابراهیم پسر حکم پسر ظهیر که در پایان سدهٔ دوم میزیسته(۳)
۸- سکونی، ابویعقوب اسماعیل پسر مهران پسر محمد (٤).
۹- کلبی، ابومنذر هشام پسر محمد پسر سائب، نسب شناس عرب (م۲۰۶ق)(۵).
۱۰- واقدی، ابوعبدالله محمد پسر عمر پسر واقد اسلمی (ز ۱۳۰- م۲۰۷ ق)، (۶).
۱۱- ابوعبیدة، معمر پسر مثنی (ز۱۱۲م۲۱۱ق) (۷).
۱۲- ابوعبیدة، قاسم پسر سلام (م۲۲٤ق) (۸).

۱) حاجی نوری درخاتمهٔ مستدرک الوسائل ص۸۰۵، گوید: اوراست «کتاب خطب علی» و کتابی بنام «صفین» درایران بنام وی چاپ شده، ودرآن چندسخنرانی بعلی نسبت داده که درجنگ صفین خوانده است.

۲) درنهج البلاغه از کتاب «المغازی» او نقل کرده است.

۳) طوسی در فهرست (ص٤) گوید: وی سخنرانیهای علی (ع) گردآورد. نجاشی درزجال (ص۱۱ و۱۲) «کتاب الخطب» بدو نسبت داده است.

٤) وی ازیاران علی بن موسی الرضا (م۲۰۰) بوده. نجاشی درزجال (ص۱۹) کتاب «خطب علی» بدو نسبت داده است.

۵) ابن ندیم (ص۱٤۰) درشمار کتابهای وی نام «خطبة علی» آورده است.

۶) وی سخنرانیهای علی را روایت میکرد. رضی درنهج البلاغه ازاو وکتابش «جمل» یادکرده. ابوغالب زراری (ز۲۸۵ م۳۶۸) دراجازه نامه‌ئیکه «اخبارآل أعین» نام‌دارد، و درمیان کشکول شیخ یوسف بحرینی چاپ شده، گوید: نسخه‌ئی ازسخنرانیهای علی گرد آوردهٔ واقدی نزد من‌هست. دربه ۱۹۱.۷ دیده شود.

۷) جاحظ درالبیان والتبیین، بسیار ازوی نقل کرده، او مردی شعوبی است وکتابی دربدگوئی ازعربان نگاشته.

۸) درغریب الحدیث سخنانی ازعلی آورده است.

۱۳- مدائنی، ابوالحسن علی پسر محمد مدائنی اخباری (ز۱۳۵-م۲۲۵ق) (۱)
۱٤- ابوخیرصالح را دویه پسر ابوحماد سلمه رازی که در نیمهٔ نخست سدهٔ سوم میزیسته (۲).
۱۵- اسکافی، ابوجعفر عبدالله معتزلی(م۲٤۱)(۳).
۱۶- عبدالعظیم پسر عبدالله(م۲۵۲ق)(٤) که آرامگاهش درشهرری زیارتگاه است
۱۷- جاحظ، ابوعثمان عمرو بحر (ز۱۶۰ م ۲۵۵ق) (۵).
۱۸- برقی، احمد پسر محمد (م ۲۷٤ق) (۶).
۱۹- ابن قتیبة یاعبدالله پسر قتیبة پسر مسلم باهلی (م۲۷۶ ق) (۷).
۲۰- مبرد، ابوالعباس محمد پسر یزید بصری (م۲۸۵ق) (۸).
۲۱- ابوحنیفهٔ دینوری، احمد پسر داود (م۲۸۰یا۲۹۰ق) (۹)

۱) ابن ندیم در فهرست «چ مصر ۱۳٤۸ ق. ص۱٤۹» درشمار کتابهای وی نام «سخنرانیهای علی» آورده. طوسی در فهرست «ص ۹۵» ونیز صفدی در «الوافی بالوفیات» اورایاد کرده‌اند.

۲) نجاشی درزجال «ص۱٤۰» گوید: سخنرانیهای علی گرد آورد طوسی نیز در رجال ودرفهرست «ص۸٤» اورایاد کرده است.

۳) درنهج البلاغه از «مقامات» او که در مناقب علی است نقل کرده است.

٤) طوسی درفهرست «ص۱۲۱» ونجاشی درزجال «ص۱۷۳» گویند سخنرانیهای علی راگردآورد.

۵) وی درالبیان والتبیین بسیاری از سخنرانیهای علی راگردآورده، ونیز گرد آوری صد جمله پند و اندرز کوتاه ازعلی بوی نسبت داده اند، ص۱۵۷ این فهرست دیده شود.

۶) صدوق «م۳۸۱ق» در باب ۱۲۲ «علل الشرایع» شقشقیه را از وی روایت کرده‌است.

۷) در «غریب الحدیث» ازسخنان علی بسیار آورده.

۸) وی در «الکامل» سخنرانیهائی بعلی نسبت داده، و در نهج البلاغه نیز از باب اللفظ بالحروف کتاب «المقتضب» اونقل کرده است.

۹) وی در «اخبارالطوال» چند سخنرانی بعلی نسبت داده است. او مردی ایرانی است ونباید با ابن قتیبهٔ دینوری اشتباه شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۲- نهمی ، ابراهیم پسر سلیمان(۱).

۲۳- طبری ، محمد پسر جریر پسر یزید (م۳۱۰ق)(۲).

۲٤- ابن فرات ، ابوالحسن علی پسر محمد (م۳۱۲ق) وزیر مقتدر عباسی(۳).

۲۵- ابوالقاسم بلخی (م۳۱۷ ق) (٤).

۲٦- ابن عبدربه ، ابوعمر احمد پسر محمد اندلسی (م۳۲۸ق)(۵).

۲۷- کلینی، محمد پسر یعقوب پسر اسحاق رازی (م۳۲۹) (٦).

۲۸- ابن شعبه، حسن پسر علی(م۳۳۲ ق) (۷).

۲۹- جلودی ، ابواحمد عبدالعزیز پسر یحیی (م۳۳۲ق)(۸).

---

۱) طوسی در فهرست « ص٦ » و نجاشی در رجال «ص۱٤» « کتاب الخطب» بدو نسبت داده و شهرستانی در ماهو نهج البلاغه (ص۲۷) آنرا سخنرانی های علی شناخت .

۲) تاریخ نگار سدهٔ سوم وی در تاریخ خود سخنرانیهائی بعلی نسبت داده است و رضی در نهج البلاغه آنها را آورده است .

۳) میثم بحرینی در شرح نهج البلاغه آرد . شقیقه «بند۳ باب۱» را بخامهٔ او دیده‌ام. و ابن ابی الحدید نیز از وی نقل کند .

٤) ابن ابی الحدید در شرح خود گوید . بسیاری از سخنرانیهای علی را در نگاشته های خود گرد آورده است

۵) وی در «عقد الفرید» چندین سخنرانی از علی آورده . فهرس عقد الفرید دیده شود.

٦) در کتاب اصول کافی در باب جوامع التوحید سخنرانی هائی چند از علی آورده. و در کتاب «روضه» که بعدها بکافی چسبانیده شده نیز سخنرانیهائی بعلی نسبت داده شده.

۷- کتابی بنام « تحف العقول» منسوب باین مرد در دست است و چاپ شده . در این کتاب تندرویهای بسیار در بارهٔ خاندان علی هست ، و نیز چند سخنرانی را بوی نسبت داده که در نهج نیامده. مانند خطبهٔ «الایمان والکفر» ولی در نسبت این کتاب بسدهٔ چهام سخت تردید است .

۸) علی بن طاوسی در محاسبة النفس (ص۱۵) گوید. سخنرانیهای علی را در کتابچه گرد آورده.

۳۰- مسعودی، ابوالحسن علی پسر حسین (م۳٤٦ق) (۱).

۳۱- صدوق، محمد پسر علی ابن بابویه (م۳۸۱ق) (۲).

۳۲- ابن قبه ، ابوجعفر محمد پسر عبدالرحمان پسر قبه رازی (۳).

۳۳- سیدرضی (م٤۰٦) (٤).

ب - ناقلان سخنان علی پس از رضی تا سدهٔ دهم:

۳٤- مفید ، محمد پسر محمد پسر نعمان (م٤۱۳ق)(۵).

۳۵- آبی، ابوسعید منصور وزیر (م٤۲۲ ق) (٦).

۳٦- قاضی قضاعی ، ابوعبدالله محمد پسر سلامة پسر جعفر (م٤۵٤ق) (۷)

۳۷- کراجکی، ابوالفتح محمد پسر علی (م ٤٤۹ق)(۸).

۳۸- ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ق) (۹) محمد پسر علی سروی مازندرانی.

---

۱) در دریه ۱۹۲.۷ وماهو نهج البلاغة ص۲۸ بنقل از احمد صفوت ، آرند که مسعودی شمارهٔ سخنرانیهای علی را چهارصد وهشتاد دانسته .

۲) در « علل الشرایع » و «معانی الاخبار» چند سخنرانی علی مانند شقشقیه را یاد کرده .

۳) وی استاد مفید وشاگرد ابوالقاسم بلخی بوده ، ابن ابی الحدید گوید : وی چند سخنرانی علی را در « الانصاف » آورده است . و میثم بحرینی نیز از آن نقل کرده است .

٤) نهج البلاغه را نگاشته که جای گفتگوی ماست .

۵) در کتاب «ارشاد» شقشقیه را آورده است .

٦) در کتاب «تنزالدرر» برخی از سخنرانیهای علی را آورده ، و برخی از آنها را بنام زید پسر علی بن الحسین شهید خوانده است .

۷) کتابی بنام «دستورالحکم ومأثورمکارم الشیم» یا « دستور معالم الحکم» در سخنان کوتاه علی گرد آورده و در دیباچهٔ « عیون الحکم » از آن نقل شده . فهرست سپهسالار ج۱ ص۲۸۵ دیده شود .

۸) وی در کتاب « کنزالفواید» چند سخنرانی بعلی نسبت داده است .

۹) در کتاب «مناقب» چند سخنرانی علی را نام برده است . مانند : خطبة الهدایة الملاحم، اللؤلؤة ، الافتخار، الدرة الیتیمه، الاقالیم، الوسیلة ، الطالوتیة ، القصیبة ، مانده در ص ۳۰٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳۹- ابن جوزی (ز۵۰۸ - م۵۹۷ق) (۱).
۴۰- ابن‌طاوس، رضی‌الدین‌علی (م ۶۶۴ق) (۲).
۴۱- اخطب خوارزم (م۶۵۵ق).
۴۲- گنجی شافعی محمد پسر یوسف پسر محمد در کفایة‌الطالب.
۴۳- ابن‌طلحه، محمدشافعی (م۶۵۲ق).
۴۴- ابن ناقه، احمد پسر یحیی پسر احمدبن ناقه (۳) در آغاز سدهٔ هشتم.
۴۵- حسن پسر سلیمان حلی در نیمهٔ سدهٔ هشتم (۴) در کتاب منتخب البصائر (۵) چند سخنرانی آورده.
۴۶- برسی، شیخ رجب در آغاز سده نهم (۶).

مانند ازرویه پیشین:

السلمانیة، الناطقه، الدامغة، الفاضحة، الشقشقیه «بند۳»، التوحید «بند۱۸۴»، القاصعة «۱۹۰»، الاشباح «۸۹»، الاستسقاء «۱۱۳ و ۱۴۱»، الغراء «۸۱»، النخیله. وچنانکه می‌بینیم بسیاری از آنها در نهج‌نیامده است.

۱) وی در کتاب «مناقب» وتذکرة الخواص، بند ۱۲۹ باب یکم نهج‌را آورده وآنرا «خطبة المنبریة» نامیده است. بحارالانوار ج نیریزج ۱۷ ص۱۱۱ دیده شود.

۲) وی در کتابهای خود سخنرانیهای چند که درنهج‌البلاغه نیست به علی نسبت داده است

۳) وی چند سخنرانی گرد آورده وبعلی نسبت داده، مانند خطبة‌البیان، و الدرة‌الیتیمه، وموثقه، که پیش آنها خالی از حرف الف است. نسخهٔ این سه سخنرانی در دفتری است که در «۷۲۹ق» نوشته شده ودر کتابخانهٔ رضوی هست. فهرست ج۱ ص ۹۷- اخبار، دیده شود.

۴) وی در «۷۵۷ق» از شهید اجازهٔ روایتی گرفته است

۵) کتاب بصائر الدرجات را طوسی در فهرست «ص۷۵» وانجاشی در رجال «ص۱۲۶» بسعدبن‌عبدالله اشعری قمی «م۲۹۹ق» نسبت داده‌اند. حسن‌حلی ازاین کتاب دست‌چین کرده‌وآنرا «منتخب‌البصائر» نامیده «ذریعه ۳: ۱۲۴». ودرآن‌چند سخنرانی علی آمده است که درنهج نیست‌مانند خطبة‌المخزون «ذریعه۷: ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۲۰۵»

۶) وی‌مشارق‌الانوار راسال «۷۷۳ق» ومشارق الامان را بسال «۸۱۱ق» نگاشته (ذریعه ج۳ ص۱۲ دیده‌شود) وی‌دربارهٔ علی‌وخاندانش تندرویها دارد. وتیز چند سخنرانی بعلی‌نسبت داده که درنهج یامده است.

۴۷- عبدالاحد پسر برهان الدین پسر علی سیرجانی در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم (۱)

نهج‌البلاغه:

چنانکه دیدیم یکی از گردآورندگان سخنان علی سید رضی (م ۴۰۶ ق) است. وی نهج‌البلاغه را گردآورده که جای گفتگوی ماست.

این کتاب دوسه‌بخش است. I سخنرانیها در ۲۳۹ بند. II نامه‌ها در ۷۸ بند. III سخنان کوتاه پند واندرز ۴۸۹ کلمه.

گردآورنده:

محمدپسر حسین پسر موسی پسر محمد موسوی، معروف به سیدرضی (ز۳۵۹ م۴۰۶) است. وی و برادرش سیدمرتضی چنانکه در (ص۱۶۲) گفتم سرپرست طالبان (نقیب‌الطالبین) بوده‌واز اشراف بشمار میرفتند. گزارش زندگی ایشان در بیشتر کتابهای تاریخ ادبی وسیاسی بتفصیل آمده است، وبازگی کتابهای جداگانه دربارهٔ آنها نگاشته شده‌است مانند: الشریف‌الرضی، چ نجف ۱۳۶۰ ق در ۱ ج ووعبقریة الشریف‌الرضی، چ مصر ۱۹۴۰ م در ۲ ج وه کاخ ولاویز، چ تهران ۱۳۱۷ ش، در ۱ ج. وجز آنها.

نسبت نهج‌البلاغه برضی:

خود سید رضی در کتابهای دیگرش، حقایق‌التاویل، (۲) وه مجازات النبویه، (۳) باین کتاب حوالت داده‌است. یکی ازدو فهرستنگار آن‌زمان: طوسی

۱) وی در تفسیری که برای شاه تهماسب «م۹۸۴» نگاشته خطبه‌یی بنام «خطبة الکشف» بعلی ع نسبت داده وترجمهٔ فارسی آنرا آورده، ولی متن تازی این خطبه هیچ جا دیده نشده است. ذریعه ۷: ۱۹۵ و ۲۰۵. وگویا همواست که سید کلمه‌را بفارسی سروده است همین جلد فهرست ص۱۳۹ دیده شود.

۲) چ نجف ص ۱۶۷.

۳) چ بغداد ص ۲۲، ۴۱، ۱۲۷، ۱۶۱، ۲۵۲.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(م ٤٦٠) نام این کتاب و نگارنده‌اش را بیاورده، ولی نجاشی، فهرستنگار دیگر (م ٤٥٠) او را یاد کرده است (۱).

ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) نیز از وی و کتاب او یاد کرده. ابن خلکان نام کتابرا برده، گوید برخی آنرا برضی و برخی بمرتضی نسبت داده اند. باید دانست که این اشتباه از آنرو رخ داده که مرتضی لقب هردو برادر بوده، و آنرا از جد خود گرفته بودند.

نسبت این سخنان بعلی (ع):

دراینکه آیا این سخنان درست ازعلی است ویا اززبان وی ساخته شده، پیروان مذاهب گوناگون از روی تعصب بچپ و راست تند رویها کرده‌اند، آنچه میتوان گفت آنست که گرچه برخی ازاین سخنرانیها در همان آغاز نوشته شد ولی بیشتر آنها تاچندپشت، سینه‌بسینه آمد، وپس‌ازنوشته شدن نیزدگرگونی درنسخه‌ها پدیدار گشت.

رضی در دیباچه نهج این ناسازگاری نسخه‌ها را گوشزد کرده، و نیز گوید: من ازسخنرانیهای او برخی را گزیدم وازجمله های آنها نیزدست چین کردم. پیداست که این کار وی نیز برناسازگاری و دگرگونگی نسخهٔ سخنرانیها افزوده‌است. ابن‌ابی‌الحدیددر گزارش چندسخنرانی مانندخطبه‌های ۳۷ و ۳۸ به دست خوردگی آنها اشارت کرده گوید: رضی باگردآوری جمله‌های چند سخنرانی علی، این بندها را فراهم ساخته است.

و نیز مطالب چند بند نهج‌البلاغه، از پدیده های سدهٔ سوم و چهارم هجرت است، و تاریخ فلسفه نشان میدهد که پس‌از گردانیدن دانشهای فارسی و یونانی بزبان تازی، این گفتگوها میان مسلمانان پدیدآمد. (۲)

---

۱) رجال نجاشی چ بمبئی ۱۳۱۷ ق ص ۲۰۰.

۲) مانندخطبه‌های اشباح، قاصعه، ولی برای معتقدان باشراق و الهام شرایط زمان ومکان بی‌ارزش است. و(برای استدلالیان چربین بود). مدارك نهج‌البلاغه؛ هادی کاشف الغطاء ج نجف ۱۳۵۰ ق ص ۳۷ و ۳۸ دیده شود.

آغاز نهج‌البلاغه: اما بعدحمدالله الذی جعل الحمد ثمنا...

انجام آن، درنسخه‌ها دگرگون است:

الف - ابن ابی‌الحدید پس از آنکه جملهٔ «مالك و ما مالك...» را که علی (ع) پس‌از شنیدن خبرمرگ مالك اشتر گفته است، گزارش میدهد، مینگوید: نخست سید رضی نهج‌البلاغه را دراینجا پایان داد: و نسخه ها از آن نوشته شد، وسپس برآن افزود

ب - درنسخهٔ ابن‌ابی‌الحدید و بسیاری ازنسخه‌های خطی؛ پس از جملهٔ «رب مفتون بحسن‌القول...» (۱) از زبان سیدرضی چنین نگاشته شده: اینجا پایان گزین سخنان کوتاه علی است. در پایان هر باب چند برگ سفید نهادم تا برآن بیافزایم، و آن درماه رجب سال ۴۰۰ بود (۲) وسپس ابن‌ابی‌الحدید گوید: ومن نسخه‌هادیدم که گفته میشود در روز گارنگارنده (رضی) نوشته‌شده وبازهم این افزایش رادارد.

ج - این افزایش ۱۷ جمله است. وپایان آن چنین است: اذااحتشم المؤمن اخاه فقد فارقه...

مدارك نهج‌البلاغه:

رضی زنجیرهٔ وسند سخنرانیهارانادیده‌گرفته وفقط درچندجا کتابهای زیررا بنام مدرك آورده است:

- البیان والتبیین، جاحظ (م ۲۵۵ ق).
- المقتضب مبرد (م ۲۸۵ ق) - درباب «اللفظ بالحروف».
- المغازی، سعید پسریحیی اموی (م ۲۹۱ ق).
- جمل، واقدی (م ۲۰۷ ق).

---

۱) این کلمه ۱۸ جملهٔ پس‌ازخبرمرگ مالك اشترآمده‌است.

۲) گ ۲۷۸ - الف نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۶ دانشگاه دیده شود، و دربسیاری از نسخه ها مانند نسخه ابن‌ابی‌الحدید تاریخ دیده‌نمی‌شود. ودرنسخه‌های چاپی این پایان‌نامه را پس‌ازجملهٔ «اذااحتشم المومن» (یعنی درپایان افزایش ج) آورده‌اند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ المقامات مناقب علی ؛ ابو جعفر اسکافی (م ۲۴۱ق).
ـ تاریخ طبری ، محمد پسر جریر (م ۳۱۰ق).
ـ حکایت امام باقر (ع).
ـ روایت یمانی از ابن قتیبه.
ـ کتابچهٔ هشام کلبی (م ۲۰۶ق) بخامهٔ وی.
ـ روایت ضرار پسر حمزه جنابی.
ـ روایت ابی جحیفه.
ـ حکایت ثعلب.

ولی من در (ص ۲۹۹ تا ۳۰۵) فهرست کسانی را که پیش از رضی بگردآوری سخنان علی پرداخته‌اند آوردم و با بررسی آن میتوان بمدارك نهج‌البلاغه پی برد.

شمارهٔ سخنرانیها و نامه ها و جمله‌های نهج‌البلاغه (۱)

I نویسندهٔ نسخهٔ (۱۷۶ دانشگاه) که در ۷۷۳ نوشته شده در (گ ۲۸۱ الف) چنین آورده است :

۱۲۰ سخنرانی + ۱۰۵ کلام (۲) + ۶ دعاء + ۶۲ نامه + ۱۲ وصیت + ۱ سوگند نامه + ۳ عهدنامه + ۴۸۰ کوتاه سخن.

II سید هبة‌الدین در « ماهو نهج‌البلاغة » گوید ۲۴۲ سخنرانی و ۷۸ نامه و ۴۹۸ کوتاه‌سخن دارد.

III من نیز فهرستی برای آن ساختم که در آن باب نخست ۲۳۹ بند و باب دوم ۷۹ بند، و باب سوم ۴۹۸ بند دارد، که بند های ۲۶۱ تا ۲۶۹ این باب، یك فصل جدا گانه است.

---

۱) چنانکه در ص ۳۰۳ گذشت مسعودی شمارهٔ همهٔ سخنرانیهای علی را چهار صد وهشتاد دانسته است.

۲) برخی از سخنرانیها بجملهٔ «ومن خطبة له ...» و برخی باجمله «ومن کلام له ...» آغاز شده است.

کارهاکه دربارهٔ سخنان علی ع و نهج‌البلاغه انجام شده است :

حاجی نوری (م ۱۳۲۹ ق) نام بیست وشش گزارش نهج‌البلاغه را یاد کرده(۱) وهبة‌الدین شهرستانی (۲) این شماره را بنقل از ذریعه به چهل وپنج رسانیده. و ابن یوسف شیرازی (۳) ۲ آنرا بهشصت وشش شرح و گزارش رسانیده، و نیز دوشرح برای خطبة‌البیان (۴) آورده ومن آنرا در (ص ۱۱۲ – ۱۱۳) به سیزده رسانیدم، ونیز سه گزارش برای شقشقیه (بند ۳ باب ۱) و دوازده شرح وترجمه برای عهد مالك (بند ۵۳ باب ۲) یاد کرده، ومن در (ص ۱۸ – ۱۹) آنرا به بیست‌ویك رسانیدم، ونیز یك گزارش برای قاصعه (بند ۱۹۰ باب ۱) ویك شرح برای طنجیه (۵) و دو شرح برای خطبه همام (بند ۱۱۹ باب ۱) وسه‌شرح برای بخشی از نهج‌البلاغه، وبیست‌بار گردآوری متن یا ترجمه سخنان کوتاه پند واندرز علی (ع) را یاد کرده ومن اینرا نیز در (ص ۱۳۷) به‌سی وشش رسانیدم. اضافه براین صدو چهل وپنج کار وچهل وهفت کار دیگر که‌در زیر عنوان گردآورندگان وناقلان سخنان علی گذشت، باید کارهای زیررا نیز یادآوری نمایم :

۱ـ شیخ محمدعلی مدرس چهاردهی (م ۱۳۳۴ق) بخشی از نهج را شرح کرده و نسخهٔ خط خود وی نزد نواده‌اش مرتضی مدرسی چهاردهی در تهران هست.

۲ـ محمد جواد پسر محمد علی پسر شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۲۵ق) خطبهٔ همام (بند ۱۹۱ باب ۱) راشرح کرده و « تنبیه العباد » نامیده است (۶).

---

۱) خاتمهٔ مستدرك وسائل الشیعه، ص ۸۰۵.
۲) ماهو نهج‌البلاغه ـ ص ۵.
۳) فهرست کتابخانهٔ سپهسالار ج ۲ ص ۱۱۳-۱۵۳ و نیز همانرا در « نهج‌البلاغه چیست؟ » آورده.
۴) خطبة‌البیان از سخنرانیهائیست که بعلی نسبت داده شده و در نهج نیامده (ص ۱۰۸-۱۱۶) دیده شود.
۵) نیز از سخنرانیهائیست که بعلی نسبت داده شده ودر نهج نیامده است.
۶) ذریعه ۴ : ۴۴۴.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق) خطبهٔ فیلسوفانهٔ اول الدین معرفته (بند ۱ باب ۱) را گزارش نگاشته (۱)

٤ - شیخ هادی کاشف الغطاء (م ۱۳٦۱ق) کتابی بنام مستدرك نهج‌البلاغه نگاشته و در آن سخنرانیهائی را بعلی نسبت داده که در نهج نیامده ، و کتابی دیگر بنام «مدارك نهج‌البلاغه» نگاشته ودر آن از نسبت سخنرانیها بعلی دفاع نموده است .

٥- محمد علی انصاری ، بخشی از نهج‌البلاغه را بفارسی سروده استودر ۲۸۰ ص چاپ کرده .

٦- سید علی فیض : گزارشی بفارسی برنهج نگاشته وبیشتر آنرا ازشرح ملا فتح‌الله کاشی گرفته ، و آنرادرتهران بسال ۱۳۲۹ چاپ کرده است .

۷- عزالدین علم‌الدین تنوخی ، کتابی دربارهٔ نهج از نظر ادبی نگاشته(۲)

۸- دکتر سیدعلی حسین الوردی الکاظمی، کتابی دربارهٔ نهج‌البلاغه‌از نظر سیاست واقتصاد نگاشته (۳)

۹- سید علی اکبر برقعی کتابی بنام « کاخ دلاویز » دربارهٔ سید رضی ونهج‌البلاغه نگاشته .

۱۰ سید شهاب‌الدین نجفی نیز گفتاری درمجلهٔ ارمغان بدان افزوده‌اند .

۱۱- احمدزکی صفوت « ترجمه علی بن ابی‌طالب » نگاشته، و در آن از سخنرانیها و کتاب نهج‌البلاغة نیز گفتگو کرده، وآنرا درمصر بسال (۱۳۵۰ق) در(۱٦۲ص) چاپ کرده است .

۱۲- سید محمد علی هبة‌الدین شهرستانی وزیر سابق فرهنگ عراق کتابچه‌ئی بنازی دربارهٔ نهج وسند سخنرانیهای علی نگاشت وبنام «ماهو نهج البلاغه ؟» چاپ کرد .

---

۱) ذریعه ۷:۱۹۹

۲و۳) از یاد داشتهای خطی آقای حسین علی آل محفوظ کاظمینی .

۱۳- ابن یوسف شیرازی ضیاء‌الدین حدائق نیز در این باره پژوهشها کرده، ودرفهرست سپهسالار ج۲ بخشی ویژه نهج‌البلاغه گشوده، وهمین بخش را مانند یك کتابچهٔ جداگانه بنام « نهج‌البلاغه چیست ؟ » چاپ کرد .

اندرزهای علی ودعاهای سجاد (ع)

چنانکه درص ۱۵۲ — ۱٦۹ ج ۱ — این فهرست یاد کردم صحیفهٔ سجادیه نیز یکی از کتابهای مقدس مذهبی شیعیان است که ٤۷ شرح و گزارش برای آن نگاشته اند ، وهشت بار برآن افزوده‌اند که بنام صحیفهٔ یکم ودوم تاهشتم نامیده شود .

ازاین ٥٥ کار که دربارهٔ صحیفه انجام شده است ، سه کار پیش از سال ۱۰۰۰ق و پنج کار پس از سال ۱۳۰۰ ق ، و دیگران در این سه قرن انجام یافته است .

ولی کارهائی که برای نهج‌البلاغه بشمار آوردم ۲۰٤ کاراست، که ۱۰۰ کار پیش از سال ۱۰۰۰ ق ، و ٤۳ کار پس از ۱۳۰۰ ق ، و ٦۱ کار در این سه قرن انجام شده . نباید فراموش کرد که جنبهٔ دعائی ومذهبی واخروی درصحیفهٔ سجادیه وهمچنین جنبهٔ اجتماعی وزندگی دنیائی درسخنان علی برتری دارد(۱) و گویا ازهمین‌روی دراین سیصد سال بآن بیش ازاین توجه داشته‌اند .

دگرگونی وناسازگاری نسخه‌های نهج :

پژوهش درست دربارهٔ ناسازگاری نسخه‌های سخنرانیها وجدا کردن میان گویندگان آنها، نیازمند یك فهرست وازه‌یابی برای نهج‌البلاغه است که هنوز ساخته

---

۱)ولی در برخی جاها نیز تا انجام بهم نزدیکند که گفتار یکی را به دیگری نسبت داده‌اند، چنانکه ابن ابی‌الحدید در گزارش (بند ۷٦ باب ۱) گوید : این خطبه از دعاهای سجاد (ع) است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نشده (۱) ومن دراین‌جا فقط بیادآوری بیش وبیش سخنرانیها درچندنسخه از نهج‌البلاغه بس میکنم:

الف ــ نسخهٔ ابن ابی‌الحدید: نسخه‌ئیکه ابن ابی‌الحدید گزارش نموده

۱) ولی من برای آنکه اندکی ازناسازگاریها میان نسخه‌های نهج‌البلاغه و بیش وبیسی سخنرانیهای آنرا نشان‌دهم، فهرستی ازبندهای باب نخست وباب‌دوم آنرا، وابر چاپهای امروزی، دراین جامی‌آورم:

۱ ــ الف ــ الحمدلله‌الذی‌لایبلغ ...
ب ــ ثم جمع من‌حزن‌الارض ...
ج ــ وفرض علیکم‌حج‌بیته ...
۲ــ الف ــ احمده‌استتماما لنعمته ...
ب ــ موضع‌سره وعیبة ..
ج ــ زرعوا‌الفجور وسقوه ...
۳ــ اما والله لقد تقمصها ...(شقشقة)
٤ــ بنا اهتدیتم فی‌الظلماء..
٥ ــ ایها‌الناس شقوا ...
٦ــ واللهلاأکون کالضبع...
۷ ــ اتخذوا‌الشیطان‌لامرهم...
۸ــ یزعم‌انه قدبایع ...
۹ــ وقدارعدو اوابرقوا ...
۱۰ــ الاوان‌الشیطان قد ...
۱۱ ــ تزول‌الجبال ولاتزل...(ابن‌حنفیه)
۱۲ــ أهوی اخیک معنا ...
۱۳ــ کتتم جندالمرئة ...
۱٤ــ ارضکم قریبةمن‌الماء ...
۱۵ واللهلووجدته قد ..
۱٦ــ دعنی بماقول وهیئة.. (بیعت)
ب ــ شغل‌من‌الجنة والنار...
۱۷ــ ان‌أبغض‌الخلائق الی... (قضاء)
۱۸ــ تردعلیهم‌القضیة .. (فتوی)
۱۹ــ مایدریك ماعلی‌مالی... (اشعث)
۲۰ــ فانکم‌لوعاینتم ماقد ...
۲۱ــ فان‌الغایة امامکم ...
۲۲ــ الاوان‌الشیطان قدذمر..
۲۳ــ اما‌بعدفان‌الامر ینزل‌من‌السماء...
ب ــ الالایعدلن‌احدکم...
۲٤ــ ولعمری‌ماعلی‌من‌قتال ..
۲۵ــ‌ماهی‌الاالکوفة أقبضها ..
۲٦ــ ان‌الله بعث محمداً‌نذیراً..
ب ــ فنظرت فاذالیس‌لی‌معین..
ج ــ ولم‌یبایع حتی‌شرطات ..
۲۷ــ اما بعدفان‌الجهاد‌بابٌ...
۲۸ــ اما بعدفان‌الدنیا قدادبرت ...
۲۹ــ ایها‌الناس‌المجتمعة‌ابدانهم...
۳۰ــ لوامرت به‌لکنت قاتلا...
۳۱ــ لاتلقین‌طلحة فانك ...
۳۲ــ ایها‌الناس انا‌قداصبحنا...
۳۳ــ ان‌الله بعث محمداً ولیس‌من‌العرب ..
۳٤ــ افلکم لقدسئمت ...
۳۵ــ الحمدلله وان‌اتی‌الدهر...
۳٦ــ فانا‌نذیرکم‌أن(نهروان)...

مانده درصفحه ۳۱۳

باینسخه های‌امروزی ناسازگاربوده. ومن این دگرگونی را در (ص ۲۵٦) این فهرست تا اندازه‌یی روشن نمودم.

مانده از ص ۳۱۲
۳۷ــ‌فقمت‌بالامرحین قتلوا...
۳۸ــ وانما سمیت‌الشبهة ..
۳۹ــ متیت بمن‌لایطیع ...
٤۰ــ کلمة حق‌یراد بها‌الباطل ...
٤۱ــ‌ان‌الوفاء توام‌الصدق ..
٤۲ــ ایها‌الناس‌ان‌اخوف...
٤۳ــ ان‌استبدادی‌للحرب...
٤٤ــ فبح‌الله مسقلة...
٤۵ــ الحمدلله غیرمقنوط ..
٤٦ــ اللهم‌انی‌اعوذبك...
٤۷ــ کانی‌بك یاکوفة ...
٤۸ــ الحمدلله کلما وقب...
٤۹ــ الحمدلله‌الذی بطن خفیات ..
۵۰ــ انما‌بدء وقوع‌الفتن ...
۵۱ــ‌قداستطمیوکم‌القتال...
۵۲ــ الاوان‌الدنیا قدتصرمت...
۵۳ــ ومن‌کمال‌الاضحیة ..
۵٤ــ فتداکوا‌علی‌تداك ...
۵۵ــ اماقولکم: الکل‌ذلك ...
۵٦ــ وقدکنا مع‌رسول‌الله ...
۵۷ــ امانه سیظهرعلیکم ..
۵۸ــ اصابکم حاصب(خوارج)..
۵۹ ــ الف ــ مصارعهم‌دون‌النطفة...
ب ــ کلاوالله انهم‌طفف...
ج ــ لاتقتلوا‌الخوارج‌بعدی...
٦۰ــ وان‌علی من‌الله جنة ...
٦۱ــ الاوان‌الدیناردار...
٦۲ــ واتقوالله عبادالله ..
٦۳ــ الحمدلله‌الذی‌لم‌یسبق ...
٦٤ــ معاشرالمسلمین استشعروا ...
٦۵ــ فهلااحتجتم‌علیهم(سقیفه)..
٦٦ــ وقداردت تولیة مصر ...
٦۷ــ کم‌اداریکم کمایتداری ...
٦۸ــ ملکتنی عینی وانا(شب‌ضربت) ...
٦۹ــ اما بعدیااهل‌العراق فانما ...
۷۰ــ اللهم داحی‌المدحوات ...
۷۱ــ اولم‌یرابعدی‌بعد قتل‌عثمان ..
۷۲ــ‌لقدعلمتم‌أنی‌احق‌بها(خلافت‌عثمان) ..
۷۳ــ اولم‌ینه أمیة‌علیها ...
۷٤ــ رحم‌الله امرءً سمع‌حکما ...
۷۵ــ ان‌بنی‌امیة‌لیفوقونی...
۷٦ــ اللهم اغفرلی‌ماانت اعلم ...
۷۷ــ اترعم‌انك‌تهدی‌الی‌الساعة ...
۷۸ــ معاشرالناس‌ان‌الساعة ...
۷۹ــ ایها‌الناس‌الزهادةقصر...
۸۰ــ یاعاصف‌من‌دارأولها‌العناء ...
۸۱ــ الف ــ الحمدلله‌الذی‌علا(غراء)...
ب ــ جعل‌لکم‌اسماعا‌لتعی...
ج ــ أحمده‌الذی‌ابتداء...
۸۲ــ عجبالابن‌النابغة(عمروعاص)...
۸۳ــ الف ــ واشهدان‌لااله‌الاالله ..
ب ــ فاتعظوا‌عبادالله‌بالعبر ...

مانده در ص ۳۱٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ب ـ نسخهٔ شمارهٔ (۳۰۸۳) سپهسالار : این نسخهٔ بی‌تاریخ که گویا در آغاز سدهٔ ششم نوشته شده باشد (۱) در ترتیب سخنرانیها مانند نسخهٔ این

۱) فهرست سپهسالار ۲:۱۵۵.

مانده از ص ۳۱۳

ج ـ درجات متفاضلات...
۸۴ ـ قدعلم السرائر ...
۸۵ ـ الف ـ عبادالله ان من احب...
ب ـ حتی یظن الظان ان الدنیا ...
۸۶ ـ اما بعد فان الله لم یقسم ...
۸۷ ـ ارسله علی حین فترة من الرسل ...
۸۸ ـ الحمدلله المعروف من غیر رویة ...
۸۹ ـ الف ـ الحمدلله الذی لا یفره (الاشباح)
ب ـ قدره لما خلق فاحکم ...
ج ـ ونظم بلا تعلیق (آسمان) ...
د ـ ثم خلق سبحانه (فرشتگان)...
ه ـ کبس الارض علی (زمین)...
۹۰ ـ دعوی والنسوا غیری (هنگام بیمت)...
۹۱ ـ اما بعد ایها الناس ما ناقات ...
۹۲ ـ الف ـ تبارک الله الذی لا ...
ب ـ فاستودعهم فی افضل مستودع .
۹۳ ـ بعثه والناس ضلال ...
۹۴ ـ الف ـ الحمدلله الاول فلا شیء ...
ب ـ مستقره خیر مستقر...
۹۵ ـ ولئن امهل الظالم ...
۹۶ ـ و الله لا یزالون حتی لا یدعوا...
۹۷ ـ نحمده علی ما کان ونستعینه ...
۹۸ ـ الحمدلله الناشر فی الخلق ...
۹۹ ـ الاول قبل کل اول والآخر ...

۱۰۰ ـ الف ـ وذلک یوم یجمع الله فیه...
ب ـ فمن کقطع اللیل المظلم ...
۱۰۱ ـ الف ـ انظروا الی الدنیا نظر...
ب ـ العالم من عرف قدره ...
ج ـ وذلک زمان لا ینجو فیه ...
۱۰۲ ـ اما بعد فان الله سبحانه بعث ...
۱۰۳ ـ حتی بعث الله محمداً ص...
۱۰۴ ـ الحمدلله الذی شرع الاسلام...
ب ـ حتی اوری قبسا...
ج ـ وقد بلغتم من کرامة الله ...
۱۰۵ ـ وقد رأیت جولتکم ...
۱۰۶ ـ الف ـ الحمدلله المتجلی بخلقه...
ب ـ اختاره من شجرة...
ج ـ طیب دوار بطیبه ...
۱۰۷ ـ الف ـ کل شیء خاشع له...
ب ـ من ملائکة اسکنتهم ...
ج ـ قصیر الدنیا
۱۰۸ ـ اف افضل ما توسل به (دیباج)...
۱۰۹ ـ اما بعد فانی احذرکم ...
۱۱۰ ـ هل یحس به اذا دخل (غور الیل) ...
۱۱۱ ـ واحذرکم الدنیا فانها...
۱۱۲ ـ الحمدلله الواصل ...
۱۱۳ ـ اللهم قد اصاحت (استسقاء)...
۱۱۴ ـ الف ـ ارسله داعیاً الی الحق...

مانده در ص ۳۱۵

ابی الحدید است ، جز اینکه ۱ـ بند ۲۳۷ نیز همراه بند ۲۳۸ بدنبال ۱۹۰ تهاده شده ، و بنابراین آخرین سخنرانی این نسخه بند ۲۳۶ باب نخست میباشد.

مانده از ص ۳۱۴

ب ـ لو تعلمون ما اعلم...
۱۱۵ ـ فلا اموال بذلتموه ...
۱۱۶ ـ اتم الانصار علی الحق ...
۱۱۷ ـ مالی لکم لا سددتم لرشد ...
۱۱۸ ـ لله لقد علمت تبلیغ ...
۱۱۹ ـ عذاجزاء من ترک البقیة ...
۱۲۰ ـ الف ـ فامتازوا فریق ...
ب ـ الم تقولوا عند رؤیتهم ...
۱۲۱ ـ الف ـ وای امری منکم احس ...
ب ـ وکانی انظر الیکم..
۱۲۲ ـ فقدموا الدراع ... (۱)
۱۲۳ ـ انا لم نحکم الرجال (میانجی حکمین)
۱۲۴ ـ اتامرونی ان اطلب ...
۱۲۵ ـ فان ابیتم الان ترعوا ...
۱۲۶ ـ الف ـ یا اشعث کانی به (زنگیان)...
ب ـ کانی اراهم قوما (ارکان)...
۱۲۷ ـ عباد الله انکم وما ...
۱۲۸ ـ یا اشتر انک غضبت ...
۱۲۹ ـ ایتها النفوس المختلفة... (البصرة)
۱۳۰ ـ الف ـ نحمده علی ما اخذ و اعطی...
ب ـ فانه و الله الجد لا اللعب ...
۱۳۱ ـ الف ـ و اعادت له الدنیا ...
ب ـ کتاب الله بین اظهرکم ...
ج ـ ارسله علی حین فترة ...

د ـ و انما الدنیا منتهی...
ه ـ و اعلموا انه لیس ...
۱۳۲ ـ وقد توکل الله لاهل (فتال روم)...
۱۳۳ ـ یا ابنة اللعین الابتر ...
۱۳۴ ـ لم تکن بیعتکم ایای فلتة ...
۱۳۵ ـ الف ـ ندموا الله ما الکروا (طلحه و زبیر)
ب ـ فاقبلتم الی اقبال العوذ...
۱۳۶ ـ الف ـ لعطف الهوی علی الهدی .
ب ـ حتی تقوم الحرب بکم ...
ج ـ کانی به قد نعق بالشام...
۱۳۷ ـ لم یسرع احد قبلی (شوری).
۱۳۷ ـ و انما بیعتی لاهل العصة .
۱۳۹ ـ ایها الناس من عرف ...
۱۴۰ ـ ولیس لواضع المعروف...
۱۴۱ ـ الا و ان الارض التی ... (استسقاء).
۱۴۲ ـ الف ـ بعث الله و سوله بما...
ب ـ انروا عاجلا و آخروا ...
۱۴۳ ـ الف ـ ایها الناس انما انتم...
ب ـ وما احدثت بدعة ...
۱۴۴ ـ هذا الامر (فتال الفرس) لم یکن .
۱۴۵ ـ بعث محمداً (ص) بالحق...
۱۴۶ ـ کل واحد منهما یرجو الامر...
۱۴۷ ـ ایها الناس کل امرئ...
۱۴۸ ـ الف ـ واخذوا بینا و شمالا...

۱) در برخی نسخه‌ها این خطبه تابع و جزو خطبهٔ پیش آمده است، ولی در شرح ابن ابی الحدید جداست .

مانده در ص ۳۱۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

II- بند ٢٣٩ را بجای آنکه میان (٢١٨ و ٢١٩) بیاورد، در دنبال ٢٣٨ نهاده است.
III- در دنبال بند ٢٣٦ که آخرین سخنرانی این نسخه است این جمله را نوشته

مانده از ص ٣١٥

ب- وطال الأمد بهم...
١٤٩- الف- واسعنه علی مداحر...
ب- بین قتیل مطاول ...
١٥٠- الف — الحمد لله الدال علی ...
ب — وقد طلع طالع ولمع لامع...
١٥١- الف — وهو فی مهلة من الله...
ب- حتی اذا کشف لهم ...
١٥٢- و ناظر قلب اللبیب ...
ب- فیهم (اهل البیت) کرائم القرآن...
١٥٣- الحمد لله الذی لا بحمرت..(خفاش).
١٥٤- الف- و بن استطاع عند ذلك...
ب- سبیل ابلج المنهاج...
ج- قد شخصوا من مستقر الاجداث...
فلما أنزل الله تو له (الم احسب ...)...
١٥٥- الحمد لله الذی جعل الحمد ..
١٥٦- الف- ارسله علی حین فترة...
ب- فعند ذلك لا یبقی...
١٥٧- ولقد احسنت جوارکم...
١٥٨- امره قضاء و حکمة...
ب- یدعی بزعمه...
١٥٩- بعثه بالنور المضیئ...
١٦٠- یا اخابنی اسدانك...
١٦١- الحمد لله خالق العباد ...
ب- ایها المخلوق السوی...
١٦٢- ان الناس ورائی.. (سفارت).
١٦٣- ابتدعهم خلقاً عجیباً.. (طاوس).

ب- فلو رمیت ببصر قلبك...
١٦٤- لیأس صغیر کم...
ب- افترقوا بعد الفهم ...
١٦٥- ان الله انزل کتاباً...
١٦٦- یا اخوتاه انی لست...
١٦٧- ان الله بعث رسولا هادیاً ..
١٦٨- ارایت لو ان الذین ورائك....
١٦٩- اللهم رب السقف...
١٧٠ — الحمد لله الذی لا توازی...
ب- وقد قال قائل انك ...
ج- فخرجوا یجرون ...
١٧١- امین وحیه و خاتم رسله ..
١٧٢- قد کنت و ما اهدی...(طلحه)
١٧٣- ایها الغافلون غیر ..
١٧٤- انصفوا یا ان الله ...
١٧٥- فاجمع رای ملئکم ..(حکمین) .
١٧٦- لا یشغله شأن ...
١٧٧- لا تدرکه العیون...(دعلب یمانی).
١٧٨- احمد الله علی ما قضی...
١٧٩- بعداً لهم کما بعدت ثمود ..
١٨٠- الف- الحمد لله الذی الیه مصائر...
ب- قد لبس للحکمة جنتها...
١٨١- الف- الحمد لله المعروف من غیر...
ب- فالقرآن آمر زاجر...
١٨٢- اسکت (برج بن مسهر) فبحك الله...
١٨٣- الف- الحمد لله الذی لا تدرکه...

مانده در ص ٣١٧

است : تمت الزیادة و گویا وی این سخنرانی را افزوده میدانسته .
ج - نسخهٔ شیخ میثم بحرینی (١) : سخنرانیهای باب یکم این نسخه بدینترتیب

---

١) یعنی نسخه‌ایکه شرح کوچك او بر آنست و در ص ١٥٠ تا ١٥١ این فهرست یاد شده است .

مانده از ص ٣١٦

ب- ولو فکروا فی عظیم...
١٨٤- خاوحده من کیفه ..(توحید)
١٨٥- الا ابی و امی هم...
١٨٦- اوصیکم ایها الناس...
١٨٧- فمن الایمان ما یکون...
١٨٨- احمده شکر الانعامه..
١٨٩- الحمد لله الغاشی (فی الخلق) حمده...
١٩٠- الحمد لله الذی لبس العز...(قاصعة)
١٩١- اما بعد فان الله خلق الخلق...(همام)
١٩٢- نحمده علی ما وفق له...(منافقین)
١٩٣- الحمد لله الذی اظهر ..
١٩٤- بعثه حین لا علم...
١٩٥- و لقد علم المستحفظون ..
١٩٦- یعلم عجیج الوحوش...
١٩٧- تعاهد و اامر الصلاة...
١٩٨- و الله ما معاویة ادهی منی ...
١٩٩- ایها الناس لا تستوحشوا...
٢٠٠- السلام علیك یا رسول (دفن فاطمه)
٢٠١- ایها الناس انما الدنیا...
٢٠٢- تجهزوا رحکم الله ...
٢٠٣- لقد نقمتما یسیرا...(طلحة و زبیر).
٢٠٤- انی اکره لکم ان...
٢٠٥- املکوا عنی هذا الغلام (حسن) ...
٢٠٦- ایها الناس انه لم یزل ...
٢٠٧- ما کنت تصنع سلعة... (علاء)
٢٠٨- ان فی ایدی الناس... (حدیث سازی).
٢٠٩- و کان من اقتدار جبروته...
٢١٠- اللهم ایاعدمن ...
٢١١- الف — الحمد لله المعلی عن شبه...
ب- ارسله بالضیاء ...
٢١٢- و اشهد انه عدل عدل ...
٢١٣- الحمد لله الذی لم یصح...
٢١٤- الف- اما بعد فقد جعل الله...
ب- ان من حق من عظم جلال ...
٢١٥- اللهم انی استعدیك...
٢١٦- قعدوا علی عمالی...
٢١٧- لقد اصبح ابو محمد...
٢١٨- قد اجی عقله و امات...
٢١٩- یا له من اماما بعده...
٢٢٠- ان الله جعل الذکر...
٢٢١- ادحض مسئول حجة...
٢٢٢- و الله لان ابیت علی...
٢٢٣- اللهم صن وجهی...
٢٢٤- دار البلاء محفوفة ..
٢٢٥- اللهم انك آنس...
٢٢٦- فی بلاد فلان فقد...

مانده در ص ٣١٨

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میباشد: از بند ۱ تا بند ۱۷۷ درست است، و سپس بند ۱۹۳ و ۱۹۵، و سپس بند ۱۷۸ تا ۱۸۲، و سپس بند ۲۰۷ تا ۲۳۳، و سپس بند ۲۳۵، و سپس بند

مانده از ص ۳۱۷

۲۲۷- و بسطتم یدی فکففتها... (بعث).
۲۲۸- الف- فان تقوی الله مفتاح سداد...
ب- کانوا قوما من اهل الدنیا...
۲۲۹- فصدع بما امر به... (ذکوان).
۲۳۰- ان هذا المال لیس... (ابن زمعه).
۲۳۱- الا ان اللسان بضعة...
۲۳۲- انما فرق بینهم... (اختلاف الناس)
۲۳۳- بابی انت وامی... (غسل پیغمبر).
۲۳۴- فجعلت اتبع ما خذ...
۲۳۵- فاعملوا وانتم فی فسح...
۲۳۶- حفاة طغاة عبید... (حکمین).
۲۳۷- هم عیش العلم... (خاندان پیغمبر).
۲۳۸- با ابن عباس ما یرید... (حصار عثمان)
۲۳۹- والله مسائلکم...

باب دوم نهج البلاغه

۱- اهل کوفه- فانی اخبرکم من امر عثمان...
۲- یا اهل کوفه- وجزاکم الله من اهل مصر...
۳- الف- یشریح یا شریح قد جلست... یا شریح اما انه سیأتیک...
ب- هذا ما اشتری عبد ذلیل...
۴- بیک سردار- فان عادوا الی ظل الطاعة...
۵- باشعث کندی- ولن عملک لیس لک...
۶- بمعاویه- انه باغی الغوم...
۷- الف- بمعاویه- فقد اتتنی منک موعظة...
ب- لانها بیعة واحدة لا یثنی...

مانده در ص ۳۱۹

۱۸۳ تا ۱۹۰، و سپس ۲۳۶ تا ۱۳۹، و در پایان بند ۲۳۴ هست. و بنابراین نسخهٔ میثمی دو بند ۲۰۵ و ۲۰۶ را ندارد.

مانده از ص ۳۱۸

۸- بحریز بجلی- فاذا اتاک کتابی فاحمل...
۹- بمعاویه- فاذا دقوم قتل نبینا...
۱۰- بمعاویه- وکیف انت صانع...
۱۱- بسیاهیان- فاذا زالت لم تعد...
۱۲- بمقدم ریاحی- اتق الله الذی لابد لک...
۱۳- بدوتن از سران لشکر- لقد امرت علیکما...
۱۴- بسیاهیان- لا تقاتلوهم حتی...
۱۵- باخداوند- اللهم افضت الیک...
۱۶- بسیاهیان- ولا تشدن علیکم...
۱۷- بمعاویه- فاما طلبک الی الشام...
۱۸- با ابن عباس- اعلم ان البصرة...
۱۹- بیکی از استانداران- فان دهاقین اهل...
۲۰- بزیاد بن ابیه- وانی اقسم بالله...
۲۱- بزیاد بن ابیه- دع الاسراف...
۲۲- با ابن عباس- فان المرء قدیره...
۲۳- وصیت پس از زخم ابن ملجم- وصیتی لکم ان لا تشرکوا
۲۴- الف- وصیت پس از بازگشت از صفین- هذا ما امر به
ب- وانه یقوم بذلک البعض...
۲۵- بتحصیلدار خراج- انطلق علی تقوی الله...
۲۶- بیک تحصیلدار- امره بتقوی الله...
۲۷- الف- بمحمد بن ابی بکر- فاخفض لهم جناحک...
ب- فانه لاسواء امام الهدی و امام...
۲۸- بمعاویه- فقد اتانی کتابک تذکر...
۲۹- باهل بصره- وکان من انتشار حبلکم...
۳۰- بمعاویه- فاتق الله فیما لدیک...
۳۱- بحسن بن علی- من الوالد الفانی...

مانده در ص ۳۲۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

د ـ نسخهٔ شمارهٔ ۲۹۲ کتابخانهٔ رضوی که چند سخنرانی افزوده‌است (۱)
وپیش ازسدهٔ دهم نوشته شده .

۱) فهرست رضوی ج۱ص ۹۶و۹۷ اخبار دیده شود .

مانده از ص ۳۱۹

۳۲ـ بمعاویه ـ واردیت جیلامن الناس ...
۳۳ـ بقثم بن عباس ـ فان عینی بالمغرب کتب ...
۳۴ـ بمحمدبن ابی بکر ـ فقد بلغنی موجدتك ...
۳۵ـ بابن عباس ـ فان مصر قدفتحت ...
۳۶ـ بعقیل ـ فسرحت الیه جیشاً ...
۳۷ـ بمعاویه ـ فسبحان الله ماا شدلزومك ...
۳۸ـ باهل مصر ـ من عبدالله علی ..
۳۹ـ بعمروعاص ـ فانك قدجعلت ...
۴۰ـ بیکی ازفرمانداران ـ قدبلغنی عنك امر ...
۴۱ـ بیکی از فرمانداران ـ فانی کنت اشترکتك ...
۴۲ـ بعمر مخزومی ـ فانی قدولیت نعمان بن عجلان ..
۴۳ـ بمعقلة شیبانی ـ بلغنی عنك امر ان کنت ...
۴۴ـ بزیادبن ابیه ـ وقدعرمت ان معاویه ..
۴۵ـ الف ـ بعثمان بن حنیف ـ یابن حنیف فقدبلغنی آن ..
ب ـ الیك علی بادنیا ...
۴۶ـ بیکی ازفرمانداران ـ فانك ممن استظهر ...
۴۷ـ الف ـ بحسن وحسین ـ اوصیکما بتقوی ...
ب ـ یا بنی عبدالمطلب ..
۴۸ـ بمعاویه ـ وان البغی والزور ...
۴۹ـ بمعاویه بادیگری ـ فان الدنیا مشغلة ...
۵۰ـ بسران لشکر ـ من عبدالله علی ... فان حقاعلی الوالی ..
۵۱ ـ بعاملان خراج و تحصیلداران ـ فان من لم یحذرماهو ...
۵۲ـ بفرمانداران ـ فصلوا بالناس الظهر ...
۵۳ـ بمالك اشتر ـ هذاما امربه عبدالله علی ...

مانده در ص ۳۲۱

ه ـ نسخهٔ شمارهٔ ۲۹۳ همانکتابخانه که در (۷۲۹ق) نوشته شده ودرآن نیز
چند سخنرانی افزوده شده (۱)

۱) فهرست رضوی ج۱ص ۹۶و۹۷ اخبار دیده شود .

مانده ازپویه پیشین :

۵۴ـ بطلحه وزبیر ـ قدعلمتما وان کتمتما ...
۵۵ـ بمعاویه ـ فان الله قدجعل الدنیا ...
۵۶ـ بشریح پسرهانی ـ اتق الله فی کل صباح ...
۵۷ـ باهل کوفه ـ فانی خرجت من حیی ...
۵۸ـ بمردم شهرها ـ وکان بدء امرنا آنا ...
۵۹ـ باسود پسرافطیة ـ فان الوالی اذااختلف ...
۶۰ـ بفرمانداران ـ من عبدالله ... فانی قدسیرت جنودا ...
۶۱ـ بکمیل زیاد ـ فان تضییع المرء ماولی ...
۶۲ ـ الف ـ باهل مصر ـ فان الله بعث محمداً نذیراً ...
ب ـ انی والله لولقیتهم واحداً ...
۶۳ـ بابوموسی اشعری ـ من عبدالله علی ، فقدبلغنی عنك قول ...
۶۴ـ بمعاویه ـ فانا کنا نحن ...
۶۵ ـ بمعاویه ـ فقدآن لك ان تتنبه ...
۶۶ـ بابن عباس ـ فان المرء لیفرح ...
۶۷ـ بقثم بن عباس ـ فاقم للناس الحج ...
۶۸ـ بسلمان پارسی ـ فانما مثل الدنیا ...
۶۹ـ بحارث همدان ـ وتمسك بحبل القرآن ...
۷۰ـ بسهل بن حنیف ـ فقد بلغنی ان رجالا ...
۷۱ـ بمنذربن جارود ـ فان صلاح ابیك ماغرنی ...
۷۲ـ بابن عباس ـ فانك لست بساق ...
۷۳ـ بمعاویه ـ فانی علی ترددفی جوابك ...
۷۴ـ قراردادبیعه بامردم یمن ـ هذاما اجتمع ... (سوگندنامه).
۷۵ـ بمعاویه ـ فقد علمت اعذاری ...
۷۶ـ بابن عباس ـ مع الناس بوجهك ...

مانده در ص ۳۲۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و ـ نسخهٔ ۱۷۶ کتابخانهٔ دانشگاه برابر نسخهٔ ابن ابی الحدید است جز اینکه بند ۲۳۹ را پس از ۲۳۸ و پیش از ۲۳٤ نهاده است . یعنی بندهای ۲۳۸ و ۲۳۹،۲۳٤،۲۳۵،۲۳٦،۲۳۷ را باهمین ترتیب در پایان کتاب نهاده، و در آغاز آنها گوید: «اینها را از روی نسخه ایکه بر رو گار نگارنده (رضی) نوشته شده افزوده اند (۱)

ز ـ نسخهٔ ۷۸ دانشگاه برابر نسخه های مشهور است ، جز اینکه بند ۲۳۹ را مانند نسخهٔ ابن ابی الحدید میان دو بند ۲۱۸ و ۲۱۹ نهاده است .

[۱۰۸]

نسخه بخط نسخ زیبا، نویسنده حسن پسر علی پسر حسن پسر علی پسر شدقم حسینی مدنی (۲) که در ۱۷ ع ۱ سال ۹۹٤ آنرا آغاز و هنگام چاشت

۷۷
۸۷



(۱۰) برگ ٤۰۰ پ نسخهٔ ۷۸ کتابخانهٔ دانشگاه

مانده از ص ۳۲۱

۷۷ ـ بابن عباس ـ لاتخاصمهم بالقرآن .

۷۸ ـ بابوموسی اشعری ـ فان الناس قد غیر .

۷۹ ـ بسران لشکر ـ فانما اهلک من کان .

(۱) برگ ۱۸۰ ـ الف ، نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۶ دانشگاه دیده شود .

(۲) گزارش زندگی این نویسنده در «نحفة الازهار» نواده اش بخط خود وی بشمارهٔ ۲۹۲ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد .



(۱۱) برگ ٤۰۱ پ نهج البلاغة شمارهٔ ۷۸ دانشگاه

روز یکشنبه آنرا بپایان رسانیده. و آنرا از روی سه بلکه چهار نسخه رونویس کرده :

الف ـ نسخهٔ ابن أبی الحدید که بخامهٔ مزیدی بوده .

ب ـ نسخهٔ ایکه در تاریخ ۵۸۸ ق نوشته شده و بر علامهٔ حلی (یوسف پسر مطهر) خوانده شده .

ج ـ نسخه ایکه در سال ٤۰۰ ق نوشته شده .

د ـ نسخهٔ شرح میثم بحرینی .

در کنار رویه ها در برگهای : (۲۶، ۳۹، ٤۳) پایان سه بخش از بخشهای بیستگانهٔ شرح ابن ابی الحدید را نشانه گذاری کرده است . بکسوم آغاز نسخه حاشیه هائی بخط متن دارد که همه را از شرح ابن ابی الحدید آورده . در (گ ۱۸۰ ـ الف) پایان بند ۱۸۲، در کنار رویه چنین آمده است : در نسخهٔ ابن ابی الحدید، اینجا بخش یکم نهج البلاغه پایان یافته، و پس از آن سخنرانی همام آمده ، و با اینکه نسخه درست و بخامهٔ مزیدی بود ، و در شرح میثم بحرینی نیز با آن برابر بود ، ولیکن چون من نسخهٔ خود را از روی نسخهٔ یوسف پسر مطهر (علامهٔ حلی) نوشتم، با آن دو دگرگون شد . و نیز در (گ ۲۱۱ پ) پایان (بند ۱۹۱ خطبهٔ همام) در حاشیه چنین نوشته شده، میثم بحرینی در ج ۳ مصباح السالکین پس از گزارش این سخنرانی گفته است : از اینجا نسخه ها ناسازگار است، در بسیاری از نسخه ها این سخنرانی در آغاز بخش دوم و پس از خطبهٔ قاصعه (بند ۱۹۰) جا گرفته است ، و پس از خطاب برج بن مسهر (یعنی بند ۱۸۲) الحمدلله

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الذی لاتدرکه الشواهد (یعنی بند ۱۸۳) آمده است .

ولی دربرخی ازنسخه‌ها این خطبه (یعنی بند۱۸۳) پس‌ازخطبه غدل پیغمبر (یعنی بند ۲۳۳) نهاده شده است ، وازاینجا تا پایان خطبهٔ فاصعه (بند ۱۹۰) مرتب است ، وپس‌ازآن‌باب دوم(نامه های‌علی)فرامیرسد واین‌ترتیب درشرح قطب‌الدین ابوالحسن کندری و شرح ابن‌ابی‌الحدید دیده میشود و من نیز این‌ترتیب را پذیرفته‌ام (پایان سخن این‌میثم) ولی نسخهٔ ما باآن ناسازگار است » .

ودر کناربرگ(۳۹۶ـالف)درپایان‌جملهٔ «مالك ومامالك...» گوید:ابن‌ابی‌الحدیدید اینجا راپایان‌نهج‌البلاغه دانسته .

ودر کناربرگ (۳۹۸ب) نیزچنین سخنی ازابن ابی‌الحدیدآورده است.

یك سرلوح با زرولاژورد وشنگرف در برگ (۲ـب) دارد. همه رویه‌ها بازرو لاژورد وسیاهی جدول‌بندی شده، نشان پابرگی دارد عنوانها باشنگرف است.

(۴۰۱ برگ‌کاغذ ترمه نخدی . جلد تیماج مشکی سوخت زرگوب فرسوده . ته‌بندی‌شده اندازه: ۱۸×۳۵و۱۰×۱۵؛ ۱۲ سطر.

[۱۰۹]

۱۷۶ نسخهٔ بخط نسخ سدهٔ هشتم نزدیك بکوفی . عنوانها باخط کوفی نزدیك به نسخ درشت. روی‌آنها خط‌شنگرفی کشیده است . نویسنده حسن پسرمحمد طبری است . پایان نوشتن هنگام ظهر روزسه شنبه سیزدهم ربیع دوم سال هفتصد و هفتادوسه،دردیه برنگ(سرنگ)درپیرامن‌آستر‌آبادبوده‌است.وازروی‌نسخهٔشمس‌الدین اولیاء نوشته شده (گ۲۸۰ دیده شود) پشت (برگ۱) نام‌کتاب ونیاکان‌نگارنده (رضی) وزادن وی (۳۵۹) ومرك او محرم۴۰۶ وگوراو در کربلا نوشته شده. در برك (۲۸۱ـ۲۸۲) چکامه‌یی درستایش نهج‌البلاغه وشمارسخنرانیهاوونامه‌هاوسخنان کوتاه نهج‌را نوشته است .

چند برك پاره شده وبجای‌آن با کاغذ سفیدنوصحافی شده است .

نیمهٔ یکم نسخهٔ حاشیه های کهن بخامهٔ متن، ونیمهٔ دوم حاشیه باخامهٔ نوین دارد .

عنوانها تا برك ۲۱۴ شنگرفی شده وازآن پس شنگرف ندارد .

دربرك (۱ـب) و(۱۸۱ب) دو سرنامه دیده میشود که « بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم » راباخامهٔ کوفی باندازهٔ ۶۸ره برنگ سیاه نوشته است .

(۲۸۴ برگ) کاغذ سمرقندی نخدی رنگ . جلد تیماج سرخ متوالی ضربی . دورون ابری

اندازه : ۱۴×۲۲و۷×۱۶؛ ۱۶سطر.

[۹۷] هفت اورنگ (فارسی)

هفت مثنوی است ازجامی (۱) (م ۸۹۸ ق) که در زمانهای جدا سروده و سپس گویا خود وی (۲) همه‌رایکجاگرد آورده ودیباچه‌یی برای‌آن ساخته ودرآن گوید : «می‌شاید که بهفت او رنگ که بلغت فرس قدیم عبارت از هفت برادران که هفت کوکب‌اند درجهت شمال ظاهر و برحوالی قطب دائر ، نامزد شوند . » .

دراینجا هریك ازاین هفت مثنوی را میشناسانیم :

۱ـ **سلسلة الذهب** ـ مثنوی است ببحر خفیف (فاعلاتن مفاعلن فعلن) مانند حدیقهٔ سنائی . ودارای سه‌دفتر است .

دفتر اول : درعرفان واخلاق و کلام ودرپایان بخشی بنام « اعتقاد نامه » دارد که بنام پراستادخود؛ یعنی پرخواجه عبیدالله احرارسرود. تاریخ‌سرودن یکم ذیقعده (۸۷۶ق) است (۳) .

آغاز :

لله الحمد قبل کل کلام　　بصفات الجلال و الاکرام

انجام :

وربماند جواد عمر ازسیر　　ختم الله لی بما هو خیر

دفتر دوم : درعشق روحانی ، بسال ۸۹۰ سروده شده

۱ـ گزارش کوتاهی‌ازجامی در «ص۱۸۶ـ۱۹۲» گذشت .

۲ـ حکمت در «جامی-ص۱۸۴» گوید : ازاینکه این دیباچه درهمه نسخه‌هاییست چنین برآید که شاید جامی نخست پنج مثنوی پیروی ازنظامی‌ساخته وسپس دومثنوی سلسلة‌الذهب وسبحة الابرار رابرآن افزوده باشد، وازسخن‌خود وی‌درپایان خردنامه نیزهمین‌معنی برآید .

۳ـ حکمت در «جامی» ص۱۸۵ تاریخ‌آنرا میان ۸۷۳ و ۸۷۷ دانسته ولی در رویهٔ۲۸۹ نسخهٔشمارهٔ۱۰۲ دانشگاه ، تاریخ بالادیده میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز :

بشنوای گوش برفسانهٔ عشق　　از صریر قلم ترانهٔ عشق

انجام :

هم بدین حرف این خجسته کلام　　ختم شد و السلام و الاکرام

دفتر سوم : وی این دفتر را بنام پادشاه عثمانی بایزید دوم (ش ۸۸۶ تا ۹۱۸ق) در آئین کشورداری، در پانصد بیت سرود . و برخی نام این مثنوی را از روی شعر زیر «تحفهٔ شاهی» نهاده‌اند :

لیك از آنجا که تحفهٔ شاهست　　یاد کرد کنین هوا خواهست

آغاز :

حمد ایزد نه کار تست ای دل　　هرچه کار تو بار تست ای دل

انجام:

برهمین نکته ختم شد مقصود　　لله الحمد و العلی و الجود

۲- سلامان و ابسال : از داستانهای یونان باستان است که نخستین بار حنین پسر اسحاق در سدهٔ سوم آنرا بتازی گردانیده ، و سپس بوعلی سینا (م ۴۲۷ق) داستانی مانند آن بساخت ، و خواجهٔ طوسی (م ۶۷۲ق) در شرح اشارات در نمط نهم از هردو یاد کرد، و دیگر شرح نویسان اشارات نیز کمابیش از آن یاد کرده‌اند .

سلامان و ابسال جامی بـانچه حنین بن اسحاق آورده بیش از آنچـه از آن بوعلی است مانند است . و ناسازگاریهای آنها را حکمت دره جامی» ص ۱۹۰-۱۹۳ برشمرده است .

مثنوی جامی بحر رمل مسدس (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) بنام سلطان یعقوب آق قوینلو (ش ۸۸۴-۸۹۶) سروده شده ، و جامی در دیباچهٔ آن از پیری نالیده است .

آغاز :

ای بیادت تازه جان عاشقان　　ز آب لطفت تر زبان عاشقان

انجام :

هردمش جاه و جمالی تازه باد　　مدت ملکش برون ز اندازه باد

این داستان بزبانهای ترکی (۱) و جز آن (۲) ترجمه و گزارش شده است .

۳- تحفة الاحرار : مثنوی است بحر سریع (مفتعلن مفتعلن فاعلن) مانند مخزن الاسرار نظامی و مطلع الانوار دهلوی . یك دیباچهٔ نثری درستایش ناصر الدین عبیدالله احرار سرور نقشبندیان آن روزگار ، و پس از آن بیست و یك گفتار دارد .

آغاز :

بسم الله الرحمـان الـرحیم　　هست صدای سرخوان حکیم

انجام :

مهر نهٔ خاتمهٔ این کتـاب　　شد رقم خـاتم تم الکتـاب

اتمام انتظام این سبحه درماه تسبیح و شهر تراویح منتظم درسلك شهور سنهٔ ست وثمانین و ثمان مائه اتفاق افتاد .

۴- سبحة الابرار : مثنوی است بحر رمـل مسدس مزاحف (فاعلاتن فعلاتن فعلن) مانند برخی از بخشهای نه سپهر خسرو دهلوی . یك دیباچهٔ نثری دشوار دارد، و در آن نام حسین بای قرا (م ۹۱۲ ق) را آورده ، وسپس چهل بند (عقد) در پند و اندرز صوفیانه سروده است .

۱- محمود لامعی (م ۹۳۸) آنرا بترکی ترجمه نمود (کشف الظنون) .

۲- برای دانستن ریشهٔ این داستان و کارهاکه دربارهٔ آن انجام شده کتابهای زیر دیده شود : اشارات بوعلی سینا و شرحهای فخر رازی و خواجه طوسی و جز ایشان بر آن ، متفکرین اسلام از بارون کارادوو B. carade Vaut ترجمهٔ انگلیسی سلامان و ابسال از فیتز جرالد Fitz Gerald، ترجمهٔ فرانسهٔ آن، چ پاریس ۱۹۱۱م از اوگوست بریکتو Auguste Brieteux ، و سر آغاز سلامان و آبسال جامی از رشید یاسمی ، چ تهران، و ذریعه: ۳۳۸ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز:

ابتدی باسم اله الرحمان الرحیم المتوالی الاحسان

انجام:

ختم الله لنا بالحسنی و هو مولانا نعم المولی

۵ ـ یوسف و زلیخا: مثنوی است عشقی بحر هزج مسدس «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» مانند خسرو وشیرین نظامی وویس ورامین فخر گرگانی. ریشهٔ این داستان در توزات «پیدایش: ۳۹ و ۴۵» و نیز در قرآن «سورهٔ ۱۲» دیده میشود، و این یگانه داستان است که بدین درازا و با روش ویژه در آن دیده میشود. و همهٔ تفسیر نگاران گزارش آنرا از حدیث و تاریخ های یهودیان اسرائیلی با اندکی دگرگونگی آورده‌اند.

تاریخ نگاران امروز (۱) داستان یوسف پسر یعقوب رادرروزگار توتیمیس سوم (۱۵۰۳-۱۴۴۹) پیش از میلاد که از هجدهمین دستهٔ فرعونان مصر است دانسته اند.

این داستان یك بار پیش از جامی بشعر فارسی سروده شده و برخی آنرا به فردوسی «م ۴۱۶» نسبت داده اند. وپس از جامی نیز لطفعلی بیك آذر درسدهٔ دوازدهم آنرا از نوسروده است.

جامی در آغاز مثنوی نام حسین بای قرا وعبیدالله احرار، ودرپایان آن نام میر علیشیر نوائی را آورده. شمارهٔ بیتها را چهارهزار وتاریخ آنرا «۸۸۸ق» نگاشته است.

آغاز:

الهی غنچهٔ امید بگشای گلی از روضهٔ جاوید بنمای

انجام

زبانرا گوشمال خامشی ده که هست از هرچه گوئی خامشی به

۱ـ تاریخ مصر نگارش سرفلاند زپتری Sir Flinders Petrie دیده شود.

۶ـ لیلی ومجنون: مثنوی است عشقی، بحر هزج مسدس «مفعول مفاعلن فعولن» مانند آنچه نظامی و خسرو هلوی بهمین نام سروده اند. ریشهٔ این داستان درپایان سدهٔ نخست وآغاز دوم هجرت دوعربستان نامبردار شده، واین قتیبه دینوری «۲۳-۲۷۶ ق» در «الشعروالشعراء» آنرا یاد کرده وپس ابوالفرج اصفهانی «۲۷۶-۳۵۶ق» دراغانی آنرا آورده، و سپس مردی بنام ابوبکر والبی دیوان قیس عامری را گردآورده است.

این داستان درسدهٔ چهارم در ایران نامور بوده و باباطاهر در دوبیتها از آن یاد کرد ونظامی گنجوی «م ۶۱۱ق» بفارسی آنرا سرود وپس از وی بیشتر شاعران مثنوی سرا ازوی پیروی کرده لیلی مجنون را بزبانهای گوناگون سرودند.

حکمت درپایان کتاب «رومئوژولیت مقایسه با لیلی مجنون» فهرستی از سی ونه منظومه فارسی وسیزده ترکی ویك کردی ازلیلی و مجنون نشان داده، و این داستانرا با داستان رمئوژولیت که در سدهٔ چهاردهم میلادی در ایتالیا شهرت یافته سنجیده است. رمئوژولیت راشکسپیر شاعر انگلیسی «م ۱۷۱۳ م» انگلیسی سروده است. تآتر وفیلم رمئو ژولیت و لیلی مجنون همه جا نمایش داده میشود.

چنانکه در ص ۴۲ دیدیم یکی از پیروان نظامی در سرودن این داستان جامی است، وی درآغاز این داستان نامی ازپیرخود عبیدالله احرار سرورنقش بندیان آورده.

آغاز:

ای خاك تو تاج سربلندان مجنون تو عقل هوشمندان

انجام:

باکان بنیاز صبح گاهان آمرزیم از خدای خواهان

۷ـ خردنامهٔ اسکندری: مثنوی اخلاقی است بحر تقارب «فعولن فعولن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فعول ، مانند اسکندرنامهٔ نظامی در آغاز نام احرار «م ۸۹۵ق» و نام سلطان حسین بایقرا آورده وهمه جا از پیری نالیده است. ودرپایان: این مثنوی راپسین مثنوی خمسهٔ خود برشمرده، وآنرا بردیگر پنج گنج‌ها برتردانسته، واز پنج گنج ترکی میرعلی شیر نوائی نامبرده.

آغاز:

الهی کمال الهی تراست جمال جهان پادشاهی تراست

انجام: انجام نسخهٔ دانشگاه افتاده است.

[۱۱۰]

۱۵۴ نسخه بخط نستعلیق زیبا در کتابهٔ رویه‌های دفتری نوشته شده که خصوصیات آن درص ۱۹۱ و ۱۹۲ یادشد. فهرست هفت اورنگ دراین دفترچنین است: سلسلة الذهب، دفتریکم (رویهٔ ۱–۲۸۹) دفتر دوم ازآنجا تا (۴۱۵)، دفترسوم از آنجا تا (۵۰۳).

سلامان وآبسال (تا ۵۹۳)، تحفة الاحرار تا (۷۲۷) سبحة الابرار تا (۹۶۹). یوسف وزلیخا (تا ۱۲۴۴)، ودرمیان رویه‌های (۱۱۰۱ و ۱۱۰۲) افتادگی دارد. سپس لیلی ومجنون در (۱۲۴۵ تا ۱۵۴۴). سپس خردنامه اسکندری از آنجا تا پایان دفتر رویهٔ (۱۷۱۳) است، ولی پایان خردنامه نیز افتادگی دارد.

کاغذ وجلد واندازه درص ۱۹۱ و ۱۹۲ دیده شود.

پایان گفتار یکم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گفتار دوم

علوم ادبی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۹۸] **ایضاح المعانی** (معانی-عربی)

چنانکه در (حرف م) خواهد آمد، مفتاح العلوم سکاکی را چندین تن گزارش داده و یا کوتاه کرده‌اند، و یکی از آنها بنام تلخیص المفتاح است که در (حرف ت) خواهد آمد و کوتاه‌شدهٔ بخش سوم مفتاح میباشد، و آن نگارش خطیب قزوینی (از ۶۶۶ـم۷۳۹) است، و خود وی این تلخیص را باشرح بیشتر دوباره گردآورده ایضاح المعانی نامیده است.

نگارنده جلال الدین محمد پسر عبدالرحمان پسر عمر پسر احمد عجلی قزوینی دمشقی شافعی است که بخطیب نامبردار بوده، وی در موصل بزاد و چندی در آسیای صغیر (روم) بزیست، و چندی سخنران (خطیب) و قاضی دمشق بود، یازده سال بدستور ناصر فاطمی بجای این جماعه قضاوت مصر داشت، و سپس به قضاوت شام باز گشت، و در این هنگام چندین کتاب بنگاشت، مانند: الشذور المرجانی من شعر الارجانی، و تلخیص، و ایضاح المعانی که جای گفتگوی ماست. گزارش زندگی خطیب در تاریخ ابوالفداء ۱۲۸:٤ و طبقات سبکی ۲۳۸:٥، و منهل الصافی ۳: ۱۷٦، در الکامنه، بغیة الوعاة: ٦٦، روضات الجنات ۲۰۳:٤، مفتاح السعاده ۱: ۱٦۸، شذرات الذهب ٦: ۱۲۳، دیده میشود.

آغاز: بسمله. حمدله. اما بعد فهذا کتاب فی علم البلاغة و توابعها ترجمته بالایضاح، وجعلته علی ترتیب مختصری الذی سمیته تلخیص المفتاح، و بسطت فیه القول...

انجام: علی احسن وجوه البلاغة و اکملها، یظهر ذلک بالتأمل فیها مع التذکر لما تقدم من الاصول، وبالله الوصول.

چلبی این گزارشها را برای ایضاح برشمرده:

۱- شرح جمال الدین محمد آقسرائی (م- پیش از ۸۰۰ ق) بنام ایضاح الایضاح، که آنرا برای امیر فرامان نگاشته.

۲- شرح علاء الدین علی پسر عمر اسود (م ۸۰۰ ق).

۳- شرح حیدر پسر محمد خوافی (صدر هروی) (م ۸۲۰ ق).

٤- شرح محیی الدین محمد پسر ابراهیم نکساری (م ۹۰۱ ق).

٥- حاشیه شمس الدین محمد جزری (م ۸۳۳ ق).

٦- حاشیه شمس الدین محمد پسر احمد نکساری، بنام الایشاح.

[۱۱۱]

۲۱۱ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد. وشاید در سدهٔ هشتم یا نهم نوشته شده باشد. کرانه‌های نیمهٔ نخست پر از حاشیه است با رمز (ه) و «نقل عن خط المصنف» و «افتادگی» و جز آن. در برگ (۱- الف) تملک محمد بن احمد دیده می‌شود.

عنوانها با شنگرف. تصحیح شده و افتادگیها را در کرانه نوشته‌اند.

(۱۲۰ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج قهوه‌ای کهنه متوالی.

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۸×۱۹؛ ۹۱ سطر.

[۹۹] **تاج المصادر** (لغت عربی بفارسی)

علم لغت عرب (۱): در اینجا چند نمونه از لغتنامه‌های زبان عرب را یاد میکنیم.

چلبی بروش منطق ارسطو علم لغت را تعریف نموده و فایده‌اش را یاد کرده گوید: علمی است که مفهوم واژه ها را بیان کند (۲)، سپس لغتنامه

۱- علم لغت ولغتنامه نگاری یکی از شاخه های زبانشناسی است، وشاخه‌های دیگر آن مانند فیلولوژی ریشه شناسی نیز تا کنون تکامل شایان کرده ودهها دانشمند همهٔ عمر خود را در این راه صرف نموده‌اند، واین کوتاه فهرست گنجایش گفتگو در بارهٔ تاریخ تکامل اینشاخه ها را ندارد.

۲- هو علم یبحث عن مدلولات جواهر المفردات و هیئاتها الجزئیة التی وضعت

ماندہ در ص ۳۳٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگاران را دو بخش کرده گوید: برخی از لفظ بمعنی روند و برخی از معنی به لفظ آیند.

I ـ دستهٔ نخست واژه‌ها را بیکی از چند راه بسیج نمایند.

الف: واژه ها را بترتیب حرف نخست آنها به ۲۸ بخش کنند و هریك از این بخشهای بزرگ (باب) را بترتیب پسین حرف واژه‌ها، به ۲۸ بخش کوچك (فصل) بخش بندی کنند. جوهری در «صحاح» و مجدالدین فیروز آبادی در «قاموس» این روش پیش گرفتند.

II ـ ب: حرف نخست را باب (بزرگ بخش) و پسین حرف را فصل (کوچك بخش) قرار دهند. و این روش ابن فارس در «مجمل» و مطرزی در «مغرب» است.

III ـ دستهٔ دوم: واژه‌ها را بمعنی آنها دسته‌بندی کنند و جنسهای گوناگون را بخش بندی کنند مانند بخش اسم از کتاب «مقدمة الادب» نگارش زمخشری (پایان) و از فرهنگهای کنونی فارسی مانند «بهارستان» در مترادفهای زبان فارسی. در اینجا باید چند نمونه دیگر از لغتنامه ها اشاره شود:

IV ـ چنانکه میدانیم همهٔ فرهنگ نگاران تربیت معمولی (۱) را برای حرفهای الفباء بکار برده‌اند، بجز خلیل پسر احمد نحوی (م ـ ۱۷۵ق) و ابو منصور ازهری (م ـ ۳۷۰ق) که نخستین کتاب «عین» و دومین، کتاب «تهذیب اللغة» (۲)

مانده از ص ۳۳۵

تلك الجواهر معها تلك المدلولات بالوضع الشخصی، وعلی احتمال من ترکیب کل جوهر وهیئاتها من حیث الوضع والدلالة علی المعانی الجزئیة. وغایته الاحتراز عن الخطاء فی فهم المعانی الوضعیة، والوقوف علی ما یفهم من کلمات العرب، ومنفعته الاحاطة بهذه المعلومات وطلاقة العبارة وجزالتها والتمکن من التفنن فی الکلام وایضاح المعانی بالبیانات الفصیحة والاقوال البلیغة...

۱ ـ ابتثجحخ دذرزسشصضطظعغفقکلمنوهی.

۲ ـ دو جلد از این کتاب بشمارهٔ ۲۰۱ و ۲۰۲ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد، و جلد سوم آن با همین خط در کتابخانهٔ رضوی دیده میشود.

را بترتیب جای حرفها در دهان و گلو (۱) پذیرفته‌اند، ولی ترتیب ابجدی (۲) در این راه بکار نرفته است.

V ـ برخی از لغتنامه نگاران دستهٔ نخست، هر بخش بزرگ را بسه بخش «زبر ـ پیش ـ زیر» بخش کرده اند، چنانکه بخش حرف الف را به سه بخش ا ا ا تقسیم نموده و همچنین دیگر حرفها، و این روش در «مهذب الاسماء» و جز آن دیده میشود.

VI ـ برخی از لغتنامه نگاران واژه ها را ببخشهای دستوری (صرفی) دسته‌بندی کرده‌اند، چنانکه فعلها را بشش باب ثلاثی مجرد و دوازده باب ثلاثی مزید و یك باب رباعی مجرد و چند باب رباعی مزید بخش کرده، و هر بخش را بهفت بخش کوچك زیر، دسته بندی کرده‌اند:

صحیح است و مثالست و مضاعف لفیف و ناقص مهموز و اجوف

و سپس هریك از بخشهای کوچك را بترتیب پسین حرف واژه‌ها بسیجیده‌اند این ترتیب در مصادر اللغه زوزنی (۳) و تاج المصادر بیهقی (چای گفتگو) دیده میشود.

VII ـ و نیز چلبی گوید: دسته‌یی از لغتنامه نگاران بگرد آوری پاره‌یی از واژه‌های دشوار اکتفا کرده‌اند؛ واژه‌های برخی از کتابها را گرد آورده مانند «ترجمان القرآن جرجانی» و «لغت قرآن» (٤) و یا واژه‌های دسته‌یی از کتابها را

---

۱) بهمین ترتیب: ع ح ه خ غ ق ك ج ش ض ص س ز ط ظ ت د ث ر ل ن ف ب م و ای. و برخی گویند خلیل این ترتیب را از خط سانسکریت گرفته است.

۲) ابجد بدین ترتیب است: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ.

۳) نسخهٔ آن بشمارهٔ ۱۰۶۹ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد.

٤) نسخهٔ آن بشمارهٔ ۱۰۳۲ در این کتابخانه هست و خواهد آمد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مانند « غریب‌الحدیث » ها ، که واژه های دشوار کتابهای حدیث را دربردارد ، و « المغرب » که مطرزی واژه‌های فقه را در آن گرد کرده ، و « نظام‌الغریب » که واژه‌های دشوار شعرعرب در آن گردآمده است .

تاج‌المصادر بیهقی : یکی از بنام‌ترین کتابهای لغت عرب است که واژه‌ها را بترتیب دستوری (نمونهٔ ششم از لغتنامه ها) مرتب ساخته،وبفارسی گزارش داده است .

نگارنده : بوجعفرك (۱) بیهقی ، احمد پسرعلی پسر ابوجعفر محمد پسر ابوصالح ، لغت‌شناس ، تفسیرگوی ، مقری (۲) سدهٔ ششم است . نزدیك ۴۷۰ ق بزاده و در رمضان ۵۴۴ ق زندگی بدرود گفته است . یاقوت از سمعانی گزارش زندگی او راآورده گوید : پیشنمازی مسجد نیشابور میکرد ، دانشمندان برای آموزش بسوی وی میشتافتند ، و او از خانه بیرون نمی‌شد . و نگاشته‌هایش درجهان پخش گردید . واژدیباچهٔ « ضالة‌الادیب » تاج‌الدین محمود ابن ابی‌المعالی حواری آرد : وی همهٔ صحاح جوهری را نزد میدانی خواند و ازبر کرد . یاقوت کتابهای زیررا برای وی یاد کرده :

المحیط بلغات‌القرآن ، ینابیع اللغة ، تاج‌المصادر . المحیط بعلم‌القران .

گزارش‌زندگی اودر معجم‌الادباء ۴۹:۴ چ دوم وبغیة‌الوعاة سیوطی ص۱۵۰ چ مصر ۱۳۲۰ق آمده است .

آغاز بسمله الحمدلله رب العالمین حمداً یفوق حمدالشاکرین نحمده علی السراء والضراء ونشکره علی‌الشدة والرخاء وندفع به‌بوابق الزمان ... (نیم صفحه) ... قال‌الشیخ الامام الزاهد ابوجعفراحمدبن علی المقری‌البیهقی .

۱) کاف تصغیر است وباقوت حموی درمعجم‌الادباء نیزبدان اشارت کرده و علیك وحسنك راگواه آورده است .

۲) مقری کسی را میگفتند که قرائتهای گوناگون قرآن را بداند و بیاموزد .

امابعدفان‌هذه‌مصادرهذبت فارسیتهاوعرضت علی کتب‌الائمة وجردتهاعن‌الامثال و الاشعارلیصغرحجمها ... وصرفت معظم عنایتی الی مصادرالقرآن ... و اتبعتهامصادرالافعال التی‌یکثرفی‌دواوین‌العرب ... وسمیتهاتاج‌المصادر . باب‌فعل یفعل ... علی‌پسرمحمد پسرعلی‌جوینی‌درستایش این کتاب چنین سروده است :

ابا جعفر یامن جعافر فضله	موارد منها قد صفت ومصادر
کتابك ذاغیل تاشب نبته	و انت به‌لیث یخلان خادر
لبست‌صدارالصبریاخیرمصدر	مصادر لاتنهی الیها المصادر
فقل‌لرواة‌الفضل‌والادب‌انتهوا	الیها ونحوالری‌منها فبادروا

تاج المصادر در ۱۳۰۲ ق در بمبئی بکوشش میرزا محمد ملك الکتاب بچاپ سنك پخش شده است .

ابن یوسف شیرازی (۱) بایرابر کردن «تاج‌المصادر» بیهقی و«المصادر» زوزنی چنین دانسته که بیهقی،باکاهش بیهده های کتاب زوزنی و افزودن دوچندان بر آن ، این کتاب راساخته است . کتاب زوزنی (۵۰۰۰ بیت) وازآن بیهقی (۱۰۰۰۰ بیت) نوشته دارد .

[۱۱۲]

۱۷۷ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده محمد پسرعمر پسر محمد پسرعمرحافظ . در تاریخ جمعه یکم شعبان ۸۴۷ق نوشته شده . ویك‌بار دررمضان همان سال مقابله وتصحیح و در کناره بانوشتن (خ) نشانه گذاری شده است . محمد وضا یزدی فهرستی درشوال ۱۲۴۴ ق برآن نوشته ودر سه برگ پیش ازنسخه نهاده . دربرگ (۱ — الف)۱۵ بیت بفارسی درمعنی نام هریك ازحرفهای الفباء نوشته‌شده . دربرگ (۱۷۲ - الف) یك دوبیتی بفارسی درستایش «تاج المصادر» دیده میشود .

اندکی حاشیه درکرانهٔ رویه ها دیده میشود . عنوانها با برخی با سیاه درشت وبرخی باشنگرف است.

(۱۷۳برگ)کاغذ نوعی آرمه ، جلد تیماج حنائی مقوائی دارای ازگردان.

اندازه : ۱۷٫۵×۲۶، و۱۳×۲۱ ، ۲۳سطر.

۱) فهرست سپهسالار ۲۸۲:۱ـ۲۸۵ وفهرست مجلس ۸۶:۳ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٠٠] تبصرة الصبيان (عربی بفارسی)

در ادبیات زبان تازی. در دو بخش، نخست بنام حدیقه، دارای ٢٦ باب است، و در آن واژه‌هائی را که در گفتگوهای ادبی بکار رود، بترتیب نخستین حرف آنها بسیجیده و گزارش نموده است.

چنانکه در باب الف: اللهم، احتساباً، اصلا، و مانند آنرا گزارش داده، و در باب جیم: جراك، جبروت و مانند آن را... بخش دوم را بستان نامیده و در آن فواید گوناگون نحو و صرف زبان تازی آورده است.

نگارنده در دیباچه خود در افضل‌الله شریف پسر محمد الشریف، نامیده و چنانکه گوید: این کتاب را برای فرزند خود عبدالرحمان نگاشته است.

آغاز: الحمدلله جل وعلی حمداً لاینتهی واصلی...

انجام: وفعل بضمتین نحو نمر ککتف. تمت الکتاب.

[١١٣]

١٨٠ نسخه بخط نستعلیق - نام نویسنده در پایان این کتاب نیست ولی در (برگ ٥٥ - الف) در پایان دفتر: ابن ابی‌الحسن الیازندرانی، محمد. یاد شده است. وتاریخ نیز درهمانجا باشنگرف و باهمان خامه (١٢٦٠ق) دیده میشود. عنوانها با شنگرف است. در (برگ ١ - الف) از غلط بودن نسخه شکایت نوشته است، شش برگ سفید پیش از نسخه نهاده و در برگهای (١ و ٢) آن چیزهائی در تاریخ ٢٦٣ و ٢٦٥ و ١٢٧٢ ق نوشته شده است. نسخه در (برگ ٥٢) دفتر پایان یافته و پس از آن یك کتابچه در معنی حمد وشکر ودیگر رسالهٔ وضعیه عضدی هست. در (برگ ٥٥ - ب) تاریخ زادن نویسنده محمد محسن خوزانی ولد ابی‌الحسن مازندرانی در ٢٧ ذیحجه ١٢٤٢ ق بخامهٔ خودوی نوشته شده، ونام مادرش را فاطمه آورده است. ودر بالای آن فرزند این نویسنده، محمد تقی پسر ملامحسن مازندرانی؛ تاریخ زایچهٔ فرزند خود ابوالفضل محمد را در ١٢ رجب ١٢٧٤ ق یادداشت کرده است.

همهٔ دفتر (٥٦ - ٦٠ برگ) کاغذ فرنگی آهار مهره سفید. جلد تیماج مشکی یك لا.

اندازه ١٣×١٨ و ٧/٢×١٢ سانتی‌متر. ١٥ سطر.

[١٠٧] تحفة الخل الودود فی معرفة الضوابط والحدود (عربی)

در حدود و تعریفات واصطلاحهای ده علم از دانشهای کلاسیك سدهٔ نهم، که هریك را در یك بخش آورده، و کتاب خود را برده بخش بدین ترتیب بسیجیده است:

١ - اصطلاحهای علم نحو زبان عربی. ٢ - علم صرف. ٣ - معانی ودر آن از کتاب تلخیص (١) نقل کند. ٤ - بیان. ٥ - بدیع. ٦ - حدیث ودر آن از کتاب ارشادالفاضل نقل کند. ٧ - منطق. ٨ - اصول فقه. ٩ - اصول دین. ١٠ - علم جدل و خلاف و مناظره.

نگارنده: در پشت نسخه: محمد ابوحامد قدسی شافعی شناسانده شده است.

آغاز: الحمدلله الذی علم الانسان مالم یعلم و اقدره علی التفهیم و التفهم... و بعد فقد رأیت فی شهر شوال من اثنتین وثمانین(٢) ان اضع لطلبة هذا ... الفاظا تشتمل علی قواعدوضوابط وحدودفی تلك الفنون، یکثردورانها علی السنة...

انجام: وبازاء هذاالعقل الکلی، وهذه المقولات شاملة لجمیع الموجودات الممکنة. والله هواعلم بالصواب. تم الکتاب و الحمدلله...

در دیباچه نام کتاب و فهرست با بهای دهگانه هست، ولی نام نگارنده فقط در پشت برگ (٢ - الف) باخطی جز خامهٔ متن چنین دیده میشود:

کتاب تحفة الخل الودود فی معرفة الضوابط والحدود من تألیف المفتقر

---

١) نسخهٔ آن بشمارهٔ ١٤٨ در این کتابخانه هست و در این فهرست یاد خواهد شد.

١ - شاید: اثنین وثمانماية بوده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

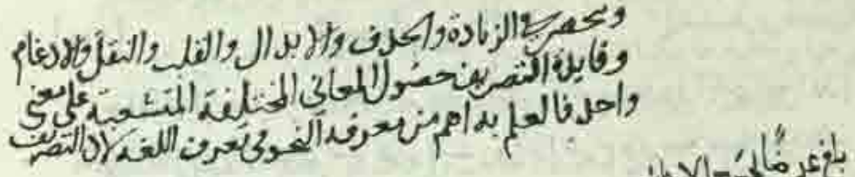
الی عفو ربه واحسانه محمد ابو حامد القدسی الشافعی ختم الله له و للمسلمین بغفرانه . آمین . و در همین جا باخامهٔ ریز نوشته است : کتاب علوم عشرة و مسایل غریبة .

[١١٤]

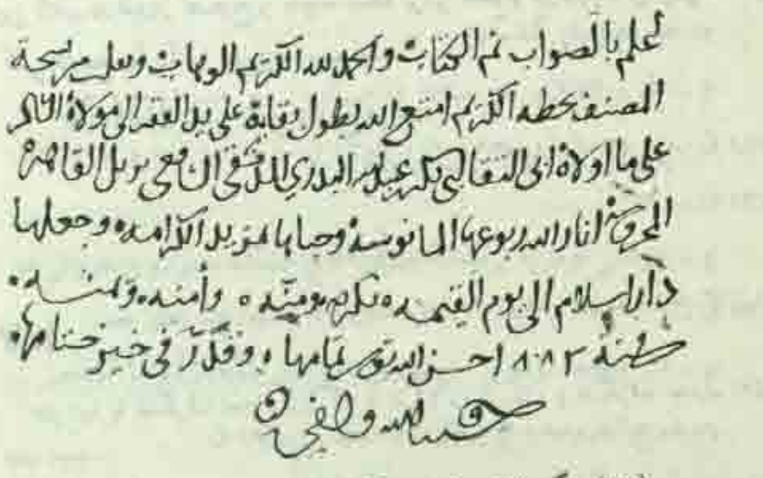
١٥٩ نسخه بخط نسخ سدهٔ نهم . نام نویسنده ابوالتقا ابوبکر (چنین) عبدالله بدری دمشقی شافعی ، ساکن شهر قاهره درمصر . در ٨٨٣ آنرا از روی نسخه‌ایکه بخامهٔ نگارنده کتاب بوده ، ودرزندگانی وی نوشته است . عنوانها با باشنگرف است . در برگ (١ ب) علی صادق سکری مدرس (... بای‌زاده) در ١١٨٨



(١٢) پشت رویهٔ (٢ـالف) تحفة الخل الودود شماره ١٥٩ کتابخانه .



(١٢) سه سطر پایان برگ ١١ ب تحفة الخل الودود ، شمارهٔ ١٥٩ کتابخانه در کرانهٔ آن خط نگارنده‌اش دیده میشود .



(١٣) برگ ٧٣ ـ الف تحفة الخلی الودود شماره ١٥٩ کتابخانه .

مالکیت خود را یادداشت کرده ، و در (برگ ٢) چند کلمه ترکی دیده میشود . افزایشهائی درمتن کتاب و بهمان خامه بدست نگارنده شده‌است . در (برگ ٢ـالف) باخامهٔ درشت نام کتاب را تحفة الخل الودود نوشته ، و درجای دیگر همین رویه باخامهٔ ریز نوشته است : کتاب علوم عشره . این نسخه بر نگارنده خوانده شد . وخط او در کرانه برخی رویه ها دیده میشود .

(٧٣ برگ) ٢٤٫٥ × ١٧٫٥ سم . جلد تیماج قهوه‌ای مقوائی ضربی بر گردان دارد ، ولی فرسوده است اندازه نصف ١٣ × ٩٫٥ و ١٨ × ١٣ ؛ ١٩ سطر .

[۱۰۲] ترجمان اللغة (لغت عربی بفارسی)

چنانکه در (حرف ـ ق) خواهیم دید، کتاب «قاموس» فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) یکی از بنام‌ترین کتابهای لغت عرب است. و آنرا شرح و ترجمه بسیار نموده‌اند، یکی از شرحهای فارسی آن «ترجمان اللغة» نام دارد که جای گفتگوی ما است. نگارندهٔ این کتاب محمد پسر یحیی پسر محمد شفیع قزوینی است، وی آنرا در مدت سی و یک ماه و ده روز بنا بدستور شاه سلطان حسین صفوی نگاشته دهم شعبان ۱۱۱۴ بآن آغاز بده و ۲۰ ـ ع ۲ ـ ۱۱۱۷ آنرا بپایان رسانیده است. این کتاب در شیراز تصحیح و باچند نسخه برابر شده و در ۱۲۷۳ ق چاپ شده و کسی تاریخ چاپ آنرا چنین سروده است؛

کلک شاهین سخن سنج بتاریخ نوشت
شرح قاموس یکی گنج بود پر گوهر

[۱۱۵]

۱۸۷ نسخه بخط نسخ زیبا. نام نویسنده ندارد. نوشتن آن در تاریخ ۱۱۹۶ ق بپایان یافته.

عنوانها با شنگرف است. از برگ ۱ تا ۱۶ رویه بازو و شنگرف جدول بندی شده است.

(۵۸۹ برگ) کاغذ آهار مهره سفید جلد تیماج مشکی گهنه فرسوده.

اندازه: ۲۲×۳۴٫۵ و ۱۵×۲۶ س‌م. سطر ۳۱.

[۱۰۳] التصریح بمضمون التوضیح (دستور زبان عربی)

چنانکه در (حرف ـ خ) خواهیم دید «خلاصة» یکی از بنامترین منظومه‌ها در دستور زبان عرب (صرف و نحو) میباشد که بالفیه نامبردار شده و گزارشهای بسیار دارد.

۱ـ ذریعه ۴:۲۷۰.

ویکی از آنها «توضیح» (۱) ابن هشام (م ۷۶۱ق) است، و براین «توضیح» نیز شرحها و حاشیه ها نگاشته شده ویکی از آنها این کتاب «التصریح» است.

نگارنده: ابوولید زین‌الدین شیخ خالد پسر عبدالله پسر ابوبکر جرجاوی ازهری شافعی (م ۹۰۵ق) است، صاحب روضات او را در دانشهای کلاسیك دستور زبان عرب بردو همزمان خویش؛ جامی (۸۹۸ق) وسیوطی (م ۹۱۱ق) برتر دانسته است (۲).

آثار خالد ازهری:

۱ـ الفاز خالد در نحو. چ مصر سنگی ۱۲۸۱ ق.

۲ـ تصریح (جای گفتگو).

۳ـ تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب. چ مصر ۱۲۷۴ ق، و ۱۲۹۹ ق، و ۱۳۰۱ ق، و ۱۳۰۸ ق، ۱۳۰۲ ق، و ۱۳۰۵ ق، و ۱۳۱۰ ق، ۱۳۱۲ ق.

۴ـ حواشی ازهریه برمقدمهٔ جزریة: چ سنگ مصر، وچ حروفی در ۱۳۰۴ ق.

۵ـ شرح مقدمهٔ ازهری، چ بولاق بامتن آن ۱۲۵۳ق، و ۱۳۰۷ مصر.

۶ـ شرح اجرومیه، چ بولاق ۱۲۷۴ق، و ۱۲۹۰ ق.

۷ـ شرح چکامهٔ برده. چ مصر ۱۲۸۶ ق.

۸ـ مقدمهٔ ازهری با شرح آن (شمارهٔ ۵).

۹ـ موصل الطلاب در حاشیه تمرین الطلاب. در ۱۲۹۹ ق چاپ شده.

۱ـ این کتاب را ابن هشام «اوضح المسالك الی الفیة ابن مالك» نامیده وسپس بنام توضیح نامبردار شده است. دوبار بمصر در ۱۳۰۴ ق و ۱۳۱۶ق ویك بار در کلکته در ۱۸۳۲ م چاپ شده است.

۲ـ روضات الجنات چ نخست ص ۲۷۰.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز : الحمدالله الملهم‌لتوحیده ...

« تصریح » در روز عرفه (۸ ذیحجهٔ ۸۹۶ ق) پایان یافته . و در بولاق بسال ۱۲۹۴ق باحاشیهٔ یاسین علیمی در دو جلد ، و در ج محمد مصطفی بسال ۱۳۰۷ ق و در ج ازهریه ۱۳۲۵ ق چاپ شده است .

خالد در دیباچهٔ « تصریح » تاریخچهٔ دستور نگاری عرب را با گزارش کوتاه از زندگی ابن‌هشام (ز ۷۰۸ م ۷۶۱ق) یاد کرده گوید : ابن‌هشام بخواب مرا دستور داد ؛ کتابش را شرح نمایم .

[۱۱۶]

نسخه در دهمری است که شرح مرادی « گ ۱ — ۱۹۷ » و این کتاب ۱۵۲ « ۱۹۹ — ۲۶۶ » آنرا گرفتهٔ است . خطنسخ . متن باشنگرف ، و شرح باسیاه نوشته شده . عنوانها نیز باشنگرف است . پایان نسخه افتاده وفقط تا افعال مقاربه‌را دارد ، وبنابراین نام نویسنده وتاریخ ندارد .

همهٔ دفتر (۲۶۹ برگ) این کتاب (۶۸ برگ) کاغذ آرمه نخودی‌رنگ . جلد قوچ زرد هنوائی .

اندازه : ۱۹ × ۲۷ و ۲۹ سطر .

[۱۰۴] التعریفات (فرهنگ عربی)

یکی از انواع لغتنامه وفرهنگها (۱) در گذشته چنان بود که نگارنده فقط واژه‌های علمی واصطلاحهای دانشهای روزگار خود را گرد میآورد ، واین نیز گاهی بترتیب بخش‌بندی دانشها بود ، مانند « تحفة‌الخل‌الودود » (۲) و مقالید

۱ـ چند نمونه از لغتنامه‌ها درص ۳۳۵ یادشد .

۲ـ درص ۳۴۱ـ ۳۴۳ یادشد .

العلوم جرجانی (۱) . وگاه بترتیب نخستین حرف واژه بسیجیده میشد ، مانند تعریفات جرجانی که جای گفتگوی ماست .

تاریخ تکامل اینگونه فرهنگ نگاری را که عربان موسوعه یا دائرة المعارف نامند ، من دردیباچهٔ جلد ششم ذریعه (ص ۱ تا ۱۸) آورده‌ام (۲) و در اینجا تکرار نمی کنم . تعریفات جرجانی را میتوان با کتابهائی که امروز در اروپا Technical Terms نامیده شود سنجید .

نگارنده : میرسیدشریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) علی پسر محمد پسر علی استرابادی گرگانی است ، وی را بی‌شك میتوان سرآمد دانشمندان ایران در سدهٔ نهم خواند .

بسال ۷۷۹ یا ۷۸۸ که شاه‌شجاع باستر آباد شد بامیر آشنائی یافت و او را با خود بشیراز آورد و استادی آموزشگاه (مدرسهٔ) دارالشفا را که خود ساخته بود بوی سپرد ، و چون تیمور گورکان شیراز بگرفت ، میرزا با خود بسمرقند برد ، و تا مرگ این شاه ، وی در آن جا میزیست ، و در این مدت باتفتازانی (ملاسعد) ستیزها (بحثها) داشت ، و پس از مرگ تیمور بشیراز باز گشت ، و در ۸۱۶ ق در گذشت ، ودرجائیکه امروز بنام دارالشفا نامبردار است بخاکش سپردند . مذهب او را تاریخ نگاران همزمانش حنفی دانسته‌اند ، وچنانکه در ج ۱ ص ۶۰ گفتم نواده

۱ـ مقالیدالعلوم نیز از نگارندهٔ تعریفات است که اصطلاحها و واژه های علمی بست ویك دانش را بترتیب موضوعی در آن گرد آورده است ، نسخهٔ این کتاب در برلین موزیوم هست .

۲ ـ بدستور پدرم صاحب ذریعه ، دیباچه‌هائی برای عنوانهای عمومی که در آن کتاب آمده ، نگاشته‌ام ، مانند دیباچهٔ «حاشیه» و « دائرةالمعارف » و «داستان» وجز آنها .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

او میرمخدوم پسر شمس‌الدین پسر میرسیدشریف نیز ازسنیان سرسخت بود و کتاب « نواقض الروافض » بنگاشت و شاه اسماعیل را سنی کرد ، ولی میرابوالفتح (م۹۷۶ق) پسر میرمخدوم ازشیعیان بابرجا گشت و کتاب تفسیرشاهی را برای دربار صفوی نگاشت .

آثار میرسید شریف جرجانی :

فارسی : ۱- صغری ج ، ۲- کبری ج ، هردو درمنطق است ، وشمس‌الدین محمد پسر نگارنده (جرجانی) آن ها را بنام «درة» و « غرة » بتازی گردانید . ۳- ترجمان القرآن ، که‌درج ۱ ص ۳۱-۳۵ یادشد . ٤- صرف‌میر ج . ۵- پاسخ بمیراسکندرخان .

تازی: حاشیه ها و شرحهای بسیار بر کتاب های گوناگون کلاسیك آن روزگاردارد، مانند حاشیهٔ ٦- بر کشاف ، تفسیرج ، ۷- برشرح میانه کافیه ، ۸ - برشرح رضی‌برکافیه ، ۹- برشرح اصفهانی برتجریه ، ۱۰ - برمطول ج ، ۱۱- برشرح‌شمسیه ج ، ۱۲- برشرح‌مطالع ، ۱۳- بر فوایدشیخ‌میثم‌بحرینی ، ۱٤- برمختصرالاصول ابن حاجب ج ، ۱۵ برآداب‌البحث عضدی . و بیرآنها که در بخش حاشیه‌ها در (ذریعه ج٦) یادشده است .

وشرحها برای : ۱٦ - مواقف عضدی ج ، ۱۷ - مفتاح العلوم سکاکی ، ۱۸- تذکرهٔ نصیریه ، ۱۹- تجریدخواجه‌نصیر(۱) ، ۲۰- تصریف‌العزی ج ، ۲۱- مختصر الاصول عضدی ، ۲۲- شمسیه منطق ، ج ، ۲۳- حکمة‌العین ۲٤- فرائض سراجیه ج ، ۲۵- ونیز ظفرالامانی فی‌مختصرالجرجانی .

وکتابهای : ۲٦- تعریفات ج (جای گفتگو) ۲۷- مقالیدالعلوم ، ۲۸- تحقیق معنی‌الحرف ، ۲۹ - معما ، ۳۰ - اصول‌الحدیث ج ، ۳۱ - اصول‌المنطقیه ج ، ۳۲- الشریعیة ج ۳۳- میراباغوجی(۲) ۳٤ - درریاض‌العارفین‌وبخش‌شاعران

۱- سیوطی درتغیه آنرا شرح خواند وگویاهمان حاشیهٔ شمارهٔ ۹باشد .
۲- این کتاب در۱۳۲۱ ق درمصر بنام جرجانی ، ودر هند۱۳۰۹ق‌بنام ابوالفضل محمدفضل‌الحق‌رامگوی هندی چاپ شده است .

(ذریعه ج ۹) شعر فارسی نیز بمیرنسبت داده‌اند .

چنانکه دیده میشود بیش‌ازنیمی‌ازنگارشهای میرحاشیه و شرح کتابهای دیگران است ، و این خاصیت دوران زندگی میراست ، همهٔ دانشمندان آن روزگار گرفتار پژوهشهای لفظی ، و گفتگو دربارهٔ کاربکدیگر بوده‌اند .

میرسید شریف در تعریفات واژه های اصطلاحی دانشهای روزگارخود را بترتیب نخستین‌حرف آنها بسیجیده است .

چاپهای کتاب تعریفات :

۱- استانبول ۱۲۵۳ ق ، ۱٦۷ ص .

۲- ۱۳۰۷ ق ۱۸۸ص .

۳- باتصحیح فلوگل (۱) خاورشناس آلمانی . لایپزیك ۱۸٤۵ م ۳۳٦ص وه‌اصطلاحات محیی‌الدین‌عربی ، باآن است .

٤- پترزبورگ (لنین گراد) ۱۸۹۷م ، ۱٤٤ص .

۵ - مصر ج ، وهبیة ۱۲۱۸۳ ق .

٦ - مصر ، ج خیریه ۱۳۰۸ق باه‌اصطلاحات محیی‌الدین عربی» .

[۱۱۷]

۱٦۲ نسخه بخامهٔ نستعلیق باختر ایران، نزدیك بخط ترکی . نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی‌خامه و کاغذ ازآن سدهٔ دهم است . عنوانها با شنگرف است . حاشیه های بسیار باامضاهای گوناگون دارد . پنج برگ پیش ازکتاب ودوبرگ دربایان‌آن براست ازیادگارها باخامه‌های گوناگون ، هر کدام‌مسئله‌ئی علمی‌رابیادگار نوشته اند .

دربایان کتاب نسخه‌یی از کتابچهٔ «وضعیه» ازعضدی هست (برگ ۹۱و۹۲) که نسخهٔ دیگر آن‌نیزدرص۳٤۰ یادشد .

۱- Definitionis viri meritissimi seiyed sharif Dscher dschani.

گوستاوفلوگل Gustave le berecht Fluegel خاورشناس آلمانی (۱۸۰۲-۱۸۷۰ م)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

همهٔ دفتر ۹۴ برگ، این نسخه ۸۵ برگ ؛ کاغذ اخذی ، جلد مقوائی، یکطرف افتاده .
اندازه ۱۳×۱۸ و ۷/۳×۱۳/۳ ؛ ۱۷ سطر.

[۱۰۵] تلخیص المفتاح (معانی - عربی)

چنانکه درص ۳۳٤ اشارت‌رفت مفتاح‌العلوم سکاکی چندین‌بار کوتاه گردیده وچندین شرح و گزارش دارد که در(حرف ـ م) خواهد آمد . یکی از آنها که اکنون جای گفتگوی ماست نگارش جلال‌الدین محمد قزوینی است، که به خطیب دمشق نامبردار میباشد ، و گزارش کوتاهی از زندگی وی درص ۳۳٤ یاد گردید .

چنانکه خواهیم دید مفتاح العلوم درسه بخش است . الف ـ صرف . ب ـ نحو . ج ـ معانی وبیان و بدیع، یعنی علم بلاغت و رسائی سخن در نثر و نظم . واین‌تلخیص کوتاه شده بخش سوم آن میباشد ، وچون این کتاب از اصل خود (مفتاح)بهتر ومرتب‌تراست واندکی‌افزایش نیزدارد، کسان بسیار آنرا گزارش داده و کسانی‌بر آن حاشیه نگاشته‌اند .

تلخیص دارای سه فن است . الف ـ معانی درهشت‌باب ۱) اسناد ۲)مسنداليه ۳) مسند ٤) تعل ٥) قصر ٦) فصل و وصل ۷) کوتاه گوئی ۸) دراز گوئی . ب ـ علم‌بیان؛ درتشبیه واستعارت‌و کنایت . ج ـ علم‌بدیع؛ هنرهای لفظی‌ومعنوی شعرونثر.

کسانی که در پیرامن تلخیص‌المفتاح کار کرده‌اند: چلبی در (حرف ـ ت) کشف‌الظنون ویدرم درالذریعه (ج٦) کسان زیر را در شمارشارحان و کوتاه کنندگان تلخیص برشمرده‌اند:

۱ـ محمد پسرمظفر خلخالی (م-۷٤٥ق) آنرا شرح نگاشته .

۲ـ سیدعبدالله‌پسرحسن‌نقره کار (ـ۷٥۰ق) شرح‌دارد.

۳ـ محمد پسراحمد پسرموفق قیصری شرحی (۷٦۱) نگاشته .

٤ـ بهاءالدین احمد پسرعبد علی پسرعبدالکافی سبکی (م - ۷۷۳ ق)

شرح‌دارد.

٥ـ محب‌الدین محمد پسریوسف پسراحمد پسرعبیدالدائم (ناظرالجیش) حلبی (م-۷۷۸ق) شرح نگاشته .

٦ـ محمد پسرمحمود بابرتی (اکمل‌الدین) (م-۷۸٦ق) شرح دارد .

۷ـ شهاب‌الدین احمد پسرمحمد (صاحب) (م۷۸۸ق) تلخیص را کوتاه کرده «لطیف‌المعانی» نامیده .

۸ـ شمس‌الدین ابو عبدالله محمد پسریوسف پسرالیاس قونوی حنفی (م۷۸۸ق) شرحی بنام «تخلیص» نگاشته .

۹ ـ شمس‌الدین‌محمد پسرعثمان‌پسرمحمدزوزنی (م -۷۹۲ - ق)آن‌را شرح کرده .

۱۰و۱۱ ـ سعدالدین مسعود تفتازانی پسرعمر (م۷۹۲ق) شرحی کوتاه بنام «مختصر» در (۷٤۷ق) نگاشته و نیز در (۷٥٦ ق) شرحی بزرگ بنام «مطول» نگاشته است. وچنانکه دوزبرمیآید برهریك ازاین‌دو کتاب حاشیه‌ها نگاشته‌شده .

۱۲ـ جلال‌الدین رسولا پسراحمد پسر یوسف‌تبانی (تیری) (م ۷۹۳ق) شرح نگاشته .

۱۳ ـ محمد پسر محمد تبریزی ، پس از روزگار تفتازانی ، شرحی بنام «نفائس‌التنقیص» نگاشته .

۱٤ـ زین‌الدین ابوعز ، طاهر پسرحسن پسرحبیب حلبی(م۸۰۸ق) آنرا در (۲٥۰۰بیت) بشعرسروده و«تخلیص التخلیص‌فی‌نظم‌التلخیص» نامیده .

۱٥ـ میرسید شریف جرجانی (م۸۱٦) حاشیه‌یی برمطول نگاشته .

۱٦ـ قطب‌الدین احمدامامی هروی همزمان میرسیدشریف. نیزحاشیه‌یی برمطول دارد .

۱۷تا۲۰ـ عزالدین‌محمدپسرابوبکرمعروف‌بابن‌جماعة (۸۱۹ق)«تلخیص التلخیص» نگاشته‌است . ونیز اوسه‌حاشیه برمطول‌نگاشته‌است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۱- یحیی پسر سیف (یوسف) سیرامی مصری حنفی (م ۸۳۳ق) شرحی بر مطول در (۸۳۰ق) نگاشته است .

۲۲- شمس‌الدین محمد پسر احمد بساطی (م ۸۴۲ق) . حاشیه‌یی بر مطول دارد

۲۳- احمد پسر عبدالله قریمی (م ۸۶۲ق) حاشیه‌یی در (۸۵۶ ق) بر مطول نگاشته است .

۲۴- ملا احمد طالشی ، حاشیه‌یی بر مطول دارد.

۲۵- علاءالدین علی پسر محمد شاهرودی بسطامی معروف به مصنفک (م ۸۷۱ق) حاشیه‌یی بر مطول در (۸۳۰-۸۳۲ق) نگاشته است.

۲۶ و ۲۷ - ملا محمد پسر فرامرز معروف بملاخسرو (م ۸۸۵ق) حاشیه‌یی بر مطول نگاشته، و به قریمی پاسخ داده است. و نیز همو شرحی بر تلخیص نگاشته است .

۲۸- ابوالقاسم پسر ابوبکر لیثی سمرقندی حاشیه‌یی بر مطول دارد .

۲۹ حسن پسر محمد شاه قناری (م ۸۸۶ق) حاشیه‌یی بر مطول دارد .

۳۰- شهاب‌الدین احمد پسر عبدالله قلجی (ز - ۸۲۹ق یا ۸۹۲ق) متن تلخیص را بشعر سروده‌است.

۳۱ - ابوالنجا پسر خلف معرمی (ز - ۸۴۹ق) نیز تلخیص را به شعر سروده است.

۳۲- ملا حسن پسر عبدالصمد سامسونی (م ۸۹۱ق) حاشیه‌یی بر مطول دارد.

۳۳ و ۳۴ - زین الدین ابو محمد عبدالرحمان پسر ابوبکر معروف به عینی (م ۸۹۳ق) تلخیص را کوتاه کرده « تحفة المعانی لعلم المعانی » نامیده . و نیز همو تلخیص را بشعر سروده است .

۳۵- ملا لطف‌الله پسر حسن توقاتی (م ۹۰۰ ق) « تلخیص التلخیص » نگاشته است

۳۶- ملا محمد پسر خطیب‌زادهٔ رومی (م- ۹۰۱ق) حاشیه‌یی بر مطول دارد

۳۷ و ۳۸ - ملا نظام‌الدین عثمان خطائی (م- ۹۰۱ق) حاشیه‌یی بر مطول و حاشیه‌یی بر مختصر دارد . و بر این دو حاشیهٔ خطائی نیز حاشیه‌ها نگاشته شده است .

۳۹ و ۴۰ - میرصدرالدین محمد دشتکی (م ۹۰۳ق) حاشیه‌یی بر مطول و حاشیه‌یی بر حاشیهٔ میرسیدشریف بر مطول دارد .

۴۱ و ۴۲- ملا یوسف پسر حسین کرمانشی (م ۹۰۶ق) حاشیه‌یی بر مختصر نگاشته و نیز همو حاشیه‌یی بر حاشیهٔ میرسیدشریف بر مطول دارد .

۴۳- حمیدالدین پسر افضل‌الدین حسینی: حاشیه‌یی بر مختصر نگاشته‌است

۴۴ و ۴۵- شیخ‌الاسلام هرات احمد پسر یحیی پسر محمد نوادهٔ تفتازانی (م ۹۰۶ یا ۹۱۶ق) حاشیه‌یی بر مطول و حاشیه‌یی بر مختصر دارد که دومی در ۸۸۶ق پایان یافته .

۴۶ و ۴۷ - حسام‌زاده، ملا مصلح‌الدین پسر ملا حسام رومی نگارندهٔ «شوقیه» (۱) حاشیه‌یی بر حاشیهٔ میر سید شریف بر مطول، و حاشیه‌یی بر مختصر نگاشته‌است .

۴۸- شریف مرتضی حاشیه‌یی بر حاشیهٔ میرسید شریف بر مطول دارد .

۴۹- جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱ق) تلخیص را بشعر سروده

۵۰- عصام‌الدین ابراهیم پسر عربشاه اسفرائینی (م ۹۴۵ق) شرحی بر تلخیص نگاشته که بشمارهٔ (۲۰۵) در این کتابخانه هست .

۵۱ و ۵۲ - نورالدین حمزه پسر طور غود « تلخیص التلخیص » را در (۹۶۲ق) نگاشت، و نیز خود وی آنرا شرح کرد .

۵۳- عبدالرحیم پسر احمد عادی (عباسی) (م ۹۶۳ق) شعرهائی که در تلخیص بگواه آمده ، شرح کرد، و « معاهد التنصیص فی شرح شواهد التلخیص » نامید .

۱- نسخه این کتاب که در ۹۹۴ نوشته شده و خط نگارنده بر آن هست در ص ۲۷۶ یاد شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۵۴- مصلح‌الدین محمد لاری (م۹۷۹ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۵۵- بدرالدین محمد پسر رضی‌الدین محمد غزی مفتی شام (م۹۸۴ ق) مانند شمارهٔ(۵۳)شعرها وشواهد تلخیص راتفسیر کرده.

۵۶ - ملابرویز رومی(م۹۸۷ق) «تلخیص‌التلخیص»دارد.

۵۷تا۵۹ - ملامیرزاجان‌شیرازی (م ۹۹۴ق) حاشیه‌یی برمطول و دو حاشیه بردوحاشیهٔ خطایی برمطول‌دارد.

۶۰ - شهاب‌الدین‌احمدپسرقاسم عبادی‌ازهری (م۹۹۴ق) حاشیه‌یی برمختصر دارد.

۶۱و۶۲ - ابن‌ملا حلبی، ابراهیم پسراحمد، تلخیص را یك شرح بزرگ و یکی کوچك نگاشته.

۶۳و۶۴- ملاحامد غفاری درسدهٔدهم. بردوحاشیهٔ خطائی برمختصرومطول، توحاشیه نگاشته است.

۶۵تا۶۹ - ملاعبدالله یزدی پسرشهاب‌الدین (م۹۸۱ق) در (۹۶۲ق) حاشیه‌یی برمختصر نگاشت، و نیز حاشیه‌یی برمطول، ودوحاشیه برحاشیه‌های خطائی، وحاشیه‌یی برحاشیهٔ میرسید شریف‌دارد.

۷۰و۷۱- قاضی نورالله (م۱۰۱۹ق) دو حاشیه بر حاشیه های خطائی دارد.

۷۲- محمد پسرحسن پسر زین‌الدین شهید (م ۱۰۳۰ ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۷۳- شیخ بهائی، محمدپسرحسین حارثی(م۱۰۳۱ق)نیز حاشیه‌یی برمطول‌دارد.

۷۴- محمد پسرمحمد معروف بآلنی (م ۱۰۳۳ق) مطول را بترکی ترجمه کرده است.

۷۵- خضرپسر محمداماسی، مفتی شهراماسیه. در(۱۰۶۰ق) تلخیص‌را کوتاه کرده است.

۷۶- عبدالحکیم‌سیالکوتی(م۱۰۶۷ق)حاشیه‌یی برمطول‌دارد، که‌دراستانبول

چاپ شده است.

۷۷- حسین پسرشهاب‌الدین کرکی (م۱۰۷۴ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۷۸و۷۹- آقارضی قزوینی(م۱۰۹۶ق)دوحاشیه برحاشیه‌های خطائی نگاشت.

۸۰و۸۱-شیروانی،محمدپسرحسن(م۱۰۹۸ق)دوحاشیه برحاشیه‌های خطائی دارد.

۸۲ - سیدعبدالله پسر نورالدین شوشتری جزائری (م۱۱۷۳ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۸۳- شمس‌الدین‌پسرجمال‌الدین‌بهبهانی(م۱۲۴۷ق) حاشیه برمطول‌دارد.

۸۴ - سید احمد معلم متخلص بمشفق حاشیه‌یی بر مختصر دارد.

۸۵ - شیخ‌عبدالنبی نوری تهرانی (م۱۳۴۴ق) حاشیه‌یی برمطول دارد.

۸۶ تا ۸۸ - چلبی سه‌شرح دیگررا بی‌نام نگارنده، یاد کرده‌است.

تلخیص بسال ۱۸۱۵ م در کلکته ودر ۱۲۶۰ ق در ۷۲ ص در استانبول، ودر۱۳۰۲ق‌دربیروت، ودرمصر در۱۲۹۷ ق و۱۳۰۳و۱۳۰۴و۱۳۰۶ همراه‌چند کتاب دیگرچاپ شده است.

[۱۱۸]

۱۴۸ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده موسی پسررضا مشهدی. در تاریخ ۲۹ صفر ۱۱۰۴ ق نوشته‌شده. دردفتری جادارد که ۱- این کتاب (ک ۱-۶۰) ۲- کتابچهٔ عینیه (ک ۶۱—۱۱۲) ۳- مشاعر ملاصدرا (ک ۱۱۴-۱۵۱) رادر بردارد. دو کتاب نخست بیك کاغذ ویك خامه است. عنوانها با سیاه و دوشت نوشته شده. افتادگیها را درحاشیه نوشته‌اند.

هفدهٔ دفتر(۱۵۱ برگ) این‌کتاب (۶۰ برگ) کاغذ سمرقندی‌اندی، جلد تیماج سرخ یك‌لا اندازه : ۱۲×۱۷و۷×۱۴، ۱۳سطر.

[۱۰۶] تنویر الدیاجی فی تفسیر الاحاجی (چیستان، عربی)

أحاجی جمع أحجیه نوعی چیستان است که دربارهٔ قوانین دستور زبان عرب‌باشد، چلبی گوید: این علم وازه‌هائیرا که ظاهر آنها با دستورهای زبان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

عرب ناسازگاراست گزارش میدهد، وازاین روی آنرا دنبالهٔ علم لغت وصرف ونحوعربی دانسته، سپس گوید ۱ ــ زمخشری، جارالله محمودپسرعمر(م۵۳۸ق) کتابی بنام «محاجات» دراین باره نگاشته، و علم‌الدین سخاوی آنرا گزارش داده است ۲ ــ ابوالمعالی سعدپسرعلی‌وراق خطیری (م۵۶۸ق) نیز کتابی در این‌باره نگاشت. ۳ ــ مقامهٔ سی‌وششم ازمقامات حریری نیز دراین‌باره است

گفتگوی مادرشرحی است که سخاوی بر کتاب زمخشری نگاشته. سخاوی دردیباچه نام کتاب (۱) ونام زمخشری راآورده است، وپس‌ازشرح هراحجیه زمخشری، یك یاچند احجیه ازخودآورده وآن را نیز گزارش داده است.

و ترتیب آن چنین است که نخست متن احجیهٔ زمخشری را پس از عنوان (قال ابوالقاسم ...) آورده، و سپس گزارش خود را بعنوان (و اقول مستعیناً بالله) وبعدازآن یك یا چند احجیه باشرح آن ازخود بعنوان (قلت...) آورده است.

ودرپایان کتاب ازاینکه به‌چیستان گوئی‌پرداخته، پوزش‌خواسته، ودوصفحه دربارهٔ سود چنین‌احجیه‌بافی‌ها، وجدائی آن از معماسازی و لغزگوئی، سخن گفته، سپس گوید: پس‌از پایان یافتن کتاب، این نام رابرای آن سرودم

منیرالدیاجی و دراالتناجی و فوزالمحاجی بحوزالاحاجی

لغزدر (حرف ــ ل) ومعمی در (حرف ــ م) این فهرست خواهد یاد شد، و برای جدا کردن هر یك از آنها بجای آن نگاه کنید.

نگارنده: علم‌الدین ابوالحسن علی‌پسرمحمدپسرعبدالصمدپسرعبدالغالب(۲) پسرعبدالاحدهمدانی مصری‌سخاوی‌است. ابن‌خلکان گوید: درسخا(۳) بسال(۵۵۸ق)

۱ــ دردیباچه نام کتابرا آنگونه که‌ماعنوان کردیم آورده، ولی درپایان کتاب، نام آنرا تغییرداده است.

۲ــ دراین خلکان عبدالاحد را پسرعبدالغالب‌نگاشته، ولی در نسخهٔ ما که کهن‌تر ودرست‌تراست چنانست که دربالا یادشد.

۳ــ سخا: شهر کوچکی درمنطقهٔ غربیه درمصراست (ابن‌خلکان).

بزاد (۱) و در قاهره نزد ابوالقاسم شاطبی و ابوالجود غیاث پسر فارس مکی قرائت‌قرآن‌ونحو ولغت‌عرب آموخت، ودراسکندریه‌ازسلفی وابن‌عون‌ودرمصر ازبوصیری وابن یاسین علم‌آموخت، وبدمشق‌شد، وسرآمد دانشمندان گردید، ومردم‌را بوی اعتقاد نیکو گشت، همیشه چندین دانشجو بدنبال اوراه میرفتند وهریك کتابی رامیخواندندواوهمه‌را گزارش‌میداد وبدمشق‌روزیکشنبه‌دوازدهم جمادی‌دوم سال ۶۴۳ ق درگذشت ودر کوه «قاسیون» بگورشد (۲). گزارش زندگی اودرتاریخ ابن‌خلکان، و بغیةالوعاة سیوطی، و کشف‌الظنون، والوافی بالوفیات، دیده میشود.

آثارسخاوی:

۱ــ المفصل زمخشری راشرح کرد.

۲ــ چکامهٔ «شاطبیه» رانیز پس‌ازآنکه برسرایندهٔ‌اش‌خوانده‌شرح کرد.

۳ــ خطبه‌ها واشعار سخاوی.

۴ــ تنویرالدیاجی (جای‌سخن).

[۱۱۹]

۵۵ نسخه بخامهٔ نسخ نزدیك بثلث. نویسنده‌محمدپسرعبدالمنعم‌پسرعلی‌پسرعبدالغنی پسرعلی قرشی، در تاریخ دههٔ میانهٔ ماه ذی‌قعدهٔ ۶۳۹ق، یعنی چهار سال پیش ازمرگ نگارنده‌اش نوشته شده.

عنوانها ومتن را باخامهٔ درشت و سیاه نوشته وگاهی نیز آنرا با شنگرف آلوده است.

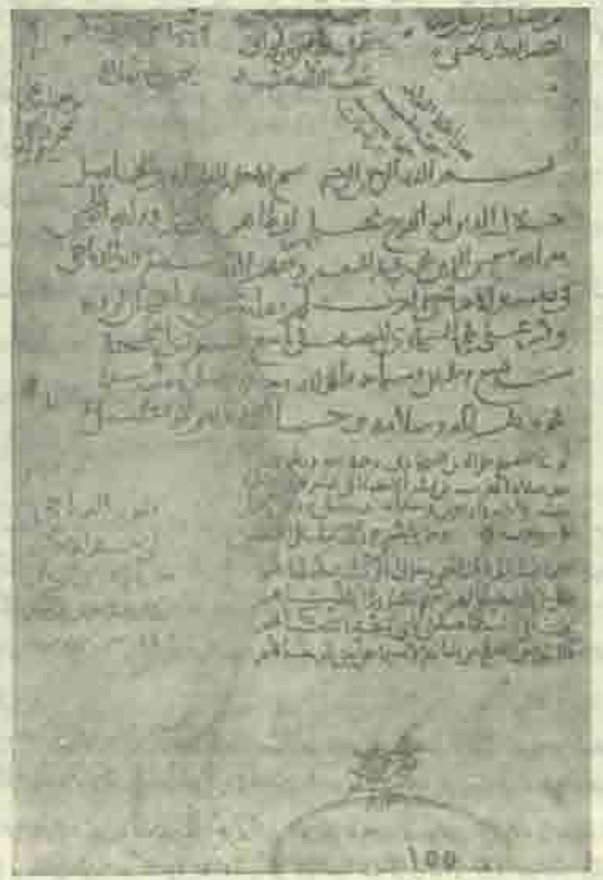
این نسخه برای جلال‌الدین ابوالفرج‌علی پسرتقی‌الدین ابوطاهرپسرعلی‌رقی‌پسر حداد، نوشته شده. واوبابسرش ابوالحسن شمس‌الدین با نویسندهٔ نسخه محمد پسر عبدالمنعم، سه نفری این‌نسخه‌رابرنگارنده خوانده‌اند. (سومی‌خوانده ودونفرنخستین شنیده‌اند) ونشان قرائت گاهی بخامهٔ یکی از سه شاگرد، وگاه بخامهٔ نگارنده،

۱ــ دربرگ (۱ــ ب) نسخهٔ ۱۵۵ دانشگاه بخامه‌یی کهن‌زادگاه‌اورادردمشق نوشته‌اند، ولی گفتهٔ ابن خلکان درست‌تر می‌نماید.

۲ــ دربرگ (۲ــ الف) نسخهٔ ۱۵۵ دانشگاه چنین نوشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در کرانهٔ روبه‌ها دیده میشود، و اجازهٔ روایت از نگارنده برای آن سه تن بخامهٔ نگارنده در برگ (۲ — الف) نوشته شده که در کلیشه (۱۵) دیده میشود، وتاریخ آن ۱۹ ذیحجهٔ ۶۳۹ ق است. و گزارش دیگر در این باره بخامهٔ نویسندهٔ نسخه



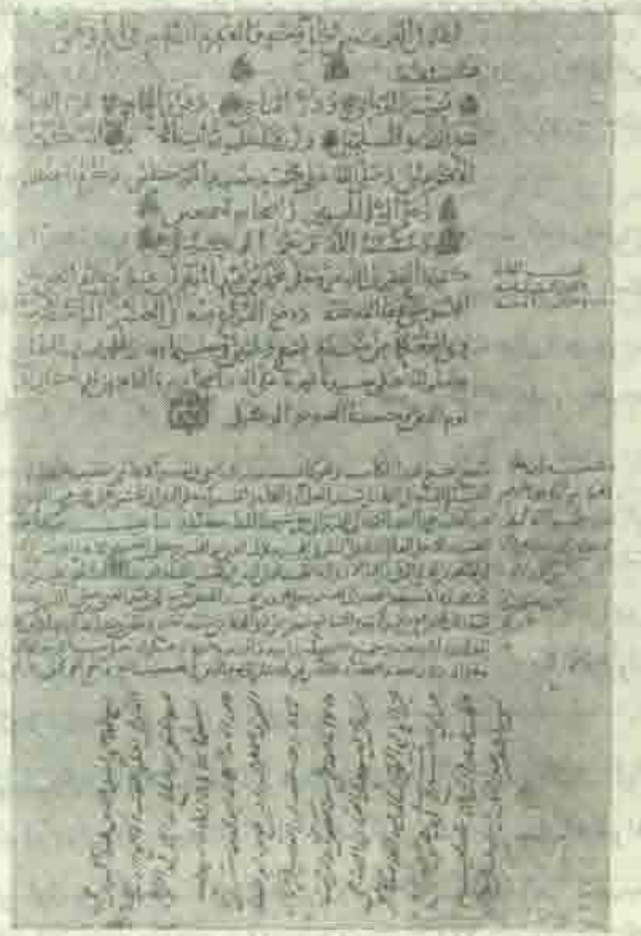
(۱۵) برگ(۱-ب) تنویر الدیاجی فی شرح الاحاجی اجازهٔ نگارنده: علم‌الدین سخاوی بخامهٔ خود او.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد پسر عبدالمنعم در برگ (۱۲۶پ) هست که در کلیشه شمارهٔ (۱۶) دیده میشود.

در برگ(۱-ب) گزارش زندگی نگارنده از کتاب صفدی و این خلکان آورده‌شده (۱۳۶ برگ + ۱ برگ سفید) کاغذ سمرقندی آبدی رنگ. جلد لیقاج مشکی مقوائی زرکوب قرمودیه.

اندازه: ۱۶×۲۵ و ۱۴×۲۰؛ ۲۳ سطر.



(۱۶) برگ (۱۲۶پ) تنویر الدیاجی خط محمد ابن عبدالمنعم در ۶۳۹ ق.

[۱۰۷] تهذیب اللغة (لغت عربی بعربی)

یکی از نامبردارترین و کمیاب ترین کتابهای لغت عرب این کتاب میباشد، که آنرا ابومنصور ازهری محمد پسر احمد پسر ازهر پسر طلحه هروی (ز ۲۸۲ - م ۳۷۱ق) نگاشت. وی یکی از سرشناسان علم لغت در سدهٔ سوم هجری است ولی در فقه و حدیث نیز نامبردار است، و کسان بسیار ازوی روایت کرده اند.

آثار دیگر وی: التقریب در تفسیر قرآن، شرح الفاظ مزنی، علل القراآت، کتاب الروح، شرح اسماء الله الحسنی، شرح اصلاح المنطق، از ابن سکیت، شرح دیوان ابوتمام، تهذیب اللغة.

بسیج واژه‌ها در «تهذیب اللغة» مانند کتاب العین خلیل است که در (ص ۳۳۶) یاد شد. وی حرف‌های الفبا را به نه دسته چنین بخش کرده: ۱- حرفهای حلقی: ع ح ه خ غ. ۲- حرفهای لهوی: ق ك. ۳- حرف های شجری: ج ش ض. ٤- حرفهای اسلی: ص س ز. ٥- نطعی: ط د ت. ٦- حرفهای لثوی: ظ ذ ث. ۷- حرفهای ذلقی: ر ل ن. ۸- شفوی: ف ب م. ۹- حرفهای هوائی یا جوفی: ی و ا. و یك دیباچه بزرگ برای این کتاب نگاشته و در آن دلیل این دسته بندی و نام گذاری حرفها و تاریخچهٔ لغتشناسی را آورده، و گوید پس از آنکه هفتاد سال از عمرم گذشت و مدتی از آنرا در اسیری بدست قرمطیان در میان عربان قرمطی گذراندم، این کتابرا نگاشتم و واژه‌های بسیار که از ایشان بر گرفتم در آن گنجاندم.

وی تهذیب را به ۲۸ کتاب بشمارهٔ حرفهای الفبا بخش کرده، و هر کتاب را با بسم الله آغاز نموده، ولی این ۲۸ کتاب برابر یکدیگر نیستند، و چنانکه خواهیم دید کتابهای اول بزرگ است و هرچه پیش رود کوچکتر شود، و هر کتاب ببخشهای کوچك: I دو حرفی (مضاعف) II سه حرفی صحیح III سهٔ حرفی معتل IV الفیف V چهار حرفی VI پنج حرفی VII ملحق به پنج حرفی؛ تقسیم نموده، و هریك از این

بخشها را نیز ببخشهای کوچکتر تقسیم کرده، چنانکه در کتاب حرف عین سه حرفی صحیح گوید: عین باسین باقاف (ع س ق) و در اینجا شش گونه واژه را که میتوان با این سه حرف ساخت میآورد: [عسق، عقس، قعس، قسع، سقع، سعق] و سپس آنها را که معنی دارد مستعمل و آنرا که بی معنی است مهمل نامد. ولی در دو بخشهای چهار و پنج حرفی که امکان ساختمان واژه‌ها بسیار است، فقط مستعملها را می آورد. و از این روی بخشهای آغاز کتاب بزرگ شده و همه واژه‌ها در آنها گرد آمده، و بخشهای پایان کتاب کوچك شده و تهی مانده است، چنانکه دیدیم شش واژه بالا که دوتا بحرف عین و دو بحرف قاف و دو بحرف سین آغاز شده، همه در حرف عین گرد آمده است تا آنجا که در آغاز حرف «ب» خود میگوید (۱) «حرف باء. ابن مظفر گوید ابوعبدالرحمان گفت: واژه های این بخش در بخشهای پیش گنجانده شد، و برای این بخش نه مضاعف ماند، و نه صحیح، و نه معتل و نه رباعی، و نه خماسی، و فقط لفیف آن مانده است که در اینجا میآورم....»

اگر این کتاب را به پنج بخش برابر تقسیم کنیم خواهیم دید که حرف «ع و ح» یك پنجم و «ه، خ» یك پنجم، و حرفهای ع، ق، ك، یك پنجم، و حرفهای: ج، ش، ض، ص، س، یك پنجم، و حرفهای: ز، ط، د، ت، ظ، ذ، ث، ر، ل، ن، ف، ب، م، و، ا، ی، یك پنجم دیگر را گرفته است.

راه یافتن واژه‌ها - هر واژه در باب آن حرف یاد میشود که با آغاز الفبا، حلقی نزدیك تر باشد. مثلا «قعس» در حرف قاف نیست بلکه در حرف عین است که آغاز الفبا، حلقی است، و همچنین «سخر» در حرف سین نیست بلکه در حرف «خ» که نزدیکترین حرف این واژه با آغاز الفبا، حلقی میباشد، آمده است

۱- این عبارت ترجمهٔ آغاز بخش «حرف ب» از جلد پنجم تهذیب اللغة نسخهٔ شمارهٔ ٦۱ کتابخانهٔ سپهسالار میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پیش از آغاز کتاب بابی در تاریخ لغتنگاری در عرب آورده و بکار خلیل بن احمد و ترتیب حرفها در کتاب او اشارت کرده است.

این کتاب که نزدیک (۱۳۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد هنوز چاپ نشده و علت آن ناهنجاری پیچ آن میباشد، نسخه‌های آن نیز کمیاب است. یك دورهٔ درست در پنج جلد با خاتمه نو در کتابخانهٔ سپهسالار هست که بشمارهٔ (۵۷ تا ۶۱) ثبت شده است. و نسخه‌های ناقص دیگر در ایاصوفیه و کوپرلو و نورعثمانیه و رضوی میباشد.

چلبی گوید: تاج‌الدین محمود پسر ابوالحواری در سدهٔ ششم کتابی بنام «ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح و التهذیب» نگاشته است، و نیز عبدالکریم بن عطاءالله اسکندری (م-۶۱۲ق) تهذیب اللغة را کوتاه کرده است.

آغاز: (۱) بسمله الحمدلله بکل ماحمده به اقرب عباده الیه و اکرم خلایقه علیه...

[۱۲۰]

۲۰۱ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی چنین نماید که بپایان سدهٔ پنجم نوشته شده است.

عنوان ها با خامهٔ درشت و سیاه است. فهرست این مجلد چنین است: کتاب غین (برگ ۱-۷۷) کتاب قاف (برگ ۷۸-۲۴۶) پایان نسخهٔ. افتادگی و حاجا شده دارد، ولی از آنجا که کهن‌ترین نسخه این کتاب است اهمیت بسیار دارد. جلد دیگر این کتاب باهمین خط در کتابخانه رضوی هست، با برابر کردن این نسخه ها با نسخهٔ درست کتابخانهٔ سپهسالار می‌توان نسخهٔ بسیار خوبی برای چاپ بدست آورد.

(۳۴۷ برگ) کاغذ نخودی، جلد مقوی روپه پارچه مشکی قطع جنبی.
اندازه: ۱۶٫۴×۲۴٫۵و۱۳٫۵×۱۸٫۵؛ ۲۱و۲۳سطر.

[۱۲۱]

۲۰۲ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث مانند نسخه شمارهٔ ۲۰۱ و بهمان خطو کاغذ و خصوصیات.

فهرست این مجلد چنین است: کتاب ح (حطی) در برگهای (۳-۵۷) کتاب ه در برگهای

۱- نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه آغاز و انجام ندارد.

(۵۸-۱۹۶) برگهای ۱۸۹ تا ۱۹۱ نو نویس است. کتاب خ (نخد) در برگهای (۱۹۶ - ۲۸۳) غین (۲۸۳ - ۲۸۵).

(۲۸۵ برگ) کاغذ نخودی، جلد مقوی روپه پارچه مشکی قطع جنبی.
اندازه: ۱۷×۲۵و۱۴×۱۹، ۲۱سطر.

[۱۰۸] تفسیر (عربی)

دانشهای گوناگون کلاسیك سدهٔ یازدهم در این کتاب گرد آمده است. نگارنده در دیباچه گوید چون خواستم مطالب قرآن را شسته و رفته در برابر مردم بگذارم، و از برداشتن آنرا آسان سازم، دانشهائی را که درفهم قرآن از دانستن آنها گزیر نیست، در این مجلد از «تیسیر» گرد کردم، و این مجلد را بر پنج جزء بخش نمودم، جزء نخست آن دسته از دستورهای زبان عرب که در صرف و نحو نیاید. جزء دوم (صرف)، جزء سوم (نحو)، جز چهارم معانی، و بیان، و بدیع، و منطق، جزء پنجم اصول فقه.

از گفتار نگارنده چنین برمی آید که این جلد (پنج جزئی) پیش در آمدیك دائرة‌المعارف بنام «تیسیر» است که نگارنده میخواست همهٔ دانشهای مذهبی کلاسیك آن روزگار را بعنوان دانشهای قرآنی در آن گردآورد.

ازاین مجموعه یادائرة‌المعارف تاکنون چیزی بگوش من نرسیده است، ازاین پنج جزء نیز که فهرست آنرا داده، جزء نخست وسوم و چهارم، در نسخهٔ دانشگاه (شمارهٔ ۱۷۸) که جای گفتگو میباشد بجانمانده. و ازمیان جزء نخست نیز چند برگ افتاده است.

درانشاء وعبارت عربی این کتاب نادرستی دیده میشود و از اصطلاحهای فیلسوفان که در آن بکار برده چنین بر میآید که وی در فلسفه و منطق بیش از ادبیات دست داشته است. برپشت برگ (۲- الف) نسخهٔ تیسیر (شمارهٔ ۱۷۸ دانشگاه) گفتاری در چند سطر بخامهٔ همین نگارنده دیده میشود که در آن از نگارندگان گله گذارده، گوید: دسته‌ئی برای خودنمائی و یا برای آنکه دانش

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

را و یژهٔ خود دارند، باعبارت پردازیهای دشوار از فهم دیگران جلو گیرند، و دانستن آنرا ازمردم دریغ دارند، و دسته‌ئی تا آنجا بگزارش وشاخ و برگ پرداخته که خود مسئله را فراموش کرده اند، کتاب مانند نامه است که کس برای دوست خود فرستد، اگروی برای فهم آن ناچاربگزارش وپرسش باشد آن‌نامه سود نخواهد داشت ودستور آن مجری نخواهد شد.

فهرست آنچه از این کتاب در کتابخانهٔ دانشگاه هست:

دیباچه: تفسیراصطلاحها. گ ۳-۷.

جزء نخست در گزارش آنچه صرف نشود (اداتها) وآن دردوجمله است.

جملهٔ نخست گفتار های همگانی دربارهٔ اداتها درسه فصل گ۸-۲٤.

جملهٔ دوم گزارش اداتهای گوناگون بترتیب حرفهای الفباء. گ۲٤ — ٦٥ (الف-ی).

خاتمهٔ جز نخست در هفت فصل. گ ٦٥.

ازپایان فصل نخست تاآغاز فصل‌سوم ازنسخهٔ دانشگاه میان‌برگهای٦٥و٦٦ افتاده است.

پایان‌نگارش‌جزء‌نخست (ازاین‌مجلد) ازتیسیر دررربیع‌یکم۱۰۸۱ باصفهان بوده، وپایان نوشتن این‌نسخه بخامهٔ خود او در ۱۰ شعبان همانسال. (گ ۷۱)

جزء دوم تیسیر (دستور های صرفی) افتاده است

جزء سوم (دستور های نحوی) پنج باب دارد. باب نخست پیشگفتار گ ۷۲.

باب دوم، عاملها. گ ۷۵.

باب‌سوم، معمول‌ها. گ۷۹.

باب چهارم، واژه‌ها درجمله، دردوبخش:

الف- متبوع، مرفوع‌ها: گ۸۳، منصوبها: گ۸۵، مجرورها: گ۹۷.

ب- تابع‌ها: گ۱۰۰.

باب پنجم، جمله، گ ۱۰٦.

پایان نگارش جزء سوم در۱۹ج۲- ۱۰۸۱ونوشتن این نسخه ۳ رمضان همانسال بوده‌است (گ۱۰۸).

جزء چهارم ازاین مجلد تیسیر که دربلاغت‌است، یك‌پیشگفتار ودوحدیقه (پنج فن) دارد. پیشگفتار: گ ۱۰۹.

حدیقهٔ نخست، بلاغت‌ظاهری، درسه فن: معانی، بیان، بدیع.

فن نخست، معانی: گ ۱۱٤هشت باب دارد: اسناد، مسند الیه، مسند، فعل، قصر، انشاء، فصل وصل، ایجاز واطناب

فن‌دوم، بیان، گ ۱۳۳، یك پیشگفتار وسه باب دارد: کنایه، تشبیه، مجاز.

فن سوم بدیع: گ ۱٤۲.

باب نخست، محسنات، الف) معنوی: گ ۱٤۲، ب) لفظی: گ ۱٤٤.

باب دوم، آنچه درترکیب منشآت مفید افتد: گ ۱٤۸.

باب سوم: آنچه در کتب مشهور نیست: گ ۱٤۹.

پایان‌حدیقهٔ نخست در۱۵ شوال ۱۰۸۱ باصفهان بوده‌است: گ ۱۵۲.

حدیقهٔ‌دوم، ازجزء چهارم، دربلاغت حقیقی. یك پیشگفتار وسه‌باب‌دارد پیشگفتار، گفتارهای‌همگانی که‌خود بنام کتاب دیگر او، مبدأ ومعاد، باینجا آورده است گ ۱۵۳.

باب یکم چگونگی بیان کردن‌خواستهٔ انسان گ۱۵۳.

باب دوم، دستور گفتگو و ستیز (آداب بحث). گ ۱۵۸.

باب سوم، تنظیم فکر برای دانستن نادانسته: گ ۱٦۱.

ودراین‌باب‌همهٔ، تهذیب‌المنطق، تفتازانی‌را آورده‌وشرح کرده: گ۱٦۱

پایان جزء چهارم در۲۸شوال ۱۰۸۱ دراصفهان بوده‌است. گ ۱۷۹.

آغاز جزء نخست: الحمدلله رب‌العالمین و الصلاة والسلام ... اما بعد یقول‌الفقیرالی‌الله‌الغنی محمد تقی بن‌عبدالحسین‌النصیری الطوسی عفی‌عنهما: لما

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اردت تبویب آیات القرآن الحکیم لتسهیل ... وان الحق به شیئا ... فوضعت هذا المجلد من کتاب التیسیر وصیرته علی خمسة اجزاء ...

انجام جزء نخست : ای ایت ان تأتی من الامور ماتلعن علیه . والسلام ، تم الجزء الاول من الادات وهو الجزء الاول من التیسیر بتوفیق الله الملک الکبیر بدار السلطنه اصفهان فی عاشر شهر شعبان المعظم سنة ۱۰۸۱ .

آغاز جزء سوم : الحمدلله رب ... الجزء الثالث فی القوانین النحویة ...

انجام : و الفعل العام فی کل ظرفیة مقدر بحسب اقتضاء نفس الظرفیة سواء کان الظرف خاصاً أو عاماً ، لان کل خاص عام مع شیئی آخر . و السلام ... قدتم تصنیف هذا الجزء فی ۱۹ شهر جمادی الثانیة ۱۰۸۱ .

آغاز: جزء چهارم : الحمدالله رب ... الجزء الرابع من اجزاء التیسیر فی البلاغة وفیها مقدمة وخمسة فنون ...

انجام : فان الانسان حیوان والفرس حیوان والبقر حیوان وقالوا فی هذا المقام کلمات غیر مرغوبة تر کناها والسلام اولا ... اختتم تحریراً وتقریراً معافی الثلاثا ۲۸ شوال ۱۰۸۱ وکان آخر ایت لیل الترکیة بدار السلطنه اصفهان ... علی یدمحمدتقی بن عبدالحسین عفی عنهما .

نگارنده : محمدتقی پسر عبدالحسین پسر محمد زمان نصیری طوسی اصفهانی است .

خاندان نصیری طوسی در اصفهان خود را به شیخ طوسی ابوجعفر محمد پسر حسن (م ۴۶۰ ق) نسبت میداده (۱) اند . ولی دانسته نیست ؛ چرا خود را

۱ـ برادر این نگارنده محمدرضا پسر عبدالحسین نصیری طوسی در کتاب «تفسیر الائمه» که در ج۱ـ ص ۴۵ این فهرست یادشده میگوید : «قال جدنا الامجد العالم المتعلم بعلوم الصادقین الشیخ ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی ...»

«نصیری» خوانده‌اند (۱) . گزارش زندگی برادر نگارنده محمد رضا پسر عبد الحسین نصیری طوسی در ج۱ ص ۴۵ و ۲۱۴ یاد شده . پدر ایشان عبدالحسین پسر محمدمؤمن نیز دانشمند بود ، صاحب ذریعه یادداشت او را بر پشت کتاب نهج الحق علامهٔ حلی ، دیده و چند تن از خاندان ایشان را در ذریعه (ج ۴ : ۲۳۶ و ۲۳۷) شناسانده است . صاحب فهرست کتابخانهٔ رضوی در (ج۴ ص ۴۴۸) ایشانرا سید دانسته ، ولی صاحب ذریعه اورا پاسخ گفته و محمدرضا نگارندهٔ تفسیر الائمة را جز محمدرضا منشی الممالک حسینی که در «أمل الامل» یاد شده ، دانسته است .

از خرده گیری نگارنده بر پشت برگ (۲ـ الف) نسخهٔ تیسیر بر نگارندگان روزگار خویش ، وطرفداری از ساده نگاری برای فهم مردم ، و نیز از چگونگی نگارشهای برادر او محمد رضا ، مانند «کشف الایات» چنین برمی آید که درمیان دانشمندان این خانواده برخلاف دانشمندان آن روزگار میلی بهمگانی کردن دانشها وجود داشته . ایشان می‌خواسته‌اند در آموزش و پرورش راه ساده‌تری پدید آورند ، و دانشها را بفهم مردم نزدیک سازند .

آثار دیگر نصیری طوسی :

۱ـ مبدأ و معاد که در برگ ۱۵۳ تیسیر نسخهٔ ۱۷۸ دانشگاه از آن نام برده ، و نسخهٔ آن که در ۱۰۷۹ ق پایان یافته در کتابخانهٔ رضوی دیده می‌شود (فهرست ـ ج ۴ ص ۲۳۶) .

۲ـ العقال فی مکارم الخصال ـ برخی از جلدهای آن در اصفهان ۱۰۸۰ ق پایان یافته است (ذریعه ۴ : ۲۳۷) .

۳ـ التیسیر (جای گفتگو) .

۱ـ کسانی چند از دانشمندان به تصیر نامبردارند : خواجه نصیر طوسی (م ۶۷۲ ق) نصیر الدین عبدالله طوسی شارحی که در فهرست منتجب الدین یادشده ، نصیر الدین علی طوسی که در «أمل الامل» یادشده ، نصیر الدین علی کاشانی در سدهٔ هشتم ، نصیر الدین محمد طبری که گورش در سبزوار است (سدهٔ نهم) (ذریعه ۴ : ۲۳۶) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۸۷ [۱۰۶]

نسخه بخط نستعلیق نیم‌شکسته ، نویسنده نگارندهٔ کتاب محمد تقی پسر عبدالحسین نصری طوسی ، تاریخ جزء نخست ۱۰ شعبان ۱۰۸۱ در اصفهان (گ۷۱) وجزء سوم ۳ رمضان ۱۰۸۱ . (گ ۱۰۸) وجزء چهارم ۲۸ شوال ۱۰۸۱ (گ ۱۷۹) است . عنوانها باشنگرف است . حاشیه‌ها بخط متن یا مضای(منه) بسیار دارد تصحیح شده وافتادگی‌ها را در کرانه نوشته . همهٔ رویه‌ها دو جدول دارد. ۱)درون،بازر وشنگرف ولاژورد ۲) برون، باسیاهی. پشت برگ(۳ — الف)احشام الدوله یکی ازاعیان اصفهان که خوشنویس و بی‌سواد بوده یادداشت ومهرخوه را گذارده،مهروی درچندجای دیگر نیز دیده میشود. در برگ (۱۸۰ — الف)تاریخ مرگ گروهی ازدانشمندان بخط شکسته نوشته شده است . از برگ (۷۱ — الف) برمیآید که این نسخهٔ پاکنویس، پنجاه پس‌ازنگارش نوشته شده‌است . رویه هایش ازنوشتن نسخه‌جدول‌بندی‌شده‌است،و گویا نگارنده آنرا برای پیشکش بیکی‌ازبزرگان می‌ساخته است .

دو برگهای (۳ — پ) و(۷۳ — پ) و(۱۵۳ — الف) سه‌سرنامه زرنگاردیده‌میشود سرنامهٔ (برگ ۱۰۹ پ) زرافشانی شده است .

کتاب از برگ (۳ — پ) آغاز میشود ورویه‌های پیش‌ازآن نیز جدول بندی شده دو برگ (۱ — الف) دستور برابر نمودن ماههای قمری با برجهای خورشیدی نوشته شده است .

(۱۷۷ + ۳ برگ) کاغذ آرمه سفید فعدتی . جلد تیماج مشکی مقوالی قرمزوه

اندازه : ۲۵×۱۷و۲×۱۷و۲×۶و۱۰×۲۱و۵سم

[۱۰۹] الجامع = مختصر صحاح (لغت عربی بعربی)

یکی از بنامترین کتابهای لغت عرب صحاح‌اللغة جوهری است. سیوطی در «المزهر» گوید تحسین کتاب است که فقط واژه‌های درست‌را آورده وازاینرو «صحاح» نام گرفته ، وخود نگارنده نیز در دیباچه گوید: آنچه را من درست شناختم دراین کتاب آوردم . ثعالبی در «یتیمة‌الدهر» گوید: صحاح، سید کتابهای پیش‌از آنست . یاقوت در «معجم الادباء» نیز آن راستوده است . ولی بازهم از

این کتاب ایراد ها گرفته اند و نادرستیها در آن یافته و کتابها دربارهٔ آن نگاشته‌اند. و گویند سبب‌راه‌یافتن این‌نادرستیها در«صحاح» آنست که نگارنده (جوهری) آنرا زیرنظر استاد ابومنصور عبدالرحیم پسرمحمد پیشکی نگاشته وتا کتاب(حرف‌ض)براستاد بخواند، و دراین‌هنگام دچار دیوانگی گردید که بخود کشی کشیدوباقی کتاب درچرك نویس بماند، و شاگرد وی ابراهیم پسر صالح‌وراق آنرا پاك‌نویس کرد. باری اگر چنین باشد باید پیش از(حرف‌ض) بی‌غلط باشد؛ ولی چنین نیست، واین پوزشی است که دوستدارانش از نادرستی های وی آورده‌اند. نگارندهٔ آن جوهری ابونصراسماعیل پسرحماد اهل فاریاب بود و مدتی بمرسستان رفته زبان عربی را از میان چادرنشینان تازی گرد آورد وبدامغان باز گشت‌وصحاح‌را برای استادخودپیشکی بنگاشت ودرپایان‌عمرخودرا ازبام مسجد نیشابور پرتاب کرد وبمرد. تاریخ مرگ او بهنگام‌ثبت‌نشده وآنرا از۳۳۳ تا۴۰۰ نوشته‌اند ودرست‌تر ازهمه (۳۹۳ق) میباشد.

صحاح نخستین لغت‌عربی بود که بترتیب حرفهای الفباء معمولی بسیج‌شد دراین کتاب پسین حرف‌را بخش بزرگ (باب) ونخستین حرف‌را کوچك‌بخش (فصل) نامیده است . دانشمندان دربارهٔ این کتاب بررسیهای بسیار کرده و کار بسیارانجام داده‌اند ، چندین بار آنرا کوتاه کرده ویا گزارش داده ویا حاشیه‌نگاشته‌اند. برخی از آنهادر«معجم‌الادباء»(۱)و«کشف‌الظنون»و«شذرات‌الذهب» وبرخی در«روضات»و«بغیة‌الوعاة»و«فهرست سپهسالار»(۲) یادشده و نیازی بتکرار نیست. یکی‌از کوتاه شده‌های صحاح «الجامع» نام‌دارد که جای گفتگو میباشد. نگارندهٔ آن‌سیدمحمد پسرحسن پسرسیدعلی (م۸۶۶ق) میباشد. چلبی در کشف الظنون این کتاب را یاد کرده ونیز کتابی بنام «راموزه» بهمین نگارنده نسبت

(۱) ج ۶: ص۱۵۱-۱۶۵ و ج۴: ۵۰ وج۲۰: ۳۵.

(۲) فهرست سپهسالار ج۲ص۱۹۲-۲۰۴و۲۷۹-۲۷۲.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

داده، ازدیباچهٔ راموز که در کشف‌الظنون آمده(۱) چنین برمی‌آید که پس از نگارش «الجامع» کتاب قاموس فیروزآبادی بدست وی افتاد، و پس از بررسی آن ناگزیر گردید «راموز» را بنگارد.

وچنانکه ازفهرست دارالکتب مصری (ج۲ص۱٤) برمی‌آید نسخهٔ راموز که بسال۹۸۸ نوشته‌شده در کتابخانهٔ «یکی جامع» دراستانبول‌هست. بیش از این دربارهٔ سیدمحمد نگارنده چیزی بدست‌نیامد. آنچه ازخود کتاب جامع برمیآید چنین است که وی کتاب را بنام سلطان محمد فاتح پسر سلطان مراد عثمانی (ش۸۵۵-۸۸٦) نگاشته. دردیباچه‌نام کتاب«الجامع» ونام‌خودسیدمحمدپسرسید حسن را آورده وچکامه‌یی در ستایش سلطان نامبرده سروده ونام اورا دراین شعر آورده:

ارید بذاك ابن المراد محمداً ولانال ممدوح بلیل وبالفجر

سپس میگوید کتاب صحاح دریائی ژرف بود، وچون مطالب بیجا نیزدرآن یافت میشد، یکی ازدانشمندان آن‌را کوتاه کرد، وبا این کار گرچه پیرایهٔ آن بریخت، ولی از آرایش آن نیزبکاست، و گرچه چیزها برآن افزود، ولی برخی ازآنها بی‌پاسخ نبود. و همه‌جا گفتار اورا بعنوان: قال‌صاحب‌المختصر، میآورد و گاهی اورا بعنوان: اقول... پاسخ میگوید. ودرهیچ‌جا نام اورا نیاورده است. وچون من آنهارا بامختصر صحاح که در کتابخانهٔ سپهسالار(۲)هست وبا«مختار الصحاح» برابر کردم، آشکار گردید که وی مختارالصحاح(۳) راخواسته وهمه جاگفته‌های اوراپاسخ گفته، وآنچه‌را که درصحاح‌فراموش‌شده،ازمغرب‌مطرزی وغانق، ونهایهٔ‌ابن اثیرآورده است.

چلبی گوید: این کتاب در شهر ادرنه بسال۸۵٤ پایان یافته‌است ولی از نسخهٔ

(۱) چلبی گوید: اوله: الحمدلله حق‌حمده. الخ. واین‌جمله‌همان‌آغاز کتاب«الجامع» است ولی‌مطالبی را که چلبی‌از دیباچهٔ‌این کتاب«راموز» آرد، دردیباچهٔ «الجامع» نسخهٔ دانشگاه نیست.

(۲) که بشمارهٔ۱۱۰ درآن کتابخانه‌هست (ج۲ص۲۷۹-۲۸۲) فهرست‌دیده‌شود.

(۳) نسخه‌یی‌ازآن بشمارهٔ(۱٤٤)در کتابخانهٔ‌دانشگاه‌هست‌ودر این‌فهرست‌یادخواهدشد.

دانشگاه چنین‌چیزی برنمی‌آید.

آغاز: الحمدلله حق‌حمده، حمدا لایبلغ کنهه عاد بحصره وعده، والصلاة علی... اما بعد فیقول‌الفقیر الی‌الله ذی‌المنن، السید محمد بن‌السید حسن، نجاه‌الله من‌الفتن... وسمیته بالجامع لیوافق اسمه‌معناه...

انجام: وطویت منه مایذکر فی‌الکتب المستعملة لاشتهاره مع انه قلیل الجدوی فیما هوالمقصود من‌هذاالکتاب. هذاآخر ماارادنا ایراده والحمدلله... حشرنا‌الله فی‌زمرتهم اجمعین.

[۱۲۳]

۲۱۳ نسخه بخط نستعلیق باختری، نزدیك بخط ترکی. نام‌نویسنده‌وتاریخ ندارد. وچنین نماید که خط‌سلدهٔ‌دهم‌است. عنوانها باشنگرف. تصحیح شده واقتادگیها در گرانه نوشته شده. برآغاز نسخه اند کی‌حاشیه نوشته‌اند. دوبرگ (۱-الف)و(۳۰۷ - ب) و (۳۰۸) باخامه‌های گوناگون دعاها وطلسمها وداروها نوشته اند.

که بندی نسخه آبدیده وبرخی دوبه‌ها تا نیمه‌سیاه‌شده است.

(۳۰۷ برگ) کاغذ ترمه لعتی. جلدمقوائی یارچ فرسوده.

اندازه: ۱۸ × ۲۶و۱۲ × ۲۷و۲۱ سانتی‌متر.

[۱۱۰] حاشیهٔ(۱) سبزواری برشرح سیوطی برالفیه(نحو-عربی)

چنانکه‌در(ص۳٤٤) گفتم‌الفیهٔ‌ابن‌مالك«الخلاصة»یکی‌از بنامترین کتابهای درسی‌دستور زبان عرب بوده، وبرآن گزارشها وحاشیه‌ها نگاشته‌شده، یکی‌از شرح‌ها «بهجة‌المرضیة» نام‌دارد وجلال‌الدین عبدالرحمان‌خضری شافعی‌سیوطی

(۱) تعلیقه وحاشیه پیرایه وگزارشهائی راگویند که برکرانهٔ رویه های کتاب می‌نگاشته‌اند.

تعلیقه ازریشه (ع‌ل‌ق) پیرایه‌آویختن باشد، وحاشیه ازریشهٔ (ح‌ش‌و) بمعنی پوچ وزیادی است. و از این روی فیلسوفان واژه نخست را برای حاشیهٔ کتابهای فلسفه‌و منطق‌و کلام‌بکاربردند، وواژه‌دوم‌را برای‌حاشیهٔ کتابهای ادبی و مانند آن.

مانده در صفحهٔ بعد

کتابخانه عمومی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

(م۹۱۱ق) آنرانگاشته، وازاین روی بسیوطی نامبردار گشته، و براین گزارش حاشیه‌ها و پیرایه‌ها بسیار آویخته‌اند(۱) که یکی از آنها حاشیه سبزواری (جای گفتگو) میباشد. نگارنده: حاج ملاهادی پسر مهدی سبزواری، از فیلسوفان کلاسیك سدهٔ سیزدهم ایران است و چون سروکار او همیشه با کتابهای فلسفی بود (۲) در ادبیات ضعیف مانده و در نگاشته‌های او که بزبان تازی است نادرستی

(۱) در ذریعه ج۶، ده حاشیه برسیوطی یادشده است.
(۲) وی در فلسفه نیز پایبند مرزهای فلسفهٔ کلاسیك روزگار گذشته است، وهیچگاه از این مرزهای ورجاوند نپای فراتر ننهاده است.

مانده از رویهٔ پیش:

از آنجا که گفتگو دربارهٔ کار دیگران و پیرایه‌بندی بر نگارشهای گذشتگان آسانتر از پدیدآوردن کتاب جداگانه است، از روزگار پاسان اینکار پیشینهٔ بسیار داشته، ولی در دوره‌هائیکه حس ابتکار مردم گشته و سر کوب میشد، بیشتر دانشمندان باین کار می پرداخته‌اند. از آغاز سدهٔ دهم که تعصبات مذهبی راه هرگونه ابتکار وچون وچرا را برداشمندان بست، دامنهٔ اینکار گسترش یافت، تاآنجا که میتوان این دوره را سده‌های حاشیه‌نگاری نامید. دراین دوره دانشمندان بنگاشتن حاشیه برخود کتاب بسنده نکرده حاشیه برحاشیه تاچند پشت مینگاشتند، چنانکه «تجرید» خواجهٔ طوسی (م۶۷۲ق) را قوشچی (م۸۷۹ق) گزارش نگاشت، وجلال دوانی (م۹۰۷ق) حاشیه‌یی برآن نگاشت وبه «حاشیهٔ گپه» نامبردار شد، وچون دانشمندان همزمان وی براین حاشیه، پیرایه بستند، وی حاشیه‌یی بنام «حاشیهٔ نوین» نگاشت، وچون دوبارهٔ ایشان پاسخ نگاشت دوانی سومین حاشیه را بنام «حاشیهٔ نوتر» نگاشت. پس از مرك دوانی، غیاث‌الدین جمشید بارها حاشیه برحاشیه‌های دوانی نگاشت. وهمچنین دوانی حاشیه‌یی برتهذیب المنطق تفتازانی (م۷۹۲ق) نگاشت، وابوالفتح شریفی (م۹۷۶ق) برحاشیهٔ دوانی، وغیاث‌الدین برحاشیهٔ شریفی، وشیروانی برحاشیهٔ غیاثی، حاشیه نگاشته‌اند. وهمچنین است نزدیك صدحاشیه وپیرایه که برتلخیص بسته‌اند ودرص(۳۵۰-۳۵۵) از آنها یاد کردیم. صاحب ذریعه(۱۳۸۶ حاشیه) بر ۳۰۸ کتابرا در ج۶ ص۷ تا ۲۳۱ ذریعه یاد کرده است.

حاشیه ها را دردورهٔ صفویان تاپایان قاجاریان میتوان بسه دسته بخش کرد:

I حاشیه بر کتابهای ادبی و کلاسیك: شمارهٔ آنها بسیار ودرآنها متن را گزارش داده، واستدلالهای بیجا بنفع نگارندگان متنها آورده‌اند، و کمتر با نقادات پرداخته‌اند.

مانده درصفحهٔ بعد

های فراوان دیده میشود، تاآنجا که کتاب «غررالفرائد» اورا که بشعر تازی وپر از غلطهای نحوی و صرفی میباشد و چندین بار چاپ شده است، سید هبة‌الدین اصلاح کرد واز غلطهای آن بکاست وجداگانه چاپ کرد. گویا حاج ملاهادی حاشیهٔ سیوطی را برای آنکه تمرینی درنحو و صرف کرده باشد بخامه آورده است. حاجی درشعر فارسی نیزدست داشت واسرار تخلص میکرد. دیوان اسرار سبزواری در ذریعه (ج۹-ص۷۲) یادشده. شرح گزارش زندگی او در مطلع الشمس و ریاض العارفین و ذریعه آمده است و دراز ترین گزارش زندگی او را مرتضی

مانده از رویهٔ پیش:

II حاشیه بر کتابهای مذهبی: وآنها دودسته‌اند الف- اصول دین و کلام که بیشتر با فلسفه پیوند دارد، حاشیه براین گونه کتابها گزارش متن است واستدلال برای درستی آن، وابتکار درآنها دیده نمی‌شود. و کسی که میخواست گفتار نگارندهٔ متن را پاسخ گوید غالبا بحاشیه‌نگاری بسنده نمیکرد، و کتاب جداگانه دربارهٔ آن مینگاشت.

ب- فروع دین، ودستورهای عملی مذهب: حاشیه‌های این گونه کتابها کوتاه و «فتوا» نام داشت ومجتهدان بدان وسیله نظر خود را که با نظر نگارندهٔ متن دگرگون بود آشکار میکردند. این فتواها (حاشیه‌ها) را مقلدان (عوام و بی سوادان) فقط در زندگانی حاشیه‌نگار که مفتی ومرجع تقلید ومجتهد نام داشت بکار می بستند وپس از مرك نگارنده بی ارزش بود، چه بکاربستن دستور اتمرده (تقلید میت) روانیست. دراین گونه حاشیه‌ها نگارنده دلیل خود یادنکند وفقط رأی خودرا بنگارد واز زمانی که چاپ درخاورمیانه رواج گرفته، بجای اینکه این حاشیه‌ها را در کرانهٔ رویه های «رسالهٔ عملیه» نویسند آنها را بصورت غلطنامه مانندیك کتابچه جداگانه چاپ می کنند.

III حاشیه بر کتابهای منطق وفلسفه و کلام: چنانکه میدانیم در پایان روزگار تیموریان اندك جنبشی در افکار فلسفی وعرفانی پدیدار گشت، وتا اندازه‌یی حق کنجکاوی واظهار نظر بدانشمند داده شد دردورهٔ حاشیه‌نگاری فلسفه ومنطق نیز بدین روش دچار گشت همینکه کتابچه‌یی درفلسفه نامور میگردید، حاشیه‌ها وپیرایه‌ها ازهمه‌جا بسوی آن میبارید، وطرفداران وی بابخشهای خودرا بصورت حاشیه برحاشیه‌های ایشان مینگاشتند وچه بسا حاشیه‌ها که بعنوان داوری (محاکمات) میان حاشیه‌نگاران نگاشته میشد. برخی ازحاشیه‌ها پس ازنگارش دریك‌جا بصورت کتاب درآمده وجداگانه چاپ شده وبرخی در کرانه رویه‌ها مانده، وبهمین صورت نیز چاپ شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مدرسی چهارده‌ی درمجلهٔ «جلوه» آورده است. مرگ اسرار در ۲۸ ذیحجهٔ ۱۲۸۹ق درسبزوار بوده است.

آغاز: الحمدلله فاتح ابواب‌الخیرات... قوله: احمدك اللهم بعدالتیمن...

[۱۲٤]

۱۵۸ نسخه بخط نسخ. پایان آن افتاده. تاریخ ونام نویسنده ندارد. انجام آنچه هست: درباب (مفعول‌له) ... قوله: ظرفیة اوشبهها. فهانه لیس‌لنا ظرف‌غیرمتصرف ..

عنوانها باشنگرف است.

ازاین نسخه در ذریعه ج۶ص۲۹ نام برده است.

(۱۵۱ر-س) کتابخانه آثارمهر، فرهنگی قدیم‌ریاك، جلدتیماج‌حنائی بی‌نام.

اندازه: ۲۲×۱۶٫۳ و۹۱ر۷، ۱۹سطر.

[۱۱۱] حاشیهٔ علی‌اکبر یزدی برسیوطی (فارسی)

یك حاشیه برسیوطی در(ص۳۷۱) یاد شد. دومین‌حاشیه براین کتاب، که در این کتابخانه هست حاشیهٔ علی‌اکبر پسر عبدالکریم یزدی‌است که‌بفارسی‌برآن نگاشته، ولی نارسا وبدعبارت است.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین، والصلاة ... اما بعدفیقول‌العبد المسکین ... علی اکبربن عبدالکریم الیزدی که چون شرح الفیه مشهوراست بسیوطی کتابی‌است مطلوب ...

انجام: وتشدید باء موحده وقت واول چیز. الشباب بالفتح جوانی.

نگارنده‌را نشناختم، وشایدشاگرد شیخ زین‌العابدین‌مازندرانی در کربلاباشد که‌در (۱۲۷۵ق) تقریرات درس وی‌را نگاشته است (ذریعه ج٤:ص۳۸۲).

[۱۲۵]

۹۳۵ نسخه بخط نسخ بد، نویسنده عبدالحسین پسرمحمد مهدی پسرحاج محمد اسماعیل پسرمحمد ابراهیم پسر عارف ربانی... محمد صادق اردستانی پسرمحمد قاسم پسرمحمد مهدی پسرپیر کمال پسر پیرجمال (این‌نسب‌نامه دوبرگ(۵۸ لف. دیده میشود) درتاریخ(۱۲۷۵ق) نوشته شده. نویسنده برخی حاشیه ها نیز بر

این کتاب نگاشته است. و درحاشیهٔ برگ(٤پ) میگوید: (من‌استفادات آبی: محمد مهدی). ومهراو(عبده‌الراجی‌عبدالحسین)دربرگ(۱۰ — الف) دیده میشود. دربرگ (۱۷۶—ب) درپایان کتابپروی‌نام نویسنده باخامهٔ‌دیگری افزوده‌شده: «وعبدالصالح» گویاعبدالحسین‌وعبدالصالح‌پسران محمدمهدی بوده‌اند وبدستوریدر درجوانی‌سرگرم نوشتن این‌نسخه شده‌اند. دربرگ (۱ — الف) نوشته شده: کتبه این‌جناب علامی آقا محمدمهدی: آقا عبدالحسین سلمه‌الله.

عنوانها تابرگ۱٤۸ شنگرف شده وپس ازآن سفید مانده است. تصحیح شده وافتادگیها در کرانهٔ رویه‌ها دیده میشود. بدرون جلد نوشته‌شده: مصالحه کرد ملا عبدالحسین ...

(۱۷۶ر-س): کتابخانه آثارمهر، فرهنگی قدیم‌ریاك، جلدتیماج‌حنائی بی‌نام.

اندازه: ۱۵٫۴×۲۱ و۱۵٫۴×۷٫۸، ۲۱سطر.

[۱۱۲] حاشیهٔ جرجانی برمطول (معانی‌بیان‌عربی)

چنانکه در (ص۳۵۰) دیدیم «مفتاح‌العلوم» سکاکی (ز-۵۵۵-۶۲۶) را خطیب‌قزوینی کوتاه کرده «تلخیص المفتاح» نامیده، ونزدیك صدحاشیه وشرح برتلخیص‌وشرحهای آن نگاشته شده،و یازدهمین آنها شرح بزرگی میباشد که تفتازانی(م۷۹۲)بنام«مطول»درتاریخ(۷۵۶)برای‌آن نگاشته‌است، وبراین‌شرح وحاشیه‌های آن نیز حاشیه‌های بسیار نگاشته شده، وچهل واندی از آنها در (ص۳۵۰-۳۵۵)یادشد. یکی از حاشیه‌های مطول که اکنون در آن گفتگوداریم حاشیهٔ میر سید سیدشریف جرجانی (م۸۱۶ق) است که گزارش زندگیش در (ص۳٤۶-۳۵۰) یادشد. این حاشیه که (۷۰۰۰ بیت نوشته) دارد نزد دانشمندان معروف وبحث گذارده‌شد، وحاشیه‌هابرآن نگاشتند، وپنج حاشیهٔ آن درهمانجا یاد شد. حاشیهٔ میرسیدشریف در۱۲٤۱ق و۱۲۸۹ق و۱۳۱۰ق دراستانبول وچند بار نیزدرایران گاهی جداگانه وگاه در کرانهٔ مطول چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله رب... اما بعدفهذه حواشی علی‌الشرح المشهور لتلخیص المفتاح، کنت قدقیدتها علیه مجملة‌حال‌ماقرئه علی‌بعض احبتی‌فسألونی بعدامد...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۲۶]

۱۰۵۶ نسخه بخط نستعلیق باختری نزدیک بخط ترکی نویسنده محمد پسر حاجی عمر، در تاریخ آخر رمضان ۸۶۴ نوشته شده در دفتری جادارد (بر گ ۱ تا ۱۲۳) آنرا گرفته واز آن جانا (بر گ ۱۹۹) حاشیهٔ خطایی را نوشته است. عنوانها در نسخهٔ دوم سفید مانده. افتادگیها را در کرانه نوشته‌اند. و حاشیه‌ها نیز بامضای (خسرو) و(منه) دارد. در بر گ ۲ و ۳ غزلهائی از (سید) نوشته شده‌است.

(۱۴۳ بر ۳۰) کاغذ احدی رلك، جدفرسوده، بود توسط کتابخانه تجدیدشد. لیقاج زرد متوالی صحافی فرانکی.

اندازه: ۸ر۱۱×۱۸ و ۹×۱۴ر۵، ۱۹- ر-

[۱۱۳] **حاشیهٔ خطایی (ختایی) بر مطول** (معانی - عربی)

یك حاشیه بر مطول در (ص ۳۷۵) یادشد، حاشیهٔ دیگر که در این کتابخانه هست نگارش ملازاده نظام‌الدین عثمان ختایی است، از گزارش زندگی این مرد چیزی در دست نیست، جز اینکه چلبی اورا بدین نام خوانده و تاریخ مرگ اورا (۹۰۱) آورده، ولیکن چون نسخهٔ شمارهٔ (۱۰۵۶) دانشگاه در (۸۷۱ق) نوشته شده ودر این تاریخ نویسندهٔ نسخه برای نگارنده (خطایی) از خدا آمرزش خواسته، دانسته میشود که خطایی پیش از این تاریخ مرده‌است، بویژه اینکه میگوید: «این حاشیه‌ایست که بخطائی نسبت میدهند» واز این عبارت برمیآید که روزگار درازی ازمرگ ختایی میگذشته‌است. ومیتوان حدس زد که چلبی (۸۰۱) را بغلط (۹۰۱) نوشته است

و چون نام «خطای = ختای» در «معجم‌البلدان»، و نسبت «خطایی = ختایی» در انساب سمعانی نیامده ابن یوسف در فهرست سپهسالار (ج ۲ ص ۴۰۶) وبدرم در دریه (ج ۶ ص ۷۰) گمان کرده‌اند این واژه غلط است و خطایی [خ ط ط ب] درست میباشد. ولی این گمان بیجا است وخطایی معرب ختایی، نسبت بشهر ختای ترکستان است (۱) وچندتن از شاعران ایران «خطایی» تخلص دار ندمانند

(۱) نام این شهر وچگونگی جغرافیائی آن در کتاب نزهة‌القلوب مستوفی آمده، داستان ستیزهای وزیر خطایی ومیراحمد بناکتی دووزیر قوبلای قاآن (قبلاقان) پسر تولی‌خان پسرهولاکو، وجنك این دو وزیر درشهر خطای در دستورالوزراء ص ۲۶۳-۲۶۶ آمده است.

شاه اسماعیل صفوی خطایی، وخطایی سمرقندی (۱) وخطایی سرایندهٔ «یوسف زلیخا» (۲) وخطایی یزدی (۳) وخطایی ایرانی ساکن گجرات (۴). باری این مرد یك حاشیه بر «مختصر» و یك حاشیه بر «مطول» (۵) دارد. حاشیهٔ «مختصر» تابخش «تعریف مسندالیه بضمیر» است یعنی فقط یك پنجم کتاب «مختصر» را گزارش داده ونزدیك (۲۵۰۰ بیت نوشته) دارد. ودر ۱۲۵۶ق و ۱۲۶۵ق و ۱۲۸۶ق در کلکته چاپ شده است، ولی از حاشیهٔ وی بر مطول (جای گفتگو) فقط یك نسخهٔ درست بشمارهٔ (۵۷۵) در کتابخانهٔ «مروی» در تهران هست که در پیرامن صدهٔ دهم نوشته شده، ونسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) از آن کهنه‌تر وراست‌تر است ودر (۸۷۱) نوشته شده، ولی از آغاز آن یك برگ افتاده است، وجز این دو نسخه از این کتاب درجائی سراغ ندارم. این حاشیه نزدیك (۳۸۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: (۶) عونك یا مستعان لك اللهم الحمد والسنة وعلی رسوله [لك] وآله واصحابه الصلاة والتحیة (قوله) افتتح کتابه بعد التیمن بالتسمیه ...

انجام: قوله: فان لفظة ماوان کان یعم الذکور، یعنی انه وان کان عاما لکن خصصه الحکم ... بطریق الکنایة لایلزم ان یکون تخصیصها بالذکر بل یجوز ان یکون باعتبار ... ان مطلوبها هو الذکر وهو لیس بمذکور صریحا والله اعلم بالصواب. تمت الحواشی المنسوبة الی ...

(۱) مجالس النفائس ص ۴۷ و ۲۲۰.

(۲) دانشمندان آذربایجان ص ۱۳۷.

(۳) مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۱۰۸.

(۴) صبح گلشن (ص ۱۵۲).

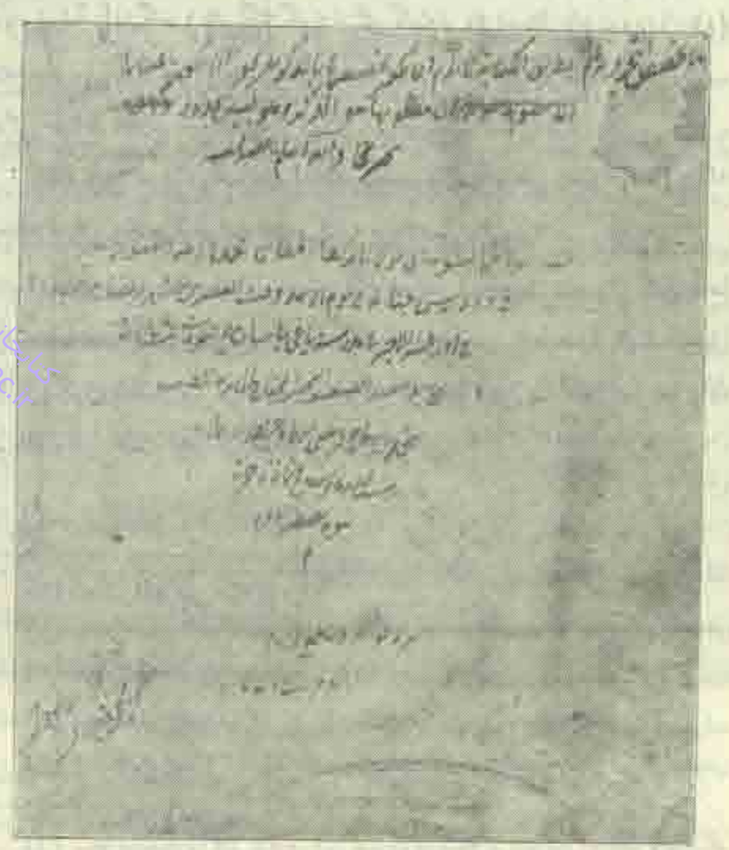
(۵) چنانکه در ص ۳۵۱ یادشد مختصر و مطول دوشرح‌اند که تفازانی بر تلخیص نگاشته است.

(۶) نسخهٔ دانشگاه آغاز ندارد. این عبارت از نسخهٔ مروی آورده شد، وچنانکه دیده میشود نادرستی دارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۲۷]

۱۰۵۶ نسخه بخط نستعلیق باختری (نزدیك بخط ترکی) نویسنده محمد پسر حاجی عمر. درتاریخ هشتصد وهفتاد ویك(۸۷۱ ق) نوشته شده، و در این هنگام ازمرگ نگارنده دیری گذشته بوده است، چنانکه میگوید : تمت الحواشی المنسوبة الی مولانا زاده الخطابی تغمده‌الله الغفور بغفرانه فی فرادیس جنانه فی یوم الاحد وقت العصر من شهر رمضان المبارك فی اول عشر الاخیر فی مدرسة باغی باسان من التوقات صینت عن الافات. علی یدالعبد... سنة احدی وسبعین وثمانمایة هجریة مصطفویة .



(۱۷) برك (۱۹۹ب) نسخهٔ ۱۰۵۶ دانشگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عنوانها را سفید گذارده تاشنگرف گذارد ولی نتوانسته وسفید مانده است .

دردفتری جادارد. ازبرگ۱۲۷ تا۱۹۹ را گرفته وبیش از آن ، حاشیهٔ میرسید شریف برمطول نوشته شده است.حاشیه‌ها بامضای (المولا بااحمدالجیلانی) وچاربردی و(خلخالی) و(منه رحمه‌الله) دارد.

همه دفتر (۲۰۰برگ) این کتاب(۷۶ برگ) کاغذ لخدی. جلد توسط کتابخانه تجدیدشده قهاج زرد عنوانی .

اندازه : ۲۰×۷برگ ۱۳ و۱۸×۱۳ ؛ ۱۹ تا ۲۱ سطر.

[۱۱۴] حاشیهٔ ملاعبدالله یزدی بر حاشیهٔ خطابی (معانی ـ عربی)

ملاعبدالله یزدی شهابادی پسرشهاب‌الدین حسین ازدانشمندان ومدرسان ادب وعلوم کلاسیك سدهٔ دهم است. او ومیرزاجان باغنوی شیرازی و ملا احمد مقدس اردبیلی سه‌تن باهم نزد جمال‌الدین‌محمود شاگرددوانی (م۹۰۸ق) درس خوانده‌اندولی اردبیلی براه‌فقه وزهد رفت‌ودوتن دیگربراه ادب گام برداشتند، حاشیه ها که‌این دوتن بر کتابهای کلاسیك روزگارخویش نگاشته‌اند تا چند صدسال درشمار کتابهای درسی بوده است وبیشتر آنها درذریعه (ج۶) یاد شده است. مرگ‌ملاعبدالله درءاحسن‌التواریخ» (۹۸۱ق)یادشده، ودر کشف‌الظنون بغلط (۱۰۱۵ق) آورده است .

یکی از نگارشهای ملاعبدالله این حاشیه است که بر حاشیهٔ خطابی بر مختصر نگاشته وچون‌خطابی فقط تاباب « تعریف مسندالیه بضمیر » از کتاب «مختصر» را حاشیه نگاشته ، ملانیز بهمین بخش بسنده کرده وبدیگر بابهای مختصر کاری نداشته است. همهٔ این حاشیه (۳۰۰۰ بیت نوشته) دارد . وچنانکه خود درپایان گوید : در (۱۷ ذیحجه۹۶۲ق) در مدرسهٔ منصوریهٔ شیراز پایان یافته است .

آغاز: حمداً لمن خلق‌الانسان وعلمه‌البیان وشکراً لمن ... واله مصابیح العرفان ومفاتیح الفرقان . قوله : نحمدك اللهم الاصل بالله . حذف ...

انجام : اما فی تفسیرالاول وامافی تفسیرالثانی حتی لایفوت ذلك‌الحق .

هذا والمرجو من الله حسن الخاتمة ... وقد اتفق الفراغ عن تعليق ماوسمه المجال...

[۱۲۸]

۹۷۵ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده در پایان کتاب نیامده. ودر برگ (۱-ب) در سر آغاز نوشته شده: «هذا الکتاب حاشیه ملاعبدالله علی حاشیة الخطایی بخطه» پس باید بخامهٔ خودنگارنده؛ ملاعبدالله یزدی باشد، ولی دراین نسبت سخت تردید است. چه در برگ (۱٤-ب) حاشیه‌یی بخامهٔ متن دیده می‌شود که امضای آن «منه رحمه الله» است. وباز باهمین خامه در برگ (٤٦پ) حاشیه بامضای محمدابراهیم هست. نسخه تصحیح شده‌وافتادگیهادر کرانه‌رویها دیده‌می‌شود. در پشت برگ (۱-الف) یادداشت «الکیت سیدحسین پسرمحمد نصیرحسینی دراصفهان سال ۱۱۷۹» وسیدابوالقاسم موسوی شهیر بسیدآقا، ومهر کتابخانه شیخ العراقین دیده می‌شود. ودر (گ ۱ - ب) یادداشت عبدالنبی پسرمحمد رفیع مازندرانی هست:

عنوانها با شنگرف است.

(۷۶ ر۳)کاغذ ترمه قمدی. جلد تیماج حنائی. متوالی ۲۰ورق. تیماج پر.

اندازه: ۹×۱۶ و۵×۹٫۱۰ : ۱۷ سطر

[۱۱۵] حل المعضلات (عروض-عربی)

درعلم عروض وقافیه، نگارنده آنرا برای خود نگاشته یاکدیباچه ودو بخش ویک خاتمه دارد. دردیباچه گوید چون استاد عبدالکریم کتابچه کوتاهی دراین مسئله نگاشت کسی ازمن خواست اندکی باز تر کتابی سازم.

آغاز: الحمدلله الذی اکمل صنع مکنوناته، واصبغ نعمته علی بریاته ...

انجام: فکتبت هذا المختصر واثبت فیه ما علی الضمیر القاصر خطر ...

درپایان کتاب، تاریخ نگارش آنرا، دوشنبه جمادی دوم سال ۱۲۷۰ق آورده است.

نگارنده: میرزا رفیع الدین نظام العلماء پسر میرزا علی اصغر پسرمیرزا رفیع پسرمیرزا ابوطالب وزیر پسرمیرزا سلیم نائب الصدارة طباطبائی تبریزی است. او درخاندان اشراقی در (۱۲۵۰ق) بزاد، ودر (۱۳۲۶ق) درگذشت از کودکی دانش آموخت ودرشانزده سالگی (۱۲۶۶ق) کتاب «ترجمة الادب» را(۱) ودر

(۱) ذریعه ٤: ۷۶

بیست سالگی حل المعضلات (جای گفتگو) را بنگاشت، ودر آغاز آن خودرا بنام محمد رفیع پسرعلی اصغر تبریزی خواند، ولی در آغاز سدهٔ چهاردهم او از دانشمندان بنام بود، ولقب نظام العلماء گرفت، ونسب خودرا در پایان کتاب مجالس نظامیه، بسیدعلی شاعرپسر محمدپسراحمدپسرمحمدپسراحمدرئیس پسرابراهیم طباطبا میرساند.

آثار او: آداب الملوك، ج ۱۳۲۰ق، اسرار الشهاده، ج - انیس الادباء، ج ۱۳۱۵ق تحفة الامثال ج ۱۳۱۱ق، التحقیقات العلویه، ترجمة الادب ج، تشریح التقویم، جواهر الاخبار، مجالس نظامیه، ج ۱۳۱۹ق، مقالات نظامیه ج. گزارش زندگی وفهرست نگارشهای دیگرخود را دراین دو کتاب که درپایان زندگی نگاشته، آورده، واز آن دردریعه نقل شده است.

[۱۲۹]

۲۲۹ نسخه بخط نسخ. نویسنده مهدی پسرعلی نقی، در تاریخ (رجب-۱۲۷۵ق) پنج سال پس از نگارش بدستور نگارنده وبانظر او نوشته شده ومهر او در پایان آن نهاده شده است. عنوانها باشنگرف وهمهٔ رویها بازر وشنگرف است. لاژوردجدول بندی شده است. دائره‌های بحرهای عروضی را باشنگرف وسیاه کشیده نسخه تصحیح شده‌دارای حاشیه‌هایی است که گویا بخامهٔ نگارنده باشد.

(۵۰ ر۳) کاغذ جلد تیماج مشکی یک لا.

اندازه: ۱۱×۱۷

[۱۱۶] حلیة الطلل (معما-فارسی)

درهنر معماسازی. نگارش عبدالرحمان جامی است که اندکی از گزارش زندگیش در (ص۱۸۶) یادشد.

وی آنرا بسال (۸۵۶ق) بنام میرزا ابوالقاسم بابر(۱) درسی ونه سالگی نگاشته است. این کتاب کهن ترین نگارشهای جامی وبزرگترازسه کتاب دیگراوست

(۱) پادشاه هرات وخراسان (م-۸۶۱ق) که خودنیز شعر میسرود، وبابر تخلص میکرد (مرآت الخیال ص۶۹).

که دربارهٔ این فن نگاشته. وی این کتاب را در برابر «حلل مطرز در معما و لغز» از ملاشرف‌الدین علی یزدی (م-۸۵۸ق) نگاشت، و در آن کتاب او را نیز ستوده است. این کتاب یک «افسر» و سه چهار «عقد» دارد، و هر یک دارای چند «سمط» میباشد. و برای نام بخشهای کتاب نامها و اصطلاحهای گوهر فروشان را بکار برده است.

آغاز: بعد از گشایش مقال بستایش خجسته مآل دانائی که معمای حقیقت انجام ... تمام شد تسوید این بیاض ... بردست ... عبدالرحمان بن احمد جامی ... لسنة ست و خمسین و ثمانمایة.

معماهای دیگر جامی در (حرف د) بعنوان دستور معما یاد خواهد شد.

[۱۳۰]

۱۰۴ این نسخه در دفتر بست که بعنوان کلیات جای یاد شد. از روبة (۱۴۹۱) تا روبة (۱۶۱۷) آنرا گرفته. خط نستعلیق. نویسنده محمد باقر پسر حاج محمد شریفی. در تاریخ ۹۶۲ تا ۹۶۶ نوشته شده است. دیگر خصوصیات این نسخه در (ص۱۹۱-۱۹۲) یادشده است.

[۱۲۷] الحلل فی شرح ابیات الجمل (نحو-عربی)

دو کتاب در نحو عربی «الجمل» نام دارد. یکی از عبدالقاهر جرجانی (م-۴۷۴ق) و دیگری از ابوالقاسم عبدالرحمان پسر اسحاق زجاجی (م-۳۳۹ق) و این دو کتاب به «جمل جرجانی» و «جمل زجاجی» نامبردار گردیده‌اند و در سکویان علوم ادبی، بر هریک شرحها، حاشیه‌ها و گزارشها نگاشته و پیرایه‌ها بسته‌اند. چلبی در کشف‌الظنون یازده شرح برای «جمل جرجانی» و ۲۴ شرح برای «جمل زجاجی» (۱)

۱) کسان زیر «جمل زجاجی» را گزارش داده‌اند:
۱) ابوالقاسم حسین پسر ولید معروف بابن عریف طلیطلی (م-۳۹۰).
۲) ابوالفتوح ثابت پسر محمد جرجانی اندلسی (م-۴۳۱ق).
۳) خلف پسر فتح قیسی مشکلات آنرا گزارش داده.
۴) ابوالعلاء احمد پسر عبدالله معری (م-۴۴۹ ق) شعرهای گواهی او را گزارش

بقیهٔ حاشیه در صفحهٔ بعد

یاد کرده‌است. یکی از کسانیکه بر جمل زجاجی شرح نگاشته؛ ابن‌سید بطلیوسی میباشد، وی ابومحمد عبدالله پسر محمد پسر حسن بطلیوسی بلنسی، فقیه مالکی است که در بطلیوس (۲) از شهرهای اندلس (اسپانیا) در (۴۴۴ق) بزاد و در

مانده از صفحهٔ پیش:
داده «عون الجمل» نامیده است.
۵ - طاهر پسر احمد معروف بابن باشاذ نحوی (م۴۵۴ق).
۶ - اعلم شنتمری، ابوحجاج یوسف پسر سلیمان نحوی (م۴۷۶ق).
۷و۸ - ابن‌سید بطلیوسی (م-۵۲۱ق) (جای گفتگو) دو کتاب دارد.
۹ - ابوالحسن علی پسر احمد پسر باذش غرناطی نحوی (م۵۲۸ق).
۱۰ - ابوعبدالله محمد پسر علی پسر حمیدهٔ حلبی (م-۵۵۰ق).
۱۱ - ابوالعباس احمد پسر عبدالجلیل تدمری (م-۵۵۵ق).
۱۲ - ابن‌خشاب عبدالله پسر احمد بغدادی نحوی (م۵۶۷ق) ابن باشاذ را باسخ نگاشته.
۱۴و۱۳ - ابوبکر محمد پسر عبدالله عقری فرطبی (م-۵۶۷ق) سیوطی گفته است: این مرد دو شرح (بزرگ و کوچک) بر جمل نگاشته، و من ندانستم بر جمل جرجانی یا زجاجی نگاشته است (کشف‌الظنون).
۱۵ - ابوالقاسم عبدالرحمان پسر عبدالله سهیلی (م-۵۸۱) شرحی ناتمام نگاشته.
۱۶ - علی پسر قاسم پسر دقاق اشبیلی (م-۶۰۵ق).
۱۷ - علی پسر عبدالله وهرانی (م۶۱۵ق) شعرهای گواهی آنرا گزارش نگاشته.
۱۸ - ابوموسی، عیسی پسر عبدالعزیز جزولی نحوی (م-۶۷۷ق) حاشیه‌یی بر جمل دارد.
۱۹ - ابوعلی، حسین پسر عبدالعزیز قهری بلنسی (م-۶۷۹ق).
۲۰ - علی پسر محمد پسر صائغ کنانی (م-۶۸۰ق).
۲۱ - قاسم پسر محمد واسطی.
۲۲ - ابواسحاق، ابراهیم پسر احمد غافقی (م-۷۱۰ق) گزارشی بزرگ نگاشته.
۲۳ - ابن‌هشام، جمال‌الدین عبدالله پسر یوسف (م-۷۶۲ق) او نیز شواهد آنرا شرح کرده است.

۲۴ - محمد پسر علی شامی غرناطی (م-۸۱۵ق).
(۱) سید مانند عید بمعنی گرک باشد.
(۲) اکنون Badajoy نامیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بلنسیه(۱) در نیمهٔ رجب (۵۲۱ق) در گذشت. در بلنسیه زندگی میکرد و درس میگفت و بخوش بیانی معروف بود. مستعین پسر هود(۲) داستایش سرود. و یک بار شاه بر او خشمگین گشته، دارایش را بغارت داده است(۳) او را برادری بنام ابوالحسن علی بن سید معروف بحیطال از دانشمندان بود و در (٤۸۸ ق) در دژ «رماح» درزندان در گذشت.

آثار وی: ۱ـ المثلث: واژه‌ها که سه گونه خوانده شود: ۱۲۲ واژه با یك معنی و ۶۸۰ واژه با معنیهای گوناگون در آن یادشده. واز مثلث قطرب بهتر است.

۲ ـ الاقتضاب فی شرح ادب الکتاب ابن قتیبه چ ـ مصر.

۳ ـ شرح سقط الزند دیوان ابوالعلاء معری و آن بهتر از شرح خود ابوالعلاء است که «ضوء السقط» نام دارد.

٤ ـ کتاب پنج حرف «سین، صاد، ضاد، طاء، دال» در تفسیر واژه‌های دشوار

۵ ـ الخلل الواقع فی الجمل در شرح جمل زجاجی.

۶ ـ الحلل فی شرح ابیات الجمل (جای گفتگو).

۷ ـ شرح جمل جرجانی.

۸ ـ التنبیه در اسباب اختلاف میان مسلمانان که بنام الانصاف فی التنبیه علی الاسباب. در مصر چاپ شده.

۹ ـ شرح الموطاء.

۱۰ ـ شرح دیوان متنبی.

۱۱ـ المسائل المنثورة در نحو. چلبی در کشف الظنون یك شرح بر جمل جرجانی و یکی بر جمل زجاجی و یك شرح شواهد جمل (جای گفتگو) بدو نسبت داده است روش او در این کتاب چنین است که شعر را که در جمل بگواه آمده تفسیر میکند وشعر پیش وشعر پس از آن را و گاه همهٔ چکامه را میآورد وهمهٔ آنرا شرح میکند وبدرازا میکشاند چنانکه در گزارش شعر زیر:

(۱) اکنون Valenle نامیده شود.

(۲) احمد پسر یوسف ملقب به مستعین دوم (ش٤۷۸ تا ۵۰۳) هفتمین پادشاه سلسلهٔ تجیبی هودی که از ۴۱۰ تا ۵۳۶ ق در سرقسطه Zaragoza اسپانیا حکومت کردند.

(۳) معجم المطبوعات ص۵۶۹ بنقل از دیباجة المثلث نسخهٔ دست نویس.

سامضی للذی قالوا بعزم و لاأبغی لذلکم قداحا

داستان استخارهٔ عرب را باقدحها که بر آن «افعل = بکن» و «لاتفعل = نکن» نوشته بود آورده است (برگ ۷۷ ـ ب نسخهٔ ٤ ـ ۲ دانشگاه).

آغاز: الحمدلله الذی علمنا مالم نکن نعلم وفضلنا ... قال ابومحمد عبدالله ابن محمدبن الحسن [بن السید(۱)] البطلیوسی رحمه‌الله: لما فرغت من الکلام فی [اصلاح(۲)] الخلل الواقع فی کتاب الجمل اردت ان اتبع ذلك الکلام فی اعراب ابیاته ومعانیها ومایحضر فی من اسماء قائلیها. وغرضی ان اصل بکل بیت منها مایصل به لیکون ابین لغرض قایله ومذهبه ...

انجام: ولم یذکر انه للفرزدق ولم اجد هذا البیت فیما طالعت من شعر الفرزدق فاقف منه علی حقیقته. تم الکتاب بحمدالله ...

[۱۳۱]

۲۰٤ نسخه بخط نسخ نزدیك بثلث سدهٔ ششم، نام نویسنده ندارد. در کنار (پایین دست چپ) برگ (۸۲ ب) تاریخ (۵۲۶) دیده میشود. عنوانها وشعرها را با خامهٔ ثلث ودرشت وسیاه نوشته، شعرهای جمل را درشت‌تر ودر سر اسر سطر وشرح آنها را ریزتر نوشته است. عنوانها را با شنگرف نیز آمیخته است. در سده های پسین تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده، و حاشیه های نویسی بامضای (صدرالدین موسوی) بر آن نوشته‌اند. روی برگ (۱ـ الف) نوشته شده: «من کتب مولانا المتوکل علی‌الله رحمه‌الله التی لارسم فیها، ولها حکم ذکره فی وصیته». صدر الافاضل (دارندهٔ پیشین نسخه) زیر آن چنین نوشته:

«شاید مقصود احمدبن سلیمان بن محمدبن مطهر بن علی بن ناصربن هادی ملقب بمتوکل «ازائمهٔ زیدیه باشد، که وفات او را ۵۵۶ نوشته‌اند».

(۸۳ برگ) کاغذ نخودی، جلد مقوا ـ روبه ابری له پارچه زرد.

اندازه: ۱۸ × ۴۴ و ۱۱ × ۱۸، ۳۰ سطر

(۱) این واژه در کرانه رویه افزوده شده است.

(۲) این واژ نیز در کرانه افزوده شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۱۸] حمد و شکر (رساله...) (عربی)

کتابچه‌ایست درمعنی دو واژهٔ حمد وشکر وجدائی آنها درلغت ونسبت‌میان آنها دراصطلاح فلسفی. نگارنده: شناخته نشد و شاید همان نگارندهٔ تبصرة الصبیان باشد که‌در(ص ۳٤۰)یادشد.

آغاز: الحمد لواهب العطایا والجود والشکر له... وبعد فهذه‌فواید متعلقة‌علی تحقیق معنی الحمدوالشکر ...

انجام: واذا اردت الاطلاع علیها بالسهولة فعلیك بالنظر الی هذه الدائرة ختم‌الله لنا بالحسنی ...

ودراینجا نویسنده چنین افزوده است: دائره راحقیر ندیدم ودرنسخهٔ‌اصل‌نبود. همه کتابچه (٦۰بیت نوشته) دارد.

[۱۳۲]

۱۸۰ نسخه خط نستعلیق. دردفتری جا دارد. برگهای (۵۲و۵۳) را گرفته است. دیگرخصوصیات نسخه در(ص۳٤۰) آمده است.

[۱۱۹] الخلاصة (نحو-عربی)

کتابچه‌ایست منظوم‌بحر رجزعربی که‌وزن آن سه‌مستفعلن میباشد، دردستور زبان‌عرب وچون‌هزاربیت‌شعردارد آنرا «الفیه» نامیده‌اند. سراینده: جمال‌الدین ابوعبدالله محمد پسرعبدالله طائی‌جیانی معروف باین‌مالك است، که در(٦۰۰ق) دردمشق بزاد، وزد سخاوی وحسن پسرصباح وابن عربی ونووی علم‌آموخت ودرهمین شهر بسال(٦۷۲ق) درگذشت و درصالحیه بخاکش سپردند. گزارش زندگی‌اودرفوات‌الوفیات، طبقات‌سبکی، المنهل‌الصافی، بغیة‌الوعاة، نفح‌الطیب شذرات‌الذهب، روضات‌الجنات مفتاح‌السعاده، تاریخ آداب‌اللغة جرجی زیدان دیده میشود. دربغیة‌الوعات ۳۳ نگارش بدونسبت داده ودرمعجم‌المطبوعات‌نام ۲۸تای‌آنها را در یك شعرآورده که ٦ تای‌آنها چاپ شده است وجرجی‌زیدان

نسخهٔ‌سیزده‌تای‌آنرا نشان میدهد. یکی ازمشهورترین کتابهای اوالفیه است که مدتها درهمهٔ خاورمیانه کتاب درسی بوده ونزدیك‌صد شرح وحاشیه برآن وبر شرحها وحاشیه‌هایش‌نگاشته شده‌است. وخوداین‌مالك نیزشرحی برآن‌نگاشته، بنامترین‌شرحها، ازآن ابن‌ناظم، وسیوطی(۱)وابن‌عقیل،وابن‌هشام است(۲)نام شرحهاوشرح‌نگاران در کشف‌الظنون، وروضات دنبال‌نام «ابن‌ناظم»(ص۲۰۳) وذریعه (ج٦) یاد شده است.

آغاز: قال محمد هو ابن مالك احمد ربی‌الله خیر مالك.

انجام: وآله‌الغرالکرام البررة و صحبه المنتجبین الخیرة

از هزار بیت این کتاب ۹۱۳ بیت درنجو و۸۷ بیت درصرف است.

چاپهای الفیه: بولاق۱۱۵۱و۱۲۵۳در۵۳ص. «مدارس» چ‌سنگی۱۲۹۰، چ «محمد ابوزید» بامنظومهٔ عبدالله شبراوی۱۳۰٦ در۸۸ص، وهمانجا ۱۳۰۷در ۷٤ص، چ «بارونیه» ۱۳۰۸، چ «حسنیه» ۱۳۲۵، چ «میمنیه» مکررهمراه مجموعه درسالهای ۱۸٦۳م و۱۸٦٤م و۱۸۷۸م. چ باشرح سیلوستردوساسی دربارس ۱۸۳۳م چ باترجمه فرانسه دراستانبول(قسطنطنیه)۱۸۸۷م. چ باترجمه ایتالیائی ازوتو(۳) کنسول ایتالیادربیروت۱۸۹۸م، چ باشرح گوگیه(٤)فرانسوی.بیروت ۱۸۸۸م (۳۵۳ص). چ بولاق باشرح عبدالمجیدشرنوبی ۱۳۱۹ ق.

[۱۳۳]

۵۲۱ این نسخه تنها نیست بلکه درضمن شرح مرادی براین کتاب است که خصوصیات آن در (حرف‌ش) این‌فهرست خواهدآمد.

[۱۲۰] دستور شعرا (عروض-فارسی)

کتابچه‌ایست درعلم شعر،بریك پیشگفتاروسه گفتار (مقاله) ویك خاتمه

(۱) ص ۲۷۱ و ۳۷٤ دیده شود.
(۲) ص ۳٤٤ - ۳٤۵ دیده شود.
(۳) E. vitto
(٤) A. Goguger خاورشناس (م ۱۸۸۷م).

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بسیج شده است. پیشگفتار درتعریف شعروشاعر، گفتاریکم علم عروض، گفتار دوم قافیه، سوم بدیع، خاتمه دردزدیهای شعری، نگارنده: امانی مازندرانی، ملامحمد یکی ازشاعران سدهٔ یازدهم است که مستر یروان مرگ اورادر (۱۰۶۱ق) دانسته(۱)است، وی این کتابرا در(۱۰۴۸ق) دراصفهان بنام شمس الملة والدولة والدین میرزا محمد تقی نگاشته ودردیباچه اورا صاحب السیف والقلم و دستور اعاظم الوزرا، فی العالم خوانده است. ودراینجا نام خود و نام کتاب وفهرست آنرا نیزیاد کرده است.

آغاز: ستایش وافر، کاملی راسزد که بارگاه سپهر نیلی چهررا(۲) ...

انجام: چنانکه دانستی، وازجملهٔ سرقات نیستند. تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی تاریخ سنة ثمان واربعین بعدالالف من... فی مدرسة من مدارس اصفهان...

[۱۳٤]

۱۲۷ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نام نویسنده وتاریخ ندارد. لیکن پیداست که بدستور نگارنده برای پیش کش بمحمدتقی که کتاب رابرای وی نگاشته نوشته شده است. وبنابراین درسنهٔ سدهٔ یازدهم نوشته شده. همهٔ رویه‌ها لاژورد وزر جدول‌بندی شده. آغاز نسخه افتاده. آغاز آنچه هست: خاطر قریب وغریب مطاوع و مشاکل آسان ... اما بعدچنین گوید فقیرحقیرجانی محمدمازندرانی المتخلص بامانی که درزمانی که این کمینه بتحصیل علوم ...

عنوانها باشنگرف، روی عنوانهای درجهٔ دوم خط شنگرفی کشیده، دایره‌عروض نیز باشنگرف است.

(۱۱۵برص) کاغذ کرمه نخودی. جلدتیماج میزمقوائی.
اندازه: ۹×۱۹٫۵ و۵×۱۲٫۵، ۱۴سطر.

[۱۲۱] **دستور اللغة** (عربی وفارسی)

دراین کتاب یك‌دورهٔ ازآنچه برای دانستن زبان‌عرب دوسدهٔ پنجم لازم‌بوده

(۱) تاریخ ادبیات براون ج٤-ص۱٦۷ و۱۷۲.

(۲) ازآغازنسخه دانشگاه یك برگ افتاده است، واین آغازرا ذریعه ازروی نسخهٔ رضوی آورده‌است. ذریعه‌ج۸ص۱٦۱وفهرست مجلس (۱۲٦:۳)دیده شود.

گردآمده است. خود کتاب در لغت عرب است ویك پیش گفتار ویك پایان‌نامه دردستورهای نحووصرف‌زبان عربی دارد گفتارها بیشتربعربی است‌ولی برخی اروازه‌هارا بزبان‌فارسی گزارش‌داده دربخشهای دستوری بسیاری ازقاعده‌هارا درجدولها نگاشته‌تا ازبرداشتن آنها آسان گردد. بخش لغت بشمارهٔ حرفهای الفبا، بیست وهشت کتاب وهر کتاب درازده باب دارد. نام کتاب دربایان دیباچه در(برگ۳٦- الف) نسخهٔ ۱٤ دانشگاه «الخلاص» آمده وچند بیت دربارهٔ آن سروده که آغاز آن چنین است:

کتاب الخلاص کتاب به خلاص النطنزی یوم الحساب

ولی چون درآغاز دیباچه آنرا بدستور اللغه موصوف داشته، نزد مردم بدین‌لقب نامبردار گشته است پس ازپایان۲۸ کتاب لغتنامه، نام ماهها وروزهای هفته‌وقانونهای دستوری آورده است(۱)همهٔ این کتاب (۷۵۰۰بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی ابدع العالم بقدرته وخص بنی آدم... وبعد فهذادستور اللغة العربیة ... حررهاالشیخ الادیب ... النطنزی ... لمجلس فلان (۲) خاصة وللمسلمین عامة. وقال‌قسمته علی ثمانیة‌وعشرین کتاباً ... و کل کتاب اثنا عشر باباً وفسرت بعضها بالعجمیة‌الظاهرة وبعضها بالعربیة السائرة ...

وپس ازپایان‌پیش گفتار در(برگ۳٦-الف) گوید وسمیته بکتاب‌الخلاص لخلاصه من کل لفظ و کلام معتاص ...

انجام: گرچه زخاك دست نطنزی‌شود تباه
یك چند یادگار بود زو خط سیاه

(۱) دربارهٔ حرفها که ویژهٔ زبان فارسی است شش‌حرف پ چ ژ گ ف خو، را برشمرده است.

(۲) درنسخهٔ سپهسالار بجای‌فلان چنین آمده: للمجلس الشریف النظامی لازال قصر عمره عامراً... ودرفهرست دارالکتب العربیه‌مصرج۲-ص۱۳ گوید: الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی، ابن یوسف‌درفهرست سپهسالار ازاین‌دو نسخه چنین داشته که نطنزی کتابرا برای‌خواجه نظام‌الملك(م٤۸۵ق) نگاشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آنکس که این بخواند اورا دعا کند

یارب عفو کنش بقیامت همه گناه

نگارنده : بدیع الزمان ابوعبدالله حسین پسر ابراهیم نطنزی(م۴۹۷ ق)(۱) وچون بزبان تازی وپارسی شعرمیسرود ونثرمینگاشت اورا ذواللسانین لقب دادند . چندبیت ازشعروی دربغیة الوعاة سیوطی آمده،ودر کتاب دستوراللغه‌نیز بیتهائی که خود دربارهٔ دستورهای زبان سروده آورده است. سیوطی در بغیة ص۲۳۱ گوید کتابها درادب‌دارد، ولی نام‌هیچیك نیاورد. اعتصام‌زاده درفهرست مجلس ص۲۷۲-۲۷۴ کتابی بنام «مرقاة» بدونسبت داده است .

نسخه‌های دستوراللغة

I نسخهٔ فخرالدین نصیری. درربیع‌ب۷۵۴ دراردبیل نوشته‌شده ودراین‌هنگام نگارنده زنده بوده است .

II نسخهٔ دهخدا که در۲۴شعبان۸۹۲ نوشته شده وپیش ازدهخدابدست فرهاد میرزاوسپس بدست لطفعلی صدرالافاضل بوده است .

III نسخهٔ کتابخانهٔ خوانساری درنجف در۹۶۵ نوشته شده .

IV نسخهٔ شمارهٔ ۱۴۰ دانشگاه(جای گفتگو) که در۱۰۰۲ نوشته‌شده

V نسخهٔ سپهسالار که در۱۲۶۲ق نوشته شده .

VI نسخهٔ مجلس که در(...) نوشته شده است .

VII در کتابخانهٔ دارالکتب‌العربیهٔ مصرنیز نسخه‌ئی هست .

[۱۳۵]

۱۴۰ نسخه بخط نسخ نزدیك بنستعلیق . نویسنده شخص پسرملا خواجه‌خواص، درتاریخ۲۳ شعبان۱۰۰۲ نوشتن آن پایان‌یافته. برخی عنوانها باشنگرف وروی دیگران خط شنگرفی کشیده، فاصله‌ها همه باشنگرف است. حاشیه‌ها با امضای

(۱) چنین است درانساب سمعانی (م۵۶۳ق) ولی سیوطی (م۹۱۱ق) دربغیة الوعاة پس‌ازنقل این‌تاریخ ازاین‌جماعه ، گوید: ولی اودرجمادی دوم‌سال۴۹۹ق درگذشت . وچلبی نیز گفته سیوطی‌را پذیرفته است .

(مشهدی)و(برهان) و(مهذب)و(صحاح) و(ورق) و(کنز)و(مصباح‌المنیر) و(قاموس) دارد. پشت برگ یکم شعری درجدائی دال ودال وچیزهای دگرنوشته شده. کتابدر برگ۲۲۵ پایان یافته ودربرگ۲۲۶ پند واندرز نوشته شده .

(۲۲۶برگ) کاغذ‌قدیمی‌رنگ . جلدپماج مشکی مقوائی فرسوده.

اندازه: ۱۹/۵×۱۳ودر۱۴×۸/۵ ۱۸سطر.

[۱۲۲] دستورمعمای‌دوم(۱) جامی (چیستان-فارسی)

چیستان(احجیه، معما، لغز)نوعی وازه‌بازی است . که‌برای سنجش‌هوش مردم بکارمیبرده‌اند، چنانکه در یك عبارت جزمعنی آشکار وسادهٔ آن ، معنی دیگری پیچیده ، وفهم‌آنرا بوسیله قاعده های ویژه، ازشنونده میخواستند .

الف - احجیه: درآغاز، اینگونه پرسشها فقط درعلوم ادبی ودستورهای زبان عرب بکارمیرفت، واژه‌هائیرا که بظاهر بادستورصرف‌آن زبان ناسازگار بود، وجمله‌هائیرا که بادستورنحو عرب سازش نداشت میپرسیدند، وبا یافتن راه حل وپاسخ درست شنونده‌را می‌آزمودند، وآنرا احجیه‌می‌نامیده‌اندو کتابهادر بارهٔ‌آن نگاشتند . یکی‌ازآنها بنام «تنویرالدیاجی»در(ص۳۵۵) یاد گردید(۲) .

ب - لغز: ولی ازسدهٔ نهم پس، مردم که بباطنی گری عادت کرده‌بودند ازمعنیها آنچه‌را که پیچیده‌تر و پنهان‌تردرجمله بودمقدس‌تر و گرامی‌ترمیداشتند، وازعبارتها هرچه را گنگ‌تر و نارساتر میبود محترم ترمیشمردند . وازاین روی عبارتهای دورو‌وتفسیرپذیر وقابل تأویل‌رواج بسزا گرفت، ادیبان ازیک‌جمله جزمعنی آشکارآن، معنی دیگری بوسیلهٔقرینه ونشانها میخواستند و گاه یک معنی درجهٔ دوم بسنده نکرده معنی سوم و چهارم و ... از همان جمله بیرون میآوردند وچه بسیارخوشود میشدند اگربرای جملهٔ خویش مانند قرآن‌هفت بطن میتراشیدند .

(۱) نخستین دستورمعمای جامی درص۳۸۱ بعنوان حلیة‌الخلل یادشده.

(۲) شیخ بهائی‌نیز احجیه‌هائی‌برای نحو عربی داره که چون سادگی احجیه‌های باستانی نبود وبلغزهای پیچیدهٔ روزگاراو بیشترمانند است،آنرا لغزنامید ومانیز آنرا در(حرف‌لام) خواهیم‌آورد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چ- معما: وچون حروفیان سدهٔ هفتم بیس حرفها و نامها را دارای اثر میپنداشتند و بزرگترین نامهای خدا «اسم اعظم» را دارای تأثیر نامحدود میشمردند و همواره برای یافتن آن درمیان جمله‌های دعاها و حرفها و واژه‌ها درجستجو بودند، اینك اینك برای بیرون کشیدن یك نام از جمله قانونها ساخته، و بدین ترتیب دستورهای معماسازی پدیدار گشت. وچون این قانونها بدست ادیبان غیرازدستهٔ حروفیان افتاد آنها را تکمیل کرده و در ادبیات غیرمذهبی بکار بردند چنانکه نام معشوق و یا ممدوح خودرا بادستورهای مخصوص درشعری میگنجانیدند. واین کاررا بآنجا رسانیدند که شریف معمائی در تفسیر یك شعر:

ازقد و ابرو بدید آن ماه چهر　　موج آب دیده‌ام بالای مهر

که خود ساخته بود، یك کتاب نگاشت وهزار نام ازاین شعر بیرون آورد، و آنرا در (۹۰۸ق) در یك دیباچه وبیست وهشت گفتار ویك پایان‌نامه بسیج کرد. ودربارهٔ آن خودچنین سرود:

بیتی که یك کتاب بود در بیان او
معلوم نیست گفته کسی غیراین ضعیف
کرده شریف تعبیه در وی هزار نام
زانرو ملقبست به «الغیة الشریف»

جدائی معما ازلغز:

ازآنچه گفتیم دانسته میشود که: اگر از چیستان پدیده‌یی بخواهند که خود بخودباشد آنرا لغز دانند(۱) واگر نام چیزی یا کسی خواسته شود معمایش نامند(۲) معماسازی درسدهٔ نهم رواج بسیار گرفت بیشترشاعران آن روزگار معماهای بسیارسروده ومعماهای دیگرانرا بررسی کرده، قانون ودستورهابرای اینکار گرد

(۱) چلبی دربارهٔ لغز گوید: ان یکون المراد من الالفاظ، الذوات الموجودة فی الخارج.
(۲) درآغاز کتابهای جامی ومیرحسین، معمارا چنین تعریف کرده‌اند: معما کلامیست که دال باشد براسمی ازاسما بطریق رمز وعدم اشتراط نظم بنابرآنست که درشرایع واقع است ... ولی برخی منظوم بودن را نیز شرط کرده‌اند.

آوردند. چلبی در (حرف م) کشف‌الظنون چندتن ازمعماسازان را یاد کرده ومن آنها را باآنچه درتذکره‌ها دیده‌ام اینجا میآورم:

- علی کر: کتابچه یی در معما داشته، و سرودی آنرا در (۹۵۵ ق) بترکی شرح کرده است.
- میرحسین معمائی: شاگرد جامی. که دو شرح بردستور معمای او در این کتابخانه هست وخواهد یادشد.
- جامی: (۸۹۸۴ق) چهار کتابچه درمعمی دارد. (جای گفتگو)
- شفیعی: ضیاءالدین اردوبادی دستورمعمای میرحسین را شرح کرد(۱)
- صابونی: عبدالوهاب، نیزمعمای میرحسین را شرح کرد. و کتابی دیگر نیز بساخت.
- سیفی بخاری: که در ص ۲۴۴ یاد شد کتابی در معما در یك دیباچه وچهل قاعده وچند تنبیه نگاشت، ودرپایان نامه معماهای شرف‌الدین یزدی را بافشانی (الف) وجامی را بانشانی (ع) وحاجی ابوالحسن اندجانی را بانشانی (لام) بیاورد.
- حقیری: ملاشهاب‌الدین پسر نظام‌الدین که درتذکرهٔ نصرآبادی ص۵۰۹ ومجالس‌النفائس ص۷۰و۲۳۹ یادشده است کتابی در۱۴۶ بیت درمعما بسال۹۱۸ سرود، ونسخه‌یی ازآن در مجلس هست (فهرست مجلس ۳: ۱۳۲).
- ذوالنون حکیم. کتابی درمعما بساخت.
- میرعلی‌شیر (۹۰۶ق) کتابی درمعما دارد.
- فضولی بغدادی. نیز کتابی دارد.
- نیازی: ابراهیم. نیز کتابی بساخت.
- لامعی برسوی: محمودبن‌عثمان(۹۳۸ق) اوراست شرح منظومهٔ معمائی اسماءالله‌الحسنی که ۹۹ بیت است ونسخهٔ آن درمجلس هست (۳: ۱۳۲و۱۲۷).

(۱) در کشف‌الظنون چاپ یکم استانبول شفیقی آمده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ بلندی‌ادونه‌یی : (م۱۰۳۵ یا ۱۰۲۹ق) کتاب میرحسین‌را شرح کرد .

ـ نوندا کی (یوندا کی) : محمد پسرعلی نیزشرحی بفارسی برآن نگاشت وبسلطان عبدالعزیزبهادر پیش کش کرد . نسخه‌اش درمجلس‌هست (۱۲۹:۳)

ـ خواجکی بلخی : شرحی بر کتاب معمای میرحسین نگاشت .

ـ ملا احمد : کتابی دردستور معما ساخت وبه‌مصطفی‌بیك دد(۹۰۸) درشهر بوسنه پیش کش کرد (ذریعه ج۸ : ص۱۶۷) .

ـ بدخشی: کمال‌الدین محمد چند رساله درمعما ساخته که درشرح رسالهٔ‌میر حسین ودرمجالس‌النفائس(ص۹۵و۲۷۱) ازاویادشده‌است، ونسخهٔ آن درمجلس هست (فهرست ج ۳- ص۱۳۰) .

بدیعی‌اندجانی ، یوسف‌شاگرد صفائی . کتابی درمعماداردد (مجالس النفائس ص۴۸و ۲۲۲) .

نصرآبادی درپایان تذکرهٔ خود که دردههٔ نهم ازسدهٔ یازدهم نگاشته ، دو بخش ترتیب‌داده ودربخستین آنهاشاعران: الف- تاریخ سراب- لغز گو، چیستان‌سا سازرا نام برده ، ودربخش دوم تاریخها ولغزها ومعماهـای شاعران ناشناس را گرد آورده است. ومجموعاً ازشانزده‌شاعرلغزآورده، واز هفتاد وپنج‌تن معما یاد کرده است . وزوی همرفته نزدیك سیصد معما ولغز گردآورده است .

چنانکه دیدیم یکی‌از بزرگترین ادیبان‌سدهٔ نهم،جامی نیزبمعماسازی‌پرداخته وچهار کتاب‌دراین‌باره‌نگاشته‌است. گزارش کوتاه اززندگی‌جامی‌در(ص۱۸۶- ۱۹۳) یادشد، ویکی‌ازچهار کتاب اودرمعما بعنوان«حلیةالحلل» (ص۳۸۱-۳۸۳) یاد شد .

جای گفتگوی ما اکنون دومین کتاب جامی درمعما است که درنسخهٔ شمارهٔ ۱۰۲دانشگاه ، متوسطه ـ میانه ، نامیده‌شده است . جامی دراین کتاب نیزمانند نخستین معمای خود ، حلیةالحلل ، دستورهای معما را درسه بخش ، تسهیلی ،

تحصیلی ،تکمیلی، آورده است(۱) . این کتاب جامی برخلاف دیگر کتابهای‌وی دیباچه‌ندارد،وآنرابکسی پیشکش‌نکرده ، ونام خود نیزدرآغاز نیاورده است .

آغاز:

ای اسم تو گنج هر طلسمی — قانع ز تو هر کسی باسمی

هم اسم تـولی و هم مسمـا — عاجز شده عقل ازاین معما

معما کلامیست موزون که دلالت کند براسمی ازاسما بطریق...

انجام : وچنانکه دراسم برهان :

برد جامی رەسوی دربان عجب رمزی شنید

کامد از فکرت در آن نام دلاوائی پدید

[۱۳۶]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا . دو تاریخ ۹۶۲ تا ۹۶۶ نوشته شده . در دفتری جا دارد که درص۱۹۱ یادشد. ازص۱۶۱۷ تاص ۱۶۶۵ آنرا گرفته است دیگرخصوصیات نسخه درص۱۹۱ یادشده است .

[۱۲۳] **دستور معماء سوم جامی** (چیستان- فارسی)

سومین کتابچهٔ‌جامی درمعما که دراین کتابخانه هست ، از دوبرادرپیشین کوچکتر واز چهارمین بزرگتراست، درآغاز نسخهٔ این کتابخانه ،رسالهٔ صغیرهٔ معماء نامیده شده است . چنانکه ازدیباچهٔ‌آن برمیآید؛ سبب نگارش این کتاب آن بوده است که‌غزل‌زبررا درستایش سلطان حسین میرزا بایقرا بمعما ساخته :

شهری نهاده روی براه تـو جانفشان

بهر نثار مقدمت افشانده جـان روان

(۱) حلیةالحلل یك‌اقـر ومه عقد ویك خلخال دارد «اقمر» درتعریف معما است عقد نخست کارهای تسهیلی چهارسمط دارد :

۱ـ انقاد ۲ـ تحلیل۳ـ ترکیب٤ـ تبدیل .

عقد دوم دو کارهای تحصیلی ، هشت‌سمط دارد :

۱ـ تنصیص و تخصیص ۲ـ تسمیه ۳ـ تلمیح ٤ـ ترادف و اشتراك ٥ـ کنایت ٦ـ تصحیف ۷ـ استعاره وتشبیه۸ـ حشو . عقدسوم‌در کارهای تکمیلی ،سه‌سمط‌دارد:

۱ـ تألیف ۲ـ اسقاط ۳ـ قلب .خلخال در کارهای تذییلی .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تا آنجا که :

جامی بنعل توسن تو کان مه نواست تا سود سر ، رسید سر او بآسمان

واین جمله‌هارا از آن خواسته‌است «شاه ابوالمعالی سلطان حسین‌خان بهادر مدالله تعالی ظلال جلاله‌علی‌العالمین . آمین» وبرای نشان‌دادن آن این کتابچه‌را نگاشته است. وی دراین کتاب برخلاف سه کتاب دیگر، پایه‌معمارا برچهار بخش نهاده : تسهیلی ، تحصیلی ، تکمیلی ، تذییلی .

آغاز:

بنام آنکه نام او زاسما بود پیدا چو اسما ازمعما

انجام:

در شکل پری چو بینم او را پیدا

از مکررقیب‌دیو سیرت چه‌خلل(۱)

این کتابچه درپیرامن ۵۰۰ بیت نوشته دارد .

[۱۳۷]

۱۰۲ نسخه بخط نستعلیق دردفتری جادارد که درص۱۹۱ یادشد . ازص۱۶۶ تاص۱۷۱۳ آنرا گرفته است. عنوانها باشنگرف. دیگرخصوصیات دفتر درص۱۹۱ یادشده است .

[۱۲۴] دستور معما چهارم جامی (چستان-فارسی)

سه کتاب جامی در معادر ص۳۸۱ و ۳۹۱ و۳۹۵ یاد شد چهارمین کتابچهٔ او منظومه نیست. که در این باره سروده است . وی در این کتاب پایه معماسازی را برخلاف کتاب سوم و مانند کتاب ۱و۲ برسه پایه نهاده است . درذریعه این کتابچه‌را «دستور معماء صغیر» نامیده است ، وروی نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۲ دانشگاه نوشته شده «رسالهٔ منظوم مولانا جامی ره در علم تعمیه» .

(۱) پایان نسخهٔ دانشگاه افتاده.واین انجام نسخه نیست که درذریعه ص۱۶۷ج۸ یاد شده است .

آغاز:

چو از حمد وتحیت یافتی کام بدان ای درمعما طالب نام

که اعمال معمائی سه‌قسم‌است که‌هریك گنج‌اسمار اطلسم‌است

یکی اعمال تحصیلی که ازوی بتحصیل حروف آرد خرد پی

دوم آنها که درتکمیل صورت بود صاحب معمارا ضرورت

سوم اعمال تسهیلی که داتا زوی گردد برآن باقی توانا

این منظومه در ۶۷ بیت است .

[۱۳۸]

۱۷۲ نسخه بخط نسخ. تاریخ و نام نویسنده ندارد. حاشیه‌های بسیار بامضای (۱۲) و(م-ج) و(من رسالة مولانا جامی فی علم التعمیه) و جز آن دارد. شعر هارا درسطرهای دوراز یکدیگر نوشته وحاشیه‌هارا درمیان آنها گنجانده است . در دفتری جادارد وبرگهای ۸۸و۸۹ آنرا گرفته است. وپیش وپس از آن (در این دفتر) دوشرح بر کتاب معمای میرحسین نوشته شده، وخط و کاغذ هریك ازاین سه کتاب با دیگری دگرگون است . پایان نسخه افتاده وفقط ۵۷ بیت دارد. پایان آنچه هست چنین است : بیان اعمال تکمیلی :

چوشد اعمال تحصیلی مکمل بتکمیلی کنم آن را مدلل

بود اعمال تکمیلی سه اسلوب که‌شرح‌یك‌یك‌امریست‌مطلوب

همه دفتر ۱۸۳ برگ . این کتابچه ۳ برگ ، کاغذ نخودی الرك . جلد لیقاج خالی‌مذهبی اندازه : ۱۴×۱۸٫۵ و۶٫۶×۱۵٫۵

[۱۲۵] سرمهٔ سلیمانی (۱) (فرهنگ-فارسی)

دراین کتاب واژه های دشوار فارسی که کمتر در گفتگو بکار میرفته ، گردآمده است، وخود دردیباچه بدین‌معنی اشارت دارد. ودر آن نامهای تاریخی

(۱) سرمهٔ سلیمانی وسرمهٔ اصفهانی ،سرمه‌ایست که‌ازسنگی معدنی بدست‌می‌آوردند وکان این‌سنگ دراصفهان ومصر یافت‌میشده . تحفهٔ حکیم مؤمن و مخزن‌الادویه در واژهٔ «آنمد» وبرهان‌قاطع درواژهٔ «سرمهٔ‌خاك‌بین» دیده‌شود . وگویا نسبت‌سلیمان برای مبالغت درسودمندی‌آن بوده، وآنرا بسرمهٔ افسانه‌ئی مانند کرده‌اند که سلیمان پادشاه بهود فلسطین وبخسرو پرویز پادشاه ساسانی نسبت میداده‌اند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وجغرافیائی و نام برخی ازدارو های یونانی نیز دیده میشود. دردیباچه نام نگارنده ونام کتاب را آورده است ...

آغاز دیباچه : (از نسخهٔ (۱۲۲) دانشگاه افتاده است).

آغاز حرف الف : باب الالف مع الالف ؛ آدم پیرا : مرکبیست از اسمای الهی ومرشد کامل را نیز توان گفت ...

پایان آنچه در نسخهٔ ۱۲۲ دانشگاه هست : باب الیاء مع الزا . یاز : درختی بود که ببالد. گویند یازید ، دست بچیزی دراز...

وی کتابرا بسی ودو بخش بزرگ بشمار حرفهای الفباء پارسی وتازی در آغاز واژه‌ها ، بسیجیده وهربخش بزرگ بسی ودو بخش کوچکتر بترتیب حرف پایان واژه‌ها بسیجیده است .

نگارنده : تقی الدین محمد اوحدی بلیانی پسر سعدالدین محمد واعظ حسینی دقاق کازرونی اصفهانی است، که درچهارشنبه سوم محرم سال ۹۷۳ در اصفهان زاده ، و بدربار شاه طهماسب یکم صفوی (۹۳۰ - ۹۸٤) وشاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۹٤) ومحمد خدابنده (۹۸۵-۱۰۰۳) وشاه عباس یکم (۱۰۰۳-۱۰۳۸) پرورش یافته وزندگی گذرانیده، خاندان وی خود را از فرزندان او حدالدین ابوعبدالله بلیانی صوفی (م-۶۸۰ق) که جامی ایشانرا یاد کرده است(۱) میدانسته‌اند، واولقب اوحدی ازاین نسبت بخود گرفته، ولقب بلیانی نسبت بجائی است که اکنون فقط یك دیه کوچك در هشت کیلومتری جنوب کازرون از آن بجامانده است . نصرآبادی بغلط بلیانی را لنبانی نوشته ونسبت بلنبان اصفهان پنداشته است(۲) تقی اوحدی در (۱۰۰۵) بهند رفته وتذکرهٔ «عرفات العاشقین» را در (۱۰۲۳ق) درآنجا نگاشته که (۷۰۰۰۰ بیت نوشته) دارد . ودر (۱۰۳۰) آنرا کوتاه کرده و «عرفات» نامیده، وبهمین سال در گذشته است . این مردرا نباید با همزمان وی

(۱) نفحات الانس چ ۱۹۱۵م نولکشور ص۲٤۳ .
(۲) تذکرهٔ نصرآبادی چ۱۳۱۷ ش ص۳۰۳ .

تقی کاشی صاحب تذکرهٔ «خلاصة الافکار» اشتباه کرد .

[۱۲۵]

۱۲۲ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد . آغاز وانجام آن افتاده است : آغاز آنچه هست چنین است: بلغت أهل تحقیق عبارت از اعیان ثابته ومحیط و مرکز صاعده وهابطه ... سپس نام نگارنده ونام کتاب آمده و پس ازسه صفحه دیباچه ، کتاب آغاز شده است. واژه‌ها باشنگرف نوشته شده و گزارش باسیاهی، واژه هائی نیز پس از نوشتن نسخه در کرانه افزوده شده ، وچنین نماید که در روزگار نگارنده درسدهٔ یازدهم نوشته شده‌است . تصحیح شده و افتادگیها نیز در کرانه نوشته شده است .

(۱۵۸ برگ) + ۴ برگ سفید . کاغذ نخودی . جلد لیتاج مشکی مقوائی فتاری نه‌رسوده . اندازه : ۱۰×۱۸ و۵×۱۳٫۴ : ۱۶ سطر .

[۱۲۶] شرح الفیهٔ ابن مالك (نحو-عربی)

الفیه ابن‌مالك در (ص۳۸۶) بعنوان خلاصة یادشدوچنانکه گفتیم شرحهای بسیار دارد، یکی از آنها که بشرح مرادی نام‌بردار است دراین کتابخانه هست ودراینجا یاد میگردد. روش این شرح چنانست که یکی یادو بیت از الفیه را آورده وآنرا گزارش نموده بیت دیگررا میآورد. وگاه یك بیت را نیز شکسته وپاره‌های آنرا جدا جدا شرح میکند .

آغاز : قال الشیخ الامام... بدرالدین حسن بن قاسم تغمده الله برحمته: الحمد والشکر له وصلواته علی اشرف نبی أرسله ... وبعد فهذا توضیح ...

انجام : حکاهـا فی الیواقیت وانشد علیها عان بآخراهـا طویل ثم ختم الکتاب بحمدالله ...

نگارنده : ابومحمد بـدرالدین(۱) حسن پسر قاسم پسرعبدالله پسر علی مصری أسفی معروف بمرادی وابن ام‌قاسم است، چنانکه اش ام‌قاسم از نخستین زنان

(۱) لقب وی در کشف الظنون شمس الدین یاد شده ولی در نسخهٔ جای گفتگو (شمارهٔ ۱۵۲) دانشگاه وهمچنین در بغیة الوعاة بدرالدین آمده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دانشمند مصر بشمار است وزهراء نام داشته است. مرادی از دانشمندان نحو و لغت بوده ودر فقه نیز نامبردار است، از ابوعبدالله طنجی وجزری نحوراء واز شرف مقبلی مالکی فقه را، واز مجدالدین اسماعیل شوشتری قرائت را آموخت. ودر روز عید فطر سال ۷۴۹ در گذشت.

آثار مرادی: شرح تسهیل. شرح المفصل. شرح الفیه (جای گفتگو) الجنی الدانی فی حروف المعانی درمصر چاپ شده است. شرح استعاذة وبسملة. گزارش زندگی اورا سیوطی در بغیة الوعاة (ص۲۲۶) از مطری در ذیل طبقات القراء آورده ودر روضات نیز آمده است.

[۱۴۰]

۱۵۲ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد. ولی از خط و کاغذ چنین می نماید که در سدهٔ دهم نوشته شده است. متن الفیه باشنگرف، و شرح را با سیاهی نوشته، عنوانها شنگرفی. بر یك چهارم آغاز نسخه حاشیه نویسی شده وحاشیه ها امضای (اجرومیه) و(قطر) و(تسهیل) دارد.

این نسخه با «التصریح بمضمون التوضیح» در یك جلد نهاده شده و برگهای (۱ تا ۱۹۷) آنرا گرفته است.

همه دفتر (۳۶۹ برگ). این کتاب ۱۹۷ برگ. کاغذ نخودی. جلد تیماج زرد متوالی
اندازه: ۱۹×۱۷، ۲۹ سطر.

[۱۲۷] شرح تلخیص المفتاح (معانی-عربی)

چنانکه در(ص۳۵۳) یادآور شدم یکی از شرحهای تلخیص که بشرح عصام نامبردار است در این کتابخانه هست. این گزارش را برخی بنام «الاطول» خوانده اند چه اندکی از «مطول» تفتازانی بزرگتر است، وبهمین نام در دو جلد در استانبول بسال ۱۲۸۴ق چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله علی کل حال، کما یستوجب مزایا الافضال.

انجام: واذق من حلاوة ثمارها الحاضرین و الغائبین آمین.

نگارنده: عصام الدین اسفرائینی ابراهیم پسر محمد پسر عربشاه حنفی اشعری است که مرگ اورا از ۹۴۳ تا ۹۵۱ نوشته اند. وی شاگرد عبدالرحمان

جامی (۸۹۸ق) بوده، وصاحب شذرات الذهب اورا از نوادگان ابواسحاق اسفرائینی (۴۱۸ق) دانسته گوید در پایان عمر از بلخ بسمرقند آمد ودر هفتاد ودو سالگی در گذشت، صاحب ریاض العلماء گوید: در پایان عمر بروم رفت ودر آنجا در گذشت برای فهرست نگارشهای او روضات ومعجم المطبوعات دیده شود.

[۱۴۱]

۲۵۵ نسخه بخط نسخ، نویسنده ابراهیم پدر بدرالدین پسر ابراهیم پسر حسن حنفی نوشتن آنرا دوپایان صفر سال هزار وسیزده پایان رسانیده است متن را باشنگرف وشرح را باسیاهی نوشته. همه رویه ها باژر وسیاهی جدول بندی شده. دوبرگ (۱۱ب) یك سر لوح باژر ولاژورد وشنگرف دیده میشود. یك برگ مقیدی شماره در آغاز نسخه هست که پر از یادگارها وتملك ها میباشد.

(۳۶۸ برگ) کاغذ ترمه احدی وللك. جلد تیماج حالی متوالی وقاری زرکوب که تیماج مشکی
اندازه: ۱۶×۲۵ در ۹×۱۷، ۲۹ سطر.

[۱۲۸] شرح دستور معمای میر حسین (چیستان- فارسی)

چنانکه در(ص۳۹۳) یادشد یکی معماسازان بنام سدهٔ نهم وآغاز دهم میر حسین معمائی پسر محمد نیشابوری است که نصرآبادی درباره وی گوید: درفن معما بجائی رسید که جامی گفت اگر میدانستم که ملامیرحسین معمائی بهم میرسد معما نمیگفتم(۱) ومیرعلی شیر دربخش (دانشمندانی که گاه شعر میگفته اند) از مجالس النفائس گوید: معمارا دونزاکت بجائی رسانید که زیاده بر آن را خیال نتوان کرد، ورسالهٔ معمای او معروفست(۲) جلبی نیز آنرا یاد کرده وشرحهایش برشمرده(۳) درتذکره های هندوستان اورا بتخلص «شفیعی» یاد کرده اند (۴) وخود او نیز در شعر این تخلص را بکار برده (۵). وی این کتاب را برای میر

(۱) تذکرهٔ نصرآبادی ص۵۰۰ (۲) مجالس النفائس ص۹۶ و۲۷۲.
(۳) کشف الظنون حرف «میم» «معما». (۴) روز روشن - ص ۳۵۱
(۵) درغزلی که در آغاز «دستور معما» درستایش میرعلی شیر سروده گوید:

سر کشانرا باشفیعی روی سوی آن درست — جسته خاك آستانهم امیر وهم وزیر

ودریك معما که در بخش «ترادف واشتراك» ازهمان کتاب آورده گوید:

ای شفیعی زدل خویش بسی خون خوردی — رفت پای دلت ازجا غم دل چون خوردی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی‌شیر سروده و در آغاز آن غزلی سروده که از راه معما نام میرعلی‌شیر (م-۹۰۶) را نشان دهد. و در این کار از جامی در «دستور معما» سوم» پیروی کرده چه او نیز در در آغاز کتاب خود غزلی سروده و نام میرزا حسین بایقرا (م-۹۱۱) را خواسته است.

چلبی گوید: کتاب میرحسین شفیعی را کسان زیر گزارش نموده‌اند (۱):

۱ - شفیعی (شفیقی) ضیاءالدین اردوبادی.

(۱) فهرست بخش‌بندی «دستور معما»ی میرحسین از روی دو شرح آن که در یک جلد بشمارهٔ (۱۷۲) در این کتابخانه هست، و خصوصیات آن در (ص۴۰۳ و ۴۰۵) یادشده، در زیر دیده میشود:

بخش	برگشمار: شرح بی‌نام	برگشمار: شرح نوئدا کی	بخش	برگشمار: شرح بی‌نام	برگشمار: شرح نوئدا کی
تعریف معما	۳	۹۵	۰ حرفی	۰	۱۵۹
بخش یکم: تسهیلی:	۳	۹۶	۰ اسمی	۰	۱۶۰
۱ - اتفاد	۳	۹۶	۰ احصائی	۰	۱۶۱
۲ - تحلیل مستقل	۱۵	۱۰۸	۰ انحصاری	۰	۱۶۲
- تحلیل غیرمستقل	۱۶	۰	۰ رقمی	۰	۱۶۳
۳ - ترکیب مستقل	۲۲	۱۱۵	بخش سوم: تکمیلی:	۰	۰
- ترکیب غیر مستقل	۲۵	۰	۱- تألیف اتصالی	۷۳	۱۶۴
٤ - تبدیل	۲۶	۱۲۰	- تألیف امتزاجی	۷۷	۰
بخش دوم: تحصیلی	۰	۰	۲- اسقاط عینی	۸۰	۱۶۸
۱ - تنصیص و تخصیص	۳۵	۱۲۸	- اسقاط معنی	۸۲	۰
۲ - تسمیه	۳۸	۱۳۱	۳ - قلب	۸۶	۰
۳ - تلمیح	۴۰	۱۳٤	بخش چهارم: تذییلی:	۰	۰
٤ - ترادف و اشتراك	۴۳	۱۳۷	تحریك و تسکین	۰	۱۷۵
۵ - کنایت	٤۶	۱٤۰	تشدید و تخفیف	۰	۱۷۶
۶ - تصحیف	۵۷	۱٤۹	مد و قصر	۰	۱۷۶
۷ - استعارت و تشبیه	۶٤	۱۵۶	اظهار و اسرار	۰	۱۷۶
۸ - احصاء:	۶۷	۰	تعریب و تعجیم	۰	۱۷۹

۲ - صابونی، عبدالوهاب.

۳ - جامی، عبدالرحمان.

٤ - سیفی بخاری.

۵ - بلتدی، ابراهیم ادرنوی (م-۱۰۳۵ یا ۱۶۲۹ق)

۶ - محمد پسر علی نوئدا کی (۱) ۷- خواجکی بلخی.

گفتگوی ما درباره گزارش نوئدا کی میباشد که نسخهٔ آن در اینکتابخانه هست. چلبی گوید: وی این کتابرا بسلطان ابوالغازی عبدالعزیز بهادر پیشکش کرده است. و چون در این کتاب از حاشیهٔ جامی و معمای شریف و دستور معمای کمال بدخشی نقل کرده آشکار میشود که در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم میزیسته. این کتابچه در پیرامن (۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد و یك نسخه درست آن در کتابخانهٔ مجلس بشمارهٔ (۸۸۱) و یك نسخه ناقص در این کتابخانه (دانشگاه) هست.

آغاز: بعد از تخصیص تسمیهٔ و تخصیص اشبه بمالك‌الملکی که ذات بیمثالش از شوائب تمثیل و تشبیه معرا است (۲).

انجام: بحصول پیوندد که منقح دو حرف اسم است و استخراج حرف اول از مصرع آخر ظاهر است. والحمدلله اولا و آخرا.

[۱٤۲]

۱۷۲ نسخه بخط نستعلیق باحتری (نزدیك بخط ترکی) نام نویسنده ندارد در تاریخ (۹۸۶) نوشته‌شده. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته‌شده. آغاز نسخه افتاده است و چون آنرا با نسخهٔ شمارهٔ (۸۸۱) مجلس که در تاریخ (۹۷٤) بخط محمد پسر سلطان حسین طوسی نوشته شده، برابر کردم در پیرامن یازده صفحه افتاده داشت. فهرست بخشهای این نسخه را در (ص۴۰۲) یاد کردم در آنجا دیده‌شود. این نسخه سومین کتابچهٔ دفتریست که:

(۱) این واژه در چاپ نخست و دوم کشف‌الظنون نوئدا کی آمده و در چاپ سوم یونداکی دیده میشود، و درست نوئدا کی است.

(۲) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده، و این آغاز نسخهٔ مجلس است، و در کشف الظنون آغاز کتاب چنین آمده: بعد از تخصیص و تنصیص ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱ـ شرح گمنامی ازدستور معمای میرحسین .
۲ـ دستور معمای چهارم جامی .
۳ـ این کتابرا دو بر داده . و برگهای (۹۰ـتا۱۸۱) آنرا گرفته است .

همهٔ دفتر(۱۸۱ برگ) این کتابچه(۹۱برگ)کاغذسمرقندی نعدی. رالنجلد. لیماج حنائی مذهّبی
اندازه : ۱۳×۱۸ر۶ و۶×۱۰ر۲ ، ۲۶سطر .

[۱۲۹] شرح دستور معمای میرحسین (چیستان ـ فارسی)

دستورمعمای میرحسین چندبن‌بار گزارش شده ، ویکی از آنهادر(س۴۰۱)یاد شده،شرح دیگری از این کتاب‌دراین کتابخانه هست که‌شارح و گزارندهٔ آن‌شناخته نیست ،واین کوچکتر ازشرح نخستین‌است.ومانندحاشیه‌فقط‌دربرخی‌جاهاعطالبی برمتن افزوده است،وآغاز آن تادوصفحه همان آغازمتن میرحسین است، و در صفحهٔ سوم، که بیت دوم غزل میرحسین را گزارش نموده ، شرح‌را آغاز کرده است . ونامی از نگارنده در آن دیده نمیشود . در برگ (۳ـپ) گوید:پوشیده نماند که حضرت مخدومی استاد میرحسین نیشابوری بمتابعت استاد خود مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی اعمال‌معما را برچهارقسم نهاده ... ، و درچند جای دیگر نگارندهٔ متن‌را بنام «ملای زمان میرحسین» یاد کرده. در برگ(۴ـالف) گوید : وچنانچه شارح علیه مایستحق گوید دراسم میرك و کافی :

ازخداهرگه که خواهم مقصد و مقصود خویش
می‌نهم برخاك آن در روی گردآلود خویش

ولی من ندانستم کدام یك از گزارندگان ودستورمعمای میرحسین این شعر را ساخته است . در برگ(۶ـپ) ازرسالهٔ کبیرجامی نقل کرده . در برگ (۲۲ـالف) از کتابچه معمای کمال‌الدین محمد بدخشی نقل کرده . در برگ(۳۰ـپ) ازعشق بازی میرحسین بایکی ازغلام‌بچگان میرعلی شیر بنام اسماعیل داستانی آورده است .

آغاز: همان آغاز کتاب میرحسین است :

بنام آنکه از تألیف و ترکیب معمای جهان را داد ترتیب

آغاز شرح : در برگ (۲ـپ) :

وقف‌شد دولت یعنی وتی، دولت مبدل شد بهی .

[۱۴۳]

۱۷۲ نسخه خط نسخ. آغاز نسخه درست ، ولی انجام آن افتاده‌وچنانکه‌فهرست آنرا در(س۴۰۲) دیدیم بخش چهارم کتاب را ندارد ، ونام نویسنده و تاریخ نیز ندارد . عنوانها باشنگرف . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است.دردفتری جا دارد که :

۱ ـ این کتاب (برگ ۱ـ۸۷) .
۲ ـ دستور معمای چهارم جامی بر گهای (۸۸ـ۸۹) .
۳ـشرح اوندا کی بردستورمعمای میرحسین (برگهای۹۰ ـ۱۸۱) را در بردارد

فهرست بخشهای این نسخه‌در(س۴۰۲) یادشده .

همهٔ این‌دفتر(۱۸۱برگ) این‌کتابچه(۸۷برگ) است.کاغذ ترمه نعدی‌رنگ.جلدلیماج حنائی.
اندازه ، ۱۳×۱۸ر۶ر۶×۱۴ر۵، ۱۹سطر.

[۱۳۰] شرح شافیه (نظام‌اعرج) (صرف‌عربی)

شافیه کتابچه‌ایست درصرف زبان عرب ودر پایان بخشی دربارهٔ دستور های نوشتن‌آورده است وهمهٔ آن در پیرامن (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد . این کتاب‌در کلکته ۱۸۰۵م ودهلی۱۲۷۸ق و۱۲۹۱ق ۱۳۳۰ق و۱۳۲۱ق و کانپور ۱۲۷۸ق و۱۸۹۱م واستانبول ۱۸۵۰م و۱۸۸۵م ومصر درمجموعهٔ بسال ۱۲۴۰ق و۱۳۰۹ق چاپ شده است. نگارندهٔ آن ابن‌حاجب، جمال‌الدین ابوعمروعثمان پسرعمرپسر ابوبکر پسر یونس مالکی است که در ۵۷۰ق زاده ودر ۶۴۶ق در گذشته‌است . پدرش حاجب ودربان امیرعزالدین موسك صلاحی بود وخود ازدانشمندان بنام گردید وتکاشته‌های اوتا چندین سده درشمار کتابهای درسی بود و گزارشها وشرح وحاشیه‌ها بر آن نگاشته‌اند .

آثار ابن‌حاجب :

۱ ـ کتابچه درفقه .
۲ ـ کتابچه دراصول.

کتابخانه عمومی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۳ - پیش گفتار در صرف بنام «شافیه» (چای گفتگو).

٤ - پیش گفتار در نحو بنام کافیه که پس ازاین یادخواهد شد. جرجی زیدان چند کتاب دیگر ازابن حاجب نشان میدهد که جای گفتگوی مانیست.

چنانکه گفتیم شافیه مدتها کتاب درسی بوده و گزارشهای فراوان دارد یکی از گزارشها که جای گفتگو است شرح نظام اعرج است، وی حسن پسر محمد پسر حسین است نیاکانش قمی و خود نیشابوری وازدانشمندان بنام سدهٔ هشتم است. وی در دانشهای کلاسیك و مذهبی روزگار خویش زبر دست بوده و کتابهای زبررا درآنها نگاشته است:

- اوقاف القرآن (تجوید). البصائر (حساب وهندسه). تفسیر التحریر (هندسه). تفسیر قرآن. توضیح التذکرة (هیئت). کتابچه‌یی درحساب که گویند خلاصة الحساب شیخ بهائی ازآن برداشت شده. شرح شافیه درصرف (چای گفتگو) غرایب القرآن. لب التأویل (تفسیر قران). مرگ نظام در (۷۲۸) بود و گزارش زندگی او درروضات وذریعه و کشف الظنون زیرعنوان نام هریك از کتابهای وی آمده است.

شرح نظام برشافیه شرحی است آمیخته بمتن دوبار درایران بچاپ سنگی پخش شده وبهترین شرحهای شافیه بشمار میرود.

[۱٤٤]

۱۵۹ نسخه بخط نستعلیق نزدیك بنسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد. متن را با شنگرف وشرح باسیاهی نوشته. عنوانها نیز با شنگرف است. اندکی حاشیه بامضای (۱۲) و(شرح آقاهادی) دارد. دوبرگ (۱-الف) یادداشتهای برخی دانشمندان مانند سیدجواد پسر کاظم پسر محسن پسر حسن اعرجی در (۱۲۳۵ق) و مانند حبیب پسر اسحاق پسر عثمان پسر محمد، باخط سیاه و نیز پسر او یحیی پسر حبیب الله فی شهور سنة تسع وخمسین وتمانمایه، بخط سرخ دیده میشود.

(۸۷ برگ) کاغذ سمرقندی نخدی. جلد یماج حنائی قشاری.

اندازه: ۱۴٫۵×۲۰؛ ۱۷ سطر.

[۱۳۱] شرح شافیه (رضی) (صرف-عربی)

شافیه در (ص٤٠٥) یادشد، دومین شرح این کتاب که در این کتابخانه هست شرح رضی استرآبادی است. نام وی محمد، وپدرش حسن، اهل استرابادو از دانشمندان بنام سدهٔ هفتم است ودر (٦٨٦ یا ٦٨٧ق) در گذشته است. شریف جرجانی اورا نجم الائمة لقب داده، وبشارح رضی نیز معروف است. از آثار او شرح شافیه وشرح کافیه ابن حاجب وشرح هفت چکامهٔ ابن ابی الحدید مشهور میباشد(۱). شرح رضی برشافیه پس ازشرح نظام معرف‌ترین شرحهای آنست. عبدالقادر پسر عمر بغدادی (ز-۱۰۳۰-م ۱۰۹۳) شواهد شرح رضی را در (۱۰۷۳ تا ۱۰۷۹) گزارش نموده وبنام خزانة الادب در ۱۲۹۹ق در بولاق بمصر چاپ شده است. خود شرح رضی نیز در تهران بسال ۱۲۸۰ق چاپ شده است.

[۱٤٥]

۲۱۵ نسخه چاپی خط نسخ محمدعلی پسر محمد حسین خراسانی که در ۱۲۸۰ در تهران چاپ شده. دارای حاشیه‌ها از آقای میرزا عبدالله نظر پاك استاد دانشکدهٔ علوم معقول ومنقول تهران بخط خود ایشان است، در چندجا سبب فروتنی حاشیه‌ها، برگی سفید افزوده وحاشیه‌ها برآن نگاشته است. این حاشیه بامضاهای (هادی) و(نظام) و(صراح) ودیگر کتابها وبرخی (یدالله) است ولی همه بخط میرزا یدالله نظر پاك میباشد.

جلد یماج حنائی هنوائی.

اندازه: ۱۷×۲۷؛ ۲۷ سطر.

[۱۳۲] شرح شافیه (هادی سقرجم) (صرف-فارسی)

شافیه در (ص٤٠٥) یادشد سومین شرح آن که دراین کتابخانه هست شرح

(۱) برای گزارش زندگی رضی مجالس المؤمنین ص۲٤٤ وامل الآمل ۲: ٦١ وروضات الجنات: ۲۸۷ وبغیة الوعاة: ۲٤۸ و کشف الظنون و کشف الحجب وذریعه و ریحانة الادب وفهرستهای رضوی وسپهسالار دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آقا هادی مترجم است . وی محمد هادی پسر محمد صالح پسر ملا احمد ساروی مازندرانی است. مادرش آمنه دختر مجلسی یکم (محمدتقی) وخواهر مجلسی دوم (محمدباقر) زنی دانشمند بوده است، خودوی نیز از دانشمندان آغاز سدهٔ دوازدهم است و کوشش بسیار برای فارسی کردن دانشهای کلاسیك روزگار خویش نموده ، وازاین روی لقب «مترجم» بدو داده‌اند . آقا هادی در (۱۱۲۰ق) دراصفهان درگذشت ودر گورستان پدرش ومجلسی بخاکش سپرده‌اند. تنکابنی درقصص العلما داستانی برای مرگ او ساخته که بسکته دچارشد و برای احتیاط بالای سراوتی در گورش نهادند وچون بهوش آمد باخدا پیمان بست که اگراز مرگ رها شود قرآنرا بفارسی گرداند وبا فریاد اورده گنران خبردار شده رهایش ساختند(۱).

آثارهادی مترجم : ترجمه قرآن . حاشیه برتفسیر بیضاوی ، حاشیه برقواعد علامه ،وشرح آن ، حدود ودیات بفارسی. شرح شافیه(فارسی) شرح شرح شمسیه. شرح صحیفهٔ سجادیه (فارسی) . شرح کافیه (فارسی) . شرح معالم (فارسی) .

هادی مترجم در شرح دیباچه گوید آنرا بفرمان نوباوهٔ بوستان حکومت وایالت ... حسین علیخان نگاشته . این شرح درایران چاپ شده است.

آغاز: الحمدلله رب ... اما بعد چنین گوید ذرهٔ بیمقدار ... محمد هادی بن محمد صالح ...

انجام : ازجهت حمل اوبر «الی» چه یا اوشریکست درمعنی انتهاء غایت. تمام شد شرح بعون ...

[۱۴۶]

۱۴۲ نسخه بخط نستعلیق ، شرف‌الدین بن زین‌الدین نائینی در تاریخ یکشنبه هفدهٔ دوم ماه دهم (ذیقعده) ازسال (۱۰۹۶ق) نوشتن آنرا بپایان رسانده

(۱) این افسانه برای طبرسی نگارندهٔ تفسیر «مجمع البیان» وبرای فتح‌الله کاشی نگارنده تفسیر «منهج الصادقین» نیز ساخته شده است . روضات ص۵۱۲ وریاض العلماء و قصص العلماء دیده شود.

است. متن را با نسخ درشت وشرح را با نستعلیق ریز نوشته. روی متن خط شنگرفی کشیده، تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نوشته شده . حاشیه‌ها بامضای (منه دامظله) و (منه سلمه‌الله) دارد که میماید درروزگار نگارنده نوشته شده است روی برگ(۱-الف) این جمله دیده میشود : قد تملك الكتاب بالاستكتاب ... ابن حاجی محمد علی ، محمد حسین الاصفهانی فی سنة(۱۰۹۶ق) وقیمت آنرا نیز نوشته است. ودوقطعه شعر، یکی در نامهای قاریان دهگانه ودیگری در علامتهای وقف، در بالای صفحه دیده میشود .

(۲۲۳ برگ) کاغذ اجدی آهار مهره شده . جلدقهوه‌ای روباه کاغذ. ته‌نمای منگی.

اندازه : ۱۷٫۴×۲۳٫۸ و ۹٫۷×۱۵٫۷ ، ۲۱ سطر.

[۱۳۳] شرح شواهد درة الدرة (نحو-عربی)

«الدرة الالفية في علم العربية» هزاربیت شعراست دربارهٔ دستورزبان عرب وآنرا ابن معطی ، ابوالحسین یحیی پسرعبدالمعطی پسرعبدالنور زواوی مغربی (زح۵۶۴-۶۲۸ق) سروده‌است. وبنام الفیهٔ ابن معطی دربرابر الفیهٔ ابن مالك (الخلاصة) نامبردار شده‌است. وآنرا گزارش وشرح وحاشیه‌ها نگاشته‌اند، که چلبی آنهارا در(حرف - الف) کشف‌الظنون یاد کرده است(۱).

ضوء الدرة: یکی ازشرحهای الفیهٔ ابن معطی است که آنرا عمر پسر مظفر پسرعمر پسر محمد پسرابوالفوارس زین‌الدین بن الوردی نگاشته . وی شاگرد شرف بارزی است وازدانشمندان فقه وادب سدهٔ هشتم مصر وحلب بشمار آید اوراست : «البهجة» و«شرح الفیهٔ ابن مالك» و «شرح الفیهٔ ابن معطی» و«اللباب» و«مختصر اللمحة» و«تذکرة الغریب» همه در نحو، و«المسائل الملقبة» فقه ، و«منطق الطیر» تصوف، ومنظومهٔ تعبیرخواب، ودیگری درسنگ و گوهرشناسی، ویک مقامه دربارهٔ طاعون سال(۷۴۹) ساخته واتفاقاً خوداو نیز در ذیحجهٔ همین سال بهمین طاعون در گذشت(۲).

(۱) الفیهٔ ابن معطی درلایپزیك بکوشش زترشتین K.V.Zettersteen خاورشناس سوئدی بسال ۱۹۰۰م چاپ شده است .

(۲) بغیة الوعاة ج۱۳۲۶ ص۳۶۵ .

شرح شواهد ضوء الدرة : برضوء الدرة نیز مانند دیگر کتابهای درسی شرح وحاشیه نگاشته‌اند. ومردی ناشناس بیتهائی را که دراین کتاب بگواه آمده‌است گردآورده و گزارش نموده‌است. دربشت جلد نسخه بدین نام نامیده‌شده‌است.

روش نگارنده چنانست که بیت را نوشته ، گوید : اما اللغة ... وپس از تفسیر واژه‌ها گوید : واما الاستشهاد ... ودراینجا دربارهٔ گواهی این شعر گفتگو کرده وسپس بشعردیگرمیپردازد. همهٔ این کتابچه (۵۷۰ بیت نوشته) دارد، وفقط چهل وهفت بیت گواهی را گزارش نموده است.

آغاز: الحمدلله الذی شرف نوع الانسان باللسان وخصه ... اما بعدفهذه فوائد لابیات الضوء...

انجام : واما الاستشهاد: فعلی ان کلمة «رب» تکون مضمرة بعده بل، کما تکون مضمرة بعدالفاء ، نحوقوله : بل بلدذی صعد ... ای: بل رب بلد. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. الحمدلله علی التمام ، وعلی نبیه السلام . حررفی بلدة ارزن الروم فی مدرسة فیضیة ... علی ید احقرالطلاب اسماعیل بن علی بن عثمان غفرلهم. آمین فی (۱۲۲۰).

[۱۴۷]

۹۴۳ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده اسماعیل پسرعلی پسرعثمان، وشایدوی نگارنده این کتاب نیزباشد . درشهر ارزنةالروم در مدرسهٔ فیضیهٔ در (۱۲۲۰ق) نوشته شده . عنوانها با شنگرف . شعرها باخامهٔ درشت وردی آن خط شنگرفی کشیده وشرح باخامهٔ ریز نوشته شده است .

این نسخه دومین کتابچهٔ دفترست ونخستین کتاب آن بنام «قافیه» خواهدآمد و کتاب های دیگر آن درفلسفه است ودرجلد سوم معرفی شده‌است .

(همهٔ دفتر (۸۹ برگ) این کتابچه (۱۰ برگ) کاغذ بسته‌یی رنگ ، آهارمهره‌شده . جلد مقوی روبه کاغذ ، له نیماج زرد .

اندازه : ۹×۱۶ و ۱۶×۲۱ ، ۳۵ سطر .

[۱۳۴] شرح شواهد مغنی اللبیب (نحو-عربی)

مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب کتابیست در نحو عربی نگارش جمال الدین

ابومحمدعبدالله پسریوسف پسر احمدمعروف بابن‌هشام نحوی انصاری خزرجی وی درذی‌قعده (۷۰۸) درمصر بزاد و نزد عبداللطیف پسر مرحل و ابن‌سراج وابوحیان وتاج تبریزی وتاج فاکهانی علم آموخت ودر (۷۶۱) درگذشت. نگارش های بسیار ازاو بجامانده ومشهورترین آنها این کتاب است که آنرا درسفرمکه بسال (۷۵۶) درهشت باب بپیجیده است :

۱- تفسیر (مفردات) واژه‌های نحوی ۲- جمله‌ها ۳- آنچه‌میان این دواست ۴- دستورهائی که بسیار بکاررود ۵- آنچه باعراب خلل وارد سازد ۶- غلطهای مشهور ۷- اعراب ۸- کلیات .

این کتاب تاآغاز سدهٔ چهاردهم هجری کتاب درسی عالی بشمارمیرفت و کارها گردپیرامن آن انجام شده بسیاراست . خود ابن‌هشام شعرهای گواهی مغنی را دومرتبه گزارش نموده که بنام شواهد بزرگ وشواهد کوچك خوانده‌میشود . جلبی در کشف الظنون چندتن ازشرح کنندگان و کوتاه کنندگان وحاشیه نگاران مغنی را یاد نموده‌است. چاپهای مغنی : در مصر بی‌تاریخ - تهران ۱۲۷۴ق تبریز ۱۲۷۶ق سنگی ، مصر ۱۳۰۲ ق حروفی ، مصر ۱۳۰۵ ق و ۱۳۰۷ ق ۱۳۱۷ ق و ۲۸-۱۳۲۹ ق .

یکی از کسانی که چندین کتاب دربارهٔ مغنی انجام داده‌اند جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (م-۹۱۱ق) میباشد که در (ص ۳۷۱) یاد او گذشت. جلبی جز شرح شواهدمغنی (جای گفتگو) وجزحاشیهٔ «الفتح القریب» دو کتاب دیگر بسیوطی نسبت داده :

۱ - «تحفة الغریب فی الکلام علی مغنی اللبیب» و تحفة الحبیب بنجاة مغنی اللبیب» ۲- نکته‌هائی برشرح شواهدمغنی . وبنابراین سیوطی چهار کتاب دربارهٔ مغنی نگاشته ولی گفتار من در شرح شواهدیست که وی برای مغنی نگاشته . سیوطی دردیباچهٔ این کتاب گوید: چون «الفتح القریب» را نگاشتم. وآنچه بایابود درآن گزاردم ، بدین اندیشه شدم که گزارش شعرهای گواهی مغنی را جداگانه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

گردآوردم و زمینه‌را تا آنجا گسترش دادم که در شرح هر بیت همهٔ چکامه را گزارش نمودم و چون دیدم این زمینه کار را بدرازا میکشاند، کوتاه آمدم و ازهرچکامه شعرهائی گزیده گزارش دادم؛ سپس نام‌بسیاری ازشرح دیوانها وشرح‌شواهدی که‌پیشینیان‌نگاشته‌اند، واواز آنهادراین کتاب آورده ،یاد کرده است. این کتاب درپیرامن (۱۲۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی فتق‌السن العرب‌العاربة بالفصاحة فکانت تجری‌بذلک ولاتجاری ...

انجام: وانشد:

ان من‌صاد عقعقا لشوم　　کیف‌من صادعقعقان‌وبوم

[۱۴۸]

۱۵۴ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی نسخه درست است، تصحیح شده وافتادگیها را درکرانه نوشته است؛ متن شعر با شنگرف وشرح باسیاهی. عنوانها نیزبشنگرفست. آغازنسخه اندکی‌حاشیه‌نویسی‌شده.

(۱۷۶برگ)کاغذ ترمه اندی‌رنگ، جلد تیماج سرخ متوالی‌فشرده‌کناره ولبه ومیانی‌شده است.

الاندازه: ۲۶×۱۷سم. ۲۱سطر.

[۱۳۵] شرح کافیهٔ‌ابن‌حاجب(شرح‌رضی) (نحو-عربی)

کافیه کتابچه‌ایست درنحو زبان عرب ازابن‌حاجب که گزارش زندگیش در (ص۴۰۵) یادشد. کافیه بنام «مقدمهٔ نحو» نیزنامیده می‌شود وچون‌مدت هفت‌سده درشمار کتابهای درسی بوده کارهای بسیار در پیرامن‌آن انجام شده وچلبی در کشف‌الظنون نزدیک صدتن راکه دربارهٔ این کتاب کاری انجام داده‌اند نام برده وصاحب‌ذریعه نیزدرجلد ششم چندشماره برآن افزوده‌است. وپیش‌ازهمه خود نگارنده (ابن‌حاجب) یک‌بار آنرا شرح کرده وبکبار بنام «الوافیه» آنرا بشعر سروده است.

کافیه درپیرامن (۶۰۰ بیت نوشته) دارد. چاپهای کافیه: رم ۱۵۹۲م. کانپور ۱۸۸۸م و۱۸۹۱م. قازان ۱۸۸۹م. تاشکند ۱۳۱۱ق و۱۳۱۲ق. بولاق۱۲۴۱ ق

و۱۲۵۵ق. و۱۲۶۲ق و۱۲۷۹ق. هند۱۲۹۱ق. و۱۳۱۹ق.

یکی ازبنامترین شرحهای کافیه شرح‌رضی میباشد. اندکی از گزارش زندگی‌رضی در(ص۴۰۷) یادشد. سیوطی دربغیةالوعاة (ص۲۴۸) دربارهٔ این کتاب گوید: کتابی درنحو مانندآن نگارش‌نیافته است. وی دراین کتاب همهٔ دستورهای نحوی وآنچه درپیرامن‌آن میدانسته، گردآورده است، این کتاب نزدیک(۳۰۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد. چاپهای شرح‌رضی: دوجلد استانبول۱۲۷۵ق. و۱۳۱۰ق. ۱۲۹۲ق دریک جلد. دوجزء. دریک‌جلد درایران۱۲۶۸ق و۱۲۷۱ق. لکهنو ۱۲۸۰ق. قازان ۱۸۸۵م و۱۸۹۶ م.

سیوطی دربغیه گوید: رضی پایان این کتاب‌را بسال(۶۸۳) یاد کرده،ولی درنسخه‌یی که صاحب ریحانةالادب دیده تاریخ پایان کتاب شوال(۶۸۶) میبوده ودرپایان نسخهٔ (۱۵۱) دانشگاه نیزاین تاریخ از کشکول شیخ بهائی نقل شده است.

چلبی گوید: میرسید شریف جرجانی حاشیه‌یی برشرح رضی نگاشته است.

[۱۴۹]

۱۵۱ نسخه بخط نسخ، نویسنده محمد پسرعمرپسرمحمد اخلاطی‌است وی‌آنرا برای خویش در تاریخ چهارشنبه (۱۱- رمضان ۸۶۷ق) نوشته است. تصحیح شده، حاشیه‌های بسیار بخامه‌های گوناگون دارد و درمیان بسیاری ازبرگها برگه‌های سفید افزوده وبرآنها حاشیه نگاشته‌اند. امضاها: (ع ل) و(ه) و (کنز) و(صحاح) و(معجم‌البلدان) و کتابهای بسیار دگرمیباشد. تصحیح‌شده وافتادگیها نیز درکرانه‌ها نوشته شده‌است. عنوانها هم درمتن وهم درکرانه باشنگرف نوشته شده است. دربرگ (۳۲۹پ) درپایان نسخه محمدعلی‌بن محمدرضا رقی‌تونی خراسانی تاریخ‌پایان‌یافتن کافیه‌رابسال (۶۸۶) ازکشکول‌شیخ بهائی نقل کرده‌است. وتاریخ‌این خط (۲۵شعبان-۱۱۳۶) میباشد، چهاربرگ درآغاز کتاب بی‌شماره است ودرآن شعرها ویادداشتها نوشته شده است.

(۳۴۰برگ+ ۴برگ)کاغذ ترمه. جلد تیماج زرد متوالی

الاندازه: ۳۶×۱۷٫۵سم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۳۶] شرح کافیهٔ ابن حاجب (شرح هندی) (نحو-عربی)

یکی از شرحهای کافیه در (ص۴۱۲) یادشد. شرح دیگر این کتاب که در این کتابخانه هست شرح هندی است. نگارندهٔ آن شهاب‌الدین احمد پسر عمر دولت آبادی هندی (م-۸۴۹ق) میباشد که بنابگفتهٔ چلبی شهرت بسزا داشته و کسانی مانند توقانی، و غیاث‌الدین منصور و کازرونی بر آن حاشیه نگاشته‌اند. وصفی پسر نصیر شاگرد این شارح، خود شرحی بر کافیه نگاشته و در آن از استاد نیکی یاد کرده است.

آغاز: آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است

انجام ... وما حذف لوجودها لکونها مقدرة فی النیة وفی حکم الملفوظ. ولیکن آخر کلامنا فی هذا الفصل.

[۱۵۰]

۱۵۰ نسخه بخط نستعلیق خاوری نزدیک بخط هندی نام نویسنده ندارد. در تاریخ (۷۸۴ ق) پایان یافته. آغاز نسخه افتاده و پیش از آخرین برگ نسخه نیز افتادگی دیده میشود. عنوانها با شنگرف. و روی عنوانهای درجه دوم خط شنگرفی کشیده، و برخی را با خامه سیاه و درشت‌تر نوشته است. نسخه آب دیده و باین و بالای رویه‌ها رنگین شده و پوسیده است. و جلدش موریانه‌زده است.

(۱۳۷ برگ) کاغذ سمرقندی جلد مقوی موریانه‌زده. برگردان دارد. تهیهٔ ایماج مشکی.
اندازه: ۱۷×۲۷ و ۱۲×۲۱ : ۲۲ سطر

[۱۳۷] شرح کافیهٔ ابن مالک (نحو-عربی)

الکافیة الشافیة نام منظومه‌ئیست در نحو که آنرا ابن‌مالک در بحر رجز سروده است، و سپس آنرا کوتاه کرده و هزار بیت آنرا بیرون آورده و «خلاصه» نامیده که در (ص۳۸۶) یادشد. خلاصه که الفیه نیز نامیده میشود بیشتر بکار دانشجویان خورده و حاشیه و شرحهای آن فراوان تر است، ولی دربارهٔ کافیه نیز کارهائی انجام شده و چلبی آنرا چنین برشمرده است:

- خود ابن‌مالک آنرا شرح کرده و وافیه نامیده است.

- خود او نیز حاشیه‌هائی بر آن نگاشته است.
- پسر ابن‌مالک معروف بابن‌ناظم (م-۶۸۶ق) شرح دیگری بر آن نگاشته است.
- ابو امامهٔ محمد پسر علی نقاش مصری، دکالی، مغربی (م - ۷۶۳ق) نیز آنرا گزارش داده.
- محمد پسر علی اردبیلی (م ۶۸۶ق) نیز بر آن شرح دارد.
- ابو الثناء محمود پسر محمد پسر خطیب الریفیة حموی دنباله‌یی بر کافیه در (۱۰۵ بیت) سروده و «وسیلة الاصابة» نامیده و در (۸۰۵ق) آنرا بپایان رسانیده.
- همین ابو الثناء شرحی بر کافیه دارد.

جای گفتگو شرحیست جدا از متن که نام نگارندهٔ آن دانسته نیست و گمان میبرم که شرح خود ابن‌مالک باشد برای جدا کردن متن از شرح بجای (قال - اقول) دو حرف (ص = اصل) و (ش = شرح) را بکار برده. ولی در آن نامی از «الوافیه» که بنا بگفته چلبی نام شرح ابن مالک بر این کتابست دیده نمیشود.

آغاز: خطبة الکافیة الشافیة:

قال ابن مالک محمد وقد ... نوی افادة بغیته اجتهد

و پس از چند بیت «باب شرح الکلام وما یتالف منه»:

ش: قول مفید طلباً او خبراً ... هو الکلام کاستمع وستری

ش: الکلام عند النحویین عبارة عن کل لفظ مفید والمراد بالمفید ...

انجام ... وبیت صغیر فی صدر البیت الکبیر وروی ایضاً التثلیث فی میم مصحف

لآله منها صلاة وافرة ... وأنعم باطنة و ظاهرة

والحمد لله وحده وصلی الله ...

[۱۵۱]

۲۳۱ نسخه بخط نسخ درشت. نویسنده محمد پسر عثمان پسر محمد پسر سلیمان پسر عطیر زرعی حنبلی در تاریخ شنبه (۶-ج۱-۷۴۴ق) آنرا بپایان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

رسانیده . ودرسال (۷۴۸) آنرا بانسخهٔ درست برابر کرده . نسخه درست است ولی برگهای آغاز وانجام آن آب دیده وخشك وخورد شده است . افتادگیها در کرانه نوشته‌شده . پشت برگ (۱ـالف) باخامه‌های گوناگون چیزها نوشته‌اند وسید مهدی پسرسید حسن قزوینی دردوجای این‌صفحه ازاین کتاب بدگوئی کرده وازاینکه سرایندهٔ الفیه (الخلاصه) چنین منظومه‌یی بسراید درشگفت مانده است .

۲۳۲ برگ) کاغذ نخودی فرسوده . جلدمقوای قهوه‌یی متوالی فرسوده .

اندازه : ۱۸ ، ص۲۶و۱۴×۲۰ ؛ ۲۱ سطر .

[۱۳۸] شرح مفتاح العلوم (عربی)

مفتاح در (حرف ـ م) یادخواهد شد وچنانکه در(ص۳۳٤ و۳۵۰) گفتیم‌این کتاب شرحهای بسیار دارد ، یکی از آن شرحها بنام فتوحات‌المفتاح در (حرف ـ ف) خواهدآمد ، وشرح دیگر که جای گفتگو میباشه شرح میر سید شریف جرجانی(۱) میباشد که‌فقط بر بخش سوم‌مفتاح یابهای معانی وبیان‌وبدیع نگاشته ، وآنرا بمردم هشیار پیش کش کرده است .

آغاز: نحمدك اللهم علی ماهدینا الیه من‌دقایق‌المعانی بدقایق‌البیان ... وبعد فقد طال ماجال فی‌صدری ودار فی‌خلدی ان‌ارتب للقسم الثالث من مفتاح العلوم شرحاً ... هدیة منی‌الی کل‌ذکی‌جبل علی‌الانصاف ... قال: القسم‌الثالث ، فی‌البلاغة .

انجام : لانه جزء من علم‌البلاغه کما صرح به فی‌مامر وحققه هنا . و هذا آخرما ... وقد نجز الفراغ من‌تألیفه اواسط شوال من‌سنة ثلاث وثمانماية .

از گفتار چلبی چنین برمی آید که میرسید شریف حاشیه‌هائی برمفتاح‌نگاشته ودر (شوال۸۰۳ق) آنرا بپایان رسانیده‌وسپس درسمرقند بسال (۸۰٤ق)شرحی برمفتاح نگاشته وه‌المصباح فی‌شرح المفتاح» نامیده است ، وسپس چلبی آغاز این شرح‌را نقل کرده است . آغاز نسخهٔ دانشگاه با آغاز نسخه‌ئیکه چلبی دیده یکی است . ولی تاریخ نگارش درنسخهٔ دانشگاه (میانه شوال۸۰۳) است واین بگفتهٔ چلبی تاریخ حاشیهٔ میرسید شریف است نه‌تاریخ شرح او. ونیز در کرانه های نسخهٔ دانشگاه حاشیه بسیار بامضای(منه) دیده می‌شود، وشاید همین‌حاشیه

(۱) گزارش زندگی شریف‌جرجانی در(ص۳٤٦ ـ ۳۵۰) گذشت .

ها بوده که در سال (۸۰٤) درسمرقند جداگانه نگاشته است نه حاشیه برمفتاح العلوم .

شرح میر سید شریف وشرح سعدالدین تفتازانی(۷۹۲ق) از گزارشهای دیگر مفتاح بنامتراست وحاشیه‌های بیشتر دارد، وبرخی ازدانشمندان حاشیه‌هائی بنام‌داوری (محاکمات) میان این دوشرح نگاشته‌اند . در کشف‌الظنون کسان زیر درشمارحاشیه نگاران برشرح میرسید شریف آمده‌اند :

ـ شمس‌الدین محمد پسرحمزه فناری (۸۳٤ق) یك‌حاشیه بردوشرح سید وسعد باهم‌نگاشته .

ـ مصنف علاءالدین‌علی پسرمحمد (۸۷۱ق)حاشیه‌یی در(۸۵۰ق) بنام‌سلطان محمد فاتح نگاشته .

ـ خطائی ، ملازاده . نیزحاشیه‌یی نگاشته .

ـ توقاتی ، لطف‌الله پسرحسن (۹۰۰ ق) . دشواریهای آنرا گزارش داده .

ـ کرمانستی یوسف پسرحسین (۹۰٦ق) برآغاز آن حاشیه دارد .

ـ حمیدی ، یوسف سنان‌الدین (۹۱۱یا۹۱۲) حاشیه‌یی براین شرح نگاشته ، ودر کنایچه دیگرچند پرسش واعتراض برآن وارد ساخته است ، وسپس چندتن باین پرسشها پاسخ گفته‌اند .

ـ سامسونی ، محیی‌الدین‌محمدپسرحسن (۹۱۹ق) حاشیه‌یی برشرح سیددارد .

ـ سعدی پسرتاجی بیك (۹۲۲ق) نیزحاشیه‌یی برآن دارد .

ـ احمد پسراویس قرامانی (۹۲٤ق) پرسشهای حمیدی‌را پاسخ گفته است .

ـ قره‌بالی پسرایدینی (۹۲۹ق) نیز بآن اعتراضها پاسخ داده .

ـ مرزجونی قطب‌الدین (۹۳۵ق) حاشیه‌یی برشرح سیددارد .

ـ یکانی ، ملاپاشا چلبی(۹۳۸ق)انه کی حاشیه برآن‌دارد .

ـ حافظ‌الدین عجمی ، محمد پسراحمد . نیز حاشیه برآن نگاشته .

ـ طاشکبری زاده ، احمد پسرمصطفی (۹٦۲ق) حاشیه‌یی براوایل این کتاب دارد .

ـ صالح پسرقاضی‌جلال (۹۷۳ق) داوری نامه‌یی بنام « مناقدالرایین فی‌قواعد الفنین» برای شرح سعدتفتازانی وشرح میرسید شریف‌نگاشته .

ـ علاءالدین علی فناری .

ـ محیی‌الدین پسرمحمد شاه فناری .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

– علیشاه ، عبدالرحمان پسرصالحی امیر(م۹۸۷ق) .
– علی‌منق (م۹۸۷ق) حاشیه‌یی درجمادی‌دوم (۹۸۶ق) درمدرسهٔ خاصکیه نگاشته.
– قاضی‌زاده ، احمد پسرمحمود مفتی ، تاآخرفن دوم حاشیه نگاشته .
– محمد پسرسنان‌الدین یوسف (م۹۸۹ق) تاپایان «استعاره» حاشیه کرده .
– محمد پسرصاری کرزه تا باب استعاره حاشیه نگاشته .
– زکریا پسرپیرام اقروی مفتی(م۱۰۰۱ق)
– یسنوی، محمد پسرموسی، برهمهٔ شرح میرحاشیه نگاشته ودرربیع یکم(۱۰٤۱) پایانش رسانیده است .
– میرحسن ، حاشیه‌یی دارد که دوبرابر حاشیهٔ علی‌منق است .
– واسعی ، علی‌سی .
– بالی‌زاده ، ملامصطفی .

[۱۵۲]

۸۴۴ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده ابوالحمدمحمد پسرعثمان پسر مسعودملقب بمعیت درچهارشنبه نیمهٔ ذی‌قعده هشتصدوپنجاه وشش آنرا پایان‌رسانیده است برخی عنوانها را با شنگرف نوشته وبرروی دیگران خط شنگرفی کشیده . در کرانه رویه‌ها پراست ازحاشیه های نگارنده باامضای(منه) چهاربرگ سفیددرآغاز وچهاردرپایان نسخه اضافه شده‌است روی برگ (۱ـالف) یادداشتهائی هست از جمله : مامملکه الامیرالاعدل الاعظم امیر محمد جنغان بن الشهید السعید امیر علی مردان(۱) خان ادام‌الله‌ظله . نسخهٔ دیگر از اینکتاب بشمارهٔ (۶۹۹۹) درسپهسالار دیده میشود که هم الحاقی افتاده وهم نولویس است، وچون در(۱۳۱۶) از کتابخانه شیخ‌العراقین بیات خریداری شده ، درفهرست آن کتابخانه از آن یادنشده است .

(۳۰۲ ـ ۸ برگ) کاغذ اصفهانی جلد تیماج جرع حنوائی فشاری درون ابری‌گل‌بوته. اندازه : ۱۴×۲۲ . ۲۱تا۲۳ سطر .

[۱۳۹] الشذورالذهبية (دستور-ترکی‌عربی)
والقطع الاحمدية

کتابی است‌عربی دردستورزبان ترکی. نگارنده درديباچه، خودرا ابن‌محمد

(۱) برای‌شناسائی این‌مردفهرست مجمع‌التواریخ مرعشی ،ومجمل‌التواریخ گلستانه دیده شود .

صالح شناسانده . واین کتابرا بدستور یکی ازاشراف روزگار بنام « منصور » وبرای آموختن پفرزند اواحمد نگاشته، وباو آموخته، وستایش بسیارازاین پدر وپسردردیباچه آورده است

ونیزمیگوید این کتابرا بروش دستورهای زبان عرب نگاشتم وبه «الشذور الذهبية والقطع الاحمدية فی اللغة الترکية» نامیدم ، وآنرا بریك دیباچه وچهار رکن ویك پایان‌نامه (خاتمه) بسیچیدم .

و در نگارش اینکتاب از سی و اند کتاب لغت عربی و ترکی و فارسی و (ترکی ـ فارسی) و(ترکی ـ ترکی) و(ترکی ـ پهلوی) مانند اختری کبیر(۱) ومرقات‌اللسان(۲) ونعمة‌الله (۳) وحلیمی چلبی ، وصحاح العجم (٤) و صحاح(۵) وجواهر العقود،وابن‌ملك،وتحفة‌الادب، وسلسلة‌الذهب،ونصاب‌الصبیان، ودانستن ونسخهٔ شاهدی،وتحفهٔ حسامی ، ولغات گلستان، وابیات گلستان، ولغات مثنوی از ملاخنکاربعربی، استفاده کرده‌ام وسپس گویند :

دراین‌مدت دوشرح گلستان نیزازسیدعلی(۶) وسروری چلبی ویك شرح دیباچهٔ گلستان وشرح تلخیص تفتازانی حاشیه‌دار، بدست آوردم، ولی هیچیك برای آموختن ترکی بعربان نبود، ومن کتاب خودرا برای اینکار ساختم . وسپس کتابی منسوب بابوحیان نحوی بدستم رسید که در آغاز آن میگوید: آنرا ازروی دستور زبان عربی نگاشتم. و«الدرة‌البهية فی اللغة الترکية» نامیدم . ولی کتاب

(۱) ازمصلح‌الدین مصطفی‌فره حصاری‌همزمان سلطان‌سلیمان عثمانی(ن۹۵۲)
(۲) مرقات‌اللغة عربی بترکی در کشف‌الظنون یادشده ، ونسخهٔ آن نزد دهخدا هست .
(۳) یافرهنگ نعمة‌اللهی فارسی بترکی از نعمة‌الله پسراحمد ، پسرمبارك‌رومی نسخه آن در کتابخانهٔ دهخدا وسپهسالار هست . فهرست(۲:۲۶۵) .
(٤) ازهندوشاه نخجوانی (م۷۳۰ق)
(۵) از جوهری (م۳۹۳)
(۶) ص ۱٤۱ـ۱٤۳ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوحیان دولغت ترکی تتری است(۱) ومن آنرا درمسافرت بدان دباودیدم.

آغاز: الحمدلله الذی شرف الانسان وزینه بالنطق واللسان و کرمه علی سایر ... اما بعد فیقول المبتهل الی الله بالاعضاء والجوارح ،الراجی عفومولاه ابن محمد صالح ...

انجام: اسمع منی هذه النصیحة واقبلها : ایشت بندن بو نصیحتی وقبول ایله. انتهی الکتاب.

[۱۵۳]

۱۴۳ نسخه بخط نسخ نویسنده ناصر پسر حسین . رونویسی آنرا دومدینه در ۲۵ رمضان ۱۲۱۸ق بپایان رسانیده . دردفتری جادارد که : رسالهٔ عرفان فیض (گ۱-۹) ومختصر شواهد مغنی (گ۱۰-۱۶۷) و این کتاب (۱۶۸ - ۱۹۷) وشرح خلاصة الحساب را دربردارد . روی برگ یکم این کتابچه (گ۱۶۸-الف)دفتر تملك میرزا آقا فرزند آخوند ملا سلمان درساوجبلاغ تهران بتاریخ دوشنبه یکم ربیع یکم(۱۱۳۱) دیده میشود وبنابراین تاریخ (۱۲۱۸) درپایان نسخه اشتباه است عنوانها وواژه‌های ترکی بشنگرف ، وعربیها باسیاهی نوشته شده است .

هجدفتر ۲۵۲ برگ . این کتابچه ۲۹ برگ کاغذ سفید. جلدتیماج سرخ متوالی قرمودی. اندازه: ۱۶، ۲۲ ، ۱۸و۱۹سطر.

[۱۴۰] شمس العلوم (لغت-عربی)

این کتاب که « شمس العلوم ، ودواء کلام العرب من الکلوم ، صحیح التألیف والامان من التصحیف» نام دارد(۲) یکی از کتابهای مهم لغت است که درسدهٔ ششم نگاشته شده . نگارندهٔ در گزارش هر واژه بگفتگوی لغوی بسنده نکرده ، وآنچه در بارهٔ آن میدانسته یادنموده است، چنانکه درواژهٔ «بیت» جاهای بکاربردن

(۱) درحاشیهٔ این نسخه شماره (۱۴۳) برگ ۱۷۲ب نوشته شده : ترکلیمی در حوالی استانبول است (پایان) ولی گمان میکنم ترکی خاوری را خواسته باشد .

(۲) چلبی نام کتاب را «شمس العلوم» ننهاده آورده . وجرجی زیدان در آداب اللغة ج ۱۹۳۱ ج ۳ص۵۷-۵۸ پایان نام آنرا « والامان من التحریف» نوشته ، و در معجم المطبوعات بجای کلوم « کلام» نوشته است ، ولیکن نسخه‌های شمارهٔ ۲۳۷ و ۲۲۶ و۲۳۷و۲۲۸ دانشگاه که درست‌تر ازدیگرانست ، چنانست که در بالا یادشده است.

آنرا دواصطلاحهای ستاره‌شناسی یاد کرده، ودرواژهٔ «دایره» جاهای بکاربردن آنرا درشعرشناسی (عروض) واقسام آنرا یاد کرده وپیکره‌هائی نیز از آنها نشان داده است . ودرواژهٔ «دجاجه» از نظر پزشکی ودر «ذهب» از نظر زمین‌شناسی گفتگو کرده است .

دربارهٔ نام کسانی مانند «زیاد» از تاریخ ، ودر واژه هـای مذهبی از نظر مذهبی گفتگو کرده است ، واز این روی چلبی روش این کتاب را شگفت‌انگیز شمرده است وجرجی زیدان آنرا مانند دائرة المعارفهای امروزی دانسته است .

این کتاب را بشمارهٔ حرفهای الفباء تازی در آغاز هرواژه ، بخش کرده ، وهربخش را (کتاب ...) نامیده است . وآنرا بدو بخش کوچك (اسم) و (فعل) پیچیده است .

چلبی در کشف الظنون گوید این کتاب درهیجده بخش میباشد، وجرجی زیدان این را باز گو کرده . ولی درپایان (حرف - د) (گ ۱۷۳) نسخهٔ شمارهٔ (۲۳۷)دانشگاه نوشته شده: تم الربع الاول... ویتلوه فی الربع الثانی... وآشکار است که کتاب بچهاربخش بوده است . شوان سعید برای این کتاب دیباچه‌ئی به (۵۰۰ بیت) دردستورهای صرفی زبان عرب نگاشته ودر آن جا نام کتاب را آورده است .

چنانکه از پیش گفتار کمال مصطفی بر کتاب «حور العین» برمی آید شمس العلوم درمصر زیرچاپ میباشد .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم ، وعلی نبیه محمد افضل التسلیم. الحمدلله الواحد القدیم ، القادر العظیم ، العزیز العلیم ، الصانع الحکیم - وسمیته بشمس العلوم ودواء ...

وقلت فی ذلک

کتاب یمان یجمع العلم کله — و یعجز عن مثل له الثقلان

وفی سنة السبعین والخمس تمما — جمعت من التصنیف فی رمضان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وپس ازسرودن هفت بیت‌بقافیهٔ نون وچهار بیت‌فائی وتویت بائی ودوصفحه نثر درستایش کتاب خویش، گوید: مقدمة الکتاب فی التصریف. اعلم‌ان کل ما وضع فی‌هذه اللغةالعربیة .. این پیش گفتار درصرف است و (۵۰ بیت نوشته) دارد، وپس از آن کتاب الهمزة باب‌الهمزه آغاز شده است.

انجام بخش یکم: م. تخیم‌الرجل بالموضع اذاعمل فیه لهخیمة والله اعلم وعلی‌النبی وآله‌السلام تم‌الربع‌الاول ویتلوه‌الربع‌الثانی منه‌من‌اول حرف‌الدال...

آغاز بخش دوم: بسمله. الحمدلله‌الواحدالقدیم، وعلی‌نبیه محمد وآله‌افضل التسلیم. کتاب‌الدال. باب‌الدال وما بعدهما من‌الحروف. فی‌المضاعف‌الاسماء. فعل، بفتح‌الفاء وسکون‌العین. ث. الثث. بالثاء بثلاث نقاط‌المطر الضعیف. ر. الرر ...

انجام بخش دوم: التفاعل. تشاتم‌الرجل‌اذا اخذ‌نحو‌الشام. تشاتما ای‌مابینهما تباعد. تم...

نگارنده: امیرابوسعید تشوان‌بن‌سعید بن‌نشوان حمیری‌یمنی معروف‌بقاضی ازاشراف وبزرگ‌زادگان یمن درسدهٔ ششم‌است که شاعر وادیب ودانشمندنیز بوده است، وی‌خود را ازنوادگان پادشاهان باستانی آن کشور (اقیال) و از نژاد قحطان میشمرد، وبسیار بخود وخاندان خویش مینازد، و در برتری نژاد قحطان برعدنان شعرها سروده است، ولی بگفتهٔ فقطی شعرا ودانشمندانه و بی مزه است. درزمان اویمن بدست بزرگان واشراف‌بخش بخش‌شده بود وازاین روی اوهم بفکرحکمرانی اوفتاد، وازنفوذ منصبی خویش درمردم کوه (صبر) استفاده کرده، چند دژلشکری راگرفته خودرا امیروملك خواند دزاین‌هنگام سه‌تن دیگرنیز بریمن فرمانروائی داشتند

۱ – حاتم پسرعمران پسر کریم (م۱۱۶۱م).

۲ – علی پسر مهدی‌حمیری (م۵۴۴ق = ۱۱۴۸م).

۳ – متوکل علی‌الله احمد پسرسلیمان (م۱۱۷۱م).

ازفرزندان نشوان دوتن شناخته هستند: الف – جعفر پسر نشوان که وصیتنامه‌یی برای وی نگاشته، ب – محمد پسر نشوان که شمس‌العلوم را کوتاه کرده و ضیاءالحلوم نامیده که نسخهٔ آن بشماره‌های ۲۲۶و۲۲۷و۲۲۸ دراین کتابخانه هست وباد خواهد شد.

زایچهٔ نشوان در دست نیست، ولی تاریخ مرگ او را ۲۴ ذیحجهٔ سال (۵۷۳ق) نوشته‌اندولی چنانکه ازدیباچهٔ کتاب‌شمس‌العلوم برمیآید(۱) اینکتاب دررمضان (۵۷۵) نگارش یافته و بنابراین مرگ نگارنده پس از این تاریخ میباشد.

گزارش زندگی نشوان را یاقوت درمعجم‌الادباء (حرف – ن–نشوان) و چلبی در کشف‌الظنون (حرف‌ش–شمس‌العلوم) وبرو کلمان ازخریدةالقصر عمادالدین وجرجی‌زیدان درآداب‌اللغة (سدهٔ‌ششم) وکمال‌مصطفی درپیش گفتار چاپ کتاب حورالعین آورده‌اند.

آثار او:

– کتاب القوافی. نسخهٔ‌آن درلیدن هست (جرجی‌زیدان)

– حورالعین. بکوشش کمال مصطفی با پیش گفتار و حاشیه در مصر بسال ۱۹۴۸م در(۳۷۵ص) چاپ‌شده است

– القصیدة الحمیریة: یانشوانیة. که‌آنرافون کرمر درلایپزیك ۱۸۶۵م چاپ کرد، وکایتان پریدو(۲) آنرا بانگلیسی ترجمه وبسال(۱۸۷۹م) چاپ کرد وآن تاریخ شاهان‌یمن و کوتاه شدهٔ «السیرةالجامعة لاخبار ملوك‌التابعة» میباشد

– گلچین از شمس‌العلوم. آنچه را درپارهٔ یمن دراین کتاب بوده بیرون آورده‌اند وبکوشش عظیم‌الدین احمد بوسیله‌بنگاه اوقاف گیب‌آنرا بافهرست نامهای کسان وجاها در(۱۱۹ص) درلیدن بسال ۱۹۱۶م چاپ کرده است.

(۱) خود گوید:

وفی سنةالسبعین والخمس نهما — جمعت من‌التصنیف فی‌رمضان.

(۲) Capitain . W . F . Prideaux

- کتاب القوافی یا «بیان مشکل الزوی وصراط السوی»(۱)
- التبیان فی تفسیر القرآن
- احکام صنعه وبید.
- وصیتنامه برای فرزندش جعفر.
- منظومه درماههای رومی.
- کتابچه درصرف عربی.

[۱۵٤]

۲۲۷ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد. این مجلد دوبخش یکم ودوم ازچهاربخش کتابرا دربرداود. بخش نخست حرفهای (الف تا خ) را دربردارد ودر (گ ۱ تا ۱۷۳) جاگرفته است. بخش دوم حرفهای (دال-تا-شین) را دارد ودر (گ ۱۹۹ تا ۳۳۵) جاگرفته است. برگهای (۱۷٤-تا-۱۹۸) مکرر آغاز بخش دوم است که نویسنده اشتباهاً آنرا دوبار نوشته است. عنوانهای بزرگ را با خامهٔ درشت سیاهی نوشته وعنوانهای کوچك وعنوان کتابها وبابهارا باشنگرف نوشته است. افتادگیهارا در کرانه نوشته. فهرست این مجلد چنین است. دیباچه ۱-۹، حرف الف ۹-۳۵، ب ۳۵ تا ۶۳، ت ۶۳-۷۰، ث ۷۰، ج ۷۹ تا ۱۰۷، خ ۱۰۷ تا ۱٤٦، (مکرر ۱۷۳-۱۹۸) د ۱۹۹ تا ۲۱۹، ذ ۲۱۹، ر ۲۲۷، ز ۲۶۳، س ۲۷۵، ش ۳۰۹ تا ۳۳۵ که پایان نسخه است. نسخه دیگر این کتاب درسه جلد (۱۵۰۰ ص) در کتابخانهٔ خدیوی هست.

۳۳۵ برگ، کاغذ اخدی اصفهانی. جلد مقوا مروه پارچه به رنگ حنائی.
اندازه: ۱۶×۲۷ و ص ۱۰×۱۹؛ ۳۹ سطر.

۲۰ [۱٤۱] صرف (رسالهٔ در ...) (عربی)

آغاز وپایان نسخه افتاده ونگارنده شناخته نیست. فهرست آنچه ازین کتاب بجا مانده: بخشی از باب پنجم درمصدرهای گوناگون باب ٦ اسم فاعل باب ۷ دستور های افزودن و کاستن حرف ازواژه‌ها. باب ۸ جابجا کردن (قلب وابدال) حرف در واژه‌ها. باب ۹ دستورهای همزه. باب دهم گشودن برخی گره‌ها وروشن ساختن دشواریها (حل العقد) و در پایان این باب (برگ ۲۹-الف) گوید: وهذا حین

(۱) کتاب حورالعین ازهمان نگارنده چ ۱۹٤۸م. مصر. ص ۸۷.

افتح التصریف فابدأ بالثلاثی الصحیح ... دراین بخش مثالهای ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، فاعل، مفعول، صحیح، معتل، مضاعف از بابهای ششگانه ثلاثی مجرد را، دسته دسته آورده وسپس بابهای ثلاثی مزیدرا زیرعنوان «باب الافعال المشعبة» یاد کرده است.

[۱۵۵]

۲۲۸ نسخه بخط نسخ. آغاز وپایان نسخه افتاده. تاریخ و نام نویسنده ندارد، ولی یا نسخهٔ رساله نحوفارسی که در ۷۲٦ نوشته شده دریك جلداست وخط وکاغذ آنها بیکدیگر نزدیك است. عنوانها با شنگرف است. در دفتری جا دارد وبرگهای (۱ تا ٤۸) آنرا گرفته است.

همهٔ دفتر (۷۰ برگ) این کتابچه (۴۸ برگ) کاغذ سمرقندی نخودی رنگ. جلد فرسوده بود و توسط کتابخانه ازلو صحافی شد. قیماج قهوه‌یی مقوایی. اندازه: ۱۲×۱۶ و ۱۱×۱۶؛ ۱۶ سطر.

[۱٤۲] ضیاء الحلوم فی مختصر شمس العلوم (فرهنگ - عربی)

خود شمس العلوم در (ص ٤۲۰ - ٤۲٤) یاد کردیم ودراینجا از کوتاه شدهٔ آن که ضیاء الحلوم نام دارد گفتگومیداریم.

چنانکه گفتیم نگارندهٔ شمس العلوم پسری دانشمند بنام ابوعبدالله محمد پسر نشوان داشته ووی کتاب پدر را کوتاه کرده است. این کوتاه شده چندان ازاصل شمس العلوم کوچکتر نیست، و فقط شاخ وبرگهای بیرون از اندازه را که بدانشهای گوناگون بستگی داشته، ودرخور یك لغتنامه نبوده از آن جدا کرده است. از گزارش زندگی نگارنده محمد پسر نشوان چیزی جز آنچه دربارهٔ پدرش درهمانجا گفتم دردست نیست. جرجی زیدان(۱) نسخه‌یی ازضیاء الحلوم را در کتابخانهٔ ایاصوفیه نشان داده است. کمال مصطفی (۲) نیز دو جلد از آنرا در کتابخانهٔ عاشریه دراستانبول بشماره‌های ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ نشان داده است.

آغاز بخش یکم: الحمدلله الواحد القدیر القادر العظیم العزیز العلیم ...

(۱) تاریخ آداب اللغة العربیة چ ۱۹۳۱ مصر. ج ۳ - ص ۵۷ و ۵۸.
(۲) پیش گفتار کمال مصطفی برچاپ حورالعین.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
Library.ut.ac.ir

وسمیته کتاب شمس العلوم ودواء . . . وقلت فی ذلك :

کتاب یمان یجمع العلم کله و یعجزعن مثله الثقلان
وفی سنة السبعین والخمس تمما جمعت من التصنیف فی رمضان

وپس از سرودن هفت بیت لولی و چهار رائی و دو بائی و چند سطر نثر در ستایش کتاب خویش، گوید: «مقدمة الکتاب فی التصریف...» چنانکه دیده میشود دیباچهٔ ضیاء العلوم همان دیباچهٔ اصل شمس العلوم است و فقط پیش گفتار صرف اند کی کوتاه شده است.

انجام بخش یکم از نسخهٔ دانشگاه افتاده است، و آغاز آخرین باب آن چنین است: باب الدال والراء وما بعدهما. الاسماء . . .

آغاز بخش دوم: بسمله. حمد له. باب الدال والواو وما بعدهما. الاسماء: فعل بفتح الفاء وسکون العین (ح) النوح بالحاء السحر العظام وهو جمع دوحة قال . . . شعر . . .

انجام بخش دوم نیز از نسخهٔ دانشگاه افتاده است. آغاز آخرین باب آن چنین است: باب العین واللام وما بعدهما. الاسماء: فعل بفتح الفاء وسکون العین (ق) الغلق من اغلاق الباب. قال اعرابی: شعر . . .

آغاز بخش سوم: کتاب الفاء . . . الاسماء: فعل بفتح الفاء (ث) الغث بالثاء المعجمة بثلاث، حب الحنظل.

انجام بخش سوم: فقلت حذفت الهاء. قال یا بنة عمالاتلومی واهجعی. تم الکتاب.

[۱۵۶]

۲۲۶ این نسخه بخش یکم از سه بخش ضیاء العلوم است. هیچیك از این سه بخش تاریخ ندارد ولی چنانکه در پشت برگ (۳-الف) بخش سوم (شمارهٔ ۲۲۸ دانشگاه) نوشته شده و در کلیشهٔ شمارهٔ (۱۸) در (ص ٤٢٨) دیده میشود، نگارندهٔ کتاب را با جملهٔ [وفقه الله للخیر] یاد کرده است و بنابراین در روزگاری در سدهٔ ششم نوشته شده است. این سه جلد مدتی در کتابخانهٔ شاهرخ پسر امیر تیمور گورکان (م ۸۵۰ق) بوده و مهری [من کتب خزانة السلطان الاعظم شاهرخ بهادر] در برگهای زبر دیده میشود (ج ۱ گ - ۳۷ و ۱۶۱ ج ۲ گ ۹۲ و ۱۷۶ و ج ۳ گ ۱۲ و ۹۳) وسپس بحجاز رفته است، وچنانکه

از پشت برگ (۳ - الف) بخش سوم برمیآید و در کلیشه نیز دیده میشود، کسی آنرا در سال (۹۱۱ق) در مکه بهای شش اشرفی عثمانی خریداری کرده و با ایران باز گردانیده است. هر سه بخش بیاض خامه بخط نسخ نزدیك بنلث نوشته شده. نام نویسنده و تاریخ ندارد. آغاز بخش یکم درست ولی از پایانش یك برگ افتاده است.

در پایان این جلد یك سطر از باب الدال والهاء بجا مانده و باقی آن افتاده است. و در جلد پسین به (باب الدال والواو) آغاز میشود. نسخه را تصحیح کرده و افتادگیها در کرانه‌ها نوشته‌اند. حاشیه‌هائی با مضاهای (نهایهٔ ابن اثیر) و (صحاح جوهری) و جز آن دارد. از برگ (۱ تا ۱٤) دیباچهٔ کتاب است و از برگ (۱۵) باب همزه آغاز شده است. عنوانهای درجهٔ دوم با شنگرف و عنوانهای بزرگ یا سیاهی درشت نوشته و گاهی آنرا نیز با شنگرف آمیخته است.

(۱۹۵ برگ ۲۳) کاغذ سمرقندی. جلد تیماج مشکی مقوائی درون تیماج قهوه‌ای اندازه: ۱۷/۵ × ۲۵/۵ و ۱۲ × ۱۹ و ۲۹ × ۳۸ سطر.

[۱۵۷]

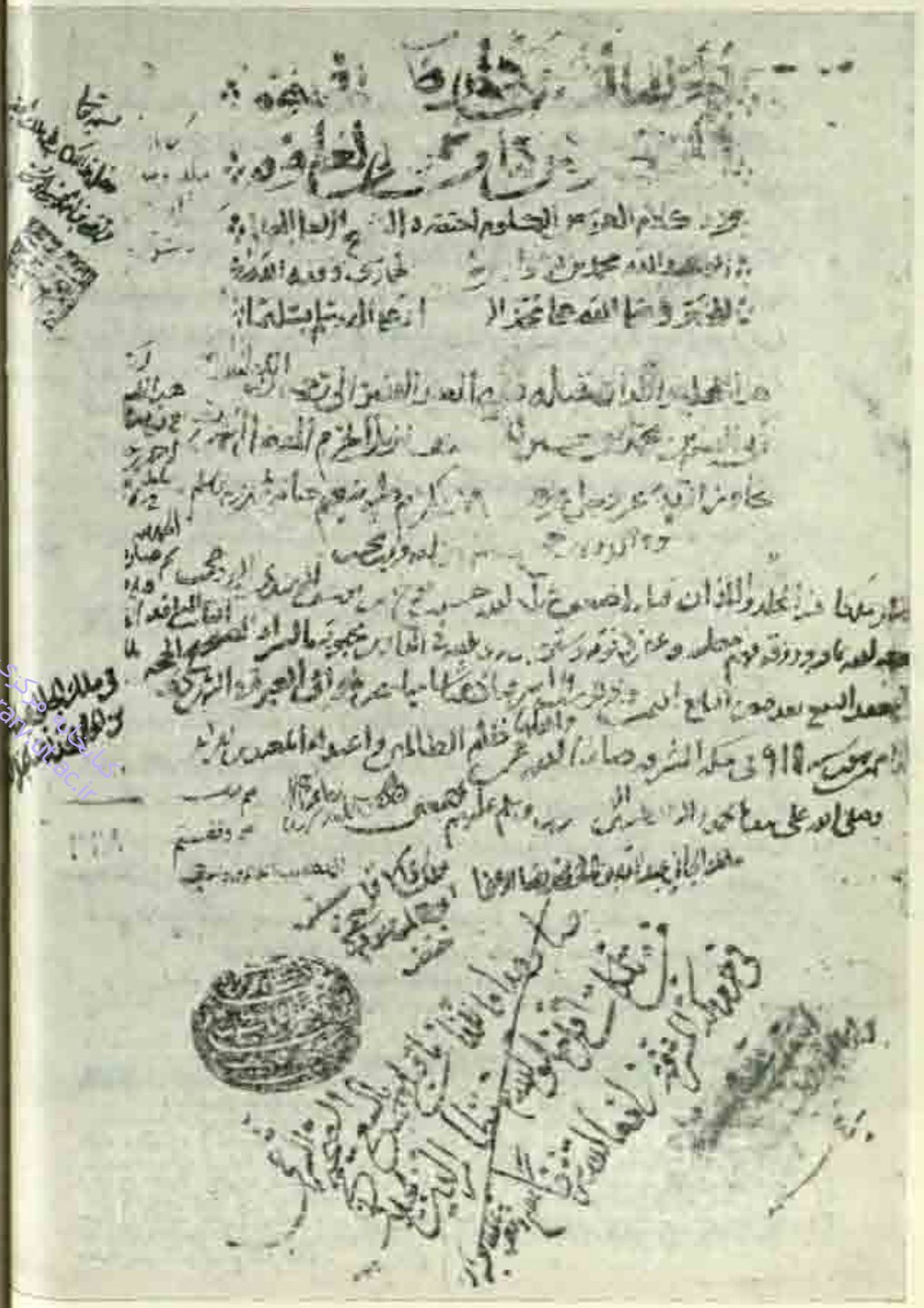
۲۲۷ نسخه بخط نسخ نزدیك بنلث سدهٔ ششم، دنبالهٔ نسخهٔ شمارهٔ ۲۲۶ است و باهمان خامه نوشته شده و دومین جلد از سه جلد آستان (باب الدال والواو) آغاز، و به (باب العین واللام) پایان یافته. و با بهای عین با حرفهای پس از لام همگی از پایان این نسخه افتاده است، و در جلد سوم از (باب الفاء) آغاز شده است. عنوانها و دیگر خصوصیات این نسخه مانند نسخهٔ ۲۲۶ میباشد. در پشت برگ (۱ - الف) یادداشتها و تملکها مانند تملك نظام الدین جیلانی و ابو القاسم محمد بن حسین المنی دیده میشود. در بالای صفحه با خامهٔ سیاه و درشت نوشته شده: الجزء الثانی من ثلاثة اجزاء من کتاب ضیاء العلوم فی اللغة، و پس با شنگرف نوشته شده: المختصر من شمس العلوم - اختصر القاضی الاجل الفاضل محمد بن ابوان بن سعید الحمیری تولی الله مکافاته.

(۱۹۱ برگ) کاغذ نخودی سمرقندی. جلد تیماج مشکی مقوائی قدیمی. درون تیماج قهوه‌ای. اندازه: ۱۷/۵ × ۲۵/۵ و ۱۲ × ۱۹ و ۲۹ × ۲۸ سطر.

[۱۵۸]

۲۲۸ این نسخه جلد سوم از سه جلد ضیاء العلوم است و دنبالهٔ نسخه ۲۲۷ و ۲۲۶ میباشد و با همان خامه و در همان تاریخ نوشته شده. از (باب الفاء) آغاز و به (باب الیاء والهمزه) که آخر کتاب است پایان یافته. نسخه تمام است ولی نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی در پشت برگ (۳-الف) که برگ یکم کتاب است پس از نام نگارنده جملهٔ [وفقه الله للخیر] نهاده و بنابراین این نسخهٔ سه جلدی در روزگار زندگی نگارنده‌اش محمد پسر ابوان نوشته شده.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۱۸) برگ (۳ـ الف) ضیاءالعلوم شمارهٔ (۲۲۸) دانشگاه.

فهرست آنچه بر پشت برگ (۳ـ الف) بخش سوم ضیاءالعلوم (شمارهٔ ۲۲۸ دانشگاه) نوشته شده و کلیشهٔ آن را در برابر خود می بینید چنین است :

۱ـ نام کتاب در دو سطر درشت ، ۲ـ نام نگارنده در سه سطر ریز ، ۳ـ تملك ابوالقاسم بن محمدبن الحسین نزیل حرم شریف ، ٤ـ خریداری نسخه در مکه در (۹۱۱ق) بهای شش اشرفی زر بدست حسن پسر نوح پسر یوسف هندی بردحی ، ٥ـ تملك شیخ جعفر پسر شیخ خضر (جدخاندان کاشف الغطا در نجف) ٦ـ مهر حکیم الملك ، ۷ـ تملك نظام الدین جلائی که بجلیپا در زیر مهر دیده میشود ، ۸ـ تملك مرتضی بن احمد الحسینی الرشتی (گویا همان است که قبر او در دروازهٔ کاظمین نزدیك گور شیخ مفید شناخته است) و مهر او [المتوکل علی الله عبده مرتضی الحسینی] در دست چپ بالای صفحه دیده میشود. ۹ـ تملك عبدالله بن الحاج محمد نجل الاغا در کنار دست چپ صفحه و نیز در دست راست خط شیخ جعفر دیده میشود.

(۱۷۲ برگ) است که ۲ برگ آغاز و ۱ برگ پایان مفید میباشد. کاغذ نخودی رنگ. جلد تیماج مشکی مقوائی فشاری. درون تیماج حنائی. اندازه : ۱۷/۵ × ۳۵/۵ و ۱۳ × ۲۰/۵ با ۳۲ سطر.

[۱٤۳] العقود الرفیعه فی الصنایع البدیعیة (بدیع ـ عربی)

علم بدیع در آرایش عبارت و جمله پردازی برای نگارش و سخنرانی گفتگو میکند. درباریان و اشراف باین علم اهمیت بسیار میداده‌اند و از این روی کتابهای بسیار دراین علم نگاشته شده. جای گفتگو کتابچه‌ایست که عبدالعلی حویزی در ۲٦ صفحه کوچك نگاشته که در پیرامن (۲۰۰ بیت نوشته) دارد. این کتابچه یك دیباچه و یك خاتمه و چند (عقد) دارد و آنرا برفیع الدین محمد پیش کش نموده است. نگارنده یك نسخه از این کتابچه بخامهٔ خویش نوشته و بآن مرد پیشکش کرده‌است. وی در نوشتن رویهٔ نخست و دوم و سوم کتاب هنر بکار برده. واژه‌هائی که در آغاز و پایان هر سطر جا دارد جدا تیز خوانده میشود. این واژه‌ها را هم میتوان افقی خواند و هم میتوانیم ستونی، از بالای صفحه بپائین بخوانیم. وی این واژه‌ها را باشنگرف نوشته و من در اینجا آنها را در میان دو ابرو مینهم.

آغاز :

احمد من قصر د[ای] کل عن ادراك ذاته ، واعجز کلمن بر[وی] شیئا حصر صفاته الذی جعل ما حا [که] من بدیع صنعه دلیلا علی نفی مشار[که] وضده. سبحانه... اژتر کیب واژه‌های میان نشانی در صفحه اول کتاب که ۱۲ سطر دارد این شعر بیرون میآید (۱) :

ای که ازجود کفت دریا بود در اضطراب
وی که مهراز شرم رایت پرده دارد از سحاب

بسم الله الرحمن الرحیم

احمد من قصر ای کل عن ادراك ذاته واعجز کلمن بر وی شیئا حصر صفاته
الذی جعل ما حا که من بدیع صنعه دلیلا علی نفی مشار کیه وضده سبحانه
من حکیم وعلیم از عز یاض قلوب اولیائه بصوب مهر افوع عاید کل

(۱۹) سه سطر اول کتاب العقود الرفیعه . شماره ۲۱۹ کتابخانهٔ دانشگاه.

الرابع التضمین وهو ان یتلو قافیة البیت الاول
بالبیت الثانی الخامس السناد از بای العافیة
تارة موسسة وتارة غیر موسسة او تارة مردوفة
وتارة غیر مردوفة
هذا ما اردنا ایراده والحمد لله وحده
تم بتسلم مولفها

(۲۰) برك ۱۶ ـ الف العقود الرفیعه بخامه نگارنده‌اش
وامضای او : الفقیر عبدالعلی . شمارهٔ ۲۱۹ کتابخانهٔ دانشگاه

انجام : الثالث الایطاء وهو تکریر ... الخامس السناد ؛ ان تأتی القافیة تارة مؤسسة وتارة غیر مؤسسة ، او تارة مردوفة وتارة غیر مردوفة . هذا ما اردنا ایراده.

(۱) کلیشه شمارهٔ (۱۹) دیده شود .

والحمدلله وحده .

نگارنده : عبدعلی پسر ناصر پسر رحمة حویزی بحرینی است که سیدعلی‌خان مدنی (۱) وشیخ حر(۲) وپدرم (۳) گزارش زندگیش را آورده گویند در بصره بسال (۱۰۵۳ق) در گذشت وی شاگرد شیخ بهائی بوده است .

[۱۵۹]

۲۱۹ نسخه بخط نسخ . نویسنده همان نگارنده ، عبدالعلی حویزی است و نام خود را در پایان نسخه (گب ۱۶ ـ الف) بشکل امضاء نوشته است . تاریخ ندارد . عنوانها با شنگرف است .

(۱۶ برگ) کاغذ نخودی . جلد تیماج سرخ مقوائی . اندازه ۱۲/۵×۱۹/۵ و۷×۱۴ ۱۲ سطر .

[۱۴۴] عوامل جرجانی (نحو ـ عربی)

«عامل» در اصطلاح دستور زبان عربی واژه‌هائی را گویند که مانند پیشوند برسر واژه دیگر در آید و در آهنك آن اثری گذارد . و چون پایهٔ دستورهای نحو زبان عرب برشناسائی این عاملها استوار است ، کسائی (٤) اینها را گرد آورده‌اند واین گونه کتابها را «عوامل» خوانده‌اند . یکی از کسانی که عوامل را گرد آورده کتاب ساخته عبدالقاهر جرجانی (م ٤٧١ ق) پسر عبدالرحمان است ، که در (ص۳۸۲) «جمل النحو» وی یادشد . این کتاب چندین سده درشمار کتابهای درسی ادب درخاورمیانه بوده و شرح و حاشیه و پیرایهٔ بسیار برآن بسته‌اند ومن بنامترین آنها را که در کشف الظنون دیده میشود یاد میکنم :

(۱) در سلافة العصر .
(۲) در امل الامل ج ۱۳۰۶ (درمجموعه) ص ۴۸۱.
(۳) در ذریعه ج ٤ ص ۷۱ و۲۸۱ و ج ٦ ص ٤۳ .
(٤) مانند ابوعلی فارسی (حسن پسر احمد) (۳۷۷ق) وعلی پسر فضال مجاشعی قیروانی (م ـ ٤۷۹ق) وجرجانی (چای گفتگو) که هریك کتابی دراین باره نگاشته‌اند وکسائی نیز عوامل را بنظم آورده است (کشف الظنون) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- میر سید شریف جرجانی (م - ٨١٦ ق) حاشیه بر آن نگاشته .
- بدرالدین محمود پسر احمد عینی حنفی (م - ٨٥٥ ق) آنرا شرح کرده .
- یحیی پسر بخشی (م ٩٠٠ ق) آنرا شرح کرده و « لمح المسائل النحویة » نامیده است .
- حسام‌الدین حسین توقاتی (م٩٢٦ق) شرحی کوچك و پرمایه بر آن نگاشته .
- طاشکبری زاده ، احمد پسر مصطفی (م - ٩٦٢ ق) نیز آنرا شرح کرده است .
- أشق قاسم آزنیقی (م ٩٤٥ ق) کتابی در اعراب و ترکیب آن نگاشته .
- حاجی بابا پسر ابراهیم طوسی . آنرا شرح کرده .
- یحیی (عبدالمجید) پسر نصوح پسر اسرائیل . آنرا شرحی آمیخته نگاشته است .
- صوفی زاده ، محمد پسر احمد داعی ادرنوی (م ١٠٢٤ ق) آنرا بشعر ترکی سروده است .
- ابراهیم پسر احمد جزری « اعراب فی ضبط عوامل الاعراب » نگاشته .
- کمال‌الدین مدرس . آنرا بترکی گردانیده است .

« عوامل جرجانی » با چند کتابچهٔ دیگر در یکجا بنام « جامع المقدمات » گرد آمده و چندین بار چاپ شده و نیز بتنهائی در لیدن (١٦١٧ م) و کلکته (١٨٠٣ م) و بولاق (١٢٤٧ ق) چاپ شده است .

آغاز: العوامل فی النحو علی ما الفه الشیخ الامام عبدالقاهر بن عبدالرحمان الجرجانی (ره) مأة عامل . لفظیة و معنویة . فاللفظیة منها علی ضربین سماعیة وقیاسیة، فالسماعیة منها احدوتسعون عاملا والقیاسیة منها سبعة عوامل، والمعنویة منها عددان . . .

گزارش زندگی جرجانی در : الانباری ١٣٤ . فوات‌الوفیات ١ : ٢٩٧ . بغیة‌الوعاة ٣١٠ . طبقات سبکی ٣ : ٢٤٢ . روضات‌الجنات ٤٤٣ . مفتاح‌السعادة

١٤٣٠١ . شذرات‌الذهب ٣ : ٣٤٠ . آداب‌اللغة جرجی زیدان ٣ : ٤٤ و کشف‌الظنون درعنوان کتابهایش آمده است .

[١٦٠]

٨٣٨ نسخهٔ بخط نسخ ، تاریخ و نام نویسنده ندارد ، ولی در دنبالهٔ نسخهٔ « وافیه » در شرح کافیه که بتاریخ ٩١٢ نوشته شده ، آمده است . و از برگ ١٦٩ تا ١٧٠ آن دفتر را گرفته .

همهٔ دفتر ١٧٣ برگ . این کتابچه ٣ برگ . کاغذ ترمه اصفهانی . جلد تیماج زرد مقوائی نو . توسط کتابخانه تجلید شده . اندازه : ١٦×٢٥ ، ١٨ سطر

[١٤٥] فتوحات المفتاح (معانی بیان - عربی)

مفتاح‌العلوم سکاکی (م٦٢٦) در (حرف - م) خواهد آمد ، و آنرا شرحهای بسیار هست ، و یکی از آنها نگارش میرسید شریف جرجانی در (ص٤١٦-٤١٨) یادشد . شرح دیگر که جای گفتگو است فتوحات‌المفتاح نامیده شده . نگارنده در دیباچه میگوید در تبریز آنرا نگاشته و بدین نام نامیده ، و آن فقط بر بخش سوم مفتاح در معانی و بیان میباشد ، و آنرا بوزیر مدبری پیش کش ساخته، و جای نام وزیر در نسخهٔ دانشگاه سفید مانده است . آغاز و انجام نسخه افتاده است ، و من برای نشانه فقط برخی جمله‌های صفحهٔ اول و دوم را در اینجا میآورم :

هذا وان سائق التوفیق بعد قد ساقنی الی منبت التحقیق . . . دارالملك تبریز . . . التمس منی اکابر اهل زمانی . . . ان اعمل للقسم الثالث منه شرحاً . . . و تصدیت لمقترحهم المترجم بفتوحات المفتاح . . . همه جاز الشارح المحقق والشارح العلامة الحکیم الفیلسوف ، وشمس‌الدین معزی (١) وجز ایشان نقل کند .

[١٦١]

٨٣٩ نسخه بخط نسخ باختری در پیرامن سدهٔ هشتم نوشته شده است . آغاز و انجام نسخه افتاده و نام نویسنده ندارد . روی عنوانها خط شنگرفی کشیده و عنوانهای مهم با شنگرف است .

(١) چندتن از شارحان مفتاح در (ص ٣٣٤ و ٤١٧) یاد شدند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۱۹۰ برگ) کاغذ سمرقندی نخودی . جلد تیماج مشکی مقوائی فرموده .
اندازه : ۱۶×۲۴ و ۱۳×۱۹ ؛ ۳۳ سطر .

[۱۴۶] قافیه (رسالهٔ ...) (عربی)

چون دستورهای قافیه درشعر، ازدستورهائی بشمارمیرفت که پیروی از آنها لازم وحتمی بود ، ازاین روی آنرا ازدیگردستورهای شعر جدا کرده و کتابها دربارهٔ آن نگاشته‌اند . جای گفتگو کتابچه‌ئیست درقافیه شناسی که نگارندهٔ آن شناخته نیست ودر بیرامون (۱۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : اعلم ان القوافی علم شریف نسبته الی العروض کنسبة التصریف الی النحو ..

انجام : اخطأ الا انه کلما رمی بسهمه الحشا کلها . هذا آخرما تیسر جمعه .

[۱۶۲]

نخستین کتابچهٔ این دفتراست . برگها (۱ تا ٤۱) آنرا گرفته . خط نستعلیق نام نویسنده و تاریخ ندارد . عنوانها با شنگرف است . حاشیه ها با امضای (ه) و(ج) و(س) و(قاموس) وجز آن دارد . ۹۴۳

جزء دفتر ۸۹ برگ . این کتابچه چهار برگ . کاغذ سفید . جلد مقوائی فرموده . اندازه : ۹×۱۶ و ۱۶×۲۱ ؛ ۳۱ سطر .

[۱۴۷] القاموس المحیط والقابوس الوسیط (فرهنگ ـ عربی)

الجامع لمذاهب من کلام العرب شماطیط

اندکی از تاریخچهٔ لغتنامه‌نگاری درعرب در (ص ۳۳۵ – ۳۳۹) یاد شد ، دراینجا فقط دربارهٔ یکی از بنامترین فرهنگنامه های عرب گفتگومیکنم . این کتاب را نگارنده‌اش دربرابر «صحاح اللغة» جوهری نگاشته ، وواژه‌های بسیار برآن افزوده وپرگوئیها را کاسته،وبجای برخی ازجمله‌ها که بسیاربکار میرود نشانه بکاربرده (چون ع = موضع = جا . د = بلد = شهر . ة = قریة = دیه . ج = جمع . م = معروف) ودردیباچه بدانها اشارت نموده ، وباز گوید ، پیش ازاین میخواستم کتاب بزرگی درلغت بسازم وبنگارش «اللامع المعلم العجاب ، الجامع بین المحکم والعباب» دست زدم و آنرا درشصت سفر برآورد کردم ،

ولی دیدم بزرگی ، آنرا ازدسترس دانش پژوهان دورمیدارد،پس بنگارش این کتاب با انداختن شواهد دست زدم ،وآنرا درخانهٔ خودم بر کوه صفا دربرابر مکه بپایان رساندم . این کتاب چند بار برنگارنده خوانده شد و ازاین روی نسخه‌های گوناگون دارد . و آخرین خوانده آن برنگارنده بتاریخ (۸۱۳ ق) بوده ونسخهٔ آن ازهمهٔ نسخه‌هاحتی نسخهٔ مدرسهٔ باسطیهٔ قاهره که بخط نگارنده است بزرگتر میباشد . قاموس دوبرابرصحاح واژه دربردارد ، وصحاح دربرابر آن (۵۵۰۰ ریشه) را گزارش داده است ، ولی نگارنده تاج العروس ریشه‌ها و همهٔ مشتقات آنرا بشمار آورده و گفته است : قاموس شصت هزار وصحاح چهل هزار واژه دربر دارد . برای بسیج واژه‌ها ، فیروزآبادی حرف پایان ریشه را باب (بزرك بخش) وحرف نخست آنرا فصل (کوچك بخش) گرفته است .

کسان بسیار دربارهٔ قاموس کار کرده‌اند وفهرست آنها در کشف الظنون ودیباچهٔ تاج العروس آمده است ، واین یوسف درفهرست سپهسالار (ج۲ص۳۳۷ تا ۳٤۱) آنرا بچهل وسه شماره رسانیده است ، ودراینجا چند شماره برآن افزوده میشود : اسماعیل پاشا درذیل کشف الظنون آرد :

ـ محمد پسر حسن شیروانی (م ۱۰۹۸ ق) قاموس را شرح کرده است .

ـ بدرالدین محمد پسر احمد مدنی . برشرح قاموس حلبی حاشیه‌نگاشته است .

صاحب الذریعه گوید :

ـ مفتی میرمحمد عباس شوشتری (م – ۱۳۰۶ ق) حاشیه برقاموس دارد .

ـ محمد پسر یحیی قزوینی قاموس را بفارسی گردانیده (۱) است و نیز مصدرها وجمعها که ازخامه صاحب قاموس افتاده، گردآورده و «الجموع والمصادر» نامیده است (۲) .

چاپهای قاموس : سال ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۲ ق در کلکته چاپ سربی در چهار

(۱) نسخهٔ آن دراین کتابخانه هست ودر (ص ۳٤٤) یاد شد .
(۲) نسخهٔ آن درسپهسالارهست . فهرست ج ۲ ص ۳۱۶ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بخش ، در ۱۹۷۸ص . پایش گفتار بانگلیسی از اسدن (۱) وزندگی نگارنده
بزبان تازی – چ سنگ‌بیش ۱۲۷۲ ق – چ لکهنو ۱۸۸۵م – چ بولاق ، ۲ بخش ،
بکوشش شیخ نصرهودینی ۱۲۷۲ ق – چ بولاق سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲ ق ، ۲ بخش ،
باحاشیه القول المأنوس – چ بحریه استانبول سال ۱۳۰٤ ق ، ٤ بخش ، ۵۱۹۲ص ،
چ مصر ۱۳۱۹ – چ حسینیه ، ۱۳۳۰ ق ٤ بخش بکوشش هورینی . درخی از
ترجمه‌ها وشرحهای قاموس نیز هریك جداگانه چاپ شده است .

نگارنده : ابوطاهر مجدالدین محمد پسر یعقوب پسر محمد شیرازی فیروزآبادی شافعی ، از دانشمندان بنام سدهٔ هشتم و نهم است . در کازرون (۲) فیروزآباد شیراز بسال (۷۲۹ ق) بزاده و درشهر زبید درماه شوال (۸۱۷ ق) درگذشت . درهشت سالگی برای آموزش بشیراز آمده و سپس بعراق و شام وقاهره شد ومدتی درمکه بماند . درپیرامن چهل نگارش ازوی بجا مانده است وازهمه بناترهمین قاموس میباشد . گزارش زندگی فیروزآبادی درشذرات الذهب ، کشف الظنون ، شقایق نعمانیه ، وبغیه الوعاة والمزهر ، وروضات الجنات ، وبیش از همه در گفتار آقای سلطانی درمجلهٔ مهرسال ۱۳۱۷ آمده است .

[۱۶۳]

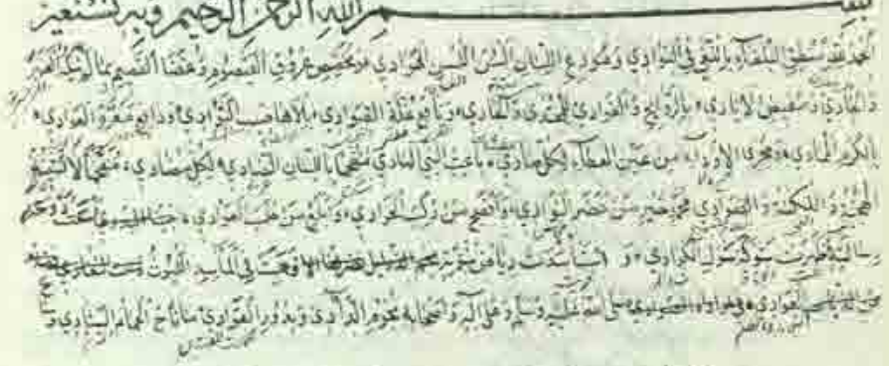
۱۹۴ خط سخ ، نام نویسنده و تاریخ ندارد . لیکن خط و کاغذ سدهٔ دهم میباشد . یك سرنامه با زرولاژورد دربرك (۲ – ب) و یك ترنج زرین که میان آن نام نگارنده نوشته شده و دورآن را با لاژورد و زر ، و شنگرف ، تند و کم‌رنك ، وسیاهی یك درمیان دائره کشیده است ؛ دربرك (۱ – الف) دیده میشود . وبالای آن نام کتاب را بازر نوشته است . همهٔ رویه‌ها بازرولاژورد جدول‌بندی شده‌است . عنوانها با شنگرف و سیاهی درشت نوشته شده . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده‌است . دوپایان کتاب برك (۵۸۰ب) دومهر کتابخانه سلطنتی دیده‌میشود که سیاه شده ولی با دقت بیشتر خوانده میشود .

(۵۸۰برك) کاغذ ترمه نخودی . جلد تیماج آبرنگی‌رنگ دارای برگردان زرکوب .
اندازه : ۱۸×۲۸ و ۱۰×۱۹٫۵ ، سطر ۳۳ .

(۱) M . Lumsden
(۲) زندگی گزاران کازرین را بکازرون اشتباه کرده‌اند .

[۱۶٤]

۲۱۲ نسخه بخط نسخ اعراب دار ، در ۹ محرم ۱۰۹۱ نوشتن آن پایان یافته ، واعراب گذاری وتصحیح آن توسط محمدرضا پسرمحمدعلی قزوینی درتاریخ شعبان (۱۱۷۱) پایان یافته وافتادگیهادر کرانه‌رویه‌ها نوشته شده است ، وی در کنار چپ رویهٔ (۳۶۸ – الف) نوشته‌است که پدرم نیز پیش‌ازمن این نسخه را تصحیح نمود . حاشیه بسیار نیز بخط او وجزاودر کرانه‌ها دیده میشود . دربرك (۲ – الف) تملك ابراهیم حسین دشتکی منصوری درذیقعدهٔ ۱۱۳۷ دیده میشود ، و در ۱۲۱٤ طاهربن احمد ادیب رحمه‌الله آنرا ثبت دفترساخته است . یك سرنامه بازرولاژورد و شنگرف وسبزوسیاهی دربرك (۲ – ب) دیده میشود . حاشیهٔ این رویه و حاشیه و رویهٔ برابر آن بازر گلکاری شده‌است . عنوانها باشنگرف وهمه رویه‌ها بازرولاژورد جدول‌بندی شده است .



(۲۱) هفت سطر آغاز قاموس نسخهٔ شمارهٔ ۲۱۲ کتابخانه

(۳۶۸ برك) کاغذ ترمه نخودی رنگ ، جلد تیماج مشکی زرکوب ، درون تیماج .
اندازه : ۱۸ × ۲۲ و ۱۲×۲۵ ؛ ۲۷ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱٤۸] **کنز اللغات (۱)** (فرهنگ عربی بفارسی)

دراین کتاب واژه‌های قرآن وحدیث را بترتیب حرفهای الفباء آخر ریشه در ۲۸ باب بسنجیده، وهرباب را بچند فصل بخش نموده. درديباچه صحاح جوهری و مجمل ابن‌فارس و دستور نطنزی والمصادر و اختیارات بدیعی و لغات‌القرآن و شرح نصاب را مدرك نگارش خود شمرده است. و کتاب را بنام سلطان محمد (۲) و ولیعهد او میرزا علی آراسته است. این کتاب در پیرامن (۲۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز:

ابتدای هرسخن آن خوبتر درهرمقام

کوبود باحمد معبودخدای پاك نام (۳)

جواهر کنوز لغات حمد وستایش.... اما بعد چنین گوید...

انجام: بلی: نزدیك میشود. و او فعل مضارع است از ولی یالی.

نگارنده: محمدپسرعبدالخالق پسرمعروف. ازدانشمندان سدهٔ نهم است.

[۱٦٥]

۱۳۹ نسخه بخط نسخ نام‌نویسنده وتاریخ ندارد. ولی خط وکاغذ سدهٔ دهم میباشد. عنوانهای مهم با شنگرف، و روی دیگران خط شنگرفی کشیده. تصحیح شده، افتادگیها در کرانه نوشته شده، اندکی حاشیه نیز دارد در تاریخ ۱۲۷۳ ق وارد کتابخانه... شده ودر ۱۳۰٦ سان دیده شده‌است. پشت برك (۱ ــ الف) یادداشتها دیده میشود. همهٔ روبه‌ها با شنگرف ولاجورد و زر، جدولبندی شده است.

(۳۹۱ برك) کاغذ ترمه قندی، جلد تیماج قرباغی برك قفاری، خوانی خوب.

اندازه: ۱۹٫۵ × ۲۴، ۲۵ سطر.

---

(۱) خود درديباچه چنانش نامیده، ولی چلبی در کشف‌الظنون آنرا کنز اللغة نامیده است.

(۲) سلطان کارکیا محمد پسر کارکیا ناصر پادشاه گیلان (ش ۸۵۱ تا ۸۸۳) تاریخ گیلان ظهیر مرعشی ص ۲٦۰ــ۲۸۱ ومجالس‌المؤمنین ص ٤۱۱ آمده است.

(۳) دربرخی نسخه‌ها: لایزال، وبرخی: نیك نام.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۲۲) خط اصلح کننده قاموس نسخهٔ شمارهٔ ۲۱۲۴ کتابخانه در حاشیهٔ برك ۳۶۸ ــ الف

[۱٤۹] لغات قرآن (عربی بفارسی)

انه کی از تاریخچه گردآوری لغتها وواژه‌های دشوار قرآن در (ج ۱ ص ۳۱ و ۳۲) این فهرست یاد شده، یکی از آن نمونه کتابها، کتابچهٔ بی‌نام و نشانی است که در این کتابخانه هست و در اینجا شناسانده میگردد. این کتابچه بترتیب حرفهای الفباء در آغاز واژه‌ها میباشد، همهٔ آن در پیرامن (٥٤٠ بیت نوشته) دارد

آغاز: استفتاح: طلب فتح کردن. انجاح: برآوردن حاجت. ارتضا، رضاداده.

انجام: یقین و یقن: بی‌شبهه است. پس بمعنی آیهٔ کریمه باشد که حتی یاتیك الیقین والله الموفق والمعین. تم.

[۱٦٦]

۱۰۳۲ نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده وتاریخ ندارد. واژه‌های عربی را بسخ وروی آنها خط شنگرفی و گزارش آنها را با نستعلیق نوشته. عنوانها باحامهٔ درشت وسیاه است.

۳۱ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی، آبدی داش. جلد قرینوده قوه و توسط کتابخانه لندن تجدید گردید. اندازه: ۱۲×۲۱، ۱۳ سطر.

[۱۵۰] لغت عربی بفارسی (فارسی)

نگارنده در آغاز این کتاب میگوید کتاب الاسمی فی الاسما نگارش احمد پسر محمد میدانی (۱) را گرفته و بترتیب حرفهای الفباء پیچیده حرف پایان ریشه را بزرگ بخش (باب) و حرف آغاز را کوچک بخش (فصل) قرارداده است همه‌جا واژه‌های عربی را بفارسی گزارش نموده است.

آغاز: الحمدلله الذی کرم بنی آدم علی الوری واختار منهم المؤمنین وماورائهم من الوری... و ذوی الفنون صنفوا افنانا... ومنهم الشیخ المرحوم فاضل آهل وقته فی العلوم احمد بن محمد المیدانی طیب الله ثراه اذ صنف کتاب الاسمی فی الاسماء... فاخذ العبد نسخة بیده مرتبا وجعلها ثمانیة وعشرین بابا فی کل باب ثمانیة وعشرین فصلا... باب الالف وفصله. الآء شجر الواحد آءة. الاباقی، ج. الاتان، بارخر مابن. الادات، آلت أفزار. الادووات. ج.... فصل الباء. الباوی. آفریننده...

(۱) الاسمی فی الاسما نگارش سعید پسر احمد پسر محمد میدانی (م ٥۳۹ ق) است که آنرا در برابر کتاب «السامی فی الاسامی» پدر خود نگاشته. گویا لفظ سعید بن از خامهٔ نویسنده افتاده است.

انجام: ی: الیحیی، اسم نبی علیه السلام، ابویحیی ملك الموت، الیقی، بهتان، تنور.

[۱٦۷]

۱۷۰ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده را ننوشته. در تاریخ (۱۰۷۷ ق) نوشته شده، عنوانها باسیاهی درشت است. دارای حاشیه بامضاهای (منه) و (صحاح) و (فرهنك) و (المصادر) و (مواعظ). تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نوشته شده. نخستین برك کتاب نویس است.

(۹٥ برگ) کاغذ اصفهانی لحدی. جلد تیماج حنائی مقوائی قدیمی - اندازه: ۱٥×۲۰ و ۹×۱۵:۱۸ سطر

[۱٥۱] لغت عربی بفارسی (فارسی)

این کتاب بترتیب «مهذب الاسماء» است، ولی مصدرها و فعلها را نیز دربر دارد. هریك از بیست و هشت بخش بزرك این کتاب به سه بخش کوچك (مفتوح = زبردار) و (مضموم = پیش‌دار) و (مکسور = زیردار) وهریك از این سه بخش به ۲۸ بخش کوچکتر بترتیب حرف دوم واژه بخش شده است.

آغاز نسخه افتاده است. آغاز آنچه هست: آل یسین: خاندان رسول (ع) آمر: فرماینده. آمین: همچنین باد. آنفاً: اکنون...

انجام نسخه نیز افتاده است، و آنچه هست چنین میباشد: الهاء المکسورة، هبة: آنچه ببخشند. هبات جمعش. هبر: برنجن سیمین. هبر کنه: زن باریك اندام نرم.

[۱٦۸]

۱۹٦ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده و تاریخ با پایان نسخه افتاده است. ولی پیداست که در پیرامن پایان سدهٔ دهم نوشته شده. عنوانها با شنگرف. برك (٦۰) اشتباهاً سفید مانده. نسخه پرغلطی است.

(۱۰۹ برگ) کاغذ اصفهانی لحدی. جلد تیماج قهوه‌یی یکدلا فرسوده. اندازه: ۱۲×۲۲ و ۷×۱۴، ۲۱ سطر.

[۱٥۲] لغة الزبدة (چیستان - عربی)

انه کی از تاریخچهٔ معما و لغز در (ص ۳۹۱ تا ۳۹۷) یاد شد و چنانکه آنجا

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

گفتم شیخ بهائی نیز چندین لغز واحجیه ساخته ،وبیکی از آنها را بدین نام خوانده است. چند لغز شیخ بهائی در سلافة العصر سید علی خان مدنی و چند دیگر در خلاصة الاثر وچندی در کشکول شیخ که در (ص۱۷۲–۱۷۵) یاد شد ،چاپ شده است . چند لغز شیخ را کسانی شرح کرده اند : لغز القانون را که در پزشکی است ، محمد سلیم رازی(۱) پزشك بسال(۱۰۶۰ق)ومحمد تقی شیرازی معروف به حاج آقا باباطبیب(۲) شرح کردند . ولغز الکشاف را محمدمهدی قزوینی سیفی (م۱۰۵۰) ولغز النحورا شیخ محمد صادق تویسرکانی گزارش نگاشته اند .

آغاز : اما بعدالحمد والصلاة فیقول احوج الخلق الی الله الغنی قد یعرض للبال فی بعض المحال ملال یمنع عن مطالعة العلوم الدینیة .

انجام : من ذکر اوصاف ذلك الکتاب . والعاقل یکفیه الاشارة ، والجاهل لاینتفع بالف عبارة . سنح لناهذه اللغز فی المشهد المقدس الرضوی علی ساکنه السلام سنة الف واحدی وعشرین وتاریخ ذلك (رضویه) .

[۱۶۹]

۱۲۳ این نسخه در پایان نسخهٔ کشکول شیخ جا دارد و بر گهای (۳٤٤ تا ۳٤۸) آنرا گرفته . خط نستعلیق شکسته ، دارای حاشیه بسیار بامعنای (منه) سطرها درشت نوشته ومیان آنها را باز گذارده و پر از حاشیه کرده است .

همهٔ دفتر ۳۵۰ برگ ، این کتابچه ۷ صفحه کاغذ نخودی دارد . جلد ودیگر خصوصیات در (ص۱۷۳–۱۷۵) یاد شده است .

[۱۵۳] لغز الکافیه (چیستان – عربی)

یکی از لغزهای شیخ بهائی در بالا یاد شد . لغز دیگری نیز از وی در این کتابخانه هست که بدین نام خوانده شده . وگمان میکنم این کتابچه همان « لغز النحو » باشد که در بالا یاد شد ، وگفتم که شیخ محمد صادق تویسرکانی

(۱) گویا نگارنده شرح صحیفه باشد که در(ج۱ص۱٤۱–۱٤۲)یاد شد.

(۲) این کتابخانچه همراه کتابچه‌های شیخ در یك جلد بنام «لغزیه» بسال ۱۲۸۳ق در تهران چاپ شده است .

آنرا شرح کرده است .

آغاز : اما بعدالحمد والصلاة فیقول الفقیر ... یامن صرف فی مطالعة النحو ایاماً وخاض شهوراً واعواماً : اخبرنی عن اسم ثنائی الآحاد . . .

انجام : اذا نقصت من حروفه حرفان ، بقی حرف واحد ، وهذا من اعجب العجایب .

[۱۷۰]

۱۲۴ این نسخه در دنبال لغز از بدنه پس از کشکول شیخ جلد شده و بر گهای ۳٤۸ تا ۳۵۰ آنرا گرفته است . خط نستعلیق . نام نویسنده و تاریخ ندارد . دیگر خصوصیات در ص ۱۷٤ یاد شد .

[۱۵٤] مجمع الفرس (فرهنك – فارسی بفارسی)

محمدقاسم سروری کاشی پسر حاج محمد کاشانی یکی از ادیبان سدهٔ یازدهم ایرانست . بیشتر تذکره نگاران اورا درشمار شاعران بنام آورده اند . وی بسال (۱۰۰۸ ق) لغتنامهٔ بی فارسی بفارسی بنام شاه عباس صفوی بنگاشت و بسال (۱۰۳۲ ق) بهند مسافرت کرد ، ودر (۱۰۳۶ ق) درلاهور بوده است . وی درهندوستان لغتنامهٔ خویش را دوباره بنگاشت وآنرا گسترش داد . نصر آبادی نسخهٔ ایرانی این فرهنك را سهل ومختصر ولی دارای نادرستی خوانده : وگوید چون بهند شد وفرهنك میر جمال الدین اینجو برادید فرهنك بزرگتری بساخت (۱). ولی خود سروری یك بار دگر مجمع الفرس را کوتاه کرده و « خلاصة المجمع » نامیده ودردیباچهٔ آن گوید(۲) از آن روی که نویسندگان ازدرازی کتاب برنج بودند ، آنرا کوتاه کرده وبدین نام خوانده وبنام اعتمادالدوله حاتم بیگ وزیر شاه عباس آراسته است .

سروری در آغاز این فرهنك شانزده کتاب را بعنوان مدرك نگارش خویش

(۱) تذکرهٔ نصر آبادی چ تهران ۱۳۱۷ص۲۹۱ .

(۲) نسخهٔ این کتاب که بسال (۱۰۱۸ ق) نوشته شده نزد آقای اسفندیاری محتشم السلطنه بود وپس ازمرك او بکتابخانهٔ مجلس منتقل گردید .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

معرفی کرده است ، ودر بیشتر نسخه‌ها فقط نام دوازده‌تای آنها بترتیب زیر آمده است :

ـ شرفنامهٔ احمد منیری ، از احمد قوام فاروقی . معیار جمالی ، ازشمس فخری . تحفة‌الاحباب ، ازحافظ ابرهی . فرهنك حسین‌وفائی . فرهنك اسدی‌طوسی . فرهنك میرزا ابراهیم‌پسرشاه حسین اصفهانی . فرهنك‌محمد هندوشاه‌موّیدالفضلا ازمحمدلاد . شرح‌سامی فی‌الاسامی‌ازمیدانی . فرهنك ابوحفص‌سغدی . اداة‌الفضلا قاضی خان محمد دهاردهلوی . جامع‌اللغات منظوم‌نیازی حجازی . وچهار کتاب دیگر بعنوان ناشناس یاد شده است ، ولی در نسخهٔ محتشم‌السلطنه اسفندیاری ازاین چهار کتاب نیز چنین نام برده است : معجم‌البلدان . فرهنك زبان گویا . لسان‌الشعراء . ترجمهٔ صیدنهٔ ابوریحان بیرونی . و درحاشیهٔ کشف‌الظنون چاپ ۱۹۴۳م استانبول‌ص۱۵۵۸ ازروی‌یکی‌از نسخه‌های سروری ؛ بجای معجم‌البلدان معین‌اللغات ترکی ازلطف‌الله پسریوسف حلیمی یاد شده است .

سروری دراین‌فرهنك‌از آوردن واژه‌های تازی‌خودداری کرده‌وواژه‌های فارسی ساده را نیز بی‌نیاز از گزارش دانسته ونیاورده است . او کتاب را بریك دیباچه و بیست وچهار باب بشمار حرفهای الفباء غیرعربی بسیجیده و یك بخش درپایان کتاب برای استعاره‌ها و جمله‌های اصطلاحی ساخته است . وی حرف آغاز واژه را رهنمای باب (بزرك بخش) و حرف پایان آنرا رهنمای فصل (کوچك بخش) قرارداده است .

آغاز : ابتدای کلام هردانشمند سخنور ، وانتهای سخن هرخردمند . . .

انجام : از لطف عمیم و کرم جسیم جمعی که کتابت این نسخه کنند آن است که . . .

گزارش زندگی سروری از تذکرهٔ نصرآبادی ص ۲۹۱ و فهرست ریو ج۲ص۴۹۸ ومرآت‌العالم‌وریاض‌الشعراء ، وصبح گلشن ، وقاموس‌الاعلام ترکی وفهرست سپهسالار ج ۲ ص ۲۱۹ و کشف‌الظنون وریحانة‌الادب بدست میآید .

[۱۷۱]

۲۰۶ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نویسنده محمد صالح پسرابوالقاسم‌بیوانی ، درشهر گلپایگان (جرپادقان) درتاریخ ۲۶ شوال ۱۰۲۳ ، آنرا بپایان رسانیده ، وبنابراین، این نسخه پیش‌ازسفر نگارنده‌اش بسوی هند، درایران نوشته شده‌وازنسخهٔ هندوستانی کوچکتر میباشد . عنوانها با شنگرف . دارای یك سرنامه با شنگرف وزرولاژورد وسبزی وسیاهی دربرك (۱ ـ ب) . همهٔ رویه‌ها بازروشنگرف ولاژورد جدولبندی شده است .

۳۲۴ برك . کاغذ ترمه فتحی رنك . جلد لیماج مشکی زرکوب فرسوده لبه‌بندی شده دوبن لیماج زرکوب . اندازه : ۱۱×۲۲ و ۷/۲×۱۵/۳ ۲۳ سطر .

[۱۵۵] **مجمل اللغة** (فرهنك ، عربی بعربی)

در (ص ۳۲۵ تا ۳۳۹) چند نمونه از لغتنامه‌های عربی یاد شد . و اینك یکی‌از کهن‌ترین لغتنامه‌های عرب دراینجاشناسانده میشود . نگارنده‌این کتاب ابوالحسین احمد پسرفارس پسرزکریاپسرمحمد پسرحبیب رازی قزوینی‌همدانی معروف باین فارس است که بسال (۳۹۵) در گذشته .

وی از بنامترین ادیبان ایرانی عربی گوی سدهٔ چهارم هجری و استاد صاحب‌بن عبادو بدیع‌الزمان همدانی صاحب مقامات ودیگران بوده‌است . گزارش زندگی‌اودرمعجم‌الادباء وتاریخ ابن‌خلکان وبغیة‌الوعاة وشذرات‌الذهب و کشف الظنون‌وروضات‌ونامهٔ‌دانشوران‌وتاریخ آداب‌اللغه‌جرجی‌زیدان‌ومعجم‌المطبوعات وفهرست سپهسالار آمده است . ابن‌یوسف درفهرست سپهسالار ۳۲ کتاب از آثار ابن‌فارس نام برده است .

راه واژه‌یابی :

ابن‌فارس مجمل‌اللغةرا مانندالمغرب‌بترتیب معمولی حرفهای‌الفباء درآغاز واژه‌ها به بیست و هشت بخش (کتاب) و هربخش بزرك را ببخشهای کوچك تقسیم کرده است ، و دربخشهای بزرك نخست واژه‌های دو حرفی (مضاعف) را میآورد وسه حرفیهارا به بیست وهشت‌بخش بترتیب حرفهای‌الفباء، دومین حرف

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

واژه تقسیم شده ، این بخشهای کوچك مانند حرفهای الفباء معمولی (ا ب ... ی) پی در پی میباشد ولی نه چنانکه درهمهٔ کتابها از الف آغاز و به یاء پایان یابد، بلکه درهر کتاب از حرف پس‌از حرف بزرك بخش آغاز و بحرف پیش‌از آن پایان میدهند ، چنانکه در(کتاب قاف) نخست واژه‌های مضاعف را مانند (قل) آورده وسپس دربخش یکم از۲۸ بخش کوچك (ق ك) را دربخش دوم (ق ل) ودرسوم (ق م ۰) و (ق ن ۰) تا (ق ی ۰) میرود ، و سپس از (ق ا ۰) و (ق ب ۰) و (ق ت ۰) تا (ق ف ۰) میرود ، ودراینجا کتاب قاف پایان میپابد .

ابن‌فارس دراین کتاب فقط واژه‌های درست و فصیح عربی را گردآورده است . ولی بازهم فیروزآبادی صاحب قاموس (م۸۱۷ق) یکهزار اشکال بر او گرفته و کتابی دراین‌باره نگاشته است .

بخش نخست مجمل‌اللغة بکوشش حاج محمد ساسی درمصر بسال ۱۹۱٤م در (۳۱۹ ص) چاپ شده است . نسخه‌هائی از مجمل دربرلن و لیدن و پاریس و برینش موزیوم و اکسفورد و بنی جامع دراستانبول و خدیوی و دارالکتب درمصرهست . ونسخه‌دارالکتب در(٦٤٨ق) نوشته شده است .

آغاز : قال‌الشیخ رضی‌الله‌عنه : امابعد ، ولیك‌الله بصنعه وجعلك ممن‌علمت فی‌الخیرهمته ... لماعلمتنی رغبتك فی‌الادب ... وسألتنی جمع کتاب فی‌اللغة ... انشأت کتابی هذاالمختصر ... و سمیته « مجمل‌اللغة » لانی اجملت ... فاولـه کتاب‌الالف . باب‌الالف وما بعدها فی‌الذی یقال له‌المضاعف ، وقد تسمی‌الالف هاهنا همزة قال ابوعبدالرحمان ... البصری وابوالحسن علی‌بن‌حمزة‌الکسائی ...

انجام: نسخهٔ(شمارهٔ۳۰۲دانشگاه)وسبیل‌الیاءسبیل‌الهمزة‌الزائدةفی‌الرباعی والخماسی لان الیاء انما یعتبرونها فی هذین‌البابین‌الحرف‌الذی بعدها و قدمضی کله‌فی‌ابواب‌الکتاب . وهذاآخرمجمل‌اللغة فاحفظه وتدبرترتیب‌ابوابه.واعلم‌انی توخیت ... والالفاظ‌التی یستعان بهافی‌الاشعار والمکاتبات‌فقدذکرناه فی‌الکتاب

الذی سمیناه « متخیرالالفاظ » والله أسأل ...

انجام نسخهٔ(شمارهٔ۲۱٤) : فان‌سبیل‌الیاءفی‌اوایلهاسبیل‌الهمزة فی‌الرباعی والخماسی فی‌انهمازایدتان وانماالاعتبار بمابعدالیاء کماالاعتبارفی‌الهمزة بمابعدها ، وقد مضی کله فی‌ابواب هذاالکتاب ...

و چنانکه می‌بینیم دربرخی جاها این دو نسخه با یکدیگر ناسازگار هستند .

این کتاب درنسخهٔ شمارهٔ (۲۱٤) که دورهٔ درست میباشد در پیرامن (۱۷۵۰۰بیت نوشته) دارد .

[۱۷۲]

۲۱٤ این نسخه دورهٔ درست مجمل‌اللغة است ، و از الف تا یاء را دربردارد ویا نسخهٔ (۲۰۳) اندکی دگرگونی دارد .

نسخه بخط نسخ بد . نویسنده بابا علی فرزند حاج حمزه پسر خلیل بابا حلقی . آنرا بدستور محمود فرزند خضرامجد قاضی شهر(سیدی هرون)نوشته ووی را بلقب (قامع‌البدع) خوانده است ، ودرتاریخ آغازماه رجب سال هشتصد وشصت وپنج آنرا بپایان رسانیده‌است .

پشت برك (۳ ـ الف) کسی باشتباه این کتاب را جمل زجاجی دانسته ودربارهٔ زجاجی و چگونگی نگارش «جمل‌النحو» وی گفتگو کرده است و این خط کهنه نیز میباشد . ونیزهمانجا تملك مصطفی‌الواعظ بجامع اشاره در (۱۱٤۹) و جزاو دیده میشود .

عنوانها رادرکرانه رویه‌ها بیرون‌ازسطر نوشته است . دربرك (۱ـالف) تملك ابن‌ستان باشا محمد درشهراماسیه بتاریخ رجب ۷٦۲ ق ونیز تملك شیخ زاده مصطفی افندی ونیز گزارش زندگی ابن‌فارس (نگارندهٔ کتاب) دیده میشود .

۳٦٦ برك ـ ۱۳سطر قدری نخدی ـــ جلد بقوالی فرموده آله تیماج مشکی اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۲×۲۰ ، ۲۷ سطر

[۱۷۳]

۲۰۳ از کتاب (ف) تا کتاب (ی) مجمل را دربردارد . و هریك ازاین نه کتاب را جداگانه نوشته ودرپایان بیشتر آنها تاریخ رمضان چهارصدوهفتاد ونه دیده

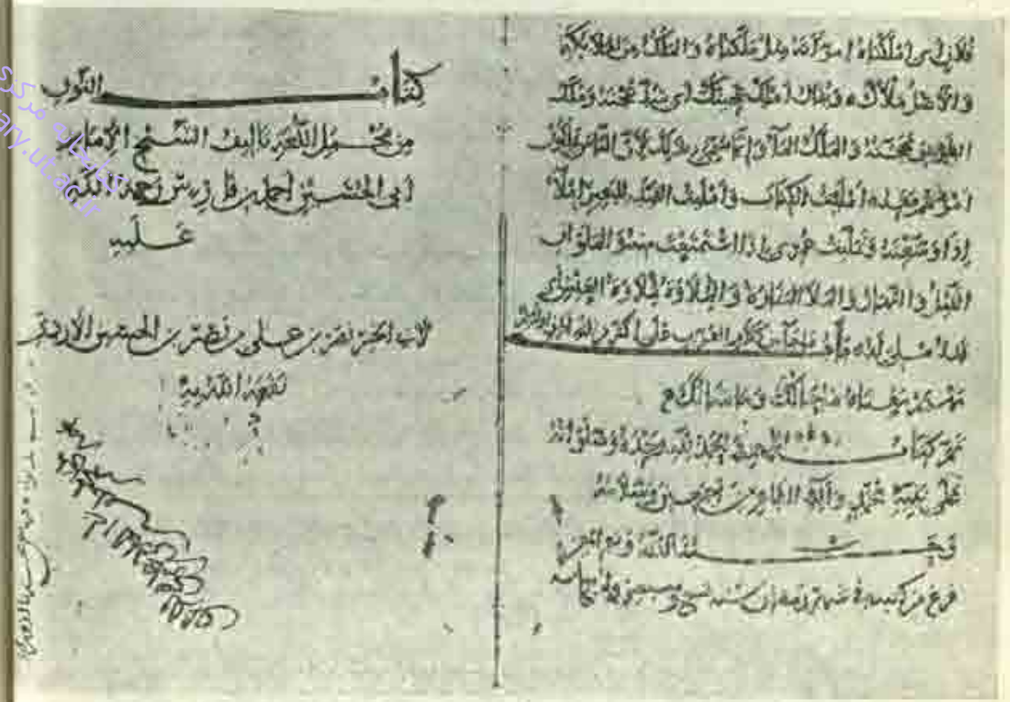
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میشود . نام نویسنده فقط در پایان کتاب حرف لام : هبةالله پسر حسین پسر احمد قصیری یاد شده ، وچنانکه در آغاز هر کتاب میگوید: این نسخه را برای ابوالخیر نصر پسر علی پسر نصر پسر حسین از دی نوشته است .

فهرست این نسخه چنین است : کتاب (ف) در (گ ۱ تا ۲۷) کتاب (ق) در (گ ۲۸–۷۱) کتاب (ك) در (گ ۷۲–۹۶) کتاب (ل) در (گ ۹۷–۱۲۱) ، کتاب (م) در (گ ۱۲۲–۱۵۰) ، کتاب (ن) در (گ ۱۵۱–۲۰۰) ، کتاب (ه) در (گ ۲۰۱–۲۲۴) کتاب (و) در (گ ۲۲۵–۲۵۲) ، کتاب (ی) در (گ ۲۵۳–۲۵۵) . از برگ ۲۴۹ ببعد نو نویس است .

عنوانها را با خامهٔ درشت و سیاه نوشته . عنوان واژه‌ها را در کرانه نوشته تا یافتن آن آسان گردد . در برخی جاها مانند (گ ۱۵۱ – الف) تملك محمد پسر خلف پسر علاء پسر علی پسر مرتضی رازی دیده میشود . پاین رویه‌ها آب دیده ورنك گرفته . برخی از برگها را موریانه سوراخ کرده است .

(۲۵۷ برگ) کاغذ نخودی براق . جلد تیماج قهوه‌یی مقوائی فرسوده موریانه زده .
اندازه : ۱۵ × ۲۰ و ۱۰ × ۱۵ ، ۱۳ سطر .



(۲۳) پایان (حرف م) و آغاز (حرف – ن) برك (۱۵۰–۱۵۱ نسخه شماره (۲۰۳)

[۱۵۶] مختار الصحاح (فرهنك عربی بعربی)

کوتاه شدهٔ صحاح اللغة جوهری است . و کوتاه شدهٔ دیگر آن را در (س ۳۶۸–۳۷۱) یاد کردم. کوتاه کننده زین الدین محمد پسر شمس الدین ابوبکر پسر عبدالقادر رازی حنفی از دانشمندان سدهٔ هشتم است که تا (۷۶۸ ق) زنده بوده . او راست «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز» و «روضة الفصاحة» و «شرح مقامات حریری» و جز آن . وی صحاح را کوتاه کرده واز کتاب تهذیب وجز آن بر آن افزوده است ودر (۷۶۰ ق) این کار پایان یافته . بسیج واژه‌ها مانند خود صحاح است؛ حرف پایان واژه بزرك بخش و حرف آغاز کوچك بخش است .

چاپهای مختار الصحاح : بولاق ۱۲۸۲ ق و ۱۳۰۲ ق در ۵۸۰ ص و ۱۳۰۴ ق در (ج – وادی النیل) ، و ۱۲۸۹ ق ، و (ج شرقیه ۱۳۰۱ ق) ، و (ج – خیریه ۱۳۰۴ ق) و (۱۳۰۸ ق) در ۴۷۲ ص . و (ج محمد مصطفی) در (۱۳۰۵ ق) ، و (ج – عبدالرزاق) ۱۳۱۱ ق ، و (ج – نظارت معارف) ۱۳۱۱ ق در ۴۷۲ ص .

محمود خاطر یك ترتیب مختار الصحاح را واژگون کرده و بترتیب حرف نخست بسنجیده ودر بولاق ۱۳۲۳ ق و پس از آن چندبار چاپ کرده است .

[۱۷۴]

۱۴۴ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده ندارد . در تاریخ ۱۸ شوال (۹۸۳ ق) رونویس آن پایان یافته . رویه‌ها بالا و زور دوزر جدول‌بندی شده . یك سرنامه بازر وشنگرف در برك (۱ – ب) دارد . عنوانها با شنگرف است .

در کرانهٔ هشت برك نخست واژه‌ها را بفارسی گردانیده . کتاب در برك (۲۵۹) پایان یافته . در دو برك پس از آن چکامه‌یی از امیدی تهرانی و مثنوی از میر کاظم نقرشی متخلص به (کریم) ساکن لاهور آورده که در آن نقرش را ستایش کرده و آنرا بجبل عامل مانند کرده و در پایان گوید :

مرا نام کاظم تخلص «کریم» خطاییست از کردگار کریم

سپس نویسنده چنین افزوده است : این شعر را در زمان شاه طهماسب سروده و بنقرش فرستاد . و این در ذیحجه ۱۲۳ بود ، و گویا (۱۱۲۳) را خواسته است .

(۲۶۲ برك) کاغذ نخودی جلد گاو میشی فرسوده . اندازه : ۱۶ × ۲۶ ، ۲۷ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٥٧] مختصر شواهد مغنی (نحو - عربی)

دربارهٔ مغنی اللبیب ابن‌هشام که در (ص٤١٠تا٤١٢) یاد شد کارهای بسیار انجام شده ـ کسانی آنرا شرح نگاشته یا کوتاه کرده یا حاشیه نگاشته‌اند، و کسانی گواه‌های آنرا که از شعر شاعران عرب میباشد گردآورده وشرح کرده‌اند، یکی ازشرحها برشواهد و گواههای مغنی در (ص٤١٠) یاد شد که جلال‌الدین سیوطی (م - ٩١١ ق) آنرا نگاشته بود.

اینك جای گفتگو کتابی است که شرح سیوطی در آن کوتاه شده است. نگارنده شناخته نشد، گویا یك دانش آموز درسدهٔ دوازدهم برای خویش دفتری میساخته ودرسهای خود در آن مینوشته وشرح خلاصة‌الحساب شیخ بهائی واین کتاب را دنبال یکدیگر نوشته است، وشاید خود کوتاه کنندهٔ آن باشد.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین و (صم) علی محمد وآله الطیبین الطاهرین. وبعد فان‌لی حاشیة علی مغنی اللبیب قداودعتها ... (١).

انجام سخه افتاده است.

[١٧٥]

١٤٣ نسخه بخط نسخ بد باختری، نزدیك بخامهٔ ترکی. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که درپیرامن سدهٔ دوازدهم نوشته شده. برپشت برك (١٦٧ـ الف) تملك میرزا آقا پسر آخوند ملاسلمان، درساوج‌بلاغ تهران، بتاریخ (ع١ـ١١٣١) دیده میشود. عنوانها با شنگرف است. دردفتری جادارد که: کتابچه ئی درعرفان ازفیض (م١٠٩١) واین کتاب، والشذور الذهبیه‌درلغت ترکی، وشرح خلاصة الحساب‌همه‌با یك خامه درآن نوشته شده این کتابچه (ک ١٠ تا ١٦٧) را گرفته.

هجدهٔ دفتر ٢٥٣ برك این کتاب ١٥٧ برك. کاغذ سفید فرنگی. جلد تیماج سرخ فرسوده.
اندازه: ١٦×٣٣، ٢٤ سطر.

(١) با آغاز شرح شواهد، در (ص٤١٢) برابر نیست.

[١٨٥] مختصر الجمع (نحو - عربی)

جلال‌الدین سیوطی(٩١١٣ق) که نام‌اودر(ص٣٧١) یادشد کتابی دردستور زبان عرب بنام «جمع‌الجوامع» نگاشته، وخود آنرا شرحی نگاشته و «همع الهوامع» نامیده است. سپس عبدالقادر پسر محمد عمری شافعی از دانشمندان سدهٔ یازدهم همع را کوتاه کرده. واین کار در (١٠٨٤) پایان یافته است.

آغاز: الحمدلله علی انعامه ... اما بعد فان اولی ماجنحت‌الیه‌الالباب... کتاب‌العلامة ... جلال‌الدین‌السیوطی ... لکن لمارأیت ان‌الهمم‌تقاعدت عن‌النظر فیه‌لصعوبة طرق‌مرامیه‌وشحته بمافیه‌الکفایة ... (بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم. احمدك اللهم) أی اثنی علیك ... وینحصرفی مقدمات وسبعة کتب ...

انجام: لهم (وقدتم‌الجوامع نظماً) أی تم نظمه، والمراد کونه علی نسق واحد ... (وبرفعهم مکاناً علیاً) بمنه و کرمه. هذا و قدتم بعونه هذا المختصر الکاشف لبعض ماانطوی علیه، ولم‌اعرج علی سوی کلام‌الشرح فی‌البیان، لعدم وجود مایعین علی نشرد قایقه، واتفق الفراغ منه فی یوم عاشوراء سنة اربع وثمانین والف.

آغاز جمع‌الجوامع سیوطی: احمدك‌اللهم علی ما اسبغت من‌النعم ...

فهرست هفت کتاب آن چنین است: ١ـ مرفوعها ٢ـ فضلـه هـا، ٣ـ مجرورها، ٤ـ عاملها، ٥ـ تابعها. واین پنج کتاب‌درنحو باشد، ٦ـ ساختمان واژه‌ها، ٧ـ دگرگون کردن واژه‌ها. واین دو کتاب درصرف باشد.

[١٧٦]

١٤٧ نسخه بخط نسخ. نویسنده عبدالمنعم پسر محمد پسر شقر. در ٦ ربیع یکم ١٠٩٥ رونویس آن پایان‌یافته، یعنی یازده‌سال پس‌ازنگارش. متن باشنگرف وشرح با سیاهی. عنوانها نیز با شنگرف است.

برپشت برك (١ـ الف) تملك ابراهیم پسر یحیی پسر محمد پسر نجم‌الدین پسر حسین پسرسودون عاملی در (١٢١٤ ق) دیده میشود.

٢٢٩ برك. کاغذ فغفوری. جلد تیماج مقوائی قهوه‌ای فرسوده.
اندازه ٢٥×١٣١٥، ٢٢ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٥٩] المصادر (فرهنگ عربی)

چند نمونهٔ لغتنامه نگاری در (ص ٣٣٥) یادشد، برخی از لغتنامه نگاران ریشه‌های فعلها (مصدرها) را جداگانه گرد آورده و اسمها را جدا، و برای هریك کتابی ساخته‌اند. مانند میدانی احمد پسر محمد نیشابوری (م ٥١٨ ق) که یك کتاب بنام «السامی فی الاسامی» و یك کتاب بنام «المصادر» نگاشته‌است. وبرخی فقط کتابی درمصدرها وفعلها نگاشته‌اند، یکی از کتابها که ویژهٔ مصدر و فعلهای آنها بوده و جای گفتگوی ماست مصادر زوزنی میباشد. و چنانکه در (ص ٣٣٦) گفتم برخی از فهرست نگاران گفته‌اند کتاب تاج‌المصادر بیهقی ازروی این کتاب ساخته شده است.

نگارنده: ابوعبدالله حسین پسر احمدزوزنی (م-٤٨٦ق) است که گزارش زندگیش در بغیة‌الوعاة سیوطی چ ١٣٢٦ ق ص ٢٣٢ آمده، و او را از گفته عبدالغافر: پیشوای لغت و نحو بروزگار خویش، خوانده‌است. ودر کشف‌الظنون وروضات ص ٢٣٨ وآداب‌اللغة جرجی زیدان ٣: ٤٤ ومعجم‌المطبوعات ص ٩١١ از وی گرفته‌اند.

وی هفت چکامهٔ «سبعهٔ معلقه» را گزارش نگاشته و این کتاب چند بار چاپ شده است. و کتابی بنام ترجمان القرآن عربی بفارسی نیز نگاشته‌است. (جرجی زیدان).

وی در آغاز مصادر بعربی گوید: این مصدرهائیست که بفارسی ترجمه کردم و گواههای حدیثی ومثلی آنرا انداختم تا کوتاه شود و ازبر کردن آن آسان گردد، درآغاز هرباب مصدرهای فعلهای صحیح وپس‌ازآن فعلهای معتل آوردم، وصحیحهارا مانند دیوان‌الادب (١) بسیج ننودم، وبآنچه پایان ریشه‌اش (ب) است آغازیدم، وپس‌ازآن آنچه‌را که پایانش (ت)است وهمچنین.. آوردم. ودرهریك بآنچه آغازش (ب) وسپس (ت) وسپس (ث) بود آغاز کردم.

آغاز: الحمدلله علی سوابغ الائه المتسابقة افواجاً، وسوابغ نعمائه المتلاحقة ازواجاً...

انجام: الاقسینان سخت شدن ازپیری. الا کتاب فراهم‌آمدن. قداتت

(١) نگارش اسحاق پسر ابراهیم فارابی، دالی جوهری (م ٣٥٠ق).

المصادر للقاضی‌الامام‌الزوزنی طیب‌الله ثراه. تم

[١٧٧]

١٥٦٩ | بیش‌ترازاین نسخه دنبال «مهذب‌الاسماء» بشمارهٔ (١٣٠) بود وجلدفرسوده‌یی داشت، پس‌توسط کتابخانه جداگانه جلد شد وشمارهٔ ویژه گرفت. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولیکن خط و کاغذ سدهٔ هشتم یا نهم است، و دربرگ (٢٠٥ ب) نسخهٔ «مهذب‌الاسماء» شمارهٔ (١٣٠) شعری بتاریخ (٨٤١ ق) نوشته شده است. دربرگ یکم این مجلد که شمارهٔ (٢٠٦ - الف) دارد نام کتاب با خامهٔ درشت نوشته شده، ودربرآن چنین نوشته شده: فی‌المصباح‌المنیر: کتاب‌المصادر لابی زید سعیدبن‌الاوس الانصاری و کتب... محمد ابراهیم بن محمد باقر الرضوی... ونزدیك آن یك مهر بزرك دیده میشود.

عنوانها با شنگرف تصحیح شده وافتادگیها در کرانه دیده میشود.

(٩٨برگ) شمارهٔ آیها ٢٠٦ تا ٣٠٤ میباشد. کاغذ سمرقندی. جلد لیقاج سبزقوالی‌تو

اندازه: ١٧/٥×٢٥ و ١٧/٥×١١، ١٩ سطر.

[١٦٠] معیارجمالی ومفتاح بواسحاقی (فرهنگ فارسی بفارسی)

این کتاب دارای چهاربخش بوده ونگارنده دردیباچه آنرا چنین یاد کرده ١- عروض ٢- قافیه ٣- بدیع ٤- لغت (١) ولی اکنون بیشتر نسخه‌هاماننده نسخهٔ این کتابخانه که‌جای گفتگواست، فقط‌بخش‌چهارم‌را دارد وآنرا بنام «لغات‌فرس» نیز نامند. واژه‌ها دراین کتاب بترتیب حرفهای الفباء معمولی در آخربن حرف واژه بسیج شده است. وبرای هریك، شعری از خود درستایش شاه ابواسحاق ساخته وسرودهٔ خویش را بگواه آورده است

آغاز: بدان‌اسعدك‌الله واصلحك (٢) که هرچند... ولغت عرب‌رامعیاری معول علیه هست... اما لغت فرس را نه میزان ونه...

درپایان کتاب چکامهٔ هائی درستایش کتاب و تاریخ آن (ع ٢ - ٧٤٥)

(١) نسخه‌درست که‌همهٔ این‌چهاربخش‌دوآن‌هست نزدآقای سعیدنفیسی درتهران میباشد.

(٢) نسخهٔ مجلس اسعدك را ندارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سروده و آنرا بپور محمود شاه پیش کش ساخته ، گوید : . . .

زهجرت شده هفصد و پنج و چل ربیع دوم اول مهر ماه
شد این درج پر درّ و گوهر تمام کزو فاضلانرا بود آب و جاه
بسی رنج بردم در این چار فن بامید احسان ظل اله

تا آنجا که :

جهاندار چون شاه صاحبقران شهنشاه چون پور محمود شاه

این کتاب در پیرامن (۲۵۰۰ بیت نوشته) دارد و بسال (۱۸۸۵ م) با مرغوب القلوب شمس تبریزی و چند چکامه از عنصری و فرخی و کمال اسماعیل در شهر قازان چاپ شده است .

همهٔ واژه‌ها و شعرهای شمس فخری که در این کتاب هست در فرهنگ نعمة اللهی (فارسی بترکی) وارد گشته است .

نگارنده : شمس فخری ، شمس الدین پسر فخر الدین اصفهانی همزمان عبید زاکان و قاضی عضد ایجی و امین الدین کازرونی است و همگی در دربار شاه ابو اسحاق جمال الدین بن محمود شاه بوده‌اند که خواجه حافظ نیز او را ستوده است .

شمس فخری از شاعران و شعرشناسان بنام بوده و چکامه‌ها و قطعه‌های او که در این کتاب آمده گواه بر این است ، ولیکن بدبختانه همهٔ آنها در ستایش شاه ابو اسحاق میباشد . وی در شعرشناسی (عروض و قافیه) توانا بوده و کتاب « معیار نصرتی » را در این فن برای اتابك نصرة الدین احمد فرماندار لرستان بسال ۷۱۳ ق نگاشته ، و در ۷۳۲ ق در قم میزیسته و چکامهٔ هنری بزرك در ستایش خواجه غیاث الدین وه مخزن البحور و مجمع الصنایع را سروده است و سپس بشیراز آمده و بدربار شاه ابو اسحاق پیوسته و معیار جمالی را ساخته است .

[۱۷۸]

نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده نوشته نشده . در تاریخ آدینه نهم ربیع یکم سال ۱۲٤٤ ق پایان یافته است . عنوانها با شنگرف است . این نسخه در کتابخانهٔ محمدحسن صنیع الدوله بوده و مهر کاغذی آنجا را دارد .

(۷۸ برك) کاغذ فرنگی سفید آهارمهره . جلد لمعاج مشکی یك لا فرسوده .
اندازه : ۱۵×۳۰ ؛ ۱۵ سطر .

[۱۷۹] مفتاح العلوم (عربی)

چنانکه نگارنده‌اش در دیباچهٔ این کتاب گفته است وی میخواسته همهٔ دانستنیهای ادبیان روزگار خویش را بجز علم لغت ، در آن گرد آورد . پس صرف ، اشتقاق ، نحو ، معانی ، بیان ، حدود ، استدلال ، عروض ، قافیه را در سه بخش جا داده : ۱- صرف ۲- نحو ۳- معانی بیان ، و چهار علم پسین را در دنبالهٔ آن آورده است .

این کتاب چندین بار شرح شده و چندین بار کوتاه شده و آنرا بشعر درآورده‌اند و بر هریك از شرحها و کوتاه شده‌هایش شرحها و حاشیه‌ها نگاشته شده است . این کتابها که شمارهٔ آنها بصدها رسیده است از سدهٔ هفتم تا پایان سیزدهم کتابهای درسی ادبیات بشمار میرفت .

نگارنده : سکاکی ، ابو یعقوب سراج الدین یوسف پسر ابو بکر پسر محمد پسر علی خوارزمی است . او تا سی سالگی چاقوساز بود و در این هنگام بآموزش پرداخت . مؤرخان دربارهٔ گرایش او بعلم و دست کشیدن از چاقوسازی داستانها آورده‌اند . مرگ سکاکی در خوارزم بسال (٦٢٦ ق) بوده است . کتاب مفتاح در ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ ق بمصر چاپ شده است .

بنامترین کسان که دربارهٔ مفتاح کاری انجام داده‌اند و در کشف الظنون نامشان آمده است در زیر میآوریم (۱) :

- ابن مالك ، بدر الدین محمد (م ٦٨٦ ق) « المصباح فی اختصار المفتاح » نگاشت .

- محمد پسر عبد الرحمان حزیر مراکشی کتاب ابن مالك را بشعر سرود ،

(۱) برای تکمیل این بخش (ص ۳۳٤ و ۳۳۵ و ۳۵۰ تا ۳۵۵ و ۳۷۵ و ۳۷٦ و ٤۰۰ و ٤۱٦ و ٤۳۳ این مجلد نیز دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

و سپس کتابی درشرح این منظومه بنام «ضوءالصباح علی ترجیزالمصباح» نگاشت.

- ابن نحویه، محمدپسر یعقوب(م۸۱۷ق)«مصباح ابن مالك را نیز کوتاه کرد و«ضوءالمصباح» نامید وسپس آنرا شرحی بنام «اسفارالصباح عن ضوءالمصباح» نگاشت.

- شمس‌الدین معزی، مفتاح را شرح کرد.

- حسام‌الدین مؤذنی خوارزمی همه آنرا شرح کرده ودر(محرم ۷٤۲ ق) گزارش آنرا پایان داده است.

- قطب‌الدین شیرازی (م۷۱۰ق) فقط بخش سوم را آمیخته بمتن، بنام «مفتاح‌المفتاح» شرح کرد.

- ناصرالدین ترمذی همزمان قطب شیرازی.

- نظام اعرج (م ۷۲۸ ق) که در (ص ٤٠٥) یاد شد نیز آنرا شرح کرده.

- حسام‌الدین کاتی (م ۷٦۰ ق) آنرا شرح کرده.

- قاضی حسام‌الدین رومی مرعی، آنرا شرح کرده.

- عمادالدین یحیی پسر احمد کاشی برای پسرش کمال‌الدین شرح کرد.

- ملاسعد تفتازانی مسعود پسرعمر (م ۷۹۱ ق) آنرا در (۷۸۹ ق) شرح کرده.

- سیف‌الدین ابهری (م ۷۰۰ ق) نیزشرح کرده.

- علی پسر محمد پسر دهقان نسفی بیکندی، بخش سوم را در (۷۱۹ ق) شرح کرد.

- ملا سلطان شاه آنرا جدا ازمتن شرح کرد.

- خطیب دمشق (م - ۷۳۹ ق) بخش سوم را کوتاه کرده (ص ۳٥۰) دیده شود.

- شمس‌الدین محمد پسرمظفرخلخالی (م ۷٤٥ ق) شرح کرد.

- خطیب یمنی نیزآنرا شرح کرد.

- ابن‌عوینه، علی پسرحسین موصلی (م ۷٥٥ ق).

- قاضی عضدایجی (م۷٥٦ ق) آنرا کوتاه کرد و«الفوائدالغیاثیة»نامید

- محمد پسراحمد شریشی، جمال‌الدین (م ۷٦۹ ق) آنرا شرح کرد.

- میرسید شریف جرجانی (م ۸۱٦ ق) آنرا شرح کرد.

- ابن کمال‌پاشا أحمد پسرسلیمان (م۹٤۰ ق) مفتاح را دگرگون ساخت و«تغییرالمفتاح» نامید.

- محیی‌الدین محمد پسرمصطفی، شیخ زاده (م ۹٥۱ ق) نیزشرح کرد.

- طاشکبری زاده، احمد پسر مصطفی (م ۹٦۲ ق) آنرا شرح کرد.

- حسن معانی چی (م ۹۹۰ ق)، بخش سوم مفتاح را کوتاه کرد.

- سنان‌الدین یوسف (م ۹۸٦ ق) آنرا شرح کرد.

- علی‌منق بر کتاب ابن کمال پاشا حاشیه‌یی بنام «افاضة‌الفتاح» نگاشت.

- کدخدا، محمد پسرمصطفی (م ۱۰۳۹ ق) نیز آنرا شرح کرد.

- شریفی ابراهیم پسرحسام کرمیانی (م ۱۰۱٦) دنباله‌یی برای کتاب ابن کمال پاشا نگاشت.

- عبدالمجید (یحیی) پسرنصوح پسراسرائیل بخش سوم را کوتاه کرد.

- تاج‌الدین تبریزی «تنقیح‌المفتاح» نگاشت.

[۱۷۹]

۲۰۷ نسخه فقط قسمت سوم کتاب درمعانی و بیان‌است. بخط نسخ نزدیك بنك. نام‌قطب‌الدین بن‌محمدالکیدری درپایان کتاب دیده میشود. درپایان جمادی یکم سال (۷۸٦ق) نوشته شده‌حاشیه های‌بسیار دارد ونام‌الاستادالکامل مقصدالطلبة من کل فج عمیق یوسف بن خواجه یوسف، که گویا نگارنده حاشیه‌ها باشد در پایان آمده‌است. عنوانها باشنگرف‌است برك (۱ـب) باشنگرف وسیاهی وزر جدول‌بندی ونقاشی شده‌است. بر گهای (۳و٤و۸و۲۰) نو نویس است.

(۱۱۲برك) کاغذ ترمه قمصی. جلد تیماج قهاری.

اندازه: ۱۷×۳٦ و۱۰×۱۷:۱٥ سطر.

[۱٦۲] مقاصدالذات (فرهنك - عربی بفارسی)

کتابی است دولغت عربی بزبان فارسی. نام نگارنده از دیباچه افتاده است وشناخته نشد. گویا یکی از دانشجویان درسدهٔ سیزدهم- که شاید نویسندهٔ همین نسخهٔ (شمارهٔ ۱۹۳ دانشگاه) علی اکبریزدی باشد- آنرابرای خویش فراهم ساخته است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نام کتاب دردیباچه چنانست که در بالا یادشد، ولی در پایان نسخه آنرا «لغة الاعراب» نامیده است.

آغاز: الحمدلله الذی بعث بالحق نبیاً، وانزل قرآناً عربیاً، هدی للناس وبینات ... امابعد قال الفقیر الی الله غفر ذنوبهما (چنین) ... لمارأیت القرآن ... عربیة فوجب اولا ...

انجام: یامع المیم بم: دریا. یمین: سوگند (سپس جمله‌های (ابجدهوز) را گزارش داده است).

واژه‌ها را بترتیب حرف نخست وسپس دوم بسیجیده. ودرمعنی هرواژهٔ عربی یك واژهٔ فارسی بسنده کرده است. در این کتاب در پیرامن ده هزار واژه گزارش شده است.

[۱۸۰]

۱۹۳ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده علی اکبر فرزند مرحوم آخوند ملاحسین یزدی ساکن ورامین. آنرا درمدرسهٔ صدراعظم پهلوی مسجد شاه دوشنبه ۲۷ ربیع یکم سال ۱۲۸۸ق بپایان رسانیده. وگویا نگارنده همین نویسنده باشد. عنوانها با شنگرف درمتن وباسیاهی در کرانه نوشته شده.

واژه عربی را بخامهٔ درشت وفارسی را زیر آن بخامهٔ ریز نوشته است.

(۹۷ برگ) کاغذ فرنگی سابیدآهارمهره. جلد تیماج رو: مقوالی.

اندازه: ۱۱×۱۷ و ۱۳×۶ و ۹×۱۳ سطرعربی و ۹ فارسی.

[۱۸۳] **منتخب مغنی اللبیب** (نحو - عربی)

مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب درنحواز ابن‌هشام نحویست که درزیرعنوان شرح شواهد مغنی در (ص ٤١٠) یادشد. جای گفتگو کوتاه شدهٔ آنست که مانند خودمغنی درهشت باب بسیج شده. و کوتاه کننده خودرادردیباچه «خادم روضهٔ ثامن الائمة معین الدین اشرف الحسینی» خوانده، و گویا وی امیرمعین الدین محمد اشرف پسرحبیب الله حسینی طباطبائی شیرازی شاگردشیخ بهائی (۱) ونگارندهٔ

۱ـ شیخ بهائی در ۱۰۲۱ق بوی اجازهٔ روایت داده‌است (الذریعه ـ ج ۱ـ ص ۲۳۷) دیده شود.

شرح خلاصة الحساب بسال (۱۰۳۸) باشد. این کتاب درپیرامن (۵۰۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله الذی هدانا لاعدل الادیان وانطقنا باعذب البیان ... و بعد فیقول الضعیف اقل ... ان [هذا] فرائد التقطتهامن کتاب مغنی اللبیب لابن هشام لنفسی ولاحبتی من الاخوان ... الالف المفردة. تأتی علی وجهین ...

انجام: السابع: واذاقیل لهم لاتفسدو ... یحتاج الیه الخبر المفرد الجامد.

الثامن: وعدالله الذین آمنو وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر کریم. تمت.

[۱۸۱]

۲۰۸ نسخه بخط نسخ نزدیك بنستعلیق. نام نویسنده را ننوشته. درشهر همدان بتاریخ یکم محرم سال ۱۱۲۲ (گویا ۱۰۱۲ ق) نوشته شده است. برخی افتادگیها در کرانه نوشته شده. جای عنوانها را سفید گذارده تا شنگرفی نویسد ولی سفید مانده است. دربرك (۱ـ الف) تملك و مهرعباس پسر محمد پسر علی طالقانی دیده میشود. پیش ازبرك شمارهٔ یك، یك برك بی‌شماره هست وروی آن تملك ومهر صالح طبیب هست. الله کی حاشیه نیزدارد.

(۱۴۹ برك) کاغذ سمرقندی لخدی. جلد تیماج مشکی مقوالی قفاری فرسوده.

اندازه: ۹/۵×۱۹: ۳۱ سطر.

[۱۸۴] **مهذب الاسماء** (عربی بفارسی)

فی مراتب الاشیاء

این کتاب یکی ازلغتنامه‌های عربی است که در آن فقط اسمها را بفارسی ترجمه کرده وازافعال سخنی نگفته‌است. وهیچ گواه وشاهد نیز نیاورده. کتابرا دربیست وهشت بخش بترتیب حرف یکم واژه‌هابسیج کرده، وهربخش بزرك بسه بخش میانه (مفتوح زبردار، مضموم پیش دار، مکسور، زیردار) بخش نموده وهریك ازسه بخش رادربیست وهشت بخش کوچك بترتیب حرف دوم بسیجیده‌است. یك بخش در آغاز کتاب برای نامهای خدا ویك بخش دریایان کتاب برای نامهای گوناگون ویرا کنده افزوده‌است. این کتاب در نسخهٔ این کتابخانه (بشمارهٔ ۱۳۰)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بیش‌از هشت هزار بیت نوشته ندارد ، ولیکن ابن یوسف نسخهٔ سپهسالار را دارای (۹۶۰۰ بیت نوشته) دانسته است .

دردیباچهٔ این کتاب نام نگارنده و نام کتاب و نام ده کتاب بعنوان مدرك نگارش ، یاد شده است .

آغاز . الحمدالله الذی خلق الخلایق بقدرته وخص بنی آدم بعزته ... امابعد فانی رایت الناس زاهدین ...

انجام : فصل فی منازل القمر ... وبطن الحوت وهو الرشاء ومنزل وثلثی ازمنزل برجی باشد . والله اعلم بالصواب .

نگارنده : چنانکه دردیباچه یاد شده ، محمود پسر عمر پسر محمود پسر منصور قاضی رنجی سنجری عزی از بنی شیبان (۱) است ، دربارهٔ واژه‌های (رنجی وسنجری) گفتگو هاشده(۲) و آقای دهخدا نخستین را (رنجنی) منسوب به رنجن شهری ازسغد (۳) و دومین راسنجری معرب سنگری بمعنی سیستانی دانسته‌اند . ابن‌یوسف گمان کرده‌است که سنجری درست باشد ، ووی را همان شاعرهمزمان سلطان سنجر شمرده است . ولی بگمان من نگارندهٔ « مهذب الاسماء » پس از روزگار سنجری شاعرمیزیسته است و این معنی از مدرکها که دردیباچه آمده روشن میگردد .

[۱۸۲]

۱۳۰ نسخه بخط نسخ سدهٔ هشتم و بهم . نام نویسنده و تاریخ ندارد . ولی در پایان نسخه (گ ۲۰۵ پ) شمری بتاریخ (۸٤۱ ق) نوشته شده . تصحیح شده و نشانهٔ آن در برك (۲۰۵ـ الف) دیده میشود . دربرك (۱و۲) دوتملك ودومهردیده میشود .

۱ـ دردیباچه گوید : السجزی ثم العزی من قسط بنی شیبان نعمه‌الله برحمته ...

۲ـ نسخه‌ها نیزهریك این دو واژه را بشکلی آورده‌اند . نخستین را زنجی ورنجی و ربجی وجز آن ودومین را سخری وسنجری و نسخهٔ این کتابخانه مانند حدس آقای دهخدا : سجزی نوشته شده است .

۳ـ سمعانی ۲٤۸ پ دیده شود .

بیش‌تر ، این نسخه با نسخه مصادر زوزنی دریك جلد فرسوده بود . و توسط کتابخانه جدا شد وبمصادر ، شمارهٔ (۱۰٦۹) داده شد .

عنوانها با شنگرف است .

(۲۰۵ ورق) کاغذ نخودی سمرقندی ، جلد تیماج سیر مقوائی نو .

اندازه ۱۲×۲۵ و ۱۱×۱۷/۵ ، ۱۹ سطر .

[۱٦۵] نحو (رساله در ...) (فارسی)

کتابچه‌ایست دردستورهای نحو عربی بزبان فارسی . آغاز نسخه افتاده ونگارنده شناخته نیست . فهرست آنچه بجامانده چنین است : بخشی از باب پنجم از قسمت نخست دراسماء . باب ششم اسماء افعال ، باب ۷ اسماء اصوات ، باب ۸ مصدرهای تثنیه ومضاف (مانند لبیك) باب ۹ آنچه بفعل مقدر منصوب شود . باب ۱۰ اسماء تو کید باب ۱۱ اسمهائی که باجزاسم‌تر کیب شود . باب ۱۲ اسمهای مفرد . قسمت دوم فعل درچهارباب است : باب ۱ فعل متصرف باب ۲ غیرمتصرف . باب ۳ فعل امر . باب ٤ متفرقه . قسمت سوم حرف درهفت باب : باب ۱ حرفهای جردهنده ، ۲ ـ نصب دهنده باسم ، ۳ ـ نصب دهنده بفعل ، ٤ ـ جزم دهنده ۵ـ حرفهای بی‌عمل ٦ ـ حرفها که گاه اسم و گاه فعل گردند ، ۷ ـ معنی هریك ازحرفهای الفباء .

آغاز کتاب افتاده . آغاز آنچه هست ، وراء مونث است چون قدام ...

انجام : وازعین ،ضفادی بجای ضفادع ، و از کاف چون مکوك ومکاك اصل مکاکیك ، وازثاء : قدمریومان وهذاالثالی . اراد الثالث . والله اعلم .

[۱۸۳]

۲۲۰ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده موسی پسر ... (پاك شده است) در ۲۵ محرم ۷۲٦ . نوشته شده . عنوانها با شنگرف است . دربشت رساله صرف عربی جلد شده دربرگهای (٤۹ـ۷۰) جا دارد .

همه دفتر (۷۰ برك) این کتابچه (۳۱ برك) کاغذ سمرقندی نخودی رنگ . جلد تیماج مقوائی قهوه‌ای . اندازه : ۱۳×۱٦ ، ۱٦ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٦٦] **الوافیه** (نحو ـ عربی)

شرح کافیهٔ ابن حاجب

کافیهٔ ابن حاجب در(ص٤١٢و٤١٤) یاد شد . وچنانکه گفتم آنرا شرحها و حاشیه های بسیار نگاشته‌اند . یکی از کسانیکه‌این کتابرا شرح کرده‌است رکن‌الدین حسن پسرمحمد استرآبادی حسینی از دانشمندان سدهٔ هفت وهشتم میباشد و بسال (٧١٧ ق) در گذشته است . او سه شرح بزرك و میانه و کوچك برای کافیه نگاشت . جای گفتگو شرح میانه است که آنرا « الوافیه » نامیده و از دو دیگر نامبردارتر میباشد . وی در دیباچه آنرا بناصرالدوله والدین شمس‌الاسلام یحیی پسرجلال‌الدنیاوالدین‌ابراهیم پسرنفرش پسرپیلکاملك ختنی پیشکش ساخته و نام کتاب را « الوافیة فی شرح الکافیة » نهاده و گوید آنرا پس‌ازشرح بزرك خود فراهم کردم .

آغاز : احمدالله علی‌عظمة جلاله ، حمدغریق بمطالعة جماله . واشکره ...

انجام : لم یعلم انه بدل عن‌النون للمحذوف‌السردودة . ولیکن هذا آخر الکلام فی هذاالکتاب . والحمدلله اولاوآخراً .

میرسیدشریف جرجانی حاشیه‌یی براین کتاب نگاشت و فرزندش محمد آنرا بپایان رسانید . و حاشیه دیگر نیز محمد پسر عبدالله مرینی بر آن نگاشته است .

[١٨٤]

٨٣٨ نسخه شرح بخط نستعلیق و متن بخط نسخ است. نویسنده محمد پسرسلیمان جاسنانی . درتاریخ ٩١٢ ق آنرا نوشته . حاشیه‌های بسیار بهمات خامه با امضاهای (لب) و(لباب) و(هندی) (رضی . ره) و (قم) و (نجم‌الدین) وجز آن دارد . عنوانها با سیاهی و روی‌آن شنگرف کشیده .

دنبال این نسخه: الف ـ عوامل جرجانی دردوبرك ، ب ـ جمعهای مکسر بخط

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابراهیم درتاریخ ١٢٢١ و ج ـ خواص سوره‌های قرآن بخط بسیار ریز بتاریخ جمعه اواسط ماه رجب سال ٩٦٤ ق نوشته شده است . پشت برك (١ ـ الف) تملك حافظ ابراهیم درتاریخ ١٢٢١ ق دیده میشود .

(هفدهٔ دفتر ١٧٣ برك) این‌کتاب ١٦٩ برك . کاغذ ترمه اصفهانی . جلد فرسوده بود توسط‌کتابخانه جلد شد ، تیماج زرد مقوائی‌الدازه : ١٦×٢٥ ، ١٦ سطر .

پایان گفتار دوم

گفتار سوم تاریخ و جغرافیا

مذهبی ، ادبی ، سیاسی ، اقتصادی
زندگی گزاری ، کتابشناسی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٦٧] **آتشکدهٔ آذر** (فارسی)

گزارش زندگی شاعران جای بزرگی از تاریخ ادبیات ایرانرا بر کرده ووقت بسیاری ازدانشمندان مارا بخود گرفته‌است .

ازسدهٔ هفتم تا امروزدهها کتاب بنام «تذکرهٔ شعراء» در گزارش زندگی ایشان نگاشته شده است :

لباب‌الالباب ؛ ازعوفی در نیمهٔ نخست سدهٔ هفتم .

تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (ن ٨٩٢ ق) .

مجالس‌النفائس بترکی از میرعلی شیر نوائی (از ٨٤٢ تا ٨٩٨ ق) .

دو ترجمهٔ آن بفارسی بادودنبالهٔ آن نگارش آغازسدهٔ دهم (چ تهران ١٣٢٠).

تحفهٔ سامی ؛ از سام میرزا صفوی (از ٩٠٥ تا ٩٥٧ ق) .

خلاصة‌الافکار میرتقی کاشی (تا ١٠١٢ ق) .

هفت اقلیم ، از امین احمد رازی (تا ١٠١٠ ق) .

مجمع‌الخواص ، ازصادقی کتابدار (از ٩٠٠ تا ١٠١٦ ق)

مرآت‌الخیال علی شیرلودی (تا ١١٠٢ ق) .

تذکرهٔ نصرآبادی ، ازمحمد طاهر (ن١٠٨٣ ق)

آتشکدهٔ آذربیگدلی ؛ تا پایان سدهٔ دوازدهم .

انجمن خاقان ، ازفاضل گروسی ، تا نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم .

مجمع‌الفصحاء ، از رضاقلی هدایت تا همان تاریخ

دراین کتابها که درایران نگاشته شده فقط شاعران پارسی گوی ایران یاد شده است، ولی هندیان نیز زنجیره‌یی برای تاریخ پارسی سرایان هندوستان دارند ودرزیرفهرست کمابیش ناقصی از آن میآورم .

کلمات‌الشعراء . درسدهٔ یازدهم نگاشته شده‌است .

تذکرهٔ خوشگو (ن - ١١٢٦ ق) .

ریاض‌الشعراء . از واله داغستانی(١١٦١ق) .

خزانهٔ عامرهٔ ازغلام علی آزاد بلگرامی (ن ۱۱۷۷ ق).
شمع انجمن ازمحمد صدیق حسنخان.
نگارستان سخن از پسرش نورالحسن.
صبح گلشن از پسر دیگرش علی حسن.
روز روشن ازمحمد مظفر حسین صبا.

این چهار کتاب پسین که بترتیب هریك مانند دنبالهٔ دیگریست دردههٔ پسین سدهٔ سیزدهم نگاشته شد و پرازنادرستی واشتباه میباشد.

جزاینها میتوان از تذکرههای زیر نام برد:

آثار معاصرین، آفتاب عالمتاب، بهجةالشعراء، تحفهٔ ناصری، تذکرهٔ آلهی (م ۱۰۶۳ ق) تذکرهٔ حزین (م ۱۱۸۱ ق) تذکرهٔ سید نیمهٔ نخست سدهٔ دوازدهم، تذکرهٔ قاطعی سدهٔ دوازدهم، تذکرهٔ ناظم تبریزی (م ۱۰۳۶ ق)، حیاةالشعراء، سدهٔ دوازدهم. دلگشا (م ۱۲۶۳ ق) عرفاتالعاشقین، گنج شایگان سدهٔ سیزدهم، مجالس العشاق، میخانهٔ فخرالزمان (۱۰۴۶ ق) میکدهٔ وامق (۱۲۵۵ ق). نتایج الافکار سدهٔ دوازدهم، وادی ایمن سدهٔ دوازدهم، ید بیضا آزاد (م ۱۲۰۰ ق).

صاحب ذریعه بیشتر شاعرانیکه در این کتابها ی گوناگون یاد شده درجلد نهم آورده و بنابراین میتوان آنرا بزرگترین تذکرهٔ شاعران شمرد.

دراین تذکرهها گزارشهای کوتاه و ناسنجیدهیی اززندگی شاعران و گزینی ازشعرایشان و گاه اندك سنجش لفظی میان شعرایشان بادیگران دیده میشود.

بخش بندی درونی تذکرهها: چنانکه گفتم زندگی شاعران دراین کتابها جدا جدا و پی درپی نهاده میشد، برخی تذکره نگاران، شاعران را بترتیب تاریخ وسدهیی که در آن میزیستهاند گردآورده مانند دولتشاه و برخی ایشانرا بترتیب شهرها که ازآن برخاستهاند بخش کرده مانند احمد امین رازی و آذر وبرخی بترتیب حرف آغاز نام شاعر بسیجیدهاند. ودر گزارش فقط یاد کردن

نام و نیاکان شاعر و نام کسانی را که ستوده وشاهان و بزرگان روزگارش بسنده کردهاند، وهیچگاه دربارهٔ روابط زندگی اجتماعی وخانوادگی او باشعرش، و تأثیر این دو دریکدیگر سخن نمیراندهاند. و این بزرگترین اشتباه ایشان بوده، که تاریخ شعر ما را تاریك نگاه داشته است.

برخی از تذکره نگاران گذشته از اینکه خصوصیات زندگی شاعر را گزارش نمیدهند داستانهای دروغین نیزساخته و باو نسبت میدهند چنانکه سلطان حسین بایقرا در «مجالس العشاق» پای بندآنست که برای هریك از عارفان وشاعران که یاد کرده داستان عشقی بسازد واین کار اورا تقی کاشی در «خلاصة الاشعار» گسترش داده و داستان دلباختگی هرشاعر را بیك دلبر ساختگی با آب وتاب آورده است.

جای گفتگو تذکرهایست بنام آتشکده که بنام نگارندهاش آتشکدهٔ آذر نامبردار شده. نگارندهٔ آن لطفعلی بیگدلی «آذر» پسر ایلدکرخان از خاندان شاملو است، خانوادهٔ وی خود را از نوادگان بیگدل خان یکی ازسران مغول دانند، او نیزدرخانهٔ آتشکده بنقل ازجامع التواریخ رشیدی نژاد خودرا تا یافث پسرنوح کشانیده ودربارهٔ زندگی خود گوید: دراصفهان بسال ۱۱۳٤ ق بزاده و چهارده سال درقم دانش آموخته، و سفرها کرده و درهنگام بازگشت لشکرنادر ازهندبوی درمشهدخراسان بوده. آذر ازبیست سالگی شعر میگفته وشعرتیکونیزدارد (۱) ودرآغاز «واله» وپس ازآن «نگهت» وسپس

(۱) اوراست:

بشیخ شهر فقیری ز جوع برد پناه
بدان امید که ازلطف خواهدش خوان داد
هزار مسئله پرسیدش از مسائل و گفت
که گر جواب نگفتی نخواهمت نان داد
نداشت حال جدال آن فقیر و شیخ غیور
ببرد آبش و نانش نداد تا جان داد
من و ملازمت آستان پیر مغان
که جام می بکف کافر و مسلمان داد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

آذر تخلص گرفته است. وهمواره میان وی وهاتف و صباحی و دیگر شاعران روزگارش چکامه به پیام داد وستد میشد که‌در تذکره‌ها یادشده‌است. آذر بسال (۱۱۹۵ ق) درگذشت و هاتف وصباحی در تاریخ مرگ وی شعرها گفتند (۱). آذر جز آتشکده یك‌مثنوی بنام‌یوسف و زلیخاء وتذکره‌یی بنام‌«دفتر نه آسمان» دارد که شاعران همزمان خودرا در آن گرد آورده است.

وی این تذکره را بسال ۱۱۷٤ ق در چهل سالگی درزمان پادشاهی کریمخان زند نگاشته ودر آن ۸٤۲ تن شاعر راشناسانیده‌است. وی دراین کتاب شاعران را مانند هفت اقلیم رازی بخشهای جغرافیائی دسته‌بندی کرده‌و کتاب رابردومجمر (آتشدان) بترتیب زیر پیچیده است:

مجمر نخست دارای یك شعله وسه اخگر ویك فروغ‌است: درشعله پادشاهان وشهزادگان‌شعرسرای‌را آورده‌،دراخگر نخست‌شاعران‌ایران‌رادر پنج‌شراره آورد.

شرارهٔ یکم، آذربایجان: اردبیل، اردوباد، تبریز، شیروان، گنجه، قراباغ، مراغه.

شرارهٔ دوم خراسان: ابیورد، اسفرائن، بسطام، تون و تبس، ترشیز، جاجرم، جام، خبوشان، خواف، سبزوار، سمنان، سیستان، طوس، غرجستان، غزنین، غور، قاین، کرمان، مرو، رونه، مهنه، نیشابور، هرات.

شرارهٔ سوم طبرستان: آستر آباد، گرگان، گیلان، لاهیجان، مازندران.

شرارهٔ چهارم عراق، دوشعاع دارد، نخست عراق عرب: بغداد، وشعاع دوم عراق‌عجم: اصفهان، جرفادقان (گلپایگان) ری، ساوه، قزوین، قم، کاشان، همدان، یزد.

---

(۱) هاتف گوید:

کلك هاتف ازپی تاریخ سال رحلتش
زد رقم از بلبل گویای این باغ آه، آه.
دیوان هاتف چ تهران ۱۳۱۳ ص ۱۱۵

وصباحی گوید:

نوشت کلك صباحی برای تاریخش مقام آذربادا بسایهٔ طوبی

شرارهٔ پنجم، فارس: ابرقوه، بهبهان، داراب جرد، شوشتر، شیراز، کازرون، لار، تبریز

اخگردوم‌شاعران‌توران‌درسه شراره، نخست بلخ دوم‌خوارزم‌اورگنج چچکنو، میمنه. سوم ماوراءالنهر: اسفرنگ، اخسیتك، بخارا، بدخشان، ترمذ، حصار شادمان، خجند، سمرقند، فرخار، فرغانه، قتاه.

اخگرسوم شاعران‌هند درسه شراره: نخست: دکن، دوم: دهلی: سهرند، کابل، لاهور. سوم: کشمیر.

فروغ: درشاعران زنان.

مجمردوم دو پرتودارد. نخست، شاعران همزمان‌نگارنده، دوم گزارش زندگانی خود او.

[۱۸۵]

۱۱۲ نسخه بخط نستعلیق زیبا. نویسنده محمد علی مشرف شیرازی از شاعران بنام‌سدهٔ سیزدهم‌درشیراز است. درتاریخ چهارشنبه سیزدهم صفر (۱۲۵۳ق) آنرا بپایان رسانیده است. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد وجدول دارد یکی در کنار صفحه و یکی در کنار کرانهٔ آن. هررویه چهار ستون دارد که دو بیت در آن نوشته شده. عنوان شعررا درمیان صفحه باشنگرف نوشته در بالا و کنارهرصفحه باشنگرف نام شهری که شاعران آنجا درآن صفحه آمده نوشته است. عنوانها شهرها و نام شاعران نیز با شنگرف است. دربرگ (۱ـ ب) سرنامه‌یی بسیار زیبا با شنگرف و لاژورد و زروسفید آب وسبزه دارد که نیم رویه را گرفته است ودودوصفحه (۱ـ ب و۲ـ الف) میان سطرها زرافشانی شده وحاشیه با زر گلکاری شده است. میان این دوصفحه برگ‌نازك برای نگاهداری‌آنها ازسایدن نهاده‌اند. درپایان نسخه دوصفحه (۱۳۵ ب و۱۳٦ ـ الف) چکامه‌یی ازصباحی درمرثیهٔ نگارنده (آذربیگدلی) درشش بند آورده است.

(۲۳۷ برگ) به برگ سفید.کاغذ اصفهانی نخودی. جلد تیماج مشکی فشاری زرکوب درون ابری‌گل‌بوته. نه وحاشی شده است. اندازه: ۲۱×۳۱/۵ و ۱۲×۲۲: ۲۵سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utc.ir

[۱۶۸] آثار أحمدی (تاریخ ـ فارسی)

در تاریخ و گزارش زندگی پیغمبر اسلام (ص) و جنگهای وی، و اندکی از احوالات هریك از امامان دوازده گانه شیعه میباشد. دربارهٔ امام دوازدهم دوراه برای اثبات زندگی وغیبت او آورده سپس گویند و گویند در طرف مغرب شهرهائی است که فعلا در حیطهٔ اختیار او است. نگارنده أحمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین أستر آبادی است، صاحب ذریعه گوید: گویا وی برادر سلطان محمد بن تاج الدین حسن صاحب «تحفة المجالس» ـ چاپ (۱۲۷۴)ـ باشد که در آن از این کتاب نام برده است. نگارنده در دیباچه نام خود و کتاب را یاد نموده گوید بنا بخواهش برخی دوستان کتاب «روضة الاحباب» را کوتاه نموده ومطالب دیگر از کتابهای پیشینیان بر آن افزوده آنرا بدین ترتیب مرتب ساختم. واز این روی بر پشت نسخهٔ این کتابخانه نوشته است [خلاصهٔ روضة الاحباب]. نگارنده مانند بیشتر دانشمندان دورهٔ صفوی پنهان کاری و تقیه را کنار گذارده، هیچ جا نام ابوبکر و عمر و عثمان را بدون جملهٔ (لعنه الله) و مانند آن نیاورده است.

آغاز:

خدایا ز شکرت زبان کام یافت
ز نام تو هر نامه‌یی نام یافت

و پس از چهار بیت گوید: صحیح ترین حکایتی که مورخان پاکیزه بیان نیکوادا....

انجام: این مقدار نوشته شد که مؤمنانرا کفایت است:

چونکه بدین پایه رسانیدم کلام به که کنم ختم سخن والسلام

[۱۸۶]

۱۸۶ نسخه بخط نستعلیق هندی. نام نویسنده و تاریخ آن در پایان نسخه دوبرگ (۲۸۸ب) چنین آمده است: «صورت اتمام یافت بتاریخ (۱۴ـ محرم ـ ۱۰۷۷) بعون الله الصمدی کتاب آثار احمدی بخط العبد الضعیف شهرسوار بن شاهمراد یك نوائی» ودوبرگ (۲۸۹ ـ الف) تملك ملاصالح واد وجب خیوشانی درلاهور بتاریخ (۱۱۶۸) دیده میشود. اندکی حاشیه دارد. عنوانها با شنگرف است.

(۲۸۹ برگ) کاغذ سمرقندی جلد لیماج قهوه‌گهه. مقوائی ضربی. اندازه: ۱۹/۳۰ و ۱۰×۲۱/۲ ۱۹ سطر.

[۱۶۹] أبان بن عثمان (رجال ـ عربی)

و اصحاب اجماع

حجة الاسلام شفتی بیست ویك کتابچه دربارهٔ ۲۱ تن از راویان بنام نگاشته و یکی از آنها همین کتابست که دربارهٔ این مرد است، وچون ابان عثمان یکی از اصحاب اجماع است، حجة الاسلام در آغاز کتابچه گفتاری دربارهٔ ایشان وتاریخچهٔ پیدایش این گفتگو، در سه مبحث آورده است.

برای شناختن اصحاب اجماع چند نکته را باید بیادداشت:

I تعیین کننده احکام وقانونهای دینی وحقوق مذهبی، مفتیان ومجتهدان مذهب شیعه بودند. ایشان میبایست آن احکام را از چهار مدرك بدست آورده بمردم برسانند: کتاب (قرآن) وسنت (خبرها و حدیثها) واجماع (آنچه مسلمانانش پذیرند) وعقل. ودرچگونگی بدست آوردن قانون ازاین منبرکها گفتگو بسیار کرده‌اند.

II چون بیشتر قانونها از مدرك دوم (سنت = خبر) بدست میآمد، دربارهٔ آن بژوهش بسیارشد و آنرا بدسته‌ها بخش کردند چنانکه: **الف** ـ خبر یا متواتر است که چندین راوی آنرا آورده باشند و یا تك خبر میباشد (خبر واحد) که فقط یك راوی آنرا آورده. **ب** ـ خبر واحد با چگونگی روایت کننده‌اش بچندین دسته میشد: خبر درست = صحیح. راستگو = ثقه. نیکو = حسن. سست = ضعیف. ناشناس = مجهول. وجز آن. **ج** ـ پیوسته وگسسته: زنجیره بیشتر خبرها پشت اندر پشت پیوسته است ولی برخی خبرها نیز یافت شود که زنجیرهٔ آنها گسسته است وروایت را از (بی‌نام ونشان) نقل کرده‌اند.

III برخی میگفتند تك خبر (خبر واحد) را نمیتوان بکار بست و فقط خبرهای متواتر پذیرفتنی میباشد، ولی اگر بیاد آوریم: قانونهائیکه از قرآن بیرون میآمد دو پیرامن پانصد ماده است، وخبرهای متواتر نیز از شمارهٔ انگشتان افزون نمیباشد، و خرد (عقل) نیز همواره مانند یك کمك برای دلیلهای دیگر بکار میرفته نه بتنهائی، بنابراین آشکار میشود که پایهٔ دهها هزار ماده قانون مذهبی که بکار بسته میشد همه برتك خبرها استوار میباشد نه به دلیل دیگر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

IV بیشتر این خبرها درسدهٔ چهارم دردو کتاب «کافی» (۱) و «من لایحضره الفقیه» (۲) ودرسدهٔ پنجم‌دردو کتاب «استبصار» (۳) و«تهذیب» (٤) گردآمده‌است وزنجیرهٔ بیشترخبرهای این‌چهار کتاب بنیمهٔ دوم سدهٔدوم، باامامان پنجم وششم وهفتم وهشتم‌شیعه‌میرسد، پس‌آشکارمیشود که‌این‌خبرهارا ازشش‌تا ده پشت سینه‌بسینه روایت کرده و سپس بخامه روی کاغذ آورده‌اند. و با آنکه در کتابچه‌های جدا جدا بنام «اصل» (٥) نوشته بوده ودراین تاریخ آنها را دراین چهار کتاب گرد آورده‌اند.

V عقل و دستورهای خبرشناسی (٦) هنگامی تك خبر (۷) را پذیرفتنی میشمرد که هریك‌ازروایت کنندگان‌آن (همهٔ دانه‌های‌زنجیرهٔ سند روایت) راستگوودرست‌کار باشند، وبرای بی‌ارزش‌بودن یك خبر بس‌است که یکی ازدانه‌های زنجیرهٔ آن سست ویاناشناس باشد. پیداست که بااین‌شرایط سنگین ودرازبودن زنجیرهٔ‌ها فقط اندکی ازخبرها قابل پذیرش خواهد بود و بیشتر آنها بی‌ارزش بشمارمیرود.

---

(۱) این کتاب‌نگارش‌محمدپسریعقوب کلینی (م۳۲۹ق)است. صاحب روضات(ص۵۵۳) بنقل ازلؤلؤة البحرین همهٔ حدیثهایش را(۱۶۱۹۹)شمرده که(۵۰۷۲) از آنها صحیح و (۱٤٤ حسن) و(۱۱۱۸ موثق) است.

(۲) این کتاب نگارش ابن‌بابویه محمد (م۳۸۱ق) است ودارای چهار بخش است و درهمهٔ آن یگفتهٔ لؤلؤة‌البحرین (۳۹۱۳) حدیث پیوسته و (۲۰۵۰) حدیث گسسته گرد آمده است.

(۳) دراین کتاب خبرهائی که با یکدیگر ناسازگار بوده است گرد آمده. نگارنده شیخ طوسی (م ٤٦۰ ق) است. شمارهٔ خبرهای این کتاب چنانکه نگارنده درپایان یاد کرده پنجهزاروپانصد ویازده میباشد ولی برخی آنرا از نوشمرده وشش‌هزاروپانصد وسی ویك یافته‌اند وآن‌در (۹۲۵ یا۹۱۵باب) بسیج شده‌است. صاحب‌ذریعه نام هجده تن را که دربارهٔ این کتاب کاری انجام داده‌اند در (ج۲ ص ۱۵ـ۱٦) یاد کرده است.

(٤) این کتاب نیز از شیخ طوسی است ولی درآن همه خبرها را که بدست آورده وشمارهٔ‌آن سیزده هزاروپانصد ونوه خبراست در(۳۹۳باب) گردآورده‌است. صاحب ذریعه نام چهل کار که دربارهٔ این کتاب انجام یافته در (ج ٤ ص ٥۰٤ ـ ٥۰٦) یاد کرده است.

(٥) اصل کتابچه‌ئیرامیگفته‌اند که‌راویان خبرهارا که‌ازامام میشنیده‌نددرآن مینوشتند شمارهٔ این‌اصلهارا طبرسی (م ٥٤۸ ق) دراعلام الوری وداشتمندان پس‌ازوی چهارصد شمرده‌اند. طوسی درآغازفهرست خویش گوید: این‌عضائری یك کتاب برای فهرست مصنفان ویك کتاب برای اصل‌نگاران ساخته است.

(٦) دارية‌الحديث. (۷) خبر واحد.

VI چنانکه دردنبالهٔ «ضعفاءابن‌غضائری» خواهیم‌دیدزندگی گزاران چندین کتاب بنام «الضعفاء» نگاشته. و درآنها بسیاری از راویان خبررا: دروغگو، نادرست، ناشناس‌وسست خواندند وازاین راه نیز ازشمارهٔ خبرهای پذیرفتنی کاسته شد.

VII درهمان‌آغاز کاردانشمندان‌بدشواری این‌شرایط عقلی‌و کمبود خبرپذیرفتنی پی برده و برای چارهٔ این کمبود راهها اندیشیدند، یکی آنکه چند تن از راویات نیکوکاروودرست کرداررابرگزیده خبرهایشان‌را از آن شرطهای دشواربی‌نیازشمردند وچنین درش کردند که این مردان هرگزاز کسی که شرط لازم‌ندارد روایت نکرده‌اند

اصحاب اجماع کیانند ؟

کشی سه دسته شش تنی را درسه جای کتاب خود چنین یاد کرده است:

نخست درباب سوم (۱) گوید: نام فقیهان ازیاران ابوجعفر (باقر) وابوعبدالله (صادق)؛ همهٔ اصحاب‌ما، خبرهای‌این نخستین‌یاران‌ابوجعفروابوعبدالله‌را پذیرفتنی‌شمرده وفقیه بودن آنان‌را گردن‌نهاده و گفته‌اند: فقیه‌ترین پیشینیان‌شش تن بوده‌اند:۱) زراره۲) معروف‌پسرخربوذ۳) بریده٤) ابوبصیراسدی٥) فضیل‌پسریسار، ٦) محمدپسرمسلم‌طائفی و نیز گفته‌اند فقیه‌ترین ایشان زرارة بود ۷) و برخی بجای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی که لیث بختری است آورده‌اند.

دوم ــ درباب‌پنجم (۲) گوید: نام‌فقیهان ازیاران‌ابوعبدالله (صادق)، همهٔ گروه شیعه خبرهائیرا که ایشان‌درست دانند درست‌شمرده وسخن‌ایشان پذیرفته‌اندو بفقیه بودن آنان خستوان هستند، و ایشان شش تن جز شش تن پیشین میباشند: ۱) جمیل پسر دراج ۲) عبدالله پسرمسکان ۳) عبدالله پسر بکیر ٤) حمادپسرعیسی ٥) حماد پسرعثمان ٦) ابان پسرعثمان. ابواسحاق گفته است که فقیهترین آنان جمیل است.

سوم ــ درباب ششم (۳) گوید: نام فقیهان از یاران ابوابراهیم (موسی کاظم) و ابوالحسن (رضا)، همهٔ‌شیعیان خبرهائیرا که ایشان‌درست‌دانند درست‌شمرده وسخن آنان پذیرفته و بفقیه بودن ایشان خستوان هستند، و ایشان شش تن دیگر میباشند: ۱) یونس پسر عبدالرحمان ۲) صفوان پسر یحیی صابری‌فروش ۳) محمد پسر ابوعمیر ٤) عبدالله پسرمغیره ٥) حسین پسرمحبوب، ۷) برخی گویند: حسین‌پسرعلی پسرفضال ۸) وفضاله پسر ایوب‌نیزدرشمارایشان‌بوده‌اند. وبرخی: ۹) بجای فضاله، عثمان پسر

---

(۱) ص ۱٦٥ چ بمبئی ۱۳۱۷ ق.
(۲) ص ۲۳۹ چ بمبئی ۱۳۱۷ ق.
(۳) ص ۳٤٤ چ بمبئی ۱۳۱۷ ق.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عیسی را نهاده‌اند (۱) و فقیهتری ایشان یونس عبدالرحمان و صفوان یحیی بوده‌اند (پایان) و بنابراین کشی نام بیست و دوتن را یاد کرده‌است ؛ و حسن بن داود در کتاب خود مردی بنام جبدان پسر احمد را نیز از گفتهٔ کشی درشمار اصحاب اجماع آورده است (۲) ولی در نسخه‌های کشی نام چنین کسی دیده نشده است.

کسانی که دربارهٔ اصحاب اجماع کار کرده‌اند بیشتر راوی شناسان پس از کشی هر یک چیزی در این باره گفته‌اند ولی کسان زیر جداگانه در آن سخن رانده‌اند. حجة‌الاسلام رشتی اصفهانی در دیباچهٔ کتابچهٔ « آبان بن عثمان » که جای گفتگو است. ویس حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) درفائدهٔ هفتم خاتمهٔ مستدرك (۳) الوسائل سخن را بدرازا کشانید و (۸۵۰ بیت نوشته) در آن سخن گفته است.

ـ آقامجم‌الدین اصفهانی (م ۱۳٤۲ ق) نیز منظومه‌یی دربارهٔ اصحاب اجماع سروده است (ذریعه ٤:۵۷).

ـ حسن پسر ابوطالب طباطبائی (م ۱۱٦۷ ق) (ذریعه ۲ : ۱۱۹).

ـ کشف القناع عن اصحاب الاجماع (ذریعه ٤:۵۷).

ـ سیدرضا پسر بحرالعلوم (م ۱۲۵۳ ق) (ذریعه ۲ : ۱۲۰).

نگارنده: سیدمحمدباقر حجة‌الاسلام اصفهانی پسر محمدتقی شفتی رشتی، وی شاگرد آقاباقر بهبهانی (م ۱۲۰٦ ق) و بحرالعلوم (۱۲۱۲ ق) و دیگران بود. کتابها درفقه و اصول نگاشته، درزندگی گزاری نیز کار کرده، یك کتاب (نیز مشترکات الرجال)

---

(۱) عبارت کشی در نسخهٔ شمارهٔ ۹۹۰ دانشگاه در برگ (۲۷۷ب) چنین است: «.. وقال بعضهم : وکان الحسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب ، و قال بعضهم مکان فضالة : عثمان بن عیسی ...» ولیکن این عبارت در نسخه‌های مجلسی و بهبهانی و نوری و همچنین نسخهٔ چاپ سنگی ۱۳۱۷ ق ص ۳۵٤ چنین است « ... وقال بعضهم مکان الحسن بن محبوب : الحسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب وقال بعضهم مکان فضالة عثمان بن عیسی ...» و چون عبارت دوم نادرست و نافهمیدنی است هر کس آنرا براهی تغییر و گزارش داده است.

(۲) رجال ابن داود نسخهٔ شمارهٔ ( ) دانشگاه (گ ۵۵ب).

(۳) خاتمهٔ مستدرك ج تهران ۱۳۲۱ ق ج ۳ ص ۷۵۷ تا ۷۷۰.

برای جدا کردن راویان همنام نگاشته و یك کتابچه برای شناسائی اصحاب اجماع باو نسبت داده‌اند و گویا همین باشد که گفتگوی ما در آنست.

حجة‌الاسلام ازروحانیانست که گذشته ازقانون گذاری اجرای قانون را نیز وظیفهٔ دستگاه روحانیت میشمرد و خود باجرای قانون دست میزد، گویند کسانی که برابر قانون کیفر مذهبی بدست او کشته شدند در پیرامن صدتن بوده‌اند. وی بسال (۱۲٦۰ ق) دراصفهان در گذشت و درمسجد خود بخاکش سپردند.

همهٔ این کتابچه (۵۲۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز : الحمدلله الذی لوحدته دوام خلود ربوبیته بکل شعرة ...

انجام : وقوله اشهدانه عیناهم عنه غیرهم.

این کتابچه درد فتری باییست کتابچهٔ دیگر از حجة‌الاسلام شفتی در تهران بسال ۱۲۱٤ ق بچاپ سنگ پخش شده است

[۱۸۷]

۱۹٤ نخستین کتابچه‌های این دفتر است. و برگهای (۱ـ۱۳) آنرا فراگرفته. خط نسخ ، تاریخ ندارد ولی پیداست که در پایان سدهٔ سیزدهم نوشته شده.

دراین دفتر ۲۱ کتابچه بترتیب زیر جا دارد:

۱ـ آبان بن عثمان (گ ۱ـ۱۳) ۲ـ ابراهیم بن هاشم (گ ۱۳ـ۳۸)
۳ـ ابوبصیر (گ ۳۸) ٤ـ احمد برقی (گ ۵۸)
۵ـ احمدبن محمدبن عیسی گ ٦٤ ٦ـ اسحق بن عمار (گ ٦۸)
۷ـ حسین بن خالد (گ ۱۲۸) ۸ـ حمادبن عیسی (گ ۱٤۳)
۹ـ حمیل بن زیاد (ك ۱۵٤) ۱۰ـ شهاب بن عبدربه (ك ۱٦۳)
۱۱ـ عبدالحمیدالعطار (ك ۱٦۵) ۱۲ـ عدهٔ کلینی (ك ۱٦۷)
۱۳ـ عمربن یزیدگ ۱۸۱ ۱٤ـ ماجیلویه ك ۱۸۳
۱۵ـ محمدبن احمدك ۱۹۱ ۱٦ـ محمدبن اسماعیل گ ۱۹۳
۱۷ـ محمدبن خالدالبرقی گ ۲۰۳ ۱۸ـ محمدبن سنان ك ۲۰۵
۱۹ـ قطبنی ك ۲۱۵ ۲۰ـ محمدبن فضیل گ ۲۲٤
۲۱ـ معاویة ۲۲۷ ۲۲ـ پاسخ دو پرسش درمنطق گ ۲۳۱ـ ۲۳۲ عنوانها باشنگرف همهٔ رویهها بازر ولاژورد جدولبندی شده‌است. آغاز

کتابچه‌ها را به‌سر صفحه نهاده . پشت صفحه (۱ـ الف) فهرست کتابها را آورده‌است .
همه دفتر ۲۳۲ برگ . این کتابچه ۱۳ برگ . کاغذ فرنگی سفید آهار مهره شده . جلد یماج
مقوائی . اندازه : ۱۴×۲۱/۵ و ۸/۵×۱۵ : ۱۹ سطر .

[۱۷۰] **ابراهیم بن هاشم قمی** (رجال ـ عربی)

یکی از کتابهای راوی شناسی حجة‌الاسلام شفتی (م ۱۲۶۰ق) درباره زندگی این مرد است . از آغاز این کتابچه چنین برمیآید که حجة‌الاسلام پیش از این نیز کتابی دیگر دربارهٔ این مرد نگاشته بوده و سپس این کتابرا در دو مبحث ساخته است . این کتاب با ۲۰ کتاب رجالی دیگر از حجة‌الاسلام شفتی بسال ۱۳۱٤ ق در تهران بچاپ سنگی پخش شده ، و این دومین کتابچهٔ آن دفتر و از ص ۱۰ تا ۲۵ چاپی را گرفته و در پیرامن (۱۱۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : بسمله . ومنه الاعانة فیما یفتقر الیه فی الدنیا والدین والحمدلله المتأید ...

انجام : بمعزل عن الاعتبار ، ولله الحمد والشکر فی کل حال .

[۱۸۸]

۱۹٤ نسخه بخط نسخ . دومین کتابچه دفتر است و در برگهای (۱۳ تا ۳۸) جا گرفته .
عنوانها با شنگرف است .
همه دفتر ۲۳۲ برگ . این کتابچه ۲۵ برگ دارد . کاغذ و جلد همانست که در بالا یاد شده است .

[۱۷۱] **ابو بصیر** (رجال ـ عربی)

این مرد که یکی از اصحاب اجماع است چند همنام دارد که برخی از ایشان سست و نادرستند حجة‌الاسلام شفتی (۱) برای جداشناختن هریك از ایشان در این کتابچه گفتگو کرده است . در ذریعه (۱٤۸:٤) چهار کتاب در بارهٔ گزارش زندگی ابو بصیر یاد شده که دوتای آنها چاپ شده است .

این کتاب با بیست کتاب دیگر حجة‌الاسلام بسال ۱۳۱٤ق در تهران چاپ شد . وسومین کتاب آن دفتر و از ص ۲۵ تا ٤۰ چاپی آنرا گرفته است . و در پیرامن (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : بعد حمد المنعم المفضال العلام ...

(۱) برای زندگانی حجة الاسلام ص ٤۷٤ دیده شود .

انجام : ونسبة الوقف انما هی الی الثانی لا الاول والاتحاد وهم نشأ من قلة التأمل وقد فصلنا الحال وانزلنا .

[۱۸۹]

۱۹۵ نسخه بخط نسخ . سومین کتابچه دفتر است و در برگهای (۳۸ـ۵۸) جا گرفته .
عنوانها با شنگرف است .
همهٔ دفتر ۲۳۲ برگ . این کتابچه ۲۰ برگ . کاغذ و جلد در ص ۴۷۶ یاد شده‌است .

[۱۷۲] **اجازهٔ سید حسین کاشانی** (رجال ـ عربی)

به ملا محمدحسین آرانی

پیشوایان همهٔ مذاهب آداب و رسوم و آئین مذهبی را پشت به پشت مانند امانت بیکدیگر می‌سپردند و این عادت ویژهٔ مسلمانان نبوده‌است . از سدهٔ سوم که خبر و حدیثهارا روی کاغذ نوشتند ، روایت کردن حدیث خودکاری شناخته شد و روایت کنندگان حدیث درمیان مردم جایی برای خویش باز کردند و برای این کارشرایطی پذیرفتند ؛ هرروایت کننده باید آنرا از استاد خود بشنود و اگر در کتاب نوشته شده است ، آنرا براستاد بخواند و استاد بشاگرد اجازت دهد که آنرا برای دیگران نقل کند .

بعدها این اجازه‌ها در پایان کتابی که شاگرد خوانده است بدست استاد نوشته میشد ، در این اجازه‌ها نام استادان اجازه دهنده و استادان استادانش تا پایان زنجیرهٔ سند روایت یاد میشد . در سده‌های بیست بردرازی این اجازه‌ها افزوده گردید تا آنجا که آنهارا مانند یك کتاب جداگانه می‌ساختند (۱) . این اجازه‌ها برای شناسائی زمان زندگی پیشوایان و استادان و شاگردان این دانشمندان که مهره‌های این زنجیره‌ها هستند کمك سودمندی بشمار آید .

گردآوری اجازه‌ها :

بسیاری از خبرشناسان اجازه‌های یکایك دانشمندان را که بدست آورده‌اند

(۱) و آنهارا بنام می‌خوانند مانند کتابهای لؤلؤة ، روضة البهیة ، بغیة الوعاة ، طبقات ، لمعهٔ مهدیهٔ و جز آنها .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یکجا گردآورده کتابی ساخته‌اند. در ذریعه در (ج۱ص۱۲۳-۱۳۱) کسان زیررا در شمار چنین گردآورندگان یاد کرده است.

- رضی‌الدین ابن‌طاوس، علی پسر موسی (م٦٦٤ ق) کتاب «الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یحصی (یخصنی) من الاجازات داشته است.
- غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاوس، احمد پسر موسی او نیز اجازه‌های خویش را یکجا گرد میآورده است.
- شهید یکم، محمد پسر مکی (م ٧٨٦ ق).
- شهید دوم زین‌الدین پسر علی شامی (م ٩٦٦ ق).
- صاحب معالم حسن پسر شهید دوم (م ١٠١١ ق).
- محمد پسر علی تبنینی عاملی استاد مجلسی یکم (م ١٠٧٠ ق).
- شرف‌الدین شوستانی علی پسر حجةالله که در هزار و شصت و اند در گذشته است
- سید حسین پسر حیدر کرکی استاد مجلسی دوم (م ١١١٠ ق).
- محمدحسن استرآبادی پسر محمدعلی در پایان سده یازدهم.
- حرعاملی، محمد پسر حسن (م ١١٠٤ ق).
- مجلسی دوم محمد باقر (م ١١١٠ ق) جلد ٢٥ بحار را ویژهٔ آن ساخته است.
- عبدالله افندی پسر میرزا عیسی (م ١١٣٠ ق).
- محمد محسن پسر عبدعلی عاملی بسال (١١٢٥ ق) کتابی در این باره نگاشته.
- میرعبدالصمد نوادهٔ سید جزائری.
- سید نصرالله حائری (م ١١٦٨ ق) بیست و اند اجازه را گرد آورده.
- بحرالعلوم بروجردی سیدمحمد مهدی پسر مرتضی (م١٢١٢ ق) کتابش نزد حاجی‌نوری (م ١٣٢٠ ق) بوده است.
- شیخ احمد احسائی (م ١٢٤١ ق).

- حجةالاسلام شفتی (م ١٢٦٠ ق)، سیزده اجازه خود را یکجا گرد کرده است.
- شیخ‌العراقین عبدالحسین تهرانی کربلائی (م ١٢٨٦ ق).
- محمد پسر عبدالوهاب همدانی امام‌الحرمین (م ١٣٠٣ ق).
- سید محمد حسین شهرستانی (م ١٣١٥ ق) در کربلا.
- آقارضا درخشی پسر آقاباقر فائنی (درسدهٔ ١٤).
- آقاباقر پسر محمد تقی آقانجفی اصفهانی (درسدهٔ ١٤).
- میرزا محمد تهرانی سامرائی (م ١٣٧٢ ق) دنباله اجازات بحار را در چهار جلد نگاشته است.
- پدرم صاحب ذریعه اجازه‌های سه سدهٔ پسین را گرد کرده است.
- سید محمد صادق بحرالعلوم از شاگردان پدرم.

ایشان کسانی هستند که پدرم در جلد یکم ذریعه گردآوری اجازه ها را بایشان نسبت داده است. در جلد یکم ذریعه (ص١٣١-٢٦٦) پیرامن هشتصد اجازه شناسانده شده است، ولی آشکار است که این شماره ها یکصدم همهٔ اجازه‌ها که درمیان دانشمندان دادوستد شده نمی‌باشد.

در کتابخانهٔ دانشگاه اجازه‌های بسیار دیده میشود و برای دست یافتن بآنها عنوان اجازه در فهرست الفبائی پایان هر جلد از فهرست کتابخانه دیده شود. ولیکن دو اجازه که در اینجا یاد میشود چون بزرگ بود و خود کتابی جدا و دارای شماره است آنرا در اینجا یاد کردم.

جای گفتگو اجازهٔ حاج سید حسین پسر حاج میر محمد علی حسینی کاشانی (١) است که آنرا برای شاگرد خویش ملامحمد حسین پسر ملامحمد باقر آرانی (٢) کاشانی نگاشته است. تاریخ این اجازه در آغاز کتاب (گ ٥ ب) شعبان

(١) در المآثر والآثار ص ١٦٠ گوید حاج سید حسین کاشانی در (١٢٩٦ ق) در گذشت و متهم بشیخی گری بود.

(٢) کتاب منطق شفا بخط این اجازه‌گیرنده نزد نواده‌اش آقای نظام وفا در تهران هست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۱۲۸۰ ق) ودر پایان (گ ۲۶) . یازدهم شعبان (۱۲۸۸ ق) آمده است . وی در آغاز این کتاب چهار استاد خود را یاد کرده و زنجیرهٔ سند هر یك را تا شهید دوم زین‌الدین (م ۹۶۶) رسانیده است، وسپس برای پیوند زنجیرهٔ سند از شهید تا امامان؛ متن اجازهٔ شهید را در این کتاب گنجانیده است .

آغاز : سبحانك اللهم انی للسان هذه الدمعة الناقصة . . .

انجام : واسئل‌الله ان یجعلنی وایاك من طالبی علوم‌الدین . . .

این کتاب (۱۰۰۰ بیت نوشته) دارد که نیم آن اجازهٔ شهید است و در این کتاب گنجانده شده است .

[۱۹۰]

۹۸۶ نسخه بخط نسخ . نویسنده خود نگارنده کتاب حسین حسینی کاشانی است . در یازدهم شعبان ۱۲۸۸ ق پایان یافته . برخی عنوانها را درشت نوشته و برخی را سفید گذارده تا بعد بنویسد ولی سفید مانده است . اندکی حاشیه (منه) دارد .

همه کتاب (۳۶ برگ) کاغذ فرنگی نخودی . جلد ندارد .

اندازه : ۱۷/۵ × ۲۳ سطرها مختلف است .

[۱۷۳] اجازهٔ شهید دوم (رجال - عربی)

به حسین پسر عبدالصمد

شیخ زین‌الدین پسر نورالدین علی پسر احمد شامی عاملی معروف بشهید دوم که بسال (۹۶۶) کشته شده‌است. این اجازه را برای حسین پسر عبدالصمد جبعی عاملی پدر شیخ بهائی نگاشته است ، اجازه گیرنده در بحرین بسال (۹۸۴) در گذشته ، و تاریخ این اجازه پنجشنبه (۳ ج ۲ - ۹۴۱ ق) است . و خود اجازه‌دهنده بر آن حاشیه‌ها دارد . در ذریعه (ج ۱ - ص ۱۹۳) نسخه‌یی از آن را در کتابخانهٔ شیخ هادی کاشف‌الغطاء در نجف نشان داده است .

آغاز : الحمدلله الذی اوضح للانام سبل الاکرام . . . و بعد فان العبدالضعیف

زین‌الدین (۱) علی بن احمد . . .

انجام : وتسئل‌الله سبحانه بنور وجهه الکریم . . .

این کتاب در پیرامن (۵۰۰ بیت نوشته) دارد .

[۱۹۱]

۹۸۶ نسخه بخط نسخ . نویسنده حسین الحسینی الکاشانی است وی آنرا در کتاب اجازه خویش گنجانده است ، واژبرك (۱۳ تا ۲۵) آنرا گرفته است .

خصوصیات نسخه همانست که در ص ۴۸۰ یاد شد .

[۱۷۴] احمد بن محمد بن خالد البرقی (رجال - عربی)

این مرد یکی از راویان بنام است و در ۲۷۴ ق در گذشته‌است . وی نگارندهٔ « المحاسن » است که قاضی نورالله آنرا پنجمین سرچشمهٔ خبرهای شیعه شمرده است (۲) . خانواده او در « برق رود » قم میزیسته‌اند . ابن‌غضائری اورا در شمار راویان سست آورده‌است. حجة‌الاسلام شفتی (۳) این کتاب را که (۲۶۰ بیت نوشته) دارد درباره زندگی او نگاشته . و با ۲۱ کتابچهٔ دیگر او بسال ۱۳۱۴ ق در تهران چاپ شده و از ص ۳۰ تا ۴۴ آنرا گرفته است .

آغاز : الحمدلله الذی افضل مداد العلماء . . .

انجام : فانصرف محمد بن الحنفیة وهو یتولی علی بن الحسین .

محاسن برقی را آقای سید جلال‌الدین محدث در ۱۳۳۰ در تهران در (۶۵۰ ص) با یك پیشگفتار ۵۹ صفحه‌ئی در گزارش زندگی برقی و شناسائی کتاب محاسن چاپ کرده است .

---

(۱) شاید [ابن] افتاده باشد .

(۲) چهار کتاب کافی ، من لایحضر ، تهذیب ، استبصار سرچشمه‌ای خبر و حدیث رد شیعیان بشمار است ولی قاضی نورالله شوشتری آنها را شش کتاب شمرده ، واین کتاب و کتاب « قرب‌الاسناد » را بر آن افزوده است . ص ۴۷۲ دیده‌شود .

(۳) اندکی از گزارش زندگی شفتی در ص ۴۷۱ یاد شد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۹۲]

۱۹٤ نسخه چهارمین کتاب دفتر است و برگهای (۵۸ تا ٦٤) آنرا گرفته است، عنوانها با شنگرف.

همهٔ دفتر ۲۳۳ برگ. این کتاب ٦ برگ. کاغذ وجلد در ص ۴۷۵ یاد شده است.

[۱۷۵] **احمد بن محمد بن عیسی قمی** (رجال ـ عربی)

این مرد از راویان حدیث درسدهٔ سوم و همزمان برقی (م ۲۷٤ ق) است، وحجةالاسلام شفتی این کتاب را که (۹۵۰ بیت نوشته) دارد دربارهٔ او نگاشته، و با ۲۰ کتاب دیگر او بسال ۱۳۱٤ ق درتهران چاپ شده و ص ٤٤ تا ٤٦ آنرا گرفته است.

آغاز: بعد حمدالمنعم المفضال...

انجام: ان الحدیث المذکور ما وضعه احمدبن محمد غیرظاهر.

[۱۹۳]

۱۹۳ پنجمین کتابچه دفتراست وبرگهای (٦٤ تا ٦۸) آنرا گرفته، عنوانها باشنگرف

همهٔ دفتر ۲۳۳ برگ. این کتاب ۴ برگ. کاغذ وجلد در ص ۴۷۵ یاد شده است.

[۱۷٦] **اختیارالرجال کشی** (رجال ـ عربی)

یکی از پنج کتاب است که پایه‌های راوی‌شناسی وزندگی گزاری شیعیان بر آن استواراست وهمهٔ پسینیان گزارش زندگی راویان حدیث شیعه‌را ازاین پنج کتاب گرفته‌اند که نامهایشان چنین است:

I ـ رجال نجاشی (م ٤۵۰ ق) ابوالعباس احمد پسر علی پسر احمد فرماندار اهواز، پیشتر به احمدبن العباس نامبردار بود و درسده‌های پسین به لقب نجاشی شهرت‌یافت. پایه این کتاب بر کتابشناسی میباشد ودرآن زندگانی آن راویانرا گزارش میدهد که‌نگارشهائی داشته‌اند و کمتر براویان دیگر پرداخته است (۱) گرچه این کتاب بترتیب حرفهامیباشد ولی درست مرتب نشده‌است وازاین روی

(۱) ابن‌طاوس گاهی آنرا «اسماءالمصنفین» نامیده است، فرج‌المهموم چ نجف ۱۳٦۸ ص ۹۷ و گاهی «فهرست کتب‌المصنفین» خواند. همان کتاب ص ۱۲۲.

کسانی آنرا مرتب کرده‌اند ۱ـ خادم انصاری، محمدتقی آنرا در (۱۰۰٦ ق) مرتب کرده ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ خوانساری درنجف هست. ۲ـ ملاعنایةالله قهپائی نگارندهٔ مجمع‌الرجال (ق ۱۰۱٦ ق) نیزآنرا مرتب کرده و نسخه آن در کتابخانهٔ صدردربغداد هست. ۳ـ شیخ داود پسرحسن بحرینی همزمان شیخ حر (م ۱۱۰٤؟) (۱). میرزا ابوالمعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ ق) نیز گزارش زندگی نجاشی‌را کتابی ساخته‌است (۲) کتاب نامرتب نجاشی دربمبئی بسال (۱۳۱۷ ق) بکوشش شیخ علی محلاتی در (۳۲۰ ص) چاپ شده است.

II ـ فهرست طوسی محمد پسرحسن معروف بشیخ‌الطائفه (م ٤٦۰ ق) پایه این کتاب نیز بر کتابشناسی است که بترتیب حرفهای القباء درآغاز نام نگارندگان آنهابسیج شده‌است. وکسانی نیزترتیب نادرست این کتاب‌را راست کرده‌اند ودز (حرف ـ ف) این گفتار یاد خواهد شد.

III ـ رجال طوسی، از همان نگارنده. دراین کتاب نام یاران همزمان هریك از امامان دوازده گانه بترتیب امامان یاد شده است. ولی ازنگارشهای آنان نام نبرده است. ازاین کتاب نیز در (حرف ـ ر) گفتگوخواهم کرد.

IV رجال کشی (اختیارالرجال) جای گفتگو.

V «الضعفاء» از ابن‌غضائری احمد پسرحسین پسر عبیدالله از دانشمندان سدهٔ پنجم میباشد. این کتاب درسدهٔ هفتم بدست احمدبن طاوس بوده وآنرا در کتاب حل‌الاشکال گنجانده و سپس در سدهٔ یازدهم بدست ملاعبدالله شوشتری دوباره از حل‌الاشکال بیرون آمده وجدا گردیده‌است. نسخهٔ ملاعبداللهی دراین کتابخانه هست و دراین فهرست یاد خواهد شد.

کهن‌ترین زندگی گزاری: ابن حجرعسقلانی (م ۸۵۲ ق) دردیباچهٔ «الاصابه» گوید نخستین کسی که گزارش زندگانی راویان حدیث گرد کرد،

(۱) الذریعه ٤: ۷۰ (۲) الذریعه ٤: ۱٦۷

(۳) توضیح‌المقال کنی ص ٦۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوعبدالله بخاری (م ۲۵۶ ق) بود. وجلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاوائل» گفته است نخستین کس شعبه (م ۲۶۰ ق) بود. سید حسن صدر در «تأسیس‌الشیعه - ص ۳۳» چ بغداد گوید نخستین کس عبدالله پسر جبله (م ۲۱۹ق) بود. پدرم درمشیخهٔ خود (چ نجف ۱۳۵۶ ق ص ۸۳) ودر(الذریعه ج ۱ ص ۱۴ دیباچه) گوید: ابوعبیدالله پسر ابورافع نویسندهٔ علی(ع) بوده‌است.

اقسام آن

میان خبرشناسی (درایة‌الحدیث) و راوی‌شناسی (علم رجال‌الحدیث) وفهرست‌نگاری (کتابشناسی) درگذشته پیوند ناگسستنی بوده‌است، ودرهریك از مسائل دیگری نیز گفتگو میشده است، و روش آنها با زندگی گزاری وفهرستنگاری امروز از بن‌ناسازگار ودگرگون میباشد. گذشتگان ناشناسائی زندگی راویان را برای دانستن عقیدت وایمان روایت کنندگان حدیث میخواستند ودرفهرست‌نگاری فقط سند وزنجیرهٔ روایت کتابها را میآوردند، وبرخی از ایشان برای آنکه خبرهای سست (ضعیف) وناشناس (مجهول) را شناخته وقابل‌پذیرش سازند بگردآوری زندگی راویان میپرداختند (۱) و ازاین روی من آنها را بجای «زندگی گزاری»، «راوی شناسی» می‌نامم.

کسانیرا که دراین‌رشته ازتاریخ مذهبی کار کرده‌اند میتوان بچنددسته نمود:

I- کسانیکه در کتابشناسی کار کرده‌اند، ومن در(حرف-ف) این‌فهرست‌در عنوان «فهرست‌طوسی» اندکی دربارهٔ ایشان گفتگو خواهم کرد.

II- کسانیکه زندگی راویان درستکار(ثقة)را گردآورده‌اند. در(حرف-خ) زیرعنوان خلاصة‌الاقوال علامهٔ حلی از ایشان گفتگومیکنم.

III- کسانیکه نادرستان ودرغگو و ناشناختگان را گردآورده‌اند.

(۱) ملا محمد علی اردبیلی (که در ۱۰۹۸ ق از مجلسی اجازه دارد) در دیباچهٔ «جامع‌الرواة» گوید: وبسبب این کتاب من در پیرامن دوازده هزارحدیث که تاکنون در میان دانشمندان سست و ناشناس و گسسته (مرسل) خوانده میشد، درست (صحیح) بشمار خواهد آمد.

در (حرف - ض) دنبال‌عنوان الضعفاء ابن‌غضائری ازایشان گفتگو میدارم.

IV- کسانیکه زندگی راویان پاك یا چند کتاب ویژه را گردآورده‌اند. در(حرف-ش) دنبال‌عنوان شرح مشیخهٔ من‌لایحضر ازایشان سخن خواهم گفت.

V- کسانیکه کنیت‌یالقبها ونسبتهارا گردآورده‌اند.درعنوان«الاستیعاب» اندکی از ایشان گفتگو میدارم.

VI- کسانی که همه را درهم‌آورده وبامن‌رشتهٔ ویژهٔ ایشانرا نداشته‌ام. من فهرست کوتاهی از نامترین ایشان دراینجا میآورم:

تاریخ یا رجال: در اینجا باید یادآور شد که راوی شناسان شیعه در سدهٔ پنج وششم هجری کتابهائی‌را که دربارهٔ زندگی راویان شیعه بود «رجال» مینامیده‌اند و کتابهائی که در بارهٔ همهٔ راویان (سنی و شیعه) بود «تاریخ» مینامند(۱) ولی من‌دراینجا باین دواصطلاح کاری‌ندارم ونام چندتن ازنامترین راوی‌شناسان وزندگی گزاران شیعه وسنی‌را بترتیب تاریخ میآورم واگرنسخه کتاب او بدست باشد و یا چاپ شده باشدآنرا نیز یاد میکنم:

- عبیدالله پسر ابورافع، نویسندهٔ امیرالمؤمنین علی (ع) کتابی بنام «تسمیة من‌شهدالجمل وصفین» داشته. (فهرست طوسی - ص ۱۰۷)
- ابن اسحاق، محمد نوادهٔ یسار (م ۱۵۱ ق) کتابش مدرك استیعاب است.
- طبری ابوجعفر (م ۲۱۰ ق) کتابش مدرك استیعاب است.
- عبدالله پسرجبله پسرحنان پسر ابجر (م ۲۱۹ ق) کتاب رجال داشته (نجاشی ص ۱۵۰).
- یقطینی محمد پسرعیسی‌پسرعبید پسریقطین کتاب‌رجال داشته(نجاشی ص۲۳۵ و ۲۳۶). «حجة‌الاسلام‌شفتی» یك کتابچه‌در گزارش زندگی‌این‌مرد نگاشته‌است.
- محمد پسر احمد پسرنعیم پسر شاذان نیشابوری معروف به ابو عبدالله‌شاذانی «التراجم» نگاشته.
- حسن پسر محبوب (م۲۲۴ق) اوراست «المشیخة» (فهرست‌طوسی ص ۴۷) و «معرفة رواة‌الاخبار» (توضیح‌المقال ص۶۵).
- احمد پسر حسین پسر عبدالملك ازدی (اودی) گوفی کتاب مشیخة را ترتب

(۱) الذریعه ج ۳ ص ۲۲۴ دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بنقل‌ازفهرست طوسی درترجمه ابراهیم ثقفی).

– ابن ابی‌عثیمة ، احمد پسرزهیر (م۲۷۹ق) کتابش مدرك استیعاب بوده‌است.

– عقیقی ، احمد پسرعلی پسرمحمد (م ۲۸۰ق) «تاریخ‌الرجال» داشته (نجاشی ص ۵۹ و ابن شهرآشوب وفهرست طوسی ص ۲٤).

– مطین ، محمد پسر عبدالله پسر سلیمان حضرمی (۲۰۲ – ۲۹۷ ق) کتابش مدرك‌الاصابة » است.

– عقیقی ، علی پسر احمد یاد شده (زندهٔ ۲۹۸ ق) اوراست کتاب « الرجال » (فهرست طوسی ص ۹۷ وخلاصهٔ علامه وتوضیح‌المقال ص ٦۱).

– ابن خرم هروی ، حسین پسر ادریس (م ۳۰۱ ق) کتابی مانند تاریخ کبیر بخاری دارد.

– ابن‌منده ، ابوعبدالله ، محمد پسر یحیی (م ۳۰۱ ق) کتابش یکی از پایه‌های راوی شناسی ستیان است.

– حمید نیشوانی دهقان ، (م۳۱۰ ق) « تاریخ‌الرجال»و«من یروی عن‌الصادق» داشته (نجاشی ص۹۵ و۹٦)

– دولابی ، احمد پسرمحمد پسرحماد (۲۲٤–۳۱۰ ق) «الکنی والاسماء» وی دردوبخش درحیدرآباد بسال (۱۳۲۳ ق) چاپ شده والمولد والوفات نیزدارد.

– عبدالعزیز پسر اسحاق ، ابوالقاسم زیدی (زندهٔ ۳۲٦ ق) « طبقات‌الشیعه » دارد (فهرست طوسی – ص ۱۱۹) وجزآن.

– کلینی ، محمد پسر یعقوب (م ۳۲۹ ق) رجال داشته (نجاشی ص ۲٦۷)

– جلودی ، عبدالعزیز پسر یحیی (م ۳۳۲ ق) اوراست « اخبارالمحدثین » و کتابهای دیگر نیز دراین زمینه دارد (نجاشی ص ۱٦۷–۱۷۱) وجزآن.

– مسعودی ، علی پسرحسین (م۳۳۳ق) اوراست«الفهرست» (نجاشی ص۱۷۹) وجزآن.

– عیسی پسرمهران « کتاب‌المحدثین» داشته (فهرست طوسی ص۱۱٦ ونجاشی ص ۲۱۰).

– ابن‌بطه ، محمد پسرجعفر مؤدب قمی «الفهرست» داشته که نجاشی و طوسی از آن نقل کننه ولی در گزارش زندگی‌اش در (نجاشی ص ۲٦۳) نامده است.

– محمد پسرعبدالله پسر مهران کرخی « کتاب‌الممدوحین والمذمومین » داشته (نجاشی ص ۲٤۷) و (ابن‌غضائری) وجزآن.

– ابن‌عقدهٔ همدانی ، احمد(۲٤۹–۳۳۳ق) گزارش زندگی چهارهزار تن را کرده گرده‌است(مشیخهٔ‌صاحب‌دریه‌ص۷۵) او زیدی مذهب بوده‌وچند کتاب‌درزندگی گزاری

حرفهای الفباء پیچیده است (فهرست طوسی ص ۲۳ و نجاشی ص ۵۸).

– محاربی ، ابوعبدالله‌محمد پسرحسن پسرعلی کتاب رجال داشته (نجاشی ص۲٤۷)

– جزاوینی ، علی پسرعباس «الممدوحین والمذمومین» داشته (ابن‌الغضائری).

– حسن پسرعلی پسرفضال قطحی(م۲۲٤ق) کتاب‌رجال‌داشته(نجاشی ص۲٤ – ۲٦) وخلاصه ومنتهی‌المقال و دیگران

– ابن‌سعده محمد ازهری بصری‌کاتب واقدی (م ۲۳۰ ق) طبقات او در یازده جلد چاپ شده و سیوطی (م۹۱۱) آنرا کوتاه کرده است.

– واقدی، محمد پسرعمر استاد ابن‌سعد کتابش مدرك «استیعاب» است.

– ابن‌المدینی، علی (م ۲۳٤ ق) تاریخی درده جلد دارد.

– علی پسرحسن پسرعلی پسرفضال قطحی ، رجال داشته (نجاشی – ص ۱۸۱)

– خلیفة‌ابن‌الخیاط (م ۲٤۰ ق) کتابش مدرك «استیعاب» است.

– بخاری ، محمد پسراسماعیل پسرمغیرة (م ۲۵٦ ق) سه کتاب دارد «تاریخ کبیر» بترتیب حرفهای الفباء درهشت‌جلد بسالهای (۱۳٦۰ – ۱۳٦٤ ق) درحیدرآباد چاپ شده وتاریخ متوسط وتاریخ کوچك.

– مسلم پسرحجاج (م ۲٦۱ ق) نیز طبقات دارد.

– برقی ، احمد پسرمحمد پسرخاله (م۲۷٤ق) «طبقات‌الرجال» او در کتابخانه‌های تهرانی بنامه، وصدر بغداد ومحدث درتهران دیده میشود

– عیاشی سمرقندی ، محمد پسر مسعود « معرفة‌الناقلین » داشته است (نجاشی – ص ۲٤۸).

– رواجنی ، عباد پسر یعقوب . اوراست « المعرفة فی معرفة‌الصحابة » (فهرست طوسی ص ۱۱۹) وخلاصة ومنتهی‌المقال ودیگران.

– نرماشیری ، یحیی پسر زکریا . اوراست « منازل‌الصحابة » (نجاشی ص ۳۰۹ وخلاصه).

– ابوالفرج قنانی کاتب پسرمحمد پسر یعقوب « معجم رجال ابی‌مفضل » نگاشته . (نجاشی – ص ۲۸۳ وجزآن)

– دیلمی ، محمد پسروهبان « من روی عن‌امیرالمؤمنین » نگاشته است (نجاشی ص ۲۸۲ وجزآن).

– ابوالقاسم بلخی، نصر پسر صباح . اوراست « معرفة‌الناقلین » و «فرق‌الشیعة » (نجاشی – ص ۳۰۲ وجزآن).

– احمد پسر عبدالواحد بزاز ، اوراست «فهرست‌الرجال» (توضیح‌المقال ص ٦۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دارد (فهرست طوسی ص ۲۸) و (نجاشی ص۶۸ـ۶۹) گوید برخی از بخشهای کتابش تاکنون در کتابخانهٔ پادشاهی بمن هست.

ـ ابوسلیمان محمدبن عبدالله، تاریخ مرگ راویانرا تاسال (۳۳۸ق) گردآورد.

ـ محمد بن احمد اشعری «مناقب الرجال» داشته (فهرست طوسی ۱۴۴).

ـ حمد بن عبدالله اشعری، اوراست «مناقب رواة الحدیث» و «مثالب رواة الحدیث» (فهرست طوسی ص ۷۵ و نجاشی ص ۱۲۶).

ـ طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب (۲۶۰ ـ ۳۴۰) کتابش مدرک اصابهٔ ابن‌حجر است.

ـ ابن‌ولید قمی محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۳ ق) کتاب «فهرست» نگاشته نجاشی در ص ۲۳ از آن نقل کند.

ـ احمد بن محمدبن عمار کوفی (م ۳۴۶ ق) «ممدوحین و مذمومین» نگاشته (نجاشی ص ۶۹ـ۷۰).

ـ علی بن محمد بن رزین قرشی (م۳۴۸ق) رجال نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۸۰).

ـ ابن‌سکن، سعید بن عثمان (م۳۵۳ق) کتابش مدرک ابن‌عبدالبر در استیعاب است.

ـ ابن‌حبان (م ۳۵۴ ق) «اوهام اصحاب التواریخ» در ده جلد دارد.

ـ قاضی جعابی، محمد بن عمر بن محمد (م۳۵۵ق) «الشیعة من اصحاب الحدیث» نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ـ ص ۷۷).

ـ کشی، ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، «معرفة الناقلین» را نگاشته که شیخ طوسی (م۴۶۰) آنرا کوتاه کرده «اختیار الرجال» نامیده است (جای گفتگو).

ـ محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸ ق) «ممدوحین و مذمومین» نگاشته (فهرست طوسی ص ۱۳۶ و خلاصه بنقل از نجاشی).

ـ ابوغالب زراری، احمد بن محمد بن سلیمان (م ۳۶۸ ق) کتابی درباره خاندان خویش بعنوان اجازه ساخته که در دست هست (فهرست طوسی ص ۳۱ و توضیح المقال ص ۶۵ و ذریعه ۱ : ۱۴۳) و (ص ۰۰۰ این مجلد).

ـ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (م۳۸۱ق) «الخصایص» نگاشته (نجاشی ص۲۷۶ـ۲۷۸) و اکنون بدست نیست.

ـ ابن‌شاهین، عمر بن احمد بن عثمان (۲۹۱ـ۳۸۵ق) کتابش مدرک اصابه است.

ـ ابن‌ندیم محمد بن اسحاق (۳۹۰ ق) اوراست الفهرس چ فولوگل در لایپزیك ۱۸۷۱ م و مصر ۱۳۴۸ ق.

ـ ابن‌عبدون، معروف بابن‌حاشر، احمد بن عبدالواحد بزاز (م۴۲۳ق) «فهرست» داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۸۰).

ـ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) «حلیة الاولیاء» دارد که در ۱۰ بخش بسال ۱۹۳۲ م بمصر چاپ شد.

ـ محمد پسر ابوقره فنائی استاد نجاشی (م۴۵۰ ق) «معجم رجال ابی‌مفضل» نگاشته (نجاشی ـ ص ۲۸۳).

ـ ابوالعباس سیرافی، احمد استاد نجاشی «المصابیح» دارد و در آن راویان ازهر امام را جدا یاد کرده است (نجاشی ـ ص ۶۳ و فهرست طوسی ص ۳۷) و خلاصه ومنتهی المقال.

ـ ابن‌غضائری، احمد بن حسین «الرجال الضعفاء» نگاشت که در (ص۴۸۳) یاد شد.

ـ ابویعلی خلیلی (م ۴۴۶ق) «الارشاد» را نگاشت.

ـ نجاشی، ابوالعباس، احمد بن علی (م۴۵۰ق) که در (ص۴۸۲) یادشده.

ـ احمد عباشی، پسر محمد پسر عبیدالله همزمان نجاشی اوراست «الاشتمال علی معرفة الرجال» و «من روی عن امام امام» (نجاشی ص ۶۳).

ـ شیخ طوسی، محمد پسر حسن (م ۴۶۰ ق) که (ص۴۸۳) یاد شد.

ـ کنانی، ابومحمد پسر عبدالعزیز (م ۴۶۶ ق) دنباله بر کتاب ابوسلیمان (ن ۳۳۸) نگاشته است.

ـ عبدالله پسر جارود، کتابش مدرک استیعاب است.

ـ عقیلی، محمد پسر عمرو، کتاب الصحابة او مدرک استیعاب است.

ـ ابن ابی‌حاتم، ابومحمد عبدالرحمان پسر ابوحاتم پسر ادریس پسر مهران رازی، کتابش مدرک استیعاب میباشد (۱).

ـ الازرق، کتابش مدرک استیعاب است.

ـ ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق) «الاستیعاب» را نگاشت، که در (ص۵۰۱) این فهرست یاد خواهد شد و بسال ۱۳۱۸ ق درحیدرآباد چاپ شده.

ـ خطیب بغدادی، احمد پسر علی (۳۹۲ ـ ۴۶۳ ق) بیشتر تاریخ بغداد را بگزارش زندگی راویان که ببغداد آمده‌اند انباشته است.

ـ ابن‌فتحون، ابوبکر، دنباله‌ئی برای استیعاب نگاشت.

ـ شهاب‌الدین احمد پسر یوسف اردعی مالکی، استیعاب را کوتاه کرده

(۱) این کتاب در شش بخش و یك بخش پیشگفتار بنام «الجرح والتعدیل» درحیدرآباد دکن بسال (۱۳۶۱ـ۱۳۷۱ق) چاپ شد. این کتاب گزارش بیست هزار کس را در بردارد، وخطیب کتابی بنام «اوهام الجمع والتفریق» دربارهٔ آن نگاشت.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

«روضة‌الاحباب» نامید.

– اکفانی، عبةالله پسر احمد، بیست سال پس کتاب کتانی (م ۴۶۶ق) افزود و بسال (۴۸۵ ق) رسانید.

– سمعانی، عبدالکریم (۵۰۶ ـ ۵۶۲) دنبالهٔ تاریخ بغداد و تاریخ مرو نگاشته و «انساب» او در ۱۹۱۲م گراوری در لیدن چاپ شده است.

– ابوموسی اصفهانی، محمد پسر ابوبکر پسر عمر پسر احمد مدینی (۵۰۱ـ۵۸۱ق) برای کتاب ابن‌منده (م ۳۰۱) دنباله‌یی نگاشته است.

– منتجب‌الدین، علی پسر عبیدالله بابویه (م پس از ۵۸۵) «الفهرست» و تاریخ علماءالشیعه را نگاشت و مجلسی آنرا در پایان جلد بیست و پنجم «بحارالانوار» گنجانید و یا آن کتاب چاپ شد.

– ابن‌شهرآشوب، محمد پسر علی (م۵۸۸) دنباله‌یی برای فهرست طوسی نگاشت و «معالم‌العلماء» نامید که در تهران چاپ شده است.

– ابوالفرج، ابن‌الجوزی، عبدالرحمان پسر علی (م۵۹۷ق) حلیهٔ ابونعیم اصفهانی را کوتاه کرد و «صفوة‌الصفوة» نامید، که در حیدرآباد دردو بخش بسال ۱۳۵۵ ق چاپ شد.

مقدسی، علی پسر مفضل (م ۶۱۱ ق) کتاب اکفانی و کتانی (م ۴۶۶ ق) را بسال ۵۸۱ ق رسانید.

– ابن‌بطریق یحیی پسر حسن پسر حسین ابن‌البطریق (م ۶۰۰ ق) «رجال‌الشیعه» نگاشته‌است (مشیخهٔ صاحب ذریعه بنقل از لسان‌المیزان) و تاریخی نیز نگاشته است (ذریعه ج ۳ ص ۲۲۲).

– ابن‌اثیر جزری (م ۶۳۰ ق) «اسدالغابة» را نگاشته که بمصر بسال ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶ ق چاپ شد.

– ابن ابی‌طی، یحیی پسر حمیدهٔ حلبی (م ۶۳۰ ق) استیعاب را پیراسته است.

– قریش پسر سبیع پسر مهنی مدنی حسنی (م۶۶۴ق) استیعاب وطبقات ابن‌سعد را کوتاه کرده‌است (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۶۴).

– عبدالعظیم پسر عبدالقوی منذری (م۶۵۶ق) «التکمله» را دوسه جلد در تاریخ مرگ راویان، سالانه گردآورد.

– ابن‌طاوس، احمد پسر موسی پسر جعفر حلی (م ۶۷۳ ق) «حل‌الاشکال» را بسال (۶۴۴ق) نگاشت و در آن همهٔ گزارشهای پنج کتاب زندگی گزاری (کشی، نجاشی، فهرست، رجال‌طوسی، ضعفاء ابن‌غضایری) را گردآورد. این کتاب در دست ملاعبدالله شوشتری (م۱۰۲۱) بوده و مجلسی (م۱۱۱۱ق) نیز آنرا در دیباچهٔ «بحارالانوار»

ازمعرکه‌های کارخود شمرده است. ودرفهرست خطی کتابخانهٔ راجهٔ فیض‌آباد (هند) کتابی بنام «رجال‌ابن‌طاوس» دیده‌میشود، ولی شاید «تحریر طاوسی» نگارش صاحب معالم را خواسته باشد (ذریعه ج ۷ ص ۶۴ ومنتهی‌المقال وحرّ آن).

– عزالدین احمد پسر محمد، وی دنبالهٔ کتاب منذری (م ۶۵۶ ق) را بسال ۶۷۴ ق رسانید.

– محقق حلی، جعفر پسر حسن (م ۶۷۶ ق) فهرست طوسی را کوتاه کرده ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ صدر در بغداد هست (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۶۶).

– ابن‌طاوس، عبدالکریم پسر احمد پسر موسی پسر جعفر (۶۴۷–۶۹۳ق)، اوراست «الشمل‌المنظوم فی مصنفی‌العلوم» (توضیح‌المقال ـ ص۶۱ بنقل از ابن‌داود).

– ابن داود، حسن پسر علی پسر داود (ز ۶۴۷ ق) کتاب رجال دارد، ونسخه‌های آن فراوان ودراین کتابخانه نیز هست.

– علامهٔ حلی، حسن پسر یوسف (م۷۲۶ق) «خلاصة‌الاقوال» و «ایضاح‌الاشتباه» اوچاپ شده و دراین کتابخانه نیزهست و «کشف‌الاشتباه» او چاپ نشده‌است.

– برذالی، قاسم پسر محمد دمشقی (م ۷۳۸ق) در «التاریخ» مرگ دانشمندان را سالانه تا سال (۷۳۷ ق) گرد آورده است.

– ذهبی، شمس‌الدین، ابوعبدالله، محمد پسر احمد پسر عثمان (م ۷۴۸ ق) «اسدالغابة» را کوتاه کرده «تجرید اسماءالصحابة» نامید، که در حیدرآباد بسال (۱۳۱۵ ق) در (۸۲۸ ص) چاپ شده است.

– ابن‌ایبک دمیاطی، احمد، دنبالهٔ عزالدین احمد، کتاب «التکملة» منذری را از سال ۶۷۴ ق بسال ۷۴۹ ق رسانید.

– ابن‌رافع، تقی‌الدین دنباله‌یی بر تاریخ برذالی نگاشت و آنرا از سال (۷۳۷ق) تا سال (۷۷۴ ق) رسانید.

– ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ق) چند کتاب دراین باره نگاشت.

– ابن‌معیه دیاجی، محمد پسر قاسم پسر حسین پسر قاسم حلی (م ۷۷۶ ق) «معرفة‌الرجال» نگاشت (عمدة‌الطالب ج نجف ص ۱۵۸).

– ابن‌الملقن، عمر (م ۸۰۴ ق) طبقات‌المحدثین دارد.

– زین‌الدین عراقی، عبدالرحیم (م ۸۰۶ ق) بر کتاب ابن ایبک دمیاطی دنباله‌یی نگاشت.

– بهاءالدین علی نیلی حلی، پسر عبدالکریم (ابن عبدالحمید) استاد احمد بن فهد حلی (م ۸۴۱) «کتاب‌الرجال» نگاشته و سید جمال‌الدین (ابن‌الاعرج عینکی) برای این کتاب دنباله نگاشته است. و این کتاب پست صاحب معالم رسیده پس او

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ذیاله را از کتاب ابن‌اجرح جدا کرده و نسخهٔ خط صاحب معالم نزد صاحب روضات بوده و از آن نقل کند (ذریعه ۳ : ۳۴۱ و مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۵۸) .

ـ ابن‌حجر عسقلانی ، احمد پسر علی (م ۸۵۲ق) استیعاب وذیالهٔ ابن‌فهدعلی بر آن واسدالغابه را گرد کرد و «الاصابة» نامید ، که درهشت بخش بسال۱۳۲۳ق درمصر چاپ شده است .

ـ سیوطی ، جلال‌الدین (م۹۱۱ق) الاصابه را کوتاه کرد و «عین‌الاصابه» نامید .

ـ صاحب معالم ، حسن پسر زین‌الدین شهید دوم (۹۵۹ ـ ۱۰۱۱ ق) تحریر طاوسی ، وترتیب مشیخهٔ من لایحضره‌الفقیه را نگاشته است . که نسخه‌های هردو در کتابخانه‌ها ، ونسخهٔ تحشیه آنها دراین کتابخانه دیده میشود .

ـ ملامصطفی بدستور سلطان احمد عثمانی استیعاب را بترکی گردانید ولبی از (حرف ـ ح) بیشتر نتوانست ودر گذشت .

ـ طاش کبری‌زاده ، کمال‌الدین محمد (م۹۶۲ق) آنرا تا (حرف ـ و) رسانید .

ـ یوسف پسر محمد حسینی عاملی ، در (۹۸۲ق) «جامع‌الاقوال» را نگاشت ، ورجال کشی‌را نیز مرتب کرد .

ـ عبداللطیف پسرعلی پسرشیخ احمد عاملی شاگرد صاحب معالم (م ۱۰۱۱ ق) وبهائی (م۱۰۳۱ق) فهرست وجال چهار کتاب (کافی ، من‌لایحضره ، تهذیب ، استبصار) را با ذکرطبقه گرد کرده است (توضیح‌المقال ص ۶۵) .

ـ ملاعنایة‌الله قهپائی پسرشرف‌الدین‌علی اویزپسال (۱۰۱۶ق) مانند ابن‌طاوس کتابهای پنجگانه (کشی ، نجاشی ، ابن‌غضائری وجال ، فهرست) را بترتیب الفباء دریك‌جا گرد آورده «مجمع‌الرجال» نامید .

ـ قاضی نورالله شوشتری کشتهٔ (۱۰۱۹ ق) «مجالس‌المؤمنین» دارد که چندبار چاپ شده است .

ـ ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) کتاب الضعفاء ابن‌غضائری را که در کتاب حل‌الاشکال ابن‌طاوس گنجانیده‌شده ، ازاین کتاب بیرون آورده و جداگانه پیچیده است . و نسخهٔ این کتاب تاکنون بدست میباشد و در این کتابخانه نیز هست .

ـ ملاعبدالنبی جزائری پسرسعد (م۱۰۲۱ ق) «حاوی‌الاقوال» را درچهار بخش نگاشت و نسخهٔ آن در کتابخانه های (صدر) و (کاشف‌الغطاء) و (مروی) هست .

ـ میرزامحمد استرآبادی ، پسرعلی پسرابراهیم (۱۰۲۱ق) سه کتاب زندگی گزاری نگاشت بزرك «منهج‌المقال» و در آن گزارش (۶۶۶۵تن) آمده است . (چ تهران ۱۳۰۶ ق باامل‌الامل) میانه « تلخیص‌المقال » کوچك «الوجیز» که نسخهٔ آن در (آستانه طوس) هست .

ـ خداوردی افشار پسر قاسم ، شاگرد ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) بود اوراست «زبدة‌الرجال» باندازهٔ خلاصهٔ علامه (توضیح‌المقال ص۶۵ ازریاض‌العلماء) .

ـ میرزافیض‌الله تفرشی پسرعبدالقاهرحسینی (م۱۰۲۵ق) کتابی دررجال مانند نقدالرجال میرمصطفی تفرشی داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۴۸) .

ـ میرمصطفی تفرشی پسر سید حسین حسینی ، همزمان بهائی (م ۱۰۳۱ ق) ومجلسی (م ۱۰۷۰ ق) وشاگرد ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) بوده وکتابی بنام «نقدالرجال» نگاشته که چاپ شده‌است .

ـ نظام‌الدین قرشی ساوجی شاگرد بهائی (م۱۰۳۱ق) اوراست «نظام‌الاقوال فی معرفة‌الرجال» .

ـ شیخ محمد نجفی پسرجابر پسر عباس استاد طریحی (م ۱۰۸۵ق) وشاگرد بهائی (م ۱۰۳۱ ق) «کنی‌والقاب» و «اسماءالرجال» داشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۱۲) .

ـ قطب‌الدین اشکوری‌لاهجی پسرشیخ‌علی شاگردوهمزمان‌میرداماد(م۱۰۴۰ق) اوراست «محبوب‌القلوب» (توضیح‌المقال ۶۵) .

ـ میرداماد ، محمدباقر پسرمحمد استرابادی حسینی اصفهانی (م ۱۰۴۰ ق) کتابی دربارهٔ دستور زندگی گزاری بنام «رواشح سماویه» دارد که ۳۹ راشحهٔ آن بامروز رسیده وچاپ شده است .

ـ محمد تقی ، مجلسی اول ، پسر مقصود علی (م ۱۰۷۰ ق) مشیخهٔ کتاب «من لایحضره‌الفقیه» ازصدوق (م ۳۸۱ ق) راگزارش نگاشته است ، و نسخهٔ آن دراین کتابخانه بشمارهٔ (۵۰۸) دیده میشود ودراین فهرست یاد خواهد شد .

ـ طریحی ، فخرالدین پسرمحمدعلی پسر احمد خفاجی مسلمی (م ۱۰۸۵ ق) کتابی بنام «جامع‌المقال» دردوازده باب نگاشت ، باب‌دوازدهم آنرا که درجداشناختن هنامان (تمییز مشترکات)است ، شاگرد او محمد امین‌کاظمی گزارش نگاشته‌است . و نیز خلاصهٔ علامهٔ حلی را مرتب ساخت (توضیح‌المقال ۶۵) .

ـ محمد امین‌کاظمی شاگرد طریحی (م ۱۰۸۵ ق) باب دوازدهم جامع‌المقال استاد خویش راگزارش نگاشته وبنام «مشترکات کاظمی» شناخته میشود .

ـ آقارضی‌قزوینی (م ۱۰۹۶ق) تاریخ علماء قزوین‌را بنام «ضیاءالاخوان» نگاشته (توضیح‌المقال ص ۶۵) .

ـ کمال‌الدین‌حسینی حلی اوراست : «کتاب‌الرجال» (امل‌الآمل و سلافة‌العصر و توضیح‌المقال ص ۶۵) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ شیخ حسن پسر علی عاملی ، اوراست : نظم الجمان فی تاریخ الاکابر والاعیان (امل الامل ـ ج ۱۳۰۲ ق. ص ۱۱ و توضیح المقال ص ۶۵) .

ـ شیخ حر عاملی ، محمد پسر حسن (م ۱۱۰۴ ق) «امل الآمل» و «تذکرة العلماء المتأخرین» نگاشته .

ـ ملافرج‌الله حویزی پسر محمد پسر درویش همزمان شیخ حر در «ابحار المقال» خود زندگانی داشتندان همزمان و پیشینیانرا دردو بخش گزارش داده‌است . یکی برای شیعیان و یکی برای سنیان .

ـ ملاحیدرعلی قمی خلاصة علامه‌را مرتب ساخته و «نهایة الآمال» نامیده‌است ، که نسخه‌اش دراین کتابخانه هست ودراین فهرست خواهد آمد .

ـ محدث نوبلی ، سیدهاشم پسر سلیمان کتکانی بحرینی (م ۱۱۰۷ ق) «تنبیه الادیب» و «ایضاح المسترشدین» و «روضة العارفین» نگاشته است و نسخه‌های خطی آنها بدست میباشد .

ـ محمدصالح حائون آبادی اصفهانی (۱۰۵۸ـ۱۱۱۶ق) خواهرزادهٔ مجلسی دوم «حدائق المقربین» دارد .

ـ سیدعلی‌خان مدنی ، ابن معصوم (م ۱۱۲۰ ق) اوراست «سلافة العصر» چ مصر و «الدرجات الرفیعه فی طبقات الامامیه» و «احوال الصحابة» .

ـ ملاعبدالله افندی پسر میرزا عیسی اصفهانی (۱۰۶۶ ـ ۱۱۳۱) ریاض العلماء را دربنج بخش نگاشته ، و نسخهٔ آن در این کتابخانه هست و یاد خواهد شد .

ـ ملامحمداردبیلی پسر علی حائری شاگرد مجلسی اول (م ۱۱۱۱ ق) تلخیص المقال میرزامحمد استرآبادی‌را گزارشی بنام «جامع الرواة» نگاشته‌است و نسخهٔ این کتاب بخامهٔ نگارنده‌اش دراین کتابخانه هست و یاد خواهد شد .

ـ شیخ سلیمان ماحوزی پسر عبدالله (۱۰۷۰ ـ ۱۱۲۱ ق) کتابی بنام « تراجم علماء البحرین » نگاشته‌است (ذریعه ۳ : ۲۶۶) و گزارشی بر فهرست طوسی بنام «المعراج» دارد که تا (حرف ـ ث) از خامه‌اش بیرون آمده و کتابچه‌یی دربارهٔ خاندان (نابویه) نیزدارد . (توضیح المقال ۶۱) .

ـ ملا محمد جعفر خراسانی پسر محمد طاهر اصفهانی (ز ـ ۱۰۸۰) کتابی بنام «اکلیل المنهج» دنبالهٔ «منهج المقال» میرزامحمداسترآبادی نگاشته (ذریعه ۲ : ۲۸۱)

ـ آقاحسین خوانساری (م ۱۱۲۸ ق) کتابچه‌یی درتاریخ مرگ دانشمندان نگاشته (توضیح المقال ۶۵) .

ـ علی پسر عبدالله بحرینی (م ۱۱۲۷ ق) فهرست طوسی را مرتب ساخته است .

(توضیح المقال بنقل ازسلافه) و ذریعه (۴ : ۶۶) بنقل از لؤلؤة البحرین .

میرزا محمد اخباری (کشتهٔ ـ ۱۱۳۲ ق) پسر عبدالنبی نیشابوری کتابی بزرگ دررجال نگاشته است (توضیح المقال ص ۶۵) .

ـ عبدالله سماهیجی (م ۱۱۳۵ ق) ـ اوراست « تحفة الرجال و زبدة الاقوال » و «ارشاد ذهن النبیه فی شرح اسانید الفقیه» (توضیح المقال ص ۶۵ وذریعه ج ۱ : ۴۳۸ و ۵۱۴ و ج ۳ : ۴۳۳) .

ـ شیخ یاسین بحرینی (م ۱۱۴۵ ق) کتابی بنام «معین النبیه فی رجال من لایحضره الفقیه» نگاشته (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۹) .

ـ میرمحمد ابراهیم پسر میرمعصوم قزوینی (م ۱۱۴۵ ق) « تتمیم امل الآمل » نگاشته (ذریعه ۳ : ۳۳۷، وتوضیح المقال ص ۶۵)

ـ رضی الدین پسر سیدمحمد پسر علی پسر حیدر عاملی موسوی (۱۱۰۳ـ۱۱۶۸ق) کتابی بنام «اتحاف ذوی الالباب» در فقیها که بیاء نسبت پایان یافته است نگاشته وآنرا دنبالهٔ کتاب ابن انیر و «اللباب» سیوطی ساخته است (ذریعه ۱ : ۸۲) .

ـ محمد پسر علی بلادی بحرینی همزمان شیخ یوسف بحرینی صاحب لؤلؤة (م ۱۱۸۶ ق) ـ «تتمیم امل الآمل» نگاشته است (ذریعه ۳ : ۳۳۹) .

ـ شیخ یوسف (م ۱۱۸۶ ق) اجازهٔ بنام «لؤلؤة البحرین» نگاشته که برای شناسائی رشته‌های روایت پشت انحریشت از سدهٔ دوازدهم تا سدهٔ یکم هجری بهترین نمونه میباشد ودر (۱۲۶۹ ق) در تهران چاپ سنگی شده است .

ـ سید حسین قزوینی پسر محمد فصیح پسر میراولیا (م ۱۲۰۸ ق) درجلد یکم « معارج الاحکام » گزینی از جامع الرواة اردبیلی را گنجانیده است . و نیز کتابی بنام «المشترکات» دارد (مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۸) . حاجی نوری دردنبالهٔ توضیح المقال ص ۶۵ اورا فرزند ابراهیم (م ۱۱۴۵ ق) یاد شده شمرده است .

ـ عبدالنبی پسر محمد تقی قزوینی ساکن یزد ، استاد و همزمان بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) دنبالهٔ‌ی برای امل الآمل بسال (۱۱۹۱ ق) بخواهش بحرالعلوم نگاشته‌است ونسخه‌هایش بدست میباشد (ذریعه ۳ : ۳۳۷ تا ۳۳۹) .

ـ سیدمهدی بحرالعلوم بروجردی نجفی (م ۱۲۱۲ ق) کتابی دررجال دارد (توضیح المقال وذریعه) .

ـ ابوعلی محمد پسر اسماعیل (۱۱۵۹ـ۱۲۱۵ ق) «منتهی المقال» را نگاشت که نسخهٔ آن دراین کتابخانه هست ودراین فهرست یاد خواهد شد .

ـ سید احمد کاظمی ، اوراست منظومه دررجال (توضیح المقال ص ۶۵) .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ داودپسرحسن جزائری . کتابهای «اختیارالرجال» کشی و«رجال نجاشی» را مرتب ساخته (توضیح‌المقال ص ٦٥ وذریعه ـ ٤ : ص ٦٦و٦٧) .

ـ محمدطاهر پسرمحمدطالب حسینی اردبیلی . کتابی شگفت دورجال‌دارد که‌بحثی از کتاب «شجرهٔ مبارکه» اومیباشد (توضیح‌المقال ص ٦٥) .

ـ شیخ یحیی معنی بحرین . «تذکرةالمجتهدین» دارد (توضیح‌المقال‌ص ٦٧) .

ـ ملادرویش علی حائری‌شاگرد ابوعلی‌رجالی یادشده . کتابی دردنبالهٔ رجال استادخویش نگاشت و در آن راویان ناشناس را که استادش انداخته بود گردآورد (ذریعه ـ ٤ : ٤١٣ وتوضیح‌المقال ص ٦٥) .

ـ سید محسن اعرجی کاظمینی (١١٣٠ـ١٢٢٧ ق) کتابی بنام «عدةالرجال» دارد ونسخهٔ آن دراین کتابخانه‌هست و خواهدآمد .

ـ سید عبدالله شبربسرمحمدرضا (م ١٢٤٢ق) کتابی بنام «جامع‌المقال» نگاشته وسپس آنرا کوتاه کرده «ملخص‌المقال» نامیده‌است . ونسخهٔ آن‌نزد سیدشهاب‌الدین نجفی تبریزی درقم میباشد (ذریعه ٥ : ٧٣) .

ـ محمدعلی پسرقاسم آل کشکول حائری ، شاگرد صاحب فصول وشریف‌العلماء کتابی بنام «اکمال منتهی‌المقال» دردنبالهٔ «منتهی‌المقال» ابوعلی بسال (١٢٤٥ق) نگاشته ومانند ملادرویش علی راویان‌ناشناس را که‌بوعلی انداخته بود ، درآن گرد آورده‌است و کتاب دیگربنام‌التنبیهات‌السنیة درامطلاحهای راوی‌شناسان وزندگی گزاران و کتابی بنام «حدیقةالانظار» درمشیخهٔ تهذیب ، استعاره‌من‌لایحضر دارد .

ـ سید محمد باقر حجةالاسلام شفتی (١١٧٥ ـ ١٢٦٠ ق) بیست و یك کتابچه دربارهٔ زندگی بیست ویك‌تن‌ازراویان‌معروف‌نگاشته . ونیز کتابی بنام«تمییزمشترکات الرجال» دارد .

ـ شیخ‌عبدالنبی کاظمینی‌پسرعلی پسراحمد کلیدارکاظمین (م١٢٥٦ ق) تذکرةالرجال موسوم‌بنفرشی را دنباله‌ای نگاشته است (ذریعه ٤ : ٤١٧) .

ـ شیخ مرتضی انصاری (م ١٢٨١ ق) کتاب رجال او (٦٠٠٠ بیت بوشته) دارد (توضیح‌المقال ص ٦٦) .

ـ ملاعلی کنی تهرانی (١٢٢٠ ـ ١٣٠٦ق) کتابی بنام «توضیح‌المقال» نگاشت وآنراخود بسال١٢٩٩ق تا١٣٠٢ ق با رجال بوعلی «منتهی‌المقال» وامل‌الآمل چاپ کرد ودرآن‌نام شصت‌تن از راوی‌شناسان راگردآورده وسپس‌حاجی‌میرزاحسین نوری‌نام شصت‌تن‌دیگربرآن‌افزوده وشمارهٔ زندگی گزاران‌را بصدوبیست رسانیده است، وسپس‌پدرم صاحب‌الذریعه کتابی جداگانه درگزارش زندگی کسانی که کتابی در زندگی گزاری نگاشته‌اندگرد آورده است .

ـ ابراهیم پسرحسین پسرعلی دنبلی خوئی . کتابی دررجال در یك دیباچه وشش بخش نگاشته است . (توضیح‌المقال ـ ص ٦٧) .

ـ حاجی‌نوری حسین پسرمحمدتقی «مستدرك‌الوسائل» اودرپای‌ی گزارشی‌دربارهٔ زندگی راویان حدیث میباشد ودرتهران بسال (١٣٢٠ق) چاپ شده است .

ـ محمد طه نجف (١٢٤١ـ١٣٢٣ ق) پسرمهدی پسرمحمد رضا تبریزی نجفی کتابی بنام «اتقان‌المقال» نگاشته ودرآن راویان را درسه‌بخش : راستگویان (ثقه‌ها) نیکوان (حسن‌ها) سستان (ضعیفها) گرد آورد ، این کتاب در نجف بسال ١٣٤١ ق چاپ شده است .

ـ مامقانی شیخ عبدالله (م١٣٥٠ق) پسرشیخ حسن «تنقیح‌المقال» رادرسه‌بخش نگاشت که درهمان سال مرك‌نگارنده‌اش درنجف چاپ‌شده‌است. دراین کتاب گزارش شانزده هزار و سیصد وهفت راوی آمده است .

ـ سید محسن عاملی (م ١٣٧٠ ق) «اعیان‌الشیعه» را نگاشت و سی و چهار جلد آن را درسوریه چاپ کرد .

ـ پدرم نگارندهٔ‌الذریعه‌بزندگی‌دانشمندان‌هرسده ازهجرت را کتابی جداساخته ولی از دانشمندان سه سدهٔ نخست که کتابهای بسیار دربارهٔ ایشان نگاشته شده است یاد نکرده است . ونیز او کتابی دراویخ رجال نگاری‌نگاشته ودرآن گزارش‌زندگی ششصد تن از زندگی گزاران و راوی‌شناسان را آورده و «مصفی‌المقال» نامیده وسپس زنجیرهای‌روایت خودرا ازمیان‌دانشمندان‌زندگی گزاربرگزیده‌و کتابچه‌ی بنام «الاستادالمصفی» ساخته و بنجف بسال ١٣٥٦ ق چاپ کرد .

اختیارالرجال چای گفتگو گزینی‌است از کتاب « معرفةالناقلین » که‌آنرا کشی(١)، ابوعمرو محمد پسرعمرپسرعبدالعزیز کشی شاگرد ونوبختی (٢) عیاشی (ابونصرمحمد پسرمسعودپسرمحمد) سمرقندی کوفی نگاشته‌است. نجاشی‌دربارهٔ

---

(١) کشی [ك ش ی] نام چند دیه بوده‌است سمعانی وياقوت حموی‌آنهارا چنین برشمرده‌اند :

ـ دیهی‌برکوه بسه فرسنگی گرگان ابوزرعه محمدپسر یوسف پسرمحمد پسر جنید کشی (٣٩٠ق) ازآنست .

ـ دیهی بسمرقند است و آنرا نازیان کش [ك ش ش] گویند . عبیه پسر حمید ازآنجا است .

ـ معرب کجی نسبت به دیهی‌است بنام «زیرکج» درخوزستان . وابومسلم‌ابراهیم پسرعبدالله پسرمسلم کشی بصری ازآنجا است .

ـ کش باکاف غیرصریح و با (چ) نیزخوانده ، دیهی است باصفهان .

(٢) صاحب روضات گوید : من تلامیذه وغلمانه . . . ص ٥٥٦ ج نخست .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کشی و استادش عیاشی، گوید از راویان ضعیف بسیار روایت میکردند. هارون پسر موسی تلعکبری (م ۳۸۵ ق) نیز شاگرد کشی است و از وی روایت میکند. گوینده نجاشی گفته است: (۱) کتاب معرفة الناقلین کشی پر از نادرستیها بود و شیخ طوسی (م ٤٦٠ ق) (۲) از آن گزینی بر گرفت و این گزین «اختیار الرجال» نام گرفت شیخ طوسی اختیار الرجال را برای شاگردان خویش در نجف می گفته و ایشان مینوشته‌اند. و نخستین نشست ایشان روز سه شنبه بیست و ششم صفر (٤٥٦ ق) بوده است (۳) اختیار الرجال در هفت باب نامرتب گرد آمده و بهمان گونه در بمبئی بسال (۱۳۱۷ ق) بکوشش شیخ علی محلاتی چاپ شده است.

طوسی چه چیزها از معرفة الناقلین کشی بکاست، برخی گویند چون کتاب کشی روایتهائی دربارهٔ زندگی (خواه ستایش و خواه نکوهش) راویان سنی و شیعه را باهم در برداشت، طوسی گزارش زندگانی سنیان را از آن بکاست، ولی چنانکه دیدیم نجاشی گفته است: طوسی نادرستیهای کتاب کشی را درست کرد.

اختیار الرجال طوسی دست خورده است؛ برای این سخن حاجی نوری چند دلیل دارد (٤):

۱- آنچه ابن طاوس از آغاز «اختیار» نشان داده که تاریخ نگارش آنرا در بردارد در نسخه‌های امروزی نیست (۳).

۲- ابن شهر آشوب در «مناقب» خبری از «اختیار» نقل کرده (دربارهٔ زاری فاطمه و ارزش دیوارهای مسجد مدینه) و در این نسخه‌ها نیست.

۳- میرزا محمد استر آبادی در حاشیهٔ تلخیص المقال خبری دربارهٔ بیعت نکردن

(۱) نوری در خاتمهٔ مستدرک ص ۵۲۹. ولی از ص ۲۶۳ و ۲۸۷ نجاشی چ بمبئی چنین چیزی بر نمی آید.

(۲) گزارش زندگی شیخ طوسی در (حرف ـ ف) زیر عنوان فهرست طوسی یاد خواهد شد.

(۳) فرج المهموم ابن طاوس چ نجف ۱۳۶۸ ق. ص ۱۳۰ دیده شود.

(٤) خاتمهٔ مستدرک الوسائل ص ۵۲۹ چ تهران ۱۳۲۰ ق.

بلال حبشی با ابوبکر از «اختیار» آورده (بنقل از شهید دوم) ولی در نسخه‌های امروز کشی دیده نمی شود.

٤- ابن داود در رجال خویش گزارش زندگی حمدان پسر احمد را از «اختیار» نقل کرده و وی را از اصحاب اجماع شمرده ولی در نسخه‌های کنونی نیست.

۵- وجز آنها ناسازگاری است که میان نسخهٔ (شمارهٔ ۹۹۰ دانشگاه) با نسخهٔ چاپی دیده میشود؛ سه گزارش پایان نسخهٔ چاپی چنین است:

ابوالصلت عبدالسلام هروی، ابوجریر رقمی، علی پسر جعفر خزاعی. و در اینجا نسخهٔ شش بخشی چاپ بمبئی پایان یافته است. ولی در نسخهٔ (شمارهٔ ۹۹۰ دانشگاه) که برابر نسخهٔ چاپی است در پایان گزارش ابوالصلت هروی گوید بخش ششم پایان یافت و در بخش هفتم گزارش ابو جریر قمی یاد خواهد شد، و این میرساند نسخه‌ئیکه نسخهٔ دانشگاه از روی آن نوشته شده است هفت بخش داشته و گزارش ابوجریر قمی در آغاز آن بخش بوده است، ولی بدبختانه نویسندهٔ نسخهٔ دانشگاه بخش هفتم را ننوشته است. و نیز (ص ٤٧٤) همین مجلد فهرست دیده شود.

معرفة الناقلین کشی در کجا هست؟ تاکنون ما از این کتاب جز نامی در فهرستها ندیده‌ایم، ولی حاجی نوری میگوید از روزگار علامهٔ حلی (م ۷۲۶) تاکنون ناپدید شده است.

کسانی که دربارهٔ اختیار الرجال طوسی کار کرده‌اند:

ـ سید یوسف عاملی پسر محمد حسینی بسال (۹۸۱ ق) راویان اختیار کشی را بترتیب امامانیکه از ایشان روایت کرده‌اند بسیجیده. و نسخهٔ آن نزد حاجی نوری بوده است (توضیح المقال ص ۶۵ و ذریعه ٤: ۶۷).

ـ ملاعنایة‌الله قهپائی بسال (۱۰۱۱ ق) آنرا بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده است. نسخهٔ خط نگارنده‌اش در کتابخانهٔ تهرانی در کربلا و نسخهٔ دیگر در کتابخانهٔ صدر بکاظمین هست (ذریعه ٤: ۶۷).

ـ شیخ داود پسر حسن پسر یوسف بحرینی همزمان شیخ حر (م ۱۱۰٤ ق)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

درلؤلؤةالبحرین ازین کتاب نقل شده‌است (توضیح‌المقال ص۶۵ وذریعه۴: ۶۶).

شیخ طوسی درچند جای « اختیارالرجال » از فهرست خویش یاد کرده و یا بدان حوالت داده‌است . مانند گزارش فضل شاذان و گزارش ابوبحیی جرجانی وجز آنها .

آغاز : حمدویة بن نصیر الکشی(۱) قال : حدثنامحمدبن الحسین بن ابی الخطاب عن محمدبن سنان .

انجام نسخهٔ (۹۹۰) : احمدبن سعیدالمراغی یقول ان اباالصلت الهروی ثقة مأمون الا أنه یحب آل رسول‌الله و کان دینه ومذهبه. تم بتلوه فی الجزء السابع ماروی فی ابی جریر القمی والحمدلله رب العالمین .

انجام نسخهٔ چاپ بمبئی : و کان دینه ومذهبه . (فی ابی جریر القمی) محمدبن قولویه قال حدثنا سعد عن احمد . . . چهار سطر . . . (فی علی بن جعفر بن العباس الخزاعی المروزی) قال محمدبن مسعود : علی بن جعفر بن العباس الخزاعی کان واقفیاً .

[۱۹۴]

۹۹۰ نسخه دردفتری جا دارد که «خلاصة الاقوال» (ک ۱ تا ۱۲۲) واین کتاب (ک ۱۲۲–۲۹۳) واضاح علامه (ک ۲۹۳–۳۱۸) رادر بردارد. خط نسخ، نویسنده نصاربن محمدحویزی، درتاریخ (۲۸ ع۱–۱۰۲۰) تاتاریخ (۶ ج۱–۱۰۲۰) دریک‌ماه وهشت روز آنرا نوشته‌است و سپس ایضاح الاشتباه را در (۲۲ ج۱–۱۰۲۰) بپایان رسانیده. وپس ازپایان‌دادن‌دفتر بتصحیح آن آغاز کرده و خلاصة الاقوال را تصحیح کرده ولی دو کتاب دیگر رانتوانسته تصحیح کند و ازین روی افتادگیها ونادرستی دراین نسخه دیده میشود . چنانکه در (ک ۱۸۰–ب) سطر دوم هفت حدیث ازپایان باب دوم ویک حدیث از آغاز باب سوم افتاده‌است . وابزاین نسخه بگزارش «ابوالصلت» پایان یافته گویند ، درباب هفتم گزارش ابوجریر قمی خواهد آمد ولی باب هفتم را ننوشته است . درصورتیکه درنسخهٔ چاپی ابوجریر وعلی پسر جعفر خزاعی درپایان باب ششم جای دارند ، و باب هفتمی درآن دیده نمیشود . و ناسازگاریهای دیگر نیز درآن دیده میشود - نامها را باشگرف نوشته وعنوانهای دیگررا باسیاهی درشت . درپایان خلاصة الاقوال چنانکه

(۱) نسخهٔ (۹۹۰ دانشگاه) واژه الکشی را ندارد .

خواهد آمد ، اجازهٔ حسین پسر کمال‌الدین برای شیخ عبدالعالی حویزی دیده میشود . نسخهٔ تصحیح شده دیگر ازاین کتاب را که بخط شاگرد صاحب معالم بوده صاحب ذریعه درغداد در کتابخانهٔ صدر دیده است .

همه دفتر ۳۱۸ برگ . این کتاب ۱۷۱ برگ . کاغذ سمرقندی لغدی ، جلد تیماج سرخ فشرده زرکوب فرسوده درون تیماج زرد ، اندازه : ۱۳×۱۹ و ۶×۱۳ : ۲۴ سطر .

[۱۷۷] الانتخاب فی معرفة الاصحاب (رجال-عربی)

ابن‌عبدالبر بانگارش این کتاب یکی از چهار تن پایه گذاران علم رجال الحدیث سنیان بشمار میرود . وی دراین کتاب نخست بگزارش زندگی پیغمبر اسلام پرداخته و سپس یاران وی رابترتیب الفبائی که عربان اندلس بکارمی برند (۱) درآغاز نام ایشان دردو بخش بسیج کرده است ، یکم درنامها دوم در کنیتها (۲) وزاین دو بخش گزارش زندگی سه هزار ویانصد تن را آورده است .

نگارنده : ابن عبدالبر اندلسی ، ابوعمر جمال‌الدین یوسف پسرعمر نحوی

(۱) و آن بدین ترتیب است: ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ط ظ ك ل م ن ش ع غ ف ق س ش ه و ی . وترتیبهای دیگر: گلوکاهی (حلقی) ، آبشی در (س ۳۳۶ و ۳۳۷) یاد شد .

(۲) کتابهائیکه زندگزاران درآنها فقط بگردآوری کنیها ولقبها و یا نسبتها پرداخته‌اند بسیاراست . درآغاز فقط کسانیرا دراین کتابها گرد می‌آورند که بنام شناخته نمیشدند ولی اذا ذکر اذکر هر کس را که کنیت داشت درآن جا آوردند تا هنگامیکه دو کنیت داشته وهم کسانیکه دو نام داشته‌اند از یکدیگر بازشناسند . نامترین کسان که دراین باره کار کرده‌اند :

- ابن‌مدینی ، علی
- نسائی
- حاکم
- ابوالفضل فلکی
- سمعانی
- ذهبی
- ابن‌حبان بستی ابوحاتم
- ابوبکر شیرازی (م ۴۰۷ ق)
- ابن‌الجوزی
- دولابی

ودرروزگار پسین کسان بسیار بدین کاردست زده‌اند مانند شیخ عباس قمی درسه جلد وسید علی‌اکبر برقعی درسه‌جلد ومحمدعلی فاموسی‌مدرسی تبریزی (۱۳۳۳ش) دوچهار جلد وجزایشان که همه چاپ شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قرطبی دانشمند بزرگ حدیث‌شناس در روزگار خویش در قرطبه بود. وی در ۲۷ ربیع دوم (۳۶۸ ق) زاد و روزگاری دراز بخت اندلس بسفر پرداخت و سپس بخاور اندلس آمد و در هریک از شهرهای «دانیه» و بلنسیه و شاطبه مدتی سکنی گزید در زمان حکومت مظفر پسر افطس مدتی قاضی اشبونه و شنتریں بود و در شاطبه در جمعه پایان ربیع دوم (۴۶۳ ق) در گذشت.

وی پر احمد پسر عبدالملک فقیه اشبیلی و ابوالولید ابن‌الفرضی حافظ، دانش آموخت و از ایشان و از خلف پسر قاسم حافظ و عبدالوارث پسر سفیان و ابوسعید نصر و ابومحمد پسر عبدالمؤمن و ابوعمر و باجی و ابوعمر طلمنکی روایت کرده است.

آثار ابن‌عبدالبر: «بهجة المجالس وانس المجالس» در سه بخش، «التمهید» در گزارش زندگی راویان کتاب موطأ در هفتاد بخش، «الاستذکار» در شرح موطأ، «جامع بیان العلم» و «الدرر» در مغازی و سیر، و «العقل والعقلاء» و «قبائل العرب» و «الاستیعاب» چای گفتگو و جز آنها.

ابن‌عبدالبر یکی از پایه گذاران راوی شناسی: چلبی در کشف الظنون در دنبال «اسدالغابة» چهار تن زیر را پایه گذاران زندگی گزاری دراین حدیث شمرده است:

۱- ابن‌منده، ابوعبدالله محمد پسر یحیی (م ۳۰۱ ق).

۲- ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ق) «حلیة الاولیاء» را نگاشته که در ۱۰ جلد بسال ۱۹۳۲ م بمصر چاپ شده است. و در آن گزارش زندگی ۸۰۰ تن یاد شده است.

۳- ابوموسی اصفهانی محمد پسر ابوبکر پسر عمر پسر احمد مدینی (۵۰۱-۵۸۱) دنبالهٔ کتاب ابن‌منده را نگاشته.

۴- ابن عبدالبر «استیعاب» (چای گفتگو) را نگاشته.

- ابن‌اثیر جزری (م ۶۳۰ ق) همهٔ این چهار کتاب را در «اسدالغابة» گرد آورده و شمارهٔ گزارشها را بهفت هزار و پانصد رسانید. این کتاب در پنج بخش بمصر بسال ۱۲۸۰-۱۲۸۶ ق چاپ شد.

- ذهبی (م ۷۴۸ ق) اسدالغابة را کوتاه کرده «تجرید اسماء الصحابة» نامید و گزارشهائی بر آن افزود و بهشت هزار رسانید. این کتاب در حیدرآباد دکن بسال ۱۳۱۵ ق در (۸۲۸ ص) چاپ شده است.

- بدرالدین محمد قدسی، و محمد پسر محمد کاشغری نیز هریك جداگانه اسدالغابة را کوتاه کرده‌اند.

مدارك استیعاب: ابن‌عبدالبر در دیباچه، کتابهای کسان زیر را مدرك کار خویش شمرده است:

- ابن ابی‌خیثمه، (م ۲۷۹ ق) احمد پسر زهیر.
- ابن‌اسحاق محمد نوادهٔ یسار (م ۱۵۱ ق).
- واقدی نگارندهٔ «طبقات» و «تاریخ» (م ۲۳۰ ق).
- خلیفة ابن‌الخیاط (م ۲۴۰ ق).
- بخاری محمد بن اسماعیل بن مغیرة نگارندهٔ «تاریخ کبیر» (م ۲۵۶ ق).
- ابوجعفر طبری نگارندهٔ ذیل المذیل (م ۳۱۰ ق).
- دولابی، احمد بن محمد بن حماد (۲۲۴-۳۲۰) نگارندهٔ «المولد والوفات» و «الکنی والاسماء».
- ابن‌سکن، سعید بن عثمان (م ۳۵۳ ق) «کتاب الحروف فی الصحابة».
- عبدالله بن جارود نگارندهٔ «الآحاد فی الصحابة».
- عقیلی، محمد بن عمرو نگارندهٔ «کتاب الصحابة».
- ابن ابی‌حاتم رازی. (ص ۴۸۹) همین مجله دیده شود.
- الازرق (شاید آنکه در عیون الاخبار ابن‌قتیبة ج ۵ ص ۱۴۰ یاد شده باشد).
- البغوی ابوالقاسم عبدالله پسر محمد (۲۱۴-۳۱۷).

و چون ابن عبدالبر بگمان خود همهٔ یاران پیغمبر را در الاستیعاب گرد آورده کتابرا بدین نام خوانده است، ولیکن پس از مرك وی چند دنباله برای آن نگاشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چلبی کسانی را که دربارهٔ استیعاب کاری انجام داده‌اند چنین برشمرده‌است:

– ابن فتحون، ابوبکر. دنباله‌یی برای آن نگاشته.

– شهاب‌الدین احمد پسر یوسف ادرعی مالکی آنرا کوتاه کرده «روضة الاحباب» نامیده است.

– ابن ابی‌طی یحیی پسر حمیدهٔ حلبی (م ٦٣٠ ق) آنرا پیراسته است.

– ملامصطفی بدستور سلطان احمد عثمانی تاحرف (ح) آنرا بترکی گردانید ودر گذشت.

– طاش کبری زاده، کمال‌الدین محمد (م ٩٦٢ ق) دنبالهٔ آنرا تا حرف (د) رسانید، پس سلطان در گذشت و کار پایان نیافت.

– ابن حجر عسقلانی، احمد پسر علی (م ٨٥٢ ق) استیعاب ودنبالهٔ ابن فتحون و اسدالغابة را یکجا گرد آورد و «الاصابة» نامید. این کتاب درهشت بخش بسال ١٣٢٣ ق بمصر چاپ شده است.

– سیوطی (م ٩١١) الاصابه را کوتاه کرده «عین‌الاصابة» نامید.

آغاز استیعاب: حدثنا الفقیه الحافظ ابوعمر یوسف بن... قرائة علیه منی فی رجب سنة خمس وخمسین واربعمائة. قال بحمدالله ابتدی و ایاه استعین...

این کتاب یکبار در حیدرآباد دکن بسال ١٣١٨ ق در دو بخش (٨٠٨+٩٦ صفحه) و یارد گر درمصر در کرانهٔ الاصابه بسال ١٣٢٣ ق چاپ شده است.

[١٩٥]

٩٧٨ نسخه بخط نسخ. تاریخ ندارد ولی کاغذ وخط مینماید که ازسدهٔ دهم و یازدهم میباشد. نویسنده با سواد بوده و نسخه را برای خویش نوشته و حاشیه ها ازخود بران نگاشته و ازقاموس اللغة ونووی و سراج‌الدین بلقینی ودارقطنی واصابة ابن‌حجر وکازرونی وجواهرالسلوك و تاج ابکارالافکار از کتبی و بسیاری از کسان و کتابهای دیگر دراین حاشیه‌ها بسیارنام برده.

ازاین حاشیه‌ها برمی‌آید که نویسنده بربسیاری از کتابهای رجال که اکنون نایاب میباشد بدست داشته است.

آغاز وانجام بخش یکم (درنامها) وهمچنین آغاز بخش دوم (کنیها) درست میباشد، ولیکن انجام بخش دوم افتاده وفقط تا ترجمه «ابوهریرة الدوسی» را دربردارد.

نامها وعنوانها را باشنگرف وبرخی رادرحاشیه نیز باسیاهی درشت نشان گذاری کرده است.

(٢٧٧ برگ) کاغذ ترمه نخودی زرلك، جلد لیماج مشکی قفزده، دورن ابری.
اندازه: ٢١×٣١ ؛ ١٢×٣١ ؛ ٣١ سطر.

[١٧٨] اسحاق بن عمار (رجال – عربی)

زنجیرهٔ بسیاری از خبرها باین مرد میرسد، وی برخی را از امام پنجم و برخی را از ششم و هفتم، برخی‌را بی‌واسطه و برخی را با یك تا سه واسطه روایت کرده. حجة‌الاسلام شفتی این کتابرا برای دانستن اینکه آیادارندهٔ این نام، یك راوی ویاچندتن بوده‌اند، درهفت مبحث که (٢٤٠٠ بیت نوشته) دارد، پرداخته و با ٢٠ کتاب دیگر او درتهران بسال ١٣١٤ چاپ شده و ص ٤٦ تا ص ٨١ آنرا فرا گرفته است.

آغاز: الحمدلله المنفد عباده من الجهالة...

انجام: و اما علی بن حیان و جعفر بن حیان فلان شیخ الطائفة اوردهما فی اصحابه.

[١٩٦]

١٩٤ نسخه نسخ. و برگهای ٦٨ تا ١١٨ را کرم خورده. خط نسخ عنوانها شنگرفی است.
همهٔ دفتر ٢٣٢ برگ. این کتاب ٥٠ برگ است. کاغذ وجلد در ص ٢٧٥ یاد شده است.

[١٧٩] أمل الآمل (رجال – عربی)

فی تراجم علماء جبل عامل وتذکرة المتبحرین (منتخب...)

کتاب امل‌الآمل چنانکه ازدنبالهٔ نام آن برمی‌آید ویژهٔ دانشمندانی‌است که‌ازسرزمین سوریه ولبنان برخواسته‌اند ودر آن نام دویست‌ونه‌تن وسیصدونود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتاب که نگاشته‌اند آمده است . نگارندهٔ امل‌الآمل کتاب دیگری نیز بنام «تذکرة المتبحرین فی ترجمة سائر العلماء المتأخرین» نگاشته ودر آن دانشمندان جز کشور جبل عامل را گرد آورده ودر آن یکهزار وصد و ده تن و یکهزار و پانصدوهفده کتاب ایشان را نام‌برده‌است . وی دراین‌دو کتاب فقط دانشمندانرا که پس‌از شیخ طوسی (م ٤٦٠) آمده‌اند ونام ایشان در کتاب فهرست و رجال او نیامده‌است نام‌برده مدرك کار اوفهرست شیخ منتجب‌الدین (١) واجازه‌های (٢) بزرك دانشمندان گذشته و نیز اطلاعات شخصی خود و استادان او بوده است . نگارنده در ١٠٩٦ بکتاب یکم آغاز کرده و در ١٠٩٧ کتاب دوم را بپایان رسانیده‌است. ودر آغاز کتاب‌دوم‌میگوید: بخش‌دوم کتاب‌را«تذکرة المتبحرین» نامیده‌است . . . وبنابراین ، نگارنده این دو کتاب را یکی شمرده که دارای دوبخش است وهربخش را نامی نهاده است .

نگارنده : شیخ حرعاملی محمد پسرحسن پسرعلی پسرحسین در (١٠٣٣ ق) دردیه مشغر از جبل عامل درخاندانی ازروحانیان شیعه آن سامان بزاده وچهل سال‌در کشورخویش بزیست وسپس‌مانند دیگرروحانیان شیعی مذهب آن سامان در اثر فشار دولت سنی عثمانی و کشش دولت شیعی صفوی رهسپار ایران شد ودرمشهد خراسان بمنصب قاضی‌القضات رسید کتابهای مذهبی و تاریخی بسیار بنگاشت و بنامترین آنها « تفصیل وسایل‌الشیعة » میباشد وخبرهائیرا که درسدهٔ چهاروپنج در کتابهای ششگانه (٣) گرد نیامده بود ، در آن گرد کرد . دیگراز آثاراو کتاب «امل‌الآمل وتذکرة المتبحرین» جای گفتگومیباشد. مرك نگارنده

(١) این فهرست را مجلسی دوم درجلدبیست وپنجم بحارالانوار گنجانده و همانجا نیزچاپ شده است .

(٢) مانند اجازه‌های علامهٔ حلی وشهیداول وصاحب معالم واجازهٔ بنی‌زهرة وشهید دوم ومحقق کرکی وجزایشان که بیشتر آنها درجلد بیست وپنجم بحارچاپ شده‌است . صفحهٔ ٤٧٧ این‌فهرست دیده‌شود .

(٣) کافی کلینی ، من‌لایحضره‌الفقیه صدوق ، تهذیب واستبصارشیخ طوسی ، محاسن برقی ، قرب‌الاسناد . ص٤٧٢ این‌فهرست دیده‌شود.

در ٢ رمضان (١١٠٤ ق) درمشهد بود و او را درصحن امام هشتم درجائیکه تاکنون دیده میشود بخاك سپردند .

کسانیکه دربارهٔ امل‌الآمل کار کرده‌اند :

ـ مجلسی محمد باقر (م١١١١ق) حاشیه‌ئی بر آن نگاشته (ذریعه ٦ : ٢٥) .

ـ سیدنعمة‌الله جزائری (م١١١٢ق) حاشیه‌ئی بر آن‌دارد . (ذریعه٦ : ٢٥) .

ـ میرابراهیم پسرمیرمعصوم پسرمیرفصیح‌پسرمیراولیاقزوینی (م١١٤٥ق) « تتمیم امل‌الآمل » دارد . (ذریعه ٣ : ٣٣٧) .

٤ـ محمد پسر علی پسر ابوشبابه بحرینی ، همزمان شیخ یوسف بحرینی (م ١١٨٦ ق) وشاگرد سلیمان ماحوزی (م ١١٢١ ق) شاعرانی که ازخامهٔ شیخ حر افتاده ، برامل‌الآمل افزوده است (ذریعه ٣ : ٣٣٧) .

٥ـ عبدالنبی قزوینی پسر محمد تقی ، بخواهش دانشمند همزمان خویش سیدمهدی بحرالعلوم (م١٢١٢ق) بسال (١١٩١ق) دنباله‌ئی برامل‌الآمل نگاشته است (ذریعه ٣ : ٣٣٧ و ٣٣٨) .

٦ـ عبدعلی طباطبائی کربلائی همزمان شریف‌العلماء مازندرانی (م١٢٤٥ق) بکربلا « تتمیم امل‌الآمل » نگاشته است . (ذریعه ٣ : ٣٣٧) .

٧ـ سید حسن صدر (١٢٧٢ـ١٣٥٤ ق) با دستیاری پدرم صاحب‌الذریعه کتابی بنام « تکملهٔ امل‌الآمل » نگاشته است (الذریعه ٤ : ٤١١) .

٨ـ (جای گفتگو) محمدابراهیم تبریزی شیرازی ازدانشمندان پایان سدهٔ سیزدهم‌است وی‌درشهرمشهدخراسان‌بسال(١٢٩٩ق) امل‌الآمل‌را بدست‌آورده و از شتابیکه درروتویس کردن آن داشته ، آنرا کوتاه کرده‌است، ولی پس‌از پایان کار، خود نویسندهٔ آنچه‌را کاسته‌بود در کرانه رویه‌هادوباره جای داده‌است ودرپایان نسخه خود بدین‌معنی اشارت کرده‌است . ودرپشت نسخه آنرا « منتخب امل‌الآمل » نام داده‌اند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۹۷]

۱۸۹ نسخه امل الامل (ك۱ـ۳۱) و تذکرة العلماء المتأخرین (ک۳۱ـ۶۸)را دربر دارد. بخط نسخ. نام نویسنده در پایان نسخه نیامده ولی پیداست که همان کوتاه کننده «امل» محمد ابراهیم نیریزی میباشد. بتاریخ دوشنبه ۲۶ ج ۲ ۱۲۹۹ ق آنرا بپایان رسانیده است. درپایان این نسخهٔ گرانوش زندگی چند تن از دانشمندان را از کتاب سلم‌السماوات آورده است. (ک ۶۸ـ۷۶) و سپس شعرهائی از زهرالربیع با خامهٔ درشت نوشته شده (ك ۸۵ـ۱۰۰) و سپس چند نامه از میرداماد (ک ۱۰۱ـ۱۰۷) وشیخ بهائی و اجازهٔ بهائی و لغزهائی ازبهائی (ك ۱۰۷ـ۱۱۴) از کشکول آورده‌اند و درمیان آنها برگها سفید مانده است.

همه دفتر ۱۲۴ برگ، این کتاب ۶۸ برگ. کاغذ نخودی. جلد مقوائی نه تیماج سرخ.

اندازه: ۸×۱۶ و ۱۵×۳۱؛ ۲۵ سطر.

[۱۸۰] امهات‌النبی (عربی)

اهمیت فراوانی که گذشتگان به‌نژاد اشراف میدادند ایشانرا وادار میکرد دربارهٔ نسبت مادری بزرگان خود نیز مانند نسبت پدری ایشان کتابها بنگارند، چنانکه ابومنذر هشام کلبی نسب شناس عرب کتابی بنام امهات‌النبی و دیگری «امهات الخلفاء» (۱) و ابن مدینی علی پسر عبدالله (م ۲۳۴ ق) نیز «امهات‌النبی» نگاشت. (۲)

جای گفتگو کتابچه‌ئیست که ابن‌حبیب نگاشته ودر آن مادر پیغمبر ومادران مادراورا تاچندین پشت یاد کرده است. چنانکه ازپشت جلد این نسخه برمیآید این کتابرا ابوالحسن احمد پسرمحمد پسر جهم سمری ازوی روایت کرده وعلی پسرمحمد اسدی کتاب را برنگارنده خوانده است.

این کتاب ازروی تنها نسخهٔ آن، نسخهٔ دانشگاه، توسط آقای حسین علی محفوظ دانشجوی عراقی دانشگاه تهران در بغداد بسال ۱۳۷۲ ق گراور، و با حاشیه و پیش گفتار چاپ شد.

(۱) الفهرست ج ۲ ص ۲۵۲

(۲) ذیل کشف‌الظنون از اسماعیل‌پاشا.

نگارنده: ابوجعفرمحمد پسر حبیب پسر امیه پسر عمرو اخباری هاشمی ازدانشمندان تاریخ و نسبشناسی و از ادیبان بغداد بود. از ابن‌اعرابی و قطرب و ابوعبیده روایت میکرد وعلی پسرمحمد اسدی ازاو روایت میکرد و بسامراء درپنجشنبه ۲۳ ذیحجهٔ (۲۴۵) در گذشت.

آثار وی: ابن‌ندیم (۱) سی وسه کتاب باو نسبت داده که‌هشت شمارهٔ آنها درنسب است و سه‌تای آنها بنام «امهات‌النبی» و «امهات‌الشیعه من قریش» و«امهات‌اعیان‌بنی‌عبدالمطلب» در نسبهای مادری عربان میباشد. جرجی‌زیدان (۲) پنج کتاب اورا بنامهای «المختلف‌والمؤتلف» چ وستن فلدر گوتنگن (۱۸۵۰ م) و «من نسب الی امه من‌الشعراء» نسخهٔ کتابخانهٔ خدیوی بمصر، و «المخبر» نسخهٔ بریتش موزیوم، و «المغتالین» نسخهٔ زکی پاشا را معرفی میکند.

[۱۹۸]

۲۲۲ نسخه بخط نسخ نزیک به ثلث. نام نویسنده ندارد. درومضان (۶۱۹ ق) نوشته شده. فاصله‌های جمله‌ها باشنگرف نشانه‌گذاری شده. وجیه وازمها اعراب دارد.

دربرگ (۱ـ الف) نام کتاب ونگارنده ونام روایت کننده ونسخه‌برنگارنده یاد شده است.

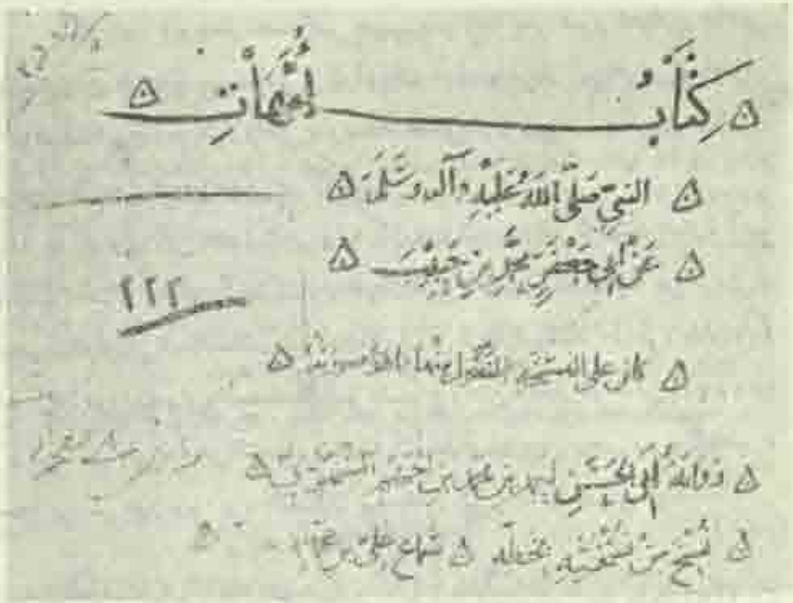
دورادور برگها صحافی شده است.

(۴ برگ) کاغذ نخودی رنگ. جلد مقوائی.

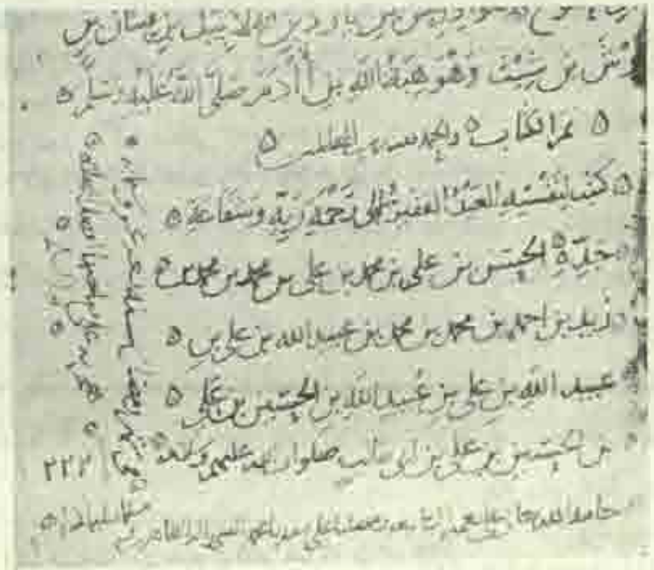
(۱) فهرست ابن ندیم چ مصر ۱۳۴۸ ق ص ۱۵۵

(۲) تاریخ آداب‌اللغة چ مصر ۱۹۳۰ م، ج ۲ ص ۱۹۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٢٤) برگ (١ـ الف) امهات النبی



(٢٥) (صفحهٔ ٨) امهات النبی نسخهٔ شماره (٢٢٢) دانشگاه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٨١] ایضاح الاشتباه (رجال ـ عربی)

نگارنده : جمال‌الدین ابومنصور حسن پسر یوسف پسر علی پسر مطهر حلی از دانشمندان بنام شیعه در سدهٔ هفتم و هشتم میباشد و لقب «علامه» در کتابهای شیعه از آن اواست . وی در حله (١) در ٢٩ رمضان سال ٦٤٨ ق بزاده و در ٢١ محرم سال ٧٢٦ ق در حله در گذشت و تن وی را از آنجا بنجف برده بخاک سپردند.

استادان او : ١ـ نخست پدرش سدید الدین یوسف ٢ـ و بیش از او نزد خویشاوند مادریش نجم‌الدین جعفر ، محقق حلی نگارنده شرایع (٦٧٦ق) که مانند پدر باو رسیدگی میکرده است ؛ ٣ـ پسرعموی مادریش نجیب‌الدین یحیی نگارندهٔ «الجامع» ، ٤ـ ابن‌طاوس علی پسر موسی (٦٦٤ق) ٥ـ ابن‌طاوس احمد پسر عبدالکریم (٦٧٣ق) ٦ـ ابن‌میثم ، میثم پسر علی پسر میثم بحرینی (٦٩٩ق) ٧ـ خواجه نصیرالدین طوسی (م ٦٧٢ ق) ٨ـ دبیران کاتبی نجم‌الدین قزوینی ٩ـ برهان الدین نسفی و جز ایشان مانند حسین پسر ایبان نحوی و عزالدین فاروقی واسطی ، و عبدالله پسر جعفر صباغ حنفی کوفی ، و محمد پسر محمد پسر احمد کیشی خواهرزاده قطب‌الدین شیرازی .

جایگاه علامه در دربار مغل : چون دولت مغل برای پایداری فرمانروائی خود بر مسلمانان در آغاز سدهٔ هشتم مذهب شیعه را رسمی شناخت (٢) پادشاه وقت اولیجایتو علامه حلی را ببایتخت خویش (سلطانیه) بخواند و گرامی

(١) حلهٔ سیفیه شهریست میان نجف و کربلاء و در کنار یك شعبه از نهر فرات جا دارد .

(٢) داستان شیعی شدن اولیجایتو :
چنانکه میدانیم یمال (٦٨١ق) تکودار پسر هولاکو بخت نشست و در همین سال مسلمانی آشکار کرد و « احمد » نام گرفت و باین کار دل ملتهای مغلوب مسلمان را که میخواست بادل آرام بر ایشان فرمانروائی کند بدست آورد . ولی مغولها اندك‌اندك دریافتند که درمیان مذهبهای گوناگون اسلام بامذهب شیعه بهتر از سنی که مذهب رسمی

بقیهٔ حاشیه در صفحهٔ بعد

«کشف المقال فی معرفة احوال الرجال» نیز در دست نیست تا بشود درباره آن داوری کنیم، پس بهترین کتاب او در این باره همین کتاب جای گفتگو «ایضاح الاشتباه» میباشد که در (۱۹ ذیقعدهٔ ۷۰۷ ق) نگارش آنرا پایان داده است وی در این کتاب نام راویان حدیث را بترتیب حرفهای الفبا، در آغاز آنها بسیجیده و بشناساندن و ازه و چگونگی بزبان راندن آن پسنده کرده، و از زندگانی وی و درستی و یا نادرستی او و خبر و حدیثهایش چیزی نگفته است. تاریخچهٔ کتابهائی که درباره واژهٔ نامهای راویان حدیث گفتگو میدارد و چگونگی درست بر زبان راندن آنها را دربردارد، در (حرف - ج) «دنبال» «جامع المقال» خواهد آمد.

ایضاح در تهران بسال ۱۳۱۸ ق بچاپ سنگی پخش شده است. علامهٔ حلی ایضاح را بترتیب نخستین حرف نام بسیجیده و حرفهای پسین را نسنجیده است، پس علم الهدی پسر ملامحسن فیض کاشی آنها را نیز مرتب کرده واندکی بر آن افزوده و «نضد الایضاح» نامیده و آن نیز چاپ شده است. وسپس جد صاحب روضات ابوالقاسم جعفر خوانساری (م ۱۱۵۸ ق) نیز آنرا مرتب کرده و «تتمیم الانضاح» نامیده است. (ذریعه ج ۳ ص ۳۳۶) دیده شود.

[۱۹۹]

سومین کتاب در دفتر است و برگهای (۲۹۳ تا ۳۱۸) آنرا گرفته. خط نستعلیق نزدیک بشکسته. نویسنده نصار پسر محمد حویزی. عصر شنبه بیست و دوم جمادی یکم (۱۰۲۰ ق) آنرا بپایان رسانیده. نامها با شنگرف نوشته شده. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نهاده شده است.

همه دفتر ۳۱۸ برگ. این کتاب ۲۶ برگ. کاغذ ترمه لخندی. جلد تیماج سرخ در گروب قرمز دوده دروی تیماج زرد. اندازه: ۱۲×۱۹ و ۶×۱۴؛ ۲۵ سطر.

[۱۸۲] تاج المآثر (تاریخ - فارسی)

در این کتاب تاریخ سیاسی و جنگی دورهٔ پادشاهی قطب الدین آیبک نخستین پادشاه سلسلهٔ ممالیک غوری هندوستان گزارش شده است. وی این سلسلهٔ را

در دهلی که یکی از استانهای دولت غوری (۱) هندوستان بود و او حاکم آن میبود بسال (۶۰۲ ق) بنیاد نهاد و جانشینان وی سه سده و نیم یعنی تا سال (۹۶۲ ق) در آنجا فرمانروائی کردند. خود قطب الدین در سال (۶۰۷ ق) در گذشت حسن نظامی اندکی پیش از (۶۰۲ ق) یعنی پیش از اعلام استقلال و جداشدن دهلی و سرپیچی قطب الدین آیبک از فرمانبرداری پادشاهان غوری، بنگارش تاج المآثر آغاز کرده، چه در دیباچه، سلطان محمد غوری را ناصر امیرالمؤمنین معزالدنیا والدین ابوالمظفر محمد پسر سام پسر حسین خوانده، و قطب الدین آیبک را بنده و گماشته او شمرده و بلقب قطب الدنیا والدین خسرو هندوستان ابوالحارث آیبک السلطان نصرة امیرالمؤمنین خوانده است.

نگارنده: صدرالدین (تاج الدین) (۲) حسن پسر محمد نظامی (بسطامی) (۳) از مردم نیشابور و خراسان بوده در پایان سدهٔ ششم در پیرو جنگها میان سلجوقیان و خوارزمشاهیان زادوبوم را باشارت پیرخود شیخ محمد کوفی رها کرد بغزنه پایتخت غوریان آمد و با دوتن از پیران آنجا بنام شیخ محمد سروی و مجدالملك آشنا گردید، و سپس بسوی دهلی شتافته و با وزیر شرف الملك دوست شد و بدستور او در تاریخ (۶۰۲ ق) کتاب را با ستایش معزالدنیا والدین ابومظفر محمد پسر سام پسر حسین ناصر امیرالمؤمنین و همچنین گماشتهٔ او قطب الدنیا والدین

(۱) سلسلهٔ غوریان از سال (۵۴۳ ق) همهٔ استانهای شمال هند و همهٔ افغانستان و اندکی از خراسان را زیر تسلط خویش داشت و با خوارزمشاهیان خراسان هم مرز بود و در (۶۰۲ ق) با کشته شدن محمد غوری هرکه از این کشور بدست یکی از غلامان وی افتاد و سلسله‌هائی بنام ممالیک غوری پدید آمد. سلسلهٔ غوریان با کشته شدن محمود آخرین ایشان در (۶۱۲ ق) بریده شد.

(۲) پدرم در الذریعه ج ۳ ص ۲۰۷ بپیروی از کشف الظنون لقب او را صدرالدین آورده و بهار در سبك شناسی ج ۳ ص ۱۰۷ از روی یادداشتی «تاج الدین» آورده است و او در آغاز کتاب لقب خود را نیاورده است.

(۳) مؤلف در آغاز نسخهٔ این کتابخانه و نسخهٔ صاحب کشف الظنون خود را حسن نظامی خوانده ولی بهار در یك نسخه حسن بسطامی دیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهریارغازی خسروهندوستان ابوالحارث «ایبک» السلطانی نصرة أمیرالمؤمنین آغازیده است .

شیوهٔ نگارش تاج‌المآثر: این کتاب به نثرفنی پارسی نگارش یافته ودراز گوئی کمزادهٔ سدهٔ ششم وهفتم است در آن هویداست، و نه‌فقط برای هرمطلب کوچك و بزرك چند شعر از استادان ادب عربی و فارسی آورده است ، بلکه او برای گنجانیدن شعرها که در سینه میداشته مطالب میساخته است . و با این‌همه چون شعر پیش از سدهٔ هفتم برای زبان فارسی با ارزش است ، اگر نام سرایندگان آنها را میآورد کار باارزشی انجام داده بود ، ولی بدبختانه این کار را نیز نکرده‌است. وی پس از چهارده صفحه دیباچه بخشی برای گزارش زندگی خود (نگارندهٔ کتاب) ساخته است و در آن ازاینکه میتوانند بعربی بنگارد و بی‌سوادی مردم او را بفارسی نگاری واداشته افسوس خورده است . پس از آن کتاب را باگزارش کشودن اجمیر سال (۵۸۷) آغاز و سپس گزارش سال (۵۸۰) و (۵۸۹) و (۵۹۲) و همچنین تا (۶۱۴) درپادشاهی خداوندزاده جهان ناصرالدین کتاب را پایان داده است ، ودرپایان سه صفحه ستایش کتاب خودرا گفته است .

آغاز : حمد وسپاس بی‌قیاس که قدم شهسوارعقل دواسپه بسرحد عنوا حصار آن نرسد ، و چشم‌وهم‌دوربین صورت حصروشمار آن در آینهٔ خیال بخواب نه‌بیند ...

انجام : یریدالمرء أن یعطی مناه ویأبی‌الله الامایشاء . والحمدلله رب‌العالمین والصلاة والسلام علی محمدو آله اجمعین . تمت‌الکتاب علی یدی‌الفقیرالی‌الودود محمد داودالفلکی فی غرة شعبان سنة ست وعشرین وسبعمایة حامداً مصلیاً .

[۲۰۰]

۲۲۵ نسخه بخط نستعلیق هندی . نویسنده محمد داود الفلکی دریکم شعبان ۷۲۶ ق پایان یافته . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه آمده . واژه‌های دشوار در کرانه گزارش شده. عنوانهای درجه یك را باشنگرف نوشته و روی درجه دوم را خط شنگرفی کشیده ، فاصله جمله‌ها باشنگرف نشانه گذاری شده ... در کرانه رویه‌ها عنوان گفتگورا باشنگرف نوشته است . شعرها منظم ودرمیان سطر نوشته شده‌است . درپشت (برك ۱ـ

الف) تملك چندین کس دیده میشود : حسین پسرعلی پسر الیاس حسینی (مجدالدین استرآبادی) و سپس بهلول پسر هندو پسر محمود شاه پسر عبدالله پسر محمد باقی در (محرم ـ ۸۱۸) وسپس ابن‌محمدالشریف نورالله‌الحمدی در (۹۸۳) دیده میشود . در بالای این صفحه باخامه کهن شمارهٔ برگهای کتابرا دویست وچهل‌وشش نوشته‌است ولی درشماره گذاری تازه (۲۲۲ برك) بیشتر رانده وچندجا افتادگی دارد وشمارهای پیشین از برك ۱۲۵ به پس دست خورده است و برك ۱۶۷ دو نویس است و با خط شکسته نوشته شده است .

(۲۲۲ برك) کاغذ سمرقندی ، جلد تیماج حنائی فشرده کهنه .
اندازه ۵/۲۳×۱۷ و ۱۷×۱۱ ؛ ۳۶ سطر .

[۱۸۳] تاریخ اکبری (تاریخ ـ فارسی)

نگارنده : ابوالفضل ناگری پسر مبارك (۱) پسر شیخ خضر و برادر ابوالفیض فیضی شاعر بزرك هندمیباشد. وی ازمردان بزرك وسیاستمداران هند در پایان سدهٔ دهم بشمار است . نیاکانش از یمن بداتجاشده و برای اینکه والائی نژاد ایرانی را نیزدارا باشدخودرا از نژاد آزادگان (ابناء) یمن میشمرد . وی در (۹۵۷) در آگره

(۱) وی در ناگور (سال ۹۱۱) زاده و چون ناسازگاری و زدوخوردهای مذهبی دراین‌هنگام درهند فزونی داشت وآشوب همواره تاج وتخت بابری را لرزان میداشت و بویژه اکثریت هندو را بجنبش درمی‌آورد ، این شیخ با تعصبهای مذهبی مخالفت آغاز نمود ، و پس‌ازچندی روحانیون اورا تکفیر کرده و بزور فرمان کشتنش از اکبرشاه گرفتند ، او پنهان شد و پس‌از اندکی چون شاه روش او را برای دولت بابری سودمند میدید او را بخشود و گرامی داشت تا در (۹۹۱) درگذشت . آری درسدهٔ دهم جنبشهای هندوان برضد دولت مسلمان بابری این دولت را ناگزیرمیکرد همچنانکه‌مثلا در عراق وایران بمذهب مردم مسلمان گردن‌نهادند ، ایشان نیز در کشور هندوها ازتعصبهای خشك مذهبی مسلمانان بکاهند. چون این روش با مذهب شیعه بهتر سازگار بود از این روی در آغاز کار از این مذهب طرفداری کرده دانشمندانی مانند ابوالفضل وقاضی نورالله شوشتری وقاضی‌زادهٔ تنوی برواج آن برانگیخت ولی درپایان زندگی اکبرشاه سنیان متعصب بیشتر آن دانشمندان را مانند قاضی‌زادهٔ تنوی کشتند ابوالفضل بسال ۱۰۱۱ ق وقاضی نورالله بسال ۱۰۱۹ ق کشته شدند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

برادو به پیروی از پدر و برای خدمت بدربار بابزی درجنك باتعصبهای مذهبی کوششها کرده است . اکبر شاه بدست او و پدرش درسال (۹۸۷ ق) از همهٔ روحانیان سنی فتوی گرفت که بنابر آیهٔ اولوالامر(۱) فرمان شاه ازرأی مجتهدان برتر است . و سپس همهٔ ایشان را بقصاوت درشهرستانهای دور و یا بحج مکه فرستاد و پایتخت را تهی کرد وفرمانی بربایهٔ آزادی همهٔ مذهبها بنام «صلح کل وجاویدان» بیرون‌داد واین‌فرمان تاپایان زندگی اکبرشاه اجرامیشد ولی خشم روحانیان‌مذهبی مسلمان را نیز برانگیخت تاآنجاکه شاهزاده جهانگیررا وادار کردند برپدربشورید وخونریزیهابرپا کرد وهمین شاهزاده دستهٔ‌برا وادار کرد تادرسال (۱۰۱۱) ابوالفضل وبرادرش ابوالفیض فیضی‌را درهنگام بك مسافرت بکشند .

آثارابوالفضل - کتابچه‌یی دراخلاق‌بنام «موارد‌الکلم» و «تفسیر آیة‌الکرسی» و دائرة‌المعارف بنام « آئین اکبری » و « تاریخ اکبری » (۲) جای گفتگو و « منشآت ابوالفضل » و « فرهنك فارسی » و « بهار دانش » کوتاه شدهٔ کلیله ودمنه است . ومهابهارت درتاریخ هند (۳) درهمهٔ نگاشته‌های ابوالفضل روش ساده‌نگاری ودور کردن واژه‌های سنگین تازی نمایان است .

تاریخ اکبری را نباید با « آئین اکبری » اشتباه کرد . دومی دائرة‌المعارف دانشها وعقاید مسلمان وهندوان است ، و گزارش زندگی خودرا بدراز! در آن آورده‌است، وتاریخ نگارش آن سال (۴۲ آلهی = ۱۰۰۵ ق) است (۴) وچاپ شده است .

ولی تاریخ اکبری - جای گفتگو - تاریخ زندگی اکبر پادشاه و پدرش

(۱) اطیعوالله واطیعوا الرسول و اولوالامر منکم (آیهٔ ۶۲ سورهٔ نساء)

(۲) هریك ازتاریخ اکبری و آئین اکبری راگاهی اکبرنامه می‌نامند .

(۳) این کتاب درلکهنو در سه جلد چاپ شده‌است. این سه جلد مجدد بخش را که هریك صفحه شمارجداگانه دارد دربر گرفته است .

(۴) یعنی یکسال پس‌از کتاب تاریخ اکبری پایان یافته است .

میباشد و بسال (۴۱ آلهی = ۱۰۰۴ ق) پایان یافته است . درآغاز این کتاب بخشی درزایچهٔ شاه وستایش‌اودارد. وی‌نژادشاه‌را با پنجاه ودوپشت بحضرت آدم رسانیده گوید این کتاب تاریخ زندگی این ۵۲ تن میباشد ولی از آدم تا تیمور لنگ را بسیار کوتاه آورده واز او تاهمایون پدرا کبرشاه اندکی سخن رانده وهمهٔ کتاب دربارهٔ زندگی سیاسی ونظامی‌وخصوصی این‌دوتن میباشد . وتاریخ اکبرشاه را ازآغاز پادشاهی سالانه برابرتاریخ الهی (۱) تا هفده سال (تا سال ۹۸۱ ق) آورده، ودر اینجا کتاب را پایان داده‌است. تاریخ پایان یافتن نگارش کتاب(۴۱ الهی = ۱۰۰۴ ق) میباشد .

آغاز : الله اکبر این چه دریاییست ژرف و شناختی شگرف . . .

انجام :

باین جنبش کلك گردون خرام
بپایان برم این گرامی کلام

این کتاب درپیرامن بیست وشش‌هزاربیت نوشته دارد . وبنام « اکبرنامه » بسال ۱۹۱۳ = ۱۳۳۱ ق درلکهنو چاپ شده . تیمهٔ نخست این چاپ را که من دیده‌ام تامرك محمد همایون ، پدرا کبرشاه در (۴۰۶ ص) چاپ شده بود .

[۲۰۱]

۱۲۱ نسخه بخط شیخ‌ابی خاوری (یا «گویا»درهند نوشته شده‌و بسنده امین‌الدین محمد پسر نظام‌الدین احمد پسر ضیاءالدین خلیل‌الله ، درتاریخ (۱۰۲۰ ق) نوزده سال پس از نگارش پایان یافته . یك سر نامه با شنگرف و لاژورد و زر وسیاهی‌دربرك (۱ـالف)دارد. همهٔ رویه‌ها باشنگرف‌و دوروبهٔ (۱ـب) و (۲ـالف) با زر و لاژورد و سیاهی جدول‌بندی شده است . عنوانها با شنگرف . نیمهٔ هریك از رویه‌های (۱۱ ب و ۱۳ ـ الف و ۱۵ ـ الف و ۳۰۴ ب و ۳۰۷ ب) را سفید گذارده

(۱) یکی از کارهای اکبر شاه که برای همه‌گاه ساختن ملتهای هند انجام داد ساختن یك تاریخ بنام تاریخ الهی است ، وی ستاره شناسان را واداشت تا درسال (۹۹۲ ق) تاریخی خورشیدی راست کنند و آغاز آنرا آغاز پادشاهی اکبر (۹۶۳ ق) گرفتند .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تاداترهٔ زایچهٔ بکشد ولی سفید مانده‌است. دربرگ (۱ـالف) چندزایچه دیده میشود، مانند زایچه محمد هاشم در ۲۶ ج ۱ سال ۱۱۷۶ و نیز چند برادر او در تاریخهای بعداز او ودربرگ ۳۳۵ ب مالکیت عین محمد هاشم پسرمیرمحمد رضی دیده میشود.

(۳۳۵ برگ) کاغذ ترمه نخودی. جلد لیقاج مشکی تهبندی عدد فرسوده.

اندازه: ۱۶×۳۷ و ۱۰×۲۰: ۲۳ سطر.

[۱۸٤] تاریخ الفی (تاریخ - فارسی)

این کتاب تاریخ هزارسالهٔ جهان ازمرگ پیغمبر اسلام تاهزارسال میباشد و به‌دورهٔ پادشاهی اکبر پادشاه بابری درهندپایان میپابد. چنانکه دربارهٔ تاریخ اکبری دیدیم، روزگار اکبر پادشاه (۹۶۳-۱۰۰٤ق) روزگار گسترش مذهب شیعی و فرهنگ فارسی دری درهندوستان بوده است. دراین هنگام دردهلی بیش از اصفهان بزبان دری ارزش میداده‌اند کتابهای علمی مانند «طوطی‌نامه» ازضیاء نخشبی و ترجمهٔ زیج هندی و ترجمهٔ مهابهارتا بنام «رزم‌نامه» و ترجمهٔ رامایانا بخامهٔ عبدالقادر بدوانی و ترجمهٔ جوگ‌نامه و ترجمه «اتهربن» بخامهٔ حاجی ابراهیم سرهندی و «لیلاوتی» درحساب بخامهٔ ابوالفیض فیضی و «تاجک» درستاره شناسی(۱) بخامهٔ مکمل‌خان گجراتی بفارسی درآمد، وهمچنین فرهنگنامه‌های «جهانگیری» و «برهان قاطع» و «رشیدی» و «تاریخ اکبری» و «تاریخ فرشته» و «منتخب‌التواریخ بدوانی» و «اورنگ زیب‌نامه» و «تاریخ هاشم خانی» و کتابهای قاضی‌زادهٔ رومی جای گفتگو همه دراین روزگار نگاشته شد.

نگارندهٔ تاریخ الفی قاضی‌زاده شیخ احمد پسر نصرالله دیبلی سندی است که گزارش زندگیش درمجالس‌المؤمنین آمده‌است. پدرش ازقاضیان حنفی‌سرسخت بود ولی اوازدانشمندانیست که پس‌از گرایش دربارهٔ بابری هند بشیعیگری باین مذهب درآمد، وقاضی درمجالس داستانی از روشن شدن فکر (استبصار) او بوسیلهٔ یك تن ازمردم عراق یاد کرده است. درپایان دورهٔ اکبر سنیان متعصب

(۱) آئین اکبری ص ۷۲.

شورش کردند و چند تن ازاین دانشمندان و ازجمله این تاریخ نگار بزرگ را درلاهور کشتند.

کتاب الفی ترجمهٔ کوتاه شده‌یی ازتاریخ ابن کثیراست که برخی داستانهای مذهبی شیعه وبرخی مطالب تاریخی از کتابهای حبیب‌السیر وروضة‌الصفای خوندمیر برآن افزوده شده است. تکیهٔ کلام او (القصه، القصه) است، «کرم‌الله وجهه» را بجای «علیه‌السلام» (۱) پیرو نام علی می‌آورد ولی ستایش بسیارازاودارد. داستان کشته شدن حسین‌بن علی را بدرازا آورده است. این کتاب (۱۸۰۰۰۰ بیت‌نوشته) دارد ونگارنده خودآنرا کوتاه کرده «احسن‌القصص» نامیده است. نسخهٔ تاریخ الفی واحسن‌القصص هردودر کتابخانهٔ رضوی هست. نسخهٔ رضوی دردوجلد است جلد یکم بسال پانصد از مرگ پیغمبر پایان یافته وجلد دوم بسال ۹۸٤ پایان یافته ودیگر سالها تا سال هزار را ندارد. صاحب ذریعه و دیگران گفته‌اند که نگارنده آنرابنام اکبرشاه ساخته ولی نسخهٔ دانشگاه دیباچه ندارد وازآن چیزی دانسته نمیشود:

آغاز نسخهٔ دانشگاه. آغاز کتاب دربیان اموریکه واقع شد درسال اول رحلت خاتم‌النبیین (ص) بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. نقلست که چون حضرت...

انجام این نسخه: پایان سال ۳۹۸ درتاریخ ابن کثیرآورده که بعدازفوت حاجب سعید جماعتی... برسر قبر او رفته... وچون شب بمنزل آمدند عجوزه که نوحه‌خوان بود درخواب دید که شخصی... ازقبر حاجب سعید بیرون آمده... وگرزبآن پیره‌زن حواله کرد زن... ازخواب بیدارشد ودیگرازنوحه گری توبه کرد. (ودرسال سیصدونود ونهم) ازرحلت...

(۱) نخست روش سنیان، ودوم روش شیعیانست.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۰۱]

۲۲۱ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده وتاریخ ندارد . ولی پیداست که در تیمهٔ (۱) سدهٔ سیزدهم نوشته شده‌است . این نسخه فقط یك سوم کتاب را در بردارد یعنی از سال یکم مرك پیغمبر تا سال سیصد و نود و نهم را در بردارد . دیباچه را ندارد و از سال یکم آغاز شده . و پایان نیز ندارد و سیزده سطر از سال ۳۹۹ را نوشته و باقیمانده را که در صفحهٔ پسین بوده در این جلد جا نداده است

عنوانهای درجه یك باشنگرف و روی درجه دوم را خط شنگرفی کشیده‌است . تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده است .

۴۱۳ برك) دو برك آغاز سفید است . کاغذ سفید و آهارمهره . فرنگی . جلد روغنی زرد وسرخ . ۵ تیماج سرخ درون اری گل و بوته .
اندازه : ۲۰×۳۳ و ۱۴×۲۵ : ۳۱ سطر .

[۱۸۵] تاریخ زندیه (تاریخ ـ فارسی)

چنانکه نگارنده در دیباچه گوید تاریخ خاندان زند را تا مرك کریمخان، کسان بسیار نگاشته‌اند ولی تاریخ پس از مرك او و سلطنت لطفعلی و سرنگونی تاج و تخت زند در جائی نیامده‌است و علی رضا شیرازی پسر عبدالکریم برای انجام دادن چنین درخواستی که از دوستان او شده بود، این کتاب را نگاشت و تا ۱۲۰۹ ق را گزارش داد .

آغاز : برارباب خرد و دانش . . .

انجام : بنظر طالبان و ناظران خواهد رسید انشاءالله تعالی. تم فی یوم الخمیس ۵ ذی‌الحجه ۱۲۳۲ .

متن این کتاب در (۱۰۲ س) با یك پیشگفتار و فهرست در (۵۶ س) بزبان آلمانی از ارتست پیر در لیدن بسال ۱۸۸۸ چاپ شده است .

(۱) هنگام یاد کردن رویدادهای سال ۲۶۸ از مرك پیغمبر = ۲۷۸ هجری آنجا که گوید: دالی یومنا هذا سنة . . . ، نویسندهٔ نسخهٔ دانشگاه بغلط (۱۲۳۸) نوشته و گویا این تاریخ نوشتن نسخه باشد که بجای تاریخ نگارش کتاب آمده است .

[۲۰۲]

۱۹۰ نسخه بخط نستعلیق نام نویسنده ندارد . در تاریخ پنجشنبه پنجم شوال سال ۱۲۳۲ ق نوشتن آن بپایان یافته است . عنوانها باشنگرف است ، در دو جای جا دارد و برگهای (۱ـ تا ۱۰۸) آنرا گرفته و از برك (۱۱۶) تا (۱۲۷) فتح‌نامه هرات نوشته شده است که در ۱۳۱۴ ق نوشته شده .

همهٔ دفتر ۱۳۱ برك این کتاب ۱۰۸ برك . کاغذ فرنگی سفید آهارمهره شده .
اندازه : ۱۵×۴۰/۵ و ۱۴/۵×۸/۵ : ۱۱ سطر .

[۱۸۶] تاریخ صباقی (تاریخ ـ فارسی)

در روزگار ناصرالدین شاه مردی تاریخ ایران را مانند دفترهای (روزنامچهٔ) بازرگانان و با همان خامهٔ نوشته و بجای پیکرهای هندسی شماره‌ها را بخامهٔ صباقی نوشته‌است . این کتاب را صاحب ذریعه «خلاصة‌التاریخ» نامیده در (ج ۷ ص ۲۱۶) گوید آنرا یکی از مستوفیان فتحعلیشاه نگاشته‌است ، و نسخهٔ دویست صفحه‌یی آنرا در مشهد خراسان نزد شیخ علی اکبر «روح» نشان داده است . ولی نسخه‌یی از این کتاب نزد دوهمداهست که تا دورهٔ ناصرالدین شاه کشیده شده‌است . نسخهٔ دانشگاه (جای گفتگو) مانند نسخهٔ مشهد فقط تا (۱۲۲۰ ق) دورهٔ فتحعلی شاه را در بردارد .

نگارندهٔ این کتاب تاریخ را بدو بخش پیش و پس از اسلام بسیجیده و پیش از اسلام را برابر افسانه‌های باستانی بچهار دستهٔ پیشدادیان ، کیانیان ، اشکانیان و ساسانیان بخش کرده است . او تقیه را کنار نهاده همه‌جا بخلیفه‌های پیش از علی ناسزا میگوید .

آغاز : کیومرث اول ملوك پیشدادیان است قبل از او هیچکس از فرزندان آدم . . .

انجام در سال فرخنده فال ۱۲۲۰ بعد از جشن نوروزی بطرف سلطانیه نهضت و در آنجا خبر قتل ابراهیم خلیل خان و تفرقهٔ ایلات . . .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٠٣]

١١٧ نسخه بخط نستعلیق شکسته . نام نویسنده و تاریخ ندارد . ولی کاغذ وخط پایان سدهٔ سیزدهم را مینماید . از آغاز پیشدادیان تا نادرشاه در برگ (٥٩) دوستونی مانند دفترهای بازرگانی نوشته شده‌است، واز اینجا تا پایان نسخه سطرها بلند و صفحه یك ستونی است . پایان نسخه ناتمام مانده است . عنوانها با شنگرف است. همهٔ رویه‌ها بازروسیاهی جدول‌بندی شده است . عنوان بخشها را بالای صفحه باشنگرف نوشته است .

(٨٨ برگ)کاغذ ترمه اصفهانی . جلد تیماج حنائی یك‌لا .

اندازه : ١١×١٩/٥ و ١٥×١٧ : ٣٠ سطر .

[١٨٧] تاریخ محمدی (تاریخ - فارسی)

یا دوازده امام

منظومی است کوتاه در (٣٢٤ بیت شعر) درتاریخ زایچه و مرك پیغمبر اسلام وهریك ازامامان دوازده گانه شیعه باذکر نام ونژاد ولقب وزادگاه وجای گورایشان نام‌سراینده دانسته نشد ولی گویا از ترکان پارسی گوی باشد . شعرش سست و انشائش نادرست میباشد .

آغاز :

آغاز سخن بنام یزدان — روزی‌ده‌انس‌وخالق جان

تا آنجا که :

چون ساختی آنزمان تمامش — «تاریخ محمدی» بنامش

منقوش بدان صفت که نامش — خوانند «دوازده امام»ش

تا آنجا که :

فهرست ایمه تمام اینست — کز بعد رسول مرسلین است

تاریخ محمدی بگویم — زان پس بسوی ایمه پویم

اسمه علیه‌الصلاة والسلام

نام است رسول را محمد — یك جای دگر خطابش احمد

انجام :

غایب شدنش بعشر شوال — هشتاد ودوصد گذشته ازسال

نابودن و بودنش عیانست — گویند بگشت درجهانست

اینجااست حدیث وقصه کوتاه — القدرة والقضاء لله

وقد تم فی ١٩ ذی‌القعدة‌الحرام سنة ٩١٣ .

[٢٠٤]

١٠١٥ نسخه بخط نسخ باختری نزدیك بتر کی . دردفتری‌جاداده، ویرگهای ١٣٠-١٤٥) آنرا گرفته . نام نویسنده ندارد . در پایان آن (ك ١٤٥ پ) تاریخ ٩١٣ دیده میشود وشاید تاریخ سرودن ونوشتن هردو باشد . عنوانها باشنگرف

همهٔ دفتر (١٧٧ برگ این کتابچه (١٦ برگ)کاغذ نخودی‌رنك جلد تیماج حنائی .

اندازه در ص ٢٠١ ج ١ یاد شده است .

[١٨٨] تاریخ وصاف (تاریخ - فارسی)

یا « تجزیة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار »

این کتاب درپنج جلد ودنبالهٔ تاریخ جهانگشای جوینی میباشد ودرروش انشاء نیز پیرو او و پدر خود درالمعجم است، و آن روش‌را بدرجه کمال خود رسانیده‌است. وپیشینیان‌اومانند شرف‌الدین علی‌یزدی‌در«ظفرنامه» وصاین‌الدین علی ترکه ووحیدقزوینی‌ومیرزامهدی‌آستر آبادی درهدرهٔ‌نادری» وه‌جهانگشای نادری»ومیرزاصادق‌نامی‌در« گیتی گشا» که‌ازوی‌پیروی کرده‌اند،بدونرسیده‌اند. اونثرفنی‌فارسی‌را پیروتازی ساخته وآنرا ازجمله‌هاوواژه‌های عربی‌انباشته‌است وجسته جسته واژه‌های مغلی نیز درآن یافت شود ، وی باهمه درستی ودراستی این تاریخ را تا پایهٔ مقامه‌نویسی ومجلس گوئی پائین آورده است .

نگارنده : وصاف‌الحضرة ادیب شرف (١) الدین عبدالله پسر عزالدین فضل‌الله (٢) متخلص به « شرف » یکی ازتاریخ نگاران روزگار تیموری است

(١) درحبیب‌السیر شهاب‌الدین آمده ولی شرف درست‌تراست .

(٢) عزالدین فضل‌الله پسرعبدالله یزدی نگارنده تاریخ « المعجم فی‌آثارملوك العجم» هنگام فحطی فارس در ٢٢ ذی‌قعده ٦٩٨ ق درگذشته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خاندان او از یزد بوده و خود در (۶۶۳ ق) در شیراز بزاده و همانجا علم آموخت و بدقبال پدر بکار دیوانی گماشته‌شد، و بوسیلهٔ رشیدالدین فضل‌الله وزیر بدربار غازان و اولیجاتو راه یافت و بوسیله همواین کتاب خودرا از چشم شاه گذرانید و نوازش یافت.

خود در آغاز بخش دوم کتاب میگوید من برای نمایش توانائی انشای خود چنین نگاشته‌ام. دراین کتاب تاریخ چنگیزخان و فرزندانش از سال (۶۵۶ ق) تا بوسعید بهادرخان (۷۲۸ ق) را گرد ساخته. وی بسال (۶۹۹ ق) باین کتاب آغاز کرده و بسال (۷۰۲ ق) جلد یکم کتابرا از چشم غازان خان گذرانید ودرشعبان (۷۱۱ ق) بخش پنجم را بپایان رسانیده و بسال (۷۱۲ ق) درسلطانیه باولیجاتوخدابنده پیشکش کرده‌است. بخش یکم‌این کتاب‌در ۱۲۷۲ق و ۱۲۹۱ق درتهران چاپ شده است.

آغاز بخش یکم: حمد و ستایشی که انوار اخلاصش آفاق و انفس را...

انجام:

چون روزگار کس ندهد پند آدمی
خواهی که پندگیری از روزگار گیر

والله یجعل احوالنا مقرونة بحسن العواقب...

آغاز بخش دوم: فرخ ترین نوایی که نای مرغ زمزمه سرای زبان بدان دستان داستان سراید، ودلنوازترین...

انجام: وعاقبت کارهارا بدیدهٔ فکرت دوربین نظر کنند. تمت.

آغاز بخش سوم: الحمدلله الذی خلق الانسان من حماء مسنون. ثم السلام علی... ابی بکر الصدیق وعمر الفاروق و... و پس از یك صفحه ـ وبعداز حادثهٔ ارغون خان چون مدتی...

انجام: خسروعشرة، بهمن صولت را مزید جاه و جلالت ودوام تأییدو نصرت کن. ویرحم‌الله عبداً قل آمینا. تم.

آغاز بخش چهارم: ابتسم الورد بشراً النسیم بشراً بین یدی رحمته...

انجام: وناخن ندامت رخسارجان اورا نخراشد. یاایهاالناس قدجائکم... تمت ذریعة النصایح ولسان العقل...

آغاز بخش پنجم: هرسپاسی که ساحت اوضاع و اضلاعش مصون ازساحت خیال واوهام تواندبود،وهرستایش که انوارستایش متعالی ازمدارك...

انجام: توفیق درافاضت احسان که کفیل عمر ثانیست لایزال روزگار دولتیارمخدوم جهانیان را کرامت باد. شعر:

وهذا دعاء لوسکتت کفیته — لانی سئلت‌الله قبل وقدفعل

این کتاب تا پایان سدهٔ سیزدهم هجری یك متن کلاسیك بشمار میرفت و آنرا درآموزشگاهها بجوانان میآموختند. حسین پسرحسین انصاری عطار در (۸۲۳ق) تاریخ وصاف را بدستورمغیث‌الدین ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان پسرشاهرخ فرمان فرمای شیراز (م شوال ۸۳۸ق) بانثرساده کوتاه کرده. نسخهٔ سه بخش کوتاه شده از پنج بخش این کتاب که در (۱۰۶۲ ق) نوشته شده‌است در کتابخانهٔ (سلطان‌القرائی) درتبریزهست ودانسته نیست که‌آیا دوبخش دیگر نیز کوتاه شده است یانه.

آغاز نسخهٔ کوتاه شده: حمدوستایش مرخدایرا که انوار اخلاصش... امابعد چون اشارت عالی وفرمان... مغیث‌الحق والدنیاوالدین ابوالفتح ابراهیم سلطان... نفاذ یافت که از تاریخ خواجه عبدالله...

[۲۰۵]

۱۱۴ نسخه بخط نستعلیق زیباولی جمله‌های عربی را بانسخ نوشته‌است. نویسنده عین‌علی تبریزی‌همهٔ پنج بخش را در یك جلد نوشته. تاریخ پایان بخش یکم: دی‌ماه ۱۰۶۸ ق (ک ۳ـ۱۰۹) بخش دوم صفر ۱۰۶۹ق (ک ۱۰۹ـ۱۹۴) بخش سوم ۱۰۷۰ق (ک ۱۹۵ـ ۲۲۱) بخش پنجم شعبان ۱۰۵۹ق (ک ۲۲۲ـ۵۰۲) بخش پنجم سال ۱۰۷۰ق (ک ۵۰۳ـ ۵۵۶) میباشد. درروی برك (۲ـ الف) جمله‌هائی نادرست ودست خورده‌یی نوشته شده واز آنها چنین برمی آید که‌این نسخه بدستورمحمد نصیر پسر رضی‌الدین محمدحسینی آزروی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نسخه‌یی که حاشیه‌های آن بخامهٔ نگارنده (وصاف‌الحضرة) بوده نوشته شده است. ودرآن ازمستوفی خاصهٔ رضی‌الدین محمدا، ومیرزا محمد حسینا ضابطه‌نویس نیز نامی آمده است. حاشیه‌های بسیاردارد بامضاهای (مجمل، فرهنك، قاضی، صحاح، ق، ۱۲، ه، مجمع‌البیان، ثعالبی، حیاة‌الحیوان خلکان، شریف، وجزآنها) دراین حاشیه‌ها گاهی بزندگی کسانی که نامشان درمتن آمده نیز اشارت هست. درآغاز کتاب حاشیه‌ها بیشتراز دیگر جاها است. همه صفحه‌ها با زر وشنگرف و لاژورد دوجدول دارد یکی درکرانهٔ متن ویکی درکرانهٔ حاشیه. درآغاز هربخش سرنامه‌یی از گل وبوته با زر و لاژورد وشنگرف وسیاهی و سبزی و سفیدآب بسیار زیبا در (گ ۳ و ۱۱۰ و ۱۹۵ و ۲۲۳ و ۵۰۳) دیده میشود. برگهای (۳ و ۱۰ و ۲۲۳ و ۵۵۶) زرفشانی شده‌است. عنوانها وفاصله جمله‌ها وبرخی حاشیه‌ها وبرخی آیه‌های قرآن وحدیث باشنگرف است. تصحیح شده وافتادگیها درکرانه نوشته شده است.

پیش‌ازین دو (اردیبهشت ۱۳۰۸) درکتابخانهٔ تیمورتاش بوده است.

(۵۵۶ برگ) کاغذ ترمه اصفهانی دانه‌دی. جلد روغنی گل‌بوته بسیار خوب به‌ابعاد سرخ وصالی‌شده دروی ابری‌گل‌بوته:

اندازه ۱۷×۳۰ و ۱۰×۳۲. ۳۰ سطر.

[۱۸۹] تحریر طاوسی (رجال - عربی)

چنانکه در (ص ۴۹۸) یاد شد کتاب اختیارالرجال بترتیب الفباء نیست وچند کس آنرا مرتب ساخته و دوتن آنرا با چهار کتاب رجال دیگر: «فهرست ورجال طوسی ورجال نجاشی و رجال ابن‌غضائری» یکجا گرد کرده‌اند، نخستین ایشان ابن طاوس و دوم ملاعنایة‌الله قهپائی بوده است. ابن طاوس جمال‌الدین احمدپسرموسی (م۶۷۳ق) برادر علی‌بن موسی‌بن طاوس دعانویس معروف‌است وی چنانکه درس ۴۹۰ گفتم پنج کتاب رجال‌را یکجا گردآورده «حل‌الاشکال» نامید. یکی از پنج کتابی که درحل‌الاشکال گرد آمده است «اختیارالرجال» کشی بوده که‌درس ۴۸۲ تا ۵۰۱ دربارهٔ آن گفتگو کردم. ابن‌طاوس اختیارالرجال‌را آراسته وپیراسته وبترتیب الفباء در کتاب خویش «حل‌الاشکال» گنجانده‌بود. حل‌الاشکال که در۲۳ربیع دوم سال ۶۴۴ ق پایان یافته درپایان سده دهم بدست صاحب معالم افتاد و اواختیارالرجال را از میان آن بیرون کشید و جدا کتاب

ساخته است، و چون بآرایش و پیرایش ابن‌طاوس بود آنرا «تحریرطاوسی» نام داد. وی دردیباچه میگوید چون از «حل‌الاشکال» فقط یك نسخه دیده‌ام که‌بیشتر آن بخامهٔ نگارنده‌اش نوشته‌شده و کهنه وفرسوده بود، خواستم آنرا زنده کنم. وچون متن چهار کتاب دیگر دست نخورده درحل‌الاشکال گنجیده بود، و نسخهٔ آنها بجز نسخهٔ کتاب ابن‌غضائری فراوان بود، و ابن‌طاوس فقط اختیارالرجال‌را آراسته و پیراسته بود، و نسخهٔ آراسته‌آن جدا یافت نمی شد، و نسخهٔ ناآراستهٔ آن پر از ناسازگاری و بی ترتیب بود، ازین روی من آنرا برگزیده وازحل‌الاشکال بیرون‌آوردم. صاحب‌معالم دراینجا اندکی ازدیباچهٔ حل‌الاشکال را آورده و چگونگی گردآوری ابن‌طاوس آن پنج کتاب را نشان داده، وسپس بحرف الف آغازنموده است.

درپایان نیز پایان‌نامه حل‌الاشکال را آورده که ابن طاوس گفته است درحله‌بروز۲۳ ربیع دوم سال ۶۴۴ ق آنرا بپایان رسانیدم وسپس صاحب معالم گوید من نیزدریکشنبه هفتم جمادی یکم سال ۹۹۱ ق تحریرطاوسی را بپایان رسانیدم. صاحب معالم حاشیه‌های بسیار نیز براین کتاب خویش نگاشته‌است.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین ... امابعدفیقول‌الفقیر ... هذاتحریر کتاب الاختیارمن کتاب ابی‌عمروالکشی فی‌الرجال انتزعته‌من کتاب‌السیدالجلیل احمدبن طاوس ... وپس‌از ۵۶ سطر ... ابواب‌الهمزة. باب ابراهیم. ابراهیم‌بن نعیم ابوالصباح ...

انجام: پایان باب کنیه‌ها: ابوساسان و ابوعمره الانصاری محمدبن اسماعیل ... هذاآخرماینعلق بکتاب اختیارالکشی مما‌اشتمل علیه کتاب‌السید ... قال احمدبن طاوس: هذا آخر ما نقلته مختاراً من‌الکتب‌التی بدأت بذکرها ... وکان‌الفراغ یوم ثالث عشرین ... وفرغ من‌استخراج هذاالکتاب وافراده‌العبد الفقیر ... حسن‌بن زین‌الدین‌بن علی ... ضحی یوم‌الاحد سابع شهرجمادی‌الاول سنة احدی وتسعین وتسعمایة والحمدلله ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۰۶]

۵۸۵ نسخه بخط نسخ نردیك بنستعلیق . نام‌نویسنده وتاریخ ندارد . ولی خط وکاغذ پایان سدهٔ دوازدهم‌را نشان میدهد . ازروی خط صاحب همالم‌نوشته شده‌است . دارای حاشیه‌ها ، امضای (بخطه و۱۲) عنوانها با شنگرف است آنرا تصحیح کرده وافتادگیها را در کرانه آورده‌اند .

(۶۳ برگ) کاغذ فرنگی نخودی آهار مهره‌شده . جلد مقوا وپارچه آبی‌رنگ فرسوده روی آنست . (اندازه : ۱۵×۳۰ و ۹×۱۳/۵ : ۱۶ سطر .

[۱۹۰] تحفة‌الازهار (نسبنامه ـ عربی)

وزلال‌الانهار فی ابناء‌الائمة‌الاطهار

ساده‌ترین و کهن‌ترین تاریخی که بشر آنرا نگاهداری کرد و به پسینیان خود سپرد ، نام‌ونشان پدران اوونژاد ایشان بوده‌است . گذشتگان به‌نسب بیش‌از حسب ارزش میدادند وچون ارزش هرانسان بکاریست که‌انجام‌دهد ازاین‌روی اشراف وبزرگان که کمتر کارسودمند انجام میدادند برای خویش ارزش‌نژادی بحساب آورده وبهمین جهت است که‌نسبنامه‌های هرطائفه برای خاندانهای اشراف آنها نوشته میشده است . عربان و ایرانیان پیش‌ازاسلام مانند همه ملتهای مکتب‌نداده بنسب اهمیت بسیارمیدادندواسلام‌ازاهمیت آن‌بکاست (۱) ، ولی‌باروی کارآمدن دربارهای پادشاهی بجای دستگاههای خلیفگی‌دوباره همان روش پیش‌ازاسلام از نو آغاز شد ،مویان و عباسیان نسبشناسان را برای نگاهداری نسب خویش بکارمیگماشتند . این‌تدیم فن یکم از مقاله سوم کتاب فهرست را برای گزارش کارهای ایشان ساخته است (۲) وپس‌ازایشان نیز هریك ازخاندانهای سامانیان و غزنویان و دیلمیان و شاهان پس‌ازایشان درایران وهمچنین دیگر پادشاهان درخاورمیانه هریك برای خویش نسبنامه‌ها ساختند .

(۱) ان اکرمکم عندالله اتقکم . قرآن .

(۲) فهرست ابن‌ندیم چ مصر ۱۳۴۸ ازص ۱۳۱ تا ۱۶۷ واین یکی از بزرگترین بخشهای کتاب او است .

انگیزهٔ دیگر برای نگاشتن نسبنامه‌ها حفظ حقوق مذهبی وفقهی خاندان پیغمبر بوده است ، و همین گفت بیشتر نسبنامه‌ها که شیعیان نگاشته‌اند دربارهٔ سادات وخانوادهٔ پیغمبر بوده است (۱) ، ولی نمیتوان همهٔ آنها را پذیرفت زیرا فشارهائی که دربرخی‌ازدوره‌های تاریخ برافراد این‌خاندان آمده نسب بسیاری از ایشانرا فراموش ساخته ، و بعکس گشایش و احترامی که بعدها برای ایشان دستداد بسیاری‌را بساختن زنجیرهٔ نسب‌برای خویش وادار کرد(۲) چند کتاب نسبنامه در این کتابخانه هست یکی بنام « امهات‌النسب » در (ص ۵۰۸) گذشت و « عمدة‌الطالب » نیز خواهد آمد ، جای گفتگو کتابی است که « تحفة‌الازهار » نام دارد و دردو بخش است یکم فرزندان حسن‌بن علی دوم فرزندان حسین‌بن علی (ع) را دربردارد .

نگارنده : ضامن پسرشدقم پسرعلی پسرحسن‌بن شدقم مدنی‌است خاندان ابن شدقم ازمردم مدینه‌بودند وخودراسیدوازفرزندان‌حسین‌علی (ع) میشمردند برخی از مردان این خاندان برای گشایش درزندگی بخاك هندوستان رهسپار شده وبدربارا کبری که بشیعگری گرائیده بود (۳) راه یافتند گزارش‌زندگی سه تن ازایشان بنام حسن‌بن شدقم و پسرش محمد پسر حسن‌بن شدقم و حسین پسرعلی پسرحسن‌بن‌شدقم که‌نخستین ایشان پیش‌ازنگارش‌سلافة (ن ـ ۱۰۸۲ق) درگذشته است . درسلافة (٤) و یك تن دیگر بنام بدرالدین حسن نگارنده «زهرالربانی» (ن ـ ۹۹۲) نامش‌درذریعه (۵) آمده‌است . صاحب ذریعه ایشانرا

(۱) درجلددوم‌ذریعه۵۷ کتاب که‌بعنوان «انساب» شناخته شده‌است یادکردیده وسید شهاب‌الدین نجفی تبریزی درفهرم کتابی بنام « طبقات‌النسابین » نگاشته ودرآن پیرامن یانصد نسب‌شناس را معرفی نموده است .

(۲) در کتابهای دورهٔ صفوی مانند تذکرهٔ نصر آبادی (ص۳۱٤) بسیار دیده میشود ، که‌فلان مرد سید نبود ولی فرزندانش بسیدبودن شهرت یافتند .

(۳) ص ۵۱۹ دیده شود .

(٤) سلافة‌العصر چ مصر ۱۳۲٤ ق ص ۲٤۹ و ۲۵۰ و ۲۵۳ .

(۵) در عنوان « تحفة‌الازهار » ج ۳ ص ٤۱۹ .

بلقب شدقمی ، خمری ، خوانده گوید اینان خود را از نوادگان ابوالقاسم طاهر پسر یحیی نسابهٔ پسر حسن پسر جعفر حجت پسر عبیدالله اعرج پسر حسین پسر سجاد علی بن الحسین (ع) میشمردند . تاریخ نگارش این کتاب در گزارش زندگی جعفر حجت ، بسال ۱۰۸۸ یاد شده است .

آغاز نسخهٔ شمارهٔ ۹۹۲ دانشگاه : الحمدلله وحده والشکر له علی نعمه . . . یازده سطر . . . وبعد فیقول الفقیر . . . ضامن ابن شدقم بن علی بن حسن بن علی بن حسن بن علی بن شدقم الحسینی المدنی . . . قدمن الله تعالی علی باتمام الجلد الاول فی نسب ابناء السبط الاول فاحببت ان اشرع فی نسب ابناء السبط الثانی ، وساذکر فیه بدوا وحضراً ومن ناء عن بلده . . .

آغاز جلد یکم ، نسخهٔ ذریعه : الحمدلله المحسن المتفضل الکریم الوهاب ذوالجود والنعم . . .

آغاز جلد دوم نسخهٔ ذریعه : الحمدلله الذی لانذله فیبادی . . . اما من الله علی باتمام الجلد الاول من تحفة الازهار و زلال الانهار فحدانی الشوق الی الحاق الجلد الثانی وهو مختص بنسب ابناء ابی عبدالله الحسین السبط و رتبته علی ترتیب المجلد الاول المختص بنسب اولاد ابی محمد الحسن . والعقب من الحسین منحصر فی ابنه علی الاوسط . . . یذکرون فی ستة ابواب . . .

نسخهٔ دانشگاه نخستین نسخهٔ این کتاب است که بخامهٔ خود نگارنده نوشته شده وخط خوردگی بسیار دارد ، وگویا در نسخه‌های پسین که نوشته تا اندازه‌یی آنرا دگرگون ساخته وآنرا بصورت نسخه‌یی درآورده که صاحب ذریعه از آن نقل کرده است .

[۲۰۷]

۹۹۲ نسخه بخط نسخ تاریخ و نام نویسنده را ندارد . ولی بخامهٔ خود نگارنده ضامن پسر شدقم نوشته شده و تاریخ نگارش کتاب (۱۰۸۸) است . برگهای کتاب جابجا شده و نامرتب میباشد آغازش پیداست ولی انجامش نامعلوم است .

برخی عنوانها را سفید گذارد که بعد نویسد و برخی را با خامه درشت و سیاه نوشته است . برپشت (برگ ۱ ـ الف) مهر وامضاء نگارنده دیده میشود



(۲۶) برگ (۱ ـ الف) تحفة الازهار ابن شدقم بخامهٔ نگارنده
نسخهٔ شمارهٔ (۹۹۲) دانشگاه

(۸۴۸ صفحه) کاغذ سفید ، جلد و اوراق پراکنده میباشد ؛
اندازه : ۱۵×۳۰ ؛ سطرها مختلف است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٦١] تذکرهٔ(١) دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دردورهٔ تیموری سطح زندگانی مردم پائین و همه چیز فدای عیش و نوش اشراف ودرباریها بود. علم‌وهنروادب نیزمانند همه چیز منحصر بچندتن درباری بود، درچنین روزگاری دولتشاه سمرقندی کتاب خویش بساخت.

اگر همهٔ‌تاریخ‌نگاران تاریخ‌سیاسی کشوررا بتاریخ دربارها تبدیل کرده‌اند دولتشاه‌تاریخ شعر وشاعری را نیزبتاریخ دربارها بدل کرده است، از گزارش زندگی‌شاعرباند کی بسنده کرده وبگزارش‌وضع‌درباری که‌شاعردر آن‌میزیسته پرداخته است. بااین‌همه باید گفت این کتاب بهتراز بسیاری از تذکرهٔ شاعران میباشد، چه در آن دورنمائی ازروابط شاعران با دربارها، که خود گوشه‌یی اززندگی‌شاعران میباشددیده‌میشود. دانشمندان اروپائی‌وجزایشان‌این کتاب‌را بررسی کرده وآنرا بزبان آلمانی (٢) و ترکی (٣) نیز ترجمه کرده‌اند.

دراین کتاب‌شاعران‌را بهفت‌دسته بخش کرده ودرهردسته‌شاعرانی که دریك روزگار میزیسته‌اند گردآورده‌است، وهفت‌شاعرهمزمان‌خویش‌را درپایان‌نامهٔ کتاب‌آورده‌است. ویك پیشگفتار دربارهٔ شعر وهنرهای‌شعری نیز ساخته‌است و کتابرا دردیباچه بنام ابوالغازی سلطان حسین و میر علی شیر نوائی نشان کرده است.

تذکرهٔ‌دولتشاه دربمبئی‌در١٨٨٧بچاپ‌سنگ، ودرلیدن‌بکوشش ادواردبراون در ١٩٠١ م در (٥٤٠ ص) با فهرست و (١٦ ص) پیشگفتار انگلیسی و (١١ص) فارسی چاپ حروفی، ودر (١٩٣٩م) درلاهور بچاپ سنگی در (٣٦٣ ص) بی‌فهرست وبا یك پیشگفتار بزبان اردو (٨ ص) در نادرستیهای تذکرهٔ دولتشاه بخامهٔ محمد اقبال صافی‌ایم پخش شده است.

(١) تاریخچه‌یی از تذکره‌نگاری در (ص ٤٦٩) یاد شده است.
(٢) ترجمهٔ آلمانی ازفون همر Von Hammer چاپ وین (سال ١٨١٨ م).
(٣) ترجمهٔ ترکی از سلیمان فهمی چاپ استانبول ١٢٥٩ ق = ١٨٤٣ م بنام «سفینة‌الشعراء».

آغاز: تحمیدی که شاهد بلند پرواز اندیشه . . .

نگارنده: میردولتشاه سمرقندی‌پسرمیرعلاءالدوله‌بختیشاه غازی‌سمرقندی اسفرائینی است. جمش میر فیروز شاه از امیران وثروتمندان خراسان و پدرش از ندیمان شاهرخ (١) بوده‌اند، و دولتشاه دراثر پیش‌آمدهائی که میرعلی‌شیر نوائی (٢) آنهارا گذشت، وقناعت‌طلبی نامبرده بدهقانی‌افتاده‌است. وی هنگام نگارش تذکره سال(٨٩٢ق) پنجاه سال داشته (٣) است. مرك اورا میرعلی‌شیر درمجالس‌النفائس (٤) (ن - ٨٩٦ق) یاد کرده ولی‌درتذکرهٔ ومرآت‌الصفاء (٥) بسال (٩٠٠ ق) آورده‌است. کهن‌ترین گزارش زندگی‌دولتشاه را میرعلی‌شیر آورده وسپس ریو و ادواردبراون ازاو گرفته‌اند.

[٢٠٨]

١٧١

نسخه بخط نستعلیق، نام نویسنده حاجی محمد پسرخواجه احمد، در روز پنجشنبه ربیع‌دوم سال (١٠٠٩ق) پایان‌یافته‌است. برخی‌عنوانها باشنگرف وفاصله‌ها نیز با شنگرف، وبرخی عنوانها با زر.

دربرك ١ ـ ب یك سرنامه بازر ولاژورد وشنگرف دیده میشود. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدول‌بندی شده است. در برگهای ٢٦٢ و ٢٦٣ فهرست کتاب را نوشته است. شعرها درمیان سطر و جدول‌بندی شده است. دربشت برك ١ ـ الف یادگارها و تملکها هست و یك برك پیش‌از آن سفید است.

(٢٦٣ برك. کاغذ سفید ویرخی‌گلی برنك جند لبنابع حالی عقوانی فقاری
اندازه: ١٤×٢٥ و ١٨/٥×٧/٥ : ٢٣ سطر.

(١) پیشگفتار براون برچاپ لیدن تذکره (ص ـ ز).
(٢) ترجمهٔ مجالس‌النفائس چ تهران ١٣٢٠ ش ص ١٠٨ و ٢٨٢.
(٣) پیشگفتار براون (ص ـ ز) و گ ٧ ب نسخهٔ ١٧١ دانشگاه.
(٤) چنین‌است درمجالس‌النفائس نسخهٔ خطی ادواردبراون که در چ ٣ ص٤٩٢ تاریخ‌ادبیات ترجمه حکمت چ تهران از آن نقل کرده‌است، ولی در نسخهٔ ترجمهٔ مجالس چ تهران ص ١٠٨ و ٢٨٢ چنین چیزی دیده نمیشود.
(٥) ترجمهٔ تاریخ ادبیات براون چ ٣ ص ٤٩٢ چ‌تهران بنقل ازفهرست ریو ص ٣٥٤.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۱۹۱] ترجمهٔ تاریخ یمینی (تاریخ - فارسی)

بهترین و بزرگترین تاریخی که بزبان عربی از خاندان غزنوی بجای مانده است تاریخ یمینی است که آنرا تاریخ سبکتکین و سیرت یمینی بنام یمین‌الدین محمود سبکتکین وتاریخ عتبی بنام نگارنده‌اش نیز نامیده‌اند.

نگارنده: ابونصر محمد پسر عبدالجبار عتبی است خاندانش از ری و خود درخراسان بزرگ شده ودردیوری و وزارت بمقام نیابت قابوس و شمگیر رسید و بسال (۴۲۷ ق) در گذشت. انشاء عربی این کتاب فنی و پیچیده وازاین‌روی نیازمند گزارش بوده وچلبی کسان‌زیرر ادرشمارشرح کنندگان آن برشمرده‌است:

- مجدالدین کرمانی
- صدرالافاضل قاسم پسرحسین خوارزمی (م ۵۵۵ ق).
- تاج‌الدین عیسی پسرمحفوظ
- حمیدالدین ابوعبدالله محمود پسر عمر نجاتی نیشابوری شرح خود را «بساتین‌العلماء» نامیده است. درآغازش گفته است: پس‌از بررسی پنج شرح این گزارش را نگاشته‌ام وپسربزرگ (۷۰۹ ق) بپایانش رسانیده وسپس آنرا برقطب شیرازی خواندم و بدستور او برآن افزودم و بسال ۷۲۱ ق بپایان رسانیدم.
- جرفادقانی که ترجمهٔ وی جای گفتگوی ماست.
- شیخ احمد معین پسرعلی پسر عمرعدوی دمشقی (ز ۱۰۸۹-م ۱۱۷۳ ق) آنرابسال ۱۱۴۸ ق گزارش‌داده وبنام‌الفتح‌الوهبی بمصر بسال۱۲۸۶ق دردوجلد چاپ شده است.
- صاحب‌ذریعه در (ج۴ ص۱۱۶) گوید: حاج میرزاهبةالاسلام کشته در تبریز (۱۳۳۰ ق) نیز آنرا بامر امیرنظام بفارسی ترجمه کرده است.

تاریخ یمینی دردهلی در۱۸۴۸ م در (۶ + ۴۹۳ ص) بکوشش اسپرنگر ودربولاق (۱۲۹۰ ق) و درلاهور (۱۳۰۰ ق = ۱۸۸۳ م) در (۳۷۲ ص) چاپ شده است.

جای گفتگو ترجمه‌نیست ازاین‌تاریخ بزبان سادهٔ فارسی که‌آنرابانداک افزایش وکاهش دردسترس فارسی‌زبانان گذارده است.

ترجمه کننده: ابوالشرف ناصح پسر ظفر پسر سعد منشی جرفادقانی (گلپایگانی) از دبیران بنام پایان دولت سلجوقی است.

دانشمندان و ادیبان که دردربارملکشا وسنجر پرورش‌یافته بودند پس‌از واژگونی دربارسلجوقی پراکنده شدند، برخی بخوارزم وبرخی ببغداد وبرخی بسلجوقیان‌روم وبرخی بدربار ناصرالدین‌قباچه بهندپناه‌بردند. وبرخی مانندناصح جرفادقانی درعراق بگوشه‌یی خزیده‌و بگفتهٔ‌خویش پاره‌های جگرخود میخوردند. در(۵۹۲ق) جمال‌الدین الغ باربک آی‌ابه با اتابک ازبک همدست‌شده و درعراق درباری براه‌انداخت‌ودراین‌هنگام‌است که وزیرابوالقاسم‌علی پسرحسن‌پسرمحمد پسر ابوحنیفه به ناصح‌جرفادقانی دستورداد تابسال۶۰۳ق تاریخ یمینی‌را بفارسی گردانید. صاحب ذریعه ترجمهٔ «تاریخ آل‌عباس» را نیز که از مدارک تاریخ نگارستان است باین‌جرفادقانی نسبت داده است (ذریعه ۳ : ۲۵۷).

ناصح جرفادقانی هنگام ترجمهٔ تاریخ یمینی کتابچه‌یرا که عتبی درمرثیه امیرنصر پسرناصرالدین‌نگاشته، ترجمه نکرد، ومتن تازی آنرا دردنبال ترجمهٔ یمینی نهاد، وپس‌ازآن دنبالهٔ‌یی بفارسی برای کتاب یمینی در (۲۸۰بیت نوشته) بساخت که درهمهٔ نسخه‌های خطی ترجمهٔ یمینی دیده میشود. سال (۱۲۷۲ق) هنگام‌چاپ‌ترجمهٔ‌یمنی‌در تهران این‌دنباله‌را انداختند و کتابچهٔ مرثیه‌را نیز کسی بنام حبیب‌الدین‌محمد پسرعلی‌اصغر جرفادقانی ازتازی بفارسی ترجمه کرد واین ترجمه از (ص۴۴۱) تا (ص ۴۶۰) پایان نسخهٔ چاپی راگرفته است. بهمن میرزا پسرفتحعلیشاه پیشگفتاری برای این‌چاپ‌نگاشته ودرآن گوید من‌ازحبیب‌الدین جرفادقانی خواستارشدم تا نسخهٔ ترجمه یمینی را باد‌و نسخه دیگربرابر وبادیدن شرح متنی وفرهنگهای فارسی آنرا تصحیح‌نمود وسپس دستورچاپ آنرادادم.

آغاز تاریخ یمینی: سزاوارترین چیزی که زبان...

انجام تاریخ یمینی و آغاز کتابچهٔ مرثیه درنسخهٔ دانشگاه (ص ۲۶۸)

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چنین است : و جهان از فضل و معالی و معانی و مکارم خویش عاطل گذاشت ، وعتبی درمرثیهٔ او این رساله انشاء کرده است :

آه من سفرة بغیر ایاب آه من حسرة علی الاذیاب

انجام کتابچهٔ مرثیه : نوابایحفظ علیهم دینهم ویثقل فی موقف العدل موازینهم. جعلنامن المستعدین لیوم الدین ان حکم الله بقری الجفلی والخلق فیها شرع والآخر للاول تبع .

آغاز دنبالهٔ : چون این ترجمه بآخر رسید طرفی ازاحوال روزگار وانواع فتنه وتشویشی که درایام فتور وعجائب اتفاقات ... شکل حوادث ایام : درشهور سنهٔ اثنین وثمانین وخمسمایه کواکب هفتگانه را دربرج میزان اجتماع افتاد... انجام : روزمحشر وعرض اکبر بدان خرم و شادمان باشند انشاءالله تعالی. للذین احسنوا الحسنی ... اولئك اصحاب الجنة هم فیها خالدون .

[۲۰۹]

۱۳۱ نسخهٔ بخط نسخ نزدیك بثلث، معمول سدهٔ هشتم ، نویسنده ابن الفاضی ؟ درسال ۷۴۵ آنرا نوشته است . شعرها را میان سطر وعنوانها را باشنگرف نوشته است .

تصحیح شده و افتادگیها را در کرانه نوشته است دوصفحه پیش از کتاب سفید بوده ودر آن یادکارها و تملکها نوشته اند مانند [من کتب العبد الداعی عبدالعلاء الرفاعی ... ربیع الآخر ۸۴۶] وهمچنین است یك صفحه درپایان کتاب .

(۱۳۶ برگ) سه برگ سفید در آغاز وچهار برگ در پایان افزوده شده است. کاغذ سمرقندی . جلد تیماج حنائی طوائی فرسوده .
اندازه : ۱۶/۵ × ۲۴ و ۱۴ × ۱۸/۵ : ۲۱ و ۳۳ سطر .

[۱۹۳] ترجمهٔ تذکرة الاولیاء (تاریخ عرفانی - عربی)

تذکرة الاولیاء نگارش بنامترین صوفی سدهٔ هفتم ابوحامد یا ابوطالب محمد پسر ابوبکر ابراهیم پسر مصطفی پسر شعبان است که فریدالدین لقب داشته و به عطار نامبردار است وی که داروفروش نیشابور بود و گویند در آن شهر چندین داروخانه داشته است. پزشکی نیز میپرداخت وچون بادانشهای کلاسیك

آن روزگار آشنائی داشت ازخشکی منعمی بدور بود و آزادیخواهی صوفیانه بیش ازمغل دراودیده میشود. نگارشهای عطار همگی منظوم است بجزاین تذکره که در گزارش زندگی وسخنان عارفان میباشد. درمرك عطار گفته ها گوناگون است از (۵۸۹) تا (۶۳۲ق) آورده اند . گزارش زندگی عطار در نفحات الانس . ودولتشاه وهفت اقلیم وتقی کاشی ومجالس المؤمنین وسفینة الاولیاء و کشف الظنون آمده است و آقای محمد قزوینی در پیشگفتار جلد یکم تذکره چاپ لیدن بسال ۱۹۰۱م بدوازا سخن گفته وبهار درسبك شناسی دربارهٔ سبك نگارش او بسیار گفتگو کرده . وآقای سعید نفیسی زندگانی اورا کتابی ویژه ساخته است .

چلبی در کشف الظنون گوید یکی ازصوفیان تذکرهٔ عطار را کوتاه کرده وفقط سخنان صوفیان را گرد آورده و گزارشها را انداخته است و آنرا چنین آغاز کرده : الحمدلله الذی تحیرت فی اوصاف . . .

شمارهٔ کسانی که درتذکرهٔ عطار یاد شده اند : چلبی در کشف الظنون گوید عطار گزارش زندگی هفتاد تن (۱) ازصوفیان را آورده ، صاحب ذریعه گوید نودوشش (۲) باب دارد ودرهریك سخنان یك تن را آورده . محمد خان قزوینی درپشت نسخهٔ (۱۳۷ دانشگاه) بابهای تذکره را ۹۹ دانسته است ، ولی متن فارسی نسخهٔ چاپ لیدن ۷۲ باب درمتن کتاب و۲۵ باب دردنبالهٔ آن دارد (۳) و درهمهٔ کتاب گزارش ۹۷ کس آمده است . و درترجمهٔ عربی نسخهٔ شمارهٔ (۱۳۷ دانشگاه) فقط گزارش زندگی وسخنان ۹۲ تن را آورده است.

جای گفتگو ترجمهٔ عربی تذکرة الاولیاء است که ترجمه کننده شناخته نیست . گزارشهای نیمهٔ نخست این کتاب بهمان ترتیب تذکرة الاولیاء میباشد و در نیمهٔ دوم گزارشها را جابجا کرده و متن و دنباله را درهم آورده است . وچنانکه ازبررسی فهرست آن که دردنبال این گفتار آورده ام برمیآید سه گزارش از کتاب و دو گزارش از دنبالهٔ آن انداخته است .

(۱) شاید چلبی دنبالهٔ تذکره را ندیده است .
(۲) گویا او امام باقر را که آخرین گزارش است بشمار نیاورده است .
(۳) شیخ عطار دردیباچه کتاب فهرست نام هفتادودوتن را یاد کرده و کتاب را بدانها پایان داده است وسپس بخشی بدان افزوده ودرآن ۲۵ کس را یاد کرده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است و آغاز گزارش اویس قرنی چنین است:
ذکر اویس القرنی رحمة‌الله علیه: هواسوة‌التابعین و قدوة‌الاربعین الموصوف بالعرفان‌المخصوص بما قاله صلی‌الله علیه وسلم: انی لاجد نفس‌الرحمان. العبد الیمنی اویس‌القرنی رضوان‌الله‌علیه‌قال‌النبی‌علیه‌السلام اویس‌القرنی خیرالتابعین.
وروی انه صلی‌الله علیه وسلم کان یتوجه الی جانب‌الیمن و یقول انی لاجد...

انجام: ورآه‌فضل‌فی‌الشام بعدمدة‌من‌وفاته‌فقال‌الشیخ انتم‌تأکلون‌خبز‌الفقراء ولاتعملون باعمالهم. استل‌الله‌الکریم‌الوهاب‌الحکیم ... ان‌یفیض‌علی‌روح‌الشیخ ابی‌سعیدوعلی‌ارواح ... وسنجال‌رحمته‌ورضوانه‌ویرزقنابیر کتهم شمة من‌محبته ... وحسبناالله ونعم‌الوکیل والحمدلله وحده وصلی‌الله علی سیدنا محمدوآله اجمعین تم‌الکتاب بعون‌الله وحسن...

نسخهٔ این کتابخانه در ۱۳۲۲ بدست آقای قزوینی (م ۱۳۲۸) افتاده و ایشان بخامهٔ خویش در پشت برگ سفید پیش‌از آغاز نسخه آنرا چنین شناسانده‌اند:
«در صفحهٔ اول‌این کتاب سطر پنجم‌اسم سراج‌الدین عمربن علی‌بن عمرقزوینی برده شده است. و سراج‌الدین عمر مذکور بقول سیوطی درذیل طبقات‌الحفاظ ذهبی (چاپ دمشق ص ۳۵۸) درسنهٔ ۷۷۵ وفات نموده است و همچنین است نیز در اعلام خیرالدین زرکلی ص ۷۲۰ ولی بقول محشی کتاب اول درذیل‌همان صفحه ۳۵۸ درسنهٔ ۷۴۸ وفات یافته، پس این کتاب بطور قطع و یقین بعدازسنهٔ ۷۴۸ یا ۷۷۵ تألیف شده‌است. وازمقایسهٔ اجمالی این کتاب باتذکرة‌الاولیاء شیخ عطار قطع ویقین حاصل‌میشود که‌این کتاب ترجمه‌ئیست ملخص‌مانند ازتذکرة‌الاولیاء بعربی باحذف‌هشت(۱) ترجمهٔ حال ازتذکرة‌الاولیاء که ازجمله‌ترجمهٔ حسین‌بن منصور حلاج است. مجموع تراجم احوال تذکرة‌الاولیاء باضمیمه‌اش که بعدها عطار افزوده‌است ۹۹(۲) ترجمه حال‌است ودر کتاب‌حاضرفقط ۹۱ (نودویك) ترجمهٔ حال‌موجوداست(و بقیهٔ‌ترجمه حال‌حضرت‌امام‌جعفرصادق(ع) که‌در صفحه‌اول

(۱)و(۲) این‌اشتباه ازقزوینی‌است چه‌عطار ۷۲تن‌را درتذکرة‌الاولیاء و۲۵ تن‌را درذیله‌اش آورده‌وهمهٔ آنها۹۷ کس‌هستندو گرداننده‌عربی فقط پنج کس‌را انداخته‌است.

این کتاب باقی مانده وقسمت اولش ازاول کتاب افتاده است جزواین ۹۱ ترجمه احوال‌است) تذکرة‌الاولیاء از امام جعفرصادق (ع) شروع کرده وسپس اویس قرنی و بابوسعید ابوالخیر ختم نموده است. ونسخهٔ حاضر نیز بعینه همین‌کار را کرده است بی کم و زیاد و علاوه‌براین بسیاری از مواضع دو کتاب را (یعنی کتاب حاضررا باتذکرة‌الاولیاء عطار) که‌باهم مقایسه کردم‌هردو کتاب ازجمیع جزئیات ودقایق باهم یکی هستند جزاینکه درترجمهٔ عربی بعضی‌اقوال و کلمات مشایخ‌را انداخته‌است‌وتا اندازه‌متمایل‌باختصار است گفتیم که‌هشت(۱)ترجمه‌حال‌را هم‌مترجم‌عربی حذف کرده که‌ازجمله‌ترجمه‌حلاج‌است، وازمقایسهٔ دقیق‌دو کتاب بایکدیگر که درسرفرصت بایدبشودمعلوم خواهد شد که‌آن هشت‌ترجمهٔ دیگر که انداخته کدامها هستند. و کتبه محمدبن عبدالوهاب‌القزوینی فی۲ دی۱۳۲۲ شمسیه بطهران.

فهرست ترجمهٔ عربی تذکرة‌الاولیاء ومتن فارسی چاپ لیدن درستونهای زیر برابردیده میشود:

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۱	جعفرصادق	—	۱	۹
۲	اویس قرنی	۱	۲	۱۵
۳	حسن بصری	۵	۳	۲۴
۴	مالك دینار	۱۳	٤	٤٠
۵	محمدبن واسع	۱۷	۵	٤٨
۶	حبیب عجمی	۱۸	۶	٤٩
۷	ابوحازم مکی	۲۲	۷	۵۶
۸	عتبهٔ غلام	۲۲	۸	۵۷
۹	رابعهٔ عدویه	۲۳	۹	۵۹

(۱) با دیدن فهرست آشکار میشود که فقط پنج تن افتاده است نه ۸ تن.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۱۰	فضیل عیاض	۳۳	۱۰	۷۴
۱۱	ابراهیم ادهم	۳۹	۱۱	۸۵
۱۲	بشر حافی	۵۰	۱۲	۱۰۶
۱۳	ذوالنون مصری	۵۳	۱۳	۱۱۴
۱۴	بایزید	۶۲	۱۴	۱۳۴
۱۵	عبدالله مبارك	۸۳	۱۵	۱۷۹
۱۶	سفیان توری	۸۸	۱۶	۱۸۸
۱۷	شقیق بلخی	۹۳	۱۷	۱۹۶
۱۸	ابوحنیفه	۹۶	۱۸	۲۰۲
۱۹	شافعی	۱۰۰	۱۹	۲۰۹
۲۰	احمد حنبل	۱۰۴	۲۰	۲۱۴
۲۱	داودطائی	۱۰۷	۲۱	۲۱۹
۲۲	حارث محاسبی	۱۰۹	۲۲	۲۲۵
۲۳	عبدالرحمن دارانی	۱۱۱	۲۳	۲۲۹
۲۴	محمد سماك	۱۱۵	۲۴	۲۳۶
۲۵	محمد پسر اسلم طوسی	۱۱۶	۲۵	۲۳۸
۲۶	احمد حرب	۱۱۷	۲۶	۲۴۰
۲۷	حاتم اصم	۱۱۹	۲۷	۲۴۴
۲۸	سهل تستری	۱۲۳	۲۸	۲۵۱
۲۹	معروف کرخی	۱۳۱	۲۹	۲۶۹
۳۰	سری سقطی	۱۳۳	۳۰	۲۷۴
۳۱	فتح موصلی	۱۳۸	۳۱	۲۸۴
۳۲	احمد حواری	۱۳۹	۳۲	۲۸۶
۳۳	احمد خضرویه	۱۴۰	۳۳	۲۸۸
۳۴	ابوتراب نخشبی	۱۴۳	۳۴	۲۹۴
۳۵	یحیی رازی	۱۴۴	۳۵	۲۹۸
۳۶	شاه شجاع	۱۵۰	۳۶	۳۱۲
۳۷	یوسف بن حسین	۱۵۲	۳۷	۳۱۶

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۳۸	عمرونجداد	۱۵۴	۳۸	۳۲۲
۳۹	حمدون قصار	۱۵۷	۳۹	۳۳۱
۴۰	منصور عماد	۱۵۹	۴۰	۳۳۵

جلد اول متن فارسی چاپ لیدن دراینجا پایان یافته است.

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
۴۱	احمد انطاکی	۱۶۰	۴۱	۱
۴۲	عبدالله خبیق	۱۶۲	۴۲	۳
۴۳	جنید بغدادی	۱۶۲	۴۳	۵
۴۴	عمروعثمان مکی	۱۷۵	۴۴	۳۶
۴۵	بوسعید خراز	۱۷۶	۴۵	۴۱
۴۶	ابوالحسین نوری	۱۷۸	۴۶	۴۶
۴۷	ابوعثمان حیری	۱۸۳	۴۷	۵۵
۴۸	عبدالله جلا	۱۸۵	۴۸	۶۳
۴۹	ابومحمد رویم	۱۸۶	۴۹	۶۴
۵۰	ابن عطاء	۱۸۸	۵۰	۶۷
۵۱	ذوالنون مصری	۱۹۱	۵۴	۸۲
۵۲	مرتعش	۱۹۳	۵۵	۸۵
۵۳	خیرالنساج	۱۹۴	۶۴	۱۱۱
۵۴	ابوبکر کتانی	۱۹۵	۶۹	۱۱۹
۵۵	ابراهیم خواص	۱۹۸	۷۳	۱۴۸
۵۶	مشاد دینوری	۲۰۳	۷۴	۱۵۷
۵۷	ابوبکر شبلی	۲۰۴	۷۵	۱۶۰
۵۸	ابونصر سراج	۲۱۵	۷۶	۱۸۲
۵۹	ابوالعباس قصار	۲۱۶	۷۷	۱۸۴
۶۰	ابوعلی دقاق	۲۱۷	۷۸	۱۸۷
۶۱	ابوالحسن خرقانی	۲۱۷	۷۹	۲۰۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
٦٢	ابراهیم رقی	٢٤٠	٥١	٧٥
٦٣	یوسف اسباط	٢٤٠	٥٢	٧٦
٦٤	ابویعقوب نهرجوری	٢٤٢	٥٣	٧٩
٦٥	محمدبن علی ترمذی	٢٤٣	٥٨	٩١
٦٦	ابوبکر وراق	٢٤٧	٦١	١٠٢
٦٧	عبدالله منازل	٢٥٠	٦٢	١٠٧
٦٨	علی‌بن سهل اصفهانی	٢٥١	٦٣	١١٠
٦٩	ابوالخیر اقطع	٢٥٢	٥٩	٩٩
٧٠	ابوحمزهٔ خراسانی	٢٥٣	٦٥	١١٣
٧١	احمد مسروق	٢٥٤	٦٦	١١٥
٧٢	شیخ عبدالله مغربی	٢٥٥	٦٧	١١٦
٧٣	عبدالله‌روعدی (تروغبدی)	٢٥٥	٦٠	١٠١
٧٤	ابوعلی‌جرجانی (جوزجانی)	٢٥٦	٦٨	١١٨
٧٥	بوعبدالله خفیف	٢٥٧	٧٠	١٢٤
٧٦	احمدبن محمدجریری	٢٦١	٧١	١٣٢
٧٧	ابراهیم‌بن‌شیبان‌قرمیسینی	٢٦٢	٨٠	٢٥٥
٧٨	بوبکرصیدلانی	٢٦٣	٨١	٢٥٧
٧٩	ابوحمزهٔ بغدادی	٢٦٤	٨٢	٢٥٩
٨٠	ابوعمروبن برید (نجید)	٢٦٥	٨٣	٢٦٢
٨١	ابوالحسن علی دینوری	٢٦٦	٨٤	٢٦٤
٨٢	ابوبکر واسطی	٢٦٧	٨٥	٢٦٥
٨٣	بوعلی تقفی	٢٧٥	٨٦	٢٨١
٨٤	بوعلی فارمدی (شیخ‌جعفرخلدی)	٢٧٦	٨٧	٢٨٣
٨٥	بوعلی رودباری	٢٧٧	٨٨	٢٨٥
٨٦	بوالحسن علی حصری	٢٧٩	٨٩	٢٨٨
٨٧	ابراهیم شهریارکازرونی	٢٨١	٩٠	٢٩١
٨٨	ابوالعباس سیاری	٢٨٣	٩٠	٣٠٤

شمارهٔ خطی	نام	صفحهٔ خطی	شمارهٔ چاپی	صفحهٔ چاپی
٨٩	سعیدسلام(بوعثمان)مغربی	٢٨٤	٩٢	٣٠٦
٩٠	ابوالقاسم ابراهیم نصرآبای	٢٨٨	٩٣	٣١١
٩١	ابوالعباس نهاوندی	٢٩١	٩٤	٣١٩
٩٢	ابوسعید ابوالخیر	٢٩٢	٩٥	٣٢٢

در ترجمهٔ عربی نسخهٔ (٣٣٧) دانشگاه گزارش زندگی پنج تن زیر را که در جلد دوم متن فارسی چاپ لیدن آمده‌اند انداخته است.

شمارهٔ چاپی	نام	صفحهٔ چاپی		
٥٦	محمد فضل	٨٧		
٥٧	بوشنجی	٨٩		
٧٢	حسین منصور حلاج	١٣٥		
٩٦	ابوالفضل حسن	٣٣٧		
٩٧	امام محمد باقر	٣٣٩		

[٢١٠]

٣٣٧ نسخه بخط نسخ، بویکده محمود پسر شیخ اسماعیل پسر ابراهیم در یکصد و سال ٨٦٩ پایان یافته. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده. در بالای صفحه‌ها نام گزارشها بخامهٔ شیخ بهائی (م ١٠٣١ ق) دیده میشود؛ در پایان کتاب درمی ٣٢٥ نیز امضای بزرگ و معروف این شیخ دیده میشود. در کرانهٔ ص١٥٣ تملک ابراهیم لبث حسینی نجفی در ٢٢ رجب ٩٧٥ ق هست. در این ص٣٢٤ نیز تملکی بتاریخ ٩٩٣ ق دیده میشود در کنار برخی صفحه‌ها واژه «تذکرة الاولیاء» بخامه درشت نوشته شده و در بیشتر صفحه‌ها واژهٔ وقف و وقف عام نوشته شده است.

(٣٢٥ صفحه) کاغذ سمرقندی نخودی. جلد مقوائی له لیماج مواه قرمز. اندازه: ١٨×٢٧ و ١٥×٢٣، ٢٩ و ٣٠ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[١٩٤] تعلیقات بهبهانی (رجال - عربی)

بر منهج‌المقال استرآبادی

در پایان سدهٔ دوازدهم کتاب «منهج‌المقال» استرآبادی بنامترین کتابهای راوی شناسی بود، و به «کتاب‌الرجال» نامبردار بود، و ازاین‌روی آقابا قر بهبهانی که آنرا بررسی میکرد، پژوهشهای خویش را بنام «تعلیقات» بر کرانه آن نوشت و سپس آنها را جدا کتابی بترتیب منهج المقال ساخت، و یك پیشگفتار درپنج فائده برای آن فراهم کرد.

۱- نیاز بدانستن زندگی راویان.

۲- گزارش اصطلاحهای این دانش.

۳- نشانهای درستی و استواری راوی.

٤- اصطلاحهای این کتاب.

٥- کلید وراهنمای این کتاب.

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین ... وبعد فیقول‌الاقل ...

نگارنده: محمد باقر پسر محمد اکمل معروف به‌وحید، وآقا باقر بهبهانی از دانشمندان بنام‌پایان‌سدهٔ دوازده وآغازسیزدهم میباشد. وی در اصفهان بسال ۱۱۱۷ق بزاد ومدتی در بهبهان و کربلامیزیست ودرپایان در کربلابسال۱۲۰۶ق درگذشت ودرروا ق زیارتگاه حضرت حسین‌بن‌علی بخاکش سپردند. گزارش زندگیش درروضات‌الجنات ص ۱۲۳ آمده است. فرزندان نگارنده تاکنون در کرمانشاه وتهران ودیگرشهرها بنام «آل‌آقا» شناخته میشوند.

این کتاب درتهران در۱۳۰۶ق‌دردفتری چاپ شده. پنج فائده‌در آغازدفتر است وسپس منهج‌المقال آغازشده وباقی این کتاب را در کرانه نوشته‌اند و پس‌از آن منظومهٔ بحرالعلوم‌است تاص ٤٢٠وپس‌از آنها کتاب «امل‌الامل» که در(ص٥٠٥) یاد شد چاپ شده است.

برتعلیقات بهبهانی، بویژه برپنج فائدهٔ آغاز کتاب، حاشیه‌ها وشرحها نگاشته

شده و سه‌تای آنها در (ج٦ ذریعه ص ٣٩و٤٠) یاد شده است.

[٢١١]

٥٥٨ نسخه بخط نسخ باشرح‌مشیخهٔ‌من‌لایحضره‌الفقیه‌دریك‌جلد چاگرفته وبرگهای (١- تا ٢٠٠) آنراگرفته است. دوپایان تعلیقات (گ٢٠٠- الف) تاریخ (١٢٨٤ ق) دیده میشود که (٢=دویست) ازآن پاك شده و(٨٤ ١) خوانده میشود. درعنوانها «واژهٔ «توله» و نامها با شنگرف است و روی دیگران خط شنگرفی کشیده است. فهرست کتاب دربرگ (١- الف) بخط من دیده میشود.

هفدهٔ دفتر (٣٤٠ برگ) این کتاب (٢٠٠ برگ)کاغذ فرنگی سفید آهارمهره. جلد تیماج سرخ قناری. درون‌کاغذ آبی. اندازه: ٣١× ٢٠/٥ و ١٩×٩/٥ ؛ ٣١ سطر.

[٢١٢]

٧٨١ این نسخه فقط پنج فائده‌آغاز کتاب‌است ودردفتری‌جا دارد وبرگهای (٧١ تا ٩١) آنراگرفته ـ خط نسخ. نویسنده مهدی پسرعبدالمراد. در١٢١٦ق آنرا بپایان رسانیده است.

روی عنوانها خط شنگرفی کشیده وبرخی عنوانها را سفید گذارده و در کرانه نوشته است.

هفدهٔ دفتر ١٧٨ برگ این کتاب ٢٠ برگ. کاغذ فرنگی نخودی‌رنگ. اندازه: ١٥×٢١ و ٩/٥×١٥ ؛ ٢١ سطر.

[١٩٥] تکملة نقدالرجال (رجال - عربی)

«نقدالرجال» دراوی شناس تفرش میرسید مصطفی (م ١٠٢١ ق) پسر حسین حسینی تفرشی شاگرد ملاعبدالله شوشتری‌است. این کتاب بگفتهٔ امل‌الآمل مدتهابگانه کتاب رجال بوده‌است وازدانشمندان پس‌ازسدهٔ پنجم کمتر درآن یاد شده‌است نقدالرجال‌درتهران‌چاپ‌شده‌است. براین کتاب حاشیه وشرحهانگاشته شده که‌هفت‌تای آنها در (ذریعه٦: ٢٢٧-٢٢٨) آمده است.

یکی‌ازآن‌حاشیه‌ها کتاب چای گفتگو میباشد ونگارنده آنرا دردیباچه «تکملة‌نقدالرجال» نامیده گوید پس‌ازبررسی کتابهای بسیاریادداشتهائی دربارهٔ نقدالرجال فراهم کردم وسپس آنهارا گرد کرده‌بدین‌صورت درآوردم. صاحب

ذریعه نسخه‌یی از این کتاب بخامهٔ پسر نگارنده، شیخ محمدجعفر در کتابخانهٔ تهرانی در کربلا دیده است که در کرانه آن گزارش زندگی پدر را نوشته بوده و این دوبیتی درستایش کتاب آورده:

لله درك من كتـاب ناقد يكسوالرواية نقده توضيحاً
كشفت بحجته وفصل خطابه كنه‌الرواة معدلا مجروحاً

آغاز: (۱) الحمدلله الذی رفع قدرالعلماء وفضل مدادهم علی دماءالشهداء ...

انجام: الا ان ابراهیم ما صرح بتوثیقه وخبره قد یسمی بالصحیح، ویمکن تصحیحه من «ست» بطریق آخر فافهم. تم وبالخیرعم.

نگارنده: شیخ عبدالنبی پسر حاج علی پسر احمد پسر جواد کلیددار زیارتگاه کاظمین است، خاندان او ازمدینه بوده ودرجبل عامل میزیستند، خود در کاظمین درپیرامن (۱۱۹۸ق) براد، و بر سیدعبدالله شبر دانش آموخت، گزارش زندگی خویش درتکملهٔ نقدالرجال» (۲) آورده ونگارشهای خویش چنین برشمرده است: «مطاعن الثلاثة» و «تحفة المسافرین» و «ردالاخباریة» و «شرح قواعدالعلامة» و «العقودالمنثورة» و «فصل الخطاب» و «توضیح خلاصة الحساب» و «مختصر الاقبال» و «شرح المنظومه».

مرگ او چنانکه صاحب ذریعه (۳) بخامهٔ پسرش در حاشیه نسخه‌یی از نقدالرجال دیده در «جوبا» از دیه‌های بشاره از جبل عامل در پنجم ذیقعده (۱۲۵۶ ق) بوده است.

[۲۱۳]

۹۸۳ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در تاریخ ۱۳ ج ۱ سال ۱۲۴۱ ق نوشتن آن بپایان رسیده است.

عنوانها با شنگرف است. افتادگیها در کرانه بخامهٔ دیگری نوشته شده است (۲۳۳ برگ). کاغذ فرنگی سفید آهارمهره شده. جلد تیماج مشکی ته حرخ.

اندازه: ۱۵×۲۰/۵؛ ۲۲ سطر.

(۱) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده است: آغاز آنچه هست: علیه وتوقف الاستدلال لدیه وقدجمعت احوالهم واعویت. (۲) ک ۱۲۰ و ۱۲۱ نسخهٔ ۹۸۳ دانشگاه دیده شود. (۳) ذریعه ج ۱ ص ۳۵۵ و ج ٤ ص ٤۱۷.

[۱۹۶] **تلخیص المقال** (رجال - عربی)

فی تحقیق احوال الرجال

چنانکه در (حرف - م) خواهد آمد میرزا محمد رجال استرآبادی پسر علی پسر ابراهیم حسینی (م - ۱۰۲۸) سه کتاب دررجال دارد:

۱- بزرك بنام «منهج المقال».

۲- میانه بنام «تلخیص المقال».

۳- کوچك بنام الوجیز.

وی مانند بیشتر راوی شناسان راو یانرا بترتیب حرف آغاز نامشان بسنجیده ودرپایان کتاب بخشهائی برای کنیه‌ها ولقبها وخاتمه‌یی درده فائده ساخته ودردهم جمادی‌دوم سال ۹۸۸ نگارش آن پایان یافته وخود بر آن حاشیهٔ (منه) نگاشته است.

آغاز: الحمدلله وسلام علی عباده‌الذین اصطفی. امابعدفهذا کتاب تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال قد اثبت فیه...

انجام: وعنه ماذکره الی المشایخ قدس‌الله ارواحهم وجزاهم عن الاسلام واهله... وفرغ منه مؤلفه...

صاحب ذریعه گوید نسخهٔ تلخیص بخامهٔ شیخ عبدعلی عاملی در (۱۰۱۵ق) در کتابخانهٔ تهرانی بکربلا هست و بر آن اجازهٔ نگارنده بخامهٔ خود او دیده میشود.

دردیباچه نام کتاب را چنانکه گذشت آورده و(۱) درذریعه آنرا «تلخیص الاقوال فی معرفةالرجال» نامیده وشاید درنسخه کربلا چنین بوده است.

نشانه‌ها (۲) که وی دراین کتاب بکاربرده دردیباچه چنین یاد کرده است:

صه = خلاصة الاقوال علامهٔ حلی. جش = رجال نجاشی
ست = فهرست طوسی (م ٤۶۰ ق). کش = اختیارالرجال کشی.

(۱) ودردیباچهٔ «جامع الرواة» که مانندشرح این کتاب است نیز چنین آمده است.
(۲) برای شناختن نشانهای راوی شناسی که نخستین بار دررجال ابن‌داود بکار رفته است کتاب جامع الرواة و رجال ابن داود دراین فهرست (ص ۵۵٤) دیده شود.

جخ = رجال شیخ طوسی
ی = یاران علی از آن کتاب .
سین = یاران حسین
قر = یاران باقر .
کظم = یاران موسی کاظم .
ج = یاران جواد .
ری = یاران عسکری .
قی = کتاب برقی .
م = ابن شهرآشوب .
غض = رجال ابن غضائری .
یه = من لایحضره الفقیه .
ل = باب یاران رسول از رجال شیخ
ن = یاران حسن
ین = یاران علی بن الحسین .
ق = یاران صادق .
ضا = یاران علی بن موسی الرضا .
دی = یاران هادی
لم = کسانی که روایتی ندارند .
د = رجال ابن داود
عق = رجال عقیقی
ضح = ایضاح الاشتباه علامه .

[۲۱۴]

۹۹۱ نسخه بخط نسخ . نویسنده محمد حسین پسر قطب‌الدین . نوشتن آن درهشتم رجب ۱۰۸۹ ق پایان یافته است . حاشیه‌های (منه) بسیار دارد . عنوانها با شنگرف است . تصحیح شده و اقتادگیها در کرانه نوشته شده است . همهٔ رویه‌ها با لاژورد وشنگرف جدول‌بندی شده است .

دربرگ ۱ــ الف تملک امامقلی مازندرانی ذاکر الحسین دیده میشود .

(۴۳۰برگ)کاغذ ترمهٔ اصفهانی . جلد متوالی لا کیماج مشکی .

اندازه : ۱۴ × ۱۸ و ۷ × ۱۲/۵ : ۱۷ سطر .

[۱۹۷] توضیح الاشتباه والاشکال (رجال ـ عربی)

فی تصحیح الاسماء والنسب والالقاب من الرجال

شیخ محمد علی پسر محمد رضا ساروی مازندرانی از دانشمندان پایان سدهٔ دوازدهم بوده ، وبفاضل ساروی نامبردار است . گزارش زندگی اودرروضات الجنات ص ۵۶۰ دیده میشود .

وی این کتاب را به پیروی از علامه حلی در ایضاح الاشتباه(۱) نگاشته ، ودو برابر آن ساخته است که پیرامن (۳۰۰۰ بیت نوشته دارد) ودر آن چگونگی بزبان راندن واژهٔ نامهارا آورده واند کی بیشتر از ایضاح دربارهٔ آن گفتگو کرده است . نگارنده خود بر آن حاشیه‌ها نگاشته و آن را در (۱۱۹۳ ق) پایان داده است . صاحب ذریعه چند نسخه از آن نشان میدهد که یکی بخامهٔ نگارنده ودر کتابخانه آقارضا ابوالمجد در اصفهان بوده است .

آغاز : الحمدلله المحمود المتعال والصلاة والسلام علی افضل الرجال ، سیدنا ... اما بعد فهذا کتاب توضیح الاشتباه والاشکال ... لما رأیت من کثرة التصحیف ... باب الالف . آدم بفتح الدال ... وهوثقة ...

انجام : فلکم رؤس اموالکم . قال قدرضینا ، فلما نزلت ، وان کان ذوعسرة فنظرة الی میسرة ، قال قد انظرنا ، فلما نزلت ، وان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون ، قال تصدقنا . و فی الخلاصة ، ابن عمر من اصحاب امیرالمؤمنین (ع) . انصاری ذکره الشیخ قصة حسنة ، . هذا آخر ما اوردنا .

[۲۱۵]

۹۸۴ نسخه بخط نسخ . نام نویسنده و تاریخ نوشته نشده است . ولی پیداست که درآغاز سدهٔ سیزدهم نوشته شده . درسال ۱۲۳۰ ق این نسخه با چند کتاب دیگر وقف شده و وقفنامه دربرگ (۱ــ الف) نوشته شده است . عنوانها با شنگرف وچند عنوان پایان کتاب سفید مانده است . حاشیه‌های (منه) بسیار دارد . پیش‌تر این نسخه در کتابخانهٔ مجدالدین بوده ومهر او بر آن باقی است .

(۷۸ برگ)کاغذ فرنگی سفید آهارمهره . جلد کیماج مشکی بلندلا فرسوده .

اندازه : ۱۵ × ۲۱ : ۱۹ سطر .

[۱۹۸] جامع الرواة (رجال ـ عربی)

یا « رافع الاشتباهات فی تراجم الرواة وتمیز المشترکات »

دولت صفوی که بدست سران عشایر وبا رنگ مذهبی روی کار آمده بود

(۱) ص ۰۰۰ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

همیشه بردو پایهٔ «اشراف وروحانیون» استوار بود. در پایان سدهٔ یازدهم و آغاز دوازدهم چون اشراف بزدو خورد و جنگها میان خود گرفتار شدند، سررشته کارها در پایتخت بدست روحانیون افتاد و سیاست جای خود را بمذهب داد، شاه و هیئت دولت بجای شرکت در جلسات سیاسی، درمدرسه و مسجدها با آخوندها همگامی میکردند. این پیش آمد با همهٔ زیانها که داشت سودهائی نیز در برداشت. دانشجویان دانشگاه اصفهان زیر سرپرستی مجلسی دوم محمدباقر بگردش و بررسی و پژوهش در تاریخ و حقوق و اخلاق پرداختند، دائرة‌المعارف مذهبی مانند «بحارالانوار» و کتاب بزرگ راوی شناسی «جامع‌الرواة» و مانند آنها نمونهٔ کارهای این روزگار است. این کارها اگرچه از پژوهش و دقت و تحقیق تهی بود ولی با تتبع و گردش فراوان فراهم شده و راه را برای پژوهندگان آینده باز کرد، و اگر دولت صفوی سرنگون نمیشد چه بسا کارهای پرمغز و کتابهای سودمندی از دانشگاه اصفهان بیرون می‌آمد.

جای گفتگو کتاب «جامع‌الرواة» است. این کتاب نگارش حاج محمد اردبیلی غروی حائری پسر علی اردبیلی است. وی یکی از دانشجویان دانشگاههای اصفهان و شاگرد مجلسی دوم بوده و در ۱۷ ذی‌قعده (۱۰۹۸) از وی اجازه (۱) گرفته است و چنانکه در دیباچهٔ جامع‌الرواة گوید بیست سال در آن کار کرده و صاحب ذریعه گوید در ۱۱۰۰ ق که این کتاب بپایان رسیده نگارنده در یکی از اطاقهای مدرسهٔ مبارکیه میزیسته و در آن هنگام چشتی برپا ساخته و چندین تن از دانشمندان را در آنجا گرد کرده، و برای بزرگ داشت این کتاب هریک

(۱) اجازه‌هائیکه مجلسی برای دانشجویان دانشگاههای اصفهان بیرون میداد مانند دیپلمهای امروزدارای پایه‌های گوناگون ولی نامرتب بود، و ازمتن اجازه درجهٔ ومقام دانش اجازه گیرنده آشکار میشد. صاحب ذریعه گوید از اجازه مجلسی به صاحب جامع‌الرواة چنین میتماید که در این سال او پیرامن چهل سال عمر داشته و دانشمندی بشمار میرفته است. نسخهٔ این اجازه را اردبیلی در پایان کتاب جامع‌الرواة جای داده و (گ ۵۵۳ و ۵۵۴) نسخهٔ دانشگاه (شمارهٔ ۹۰۰) را گرفته است.

ازایشان جمله‌یی از آغاز کتاب را بخامهٔ خویش نوشتند. پس مجلسی دوم [بسم‌الله الرحمان الرحیم] را نوشت و محقق خواتساری آقاجمال‌الدین [الحمدلله] و میرزا علاءالدین گلستانه [الذی] و میرزا محمد رحیم عقیلی [زین قلوبنا] و شیخ جعفر قاضی [بمعرفة‌الثقات] و آقارضی‌الدین برادر آقاجمال [والعدول] ملامحمد سراب تنکابنی [والاثبات والاعیان] و دیگران هریك جمله‌یی نوشتند تا دوسطر پس از بسم‌الله و آن چنین است: والاصحاء من الرجال، وجنب صدورنا عن طریقة اهواء الضعفاء والقاسطین والاشرار والاخساء منهم والجهال ... و سپس نسخه را بنویسنده دادند تا آنرا پاك‌نویس کرد. واین کار اهمیتی را که دانشمندان آن روزدربار صفوی باین کتاب و نگارنده آن میدادند روشن میسازد.

دیگر از آثار این مرد «تصحیح‌الاسانید» است که آن نیز برای راوی شناسان برارزش است، وحاجی نوری آنرا در خاتمهٔ مستدرك‌الوسایل چ تهران ۱۳۲۰ ق گنجانده است، وخود حاج محمد اردبیلی نیز آنرا کوتاه کرده ودر جامع‌الرواة گنجانده، وشیخ عبدالله مامقانی نیز همین کوتاه شده را در تنقیح‌المقال چ نجف ۱۳۵۰ گنجانده است (۱).

وی در دیباچهٔ جامع‌الرواة گوید چون دیدم بسیاری از خبر و حدیثهای ما از راویان ناشناس نقل شده و ازاین روی بی‌ارزش بشمار رود، برمن گران آمد، و برای اینکه این راویان را بشناسانم، و خبرهایشان پذیرفتنی سازم، بگردآوری این کتاب پرداختم.

و برای این کار کتابهای چهارگانه (۲) را بررسی و راویان را از میان زنجیره‌های سند روایتها بیرون آورده و سپس کتابهای فهرست طوسی، و فهرست منتجب‌الدین، و مشیخهٔ نهایه، و تهذیب، و استبصار را در بیست سال بررسی کرده، و در گزارش هر کس زنجیره‌هائی را که نام وی در آنها آمده یاد کرده است، در نگارش این کتاب در آغاز کار، کتاب «تلخیص‌المقال» استرآبادی را زمینه ساخته، و گفته‌های

(۱) ذریعه ٤: ٥٦. (۲) کافی، من لایحضره، تهذیب، استبصار.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

« نقدالرجال » تفرشی را بر آن افزوده و سپس گفتار خویش را آورده است .
پس نشانه‌هائی را که استرآبادی بکار برده (۱) او نیز بکار میبرد ، و نشانه‌هائی نیز بترتیب زیر بر آنها افزوده است :

مج = محمد أسترآبادی (تلخیص) ش = تفرشی (نقدالرجال) .
یب = تهذیب شیخ طوسی (م ٤٦٠ ق) . بص = استبصار طوسی .
فی = کافی کلینی (م ٣٢٩ ق) . جب = فهرست منتجب‌الدین .

سپس متن دیباچهٔ تلخیص‌المقال استرآبادی را آورده و کتاب را بدان آغاز یده‌است . و بهمان ترتیب بباب نامها و باب کنیتها و باب لقب و نسبها پرداخته و در پایان دو فایدهٔ استرآبادی را آورده و پس از آنها (گ ٥٥٢ نسخهٔ دانشگاه) فایده‌های پنجم و ششم کتاب نقدالرجال را بعنوان : «قال الفاضل ..المیرمصطفی» آورده . و پس از آن (گ ٥٥٣) اجازه‌ئی را که مجلسی دوم بنگارنده داده آورده و کتاب را بپایان رسانیده است .

سید حسین قزوینی این کتاب را کوتاه کرده و فصل سوم کتاب خویش « معارج‌الاحکام » قرار داده است (۲) .

[۲۱٦]

۱۵۷ نسخه بخط نستعلیق . نویسنده خود نگارنده حاج ملامحمد اردبیلی است ، و نسخه اصل است . قلم خوردگیها و کاهش و افزایشها که جز از نگارنده نتواند بود در آن بسیار است . در تاریخ شب ۱۹ ربیع یکم سال هزار و صد و نوشتن آنرا بپایان رسانیده‌است . عنوانها باشنگرف است . کرانهٔ بیشتر رویه‌ها پر از افزوده‌های نگارنده میباشد . و حاشیه‌هائی بامضای (منه عفی‌عنه) نیز دارد . آغاز کتاب دو برگ افتاده و نونویس شده است .

صاحب ذریعه نسخهٔ دیگر از این کتاب نشان داده است که تا ۱۳۱۱ ق در اصفهان بوده و در این تاریخ بنجف بکتابخانهٔ شریعت اصفهانی و از آنجا بکتابخانهٔ صدر بغداد رفته و تا کنون آنجا است . این نسخه را مرتضی پسر محمد یوسف افشار در ۱۱۰۰ ق بدستور شاه سلیمان از روی خط نگارنده نوشته و چندتن از دانشمندان برای احترام

(۱) ص ٥٤٩ دیده شود .
(۲) الفیض‌القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی از حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) ص ۱۵ .

کتاب ، در نوشتن سه سطر آغاز آن همکاری کرده‌اند . (ص ٥٥٣ این فهرست دیده شود)
٥٥٤ برگ ، کاغذ نخودی‌رنگ ، جلد تیماج سرخ‌قهوه‌ئی ، مقوائی فشاری .
اندازه : ۱۹/۴ × ۲۵/۲ و ۱۰/۸ × ۱۷/۵ ؛ ۳۱ سطر .

[۱۹۹] جامع المقال (رجال - عربی)

گفتگو دربارهٔ واژهٔ نامهای راویان ، خود بخش بزرگی از راوی شناسی میباشد چه بسا دیده میشد که یك راوی سست ، در اثر ندانسته‌نبودن نام درست او بجای یك روای استوار آمده ، و یا بعکس ، و چه بسا همنام بودن یك مرد سست با یك مرد استوار این پیش‌آمد را موجب میگردید ، و از این‌روی راوی شناسان برای هریك از این دو بخش کتابها ساختند که بنامهای « المؤتلف والمختلف » و « المتفق والمفترق » خوانده میشد و پسینان آنها را بنام « متشابهات » و « مشترکات » خواندند .

بنامترین کسانی که در این باره کار کرده‌اند :

- علی پسر محمد پسر قسابخش . نجاشی در (ص ۱۹۱) چنین کتابی باو نسبت داده است .
- ابواحمد عسکری .
- عبدالغنی پسر سعید (م ٤٠٩ ق) .
- دارقطنی (م ۳۸۵ ق) .
- احمد پسر علی خطیب (م ٤٦٣ ق) .
- ابن‌ماکولا ، ابونصر علی پسر هبة‌الله (م ٤٨٧ ق) همهٔ کتابهای پیش از خود را یکجا گرد آورده « اکمال » نامید .
- ابن‌نقطهٔ حنبلی ، محمد پسر عبدالغنی (م ٦٢٩ ق) ، دنبالهٔ بر « اکمال » نگاشت .
- منصور پسر سلیم (م ٦٧٣ ق) نیز دنبالهٔ دیگر بساخت .
- ابومحمد دمشقی پسر علی (م ٦٨٠ ق) دنبالهٔ دیگر بساخت .
- ذهبی (م ٧٤٨ ق) و ابن‌حجر (م ۸۵۲ ق) و یحیی مصری مورخ پسر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علی (م ۴۱۶ ق) و محمد پسر احمد ابی‌وردی (م ۵۰۷ ق) و ابن‌فوطی بغدادی (م ۷۲۳ ق) و علی پسر عثمان ماردینی (م ۷۵۰ ق) و ابوبکر احمد خطیب نیز هریك کتابی دراین باره دارند

- سید حسین قزوینی (م ۱۲۰۸ ق) «مشترکات الرجال» دارد.

- حجة الاسلام شفتی (م ۱۲۶۰ ق) «تمییز المشترکات» دارد.

(تاریخ فنون الحدیث. از محمد عبدالعزیز الخولی چ مصر ۱۹۲۱ م و مجلة المنار ج ۲۲ و مشیخهٔ صاحب ذریعه ص ۸ و ۳۰ دیده شود).

دراین فهرست چند کتاب بنام «ایضاح الاشتباه» و «تضد الایضاح» و درص ۵۰۱ و «توضیح الاشتباه» درص ۵۵۰ یادشد وهمه دربارهٔ چگونگی درست بزبان راندن نامهای راویان بود، واینك جای گفتگو باب دوازدهم جامع المقال است که دربارهٔ جداشناختن همنامان میباشد.

نگارنده این کتاب شیخ فخرالدین طریحی پسر محمد علی پسر طریح رماحی نجفی (م ۱۰۸۵ ق) از دانشمندان سدهٔ یازدهم است که اندکی دربارهٔ کتاب نزهة الخاطر او در (ج ۱ ص ۲۳۰) این فهرست گفتگو کردم.

وی کتاب جامع المقال را دردوازده باب ساخته ودراینجا گفتگوی ما دربارهٔ باب دوازدهم آنست که نسخهٔ اش دراین کتابخانه هست. یازده باب دیگر این کتاب درخبرشناسی (درایة الحدیث) است و باب دوازدهم درجداشناختن راویان هم‌نام ازیکدیگر میباشد و آنرا درچندبخش ساخته: یکم همنامان، دوم کسانی که درنام ونام پدرانبازنده، سوم هم کنیتان. ۱- با واژهٔ (ابو ...) ۲- با واژهٔ (ابن ...). چهارم انبازان درنسبت. پنجم انبازان درلقب.

صاحب ذریعه گوید تنگارش این کتاب درهفتم جمادی یکم سال ۱۰۵۳ ق پایان یافته است.

آغاز: (۱) الباب الثانی عشر فی ذکر المهم من اسماء الرجال وطبقاتهم ومایتعلق

نسخهٔ ۱۹۱ دانشگاه آغاز ندارد. واین را ازروی شرح این کتاب که بنام «مشترکات کاظمی» بشمارهٔ ۹۸۹ خواهد آمد آوردم.

بذلك وفيه فوايد. الفائدة الاولى فى استعمال الالفاظ المطلقة من الاسماء المشتركة والمتشابهة والكنى والالقاب وبعض الانساب، مما هو مشترك فى الغالب بين من يوثق به وغيره، وهو باب عظيم النفع للمحدث منحصر فى اقسام اربعة. القسم الاول ...

انجام: وطريق الحسين بن زيد، وطريق الحارث بن مغيرة. فهذا ما اردنا ايراده من الالفاظ التى يقع فيها التباس على كثير من الناس، وفيه كفاية لمن رام الاطلاع على ... المعصومين الاطياب الهداة. تم.

چون باب دوازدهم جامع المقال بیش از دیگر بابهای این کتاب سودمند بوده است، آنرا جداگانه نوشته اند و جداگانه گزارش نگاشته اند. یکی از شاگردان نگارندهٔ طریحی بنام سید محمد امین کاظمی آنرا گزارشی نگاشته که بنام «مشترکات کاظمی» در (حرف - م) خواهد آمد.

[۲۱۷]

۱۹۱ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در تاریخ ۲۱ جمادی دوم سال ۱۲۲۵ ق پایان یافته. آغاز نسخه یك برك افتاده عنوانها درمتن با شنگرف است ودر گرانه نیز باشنگرف نشان گذاری شده است. تصحیح شده، وافتادهها در گرانه نوشته شده است.

(۹۹ برك) کاغذ آبی فرنگی. جلد تیماج مشکی یکدلا.

اندازه ۱۳×۶ و ۱۰×۱۷ : ۱۷ سطر.

[۲۰۰] جزیرهٔ صاحب الزمان (سفرنامه - فارسی)

چند افسانهٔ های منهبی هست که بصورت سفرنامه‌ها درآمده و بنامهای «جزیرهٔ صاحب الزمان» و «جزیرة الخضراء» یا «جزیرهٔ خضره» و یا «جزیرهٔ الخضره» نامیده شده است، ودر آنها از جزیره‌هائی گفتگو میکنند که در نقاط اسرار آمیز از کرهٔ زمین واقع شده وصاحب الزمان وفرزندان او بر آنها حکومت میکنند.

جزیرة الخضراء، از بندرهای معروف اسپانیا است وایشان آنرا «الخضراء» (۱)

(۱) Algeciras یاقوت درمعجم البلدان گوید: شاید جزیره دراینجا معنی جز معنی جغرافیائی داشته باشد زیرا که این شهر در کناردریا است وجزیره نیست.

نامند. این شهردژها داشته ورودخانه شیرین و گوارا بنام «نهر عسل» ازمیان آن میگذرد وبرابرشهرجزیره‌ئیست بنام «ام‌حکیم» از جزیرةالخضراء تا جبل طارق شش میل راه‌است وتااشبیلیه (۱) پنج روزراه وتامالقه (۲) پنج منزل = صد میل راه است، آنجا نخستین شهریست که از اسپانیا بسال (۹۰ ق) بدست مسلمانان افتاد، موسی پسر نصیر باطارق ازطرف دولت مروانیان آنرا بگشود وبدست دولت‌اموی اندلس اداره می‌شد تا سال۷۴۳ که بومیان‌اسپانیول دست عربان را از آن کوتاه کردند (۳).

داستان دیده گاههای زیبا وخوشی آب وهوای این شهرستان درروزگاریکه بدست عربان بود بخاورمیانه رسیده و زبان بزبان میگردید.

یاقوت‌پس‌ازیاد کردن‌جزیرةالخضراء اسپانیا گوید: یك جزیرةالخضراء نیزدر دریای هند وسرزمین زنگ هست ودرآن‌دوشهربنام «متنبی» و «مکنبلو» بوده وهریك راپادشاهی‌است‌مستقل‌وآن دوخودرا ازمهاجرین‌عرب کوفه‌میشمارند...

دوری راه ونبودن‌رابطه‌و گذشت زمان،این دوجای را که یکی درباختردور و دیگری درجنوب بوده درهم آمیخت، وبصورت شهرهای غیبی درآورد وداستانهائی را که ازآنجاهانقل‌میشد بصورت افسانه‌های جادوان نمودار کرد.

درسدهٔ پنجم که برخی از نادانان شیعه دنبال جائی برای امام غایب میگشتند ازنام مشهوردوجای دوراین شهرها استفاده کرده افسانه‌هاساختند که امام ازستم دولت عباسی بدانجا شده ودولتی پدیدآورده و فرزندان خویش هریك بریکی ازشهرهای جزیرةالخضراء فرمانرواساخته‌است، وازین‌پس برای واژه «جزیرة الخضراء» درادبیات نظم ونثرمذهبی فارسی جائی باز شد.

۱- Séville

۲- Malaga

۳- برای بررسی بیشتردربارهٔ اندلس ودولت اموی‌آن و تاریخ افتادن آن بدست عربان وبازگشت‌آن بدست بومیان اسپانیا، کتاب «الحلل‌السندسیة» دوجلد چاپ مصر ۱۹۳۶ م نگارش امیرشکیب ارسلان دیده شود.

قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق) درمجلس یکم از مجالس‌المؤمنین گوید: جزیره خضر جزیره‌ئیست درسرزمین ولایت بربرمیان دریای اندلس که حضرت صاحب‌الزمان واولاد اودرآنجامیباشند... اهل اندلس آنرا جزیرهٔ رفضه (۱) گویند... وشرح آن قصه را شهید یکم محمدبن مکی... دربعضی امالی خود تحریرفرموده، وسید اجل صدرعالی میرشمس‌الدین‌اسدالله شوشتری آنرا حسب‌الاشارت پادشاه درطی رساله که درباب مصلحت غیبت صاحب‌الزمان نوشته مذکورساخته...

کهن‌ترین‌جا که‌نام‌جزیره‌هائیکه‌فرزندان‌صاحب‌الزمان‌در آن‌فرمانروائی دارند آمده، «جمال‌الاسبوع»، سید رضی‌الدین ابن‌طاوس (م ٦٦٤ ق) میباشد.

کوتاه‌شدهٔ‌داستان(۲) جزیرةالخضراءچنین‌است که: زین‌الدین‌مازندرانی برای تجارت بدریای سفید رمه و بجزیرةالخضراء رسیده، دراین کشور مردی بنام شمس‌الدین را دیده که‌آخوندآن دیار بوده وخودرا نائب خاص امام زمان میشمرده ونسب خویش با پنج پشت بآن امام میرساند. مرد مازندرانی درانـدك مدت که نزد او ماند مسئله‌ها از وی آموخت و کتابی که ۹۰ مسئله دربرداشت بنگاشت و«الفوائدالشمسیه» نامیده است. این داستان (۳۵۰ بیت نوشته) دارد.

کارها که دربارهٔ داستان «جزیرةالخضراء» انجام شده است:

- طیبی، مجدالدین‌فضل پسربجبی‌پسرعلی پسرمظفر کوفی کاتب، شاگرد وزیراربلی علی پسرعیسی (نگارنده کشف‌الغمة وم۶۹۲ق) این داستان را برای

(۱) درمتن داستان جزیرةالخضراء (بحار ج ۱۳ ص ۱۴۳-۱۴۸) نیز «جزیرة الرفضة» دیده میشود ومدرك آن‌دانسته نیست، ولی دمشقی درنخبةالدهر (ص ۲۴۴) چ لایپزیك ۱۹۲۳ م گوید: مردم اندلس درباره شهر «ابن‌سلیم» گویند: «نه شهر بماند نه مردمش» ودربارهٔ شهر «جزیرةالخضراء» گویند «شهرلیکوبستولی بی‌مردمش» واین میرساند که ازمردم این شهر دل خوشی نداشته‌اند.

(۲) بحارالانوار ج ۱۳ ص ۱۴۳-۱۴۸ ج کمپانی.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نخستین بار روی کاغذ آورده و مجلسی دوم که این کتابچهٔ طیبی را در بحار (۱) آورده میگوید نسخهٔ آن بخط طیبی در کتابخانهٔ غروی در نجف هست. طیبی دراین کتاب داستان را از زبان مردی که خود بآن جزیره رفته است درتاریخ (شوال۶۹۹)شنیده. واین‌مرد زین‌الدین علی پسر فاضل مازندرانی یادشده‌است.

- کتابی فارسی بنام ترجمهٔ کتاب جزیرةالخضراء درهند چاپ شده است که دردیباچه بنام شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) نشان شده و ترجمه بمحقق کرکی (م ۹۴۰ ق) نورالدین علی پسر حسین پسر عبدالعالی نسبت داده شده است. (ذریعه ٤ : ۹۳).

- میرشمس‌الدین‌محمدپسر اسدالله‌شوشتری این‌داستان‌رابدستور شاه‌طهماسب در کتابی که دربیان مصلحت غیبت امام نگاشته بود گنجاند (مجالس المؤمنین: مجلس یکم : جزیرةالخضراء).

- سید شبر پسر محمد پسر توان حویزی از نوادگان مشعشعیان خوزستان این داستان را کتابی جدا ساخته است. (ذریعه - ج ۵ ص۱۰۵).

کوتاه‌شدهٔ داستان‌جزیرهٔ‌صاحب‌الزمان : در کتابچهٔ‌جای گفتگوی چنانستکه داستان‌را شریف‌زاهدعلوی‌در کتاب‌خود‌بنقل‌ازانباری احمدپسرمحمد آورده که اودرماه‌رمضان‌سال۵٤۳درمجلس‌وزیرابن‌هبیره(۲)بوده‌ومردی محترم(ناشناس) داستان‌رادرآنجاچنین‌آورده‌است : وقتی بایدرم ازشهرخودبامیه برای‌بازرگانی

(۱) بحارالانوارچاپ کنبانی ۱۳۰۵ ق جلد ۱۳ ص ۱٤۳ تا ۱٤۸.

(۲) بن‌هبیره عون‌الدین مظفر پسر محمدبن هبیرةبن سعد. از اشراف و مالکین دجیل در عراق بود و پدرش سپاهیگری میکرد. در ۵٤۲ ق نویسندگی دیوان زمام در بغداد بدوسپرده شد و در ۵۵۵ که مقتفی درگذشت مستنجد او را بوزارت باقی گذارد ودر(۵۶۰ق)درگذشت. گویند اورابدست پزشک‌خودزهرخورانیدند. اوشعرهم میسرود و کتابهائی نیز درادب نگاشته است. گزارش زندگیش دراین‌خلکان و دیگر جاها آمده است.

براه‌دربارفتیم. پس کشتی‌سرگردان‌شد،ومابجزیره‌ئی‌پیاده‌شدیم‌وپس‌ازراه‌پیمائی بشهری رسیدیم که «مبارکه» نام داشت و پس از آن شهر «زاهرة» (۱) بود وپادشاه‌این‌دوشهره‌طاهرپسرصاحب‌الامره‌بودوپس‌ازروبروشدن‌باوی‌و گفتگوی او با یکی از همرهان ما؛ روزبهان پسر احمد اهوازی که شافعی بود،این مرد شیعه شد. سپس نام شهرهای دیگر این جزیره چنین آمده است:شهر رابعه که فرمانفرمایش قاسم پسر صاحب‌الامر،و شهر صافیه که فرمانفرمایش ابراهیم پسرصاحب‌الامر،وطلوم که فرمانفرمایش عبدالرحمان‌پسرصاحب‌الامر،وعناطیس که‌فرمانفرمایش‌قاسم (۲)پسرصاحب‌الامراست. وسپس گوید‌ومردم آنجاآشکارا ازسه‌خلیفه‌پس‌ازپیغمربیزاری‌میجویند. چون‌داستان‌بپایان میرسد وزیر ابن‌هبیره یك یك شنوندگان را سوگند میدهد که تا او زنده است داستان را درجائی بازنگو مکنند.

همه داستان دراین نسخه (۲۰۰ بیت نوشته) دارد.

سند داستان جزیره صاحب زمان : همهٔ کسانی که دربارهٔ این داستان کاری‌انجام‌داده‌اند، آنرا از کتاب «تعازی» نگارش شریف زاهد علوی شجری محمدپسرعلی (درسدهٔ‌چهارم) آورده‌اند، وهم اکنون‌این داستان‌در کتاب‌یادشده دیده‌میشود، وصاحب‌تعازی آنرا با سه واسطهٔ از انباری روایت کرده است (۳) ولی باید دانست که این کتاب پس‌از سدهٔ ششم و شاید دردورهٔ صفوی ساخته

(۱) زهراء شهریست باندلس (معجم‌البلدان) و «نخبةالدهردمشقی».

(۲) شاید همان قاسم‌پیشین‌باشد وشاید دوپسرصاحب‌الامر قاسم‌نام داشته‌اند.

(۳) سه واسطه چنین است : صاحب تعازی ازعالم حافظ حجةالاسلام سعید پسر احمد وخنی و او از شیخ مفری خطیرالدین حمزه پسر سیب پسر حاوث درخانه‌اش در طفریهٔ بغداد و او از ابوالقاسم پسرابوعمروعثمان پسرعبدالباقی پسر احمد دمشقی و او داستانرا درخانهٔ انباری کمال‌الدین احمد پسر محمد پسر یحیی دربغداد از او شنیده‌است،وانباری کسی‌است که درمجلس ابن‌هبیره بوده وداستان را اززبان قهرمان آن که بجزیره رفته بوده،شنیده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شده‌است ، روشن‌تر گویم : زاهد علوی (۱) همزمان ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) وابوالمفضل شیبانی (م ۳۸۵ ق) بوده و هرسه شاگرد ابوالحسن علی پسر عباس بجلی معانی بوده ودرسدهٔ چهارم میزیسته‌اند . درصورتیکه‌در کتاب تعازی داستانهائی یافت شود که درسدهٔ ششم رخ داده است .

و یکی از آنها همین داستان جزیرهٔ صاحب زمانست ، قهرمان این داستان که خود به‌آن جزیره رفته است درسدهٔ ششم میزیسته و داستان را درمجلس ابن هبیرهٔ وزیر (م ۵۶۰ ق) گزارش داده و شنوندگان آنرا نقل کرده‌اند .

کسانی که داستان « جزیرهٔ صاحب‌الزمان » را آورده‌اند :

ـ «اربعون حدیث » ازنگارندهٔ ناشناس ،صاحب‌حدیقة‌الشیعه (۲) پیش‌ازخاتمه گوید دراین کتاب داستان جزیرهٔ صاحب زمان از کتاب تعازی (۳) آورده شده است .

ـ سید نعمة‌الله محدث‌جزائری (م ۱۰۱۲ ق) درانوار نعمانیه ص ۱۴۸ ج تبریز ۱۳۰۱ ق گوید : رضا علی پسرفتح‌الله کاشانی نیزداستان جزیرهٔ صاحب زمان را از کتاب تعازی نقل کرده است .

---

(۱) حاجی نوری درخاتمهٔ مستدرک ص ۳۷۰ گوید : گزارش زندگی زاهد علوی درهیچیك از کتابهای راوی شناسی و زندگی گزاری نیامده است . ولی صاحب دریمه روزگار وزندگی او را از روی زنجیرهٔ روایتهای اومعین کرده‌و در ج ۵ ص ۱۰۷ آورده است .

(۲) کتاب حدیقة‌الشیعه از کتابهای ساختگی روزگار صفوی است که آنرا برای استفاده از خوشنامی مقدس اردبیلی بدو نسبت داده‌اند . ذریعه ج ۶ ص ۳۸۶ و همین فهرست ج ۳ ص ۴۳۲ ص ۲۲ دیده شود .

(۳) کتاب تعازی نیز کتابی ساختگی است ، کسی آنراساخته و به‌شجری زاهد علوی حسینی (محمد پسرعلی) از مردان سدهٔ چهارم نسبت داده‌است . و چون این کتاب ساز از تاریخ سررشته نداشته داستانهائی که دویست سال پس‌از شجری روی داده دراین کتاب گنجانده وبشجری نسبت‌داده وازاین‌راه ساختگی بودن کتاب خویش را ناداسته نشان داده است .

ـ حاجی میرزاحسین نوری (م ۱۳۲۰ق) در نجم‌الثاقب ص ۱۵۹ ج ۱۳۴۶ ق و « جنة‌المأوی » و «خاتمهٔ مستدرك ص ۳۷۰» این داستان را از کتاب «السلطان المفرج عن‌اهل‌الایمان » نگارش سید علی پسر عبدالحمید نیلی (از مردان سدهٔ هشتم که در ص ۴۹۱ یاد شد) نقل کرده است.

ـ نیزهمین‌نوری درخاتمهٔ مستدرك‌الوسائل ص ۳۷۰ ج تهران ۱۳۲۰ق ، این داستان را بنگارندهٔ تعازی نسبت داده است .

ـ و نیز حاجی‌نوری درهمانجا گوید : بیاضی زین‌الدین علی‌پسر یونس عاملی درسدهٔ نهم کوتاه شدهٔ داستان رادر « الصراط‌المستقیم» آورده است .

ـ حاجی‌نوری ترجمهٔ فارسی آنراسومین‌داستان باب هفتم نجم‌الثاقب (۱) که‌صد داستان دیدار امام زمان را دربردارد، قرار داده‌است .

آغاز : شریف زاهد محمدبن علی‌العلوی‌الحسینی در کتاب خود روایت کرده باسناد مرفوع (۲) باحمدبن‌محمدبن‌یحیی‌الانباری که گفت درسنهٔ (۵۴۳) وزیرعالیشان عون‌الدین یحیی‌بن هبیره درماه‌رمضان مرابضیافت ...

انجام : ازخوف اعادی ذواری پیغمبرآخرالزمان جرأت اظهار این راز پنهان ننمودیم ، و هر کدام که یکدیگر را ملاقات میکردیم یکی از ما مبادرت نموده میگفت : مرا تذکررمضان ، ودیگرجواب که علیك . تم .

[۲۱۸]

۱۴۹ نسخه بخط نستعلیق دردهنری جای دارد و برگهای ۸۲–۹۳ را گرفته . نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی کتاب تصایح عبدالوهاب کهدربرك ۶۴ این دفتر پایان یافته‌بتاریخ ربیع یکم ۱۰۶۳ ق دارد . ودردیه خانون‌آباد اصفهان نوشته شده است . عنوان بیت و فاصله جمله‌ها و روی آیه‌ها خط شنگرفی کشیده است . آیه‌های قرآن را با خط نسخ ودرشت نوشته است .

هفدهٔ دفتر ۱۱۸ برك . این کتابچه ۱۳ برك است .کامل اصفهانی نجفی . جلد تیماج حنائی فرسوده . اندازه : ۱۰×۱۹ : ۱۳ سطر .

---

(۱) نجم‌الثاقب دراحوال امام غائب ج تهران ۱۳۴۶ ق ص ۱۵۹ .

(۲) درنسخهٔ ما سه واسطهٔ میان شریف‌زاهدعلوی واحمد انباری‌را انداخته‌اند ص ۵۶۱ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۰۱] حسین بن خالد (رجال - عربی)

این مرد از راویان بنام سدهٔ سوم بوده و نامش درزنجیرهٔ بسیاری از حدیث وخبرها هست ، ازصادق و کاظم ورضا روایت دارد گاهی بلقب صیرفی و گاهی پسرابوالعلاء و گاهی حسین بن خالدبن طهمان خوانده شده حجةالاسلام شفتی(۱) این کتابرا برای جداشناسائی صاحبان این نامها درپنج مبحث که (۱۱۵۰ بیت نوشته)دارد،نگاشته‌است وبا ۲۰ کتاب رجالی اودرتهران بسال ۱۳۱٤ق چاپ سنگی شده و ص ۸۱ تا ص ۹۸ آنرا گرفته است .

آغاز : ومنه‌الاعانة للفوز بجنات‌النعیم . . .

انجام : عن محمدبن یعقوب‌الکلینی ومنها فی‌المجلس‌الخامس .

[۲۱۹]

۱۹٤ هفتمین کتابچه دفتراست . برگهای ۱۱۸ تا ۱٤۳ آنرا گرفته . خط نسخ . عنوانها شنگرفی .

همهٔ دفتر ۳۳۱ برگ . این کتاب ۲۵ برگ ، جلد وکاغذ در ص ۴۷۵ یاد شده است .

[۲۰۲] عمادبن عیسی (رجال - عربی)

این مرد، که‌مرگ‌اورا (۲۰۹ ق) نگاشته‌اند،از اهل جهینه از عربان کوفه بوده است ، کشی او راچهارمین مرد از دستهٔ دوم اصحاب‌اجماع(۱)شمرده‌است حجةالاسلام‌شفتی(۲)این کتاب‌رادربارهٔ زندگی اودر(٤۸۰ بیت‌نوشته)نگاشته‌است این کتاب بسال ۱۳۱٤ ق یا ۲۰ کتاب دیگر او در تهران چاپ سنگی شده و از ص۹۸ تا ۱۰۶ آنرا گرفته است .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین حمداً کثیراً فوق حمدالحامدین . . .

انجام : فالظاهران‌الستین اوالتسعین فی کلامه مجهول علی‌المنال .

[۲۲۰]

۱۹٤ هشتمین کتابچه دفتراست ، وبرگهای ۱٤۳-۱۵٤ آنرا فراگرفته . خط نسخ . عنوانها شنگرفی است

همهٔ دفتر ۳۳۱ برگ . این کتاب ۱۱ برگ است .کاغذ وجلد درص ۴۷۵ یاد شده است .

(۱) ص ٤۷٤ دیده شود . (۲) ص۴۷۱ دیده شود .

[۲۰۳] خلاصة‌الاقوال فی معرفة‌الرجال (رجال - عربی)

یك کتاب راوی‌شناسی ازعلامهٔ حلی در(ص۵۱۱) یادشد ودرآنجااند کی اززندگی‌نگارنده نیزسخن رانده ، وی دومین کتاب خودرا دراین‌باره بدین‌نام نامیده‌است . اواین‌رادردوبخش‌ساخته یکم راویان‌استواردرستکار که‌خبرشان پذیرفتنی‌است(۱)دوم ناستواران.صاحب روضات‌ازریاض‌العلمانقل کرده که علامهٔ حلی« کشف‌المقال» خویش‌را کوتاه کرده و«خلاصة‌الاقوال» ساخته، ولی‌ازخود کتاب چنین‌برنمی‌آید ، بلکه علامه همه‌جا تفصیل سخن‌را بکشف‌المقال حوالت میدهد و گویا می خواست چنین کتابی بسازد و دانسته نیست که این‌کار را کرد یا نه . باری اوخلاصه را درربیع دوم سال۶۹۳ق بپایان رسانده‌است ، وچنانکه از بررسی کتاب بدست میآید نگارنده از کتابهای پنجگانه راوی‌شناسی فقط فهرست ورجال طوسی ورجال نجاشی‌را داشته ومتن رجال کشی‌راندا‌شته بلکه بواسطهٔ حل‌الاشکال ابن طاوس از آن استفاده کرده است . او همه جا متن این کتابهارا بدنبال‌هم، بی‌آنکه ازآنهانام‌ببرد میآورد،وازاین‌روی گاهی جمله‌های

(۱) درص٤۸٤ که‌اقسام کتابهای راوی‌شناسی را یاد کرده‌ام‌نوبددادم که‌فهرست کوتاهی‌از کسانی که‌فقط راویان استوارا گردآورده‌اندردنبال نام «خلاصة‌الاقوال» و فهرست کسانی را که فقط راویان ناستوار را گرد آورده‌اند ، دردنبال «الضعفاء» ابن‌غضائری بیاورم . اینك گردآورندگان استوار (ثقات) :

- عجلی (م ۷٦۱ ق) کتاب‌الثقات نگاشت .
- خلیل‌بن شاهین .
- ابوحاتم پسر حبان بستی .
- زین‌الدین قاسم پسرقطلوبغا (۸۷۹ ق) راویان ثقه را که‌درشش کتاب صحیح ستیان از ایشان یاد نشده‌است، گرد آورده، وچهارجلد کتاب ساخته‌است .
- ابن‌داود حسن(ز-٦٤۷ ق) ، نیم یکم کتاب رجال‌خویش‌را به‌استواران ویژه ساخته است .
- علامهٔ حلی (م ۷۲٦ ق) نیم یکم کتاب خلاصه (جای گفتگو) را ویژهٔ آنها ساخته است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خلاصه در تهران بسال (۱۳۱۱ق) چاپ سنگی پرغلط شده، و نسخه‌یی از آن که در (۷۱۵ق) برنگارنده‌اش خوانده شده در کتابخانهٔ (صدر) بغداد هست.

آغاز: الحمدلله مرشد عباده الی سبیل السداد...

انجام بخش یکم: ابواسحاق بروی عنه. فهذا ما اردت اثباته... وبه یتم القسم الاول من خلاصة الاقوال و یتلوه القسم الثانی فی المجروحین و من اتوقف فی حدیثه والحمد...

انجام: والباقی من الروایات الی هؤلاء المشایخ والی غیرهم مذکور


من اراده وقف علیه هناک والحمد لله وحده وقع
الفراغ من تصنیفه فی ثالث عشر ربیع الآخر سنة ثلث
وتسعین وستمایة من هجرة الرسول صلعم وفرغ من
کتابة أقل العباد وأحقرهم وأفقرهم
فی الحنیفة نصار بن محمد الخویزاوی
فی ظهر یوم الجمعة الثامن
لعشرین من شهر رمضان
الأول سنة عشرین
بعد الألف
والحمد لله
وحده

(۲۷) برگ ۱۲۲ـ الف پایان خلاصهٔ علامه شمارهٔ ۹۹۰ و در پائین اجازهٔ حسین پسر کمال‌الدین الابرز ـ که در (سلافة العصر ـ ص ۵۴۵) یاد شده ـ برای عبدالعالی حویزی دیده میشود

مکرر در آن دیده میشود. گویا اوراین کتابرا نیز (۱) بدست شاگردان و نویسندگان خود فراهم کرده است، واز این روی پراز نادرستیها شده است، و برخی این نادرستیهارا نتیجهٔ شتابزدگی او در نگارش دانسته‌اند.

ترتیب خلاصه نیز درست نیست و چند کس آنرا مرتب ساخته‌اند:

ـ میرزا حیدرعلی نوادهٔ مجلسی نهایة الآمال را نگاشته و نسخهٔ آن بشمارهٔ ۹۸۷ در این کتابخانه هست و در (حرف ـ ن) خواهد آمد.

ـ ملاعزیزالله پسر مجلسی یکم و برادر مجلسی دوم و (م ۱۰۷۴ ق) وی نیز آنرا مرتب ساخته است. (ذریعه ۴: ۶۵).

ـ طریحی فخرالدین (م ۱۰۸۵ق) نیز آنرا پسیج داده است (ذریعه ۴: ۶۵).

کسان زیر نیز بر خلاصه حاشیه نگاشته‌اند:

ـ عزالدین حسین جبعی (م ۹۱۴ ق) پدر شیخ بهائی.

ـ شهیددوم (م ۹۶۶ ق) نیز آنرا حاشیه نگاشته (امل الآمل) و شیخ عبدالحسین بغدادی (م ۱۳۶۵ ق) این حاشیه را گردآوری کرده است (ذریعه ۶: ۸۲).

ـ شیخ سلیمان ماحوزی (م ۱۱۲۱ق).

ـ نیلی که در (ص ۴۹۱ و ۵۶۳) یاد شد.

ـ سید ماجد بحرینی (م ۱۰۲۸ ق).

ـ شیخ محمد سبط (م ۱۰۳۰ ق) پسر حسن پسر شهید دوم.

ـ شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ ق).

ـ صاحب «مدارک» سید محمد پسر علی عاملی.

ـ شیخ مساعد حویزی (همزمان شیخ حر، م ۱۱۰۴ ق).

ـ لطفعلی صدرالافاضل (م ۱۳۵۰ق) نیز رساله‌یی برای خلاصه نگاشت که اکنون نزد فرزندش (مجدالدین) در تهران هست.

(۱) چنانکه در ص ۵۱۳ گفتم علامه بسیاری از کارهای خویش را بدست کارمندانی که در بارمغل زیردست او گذارده بود انجام میداد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی کتابنا الکبیر ، من اراده وقف علیه هناك . والحمدلله وحده . فرغ المصنف من تصنیفه‌ره ثالث عشر ربیع الآخر سنة ثلاث وتسعین وسبعمایة من هجرة الرسول .

[٢٢١]

در دفتری جا دادد که درس ٥٠٠ و ٥١٤ یاد شد و گ ١ تا ١٢٢ آنرا گرفته است .

٩٩٠ نسخه بخط نسخ نویسنده تمار پسر محمد حویزی است . در ١٩ ربیع یکم (١٠٢٠ ق) بخش یکم ، و در نیمهٔ روز آدینه بیست‌وهشتم ربیع یکم سال (١٠٢٠ ق) بخش دوم آنرا بپایان رسانیده است . عنوان نامها با شنگرف است و عنوانهای دیگر برخی با خامهٔ درشت سیاه است و روی برخی خطی شنگرفی کشیده است .

بخش یکم در گ ٨٣ و بخش دوم در گ ١٢٢ پایان یافته است . خود نویسنده این نسخه را با سه نسخه برابر و تصحیح کرده و در کرانه گ ١٢٢ ـ الف بآن اشارت دارد . سیس بسال (١٠٤٩ ق) عبدالعالی پسر محمد پسر علی پسر ناصر جزایری این کتابرا برحسین پسر کمال‌الدین الأبرز حسینی حلی خوانده و اجازهٔ روایت بخامهٔ اجازهٔ دهنده در کرانه گ ٨٣ ـ الف و ١٢٢ ـ الف دیده میشود ، و تاریخ آن ٢٧ رجب (١٠٤٩ ق) میباشد . و گزارش آن در صفحهٔ پیش دیده میشود . گزارش زندگی این مرد در سلافة العصر ص ٥٤٥ و دیوان وی در جلد نهم ذریعه آمده است .

حاشیه‌های بسیار بامضاهای (کشی ، م ر ، ١٢ ، ٤ ، بعضه ، بخط فخرالدین ، ایضاح ، ن ، زی) دارد .

همه‌دفتر (٣١٨ برگ) این کتاب ١١٣ برگ ، کاغذ نخودی رنگ ، جلد تیماج سرخ زرکوب فرسوده اندازه : ١٣×١٩ و ٦×١٣ : ٢٤ سطر .

[٢٠٤] الدرالمسلوك (تاریخ ـ عربی)

فی احوال الانبیاء والاوصیاء والخلفاء والملوك

نگارنده : احمد پسر حسن پسر علی پسر حسین حر عاملی برادر کوچك شیخ حر عاملی (١) میباشد . خاندان او خودرا از فرزندان حر پسر یزید ریاحی کشته

(١) شیخ حر نگارندهٔ أمل‌الآمل است که در ص ٥٠٥ یاد شد وی در ٨ رجب ١٠٣٣ ق زاده است .

کربلا می‌شمرند . وی بسال (١٠٤١ ق) بزاده (١) ودر (١٠٧٠ ق) بعراق آمده وسال بعد بمکه رفته ودر (١٠٨٤ ق) بمشهد آمده وسکنی گزیده است ، و بسال (١٠٩٤ ق) هنگامیکه پنجاه و سه سال داشت نوشتن یك نسخه ازاین کتاب را بپایان رسانیده وی پس از مرك برادر بزرگتر خود شیخ حر در (١١٠٤ ق) چندی شیخ الاسلامی مشهد خراسان داشته ، ودر (١١١٥ ق) بدستور شاه سلطان حسین صفوی باصفهان رفته وتا (١١٢٠ ق) زنده بوده است (٢) .

در اینجا یادآور شود که دوتن بنام احمد پسر حسن حر هستند : یکی برادر شیخ حر صاحب وسایل ، ودیگری خواهرزادهٔ او است ، وهردو در أمل‌الآمل (٣) یاد شده اند . و صاحب اعیان الشیعه در ج ٧ ص ٤٨٥ و ج ٨ ص ٣٥ آن دو را بهم آمیخته و یکی شمرده ولی صاحب ذریعه در ج ٨ ص ١٧١ این نادرستی را دریافته است .

آثار او :

صاحب امل‌الآمل که برادر نگارنده است نگارشهای اورا چنین برشمرد : تفسیر قرآن ، و « تاریخ کبیر » و « تاریخ صغیر » و حاشیه بر مختصر نافع و « جواهر الکلام فی الخصال المحمودة فی الانام » . وخود نگارنده در دیباچهٔ کتاب در السلوك نسخهٔ (مجلس ٥٤٥) گوید پس از بررسی کتابهای بسیار کتابی بنام « روض الناظرین فی علوم الاولین والاخرین » نگاشتم ، سپس قرآنی بزرك بدستم افتاد پس تفسیرهائی بر کرانهٔ آن نگاشتم و « تفسیر وجیز لکتاب عزیز » ساختم ، و سپس این تاریخ « درالسلوك » را نگاشتم واز آغاز پیدایش تا سال ٨٠٦ رسانیدم .

نگارندهٔ این کتاب پس از بررسی تاریخهای بزرك اسلام خواسته است تاریخی با رنك مذهب شیعی بسازد ، ازاین روی نخست کتاب « روض الناظرین فی علم الاولین والآخرین » را به پیروی از محمدبن شحنه حلبی در « روض المناظر

(١) دوپایان نسخه‌یی ازاین کتاب که صاحب ذریعه نزد سید محسن امین در شام دیده است چنین نوشته بوده‌است : « نگارنده در پنجاه و سه سالگی بسال (١٠٩٤ ق) آنرا بپایان رسانیده » ولی چنانکه خواهم گفت این کتاب چند بار نگارش یافته و این تاریخ یکبار از آنها میباشد .

(٢) این تاریخها بخامهٔ خود نگارنده در پشت نسخهٔ رضوی دیده شده است (ذریعه ج ٨ ص ٧٠) .

(٣) امل‌الآمل ج تهران ١٣٠٧ ق ودنبال منهج المقال : ص ٤٢٧ .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فی‌علم‌الاوایل‌والاواخر» بنگاشت. سپس اینك اندك آنرا گسترش داد و نسخه‌های گوناگون بعدی را «الدرالمسلوك» نام داد. این نسخه‌ها برخی چهار رکن و برخی پنج و برخی شش و هشت رکن دارد. غیراز تغییرها که خود دراین کتاب میداد، پشاگردانش نیز اجازه میداد که در آن دست برند و تصحیح کنند (۱)

ایشك نسخه‌ها:

I نسخه‌های چهار رکنی: ۱- نسخهٔ (مجلس) این نسخه فقط هفت برك آغاز کتاب را در بردارد. ودردیباچهٔ آن، کتاب را «درالمسلوك» نامیده و آنرا به یك پیش گفتار در آغاز خلقت و چهار رکن ۱- پیغمبران ۲- پادشاهان باستانی ۳- خلیفه‌های اسلام ٤- پادشاهان اسلام، وخاتمه در آخرالزمان، بخش کرده ونیز گوید: دراین کتاب تاریخ را از آغاز پیدایش تاسال ۸۰٦ آورده‌ام (۲) این نسخهٔ هفت برگی در آغاز نسخهٔ هشت رکنی مجلس نهاده شده وهردو در تاریخ (۱۰۹۱ ق) نوشته شده وبشمارهٔ (٥٤٥) درفهرست (۳) یادداشت شده‌است.

آغاز این نسخه: الحمدلله منشیء اصناف الفطر ومحیی الارض بوابل المطر...

۲- نسخهٔ حاج عماد فهرسی که اکنون در کتابخانهٔ رضوی است و صاحب ذریعه آنرا جلد یکم درالمسلوك شمرده (٤) و بسال ۸۰٦ پایان یافته نیز گویا چهاررکنی باشد.

II نسخه‌های پنج رکنی:

۱- نسخهٔ دوجلدی کتابخانهٔ صدر بغداد.

۲- نسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه که فقط جلد یکم را دربر دارد. دراین دو نسخه نگارنده فقط یك رکن برچهاررکن پیشین افزوده‌است. فهرست بخشهای این

(۱) این معنی ازبرك ۱۸۷ب پایان نسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه آشکار میگردد.

(۲) گویا پایان سال ۸۰٦ برای رکن چهارم باشد.

(۳) اعتصامی درفهرست (ج ۲ ص ۳۲۱) این دو نسخه چهاررکنی وهشت رکنی را یکی پنداشته و دچار اشتباهها شده، مانند اینکه ۸۰٦ را تاریخ نگارش پنداشته، وصاحب اعیان‌الشیعه نیز باین اشتباه دچار و آنرا غلط پنداشته است.

(٤) دربشت این نسخه، شیخ نگارنده بخامهٔ خود گوشه‌هائی از زندگی خویش را نوشته، مانند تاریخ آمدنش بعراق ورفتنش بمکه که دربالا یاد شد، و مانند زایچهٔ ورزندش محمدحر (۱۰۹۵ق) وابراهیم‌حر (۱۰۹۸ق) وپسر محمد بنام صالح (۱۱۲۰ ق). (ذریعه ج ۸ ص ۷۱) دیده شود.

کتاب درنسخهٔ ۱۷۹ دانشگاه چنین است:

پیش گفتار در آغاز پیدایش خلقت. (گ ۲ تا ۸) رکن یکم پیغمبران (گ ۸-۸۲) دوم امامان و عمرهای دراز افسانه‌یی (گ ۱٤۰) سوم پادشاهان باستانی: ایران گ ۱٤۲ یونان گ ۱٥٤ روم گ ۱٥٦ مصر گ ۱٥۷ یمن گ ۱٥۸ سبا ۱٦۲ شام گ ۱٦٤ حیره گ ۱٦٦ کنده گ ۱۷۰ حجاز گ ۱۷۱ وقایع عرب ۱۷٥، ملتها ۱۸۲ رکن چهارم خلیفه‌ها و پادشاهان اسلام (۱) رکن پنجم زندگی یاران پیغمبر و تابعان ورویدادهای جهان پایان نامه در پیشگوئیهای مذهبی و آخرین بخش در رستاخیز است.

درپایان نسخهٔ دانشگاه (گ ۱۸۷ب) مردی بنام ابراهیم پسر سلیمان موسوی حسینی که گویا شاگرد نگارنده بوده‌است مدرکهای کار او را یاد کرده (۲) و گوید چون دراین کتاب نادرستیها دیدم آنرا با اجازه نگارنده درست کردم.

آغاز جلد یکم: الحمدلله الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین، فتبارك الله احسن... وبعد فهذا کتاب...

انجام جلد یکم: ماعضی فات، والوصل غیب، ولك الساعة التی انت فیها. فقال الله خیرها و تعوذ به من شرها، والحمدلله وحده وصلی الله... تم النصف الاول من کتاب...

آغاز جلد دوم: الرکن الرابع فی ایام الخلفاء من المسلمین والحکام والسلاطین (۳).

انجام جلد دوم: وهاهنا منتهی ما اردناه وآخر ما قصدناه (٤).

III نسخهٔ شش رکنی: از نسخه‌ها تنها که صاحب ذریعه می‌شناساند فقط نسخهٔ کتابخانهٔ شیخ حسن مظفر درنجف است که شش رکن دارد و رکن ششم آن درتاریخ همهٔ جهان از آدم تا روزگار نگارش است (ذریعه ۸: ۷۱).

IV نسخهٔ هشت رکنی: کوچکترین نسخه‌های این کتاب این نسخه است

۱- رکن ٤ و ٥ درنسخهٔ دانشگاه نیست.

۲- دراینجا نام چهل کتاب را آورده سپس گوید ازپنج تفسیر و کتابهای دیگر نیز استفاده کرده است.

(۳) و (٤) آغاز و انجام جلد دوم کتاب از روی آنچه دراعیان الشیعه ج ۷ ص ٤۸٤ آمده است میباشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که هشت رکن و (۸۵۰۰ بیت نوشته) در یك جلد است. دردیباچهٔ آن نام کتاب ونام نگارنده هست. این نسخه بشمارهٔ (۵۴۵) در کتابخانهٔ (مجلس) ثبت شده است و پیش از آن هفت برك از نسخهٔ درالمسلوك چهار رکنی دیده میشود واعتصامی فهرست نگار مجلس بررسی نا کرده در جلددوم فهرست (ص ۳۲۱) این دو کتاب را یکی شمرده است فهرست هشت رکن این نسخه چنین است: پیش گفتار و برك ۸ رکن یکم در آغاز پیدایش گ ۱۲ رکن دوم پادشاهان باستانی گ ۶۵ سوم خلفاء گ ۹۰ چهارم امامان گ ۱۵۴ پنجم دراز عمرها گ ۱۷۵ ششم یاران و تابعان گ ۱۷۷ هفتم پادشاهان اسلام گ ۱۹۲ هشتم رویدادهای جهان گ ۱۹۹ خاتمه آخرالزمان ۲۰۵ آخرین فصل در رستاخیز گ ۲۱۴ تا ۲۱۸ پایان نسخه . آغاز این نسخه مانند آغاز نسخهٔ پنج رکنی است نه مانند آغاز چهار رکنی

نسخه‌های دیگر : نسخه‌یی ازین کتاب بخامهٔ نگارنده نزد شیخ عبدالحسین درخراسان هست (اعیان‌الشیعه ج۸ ص۴۸۴) . ونسخه‌یی نیز نزد خود سیدمحسن عاملی صاحب اعیان‌الشیعه‌هست که بسال ۱۰۹۴ ق پایان یافته‌است (ذریعه ۸ : ۲۲۱).

[۲۲۴]

۱۹۷ نسخه جلد یکم کتاب را دربردارد که سه رکن از پنج رکن است . بخط نسخ . نویسنده محمد حسین پسرمحمد امین . درتاریخ محرم سال ۱۲۴۰ ق نوشتن آن پایان یافته . از روی نسخهٔ خط ابراهیم‌بن سلیمان موسوی (۱) چنانکه بروزگار نگارنده نوشته شده بود نویسانده شده ودرتاریخ دهم شعبان همین سال (۱۲۴۰) مقابله وتصحیح شده است ونشان آن درپایان صفحه (۱۸۷ ب) دیده میشود.

عنوانها با شنگرف . تصحیح شده ونشان آن دوگرانه برخی صفحه‌ها (بلغ قبالا) دیده میشود .

(۱۸۷ برك) کاغذ ازده اصفهانی جلد لیماج حنائی زرکوب قرنوده .
اندازه ۳۰ × ۴۰ و ۱۳ × ۳۱ : ۳۱ سطر .

(۱) گویا این مردشاگرد نگارنده بوده‌است، وی در یك صفحه پس‌ازپایان کتاب مدارك کارنگارنده را نام برده وازوی با دعای «سلمه‌الله» یاد میکند وسپس میگوید چون اندکی نادرستی داشت من با اجازهٔ نگارنده آنرا تصحیح کردم .

[۲۰۵] **رجال‌ابن داود** (رجال ـ عربی)

کهنه‌ترین کتاب که‌در آن نام راویان را بترتیب حرف یکم ودوم وسوم و... نام ونام پدر بسیج کرده‌اند این کتاب است (۱) . ونیز این نخستین کتاب است که برای نام کتابهای رجال و نام امامان نشانه‌ها در آن بکار رفته‌است . ابن‌داود این کتاب را درسال (۷۰۷ ق) چهارده سال پس‌از نگارش خلاصهٔ علامه پایان رسانیده، وآنرا مانند خلاصه دو دو بخش ساخته، دربکم راویان که خبرشان پذیرفتنی است، ودر دوم راویانی که خبرهایشان ناپذیرفتنی و بی‌ارزش میباشد گرد ساخته .

این کتاب نیز مانند خلاصهٔ علامه نادرستیها دربر دارد (۲) و برخی از راویان را هم‌در بخش یکم وهم‌دردوم یاد کرده‌است ، ولی بازهم بهتر و کم‌غلط‌تر ازخلاصه میباشد ، وبسیاری از نادرستیهای خلاصه را یاد کرده است (۳) وچون ابن داود مانند علامهٔ حلی بدربار مغل راه نداشت نامش کم‌آوازه‌تر و کتابش در گوشهٔ کتابخانه‌ها گردآلود مانده است .

نگارنده : ابن‌داود ، تقی‌الدین ، ابومحمد حسن پسر علی پسر داود حلی از ادیبان وفقیهان نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم است که درنظم ونثر عربی زبردست و با اصول دین و کلام و منطق و فلسفه آشنا و درفقه و حدیث و راوی شناسی کار کرده است . زایچهٔ او چنانکه خود دراین کتاب (۴) گفته : پنجم جمادی دوم سال (۶۴۷ ق) است .

(۱) پیشینیان فقط حرف آغازرامرتب می کرده‌اند چنانکه حسن را پیش حسان می آوردند .

(۲) به نادرستیهای این کتاب یك یك درر جال (حایری) و تنقیح‌المقال مامقانی واعیان‌الشیعه اشارت رفته است .

(۳) اعتراضهای ابن‌داود برعلامه بیشتر بجا بوده و خود علامه نیز درایضاح آنها را درست کرده است (تنقیح‌المقال ج ۱ ص ۲۹۴ س ۳) .

(۴) نسخهٔ ۱۰۴۴ دانشگاه ك ۵۳ ب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهید اول (م ٧٩٦ ق) او را تاج المحدثین خوانده است و ازاو و علامهٔ حلی باواسطه روایت دارد. ابن‌داود یکسال از علامه حلی بزرگتر است، و هردو از محقق حلی (صاحب شرایع) واحمدبن طاوس روایت دارند.

مرگ ابن‌داود را کسی یادنکرده ولی سید محسن (١) آنرا از کتاب الطلیعه بسال (٧٤٠ ق) یاد کرده وخود در آن تردید کرده‌است. ونیزهمو ازریاض العلما نقل کرده که‌ابن‌داود نواده‌ی یتیم ابوطالب پسرجب داشته که‌ازدانشمندان بشمار است.

آثارابن‌داود: کتابهای زیررا خوددر گزارش زندگی خویش درهمین کتاب یاد کرده است (٢).

١- درفقه: تحصیل المنافع (٣) ٢- التحفة السعدیة.
٣- المقتصر من المختصر. ٤- الکافی
٥- النکات. ٦- الرائع.
٧- خلاف المذاهب الخمسة ٨- تکملة المعتبر (ناتمام).
٩- الجوهرة فی نظم التبصرة (٤) ١٠- اللمعة (درنماز، بنظم).
١١- عقدالجواهر فی الاشباه والنظائر (٥) ١٢- اللؤلؤة دراختلافات شیعه بنظم وناتمام. ١٣- الرائض فی الفرایض (نظم) ١٤- عدة الناسك فی قضاء المناسك (نظم)
١٥- رجال (جای گفتگو) وجز آنها نیزدرفقه دارد.

دراصول دین وجز آن:

(١) اعیان الشیعه ج ٢٢ ص ٣٣٥.
(٢) نسخهٔ شمارهٔ ١٠٤٤ دانشگاه برك (٥٣ ب).
(٣) نسخهٔ آن دراصفهان بکتابخانه سید اسدالله دیده شده است (اعیان ج ٢٢: ص ٣٤٢).
(٤) آغاز: الحمدلله الذی تقادمات سلطانه وشأنه معظما (اعیان ج٢٢: ص ٣٤٢).
(٥) صاحب ریاض گوید: نسخه‌اش بایروان بخط کفعمی دیدم بنظم نبود بلکه بنثر ومانند نزهة الناظر نجیب الدین یحیی پسرسیدعمیدمان اومی بود. (اعیان ٢٢: ٣٤٢).

١٦- درالتمین ١٧- الخریدة العذراء فی العقیدة الغراء (نظم)
١٨- الدرج ١٩- احکام القضیة (منطق).
٢٠- حل الاشکال (منطق). ٢١- البغیة (منطق).
٢٢- الاکلیل الناجی (عروض).
٢٣- قرة عین الخلیل فی شرح النظم الجلیل از ابن حاجب درعروض.
٢٤- شرح قصیدهٔ صدرالدین ساوی (عروض)
٢٥- مختصر الایضاح (نحو) ٢٦- حروف المعجم (نحو).
٢٧- مختصر اسرار العربیة (نحو).

سید محسن عاملی (١) نیز دو کتاب زیررا برآنها افزوده است.

٢٨- المنهج القویم ٢٩- منظومة در کلام (٢).

گزارش زندگی ابن‌داوددر نقدالرجال تفرشی واجازهٔ شهید دوم بحسین پسر عبدالصمد، و در أمل الآمل شیخ حرومستدرك الوسائل حاجی نوری وریاض العلماء وذریعه وریحانة الادب، ویاگسترش بیشتر دراعیان الشیعه ج ٢٢ ص ٣٣٥ تا ٣٥١ آمده است.

باری حاجی نوری گوید: مردم دربارهٔ رجال ابن‌داود سه دسته‌اند ستاینده ونکوهنده ومیانه‌رو: پدرشیخ بهائی حسین پسرعبدالصمد در آغاز کتاب درایة خویش این کتاب را بی‌نیاز کننده از مانند خود دانسته، وملاعبدالله شوشتری درشرح تهذیب آنرا بی‌ارزش ونادرست خوانده، وشاگردش سید حسین تفرشی درنقدالرجال آنرا کتابی نیکو ولی پرغلط شمرده است. ولی بیشتر نادرستیهای این کتاب بسبب جابجاشدن نشانه‌های آنست که‌بدست نویسندگان نسخه‌ها انجام شده، چنانکه گفتاری از (کش) میآورد ومآنرادرآنجانمییابیم وپس‌ازبررسی درست آشکارمیگردد که‌نویسندهٔ نسخه(جش) را (کش) نوشته است. وبهرحال

(١) اعیان الشیعه ج ٢٢ ص ٣٤٢ تا ٣٤٣.
(٢) همهٔ نسخهٔ این منظومه‌رادراعیان الشیعه ج ٢٢ ص ٣٤٣ تا ٣٤٩ آورده‌است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اکنون نادرستیهادراین کتاب هست وتمیتوان آنرابیگانه مدرك کارخودبسازیم.
صاحب ریاض‌العلماء نادرستیهای رجال ابن داود را دراثر دگرگونی نسخه‌ها شمرده گوید: ابن‌داود از نسخه‌یی نقل کرده ونسخه دیگرآن کتاب دگرگون بوده است، و این نیز درست نیست، چه ناسازگاری نسخه‌ها همه‌جا وهمه وقت بوده، پس چرا فقط ابن‌داود تااین‌اندازه دچار آن شده‌است؟.

دردیباچه، کتابهای رجال و فهرست طوسی و کشی و نجاشی و رجال برقی و ابن غضائری را مدرك کار خویش شمرده و سپس بابتکار خود دربکار بردن نشانها (۱) اشارت نموده وفهرست آنها را چنین آورده است:

کش = کشی.
جش = نجاشی.
خج = رجال شیخ طوسی.
ست = فهرست شیخ طوسی.
فی = برقی.
عق = علی‌بن احمدالعقیقی.
قد = ابن‌عقده.
فش = فضل‌بن شاذان.
عب = ابن‌عبدون.
غض = ابن غضایری.
یه = ابن‌بابویه.
فض = ابن‌فضال.
ل = رسول خدا.
ی = علی.
ن = حسن.
سین = حسین.
بن = زین‌العابدین.
قر = باقر.
ق = صادق.
م = کاظم.
ضا = رضا.
د = جواد.
دی = هادی.
کر = عسکری.
لم = کسی که روایت ندارد. (لم یروعنهم)

سپس چندزنجیرهٔ روایت خود را تا امام یادنموده وبکتاب آغاز کرده‌است.

آغاز بخش یکم: الحمدلله‌الذی وفقنی للتخلی‌عن‌الحرکات‌الدنیویة، والنظر

(۱) دربارهٔ نشانها در کتابهای رجال‌ص۵۴۹ و ۵۵۴ نیز دیده شود.

فی‌المهمات الاخرویة ... و بعد فانی لمانظرت فی‌اصول الفتاوی‌الفقهیه ... رأیت من لوازم هذه‌القضیة‌النظرفی‌الاحادیث الامامیة ورجالهاالمرضیة و غیر المرضیة فصنفت هذاالمختصر ...

انجام: (کلثم) الکرخیة، روی عنهاعبدالرحمان‌الشعیری ... (فاطمة) بنت هارون‌بن موسی ... لم یسمع منها غیرهذا. تم‌الجزءالاول.

آغاز بخش دوم: امابعد حمدالله علی افضاله، والصلاة علی سیدنا ... فانی لما انهیت‌الجزءالاول ... وجب ان اتبعه بالجزءالثانی‌المختص بالمجروحین والمجهولین، اذبمعرفتهم یتم غرض‌الناظر فی‌الاحادیث ... وهذاالقصد وان کان منهیاً عنه بقوله: والذین یحبون أن تشیع‌الفاحشة ...

انجام: ابوهارون‌المکفوف. قر. کش: طعن فیه طعناًعظیما. ابویعقوب البعمری. کش: زیدی. تم‌الکتاب.

[۲۲۳]

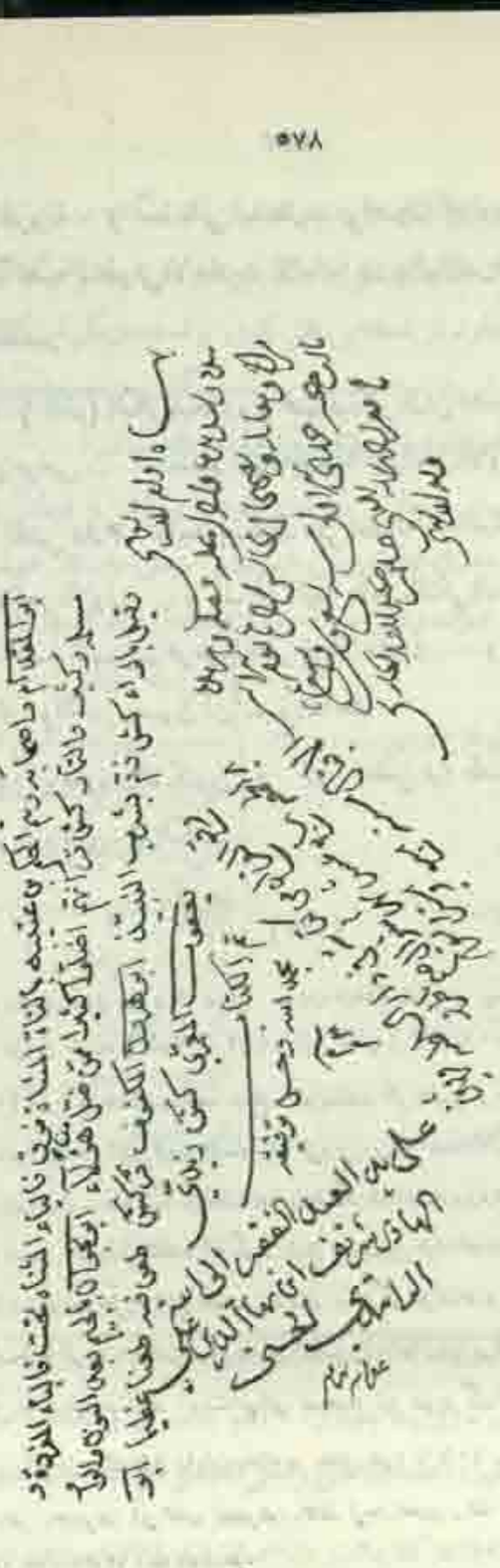
۵۴۵ (۱) دردفتری جای دارد که درایهٔ حسین عبدالصمد پدر بهائی (گ ۱ـ تا ۳۶) و درایهٔ شهید (گ۳۷ـ۴۲) و این کتاب (۴۳ـ۱۰۱) و فهرست طوسی (۱۰۱ـ۱۴۱) آنرا گرفته‌است.خط نسخ. نویسنده شریف پسر بهاءالدین علی رامندی حسنی است، وآنرا درشهر (دارالسلطنة) قزوین بروز جمعه ۱۷ شوال سال ۹۶۷ ق بپایان رسانیده است. عنوانها وفاصله‌ها با شنگرف‌است، وروی نامها خط شنگرفی کشیده شده است. گویانویسنده شاگرد شیخ حسین‌بن عبدالصمد پدرشیخ بهائی بوده وکتاب‌درایهٔ استاد خویش واین کتابرا دنبال یکدیگر نوشته، وسپس براستاد خوانده ومقابلت وتصحیح کرده، واستاد درپایان کتاب‌درایه‌اجازه‌یی برای‌اونگاشته که گراور آن درصفحهٔ بعد دیده میشود. ونشانهای تصحیح نیز دربرگهای کتاب دیده میشود.

بخش یکم دربرگ ۸۴ پایان یافته و بخش دوم تا ۱۰۱.

همه دفتر (۱۴۱برگ) این‌کتاب (۵۸برگ) ۳۰غلط ازمه لغدی رقك. جلد کمابیش سرخ مقوائی

اندازه ۱۸×۱۲٫۵×۱۸یا۲۵سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۲۸) برگ (۱۰۱ ب) پایان رجال ابن‌داود نسخهٔ (۱۰۴۴) دانشگاه ، نشان صحیح بخانهٔ حسین عبدالصمد بشرحی دست دراست دیدهٔ میشود

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۲۹) پایان صفحهٔ (۳۶ب) نسخهٔ شماره ۱۰۴۴ اجازهٔ حسین عبدالصمد بنویسندهٔ داریه جود و رجال ابن‌داود

[۲۰۶] رجال طوسی (رجال – عربی)

یکی از پنج پایهٔ راوی شناسی نزد شیعیان (۱) این کتاب میباشد که شیخ طوسی آنرا گرد آورده است.

نگارنده ابوجعفر محمد پسر حسن پسر علی معروف بشیخ طوسی است که بسال ۳۸۵ق در طوس بزاد ودر ۴۰۸ق بعراق عرب رفت و ببغداد سکنی گزید وبسال ۴۴۸ق زدوخوردهای شیعی ـ سنی بغداد اورا ناگزیر کرد درنجف بماند، وهمانجا درسال (۴۶۰ق) درگذشت ودرمسجدی که تاکنون بنام اوست ودرشمال صحن امیرالمؤمنین میباشد بخاك سپرده شد. اندکی از زندگی او را در ج ۱ ص ۲۰۱ دنبال نام « مختصر تبیان » یاد کردم.

این کتاب بترتیب طبقات میباشد وروایت کنندگان از پیغمبر وهریك از امامان

(۱) ص ۴۸۲ این مجلد دیده شود.

یازده گانه را در بابهای جداگانه آورده ، و یاران امام دوازدهم که غایب است نیاورده ، ودرعوض باب سیزدهمی برای کسانی که ازهیچ یك از ایشان روایت ندارند ساخته است. ملاعنایت‌الله قهپائی شاگرد ملااحمدمقدس اردبیلی (م۹۹۳ق) وملاعبدالله شوشتری(م۱۰۲۱ق) این کتاب‌راترتیب حرفهای‌الفباء بسیجیدمو از نو کتابی ساخته اند . (ذریعه ٤ : ٦٥) .

گویا شیخ در آغاز کار میخواست فقط نام و نژاد یاران هریك از امامان را بشناساند، وتایاران امام کاظم‌همین روش‌را بکار برده‌است،ولی‌پس‌از آن‌ازدرستی ونادرستی هریك نیز گفتگو کرده است (دیباچهٔ تنقیح‌المقال ص ۲۱۷) .

این کتاب که درپیرامن (۳۷۰۰ بیت نوشته) دارد تا کنون چاپ نشده است .

آغاز : الحمدلله حق حمده والصلاة . . . امابعد فانی اجبت الی ما تکرر سؤال الشیخ‌الفاضل فیه من‌جمع کتاب یشتمل علی‌اسماءالرجال‌الذین‌رووا‌عن‌النبی (ص) و عن‌الائمة (ع) من بعده الی زمن‌القائم (ع) ثم اذکر بعد ذلك من تأخر زمانه عن‌الائمة من رواة‌الحدیث اومن عاصرهم . . . ولااضمن انی‌استوفی . . .

انجام : روی عنهم احمدبن ابی عبدالله (باب‌النساء) فاطمه بنت هارون بن موسی . . . ولم یسمع منها غیرهذا تمت‌الکتاب .

دردیباچه میگوید کسی از هم مذهبان ما کتاب بزرك دراین باره نساخت که همه راویان را فراگیرد جز ابن‌عقده که همهٔ راویان از صادق را گرد کرد و او نیز یاران دیگر امامان نپرداخت .

[۲۲٤]

۸۳۹ دردفتری با فهرست‌طوسی جلد شده وبرگهای (۱–۸٤) راگرفته. خط نسخ . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی پیداست که درسدهٔ سیزدهم نوشته شده . همهٔ رویه‌ها دارای دوجدول ، درونی با زرولاژورد ،وبرونی با سیاهی است . پشت برك (۲–الف) تملك یحیی پسرمحمد شفیع اصفهانی بسال ۱۳۱٦ دیده میشود .

همه دفتر۱۴۴ برك این کتاب ۸۴ برك . کاغذ فرنگی سفیدآهارمهره شده . جلد لیقاج سرخ فشاری . اندازه ۱۴×۲۱ و ۸/۵×۱۴/۵ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۲۵]

۸٤۷ نسخه همراه فهرست شیخ طوسی در یك جلد است و برگهای (۱ تا ۷۹) آنرا گرفته است . خط نسخ . نام نویسنده ندارد. تاریخ‌ندارد ولی‌فهرست شیخ که دنبال‌آن وباهمین خط‌است، درچهارشنبه ۱۹صفر۱۲۸٤ ق پایان یافته‌است . عنوان ها با شنگرف ولاژورد وزودی نوشته شده است .

همه دفتر برك این کتاب ۷۹ برك . کاغذآهارمهره‌فرنگی سفید . جلد لیقاج سرخ مقوائی اندازه : ۲۵ × ۳۵ و ۸ × ۱۷ ؛ ۲۱ سطر .

[۲۲۶] روضة‌الاحباب (تاریخ – فارسی)

فی سیرة النبی‌والآل والاصحاب

خاندان دشتکی شیرازی یکی از خاندانهای نامدار پایان دورهٔ تیموری وآغاز صفوی درشیراز بوده‌است ، پس‌ازتغییر مذهب‌رسمی کشور ایران ازسنی به شیعی ، اشراف‌وسران‌خاندانها ناگزیرازعوض کردن‌آئین خودبودند،وسران این خاندان نیز این کار کردند ، وبرای روشن شدن (استبصار) وگاهی‌برای شیعی‌بودن‌وپنهان کاری (تقیه) نیاکان‌خویش داستانها ساختند وخوابهادیدند(۱) سران‌این‌خاندان که‌اشرافیت‌را بادانش وفرهنك کلاسیك روزگارخویش جمع کرده بودند ، خودپسندی بسیار نشان میدادند(۲) وتغییرآئین نیزپایهٔ مذهب را درایشان سست کرده‌بود (۳) یکی ازافراد این‌خاندان‌نگارندهٔ «روضة‌الاحباب»

(۱) قاضی‌نورالله‌درمجلس پنجم‌ازمجالس‌المؤمنین‌گوید همهٔ این‌خاندان ازترس سنیان تقیه میکردند وحدیثهای سنیان برمنبرها می گفتند ، تا اینکه یکی ازایشان درجواب کتاب «مشکوة» را نزد پیغمبر برد و او برحدیثهای سنی الگشت محو کشید وجای الگشت تا کنون‌بر نسخهٔ‌این کتاب‌دیده میشود،وآن نسخه درخاندان‌آنهادرشیراز هست ، ونخستین کس ازایشان که از پنهان‌کاری دست برداشت امیرصدرالدین بود .

(۲) این معنی از گفتگو و مباحثه میرصدرالدین بکم و پسرش غیاث‌الدین بکم با ملاجلال دوانی که درروضات‌الجنات ص ٦٦۸ آمده است آشکار میشود .

(۳) این معنی‌از گفتگوی میرغیاث‌الدین بکم‌درورود گاروزیر بودن با شیخ علی کرکی که اورا متهم‌به بی‌دینی کرده بود ، دربرابرشاه تهماسب ونیزازشراب‌خوارگی پسرش صدرالدین دوم آشکارمیگردد این دوداستان نیز درروضات ص ٦٦۸ و ٦٦۹ دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میر جمال‌الدین عطاءالله پسر فضل‌الله حسینی دشتکی شیرازی هراتی ازدانشمندان نیمهٔ دوم سدهٔ نهم هجری میباشد. برادر پدر او اصیل‌الدین عبدالله دشتکی شیرازی (۸۷۴-ع ۱-۸۰۳ق) نگارندهٔ مزارات هرات میباشد که در روزگار سلطان ابوسعید گورکان (۸۵۵ - ۸۷۳ ق) از شیراز بهرات آمده است. عطاءالله چند سال در آموزشگاه «سلطانیه» هرات و در خانقاه «اخلاصیه» درس میگفت و هفته‌یی یکبار در مسجد جامع هرات وعظ میکرد. وی پسری بنام میرنسیم‌الدین محمد داشته که بپیرك شاه نامدار بوده، و پس ازمرك پدر در آن آموزشگاه بجای او نشست (۱). و حاشیه هائی در رد میزان‌الاعتدال ذهبی (م ۷۴۸ ق) نگاشته است وقاضی نورالله اندکی از آنها را در گزارش زندگی او در (مجلس پنجم) آورده است.

آثار او:- روضة‌الاحباب (جای گفتگو).

- تحفة‌الاحباب. قاضی نورالله گوید: آنرا بنام خواجه مظفر نیکجی استرآبادی نگاشته. وچون شیعیگری از آن آشکار بوده مخدوم‌الملك لاهوری نسخه‌هائی از آن بسوزانید.

- اربعون حدیث (چهل حدیث) در ستایش علی (ع) و در پایان آن برخی قضایای او را یاد کرده و آنرا بنام سلطان شاه عبدالباقی (۲) نگاشته است.

- احوال اولاد امیرالمؤمنین.

نسخهٔ این دو کتاب یسین را صاحب ریاض در ماز ندران یافته، ولی در آنجا نگاشتهٔ کمال‌الدین عطاءالله فرزند فضل‌الله حسینی شمرده شده، و احتمال داده است از غلط نویسنده باشد. صاحب ذریعه نیز نسخه‌یی از این دو کتاب در کربلا و نسخه‌یی در خراسان نشان داده است (ذریعه ۱ : ۴۲۱).

هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بسال ۹۱۷ ق هرات را از دست اوزبکها

(۱) حبیب‌السیر ج ۳ ج ۳ ص ۳۴۸ و ۳۴۹ و مجالس‌المؤمنین مجلس پنجم.

(۲) وی وزیر امیر نجم ثانی فرمانده نیروی قزلباش صفوی درهرات بود، و پس از کشته شدن نجم بسال (۹۱۸ق) عبدالباقی بفرماندهی گماشته شد.

بگرفت جمال‌الدین عطاءالله که واعظ هرات بود بر منبر شد مردم را به پیروی از امامان شیعه بخواند و از شاه صفوی ستایش کرد (ذریعه ۱ : ۴۲۲ نقل از «روضهٔ صفویه» نگارش میرزا بیگ گونابادی).

دربارهٔ شیعی بودن عطاءالله از طرف صاحب مجالس‌المؤمنین وسنی بودن او از طرف صاحب روضات گفتگوی بسیار شده و هردو از گفته‌های او گواه آورده‌اند وهردو نیز راست گفته‌اند، زیرا که سنی گری در آخر روزگار تیموری در خراسان با شیعیگری آغاز روزگار صفوی جزدر نام ودر بدگوئی و تکوهش سه خلیفهٔ نخستین چندان فرق نداشته. کتاب «روضة‌الاحباب» که اندکی پیش از پیروزی صفویان نگاشته شده، دربارهٔ علی و خاندان پیغمبر همان تندروی (غلو) شیعیان را دربردارد، ولی از سه خلیفهٔ نیز ستایش میکند. و آنرا بمیرعلی شیر نوائی (م ۹۰۶ ق) پیش کش کرده و در آغاز دیباچه نام او آورده است.

مرك عطاءالله را احمد در نهت بسال (۱۰۰۰ ق) دانسته و چلبی در کشف‌الظنون (۹۲۶ ق یا ۱۰۰۰ ق) دانسته و صاحب قاموس‌الاعلام ترکی (۹۱۷ ق) نگاشته واین ازهمه درست‌تر میباشد.

جای گفتگو نخستین کتاب اوست که «روضة‌الاحباب» نام دارد صاحب روضات در (ص ۴۷۰) گوید: این کتاب سه مقصد دارد ودر سه جلد است:

۱- گزارش روزگار پیغمبر.

۲- گزارش مردان وزنان ازیاران پیغمبر.

۳- تابعان، وتابعان تابعان، ومحدثان.

نسخهٔ (۹۰۸) دانشگاه بمقصد دوم در احوال یاران آغاز شده و فقط گزارش کارهای چهار خلیفه را دربر دارد بدین ترتیب:- ۳۰ برك نخست تاریخ ابوبکر است، وتا برك (۱۱۶) تاریخ عمر خطاب، وتا (گ ۱۶۵) تاریخ عثمان را دربردارد، وازاینجا تاپایان نسخه را بخشی جداساخته و گزارش کارهای علی تاپایان جنك جمل را آورده است. وازاینجا آشکار میشود که جلد دوم پایان نیافته است ولی در برك (۲۰۲ ب) نویسنده کتاب نوشته است: «تمت الجلد الثالث از روضة‌الاحباب» نگارنده در دیباچهٔ جلد دوم (نسخهٔ دانشگاه) دربارهٔ معنی صحابی (یار پیغمبر) بودن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وطبقه های دوازده گانهٔ صحابه سخنانی از گفتهٔ حاکم نیشابوری آورده.

چلبی گوید: جلد نخست این کتاب سه باب دارد ۱- نژاد پیغمبر ۲- زایچه او ۳- گزارش زندگی او، واین باب درهشت فصل است ۱- زنان او ۲- فرزندان ۳- معجزه‌هایش ٤- صفات او ٥- عبادتهایش ٦- عادتهایش ۷- خصوصیات او ۸- نوکران او. و مقصد دوم دراحوال صحابه و آن نیز در دو بخش است ۱- مردان صحابه ۲- زنان ایشان. ومقصد سوم نیزدرسه بخش است ۱- تابعان ۲- تابع تابعان ۳- متفرقة.

آغاز جلد دوم (۱): لك الحمد یامسبب الاسباب ولك الشكر یامفتح الابواب ... بیامن عواصف جناب امیر ... امیرعلی شیر... مقصد دوم از کتاب روضة الاحباب درمعرفت احوال اصحاب رضی الله عنهم. وآن مشتمل است بردوباب. وپیش ...

[۲۲٦]

۹۰۸ چنانکه دربالا گفتم این نسخه فقط جلد دوم کتاب را در بردارد. ولی نویسنده ازبرگ ۱٦٥ زندگی علی (ع) را مانند بخش جداگانه ساخته ودرپایان برگ ۲۰۲ گوید جلد سوم بپایان رسید. خط نسخ. نام نویسنده و تاریخ ندارد، ولی کاغذ وخط، سدهٔ یازدهم را نشان میدهد. عنوانها یا شنگرف است. تصحیح شده وافتادگیها در کرانه دیده میشود.

(۲۰۳ برگ) کاغذ سمرقندی. جلد مقوائی شکسته له تیماج قهوه‌ای فرسوده.

اندازه: ۱٦×۲٥ و ۱۰×۱۷ : ۳٥ سطر.

[۲۰۸] ریاض الصفا (تاریخ - فارسی)

فی مشاهیر الرجال والنساء
یا «صحائف العالم» یا «مرآت الحق»

فروغ اصفهانی پسر بهجت اصفهانی است (۲) پدر و پسر هردو از شاعران

(۱) اژروی نسخهٔ (۹۰۸) دانشگاه.

(۲) محمد باقر اصفهانی (بهجت) درخاندانی از دانشمندان اصفهان بزاد و درشعر وخط نستعلیق مهارت یافت ودر آغاز پادشاهی محمدشاه دربار او بود، ومنوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان را ستایش گفته و ازین‌روی گزارش زندگیش در «مدایح معتمدیه» آمده است. نسخهٔ مدایح معتمدیه درمجلس هست (فهرست ج ۳ ص ٦۸۲).

نیمهٔ سدهٔ سیزدهم بوده‌اند، پسرمحمد مهدی، وپدرمحمد باقر نام داشته‌اند. فروغ بسال (۱۲۲۳ ق) درتبریز بزاده ودراین وقت پدرش سررشته‌داری عباس میرزا ولیعهد (۱۲٤۹ ق) میداشت، وچون فروغ بزرگ شد بسررشته‌داری فریدون میرزا فرخ پسرعباس میرزا گماشته شد، وازین‌روی گاهی فروغ فرخی تخلص کرده است. هدایت گوید (۱) او همیشه بنگارش کتابها میپرداخت و کتاب صحایف العالم در (صدهزار بیت نوشته) بنگاشت که پنج صحیفه دارد. اکنون (سال ۱۲۸۲ ق) نیزدرتهران دردیوان همایون بسررشته‌داری معاملات میپردازد، ونامه‌های عربی وفارسی اودرتذکرة الشباب، که گزارش زندگی اورا دربردارد گردآمده است. اعتمادالسلطنه (۲) درسال ۱۳۰٦ ق گوید: اوغالباً وقت بنگارش وانظم کتابها میگذرانید. ومنظومهٔ اوبنام «فرخ» کلام در ۱۱۰۰ بیت در کتابخانهٔ ملك هست.

جای گفتگودفتریست که فروغ اصفهانی آنرا برای نخستین‌بار مانندزمینه برای کارهای خویش ساخته است و می‌خواسته پایهٔ یك دائرة المعارف را بریزد، وچون این نسخه چرك‌نویس است، ناسازگاریها ونادرستیها در آن دیده میشود. او پیش‌ازآنکه کتاب را بپایان رساند چندنام برای آن گذارده چنانکه برروی برگها ازبیرون جلد آنرا «مرآت الحق» نامیده ودر (برك-۹) میگوید: فی بیان مقدمات کتاب «صحایف العالم»... الباب الاول فی المسایل الضروریه من المنطق واین‌باب را دوسه برك پایان‌داده وچندبرك سفید گذارده‌ودر (برك-۲۳) گوید هذا کتاب «ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال والنساء» وآنرا دوسه باب بسنجیده باب یکم کسانی که بنام مشهورهستند بخش یکم حرف الف آدم... وتا (برك-۳٥) نام چندین کس را بعربی گزارش داده، ودراینجا یکباره کتاب فارسی میشود و زیر عنوان «انبیاء» گزارش یك یك پیغمبران را آورده است و دو (گ ٥۹) صحابه را آورده، وسپس در (گ ٦۷) ازنو کتابی با این عبارت آغاز کرده: طایفه دوم ازصحیفهٔ اول درذکر اولیاء عظام و اوصیاء کرام ... باب یکم امامان

(۱) مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۳۹٦.

(۲) المآثروالآثار. ن. و ج ۱۰۳٦ ق تهران ص ۲۰٦.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دوازده گانه ودر (ك ۱۰٤) بفرزندان امامان پرداخته ودر (گ ۱۱۲) گزارش دوخليفهٔ نخست يا جملهٔ (عليهماالعنه) ودر (گ ۱۱٦) بنی‌امیه ودر (ك ۱۲۰) فاطميان مصر و در (گ ۱۲٦) خلفای مغرب و (گ ۱۲۸) ايوبيان مصر ودر (گ ۱۳۰) ديلميان و (گ ۱۳۲) سلاجقه و (گ ۱۳٦) وزيران مشهور و (گ ۱۵۰) امیران بنام و (گ ۱۵۷) رئيسان و (گ ۱۸۱) عارفان و (گ ۱۸۹) فيلسوفان و پزشكان و ستاره شناسان و (گ ۱۹۷) فقيهان شافعی و سپس حنفی و مالكی وحنبلی و پس از آنها شيعه ودر (گ ۲۳۷) فقيهان مدينه و (گ ۲۳۹) قاريان هفتگانه و (گ ۲٤۸) قاضيان و گ ۲۵۷ اديبان و گ ۲۸۹ يك فرمان بتركی كه بتاريخ ۱۲۲۱ صادر شده ودر (گ ۳۰۳) شاعران ودر (گ ۳۲۲) ظريفان و گ ۳۲۵ خواننده و نوازندگان و گ ۳۲۷ زنان نامدار و گ ۳۳۵ ايلهای عرب و گ ۳٤۲ ملائكه‌ها و ك ۳٤۳ جنيان و ك ۳٤۵ كيميا و جادوگران. ودر اينجا كتاب ناتمام مانده است.

[۲۲۷]

۱۲۸ نسخه اصل وبخامهٔ نگارنده فروغ‌الدين اصفهانی است نام نگارنده ندارد ولی پيداست كه نسخهٔ چرك‌نويس است ونام نگارنده در برك (۱۵ پ) ديده ميشود. تاريخ ندارد ولی پيداست كه در نيمهٔ دوم سدهٔ سيزدهم نوشته شده.

نسخه دردفتريست كه همه بخامهٔ نگارنده است و در آغاز آن دفتر پنج برك از نهج‌البلاغه را نوشته وسپس چند مسئله ازعلمهای گوناگون (گ ۹) و سپس مخايف العالم فروغ‌الدين اصفهانی (گ ۱۵) و سپس رياض‌الصفا (گ ۲۳) تا پايان نسخه. ولی روی برگهای نسخه بيرون جلد آنرا «مرآت‌الحق» ناميده‌است. گزارشها جدا جدا است و برگهای سفيد ميان آنها بسيار گذارده تا كتابرا بعدها تكميل كنند.

عنوانها با سياهی واندكی درشت‌تر است.

همه دفتر ۲۲۹ برك كاغذ فرنگی آهارمهره نخودی. جلد تيماج دولا برون مشكی درون حنائی كه نيز حنائی است. اندازه: ۱۸×۲۲ و ۱۰×۱۶ : سطرها گوناگون.

[۲۰۹] رياض‌العلماء (رجال - عربی)

وحياض‌الفضلاء

ملا عبدالله افندی پسر ميرزا عيسی بيگ پسر محمد صالح بيگ پسر حاج مير محمد بيگ پسر خضر شاه جبرائی اصفهانی از دانشمندان پركار و از پژوهندگان دانشگاه اصفهان در نيمهٔ نخست سدهٔ يازدهم است. او در پيرامن (۱۰٦٦ق) در اصفهان زاده(۱) ودر پيرامن (۱۱۳۰ق) بدرود زندگی گفته‌است(۲) وی در رياض‌العلماء گزارش زندگی خويش آورده گويد: از پنجسالگی بمسافرت افتادم و نيم عمر خود را درسفرها گذرانيدم سه‌بار بحجاز بحج رفتم و سه بار بخراسان وسه بار بعراق بزيارت رفتم و چند سال در آذربايجان ماندم ودر آنجا يكی ازخويشان را بهمسری گزيدم و اين همسری مرا بيچاره و بدبخت ساخت واكنون كه‌سال (۱۱۰٦ق) است درپيرامن چهل‌سال ازعمرمن ميگذرد. صاحب روضات و ديگران داستان دل خوردگی او از شريف مكه و بازگشت از راه استانبول و ديدن سلطان روم و گرفتن لقب افندی (۳) و بر كنار كردن شريف مكه‌را نيز آورده‌اند. واز گفته‌های خودش دررياض چنين برميآيد كه بمازندران و بحرين نيز رفته است. ودر گزارش زندگی پدرخود (عيسی) گويد ازاشراف اصفهان بود ويكوی شيخ يوسف بنا خانه‌هاداشت ومادر آنجا زندگی ميكرديم و او درچهل سالگی بسال (۱۰۷٤ ق) درگذشت. اين مسافرتها و برخورد باملتهای گوناگون‌افندی‌را ازخشكی وتعصب مذهبی‌فقيهان دوزگارصفوی‌دور كردوبه پژوهشهای علمی‌واداشت. ولی‌اين پيشرفت فكری‌ويژهٔ ملاعبدالله‌افندی نبود و چنانكه درس ۵۵۱ گفتم دانشگاه جوان اصفهان در آغازسدهٔ دوازدهم به پيش‌ميرفت وشاگردان مجلسی پس‌ازمرك اوزمينهٔ كاراورا گسترش ميدادند، ولی درميان ايشان ملاعبدالله افندی جهان ديده و پركار و كم تعصب و دارای نرمش بيشتر بود، وبهمين سبب كمتراز استادخود، (مجلسی) مورد توجه دربار متعصب صفوی بود.

(۱) خود دررياض گويد جوانی خودرا درزادگاه خويش اصفهان گذرانيدم.
(۲) شاگرداوسيدعبدالله شوشتری، دراجازهٔ بزرك خود، مرك‌استادرا دوهفتهٔ پس‌ازهزار آورده است.
(۳) دررياض در گزارش زندگی خويش اين داستان را نياورده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران library.ut.ac.ir

آثار او :

۱- الاجازات.
۲- الامان من النیران
۳- انفعالیة (فقه).
۴- بساتین الخطباء یا « عونة الخطیب » یا « ریاض الازهار » یا « ریاحین القدس »
۵- در سخنرانیهای عید و جمعه‌ها.
۵- تفسیر سورهٔ واقعه بفارسی
۶- حاشیه بر تمهید القواعد شهید
۷- حاشیه بر تهذیب شیخ طوسی
۸- حاشیه بر حاشیهٔ کهنه دوانی برشرح جدید تجرید علامه.
۹- حاشیه بر « حجة الاسلام » محمد طاهر قمی.
۱۰- حاشیه برشرح اشارات.
۱۱- حاشیه برمختصر ابن حاجب (ناتمام).
۱۲- حاشیه برصحیفهٔ سجادیه.
۱۳- صحیفهٔ دوم دنبالهٔ صحیفه سجادیه.
۱۴- حاشیه برمجدی در انساب.
۱۵- حاشیه برمختلف علامه.
۱۶- حاشیه برمسالك فاضل جواد.
۱۷- حاشیه برمشارق خوانساری.
۱۸- حاشیهٔ من لایحضر (ناتمام).
۱۹- حاشیه برمنهج المقال در رجال.
۲۰- حاشیهٔ وافی فیض.
۲۱- حاشیهٔ الهیات شفا.
۲۲- حاشیه برتحریر اقلیدس
۲۳- شرح شافیهٔ ابن حاجب.
۲۴- شرح بزرك الفیه ابن مالك.
۲۵- شرح کوچك بر آن کتاب
۲۶- روضة الشهداء بسه زبان عربی، فارسی و ترکی ۲۷- رسم خطوط ساعات.
۲۸- وثیقة النجات (دائرة المعارف در پنج جلد) ۲۹- لسان الواعظین.
۳۰- خواجه گردانیدن و تشکیل در آخته کردن غلامان.

در ریاض العلماء نام چند کتاب دیگر را نیز که میخواسته بنگارد آورده است، و دانسته نیست که آیا توانست بنگارد یا نه؛ نسخهٔ برخی از این کتابها (مانند خواجه گردانیدن) را فقط صاحب ذریعه نشان داده، و در ریاض نام آنها نیامده است.

۳۱- یکی از کارهای بزرك افندی پاکنویس و راست کردن «بحار الانوار» مجلسی است و چنانکه « در فیض القدسی فی احوال المجلسی » گوید، نگارنده

بحار فقط تا چهارده جلد آنرا راست کرد و در گذشت و از جلد پانزدهم تا بیست و پنجم را شاگرد او ملاعبدالله افندی پاکنویس کرد.

جای گفتگو ریاض العلماء است که بهترین و بزرگترین اثر او است. افندی کتاب ریاض العلماء را در دو بخش تقسیم کرد، در بخش یکم دانشمندان شیعی و در بخش دوم دانشمندسنی را یاد کرد. و هر بخش را در پنج جزء ساخت ۱- نامها ۲- کنیتها (ابو...) ۳- کنیتها (ابن ...) ۴- لقبها ۵- زنان. او به شیعه تراشی قاضی نورالله و دیگران خورده گرفته گوید بایستی واقع بین باشیم و از این روی من کتاب خود را مانند خلاصهٔ علامه در دو بخش ساختم.

بدبختانه نگارنده این کتاب را پاکنویس نکرده در گذشت و نسخهٔ آن بخامهٔ او که چرکنویس است و صفحه های سفید بسیار دارد نزد عباس اقبال در تهران هست، و نسخه هائی که از روی خط او نوشته شده همگی مانند نسخهٔ کتابخانهٔ ملك که در دو جلد است و نسخهٔ سید شهاب الدین قم و نسخهٔ بدرم در نجف همگی نامرتب میباشد، و از همهٔ نامرتب تر نسخهٔ دانشگاه است که جای گفتگوی ما است.

[۲۲۸]

۹۹۳ نسخه خط نسخ نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی پیداست که در پایان سدهٔ سیزدهم و آغاز چهاردهم نوشته شده. خط و تصحیح حاجی میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ق) در کرانه برخی رویه‌ها دیده میشود. عنوانها با شنگرف است. نویسنده مردی دانشمند بوده و هرچه از ریاض بدست آورده رونویس کرده و حاشیه‌های سودمند بر آن افزوده است.

فهرست آنچه در این مجلد گرد آمده چنین است:

بخش دوم (سنیان) از الف تا جیم (ك ۲-۹۰) فواید متفرقه (ك۹۲) باب نون تا باب یاء (شیعه) در (ك ۹۳-۱۵۳) باب زنان (۱۵۳-۱۵۶). فصل دوم بخش اول (سنیان) کنیتها (ابو...) در (ك ۱۵۶-۱۹۲). فصل سوم از بخش یکم (ابن ...) در (ك۱۹۲-۲۰۲) متفرقه (ك۲۰۲). فصل پنجم از بخش یکم کتابها از نگارندگان ناشناس شیعه (ك۲۰۳-۲۱۰) مجلد پنجم از بخش دوم باب نون تا یاء، و باب کنیتها و خاتمه (ك۲۱۰- نوشته نشده است) باب الف کنیتها (ابن...) شیعه (ك۲۱۱-۲۲۴) فصل چهارم از قسم اول: القاب شیعه. باب الف (آوی) تا باب یاء (۲۲۴-۲۴۱) از نو باب الالف

(اسکافی) تا باب العین (۲۴۱–۲۷۹) متفرقه (۲۷۹–۲۸۴) باب غین (غضائری) تا باب کاف (۲۸۴–۲۹۱) باب میم (ماجیلویه) تا باب هاء (۲۹۲–۳۰۰) متفرقه (۳۰۰–۳۰۶) کتیبهای متیان از حرف شین (۳۰۶–۳۱۱) متفرقه (۳۱۱–۳۲۰) باب الف تا باب یاء متیان (۳۲۱–۳۳۳) زنان (۳۳۳ – ۳۳۷) فصل پنجم باب الف (۳۳۷) باب نون ناصرخسرو ومقدمهٔ فارسی دیوانش (سرگذشت ناصرخسرو) تا باب یاء (۳۴۱–۳۷۰) خاتمهٔ دربنج فصل (۳۷۱–۴۰۱) فصل دوم بخش دوم (این ...) (۴۰۲–۴۱۵) باب ضاد (ضبی) تا باب الیاء (یافعی) مرتب (۴۱۵–۴۵۴) متفرقه (۴۵۵ – ۴۵۸) خاتمه تاریخ خلفاء وفهرست مذاهب اسلامی وفایده‌های دیگر (۴۵۸تا۵۴۰) پایان.

(۵۴۰ برگ+۳۷ برگ سفید). کاغذ سفید آهارمهره فرنگی. جلد تیماج سرخ ملوانی

اندازه: ۲۱×۳۱ و ۱۲×۲۳ : ۲۶ سطر

[۲۱۰] **الزاهرة** (جغرافی – عربی)

این کتابچه منظومه‌ایست درصدبیت که شیخ بهائی آنرادرتوصیف شهرهرات سروده است. درديباجهٔ آن گوید چند روزی درقزوین بدرد چشم دچار شدم و برای آنکه بی کار نباشم بسرودن این بیتها پرداختم وبدین نظم نامیدم. بخشهای این منظومه چنین است:

۱– کلیانی ازچگونگی شهرهرات ۲– درهوای آنشهر.
۳– درآب شهر.
۴– زنان آن، دراینجا شیخ خودرا دلباخته زنان هرات نشان میدهد.
۵– میوه‌های آن شهر وفراوانی و ارزانی آن.
۶– انگور آن دراینجا گوید ۸۰ گونه انگورهست، وچهارتای آنرا نظم برده.
۷– خربزهٔ هرات.
۸– چگونگی آموزشگاه «میرزا» درهرات.
۹– چگونگی بخش گازرگاه که ازگردشگاههای هرات است.
۱۰– افسوس از گذشتن روزگاری که درآن شهر زیسته است.

آغاز:

الحمدلله العلی العالی ذی المجدوالافضال والجلال

انجام:

وانت یا سوالف الایام علیك منی اطیب السلام

[۲۱۱] **صفرنامهٔ ابن الشیخ** (سفرنامه – فارسی)

شیخ محمدحایری معروف ابن الشیخ سومین پسرشیخ زین العابدین معروف بآیة‌الله مازندرانی پسر مسلم بارفروشی مازندرانی میباشد. شیخ زین العابدین از روحانیان درجهٔ اول ساکن کربلا (م ۱۳۰۸ ق) و نگارنده «ذخیرة المعاد» میباشد که همهٔ رواحانیان پس از او، آنرا حاشیه نگاشته‌اند و بارها درایران وهند چاپ شده است. شیخ زین العابدین سه پسربنام عبدالله وعلی ومحمد داشته وسومین ایشان بعدها لقب ابن الشیخ گرفت. اودر کربلابسال (۱۲۸۲ ق) زاده و بر پدرعلم آموخت و پس از مرك پدر (۱۳۰۸) شاگرد میرزا حبیب‌الله رشتی بود و پس از مرك او (۱۳۱۲ ق) بخواهش مریدان پدرش بهندوستان رفت ودرپیرامن چهارده‌سال درآنجاماند. برخورد باملتهای گوناگون اورابسیاست استعماری غرب آگاه کرد و بآزادیخواهی کشانید و پس از بازگشت بایران با مشروطه خواهان همکاری کرد و پس از بمباران مجلس در (۲ تیر ۱۲۸۷ = ۲۳ ج – ۱۳۲۶ ق) وتسلط شاه برمردم وی بنجف رفته روحانیان آنجا آخوند محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی را به هواخواهی از مشروطیت تشویق میکرد. ولی چنانکه میدانیم روزگارسیاه که بنام «استبداد صغیر» خوانده شده کوتاه بود، و در (۱۵– اردیبهشت ۱۲۸۸ = ۱۴ ج ۲ – ۱۳۲۷ ق) قزوین بدست آزادیخواهان افتاد وسپس در (۲۵ تیر ۱۲۸۸ = ۲۷ ج ۲ – ۱۳۲۷ ق) تهران نیز بدست مردم افتادوشاه فرار کردومجلس دوم گشوده شد، پس آزادیخواهان بکشور باز گشتند، و ابن الشیخ نیز ازنجف بایران باز گشت و ازطرف دولت ملی بعنوان نخستین رئیس دیوان کشورمنصوب ودوسال این کار را انجام میداد

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی نتوانست با مسیو برتی مستشار فرانسوی دادگستری همکاری کند و از کار کناره گرفت، وسپس مدتی نیابت تولیت مدرسهٔ سپهسالار باو واگذارشد واز آن نیز کناره گرفت، ودر پیرامن سال (۱۳۴۰ ق) بقم رفت ودر ۲۳- ج ۲- ۱۳۵۰ق بسکته قلبی در گذشت ودر مسجد بالاسر ضریح معصومه (ع) بخاکش سپردند.

سفرنامهٔ جای گفتگو گزارش روزانه اوست از روز حرکت از نجف برای بازگشت بایران پس ازقرارشاه تارسیدنش بابنجا. ودارای مطالب تاریخی سودمند میباشد. دراین کتاب ازپرسش جعفر که اکنون بنام جعفرجهان وکالت دادگستری میکند و از دامادش محمدباقر که اکنون درتهران بنام شیخ محمد باقر ریاست دادگاه شرع داردنام برد. ازاین سفرنامه چیرگی اوبردانشهای کلاسیك روزگار خود و نیز اطلاعات ریاضی و ستاره شناسی او آشکار میشود همه جا دانشمندان و روحانیان شهرها بدیدارش میآیند، روز عید غدیر - ۱۸ - ذیحجه ۱۳۲۷ ق برابر اول سال ۱۹۱۰ م در کاظمین مانده وروزبعد بسوی ایران حرکت میکند همان روز دربعقوبه است و میگوید بار سوم است که باین شهر آمده‌ام یکبار سال ۱۳۰۵ق بود. روز ۲۲ ذیحجه ملاقربانعلی (۱) که مشروطه‌خواهان تبعیدش کرده بودند بآنجا میرسد ویااو برخورد میکند وچون ملا ازمشروطه گله میکند ابن‌الشیخ میگوید: «آثار بدی که ظاهر شده (۲) تقصیر مشروطه نیست». بکرمانشاه که میرسد بنائب‌السلطنه وسپهدار آگاهی میدهند وفرماندار کرمانشاه ازطرف دولت اورا گرامی میدارد، دراینجا ازمجالس مجاهدین وتجار قفقازی (۳) دیدار

(۱) ملاقربانعلی از آخوندهائی است که بقاء وپایداری روحانیت را وابسته به برقراری حکومت اشراف میدانست وبا آزادیخواهان ستیزها کرد و مردم شهر خود زنجان را چندبار بخون کشید، ولی چون آزادیخواهان پیروزشدند بجای اینکه اورا اعدام کنند اورا بعراق عرب راندند.

(۲) گویا ابن‌الشیخ از کسانیست که گمان میکردند مردم ایران فقط ازقدرت وزور اشراف ودولتیها بیزارهستند واگر ازدست ایشان رهاشوند بقدرت ونفوذ روحانیان سرفرود میآورند، چون دراین هنگام میدید مردم پس ازفراردادن شاه، ازسر شیخ فضل‌الله‌ها و ملاقربانعلی‌ها نیز دست برنداشتند، نگران شده است. (۳) نباید فراموش کرد که آزادیخواهان ایران همیشه باسوسیال دمکراتهای قفقاز رابطه داشتند.

میکنند، مردم کرمانشاه که ازانجمن ایالتی خودناراضی بوده تجدیدانتخابات را ازاومیخواهند ولی اوروی پنهان کرده‌است. دردولت‌آباد عضدالسلطان برادر محمدعلی شاه فراری ازاو دیدن کرده و از برادرخود بیزاری میجوید.

آغاز: روزچهارشنبه سیم شهرذی‌قعدةالحرام سنهٔ یکهزاروسیصدو بیست وهفت هجری مطابق بیست وپنجم ماه عقرب تقریباً چهار ساعت بغروب مانده از خوانه (چنین) بیرون آمدم. ساعت نه ودقیقه...

انجام نسخه دانشگاه افتاده است. و تا تاریخ ۲۳ محرم سال ۱۳۲۸ را دربردارد که نگارنده بدلیجان رسیده است.

ابن‌الشیخ کتابچه‌یی بنام «تمیزیه» یا «قانون دیوان عالی تمیز» درذیحجهٔ همان سال ۱۳۲۸ ق که بتهران رسید در ۱۴۹ ماده بنگاشت و در (۵۴ ص) درتهران درچاپخانهٔ تهران بسال ۱۳۲۹ ق چاپ کرد.

[۲۳۰]

۸۸۰ نسخه بخامهٔ خود نگارنده ابن‌الشیخ خط نستعلیق. روزبروز درپایان سال ۱۳۲۷ و آغاز ۱۳۲۸ق نوشته شده است. صفحه شمار جداگانه دارد ومیان صفحه‌های (۶-۱۱ و ۱۶-۴۹) دوجا افتادگی دارد.

دردفتری جا دارد وبرگهای ۹ تا ۳۸ آبراگرفته است.

هفدهٔ دفتر ۱۰۸ برگ این کتابچه ۲۹ برگ است. کاغذ فرنگی سفید، جلد مقوائی روپوش مشکی که لبهایش سبز. اندازه: ۹×۱۷ و ۱۳×۲۰: ۱۴ سطر.

[۲۱۲] **سلم‌السماوات** (تاریخ رجال)

شیخ ابوالقاسم پسر ابوحامدپسرنصرالبیان انصاری کازرونی، شاگرد وحیه‌الدین سلیمان قاری فارسی‌است، که او شاگرد غیاث‌الدین منصوردشتکی (م ۹۴۸ ق) بوده است. شیخ ابوالقاسم درنیمهٔ دوم سدهٔ دهم و یا آغاز یازدهم این کتاب را درگزارش زندگی شاعران و فیلسوفان و اشراف روزگار ساخته، وزندگی خویش نیز در آن گزارش داده است. گویا نگارنده نوادهٔ

نصرالبیان (۱) پسر نورالبیان فیلسوف و صاحب کتاب «حقیقةالواجب تعالی» باشد، که در (ذریعه ۷: ۵۰) یاد شده است.

نسخه‌یی ازاین کتاب نزد صاحب روضات بوده و او در آن کتاب (ص ۶۶۹) از آن نقل کرده است.

جای گفتگو گلچینی ازاین کتاب است که دنبال نسخهٔ أمل‌الآمل شیخ حر که در (ص ۵۰۵ تا ۵۰۸) آنرا یاد کردم آمده‌است. دست‌چین کننده محمدابراهیم نیریزی است. او نخست أمل‌الآمل را کوتاه کرده و سپس سلم‌السماوات را نیز در دنبال آن کوتاه کرده است.

[۲۳۱]

۱۸۹ نسخه در دفتر پست و (گ ۶۸-۷۶) آنرا اگرفته خط نسخ نویسنده خود گردآورنده محمدابراهیم نیریزی است که در پایان سدهٔ سیزدهم آنرا نوشته است.
دیگر خصوصیات نسخه در (ص ۵۰۸) یاد شده است.

[۲۱۳] **شاهد صادق** (همه گونه - فارسی)

نگارنده. میرزاصادق صادقی (۲) اصفهانی ازدانشمندان ایرانی سدهٔ یازدهم (ز ۱۰۱۸ م ۱۰۶۱ ق) درهندوستان و جدمیرزاطاهر نصرآبادی است. نخودش گزارش زندگی خویش درمطلع دوازدهم ازجلد سوم «صبح صادق» آورده گوید (۳) بسال (۱۰۱۸ق) دربندرسورات هندوستان زاد، وپدرش محمدصالح کاردارمیرزا عبدالرحیم‌خان خانان (۴) می‌بود. در ۱۰۲۷ ق بابدر بالهٔ آباد شد و چند سال درپتنه و جونپور دانش آموخت و در ۱۰۳۵ ق با پدر به کن رفت ودر ۱۰۳۶ق واقعه‌نویس شاه جهان شد، وشاه جهان اورا بشهره جهانگیر نگره

(۱) چنانکه از (ذریعه ۷: ۵۰) برمی‌آید نصرالبیان تا ۹۸۹ ق زنده بوده است.
(۲) تخلص شعری صادقی را اقبال از فهرس ریو ج ۲ ص ۷۷۵ و ج ۳ ص ۸۸۹ و ۱۰۹۳ آورده است.
(۳) بنقل ازمجلهٔ یادگار سال دوم شمارهٔ چهارم ص ۲۰.
(۴) عبدالرحیم خانخانان از سرداران اکبر شاه و جهانگیر پادشاه بود و در (۹۶۶-۱۰۳۶ق) میزیست و «واقعات بابری» را اوبفارسی گردانیده‌است.

پایتخت بنگاله فرستاد، و با رتبهٔ بخشی بدستور قاسم خان فرماندار بنگاله با یکی ازسران افغان جنگید. وپس‌ازمرگ قاسم خان پسرانش بصادقی بی‌مهر شده بزندانش افکندند ودر ۱۰۴۸ ق از زندان سلیم‌آباد بنگاله رهائی یافت وآزادانه گوشه‌نشینی گزید.

نواده‌اش میرزا طاهردر «تذکرهٔ نصرآبادی» گوید (۱): چون‌هنگام اسب جهانیدن افتاد و یك چشم او کورشد چشمی ازمینا بجای آن نهاد و بمیرزا صادق مینا(۲) نامبردارشد، ازدانشها بویژه‌هندسه و حساب و استرلاب بهره‌ور بود، وبااین‌همه‌درسپاهیگری نیزسرآمدبود،دردریاخشکی جنگهای مردانه کرد وگزارش آنرا بسرود و برای من فرستاد ودر (۱۰۶۱ق) در گذشت.

ازاین مرد دوائر بدست مانده یکی «صبح صادق» درتاریخ که ازآغاز اسلام تاسال (۱۰۴۸ ق) را سدهٔ بسده گردآورده است ودرآن گزارش زندگی مردان تاریخ را بسیار یاد کرده است. نسخهٔ این کتاب در بریتش موزیوم هست (فهرست ریو ج۳ ص۸۸۹). ودیگر شاهدصادق است که‌جای گفتگواست.

وی این کتاب را در پیرامن سال ۱۰۵۶ ق در پنج باب و یك پایان‌نامه نگاشت وفهرست آن‌درنسخهٔ‌دانشگاه‌چنین‌است: باب یکم مذهب (گ ۴ تا ۸۰) دوم سیاست (گ ۸۰ تا ۱۴۲) سوم هنر و دانش (ك ۱۴۲-۲۴۲) چهارم خوب و به (دوستی، دشمنی ودارائی نادری) (ك ۲۴۲-۳۰۷) پنجم تاریخ وجغرافیای آسمان وزمین (ك ۳۰۷-۴۲۰) پایان‌نامه درضبط اسماء.

دراین پنج‌باب‌همهٔ دانشهای کلاسیك روزگار خویش را گرد آورده ومانند دائرة المعارف ساخته است وهرباب را بچند فصل بخش کرده، و اینك فهرست فصلهای‌این کتاب:

(۱) تذکرهٔ نصرآبادی چ تهران ۱۳۱۴ ص ۶۴.
(۲) ابن یوسف شیرازی درفهرست کتابخانهٔ مجلس (ج۳-ص۲۶۶-۲۶۷) تخلص میرزا صادق‌را مینا پنداشته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

باب یکم در مذهب صد و هفت فصل دارد

فصل شمار	گفتار	برگ شمار	فصل شمار	گفتار	برگ شمار
۱	ستایش خدا	٤	۲۸	کیش هندیان	۲۳
۲	وجود پروردگار	افتاده	۲۹	فسق	۲٤
۳	یکانگی خدا	۵	۳۰	توبت	۲۵
٤	شناخت خدا	٦	۳۱	پشیمانی	۲٦
۵	کردار و صفات خدا	۹	۳۲	تکلیف	۲٦
٦	تسبیح	۹	۳۳	نیت	۲۷
۷	مناجات	۱۰	۳٤	دانستن و کردن	۲۷
۸	دعا	۱۰	۳۵	جبر و اختیار	۲۷
۹	بعثت پیغمبر	۱۱	۳٦	قضا و قدر	۲۸
۱۰	درود بر او	۱۱	۳۷	خوشبختی و بدبختی	۲۸
۱۱	معراج	افتاده	۳۸	عزت و ذلت	۲۹
۱۲	ستایش چهار خلیفه	۱۲	۳۹	ثواب و گناه	۳۰
۱۳	دوستی خاندان پیغمبر	۱۳	٤۰	بندگی	٤۱
۱٤	یاران او	۱٤	٤۱	پرهیزکاری	۳۱
۱۵	پیغمبری	۱۵	٤۲	پاکی	۳۳
۱٦	ولایت	۱٦	٤۳	اذان	۳۳
۱۷	معجزه	۱۷	٤٤	نماز	۳٤
۱۸	کرامت	۱۸	٤۵	روزه	۳۵
۱۹	ایمان و اسلام	۱۸	٤٦	زکات	۳٦
۲۰	اجتهاد و تقلید	۱۹	٤۷	حج	۳۷
۲۱	اختلاف مذهبها	۱۹	٤۸	کعبه	۳۷
۲۲	رافضیان	۲۱	٤۹	قبله	۳۸
۲۳	مدعیان خدائی	۲۲	۵۰	شناخت قبله	۳۹
۲٤	کفر	۲۲	۵۱	مسجد	۳۹
۲۵	—	افتاده	۵۲	تصوف	٤۰
۲٦	—	افتاده	۵۳	وجد و سماع	٤۱
۲۷	تناسخ	۲۳	۵٤	پیر و مرید	٤۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فصل شمار	گفتار	برگ شمار	فصل شمار	گفتار	برگ شمار
۵۵	ریا	٤۲	۸۲	ستایش و نکوهش	۵۸
۵٦	مخالفت با نفس	٤۳	۸۳	ذکر جمیل	۵۹
۵۷	ریاضت	٤۳	۸٤	خوبان و بدان	۵۹
۵۸	تجرد و تعلق	٤٤	۸۵	احسان	۵۹
۵۹	توکل	٤۵	۸٦	مکافات و کیفر	٦۰
٦۰	قناعت	٤٦	۸۷	بخشایش	٦۱
٦۱	شکیبائی	٤٦	۸۸	میانجیگری	٦۲
٦۲	شکر	٤۷	۸۹	انتقام	٦۳
٦۳	شکایت	٤۸	۹۰	حلم	٦۳
٦٤	رضا و تسلیم	٤۸	۹۱	شرم	٦٤
٦۵	اخلاص	٤۸	۹۲	رحم	٦۵
٦٦	یقین	٤۹	۹۳	سختی و نرمش	٦۵
٦۷	ثبات	٤۹	۹٤	مدارا	٦۵
٦۸	ترس	٤۹	۹۵	خشم	٦٦
٦۹	امید	۵۰	۹٦	رشك	٦۷
۷۰	ناامیدی	۵۱	۹۷	آز = حرص	٦۷
۷۱	امن	۵۱	۹۸	طمع	٦۸
۷۲	خوش‌خلقی	۵۱	۹۹	استغناء	٦۸
۷۳	عادت	۵۲	۱۰۰	کرم	٦۹
۷٤	ادب	۵۳	۱۰۱	جوانمردی و فتوت	۷۱
۷۵	شکسته‌نفسی	۵٤	۱۰۲	منت	۷۱
۷٦	حسن‌ظن	۵۵	۱۰۳	اخبار کرام	۷۲
۷۷	تواضع	۵۵	۱۰٤	سؤال	۷۵
۷۸	سلام و درود	۵٦	۱۰۵	هدیه	۷۸
۷۹	تکبر	۵٦	۱۰٦	اسراف	۷۸
۸۰	غرور	۵۷	۱۰۷	بخل	۷۹
۸۱	تفاخر	۵۷			

باب دوم سیاست و در آن هفتاد و هفت فصل است

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
۱	سروری و ریاست	۸۰
۲	خلافت و پیشوائی	۸۰
۳	پادشاهی	۸۱
٤	پادشاهان بزرگ	۸۳
٥	هیبت	۸۳
٦	حفظ ناموس پادشاهی	۸٥
۷	فرمان شاه	۸٦
۸	سیاست	۸٦
۹	هیبت	۸۸
۱۰	آگاه بودن	۸۸
۱۱	فرصت	۹۰
۱۲	مشورت	۹۰
۱۳	تدبیر	۹۱
۱٤	عزم و حزم	۹۱
۱٥	شتاب و آرامش	۹۲
۱٦	آزمایش	۹۲
۱۷	عمل فرمودن	۹۲
۱۸	عزل و نصب	۹٤
۱۹	وزارت	۹٥
۲۰	کارمندان	۹۷
۲۱	دبیری	۹۸
۲۲	سفیران	۹۸
۲۳	دهقانان	۹۹
۲٤	کشت	۱۰۰
۲٥	دادگستری و قضا	۱۰۰
۲٦	فتوی	۱۰۲
۲۷	محتسبی	۱۰۳
۲۸	اجرای حد	۱۰٤
۲۹	معاملات و خصومات	۱۰٤
۳۰	رشوت	۱۰٤
۳۱	گواهی	۱۰٥
۳۲	سوگند	۱۰٥
۳۳	داد	۱۰٦
۳٤	ستم	۱۰۸
۳٥	کشتن	۱۰۹
۳٦	قصاص و دیت	۱۱۰
۳۷	غارت و اسیر کردن	۱۱۰
۳۸	زندان کردن	۱۱۱
۳۹	باردادن	۱۱۱
٤۰	زینت و آرایش	۱۱۲
٤۱	تاج و تخت	۱۱۲
٤۲	سکه و خطبه	۱۱۳
٤۳	علم و درایت	۱۱٤
٤٤	نوبت	۱۱٤
٤٥	مهر و خاتم	۱۱٤
٤٦	خیمه	۱۱٥
٤۷	فرش	۱۱٥
٤۸	نشستن با دانشمندان	۱۱٥
٤۹	هم نشینی با شاه	۱۱٥
٥۰	آداب ندیمی	۱۱۸
٥۱	سوار و پیاده شدن	۱۱۸
٥۲	لشکر کشی	۱۱۹
٥۳	جنگ و آشتی	۱۱۹
٥٤	زره و سلاح	۱۲۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
٥٥	جنگ و شهید شدن	۱۲۲
٥٦	شجاعت	۱۲۳
٥۷	فرار	۱۲٥
٥۸	جنگهای نمونه	۱۲٥
٥۹	برخی تدبیرها	۱۲٦
٦۰	چگونگی و چندی سپاه	۱۲۷
٦۱	سالار سپاه	۱۲۸
٦۲	بسیج سپاه	۱۲۸
٦۳	مرسوم دادن بسپاه	۱۲۹
٦٤	سپاه داشتن	۱۳۰
٦٥	نگاه داشت مراتب سپاه	۱۳۱
٦٦	نام و لقبها	۱۳۲
٦۷	خدمت	۱۳٦
٦۸	خدم و حشم	۱۳٦
٦۹	تربیت یافتگان	۱۳۸
۷۰	حق خدمت	۱۳۸
۷۱	اطاعت فرمانداران	۱۳۹
۷۲	ادای حق نعمت	۱۳۹
۷۳	کفران امت	۱۳۹
۷٤	وفا	۱۳۹
۷٥	غدر	۱٤۰
۷٦	آزادگی و بندگی	۱٤۰
۷۷	خواجه سرا	۱٤۲
۳	حماقت	۱٤٤
٤	زیرکی	۱٤٥
٥	حیله	۱٤٦
٦	علم و حکمت	۱٤۷
۷	ستایش علم	۱٤۷
۸	ادب دانشمندان	۱٤۸
۹	ستایش آنها	۱٤۹
۱۰	علم آموختن	۱٤۹
۱۱	درس و بحث	۱٥۰
۱۲	یاد و فراموشی	۱٥۰
۱۳	خطا و صواب	۱٥۱
۱٤	دلیل	۱٥۲
۱٥	پرسش	۱٥۲
۱٦	پاسخ	۱٥۲
۱۷	نگارش و تصنیف	۱٥۳
۱۸	پرسش و پاسخ	۱٥۳
۱۹	دانا و نادان	۱٥۷
۲۰	نکوهش نادانی	۱٥۹
۲۱	هنر و عیب	۱٥۹
۲۲	عیب جوئی و عیب پوشی	۱٥۹
۲۳	گفتار و خموشی	۱٦۰
۲٤	ستایش سخن	۱٦۳
۲٥	فصاحت و بلاغت	۱٦۳
۲٦	ادب سخن	۱٦٤
۲۷	رازداری	۱٦٥
۲۸	راستی	۱٦٦
۲۹	گفتار و کردار	۱٦٦
۳۰	دروغ	۱٦۷

باب سوم هشتاد فصل دارد

۱	اندیشه و خرد	۱٤۲
۲	دیوانگی	۱٤٤

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
٣١	وفا بعهد	١٦٨
٣٢	تهمت	١٦٨
٣٣	غیبت	١٦٨
٣٤	شتم و ناسزا	١٦٨
٣٥	سخن‌چینی و نمیمه	١٦٩
٣٦	مزاح و شوخی	١٧٠
٣٧	پند و اندرز	افتاده
٣٨	خطیب و سخنران	٧
٣٩	برخی خطبه‌ها	٧
٤٠	برخی از نامه‌ها	٧
٤١	خط و نوشتن	٧
٤٢	دوات و خامه	٧
٤٣	نامه‌نگاری	٧
٤٤	شعر و شاعران	٧
٤٥	سلهٔ شاعران	١٧٢
٤٦	معما	١٧٤
٤٧	عروض	١٧٥
٤٨	قافیه	١٧٨
٤٩	نحو و صرف	١٧٩
٥٠	لغت	١٨٠
٥١	قرائت	افتاده
٥٢	خواندن قرآن	٧
٥٣	تفسیر	٧
٥٤	حدیث	٧
٥٥	دعا	٧
٥٦	کلام	٧
٥٧	فقه و اصول	٧
٥٨	طب پزشکی	٧
٥٩	سلامتی	١٨٤
٦٠	بیماری	١٨٥
٦١	عیادت	١٨٥
٦٢	علم حروف	١٨٥
٦٣	علوم عربیت	١٨٦
٦٤	علم دم و وهم	١٨٧
٦٥	رمل	١٨٧
٦٦	فالگیری	١٨٨
٦٧	شانه‌شناسی	١٨٩
٦٨	کهانت	١٨٩
٦٩	تعبیر	١٩٠
٧٠	خواب و بیداری	١٩١
٧١	ستاره‌شناسی	١٩٢
٧٢	استرلاب	١٩٣
٧٣	مسائل ستاره‌شناسی	١٩٣
٧٤	برخی از احکام	١٩٥
٧٥	حساب	١٩٧
٧٦	هندسه	١٩٩
٧٧	سیاق و استیفا	٢٠٠
٧٨	نسب	٢٠٠
٧٩	اخبار (تاریخ سالانه)	٢٠٠
٨٠	امثال	٢٣٨

باب چهارم

هفتاد و پنج فصل دار

١	عشق	٢٤٢
٢	شوق	٢٤٥

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
٣	هجر و وصل	٢٤٥
٤	انس و وحشت	٢٤٦
٥	شهرت و خمول	٢٤٧
٦	نشست و برخاست	٢٤٧
٧	دیدار	٢٤٩
٨	بالا و پائین مجلس	٢٥٠
٩	دوستی و آشنائی	٢٥١
١٠	دشمنی	٢٥٦
١١	شماتت و لجاجت	٢٥٧
١٢	فقر (بینوائی)	٢٥٨
١٣	غنی (دارائی)	٢٦٠
١٤	نکوهش دارائی	٢٦٠
١٥	گردآوری مال	٢٦١
١٦	زر و سیم	٢٦٢
١٧	گوهر	٢٦٣
١٨	نقد و نسیه	٢٦٤
١٩	وام (قرض)	٢٦٤
٢٠	امانت و خیانت	٢٦٥
٢١	دزدی	٢٦٥
٢٢	کوشش	٢٦٦
٢٣	تنبلی	٢٦٧
٢٤	کار و بیکاری	٢٦٧
٢٥	سفر	٢٦٧
٢٦	راه‌پیمائی	٢٦٨
٢٧	وطن و غربت	٢٦٨
٢٨	بازرگانی	٢٦٩
٢٩	رباخواری	٢٦٩
٣٠	کیل و ترازو	٢٦٩
٣١	کسب و صنعت	٢٧٠
٣٢	نقاشی	٢٧١
٣٣	جولاهی	٢٧١
٣٤	طلب روزی	٢٧٢
٣٥	حلال و حرام	٢٧٣
٣٦	سیری و گرسنگی	٢٧٣
٣٧	کم‌خواری و پرخوارگی	٢٧٤
٣٨	ادب خوردن	٢٧٥
٣٩	خوراک دادن	٢٧٥
٤٠	سفره کشیدن	٢٧٧
٤١	مهمان کردن	٢٧٧
٤٢	بخل بر طعام	٢٧٩
٤٣	خوراک و نگارنگ	٢٧٩
٤٤	شوخیها	٢٨٠
٤٥	قحطی	٢٨٢
٤٦	پوشاک	٢٨٢
٤٧	خلعت‌دادن	٢٨٥
٤٨	رنگ	٢٨٥
٤٩	بوی	٢٨٦
٥٠	عیش و طیب	٢٨٦
٥١	لهو	٢٨٨
٥٢	خنده	٢٨٨
٥٣	خوش‌زبانی	٢٨٨
٥٤	گریه	٢٨٨
٥٥	اندوه	٢٨٩
٥٦	عروسی و شادی	٢٨٩
٥٧	مصیبت	٢٩٠
٥٨	شکیبائی بر مصیبت	٢٩٠

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
٥٩	عزاداری	٢٩١
٦٠	بازی‌وقمار	٢٩١
٦١	نرد	٢٩١
٦٢	شطرنج	٢٩٢
٦٣	چورنك	٢٩٣
٦٤	گنجفه	٢٩٨
٦٥	بازیهای دگر	٢٩٩
٦٦	چوگان‌بازی	٣٠٠
٦٧	شکار	٣٠١
٦٨	شراب	٣٠٢
٦٩	مستی	٣٠٣
٧٠	ادب شرب	٣٠٣
٧١	میخوارگان	٣٠٤
٧٢	بنگ	٣٠٤
٧٣	افیون	٣٠٥
٧٤	سرود	٣٠٥
٧٥	رقص	٣٠٧

باب پنجم
تاریخ وجغرافیای جهانی
نود و شش فصل دارد

١	عالم و حوادث آن	٣٠٨
٢	دنیا وآخرت	٣٠٩
٣	نکوهش دنیا	٣٠٩
٤	ترك دنیا	افتاده
٥	فنای دنیا	افتاده
٦	زمان	٣٩١
٧	چهار فصل	٣٩٢
٨	شب وروز	٣٩٢
٩	یامدادان	٣٩٤
١٠	سال‌وماه	٣٩٥
١١	عمر	٣٩٦
١٢	غنیمت‌شمردن عمر	٣٩٧
١٣	غفلت	٣٩٧
١٤	کودکی- جوانی- پیری	٣٩٨
١٥	خضاب	٣٢٠
١٦	محاسن	٣٢٠
١٧	روان وتن	٣٢١
١٨	زندگی ومرك	٣٢١
١٩	وبا	٣٢٥
٢٠	جنازه	٣٢٥
٢١	کفن	٣٢٥
٢٢	گور	٣٢٥
٢٣	ارث	٣٢٧
٢٤	مرثیه	٣٢٧
٢٥	رمناخیز	٣٢٨
٢٦	پاداش وکیفر	٣٢٩
٢٧	بهشت	٣٢٩
٢٨	اعراف	٣٢٩
٢٩	دوزخ	٣٣١
٣٠	افلاك	٣٣١
٣١	ستارگان	٣٣٢

فصل شمار	گفتار	برگ شمار
٣٢	ابعاد و اجرام	٣٣٣
٣٣	هیأت	٣٣٤
٣٤	آتش	٣٣٥
٣٥	باد	«
٣٦	آب	«
٣٧	خاك	٣٣٧
٣٨	گیاهها	«
٣٩	گلها	«
٤٠	میوه‌ها	٣٣٨
٤١	ابروبرف وباران	«
٤٢	رعدو برق	٣٣٩
٤٣	شهاب	٣٤٠
٤٤	قوس وقزح	«
٤٥	چشمه‌ها	«
٤٦	چاهها	٣٤١
٤٧	رودخانه‌ها	«
٤٨	دریا	٣٤٣
٤٩	کشتی	«
٥٠	حباب	٣٤٤
٥١	هیات زمین و اقلیمها	«
٥٢	شهرها	٣٦٩
٥٣	خانه وسرا	«
٥٤	ساختمانهای معروف	٣٧١
٥٥	حق همسایگی	٣٧٤
٥٦	گرمابه	٣٧٥
٥٧	آموزشگاه و خانقاه	٣٧٥
٥٨	قلعه	«
٥٩	ملائکه	٣٧٦
٦٠	جن وشیطان	«
٦١	حیوان	٣٧٨
٦٢	انسان	٣٨٧
٦٣	یاجوج وماجوج	٣٨٩
٦٤	قلب (دل)	٣٩٠
٦٥	حواس	«
٦٦	درازی وکوتاهی	٣٩٢
٦٧	بیرومندی و زیبوئی	٣٩٣
٦٨	خوشگلی	٣٩٤
٦٩	خوش‌خوئی	٣٩٥
٧٠	بدگلی	٣٩٥
٧١	دانش‌فراست	٣٩٦
٧٢	اختلاج	٣٩٩
٧٣	عطسه	«
٧٤	لاغر	«
٧٥	نسب وحسب	٤٠٠
٧٦	زادورود	٤٠٢
٧٧	حق پدرومادر	٤٠٣
٧٨	فرزندان	«
٧٩	برادران وخویشان	٤٠٤
٨٠	زناشوئی	٤٠٦
٨١	غیرت	٤٠٨
٨٢	باکدامنی	«
٨٣	شهوت	٤٠٩
٨٤	نکوهش زناشوئی	٤٠٩
٨٥	طلاق	٤١٠

کتابخانه دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فصل شمار	گفتار	برگ شمار	فصل شمار	گفتار	برگ شمار
۸۶	نکوهش زنان	٤١١	۹۲	آلت مردی	٤٢١
۸۷	شوخی چند	٤١٢	۹۳	آلت زنان	٤٢٢
۸۸	بوسه وبازی	٤١٣	۹٤	حیض	٤٢٣
۸۹	نزدیکی	٤١٣	۹٥	بول و غایط	٤٢٣
۹۰	زنا و جاکشی	٤١٥	۹٦	گوزیدن	٤٢٥
۹۱	بچه‌بازی (لواط)	٤١٧	–	پایان‌نامه‌درضبط نامها	افتاده

درفصل ۷۹ باب سوم که درتاریخ سالانه است از کتاب «صبح صادق» خویش نامبرده گوید این کتاب جوینده را از کتابهای بسیار بی‌نیاز کند. (برگ ۲۰۱ـ الف. نسخهٔ ۱۳۰۰ دانشگاه دیده شود). چنانکه درفهرست بخشهای کتاب خواهیم دید این کتاب مطالب بسیار و سودمند و گاهی گرانبها دربر دارد. فصل ۷۹ باب سوم درتاریخ است واز آغاز اسلام سالانه رویدادها را آورده است وبیشتر مرگ بزرگان را یاد کرده است. این بخش را آقای اقبال آشتیانی درمجلهٔ یادگار شمارهٔ ٤ تا ۱۰ سال دوم درسال ۱۳۲٤ در تهران چاپ کرده‌است. فصلهای باب چهارم بیشتروضع اجتماعی روزگار خویش‌را نشان میدهد، ودوراز تعصب مذهبی از بازیهای گوناگون، مجالس شب‌نشینی، رقص، آواز، شرب، گفتگودارد، واز کتاب «اباحت شر خمر» نگارش قطب‌الدین مظفرعبادی بنقل ابن‌خلکان یاد میکند. (ك ۳۰٤ـ الف).

درفصل هشتاد باب سوم مثلهای فارسی‌را بترتیب حرفهای الفبا بسیجیده است درفصل پنجاه ویکم باب چهارم جغرافیای هفت اقلیم زمین را با فهرست الفبائی شهرهای بزرگ با جدول طول وعرض جغرافیائی آنها آورده است.

نسخهٔ این کتاب که بشمارهٔ (۱۱۱۰) در کتابخانهٔ دانشگاه هست و چنانکه دیدیم افتادگیها دارد، درپیرامن (۱۱۳۵۰ بیت نوشته) دربردارد.

[۲۳۲]

۱۱۱۰ نسخه بخط نستعلیق. آغاز وانجام افتاده ونام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی خط وکاغذ ازسدهٔ یازده یادوازده مینماید. عنوانها باشنگرف است. جمله‌های عربی را با نسخ نوشته برگهای (۳۵۲ تا ۳٦۸) نقشه‌های جغرافیائی است که بروش

گذشتگان و صورتهای خیالی نقاشی شده وطول وعرض جغرافیائی همهٔ نقاط درجدولی یکنار رویه‌ها نوشته شده است. و درحاشیهٔ این رویه‌ها شمارهٔ اقلیمها از یك تا هفت معین شده است. نقشه‌ها با لاژورد وشنگرف وزردی وسیاهی رنگامیزی شده است. درفصل رمل و حساب جدولهائی با شنگرف کشیده و بیشتر آنها سفید مانده است. برخی عنوانها را در کناررویه باسیاهی درشت نوشته‌است. برخی حاشیه‌ها نیزدارد

دربرگهای (۵و۱۲و۲۳و۱۸۱و۳۰۹) صفحه‌ها سفیدمانده وبخامهٔ ریز نوشته‌اند؛ اصل نسخه افتادگی داشته. ونیزمیان برگهای (۵و٦) و (۱۷۰ـ۱۷۱) وپس‌ازبرگ ٤۲٦ پایان نسخه افتادگی دیده میشود.

نسخهٔ دیگری ازاین کتاب در کتابخانهٔ سپهسالارهست که افتادگیهای دستهٔ یکم درآن نیزدیده میشود و گویا این دونسخه را از روی یك نسخه و یا ازروی یکدیگر نوشته‌اند، ولی نسخهٔ سپهسالار افتادگیهای دستهٔ دوم را ندارد، وخاتمهٔ را که بخش سودمند این کتاب است دربرمیدارد.

(۴۳٦برگ) کاغذ سفید آهار مهره شده. جلد گیماج مشکی مخوائی.

اندازه ۳۳/۸×۲۰/۸ و ۱۳×۲٦؛ ۱۸ سطر.

[۲۱٤] شرح مشیخة من لایحضره الفقیه (رجال- عربی)

من لایحضره الفقیه. یکی‌از چهار کتاب است که پایهٔ فقه وحقوق مذهبی شیعه‌بر آنها استواراست واندکی در من ٤۷۲ دربارهٔ آن گفتگو کردم. نگارندهٔ آن شیخ صدوق محمد پسر علی پسر حسین ابن بابویه است که از پایه گذاران مذهب شیعه درسدهٔ چهارم میباشد و در (۳۸۱ ق) در گذشته‌است. شیخ طوسی درفهرست ونجاشی دررجال اورا به نیکی یاد کرده ونام چندین کتاب اورا یاد کرده و شمار نگارشهای او را سیصد دانسته‌اند. ولی برخی درثقه‌بودن او شك نموده‌اند و بویژه برخبرهای گسسته که‌در کتاب من‌لایحضر آورده خورده گرفته وآنرا بر خلاف وعده‌یی که‌در آغاز کتاب داده شمرده‌اند، ولی‌پسینیان که‌نیازمند درستی خبرهای کتاب من لایحضر بودند، همگی صدوق‌را ثقه خوانده ودرانبات عادل بودن وی سخنها رانده‌اند. ازنظرسیاست نیزازداستانی که‌درمجالس المؤمنین آمده چنین برمیآید که خاندان آل‌بویه، امیران سدهٔ چهارم و پنجم، همان استفاده‌را ازصدوق برده‌اند که مغلها ازعلامهٔ حلی درسدهٔ هشتم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مشیخهٔ من لایحضره الفقیه: روش صدوق در من لایحضر(۱) آنست که زنجیرهٔ سند خبرها را نیاورده، و فقط نام آخرین گوینده خبرها را یاد کند، و از این روی ناگزیر شده است که در پایان کتاب بخشی بنام مشیخهٔ بیفزاید، و در آن زنجیرهٔ خود را در روایت از هر راوی که نامش در کتاب آمده، فهرستمانند یاد کند، و زنجیرهها را یکجا بهم پیوند دهد.

شرح مشیخه: برای مشیخهٔ من لایحضره الفقیه باخود کتاب شرحها و حاشیهها نگاشته شده است و پانزده حاشیهٔ آن در (ج ٦ ص ٢٢٤ ذریعه) آمده است.

بنامترین شرحهای مشیخه؛ شرح ملامراد تفرشی بنام «تعلیقهٔ سجادیه» و شرح حاجی نوری است که در (ص ٥٤٧ تا ٧١٨) جلد سوم مستدرک الوسایل چاپ شده است، و شرح مجلسی که جای گفتگو است. و شرح سیدهاشم بحرینی (م ١١٠٧ ق) و شرح و ترتیب صاحب معالم (م ١٠١١ ق) و طریحی (م ١٠٨٥ ق) و فائدهٔ ششم بخش دوم عدة الرجال اعرجی (گ ١٢٧-١٦٨ نسخهٔ ٩٨٨ دانشگاه)، و حاج محمد حسین قاضی تبریزی (م ١٢٩٣ ق) میباشد، و نیز گلستانه علاءالدین محمد این مشیخه را پیچیده و در ٢٤ دائره گنجانیده است، بدین سان که در هر دایره نام صدوق درمیان و دور آن نام چندتن از استادان او و دور آنها نام استادان هریك و همین گونه بالا آمده تا بامام میرسد (ذریعه ٤ : ٦٩ دیده شود). و نیز ملااسماعیل مازندرانی کتابچهیی در اعتراض بر شرح مجلسی نگاشته که نسخهٔ آن در این کتابخانه هست (شمارهٔ ٧٩١ ك ٩ ب) دیده شود.

گردآوری رجال روایت یك یا چند کتاب، رشتهیی از راوی شناسی است و چنانکه در (ص ٤٨٥) نویسندهٔ نام چند کس را که بویژه در این رشته کار کردهاند در اینجا میآورم:

احمد پسر محمد گلآبادی (کلابادی) (م ٣٩٨ ق) رجال کتاب بخاری را گرد آورده است.

- محمد پسر داود کرد (م ٩٢٥ ق)، رجال بخاری دارد.

---

(۱) نگارندگان هریك از چهار اصل شیعه روش ویژه بخود دارند، چنانکه کلینی مانند بیشتر فقیهان آن روزگار زنجیرهٔ سند همهٔ حدیثها را در «کافی» آورده است.

- ابن منجویه احمد پسر علی (م ٤٢٨ ق) رجال کتاب مسلم دارد.
- احمد پسر علی اصفهانی (م ٢٦٩ ق) رجال کتاب مسلم دارد.
- مقدسی، محمد پسر طاهر (م ٥٠٧ ق) رجال بخاری و مسلم را گرد کرده.
- هبةالله الکاتبی (م ٤١٨ ق) رجال مسلم و بخاری دارد.
- جبانی، حسین پسر محمد (م ٤٩٨ ق) رجال سنن ابوداود دارد
- محمد پسر عبدالله خطیب. رجال «المشکاة» دارد.
- عسقلانی، ابن حجر. رجال چهار کتاب چهار امام سنی را گرد کرده است.
- احمد پسر احمد کرد (م ٧٦٣ ق) رجال چهار «سنن»: (ترمذی، نسائی، ابوداود، ابن ماجه) را گرد آورده است.
- ابومحمد عبدالغنی پسر عبدالواحد پسر سرور مقدسی (م ٦٠٠ ق) وی رجال شش «صحیح ...» را گردآورده و «الکمال» نامید.
- رمزی، یوسف پسر زکی (م ٧٤٢ ق) آنرا راست کرده و در سیزده جلد، «تهذیب الکمال» نامید.
- عمر پسر علی ملقن (م ٨٠٢ ق) دنبالهٔ آنرا نگاشت و «اکمال التهذیب» نامید.
- سیوطی (م ٩١١ ق) نیز دنبالهٔ بر آن نگاشت، و نیز کتابی دیگر در رجال موطأ مالك بساخت
- ابن حجر از نو آنرا راست کرده و «تهذیب التهذیب» نامید.

شرح مجلسی بر مشیخه: مجلسی نخست کتاب من لایحضر را گزارش داده و پس از پایان آن بشرح مشیخهٔ آن پرداخته و در دیباچهٔ آن بدین معنی اشارت کرده گوید: چون شرح کتاب را بپایان رساندم خواستم فهرستی را که صدوق در پایان آن افزوده است، نیز گزارش دهم. این کتاب در نسخهٔ شمارهٔ (٥٠٨ دانشگاه) در پیرامن (٧٧٠٠ بیت نوشته) دارد.

آغاز: الحمدلله رب العالمین ... وبعد فیقول احوج المحتاجین الی رحمة ربه الغنی محمد تقی بن علی الملقب بمجلسی انه لما وفقنی ...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام : مع الاشارة الی بطلان ماذکره بعضهم لقلة التدبر فیه والمرجو من الله ان یوفقنی لشرح باقی الکتب ... الطاهرین المعصومین وقد وقع الفراغ فی شهر رجب الاصب لسنة اربع وستین والف علی یدمؤلفه ... المجلسی العاملی النطنزی الاصفهانی ...

نگارنده : محمد تقی پسر مقصود علی مجلسی ازدانشمندان سدهٔ یازدهم است که دراصفهان بسال (١٠٠٣ ق) بزاد، ودرهمانجا بسال (١٠٧٤ ق) در گذشت. وی نیاکان خویش را از جبل عامل می‌داند، خاندان اودراصفهان درپایان سدهٔ دهم به پیروی ازدربارصفوی باصوفیگری خو گرفته بودند، ولی خودش درسدهٔ یازدهم در دورهٔ تحول (١) مذهب صفوی پرورش یافته و ازین روی دربرخی

(١) چنانکه در ص ٥٥٢ و ٥٨٧ گفتم پایه حکومت صفوی براشرافیت که رنگ مذهبی بخود گرفته استوار بود، پیش‌از شاه عباس پایهٔ این مذهب برقشر صوفیان وقلندران صافی ضمیر وارسته که پای‌بندمقررات ظاهری‌فقیهان نبودند استوارمیگردید، وچون این دسته دردورهٔ (٩٨٥-١٠٠٠ ق) برداشتن امتیازات مغرور وبردربار چیره شده بودند، شاه‌عباس برای‌باز گردانیدن‌قدرت دربارازآنهاروی گردان‌شد وبسر کوبی فرقه‌های گوناگون ایشان دست زد و خونها ریخت و همین فجایع که انجام داده بود زیستن او را درقزوین دشوار کرد پس در (١٠٠٦ ق) پایتخت را باصفهان آورد و بااین کارتوانست آزادانه دستگاه روحانیت نوین بجای دستگاه سابق صوفیان زیر نظر خویش براه‌اندازد. وازین‌هنگام گفتگوی (صوفی ــ فقیه) براه افتاد، ستیزهای میان شیخ بهائی (فقیه) و میرداماد (فیلسوف اشراق) وهمچنین کتابها که محمد طاهر قمی (فقیه) ومحمد تقی مجلسی (صوفی) دردو یکدگرو کتابها که‌عبدالحسیب و پدرش احمدبن زین‌الدین علوی عاملی و میراوحی برد صوفیان نگاشتند؛ پرده‌هائی‌ازاین سیاست‌نوین صفوی‌بود، وسپس درپایان سدهٔ یازده بشکست صوفیان پایان داده شد، و دانشگاه اصفهان بدست فقیهان افتاد. در اینجا خاندان مجلسی که امام جمعگی وشیخ‌الاسلامی اصفهان داشتند، ایستادگی نکرده و برنگ روز درآمدند، و مجلسی‌دوم در کتابهای خویش صوفی بودن خانه‌دان خود فراموش کرد و کتابی که پدرش در رد برمحمدطاهر نگاشته انکار کرد. برای آگاهی ازجنگ (فقیه‌ــصوفی) دراصفهان؛ ذریعه (ج ٢ ص ٢٠٠ و ج ٤ ص ١٥٠ و ٤٩٦ و ج ٦ ص ٣٨٦) دیده شود.

ازنگاشته‌هایش طرفدار افکارصوفیانه وفلسفه‌اشراق است ودر برخی آن افکاررا با روش فقری آخوندی درهم آمیخته است، و اگر زندگی او را بدو بخش سازیم، خواهیم‌دید که وی درنیمهٔ یکم طرفدار صوفیگری است و درنیمهٔ دوم روش فقری‌فقیهان را درپیش گرفته‌است، و گویا سفرنجف که‌بسال (١٠٣٨ق) رفته،در گرایش او بسوی فقیهان و دوری او از صوفیگری مؤثر بوده است.

آثاراو : صاحب روضات در ص ١٣٠ این کتابها را برای او یاد کرده :

١- شرح عربی برفقیه (جای گفتگو).
٢- شرح فارسی برآن کتاب.
٣- شرح فارسی صحیفهٔ سجادیه (١) ناتمام.
٤- شرح عربی برصحیفه (ناتمام).
٥- حدیقة‌المتقین-٦- کتابچه دررضاع.
٧- کتاب رجال.
٨- شرح زیارت جامعه. (که مانندآن درج ١ ص ١٤٠ گذشت).
٩- شرح حدیث همام. (خطبهٔ همام. بند ١٩١ نهج‌البلاغه).
١٠- حاشیه‌های بسیار بر کتابهای گوناگون که درج ١ذریعه آمده‌است.
١١- اجازه‌های‌بسیار که بشاگردان خویش داده واند کی‌از آنهادرجلد بیست وپنجم بحار و در ج ١ ذریعه آمده است.
١٢- کتابی در گزارش خوابها که خود دیده است.

[٢٣٣]

٥٠٨ نسخه بخط نسخ، نام ویسنده و تاریخ ندارد. دردفتری جای دارد که بیم نخست آن تعلیقات بهبهانی و بیم دوم این کتاب و هردو یک خامه است و تاریخ پایان تعلیقات چنانکه درص ٥٤٧ گفتم ١٢٨٤ میباشد. از برگ ٢٠١ تا ٣٤٠

(١) کوشش مجلسی برای پخش دعاهای صحیفه درمیان مردم و داستان خواب دیدن او و روایت کردن صحیفه بی واسطه ازامام درج ١ ص ١٦٠ این فهرست دیده شود.

دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دفتر را گرفته است. عنوانهای درجه یك با شنگرف است. و روی عنوانهای دیگر خط شنگرفی کشیده است.

همه دفتر ۳۴۰ ترك این کتاب ۱۴۰ برگ. کاغذ فرنگی سفید آهارمهره. جلد تیماج سرخ عنوانی فشاری. اندازه: ۲۱ × ۳۰ و ۱۰ × ۳۰ ؛ ۲۳ سطر.

[۲۱۵] شهنشاهنامه (تاریخ - فارسی)

تاریخ منظوم پادشاهی فتحعلی شاه و برادر پدرش محمد شاه قاجار است. سراینده فتحعلی خان کاشانی است که «صبا» تخلص میکرد و از طرف شاه لقب «ملك الشعراء» داشت، وی در کاشان زاده و در جوانی شاگرد همشهری خویش «صباحی کاشانی» بود، و مدتها در شیراز لطفعلی خان زند را ستایش میکرد و پس از واژگون شدن خاندان زند، باباخان قاجار فرماندار شیراز را ستایش میکرد، و چون محمد خان قاجار کشته شد و بابا خان بنام فتحعلیشاه جانشین او گشت صبا را همراه خویش بتهران آورد و گرامی میداشت، و سپس مدتی از طرف شاه فرماندار کاشان و قم شد، و پس از آن بتهران خوانده شد و بشاعری دربار و ملك الشعرائی گماشته شد. و بگفته مجمع الفصحاء در (۱۲۳۸ ق) در گذشت.

هدایت در مجمع الفصحاء (۱) و ریاض العارفین و دنیا الروضة الصفا او را یاد کرده گوید: از هفتصد سال باین سوی شاعری همانند او در ایران نیامده است، و خود در «خداوندنامه» خویش را با فردوسی سنجیده است. ولی گرچه صبا شعر استوار و شیرین سروده اما روش چاپلوسانه و گزافه گوئی او درباره دربار ارزش شعر او را پائین آورده است.

آثار او: ـ خداوند نامه در تاریخ مذهبی اسلام در سی هزار شعر که آنرا در سه سال سروده است، و نسخهٔ آن که تا داستان «لیلة الهریر» در بر دارد نزد سعید نفیسی در تهران هست.

ـ شهنشاه نامه (جای گفتگو).

ـ گلشن صبا. که با گزارش زندگی صبا در تهران (۱۳۱۳) چاپ شده است.

ـ دیوان صبا که در پیرامن پانزده هزار شعر دارد.

(۱) مجمع الفصحاء چ تهران ج ۲ ص ۲۶۸.



چوگان بازی فتحعلیشاه

نمونهٔ یکی از تصویرهای شهنشاه نامهٔ فتحعلیخان صبا. نسخهٔ شماره ۱۹۳ این کتابخانه میان صفحه ۶۱۰ و ۶۱۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

جای گفتگو شهنشاهنامه اوست که بگفته خود (۱) چهل هزار شعر دارد و در چهل و پنج سالگی آغاز کرده (۲) و تا سال دهم پادشاهی فتحعلی شاه در آن کار کرده است (۳).

در آغاز کتاب پندهائی برای فرزند خود حسین (٤) متخلص «عندلیب» که پس از او لقب «ملک‌الشعراء» گرفته است، سروده. کتاب را در سه تا چهار سال سروده (٥) و «شهنشاه‌نامه» نامیده (٦) ولی عبدالوهاب موسوی در پیش گفتار آنرا «شاهنشاه‌نامه» نامیده است (۷) صبا با اینکه به پیروی بی‌جا از فردوسی خود را مؤید(۸) خوانده و از دهقان روایت کرده است، شاه قاجار را بترک بودن ستوده (۹) و او را افراسیاب خوانده(۱۰) شهنشاهنامهٔ صبا در بمبئی بسال ۱۸۹۰ م چاپ شده است.

---

(۱) در گ ٤۲۰ نسخهٔ ۱۰۳ دانشگاه گوید:

در آن چل‌هزار از گهرهای ناب — زتابش گواژه زند آفتاب

(۲) در گ ۱۵ـ الف نسخهٔ ۱۰۳ دانشگاه گوید:

ز پنجه گرم کم بود سال پنج — ولی بردم افزون زصد سال رنج

(۳) نسخهٔ دانشگاه پایان‌نامه‌یی دارد که در آن از پنجهٔ کوتاه سال پنجال پادشاهی فتحعلیشاه را از یکم تا دهم آورده، و در سال دهم رسیدن نامهٔ ناپلئون را یاد کرده است.

(٤) در گ ۱٤ ب نسخهٔ دانشگاه گوید:

حسین ای گرانمایه فرزند من — چو آویزه در گوش کن پند من

(٥) در گ ٤۱۹ ب گوید:

من این داستانها بسالی سه چار — سرودم بنام جهان شهریار

(٦) در گ ٤۲۰ ـ الف گوید:

بنام شهنشه چو انجام یافت — شهنشاه نامه ازو نام یافت

(۷) گ ۹ـ الف نسخهٔ دانشگاه دیده شود.

(۸) در گ ۱٦ـ الف گوید:

گزارش ز دهقان بسیاردان — گزارد چنین مؤید کاردان

(۹) در گ ۱۵ ب و جاهای دیگر گوید:

جهاندار فتح علی شاه ترک — جهانبان قاجار شاه بزرگ

(۱۰) در کشتن محمدشاه در گ ۱۷ ب گوید:

بخاک اندر افتاد افراسیاب — بقبر اندر آمد رخ آفتاب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز :

بنام خداوند آموزگار — نگارندهٔ نامهٔ روزگار

سر آغاز هر نامه‌یی نام اوست — همانش چو آغاز و انجام اواست

انجام :

که نگسستیم رشتهٔ زندگی — رساندم بانجام این بندگی

که این شاه‌را برسرت کام باد — چو آغاز یزدانش انجام داد

پیش‌از آغاز نسخهٔ این کتابخانه پیشگفتاری بخامهٔ عبدالوهاب الموسوی در گزارش زندگی سراینده (صبا) وستایش از کتاب در ۱۵ صفحه دیده میشود .

[۲۳٤]

۱۵۳ نسخه بخط نستعلیق . نام نویسنده ندارد . درپایان نسخه (گ ٤۲۰ ب) تاریخ ۱۲۲۷ ق دیده میشود . گویا نسخه برای شاه نوشته شده‌است. هرورقه چهار ستون (هرسطر دوبیت) دارد . حاشیه‌ورقه‌ها با زر وسیاهی و لاژورد جدول‌بندی شده ، جدولی گرداگرد صفحه و سه هفت جدول میان لنگه شعرهادارد . دربرگهای ۸۱ و ۹۷ و ۱۳٦ و ۲٥٤ و ۳۱۲ و ۳۱٥ . هفت پرده نقاشی از میدانهای رزم ومجلسهای رزم و میدان بازی دیده میشود که با رنگهای سبز وزرد و سرخ و نارنجی و قهوه‌یی وآبی وگلی وسیاه وسفید نقاشی شده است . عنوانها باشنگرف درمیان صفحه نوشته شده‌است، دربرگ (۱ـالف) شعرهائی با خط بد نوشته شده .

(۴۴۱ برگ) کاغذ ۱۱ برگ ۲۷۸گلت و بقیه آهار مهره و ازآن ۵۰پی نازکتر و سفید است . جلد روغنی گل و بوته فرسوده شده است . له لیماج سرخ درون نیز روغنی سرخ دو برگ سفید درآغاز ودوتا درانجام افزوده شده . اندازه ۳۷ ٪ ۳۷/٥ و ۱۷ ٪ ۲۸ ؛ ۲۰ سطر .

[۲۱٦] الضعفاء ابن الغضائری (رجال ـ عربی)

دست برد درحدیثها (حدیث سازی و افزودن و کاستن از حدیثها) درهمان سده‌های نخست دانشمندانرا وادار کرد ؛ کتابها برای شناساندن حدیث سازان ودروغگویان وسست و ضعیفها بنگارند .

شاید کرابیسی؛ حسین پسر علی (م ۲٤٥ ق) نخستین کس باشد که کتابی بنام

« المدلسین » (۱) بساخت وسپس نسائی ودارقطنی و مقدسی احمد پسر ابراهیم هریك کتابی نگاشتند وذهبی منظومه‌یی دراین باره بسرود، وسپس علائی کتاب « جامع التحصیل » را نگاشت ودرآن شصت وهشت تن را یاد کرد وزین‌الدین عراقی (م ۸۰٦ ق) سیزده کس برآن افزود و ابراهیم پسرمحمد حلبی « التبیین فی اسماء المدلسین » نگاشت و۳۲ کس برآنها افزود وعسقلانی ۳۹ تن دیگررا افزود و شماره را به ۱٥۷ کس رسانید . و سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز کتاب المدلسین دارد .

دستهٔ دیگر ازدانشمندان راویان سست (ضعیف) را گرد کرده اند مانند

- بخاری (م ۲٥٦ ق) کتاب « الضعفاء » نگاشته است .
- ابن‌عشایری درسدهٔ پنجم (جای گفتگو) .
- نسائی . کتاب « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- ابوالفرج ابن‌الجوزی (م ٥۹۷ ق) « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- محمد پسرعمرعقیلی (م ۳۲۲ ق) نیز « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- حسن پسرمحمد صنعانی . « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- محمد پسر حبان بستی « الضعفاء والمتروکین » دارد .
- ابن‌عدی ، ابواحمد « الکامل » دارد .
- ابن‌الرومیة ، ابوالعباس ، احمد پسر محمد اشبیلی (م ٦۳۷ ق) دنباله‌یی بر « الکامل » ابن عدی بنام « الحافل » نگاشت
- دارقطنی . « کتاب الضعفاء » دارد .
- علاءالدین ماردینی (م ۷٥۰ ق) « الضعفاء » دارد .
- ذهبی . « میزان الاعتدال » نگاشت .
- زین‌الدین عراقی . دنبالهٔ برمیزان نگاشت .
- ابن‌حجر عسقلانی « لسان المیزان » و « تقویم المیزان » و « تحریر المیزان »

(۱) مدلس بآن کس گویند که از کسی روایت کند بدان صورت که ازاو شنیده درحالتیکه واسطه درمیان بوده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگاشت

ـ ملا درویش علی حایری در « المجاهیل » راویانی را که استادش ابوعلی از رجال خود برای ناشناس بودن انداخته بود، گردآورد.

جای گفتگو کتاب « الضعفاء » است که باین غضائری نسبت داده شده است.

وی احمد پسر حسین پسرعبیدالله است که خود وپدرش از دانشمندان بنام سدهٔ پنجم بود وپدرش در(٤١١ق)در گذشت ، وخوداو نیزدرسن جوانی در گذشته است احمدبن غضائری استاد نجاشی(م٤٠٠ق) (١) و گاهی نیز همدرس او بوده است (٢)طوسی دو کتاب در بارهٔ کتابشناسی بوی نسبت داده است (٣) و سومین کتاب او « تاریخ» بوده ونجاشی در (ص ٥٦) از آن نقل میکند، وچهارمین نگارش او « الرجال الضعفاء » بلم گرفته و بدست احمد بن طاوس (م ٦٧٣ ق) رسیده واومتن آن بامتن چهار کتاب رجال دیگر(٤) را یکجا گرد کرده « حل الاشکال» نامیده، واین کتاب بدست ملاعبدالله شوشتری (م ١٠٢١ ق) رسیده و او کتاب ابن غضائری را از آن بیرون کشیده وجداساخته است، وسپس ملاعنایةالله قهپائی از نو پنج کتابی را که ابن طاوس در حل الاشکال گرد کرده بود ، در « مجمع الرجال » گردآورده(٥) واکنون از رجال ابن غضائری هم نسخهٔ ملاعبدالله شوشتری وهم

(١) نجاشی در گزارش علی پسر محمد پسر شیران کازرونی در(ص١٩٢-چ بمبئی١٣١٧ق) گوید : وی نزد احمدپسرحسین میرفتیم بحرالعلوم وصاحب مجمع الرجال قهپائی نیز شاگردی نجاشی را نزد ابن غضائری یاد کرده اند.

(٢) نجاشی در گزارش احمد پسرحسین پسرعبد غضائری(ص ٦١) ودر گزارش علی پسرحسن پسرعلی پسرفضال (ص١٨٢) خودرا همدرس احمدابن غضایری خوانده است.

(٣) دردیباچهٔ فهرست گوید . ابن غضایری دو کتاب بساخت دویکی نگارشها واگرد کرد ودردیگری اصلها را . وچون ابن غضایری جوانمرگ شد برخی از بازماندگانش این دو کتاب را نابود ساخت . فهرست طوسی چ نجف ١٩٣٧ م ص ١و٢ دیده شود.

(٤) رجال طوسی و«فهرست طوسی» و«رجال نجاشی» و«رجال کشی» ص ٤٨٢ این مجلد دیده شود.

(٥) گزارش زندگی ابن غضائری را ابوالمعالی کلباسی (م ١٣١٥ ق) کتابی ساخته (ذریعه ٤ : ١٤٨) و پسرش نیز در (سماء المقال ص ٢ تا ٢٢) در بارهٔ او گفتگو کرده است.

نسخهٔ پخش شده دررجال قهپائی دردست میباشد.

آیانسبت این کتاب بابن غضایری درست یانادرست است؟ چون دراین کتاب کسان بسیاری را که امروز از بزرگان بشمار آمده اند نادرست ودروغگو شمرده است ، دانشمندان و راویشناسان را بخشم آورده و هریك از ایشان برای بی ارزش ساختن بدگوئیهای ابن غضائری، راهها پیش گرفتند، چنانکه برخلاف قانون عقلی که گوید : « نکوهش بیش از ستایش ارزش قضائی دارد » (١) ابن طاوس میگوید: ارزش ستایشهای دیگران در بارهٔ یك راوی بیش از نکوهش ابن غضائری است . ولی پدرم در (ذریعه ٤ : ٢٨٨-٢٩٠) گوید : این کتاب را فقط برای بدنام کردن بزرگان شیعه نگاشته اند ، و نام ابن غضائری بدروغ بر آن نهاده اند . اومیگوید کهن ترین نسخهٔ این کتاب را ابن طاوس در سدهٔ هفتم دیده و خودش که پیدا کنندهٔ کتاب است در آغاز حل الاشکال میگوید : (٢) برای روایت این کتاب از نگارنده اش زنجیرهٔ پیوسته ندارم.

دراین کتاب ١٦٠ کس را نام برده و ایشان را سست (ضعیف) و تندرو (غال)وناستوار(مختلط) وناشناس (لایعرف) وجز آنها شناسانده است. گزارشها همه کوتاه ونشرده است . وهمهٔ کتاب (٤٥٠ بیت نوشته) دارد . درترتیب فقط بحرف آغاز نام نگاه کرده وحرف دوم نامرتب است. در آغاز باب هر حرف، شمارهٔ کسانیکه در آن یاد شده اند آورده است.

آغاز: قال شیخنا ومولانا الحبر... المجتهد فی العلم والعمل انشاءالله تعالی عبدالله بن المرحوم حسین التستری سلمه الله تعالی ... فی عنوان کتاب الشیخ احمدبن الحسین ... اعلم ایدك الله وایانا انی لما وقفت علی کتاب السید جمال الدین احمدبن طاوس ... باب الالف قال السید المعظم من کتاب ابی الحسین ... وفیه الالف ثمانیة عشر رجلا.

انجام : ونقل حدیثاً آخر من الکشی وبعد النقل قال: والحمدلله رب العالمین... کان الفراغ منه یوم الثالث عشر من شهر ربیع الآخر سنة اربع و اربعین وستمائة.

(١) باصطلاح قضائی عرب : الجرح مقدم علی التعدیل.

(٢) کتاب « حل الاشکال» ابن طاوس امروز بدست نیست ولی صاحب « تحریر طاوسی» که در (ص ٥٢٨) یادشده ذریعهٔ « حل الاشکال» رادر آن کتاب گنجانیده است. ابن طاوس در آنچه در بارهٔ پنج کتاب که در « حل الاشکال» گنجانیده گوید : ولی بالجمیع روایات متصلة عدا کتاب ابن الغضائری . . .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۳۵]

۱۰۷۱ ازروی نسخهٔ خط آقای محدث نایب شده‌است. که آن از روی نسخهٔ شیخ‌الاسلام زنجانی و آن در (۱۳۳۶ ق) ازروی نسخهٔ کتابخانهٔ صدر در کاظمین نوشته شده است. این نسخه‌را خودمن و آقای دانش‌پژوه با نسخه‌یکه در کتاب «مجمع‌الرجال» فهپانی (۱) بخش شده است، برابر و تصحیح کردیم و در این کتابخانه نهادیم.

(۳۶ برگ) کاغذ سفید فرنگی نو. جلد ندارد. اندازه ۲۳×۱۴ و ۱۸×۱۲؛ ۱۵ سطر.

[۲۱۷] ظفرنامهٔ تیموری (تاریخ - فارسی)

شرف‌الدین علی یزدی (م ۸۵۸) (۲) متخلص «شرف» پسر شیخ حاجی (۳) از دانشمندان نیمهٔ سدهٔ نهم است. وگویند مرید ملا حسین اخلاطی حروفی بوده است. وی بر دانشهای کلاسیك روزگار خویش بویژه تاریخ وادب وشعر ومعما چیره بود، او دانش خویش را بسود دربار خونخوار تیمور بکاربرد واز این راه درشهر خویش یزد وقت زندگی اشرافی برای خود فراهم ساخت (٤) او برای نزدیك‌شدن بدربار نوادگان تیمور درشیراز تیمور خونخوار را فرستادهٔ خدا شمرده و کسیکه سراسر خاورمیانه را بخاك و خون کشید، صدهزار اسیررا نزدیك شهردهلی سربرید (۸۰۱ق) چهارهزار ارمنی را زنده بگور کرد (۸۰۳ق) ودرنزدیك‌حلب بیست منارهاز کله‌های‌مردم بپاساخت (۸۰۳ق) کشتارهمگانی مردم سیستان (۷۸۵ق) و کشتارهمگانی مردم اصفهان

(۱) نسخهٔ مجمع‌الرجال‌فهپانی را که بخامهٔ نگارنده‌اش‌ملاعنایة‌الله‌فهپانی (در ۱۰۱۶ق) نوشته شده وحاشیه های بسیار دارد، پدرم بسال (۱۳۵۰ ق) همراه خویش بعراق عرب آورد وهم اکنون دردست ایشان‌است. برای شناسائی این کتاب‌ص۴۹۲هم‌دیده‌شود.

(۲) درمجالس‌العشاق چ بولکشور ۱۳۱٤ ق. ص ۱٦۷ـ ۱٦۸ گوید دراین سال درگذشت ودریزد بخاك سپرده‌گشت. و نگفته گنج دانش در (۸۵۰ ق) درگذشت ودر «شرقیه» پهلوی مسجد امیرچقماق بخاك سپرده‌شد.

(۳) شیخ حاجی ازمریدان «علی بلیمان» و «شیخ الدیان» و «دادامجید» یزدان صوفی یزدبوده وتا کنون آبانبارو آثاردیگراودریزد نامبرداراست. (آتشکدهٔ یزدان- ص ۱۸۳ و۲۰۲)

(٤) درمجالس‌العشاق از شیفتگی و دلباختگی شرف با ملامحمد عاملی نیز گفتگو کرده ولیکن چنانکه درچند جا یاد شده، گفته‌های مجالس‌العشاق‌دراین باره استوار نتوانه بود.

(۷۸۹ ق) براه‌انداخت، ستایشها کرد، و«ذات مکارم‌آیاتش مظهر الطاف نامتناهی الٰهی» ومکنون ضمیرمستنیرش محض خیروبیکخواهی» شمرد.

وی در آغاز زندگی پس از مرك پدر مدتی بجای او برسرگور شیخ اندیمان خدمت میکرد، وبفرزندان شاه نعمت‌الله ولی ارادت میورزید و چون سلطان غیاث‌الدین تیموری خواست دم ازاستقلال زند، این‌مرد رابقم خواست وگرامی داشت وتفت را بتیول‌او واگذاشت، وآثار خانقاه او تاکنون درآنجا هست، وچون‌در آن روزگار چندباردریزد شورشهائی بردولت مغول رخ‌داد، شرف‌الدین‌وفرزندان شاه‌نعمت‌الله‌ولی، بمیانجی گری برخاسته وشورش‌را فرومی‌نشانیدند.

در آن هنگام که ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ پسر تیمور گورکان برشیراز و اصفهان فرمانروا بود، شرف‌الدین راگرامی میداشت وبسال۸۲۲ق باودستور نگارش تاریخ خاندان تیموری‌را داد.

ارتباط شرف‌الدین علی با صوفیان واعتقاد به انربخش‌بودن «حروف» او را ببازی کردن با حروف و واژه‌ها واداشت و بمعماسرائی کشانید. صاحب روضات (۱) اورانخستین معماسرا شمرده (۲) ودربارهٔ بیهودگی‌این کارسخنانی آورده است. اندکی ازمعماهای اودرتذکرهٔ نصرآبادی ص۴۹۷ دیده میشود.

آثارشرف یزدی:

- ظفرنامه (جای گفتگو).
- حلل مطرز درمعما و لغز.
- منتخب حلل.
- کنه‌الزاد درعلم وفق اعداد.
- حقایق‌التهلیل.

(۱) روضات‌الجنات ص ۲٦۱ - چ یکم.

(۲) برای تاریخچه معماسرائی ص ۳۹۳و۳۹٤ این مجلد دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- مواطن یا مناظر (درمعما).
- شرح چکامهٔ برده.
- دیوان شرف یزدی (نسخهٔ کتابخانهٔ ملك).
- الکتاب فی علم الاسطرلاب.

گزارش زندگی او و نام نگاشته‌هایش در طبقهٔ ششم تذکرهٔ دولتشاه، و مجلس پنجاهم از مجالس العشاق، و جزء سوم از جلد سوم حبیب السیر و تذکرهٔ نصرآبادی (ص ٤٩٧) و طرائق الحقائق (ج ٢ ص ٣٠) و (مرآت الخیال ص ٦٧) و ریاض العارفین (ص ٢١١) و کشف الظنون و (هفت اقلیم ص ١٧٣) و فهرست ریو (ص ١٧٣) و روضات (ص ٢٦١) و گنج دانش، و فهرست مجلس (ج ٣ ص ١٣٧) و ریحانة الادب (ج ٢ ص ٣١١) و تاریخ یزد آیتی (ص ٢٠١-٢٠٤ و ٢٩٥) آمده است.

شرف الدین علی ظفرنامه را به پیروی از «ظفرنامه» نظام شامی (١) ساخته و گاهی گفتارهای شامی را بی آنکه از او یاد کند آورده است. ودر (٨٢٨ ق) آنرا بپایان رسانیده است (٢) ولی دولتشاه سمرقندی در طبقهٔ یکم گوید: مولانا چهار سال در آن کار کرد، و ابراهیم سلطان مرینهٔ بسیار بکردن گرفت، و تاریخها که بخشیان و روزنامه‌چیان روزگار امیر بزرك فراهم ساخته بودند از انبارهای پادشاهان بیرون آورد، واز سالخوردگان پژوهشها و پرسشها شد، تا این تاریخ براستی و درستی بپایان رسید. البته دولتشاه این سخن را از گفته‌های شرف الدین در دیباچهٔ ظفرنامه بیرون کشیده ولی خود شرف الدین نیز دروغ گفته است، چه بگفتهٔ عبدالرزاق در «مطلع السعدین» و خواندمیر در «حبیب السیر» نخستین کسیکه تاریخ تیموریان گرد کرد نظام الدین شامی بود و پسیان همه از وی گرفته‌اند.

(١) جلد یکم ظفرنامهٔ نظام شامی بسال ١٩٣٧م بکوشش فلیکس تاور Flix Tauer چك اسلواکی و بهزینهٔ بنگاه خاورشناسی چك اسلواکی براك در شهر بیروت چاپ شده است.

(٢) چلبی در کشف الظنون گوید در (٨٢٨ = کلام صنف فی شیراز) پایان یافته ولی چون شماره کنیم «کلام صنف بشیراز» نیز برابر ٨٣١ خواهد شد.

ولی باید یادآور شد که شرف الدین گوی چاپلوسی و ستایشگری را از پیشینیان خود ربوده است (١).

خود نگارنده در چگونگی نگارش آن گوید در روزگار آن حضرت (تیمور) تاریخ نگاران نگاشته‌های خویش را در مجلس بگوش وی رسانیده و او تصحیح میکرد و با این روش منظومه‌یی ترکی و کتابی فارسی درست شده بود، و اکنون حضرت سلطنت پناهی (شاید: ابراهیم سلطان) همهٔ آن منظوم و منثورها از همه سو گرد کرد، و باهمکاری بخشیان ترکی و سخن‌دانان فارسی، و با نظر من نویسندگان مینوشتند، و اگر باشکال برمیخوردیم نامه‌ها باطراف میفرستادیم و نتیجه را پس از پذیرفتن آنحضرت، مینگاشتم.

او سه برتری برای این کتاب بردیگر تاریخها یاد کرد. نخست گسترش آن دوم یادآوری ریزه کاریها. سوم راستی و درستی آن.

ظفرنامه چنانکه از دیباچهٔ آن هویدا است دارای یك پیشگفتار (مقدمه) و دو مقالت بوده است، پیشگفتار بگفته چلبی در کشف الظنون «در یك جلد جداگانه بوده و نژادجغتای و گزارش اولوس را در برداشته (٢)» و این جلد بگفته عزاوی در «عراق بین الاحتلالین» ج ٢ ص ٢٨١ «تاریخ جهانگیرنامیده شده است». و مقالت یکم در گزارش کارهای امیرتیمور گورکان است که او را صاحبقران میخواند. و مقالت دوم در بارهٔ کارهای شاهرخ بوده است (٣) ولی اکنون از پیشگفتار و مقالت دوم چیزی بجای نمانده، و نسخه‌های ظفرنامه که بدست است و در کلکته چاپ شده فقط مقالت یکم را در بردارد. چلبی گوید این کتاب در ٨٢٨ ق پایان یافته ولی مادهٔ تاریخ آنراه کلام صنف بشیراز» آورده که (٨٣١ ق) را نشان میدهد.

شرف الدین در این کتاب از روش جهان گشای جوینی پیروی کرده و داد

(١) برای تاریخ خاندان تیمور «عجایب المقدور فی نوائب تیمور» نگارش ابن عربشاه (م ٨٥٤) را نیز باید بررسی کرد، این کتاب درست در برابر ظفرنامه جا دارد، او همهٔ فجایع و خونریزیها و غارتگریهای تیمور را بخامه آورده است.

(٢) نگارنده نیز در دیباچهٔ ظفرنامه میگوید سبب نگارش این کتاب را در مقدمه یاد کرده‌ام ص ٢٥ ج ١ چ کلکته دیده شود.

(٣) ص ٧ ج ١ چ کلکته دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سخن بداده ومدت چند سده کتاب اوسرمشق دبیران ونگارندگان بوده است ، واز آن روی که که پیش از نظام شامی زبان بازی کرده وسخن پردازی نموده، کتابش نامبردارترشده وهمه تاریخ نگاران پسین مانند حبیب السیر وروضة الصفا ازوی نقل کنند، ودولتشاه دربارهٔ آن گوید: صاف تراز این هیچکس ننگاشته، وگرچه دیگران پرکارتر نگاشته‌اند ولی این ازهمه بهتراست .

چلبی گوید : حافظ محمد پسر احمد عجمی این کتابرا بترکی گردانید، وتاج سلمانی دنباله‌یی برای آن نگاشت و رویدادهای زمان شاعر، سالهای ۸۱۳ - ۸۰۷ ق را در آن یاد کرد .

ونیز هاتفی شاعر (م ۹۲۷ ق) ظفرنامه را بنظم درآورده و « تیمورنامه » نامیده که چهارمین مثنوی از « پنج گنج » او میباشد . وخودش دردیباچهٔ تیمورنامه بدین معنی اشارت دارد .

ظفرنامهٔ در کلکته با کوشش و تصحیح مولوی محمدالهداد در دوجلد چاپ شده است . جلد یکم ۸۱۳ ص + ۱۴ ص فهرست دارد و بسال ۱۸۸۷ م بخش شده ، جلد دوم ۷۴۹ ص + ۱۰ ص فهرست دارد وبسال ۱۸۸۸ م = ۱۳۰۶ ق بخش شده است . پایان جلد یکم و آغاز جلددوم چاپی برابر (گ ۱۲ - الف) جلد دوم نسخهٔ ۱۹۸ دانشگاه میباشد .

[۲۳۶]

۱۹۷ جلد یکم از کتاب ظفرنامه شرف الدین علی یزدی بخط نستعلیق نام نویسنده وتاریخ ندارد، لیکن خط و کاغذ از سدهٔ دهم مینماید . آغاز نسخه ۲۴ سطر از نسخهٔ چاپ کلکته سال ۱۸۸۷ کم دارد، و برگ یکم نسخه افتاده، وچنین آغاز میشود: تملك وتصرف واستمر کم فیها . . . وتا برگ ۷ نونویس است ، و پایان نسخه برابر سطر ۱۴ صفحهٔ ۷۶۷ جلد یکم چاپ کلکته میباشد، وچنین پایان یافته است : [و دل ازجان برشسته در بالای کوه طنابها درمیان] . و آغاز این صفحه : « گفتار درتوجه صاحبقران بقلعهٔ کولاوطاوس وغیر آن » میباشد وپس ازاین رادرجلد دوم آورده وچیزی درمیان نیافتاده‌است . عنوانها برخی باشنگرف وبرخی بالاژورد وبرخی بازرناب نوشته شده . همهٔ رویه‌ها باسیاهی وزر ولاژورد جدول بندی شده‌است . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه دیده میشود .

کرانه صفحه‌ها که خورد شده صحافی گردیده وهفت برگ آغاز نسخه نونویس و باقی خشکیده است وبا دست خوردن خرد میشود .

۳۶۳ برگ ، کاغذ هندی قهوه‌یی رنگ . جلد تیماج مشکی مقوائی قنوده فرسوده . اندازه : ۱۵×۲۲ و ۱۱×۱۷ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۳۷]

۱۹۸ جلد دوم ظفرنامه است از صفحهٔ ۷۷۶ جلد اول نسخهٔ چاپ کلکته ۱۸۸۸ م تا پایان جلد دوم آن چاپ را دربر گرفته است (۱) خط ودیگر خصوصیات مانند جلد اول است که دربالا یادشد . سیزده برگ آخر نسخه نونویس میباشد وروی کاغذ سفید نوشته شده است .

(۳۷۰ برگ) کاغذ قهوه‌ئی . جلد الدکی از کتاب بزرگتر است ، تیماج قهوه‌ئی فشاری فرسوده میباشد وزرکوب آن ریخته است درون تیماج سرخ فشرده با لاژورد رنگامیزی شده است . نه تیماج گهنه . اندازه ۱۵×۲۲ و ۱۱×۱۷ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۱۸] عجایب المخلوقات (جغرافی - فارسی)

جغرافیا مانند دیگر دانشها دوران کودکی داشته ، ومرحله‌هائی گذرانیده تا به پایهٔ امروزی رسیده است ، این دانش در آغاز کار با خرافات بسیار آمیخته بود ، وچون وسایل ارتباط درروزگار گذشته کم وساده بود ، ومردم از کشورهای دور کمتر باخبر بودند . ازاین روی جهانگردان و جغرافیانگاران درنوشتن راست ودروغ آزادی بیشتر داشتند .

انگیزهٔ پیدایش دانش جغرافیا راهنمائی بازرگانان جهانگرد در یونان باستان بوده است ، و سپس دولتهای روم و ایران برای راهنمائی گردآوران مالیات و باج از کشورهای دور ، از آن استفاده کردند ، و در روزگار فرمانروائی عربان سود مذهبی نیز بر آن افزوده شد ، در این روزگار نه فقط بازرگانان برای جهانگردی ودولت برای باج ستانی به جغرافیا نیازمند بودند ، بلکه مذهبیها برای رفتن به حج ورفتن به مرکز آموزشهای فقه وحدیث به جغرافیا نیاز داشتند ، و ازاین روی درسدهٔ سوم هجری ، جغرافیا مانند دیگر

(۱) پایان جلد یکم و آغاز دوم چاپ کلکته ۱۸۸۸ م برابر (گ ۱۲ - الف) این نسخه میباشد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دانشها در دنیای اسلام شناخته‌شد، و نخستین کسیکه بنگارش جغرافیا پرداخت ابن‌خرداذبه ایرانی وزردشتی بود که بدستور وزیران برمکی مسلمان شد و کتاب «المسالك والممالك» درچگونگی گرفتن مالیات از کشورهای اسلامی وواژه‌های آن نگاشت. این کتاب در (۱۳۰۶ ق) در لیدن با ترجمهٔ فرانسوی از دو گویه خاورشناسی فرانسه چاپ شد.

وچون اشراف دربایتخهای اسلامی از بررسی وخواندن کتابهای جغرافیا مانند افسانه برای گذرانیدن وقتهای بیکاری استفاده میکردند. افسانه‌های سحر آمیز و داستانهای شگفت انگیز با جغرافیا در آمیخت و نگارندگان، دربافتن دروغهای هرچه بزرگتر بریکدیگر پیش‌دستی کردند، ورشتهٔ ویژه‌یی ازجغرافیا پدیدار گشت که بیشتر آنرا «عجایب...» مینامیدند. البته این رشته نیز مطالب درست وسودمند بسیار دربر دارد وبرای روشن ساختن بسیاری از تاریکیهای تاریخ یاری میدهد. اینك فهرست کوتاهی ازنامترین کسان که دراین‌باره نگاشته‌اند:

- قزوینی: زکریا پسر محمد کوفی قزوینی نگارنده آثارالبلاد (ز ۶۰۰ - ۶۸۲ق) «عجایب‌المخلوقات» نگاشته که چهارمقدمه ودومقاله دارد. چ گوتن گن ۱۸۴۶ م با تصحیح وستن‌فلد در ۲۵۲ ص + ۲۲ ص پیشگفتار. و نیز چ مصر بی‌تاریخ در ۴۱۶ ص ونیز چ مصر وبحاشیه‌اش حیاة‌الحیوان در (۶-۱۳۰۵ ق).

- ترجمهٔ فارسی عجایب قزوینی مکنولی (چنین): چ سنگی تهران ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ق در ۲۷۲ ص با پرده‌های نقاشی بدریخت، ولی در معجم‌المطبوعات گوید چاپ این ترجمه بسال ۱۲۶۴ در تهران بوده و جرجی زیدان گوید این کتاب درلکهنو بسال ۱۲۸۳ق چاپ شده است.

- ترجمهٔ ترکی آن: ازملاغنائی قاضی بوسنه (ن ۹۶۵ ق).

- ترجمهٔ آلمانی آن چ لایپزیك ۱۸۶۸ م.

- ترجمهٔ فرانسه چ پاریس ۱۸۰۵م.

- کوتاه‌شدهٔ آن بنام «الدر المنتقات من عجایب المخلوقات» (کشف‌الظنون).

- باکوی (م ۸۰۶ ق) نیز آنرا کوتاه کرده «الآثار عن عجائب المخلوقات» نامید ونسخهٔ آن درپاریس هست.

- ابوحامد محمد پسر عبدالرحمان اندلسی بنام «المغرب عن بعض عجائب المغرب» (۵۵۶ق) نگاشت وبه ابن‌هبیرة (م ۵۶۰) پیشکش ساخت (کشف‌الظنون)

- ابن‌اثیر جزری (م ۶۳۰ق) نیز «تحفة العجایب» نگاشته (کشف‌الظنون).

- شهاب‌الدین احمد حموی نیز عجایب‌المخلوقات نگاشته (کشف‌الظنون).

- محمدبن محمود طوسی (م ۵۵۵ ق) عجایب‌المخلوقات دارد، و نسخهٔ نقشه‌دار آن در کتابخانهٔ خدیوی هست (جرجی زیدان).

- ابوحسین صوفی عبدالرحمان «عجائب‌المخلوقات» دارد، ونسخهٔ نقشه‌دار ازآن بخامهٔ عبدالله پسر محمد (ن ۱۰۴۳ ق) در کتابخانهٔ خدیوی هست (جرجی زیدان).

- ابوعبدالله محمد مازنی (م ۵۶۵ ق) عجایب «المخلوقات» دارد نسخه آن در اکسفورد هست (آداب اللغة جرجی زیدان ۳: ۲۲۲ چ ۱۹۳۱م).

- عبداللطیف بغدادی (ز ۵۵۵ م ۶۲۹ق) «الاستبصار فی عجایب الامصار» را در (۵۸۷ ق) نگاشته. چ وین ۱۸۵۶ م وترجمهٔ فرانسهٔ آن چ ۱۹۱۰ م.

- قلقشندی «شهاب‌الدین ابوالعباس احمد پسر علی پسر احمد مصری (م ۸۲۱ ق)» نگارندهٔ صبح‌الاعشی. گزارش زندگی او در «ضوءاللامع» و«شذرات‌الذهب» وپیشگفتار جلد چهاردهم صبح‌الاعشی چ مصر ۱۹۱۹ م وآداب‌اللغة جرجی زیدان چ ۱۹۳۱ م ج ۳ ص ۱۳۳ و دیگرجاها آمده، ونامی از «عجایب‌المخلوقات» درفهرست نگاشته‌هایش نیست. ولی یك صفحهٔ آغاز این کتاب در (برك ۲-ب نسخهٔ ۱۶۷ دانشگاه) دیده میشود.

جای گفتگو کتاب بی‌نام و نشانی است که چلبی در کشف‌الظنون آنرا «عجائب‌المخلوقات» نامیده ونگارنده‌اش را نشناخته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آغاز: الحمد لله رب الارباب و مسبب الاسباب و منشی السحاب العالم بکل شیء فلایعزب عنه مثقال ذرة . . . و بعد فهذا کتاب ینصرف الناظر فیه بین جد وهزل و ملح غریبة و دقیق و جزل و عجایب عجیبة جمعته من کتب عدة و رتبته ابواباً واسئل الله . . . قال الحکماء . . .

انجام نسخهٔ دانشگاه افتاده آنجام آنچه هست : البوم هو طائر معروف یقال . . . وعظمه یدخن بین ندمان الشرب . . .

نگارنده : نام نگارنده در دیباچه نیامده است و پشت جلد نسخه نوشته شده « عجائب المخلوقات قلقشندی » ولیکن از دیباچه‌یی که در (گ ۲ ـ ب) نسخهٔ ۱۶۷ دانشگاه (۱) بنام دیباچهٔ عجایب المخلوقات قلقشندی دیده میشود، چنین می‌نماید که کتاب جای گفتگو از قلقشندی نیست، زیرا که آن دیباچه با دیباچهٔ کتاب جای گفتگو ناسازگار است، وهم قلقشندی در آن دیباچه کتاب حیاة الحیوان دمیری را مدرک کار خویش شمرده، ودرمیان مدارک کتاب جای گفتگو، نام حیاة الحیوان دیده نمیشود .

تاریخ نگارش : این کتاب بگمان من در نیمهٔ یکم سدهٔ نهم نگاشته شده است زیرا که در گ ۱۳۰ از شهر قسطنطنیه پیش از افتادن بدست ترکها گفتگو میکند و میدانیم این شهر در (۸۵۶ ق) از دست دولت روم خاوری بدست مسلمانان ترک افتاد . ونیز در (گ ۲۳) یک مسئله هیئت را از ابن جزری نقل کند وشاید ابن جزری (م ۸۳۳ ق) را که منظومه‌یی درعلم هیئت دارد خواسته باشد .

و چون در بخش حیوان شناسی و گیاه شناسی، نام بسیاری از آنها را بفارسی و تازی هر دو یاد کرده ، ایرانی بودن او آشکار است . ولی در بخش

(۱) این دیباچه چنین است :

بسمله قال مؤلف هذا الکتاب القلقشندی رحمة الله علیه انی استخرت الله سبحانه وتعالی وجمعت کتابی هذا من کتب شتی منها کتاب عجائب المخلوقات للقزوینی (ره) و منها حیاة الحیوان للدمیری (ره) وزدت علیها بحسب طاقتی مما رأیته فی کتب المتقدمین والمتأخرین وهو مشتمل علی علوم جمة، منها علم الافلاک والاملاک وعلم الهندسة وعلم الهیئة و علم الایام والشهور والسنین وعلم الطب واسرار الحیوانات والنباتات . . . والیه المآب .

ماهها و سالها، از ماههای عربی و رومی نام برده، و از تاریخ و ماههای فارسی و ایرانی هیچ یاد نکرده است .

مدارک این کتاب :

وی در این کتاب از کسان و کتابهای زیر نام برده است :

از ابن جزری (شاید : م ۸۳۳ ق) در ک ۲۳ و کتاب « اخترات الآفاق » (چنین) در ک ۲۷، والهروی (شاید : جهانگردهروی ابوالحسن علی پسر ابوبکر موصلی م ۶۱۱ ق) در ک ۹۰ ، و « یواقیت البیان فی بعض القرآن (چنین) از احمد پسر ابراهیم ثعلبی در ک ۱۰۶ ، و « العجایب » قزوینی در ک ۱۲۲ ، والجولقی در ک ۱۴۲ ومحمدبن زکریا (چنین در چندجا) مانند ک ۱۴۳، وابن الفقیه (شاید : احمد پسر محمد نگارندهٔ البلدان ن ۲۹۰ ق) در ک ۱۴۳، وابن السیرافی عیسی بن مبارک در ک ۱۴۶ ، و کتاب الحواله در ک ۱۴۶ ، وبهرام، در ک ۱۵۳ و « الشفاء » از قاضی عیاض (م ۵۴۴ ق) در ک ۱۵۳ وابوعبدالله صبی در ک ۱۵۵، والسراج، یعقوب پسر اسحاق ، در ک ۱۶۱، وشیخ محمدبن القزوینی (چنین) در ک ۱۶۵، ومحمدبن هارون مغربی در ک ۱۶۶ ، وابوحامد اندلسی (نگارندهٔ المغرب . ن ۵۵۶ ق) در ک ۱۶۶ ، والسمرقندی در ک ۱۶۷ ، واصطخری در ک ۱۷۱ ، الفقیه (شاید : همان ابن الفقیه گذشته باشد) ، تحفة الغرایب (گویا : رحلهٔ ابن بطوطه ز ۷۰۳ م ۷۷۹ ق است که « تحفة النظار فی غرایب الامصار » نام دارد ، نه کتاب علم شاه (م ۹۸۷ ق) در ک ۱۸۰ وابن اسحاق (شاید : نگارندهٔ مغازی م ۲۰۰ ق) ک ۱۸۲، محمدبن ابراهیم الضراب ک ۱۹۳ ، ابراهیم بن محمد ک ۱۹۳ ، نظام الملک (شاید : نگارندهٔ سیاستنامه م ۴۸۵ ق) در ک ۲۰۹ ، کتاب العلامه در ک ۲۵۸ ، کتاب الفلاحة (شاید : از احمدبن وحشیه) در ک ۲۸۰ ، والتنوخی در ک ۲۸۲ والحسن بن سعید در ک ۲۹۳ و کتاب « البشر لخیر البشر » در ک ۳۲۴ ، والازکیاء از ابن الجوزی در ک ۳۴۰ ، و عبدالرحمان الرمقی در ک ۳۵۲ .

ترتیب کتاب : وی در دیباچه میگوید این کتاب را به بابها مرتب ساختم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ولی از بررسی کتاب آشکار میگردد که این کتاب چهار مقالت دارد: یکم بالاتر از زمین است در دو باب ۱- آسمانها ۲- چهارعنصر گرداگرد زمین ك۲۲ دوم دهروزمان دو باب دارد ۱- دنیا: ك۳۲ ۲- دهر: ك۳۳ سوم: اقطار و دریاها، هفت باب دارد ۱- اقطار: ك ٤٥ ، ۲- دریاها: ك ۱۳۵ ۳- رودها: ك ۱٦۹ ، ٤- چشمه‌سارها: ك۱۷۸، ٥- چاهها: ك ٦۰۱۸٤- کوهها: ك ۷۰۱۹۰- سنگها: ك ۲۰٦ چهارم اجسام سه باب دارد ۱- کانها: ك ۲۱٥ - ۲- گیاهها: ك ۲۲۳ ، ۳- جانوران: ك ۳۰٥ ولی در نسخهٔ ۱٦۷ دانشگاه ، آغاز مقالهٔ یکم نشان داده نشده است وشاید واژهٔ «فصل فی الافلاك» که در (ك ٤- ب) دیده میشود، آغاز مقاله یکم و باب یکم باشد . این نسخه در پیرامن (۸٥۰۰ بیت نوشته) دارد.

[۲۳۸]

۱٦۷ نسخه بخط نسخ درشت پایانش افتاده‌است. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی در گرانهٔ (ك۲۹۲ - الف) نویسندهٔ کتاب بخانهٔ خود نوشته است: «و محرر الکتاب احمد العجمی قدر آی فی مدینة الکاشان قسم من اوردله وجهان» وچون مردم کشور عثمانی بایرانیانی که در دورهٔ صفوی بکشور عثمانی پناهنده میشدند لقب عجمی میدادند گمان میرود که احمد این کتاب را در کشور عثمانی نوشته‌است . خط و کاغذ سدهٔ دهم و یازدهم را نشان میدهد . عنوانها با شنگرف است . رویه‌ها با زر ولاژورد جدولبندی شده‌است (گ ۲۹٦ تا ۳٤٥) فقط یك جدول باز دارد و (گ ۳۵٦ تا ۳۵۸) جدولبندی نشده است . تصحیح شده و افتادگیها در گرانه نوشته شده است . در برگ (۱- ب) یك صفحهٔ آغاز یکی از کتابهای فلقشندی نوشته شده‌است . در برگ (۳- الف) شعری در بزرتری دارائی بردانش و یك تملك به سال ۱۱۸۹ ق و تملك حسن علی ایروانی واعظ در ۲۲۷۱ ق نیز دیده میشود .

(۳۸٥ برگ) کاغذ نخدی اصفهانی . جلد تیماج حنائی فشرده ، فرسوده . ته تیماج زرد . اندازه : ۱٥×۳۰/٥ و ۹/٥×۱۲/٥ ؛ ۱٥ سطر .

[۲۱۹] عدة الرجال (رجال - عربی)

این نام برای یك کتاب رجال نهاده شده‌است، ولی نگارنده جز یك جلد آنرا که فائده های رجال و خبرشناسی و راوی شناسی در بر داود ، بیرون نداده ،

ومرك فرزندش از پیشرفت کار مانع شده است

نگارنده : سید محسن اعرجی کاظمی پسر سید حسن پسر مرتضی پسر شرف‌الدین از مردم کاظمین‌است. وی در پیرامن سال (۱۱۲۷ق) بزاده ودر (۲۱ رمضان ۱۲۳۱ ق) (۱) در گذشته و گور او تا کنون در کوچهٔ‌یی نزدیك صحن امام کاظم پیداست . خاندان او خودرا از فرزندان عبدالله اعرج پسر حسین اصغر پسر زین‌العابدین امام چهارم شیعه میشمرند و این لقب گرفته‌اند . وی در آغاز زندگی بازرگان بود وبررسی کتابهای فقه و اصول نیز دوست‌داشت، و پس‌از چهل سال عمر در پیرامن (۱۱۷۰ ق) از بازرگانی دست برداشت و بنجف شد و نزد بحرالعلوم سیدمهدی (م ۱۲۱۲ ق) وآقا باقر بهبهانی پسر محمد اکمل (م ۱۲۰٦ ق) و سید صدرالدین قمی شاگردی کرد . گویند هنگامیکه در بغداد بازرگانی میکرد ادبیات عرب را برای دانشجویان درس میگفت. او چند پسر دانشمند داشته یکی بنام علی که «عدة الرجال» را بخواست وی نگاشت ودرشرح وافیه، فتوای اورا در یك مسئله یاد کرده، و گویند هنگام درس نیز گفته‌های وی را نقل میکرده‌است . این پسر درزندگانی پدر و پیش‌از (۱۲۰٦ ق) در گذشت(۲) دیگری کاظم نام داشته و او برجنازهٔ پدر خویش نماز گذارده است ،

آثار او :

- منظومهٔ « فقهیه مستطرفه » ج ۱۲۷۱ ق .
- اصالة البراءة (مسئله‌یی ازاصول فقه)

---

(۱) مرگ او را پدرم در نوبه پیرامن ۱۲۲۷ ق و نوری در مستدرك الوسایل ص ۳۹۹ سال ۱۲٤۰ ق دانسته‌اند ولی در نجوم السماء ص ۳٤٥ گوید مرك او در ۲۱ رمضان سال مرگ شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و سیدعلی طباطبائی ۱۲۳۱ ق بود . و سید حسن صدر در ذکری الحسنین آنرا در ۱۲۲۷ ق دانسته و شش ماده تاریخ برای آن یاد کرده که از ۱۲۲٦ تا ۱۲۳۰ را نشان میدهند .

(۲) ابوعلی کتاب منتهی المقال را پیش‌از مرك بهبهانی (۱۲۰٦ ق) و پس‌از مرك سیدعلی پسر سید محسن اعرجی نگاشته‌است (حرف - م) این فهرست دیده شود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- تلخیص‌الاستبصار . - حاشیه برمصباح‌المنیر .
- حاشیهٔ بروافی فیض . - حاشیهٔ وافیة‌الاصول ملاعبدالله تونی .
- شرح همین وافیه بنام «المحصول» . - شرح دیگر همان کتاب بنام «وافی» .
- سلالة‌الاجتهاد . شرح مقدمه‌هایی « حدائق ناضره » شیخ یوسف بحرینی و رد برآن . - عدة‌الرجال (جای گفتگو) .
- وسائل‌الشیعه الی احکام‌الشریعة . ج تبریز ۱۳۲۱ ق .
- المعتصم دراصول فقه .

گزارش زندگی اعرجی درنجوم‌السماء چ لکهنو ۱۳۰۲ ق ص ۳۴۴ - ۳۴۵ ومستدرك حاجی‌نوری ج۳ ص ۳۹۹ وروضات ص ۵۴۹ چ یکم ، وریحانة‌الادب و دنبال نام کتابهایش درذریعه آمده است ، سید حسن صدر نیز کتابی جدا گانه که (۷۰۰ بیت‌نوشته) دارد بنام «ذکری‌المحسنین» در گزارش زندگی او نگاشته که دردنبال کتاب وسایل‌الشیعهٔ اعرجی درتبریز بسال ۱۳۲۱ق درپنج برك چاپ شده است ، نیمی از این کتابچه بجای گزارش زندگانی ، از کرامتهای اعرجی گفتگو کرده است، وچون آنرا باشتاب و برای رسانیدن بچاپ وسایل‌الشیعه درشعبان ۱۳۲۰ نگاشته، گفته‌هایش پایه تاریخی ندارد .

فهرست «عدة‌الرجال» چنین است: فائدهٔ یکم زایچه ومرك پیغمبر وامامان ك۲ فائدهٔ دوم دسته‌های گوناگون شیعه: ك۱۱ (۱) فائدهٔ سوم کهن‌ترین کتابها و نگارندگان دراسلام . آغازش در ك ۱۱ افتاده‌است . فائدهٔ چهارم خبر راوی ناعادل: ك۱۳ فائدهٔ پنجم درستی و نادرستی راوی: ك ۱۶ فائدهٔ ششم مدرك درستی و نادرستی: ك ۳۲ فائدهٔ هفتم تناقض دو دلیل درستی و نادرستی: ك ۳۷ فائدهٔ هشتم اصحاب اجماع (۲) کیانند: ك۳۸ فائدهٔ نهم «وعده» کیانند (۳): ك۴۴ فائدهٔ دهم راه شناسائی

(۱) ازاین فائده فقط یك صفحه بجا مانده وپایان آن و آغاز فائدهٔ سوم درنسخه‌یکه این نسخه ازروی آن نوشته شده افتاده بوده است .
(۲) ص۴۷۳ این مجلد دیده شود .
(۳) شیخ کلینی (م ۳۲۹ ق) درچندین جای از کتاب «کافی» - که یکی‌ازچهار پایهٔ حقوق مذهبی شیعه است و در (ص ۴۷۲) یاد شده - بجای آنکه نام راوی خبر را یاد کند، میگوید: عده‌یی‌ازراویان چنین آورده‌اند ... راوی‌شناسان پسین برای‌شناختن این راویان و پذیرفتنی کردن این خبرها سخن بدرازا کشیده‌اند واعرجی نیز دراینجا همان سخنان را آورده است .

چند کس که یك‌نام‌دارند: ك۴۵ فائدهٔ یازدهم اصطلاحهای‌راوی شناسان: ك۵۰ فائدهٔ دوازدهم چگونه برخی راویان در دو دستهٔ متناقض‌شمرده شده‌اند (۱): ك ۵۳ . بخش‌دوم کتاب: فائدهٔ یکم راویان نادرست: ك۵۴ فائدهٔ دوم راویان درستی که‌بنادرستی یادشده‌اند: ك ۸۹ فائدهٔ سوم برخی‌ازبزرگان‌صحابه و تابعان ك ۱۱۰ فائدهٔ چهارم دو یادداشت : ك۱۱۲ فائدهٔ پنجم ناموران اسلام : ك ۱۱۳ فائدهٔ ششم شرح‌مشیخهٔ صدوق(۲): ك ۱۲۷ فائدهٔ هفتم‌مشیخهٔ طوسی: ك۱۶۸ این فائده یك خانه نیز دارد : ك ۱۷۶ همهٔ کتاب در نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه درپیرامن (۷۳۵۰ بیت نوشته) دارد .

چنانکه‌دیدیم این کتاب دردو بخش‌است ، بخش یکم‌دوازده‌فایده وبخش دوم هفت‌فایده‌دارد ، نگارنده دردیباچه میگوید این‌فائده‌ها را بعنوان پیشگفتار کتاب‌رجال‌فراهم‌ساخته و کتاب‌را برای‌پسرم‌علی نگاشتم(۳). ولی‌در آغاز بخش دوم‌میگوید: اکنون کسیکه کتابرا برایش نگاشتم درگذشته وهست من‌از نگارش کوتاه آمده، ناچار چند فائده برآنچه گذشت میافزایم (۴).

چنانکه در (حرف - م) خواهم گفت ابوعلی منتهی‌المقال‌را بدستور سید محسن اعرجی نگاشته ، وگویا اعرجی پس‌از مرك فرزندش از نگارش رجال خسته شد و به ابوعلی دستورداد این کار کند .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین ... اما بعد فیقول‌الفقیر الی‌الله تعالی‌الغنی محسن‌بن‌الحسن‌الحسینی‌الاعرجی غفرالله .. لماکان معرفة مقامات‌الرجال ...

انجام مع أنه‌من‌الجایزان یکون روی عمن یشار که‌فی‌الاسم وروی عنه من یشار که .

(۱) چنانکه در ص ۵۷۹ دیدیم برخی روایشناسان راویان را بدسته‌ها : (راویان از پیغمبر ... ازعلی ... ازحسن ... و کسانی که از امام روایت ندارند) بخش کرده‌اند ، وگاهی دیده میشود که نام یك‌تن، هم‌دربابیراویان ازفلان امام آمده، وهم درشمار کسانی که ازهیچ امام روایت ندارند یاد شده است .
(۲) مانند آنچه درص ۲۵ بنام شرح مشیخة من لایحضر یادشد .
(۳) گ ۳ - الف نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه دیده شود
(۴) گ ۵۴ - الف نسخهٔ ۹۸۸ دانشگاه دیده شود .

کتابخانه موزه دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۳۹]

۹۸۸ نسخه بخط نسخ نام نویسنده وتاریخ ندارد ، ولی پیداست که هشتاد برگ آغاز کتابرا خوشنویس نوشته ، ومانده (تا گ۱۸۱) بخطی مانند خط حاجی نوری (م ۱۳۲۰ ق) نوشته شده است و شاید خط او باشد . عنوانها با شنگرف است . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه‌ها هست و گویا حاجی نوری خود آنرا تصحیح کرده است . انجام فائده دوم وآغازفائده سوم سفید مانده ، ودر کرانه بخط تصحیح کننده یادداشت شده که: نسخهٔ رونویس شده ، سفیدی بسیار داشت . این نسخه در کتابخانه آقاضیا نواده حاجی نوری بوده ومهر وی بر (گ ۱ــ الف) دیده میشود .

(۱۸۱ برك) کاغذ فرنگی سفید آهارمهره . جلد لیقاج مرغ قشاری عنوانی .

اندازه : ۱۷×۱۲ و بخش یکم ۹/۲×۱۷ ؛ ۲۳سطر و بخش دوم ۹×۱۶ ؛ ۱۹ سطر .

[۲۲۰] **عمدة‌الطالب** (نسبنامه ــ عربی)

فی انساب آل ابی‌طالب

چون ترکان مغول درسدهٔ نهم به نسبنامه‌سازی و نگاهداری زنجیرهٔ نیاکان خویش پرداختند (۱) خاندانهای عرب و بویژه سیدان که خودرا فرزندان پیغمبر میدانستند، ونژاد خودرا با کنروز زنجیرهٔ نیاکان خویش‌را درست‌تر ازدیگر مردم میدانستند، دراندیشه گردآوری نسبنامه‌هاشدند. یکی ازعربانی که بگفتهٔ خودش تعصب نژادی اورا به‌نسبنامه‌نگاری واداشته ابن‌عنبه نگارندهٔ عمدة‌الطالب است که جای گفتگو میباشد ، و چنانکه خواهیم دید او چندین کتاب دراین‌باره نگاشته است .

(۱) درص ۵۳۰ گفتم ملتهای غیرمانند همواره به‌نسب‌ارزش بسیارمیدهند ، چنانکه عربان پس‌از پایان تاخت وتاز همینکه سروشتهٔ کارهای ایران‌را بدست گرفتند وبرای خویش زندگی اشرافی فراهم ساختند ، درسدهٔ دوم به‌نسبنامه‌سازی و نگاهداری زنجیرهٔ نیاکان پرداختند ، اینك می‌بینیم ترکان مغول نیز پس‌از کشاورهای سدهٔ هفت و هشت و پس‌از بدست‌آوردن مقام اشرافیت، درسدهٔ نهم همان‌روش عربان را پیش گرفتند، وچنانکه درص ۶۱۹ گذشت فرزندان تیمورلنك تاریخ‌نگارانی مانندشرف‌الدین علی یزدی را بنگارش تاریخهائی مانند ظفرنامه واداشتند، که جلد یکم آنت ویژهٔ نسبنامه ترکان جغتای‌بوده ، ونیزخود الغ‌بیك پسرشاهرخ کتابی بنام «شجرة‌الاتراك» یا «الوس چهارگانه چنگیزی» نگاشته که نسخهٔ مختصر آن دربریتش موزیوم بشمارهٔ (۲۶۱۹۰) دیده میشود .

آثار ابن‌عنبه :

ــ عمدة‌الطالب بزرك تیموری جای گفتگو .

ــ عمدة‌الطالب کوچك جلالی (یا عمدة‌المطالب) .

ــ تحفة‌الطالب درنسب (الذریعه، ج۳ــ ص۴۴۸) بنقل‌ازالمشجرالکشاف چاپ مصر .

ــ التحفة‌الجمالیة (ذریعه ج ۳ ص ۴۲۴) .

ــ النسب فارسی (ذریعهٔ ج ۳ ص ۴۲۴) .

ــ أنساب آل ابی‌طالب ، فارسی نسخه‌اش در کتابخانه حاجی نوری بوده است (ذریعه ج ۲ ص ۲۷۶) .

ــ بحرالانساب . یك دیباچه و پنج فصل دارد . نسخهٔ آن در کتابخانهٔ خدیوی درمصر (۲۷۶ ص) دارد (آداب‌اللغة جرجی‌زیدان ــ ج ۳ ص ۱۷۵) و (ذریعه ج ۳ ص ۳۱) .

ــ حلیة‌الانسان و حلبة‌اللسان لغت عربی ، فارسی ، ترکی چ استانبول ۱۳۴۰ ق در (۲۳۰ ص) .

جای گفتگو دو کتاب اوست که هردو را دردیباچه ، عمدة‌الطالب ، نامیده است ، یکی بزرك و بدترتیب ، که دردیباچه آنرا بتیمورلنگ پیش کش ساخته ودیگری کوچك وخوش‌ترتیب ، که دردیباچه بنام جلال‌الدین حسن پسر علی پسرحسن از آل ابوالفضل؛ سیدهای حسنی حله پیش کش ساخته‌است . نام نگارنده دردیباچهٔ هیچیك نیامده ولی‌هنگام معرفی بنی‌عنبه خویشان خود، نام ونیاکان خویش‌را یاد کرده است (۱)

دردیباچه هردونسخه پس‌از افتخار به نژاد علوی‌خویش(۲) گوید چون

(۱) ص ۱۱۷ ج نجف ، گ ۵۵ ب نسخهٔ جلالی کوچك شمارهٔ ۱۸۲ دانشگاه و گ ۸۶ ب نسخهٔ تیموری بزرك شمارهٔ ۱۸۱ دانشگاه .

(۲) نگارنده درنسخه‌ئیکه برای تیمورگورکان‌نگاشته واورا مالك رقاب‌عرب وعجم خوانده ، تعصب عربی کمتر نشان‌میدهد ، و درنسخه‌ئیکه برای جلال‌الدین حسن حسینی نگاشته باآنکه نسخهٔ تیموری‌را کوتاه کرده ، بر تعصب‌وفخربه خویش افزوده‌است جملهٔ «فحر کتنی العصبیة» که در (ص۲ ج نجف) دیده میشود درنسخه تیموری (شمارهٔ ۱۸۱ دانشگاه) دیده‌نمیشود . و نیزهنگام یاد کردن‌نام مادرعلی‌بن‌الحسین در(ص۱۸۲ ج نجف) ازغیرعربان با سبکی نام میبرد ولی درنسخهٔ تیموری‌آنرا ندارد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

برخی را دیدم که درهنگام مفاخره باعلویان باپذیرفتن برتری علویان، دردرستی زنجیرهٔ نیاکان طرف، تردید میکنند و به بی‌مدرک بودن آن دست آویزمیشوند، ازاین روی من این کتاب ساختم تا مدرک ایشان باشد.

دردیباچهٔ نسخهٔ تیموری گوید ازدو کتاب ابوالحسن علی پسرمحمد پسرعلی بن الصوفی (۱) عمری و ابونصر سهل پسرعبدالله بخاری برای نگارش این کتاب استفاده کردم ولی درنسخهٔ جلالی نام آنها را نیاورده است.

آغاز عمدة‌الطالب تیموری: الحمدلله‌الذی خلق من‌الماء بشراً وجعله... و بعد فان‌النسب علم عظیم... و نهض بتنقیح حالاتهم فی کل اوان فهامون من‌الائمة فاردت ان اصنف فی‌انساب‌الطالبیین... ولم یحضرنی فی ذلک‌العلم الا مختصراً لطیفاً من تصانیف شیخنا‌العلامة ابی‌الحسن علی‌بن محمدبن علی‌بن الصوفی...

انجام: وهم آخر ولد ابی‌طالب‌بن عبدالمطلب‌بن هاشم‌بن عبدمناف، قال مؤلفه رحمة‌الله علیه: واذیسرالله اتمام هذاالکتاب وفق ما اردناه...

کسانی که در بارهٔ عمدة‌الطالب کار کرده‌اند.

چلبی گوید: عمدة‌الطالب را شهاب‌الدین احمدابن عنبه کوتاه کرده است، سید محسن عاملی دراعیان‌الشیعه ج۱۰ص۱۵۲میگوید: این‌همان عمدة‌الطالب کوچک‌است، وآنرا خودنگارنده (ابن‌عنبه) بنام سیدمحمد (م۸۷۰ق)پسرفلاح مشعشعی امیرخوزستان ویا بنام پدرش فلاح کوتاه کرده است.

ـ سیدعبدالله محفوظ حسینی در (۹۷۳ق) دنباله‌یی برای‌عمده‌نگاشته ونسخهٔ آن درقم نزد سیدشهاب‌الدین (آقانجفی) هست.

ـ کمال‌الدین اصفهانی نیز دنباله‌یی برای‌آن‌نگاشت (حاشیهٔ مجمع‌التواریخ مرعشی چ تهران ۱۳۲۸ ص ۹۱).

ـ سید حسین پسر مساعد (در سدهٔ دهم) حاشیه‌هائی برآن نگاشته که در پابرگی عمدة‌الطالب کوچک چ نجف چاپ شده‌است.

نگارنده: جمال‌الدین احمدپسرعلی‌پسرمهنا پسرعنبة‌الاصغرپسرعلی‌عنبة‌الاکبراست

(۱) نگارندهٔ النجدی درنسب درسدهٔ پنجم.

که نژاد خویش به حسن مثنی پسر حسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب میرساند (۱) او از خانوادهٔ عنبه‌سیدهای حسنی نجف وحله بوده. گزارش زندگانی او، وانیکه کی از آنجا بایران آمد، و نزد تیمور لنک رفت، وبکرمان‌شد، وچرادرآنجا بدرود زندگی گفت، آشکارنیست.

وی‌درپیرامن‌نیمهٔ سدهٔ هشتم‌زاد، ودردوازده سال‌پایان‌عمر سیدتاج‌الدین محمدپسرجلال‌الدین‌قاسم معروف بابن‌معیه (م ۷۷۶ ق) درعراق‌شاگرد وی‌بود، وخود گوید: (۲) دختر خردسال این استاد را نامزد خود کردم ولی دخترک در کودکی بمرد و من چندشب درهفته کتابهای (۳) این‌استادرا بروی میخواندم، و خرقه تصوف و لباس جوانمردان بدست او پوشیدم زنجیرهٔ این خرقه بسیدی احمد کبیر، و زنجیرهٔ لباس بناصرخلیفه میرسد (٤).

او فارسی میدانسته و چنانکه از ذریعه برمی‌آید یک یا دو کتاب فارسی درنسب نگاشته و یک دستور زبان و لغت سه پهلو (فارسی ـ عربی ـ ترکی) نیز نگاشته است که چاپ شده است.

گویا هنگامیکه امیرتیمور درعراق بود (۷۹۵ تا ۸۰۳ق) این‌عنبه نسخهٔ

(۱) ص۱۱۷عمدة‌الطالب کوچک چاپ نجف و(گ ۵۵ ب) نسخه۱۸۲دانشگاه و گ ۸٦ نسخهٔ ۱۸۱ دیده شود.

(۲) ص ۱۵۸ عمدة‌الطالب کوچک چاپ نجف و(گ ۷٦ ب و۷۷ ـ الف نسخه ۱۸۲) دیده شود. ولی‌داستان نامزدی دختر استادرا درنسخهٔ تیموری نیاورده است.

(۳) کتابهائی که ابن‌عنبه برای این‌معیه استاد خودیاد کرده بیشتر درنسب‌شناسی بوده ونیزمیگویدپوشاندن خرقهٔ تصوف ولباس جوانمردی (فتوه) که‌همیشه باخاندان معیه‌بود، دراین روزگاردرهمهٔ عراق بی‌منازع بدست این استاد بود. البته اوازوازهٔ عراق (فرانت میانه) کربلا، حله، نجف را خواسته است. (گ ۷۷ ـ الف نسخهٔ ۱۸۲ و گ ۱۰٦ نسخه ۱۸۱ دانشگاه) دیده شود.

(٤) داستان پوشیدن خرقهٔ صوفیانه‌ولباس جوانمردانه‌رادرنسخهٔ کوچک نیاورده ولی درنسخه بزرگ تیموری (گ ۱۰٦ ب نسخه ۱۸۱ دانشگاه) دیده میشود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بزرك عمدة الطالب را نگاشته (۱) و باو پیشکش کرده، وسپس در (۸۱۲ق)(۲) نسخهٔ جلالی را نگاشته و به جلال‌الدین حسن از سران قبیلهٔ آل ابوالفضل (۳) در حله پیشکش ساخته، وبعدها بدنبال تیمور بایران رفته و کتابهای فارسی خویش را آنجا نگاشته، ودر بلخ به زیارتگاه امیرالمؤمنین علی رفته وازروی سنك قبر ثابت کرده که آن گور یکی از امامزاده‌ها است که این نام و نشان داشته(٤)، وسپس بکرمان شده ودر آنجا در هفت صفر ۸۲۸ق در گذشته است(٥).

[٢٤٠]

۱۸۱ نسخه بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در شهر مدینه بروز یکشنبه ۱۸ شوال ۹۶۹ق پایان یافته. عنوانها با شنگرف است. تصحیح شده و اعتادگیها در کرانه نوشته شده است، شعرها را درمیان سطر نوشته است. صفحه‌شمار نداشته ولی نشان پاره‌یی دارد. دز (گ ۱۵۰ ـ الف) حاشیه‌یی بخط اعتمادالسلطنه وزیرعلوم (علی‌قلی میرزا) دیده میشود ودر (گ ۱۰۷ و ۱۷۲ ب) حاشیه‌یی بخط سید شهاب‌الدین تبریزی (آقانجفی قمی) دیده میشود. و در برخی صفحه‌ها خط من دیده میشود که در سال ۱۳۲۸ ناسازگاری آن را با نسخهٔ چاپ نجف نشان کردم. وشمارهٔ صفحه‌های آنرا در این نسخه گذاردم. در (گ ۱ ـ الف) تملك علی پسر عبدالرسول

(۱) ازاینکه نسخهٔ تیموری بی‌ترتیب است ونسخهٔ جلالی مرتب‌تر میباشد چنین مینماید که آن پیش‌تر نگاشته شده و شاید تحسین نگارش او باشد، و ازاین‌روی در دیباچهٔ آن، مدرك کار خویش را یاد کرده، و در نسخهٔ جلالی که منظم‌تر است، خودپسندی او افزایش یافته واز نام بردن کتابهای گذشتگان سر باز زده است.

(۲) این تاریخ نسخه‌یی بخط نگارنده است که در پیش گفتار چ نجف ص ۹ بدان اشارت رفته.

(۳) در نسخهٔ تیموری از این خاندان فقط در شش سطر دو (گ ۱۵۹ ـ الف نسخهٔ ۱۸۱ دانشگاه) گفتگو میدارد ولی در نسخهٔ کوچك جلالی که برای رئیس این خاندان نگاشته چند صفحه در بارهٔ ایشان گفتگو می‌دارد (پیش و پس از ص ۲۷۵ چ نجف و ص ۱۳۰ نسخهٔ ۱۸۲ دانشگاه).

(٤) این مطلب در کتاب فارسی او درنسب آمده است (ذریعه ج ۲ ص ۲۷٦)

(٥) تاریخ مرگ ابن عنبه در کشف‌الظنون و آداب‌اللغة جرجی زیدان ۳ : ۱۷٤ واعیان‌الشیعه وذریعه چنین است و برخی آنرا ۸۲۷ و ۸۲۵ یاد کرده‌اند.

(عبدالرسولی) بسال (۱۳۵۸ق) ودر (گ ۱ ـ ب) تملك ومهر شیخ جعفر سلطان‌العلما دیده میشود. در یك برك پیش از نسخه آقای مشکاة در ۱۳٦۸ق کتاب را خریده ومعرفی نموده است.

(۲۰۷ برك) کاغذ سفید اصفهانی آهارمهره، جلد تیماج مشکی مقوائی.
اندازه: ۱۴×۲۲ و ۸×۱۴؛ ۲۰ سطر.

[۲۲۱] عمدة الطالب (نسبنامه ـ عربی)

یا عمدة المطالب فی انساب آل ابی‌طالب

چنانکه در بالا گفتم دو نسخه از عمدة‌الطالب دردست هست یکی بزرك که برای تیمور لنك نگاشته شده و دیگر کوچك که برای جلال‌الدین حسن ازسیدهای حسنی حله نگاشته شده است. جای گفتگو این نسخهٔ دوم است و با بررسی آنچه در (ص ۶۳۰ تا ٦۳٤) گفتم این کتاب نیز شناخته میگردد. عمدة‌الطالب جلالی (کوچك) بسال ۱۳۵۸ق در نجف در ۳٦۹ص با تصحیح وحاشیه وپیشگفتاری در گزارش زندگی ابن‌عنبه از سید محمد صادق بحرالعلوم نجفی و در پایان آن کتابچه‌یی در اصطلاحهای نسب‌شناسی چاپ شده ولی بغلط آنرا عمدة‌الطالب بزرك پنداشته‌اند وحاشیه‌های سید حسین پسر مساعد نجفی (در آغاز سدهٔ ۱۰هم) براین کتاب نیز در پای صفحه های آن چاپ‌شده است. در نسخهٔ دانشگاه نام کتاب وعمدة‌الطالب، آمده است

آغاز عمدة‌الطالب جلالی: الحمدلله‌الذی خلق من‌الماء بشراً وجعله... اما بعد فان علم‌النسب علم عظیم... و نهض بتنقیح حالاتهم فی کل اوان فهامون من‌الائمة فحر کتنی‌العصبیة وبعثتنی‌النفس‌الابیة علی ان اصنف فی انساب...

انجام: (۱) قال‌العمری له ولاخوته محمدوعبدالله وسلیمان بقیة فی مصر والشام، ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذاالمختصر...

[۲۲۱]

۱۸۲ نسخه عمدة‌الطالب کوچك (جلالی) برابر نسخهٔ چاپ نجف میباشد. بخط نسخ نزدیك بخط هندی. نام نویسنده وتاریخ ازپایان نسخه افتاده. خط وکاغذ سدهٔ دهم را نشان میدهد. هشت صفحه از آخر نسخه افتاده دارد. تصحیح شده واعتادگیها را در کرانه آورده است.

(۱) انجام نسخهٔ ۱۸۲ دانشگاه افتاده و این را ازروی نسخهٔ چاپ نجف آوردم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پایان نسخه چنین است: الفصل الخامس فی ذکر عمر الاطراف .. برگهاورا موریانه زده وسوراخ کرده است .

(۱۶۸ برگ) کاغذ ترمه سفید . جلد لیماج سبز ترمه یدلافشرده .
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۷×۱۳ : ۲۰ سطر .

[۲۲۲] فتوحات شاهی (تاریخ - فارسی)

بخشی از حبیب‌السیر

نگارنده : غیاث‌الدین محمد پسرهمام‌الدین معروف به خوندمیر (ز- ۸۸۰ق) و (م- ۹۴۱ یا ۹۴۲ ق) خانداتش شیرازی و خود پرورش یافتهٔ هرات است . خود در آغاز حبیب‌السیر گوید درسن چهل و هفت یا هشت سالگی در (۹۲۷ق) بدستور صدر نقیب میرغیاث‌الدین محمد حسینی بنگارش این کتاب آغاز کرده و آنرا بر یك پیش گفتار و یك پایان‌نامه و سه مجلد که هریك چهار جزء دارد بپیچیده، وپس از پایان جلد یکم نقیب درگذشت و کار بازماند، تا آنکه فرمانروائی خراسان به معین‌السلطنه ابومنصور دورمش خان و وزارت به خواجه حبیب‌الله واگذارشد ، و او دستور کار را داد و کتاب بنام او در (۹۳۰ ق) بپایان رسید. کتاب حبیب‌السیر در بمبئی در (۷۱ - ۱۲۷۳ ق) با یك پیش گفتار در گزارش زندگی نگارنده وسپس در تهران در (۱۲۷۱ ق) در یك جلد بزرك بچاپ سنك و نیز در تهران در چهار جلد بچاپ سربی بسال ۱۳۳۳ با فهرست نامها توسط محمد دبیر سیاقی و پیش گفتار از جلال همائی پخش شده است . و عبدالحسین نوائی گزارشهای این کتاب را جدا ساخته و بنام « رجال حبیب‌السیر» در تهران بسال ۱۳۲۴ چاپ کرد . برای آگاهی بیشتر دربارهٔ این کتاب تاریخ ادبیات ایران نگارش استوری انگلیسی ص ۱۰۶-۱۰۸ دیده شود .

فتوحات شاهی : کسی درسدهٔ یازدهم بخشی از جزء چهارم از جلد سوم حبیب‌السیر را که گزارش پادشاهی شاه اسماعیل صفوی بوده ، از آن جداساخته ونسخهٔ زرنگار آنرا گویا برای کتابخانهٔ شاه فراهم کرده‌است. این بخش از ص ۳۲۲

تا سطر ۳۳ ص ۳۸۲) چاپ تهران (۱۲۷۱ ق) را گرفته است .

[۲۴۲]

۱۱۰۴ نسخه بخط نستعلیق زیبا . نویسنده علی‌قلی پسر احمد تبریزی در تاریخ جمعه دوم رجب (۱۷۹ شاید ۱۰۷۹ ق) بپایان رسیده است . وآنرا بدستورعالی حضرت میرزامحمد یوسفا نوشته است . همهٔ صفحه‌ها بازرولاژورد وشنگرف جدولبندی شده است . برگهای (۱ - ب و ۲- الف) زرافشانی شده و یك سرلوح زیبا با زر وشنگرف ولاژورد در گ (۱- ب) دیده میشود که درمیان آن نام کتاب فتوحات شاهی نوشته شده است .

عنوانها با شنگرف است ، برخی برگها را موریانه خورده است . پشت برگ (۱ - الف) نوشته شده است : تاریخ فتوحات شاهی تألیف ابراهیم امینی بامر شاه اسماعیل ... ولی با بررسی کتاب فروغ بودن آن آشکاراست . آقای مشکاة نیزهمانجا نوشته است : این کتاب را میرزانصرالله اخوبان بمن بخشوده است .

(۱۳۰ برگ) کاغذ ترمه سفید آهارمهره . جلد لیماج مشکی رزکوب فرسوده .
اندازه : ۲۸/۷×۱۹/۷ و ۱۳/۵×۲۰ : ۱۹ سطر .

[۲۴۳] الفهرست (کتابشناسی - عربی)

در (ص ۴۸۴) نوید دادم که اندکی دربارهٔ کتابشناسی و تاریخچهٔ آن دراینجا گفتگو آرم ، ولی آقای دانش پژوه نگارندهٔ جلد سوم فهرست این کتابخانه، درپیش گفتار آن مجلد صفحهٔ بیست و دوم تا بیست وپنجم دراین‌باره گفتگو کردند، ومن‌دراینجا ازتکرار خودداری میکنم ، وخواننده را به بررسی آن پیش گفتار و صفحه‌های (۴۸۲ - ۵۰۰) این مجلد (جلد دوم) راهنمائی می کنم (۱) .

یکی از کهن‌ترین کتابها که دربارهٔ کتابشناسی نگاشته‌شده فهرست‌طوسی

(۱) برای مراجعه کنندگان این کتابخانه یادآور میشود که درلابلای جنگهای و مجموعه‌های این کتابخانه فهرستهائی از کتابهای گوناگون دیده میشود که کمابیش سودمند هستند ، مانند فهرستی که در (گ ۴۸ و ۴۹) کتاب اوائل‌التحریر نسخهٔ (۸۹۷ دانشگاه) هست ، ومانند فهرست دیگری که در (گ ۱۴۴-۱۴۷) دفترشمارهٔ ۴۰۵ دانشگاه دیده میشود .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(جای گفتگو) میباشد نگارنده این کتاب محمد پسر حسن طوسی است که اورا شیخ‌الطائفه لقب داده‌اند وی که در ۳۸۵ ق درطوس بزاده ودر ۴۶۰ ق در نجف در گذشته از پایه گذاران مذهب شیعه است و اندکی از گزارش زندگیش در (ص۵۷۹) یاد شد.

سند فهرست: در آغاز بیشتر نسخه‌های این کتاب نوشته شده که مردی ناشناس در قراح ابوشحم (۱) دربغداد شرقی این کتاب را نزد عیداد، ابوالبرکات، رشیدالدین خوانده و بتاریخ سه شنبه شانزدهم جمادی یکم سال پانصد وهشتاد و هفت بپایان رسانیده است، عیداد نیز کتاب را نزد ابن رطبهٔ سوراوی حسین پسر هبةالله خوانده و او آنرا نزد ابوعلی حسن پسر شیخ طوسی خوانده و او آنرا بر پدر خویش نگارندهٔ کتاب خوانده است.

کسانی که دربارهٔ فهرست طوس کار کرده‌اند:

ـ محقق حلی نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر هذلی (م ۶۷۶ ق) گفتارهای کتابشناسی را از فهرست انداخته وفقط گزارشهای زندگی را آورده، وآنرا بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده‌است، نسخهٔ آن در کتابخانهٔ صدر در بغداد هست (ذریعه ۴: ۴۲۵).

ـ ملا عنایةالله قهپائی پسر شرف‌الدین علی قهپائی نگارندهٔ مجمع الرجال (ن ۱۰۱۶ ق) وی فهرست را بترتیب حرفهای الفباء بسیجیده است.

ـ شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵–۱۱۲۱ ق) فهرست را شرح کرده و «معراج الکمال فی معرفةالرجال» نامیده، و صاحب لؤلؤة گوید ناتمام مانده است.

ـ علی پسر عبدالله پسر عبدالصمد مقشاعی اصبعی بحرینی (م ۱۱۲۷ ق) نیز فهرست را بترتیب حرفها درآورده است.

ـ اسپرنگر (۲) فهرست طوسی را بترتیب حرفهای الفباء مرتب ساخته و در کلکته (۳) در (۱۸۵۳ م = ۱۲۷۱ ق) با تصحیح مولوی عبدالحق زیر نظر

(۱) در بخش خاوری بغداد چند کوی بنام «قراح ...» بوده است که بنام کسانی خوانده میشدند. معجم‌البلدان دیده شود.

(۲) A. Sprenger

(۳) چاپخانهٔ Baptist missionpress

کنیانی خاوری هند و انجمن آسیائی بنگاله بشمارهٔ (۶۰) در (۳۸۳ ص) با دیباچهٔ انگلیسی در (۴ ص) چاپ شده است. دراین چاپ جز غلطهای فراوان نام ده کس نیز افتاده است و ۸۹۲ کس را شناسانده است، و در پابرگی آن نقدالایضاح ازعلم‌الهدی پسر ملامحسن فیض کاشانی را که مرتب شدهٔ ایضاح‌الاشتباه علامه حلی (۱) است، چاپ کرده‌است. دراین چاپ سند کتاب را نیز انداخته‌اند وچنین آغاز شده است:

الحمدلله ولی الحمد ومستحقه والصلاة...

ـ سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی که در نجف میزیست وبسال (۱۳۳۴ ق) در گذشت، فهرست طوسی و رجال کشی ونجاشی وخلاصهٔ علامهٔ حلی را کوتاه کرده و «منتخب کتاب‌الرجال» نامید. (پیش گفتار بحرالعلوم بر چاپ نجف فهرست).

ـ سید محمد صادق بحرالعلوم نجفی پسر سید حسن نوادهٔ بحرالعلوم بروجردی، فهرست را با کتابهائیکه از فهرست نقل کرده‌اند تصحیح کرده وباحاشیه‌های سودمند وپیش گفتاری دربارهٔ کتاب و گزارش زندگی نگارنده‌اش طوسی بسرمایهٔ چاپخانهٔ حیدری در نجف بسال ۱۹۳۷م = ۱۳۵۶ ق چاپ کرده‌است. بحرالعلوم دراین پیش گفتار می گوید: این چاپ ده گزارش بیش از چاپ کلکته دارد، ولیکن شمارهٔ گزارش آخرین صفحهٔ چاپ کلکته ۸۹۲ میباشد و شمارهٔ چاپ نجف ۸۸۸ است.

نسخهٔ چاپ نجف سند کتاب را نیز در آغاز کتاب آورده وچنین آغاز میشود: اخبرنا الشیخ الفقیه... العیداد... قال الحمدلله ولی الحمد.

نسخه‌های فهرست: باهمه کوششی که بحرالعلوم در چاپ نجف بکار برده فهرست را فقط با یك نسخه وباچند کتاب که از آن چیزهائی نقل کرده‌اند بر بر کرده‌است، درصورتیکه دراین مدت نهصد واندسال بی گمان دراین کتاب دست برده است، چنانکه خود بحرالعلوم گوید، طوسی گزارش زندگی ابن‌غضائری را

(۱) برای شناسائی ایضاح ونقدالایضاح ص ۵۱۱ این مجلد دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

در کتاب رجال یکتاب فهرست خود حوالت داده وما آنرا درفهرست نمی‌یابیم. (پیش گفتار بحرالعلوم ـ من: ك ـ ٢٠). برای بدست آوردن یك نسخهٔ درست باید نسخه‌های فراوان این کتابرا باهم برابر کرده، و هم اکنون چهار نسخه از آن دراین کتابخانه هست.

[٢٤٣]

٨٤٧ نسخه‌دردنیال رجال شیخ طوسی جادارد و برگهای ٧٩ تا ١٣٣ را گرفته است. خط نسخ، نام نویسنده ندارد. درتاریخ چهارشنبه ٩ صفر ١٢٨٤ ق بپایان رسیده عنوانها با شنگرف و برخی با لاژورد و برخی با زردی میباشد. دیباچه سند کتاب را ندارد، واز گفتهٔ طوسی آغازشده است.

همهٔ دفتر ١٣٣ برگ. این کتاب ٥٥ برگ. کاغذ سفید آهار مهره. جلد تیماج سرخ فشرده متوالی. اندازه: ١٥×٢٥ و ٨/٥×١٧ : ٢١ سطر.

[٢٤٤]

٩٧٩ نسخه دردنیال رجال طوسی جا دارد و برگهای ٨٥ تا ١٤٣ را گرفته است. خط نسخ. نام نویسنده وتاریخ ندارد، ولی پیداست که درسدهٔ سیزدهم نوشته شده است. عنوانها با شنگرف. همهٔ رویه‌ها دوجدول دارد یکی بیرون با میانه، دوم درونی با زر ولاژورد.

این نسخه دیباچهٔ سند کتاب را دارد و با جملهٔ: اخبرنا الشیخ الفقیه... آغاز شده است.

همهٔ دفتر ١٤٣ برگ. این کتاب ٥٨ برگ. کاغذ فرنگی آهارمهره سفید. جلد تیماج سرخ متوالی فشرده. اندازه: ١٤×٢١ و ٨/٥×١٤/٥ : ١٩ سطر.

[٢٤٥]

٩٤٥٠ نسخه دردفتری جادارد که: درایهٔ حسین پسر عبدالصمد پدر شیخ بهائی (گ ١ـ٣٧) ودرایهٔ شهید (گ ٣٧ـ٤٣) و رجال ابن‌داود (گ ٤٣ـ١٠١) واین کتاب (گ ١٠٢ـ١٤١) را دربردارد. و خصوصیات نسخه در (من ٥٧٧) یاد شد. خط این کتاب از کتابهای دیگر این دفتر جدا است. نویسنده محمد پسر اخی محمد کاتب، درتاریخ یکشنبه یازدهم جمادی دوم (٩٦٩ ق) پایان یافته است. خط نسخ باختر ایران، عنوانها با شنگرف است تصحیح شده و نشان تصحیح در کرانهٔ برگها

دیده میشود. دیباچهٔ سند کتابرا ندارد. وبجملهٔ: الحمدلله‌ولی الحمد... (گفتهٔ طوسی) آغاز شده است.

همهٔ دفتر ١٤١ برگ. این کتاب ٣٩ برگ. کاغذ اصفهانی نخودی، جلد تیماج سرخ متوالی اندازه: ١٨×٢٥ ؛ ١٢×١٨ : ٢٥ سطر.

[٢٤٦]

١١٠٢ نسخه دردفتری جادارد که این کتاب (من١ـ١١٨) و رضاعیه حاج آقاحسین بروجردی نیز در (٤١ من) جداگانه دنبال آن است. خط نسخ. نویسنده محمد حسن پسر احمد پسر محمدعلی پسر علی‌اکبر گلپایانی نژادبروجردی زادگاه است، اواین نسخه را ازروی نسخه‌یکه خود پیشتر نوشته وتصحیح کرده بود بدستورحاج آقا حسین بروجردی در (١٣٥١ ق) نوشته و دردوم جمادی یکم پس‌از چهل روز آنرا بپایان رسانیده وباآنکه دوصفحه پیش‌از آغاز نسخه و یك صفحه پس‌از پایان آن دربارهٔ تصحیح آن گفتگو کرده بازهم غلطها دارد ودیباچهٔ سند کتابرا نیز ندارد، و بگفتهٔ شیخ‌طوسی آغازشده است.

همهٔ دفتر١٥٩ برگ. کاغذ فرنگی نخودی. جلد ندارد ودرمیان یك جلدتیماج‌سرگهه یك‌لا نهاده شده است. اندازه: ١٩×٢٣ و ١٢×١٧ : ٢١ سطر.

[٢٢٤] کارنامهٔ جهان (تاریخ ـ فارسی)

ترجمهٔ «قطف‌الزهور فی تاریخ‌الدهور»

قطف‌الزهور درتاریخ همگانی درپنج بخش، و درهریك ازتاریخ یکی از پنج بخش جغرافیائی کرهٔ زمین گفتگو کرده‌است. این کتاب را که برابر پژوهشهای تاریخ نوین‌نگاشته‌شده نخستین‌بار دربیروت ١٨٨٣ م: ٧٢٩ ص، وتیز چ دوم درهمانجا ١٨٨٥ م: ٧٢٩ص، و چ چهارم همانجا ١٨٩٨ م: ٧٦٧ص، وچ پنجم چ ادبیهٔ ١٩١٢ م: ٧٦٠ ص پخش شده است

نگارنده: یوحنا ابکاریوس پسر یعقوب آقا پسر ابکار از ارمنیان لبنان بوده و پدرانش از روزگار افتادن سوریه بدست خدیوان مصر با آنان رابطه داشته‌اند، یوحنا وبرادرش اسکندر ابکاریوس از ادیبان و نگارندگان بزرك لبنان بشمار میروند. گزارش زندگی آنان درمعجم‌المطبوعات عربی آمده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یوحنا ترجمان کنسولگری انگلیس در بیروت بود و در شهر سوق‌الغرب در لبنان بسال ۱۸۸۹م در گذشته است.

کارنامه جهان: ترجمهٔ فارسی آن کتاب است. نگارنده در دیباچه گوید هیچگونه افزایش و کاهشی در آن نکرده و فقط دربارهٔ تاریخ ایران اندکی افزوده است.

و بویژه از آزادیخواهان (۱) به بدی یاد کرده و به ایشان و نهلیستهای روسیه و سوسیالیستهای آلمان و کمونیستهای فرانسه و اباحه‌کاران قزوین (۲) سخت تاخته است.

نگارنده در دیباچه خود را محمد رضا اشتار یکشلو قزوینی شناسانده گوید اندکی با زبانهای ترکی و فرانسه و عربی آشنا شده‌ام.

اودربارهٔ انگیزهٔ این کار خویش گوید: در این روزگار که ملتها چنین پیشرفت کرده‌اند که گفتگوهای کنکاشستان (پارلمان) لندن با نیروی کهربا (الکتریسته) در یک آن بآمریکا میرود، آگاهی درست از تاریخ بایا میباشد، وی هنگامی که ترجمان یکم سفارت در استانبول بوده است در پی کسانی چنین میگشته، و چون به کاربردازی بشهر حلب شد کتاب «قطف‌الزهور» بدستش رسید (۳) که ادیبان آمریکائی آنرا بزبان عربی نگاشته بودند (٤) و چون به میهن بازگشت برگی چند از آنرا بزبان پارسی سره (٥) گردانید و به بزرگی نشان داد، آن

(۱) ص۱۰۷ نسخهٔ ۱۱۹ دیده شود، افسوس که صفحهٔ پیش از آن از نسخه پاره و ناپدید شده است.

(۲) شاید صوفیان حروفی و نقطوی قزوین را که در (۱۰۰۲ ق) بدست شاه عباس صفوی کشتار شدند، خوانسته باشد.

(۳) چون در صفحهٔ بعد نسخهٔ دوم را که بدستش رسیده است، چاپ دوم خوانده گوید «در چاپ یکم افزودگی داشته است...» آشکار میشود که وی میان در سال ۱۸۸۳ و ۱۸۸۵م = ۱۲۶۱ تا ۱۲٦٤ خورشیدی که تاریخ چاپ یکم و دوم این کتاب میباشد در حلب بوده است.

(٤) نگارندهٔ قطف‌الزهور در بالا یاد شده، و این مرد نگارنده متن کتاب را نمی‌شناخته و چون بنگاه آمریکائی بیروت آنرا چاپ کرده است، وی نگارنده را امیر امریکائی گمان کرده است.

(٥) فارسی سره او چنانکه از دیباچه برمی‌آید دشوار و نارساو پر از نادرستی و لغتهای ساختگی دساتیر است که او فارسی می‌پنداشته.

مردباو گفت: بزبان همگان فهم بنویس، واو این کار بکرد، پس چون ناصرالملك وزیر امور خارجه فرمانفرمای خراسان گردید، نگارنده بسمت رئیس دیوان خانهٔ عدالت بآنجا شد، پس آخوندی در مشهد کتاب قطف‌الزهور را ازوی گرفت و پس نداد، و نگارنده از آنجا برفت، و بریاست دیوانخانهٔ همدان گماشته شد، و نسخهٔ دیگری از بیروت بخواست، پس نسخهٔ چاپ دوم را که بر چاپ یکم افزودگی داشت برای وی آوردند، و او در پانزدهم صفر (۱۳۰۷ق) بترجمهٔ کتاب آغاز و در دوم رجب آن سال آنرا بپایان رسانید، و کارنامهٔ جهانش نامید، وی گرچه میخواسته است واژه‌های جز فارسی کمتر بکار برد و دستورهای زبان عربی را در فارسی بکار نبندد باز هم جمله‌بندی این کتاب نادرست است، و هم پر از واژه‌های دشوار عربی و دساتیری میباشد، و خود ناگزیر برخی از آنها را در کرانهٔ رویه‌ها گزارش داده است.

در آغاز کتاب دیباچه‌ئی را که بفارسی سره نگاشته می‌آورد، و تاریخ آن یکم جمادی یکم سال ۱۳۰۳ ق = ۱۲۵۵ یزدگردی میباشد و سپس دیباچهٔ کتاب و پس از آن ترجمه میپردازد. و آنرا در شبه دوم رجب ۱۳۰۷ ق برابر روز آذرماه ۱۲۵۸ یزدگردی برابر دهم شباط ۱۸۸۹م بپایان رسانیده‌است.

آغاز دیباچهٔ فارسی سره: بنام کرو کربهدان: سپس ستایش یزدان توانا و درود پیغمبران و شتوخشوران و لیکان و پاکان و نزدیکان و برگزیدگان فرکاه یزدانی و ویژه پیغمبر فرجامین...

آغاز دیباچهٔ دوم: سپاس و ستایش مر یکتا سپاس سزائی در خور و سزا است... واز آنان جز شناسائی خویش و ترفیه و تن آسائی درویش چیزی نخواست.

آغاز ترجمه: در وصف تاریخ و فائدهٔ آن و جغرافی. تاریخ لفظاً کلمه‌ایست معرب از ماه روز چنانکه این وزدی در فصل ذکر هجرت...

انجام: اول مطبعهٔ میکانیکی... اختراع نیکلسون انگلیسی در سال هزار و هفتصد و نود است.

و پس از آن جدول رویدادهای بزرگ جهان سالانه نگاشته شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٤٧]

١١٩ نسخه بخط نسخ زیبا . نویسنده هدایت‌الله جودی پسر شادروان عبدالله علوی همدانی، در تاریخ جمادی یکم سال ١٣٠٨ق بپایان رسیده است . همهٔ صفحه‌ها با زر و سیاهی جدولبندی شده عنوانها با شنگرف و صفحه‌شمارها نیز شنگرف است . عنوان بخشها بالای رویه‌ها با شنگرف نوشته شده . در کرانه گزارش برخی واژه‌های دشوار با خط نستعلیق نوشته شده است .

میان صفحه‌های ١٠٦ و ١٠٧ افتادگی دارد

(٧١٧ صفحه) + ٦ برگ فهرست کتاب در آغاز و ٥ برگ سفید در پایان . کاغذ فرنگی سفید آهار مهره شده . جلد لیقاج سرخ مقوائی فشاری اندازه : ٢٠×٢٩ و ١٣×٢٣ : ٢٣ سطر .

[٢٢٥] **لؤلؤة البحرين** (رجال - عربی)

فی الاجازة لقرة العين

تاریخچهٔ اجازه (١) در ص ٤٧٧ یاد شد ، و چنانکه گفتم برخی از اجازه‌ها باندازه کتابی جداگانه ساخته شده است ، یکی از آن اجازه‌های بزرگ کتاب جای گفتگو میباشد. صاحب حدائق این اجازه را برای دوشاگرد خود شیخ خلف پسر عبدعلی و شیخ حسن پسر شیخ محمد نگاشته، و در آن گزارش زندگی استادان خویش را پشت به پشت تا نگارندگان چهار اصل (کافی ، من لا یحضره الفقیه ، تهذیب ، استبصار) یاد کرده‌است ، و سپس زنجیرهٔ روایت خویش را تا چند کتاب دیگر یاد کرده و کتاب را بپایان رسانیده‌است . این کتاب در بیرامن (٥٢٥٠ بیت نوشته) دارد و در کربلا در ١١٩٠ - ع ١ - ١١٨٢ بپایان رسیده‌است .

صاحب ذریعه در (ج ٦ ص ١٩٠) دو حاشیه از دو دانشمند زبر، برای لؤلؤة یاد کرده است :

- محمد پسر عبدالنبی نیشابوری هندی اخباری (م ١٢٣٢ق) که در (١٢٠٧ق)

(١) قلقشندی در صبح الاعشی ج مصر ١٩١٨ م ج ١٤ ص ٣٢٢ روش اجازه و بسی سدهٔ نهم در مصر را چنین می‌آورد: اجازه برای فتوی دادن، و درس گفتن و روایت کردن را شیخ و استاد روی برگهای پهن مانند کاغذ «فرخة الشامی» و کاغذ «بلدی» با خامهٔ «رقاع» بنویسد و میان سطرها یك انگشت فاصله گذارد ...

این حاشیه را نگاشته، و میگوید چون لؤلؤة را بررسی کردم و در آن نادرستیها دیدم، این حاشیه را نگاشتم ...

- محمد پسر سلیمان تنکابنی (م ١٣٠٢ ق) در « قصص العلماء » گوید حاشیه‌یی بر لؤلؤة نگاشتم

لؤلؤة در تهران بسال ١٢٦٩ ق بسنگ و بی تاریخ در هند چاپ شده است .

اجازه دهنده : یوسف پسر احمد پسر ابراهیم پسر احمد پسر صالح پسر احمد پسر عصفور بحرینی دراژی ماحوزی، استاد سیدمهدی بحرالعلوم و آقاباقر بهبهانی (م ١٢٠٦ ق) میباشد . او مانند دیگر دانشمندان بحرین اخباری بوده و با اصول فقه میانه ندارد .

گزارش زندگی وی را همهٔ تاریخ نگاران آورده‌اند، و مدرك همهٔ ایشان همین کتاب خود اوست ، او میگوید در (١١٠٧ق) در دیه ماحوز بزادم ، و من پنجساله بودم که عربان بر بحرین یورش آوردند ، و پس از زدوخورد و ویرانی شهر، عربان شکست خوردند . و من جوان بودم که دوباره عربان بابك غراب (١) حمله کردند و مردم ایشان را راندند . و سپس لشکری از ایران بسرداری یك خان دشتی بکمك مردم بحرین آمد و سال پسین که عربان باز آمدند ، با این لشکر روبرو شدند و شکست خوردند، ولی خطر از میان نرفت پس شیخ عبدالله ماحوزی برای یاری خواستن باصفهان شد، ولی چون شاه سلطان حسین بی لیاقت بود شیخ ناامید شد و ببهبهان بزیست . و بار سوم عربان بحرین را محاصره کردند و گشودند و کشتار بسیار نمودند، و شهر را سوختند ، و ما به قطیف پناه بردیم ، سپس لشکر ایران برای نجات بحرین آمد ولیکن این بار همهٔ ایرانیان کشته شدند . و عربان باز شهر را سوزانیدند و خانه ما نیز بسوخت ، پس چون زبونی شاه آشکار شد ، با گردآوری مال بسیار برای رئیس خوارج عرب ، بحرین بصلح از ایشان خریده شد ، و ما باز گشتیم و پنجسال آنجا بماندیم ، ولیکن در سال ١١٣٥ همینکه افغانان براصفهان پیروز شدند ، عربان « هوله » بحرین را گرفتند ، و من ناچار بکرمان فرار کردم، و سپس بشیراز شدم

١- نوعی کشتی بادی است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

وفرمانروای آنجا محمد تقی خان بمن یاری کرد، ولی ناگاه آشوب و کشتاری پیش آمد ومن بقلعا پناه بردم و متولی آنجا میرزامحمد علی نیز بمن یاری کرد وازمن مالیات نستاند، ولی اورانیز کشتند، پس باصطهبانات فرار کردم واز آنجا بعراق عرب آمده وبکربلاماندم، دراینجازندگانی من گشایش یافت و کتاب حدائق را که درشهرهای فارس می نگاشتم با گسترش بیشتردنبال کردم، واکنون کتاب بازرگانی آنرادردست کاردارم، و ازنگارش کتاب جنك (جهاد) چون سودی دربرنداشت چشم پوشیدم، و سپس فهرست نگاشته‌های خودرا آورده است

مرك صاحب حدائق را در کربلا روز شنبه چهاردهم ربیع یکم سال ۱۱۸۶ یا ۱۱۸۷ ق آورده‌اند. مادهٔ تاریخ آنرا درنخبة‌المقال چنین آورده است :

له‌حدائق قداستوفی‌الخبر وبعد (عد = ۷٤) قبضه (لناظهر = ۱۱۸٦)

اودراینجا مرك نگارنده‌را درهفتاد وچهارسالگی دانسته واین با زایجهٔ اودر (۱۱۰۷ق) ناسازگاراست. ولی درپایان نسخهٔ ۱۸۸ دانشگاه گ. ۱٤۰-الف از گفتهٔ سید محمد تبریزی چنین آورده‌است :

فقضیت‌واحدذاالزمان‌فارخو (قرحت‌قلب‌الدین‌بعدك‌یوسف) = ۱۱۸۷ق.

بهبهانی برجنازهٔ او نماز گذارد واورادرواق حسین‌بن‌علی (ع) بخاك سپردند

[۲٤۸]

۱۸۸ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده ندارد، ولی درگرانه (گ. ۳۲ - الف) بخطی مانند خامهٔ متن نوشته شده‌است : لمحرره محمد حسین. تاریخ نیز ندارد، ولی پیداست که درآغازسدهٔ سیزده نوشته شده‌است. حاشیه‌ها یامصای (منه‌ره) و(لمحرره محمدحسین) و(ملازنجانی) و(میرزا ابوالقاسم زنجانی سلمه‌الله) و (محمدعفی عنه)دارد. ودرپایان نسخه (گ ۱۳۹ پ و ۱٤۰- الف) یازده بیت شعرعربی بقافیهٔ ها، درتاریخ مرك نگارنده در ۱۱۸۷ ق ازسیدمحمد تبریزی که درهنگام نوشتن‌زنده بوده است دیده میشود.

عنوانها باشنگرف‌است، وبرخی‌عنوانهارا درگرانهٔ رویه نیز نوشته‌است. درگ. ۱٤۰ و ۱٤۱ ماده تاریخهای یك جمله‌یی و یك واژه‌یی برای مرك امامیان و چند تن از پیشوایان ودانشمندان آورده است

درپشت برك ۱- الف تملك بسال ۱۲٦۵ ق دیده‌میشود. پیشتردر کتابخانهٔ آقاضیاءالدین نوری نوادهٔ حاج‌میرزا حسین‌نوری بوده ومهر او در برك (۱- الف) دیده میشود.

۱۳۱ برك، کاغذ ترمه اصفهانی، نخدی، جلد لیقاج حنائی مقوائی قشاری.

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۸×۱۵ ؛ ۱۹ سطر.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۲٦] مجالس‌المؤمنین (تاریخ - فارسی)

یکی از کتابهای پرمطلب و ساده فارسی است که در روزگار صفوی نگاشته شده است، این کتاب که برای ترویج مذهب شیعه ساخته شده تاریخ وجغرافیای دینی‌وسیاسی خاورمیانه‌را تاپیش‌ازدولت‌صفوی‌دربردارد. نگارنده کتاب خودرا بریك پیش گفتار ودوازده مجلس وپایان‌نامه بخش کرده است :

پیش گفتار درمعنی شیعیگری، مجلس یکم جاها و شهرهای شیعه‌نشین مجلس دوم خاندانها و ایلات شیعی، مجلس سوم بزرگانی از یاران پیغمبر (صحابه) که شیعی بوده‌اند، مجلس چهارم بزرگان تابعان که شیعی بوده‌اند، مجلس پنجم متکلمان‌شیعه، مجلس ششم صوفیان‌شیعه، مجلس هفتم فیلسوفان شیعه مجلس هشتم پادشاهان شیعه، مجلس نهم امیران شیعه، مجلس دهم وزیران شیعه مجلس یازدهم شاعران عرب که شیعی بودند، مجلس دوازدهم شاعران فارسی زبان شیعه. این کتاب گرانبها دو بار در تهران که نخستین آنها در ۱٦ رجب ۱۲٦۸ ق بوده و یك‌بار بی‌تاریخ درتبریز چاپ شده‌است ولیکن بدبختانه هرسه سنگی و بدخط وبی‌سلیقه وبی‌فهرست چاپ شده است. وآنرا بسان یك گنجینهٔ کور درآورده‌اند که دست نیازمندان از مطالب آن کوتاه‌است مگر با صرف وقت زیاد که آن نیز با وضع کار امروز سازگار نیست.

نگارنده : قاضی نورالله شهید شوشتری پسر شریف پسر نورالله پسر محمد شاه پسرمبارزالدین منده مرعشی است که زنجیرهٔ نیاکان خویش به حسن اصغر پسرامام چهارم میرسانند. وی در (۹۵٦ق) درشوشتر زاده، ودرربیع دوم (۹۷۹ق) از آنجا بیرون آمد، دررمضان بطوس‌رسید ونزد عبدالواحد شوشتری دانش آموخت، وپس‌ازدوازده سال‌درشوال (۹۹۲ق) دراثرفتنه‌یی ناگزیر بهندرفت وبوسیله حکیم‌ابوالفتح نزدجلال‌الدین‌محمد اکبربادشاه رسید. وی اورا گرامی داشت و اورا سرور قاضیان عسکرساخت، وسپس اورا بجای شیخ معین قاضی لاهور ساخت.

قاضی دردهسال پایان‌سدهٔ دهم وده سال آغازسدهٔ یازدهم که دورهٔ «صلح کل»درهندوستان‌است، باآزادی بنگارش و تبلیغ شیعیگری میپرداخت. گویند

در این مدت ریشهٔ رشوت خواری را از لاهور بر کند.

او در این دوره، هیچگونه پنهان کاری نکرده و نزدیک صد کتابچه که نگاشت همه در پیرامن شیعیگری و فلسفه و عرفان و صوفیگری بود، و همه با مذهب خشك سنی دولت مغولی سابق هند ناسازگار بوده است، و او به پشت گرمی دولت صلح کلی اکبر شاه هندی اینها را می نگاشت.

طرفداری اکبر شاه از «صلح کل» و از «شیعه»:

چنانکه در (ص۷۵ و ۵۲۰) دیدیم در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم در هندوستان در اثر فشار توده‌های هندو، طرحهائی (۱) برای جلوگیری از تعصبهای خشك مذهبی اقلیت سنی که حکومت را در دست داشت، ریخته شد. یکی از آن نقشه‌ها «صلح کل جاویدان» و یکی «طرفداری از شیعیگری» بود که در بارا اکبر شاه مغولی هند، نقشه نخستین را بیاری شیخ ابوالفضل ناگری و ابوالفیض فیضی، و دومین را بیاری قاضی نورالله بکار بسته بود، ولی سنیان شیخ فیضی را در (۱۰۰۴ ق) بازهر کشتند، و سپس جهانگیر را بسال (۱۰۱۱ ق) بر بدرش اکبر شوراندند و ابوالفضل را در این شورش کشتند، و اجرای این نقشه ها را دشوار کردند، و پس از مرگ اکبر در (۱۰۱۴ ق) گرچه جانشین او جهانگیر نیز با جرای آن نقشه میل داشت، ولی سنیان از ضعف او استفاده کرده قاضی را مجبور کردند فتواهای خویش را مطابق یکی از چهار مذهب سنی بدهد، ولی قاضی با ایشان و شاه شرط کرد که در هنگام دادن هر فتوی، در بر گزیدن هریك از چهار مذهب آزاد باشد، و بدین گونه او مذهب خود (شیعی) را همیشه بنام یکی از چهار مذهب که با آن برابر بود بکار می بست. ولیکن سنیان این باره بهانهٔ نگارشهای او وی را معزول کرده و در آگره (اکبر آباد) بسال ۱۰۱۹ ق با اجازهٔ جهانگیر او را محکوم

(۱) دستگاه دولتی و مقامات درباری بدست سنیان متعصب بود که توده‌های هندو را در سختی گذارده بودند. در این روزگار جنبشهای هندوان در بار مغلی هند را متوجه کرد که اگر از اکثریت مردم طرفداری نکند تاج و تخت مغولی در معرض خطر خواهد بود، و از این روی طرح «صلح کل جاویدان» ریخته شد.

به تعزیر کردند، و با «دهٔ خاردار» اورا شلاق زدند، پس بدنش زخمهای سخت برداشت و در گذشت و همانجا بخاکش سپردند، و گور او تا امروز زیارتگاه میباشد.

شیعه‌تراشی: هدف قاضی در این کتاب آنست که اکثریت مسلمانان را شیعی نشان دهد اگرچه در دیباچه گفته است: کسانی که علی را خلیفهٔ بی‌فاصله دانند، شیعه می‌شمرد، ولی در عمل: هر آنکس را که با خاندان پیغمبر دوست باشد، و با دشمنی آشکار نکرده باشد، شیعی خوانده است، و کارهای ایشان و کتابهای آن دانشمندان را که با مذهب شیعه ناسازگار بوده، به پنهان کاری (تقیه) تفسیر کرده‌است. او میخواست بگوید شیعی گری را صفویان درست نکرده‌اند بلکه پیش از ایشان نیز بوده‌است(۱) برخی از دانشمندان این کار قاضی را شیعه‌تراشی نام داده و بآن خرده گرفته‌اند (۲) و خود قاضی نیز آگاهانه باین کار دست یازیده است. او در مجلس هفتم در گزارش زندگی غزالی گوید:

«کسی نگوید که چون حکم بتشیع غزالی و مانند او که بمذهب اهل سنت اشتهار دارند، نمودید پس باید که سخنان ایشان را که در کتب کلامیه وغیر آن مسطور است بر اهل سنت حجت نسازید، زیرا که میگوئیم که حکم ما

(۱) او در پایان نامه (خاتمه) مجالس در سفارشهای خویش گوید: دیگر آنکه تخصیص این کتاب را بذکر جمعی از اکابر مؤمنان که قبل از ظهور دولت ابد اقتران سلاطین صفویه ... بوده‌اند بوجه ندانند، زیرا که چون مقصد اصلی از این کتاب بیان قدم این طائفه و عدم ارتکاب تشیع بطریق اجبار است ...

(۲) نخستین کس که بقاضی خورده گرفت ملا عبدالله افندی در ریاض العلماء (ص۵۸۷ دیده شود) بوده، که میگوید چون دیدم قاضی سنیان را با شیعیان آمیخته و همه را شیعی شمرده‌است، من این کتاب را برای جدائی ایشان ساختم. و نیز آقا محمد بهبهانی در مقامع الفضل ص ۲۸۸ چ ۱۳۱۶ ق گوید: قاضی نورالله نظر بمعارضه در مذهب که با میرمخدوم شریفی داشت بنا بر مصلحت اکثر اعیان سنیان و صوفیان را داخل شیعیان کرد و مفهومات ضعیفه و احتمالات بعیده و سخیفه استدلال بر تشیع ایشان نمود، و نیز صاحب روضات در گزارش محیی الدین ابن عربی قاضی را بلقب شیعه‌تراش خوانده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بتشیع غزالی وامثال او نظر بباطن حال ایشان است ، وشك نیست که ظاهر حال ایشان موافق اهل سنت بوده . . . .»

من گمان میکنم چون قاضی تحت تأثیر افکار دوستان خود ابوالفضل ناگوری و حکیم ابوالفتح لاهجی و قاضی احمد تتوی و دیگر طرفداران «صلح کل» بوده، شیعیگری را آنگونه معنی میکرد که بیشتر مسلمانان را دربر گیرد، وجز بدنامترین امیران وستمگرترین پادشاهان، همهٔ نیکنامان اسلام را شیعه میشمرد. او برای پدید آوردن هماهنگی میان مردم، همهٔ خوبان را شیعی شمرد تا متعصبان مذهبی را از ناسزا گوئی بمردان بزرك، که موجب رنجش پیروان آنها است، بازدارد، با اینکه قاضی مردی متعصب درشیعیگریست از نامه هائیکه میان او و میر یوسفعلی اخباری دادوستد شده چنین برمی آید که تا اندازه‌یی از خرافات دوری میجسته است (۱).

گزارش زندگی قاضی در کتاب «محفل الفردوس» از علاء الملك پسر قاضی، ودر «منتخب التواریخ» ملاعبدالقادر بدوانی (ج ۳ ص ۱۳۷-۱۳۸) ودر «ریاض الشعراء» علی قلی واله داغستانی و بنقل از آن دو، در «نجوم السماء» (چ لکنهو ۱۳۰۲ ق - ص ۹ - ۱۷) ودر حرف نون ریاض العلماء و روضات الجنات ج پنجم ص ۵۲۴ و ۷۶۱ و در ریاض العارفین ص ۴۰۶ و هدیة الاحباب قمی و شهداء الفضیلهٔ امینی و ریحانة الادب ج ۲ ص ۶۳۶ آمده و محدث ارومی کتابی بنام «فیض الاله فی ترجمة القاضی نورالله» ساخته و در ۱۲۳ ص در پیشاپیش کتاب صوارم مهرقه بسال ۱۳۶۷ ق در تهران چاپ کرده است.

[۲۴۹]

۱۱۵ نسخه بخط نسخ، نام نویسنده منوچهر کاتب پسر شادروان مقصود کیرمئی مجلس سوم در رمضان ۱۰۵۲ ق ومجلس ششم درچهارشنبه ۲۹ ج ۲ - ۱۰۵۲ ومجلس

(۱) بخشی ازاین نامه‌ها را محدث در کتاب «فیض الاله» ص (غب ۷۲ تا ۸۴ فد) در پیشاپیش صوارم مهرقه چاپ کرده است. قاضی دراین نامه‌ها میگوید علم غیب مخصوص خداست، وتقیه واجب نیست، و خطبة البیان ساختگی است و به علی بسته شده است.

هشتم در رجب ۱۰۵۲ ومجلس دوازدهم درشعبان ۱۰۵۲ ق بپایان رسیده است، بنابرین مجلسهای ۱ و ۲ و ۳ را پس ازدیگران نوشته است. کرانه آخرین برك را بریده‌اند و با کاغذنو، متن وحاشیه کرده‌اند، و چون نام نویسنده درحاشیه بوده است آنرا بریده وبرپشت چسبانیده‌اند.

سرلوح‌هائی با زر و لاژورد و شنگرف دربرگهای (۱ و ۱۰ و ۵۲ و ۶۷ و ۱۱۹ و ۱۴۲ و ۲۵۷ و ۳۳۹ و ۳۶۶ و ۴۳۷ و ۴۵۱ و ۴۷۸ و ۵۱۵) دارد. که ۱۲ تا دو آغاز ۱۲ مجلس است وسیزدهمی در آغاز دیباچه کتاب میباشد. دوبرك نخست حاشیه‌سازی با زر و میان سطرها زرافشانی شده است. حاشیه‌ها بخامهٔ نستعلیق و بامضای (منه) و (۱۲) دارد. همهٔ رویه‌ها با زر ولاژورد جدولبندی شده است. عنوانها با شنگرف و روی آیه‌ها وجمله‌های عربی نیز خط شنگرفی کشیده‌است. نشان پابرگی داشته و برك‌شمار آنرا من نوشتم. بالای صفحه‌ها آب دیده است.

(۵۵۹ برك) کاغذ ترمه نخودی، جلد گماج زرد، درون گماج سرخ زرکوب سوخت فرسوده. اندازه: ۱۷×۲۸ و ۹/۵×۱۹/۵ ؛ ۲۵ سطر

[۲۲۷] مجمع الغرایب (جغرافیا، تاریخ - فارسی)

دربارهٔ جغرافیای افسانه‌آمیز در (ص ۶۲۱) گفتگو کردم. جای گفتگو کتابی است که چون آغازش افتاده نام نگارنده شناخته نیست. ولی پدر نگارنده ملا درویش محمد بلخی مفتی بوده، و شعر او بدو زبان ترکی و فارسی دراین کتاب آمده است (۱) و درشب پنجشنبه یکم صفر (۹۵۷ ق) در گذشته است (۲) خود نگارنده نیز هنگام نگارش این کتاب سفری را که از بلخ بکابل رفته ودر ۱۴ ربیع یکم (۹۳۵ ق) بکوه پامیان رسیده بخاطر داشته است (۳)، و آخرین تاریخی که دراین کتاب آورده مرك نتیجة الاولیاء حضرت ملا کهٔ شبرغانی درشب جمعه دهم رمضان سال هزاروسه است (۴) او همه‌جا از ابوبکر و عمر و عثمان

(۱) گ ۷ ب و ۶۸ ـ الف و ب و ۷۱ ب. نسخهٔ ۸۹۸ دانشگاه دیده شود

(۲) گ ۸۱ ب نسخه ۸۹۸ دانشگاه دیده شود.

(۳) گویا دراین هنگام او کودك بوده است. گ ۴۱ ـ الف دیده شود.

(۴) گ ۸۲ ـ الف همان نسخه دیده شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

با جملهٔ «امیرالمؤمنین ... رضی‌الله عنه» یاد کرده، و سپس یک «شیعی واژهٔ «مؤمنین» را سیاه کرده و بجای «رضی‌الله‌عنه» واژهٔ «علیه‌اللعنه» نوشته‌است (۱) و دربارهٔ سرداب سامره گوید: «مشهور است که محمد مهدی در آنجا غایب شده است» (۲) در گ (۲ و ۳) گزارش زندگی سه خلیفه را نگاشته ولی آن شیعی همه‌را سیاه کرده‌است. زایچهٔ ومرگ ومدت خلافت امامان‌را اززین‌العابدین امام چهارم تامحمدمهدی امام دوازدهم، آورده و در بارهٔ این میگوید: «مدت حیاة آنجناب نه سال ومدت خلافت چهارسال وشش‌ماه، ودرماه رمضان دویست وشش‌بود که درغار سامره غایب‌شد ...». او سنی است ولی مانند همهٔ سنیان دورهٔ تیموری درخاوراِیران، تندرویهای شیعیان را از خود نشان میدهد (۳).

اواز چندین تن‌از همزمانان خویش؛ مانند شهاب‌معمائی وحکیم ابوالخیر لبك، وملاخلیل وابوالمعانی بخاری، ودرویش شیخم، و کیستن قراسلطان فرماندار بلخ یاد کرده است.

فهرست کتاب چنین‌است «باب یکم‌افتاده. باب‌دوم زندگی پیغمبران معروف آغازش‌افتاده‌است. باب سوم‌فهرست الفبائی (٤) شهرهای بزرك جهان وعجایب هریك (گ٤ تا ٢٤) دراین باب‌آنچه دربارهٔ بلخ وبخارا که میهن اوست آورده سودمند میباشد. باب‌چهارم شگفتیهای آدمیان (ك ٢٤ - ٣١) باب پنجم عجایب جانوران (ك ٣١ - ٣٥). باب ششم عجایب گیاهها (ك ٣٥ - ٣٨) باب هفتم شگفتیهای کوه و چشمه سارها (ك ٣٨ - ٤٣) باب هشتم شگفتیهای دریاها (گ ٤٣-٤٥) باب‌نهم‌عجایب‌بیابانها(ك٤٥-٤٨) باب‌دهم‌شگفتیهای کنیسه‌ها (ك٤٨-٥٢) باب یازدهم درازاوپهنا وژرفای دریاها (ك٥٢-٥٤) باب دوازدهم

(۱) گ ۳ ب و ۷۳ و ۷٤ و ۷۵ دیده شود.
(۲) گ ۱٤ ب دیده شود.
(۳) نمونهٔ دیگر ازچنین سنیان در ص ۵۸۳ یاد شد.
(٤) شگفت آنکه حرف چیم را میان (بوت) وحرف لام را میان (ه و ی) آورده ودیگرحرفها را بترتیب الفبائی آورده است.

اندازهٔ روی زمین‌ودوری شهرهاازیکدیگر(ك٥٤-٥٦) باب سیزدهم قیافه‌شناسی وفراست (ك ٥٦-٦٣) باب‌چهاردهم شیرین‌سخنی خوش‌طبعان (ك ٦٣- ٧١) باب پانزدهم رویدادهای شگفت درتاریخ جهان (ك ٧١-٨٣) دراین باب نیز آنچه از تاریخ میهن خود یاد کرده سودمند میباشد و سزاوار چاپ شدن است. باب شانزدهم سخنان کوتاه و پندهای بزرگان (ك ٨٣-٨٤) خاتمه (ك ٨٤-٨٥).

وی دراین کتاب از کسان و کتابهای زیر نقل آورده است:

معارج‌النبوة(۱)، فوایدفیروزشاهی، تفسیربسیر، بحرالدرر، عصمة‌الانبیاء، تفسیر مواهب‌علیه، صفوة‌الصفوة، عجایب‌المخلوقات (۲)، صورالاقالیم، تاریخ بلخ، انوارالتنزیل بیضاوی (۳)، لمعة‌الغرایب، تفسیرطبری، مسالك‌الممالك، تاریخ شام، عجایب‌البلدان عبد علی بیرجندی، تحفة‌الغرایب، تاریخ مغرب، مقصدالاقبال(٤) عجایب‌العالم، جامع‌الحکایات (۵)، نزهة‌القلوب حمدالله‌مستوفی قزوینی (٦)، زادالمفسر، کشف‌الاسرار ثعلبی، زبدة‌التواریخ، آثارالباقیه، ربیع‌الابرار، فارسنامه، معجم‌البلدان، تاریخ ثعالبه، جهان‌نامه، تاریخ گزیده، عجایب‌البحر، عجایب‌الدنیا، عجایب‌الاخبار، تاریخ حافظ ابرو، ابواسحاق طالقانی، مفاخرالعرب، روضة‌الصفا، روضة‌الاحباب، (۷) تاج‌الدین منجم‌حکیم خوارزمی، تاریخ طبری، تذکرة‌التاریخ، مجمع‌الانساب، تاریخ آل سلجوق، تذکرة‌الشعراء، لطایف‌الطوایف، نفایس‌الفنون انیس‌الوحده‌وجلیس‌الخلوه، شواهدالنبوة، خلاصة‌الاخبار، جامع‌التواریخ، تاریخ حمزه‌اصفهانی، المعارف،

(۱) نسخهٔ آن بشمارهٔ (۱۱٦) دراین کتابخانه هست و یاد خواهد شد.
(۲) در ج ۲ ص ٦۲۱-٦۲٦ یاد شد.
(۳) در ج۱ ص۱۵و۱٦ یادشد.
(٤) بشمارهٔ (۱۸۳) در این کتابخانه هست ویاد خواهد شد.
(۵) در ج ۲ ص۲۱-۳۲ یاد شد.
(٦) بشمارهٔ (۲۰۹) دراین کتابخانه هست وخواهد آمد.
(۷) در ج ۲ ص (۵۸۱-۵۸٤) یاد شد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارنده این کتاب را بفارسی نگاشته ولی از سبك آن پیداست که او ترك بوده‌است ، وشعر بسیار نیز از خود و پدرش آورده ولی بیشتر آنها نیز فارسی است .

آغاز نسخه افتاده است .

انجام : لله‌الحمد والمنه که بامداد الطاف متواترهٔ ربانی . . .

خلافت پناها دلت شاد باد — تن وجانت ازمحنت آزاد باد
مرابس همین درجهان نام و کام — که این نامه کردم بنامت تمام

تا آنجا که :

چو داعی بود درجهان صبح و شام
دعاگوی تو انس و جان والسلام

[٢٥٠]

٨٩٨ نسخه بخط نسخ خاور ایران . نویسنده محمد موسی پسر شاه محمد من جماعة المعولیة درمدرسهٔ مرحوم قل بابا کوکلتاش . تاریخ ندارد ولی خط و کاغذ سده یازدهم را نشان میدهد . نویسنده سنی بوده وخلیفه‌ها را با جمله رضی الله نام برده ولی یك شیعی همه‌جا روی آن خط کشیده وجملهٔ علیه اللعنه را افزوده است ، و همین شیعی در کرانه برگهای نخست حاشیه‌ها درنکوهش از خلیفه‌ها نوشته . ودر (گ ٨٥ و ٨٦ و ٨٧) نسخه‌های پزشکی وداروهای گوناگون بخامهٔ همین شیعی نوشته شده است . عنوانها با شنگرف است . تصحیح شده وافتادگیها در کرانه نهاده شده است .

(٨٧ برگ) کاغذ ترمه نخودی . جلد مقوا نشرده فرسوده .
اندازه : ١٣×٢٠ و ٧×١٣ : ١٩ سطر .

[٢٢٨] **مختصر** (نسبنامه ـ فارسی)

این کتاب را آخوندی درهندوستان نگاشته وازدور بودن مردم ازمرکز اسلام سوء استفاده کرده دروغهای شاخدار سرهم نموده ونسبنامهٔ برای امامزادگان ساخته و زندگی امامان را نیز گزارشی سراپا دروغ فراهم کرده‌است . در آغاز گوید این کتاب بزبان عربی درمسجد الاقصی بخط امام شریف لطیف بن جعفر بن محمد بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) بوده وشیخ الحفاظ آنرا بفارسی گردانیده است .

نگارنده ازستاره‌شناسی نیز آگاهی میداشته ودههٔ عاشورا ، سال کشتن امام حسین را با نخستین دههٔ بهمن ماه برابر دانسته است (گ ١٤ ـ نسخهٔ ٨٧٧ دانشگاه) . دربارهٔ غیبت امام زمان در (گ ١٧ و ٢٧ این نسخه) گوید : گویند در سامره درغار رفته است و گویند که درچله روی نموده است و درچله و سامره اسب امام را می‌بندند ومنتظرند . ودر (گ ٢٦) ناصرخسرو را سید دانسته است . مطالب این کتاب نزدیك بمطالب کتابیست که پس از آن نوشته شده و بعنوان « منشور » یا « رسالهٔ انسابیه » یاد خواهد شد . عنوانهایش چنین است « ذکر حضرت . . . » وپس ازپایان فرزندان حسن عسکری یك بخش ویژهٔ فرزندان موسی کاظم آورده است و بیشتر ازهرچیز دراین کتاب ازسیدهای طبرستان وشمال البرز گفتگو شده است . همهٔ کتاب درپیرامن (٥٥٠ بیت نوشته) دربردارد .

آغاز : الحمدلله رب العالمین . . . قال النبی کل حسب ونسب ینقطع الا حسبی و نسبی . . .

انجام : درتوابع شهر آمل درموضع ابامه وستاق معروف به روشن آباد درتقیه ماندند .

[٢٥١]

٨٨٧ نسخه بخط نستعلیق . دردفتری جای دارد که برگهای (١ تا ٩) آنرا دوازده امام خواجه طوسی و (گ ٩ تا ٣٦) آنرا این کتاب و (گ ٣٧ تا ٩٥) را کتابچهٔ انسابیه یا « منشور مبارك » و (گ ٩٦ تا ١٣٠) را کتابچه‌یی درستاره‌شناسی و طالع بینی گرفته است ، نویسندهٔ همهٔ دفتر محمدعلی پسر خواجه قاسم علی مازندرانی ساروی است ، که دوازده امامرا درد کن حیدرآباد در دوشنبه ٢١ ربیع دوم ١٧٥ (شاید ١٠٧٥ ق) بپایان رسانیده‌است . عنوانها با شنگرف ، ودر کرانه نیز عنوانها را با شنگرف نوشته است . پشت (گ ٩ ـ الف) نوشته شده « حیف عمر که صرف مطالعه این کتاب شود » .

(همهٔ دفتر ١٣٠ برگ ، این کتابچه ٢٨ برگ ، کاغذ ترمه نخودی ، جلد تیماج مشکی دولا فرسوده . اندازه : ١٣×١٨/٥ و ٧/٣×١٣ : ١٢ سطر

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٢٩] مشترکات الرجال (رجال - عربی)

شرح باب دوازدهم جامع المقال

جامع المقال طریحی در (ص ٥٥٥) یاد شد و چنانکه گفتم باب دوازدهم این کتاب درشناسائی راویان همنام وجدا کردن آنها ازیکدیگر میباشد، این باب چون ازدیگر بابهای کتاب ارزش بیشتر داشته است (١) نویسندگان آنرا جدا نوشته ودانشمندان آنرا جداگانه گزارش نگاشته‌اند. جای گفتگو شرحی است که محمد امین کاظمی براین باب نگاشته است این کتاب را خود نگارنده دردیباچه شرح جامع المقال خوانده‌است ولی صاحب روضات (ج یکم ص ٥١٠) آنرا حاشیه دانسته و پدرم درذریعه (٧ : ٩٦) احتمال میدهد که وی نخست حاشیه‌یی براین کتاب نگاشته وسپس آنراشرح کرده‌است. دراین کتاب متن را با (قال ...) و گزارش را با (اقول ...) نشان کرده است و درآغاز گوید: چون باب دوازدهم جامع المقال را بررسی کردم دیدم نگارنده‌اش بجای شناساندن وجدا کردن راویان همنام، ایشان را درهم آمیخته است، پس برای درست کردن نادرستیهایش آنرا گزارش نگاشتم.

آغاز، الحمدلله الذی انقذنا من شفا جرف الظنون والاوهام ... اما بعد فیقول الفقیر محمد امین بن محمدعلی الکاظمی: انی نظرت فی کتاب .. قال سلمه الله: الباب الثانی عشر فی ذکر اسمهم من اسماء الرجال ... اقول اوهم کلامه ان کل واحد من المذکورین له اصل ...

(١) فهرست جامع المقال چنین است: مقدمه درمعنی حدیث، باب یکم آنچه باید راوی بداند، باب دوم حکم آن، باب سوم با چه شرط روایت پذیرفتنی است، باب چهارم عدالت چیست؟ باب پنجم خبرهائیکه ازپیغمبراست، باب ششم چرا اصطلاحهای خبرشناسان گذشته را عوض کردیم، باب هفتم باهفت شرط میتوان روایت کرد، باب هشتم چگونه باید روایت کرد؟ (لفظ را میتوان عوض کرد)، باب نهم روش راویان درروایت کردن، باب دهم داشهائیکه دانستن آن برای یك راوی بایسته است، باب یازدهم چگونه باید حدیث را نوشت، باب دوازدهم راویان همنام وجداشناختن هریك.

انجام: ونسئل الله لنا ولاخواننا العافیة من الزیغ والارتیاف، والتوفیق لما وقف له الاالالباب. والحمدلله اولا و آخر ... وفرغ مؤلف هذه الکلمات منها فی یوم خمسة عشر محرم سنة الف ومأتین واحد وعشرین (١).

این کتاب دربیرامن (٤١٥٠ بیت نوشته) دربردارد.

نگارنده: محمد امین کاظمی پسر محمد علی همزمان شیخ حر عاملی (م ١١٠٤ ق) وشاگرد طریحی (م ١٠٨٥ ق) است، گزارش کوتاهی اززندگی او درأمل الآمل (چ تهران ١٣٠٦ ق ص ٤٩٧) و (نجوم السماء چ ١٣٠٢ ق ص ١٤٢) و ذریعه ج ١ ص ١٤٧ و ج ٣ ص ٣٠١ و ج ٥ ص ٧٤ و ج ٧ ص ٩٦ و روضات ص ٥١٠ آمده و نام دو کتاب اورا، شرح باب دوازدهم جامع المقال، و، هدایة المحدثین الی طریقة المحمدین، یاد کرده‌اند. او استاد ملا محمد حسین بفمجی طوسی است که او استاد سیدنصرالله حائری بوده‌است (ذریعه ٣ : ٣٠١) ونیزاو بملا محمد حسین پسر محمد علی تبریزی در ماه صفر (١٠٩١ ق) اجازه داده است (ذریعه ١ : ١٤٧).

[٢٥٢]

٩٨٩ دردفتری جا دارد که (گ ١ تا ٦٨) آنرا گرفته و (گ ٦٨ ـ ٦٩) را کتابچه فقهی و (گ ٧١ ـ ٩١) را فوائد رجالی بهبهانی (که در ص ٥٤٦ یادشد) و (گ ٩١ ـ ٩٣) را درایهٔ بهائی و (گ ٩٣ ـ ١٠٨) رایازده باب «جامع المقال» طریحی که در (ص ٥٥٥) یاد شد، گرفته‌است.

خط نسخ، نام نویسنده در (گ ٦٨) شیخ مهدی و در (گ ٩١) مهدی پسر عبدالمراد نوشته شده. تاریخ پایان‌یافتن این کتاب ١٥ محرم ١٢٢١ ق است، و پایان کتاب درایهٔ بهائی (درگ ٩١) ١٢١٦ ق نوشته شده‌است. عنوانهای (قال و اقول) باشنگرف است. روی‌شرح خط شنگرفی کشیده‌است. الذکی حاشیهٔ منه‌دارد. تصحیح شده وافتادگیها نیزدرکرانه نوشته شده است.

هدهٔ دفتر ١٠٨ برگ. این کتابچه ٦٨ برگ. کاغذفرنگی سفید آهارمهره. جلد لیماج سرخ باقی خصوصیات در ص ٥٤٧ یاد شد.

(١) ولی آشکار است که این گفتهٔ نویسندهٔ نسخه است نه نگارندهٔ کتاب.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[٢٣٠] **المشيخة** (رجال - عربی)

یا «الاسنادالمصفی الی آل المصطفی»

چنانکه در (ص ٤٩٧) گفتم پدرم کتابی در گزارش زندگی رجال نگاران وزندگی گزاران نگاشت وآنرا «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال» نامید. وسپس کسانی از آنهارا که درزنجیرهٔ روایت میان او تاامام جای دارند برگزید وکتابچه‌یی بساخت، و«الاسنادالمصفی» نامید، وچون دراین کتاب زنجیرهٔ روایتی خودرا آورده‌است آنرا مشیخه نیز نامیده‌است، واز آن برای اجازه دادن بشاگردان خویش استفاده نمود، زیرا کسان بسیار برای گرفتن «اجازه» به پدرم مراجعه میکردند واو برای هریك ناگزیراز نوشتن چندین صفحه بود که زنجیرهٔ سندوروایت وی‌را دربر گیرد، ازاین روی این کتاب را بسال ١٣٥٦ق درنجف در(١٠٠ص) چاپ کردند ودر(ص٩٥) نیم رویه را سفید گذاردند وهرگاه میخواستند بکسی اجازت دهند، چند سطر بخامهٔ خویش درآن نیم‌صفحه می‌نگاشتند.

اینك همان چند سطر را که برای جناب آقای مشکاة بنیادگذار کتابخانهٔ دانشگاه در ص٩٥ این نسخه نگاشته‌اندراینجا میآورم:

«بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم الحمد لولیه والصلاة والسلام علی نبیه والائمة المعصومین من آل نبیه، واللعنة علی اعدائهم اجمعین، و بعد فقد اجزت سیدنا ومولانا المدرس الشهیر السید محمدالمشکاة الیزدی دامت برکاته أن یروی عنی عن جمیع مشایخی المسطورین فی هذاالاسناد وغیرهم بجمیع طرقهم، فلیروعنی عنهم جمیع ماصحت لی روایته عنهم قدس‌الله‌اسرارهم، والرجاء من مکارم الوفاء بمااشترطوه علی والدعاء لمااحتاج الیه. حرره الفانی آقا بزرك فی صفر١٣٦٢».

[٢٥٣]

٩٩٦ نسخه چاپ نجف - ج الفری (١٣٥٦ ق). خط و مهر نگارنده در (ص ٩٥) دیده میشود. ضمیمهٔ این صفحه، یك نامه بخامهٔ شیخ محمد ساوی قاضی سماوه ساکن نجف و صاحب کتابخانهٔ معروف درآنجا دیده میشود که برای آقای مشکاة نوشته است.

(١٠٠ صفحه)کاغذ فرانکی سفید - جلدکاغذی چاپی - اندازه: ١٣/٥×١٨ : ١٦ سطر.

[٢٣١] **معارج النبوة** (تاریخ - فارسی)

نگارنده: ملا معین‌الدین محمد پسر ملا شرف‌الدین حاج محمد فراهی هراتی‌است که برادر بزرك قاضی نظام‌الدین محمد بوده، وپس‌ازمرك برادرش قاضی نظام‌الدین در (٩٠٠ ق) یك سال بجای وی بنشست سپس کناره گرفت، وخواهش پادشاه‌رادراتجام کار قضاوت نپذیرفت‌ودرمسجد جامع هراتدرروزهای آدینه بجای پدر(١) وعظ میگفت، وبگفتهٔ حبیب‌السیر هنگام‌وعظ‌ازدرشت گفتن باشراف وبزرگان باك‌نداشت، وشاید ازهمین‌رواست که حکیم‌شاه قزوینی‌در ترجمهٔ مجالس‌النفائس میرعلی‌شیرنوائی(ص٢٦٩)اورادیوانه‌خوانده گویداودرپناه دیوانگی هرچه میخواست برسرمنبرمیگفت، واز گفتهٔ برادرش قاضی‌نظام‌الدین آورده: که‌ملامعین‌جوانی‌شایسته‌است‌ولی‌تختهٔ‌منبراوراضایع گردانیده‌است‌شگفت اینکه‌هراتی‌در(ص١٦٥همان کتاب)وصفی‌شاعرنوادهٔ ملامعین‌را نیزدیوانه‌خوانده است. خوندمیر گوید او بیشتر خطبها رانیکومی‌نوشت. مرك‌اورادرروضة‌الصفا بسال (٩٠٧ ق) و درحبیب‌السیر (٩٠٩ ق) ودر کشف‌الظنون بغلط (٩٥٤ ق) آورده گویند نزدیك برادر، درزیارتگاه خواجه‌عبدالله‌انصاری‌بخاکش سپرده‌اند خود در «قصص موسی» و درديباچهٔ «معارج» (٢) گوید مدت چهل سال واعظی میکردم‌واز آنچه‌دراین‌مدت در کتابهابررسی کردم «بحرالدرر» (٣) را درتفسیر بعربی وفارسی درچند دفتر نگاشتم وه «حدائق الحقائق» (٤) نیزدرتفسیربفارسی نگاشتم، وسپس کتاب «الواضحة فی اسرارالفاتحه» را بفارسی - عربی نگاشتم وسپس «معارج‌النبوة» (جای گفتگو) را نگاشتم، وسپس «روضة‌الواعظین»

(١) دیباچهٔ معارج نسخهٔ ١٢٦ دانشگاه گه ٤ـ الف دیده شود.

(٢) همان نسخه گه ٤ـ الف وپس‌ازآن دیده شود.

(٣) نسخه‌یی از دوجزوآخرقرآن ازاین تفسیر (نوشته١٠٥٠ ق) نزد سیدهادی اشکوری درنجف بوده است (ذریعه ٣ : ٣٨).

(٤) خودنگارنده گوید این کتاب‌ناتمام‌برخی با کنویس‌وبرخی‌جرکنویس بماند.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

که چهل حدیث از پیغمبر است در چهار مجلد، و پس از آنها «تفسیر سورهٔ یوسف» (۱) و پس از همه «قصص موسی» (۲) را نگاشتم، ولی در دیباچهٔ معارج (جای گفتگو) نام روضة الواعظین را یاد کرده گوید آنرا در پند و اندرز (تذکیر) و معارج را در تاریخ و سیر پیغمبر ساختم، پس روضه را پیش از معارج ساخته است نه پس از آن.

جای گفتگو کتاب معارج النبوة است، در این کتاب نیز مانند دیگر کتابهایش پرگوئی و بدرازا کشانیدن سخن که از خوی واعظان میباشد هویداست، البته جمله‌بندی آن بهتر و رساتر از نگاشتهٔ واعظان پس از صفویه است. نگارنده در دیباچه گوید در ربیع یکم ۸۹۱ ق بآن آغاز نموده چلبی گوید: در ۹۶۴ ق این کتاب را بترکی ترجمه و «دلائل نبوت محمدی» نامیده‌اند.

فهرست کتاب چنین است: دیباچه در ستایش پرورد گار در پنج فصل (ك٦-٧٦) رکن یکم شمایل پیغمبر و نژاد او، در هشت باب (گ ٧٦-١٨٠) رکن دوم زایچهٔ پیغمبر تا پیغمبر شدن او (بعثت) (گ ١٨٠ - ٢٣٥) هفت باب دارد. رکن سوم از پیغمبری تا هجرت از مکه بمدینه (گ ٢٣٥ - ٣٤٥) پنج باب دارد. در این رکن دربارهٔ داستان معراج سخن بدرازا کشانیده است. رکن چهارم از هجرت تا مرگ پیغمبر (گ ٣٤٥ - ٥٢٣) چهارده باب دارد. خاتمهٔ کتاب در معجزه‌های پیغمبر (گ ٥٢٣-٥٦١) دو باب دارد: معجزه‌های عقلی و حسی. و هریك از بابها چندین فصل دارد.

آغاز: ربنا آتنا من لدنك رحمة وهیئ...

انجام: اهل السماوات و اهل الارضین. و اصلی و اسلم علیه و علیهم وسلم تسلیماً..

این کتاب در دو جلد بزرك در هندوستان بچاپ سنك و کاغذ بد چاپ شده است.

گزارش زندگی مسکین فراهی در حبیب السیر جزء سوم از جلد سوم ص ٣٣٧

(۱) این تفسیر بنام «احسن القصص» در سال ۱۲۷۸ ق بدستور بهرام میرزا قاجار چاپ شده است (ذریعه ج ٤: ٣٤٥ و ج ٦: ٢٨٥).

(۲) بخش یکم این کتاب نزد شیخ مهدی شرف الدین در شوشتر هست (ذریعه ۳: ۳۸).

وجلد هفتم ملحق روضة الصفا و مجالس النفائس ص ٩٤ و ٢٦٩ و کشف الظنون (حرف - م) و ذریعه ج ۳ ص ۳۷ و ۳۸ و ج ٤ ص ٣٤٥ و ج ٦ ص ٢٨٥ و قاموس الاعلام ترکی ج ٦ ص ٤٣٣٦ و ریحانة الادب ج ٤ ص ٥١ آمده است.

[٢٥٤]

١١٦ بخط نستعلیق خاور ایران. نام نویسنده و تاریخ ندارد. ولی خط و کاغذ نشان میدهد که در سدهٔ دهم و در خاور ایران و شاید برای بازماندگان فرمانروایان تیموری نوشته شده باشد. وچون همهٔ رکن سوم کتاب (گ ٢٣٤-٣٤٤) و برگهای (۱ و ٧٤ و ٧٥ و ٧٦ و ٥٥٣ تا ٥٥٧ و ١٧٩ و ١٨٠) از رکن‌های دیگر نابدید گشته، فرهاد میرزا دستور داده است عبدالجواد گلپایگانی با خامهٔ نستعلیق خوش که باختری‌تر از خامهٔ متن است، افتادگی‌ها را نوشته و در جمادی دوم ۱۲۹۲ ق بپایان رسانیده است، و تاریخ دو گ ٣٤٠ ب دیده میشود. آغاز هر رکن سرلوحی داشته که اکنون فقط یکی از آنها در آغاز رکن چهارم (گ ٣٤٥ ب) با زر و شنگرف ولاژورد وسبزی دیده میشود و یك سرلوح کوچکتر در آغاز خاتمه (گ ٥٢٣ ب) هست در (گ ٢٣٣ ب) تملك فرهادمیرزا در ١٢٨٦ ق و معرفی کتاب بخامهٔ وی دیده میشود.

٥٦١ برك. کاغذ فقعی. جلد تیماج سبز یره. متوالی فترده.
اندازه: ٢١×٣٣ و ١٤×٢٦ ؛ ٢٣ سطر.

[٢٣٦] **مقصد الاقبال السلطانیة** (تاریخ - فارسی)

و مرصد الآمال الخاقانیة

دیدار گورپیشوایان برای بزرگداشت آنان، و زیارت گورستانها برای یادآوری مرگ، همیشه یکی از پندهای واعظان دینی بوده است، و پس از خونریزیها و ویرانیهای مغول نیازمندی مردم ستمدیده باین پند و اندرزها افزون گشت، و در سدهٔ نهم و دهم (۱) دورهٔ تیموریان در خاور ایران نگارش کتابهای زیارتنامه بیش از پیش افزایش یافت، و شناسائی گورها کاری بشمار آمد، و دربارهٔ گورشناسی

(۱) البته پیش از این تاریخ نیز کتابهائی نگاشته شده است مانند «المقابر المشهورة والمشاهد المزورة» از تاج الدین علی بغدادی (م ٦٧٤) (کشف الظنون) ولی در روزگار تیموریان این کار افزایش بسزا یافته است.

کتابها نگاشته شد که بعدها بنام « مزارات . . . » و « تذکرة القبور » خوانده شد. برای نمونه میتوان مزارات هرات از اصیل‌الدین (چاپ گفتگو) و مزارات کرمان ازمحرابی کرمانی (چ تهران ۱۳۳۰) نام برد ودر (ذریعه ٤ : ٤٤) نیز نام دو تذکرة القبور آمده است.

چای گفتگو کتابیست که دردیباچه « مقصدالاقبال السلطانیه و مرصدالآمال الخافانیة » نامیده شده است نام نگارنده نیز در آنجا عبدالله پسر عبدالرحمان حسینی مشهور باصیل واعظ آمده‌است، و کتاب‌را به سلطان ابوسعید گورکان پیش کش ساخته است. این کتاب دارای یك دیباچه در ثواب زیارت گورستان وسه باب است ۱ـ گورعارفان که پیش‌از تیمور لنك میزیسته و گزارش زندگی آنان در « تاریخ هرات » و « طبقات خواجه عبدالله انصاری » یاد شده است. (گ ١٤ تا ٦٦).

باب دوم گور عارفان که پیش‌از تیمور میزیسته و در کتابی یاد نشده‌اند، در دو بخش، نخست گورهای درون شهر هرات دوم گورهای پیرامن شهر (گ ٦٦-٨٨).

باب‌سوم‌عارفان که‌پس‌ازتیمورمیزیسته‌اند (٨٨-١٢٨) خاتمه (گ١٢٨-١٣٠) ودر آن‌ازعوارف‌المعارف‌سهروردی، وابواسحاق آدمی، وتفسیرمحمدبن‌الحسن شیبانی، و تاریخ هرات، و طبقات خواجه عبدالله انصاری و جز آنها یاد کرده ودرخاتمهٔ کتاب (گ ١٢٧ب نسخه ١٨٣ دانشگاه) بکتاب دیگر خود دراین‌باره حوالت داده است.

آغاز : الحمدلله‌الذی جعل‌زیارة مرقدالاولیاء وسیلة ... امابعدفیقول‌الفقیر... عبدالله‌بن عبدالرحمان‌المشتهر باصیل واعظ . . .

انجام :

بسی برسر خلق پاینده‌دار بتوفیق‌وطاعت‌دلش زنده‌دار

خوندمیر مزارات هرات را کتابی‌مشهورخواننده گوید درستی‌روایتهاورسائی

عبارتهایش زبانزد همه میباشد.

علی اصغر حکمت در حاشیهٔ ص٤٧٢ جلد سوم تاریخ ادبیات ادوارد براون چ تهران١٣٢٧ گوید مزارات هرات اصیل‌الدین‌در ۱۳۱۰ق بکوشش‌عبدالکریم احراری درشهرهرات چاپ شده است.

نگارنده : میراصیل‌الدین عبدالله حسینی دشتکی شیرازی است که با برادرزاده‌اش‌عطاءالله(۱) دشتکی‌بدستورسلطان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) ازآنجابهرات کوچیده‌است، وهفته یك‌باردرمدرسهٔ عالیه مهدعلیا گوهرشادآغا پند میداد ودرماه ربیع یکم زایچه پیغمبر اسلام را چشن میگرفت، ودرهفدهم جمادی دوم سال هشتصد و هشتاد و سه در گذشت، و شاه بدلجوئی فرزندانش سیورغالات او را بایشان واگذاشت. گزارش زندگی او حبیب‌السیر جزء سوم ازجلد سوم ص ٣٣٥ ومجلس پنجم ازمجالس‌المؤمنین یاد شده است، ومرك او درشاهد صادق نیز آمده است.

آثار او :

١- درج‌الدرر فی سیر خیرالبشر (حبیب‌السیر).

٢- مزارات هرات (حبیب‌السیر) وگویا همین « مقصدالاقبال » باشد.

٣- کتاب دیگر دربارهٔ مزارات هرات، که خود در خاتمهٔ مقصدالاقبال (گ ١٢٧) بدان اشارت کرده است.

٤- تفسیرقرآن.

٥- شرح شفای قاضی عیاض.

[٢٥٥]

١٨٣ خط نستعلیق شکسته - نویسنده‌عبدالخالق زمیندآوری‌الاصل وهروی‌الوصل. درتاریخ ٢٢ ج ٢-١٢٢٢ ق پایان یافته است. عنوانها با شنگرف است.

(۱) گزارش کوتاهی از خاندان دشتکی شیراز در (ص ٥٨١ تا ٥٨٣) گذشت، ولی مرك جمال‌الدین عطاءالله که بگفتهٔ شاهد صادق در ٩١٢ ق بوده است فراموش گردید.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

پیش‌از نسخه دوبرگ سفید افزوده شده وسید شهاب‌الدین فنی (آقا نجفی تبریزی) در آنجا سبب نگارنده را یاد کرده است.

(۱۳۱ برگ) کاغذ سمرقندی سفید (برگهای ۳۵ تا ۶۵ آبی) است. جلد ندارد ودرمیان یک جلد وبرگ جا داده شده است. اندازه ۱۱×۱۷ و ۶×۱۳٫۴ سطر.

[۲۳۳] منتهی المقال فی علم الرجال (عربی)

یکی‌از کتابهای معروف علم رجال وراوی شناسی این کتاب است که بترتیب حرف آغاز نامها بسیج شده ودرپایان بابی برای کنیتها دارد. نگارنده برطبق عقیدهٔ اصولیان، راویان‌ناشناس‌را چون روایتشان بی‌ارزش‌است، دراین کتاب یاد ننموده - ودرآغاز کار، مشترکات (۱) را نیز انداخت، و سپس‌بدستور استاد خویش سید محسن اعرجی مشترکات را در کرانهٔ نسخهٔ اصل افزود (۲). و شاید سید محسن اعرجی پس‌از مرگ فرزندش علی - چنانکه در (ص ۰۰۰) گفتم - به ابوعلی دستور چنین‌کار را داده باشد. تاریخ نگارش منتهی‌المقال دانسته نیست ولی درپشت نسخهٔ دانشگاه که نسخهٔ اصل است تاریخ ۱۱۹۴ ق دیده میشود و گویا کتاب درپیرامن همین تاریخ نگاشته شده است. دردیباچه نام استاد خویش آقا باقر بهبهانی را یاد کرده، و او درپشت نخستین برگ این نسخه، اجازه‌یی بتاریخ ۱۱۹۶ ق بنگارنده داده است.

نگارنده نام خویش درباب کنیتهاازعصبین کتاب (منتهی‌المقال) چنین آورده: ابوعلی‌محمد پسراسماعیل پسرعبدالجبار پسر سعدالدین، و گوید: پدرم میگفت نژاد ما به ابوعلی‌سینا میرسد، و نیز گوید من در کربلا درماه ذیحجه ۱۱۵۹ ق بزادم، وهنوز به بیست سالگی‌نرسیده بودم که پدرم در گذشت، مدتی نزد شیخ استاد (۳) و سید استاد (٤) درس خواندم ولی درمیانه مدتها به بیکاری گذشت

(۱) شاید ازاین راه که چون نه‌راوی همنام‌باشند چگونگی روایت هردو ناشناخته میشود، ایشان را نیزمانند راویان ناشناس انداخته است.

(۲) چون نسخهٔ دانشگاه نسخهٔ اصل است این موضوع بدرستی درآن دیده میشود.

(۳) آقاباقروحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ق) را خواسته.

(٤) میرسیدعلی پسر محمدعلی پسر ابوالمعالی نزرک اصفهانی است که در کربلا بسال ۱۲۳۱ ق درگذشت.

روزگاری‌در حجاز، وروزهائی‌درین، ومدتی‌در بیابان گذرانده‌م، سپس نگاشته‌های خودرا چنین نام برده است:

- عقدالآلی البهیة فی الرد علی‌الطائفة‌البغیة آنرا بیست سال پیش از منتهی‌المقال دررد اخباریان نگاشته است (درپیرامن ۱۱۷٤ ق).
- ترجمهٔ کنایجهٔ فارسی استاد، درمناسك حج بعربی.
- ترجمهٔ کنایجهٔ فرزند او(۱) در مناسك حج
- رد بر کتاب نواقض‌الروافض که اکنون دردست نگارش میباشد.
- زهرالریاض، گلچین باب طهارت ونمازوروزه ازریاض‌المسائل وشرح مختصرنافع، ازسید استاد.
- گلچین دیگر ازباب حج ازهمان کتاب.
- ترجمهٔ کشایچه‌یی از آقا باقر بهبهانی درخمس و زکاة از فارسی بعربی (ذریعه ٤: ۲۱۲).

درروزگار نگارنده ستیز میان اخباریان و اصولیان آغاز شد، میرمحمد استرآبادی کتابی بنام «فواید مدنیه» رد براصولیان‌نگاشت، و سید دلدار علی نقوی (م ۱۲۳۵ ق) شاگرد بحرالعلوم کتابی بنام «اساس‌الاصول» دررد بر کتاب استرآبادی‌نگاشت، ومیرزامحمداخباری کتاب دلدارعلی را با کتابی‌بنام «معاول العقول لقلع اساس‌الاصول» پاسخ گفت و جان خود را دراین راه ازدست بداد ودر (۱۲۳۲ ق) در کاظمین بدست اصولیان کشته شد، و شاگرد سید دلدارعلی کتاب «مطارق‌الحق‌والیقین فی کسر معاول الشیاطین» را درپاسخ میرزامحمد نگاشت. وچنانکه دیدیم ابوعلی (نگارنده) نیز نخستین نگارش خودرا دررد اخباریان نگاشت.

روش ابو علی در منتهی‌المقال روش اصولی جدی است چنانکه او گزارش راویان ناشناس (مجهول) را دراین کتاب نیاورده‌است (۲).

(۱) آقامحمد علی کرمانشاهی پسرآقاباقربهبهانی (۱۱٤٤-۱۲۱۶ق).

(۲) اصولیان درشرایط درستی‌وراستی خبروحدیث دقت میکردند ولی اخباریان

مانده درحاشیهٔ صفحهٔ بعد

کارها که دربارهٔ منتهی‌المقال انجام شده است:

ـ ملادرویش‌علی حایری شاگرد ابوعلی (نگارنده) همهٔ راویان ناشناس را که ابوعلی در منتهی‌المقال نیاورده بود، گردآورده کتابی بنام «رسالة فی ذکر المجاهیل» ساخت (ذریعه ٤ : ٤١٣).

ـ محمدبن‌قاسم آل کشکول حایری، بدستور استادش شریف‌العلماء مازندرانی همین کار کرد، و کتابی بنام «اکمال منتهی‌المقال» درسال (١٢٤٥ق) بنگاشت، و در آغاز گفتاری دربارهٔ سودهای یاد کردن راویان ناشناس، آورد. (ذریعه ٣ : ٢٨٣).

ـ سید صدرالدین محمد عاملی حاشیه‌یی برزجال ابوعلی نگاشت، و نواده‌اش سید حسن صدر آنرا گردآوری کرده «نکت‌الرجال» نامیداد.

ـ ملاعلی پسرمیرزاخلیل تهرانی (م ١٢٩٦ق) نیز حاشیه‌یی برمنتهی نگاشت.

ـ شرف‌الدین علی مرعشی (م ١٣١٦ ق) نیز حاشیه‌یی برآن دارد.

ـ حاجی میرزا حسین نوری (م ٢٧ ج ٢ـ١٣٢٠ق) نیز حاشیه‌یی داشته و پدرم آنرا مرتب ساخته است.

ـ سیدابوتراب خوانساری (م ١٣٤٦ ق) نیز برآن حاشیه دارد.

ـ سید حسن صدر (م ١٣٥٤ق) نیز برآن حاشیه نگاشته است. این حاشیه‌ها در (ذریعه ٦ : ٢٢٢) یاد شده است.

ـ ملاعلی کنی منتهی‌المقال را تصحیح و در تهران بسال (١٢٩٩ تا ١٣٠٢ ق) در (٣٧٢ص) و در دنبال آن کتاب «توضیح‌المقال» خویش را ـ چنانکه درص ٤٩٦ نیز یاد کردم ـ چاپ کرد.

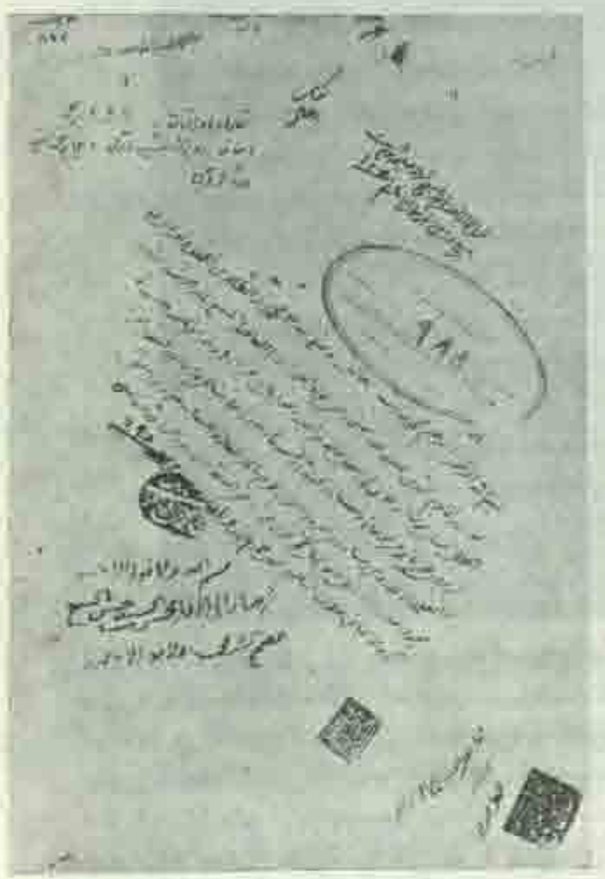
مانده از صفحهٔ پیش:

هر خبررا می‌پذیرفتند. باید یادآور شد که در جنگ (اصولی ـ اخباری) در آغاز سدهٔ سیزده گرچه اصولیان پیروز شدند، و بیشتر و آخوندهای پس از خود را اصولی می‌نامیدند ولی در عمل همان گشادبازی اخباریان را داشته، و هر خبررا می‌پذیرفتند، تا آنجا که راویان ناشناس را که ابوعلی از کتاب رجال خود بیرون کرده بود، شاگردش ملادرویش علی حایری گردآورده کتابی ساخت.

[٢٥٦]

٩٨٥ نسخه بخط نسخ، نویسنده خودنگارسما ابوعلی. تاریخ ندارد، ولیکن کهنه‌ترین تاریخ که برپشت نسخه دیده میشود ١١٩٤ ق است (گ ٤ـ الف بالای صفحه دست چپ) و گویادرهمان تاریخ نوشته شده است. عنوانها باشنگرف است. دست‌خوردگیهای بسیار ازخود نگارنده‌اش درآن دیده میشود، و مطالب بسیار پس از پایان یافتن درحاشیه افزوده است.

درزیر، گراور دوصفحهٔ (٤ـ الف و ٤ـ ب) دیده میشود:



(شکل ٣٠) ←

برگ (٤ ـ الف) نسخهٔ (شمارهٔ ٩٨٥) کتابخانهٔ دانشگاه. چیزها که درآن دیده میشود:

١ـ تاریخ مرگ آقابابا بهبهانی برخلاف آنچه مشهور است (بالای مهر کتابخانه). ٢ـ مهر کتابخانهٔ دانشگاه.

٣ـ اجازهٔ آقابابا بهبهانی بشاگردخود، نگارندهٔ کتاب (ابوعلی) بخط اجازه‌دهنده. این اجازه دردریعه ج ١ ص ١٤٧ یادشده است.

٤ـ شمارهٔ برگهای این نسخه (بالای اجازه) که بجای ٢٣٩ غلط ٢٣٦ نوشته‌است. ٥ـ تاریخ (١٨ـ ع ١ ـ ١١٩٤) که گویاتاریخ نوشتن این نسخه است. (بالاتر از آن) (دست چپ). ٦ـ تملک سید محسن بن حسن (زیر اجازه). ٧ ـ مهر عبدالجوادالحسینی. ٨ ـ مهر پسرش عبدالکریم بن عبدالجواد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(ش ۳۱) برگ (٤ ـ ب) نسخهٔ شمارهٔ (۹۸۵ دانشگاه) دراین گراور نخستین صفحهٔ منتهی المقال بخط نگارنده‌اش دیده میشود. و پیداست که وی نخست کتاب را نگاشته و نام استادخویش آقاباقر را در آغاز آورده، و سپس سیدمحسن اعرجی باو دستور داده نامشترکات را نیز بر آن بیفزاید. پس نگارنده این کار کرده و نام سیدمحسن و دستور او را در حاشیهٔ لای سطر ۱۲ و ۱۳ و در کرانهٔ چپ صفحه یادداشت کرده است. و در برگ (۱ ـ الف) نیز بخامهٔ خود نوشته است که من مشترکات را پس از پایان یافتن کتاب در حاشیه‌ها افزوده‌ام.

در برگ (۳ ـ ب) سیدمهدی نامی که این نسخه را پس از مرگ نگارنده‌اش خریده، بر او اعتراض کنان می نویسد: من از او خواستم نامشترکات را بیفزاید نه اعرجی. عبارت سیدمهدی چنین است:

« ورد مؤلف هذا الکتاب الشهید الرضوی واراني هذا الکتاب الذی بخطه وما کان فیه ذکر المشترک، قلت له کتابك جامع لکن فیه نقص من جهة ترك المشترك، و بعد مدة مدیدة اراني هذا وفیه ما کتبه من الحواشي، واستدان السید المحسن الکاظمي امره بالالحاق ولم یذکرني، اما لتباین العرب والعجم من البشارة کما یشهد منهم، اولعدم معرفته رحمه الله، وبعد الملاقات الثانیة فی عراق العرب کان یظهر الاخلاص الخاص وصار بیني وبینه محبة کاملة، واستنبطت الحق له فی عدم ذکر اسمي فی کتابه عند ذکر سببي، وغیره من غیر الجهة المذکورة اوضح حزره محمد مهدی الحسیني الموسوی المشتري لهذا الکتاب من ورثته بواسطة الحاج محمد کاظم الکاظمي ...»

(۲۳۹ برگ + ۱۳ برگ سفید در پایان) کاغذ مهره فرنگی سفید جلد تیماج سرخ قشرده. اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۳×۱۶: ۲۳ سطر.

[۳۳٤] منشور (تاریخ و نسبنامه ـ فارسی)

یا نسبنامهٔ پادشاهان طبرستان
یا «رسالهٔ انسابیه»

این کتاب مانند کتاب «مختصره» که در (ص٦٥٤) یاد شد ساختگی و پراز افسانه‌های شگفت‌انگیز است. البته از لابلای این افسانه‌ها مطلب‌های درست تاریخی نیز روشن میگردد

او در آغاز میگوید سبب نگارش این منشور آنست که تاریخ پادشاهان ایران که سیدبودند پایدار ماند. سپس داستان فرستادن علی (ع) عمار یاسر را نزد یزدجرد، واسلام آوردن او و زناشوئی بی‌بی شهربانو با حسین (ع) و همکاری لشکر ایران با علی (ع) درصفین و سپس کشته شدن حسین بدست مروانیان و برگشتن شهربانو به ری و پنهان شدن در کوه خود. و سپس شورش مصیب خزاعی و کشتن بنی‌امیه و دادن خلافت بامام زین‌العابدین و سپس کشتن مصیب را یاد کرده‌است. او میگوید بنی‌امیه و بنی‌عباس دوازده هزار و هشتصد و پنجاه و یك تن از فرزندان فاطمه کشته‌اند. سپس داستان جنبش ابومسلم مروزی باخوردك

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

آهنگر و احمد زنجی (۱) آورده گوید تخم بنی‌مروان را از زمین برانداختند ولی ابومسلم با بنی‌عباس نجنگید تا اورا شهید کردند، وهمهٔ شیعیان در تقیه شدند تا هنگامیکه جمال‌الدین مطهر حلی آمد و کتاب قواعد را (که حضرت صادق نگاشته بود، وبهمین نگارش منصور دوانیقی او را کشته بود) شرح کرد سپس در برگهای (۵۱ تا ۵۷) منشوری آورده که در پایان آن نگارنده خودرا «امیر حسن بن منوچهر بن یحیی بن جمال‌الدین بن ابوطاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمدتقی خوانده، وتاریخ آن ششصد وهفتاد و هفت هجری است، و دراین منشور چگونگی پناهندگی فرزندان امام تقی‌را بکوه‌پایه‌های مازندران، یاد کرده است.

سپس منشوردیگری آورده که نگارندهٔ آن‌جد نگارندهٔ منشور نخست است، واو یحیی بن جمال‌الدین بن ابوطاهر ... میباشد ودرروزگار پادشاهی سعدالدوله پسر اردشیر پسر کیخسرو پسرشاه غازی پسر یزدجرد پسرشهریار ... میزیسته است (گ۵۹) سپس در (گ۶۴) به‌نسب‌شناسی آغاز کرده‌و گفتار خویش در دو بخش آورده: نخست فرزندان حسن، دوم فرزندان حسین شهید. دراین بخش نگارنده از کتابهای ابن‌عنبه (۲) و کتاب شواهد (شاید شواهدالنبوه) نقل کرده است واز برگهای (۷۳ و ۹۳ و ۹۴) چنین برمیآید که این کتاب برای مرشدالدین شاه عبدالله مشتهر به سید میرزا و پسر او محمد بر کت علاءالدوله که دخترزاده سلطان حسین میرزا بایقرا (م ۹۱۱ ق) است نگاشته شده است. نگارندهٔ این کتاب

(۱) درموید الفضلاء و آنتزاع نام احمد زنجی همکار ابومسلم آمده‌است. ناصرخسرو علوی درچکامه‌ٔ رائی بزرك خویش گوید:

کجااست ضرب تیرزین صاحب‌الدعوة
کجا است احمد زنجی و خرد آهنگر

پیش گفتار دهخدا بردیوان ناصرخسرو چ، تهران ۱۳۰۶ صفحهٔ (عد) دیده شود. ازروش ناصرخسرو دراین چکامه چنین مینماید که احمد زنجی (زمجی) وخرد (خوردك) آهنگر از پهلوانان افسانه‌های اسماعیلیان هستند.

(۲) ص ۶۳۰ تا ۶۳۶ دیده شود.

غایب شدن امام زمان‌را از گفتهٔ شیعیان نقل میکند، پس خودسنی میباشد، ولی ازسنیانی است که دردورهٔ تیموری درخاوران میزیسته ودست کمی ازشیعیان ندارد (۱).

اوبراین کتاب خود نامی ننهاده ولی درديباچه آنرا بالقب «منشورمبارك» ودرپایان‌نامه «رسالهٔ انسابیه» خوانده است.

آغاز: شکر و سپاس مرخدائیرا تمت آلائه وعمت نعمائه، که نعمت ... امابعد، سبب این منشورمبارك آنکه فرزندان حسن‌بن علی ...

انجام:

پرنور باد چشم پدر از چنین پسر موفور باد قدر پسر از چنان پدر

آمین یا رب‌العالمین ... تمت‌الرسالةالانسابیه.

[۲۵۷]

۸۷۷ خط نستعلیق. نویسنده محمدعلی پسر خواجه قاسمعلی مازندرانی در ۱۷۵ (شاید ۱۰۷۵ق) پایان یافته. دردفتری جادارد، وبرگهای ۳۷ تا ۹۵ آنرا گرفته. نام دیگر کتابچه‌های این دفتر ودیگر خصوصیات در ص ۶۵۵ یاد شد.

[۲۳۵] **نزهةالقلوب** (جغرافیا ـ فارسی)

نگارنده حمدالله پسر ابوبکر (اتابك (۲)) پسر احمد پسر نصرمستوفی قزوینی است، کارمستوفی گری قزوین باخانواده وی بوده وایشان خودرا از فرزندان حر پسر یزید ریاحی (۳) میدانستند. برادرش فخرالدین فتح‌الله درشمار شاعران

(۱) مقایسه‌سنی گری دردورهٔ تیموری باشیعیگری صفوی در ص ۵۸۳ دیده شود.

(۲) پدرم درالدرجه‌هجا نام پدرمستوفی را اتابك آورده ومن مدرك ایشان را ندیدم.

(۳) گویند این مرد از سران سپاه کوفه بود و بجنك حسین علی (ع) بکربلا آمده، ولی درآنجا از کرده خود پشیمان و بسپاه حسین (ع) پیوست، ودر عاشوراء کشته گردید.

مستوفی دروازهٔ «حایر» درمقالت‌سوم داستان آب‌بستن‌متوکل‌عباسی (م ـ ۲۴۷) را برقبرحسین (ع) و پیچیدن آب بدورقبر، و خشك ماندن آن، یاد نموده وازقبر حر ریاحی نام‌برده اورا جد هجدهم خویش خوانده‌است (گ ۲۷۰ ـ الف) نسخهٔ دانشگاه و ص ۳۲ ازمقالهٔ سوم چاپ لیدن ۱۹۱۳ م دیده شود.

شهرده شده، وخودش درشمار نویسندگان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وپسر او خواجه غیاث‌الدین محمد بوده، و تاریخ گزیده را بنام او نگاشت. مرگ مستوفی را در ذریعه و قاموس‌الاعلام ترکی و فهرست ریو بسال (۷۵۰ ق) آورده‌اند.

آثار او:

- نزهة‌القلوب (جای گفتگو).
- تاریخ گزیده.
- ظفرنامهٔ منظوم دربحر تقارب در (۷۵۰۰۰ بیت شعر) در تاریخ اسلام وایران تا روزگار خویش. نسخهٔ آن در بریتش موزیوم هست (فهرست ریو - ص ۱۷۳-۱۷۴).

نخستین کار مستوفی سرودن ظفرنامه است، که در چهل سالگی آغاز کرد و پانزده سال در آن کار کرد، ودوسوم آن را سرود، پس بنگارش تاریخ گزیده پرداخت ودر ۷۳۰ق آنرا بپایان رسانید وسپس دوباره بسرودن ظفرنامه پرداخت و پنج سال کار کرد و در ۷۳۵ ق آنرا در ۷۵۰۰۰ بیت شعر بپایان رسانید (۱) وسپس درسال ۷۴۰ ق بنگارش نزهة‌القلوب پرداخت. خوندمیر در حبیب‌السیر و چلپی در کشف‌الظنون دربارهٔ نزهة‌القلوب گویند: دراین کتاب شگفتیهای جهان وخاصیت چیزها گردآوری شده، وجامعیت مستوفی از آن نمایان میباشد. و چنانکه خود در دیباچه گوید: وی دراین کتاب از «صورالاقالیم» و «مسالک الممالک» و «جهان نامه» استفاده کرد و آنرا بر یک پیش گفتار و سه مقالت ویک خاتمه بسیجید، ودرپیش گفتار بخشی درهیئت افلاک وبخشی دربارهٔ خشکی که یک چهارم کرهٔ زمین است، ودرمقالت یکم از جماد و گیاه وجانور، ودرمقالت دوم از انسان، ودرمقالت سوم از شهرها، ودرخاتمه از شگفتیهای جهان گفتگو کرده است.

(۱) یگانه نسخهٔ این کتاب دربریتش موزیوم هست (فهرست ریو، ص ۱۷۳-۱۷۴) دیده شود.

وی فهرست کتاب را دردیباچه آورده، ومی گوید چون پیشینیان کتابهای خودرا دراین موضوع بزبان تازی نگاشته‌اند، ومردم ایران از آنها بهره نبرند، برخی از دوستان ازمن خواستند: کتابی دراین موضوع بفارسی سازم.

مستوفی ازسه خلیفه به نیکی یاد کند ولی خاندان پیغمبررا بیشتر دوست میدارد، همه جا زیارتگاه امامزاده گان‌را نشان‌میدهد، دربارهٔ یکی ازدیه‌های شهرری گوید مردم آن شیعی اثنی‌عشری‌اند و گور یکی ازفرزندان جمال‌الدین مطهر (علامهٔ حلی) که ازمجتهدان شیعه‌است درآنجاست (۱).

دراین کتاب آگاهیهای سودمندی ازدنیای آن روز بدست‌میآید. درفصل سوم بباب بیستم مقالت سوم از نفت باکو و نفت موصل و نفت بخارا گفتگو کرده است.

نزهة‌القلوب نخست در بمبئی بسال (۱۳۱۱ق) (۲) بچاپ سنگ بخش شد وسپس بانصحیح گای‌لسترانج انگلیسی مقالهٔ سوم وخاتمهٔ آن بسال ۱۳۳۱ق = ۱۹۱۳ م در ۳۰۱ ص با ۷۸ ص فهرست چاپ شد، وسپس مرتبهٔ سوم از مقالت یکم را کلنل ـ ژ. استیفنسن (۳) با ترجمهٔ انگلیس در (۱۹۲۸ م) در لندن چاپ کرد.

نسخهٔ ۲۰۹ دانشگاه بانسخهٔ چاپ بمبئی وچاپ اروپا دگرگونیهائی دارد واگر کسی بخواهد نزهة‌القلوب را ازنو چاپ کند بایدآنها را یادآوری نماید.

(۱) این قسمت درنسخه‌های چاپ اروپا ص۵۳ وچاپ بمبئی دیده نمیشود، ودر (گ۲۸۱-۲۸۲) نسخهٔ ۲۰۹ دانشگاه هست.

(۲) دربمبئی، نخست مقالت دوم را بچاپخانه دادند و صفحه‌شمار آنرا از ۴۹ آغاز کردند، و در ص ۲۵۶ کتاب را بپایان رسانیدند، وسپس چون مقالت یکم را بچاپخانه فرستادند از صفحهٔ یکم آغاز کردند و تا صفحهٔ (۱۶۰) مقالت یکم بپایان یافت، ازاین‌روی صفحه‌شماری این چاپ مانند چیزهای دیگرش نادرست است. دربایان این چاپ دوبرگ یادداشت وتاریخچهٔ تاریخ‌نگاری دراسلام دیده میشود.

(۳) Lieut - colonel J. stephenson

گزارش زندگی مستوفی در فهرست ریوس، ۸۰ و ۸۱ و در کشف الظنون و حبیب السیر آمده است.

[۲۵۸]

۲۵۹ نسخه بخط نستعلیق. نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی خط و کاغذ سدهٔ دهم را نشان میدهد. از آغاز یك برك افتاده و برابر است با سطر ۱۳ صفحهٔ ۳ چاپ بمبئی است. عنوانها با شنگرف است. همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد جدولبندی شده است. بیشتر صفحه‌ها آب دیده و تیره رنك شده‌است. نسخه در (ك ٤١٤ ب) پایان یافته و پس از آن پنج صفحه گفتاری است که نویسندهٔ نسخه افزوده است و در چاپ اروپا و بمبئی نیست. فهرست نسخه: مقدمه (ك ۷ ـ الف) مقالت یکم (ك ٦٢ ـ الف) مقالت دوم (ك ١٦٨) مقالت سوم (ك ۲۵۱) خاتمه (ك ٤٠٣). نسخه تصحیح شده و افتادگیها در کرانه نوشته شده‌است. دائره‌های جغرافیائی با پرکار و جدولبندی طول و عرض جغرافیائی با خطکش کشیده شده و بسیار دقیق است. بیشتر در کتابخانهٔ محمدعلی تربیت بوده و مهر او بر آن بتاریخ ۱۳۱٦ دیده میشود.

(۴۱٦ برك) كاغذ گوناگون آهارى ، سير كمرنك ، سفيد ، جلد تيماج مشكى مقوائى قرمز شده ،
اندازه : ۱۱/۵ × ۱۹ و ۸ × ۱۴/۴ ؛ ۱۷ سطر .

[۲۳٦] نهایة الآمال (رجال ـ عربی)

فی ترتیب خلاصة الاقوال

چنانکه در (ص ٥٦٦) یاد شد ترتیب کتاب خلاصهٔ علامهٔ حلی نیکو نیست و کسانی آنرا از نو مرتب کرده‌اند و یکی از ایشان نورالدین علی فرزند میرحیدر علی قمی است. اسماعیل پاشا در ذیلهٔ کشف الظنون نام پدر او را بجای حیدرعلی قمی، حسین قمی آورده، گوید در ۹۷۲ میزیست.

در ص ٥٦٦ این مجلد، من این مرد را با حیدرعلی مجلسی که در سدهٔ سیزدهم میزیست اشتباه کردم.

در دیباچه نام نگارنده و نام کتاب آمده‌است. و از خلاصهٔ علامه ستایش بسیار کرده و فقط بر بی ترتیبی آن خرده گرفته‌است، او میگوید چون همنامی چند راوی سبب ناشناس شدن و بی ارزش گردیدن روایت میشود، من در کرانهٔ رویه‌ها راویان

همنام را از یکدیگر جدا خواهم شناساند، و در پایان کتاب خاتمه‌یی می افزایم و در آن دانشمندان همزمان و پس از نگارندهٔ خلاصه را یاد خواهم کرد (۱).

آغاز: نحمدك یا من بلغتنا نهایة الآمال فی ترتیب ما تفرق من احوال الرجال وقربنا ... وبعد فیقول الفقیر الحقیر ... نورالدین علی ابن حیدر علی المنعل القمی ...

[۲۵۹]

۲۸۷ خط نسخ بد، پایان نسخه از حرف عین (علی) افتاده‌است تاریخ و نام نویسنده دانسته نیست. در دفتری جادارد و برگهای (۱ تا ۱٤۲) آنرا گرفته، و پس از آن سه کتابچه در هیئت از شیخ بهائی با خامهٔ نستعلیق شکسته دیده میشود و تاریخ آنها (۱۰٦۷ ق) است. عنوانها با شنگرف نوشته شده‌است. تصحیح شده و افتادگیها در کرانه دیده میشود و نشان تصحیح نیز نوشته شده است. اندکی حاشیه نیز دارد.

همهٔ دفتر ۱۸۱ برك ، این كتاب ۱۹۳ برك . كاغذ نخودی سمرقندی ، جلد متوالی .
اندازه : ۱۳/۵ × ۲۰ ؛ ۱۵ و ۱٦ سطر .

[۲۳۷] وجیزه (رجال ـ عربی)

کتابچه‌ئیست در راوی شناسی از محمد باقر مجلسی دوم. وی در دیباچه گوید چند تن از دوستان از من خواستند تا کتابچه‌یی در راوی شناسی بسازم، و در بارهٔ راویان بکوتاهی سخن گویم، و راویان ناشناس را از قلم بیاندازم، و از یادآوری گفته‌های گوناگون دیگران خودداری کنم، سپس رمزها که در این کتاب بکار برده است چنین یاد کند:

ق = ثقة غیرامامی. (استوار ناشیعی).
ح = ممدوح. (ستوده).
ض = ضعیف. (سست).
م = مجهول. (ناشناس).
ثقة = عدل امامی. (عادل شیعی).

---

۱ کتابخانه پایان نسخهٔ ۹۸۷ دانشگاه افتاده است، و خاتمه را که از خود کتاب با ارزش‌تر می‌باشد، در بر ندارد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ودرپایان کتاب خاتمتی درمشیخهٔ صفوق افزوده است.

این کتاب دردنبال خلاصة‌الاقوال علامه بسال ۱۳۱۱ ق در تهران چاپ شده و من ۱۴۲ تا ۱۸۴ آن را گرفته‌است، و پس‌از آن یك صفحه شعر بحرالعلوم بروجردی دربارهٔ شناسائی اصحاب اجماع چاپ شده است.

[۲۶۰]

۹۹۵ بخط نسخ، دردفتری جا دارد و برگهای (۱ تا ۱۱) راگرفته، وپس‌از آن «انتخاب‌الجید» برگهای (۲۲ تا ۱۴۰) راگرفته‌است. نویسنده صفرعلی پسر میرعلی موسوی خراسانی است که آنرا دریکشنبه دههٔ نخست ماه ربیع دوم سال ۱۲۳۳ ق بپایان رسانیده است. عنوانها و فاصله‌ها با شنگرف است. تصحیح شده، افتادگیها در کرا، نوشته شده است.

آغاز نسخه یك برك افتاده و برابراست با سطردوم صفحهٔ ۱۴۵ چاپ تهران دنبالهٔ خلاصة‌الاقوال علامه بسال ۱۳۷۱ ق

همهٔ دفتر ۱۴۰ برك: این کتابچه ۲۱ برك. کاغذ فرنگی سفید آهار مهره. جلد لیقاج قهوه‌ای متوالی فشرده. اندازه: ۱۵×۲۱/۵ و ۹×۱۳: ۱۹ سطر.

[۲۳۸] وفیات‌الاعیان (تاریخ - عربی)

«وانباء‌ابناء‌الزمان، ممائت‌بالنقل او السماع، اوائته‌العیان»

شاید بتوان گفت بهترین کتابی در گزارش زندگی بزرگان؛ دانشمندان، شاعران، خنیاگران، شاهان، وزیران، ودیگرسران که بعربی نگاشته‌شده‌این کتاب است. نگارنده: ابن‌خلکان، ابوالعباس، شمس‌الدین؛ قاضی‌القضاة برمکی اربلی است. نامش احمد پسرمحمد پسرابراهیم پسرابوبکر پسرخلکان است. وی درشهر اربل (در کردستان عراق) در پنجشنبه ۱۱ ربیع دوم (۶۰۸ ق) بزاد (۱) و درهمانجا نزد ابن‌مکرم، ودرموصل نزد کمال‌الدین ابن‌یونس، ودرحلب نزد قاضی بهاءالدین ابن‌شداد دانش آموخت، وسپس بشام ومصر شد، پس اورا بدستیاری قاضی بدرالدین سخاوی گماردند، وسپس قاضی شام شد، ودر (۶۵۹ ق) بدانجا

(۱) درگزارش زندگی زینب دخت ابوالقاسم عبدالرحمان جرجانی نیشابوری صوفی معروف به ام‌المؤید شعری گوید: در ۶۰۸ ق برادرم و در ۶۱۰ ق این بانو برای من اجازه روایت نوشت. (گ۱۰۷ب) دیده شود.

رفت ودر (۶۶۹ ق) بر کنار گشت، و در (۶۷۷ ق) دوباره بکار باز گشت، ودر (۶۸۰ ق) دوباره بر کنار شد. گزارش زندگانی وی در لابلای بخشهای کتاب وفیات گنجانیده شده‌است، وی استادان خود و کسانی را که از ایشان اجازهٔ روایت دارد نیز در آن کتاب یاد کرده است.

همهٔ زندگی گزاران اورا یاد کرده گویند مردی خوش‌رفتار، شیرین سخن، نیکورو‌ی، در قضاوت وداد گستری جدی و یك دنده بود، او خودرا از نژاد برمکیان وزیران هارون‌الرشید عباسی میشمرد، و گویان کسانی در دمشق دربارهٔ آن تردید کرده‌اند و او را رنجانیده‌اند، واودرپاسخ گفته است اگر میخواستم نسبنامه برای خویش بتراشم، به عباس و علی بن ابیطالب میرسانیدم.

مرك اورا نیزهمه در (۶۸۱ ق) یاد کرده‌اند.

روش او درنگارش وفیات‌الاعیان:

خود میگوید چون از جوانی به بررسی گزارش کارهای گذشتگان میل داشت بگردآوری یادداشتها پرداخت، وچون بسیار شد و نامرتب بود استفاده از آنها دشوار گشت، پس بسال (۶۵۴ ق) درقاهره آنرا بترتیب حرف آغاز نامها بسنجید (۱) ومسافرت بشام همراه ابوالفتح بیبرس مانع ازپایان کار گشت، تاپس از کناره گیری از کار در (۶۶۹ ق) گزارشهائی بر آن افزود و بصورت کنونی درآورد (۲) وچلبی گوید: آنرا بروز دوشنبه ۲۲ جمادی دوم (۶۷۲ ق) بپایان رسانید و (۸۴۶ گزارش) در آن گردآورد، (۳) وهمواز صاحب جهان آرا نقل کند که نگارنده کتاب را بنام بیبرس ساخته است، ولی در نسخه‌های کنونی تاریخ پایان کتاب دیده نمی‌شود و بیش از (۸۳۳ گزارش) دربر ندارد، واز بیبرس فقط نامی درخاتمه یاد شده است.

دربزرگترین نسخه‌های این کتاب که نسخهٔ چاپ تهران است (۸۳۳ گزارش) آمده که در میان آنها پادشاهان، وزیران، سران، دانشمندان، شاعران، خنیاگران، و بگفتهٔ خودش هر که نامش پرسیدنی و گردارش شنیدنی است دیده میشود، ولی زندگی خلیفه ها و یاران پیغمبر را که دیگران کتابها در

(۱) دیباچهٔ کتاب دیده شود.
(۲) خاتمهٔ کتاب دیده شود.
(۳) کشف‌الظنون - حرف واو.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بارهٔ زندگی ایشان نگاشته اند ، او دراینجا نیاورده است ، وی در این کتاب بعقیدهٔ مذهبی کاری ندارد ، و چه‌بسا زندیقان وملحدان که زندگانی ایشان بدرازا وبا ستایش بسیار دراینجا یاد شده است ، و چه بسا دربارهٔ شاعران وهنرمندان بیشتراز روحانیان گفتگو کرده است ، و ابن کثیر دراین کار بروی خرده گرفته است ، او فقط گزارش کسانی را در این کتاب آورد که تاریخ مرگ ایشان را میدانست ، وگاهی نیز برخی از کسانیکه تاریخ مرگشان رانمیدانست بدنبال گزارش آنان که میشناخت آورده ، و ازاین راه نام کتاب را « وفیات الاعیان » نهاده‌است (۱) وی برای این کار خویش سه گونه مدرك دارد :

۱ـ کتابهای گذشتگان .

۲ـ شنیده‌ها ازبزرگان .

۳ـ آنچه خود دیده است .

و در ترتیب کتاب فقط بحرف نخست و دوم چشم داشته و بحرف سوم کاری نداشته است .

کسانیکه بگفتهٔ چلبی در کشف‌الظنون ودیگران، دربارهٔ وفیات‌الاعیان کار کرده‌اند

ـ تاج‌الدین عبدالباقی پسر عبدالمجید مخزومی مکی (م ۷۴۳ ق) دنباله‌یی برآن نگاشت، وسی کس برآن افزود، و خرده گیریها کرد.

ـ حسین (یا : ابوالحسن احمد) پسر ایبك (م ۷۴۹ ق) نیز دنباله‌یی برآن افزود .

ـ شمس‌الدین محمد پسر احمد ترکمانی (م ۷۵۰ ق) آنرا کوتاه کرد و « الجنان » نامید .

ـ صلاح‌الدین محمدابن شاکر کتبی (م ۷۶۴ ق) « فوات‌الوفیات » نگاشت که دردوجلد دربولاق بسال ۱۲۹۹ ق چاپ شده است .

(۱) درچندین گزارش مانند گزارش علی پسر سلیمان اخفش اصغر گوید او غیراز اخفش اکبر است که عبدالحمید نام دارد ، و چون تاریخ مرگش نمیدانستم گزارش جداگانه برایش نیاوردم .

ـ ملك‌افضل، عباس پسر ملك‌مجاهد، علی پادشاه یمن (م ۷۷۸ ق) وفیات‌الاعیان را کوتاه کرد .

ـ بدرالدین حسن پسرعمر پسرحبیب حلبی (م ۷۷۹ ق) نیز دویست وسی وهفت شاعر را از آن گزین کرد و« معانی اهل‌البیان من وفیات‌ابن‌خلکان» نامید .

ـ شیخ بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴ ق) دنباله‌یی بنام «عقودالجمان» برای آن نگاشت .

ـ شیخ زین‌الدین عراقی عبدالرحیم‌پسرحسین (م ۸۰۶ ق) دنباله‌یی بردنبالهٔ تاج‌الدین نگاشت، وسی کس‌دیگر برآن افزود .

ـ شهاب‌الدین احمد پسرعبدالله غزی شافعی (م ۸۲۲ ق) وفیات‌را کوتاه کرد.

ـ ملا اظهرالدین اردبیلی که درمصر بسال ۹۳۰ ق درگذشته، وفیات را بفارسی گردانیده است .

ـ کبیر پسر اویس پسر محمد لطیفی معروف بقاضی زاده (م ۹۳۰ ق) در کتابچهٔ فارسی خود گفته‌است: سلطان‌سلیم‌عثمانی دستور ترجمهٔ تاریخ‌ابن‌خلکان بداد ، و چون نیم کتاب بفارسی ترجمه شد سلطان درگذشت و شاید این‌همان ترجمهٔ اظهرالدین باشد .

ـ وجدی ابراهیم پسر مصطفی پسر محمد فرضی (م ۱۱۲۶ ق) وفیات را بسال ۱۱۰۴ ق کوتاه کرد و « التجرید » نامید .

ـ بخشهای دیگری از این کتاب نیز هریك جداگانه بزبانهای اروپائی ترجمه و چاپ شده است مانند : گزارش عمادالدین ابوالفدا ، گزارش صاحب مقامات حریری ، گزارش عبدالکریم‌بن هوازن ، گزارش زمخشری ، گزارش ابن‌مطروح ، زندگی ابن‌سینا ، زندگی ابوالمحاسن ابن‌شداد .

ـ بارون ماك کوکین دیسلان یك جزء آنرا تا گزارش زندگی سید رضی در (۷۹۱ س) بسالهای (۴۲-۱۸۳۸ م) چاپ کرد .

ـ وستنفلد در گوته بسالهای (۵۰-۱۸۳۵ م) همهٔ کتابرا درسیزده بخش چاپ کرد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

موسیو پینایل (۱) ۱۸۴۵م سیزده گزارش زیررا که فقط در نسخهٔ امستردام یافت میشد، بنام دنباله بانرجمهٔ لاتینی در (۲۱+۳۱ص) چاپ کرد: خیر نساج صوفی، داودطائی، دعلج، ربعی بن خراش، سالم خاسری سعیدبن اسماعیل، شقیق بلخی، عبدالله عمر خطاب، ابن فرات علی، ابن جزله یحیی، یعقوب لیث صفار، یعقوب طهمان، یونس شیبانی.

ـ شیخ محمد عبدالرحمان معروف به قطة العدوی بسال ۱۲۷۵ ق بخش یکم کتابرا تصحیح و در چ بولاق چاپ کرد و بخش دوم را درهمانجا نصرهوریتی تصحیح و چاپ کرد، افزوده‌های پینایل در آنها پخش شد.

ـ محمد باقر پسر عبدالحسین خان صدر اصفهانی کتابرا در ۱۲۸۴ق در دو بخش در تهران تصحیح و چاپ کرد و سیزده گزارش افزودهٔ مسیو پینایل را با هفت گزارش: جعفربن فضل برمکی، خالدخداش، خلف بن هشام، راجح بن اسماعیل، زید شهیدبن علی، ابن مالک محمد، ابن عربی محمد، که خود در نسخه‌ها یافته بود مجموعاً بیست گزارش را در حاشیه‌ها، هریك بجای خود افزود.

ـ چ بولاق در ۱۲۹۹ ق دو باره آنرا از روی چاپ بولاق در دو بخش چاپ کرد، ودر کرانهٔ آن شقایق النعمانیة فی علماء العثمانیه را چاپ کرد.

ـ چ وطن درمصر نیز در ۱۲۹۹ ق آنرا در سه بخش بتصحیح شیخ محمد نجار چاپ کرد و گزارش زندگی ابن خلکان در پایانش نهاد و افزده‌های پینایل نیز دراین نسخه هریك بجای خود نهاده شده است.

ـ چ میمنیه درمصر، ۱۳۱۰ق در دو جزء ودر کرانهٔ آن «شقایق النعمانیه» و «العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم» را چاپ کرده است.

ـ چ دارالمأمون بتصحیح احمد یوسف نجاتی شش بخش از ۲۵ بخش آنرا تا حرف (ظ) چاپ کرد و ناتمام گذارد.

ـ چ سعادة و کتابخانهٔ نهضت بمصر ۱۳۶۷ ق = ۱۹۴۸م آنرا درشش جلد با فهرستها و حاشیه و تصحیح از محمد محیی الدین عبدالحمید چاپ کرد. این چاپ ۸۲۶ گزارش یعنی ۷ گزارش کمتر از چاپ تهران در بردارد.

J. pinappel (۱)

[۲۶۱]

۱۴۶ بخط نسخ، نام نویسنده تراشیده شده‌است، در تاریخ یکشنبه یکم جمادی دوم سال ۱۰۴۲ق در اصبهان بپایان یافته (دست‌چپ پائین صفحهٔ ۴۵۱ ـ الف دیده شود) و سپس خود نویسنده درشهر اصفهان آنرا با نسخه‌ئیکه ازروی آن نوشته است برابر وتصحیح کرده و افتادگیها را در کرانه‌ها نوشته و در ۲۲ رجب ۱۰۷۲ ق تصحیح را بپایان رسانیده است (دست راست پائین همان صفحه دیده شود). دراین نسخه سیزده گزارش پینایل دیده نمیشود، وازهفت گزارش افزودهٔ چاپ تهران فقط گزارش زید شهید ابن علی ابن الحسین دیده میشود. عنوان نامها وبرخی فاصله‌ها باشنگرف است. در برك (۱ـ الف) چند تملك دیده میشود. پائین برگهارا موریانه خورده و ازپائین صفحه‌ها درآغاز نسخه نیز اندکی خورده است.

پیش از نسخه ده برك افزوده‌اند و درهفت صفحهٔ آن فهرست ناتمام و نامرتب برای کتاب نوشته‌اند.

۴۵۱ برك، کاغذ سمرقندی، جلد تیماج سبزملوانی فشرده فرسوده.
اندازه: ۴۰/۵×۲۶ و ۳۳×۱۷؛ ۳۱ سطر.

[۲۳۹] **هدایة الاسماء** (کتاب شناسی ـ عربی)

فی بیان کتب العلماء

دراین کتاب که درپیرامن ششصد بیت نوشته دارد، ششصد وچهل کتاب از کتابهای معروف و کلاسیك دانشمندان اسلام شناسانده شده است. این کتاب بیست و هشت باب بشمار حرفهای الفباء دارد، ودرهرباب نخست کتابهای شیعه و سپس کتابهای سنیان را یاد کرده، ولی هفتاد وپنج درصد کتابهای معرفی شده از آن شیعه میباشد، ودرمعرفی فقط بنام کتاب ونام نگارنده بسنده کرده‌است.

آغاز: الحمدلله رب العالمین ... فیقول العبد ... حسن علی الیزدی الکشتوی ان هذه رسالة مختصرة فی اسامی کتب الشیعة المشهورة ... مع بعض کتب العامة.

انجام: (بنابیع الاحکام) فی الفقه للعامل الکامل الملا احمد النراقی الکاشانی. هذا آخر الکلام ... وقد تم الکتاب بید مؤلفه الفانی ... فی شهر ربیع المولد سنه ۱۲۶۰.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارنده: ملاحسن پسر علی یزدی کتنوی کربلائی است که گویا از شاگردان حجة‌الاسلام شفتی بوده ودر (۱۲۹۷ ق) در گذشته است.

آثار او:

خود او دراین کتاب کتابهای زیر را بخویش نسبت داده است:

ـ انوارالشهاده (۱).

ـ ضوابط دراحکام.

ـ قوانین‌الاحکام فی شریعة سیدالانام ناتمام است و پنج جلد آن بیرون آمده است.

ـ لوامع‌الوصول فی تحقیقات‌الاصول.

صاحب ذریعه (۲) نیز کتابهای زیررا بدونسبت میدهد:

ـ انوارالهدایة وسراج‌الامة در پند و اندرز چ ایران ۱۳۰۰ ق.

ـ الموائد.

ـ انوارالهدی در پند واندرز چ ایران.

ـ در گ ۲ ـ الف نسخهٔ دانشگاه مهیج‌الاحزان را نیز باین نگارنده نسبت داده‌اند ولی درست نیست، چه مهیج نگارش ملاحسن یزدی شاگرد سیدمجاهد (م ۱۲۴۲ ق) میباشد نه این ملاحسن.

وی هنگام نگارش «هدایة الأسماء» کتاب بحارالانوار را دردست نداشته‌است، ولی آگاهیهای بسیار از تاریخ وزندگی گزاری و کتابشناسی داشته است.

او از حجة‌الاسلام شفتی (م ۱۶۲۰ ق) بعنوان استادالمتأخرین سید محمدباقر دام ظله یاد کرده است، وچند ماه پیش‌ازمرگ حجة‌الاسلام این کتابرا درتاریخ ربیع یکم (۱۲۶۰ق) بپایان رسانیده است.

---

(۱) این کتاب یک بار در گرانهٔ صفحه‌های «نورالعین» و بارد گردر گرانهٔ «میراثی وصال» وسه دیگردر گرانهٔ «بیدل» بسال ۱۳۰۰ق چاپ شده‌است (ذریعه ۲ : ۴۳۰).

(۲) ج ۲ ص ۴۳۰ و ۴۴۶ و ۴۴۷.

[۲۶۲]

۱۰۷۰ ۱ خط نستعلیق. نویسنده محمدحسین پسر ابوطالب حسینی‌اصفهانی روضه‌خوان، در شهر رشت در پایان ماه شوال (۱۲۷۵ ق) آنرا بپایان رسانیده است.

روی‌عنوان‌نامها خط شنگرفی کشیده. آغاز بابهارا سفید گذارده که بعدشنگرفی کند ونتوانسته است.

آقای فرهومند کتابفروش تهرانی که این نسخه پیشتر ملك او بوده بتاریخ ۱۳۵۹ ق، در گ ۲ ـ الف نگارنده را صاحب انوارالشهاده و مهیج‌الاحزان شناسانده است.

۱۴ برگ کاغذ ترمه‌اصفهانی رنگارنگ زرد، آبی، سبز. درپایان نسخه ۹ برگ سفید وزیاد مانده است. پیشترهمراه حدیقه هلالیه بهائی بتجا بود وتوسط اینکتابخانه جدا صحافی شد. جلد تیماج بشکلا قهوه‌یی.

اندازه: ۴۹×۴۱ و ۴۰×۱۱؛ ۳۰ سطر.

پایان گفتار سوم

گفتار چهارم

از قلم‌افتاده‌های جلد یکم و دوم

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۴۰] **ازهارالریاض** (کشکول - عربی)

شیخ سلیمان بحرینی ماحوزی یادداشتهای خویش را در سه یا چهار (۱) جلد گردآورده و بدین‌نام خوانده‌است. صاحب ذریعه یك جلد آنرادر کتابخانهٔ حاجی‌نوری بخط یکی ازشاگردان نگارنده و یك نسخه ازجلد سوم دربحرین در کتابخانهٔ آل‌طعان سنری نشان داده است.

تاریخ پایان‌نگارش جلداول این کتاب در گ۱۴۸-الف نسخهٔ دانشگاه سوم‌جمادی دوم سال ۱۱۱۶ ق یاد شده است. ونگارش جلدسوم (چهارم) در گ ۱۶ ب و ۲۷ - الف ذیحجهٔ سال ۱۱۲۰ق یك سال پیش‌ازمرك نگارنده یاد شده است.

وی‌دراین کتاب‌از کتابهای‌بسیارنقل‌آورده وازسه حاشیهٔ خویش‌برتفسیر بیضاوی و کتاب مدارك واربعین بهائی یاد کرده‌است. وازشاعران بسیارو بویژه ازخویشتن شعرفراوان‌آورده‌است، یك‌چکامه لامی خویش‌راتمام و درةالبحرین فی مرثیةالحسین، درچند صفحه آورده است، ونیز شعری درتاریخ مرك استاد خویش سلیمان پسرعلی پسر راشدبن ابی‌طیبة در ۱۱۰۱ ق (ك ۱۶ ب) و شعری درستایش کتاب مدارك ساخته. شعری ازسیدعلی خان مدنی‌آورده ومرك اورا درشیراز بسال ۱۱۱۸ ق یاد کرده است (گ ۱۳- الف) شعری از پدر خویش عبدالله آورده ومرك اورا (۱۱۰۴ ق) آورده‌است. و کتاب «النقایة» سیوطی (م ۹۱۱ ق) را درست دراین کتاب گنجانیده‌است. شعرهای فارسی از شریف تبریزی ودیگران نیز دراین کتاب دیده میشود (گ ۷۶و۸۱).

نگارنده: شیخ سلیمان پسر عبدالله پسر علی پسر حسن سراوی بحرینی ماحوزی (ز ۱۰۷۵ - م ۱۱۲۱ ق) میباشد که ازدانشمندان و ادیبان و شاعران بحرین‌است‌و گزارش زندگیش‌درلؤلؤتی‌البحرین وروضات‌وذریعه یادشده‌است.

(۱) درآغاز نسخهٔ واژهٔ «ثالث» راکسی خط زده و آنرا بصورت «رابع» درآورده است. ولی صاحب ذریعه گوید ازهارالریاض در سه مجلد بوده است.

صاحب ذریعه این کتاب را نیز یاد کرده ولی نسخه آنرا خود ندیده .

آغاز جلد اول دراین نسخه نیست .

انجام جلد اول (۱) : وبحسب الظن اکثر من تأثرها بالنافعة فی الحال وبسبب العقل . ولیکن هذا آخر الجزء الاول من هذا المجموع . . . و کتب مؤلفه العبد . . سلیمان بن عبدالله البحرانی بالیوم الثالث من ثانیة الجمادین سنة الف و مائة وست عشرة . . .

آغاز و انجام جلد دوم در نسخهٔ دانشگاه نیست .

آغاز جلد سوم : و حمداً له علی افضاله . . . و بعد فهذا هو المجلد الثالث (الرابع)(۲) من مجلدات کتابنا المسمی بازهار الریاض الذی جمعنا فیه نفایس الفنون وعرایس العیون . . .

انجام : نسخهٔ دانشگاه آنرا ندارد .

[۲۶۳]

۹۰۲ خط نسخ درد فتر جا دارد و گ ۱–۴۹ آنرا گرفته . نامرتب و جابجا صحافی شده است . آغاز نسخه جلد سوم یا چهارم است و پایان آن جلد اول میباشد نام نویسنده ندارد ولی پیداست که شاگرد نگارنده بوده است . تاریخ ندارد ولی چون درزندگی نگارنده نوشته است ، وچنانکه گفتم نگارش کتاب در ۱۱۲۰ پایان یافته ، ونگارنده در ۱۱۲۱ درگذشته ، پس نسخه درست دراین دوسال نوشته شده است . عنوانها باشنگرف است حاشیه‌های بخط نستعلیق نوتر از خط متن دارد .

همهٔ دفتر ۲۲۶ برگ . این کتاب ۱۴۹ برگ . کاغذ هندی قدیمی رنگ . جلد لیقاج سرخ مقوائی فرسوده . اندازه : ۱۶×۲۲ و ۸×۱۵/۲ : ۲۰ سطر .

[۲۴۱] اطباق الذهب (مقامه ـ عربی)

متن ادبی است که شرف‌الدین شفروه آنرا در صد مقالت به پیروی از اطواق الذهب زمخشری نگاشته است .

(۱) گ ۱۴۸ ـ الف نسخهٔ ۹۰۲ دیده شود .

(۲) نسخه دست خورده وهردوخوانده میشود . گ ۱ ـ ب دیده شود .

نگارنده : شرف‌الدین عبدالمؤمن (محمد) ملقب به فضل‌الله شفروه پسر هبة‌الله اصفهانی است که در دیوانش به (شرف) تخلص نموده . عوفی گوید (۱) دیوانش در نیشابور بدیدم در بیش از صد طبق کاغذ نوشته شده بود . و قزوینی در تعلیقات خویش بر لباب (۲) گوید اکنون جز اندکی از دیوانش بدست نیست ، و در آن رکن‌الدین ارسلان (۵۵۵–۵۷۱) و رکن‌الدین طغرل (۵۷۱–۵۹۰) وشمس‌الدین محمد پسر اتابك ایلدگز (۵۶۸–۵۸۲) را ستایش کرده است .

دولتشاه گوید (۳) : در اصفهان بروزگار اتابك شیرگیر ، اورا ملك‌الشعراء مینوشتند ، وجمال‌الدین محمد پدر کمال اسماعیل اورا هجوسرود .

واله داغستانی در ریاض‌الشعراء ولطف‌علی آذر در آتشکده گویند شیرگیر لقب ملك‌الشعرائی بدوداد .

شفروه : در کشف‌الظنون و ریاض‌الشعراء واله او را شفروه با قاف ودر معجم‌المطبوعات شفوره با قاف وواو آورده ولی قزوینی گوید شفروه با فاء وراء نام یکی از نیاکان اوست ، وپسرعمویش ظهیرالدین نیز همین لقب گرفته است . درفهرستهای مصریان نام اورا با بنی عبدالمؤمن مغربی اشتباه کرده واورا مغربی اصفهانی نوشته‌اند .

آغاز : الهم انا نحمدك علی ما اسبلت من جلابیب کرمك وسبلت من شآبیب نعمك . . . وبعد فقد اشار الی ولی من اولیاء الله . . . احمد بن محمود بن علی . . ان اجمع له مائة مقالة فی الوعظ . . . اسلك فیها مسلك . . . جارالله الزمخشری فی مقالته المسماة باطواق الذهب . . . وسمیتها « اطباق الذهب » وحذوت فی کل مقالة حذوه . . . المقالة الاول .

انجام : وطیور فصاح تفرقت اجزائها علی جبال القدفضمتهن واذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن .

(۱) لباب‌الالباب ج اروپا ج ۱ ص ۲۶۸–۲۶۹ .

(۲) » » » » ص ۳۵۶ .

(۳) تذکره دولتشاه سمرقندی طبقهٔ سوم .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

چاپهای این کتاب - بولاق ۱۲۸۰ ق ۹۱ ص. - لاهور ۱۸۷۸ م ۹۶ ص. - مصر ۱۳۲۵ ق ۱۵٤ ص. - بیروت ج ادبیة با گزارشهای یوسف تبهانی ۱۳۰۹ ق ۱۱۲ ص. - مصر با گزارش محمد منیر عبدالقادر در حاشیهٔ کتاب تحفة اهل الفکاهة ۱۳۲٦ ق.

[٢٦٤]

٨٩٧ بخط نسخ با اعراب (زبر و زیردار) در دفتری جادادهشده و برگهای (۹۷ تا ۱۲۹) آنرا گرفته. فهرست این دفتر چنین است: - ۱- فوز اصغر، از ابن مسکویه ک ۱-۱۹، ۲- اوایل التحریر ۲۰ تا ۵۱، ۳- خصوص فارابی ۵۲-۵۹، ٤- اثبات الواجب نظام دشتکی ۵۹-۸۱. ۵- عرشیهٔ ملاصدرا ۸۹-۹۷. ٦- اطباق الذهب ۹۷-۱۲۹ ۷- سه نمط اشارات ۱۳۰-۱۵۳. ۸- درهٔ فاخرهٔ جامی ۱۵۳-۱۵۹.

این دفتر بدستور رئیس الکتاب در تاریخ ۱۰۹٦ ق و ۱۰۹۷ ق نوشته شده و کتابچهٔ چهارم آن در ۸ ذیحجهٔ ۱۰۹۷ ق بپایان رسیده است. (ص ۱۳۲ جلد سوم فهرست دیده شود.

همهٔ دفتر ۱۵۸ برگ. این کتابچه ۳۳ برگ. کاغذ نخودی جلد قرمز سوده. یک طرف آن افتاده است. اندازه: ۲۷/۵ × ۳۴ و ۱۳ × ۲٦: ۲۸ سطر.

[٢٦٢] انتخاب المجید (رجال - عربی)

من تنبیهات السید

کتاب تهذیب الاخبار شیخ طوسی (م ٤٦٠ ق) چنانکه در ص ٤٧٢ گذشت یکی از چهار رسالهٔ حقوق مذهبی شیعه است، و سیدهاشم توبلی کتکانی (م ۱۱۰۷ ق) پسر سیداسماعیل بحرینی کتابی بزرگ برای شناسائی راویان و زنجیرهٔ خبرهای آن نگاشته و «تنبیه الاریب فی ایضاح رجال التهذیب» نامیده‌است، سپس شیخ حسن دمستانی پسر حسن پسر محمد پسر علی پسر خلف پسر ابراهیم پسر ضیف بحرینی دمستانی، این کتاب را کوتاه کرد و مطالب سودمند آنرا گزین نمود و «انتخاب المجید» نامید، وی در هشتم جمادی یکم سال ۱۱۷۳ ق آنرا بپایان رسانیده است (۱).

(۱) ذریعه ۲: ۳۵۸ ولی در نسخهٔ دانشگاه این تاریخ دیده نمیشود.

آغاز: الحمدلله الذی وطد قباب الشرع الشریف بالکتاب المبین والسنة الزاهرة ... وبعد فیقول المتعطش ...

انجام: اقول الصواب عن ابراهیم بن عبدالحمید کماهو المتکرر، ومنه السند الآتی. هذا ما تیسر الی الفکر العلیل ... والسلام علی محمد وآله الطاهرین.

[٢٦٥]

۹۹۵ بخط نسخ. نویسنده صفرعلی پسر سرعلی موسوی خراسانی، در ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۲۳۲ ق آنرا بپایان رسانیده است. عنوانها با شنگرف است. پیش از این کتاب در برگهای (۱ تا ۲۱) این جلد کتاب وجیزهٔ مجلسی را نوشته که در ص ٦٧٥ و ٦٧٦ یاد شد.

همهٔ دفتر ۱۴۰ برگ. این کتاب ۱۱۹ برگ. کاغذ و دیگر خصوصیات در ص ٦٧٦ یادشده.

[٢٤٣] اوایل التحریر (انشاء - دبیری - عربی)

نگارنده: خود را در دیباچه: اختیار پسر غیاث الدین حسینی نام برده و کتاب را بنام و بدستور دوم شخص کشور و همنام امیرالمؤمنین شیرخدا علی (۱) نگاشته‌است. و تاریخ نگارش را «بفیضه = ۸۹۷ ق» و «اوایل التحریر = ۸۹۷ ق» ساخته است (۲). این مرد همان قاضی اختیاراست که در ص ۲٤۵ غزلیاتش را یاد کردم و برخی او را سید اختیارنامیده‌اند ولی «منشآت اختیار» که نسخهٔ آن در کتابخانهٔ شاهنشاهی هست (۳) از حسن فرزند علی است که در (۹۳۵ تا ۹۷۰) میزیست و غیراز این مرد میباشد. وی این کتاب را بدستور وزیر روزگار خویش میرعلی شیرنوائی ساخت و بنام وی آراست. و چنانکه از اختتام کتاب برمیآید این دانشمند کتابخانه‌یی در خانهٔ خویش می داشته. ولی باز هم انشاء عربی این کتاب که (۳۲۰۰ بیت نوشته) دارد ناپخته و نارسا میباشد.

(۱) عبارت چنین است: «ثانی اثنین من هو خلیفة الزمان، سمی اسدالله الغالب، علی الاسم ...» ک ۲۰- الف نسخهٔ دانشگاه.

(۲) در پایان کتاب نیز چند ماده تاریخ ساخته گویا نگارنده نیز مانند دیگر دانشمندان همزمانش سخت در تحت تأثیر حروفیان بوده است.

(۳) در نمونه خطوط خوش شاهنشاهی ص ۱۰۹ و ۱۱۰ ق. این دو کس را با یکدیگر در آمیخته است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست اوائل‌التحریر آنچنانکه خود در دیباچه آورده‌است:

افتتاح: در ستایش و درود؛ در پنج بخش بنام پنج «کلمه».

- سطر یکم: کار و صفت پادشاهان یافته. بخش «حرف» دارد.

۱- لقب پادشاه.
۲- لقب جانشین شاه.
۳- داد گستری شاهان.
۴- ستم آنان.
۵- جنگ و جهاد.
۶- نهی از کشتن مسلمانان.
۷- حیله و مکر.
۸- پهلوانی و شجاعت.
۹- هیبت و سختی و درشتی.
۱۰- فرار.
۱۱- پاداش و کیفر.
۱۲- دشمنی.
۱۳- نویسندگی و دبیری.
۱۴- آشتی.
۱۵- پیروزی.

- سطر دوم: پیش‌آمدهای آسمانی سه حرف دارد:

۱- راهنمائی و توفیق.
۲- گشایش روزی و تنگی آن.
۳- قضا و قدر.

- سطر سوم: صفتهای نیك؛ بیست حرف دارد:

۱- بخشش مال.
۲- شکیبائی.
۳- سپاس.
۴- راستی.
۵- وفا.
۶- وا گذاشتن بخدا.
۷- توبت.
۸- گناه‌بخشی.
۹- حلم و بردباری.
۱۰- فروتنی.
۱۱- قناعت.
۱۲- نیکخوئی.
۱۳- شرم.
۱۴- خموشی.
۱۵- مشورت.
۱۶- پنهان کاری.
۱۷- فرصت.
۱۸- کوشش.

۱۹- میانه‌روی و اقتصاد.
۲۰- راهنمائی.

- سطر چهارم: صفتهای بد؛ ۱۵ حرف دارد:

۱- دروغ.
۲- خلف وعده.
۳- دورویی و نفاق.
۴- خودبینی.
۵- رشك.
۶- بخل.
۷- طمع.
۸- حرص و آز.
۹- نادانی.
۱۰- سبکی و شتاب.
۱۱- تنبلی.
۱۲- شك و دودلی.
۱۳- خشم.
۱۴- منت گذاری.
۱۵- بدگوئی.

- سطر پنجم: خویشان، هشت حرف دارد:

۱- پدر و مادر و فرزندان.
۲- برادران.
۳- زن و شوهر.
۴- دوستان.
۵- همنشین.
۶- دیدار دوست.
۷- همسایه داری.
۸- گله گذاری.

- سطر ششم: خوش گوئی و زیر کی و زرنگی؛ پنج حرف دارد:

۱- خوش گوئی.
۲- شرافت به‌ادب است نه به‌نژاد.
۳- خرد.
۴- خوشروئی.
۵- نتیجهٔ کار و رفتار.

- سطر هفتم: زمین و جهان؛ پنج حرف دارد:

۱- خانهٔ کعبه و حج.
۲- سفر و جهانگردی.
۳- میهن دوستی.
۴- آبادی و کشت و گل کاری.
۵- چارپایان.

- سطر هشتم: روزگار و زمان؛ ده حرف دارد:

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱- شب وروز وماه وسال.
۲- چهار فصل.
۳- گله از روزگار.
٤- ناسازگاری و ناهمواری روزگار.
٥- لیستی پس از هستی.
٦- آسانی پس از سختی.
۷- دنیاودارائی.
۸- تندرستی.
۹- جوانی و پیری.
۱۰- مرگ.

- سطر نهم : پرا کنده ؛ چهار حرف دارد :

۱- آسمانها.
۲- حق و باطل.
۳- پرا کنده.
٤- نام کتابهای معروف از هر دانش

واصطلاحهای دانشهای کلاسیك روزگار خویش.

اختتام : در نیایش.

آخرین فصل در داستانهای شیرین.

آغاز : احمدك اللهم والمحامد راجعة الیك . . . و بعد فیقول الفقیر الی الله الغنی اختیار بن غیاث الدین الحسینی ان علم البیان والانشاء نعم العون . . .

انجام : علیه توکلت والیه انیب ومن اتفاقات الایام اتفاق یوم الاتمام بعام الاختتام فقد تممته (بسلخ رجب) وذلك امر عجب :

تم بالخیر جامع نافع — حین تممته بعون الله
فارتقب یافتی بتعلیمه — قلت تاریخه (بتتمیمه)

واژه‌های بتتمیمه و بسلخ رجب برابر ۸۹۷ تاریخ پایان یافتن نگارش است. اتفاقاً شمارهٔ این نسخه در دفتر کتابخانهٔ دانشگاه نیز ۸۹۷ میباشد.

[۲٦٦]

۸۹۷ بخط نسخ. نام نویسنده ندارد. در دفتری جا گرفته و برگهای (۲۰-٥۱) آنرا گرفته است. و پیش از آن فوز اصغر این سکویه دیده میشود (ص ۱۳۲ جلد سوم دیده شود). و بدستور رئیس الکتاب (مهر او در گ۱و۹۷و۱۳۰و۱٥۹ دیده میشود) در ۱۰۹۷ ق نوشته شده و تاریخ عرفه (۸- ذیحجه) ۱۰۹۷ ق در پایان کتابچهٔ چهارم دفتر (گ۱۲۹ پ) دیده میشود. پس درست دویست سال پس از نگارش نوشته شده است و تاریخ ۱۰۹٦ در پایان کتابچه سوم گ ٥۹ نیز دیده میشود.

همهٔ دفتر ۱٥۹ برگ این کتابچه ۳۱ برگ است. کاغذ نخودی جلد فرسوده و یك طرف آن افتاده است. اندازه ۲۱/٥×۳۴ و ۱۳×۲٦ ؛ ۲۸ سطر.

[۲٤٤] البلاغة (معانی بیان - عربی)

(رسالة مختصرة فی ...)

کتابچهٔ کوچکی است که سه علم معانی و بیان و بدیع را در سه صفحه گرد آورده است.

آغاز : الحمدلله الذی کشف عن وجوه المعانی بنقایع بیانه ... و بعد فهذا مختصر فی فن البلاغة وتوابعها . الفته لیکون کمدخل للکتب المبسوطة . . .

انجام : از نسخه دانشگاه افتاده است.

[۲٦۷]

۹۰۲ دردفتری جا دارد و گ ۲۱٥و۲۱٦ آنرا گرفته است. نام نویسنده وتاریخ ندارد؛ ولی خط و کاغذ سدهٔ یازدهم را نشان میدهد، و چون در بحرین نوشته شده نم کشیده و فرسوده است.

همهٔ دفتر ۳٦٦ برگ. این کتابچه دو برگ. کاغذ هندی، نخودی رنگ. جلد تیماج سرخ متوالی فرسوده. اندازه ۱٦×۲۳ و ۱۳×۱٦ ؛ ۲۴ سطر.

[۲٤٥] تحدی وصاف با کلیله ودمنه (بدیع - فارسی)

با مقایسهٔ قرینه‌سازیهای وصاف با ابوالمعالی

زبان امروزی ما که دری نامیده شده، در گذشته لهجهٔ ویژهٔ مردم خاور ایران بود، وچون سرزمین پارتها پیش از دیگر نقاط کشور از دست عربان آزاد گشت، لهجهٔ این مردم زودتر زنده گردید، وبهمراه سپاهیان ایشان که درفش آزادی بدوش داشتند بهمه جای کشور راه یافت، و تا سدهٔ چهارم توانست لهجه‌های محلی دیگر (کردی، آذری، پهلوی جنوبی) را: بزیر سایهٔ خویش درآورد.

لهجهٔ دری پیروزشد، ولی با گذشت زمان لهجه‌های دیگر در زبان دری تأثیر میکردند، لهجه‌های مردم جنوب و جنوب باختری که بیش از خراسانیان تحت تأثیر ادبیات عرب بودند، واسطه‌ئی برای وارد کردن واژه‌های تازی بزبان دری گردید، هرچه آمیزش خاور و باختر بیشتر میشد، سبك نگارش دری

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تکامل میافت ، تا آنجا که سجع بندی ، وقافیه سازی ، وعربی تراشی ، وبکار بردن واژه‌های دشوار نشانهٔ دانشمندی و ادیبی گردید.

سبك نگارش ابوالمعالی نصرالله فارسی (۱) در کلیله ودمنه وسبك وصاف (۲) در تاریخ وتجزیة الامصار، نمایندهٔ نفوذ لهجه وسبك مردم جنوب وغرب ایران در زبان دری میباشد . « موازنه سازی » و « قرینه سازی » و بکار بردن هنرهای بدیعی در نثر زبان دری پیشینه ندارد ، ابوالمعالی اینها را از زبان تازی گرفته وبدری وارد کرد ، او برشمارهٔ واژه‌های عربی که در نثر دری بکار میرفت افزود واندازه آنرا به ۲۲ درصد رسانید (۳) . وصاف الحضرة نیز که پیرو سبك ابوالمعالی میباشد روش اورا بدرجهٔ کمال رسانید ومزدوج» و «مترادف» و « سجع بندی » و « مراعات النظیر » و « جمع اضداد » و « جمع و تفریق » و دیگر هنرها و ریزه کاریهای بدیعی را درفارسی بکاربرد .

شیوهٔ ابوالمعالی ووصاف تاسده‌های پسین سبك عالی ومزاوادبیروی شناخته می‌شد ، و دربارهٔ آنها بحثها و گفتگوها میگردید، و کتابها نگاشته میشد .

جای گفتگو کتابچه‌ایست که در یك جنك خطی در کتابخانه دانشگاه هست وشاید آنرا محمد باقر اصفهانی (٤) نگاشته باشد، ویا اینکه بخشی از کتابی بوده و او دراینجایش نوشته است .

کسی نزد نگارندهٔ این کتابچه چند جمله ازقرینه سازیهای کلیله را برخواند ، وآنرا قرآن پارسی دانست، وستایش بسیار کرد، نگارنده نخست از آنها عیب جوئی

(۱) ابوالمعالی نصرالله پسرمحمد پسرعبدالحمید را برخی شیرازی وبرخی غزنوی نوشته‌اند . آقای بهار گوید : درنثر ابوالمعالی بوئی از روش گفتگو و اصطلاحهای مردم غزنین یافت نمیشود واین میرساند که او غزنوی نیست وگویا ازشیرازیانی است که درروزگارغزنویان بخراسان آمدند . (سبك شناسی ج ۲ ص ۲٤۸) .

(۲) اندکی از گزارش زندگی او در ص ۵۲۵تا۵۲۸ یاد شد .

(۳) سبك شناسی ج ۲ ص ۲٦۸ .

(٤) این مرد نویسندهٔ بخشی از جنك ریاضی است که بشمارهٔ ۱۰۳۸ دراین کتابخانه هست. وآنرا دوجیدرآباد هند بسال ۱۰۵٦ ق نوشته است .

نموده وسپس سی‌ودو قرینهٔ جمله‌یی، وسی‌ودوقرینهٔ واژه‌یی، از قرینه سازیهای وصاف الحضرة را بترتیب مثبت و یا منفی بودن مقدم وتالی هردو، ویا گوناگون بودن آنها، مرتب کرده و آنها را بمعرض قضاوت خواننده گذارده است . این کتابچه دربیرامن (۱۲۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : یکی ازافاضل خلان الوفا واماثل اخوان الصفا بدین تر کیبات عثور یافت . . . از کلیله ودمنه برخواند کیست که با قضای آسمانی مقاومت تواند نمود ودرعالم بمنزلتی رسد، ودرمعرض خطر نیفتد . . .

تا آنجا که : تحدی وصاف با کلیله ودمنه .

برداشت کلك و کاغذ و فرفر فرونوشت

منشور فضل صاحب وصافی بر آن نوشت

نوع اول ؛ مقدم وتالی هردومثبت . . . طمع درطلعهٔ دنیابندد و عرض او برقرارماند . . نوع دوم سجع مردد اول مثبت دوم منفی . . . ازوی خیری بغیری تا دست توان بدان رسد، نرسد .

[۲٦۸]

۱۰۳۸ خط نستعلیق دردفتری ریاضی جاگرفته وگ ٤۸ تا ۵۰ آنرا گرفته است . نام نویسنده وتاریخ ندارد ولی این دفتر جنگی است که بخشی از آنرا محمدباقر اصفهانی درجیدرآباد بسال ۱۰۵٦ق وبخشی را محمد درویش در ۱۰۵۵ ق نوشته است وخط این کتابچه بخط محمدباقر بیشتر میماند .

عنوانها با شنگرف است .

همهٔ دفتر ۱٦۴ برگ . این کتابچه ۲ برگ کاغذ نخودی‌رنگ جلد لیقاج حنائی بی‌لا اندازه ۱۱×۲٦ و ۹/۵×۱۸/۵ : ۲۱ سطر

[۲٤٦] تحفة الامیر (تجوید ـ فارسی)

کتابچهٔ کوچکی است که (۲۷۰ بیت نوشته) دارد، ودستورهای قرائت قرآن وچگونگی تلفظ را دربردارد .

نگارنده : محمد پسر مهدی نگارندهٔ مظهرالآیات است که در ج ۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ص۲۱۳ – ۲۱۵ اورا یاد کردم . صاحب ذریعه در (ج٤ ص٤٢١) گوید آنرا بنام محمدشاه قاجار ساخت ، ولی از نسخهٔ این کتابخانه چنین چیزی برنمیآید . این کتاب در تبریز بسال ۱۲٦۰ ق چاپ شده است .

آغاز : منعمی را سپاس و شکر سزا است که زبانها بحمد او گویا است . . .

اما بعد ذرهٔ بیمقدار محمد بن مهدی الحسینی بر الواح ... و مسمی ساخت بتحفة الامیر... اما استعاذة . . .

[۲٦۹]

۱۱۳۸ بخط نسخ زیبا . نام نویسنده ندارد . در یکم رمضان ۱۲۵۵ق نوشتن آن پایان یافته است . عنوانها با شنگرف است . همه رویه‌ها با زر و شنگرف و سیاهی جدولبندی شده‌است . در پایان نسخه املاک اسحاق میرزا دیده میشود که کتابرا در همان تاریخ به بهای سه پناه باد خریده است .

۷ برگ ، کاغذ اصفهانی نعدی ، جلد تیماج حنائی یکدلا قفتزده
اندازه : ۲۰/۵×۱۲ و ۱۶/۵×۸/۵ ؛ ۱۷ سطر

[۲٤۷] تفسیر آیة کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها (تفسیر – عربی)

دربارهٔ این کتاب در (ج۱ ص ٤۳) گفتگو کردم . اینك نسخهٔ دیگری از آن که در این کتابخانه هست شناسانده میشود .

[۲۷۰]

۱۱٤٤ بخط نستعلیق . در دفتری جا دارد و برگهای (۱۰۵ و ۱۰٦) آنرا گرفته است . نام نویسنده و تاریخ در پایان این کتابچه نیست ، ولی همهٔ دفتر بخامهٔ محمد شریف پسر شیخ ابوتراب است که در تاریخ ۱۰۹۳ و ۱۰۹٤ ق آنرا نوشته است (رگ ۳۹ و ٦٦ دیده شود) . روی عنوانها خط شنگرفی کشیده است . برای شناسائی دیگر کتابچه‌های این دفتر ص ۵۱ فهرست جلد سوم این فهرست دیده شود .

همهٔ دفتر ۱۷۵ برگ ، این کتابچه ۲ برگ کاغذ ترمه اصفهانی ، جلد تیماج سرخ مقوائی .
اندازه ۱۲×۱۹ و ۸×۱۳ ؛ ۱۷ سطر .

[۲٤۸] تفسیر الائمة (تفسیر – فارسی - عربی)

لهدایة الامة

از محمدرضا پسر عبدالحسین طوسی نصیری است که در (ج۲ ص۳٦٦) ازوی و خاندانش یاد کردم . و این تفسیر اورا در (ج۱ ص ٤۵) معرفی کردم . تا کنون سه جلد از این تفسیر در این کتابخانه گرد آمده است .



(۳۲) برگ ۱۸۰ تفسیر الائمة شمارهٔ ۱۱٤۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱ـ بشمارهٔ ۱۱٤ که سوره‌های توبه ، یونس ، هودرا دربردارد، و درپیرامن (۳۸۵۰۰ بیت نوشته) دارد .

۲ ـ بشمارهٔ ۱۱ که سوره های کهف ، مریم ، طه را دربر دارد و در پیرامن (۳٤۵۰۰ بیت نوشته) دارد .

۳ ـ بشمارهٔ ۱۲ که سوره‌های انبیاء حج مؤمنون را دربر گرفته و درپیرامن (۳۲۵۰۰بیت نوشته) دارد .

اینك نسخه‌یی از این تفسیر که سوره های توبه ، یونس ، هود را در بردارد دراینجا معرفی میشود .

[۲۷۱]

۱۱٤۰ تفسیر سورهٔ توبه ، یونس ، هود را دربر دارد . خط نستعلیق ، بخشهای فارسی را باشنگرف و بخشهای تازی را باسیاه نوشته . آیه‌ها را با سیاهی درشت بخامهٔ نسخ نوشته وترجمهٔ فارسی آنرا باشنگرف بخامهٔ ریز نستعلیق زیر آن آورده است . تصحیح شده وافتادگیها را درحاشیه آورده است .

[۵۴۸] برك کاغذ اصفهانی . جلد لیماج حنائی وصله شده مقوائی قرمزوده .

اندازه : ۲۷×۳۰ و ۱۱×۲۱ : ۲۱ سطر

[۲٤۹] جلاءالاذهان (تفسیر ـ فارسی)

یا تفسیر گازر

در جلد یکم این فهرست ص ۸۵ تا ۸۸ سه جلد از آن معرفی گردید و یك جلد دیگر آن که بشمارهٔ (۱۳) دراین کتابخانه هست دراینجا معرفی میگردد .

جلد شمارهٔ ۱۳ را من پیش‌ازین بغلط بخشی از تفسیرالائمهٔ کوچك پنداشتم و در ج ۱ ص ٤۷ آنرا چنان معرفی کردم و سپس دریافتم که این نسخه بخشی ازجلاءالاذهان است . و از این روی باید معرفی تفسیرالائمهٔ مختصر در ص ٤۷ از جلد یکم زدوده شود .

[۲۷۲]

۱۳ بخط نسخ بد . نویسنده‌عبدالعلی فرزند عبدالله ساکن دیه عبدالعظیم (ری)آنرا در ۱۸ صفر ۹٦۲ بپایان رسانیده است آیه‌ها را با خامهٔ نسخ درشت بسیاهی

نوشته . تصحیح شده وافتادگیها را نیزدرحاشیه آورده است .

بنابراین در کتابخانه دانشگاه پنج بخش ازاین کتاب دیده میشود :

الف ـ بشمارهٔ ۹۲٤ (برگهای ۱ تا ۲۳٦) که سوره‌های‌فاتحه ، بقره ، آل‌عمران نساء مائده را دربر گرفته و (۳۲۵۰۰ بیت) نوشته دارد .

ب ـ بشمارهٔ ۹۲٤ (برگهای ۲۳۷ تا ٤۰٦) سوره‌های اعراف ، انفال ، توبه ، یونس ، هود ، یوسف ، رعد ، ابراهیم ، حجر ، نحل ، اسرا ، کهف را دربر گرفته و (۱٦۰۰۰ بیت نوشته) دارد .



(۳۳) صفحهٔ آخر جلاءالاذهان‌نسخهٔ شمارهٔ۱۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ج ـ بشمارهٔ ۲۶ که نیم‌دوم قرآن‌را ازسورهٔ مریم تاناس دربر گرفته ودرپیرامن (۲۷۶۰۰ بیت نوشته) دارد.

د ـ بشمارهٔ ۹۲۳ که مکرر شمارهٔ ۲۶ است جز اینکه سورمهای اسرا و کهف‌را نیز افزوده است.

ه ـ بشمارهٔ ۱۳ که مکرر بخش دوم شمارهٔ ۹۲۴ میباشد (و من آنرا بغلط تفسیرالائمه پنداشته بودم).

۳۶۸ برگ کاغذ سمرقندی جلد لیفاج حالی مقوائی وصالی شده فرسوده
اندازه: ۲۶×۳۷ و ۱۸×۲۷: ۲۲ سطر

[۲۵۰] جواهرالتفسیر لتحفةالامیر (تفسیر ـ فارسی)

یا «العروس»
یا «تفسیرالزهراوین» (۱)

ملاحسین کاشفی چند کتاب در تفسیر نگاشت: جواهرالتفسیر ومختصر آن و «مواهب علیه». و تفسیر سورهٔ یوسف بنام جامع‌الستین. جواهرالتفسیر را میخواست درچهاربخش بزرگ بیرون آرد، ولی فقط توانست یك بخش رادر تفسیر فاتحه ودوسورهٔ بزرگ (بقره، آل عمران) درسال (۸۹۰ ق = فیض) واند کی از بخش دوم را درتفسیر ۸۴ آیت از سورهٔ نساء درسال (۸۹۲) پاکنویس کند و دیگر بخشها درچرکنویس و پراکنده ماند (۲). صاحبان روضات و ذریعه گویند جواهرالتفسیر که تفسیرچهار جزء و نیم از سی‌جزء قرآن‌است درپیرامن پنجاه هزار بیت نوشته دارد.

ولی نسخهٔ دانشگاه که همهٔ بخش یکم است، تا پایان سورهٔ آل عمران یعنی اند کی کمتراز سه‌جزء‌را تفسیر کرده وچهل هزار بیت‌نوشته (بیت‌پنجاه حرفی) دربردارد.

(۱) این نام ویژهٔ بخش یکم کتاب است که تفسیر دو سورهٔ بقره و آل عمران میباشد، چه‌زهراوین لقب این‌دو سوره میباشد که‌بزرگترین‌سورمهای قرآن‌هستند.

(۲) خود درآغاز«مواهب‌علیه» گوید سه‌جلداز این کتاب‌درچرکنویس پراکنده بماند.

اودراین‌تفسیرآیتهارا جمله‌جمله‌وپاره‌پاره‌تفسیر کردوسخن‌بدرازا کشانید وچون‌نتوانست بپایان رساند، آنرا کوتاه کردو کنایی در پیرامن (۲۰۰۰۰ بیت نوشته) بنام «مختصرالجواهر» بنگاشت، و پس‌از آن کتاب «مواهب علیه» را نگاشت که بنام تفسیرحسینی درتهران چاپ‌شد.

وی این کتاب را بنام میرعلی شیر نوائی که از (۸۷۶ ق) تا روزیکه در گذشت‌در(۹۰۶ق) وزیرسلطان‌حسین‌میرزا بایقرابود، بنگاشت‌ودرپیش گفتار آن دانستنیهای پیش‌از تفسیر را درچهار اصل که بیست و دو عنوان دربردارد گردآورد.

آغاز:

بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم نبدأ والله علیم حکیم

فاتحهٔ هر کتاب وزیورخاتمهٔ‌هرخطاب جزبآیهٔ ... وآله‌الطیبین‌الطاهرین والخلفاءالراشدین وجماهیراصحابه ... اما بعد فاضل‌ترین عبارتی .. (وپس‌از یك صفحهٔ بزرك) ... داوردوران علی شیرآنکه ... (وپس‌ازصفحه‌یی دیگر) ... کمینهٔ بی‌بضاعت حسین‌بن علی‌الکاشفی ... مسمات بجواهرالتفسیرلتحفةالامیر... و (پس‌ازصفحه‌یی دیگر) .. وقبل‌از خوض درتفسیرآیات ابراد نکته‌یی چند ... وبیان‌آنرا چهار اصل مشتمل‌بربیست ودوعنوان متکفل ..

انجام: لعلکم تفلحون شاید که شما رستگارشوید ...

وپس‌از سه صفحهٔ بزرك که درآنها تفسیر این‌آخرین‌آیت آل‌عمران را از «عوارف» و امام قشیری، و حقایق سلمی، وسیدالطائفه، و کشف‌الاسرار، وبحرالحقائق، وحقایق‌التأویل، وحضرت حقایق پناهی بهاءالحق والدین‌محمدبن محمدالبخاری‌المعروف به نقشبند و دیگران آورده است، میگوید: مجلد اول از کتاب جواهرالتفسیر لتحفةالامیر سمت اتمام ... واتمام باقی مجلدات ازاعانت حضرت واهب ..

چون‌بتاریخ فیض (=۸۹۰) گشت تمام
فیض او باد تا قیامت عام

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نگارنده : ملا کمال‌الدین حسین کاشفی (م- هرات ۹۱۰ق) است . او شیعیگری زادگاه خود سبزوار را با صوفیگری هرات در آمیخت و در این شهر که در این روزگار بسوی شیعیگری پیش میرفت بوعظ میپرداخت، و بطریقت نقشبندیان گروید و خواهرزن جامی را بزنی گرفت .

او مردی خوش زبان و پرکار بود و در دانشهای کلاسیك آن روز : ادبیات، دعا، تفسیر ، عرفان ، حروف ، سحر ، نجوم... نگاشته‌ها دارد، و جز آنچه در (ج۳ ص ۸۲۳) این فهرست از آن نام برده شده ، کتابهای : شرح صحیفهٔ سجادیه (۱) و فتوت نامه (۲) و فضل الصلاة علی النبی و لطائف الطرائف (۳) و رشحات عین الحیاة (٤) و صحیفه شاهی (٥) نیز از او میباشد. گزارش زندگی او در حبیب السیر، و روضات ص ۲۵٦ ، مجالس المؤمنین ، و ذریعه ، و سبك شناسی ج ۳ ص ۱۹٦ ، و ریحانة الادب آمده است .

[۲۷۳]

۱۱۳۹ خط نستعلیق زیبا . نویسنده محمد شریف متخلص « خیال » شیرازی است . آنرا در چهارشنبه بیستم ذیقعده سال (۱۰۹٤ق) بپایان رسانیده است . آنرا با شنگرف و بخامهٔ نسخ و عنوانها با شنگرف و لاژورد نوشته است . روی آیه‌های پراکنده و حدیثها خط شنگرفی کشیده است، همهٔ رویه‌ها با زر و لاژورد و سیاهی جدولبندی شده است . بر پشت برگ یکم مهر کتابخانهٔ شرافت که پیشتر مالك آن بود دیده میشود . اندکی تصحیح شده، و افتادگیها در کرانه‌ها دیده میشود . دو برگ پایان نسخه صحافی شده است .

۴۵٦ برگ اوشته + ۴ سفید در پایان و ۴ برگ در آغاز نسخه است ، کاغذ نخودی رنگ ، جلد تیماج مشکی سوخت زرکوب درون تیماج حنائی ، اندازه : ۲۴×۱۸/۷و۳۴×۲۵ : ۲۶و۲۷سطر

(۱) این کتاب که نسخه‌اش نزد دکتر غنی سبزواری بوده است باید بر آنچه در ج ۱ ص ۱۵۹ آورده‌ام افزوده شود .

(۲) این کتاب در بریتش موزیوم هست و در فهرست ریو معرفی گردیده است .

(۳) ذریعه ج ٤ ص ٤۰۰

(٤) در شرح مناقب نقشبندیان (کشف الظنون) .

(٥) ص ۱۵۵ همین جلد فهرست دیده شود .

[۲۵۱] خطبة البیان (عربی)

خطنجیة و شرح آن

در بارهٔ این دو خطبه در ص ۱۰۸ تا ۱۱٦ این مجلد گفتگو کردم، اینك یك نسخه از آن در اینجا معرفی می‌شود. در این نسخهٔ خطبة البیان، حضرت امیر نام فرمانداران شهرها را در روزگار صاحب الزمان معین کرده است . و در دنبالهٔ نسخهٔ خطبهٔ خطنجیه، گزارش کوتاهی آمده است و در آن روایتهائی از جابر و امام باقر دارد .

[۲۷٤]

۱۰٦۷ بخط نسخ بد، نام نویسنده و تاریخ ندارد . در دفتری جا دارد که کتابچه‌هائی بنام : وفات الزهراء (گ ۱ - ۲۰) و مصاب المظلومین (گ ۲۱ - ٦۷) خطبة البیان (٦۷-۷۸) و خطبهٔ خطنجیة (۷۸-۸٤) و شرح آن (۸٤ ۹۲) و چند کتابچهٔ دیگر را در بردارد ، عنوانها با شنگرف .

همهٔ دفتر ۱۱۳ برگ خطبة البیان ۱۱ برگ خطنجیة ۹ برگ ، شرح آن ۸ برگ ، کاغذ فرنگی جلد داشت توسط کتابخانهٔ دانشگاه جدشد ، تیماج سبز مقوائی، اندازه : ۱۵×۲۱و۱۱×۱۵ : ۱۸سطر

[۲۵۲] خواص القرآن (عربی)

در این کتابچه خاصیتهائی برای یك یك سوره‌های قرآن از فاتحه ، بقره .. تا ناس یاد کرده و نگارش آنرا در آغاز بامام جعفر صادق نسبت داده است . ولی آشکار است که نویسنده یکی از صوفیان سنی سدهٔ نهم یا هشتم است و افکار وی به شیعیگری نزدیك میباشد ، و عربی نیز درست نمیدانست .

آغاز : الحمدلله رب العالمین ... اما بعد هذه رسالة من خواص القرآن المجید هذا من قول الامام العالم الفاضل المتهدی سلیل ... الامام جعفر الصادق رضی الله عنه... سورة فاتحة الکتاب .

انجام : از نسخهٔ دانشگاه افتاده است ، و انجام این نسخه چنین میباشد : سورة الجاثیة ، من قرأها ثلاث مرات .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۷۵]

۸۲۴ بخط نسخ . نام نویسنده وتاریخ ازپایان نسخه افتاده است ولی دردفتری جای دارد که همه بخامهٔ علی پسر محمد پسر حاجی مقیم است که در ۲۴ جمادی دوم ۹۰۲ ق آنرا بپایان رسانیده است (گ ۴۱۹ ـ الف دیده شود) . و در برگهای (۴۱۹ـ۴۲۱) جای گرفته است .

همهٔ دفتر ۴۲۱ برگ ، این کتابچه ۳ برگ ، کاغذ ختنی رنگ ، جلد تیماج قهوه‌یی فشرده ، مقوائی ، اندازه ۱۳/۸×۳۱ و ۷/۵×۱۶ : ۱۷ سطر

[۲۵۳] **درهٔ منظومه** (تجوید ـ فارسی)

منظومه‌ایست درتجوید قرآن بفارسی در ۱۳۶ بیت شعر . اشعار آن سست ونایخته‌است. گویا آنرا یکی از آخوندهای روزگار فتحعلی شاه سروده ونام شاه را دردیباچه آورده ، و تاریخ سرودن را از نام کتاب ، دره منظومه = ۱۲۵۰ ق ، درآورده‌است. اتفاقاً چنانکه میدانیم شاه درهمین سال در گذشت .

آغاز :

ای نام نامیت شده مفتاح هر کلام
وی از کلامت این همه عالم در انتظام

تا آنجا که :

درزمان فتحعلی شاه قجر ظل اله
حامی دین ماحی ظلم ورعیت را پناه :
گشت این موجز بنام نامیش زینت گزین
اعطه اللهم فی الدارین ما برجاه زین
درهٔ منظومه گفتا نام تاریخش خرد
چونکه مضمونش بود از بهر قاریها سند

انجام :

یوم جمعه ثامن ذیحجه فی عین الضحی
کرد اتمامش رجای ملتمس را دردعا

به از عقد گهر درعلم تجوید — رجا را درهٔ منظومه باشد
تو گوئی نافهٔ آهوی چین است — که از مشك ختن مختومه باشد

[۲۷۶]

۸۲۳ بخط نسخ پرغلط . دردفتری جا دارد و برگهای (۹۲ـ۱۰۲) آنرا گرفته . تاریخ ندارد ولی تاریخ کتابچهٔ پیش از آن دراین دفتر (۱۲۳۵ ق) است ، وبنابراین درهمان تاریخ که سروده‌شده یعنی درپیرامن (۱۲۵۰ ق) نوشته شده و در آن دفتر جلد شده‌است . زوی عنوانها خط شنگرفی کشیده‌است .

همهٔ دفتر ۱۷۴ برگ ، این کتابچه ۱۰ برگ ، کاغذ فرنگی سفید جلد تیماج مشکی مقوائی فشرده وفرسوده اندازه ۱۵/۲×۳۰ و ۱۵/۳×۷ : ۱۷ سطر

[۲۵۴] **ذکر ودعاء** (فارسی)

نگارنده : محمد پسر عبدالنبی پسر نعمة‌الله بحرینی صاحب وسیلة النجاة است که در ج ۳ ص ۶۸۹ یاد شده‌است . وی دردیباچهٔ این کتاب گوید پس از نگارش وسیله، دراندیشه‌شد که کتابچه‌یی دردو مطلب ذکر ودعا و شرایط و آداب آنها بنگارد . پس این کتاب را ساخت . تاریخ نگارش وسیلة النجاة درپایان کتاب پنجشنبه ۲۹ شعبان ۱۲۹۵ ق یاد شده‌است (گ ۲۳۰ نسخهٔ دانشگاه) . این کتاب درپیرامن (۲۲۰۰ بیت نوشته) دارد .

آغاز : الحمدلله رب العالمین . . . اما بعد چنین گوید بنده خاطی . . . مطلب اول درذکر است ودر آن چند فصل است . . .

انجام: ومسلمین همگی بگذشتند بر طوائفی که غیر ایشانند والحمدلله الذی

[۲۷۷]

۱۴۲ دردفتری جادارد که وسیلة النجاة ازهمین نگارنده دربرگهای (۲۳۱ تا ۲۴۹) آن جای گرفته‌است. خط نسخ نویسنده ملاحسین معلم ماهانی. در تاریخ ۱۲۹۶ ق پایان یافته است . همه روبه‌ها با شنگرف و لاژورد جدولبندی شده است .

همهٔ دفتر ۲۴۹ برگ ، این کتابچه ۱۸ برگ ، کاغذ فرنگی سفید آهار مهره ، جلد تیماج سرخ مقوائی زرکوب . اندازه : ۲۱×۲۴ و ۱۲/۵×۲۴ : ۲۴ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۵۵] الزيارة (عربی)

(رسالة في ...)

کتابچه‌ایست درزیارت قبر امام هشتم ودیگر امامان درسه فصل :

۱ـ ثواب زیارت امام رضا .

۲ـ آداب پیش‌اززیارت او .

۳ـ شرح زیارت او .

وسپس چند فصل درزیارت جامعه وزیارت امامان دیگر(دسته جمعی) .

نگارنده نام خویش درديباچه نیاورده و گویاخودنویسندهٔ نسخه‌باشد ، که محمد پسرعبدالحسین‌پسرحسن‌نجفی حسینی‌است، که‌در(۱۰۲۵ق) زاده ودر(۱۰۵۶ق) این کتابچه را درمیان جنگی بخط خود (گ ۸۲ تا ۱۰۷) نوشته است .

آغاز : الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله . . . وبعد فهذه رسالة فی زیارة الرضا علیه‌السلام بطوس وفیها ثلاثة فصول . . .

انجام - ولاتذرنی فرداً وانت خیرالوارثین .

این کتابچه درپیرامن (۵۰۰ بیت نوشته) دربردارد .

[۲۷۸]

خط نسخ دردفتری جا دارد و (گ ۸۲ تا ۱۰۷) آنرا گرفته است . نویسنده خود نگارنده است . او همهٔ دفتررا در ۱۰۵۶ ق نوشته است . خصوصیات این دفتر دردنبالهٔ کتابچهٔ (مائه کلمه) که برگهای (۳۸ـ۴۰) این دفترراگرفته‌در(حرف ـ م) یاد خواهد شد .

همهٔ دفتر ۱۳۲ برگ ، این کتابچه ۲۵ برگ است

[۲۵۶] شرح ديوان متنبی (عربی)

یا « التبیان فی شرح‌الدیوان »

یکی‌از بزرگترین شاعران عرب درسدهٔ چهارم متنبی‌میباشد . درآن‌روزگار اندك اندك زبان گفتگوی عربی از زبان ادبی و علمی جدا میشد ، در هریك

از کشورهای تابع بغدادلهجهٔ بی‌محلی‌برورش‌می‌یافت که زبان‌بازاری و گفتگوئی آنها بود ، وزبان قرآن بصورت یك زبان رسمی رابط میان این ملتها درمیآمد درمصروربانی که عربان گفتگومیکردند عربی آمیخته با بربری و قبطی و دیگر زبانهای آفریقائی‌بود، درسوریه‌عربی آمیخته‌با کردی، ودرعراق آمیخته بایهلوی میگردید، وچون‌متنبی روزگاری درباختر ومدتی درخاور میزیست بلهجه‌های گوناگون آشنا بود وازاین روی دیوان او پرازواژه‌هائیست که همه باآن آشنا نبودند ونیازمند شرح بود وچندین‌بار شرح گردید .

متنبی کیست ؟

ابوالطیب احمد متنبی ، نام پدرش حسین یا عیدان ، نام جدش را حسن پسر عبدالصمد یا پسر مره آورده‌اند ، و او را به جعفی و کندی نسبت کرده‌اند ، وهیچکس نام مادرش را یادنکرده‌است . برخی گویند او ازپدر ومادر ناشناسی بوده و درسر راهی در ناحیهٔ « کنده » درشهر کوفه بسال (۳۰۳ ق) یافت شد ، ودرمیان کارگران‌بافنده وجولاهان وخانواده سقائی بزرك شد . وروح انقلابی درشعر روزگارجوانی اوازهمین زندگانیش سرچشمه میگیرد . وچون بزرك شد بمجالس‌اشراف کوفه‌راه یافت آنها این‌بچه سقارا برای استفاده ازشیرین‌زبانی ولبوغ‌شعری که‌از کودکی می‌داشت به‌نزدخودمیبردند، متنبی در آنجاباداانشمندان آشنا شد ، و بگفتهٔ « خزانة‌الادب » فیلسوفی بنام ابوالفضل او را گمراه کرد . پس‌ازاین متنبی را مزدی قرمطی واسماعیلی وباطنی وملحد خواندند ، این بچه سقای بی‌پدرمادر باافکارانقلابی دهقانان آشناشد، حس نیکخواهی وبشردوستی او را بمیان دهقانان فرات جنوبی و طائفهٔ بنی کلب دربادیه سماوه (۱) کشانید ودریك‌جنبش‌دهقانی‌شرکت کرد، ولی گرفتارشد وبزندان افتاد وپس‌از آزادی نتوانست درعراق بماند و بسوریه به نزد سیف‌الدولهٔ حمدانی رفت و به ستایش او پرداخت ، ودرایجا نیز درسال ۳۲۰ درجنبش دهقانان اطراف لاذقیه شرکت

(۱) ابن‌خلکان درترجمهٔ متنبی ودیگران .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کرد (۱) ولی در اینجا ادعای پیغمبری (۲) نمود و قرآنی در برابر قرآن مسلمانان ساخت (۳) ولی این بار نیز از لشکر امیر لؤلؤ فرماندار حمص شکست خورد و بزندان افتاد و روح انقلابی خود را از دست بداد و توبه‌نامه نوشت و آزاد شد و از این پس همهٔ نیرو و نبوغ خویش را در خدمت اشراف و درباریها نهاد سپس در (۳۴۶ ق) از سوریه بمصر شد و کافور اخشیدی پادشاه مصر را ستایشها سرود و تا (۳۵۰ ق) در آنجا بزیست در این وقت با کافور نیز بهم زد و بکوفه گریخت و تا (۳۵۳ ق) درمیهن خود بود پس به بغداد شد، و در این وقت این بچه سقا آنقدر مغرور ومتکبر شده بود که بستایش جز پادشاهان تن در نمیداد، ووزیرانی مانند ابن‌عمید ومهلبی وصاحب عباد آرزو میداشتند متنبی چکامه‌یی در ستایش آنان بسراید و او باین کار تن در نمیداد، صاحب عباد در کتابچه‌یی که در انتقاد از متنبی نگاشته گوید وی در این دوره نیز از قوانین مذهبی با سبکی یاد میکند و فلسفه را می‌ستاید. باری متنبی از بغداد بشیراز بدربار عضدالدوله رفت وبستایشگری او پرداخت و چون در شیراز تا آنجا که میتوانست از عضدالدوله صلتها دریافت بسوی بغداد شد. ودر نزدیك دیرالعاقول مردی بنام فاتك از بنی اسد که متنبی خاندانش را هجو سروده بود، با چند تن کمین کرده، وراه براو گرفت، ومتنبی و فرزندش محسد و غلامش را بکشت. گویند درمنزل پیش بدو گفتند: صعالیك بنی‌اسد قصدجان تودارند، ولی چون برای فرستادن نگهبان بنجاه درم می‌خواستند

(۱) شیخ یوسف بدیعی (م ۱۰۷۳ ق) در «الصبح المنبی» ودیگران.

(۲) جنبشهای دهقانی درخاورمیانه همیشه بنام مذهب برپا میگردید مانند جنبش مزدك درسدهٔ پیش‌از هجرت و جنبش زنگیان درسدهٔ سوم هجری و قرمطیان و ... قاضی نورالله درمجالس المؤمنین ظاهری‌بودن این دعوی پیغمبری را دریافته ولی‌چون از ستم ملی و ستم اقتصادی آگاهی نداشته، جنبش متنبی را فقط دربرابر ستمهای مذهبی دانسته و ازدعوی (پیغمبری) او پوزش خواسته گوید او برای شورانیدن مردم بردستگاه ستمگر عباسی ناگزیر گردید «این روش دست یازد.

(۳) از قرآن او آیاتی بجامانده است، مانند: والنجم السیار والفلك الدوار واللیل والنهار، ان الکافر لفی اخطار ...

او خست کرد و به تنهائی روان گشت وجان خویش فدای پنجاه درم کرد. و این در ۲۸ رمضان ۳۵٤ق بود، وچه‌بسا کشتن صعالیك بنی‌اسد او را، نه برای هجو آنها بلکه برای برگشتن متنبی از راه وروش دیرین خویش بوده است.

دیوان متنبی:

چلبی در کشف‌الظنون شمارهٔ بیتهای دیوان متنبی را چنین برشمرد:
شامیات (۲۳۵۲) سیفیات (۱۵٤۰) کافوریات (۵۲۸) فاتکیات (۳۵۷) شیرازیات (۳۹٦) همهٔ آنها (۵۱۷۳ بیت).

چنانکه گفتم مسافرتهای متنبی درشعروی تأثیر کرد وواژه‌های غیرعربی داخل آنها کرد، و ازاین روی نیازمند گزارش گردید، وشرحهای بسیار برآن نگاشته شد.

این خلکان گوید از برخی استادان شنیدم که دیوان متنبی چهل‌بار شرح شد. صاحب «الصبح المنبی» آنرا چهل و دو شرح دانسته.

کسانی که در بارهٔ این دیوان کار کرده‌اند: شرح نگاران:

- ابن‌جنی م ۳۹۲ق، ابوالفتح، نخستین بار دو شرح براین دیوان نگاشت، متنبی دربارهٔ وی گفت: او بهتر از خودم شعرمرا میشناسد.
- ابوالعلاء معری م ٤٤۹ق، «معجز احمد» درشرح آن دیوان نگاشت.
- واحدی: ابوالحسن علی پسر احمد (م ٤٦۸ ق).
- ابوزکریا خطیب تبریزی (م ۵۰۲) «الوضح» را درشرح آن نگاشت.
- عبدالقاهر جرجانی.
- ابومنصور محمد ثعالبی جد صاحب انساب ثعالبی.
- عبدالرحمان انباری صاحب زهرة الالباء.
- ابوالبقاء عکبری (جای گفتگو)
- دلفی، محمد پسرعبدالله (م ٤٦۰) نیز شرحی درده جلد نگاشت.
- ابوبکر خوارزمی، محمد پسرعباس.
- ابوموسی، عیسی پسرعبدالعزیز جزولی (م ٦۰۷ ق) شرح ابن‌جنی را کوتاه کرد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

– ابن‌فورجه نحوی ، محمدپسر احمد که تا (۴۳۷ق) زنده بود شرح ابن‌جنی را باسخ نگاشت و « التجنی علی ابن جنی » نامید .

– ابن‌المستوفی ، ابوالبرکات مبارك پسر احمد اربلی (م ۶۳۷ ق) شرحی درده جلد بنام « النظام » نگاشت .

– اقلیلی نحوی ، ابراهیم پسرمحمد (م ۴۴۱ ق) .

– ابومظفرهروی ، محمد پسر آدم (م ۴۱۴ ق) .

– ابوعبدالله محمد پسرعلی خوارزمی (م ۴۲۵ ق) .

– سعد پسرمحمد ازدی وحید (م ۳۸۵ ق) .

– ابوعبدالله سلمان پسرعبدالله حلوانی (م ۴۹۴ ق) .

– عبدالله پسر احمد شامانی (م ۴۷۵ ق) .

– ابن سید بطلیوسی، عبدالله پسرمحمد (م ۵۲۱ ق) .

– عبدالقاهر پسر عبدالله حلبی معروف به واواً (م ۶۱۳ ق) .

– ابن‌العتابقی ، عبدالرحمان (م پس‌از ۷۸۸ ق) شرح وی در (۷۸۱ ق) نگاشته شد .

کسان دیگر که کاری انجام داده‌اند :

– حاتمی ، ابوعلی محمد پسر حسن کاتب م ۳۸۸ ق کتابی بنام « موضحه » در نکوهش متنبی و دزدیهای شعری او ، و کتابی بنام « حاتمیه » در ستایش او دارد .

– صاحب عباد ، نیز کتابی درنکوهش ازمتنبی دارد که چاپ شد .

– حسن پسرمحمد پسر وکیع « المصنف » دردزدیهای شعری او نگاشت .

– قاضی عبدالعزیز جرجانی : « الوساطة بین‌المتنبی وخصومه » .

– ابن‌جنی : « معانی ابیات‌المتنبی » .

– ربعی‌علی پسرعیسی : « التنبیه » .

– ابن‌حسون مصری : « نزهة‌الادیب فی سرقات‌المتنبی من حبیب » .

– ابن‌دهان : « المآخذ‌الکندیة من‌المعانی الطائیة » .

– ابن‌اثیرجزری : دنبالهٔ کار ابن‌الدهان .

– احمد پسر احمد مغربی : « رذائل‌المتنبی » .

– زید پسر حسن کندی (م ۶۱۳ ق) حاشیه‌ای برشرح عبدالقاهر حلبی نگاشت .

– ابن‌بیده ، ابوالحسن علی پسر اسماعیل نحوی (م ۴۲۸ ق) شعرهای دشوار آنرا گزارش داد .

چاپ دیوان وشرحهایش :

– کلکته ۱۳۲۰ ق ، بکوشش احمد پسرمحمد یمنی شروانی ۱۰۲ ص .

– هوگلی ۱۸۴۰ م با تصحیح عبدالله وغلام سبحان خان ۳۹۰ ص .

– کلکته ۱۸۶۱م باگزارشهائی بفارسی ۶۶۴ ص .

– کلکته ۱۲۶۱ ق شرح عکبری در۸۵۶ص بکوشش بارعلی بادرناوی .

– بولاق ۱۲۸۷ ق شرح‌عکبری (۲جلد در۵۲۳ + ۵۲۲ ص) باگزارش زندگی ناظم وشارح .

– بمبئی۱۲۷۱ ق شرح واحدی چ سنگی ۳۵۸ص بکوشش عبدالحسین حسام‌الدین .

– برلین۶۱-۱۸۵۸م شرح واحدی بابیش گفتارلاتینی وفهرستهابکوشش فردریك دیتریشی (۱) .

– بمبئی ۱۲۸۹ ق (دیوان با حاشیه چ سنگی ۲۹۶ ص) بکوشش مولوی جلال‌الدین .

– بمبئی ۱۳۱۰ مکرر چ مولوی جلال‌الدین در ۲۵۴ ص .

– بیروت ۱۸۶۰ م دیوان بتصحیح و حاشیهٔ بطرس بستانی در ۳۸۲ ص .

– مکررهمان چاپ بسال ۱۸۶۷ م در ۳۸۲ ص .

– مکررهمان چاپ بسال ۱۸۸۲ م و ۱۸۸۷ م .

---

(۱) F. Dieterici

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- بیروت ۱۹۰۰ م دیوان با حاشیهٔ سلیم ابراهیم در ۵۰۰ ص.
مصر ۱۲۸۳ ق دیوان با حاشیه و تصحیح عمر رافعی چ سنگی ۲۹۲ ص.
- ۱۸۸۲ م (العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب) از یازجی ابراهیم در ۷۱۳ ص.
- چ ابوزید مهمش در ۱۳۰۲ ق دیوان باشرح عکبری وواحدی در ۲۵۶ ص.
- مصر ۱۳۱۵ ق دیوان چ حروف.

جای گفتگو شرحی است که عکبری براین دیوان نگاشت. وی عبدالله، ابوالبقاء پسر حسین است پدرانش از عکبرا (دیهی در شمال بغداد) بوده، و خودش در بغداد در (۵۳۸ ق) بزادو بزرگ شد و در حساب و نحو و فقه استاد گردید، و در پایان عمر سر آمد دانشمندان بغداد بود. و بگفتهٔ ابن خلکان در یکشنبهٔ هشتم ربیع دوم ۶۱۱ ق (۱) در بغداد در گذشت.

آثار او : ابن خلکان کتابهای زیر بدو نسبت میدهد.

- شرح ایضاح ابوعلی فارسی.
- شرح لمع ابن جنی.
- شرح دیوان متنبی (جای گفتگو).
- اللباب فی علل النحو.
- اعراب القرآن.
- شرح مفصل زمخشری.
- اعراب الحدیث.
- شرح خطب نبائیه.
- اعراب شعر حماسة.
- شرح مقامات حریری.
- کتابی در حساب.

روش وی در این شرح چنانست که یك شعر را میآورد و زیر عنوانهای (المعنی) و (الغریب) آنرا گزارش میدهد. این شرح در دو جلد است.

آغاز جلد یکم : الحمدلله العظیم الجزیل احسانه الواضح .... اما بعد فانی لما انتسخت الدیوان الذی ....

آغاز جلد دوم : حرف الکاف : وقال وقد اجمل سیف الدولة ذکره :

(۱) در کشف الظنون ۶۱۶ ق آمده است.

رب نجیع بسیف الدولة انسفکا و رب قافیة غاظت به ملکا

(الغریب) : النجیع الدم، وسفکه صبه ...

انجام جلد دوم : وقد صرح فی جمیع ذلك بما کان اخفاه فی مدحه من قوله فی غیرهذه.

وما طربی لما رأیتك بدعة لقد کنت از جوان ان ارالك فاطرب

[۲۷۱]

۹۳۷ این نسخه فقط جلد دوم شرح عکبری است. آغاز نسخه افتاده است. آغاز آنچه هست : «الغریب الثاکل المرئة التی تفقد ولدها یقال...» و این برابر است با سطر ۵ ص ۳۳ جلد دوم چاپ بولاق ۱۲۸۷ ق.

نویسنده ابوالقاسم مشهدی پسر محمد ازغدی. در ذیحجه ۱۲۴۹ ق پایان یافته است متن دیوان را با نسخ درشت و روی آن خط شنگرفی کشیده. عنوانها با شنگرف نوشته شده.

نسخه در برگ ۲۱۷ پایان یافته و در ۵ برگ پس از آن تخمیس لامیة العجم طغرائی در (۳۵۰ بیت) نوشته شده است

آغاز تخمیس :

قصر رویدك عن لومی وعن عذلی فلست اصغی لقول غیر ممتثل
ولی مراد و مطلوب ولی امل اصالة الرأی صانتنی عن الخطل
وحلیة الفضل زانتنی لدی العطل

در گ ۱۲۱ ب تملك و مهر المتوکل علی الله عبدالفتاح الطباطبائی در شوال ۱۲۵۸ ق دیده میشود.

۲۴۱ برگ + ۴ برگ سفید در آغاز و ۴ برگ در پایان. نسخه کاغذ فرنگی آهار مهره. جلد تیماج مشکی مقوائی. اندازه : ۳۱×۳۰/۵ و ۱۵×۲۲ ؛ ۲۵ سطر.

[۲۴۸] شرح شافیة ابی فراس (عربی)

فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی العباس

شافیه نام چکامه‌ئیست بقافیهٔ میم از ابوفراس حمدانی (ز ۳۲۰ م ۳۵۷) او حارث پسر سعید پسر حمدان پسر حمدون ملقب بملك الشعراء است که پسر عموی

سیف‌الدوله و ناصرالدوله پسران حمدان میباشد. دیوان او که حسین پسر خالویه گرد آورده در ۱۸۷۳م در بیروت چاپ شده‌است. یکی از چکامه‌های او «ابن شافیه» است که شرح آن جای گفتگوی ماست.

در سدهٔ چهارم از خلافت عباس جز نام و تشریفات چیزی بر جا نبود و خلیفه جز امامت نماز جماعت کاری، و جز بودن خطبه و سکه بنام وی، حقی نداشت. برخاور کشور آل سامان و بر باختر آن آل حمدان و اخشیدیان مصر و برمرکز کشور آل بویه فرمانروائی میکردند، و هیچیك از این امیران میانهٔ خوشی با دربار بغداد و خلیفه نداشتند، و از اینجا است که می‌بینیم دربار آل حمدان بشیعیگری میگراید و یکی از سران ایشان مانند ابوفراس چنین چکامه‌یی در برتری آل علی بر آل عباس میسراید.

برخی گویند ابوفراس این چکامه را در برابر چکامهٔ بائی ابن معتز (۱) خلیفهٔ عباسی (ز ۲۴۶ م ۲۹۶ ق) سروده‌است، و برخی بر آنند که وی آنرا در برابر چکامهٔ عینی ابن سکره (۲) عباسی (م ۳۸۵ ق).

نگارندهٔ شرح این چکامه محمد پسر حسین معروف‌است بابن امیرالحاج که صاحب ذریعه در (ج ۱ ص ٤٤) نژاد وی را بامام سجاد رسانیده و از تاریخ نگارشهای وی پیدا است که در نیمهٔ دوم سدهٔ دوازدهم میزیست.

آثار او:

- الآیات الباهرات در معجزات امامان (ن - ۱۱٦۸ ق) که آنرا باستاد خویش سید نصرالله حائری پیش کش ساخت.
- نورالباری در تاریخ (ن - ۱۱۷۷ ق).

(۱) دیوان ابن‌المعتز را بروایت صولی محمد پسر یحیی در دو بخش در ۱۸۹۱ م بمصر و در ۱۳۳۱ ق در بیروت چاپ شده است یکی از بیتهای این چکامهٔ بائی که در برتری آل عباس بر آل علی میباشد چنین است:

لکم رحم بنا بی بنه ولکن بتوالعم اولی بها

این چکامه را صفی‌الدین بن سرایا حلی نیز پاسخ گفته است.

(۲) ابوالحسن محمد پسر عبدالله پسر محمد هاشمی بغدادی از نوادگان مهدی عباسی است و چکامهٔ وی چنین آغاز شده است:

بنی علی دعوا مقالتکم لاینفس الدروضع من وضعه

- ارجوزه در تاریخ امامان.
- شرح شافیه (جای گفتگو).

وی در این شرح سخن بدرازا کشیده است. پدرم گوید وی این کتابرا در (۱۱۷٤ ق) نگاشت (۱) و در (۱۱۸۳ ق) بپایان رسانید (۲).

آغاز چکامهٔ شافیه:

الحق مهتضم والبدین مخترم وفیئی آل رسول‌الله مقتسم

این شرح در ایران بچاپ سنك بی‌تاریخ چاپ شده است.

[۲۴۴]

۱٤۱ بخط نسخ زیبا، نویسنده احمد پسر اسماعیل حسینی. در تاریخ رجب ۱۲۸٦ ق بپایان یافته است. آغاز نسخه افتاده‌است. آغاز آنچه هست: «شعر عبدالله بن المعتز العباسی وعند ناقدی‌الشعر ان ابافراس کان اشعر منه ...» عنوانها با شنگرف است. همه رویه‌ها با لاژورد و شنگرف جدولبندی شده است.

(۲۰۴ برگ) کاغذ اصفهانی نخودی، جلد گیماج سرخ زرکوب فشرده درون ابری اندازه: ۱۵×۲۲ و ۹/۵×۱٦ : ۱۹ سطر

[۲٤٩] شرح قصیدهٔ برده (عربی)

چکامهٔ برده که «الکواکب الدریة فی مدح خیرالبریة» از چکامه های معروف است که در ستایش پیغمبر است و مردم آنرا برای تبرك و شفا از بیماریها و پیشاپیش جنازه‌ها میخواندند. سرایندهٔ آن شرف‌الدین ابوعبدالله محمد پسر سعید دولاصی بوصیری است که در ٦۰۸ ق زاده و در (٦۹۴ ق) در گذشته‌است. این چکامه مانند یك دعا مقدس بشمار میرفت و بسیار کسان دربارهٔ آن کار کرده‌اند، چلبی از سهرانی نقل کند که سی و پنج تخمیس و یك تسبیع آنرا دیده‌است، و صاحب ذریعه نیز یك تسبیع آنرا دیده است (ذریعه ٤: ۱۷٤).

اینك کسانی که دربارهٔ آن کاری انجام داده‌اند:

(۱) ذریعه ج ۱ ص ٤٦٦
(۲) ذریعه ج ۸ ص ۱۳۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

– عبدالرحمان (ابوشامه) پسر اسماعیل قدسی شافعی نحوی، تاریخ‌نگار سدهٔ هفتم (م – ۶۶۵ ق) آنرا گزارش داده. آغاز: سبحان من اخفی سبحات وجهه بحجاب عجائب‌الانوار..

– یکی از مردم مدینه درماه محرم ۷۵۰ ق برده را برعفیف‌الدین عبدالله سعدی مطرزی‌خوانده، وبدستوراو برآن‌شرح‌نگاشته. چلبی‌از گفتهٔ کاشفی در «تحفة‌الصلوات» شرحی ازامام مدنی نام برده که گویا همین باشد.

– ابن‌هشام‌نحوی، جمال‌الدین عبدالله پسر یوسف (م–۷۶۱ق) آنرا گزارش داده.

– یوسف پسرموسی جذامی (م – ۷۶۷ق) آنرا شرح کرده.

– ابن‌صایغ؛ شمس‌الدین ابوعبدالله محمد پسر عبدالرحمان زمردی (م–۷۷۶ق).

آنرا گزارشی نگاشته که آغازش چنین است: اما بعد حمدالله‌الذی من حمده مدح انبیائه...

– تلمسانی؛ ابوعبدالله محمدپسراحمد پسر مرزوق (م – ۷۸۱ق)، گزارشی بزرك برآن نگاشته و «استیعاب» نامش داده، وی شرح دیگر نیز برآن نگاشته و آنرا «اظهارصدق‌المودة فی‌شرح قصیدة‌البردة» نام‌داده، که‌آغازش چنین است: الحمدلله الذی خلع علی حبیبه محمد بردة عنایته‌السابقة‌الکبری...

– جلال پسر قوام پسرحکیم. (چای گفتگو)

– بدرالدین زرکشی محمد پسر بهادر (م–۷۹۴ق) گزارشی برآن نگاشته است.

– فخرالدین احمد پسرابوبکر پسرمحمد شیرازی (بامرعشی) نخست گزارشی برای واژه‌های دشوارآن‌نگاشت که درماه محرم۷۹۷ پایان یافت وسپس در۸۰۹ق گزارشی برآن‌نگاشت‌بنام «نزهة‌الطالبین‌وتحفة‌الراغبین» که چنین آغازمیشود: الحمدلله نحمده ونستعینه‌ونؤمن به‌ونتوکل علیه... وآن‌دارای پنج قاعده‌است ودرآن گوید: چکامه‌را ازاستادم فیروزآبادی صاحب قاموس روایت میکنم..

– جلال‌الدین خجندی (ز–۷۱۹ق)ساکن شهرمکه (م – ۸۰۳ق) گزارش کوتاهی برآن نگاشته وبرخی ازشاگردانش آنرا گردآوری کرده و «طیب‌الحبیب» نامید. آغاز: الحمدلله‌الذی اکرمنا بدین‌الاسلام...

– ابن‌حبیب حلبی؛ زین‌الدین ابومعز (یا ابومظفر) طاهر پسر حسن (م–۸۰۸ق). گزارشی بنام «وشی‌البردة» برآن نگاشته وخود چکامه را پنج‌پاره سروده وتخمیس کرده است.

– ابن‌عماد افقهی، احمد پسرعبدالباقی (م – ۸۰۸) آنرا شرح کرده است.

– شرف‌الدین علی یزدی (م – ۸۵۸ یا ۸۲۸) گزارشی برآن نگاشته.

– نجم‌الدین پسرعبدالقادرواسطی شامی (م – ۸۳۸) آنرا شرح کرده.

– کمال‌الدین حسین خوارزمی (م–۸۴۰) که درس۱۴۶یاد اوگذشت، گزارشی برآن نگاشته.

– ابن‌مرزوق تلمسانی محمد پسر احمد پسر محمد معروف به حفیدابن مرزوق (م ۸۴۲) نیز شرحی دارد.

– ابن‌قباقبی، شمس‌الدین محمد پسرخلیل مقری حلبی (م –۸۴۹)آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

– مسعود پسر محمود پسر یحیی‌حسینی، چلبی‌شرح فخرالدین احمد را دریك‌جا بوی‌نسبت داده‌گوید نسخه‌ای بتاریخ (۸۶۵ق) ازآن کتاب بنام ابن مرد دیدم.

– جلال‌الدین محمد پسر احمد محلی شافعی (م – ۸۶۴ ق) آنرا گزارش داده.

– مصنفك؛ علی پسر محمد بسطامی شاهرودی (م – ۸۷۵ ق) درقصبهٔ بسطام شرحی برآن نگاشته و در (۱۸ – رمضان – ۸۳۶) به پایانش رسانیده. آغاز: الحمدلله‌الذی جعل مقادیرالعلماء...

– نجم‌الدین محمد پسراحمد پسر عبدالله قلقشندی شافعی (م – ۸۷۶) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

– مهدی پسر احمد فاسی (م – ۸۷۹) آنرا گزارش داده است.

– شرحی که بسال (۸۸۲ ق) پایان یافته. آغاز: حامداً لله‌العلی‌العظیم...

– محمد تبادکانی، ابن‌صافی (م–۹۰۰) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

– زین‌الدین خالد پسر عبدالله ازهری (م – ۹۰۵) در (۹۰۳ ق) گزارشی بزرك‌نگاشته وآنرا «الزبدة فی شرح‌البردة» نامیده. آغاز: امابعد حمدالله مستحق التحمید... وسپس آنرا کوتاه کرده است.

– شرحی فارسی‌آمیخته با متن، در (۹۲۰ق) پایان یافته.

آغاز: بدانکه ناظم این قصیده...

– شهاب‌الدین احمد پسر محمد قسطلانی (م – ۹۲۳) شرح کننده کتاب بخاری آنرا گزارش داده و «مشارق‌الانوارالنبیة» نامیده. آغاز: الحمدلله‌الذی شرح بمدح نبینا محمد (ص) قلوب اولیائه...

– قاضی زکریا پسر محمد انصاری (۹۲۶) شرحی آمیخته با متن نگاشته و«الزبدةالرائقة» نامیده‌ودرماه‌صفر۹۲۳پایانش داده. آغاز: الحمدلله‌الملك‌الوهاب...

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ صاری فناری؛ عبیدالله محمد پسر یعقوب، قاضی حلب (م-۹۳۶ق) گزارشی بر آن نگاشته، صاحب شقایق نعمانیه آنرا بهترین گزارشهای برده شمرده‌است. و گویا همین کتابست که چلبی دوباره آنرا یاد کرده و «اغاثة اللهفان» نامیده‌است.

ـ عصام‌الدین اسفرآئینی؛ ابراهیم پسر عربشاه (م-۹۴۴ق) گزارشی بفارسی نگاشته است.

ـ خیرالدین خضر پسرعمرعطوفی (م - ۹۴۸ق) آنرا شرح کرده.

ـ شیخ‌زاده؛ محیی‌الدین محمدپسرمصطفی (م-۹۵۱ق). آنرا گزارش نگاشته آغاز: الحمدلله‌المحتجب عن درك‌العیون ...

ـ سلیمان پسرعلی قرامانی (م ۹۲۴یا۹۷۴ق) آنرا پنج‌پاره سرود، وچکامه‌ئی مانند آن ساخت.

ـ بدرالدین محمد پسر محمد غزی (م - ۹۸۴ ق) آنرا گزارش داده و «الزبدة» نامیده است.

ـ شمس‌الدین‌ابوعبدالله محمد پسرحسن قدسی برمونی، درقسطنطنیه درزاویه یا یزیدی در (۹۹۰ق) آنرا شرح کرده و «النبذة فی‌طی‌العدة لنشر معانی‌البردة» نامیده است. آغاز: الحمدلله‌الذی اظهر من مکنون سره ...

ـ ابن بدرالدین منشی محمد رومی آق حصاری حنفی، شیخ حرم مدینه (م - ۱۰۰۱ق) آنرا بسال(۹۵۸ق) گزارش داد و «طراز‌البردة» نامید.

آغاز: افصح ما افصح عنه بلابل‌البلاغة ..

ـ احمدبلالی پسرمصطفی بیك گزارشی بتازی نگاشت، وسپس شرحی بترکی بسال (۱۰۰۱ق) نگاشت. آغاز گزارش ترکی: الحمد لمن جعل‌النظم لحسن الکلام ...

ـ رضی‌الدین‌یوسف پسرابولطیف قدسی‌شافعی (م-۱۰۰۶ق) گزارشی دراز نگاشته. آغاز: الحمدلله‌الذی ارسل محمداً رحمة ...

ـ اسعدپسرسعدالدین‌مفتی‌از خاندان‌حسن‌جان (م-۱۰۳۴ق) گزارش‌نگاشته.

ـ کچوك محمودزاده؛ عبدالله پسرمحمود (م - ۱۰۴۲) گزارش نگاشته.

ـ محمد پسر ملا ابوبکر پسر محمد پسر سلیمان کرد سهرانی حنفی در (رمضان - ۱۰۴۸) درجامع از هرگزارشی برآن نگاشت و آنرا «درة مضیئه» نامید.

ـ حسن پسرمحمد پسرحسن حنفی نخعی، گزارشی نگاشته وازنسخهٔ آن (نوشتهٔ ۱۰۷۶) در کشف‌الظنون یاد شده است.

ـ محمد پسر فیض پسر احمد پاشا رومی از سیاستمداران دولت عثمانی (م - ۱۲۳۱ ق) آنرا بترکی گزارش نموده.

ـ محمدرائف پسرمحمدبسیم پسرملاجق‌زاده اسحاق رومی (م-۱۲۴۰ق) آنرا پنج پاره (تخمیس) سروده است.

ـ عمر پسر احمد پسر محمدسعید خربوتی (م - ۱۲۹۹ ق) آنرا شرحی نگاشته و «العصیدة‌الشهدة» نامیده است.

ـ حسن عدوی حمزاوی مصری (م-۱۳۰۳ق) آنراشرح کرده «النفحات الشاذلیة» نامیده است.

ـ قاضی بحرپسررئیس هارونی‌مالکی، آنراشرحی بنام «ارتشاف‌الشهدة» نگاشت. آغاز: الحمدلله کاشف‌الکروب والآلام.

ـ حسام‌الدین حسن عباسی. گزارشی بر آن نگاشته.

ـ مصطفی پسربالی. شرحی بر آن دارد.

ـ ملامعروف قاضی مصر شرحی کوتاه بترکی نگاشته.

ـ قصار؛ ابوالعباس احمد ازدی، گزارشی برآن نگاشته است.

ـ حسن پسرحسین تالشی. گزارشی دارد. آغاز: الحمدلله‌المحمودالذی خلق نورمحمد... آنرا درقاهره برای علی‌پاشا نگاشته است.

ـ ناصرالدین‌پسرعبدالصمد، معید (دانشیار) مدرسهٔ‌مالکی درقیوم، آنرا پنج پاره سروده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ـ شعبان پسر محمد قرشی . آنرا پنج پاره سروده . آغاز :

یا قلب قد فاض دمع العین کالدیم

ـ یحیی پسر منصور پسر یحیی حسنی ، آنرا شرح کرده و « نتایج الافکار » نامیده . آغاز : احمدالله ذاالعظمة والسلطان...

ـ یحیی پسر عبدالله دفتری مصری ، درزمان سلطان احمدخان عثمانی شرحی بترکی نگاشته ودرآن این چکامه را باپنج پاره فی بترکی ودیگر بتازی آورده .

ـ جمال الدین محمد پسر وفاء ، آنرا هفت پاره (تسبیع) سروده است . آغاز :

الله یعلم ما بالقلب من الم

ـ شرحی بنام محمود پاشا وزیر نگاشته شده . آغاز : لك الحمد والشکر یاذاالنعم ...

چاپها : مدراس ۱۸۴۵ م ـ کلکته ۱۸۲۵ م با ترجمه فارسی ـ فازان ۱۸۴۹ م با ترجمهٔ تاتاری ـ مصر سنگی ۱۲۹۸ و ۱۳۰۰ چاپ سید علی ـ مصر بی تاریخ چاپ سید حسن ـ مصر با منظومهٔ نامهای شهیدان بدر ـ بولاق حروفی ۱۳۰۵ با قصیدهٔ مضریة ـ مصر چ و هیة ۱۳۱۳ ـ وین اتریش ۱۸۲۴ م و ۱۸۶۰ م با ترجمهٔ فارسی وترکی وآلمانی .

جای گفتگو یکی ازآن شرحها است که آنرا جلال پسر قوام پسر حکیم (حکم) (۱) نگاشت ودر نیمهٔ روزشنبه چهارروزمانده از جمادی‌دوم سال ۷۹۲ ق آنرا بپایان رسانید (۲) .

آغاز الحمدلله الذی علم بالقلم (۳) ...

انجام : قدم اوقلم اولسان . والعذرعند کرام الناس مقبول . والله سبحانه خیر موفق واکرم مسئول .

---

(۱) در کشف الظنون حکم آمده است .

(۲) گ ۱۴ـ الف نسخهٔ ۸۵۴ دیده شود .

(۳) آغاز نسخهٔ دانشگاه افتاده . واین جمله از کشف الظنون آوردم .

[۲۷۳]

۸۵۴ بخط نستعلیق خاوری ایران . نویسنده عمر پسر عبدالعزیز . در تاریخ پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ ق درمدرسهٔ سلطانیه سمرقند بپایان رسیده است . آغاز آنچه هست : اضعف عبادالله ... فداعلمت علی القصیدة المشهورة... دردفتری جادارد و بر گهای (۱ ـ ۴۲) آنرا گرفته است . و پس از آن کلیات رازی (گ ۴۲ ـ ۴۶) اصطلاحات صوفیه (گ ۵۰ـ۷۷) اقرب الطرق خبوشی (گ ۷۷ـ۸۰) شرح منازل السائرین کاشی (۸۱ـ۲۰۳) پایان جلد میباشد .

هیأ دفتر ۲۰۴ برگ ، این کتابچه ۴۲ برگ ، کاغذ ترمه سمرقندی لختی رنگ جلد تیماج حنائی مقوائی فرسوده . اندازه : ۱۳×۱۷ و ۱۱×۱۳ ؛ ۲۱ سطر .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

[۲۵۰] شرح معلقهٔ امرء القیس (عربی)

ابووهب جندح پسر حجر پسر حارث کندی معروف به امرؤالقیس پدرش امیر بنی‌اسد بود و کشته‌شد، واو بخونخواهی پدر برخواست. ودر ۵۶۶ م در گذشت. دیوان منسوب به امرءالقیس چندین بار چاپ شده است. یکی از چکامه های او شعریست که بعنوان «معلقه» نامبردار است.

معلقات چیست: ابن‌عبدربه م ۳۲۸ ق در العقدالفرید گوید عربان پیش از اسلام بهترین شعرهای خویش را که هفت چکامه بود بازر نوشته بردیوار کعبه آویختند. ولی ابن خلدون گفته است هیچ روی نگفت که عربان شعری بکعبه آویختند بلکه همه‌ساله پیش از اسلام عربان در بازاری بنام «عکاظ» گرد می‌آمدند خرید وفروش میکردند، ودر این بازار شعرهای خوب و خطبه‌های نیکورا نیز نمایش میدادند، وبهترین شعرها در آن بازار میآویختند. انباری گوید چون مردم ازشعر روی گردان شدند حماد راویه این هفت چکامه را گردآورد وشهرت داد(۱).

دانشمندان امروز مانند طه حسین در درستی نسبت این شعرها بروزگار پیش از اسلام شك کرده، و آنها را ساختهٔ دست سیاست دانسته‌اند، در برداشتن واژه های عربی نوین، وناسازگاری نسخه‌ها وفزونی و کاهش آنها، واینکه بعدها هفت معلقه را به ده معلقه رسانیدند، وبویژه گفته‌های انباری این شك و تردید را بیشتر میکند.

صاحبان معلقات هفتگانه: امرء القیس م ۵۶۰ م، طرفهٔ پسر عبدبکری (م ۵۰۰م)، زهیر پسر ابوسلمی م ۶۳۱م، لبید پسر ربیعه (م ۶۷۵م) عمرو پسر کلثوم (م ۶۰۰م)، عنتره پسر شداد (م ۶۱۵ م) حارث یشکری (م ۵۸۰م).

سه‌تن که بعدها افزوده شد: نابغهٔ ذبیانی م ۶۰۴ م، اعشی میمون (م ۶۲۹ م)، عبید پسر ابرص (م ۵۵۵ م)، نخستین را ابوزید در «جمهرة اشعار العرب» افزود

(۱) جرجی زیدان اداب‌اللغه ج ۱ ص ۹۱

برخی از کسانی که در بارهٔ معلقات کار کردند:

- نحاس نحوی، ابوجعفر احمد پسرمحمد (م ۳۳۸ ق).
- ابوعلی قالی، اسماعیل پسرقاسم (م ۳۵۶ ق).
- بطلیوسی، ابوبکرعاصم پسرایوب (م ۱۹۴ ق).
- ابن‌خطیب تبریزی، یحیی پسرعلی (م ۵۰۲ ق).
- مشکان، محمدپسر محمود.
- زوزنی (جای گفتگو).
- دمیری صاحب حیات‌الحیوان.
- کسان بسیار نیز در کتابهای خویش بخشهائی وبژهٔ معلقات داشته‌اند از گذشتگان مانند ابن‌عبدربه وابن‌خلدون وازمتاخران مانند فرید وجدی در دائرة‌المعارف وجرجی زیدان در آداب‌اللغة وطه حسین وجزایشان.
- عبدالرحیم صفی‌پوری ولسدن(۱) معلقات را در کلکته چاپ کرد.
- احمد پسر امین‌شنقیطی مصری- معلقات را درمصر ۱۹۱۱ م چاپ کردند. و از روی همان دوباره بسال ۱۹۱۳ م چاپ شد.

خاورشناسان: - ویلیام جونس(۲) انگلیسی، در(۱۷۸۳م) آنرا بانگلیسی ترجمه کرد.

- ابل(۳) اتریشی در ۱۸۹۱م آنرا باتریشی ترجمه ودر برلن چاپ کرد.
- جنسن(۴) انگلیسی در ۱۸۹۴ م در لندن آنرا بانگلیسی ترجمه و چاپ کرد.
- لایل(۵) درلندن کتابی دربارهٔ شعر عربان جاهلیت در ۱۸۸۵م چاپ کرد
- نلدکه(۶) آلمانی نیز تحقیقاتی دربارهٔ آن دارد.
- ارنولد معلقات را درلایپزیك بسال (۱۸۵۰م) چاپ کرد.

(۱) M. Lumsden (۲) W. jones (۳) Abel
(۴) Johnson (۵) Lyall (۶) Neldeke

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

- تدگوتور امرء القیس را بلاتینی ترجمه کرد (۱۸۲٤ م).
- گورگیس مرقس در ۱۸۸۹ م امرء القیس را بروسی ترجمه ودر پترزبورگ چاپ کرد.
- کتانشیو(۱) حارث حلزه را در اکسفورد در ۱۸۲۰ م چاپ کرد.
- فولرس(۲) حارث حلزه را در بن بسال ۱۸۲۷ چاپ کرد.
- ریسکی(۳) با فولرس معلقهٔ طرفه را در بن ۱۸۲۹م چاپ کرد.

جای گفتگو شرح زوزنی است که گزارش زندگیش در(ص ٤٥٢) یاد شده است. وی هفت معلقه راشرح کرد، واین شرح بترتیب زیر چندین بار چاپ شد:

- شرح معلقهٔ امرء القیس (ازشرح زوزنی) را کوسین وی برسفال در پاریس (۱۸۲۰م) در ٤٥ ص چاپ شد.
- همه معلقات زوزنی را نیز یوحنا ابوصعب درلبنان بسال ۱۸۵۲ م چاپ کرد.
- نصرهورینی نیز آنهارا درمصر ۱۲۷۷ق بحروف چاپ کرد.
- در ۱۲۹۳ ق و ۱۳۰٤ق و ۱۳۲۸ق نیز درمصر چاپ شد.
- چ ازهریهٔ سال ۱۳۱۱ ق.
- چ میمنیهٔ ۱۳۲۷ ق در ۲۰۳ ص.

[۲۷٤]

۸۷٤ این نسخه فقط شرح معلقهٔ امرء القیس وشرح معلقهٔ طرفه را دربردارد، ودردفتری جادارد. امرء القیس(گ ۱۱٦-۱۳۹)طرفه (۱۳۹ ـ ۱٤۰) وپایان معلقهٔ طرفه افتادگی دارد. فهرست دیگر کتابچه‌های این دفتر درص٤۸ فهرست جلد سوم فهرست دانشگاه دیده میشود. متن شعرها را دروسط سطر وباخامهٔ نسخ درشت نوشته و شرح را با نستعلیق نزدیك بشکسته نوشته‌است.

همهٔ دفتر ۲۹۴ برگ این کتابچهٔ ۳۴×۳، کاغذ فرنگی سفیدآهار مهرهٔ، جلد گیماج سرخ فشرده مقوائی، اندازه: ۱۰×۱۹٫۵ و ۷×۱۵: ۱۴ سطر.

(۱) W. knatchbull (۲) Vullers (۳) Reiske

[۲۵۱] شرح نهج البلاغة (فارسی)

پنج جلد شرح فارسی برنهج البلاغة دراین کتابخانه هست که نگارندهٔ آن شناخته نیست. انشای فارسی این کتاب نادرست و مانند انشاء دانشمندان روحانی بعد از صفویه وبه‌شیوهٔ نگارش عربی میباشد. در گ ۱۱۲-۱۱۱ جلد یکم این کتاب از جدمادری خود مجلسی نقل کرده وچون نوادگان دختری مجلسی بسیار هستند(۱) نگارنده بدرستی شناخته نگردید.

آنچه ازاین کتاب دراین کتابخانه هست برطبق بندهای نهج البلاغه که در ص۳۱۲ این فهرست یاد شد، چنین است:

بندهای ۱ تا ۱۵ نهج البلاغة در نسخهٔ دانشگاه نیست

بندهای ۱٦ تا ۵۰ « در نسخهٔ (شمارهٔ ۱۰۵۰ دانشگاه) در (۸۵۰۰ بیت نوشته) شرح شده است.

بندهای ۵۱ تا ۷۷ نهج البلاغة در نسخهٔ دانشگاه نیست.

بندهای ۷۸ تا ۱۰۳ « درنسخهٔ (شمارهٔ ۱۰٤۹ دانشگاه) در (۵۰۰۰ بیت نوشته) شرح شده است.

بندهای ۱۰٤ تا ۱۲۵ نهج البلاغة در (نسخهٔ شمارهٔ ۱۰٤۸ دانشگاه) در (۷۰۰۰ بیت نوشته) میباشد.

بند ۱۲٦ از پایان (نسخهٔ شمارهٔ ۱۰٤۸) افتاده، ودر آن جا یادداشت شده است.

(۱) آقامحمود پسر آقاباقر بهبهانی درمهیج الاشواق ازجد امی خویش مجلسی یاد کند. وامام جمعه تهران مهدی پسرمرتضی (۱۱۸۵-۱۲٦۳ق) صاحب شرح نهج البلاغه فارسی که نسخه ناقص آن درسپهسالارهست نیز نوادهٔ دختری مجلسی بوده، واین یوسف درفهرست آن کتابخانه (ج ۲ ص ۱۳٤) گمان میبرد که نگارندهٔ این پنج جلد (جای گفتگو) امام جمعه باشد و می گوید: شاید آنرا از روی شرح ابن‌عتایقی ترجمه کرده باشد.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

بندهای ۱۲۷ تا ۱۴۸ نهج در (نسخهٔ ۱۰۵۱) در (۷۰۰۰ بیت نوشته) هست .
بندهای ۱۴۸ تا ۱۶۶ نهج در (نسخهٔ ۱۰۵۲) در (۶۰۰۰ بیت نوشته) هست .
بندهای ۱۶۷ تا ۱۶۹ نهج در (۱۳۵۰ بیت نوشته) در دنبال (نسخه ۱۰۵۰) صحافی شده است .

بندهای ۱۷۰ تا ۲۳۹ از بخش یکم نهج‌البلاغة و همچنین بخشهای دوم و سوم نهج در نسخهٔ دانشگاه نیست .

[۲۷۵]

۱۰۵۰ شرح بندهای ۱۶ تا ۵۰ بخش یکم نهج‌البلاغة را در بر دارد . از برگ ۲۹۹ تا پایان نسخه بندهای ۱۶۷ تا ۱۶۹ بغلط صحافی شده و بایستی در پایان نسخهٔ ۱۰۵۲ قرار گیرد . خط نستعلیق درشت نام نویسنده و تاریخ ندارد . جای عنوانها را سفید گذارده است .

۳۳۶ برگ ، کاغذ فرنگی سفید ، جلد تیماج سیرمقوائی فشرده .

اندازه : ۱۷×۲۳ ؛ ۱۴و۱۵ سطر

[۲۷۶]

۱۰۴۹ بندهای ۷۸ تا ۱۰۳ نهج‌البلاغة را در بردارد . خط نستعلیق درشت . نام نویسنده و تاریخ ندارد ولی با همان خط شماره ۱۰۵۰ نوشته شده . جای عنوانها را سفید گذارده است .

۳۰۰ برگ کاغذ فرنگی ، تیماج حنائی مقوائی فشرده .

اندازه : ۲۳×۱۷٫۵ ؛ ۱۵و۱۶ سطر

[۲۷۷]

۱۰۴۹ بندهای ۱۰۴ تا ۱۲۵ نهج را در بردارد و دنبالهٔ شمارهٔ ۱۰۴۹ میباشد و با همان خط و کاغذ است . جای عنوانها را سفید گذارده است .

۳۰۰ برگ ، کاغذ فرنگی سفید ، تیماج حنائی ، مقوائی فشرده

اندازه : ۱۷٫۵×۲۳ ؛ ۱۵و۱۶ سطر

[۲۷۸]

۱۰۵۱ بندهای ۱۲۷ تا صفحهٔ یکم از بند ۱۴۸ ـ الف نهج‌البلاغة را در بردارد . خط نستعلیق درشت . جای عنوانها را سفید گذارده است . خط و کاغذ مانند شماره‌های دیگر این دوره شرح است .

۳۰۰ برگ کاغذ فرنگی سفید ، جلد تیماج حنائی مقوائی ، اندازه : ۱۸×۲۳ ؛ ۱۵و۱۶ سطر

[۲۷۹]

۱۰۵۲ بندهای ۱۴۸ تا ۱۶۶ نهج را در بر گرفته است . و دنباله شمارهٔ (۱۰۵۱) است و با همان خط و کاغذ نوشته شده است .

۳۰۰ برگ ، کاغذ فرنگی سفید ، جلد تیماج حنائی مقوائی

اندازه : ۱۸×۲۳ ؛ ۱۵و۱۶ سطر

[۲۵۲] صد کلمه (فارسی)

چنانکه در ص ۱۳۷ گفتم کتابچه‌یی بنام «صد کلمه» در دست هست که در آن یکصد سخن کوتاه پند و اندرز بزبان تازی گرد آمده و به علی (ع) نسبت داده شده ، و صاحب روضات گردآوری آنرا بجاحظ نسبت داده است . و چنانکه در ص ۱۵۷ گفتم این کتابچهٔ جاحظ چندین‌بار بفارسی (نظم و نثر) ترجمه شده و در آنجا یك ترجمهٔ آنرا یاد کردم . در آن ترجمه هر کلمه را بیك دوبیتی ترجمه کرده بود و سرایندهٔ آن شناخته نشد .

جای گفتگو ترجمه دیگریست از این صد کلمه که در آن هر کلمه را بیك بیت فارسی سروده است . سراینده در ترجمهٔ کلمهٔ « افقر الفقر الحمق » خود را عادل نامیده گوید :

بدترین درویشی حمق است ای جان جهان
بشنو از عادل کلام شاه مردان را بیان

این مرد همان کسی است که نثر اللالی را نیز بفارسی سروده و آنرا در ص ۲۹۳ بنام « نظم اللالی » یاد کرده‌ام اثر دیگر این مرد ترتیب ترجمان القرآن جرجانی میباشد که نسخهٔ آنرا آقای محمد دبیرسیاقی در تهران بسال ۱۳۴۳ در ۱۴۸ ص چاپ کرد . این کتاب نیز در تهران ۱۲۷۲ ق و تبریز ۱۲۵۹ ق چاپ شده است .

سراینده مردی قاری قرآن و ظاهری مذهب و بسیار خشك و مخالف علم و حکمت بوده است .

آغاز :

بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان
هست نام خالق بسیار بخش مهربان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

انجام:

میشتابد سوی درویشی فقیری بدگمان

این جهان چون مفلسان روز حساب از متعمان

[۲۸۰]

۸۶۷ نسخه در دفتر جا دارد و برگهای (۱۵۳ تا ۱۵۹) آنرا گرفته است. فهرست این دفتر چنین است:

۱ـ اسرار القلوب دوانی (گ ۱ـ۵۷).
۲ـ آیة النور نورعلیشاه (گ ۵۸ـ۶۸).
۳ـ کنز الاسرار نورعلیشاه (گ ۶۸ـ۹۲).
۴ـ گفتار خواجه عبدالله انصاری (گ ۹۳ـ۱۱۶).
۵ـ ترجمه خطبه یی از علی (گ ۱۱۶ـ۱۱۸).
۶ـ گفتار افلاطون (گ ۱۱۸ـ۱۲۰).
۷ـ انوار حکمت (گ ۱۲۰ـ۱۳۰).
۸ـ آداب استخاره (۱۳۰ـ۱۳۱).
۹ـ شکیات نماز (۱۳۱ـ۱۳۲).
۱۰ـ لوایح جامی (۱۳۱ـ۱۵۰) (ص ۲۱۵ این مجلد دیده شود).
۱۱ـ اربعین جامی (۱۵۰ـ۱۵۳).
۱۲ـ صد کلمهٔ عادل (۱۵۳ـ۱۵۹).
۱۳ـ چشمهٔ زنجبیل (۱۵۹ـ۲۰۳).
۱۴ـ لوامع جامی (۲۰۵ـ۲۴۵).
۱۵ـ شرح بیتی از مثنوی (۲۴۶ـ۲۵۰).
۱۶ـ تهلیلیه جامی مانند تهلیلیه دوانی که در (ج ۱ ص ۸۴) گذشت (گ ۲۵۰ـ۲۵۲).
۱۷ـ شرح حدیث عماء از جامی (۲۵۲ـ۲۵۴).
۱۸ـ طریق اثبات واجب (۲۵۴ـ۲۵۶).
۱۹ـ شرح بیتی از دهلوی از جامی (۲۵۷ـ۲۵۹).
۲۰ـ تحفهٔ شطاریه (۲۵۹ـ۲۶۷).
۲۱ـ پندهائی عارفانه (۲۶۸ـ۲۷۰).

نام نویسنده در (گ ۹۲ پ) پاك شده و روی آن نوشته‌اند عباسعلی کرمانشاهی.

تاریخ نیز در همان صفحهٔ (۲ ذیحجهٔ ۱۲۱۲ ق) دیده میشود. عنوانها با شنگرف.
همهٔ دفتر ۲۷۰ برگ. این کتابچه ۶ برگ. کاغذ آبی‌رنگ، جلد قرمز ده یك طرف آن افتاده است. اندازه: ۵×۱۰٫۱۷ و ۶/۵×۱۲؛ ۱۴ سطر.

[۲۵۳] **مائة کلمة** (پند ـ عربی)

پندهای کوتاه و مخصوصاً گردآوری صداندرز، در یونان باستان معمول بوده است و چنانکه در (ص ۲۲۷ و ۱۵۷ و ۱۳۷-۱۴۰) گذشت کسان بسیار بگردآوری کلمات قصار و پندهای کوتاه که به علی (ع) نسبت داده شده است پرداخته‌اند، و گفتم که معروفترین آنها صد کلمه است که گردآوری آنرا بجاحظ نسبت داده‌اند، و در روزگار صفوی و پس از آن بزبان فارسی و ترکی و هندی چندین بار ترجمه شده و چندین بار بنظم سروده شده است. و یکی از آنها در (ص ۱۵۷) یاد شد. این صد کلمه مرتب نمیباشد.

آغاز: لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً. الناس نیام...

انجام: لسان العاقل وراء قلبه.

[۲۸۱]

۱۰۴۵ بخط نسخ در دفتری جا دارد که (از گ ۳۸ تا ۴۰) آنرا گرفته. نام نویسنده در پایان این کتابچه نیست ولی همهٔ دفتر بخامه محمد پسر عبدالحسین پسر حسن پسر عبدالله پسر فرج‌الله حسینی نجفی است که در اصفهان در ۲۳ محرم ۱۰۵۶ ق آنرا بپایان رسانیده‌است (گ ۶۳ـ الف) دیده شود. و در گ ۲ـ الف زایچهٔ نویسندهٔ نسخه از گفتهٔ پدرش (۲۵ ذیقعده ۱۰۲۵ ق) یاد شده‌است. و زایچهٔ پدرش عبدالحسین را از گفتهٔ جدش در ۱۸ محرم ۹۸۷ ق دانسته است. فاصله‌ها با شنگرف است.
همه دفتر ۳۱۲ برگ. این کتابچه ۳ برگ. کاغذ ترمه اصفهانی، جلد تیماج زرد مقوائی فشرده درون تیماج سرخ. اندازه ۱۲×۱۶ و ۱۲×۴/۵؛ ۱۸ سطر.

[۲۵۴] **مجمل الاقوال فی الحکم والامثال** (فارسی)

یا «مجمع الاقوال فی الحکم والامثال»

نگارنده در آغاز کتاب خود را احمد پسر احمد خوانده، و پدرش را دمانیسی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(دمامینی) (۱) وزادگاه خویش شهر سیواس یاد کرده است. نام کتاب دو نسخهٔ این کتابخانه «مجمل» است ولی در کشف‌الظنون آنرا یکبار درعنوان مجمل و بارد گردرعنوان مجمع آورده است

این کتاب دردوبخش است یکم‌را مؤتلفات ودوم مختلفات خوانده، بخش یکم هفتادباب وبخش دوم هفت باب (۲) دارد

آغاز بنقل کشف‌الظنون: اللهم انت المدعو وفضلك المرجو.

آغاز نسخهٔ دانشگاه: بسمله. هذا کتاب مجمل الاقوال فی الحکم والامثال الفه احمدبن احمدبن احمدالدمامینی والداً والسیواسی مولداً، مشتملاعلی قسمین قسم اول درمؤتلفات و آن مشتمل است برهفتاد باب. الباب الاول فی الحث علی طاعةالله... من القرآن: و من یطع ... و من الاخبار: قال النبی (ص) لابن عباس...

انجام: این کتابیست فرخنده که بتوفرستادیم کتاب انزلناه الیك... وقد وقع الفراغ علی ید مؤلفه احمدبن احمدالدمامینی ... ذلك فی غرة ربیع الاول سنة ثلاث وتسعین وستمایة.

این مرد از دانشمندان سدهٔ هفتم کشور عثمانی و سنی مذهب است و چون در آن روززبان فارسی زبان علمی وادبی دربارعثمانی بود وی کتابرابدین زبان نگاشته‌ولی فارسی‌اوخوب‌نیست وبه‌شیوهٔ انشاء عرب‌نگاشته‌است، این کتاب در پیرامن‌چهارهزار بیت نوشته دارد و نگارش‌آن در (۶۹۳ق) پایان یافته است.

[۲۸۲]

۲۲۴ بخط نسخ زیبا. نویسنده عبرت اصفهانی باقیی محمد علی پسر عبدالخالق. و آنرا در ۱۳۳۵ ق بپایان رسانیده است. عنوانها را با شنگرف و درشت نوشته است.

(۱) پدرنگارنده در کشف‌الظنون دمامینی‌است ودرنسخهٔ دانشگاه دمانیسی آمده واین نادرست‌است، چه دمامین شهری درآسیای صغیراست وچندین تن ازبزرگان ترك عثمانی، مانند شارح لامیةالعجم واین‌نگارنده، ازآنجابرخواسته‌اند.

(۲) در کشف‌الظنون پنج باب یاد شده.

بسم الله الرحمن الرحیم
هذا کتاب مجمل الاقوال فی الحکم والامثال الفه احمدبن احمد الدمامینی والداً والسیواسی مولداً مشتملاً علی قسمین

قسم اول

(۳۴) برگ ۱ مجمل‌الاقوال بخط عبرت

علی ید مولفه الفقیر الی الله الغنی
احمدبن احمد الدمامینی غفرالله
له ولوالدیه
وعن جمیع المسلمین آمین
ذلك بفضله برحمته تعالی
سنة ثلاث وتسعین
ستمائة والحمدلله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً علی عونه بالهدایة والعصمة

(۳۵) برگ آخرمجمل‌الاقوال بخط عبرت اصفهانی

۲۹۷ صفحه، کاغذ فرنگی لخدی‌رنگ آهارمهره‌شده، جلد مقوا له تیماج قهوه‌ای.
اندازه: ۱۶×۲۱ و۹×۱۶ سطرهاگوناگون.

[۲۵۵] **مصابیح الظلام** (فارسی)

فی آیات‌الامام

درانبات عقاید شیعه با آیه‌های قرآن، نگارنده برای‌اثبات مطالب خود شعر بسیار ازخویشتن وشاعران فارسی گوی هندگواه‌آورده وپیداست که‌اواز روحانیان شیعه هندمیباشد که درسال۱۰۹۴ تا۱۰۹۸ ق این کتابرا نگاشته‌است واین تاریخ ازچکامه‌یی که درپایان نسخه درستایش این کتاب هست بدست‌آید.

این کتاب مرتب بردوازده مصباح و فهرست‌آنها چنین است.

۱- افتاده
۲- وجوب نص برای امام
۳- آیه‌های عصمت
۴- آیه‌های افضل‌بودن امام
۵- علم امام
۶- وجوب اطاعت امام.
۷- شجاعت امام.
۸- زهد امام.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹- جود امام. ۱۰- عدالت امام.

۱۱- آیه‌های نکوهش سه خلیفه ۱۲- آیه‌ها که‌درحق امام‌دوازدهم است.

و پس از آنها یك خاتمه دارد، و عنوانهای کوچك مانند «هدایة وجدانیه» و«قانون‌عقلی» و «اثارة فیها اشارة» و «هدایة فی ظهور درایة» و مخاطبات برهانیه ومانند آنهانیز دارد وی درین کتاب ازشاعران زیر،شعرآورده است: نورس دماوندی، صایب، ممتاز، فاخر، و قاری، قدائی، مشفق قمی، رمزی کاشانی، تأثیر، شعوری، دیهیم،ازهری، صادق دست‌غیب، طایف، غیاثا، اعجاز، قدرت، قاسم مشهدی، نصیب طبسی، فغانی، رشیدا، شراوی، حزنی، رکنا، یوسف شاملو. این کتاب درپیرامن(۲۷۳۰۰ بیت نوشته) دارد.

آغاز: ازنسخهٔ دانشگاه افتاده است.

انجام: ورياح تبيانها سارياً فی مهاب قلوب‌المؤمنين. ان ذلك عليك يسير... وآله‌الطاهرين.

[۲۸۳]

۴۳ بخط نستعلیق خاوری (هندی) آغاز نسخه افتاده وچنین آغازمیگردد: «والسماء ماءلکم منه شراب منه (چنین) وشجر فیه تسیمون ریاض عقول را... نشاندن نهال معرفت سبحانی... من آیتها بخامهٔ درشت ونسخ. نویسنده مراد پسر ساقی درجمادی دوم ۱۰۹۸ ق پایان یافته است.

حاشیه‌های بسیاربامضای (منه‌عفی‌عنه) دارد و پیداست که بخامهٔ نگارنده بوده‌است. وشاید مراد پسرساقی بدستور او این نسخه را نوشته باشد.

درپایان نسخه چکامه‌یی بقافیهٔ نون وبا ردیف (میبرد) نوشته شده که هرمصرع آن تاریخ نگارش را نشان میدهد وآن سالهای (۱۰۹۴ تا ۱۰۹۸ ق) است.

شکر لله کز عطای واهب حق کریم
عزم عالم‌گوهروا ملح ازین کان میبرد

لله‌الحمد از تمام این نجوم برج فوز
عقل نامی حق انسان را بپایان میبرد

و باقی چکامه که ۸۳ بیت‌از آن دراین‌نسخه بجا مانده وپس‌ازآن افتاده‌است بهمین اندازه بی‌ارزش است.

این نسخه درنخستین صفحهٔ جلداول‌این‌فهرست بغلط کتاب«آیات‌الولایة» نامیده شده وباید ازآنجا برداشته شود.

۶۰۷ برگ، کاغذ هندی نازك. جلد تیماج حنائی مفوائی.

اندازه: ۱۸/۵×۲۹ و ۱۰/۵×۲۰/۶؛ ۱۹ سطر.

[۲۸۴] نثراللآلی (عربی)

این کتاب را در (ص ۲۹۰) این مجلد معرفی کردم. دراینجا یك نسخهٔ دیگر از آن معرفی میگردد.

[۲۸۴]

۱۰۷۹ خط نستعلیق دردفتری جای دارد و ص ۹۹ تا ۱۰۳ راگرفته است.

آغاز نسخه: نثراللای... حرف الالف ایمان المرء...

انجام: یسعد الرجل بمصاحبة السعید.

پس این نسخه سه‌جمله پیش‌ازنسخهٔ چاپی دارد وبرابر نسخهٔ شمارهٔ ۸۶۳ دانشگاه میباشد.

همه دفتر ۱۲۸ برگ این کتابچه۴ برگ. دیگرخصوصیات آن در ج ۴ ص۱۸۷و۱۸۸ آمده‌است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir



(۳۶) برگ ۱ـ ب ازهار الریاض شماره ۹۰۲
که در ص ۶۸۵ـ۶۸۶ یاد شده است.

چند نمونه

از خط دانشمندان و خوشنویسان
و نسخه‌های کهن این کتابخانه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

احمد بن ادریس عن محمد بن احمد عن الدهقان عن درست عن
ابراهیم بن عبد الحمید عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال لمّا
یجلو بن البصر النظر الی الخضرة و النظر الی الماء و النظر الی الوجه
الحسن ه رایت فی بعض کتبی انی شهرتها هذا و هو شهر ذی الحجه
الحرام سنة ١١٢٠ کما فی نظرت فی کتاب کاتبه الذکری فی محاسنة
الماء القلیل بالملاقاة و فیه ما هذا حکایته و لما اظهر الحسن
ابن عقیل القول بعدم نجاسة الماء القلیل بالملاقاة عکف
به و هجره اصحابنا هذه صورة المنام و هو من غرائب المنامات

لجامع الکتاب ذو بیت

فی قلبک من دمیج لظوی اعصاره و فی صمیمک من نهد الحوی سعار
فجسمک من فرط الضنا بیّنه و الدمع کما رایته مدرار

لراقم هذا ذو بیت

یا مستهاما فی القلب منه نار یا مبتغاه فی صدره سعار
یا مکتما حبه مستشرا فقد نم علیک دمعک المدرار

و من المسائل البغدادیة للمحقق الحلی قدس الله سره
مسألة اذا اتلف الانسان علی غیره دابته او جاریته هل
یلزمه المثل او القیمة و ما الحکم فی ذلک الجواب
یلزمه القیمة لا المثل لان المثل متعذر فالزامه حرج و
ضیق و هما منفیان نعم لو قلنا بوجود المثل من کل وجه و
ان کان نادرا او دفعه المتلف لزم صاحب التالف اخذه و طالما

(٣٧) برگ ٢٧ـ الف ازهار الریاض (ش ٩٠٢)
در ص ٦٨٥ دربارهٔ آن گفتگو شده است.

(٣٨) برگ ١٤٨ـ الف ازهار الریاض شماره ٩٠٢
که در ص (٦٨٥ـ٦٨٦) دربارهٔ آن گفتگو شد

کتاب اسرار البراعة وانوار الفصاحة
لشرح نهج البلاغة مؤلفه کیف اقل
خلق الله جاده نظام الدین الحیلانی

(۳۹) برگ ۱ ـ الف نام کتاب اسرار البراعه شماره ۱۶۸ که در ص ٤ یاد شده

بسم الله الرحمن الرحیم ... و به نستعین

حمد و سپاس بی قیاس کردگار قدوم شهریار عزوجل اسپه بسر جلد عز و احسانه ان رسد
رحیم و کرم و ورزش صورت حصر شمار آن حد آسنه خیار نگذارد این سپاس را
حل جلالت و عظم شؤون نگذارد و وجوب حمد او از سبب به آیت مزده استاد کمال
جود او از مصنعت عنایت حقد شرح ذات ی چه نقش از نسبت رجحان و سکان بزی
و متعالی و صفات با کنش از شایبه تشبیه و تمثیل عارض و طارق

« ذاتا و نزد بعلم عارف علم » بر تراز ما و کیف خوانده ایم »
« پاک از انسانه غالان کنند » پاک ز ادراک جاهلان کنند »
سبحان ربنا العزة الصمد ، لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ،
منزه عن کل شبیه و انتقاد ، فاستکوبه من الحجج أحمد ،

خدا
نه دست حدیث حس کلمه و نظر بدانش عقلا و کبریا و امور نسبه و نهایی طلب شناسایی و علم
بساحت عظمت و جلال او راه یابد

« کل ما یخطر ببالکم عنه » « من جلال و رفعة و سناه »
« فالذی یبدع البریة شکل » « منه سبحان مبدع الأشیاء »
هوان حیرت کند زیده و رهبرست « عجز ی شناسی کنان بهتر ست »
عزالاوهی بر تو از روان ، عجز چیزدانستن اندر توان »

غوث عقل در فضای ادراک شناخت حضرت صفت ضعف و قصور و عجز و عصور
با منتهای و بدیهه و فکرت آید و بدان اندوار جلال حضرت خبیر و نبیره کیفیت و صنع بصیر
در اوج هوا، حضرت بال تنبیه و اکمال بکسته و هوای و حالت در بر تو عظمت او
نو هیبت بر استطاعت و عوان شوخیده و جشم خیره بر حسن تابر دوخته ،

« جمع دلها کبیاد و بیت » « عقل کل از کنه او کل آگه نیست »
« سبحان ربی العظیم و بحمده ، تنگ میدان زکنه وصفش هم »
« داخل و خارج از درون و برون ، ذات او برتر از چگونه و چون »
« عقل کل کی بعین ره دانست او ، نفس کل کی بیابد از پی او »
فبانتاضای عقل و نفس و حواس ، کی توان بود کرد کار شناس ،

(٤٠) (برگ ۱ ـ ب) تاج المآثر . خط سدهٔ هشتم
در ص ٥١٤ـ٥١٧ یاد شده است .

از اینجا پس از غریب جرح غبار ، با ثنای خداوند جهاندار ،
و اشنود تحمام حرکت سنا ش ، بکوم هم برین مسالک باش ،
نگارش کرده آن محرر دلیل ، کداز حضرت جلل کردند اهام ،
بسا دانا کران پیرمایه سازش ، مدوس طبع را بمایه سازند

یرید المشرة ان یحل شاه یا الی ایدا الاحا ... بیضاء ... والحمد سه رب العالمین
والصلوة والسلام علی محمد و آله الغر میت الثانیه علی مدی المشرق الی الوقت
محمد و انوار المشکل فی غرة شعبان سنة ست و عشرین و سبعمایه حامدا و مصلیا

(٤١) برگ ۲۲۱ ـ ب تاج المآثر
که در ص ٥١٤ـ٥١٧ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

غونک یا لطیفه

... اوا در تربت جمعی که زبان کرده بدان مشعوف باشد و عنان جهنده بدان
... بخلوت جمعی و فضا طلبی بفت قدرته و ملک کلمته. حکمه آدمی را بهمین بیت بفضل
... و فضیلت فضل مخصوص گردانید و ظاهر او بجمال صورت و کمال هیئت بیارات
... و باطن او بنور معرفت مزین و منور گردانید و بسعادت هدایت از زلل واشت
... بمنظر صاب و فکر ثاقب در عجایب خلقت و غرایب فطرت نظر کرد و بداهت کی این
... جمع اضداد کی باعث انواع مذکوره است و این سرا پرده بوقلمون کی بانوار گوناگون
... من تبسم لی رافعی سکم و صانعی قدیم صورت پذیر نیست. و این بساط اخضر
... کی مرتصیب جواهر انهار و این بسیط اغبر کی ملبست بمفاجر انهار کی قادری
... دانا و مقتدری توانا ممکن نیست بود و جود و خویش کی عالم صنعت اند چنین کائنات
... کی این نقش کی نگاشت و این ناجیز تحریر چنین آورد و در ظلمت رحم بتفاصیل اجزا
... و دعائم اعضا او ترکیب و ترتیب کرد و طالب مطالع او بشعلهٔ حیاة روشن گردانید
... و لمعهٔ از نیض نور محاسن انس و آلت حفظ وجود او بازداشت و تحیر طینت
... و تدمیس زینت او بامام رسید و سنگام بگلک او میعاد نفخت بقضا مقرون و یکشنبه
... بیستی نزلی لایق نهاد و ندای موافق بنیاد او بعاری هیئان حاضنه فرستاد و هر یک را
... از ملاء و مهیات دنیا بواسطهٔ حسن درجزوی ان لجزآء الوسنت و واسطه
... سنوح از اعضاء او بسبب انتظا و استقباع او گردانید تا محدث بسمان الوان
... و اکوان و مقترح جاه و مناصب لک تتبع می باید شد و بحس بمح از اصوات و مزعجه
... حیوانات احتراسی باشد و لحاسه ذوق با نواع مطعوم و مشروب التذاذی کند
... و بقوت لامسه از امزال و ادرات خویش خبر ملاقی دهد تا در بدن بهیم و نرمی و تراشت

(۴۲) برگ ۵ ـ ب نخستین صفحه ترجمه تاریخ یمینی شماره ۱۳۱
در ص ۵۳۶ـ۳۵۸ دربارهٔ آن گفتگو شد.

... بلاست کی آمد و شدوح سیر بیعت و فساد و خوی جبلیت دعوت بوزارع بکند و بحاکه
... ض تسترید و اردت و بلا یا خذ کم اجتماعه فقد و فی بیت الغوایه اول بالذران موجز را
... از جور و تعدی و تعاون بر بندگان خدای تعالی و مت لرجت و اتباع ایشان را کی
... سایه شفقت و متبع قدرت بود تا مصنی بر بیت بر کمک راینده و معنی بر دوخت کشیده
... و هندک در و اصلیت صلاح دیدا خویش کرفت و از خاص مالخوض و صدیاش
... او صاحبشا بیعت از بطالیت بلشد و آمن عمد ایشان کی در بن چند سال
... می شوخت فرو مرد و آیا روی دعا فین و معاد یر اصلیت بقرار معهود
... یاد بیت و بقشر دان روی با وطن طاقه و امنی تمام و سکونی مبارک صیاد
... شد و مین یعیب هم یا دشاه زاده بی جن او عنایت تمام روی نمود و بر صاحب
... و حقد شمر بیشت او باد دارت و بر طلف قفر و کوتاه دستی و کم طبعی و شقاوت
... پرخاد رعیت اضمار کرد و هم رعیت در بهر رجحت و مضاعف کشته و در ایضا
... جهاد و هابکه دیدو دعا باد شاه عادل الی با بک و سید الوزراء عز نصرها و بشر
... تشوق عنف الجان با سمان رسانید و بهک الی ایشان ندیدا و افطار حمان
... خشونت شد و حظیر ای آخرت و منبوت عقبی و مساکن خلد کی در جنة الماوی
... الزلی ایخاء بدن خیرات و مبرات معد و مهد است و زعفر و عرض آکبر
... عقار نخیم و مساکن بهان باشد ان شاء الله تعالی. ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر و لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة اولئک اصحاب الجنة هم فیها
خالدون ***

تجوز الکاتب
بعون الله وحسن توفیقه
وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین وصحبه الزاهرین

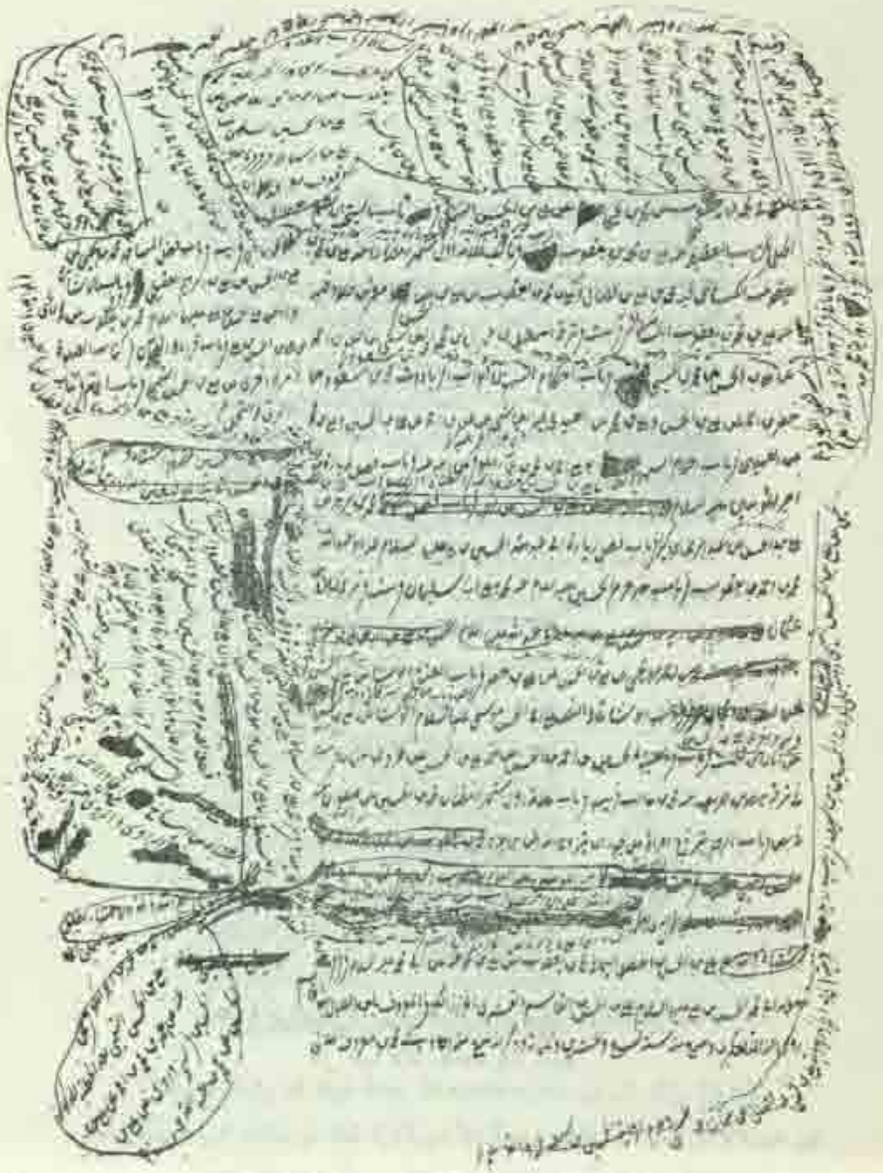
(۴۳) برگ ۲۸۸ ـ الف تاریخ یمینی (شماره ۱۳۱)
که در ص ۵۳۸ـ۵۳۶ دربارهٔ آن گفتگو کردیم.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

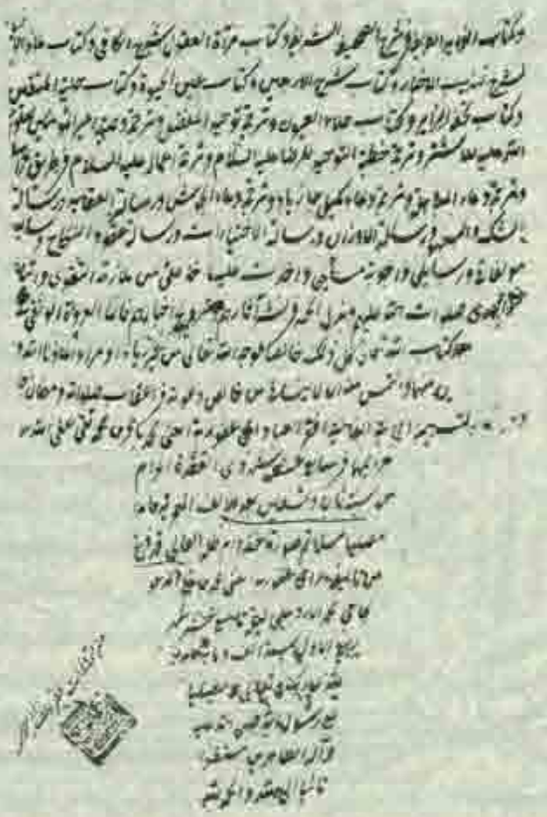
باب الهاء والدال هدى هدو ده ها دهى دهو

دها هاد وهدوده هدى قال الليث الهدء نقيض الطلاقة
يقال هدئ فلان وهدئ بالضم معنى واحد لأن هدئ يتعدى الى المهمز بين والجمع
بعضهم يفرق حين المعنى الهدء بفتح من سكون البحر أبو العباس عن ابن الأعرابي الهدء السكون
والهدو اخراج شيء الى شيء والهدى ايضا الطريقة والورع والهدى الهادي وقوله أو أجد
على النار هدى لأن علاها قال والطريق يسمى هدى ومنه قول الشماخ
فرفعت بالهدى التماس ساهمة كأنه من سماء الظمى مسهوم وقال الفراء
في قوله عز وجل أمن لا يهدي الا أن يهدى لا يعلمون ما لا يعقلون على أن يفعلوا من مكانه الا
أن يفعلوه وقال الزجاج قرئ أمن لا يهدي بإسكان الهاء والدال قال وهو قراءة مرجوحة
وهي سائغة قال وقرأ أبو عمرو امن لا يهدي بفتح الهاء والدال الأصل يهتدي فمن أجاز امن
لا يهتدي بكسر الهاء معنى يهتدي التاء ومن قرأ امن لا يهدي جعله بمعنى لا يهتدي ابن
يقال هديته فهدى أي اهتدى وقال النابغة في قوله وأسامود فقد بدا هممي أي بدا لي هذا
الأمر وطريق الصلاة ما يستحب اليمنى على اليسرى أي اجعلوا الصلاة على هذه وقوله تعالى
كل شيء خلقه ثم هدى قال معناه جعل كل شيء على الهيئة التي بها ينتفع والى ما
له ثم هداه لمعيشته وقد جعل ثم هداه الموضع ما يحور من الولد الأول أنيس أو
ضبع وقال الأصمعي هداه يهديه في الدين هدى وهداه يهديه هداية أداد له على الطريق وقد
هديت العروس وما أهديها هداء وأهديت الهدية إهداء وأهديت الهدى الى بيت الله
إهداء والهدى جعفد يعلبه هديه أي بدنة وقال ابن السكيت الهدى الرجل ذو الهيئة
وهو ان ما في القوم فسيحوه لهم أو يأخذ منهم عطاء هو هدى ما لم يحرما أو يأخذ العهد
فاذا أخذ العهد أو أجره فهو حينئذ حلال وقال غيره
فلم أر معسرا أمتر واهدى ولم أر جار بيت يستشار وقال عنترة في مثل ذلك

(٤٣) تهذيب اللغة ازهری شماره ٢٠١٥
که در ص ٣٦٠-٣٦٤ از آن گفتگو شده است.



(٤٤) برگ ٢٦٤- الف جامع الرواة بخط نگارنده
در ص ٥٥١-٥٥٥ یاد شده است.



(٤٥) برگ ٥٥٤ ب جامع الرواة بخط خودنگارنده
در ص ٥٥١ـ٥٥٥ یاد شده .

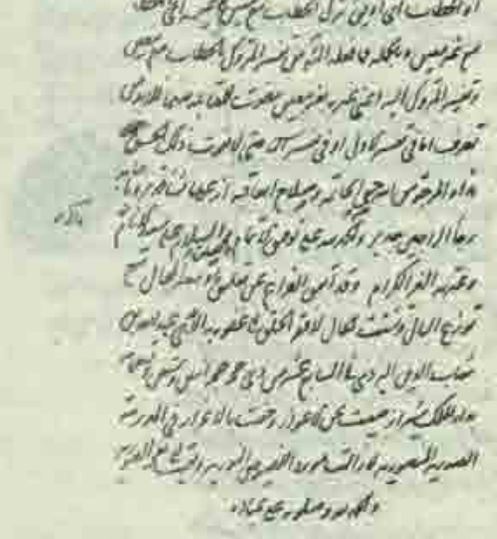


هذا الكتاب حاشية ملا عبدالله
على حاشية الخطايي بخطه

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

(٤٦) برگ ١ـ ب حاشیه ملاعبدالله بخط خود او بشمارهٔ ٩٧٨
در ص ٣٧٩ـ٣٨٠ یاد شده ودر آنجا من آنرا خط نویسنده غیر ازنگارنده
شناختم وای گویا اشتباه کرده‌ام و خط خود ملا باشد .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٤٧) برگ ٧٦ـ الف حاشیه ملاعبدالله یزدی بخط خود او
که در ص ٣٧٩ـ٣٨٠ یاد شده است .



(٤٨) برگ ٢١٨ حقایق التفسیر سلمی خط سدهٔ هفتم که در ج ١
ص ١٠٣ـ١٠٤ یاد شده است .

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٤٩) برك ١ـ الف ـ الحلل شماره ٢٠٤ كه در ص ٣٨٢ـ٣٨٥ از آن گفتگو شده است.



(٥١) برك ٨٢ ب الحلل ابن سيد بطليوسي بشمارهٔ ٢٠٤
كه در ص ٣٨٢ـ٣٨٥ از آن گفتگو شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۵۲) برگ ۳ـ الف زادالمعاد نسخه شماره ۴۷
که در ج ۱ ص ۱۲۳ یاد شده است.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(۵۳) برگ ۳ ب زادالمعاد شماره ۴۷ که در ج ۱ ص ۱۲۳
یاد شده است.

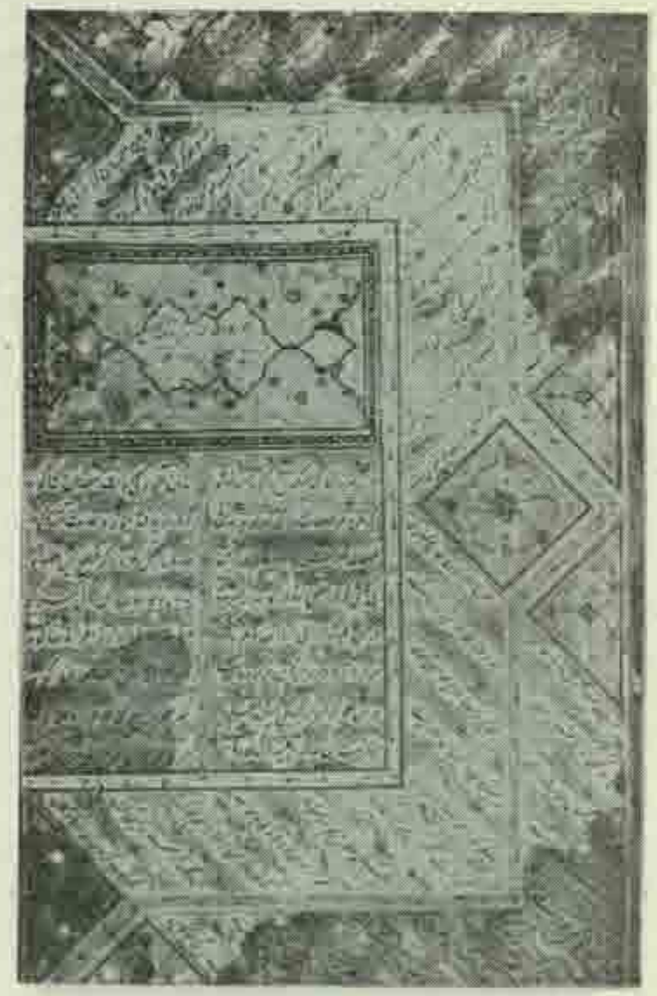


(٥٤) برگ ۳۰۲ زادالمعاد شماره ٤٧
که در ج ۱ ص ۱۲۳ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٥٥) برگ ۳۰۳ـ الف زادالمعاد شماره ٤٧
که در ج ۱ ص ۱۲۳ یاد شده است



(٥٦) برگ ١٤٣ کلیات امیرخسرو دهلوی شماره ١٠٠
که در ص ١٧٥-١٨٢ یاد شده است



(٥٧) برگ ٢١- الف مجموعه ادعیه بخط احمد تبریزی
که در ج ١ ص ٦ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

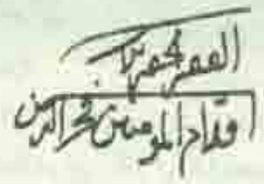


(٥٨) برگ ٢٠٩ ب مصباح (شمارهٔ ٣٠)
که در ج ١ ص ٢١٠ یاد شده است

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir



(٥٨) برگ ٢١٠ ـ الف نسخه مصباح التهجد شمارهٔ ٣٠
که در ج ١ ص ٢١٠ یادشده است .



(٥٩) برگ ١ ـ الف نزهة القلوب شمارهٔ ٨٤٣ که در ج ١ ص ٢٣٢ـ٢٣٣ یادشد .

یادداشتی چند:

برجلد یکم:

ص	س	چنین درست شود:
۱	۱	آیات اولا بایست «مصابیح الظلام» است ص۷۳۱ ج۲ دیده شود.
٤۷	٥	تفسیر الائمه نادرست است. واین نسخه جلدی ازجلاء الاذهان است ص ٦۹۸ ج ۲ دیده شود
۱۲٦	۹	تنقیح المرام
۱۳٤	٦	الخطبة الغراء
۱٥۳	۱٦	دردیوان مسعود سعد سلمان (٤۳۸-٥۱٥) چ یاسمی تهران ص٤۸۱ این شعر دیده میشود.
		ای سؤال آزمندان از ضعیف جود جود تو
		چون دعای نیك مردان درصحیفه کاهله
		ولی درنسخ این شعر نمیتوان تردید داشت.
۱٥۳	۲۰	ولی درآغاز کتاب فهرست ۷٥ دعا دیده میشود، گویا اومیخواست بعدها برآن بیافزاید.
۱٦۱	۱	٤۸- شرح کاشفی (ج۲ ص۷۰۲) دیده شود.
۱۷۳	۹	شرح دعاء ابوحمزه
۱۷۷	۱	در ص ۹۷ گذشت.
۱۸۲	۱٤	اعلموا اخوانی ...
۱۹٤	۱٥	دفع الهموم
۱۹٥	۲۳	در ص ۲۱۹ میآید.
۲۲۷	۷	مهیجات الاشواق نگارش آقا محمود کرمانشاهی فرزند آقا باقر بهبهانی است که نسخه‌های فراوان دارد.

برجلد دوم:

ص	س	
۱۸	۱٥	این کتاب درسر آغاز «مخزن الانشاء» بسال ۱۲۷۳ ق در تهران چاپ شد.
۲٥	۱۸	می بینی درست است.
۳۲	۲۷	ازپایان صفحه این چند سطر افتاده است:

رویه‌ها دارای جدول شنگرف ولاژورد. عنوان حکایت‌ها باشنگرف. عنوان بابها وفصلها باشنگرف وسیاه بهم آمیخته «وباخط درشت نوشته شده. برخی افتادگی‌هارا درکنار رویه‌ها نوشته. هررویه نزدیك پنجاه بیت نوشته دارد.

همه رویه‌ها جدول‌بندی شده است.

(۴۲٥ برگ) کاغذ دولت‌آبادی‌گولاکون

جلد گیماج آبی سیر، فشرده زرکوب، کهنه بود توسط این‌کتابخانه تعمیرشد.

اندازه: ۱۳×۲۶ و ۱۷×۳۸، ۲۹ سطر.

۳۲	۲۰	سطر شمار داخل سطر شده است.
۱۱٥	۷	شمارهٔ (۱۱۰٥) نادرست و(۱۰۱٥) درست است.
۱۲۰	۱۳	۱۸- سیدسبط‌الحسن فتح پوری‌هندی (ز-۱۳۲۸ق)
۰	۰	الدر المنظوم دراین‌باره نگاشته است.
۱۳۷	۲٥	خیابانی در وقایع‌الایام از ریاض نقل کند که کتاب قطب راوندی همان «نثر اللآلی» است.
۱۳۸	۲٤	نسخهٔ این کتاب دراین کتابخانه هست (ص۷۲۷) دیده شود.
۱٤۳	۱۲	نسخهٔ دیگراین کتاب نزد عبدالعظیم گرکانی درتهران هست
۲۱۷	٦	سعید نفیسی این کتابرا در تهران در ۱۳۲٥ دوباره در ۱۸٦ ص و۲۳٦ ص حاشیه چاپ کرد.
۲٥۸	٥	حاج نصرالله متخلص «شاکر» (۱۱۳۱ق) اوراست «لمعات‌البیان»
۰	۰	که در آن شعر بسیار ازخود دارد ونسخهٔ آن دراهواز نزد شیخ
۰	۰	مرتضی نوادهٔ شیخ‌منصور میباشد.
۳۰٤	٤	شافعی زیاد است
۳۰۹	٤	۲ زیاد است
۳۰۹	۹	بند ۱۹۱ درست میباشد.
۳۳٦	٤	حرف پایان
۳۳٦	٥	حرف نخست

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹۴۳	۷	نقدالرجال که در (۱۰۱۵ ق) نگاشته شده در۱۳۱۸ ق در تهران بچاپ سنگ در۴۲۷ ص پخش شده.
۴۹۴	۸	ص ۶۷۴ دیده شود.
۵۳۴	۱۶	اطف‌الله محمدهندی معاصر اورنگ‌زیب تذکرهٔ دولتشاه را بشعر فارسی سرود و «آسمان سخن» نامید (قاموس‌الاعلام ترکی)،
۵۶۶	۵	ص ۶۷۴ این مجله دیده شود.
۵۶۷	۱	خلاصه در تهران همراه رجیزهٔ مجلسی در۱۳۱۱ ق چاپ شد.
۵۷۹	۱۴	رجال طوسی را بنام «کتاب‌الابواب» نیز خوانده‌اند.
۵۸۲	۲	مرگ جمال‌الدین عطاءالله در (۹۱۲ ق) است (شاهد صادق)
۰	۰	و مرگ عشی اصیل‌الدین عبدالله (۱۷-ج ۲-۸۸۳ ق) است.
۶۲۹	۱۵	این گفتار را با آنچه درص ۶۶۴ آمده است تصحیح کنید
۶۳۵	۱۲	عمدةالطالب دوبار در هندوستان پیش از چاپ نجف چاپ شده‌است.
۶۸۱	۱۹	حسن‌بن‌علی البزدی‌الکنتوری..

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

فهرست الفبائی

از آنچه دراین جلد هست

راهنما:

۱ ـ دراین‌فهرست ك: نشانهٔ کس‌است
ن: نشانهٔ نامه «
ج: نشانهٔ جا «
د: نشانهٔ دسته «

۲ ـ هرشماره صفحه که در میان [ ] باشد در آن‌صفحه دربارهٔ آن گفتگوی‌بیشتر شده است.

۳ ـ هرشماره که دو( ) باشد کتابخانه یا کتابدار است.

۴ ـ هرشماره که پس از ✲ باشد، کتاب بنام‌او نگاشته شده است.

۵ ـ هرشماره که در = ، = باشد نویسنده نسخه است.

۶ ـ هرگاه پس ازنام بجای شماره صفحه نام دیگری درپرانتز نوشته شده باشد، بایدآن نام دیده شود.

سپاسگذاری:

از برادر عزیزم آقای احمد منزوی و همسر ایشان خانم جاویدی و برادر دیگرم محمدتقی‌منزوی که باتهیهٔ فهرست الفبائی سود این کتابرادوچندان کردند سپاسگزارهستم،

گردآورنده

ع. منزوی

آئین اکبری . ن : ۵۱۸، ۵۲۰.
آئینهٔ اسکندر . ن . : ۵۰.
آئینهٔ اسکندری خسرو دهلوی . ن : ۴۲، [۱۷۸] ۱۸۲ .
آئینهٔ اسکندری مفرده نویس . ن : ۴۳.
آب حیاة . ن : ۲۶۶.
آبی وزیر (ابوسعید منصور)
آتشکدهٔ آذر . ن : ۶۰، ۶۲، ۶۵، ۷۳، ۸۱، ۱۳۰، ۱۸۳، ۲۰۶، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۳، ۲۸۲، [۴۶۵–۴۶۹]
آتشکدهٔ ششم در ایران ساسانی (آذر برزین) ج : ۱۰۵ .
آتشکدهٔ یزدان . ن : ۱۲۱، ۶۱۶، ۱۲۲۱
آثار احمدی . ن . [۴۷۰–۴۷۱]
آثار الباقیه . ن : ۴، ۶۵۳،
آثار البلاد . ن : ۷۸، ۱۰۵، ۱۳۰، ۶۲۲،
آثار خاقانی شیروانی . ن : ۱۳۰
الآثار عن عجایب المخلوقات . ن : ۶۲۳
آثار معاصرین . ن : ۴۶۶
آثار میبدی . ۱۲۲
آثار نورعلیشاه . ۹۰
آثار و تالیفات امیرخسرو . ۱۷۶
آثار و تالیفات جامی . ۱۸۸
آثار الوزراء عقیلی . ن : ۲۶
الآحاد فی الصحابة . ن : ۵۰۳.
آخرت نامه . ن : ۱۱۰.
آخوند (مجلسی)
آخوند (محمدکاظم خراسانی)
آخوندی . ك : ۶۵۴
آداب استخاره . ن : ۷۲۸
آداب الغضلاء (اداب الفضلاء) . ن : ۱۳۵.
آداب السلوك . ن : ۱۸.
آداب اللغة العربیة . ن : ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۵۲، ۶۲۳، ۶۳۱، ۶۳۴، ۷۲۳
آداب الملوك . ن : ۳۸۱
آدام اولاریوس (خاورشناس) ۲۰۹ .
آدم (ع) ك : ۵۱۹ .
آدم نامه . ن : ۱۱۰.
آذربایجان . ج : ۶۱، ۷۵، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۳، ۲۱۵، ۲۴۸، ۲۷۳، ۶۸، ۷۴، ۵۸۷
آذربایجان شوروی . ج : ۳۹، ۴۰، ۴۱
آذر برزین (آتشکده ...) : ۱۰۵
آذر بیگدلی . ك : ۸۱، ۲۴۰، ۲۷۳، [۴۶۵–۴۶۹]،
آذروسندر . ن : ۲۰۰
آذری (شیخ ...) : ۱۲۷، ۱۹۹،
آذری (لهجه ...) : ۱۳۱، ۶۹۳،
آرزو (سراج الدین) : ۴۶
آزادنامه . ن : ۲۸۰
آزادگی (فصلی از کتاب) : ۵۹۹
آستانه طوس . ن : ۴۹۲
آسیای صغیر . ج : ۲۱۶، ۳۳۴، ۷۳۰
آسیای مرکزی . ج : ۱۷۲
آسیوف . ك : ۱۷۹
آشتیان . ج : ۱۲
آشتیانی . ك : ۱۲
آشوب نامه . ن : ۱۹۹، ۲۰۴،
آصفی هروی . ك : ۴۳، ۱۹۹، ۲۵۱، ۲۵۳
آفتاب عالمتاب (تذکرهٔ ...) : ۴۶۶
آفرین نامه . ن : ۲۱۶
آق اولی خان پسر سلیمان خوشنویس : ۱۳۵
آق اویلو . ك : ۲۴۸
آق حصار . ج : ۷۱۸
آقا بزرگ تهرانی (صاحب ذریعه) : ۶۵۸
آقاخان نوری : ۲۷۳
آقانجفی (شهاب الدین تبریزی) . ك : ۶۶۴
آکره (مؤمن آباد) . ج : ۱۷۵، ۶۴۸
آل ابوفضل . د : ۶۳۴
آل بویه . د : ۶۰۵، ۷۱۴
آل حمدان : ۷۱۴
آل رسول : ۷۱۵
آل سامان : ۷۱۴
آل سفیان (بنی ...) . د : ۵۷
آل عباس (بنی ...) . د : ۵۶، ۷۱۴
آل علی . د : ۵۷، ۷۱۴.
آل عمران (سورهٔ ...) ۶۹۹
آلمان . ج : ۷۹، ۶۴۲،
آل مظفر . د : ۲۴۰ .
آمد . ج : ۶۶، ۱۶۰،
آمدی . ك : ۱۳۹، ۱۶۱،
آمریکا . ج : ۶۴۱
آمستردام . ج : ۶۸۰
آمل . ج : ۶۵۵
آمنه دختر مجلسی پنکم . ك : ۴۰۸
آندره گلوبا . ك : ۴۰
آهی مشهدی . ك : ۴۲
آیات الباهرات : ۷۱۴
آیات الولایة . ن : ۷۳۳ – ۷۵۸
آیة النور نورعلی شاه . ۷۲۸ .
آیتی عبدالحسین . ك : ۱۲۱، ۱۲۲، ۶۱۸
اباحت شرب خمر . ن : ۶۰۴
اباحه کاران قزوین . د : ۶۴۲
اباقاخان مغول . ك : ۱۹۳، ۲۱۷،
ابان بن عثمان ك [۴۷۱–۴۷۶]
ابتی (حروف ...) ۵۰۱،
ابجدی (حروف ...) ۵۰۱،
ابراهیم ك = ۷۲ =.
ابراهیم ادهم . ك : ۱۴۸، ۵۴۲،
ابراهیم امینی . ك : ۶۳۷
ابراهیم بقاعی . ك : ۹۷،
ابراهیم پسر احمد جزری . ك : ۴۳۲
ابراهیم پسر احمد غافقی (ابواسحاق)،
ابراهیم پسر بدرالدین پسر ابراهیم . ك : ۴۰۱
ابراهیم پسر تقی الدین = ۱۵۸ = .
ابراهیم پسر حسین دبلی ۴۹۶،
ابراهیم پسر سلیمان موسوی ۵۷۱، ۵۷۲
ابراهیم پسر شاه حسین اصفهانی ۴۴۴
ابراهیم پسر سید شریف ۱۰۰
ابراهیم پسر شیبان قرمسینی (کرمانشاهی) ۵۴۴
ابراهیم پسر صاحب الزمان ۵۶۱
ابراهیم پسر صالح وزاق ۳۶۹.
ابراهیم پسر عربشاه (عصام اسفرائینی)
براهم پسر محمد : ۶۲۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابراهیم پسرمحمد چلبی:٦١٣
ابراهیم پسر معصوم پسرفصیح قزوینی ٥٠٧
ابراهیم پسرنعیم ابوالصباح ٥٢٩
ابراهیم پسرهاشم‌قمی.٤٧٥[٤٧٦]
ابراهیم‌پسریحیی پسرمحمد عاملی٤٥١
ابراهیم پیغمبر ٢٠٣.
ابراهیم‌تونی(مظهرعلیشاه) ٩٠
ابراهیم ثقفی٤٨٧.
ابراهیم حافظ ٤٦٣ .
ابراهیم حر٥٧٠.
ابراهیم خلیل‌خان ٥٢٣.
ابراهیم خواص : ٥٤٣.
ابراهیم دده ٢٢٢.
ابراهیم دشتکی‌حسینی٤٣٧.
ابراهیم رقی٥٤٤،
ابراهیم سرهندی ٥٢٠.
ابراهیم‌سلطان .ك: ٦١٧،٦١٨،٦١٩
ابراهیم شهریارکازرونی٥٤٤.
سلطان ابراهیم‌صدر١١٩
ابراهیم عادلشاه (شاه دکن) ٢٨٣، ٢٨٤،٢٨٥
ابراهیم‌لیث‌نجفی = ٥٤٥ = .
ابرقوه .ج: ٤٦٩
ابکاریوس : ك : ٦٤١
بل‌اتریشی . ك : ٧٢٣
ابراهیم (سورة٠٠٠) ٦٩٩
ابلمه رستاق.ج:٦٨٠
ابن‌ابی‌حاتم‌رازی ٤٨٩،٥٠٣
ابن‌ابی الحدید (عزالدین عبدالحمید هبةالله) : ٥، ٣٥، ١٣٨، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٥٥، ٢٥٦، ٢٥٧، ٢٥٨، ٢٦٢، ٢٦٤، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٢، ٣٠٣، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣١١، ٣١٢، ٣١٥، ٣٢٣، ٣٢٤،
ابن‌ابی‌خثیمه‌احمد:٧ .ك٤٨، ٥٠٣،
ابن‌ابی‌ذویب ٢٩٩
ابن‌ابی‌طی ٢٩٠، ٥٠٤،
ابن‌اثیرجزری ٤٩٠، ٤٩٥، ٥٠٢، ٦٢٣، ٦٢٤، ٧١١،
ابن اسحاق، محمود٤٨٥، ٥٠٣، ٦٢٥
ابن‌اعرابی.ك: ٥٠٩.
ابن‌اعرج ٤٩٢.
ابن امیرالحاج : [٧١٣_٧١٥]
ابن‌ایبك‌دمیاطی‌احمد٤٩١
ابن بابویه ٥٧٦
ابن بابویه محمد ٤٧٢.
ابن بدرالدین منشی ٧١٨
ابن بطریق ٤٩٠.
ابن بطه ٤٨٧.
ابن جزله یحیی.ك:٦٨٠
ابن جماعة ٣٩٠.
ابن‌جنی ٢٩٠، ٧٠٩، ٧١٠،
ابن‌جوزی ١٥٩، ١٣٠٤، ٥٠١، ٦٢٥
ابن حاجب عثمان پسرعمر١٢٢، ١٩١ [٤٠٥_٤٠٦] ٤١٢، ٤٦٢، ٥٧٥، ٥٨٨
ابن‌حاشر(ابن‌عبدون)٤٨٨.
ابن‌حبان بستی‌ابوحاتم .ك: ١٦، ٤٨٨، ٥٠١، ٥٦٥
ابن‌حبیب حلبی : ٧١٦
ابن‌حجر ٢٩٩.

ابن‌حجرعسقلانی‌احمدپسرعلی.ك:٤٨٣، ٤٨٨، ٤٩٢، ٥٠٤، ٥٥٥، ٦١٣
ابن‌حسون مصری ٧١٠
ابن‌ملاحلبی،ابراهیم پسراحمد٣٥٤.
ابن‌حنیفة . ٣١٢.
ابن‌خاتون‌ك: ٥١٣
ابن‌خردادبه ایرانی:٦٢٢
ابن‌خرم‌هروی ٤٨٧.
ابن‌خشاب ٣٨٣.
ابن‌خطیب تبریزی . ن : ٧٢٣
ابن‌خلدون .ك:١، ٧٢٣،
ابن‌خلکان ٩٢، ٩٤، ١١٨، ١٣٧، ١٦٢، ١٦٣، ٢٩٢، ٣٠٦، ٣٥٦، ٣٥٧، ٣٥٩، ٤٤٥، ٥٦٠، ٦٠٤، [٦٧٦_٦٨١] ٧٠٩، ٧١٢
ابن‌داودصاحب‌رجال(حسن‌پسرعلی)١٦، ٤٧٤، ٤٩١، ٤٩٩، ٥٥٠، ٥٦٥، [٥٧٣ _ ٥٧٦] ٥٧٨، ٥٧٩
ابن‌درستویه.ك : ٢
ابن‌رافع.ك : ٤٩١
ابن‌راوندی.ك: ٢٠٥
ابن‌رطبة‌سوراوی.ك:٦٣٨
ابن‌رومیه‌ابوالعباس‌احمداشبیلی ٦١٣
ابن‌زمعه خطیب.ك : ٣١٨
ابن‌سراج ٤١١،
ابن‌سرایا ٧١٤
ابن سعد ١٦، ٤٨٦، ٤٨٨، ٤٩٠، ٥٠٣.
ابن‌سکره عباسی : [٧١٤]
ابن‌سکویه.ك:٦٨٨، ٦٩٢،
ابن‌سکیت ٣٦٠،
ابن‌سلیم .ك: ٥٩٩.
ابن‌سنان‌پاشا محمد ٤٤٧.
ابن‌سیدبطلیوسی [٣٨٣_٣٨٥] ٧١٠
ابن سیده علی نحوی . ك : ٧١١
ابن‌السیرافی‌عیسی‌پسرمبارك: ٦٢٥
ابن‌سینا(ابوعلی) (حسین پسرعبدالله سینا) ٧٨، ٦٧٩
ابن‌شاهین عمر .ك: ٤٨٨
ابن‌شعبه٣٠٢ .ك:
ابن‌شهرآشوب١٠٩، ١١٢، ١٦٠، ١٦١، ٣٠٣، ٣٠٦، ٤٨٧، ٤٩٠، ٤٩٨، ٥٥٠،
ابن صائغ . ك : ٧٢٦ .
ابن صافی . ك : ٧١٧ .
ابن‌طاوس، احمدپسرعبدالکریم،٥١١.
ابن‌طاوس ، احمد پسرموسی‌پسرجعفر، ٤٩٠، [٥٢٨] ٥٦٥،
ابن طاوس عبدالکریم پسر احمد پسر جعفر ٤٩١، ٦١٥،
ابن طاوس علی‌رضی الدین پسرموسی پسرجعفر، ٣٠٤، ٤٩٨، ٥١١
ابن‌طلحه ٣٠٤
ابن عباس (عبدالله. . .) ٣١٨، ٣١٩، ٣٢٠، ٣٢١، ٣٢٢، ٧٣٠
ابن‌عبدالبر اندلسی ٤٨٨، ٤٨٩، [١_٥٠٥]
ابن‌عبدربه(صاحب‌عقدالفرید)١٦، ١١٦، ٣٠٢، ٧٢٣، ٨٢٢
ابن‌عبدون (ابن‌حاشر)٤٨٨، ٥٧٦،
ابن‌عنایقی (عبدالرحمان) ٧١٠، ٧٢٥
ابن‌عدی‌ابواحمد ، ٦١٣

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابن‌عربشاه، ك: ۶۱۹
ابن‌عربی ۱۳۵، ۳۸۶، ۶۸۰
ابن‌عساکر ۹۲،
ابن‌عطا ۵۴۳
ابن‌عقده‌همدانی ۴۸۷، ۵۷۶،
ابن‌عقیل ۳۸۷،
ابن عماد فقیهی ، ۷۱۷
ابن‌عمید وزیر : ۷۰۸
ابن‌عنبه : [۶۳۰-۶۳۶] ، ۶۷۰
ابن‌عون ۳۵۷
ابن عوینه ۴۵۷
ابن‌غضائری احمد، ك: ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۸۵ تا ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۲۸ ، ۵۲۹، ۵۵۰، ۵۶۵، ۵۷۶، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۳۹
ابن‌غضائری(حسین‌پسرعبدالله)
ابن‌فارس‌اموی احمد ۳۳۶، [۴۴۵-۴۴۸]
ابن‌فارض‌شاعر صوفی مصری ۹۳ تا ۹۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، [۲۱۲-۲۱۳]
ابن‌فتحون ابوبکر ۴۸۹، ۴۹۲، ۵۰۴،
ابن‌فرات وزیر ۳۰۲
ابن‌فضال ۵۷۶
ابن‌فقیه : ۶۲۵
ابن فورجه محمد : ۷۱۰
ابن‌فوطی بغدادی ۵۵۶
ابن‌قاضی ۵۳۸
ابن قباقبی ، ك : ۷۱۷ ،
ابن‌قبه‌رازی ۳۰۳
ابن‌قتیبهٔ دینوری [۱-۳] ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۲۹، ۵۰۳،
ابن کثیردمشقی ۴۹۱،
ابن کمال‌پاشا ۴۵۷
ابن‌ماجه : ۶۰۷
ابن‌ماکولا ۵۵۵
ابن‌مالك ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۵۵، ۴۵۶، ۵۸۸، ۶۸۰
ابن‌محمد صالح نگارندهٔ الشذور الذهبیة دستور زبان ترکی [۴۱۸-۴۲۰]
ابن‌المدینی علی ۴۸۶، ۵۰۱، ۵۰۸،
ابن المستوفی (مبارك) ۷۱۰
ابن‌مطروح، ك: ۶۷۹
ابن‌مظفر ۳۶۱،
ابن معتزعباسی : [۷۱۴]
ابن‌معطی ۴۰۹
ابن‌منیه دیباجی ۴۹۱
ابن‌مقفع: ۲۹۸
ابن‌ملاحلیی، ك: ۳۵۴.
ابن‌ملجم مرادی: ۳۱۹
ابن‌ملقن : ۴۹۱
ابن منجویه احمدپسرعلی، ك: ۶۰۷
ابن‌منده : ۴۸۷، ۴۹۰، ۵۰۲،
ابن‌میثم ، کمال‌الدین: ۳۵۴، [۱۳۸] ۱۵۰، ۱۵۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۲۴، ۵۱۱،
ابن ناظم‌پسرابن‌مالك: ۳۸۷، ۴۱۵،
ابن‌ناقه : ۳۰۴
ابن‌نباتهٔ ، ۲۹۸
ابن نحویه : ۴۵۶
ابن ندیم : ۳۰۰، ۳۰۱، ۴۸۸، ۵۰۹، ۵۳۰
ابن‌نقطه حنبلی : ۵۵۵
ابن‌نوبخت : ۲۵۴

ابن‌ولیدقمی ۴۸۸
ابن وهاب ۷۱۰
ابن‌هبیره (عون‌الدین‌مظفر) ۵۶۰ تا ۵۶۳، ۶۲۳
ابن هشام : ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۸۳، ۳۸۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۷۱۶
ابن‌یاسین ۳۵۷
ابن‌یحیی ۱۹۵
ابن‌یوسف شیرازی ۵۰۴، ۵۶۳، ۵۶۵، ۹۸، ۱۵۹، ۲۲۱، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۳۹، ۳۷۶، ۳۸۹، ۴۳۵، ۴۴۵، ۴۶۰، ۵۹۵، ۷۲۵
ابوابراهیم(موسی الکاظم).
الابواب (رجال طوسی) و ۷۶۰
ابوابالحکم ،ن: ۱۴۰
ابواحمدعبدالعزیز(جلودی) .
ابواحمدعسکری ۵۵۵
شاه‌ابواسحاق ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۷۳،
ابواسحاق آدمی : ۶۶۲
ابواسحاق اسفرآئینی ۴۰۱
ابواسحاق اینجو ۲۴۰
ابواسحاق پسرمحمد ۱۶۰
ابواسحاق‌طالقانی : ۶۵۳
ابواسحاق غافقی ۳۸۳
ابوامامه نقاش مصری‌دکانی ۴۱۵
ابوالبرکات‌لاهوری ۴۵
ابوالبرکات‌علی‌پسرمسعود پسراسماعیل .ك: ۱۱۷
ابوبصیراسدی : ۴۷۳، ۴۷۵، [۴۷۶].
ابوبصیرمرادی، ك: ۴۷۳
ابوبکر پسرفتحون (ابن‌فتحون) .
ابوبکر پسرمحمد ناصر پسر فلاوون : ۱۴
ابوبکرخطیب : ۵۵۶
ابوبکرخلیفه: ۳۵، ۳۶، ۶۵، ۱۱۶، ۲۶۱، ۲۹۷، ۴۷۰، ۴۹۹، ۵۸۳، ۶۵۱
ابوبکرسعدزنگی : ۶۶
ابوبکرشبلی : ۵۴۳
ابوبکرشیرازی : ۵۰۱
ابوبکرصیدلانی : ۵۴۴
ابوبکرعیقری‌فرغلی : ۳۸۳
ابوبکرکتانی: ۵۴۳
ابوبکرنساج : ۱۴۸
ابوبکرواسطی، ۵۴۴
ابوالبقاء عکبری [۷۰۵-۷۱۳] .
ابوبکروالبی ۳۲۹
ابوبکروراق ۵۴۴
ابوتراب خوانساری : ۶۶۶
ابوتراب نخشبی ۵۴۲
ابوالثنا (عبدالله بدری دمشقی) .
ابوتیم معد پسرعلی (مستنصرفاطمی).
ابوالثناء حموی خطیب‌الربقة ۴۱۵
ابوجریرقمی ۵۰۰
ابوجعفر (ابن‌قبهٔ رازی) .
ابوجعفراسکافی ۳۰۸
ابوجعفر(محمدبن‌علی باقر)
ابوجعفر(طبری) محمدبن جریر ۵۰۳
ابوجعفراشاری (محمد پسرحبیب پسر امیه) [۵۰۸-۵۱۰]
ابوجعفر(طوسی محمد پسرجعفر)
ابوالجود مکی (غیاث پسرفارس)
ابوحاتم‌بستی پسرحبان(ابن‌حبان)۵۶۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوحاتم سجستانی . ك ٢
ابوحازم مکی .ك:٥٤١
ابوحامد اندلسی .ك:٦٢٣،٦٢٥
ابوحامدبا ابوطالب محمد پسرابوبکر
ابراهیم . ك : [٥٣٨-٥٤٥]
ابو حجیفه . ك : ٣٠٨
ابوحذیفه .ك: ١٦
ابوالحسن بن محمد باقر .ك = ٩٧ =
ابوالحسن احمد پسرمحمد ازدی .ك :
٥٠٨
ابوالحسن اندجانی : ٣٩٣
ابوالحسن امیرخسرو پسرامیرسیف الدین .
ك : [١٧٥]
ابوالحسن جلوه .ك: ٢٠٧
ابوالحسن خرقانی .ك: ٥٤٣
ابوالحسن (رضا) .ك: ٤٧٣
ابوالحسن شمس الدین .ك: ٣٥٧
ابوحسن صوفی عبدالرحمان : ٦٢٣
ابوالحسن عاملی .ك: ١٨
ابوالحسن علی پسراحمد .ك: ١١٧
ابوالحسن علی پسرحمزة الکسائی .
ك : ٤٤٦
ابوالحسن علی پسر عبید معروف .
ك : ٣٨٤
ابوالحسن علی پسراحمدغرناطی نحوی .
ك : ٣٨٣
ابوالحسن علی پسرعباس تجلی معانی
ك: ٣٦٢
ابوالحسن علی پسر محمد پسر علی
صوفی . ك: ٦٣٢
ابوالحسن علی پسروزیر .ك: ٢٣٤
ابوالحسن علی حصری .ك: ٥٤٤
ابوالحسن علی دینوری .ك: ٥٤٤
ابوالحسن وزیر : ٥٣٠
شیخ ابوالحسین .ك: ٢٠٠
ابوالحسین احمد پسر فارس همدانی .
ك : [٤٤٥-٤٤٨]
ابوالحسین نوری .ك: ٥٤٣
ابوالحمد محمد پسرعثمان پسر مسعود
مغیث .ك: ٤١٨
ابوحیان .ك: ٤١١،٤١٩،٤٢٠،
ابوحفص سغدی .ك: ٤٤٤
ابوحمزة بغدادی .ك: ٥٤٤
ابوحمزه خراسانی .ك: ٥٤٤
ابوحنیفه دینوری (احمد پسرداود)
ابوحنیفه نعمان مغربی .ك: ٢٩٨،٥٤٢
ابوالخیرافطع .ك: ٥٤٤
ابوخیر صالح را دویه پسر ابوحماد .
ك : ٣٠١
ابوالخیر نصر پسر علی پسرنصر .ك :
٤٤٨*
ابوداود : ٦٠٧
ابوریحان بیرونی .ك: ٣،٤٤٤
ابوزرعه محمد پسر یوسف پسر محمد
پسرجنید کشی .ك: ٤٩٧
ابوزید صاحب جمهره . ك: ٧٢٢ .
ابوزید مهمش ٧١٢
ابوالسعادة ، هبة الله علی پسرمحمد .ك:
١١٨
ملاابوسعید ك : ١٠٢،١٠٧
ابوسعید .ك: = ٢١٥ =
شیخ ابوسعید .ك: ٥٤٠

ابوسعیدابوالخیرعارف.ك: ١٧٠،٥٧،
٥٤٥،٥٤١،١٧٢
ابوسعیدبها درخان .ك: ٥٢٦
ابوسعید تبریزی .ك: ١٠٠
ابوسعید علوی قادیانی .ك: ٧٥
سلطان ابوسعید گورکانی .ك ٩٩،
٦٦٣،٥٨٢
ابوسعید منصوروزیر(آبی) .ك: ٣٠٣
ابوسعیدنشوان پسر نشوان٤٢٢،٤٢٣
ابوسعید نصر.ك: ٥٠٢
ابوسلیمان .ك: ٤٨٩
ابوسلیمان زید پسروهب .ك: ٢٩٩
ابوسلیمان محمد پسرعبدالله .ك:٤٨٨
ابوشامة قدسی (عبدالرحمان) : ٧١٦
ابوشکور .ك: ٢١٦
ابوالصلت عبدالسلام هروی .ك:
٤٩٩،٥٠٠
ابو طالب پسر رجب پسر ابن داود .
ك: ٥٧٤
ابوطالب پسرعبدالمطلب : ٦٣٢
ابوطالب کلیم .ك: ١٩٥،٢٨٢
ابوطالب محمد پسرمحمد امین علقمی .
ك : ٥٢٥*
ابوطالب همدانی .ك: ١٩٧
ابوطاهر مجدالدین محمد پسریعقوب .
ك: ٤٣٦
ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان
ك: ٢٢
ابوالعباس احمد پسر عبدالجلیل .
ك: ٣٨٣
ابوالعباس احمد (قلقشندی):١٣،١٤،
ابوالعباس ثعلب احمدبن یحیی : ١٤٤
ابوالعباس سیاری : ٥٤٤
ابوالعباس سیرافی : ٤٨٩
ابوالعباس قصار : ٥٤٣
ابوالعباس نهاوندی : ٥٤٥
ابوعبدالرحمان : ٣٦١
ابوعبدالرحمان بصری : ٤٤٦
ابوعبدالله بخاری: ٤٨٤
ابوعبدالله خفیف . ٥٤٤
ابوعبدالله صادقی : ٤٧٣
ابوعبدالله صبی : ٦٢٥
ابوعبدالله طنجی جزری : ٤٠٠
ابوعبدالله محمدبن ابراهیم خازنی :
٢٣٤
ابوعبدالله محمد پسرابوسعید نشوان :
[٤٢٥-٤٢٩]
ابوعبدالله محمد پسرحمیدة حبلی: ٣٨٣
ابوعبدالله محمد پسرعلی خوزامی .ك
: ٧١٠
ابوعبدالله محمد مازنی :٦٢٣
ابوعبیده : ٥٠٩
ابوعبیدالله پسرابورافع : ٤٨٤
ابوعبیدة قاسم پسرسلام : ٣٠٠
ابوعبیدة معمر پسرمثنی : ٣٠٠
ابوعثمان سعیدپسرسلام مغربی : ١٤٨
ابوعثمان مکی.ك: ١٤٨
ابوعمرو (الکشی) ، ٥٢٩
ابوالملاء . ك:١٩٠
ابوعلاء گنجوی. ك:١٢٩
ابوعلاءمعری: ٧٦،١٦٣،٣٨٢،٣٨٤،
٧٠٩

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابوعلی ۴۹۶
ابوعلی پسر کاتب : ۱۴۸
ابوعلی تقفی : ۵۴۴
ابوعلی حسن بن محمد بطلیوسی : ۲
ابوعلی (حسن پسر طوسی) : ۶۳۸
ابوعلی حسین پسر عبدالعزیز : ۳۸۳
ابوعلی دقاق : ۵۴۳
ابوعلی رجالی ، (محمد پسر اسماعیل)
۶۶۶،۶۶۱،۴۹۶،۴۹۵
ابوعلی رودباری : ۵۴۴
ابوعلی (حسین بن سینا) : ۶۶۴
ابوعلی فارابی : ۵۶
ابوعلی فارسی : ۴۳۱
ابوعلی فارمدی : ۵۴۴
ابوالعلی الفضل بن حسین طبرسی : ۲۳۱
ابوعلی قالی اسماعیل پسر علی ، ک ۷۲۳،۱
ابوعمر : ۵۰۲
ابوعمر احمد پسر محمد (ابن ابن عبدربه)
ابوعمر جمال الدین یوسف (عبدالبر اندلسی)
ابوعمر طلمنکی : ۵۰۲
ابوعمر یوسف : ۵۰۴
ابوعمرو بن برید (نجید) : ۵۴۴
ابو عمر محمد پسر عمر پسر عبدالعزیز (کشی) : [۴۸۲-۵۰۱]
ابوعمره الانصاری : ۵۲۹
سلطان ابوالغازی عبدالعزیز بهادر : ۴۰۳۵
ابوالغازی سلطان حنیف : ۵۳۴
ابوغالب زراری : ۴۸۸،۳۰۰
ابوالفتح بستی : ۲۹۴
ابوالفتح بکر میر محمدوم : ۳۴۸
ابوالفتح بیرس ، ک : ۶۷۷
ابوالفتح ثریفی : ۳۷۲
خواجه ابوالفتح عبدالجلیل پسر خسرو علوی
۷۵،۷۳
ابوالفتح لاهیجی : ۶۵۰،۶۴۷،۴۳
ابوالفتح محمد پسر علی (کراجکی)
ابوالفتوح ثابت پسر محمد جرجانی
۳۸۲
ابوفراس حمدانی ، ک : [۷۱۳-۷۱۵]
ابوالفرج : ۱۹۹
ابوالفرج بن جوزی (عبدالرحمان) :
۶۱۳،۴۹۰
ابوالفرج اصفهانی : ۵۶۲،۳۲۹
ابوالفرج سکزی : ۷۱
ابوالفرج قنائی کاتب پسر محمد : ۴۸۶
ابوالفضل : ۶۵۰،۶۴۸،۵۱۷
ابوالفضل بیهقی : ۲۶
ابوالفضل حسن : ۵۴۵
ابوالفضل فلکی : ۵۰۱
ابوالفضل فیلسوف استاد متنبی : ۷۰۷
ابوالفضل محمد فضل الحق : ۳۴۸
ابوالفضل ناکری (علامی) : ۲۵۰،۲۰
[۵۱۷-۵۲۰]
ابوالفیض فیضی : ۵۱۸،۵۱۷،۲۸۳،
۶۴۸،۵۲۰
ابوالوایه زین الدین شیخ خالد پسر
عبدالله : ۳۴۵
ابوالقاسم : ۵۹۳
ابوالقاسم پسر ابوحامد : [۵۹۳-۵۹۴]
ابوالقاسم ابراهیم صرآبادی : ۵۴۵

میرزا ابوالقاسم بابر پادشاه هرات : ۳۸۱
ابوالقاسم بلخی ، ۴۸۶،۳۰۳،۳۰۲
ابوالقاسم پسر ابوبکر : ۳۵۲
ابوالقاسم پسر ابوعمر عثمان پسر
عبدالباقی : ۵۶۱
ابوالقاسم پسر محمد پسر حسین : ۴۲۹
ابوالقاسم زنجانی : = ۶۴۶ =
ابوالقاسم جعفر خوانساری : ۵۱۴
ابوالقاسم جعفر (محقق حلی) .
ابوالقاسم حسین پسر ولید ابن عریف :
۳۸۲
ابوالقاسم شاطبی : ۳۵۷
ابوالقاسم طاهر پسر یحیی نساب : ۵۳۲
ابوالقاسم عبدالرحمان پسر اسحاق
زجاجی : ۳۸۲
ابوالقاسم عبدالرحمان پسر عبدالله
سهیلی : ۶۷۴،۳۸۳
ابوالقاسم علی پسر محمد پسر ابوحنیفه :
۵۳۷
ابوالقاسم فائم مقام دوم (ثانی) پسر میرزا
عیسی : ۱۵۳
ابوالقاسم قمی : ۱۱۳
ابوالقاسم گرگانی : ۱۴۸
ابوالقاسم محمد بن حسین بیهقی : ۴۲۸
ابوالقاسم موسوی سیدالفا : ۳۸۰
ابوالقاسم میبدی : = ۷۱۳ =
ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی : [۵۵]
۲۶۸
ابوالمحاسن ابن ساوجی : [۱۳۸] ،
۲۹۱
ابوالمحاسن پسر شداد : ۶۷۹
ابوالمحسن میرزا شاهزاده : ۱۵۶
ابومحمد : ۳۱۷
ابومحمد بدرالدین حسن پسر قاسم :
[۳۹۹-۴۰۰]
ابومحمد پسر عبدالعزیز (کنانی) : ۴۸۹
ابومحمد پسر عبدالمؤمن : ۵۰۲
ابومحمد الحسن : ۵۳۲
ابومحمد دمشقی پسر علی : ۵۵۵
ابومحمد رویم ۵۴۳
ابومحمد عبدالرحمان پسر ابوحاتم :
۴۸۹
ابومحمد عبدالغنی : ۶۰۷
ابومحمد عبدالله بن ابراهیم : ۱۰
ابومحمد عبدالله بن محمد : ۲
ابومحمد عبدالله پسر محمد (ابن سیده)
ابومحمد لوط پسر یحیی : ۲۹۹
ابومسلم ابراهیم پسر عبدالله پسر مسلم
کشی : ۴۹۷
ابومسلم خراسانی : ۶۷۰،۶۶۹
ابو مظفر حلبی ، ک : ۷۱۶
ابومظفر هروی ، ک : ۷۱۰
ابوالمعالی ۲۳۸
ابوالعالی بخاری : ۶۵۲
ابوالمعالی رازی شاعر : ۱۳۶
شاه ابوالمعالی سلطان حسین خان بهادر :
۳۹۶
ابوالمعالی سعد پسر علی وراق : ۳۵۶
ابوالعالی فارسی (نصرالله)
میرزا ابوالمعالی کلباسی ۶۱۴،۴۸۳
ابوالمفضل شیبانی : ۵۶۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ابومنذرهشام کلبی : ۵۰۸
ابومنصور (ازهری): ۳۳۶، [۳۶۰-۳۶۳]
ابومنصورعبدالرحیم پسرمحمدیشکی : ۳۶۹
ابومنصورمحمدبن عطاءملك جوینی : ۱۵۰
ابوموسی اشعری : ۳۲۱،۳۲۲
ابوموسی اصفهانی محمد پسرابوبکر: ۴۹۰،۵۰۲
ابوموسی عیسی پسرعبدالعزیز: ۳۸۳
ابوالنجاپسرخلف معزمی.ك : ۳۵۲
ابوالنجم احمد پسر قوص پسر احمد : [۷۰]
ابونجیب سهروردی : ۱۴۸
ابونصرسراج : ۵۴۳
ابونصرسهل پسرعبدالله بخاری : ۶۳۲
ابونصرمحمدپسرعبدالجباروعتبی: ۵۳۶
ابونصر محمد پسر یحیی پسر کرم : ۱۴۵،۱۴۶
ابونعیم اصفهانی : ۲۹۹،۴۸۹،۴۹۰، ۵۰۲
ابوالوفاء : ۱۴۶،۱۴۷
ابوالولید ابن الفرضی حافظ : ۵۰۲
ابوهارون السکتون : ۵۷۷
ابوهریرةالدوسی : ۵۰۵
ابویحیی جرجانی : ۵۰۰
ابویعقوب معمری : ۵۷۷
ابویعقوب نهرجوری : ۵۴۴
ابویعلی خلیلی : ۴۸۹
ابویوسف همدانی : ۵۶
ابویوسف یعقوب پسرسلیمان: [۱۳۷]
ابیات گلستان . ن : ۴۱۹
ابیورد،ج : ۶۱،۶۲،۶۸۴
اتابك ازبك . ك : ۵۳۷
اتابك سعدبن ابوبکرزنگی .ك : ۶۶
اتابك شمس‌الدین محمدایلدگز : ☆۴۷
اتابك شیرگیر . ك : ۶۸۷
اتابك قزل ارسلان : ☆۴۷
اتابك نصرالدین ابوبکر: ۵۰
اتابك نصرةالدین احمدفرماندارلرستان ☆۴۵۴
اتحادجماهیرشوروی . ج : ۳۹
اتحاف ذوی‌الالباب . ن : ۴۹۵
اتریش،ج : ۷۲۰
اتقان‌المقال . ن : ۴۹۷
اته (خاورشناس) : ۷۹،۸۰،۸۶،۵۰۴،۹
اثهربن . ف : ۵۲۰
اثبات النبوة .ن : ۱۵۴
اثبات الواجب (فصلی از کتاب): ۶۸۸
اثیرالدین ابهری . ك : ۱۲۲
اجاره نامه . ن : ۲۸۰
الاجازات لکشف طرق المفازات .ن : ۴۷۸
اجازهٔ سیدحسین کاشانی . ن : [۴۷۷-۴۸۰]
اجازهٔ شهید دوم . ن : [۴۸۰]، ۵۷۵
اجازهٔ محمودبن علی کاشانی .ك: ۱۷۰
اجازهٔ هامدرك تاریخ است : ۵۰۶
اجرومیه . ن : ۴۰۰
اجتهاد وتقلید (فصلی از کتاب)۵۹۶
احتشام‌الدوله .ك : ۳۶۸

احراری محمدنورالله هندی .ك: ۲۲۴
احسن‌القصص .ن: ۵۲۱،۶۶۰
احصاء (معما ..) : ۴۰۲،۴۰۳
احکام‌صنعاءوبیده .ن: ۴۲۴
احکام القضیة .ن: ۵۷۶
سلطان احمد ك: ۲۷۸،۲۷۹
ملااحمد .ك: ۳۹۴
احمدآباد کجرات .ج : ۸۷
شیخ احمد احسائی .ك:۱۱۲،۴۷۸
میرزا احمد ادیب . ك : ۲۲۵
احمد (امین رازی) .ك:۴۶۶
احمد انطاکی . ك : ۵۴۳
احمد برقی .ك : ۴۷۵
میراحمد بناکتی .ك:۲۷۶
احمد بلالی . ك : ۷۱۸
احمد پاشاوالی بغداد .ك:۸۹، ۲۷۸
احمد پسرابوبکرشیرازی ۷۱۶
احمد پسراحمد مغربی ۷۱۱
احمد پسرابراهیم‌تغلبی : ۶۲۵
احمد پسراحمد کرد: ۶۰۷
احمد پسر اویس قرامانی .ك : ۴۱۷
احمد پسرتاج‌الدین‌حسن‌بن‌صف.ك:۴۷۰
احمد پسرحسین پسرعبدالملك ازدی . ك :۴۸۵
احمد پسرحسن پسرعلی پسرحسین حرعاملی :[۵۶۸ - ۵۷۳]
احمد پسر حسین‌پسرعبیدالله : ۴۸۳
احمد پسرحسین صیقل : ۶۱۴ .
احمد پسرحسین (ابن‌غضائری) .
احمد پسرداود ابوحنیفه‌دینوری :۳۰۱
احمد پسرداود جذامی : ۲
احمد پسر زهیر :۴۸۷
احمد پسرزین‌العابدین‌علوی : ۶۰۸
احمدپسرسعدرازی : ۵۰۰
احمد پسرسلیمان ابن کمال‌پاشا:۲۱۳، ۴۵۷
احمد پسرسلیمان پسرمحمدپسرمطهر: ۳۸۵
احمد پسرطاوس : ۴۸۳، ۵۷،۴۰ ۶۱۴
احمد پسرعبدالصمدوزیرغزنوی : ۷۰
احمد پسرعبدالله : ۱۶۲
احمد پسر عبدالله قریمی : ۳۵۲
احمد پسر عبدالکریم : ۵۱۱
احمد پسرعبدالملك فقیه اشبیلی:۵۰۲
احمد پسرعبدالواحد :۸۹ ،
احمد پسرعبدالواحد بزاز : ۴۸۶ ، ۴۸۸
احمد پسرعقدة همدانی :۴۸۷
احمد پسرعلی : ۵۰۴
احمد پسرعلی اصفهانی : ۶۰۷
احمد پسرعلی‌خطیب : ۵۵۵
احمد پسرعلی سنوبی ازهری‌شافعی : ۲۳۸
احمد پسر فهدحلی : ۴۹۱
احمدپسر کمال پاشا (احمدپسرسلیمان:) ۴۵۷
احمد پسرمحمد : ۶۲۵
احمدپسرمحمدپسرخالد برقی :[۴۸۱]
احمد پسرمحمد پسرغریشاه : ۲۷
احمد پسرمحمد پسرعمار کوفی :۴۸۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

احمدبن‌محمد بن‌عیسی : ٤٧٥ ، [٤٨٢]
احمد پسرمحمد رودباری : ١٤٨
احمد پسرمحمد جریری : ٥٤٤
احمد پسرمحمدخارزنجی : ٢
احمد پسرمحمد خجندی (جلال الدین)
احمد پسرمحمد گل‌آبادی : ٦٠٦
احمدبن‌محمدمیدانی (سعیدبن‌احمد) ٤٤٠
احمد پسرمحمدنیشابوری : ٤٥٢
احمدبن محمد بن یحیی ابیاری: ٥٦٣
احمد پسرمحمد یمنی ٧١١
احمد پسرمنصور : ٤١٩
احمدبن موسی بن جعفرحلی ٤٩٠
احمد پسروحشیه : ٦٢٥
احمدبن‌یحیی بن‌احمد (ابن‌ناقه)
احمد پسریحیی پسرمحمدنوادهختازانی : ٣٥٣
احمد پسر یوسف مستعین دوم :٣٨٤
احمد جامی : ٢٣٨
احمد جلیلی ٢٠٢
احمد جیلانی : ٣٧٩
احمد حرب : ٥٤٢
احمد حسن هندی : ٢٢٤
احمدحسین اردو بادی(هاتف)
احمد حنبل : ٥٤٢
احمد حواری : ٥٤٢ :
سلطان‌احمد خان : ١٥٧ ، ٢٢٣ ، ٧٢٠
احمد خضرویه : ٥٤٢
احمد (دامغیتی)
احمد رفعت : ٦٨٣
احمد زکی حقوت مصری : ٢٩٧ ، ٣٠٣ ، ٣١٠
احمد زنجی (زمجی):٦٧٠
ملا احمد سلیمانی : ٢٠٢
احمد سهیلی خوانساری : ٦٢
احمد شهید عاملی: ١٧٣
ملا احمد طالشی : ٣٥٢
احمد طیفوری سجاوندی ٢٣٨
سلطان‌احمدعثمانی :٤٩٢ ، ٥٠٤ ، ٧٢٠
احمد عجمی : ٦٦٢
احمد عزت : ١٢٠
احمد علی‌خان : ٢٦٥
احمد علی‌مورخ الدوله : ١٤٠
احمد عیاشی پسرمحمد پسرعیاش ، ٤٨٩
احمد غزالی : ١٤٨
احمد قوام فاروقی : ٤٤٤
سید احمد کاظمی : ٤٩٥
سید احمد کبیر : ٦٣٣
احمد کورانی : ٢٧٨
احمد متنبی ٧٠٧
احمد محمصانی : ١٤٥
احمد مسروق : ٥٤٤
سید احمد معلم : ٣٥٥
شیخ‌احمد معین‌بن علی‌بن‌عنبر عنوی: ٥٣٦
ملا احمد مقدس اردبیلی : ٣٧٩ ، ٥٨٠
احمد منیری : ٤٤٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

احمدمنیئی : ١٧٤
احمد (نحاس بجوی)
احمد ورغون : ٤٠
احمد هیکر یزدی : ٦٦
احمد یوسف نجاتی : ٦٨٠
احنف قیس ك : ٢٩٧
احوال الصحابه . ن : ٤٩٤
اخبارآل اعین . ن : ٣٠٠
اخبار الطوال . ن : ٣٠١
اخبار المحدثین . ن : ٤٨٧
اخباریان . د . ٦٦٥ ، ٦٦٦
اخترات‌آفاق : ن : ٦٢٥
اختری کبیر . ن : ٤١٩
اختلاف الناس (خطبه) : ٣١٨
اختیار ابن‌طاوس . ن : ٤٩٨ ، ٤٩٩
اختیاربن‌غیاث الدین‌حسین ك[٢٤٥] [٦٨٩-٦٩٢] (قاضی‌اختیار).
اختیار الدین دولتشاه . ك : ٢٤
اختیار الرجال کشی : [٤٨٢ - ٥٠١] ، ٥٢٨ ، ٥٢٩ ، ٥٤٩ ،
اخسیك . ج : ٤٦٩
اخشیدیان: ٧١٤
اخطب خوارزم ك . ٣٠٤
اخلاصیة : ٥٨٢
اخلاط . ج : ٧٥
اخلاق چهل باب . ن : ٢٠
اخلاق محسنی‌از کاشفی . ن : ١٥٥
اخلاق نظامی . ن : ٢٧١
اخیان . د : ١١٠
اخی بیك . ك : ١٨٤
ادات الفضلاء . ن : ١٢٧ ، ٤٤٤
ادرنة . ج : ٣٧٠
ادویس مازندرانی ك : ١٩٧
ادب الدنیاو الدین . ن : ١٧٤
ادب الکاتب . ن : [١-٤] ، ١٢ ، ١٥
ادبیات براون . ن : ١٨٣ ، ٢٥٠
ادبیات پارسی . ن : ١٠
ادعیهٔ تبریزی . ن : ٧٥٥ .
ادوارد براون ك : ٧٩ ، ١٧٦ ، ١٨٧ ، ٥٣٤ ، ٥٣٥ ، ٦٦٣
ادهم (ابراهیم) : ١٤٨
ادیب کرمانی . ك : ١٨
ادواء (سلسله پادشاهان) : ٤٢٢
اراك . ج : ٦٧ ، ٨٩
اربعین حدیث . ن : ٥٦٢ ، ٨٢ ، ٧٢٨ .
اربل . ج : ٦٧
ارتشاف‌الضهدة . ن : ٧١٩
ارتیاد ذهن النبیه فی‌شرح امانید الفقیه . ن : ٤٩٥
ارجوزة تاریخ امامان : ٧١٥
اردبیل . ج : ٢٣٣ ، ٣٩٠ ، ٤٦٨ ، ٤٩٥
اردشیر بابکان . ك : ٢٥٥
ازدو (زبان‌اردو) ٨٧٠٤٥
اردو باد . ج : ٤٦٨
ارزنجان . ج : ٤٨
ارزنة الروم . ج : ٤١٠
ارژنك . ن : ١٧٢
ارسطو . ك : ٧٨ ، ٢٥٥ ، ٣٣٥
ارشاد . ن : ٣٠٣ ، ٤٨٩
ارشاد الفاضل . ن : ٣٤١
ارغنون (موسیقی) ٢٠٤

ارغون خان .ك : ٥٢٦
ارکان حج . ن : ١٩٠
ارمغان . مجله : ٣١٠
ارنست بیر .ك : ٥٢٢
ارنواد آلبانی . ك : ٧٢٣ .
ارویا ج : ٤، ٦٣، ٣٤٧، ٦٧٣، ٦٧٤، ٦٨٧
ارویائیان . د : ٢١
الازکیاء . ن : ٦٢٥
ازبکان . د : ١٤٧، ٥٨٢
الازرق . ك : ٤٨٩، ٥٠٣
ازرقی . ك : ١٣٥، ١٩٦
از سعدی تاجامی . ت : ١٨٧
از ویو . ك : ٣٨٧
ازهار الریاض . ن : [٦٨٥-٦٨٦] ٧٣٥ تا ٧٣٧
ازهار مثنوی وانوار المعنوی . ن : ٢٢٣
ازهری : ٧٣٢
ازهری زین‌الدین خالد ٧١٧
ازهریه . ج : ٩٤، ٣٤٦
اساس (مقام مذهبی اسماعیلیان) : ٨٤
اساس الاصول . ن : ٦٦٥
اسپانیا . ج : ٣٨٣، ٣٨٤، ٥٥، ٥٥٨
اسپرنگر : ك ٥٣٦، ٦٣٨
اسپهبدان . ك : ٧٧، ٦٤٤
استانبول . ج : ١٢٠، ١٢٢، ١٣٩، ١٤١، ١٤٢، ١٤٥، ١٨٦، ١٩١، ٢١٧، ٢٢٩، ٢٨٩، ٣٤٩، ٣٥٤، ٣٥٥، ٣٧٠، ٣٧٥، ٣٨٧، ٣٩٣،
٤٠٠، ٤٠٥، ٤١٣، ٤٢٠، ٤٢٥، ٤٣٦، ٤٤٤، ٤٤٦، ٥٣٤، ٥٨٧، ٦٣١، ٦٤٢
استبصار . ن : ٤٧٢، ٤٨١، ٤٩٢، ٤٩٦، ٥٠٤، ٥٠٥، ٥٥٤،
الاستبصار فی عجایب الامصار : ٦٢٣
استین سن : ك : ٦٧٣
استدراك شرح موطا . ، ٥٠٢
استرآباد . ج : ٣٢٤، ٣٤٧، ٤٦٨، ٥٤٦، ٥٥٣
استرلاب : ٦٠٠، ٦١٨
استسقاء (خطبه .) : ٣١٤، ٣١٥، ٤٢٠، ٤٠٢
استعاره وتشبیه (معما ...) : ٣٩٥، ٤٠٢، ٤٠٢
استوارنامه . ن : ١١٠
استواری . ك : ٦٣٩
الاستیعاب فی معرفة الاصحاب . ن : ٤٨٥، ٤٨٨، ٤٨٩، ٤٩٠، ٤٩٢، [٥٠٠-٥٠٥]
استیعاب شرح برده : ٧١٦
اسحاق افندی . ك : ١١٠
اسحاق پاشا . ك : ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٣٨
اسحاق پسر ابراهیم . ك : ٤٥٢
اسحاق پسر عمار . ك : ٤٧٥، [٥٠٥]
اسدالفایه . ن : ٤٩٠، ٤٩١، ٤٩٢، ٥٠٢، ٥٠٣، ٥٠٤،
سید اسدالله اصفهانی . ك : ٥٧٤
اسدالله پسر مهدی دزفولی . ك : = ٢٦٣ = ٠ = ٢٦٤ =
اسدی (ناظم کلمات قصار) : ١٤١،
اسدی طوسی : ١٤٤، ٢١٦، ٤٤٤،

اسرار البراعه . ن [٦] ٧٣٨
اسرار میبزواری . ك : ٣٧٤
اسرا (سورة ...) ٦٩٩
اسرار الشهادة . ن : ٣٨١
اسرار الغیوب دوانی . ن : ٧٢٨
اسرار قاسمی . ن : ١٥٥
اسرار مکتوم غزالی مشهدی . ن ٤٣
اسعد پسر سعدالدین مفتی . ك : ٧١٨
اسفار الصباح . ن : ٤٥٦ .
اسفرآئین : ج ٤٦٩
اسفرنك . ج ٤٦٩
اسفزار . ج ٢٣
اسفندیاری محتشم . ك ٤٤٣
اسقاط (معما ...) ٣٩٥
اسقاط مثلی (معما ...) ٤٠٢
اسقاط عینی (معما ...) ٤٠٢
اسکافی . ك : ٣٠١، ٣٠٨
اسکندر . ك : ٢٨، ٢٥٥ ،
اسکندر ایکاریوس ٦٤١
اسکندر پاشا . ك ٢٧٨
اسکندر نامه . ن ٢٣٠
اسکندر نامه ضیری . ن ٤٤
اسکندر نامه علی الاعلی . ن ١١٠
اسکندر نامه نظامی . ن ٤٠، ٥٠، ٥١ ،
اسکندریه . ج ١١٩، ٣٥٧ ،
اسلام . د ٢٨، ٣٧، ٥٠، ٧٨، ٨١، ٨٢، ١١٠ ،
اسماء الرجال . ن ٤٩٣ ،
اسماء حسنی . ن ٢٣١
اسماء مصنفات : ٦٨١
اسماء مصنفین . ن ٤٨٢
شیخ اسماعیل . ك : ١٩٧
شیخ اسماعیل انقروی (اسماعیل دده)
اسماعیل بحرینی ٦٨٨
اسماعیل پاشا . ك : ٤٣٥، ٥٠٨، ٦٧٤
اسماعیل پسر علی پسر عثمان = ٤١٠ =
اسماعیل پسر قاسم (ابوعلی فالی)
اسماعیل پسر مهران ١٠٩
اسماعیل حقی ١١٩
اسماعیل دده ٩٥، ٢٢٠، ٢٢١، ٢٢٣
شاه اسماعیل دوم ٣٩٨
شاه اسماعیل صفوی ١١٩، ١٨٣٠ ،
١٨٤، ٢٤٥، ٢٨٧، ٣٤٨، ٣٧٧،
٥٨٢، ٦٣٦
اسماعیل غلام میرعلی شیر ٤٠٤
اسماعیل کمال الدین اصفهانی ٢٠٦
اسماعیل مازندرانی . ٦٠٦
اسماعیلی ك ٨٣
اسماعیلیه . د ٧٦، ٨٣ ،
اسماعیلیان در ایران و مصر . د ٨٣، ٦٧٠
اصمی (معما .) ٤٠٢
اسناد المصفی ن ٤٩٧
اسود پسر اقطیه . ك ٣٢١
الاشباه (خطبه .) ٣٠٤، ٣٠٦، ٣١٤
اشنویه . ج ٥٠٢
اشبیلی ك ٦
اشبیلیه . ج ٥٥٨
اشتر نامه . ن ٢٢٤
الاشتمال علی معرفة الرجال . ن ٤٨٩
اشرف کجك قلاون . ك ١٤٠
اشعث (خطبهٔ .) ٣١٢
اشعث کندی . ك ٣١٨
اشعة اللمعات . ن ١٨٨، ١٩٠، ١٩١
اشق قاسم ازنیقی . ك ٤٣٢
اشکانیان . د ٢٨، ٥٢٣
اشك وآه . ن ١٨١
اصالة البرائة . ن ٦٢٧
الاصابه . ن ٤٨٣، ٤٩٢، ٥٠٤،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

اصداف الدرر، ن ۱۳۹، ۱۶۱
اصطخری، ن ۶۲۵
اصطلاحات حکماء، ن ۲۷۷
اصطلاحات شعراء، ن ۱۰۷۰
اصطلاحات صوفیان، ن ۸۲۵، ۷۲۱
اصطلاحات محاسبین، ن ۲۷۷
اصطلاحات محیی الدین، ن ۳۴۹
اصطهبانات ۶۴۶
اصفهان، ج ۳۳، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۸۱، ۸۹، ۹۰، ۱۳۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۹، ۲۵۰، ۲۸۹، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۸، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۵، ۵۲۰، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۴، ۵۸۴، ۵۸۷، ۶۰۸، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۷، ۷۲۹
اصول الحدیث، ن ۳۴۸
اصول الدین (علم...) ۳۴۱
اصول فقه (علم...) ۳۴۱
اصول کافی، ن ۳۰۲
اصول المذهب، ن ۳۴۸
اصول و فروع، ن ۹۰۰
اصولیان، د: ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷
اصیل الدین عبدالله دشتکی، ک ۵۸۲، ۶۶۲، ۶۶۳
اطاعتنامه ثانی، ن ۱۰۱۰
اطباق الذهب، ن: [۶۸۶ - ۶۸۸]
اطواق الذهب، ن: ۶۸۶
اظهار و اسرار (معما...) ۴۰۲
اظهار صدق المودة: ۷۱۶
اظهر الدین، ک: ۶۷۹
الاعتبار، ن ۲۵۳
اعتصام زاده، ک ۳۹۰
اعتصامی، ک ۵۷۰، ۵۷۲
اعتضاد السلطنه: ۶۳۴
اعتماد الدوله (حاتم بیك) ۴۴۳
اعتماد السلطنه، ک ۵۸۵
اعجاز حسین، ک ۲۸۶، ۹۵۹
اعجاز (شاعر)، ک: ۷۳۲
اعجب العجب، ن ۱۴۵
اعراب الحدیث: ۷۱۲
شرح جامه ۷۱۲
اعراب عوامل جرجانی، ن ۴۳۲
الاعراب فی ضبط عوامل الاعراب، ن: ۴۳۲
اعراب القرآن، ن: ۷۱۲
اعراف (سورهٔ ...) ۶۹۹
اعرجی علی پیرمحسن صاحب عدة: ۶، ۶۲۸، ۲۷
اعشی میمون، ک ۷۲۲
اعلام زرکلی، ن ۵۴۰
اعلام النبلاء، ن: ۱۳
اعلام الوری، ن: ۴۷۲
اعلم شتمری (یوسف بن سلیمان) ۳۷۴
اعیان الشیعه، ن: ۴۹۷، ۱۲۰
۵۶۹ تا ۵۷۵، ۶۳۲، ۶۳۴
اغانة اللهفان ۷۱۸
اغانی، ن ۱۴۴، ۲۷۶، ۳۲۹
افاضة الفتاح، ن ۴۵۷
افتخار (خطبه بن): ۳۰۳
افراسیاب، ک: ۶۱۱
افغانان، ن ۶۴۵
افغانستان، ج ۷۵، ۷۷، ۲۱۲، ۵۱۵
افلاطون، ک ۷۸، ۷۲۸
اقالیم (خطبه ...): ۳۰۳
اقبال آشتیانی، ک ۲۵۴، ۴۰۶
اقبال نامه، ن: ۴۰، ۵۱، ۵۹۴
اقرب الطرق، ن: ۷۲۱
اقلیلی نحوی ۷۱۰

اقلیدس ۵۸۸
اکبر آباد، ج ۶۴۸
اکبر پادشاه، ک ۱۰۱، ۱۰۹، ۵۱۷
تا ۵۲۱، ۵۵۰
اکبر شاه هندی ۵۹۴، ۶۴۸
اکبر نامه، ن ۲۰۴، ۶۲۳، ۵۱۹، ۵۳۱
اکسفورد، ج ۴۴۶، ۷۲۴
اکسیر اعظم، ن: ۸۰
اکلیل السهج، ن ۴۹۴
اکلیل الناجی، ن ۵۷۵
اکمال، ن ۵۵۵
اکمال الهدایه ۶۰۷
اکمال منتهی المقال ۴۹۶، ۶۶۶
الب ارسلان
البرز، ج: ۶۵۵
الزام الناصب، ن: ۱۱۳
الغازخالد، ن: ۳۴۵
الغ بیك، ک: ۶۳۰
الغ خان بن محمود گیلانی، ک ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
الفیهٔ ابن مالك، ن: ۳۴۴، ۳۷۱، ۳۸۷، ۳۹۹، ۴۰۹، ۵۸۸
الوس، ۶۱۹
الوس چهارگانه جنگیزی، ن: ۶۳۰
الله آباد، ج ۵۹۴
الهیات شفاء، ن: ۵۸۸
الهی بخش، ک ۲۲۴
امامیه، ج ۳۵۴، ۴۴۷
امالی و فرق آن با تقریرات ۱۶۲
امام (مقام منصبی اسماعیلیان) ۸۴
امامت، ن ۱۲۷
امام جمعه، ک ۷۲۰
امام جمعگی (مقام مذهبی) ۶۰۸
امام داوزدهم ۵۸۰
امام زمان ۶۵۵، ۶۷۱
امام شافعی، ک ۲۳۷
امام مدنی ۱۷۶
امامقلی خان، ک ۱۲۶
الامامه والسیاسه، ن ۲
امامی هروی، ک ۶۷
الامان من التحریف، ن ۴۲۰
امانی مازندرانی (ملامحمد) ۳۸۸
امثال علی، ن ۱۳۹
امحکیم، ج ۵۵۸
امرءالقیس [۸۲۲ - ۷۲۴]
امل الامل، ن ۱۵۰، ۲۵۷، ۳۶۷، ۴۰۷
۴۳۱، ۴۹۲، ۴۹۶ [۵۰۵ - ۵۰۸]
۵۴۶، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹،
۵۷۵، ۵۹۴، ۶۵۷
امویان، د: ۵۳۰،
اموی، ک: ۵۴۸
اموی ابومحمد یحیی پسر سعید: ۳۰۰
امهات اعیان بنی عبدالمطلب، ن: ۴۰۹
امهات الخلفاء، ن: ۵۰۸
امهات الشیعة، ن: ۵۰۹
امهات النبی، ن: [۵۰۸ - ۵۱۰]، ۴۳۱،
امینی تهرانی، ک: ۱۱۵، ۱۹۹، ۴۴۹
امیرحاجبان، ک ۳۳۵
امیرالدین عبدالکافی تبریزی ☆
۲۱۳☆
امیر نظام، ک ۵۳۶
خواجه امین، ک ۲۷۹
امین احمد رازی، ک ۵۵، ۱۱۷، ۸۰،
۱۰۴، ۲۸۹، ۴۶۵، ۷۲۲
امین الدین کازرونی، ک ۴۵۴
امین الدین محمد پسر احمد، ک
= ۵۱۹
امینی عبدالحسین ۶۵۰
امیه، ج ۵۶۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

الانباری ،ك : ٤٣٢، ٧٢٢ .
انباری (عبدالرحمن) ٧٠٩
الانباری کمال الدین احمد پسر محمد ، ٥٦٠، ٥٦١
انبیاء (سوره ..) ٦٩٨
انتخابات سنائی ، ن ٥٨
انتخاب الجید [٦٨٨ تا ٦٨٩]
انتقاد (معما ...) : ٣٩٥، ٤٠٢
انجمن خاقان ، ن ٥٥، ٢٠٧، ٤٦٥
انحصاری (معما ..) ٤٠٢
اندلس ج ٢، ٢٠٣، ٨٣، ٥٠٦، ٥٥٨، ٥٥٩، ٥٦١،
اندرودریر ، ك ٢٠٨
بیخ اندیان ٦١٦، ٦١٧
انساب ، ن ٤٩٠
انساب آل ابی طالب ٦٣١
انساب سمعانی ، ن: ٣٧٦، ٣٩٠، ٥٣١
انشاء الدرر ، ن : ٢٧٣، ٢٧٤
الانصاف فی التنبیه علی الاسباب ن ٣٠٣، ٣٨٤،
انفال (سوره ..) ٦٩٩
انکیانو : ١٩٣
انگلیس (کشور ...) ١١١، ٢١٢، ٦٣٩، ٦٤٢
انوار التنزیل بیضاوی ٦٥٣
انوار حکمت ، ن: ٧٢٨
انوار سهیلی ، ن ١٥٥
انوار الشهاده ٦٨٢
انوار العقول ، ن ١١٦ تا ١١٨
انوار الفصاحه ، ن : [٤]، ١٥١
انوار المشارق ، ن : ٢٠١، ٢٠٤
انوار نعمانیه ، ن : ٥٦٢
انوار الهدی ٦٨٢
انوار الهدایه وسراج الامه ٦٨٢، ١٩٩،
انوری شاعر ،ك : ٦٧، ١٢٦، ١٣٤،
انیس الادباء ، ن : ٣٨١
انیس الوحده و جلیس الخلوه ٦٥٣
الانیس المفید ، ن : ١٤٥
الاوائل ، ن : ٤٨٤
اوائل التحریر ، ن: ٦٦٨ [٦٨٩ - ٦٩٢].
اورگنج ، ج : ٤٦٩
اورنك ،ك : ٥٢٠
اوزبکستان ، ج : ١٧٩
اوحدبن اسعد مستوفی ، ك : ١٧٠ - ١٧٣ -
اوحدالدین کرمانی ، ك : ٢٤٩
اوحدالدین محمد (انوری) ،ك: [١٢٥]
اوحدی ،ك: ١٦٦، ١٩٩،
اوحدی مراغه ای ،ك: [٢٤٨]، ٢٥٣،
اوزاتوسکی ،ك: ٤٠
اورشلیم ،ج: ٧٦ ،
اوضاع اجتماعی زمان نظامی : ٤١
اوضاع دوره ناصرخسرو: ٨١
اوضح المسالك ،ن: ٣٤٥
اوقاف کیپ (بنگاه ...) : ٣١٠
اول الدین معرفه (حدیث ...) : ٣١٠
اولیجاتو ،ك: ٥١١، ٥١٢، ٥٢٦،
اوگوست بریکنو ،ك: ٣٢٧،
اوراتوسکی ،ك: ٤٠
اوهام اصحاب التواریخ ،ن: ٤٨٨
اوهام الجمع والتفریق ،ن: ٤٨٩
اویس قرنی ،ك ١٤٨، ٥٤٠، ٥٤١،
اهلی ترشیزی ،ك: ١٨٣
اهلی شیرازی ،ك : ١٨٣، ١٨٦، ١٩٩،
٢٠٢، [٢١٠]
اهواز ،ج: ٤٨٢،
ایاتکارزریران ،ن: ٣٧
ایبك گونا بادی ،ك ٥٨٣
ایتالیا ،ج: ٤٨، ٣٢٩، ٣٨٧،
ایجاز المقال ،ن: ٤٩٤،
ایران ،ج: در بیشتر صفحه ها

ایران کوده ،ن: ١٠٩، ١١٠،
ایرانیان ،د: ٣
ایرج میرزا ،ك: ١٥٤
ایروان ،ج: ٢٠٧،
ایساغوجی ازجرجانی ،ك: ٣٤٨
ایضاح (حاشیه ایضاح) ،ن: ٢٣٥
ایضاح الاشتباه ،ن: ٤٩١، ٥٠٠، ٥١١ - ٥١٤ [٥٠١، ٥٥٠، ٥٥٦، ٥٧٣، ٦٣٩،
ایضاح الاعراب ،ن: ٢٠
ایضاح الایضاح ،ن: ٣٣٥
ایضاح المشرشدین ،ن: ٤٩٤
ایضاح المعانی ،ن: [٣٣٤]
ایوانف ،ك: ٤٠
ایوبیان ٥٨٦،
باباخان قاجار (فتحعلیشاه) : ٦١٠
باباطاهرعریان ، ٤٨، ٢٣٩،
باباعلی پسرحمزه پسرخلیل : - ٤٤٧ -
باباقانی شیرازی : [٦١]، ٢٥١،
بابایف ،ف: ٤٠
بابری (دولت ...) : ٥١٧ .
بابل ،ج : ١٠٦ .
باجی ،ك : ٥٠٢
بارعلی : ٧١١
بارون کارادوك : ٣٢٧ .
بارون مك کوکین ٦٧٩
باروبه (ج ...) : ٣٨٧
بازار عکاظ ٧٢٢
باطنی : ٨٢، ٨٣، ٧٠٧
باطنیان ، د : ٨٢، ١٠٦، ١٠٩، ١١٠،
باطنیان اسماعیلی ،د ٧٤
باطنیان کردستان [١١٠]
باطنیان گیلان ،د : [١٠٩] .
(بقطونان)
باقر (امام ...) ٥٣٩، ٥٥٠، ٥٧٦، ٧٠٣
آقا باقر بهبهانی پسر محمد اکمل ،ك ٤٧٤، ٦٤٥، ٦٤٧، ٦٦٤، ٦٦٧، ٦٦٨
باقر پسر عبدالحسین صدر ٦٨٠
آقا باقر پسر محمد تقی (آقا نجفی اصفهانی) ٤٧٩
باقر (مجلسی پکم)
باقر نواب (میرزا ...) ١٢٢
باکو ج : ٤٠، ٤١
باکوی ،ك: ٦٢٣، ٦٧٣
بالی زاده (ملامصطفی) : ٤١٨
بالکی یور ،ج : ١٠٤
بایزید ،ك : ٥٤٢
بایزید بسطامی ،ك : ١٤٨، ٢٧٩
بایزید دوم عثمانی ،ك ٣٢٦
بایزید عثمانی ،ك : ٢٧، ٤١٠
بایسنقرمیرزا ،ك: ٦١
بحارالانوار ،ن : ١٠٩، ١١٧، ١٥٨، ١٥٩، ٢٩٩، ٣٠٤، ٣٧٨، ٣٧٩، ٤٩٠، ٥٠٩، ٥٥٢، ٥٥٩، ٥٦٠، ٥٨٨، ٥٨٩، ٦٠٩، ٦٨٢
بحرالاسناب ،ن: ٦٣١
بحرالورد ،ت : ٦٥٣، ٦٥٩
بحربسر رئیس هارونی ،ك: ٧١٩
بحرالحقائق ،ن: ٧٠١،
بحرالعلوم ،ك : ٤٧٤
بحرالعلوم انصاری الکهنوی، عبدعلی پسرمحمد : ٢٢٤
بحرالعلوم بروجردی محمد مهدی پسر مرتضی نجفی : ٤٧٨، ٥٤٦، ٦١٤، ٦٢٧، ٦٦٥، ٣٧٦
بحرالعلوم محمد صادق : ٦٣٩، ٦٤٠
بحرین ،ج : ٢٨٧، ٢٩٦، ٤٨٠، ٥٨٧، ٦٤٥، ٦٥٨
بحری مصر (ممالیك ...) : ١٥
بخارا ، ج : ٢١، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٤،

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

٦٧٣٦٥٢٠٤٦٩
بحاری .ك: ٦١٣
بحاری محمد پسر اسماعیل پسر مغیره :
٥٠٢
بدءالآمال . ن ٢٣٨
بدایع : ١٩٤
بدایع نگار (محمد ابراهیم) ١٨
بدخشان . ج ، ٧٣،٧٧،١٠٧، ٤٦٩
بدخشانی ٤٦٩
بدخشی ، کمال‌الدین محمد ٣٩٤
بدرالدین بوریبی حسن بن محمد دمشقی :
٩٤
بدرالدین جاجرمی : ٦٧
بدرالدین حسن : ٥٣١
بدرالله بن حسن پسر عمر حلبی .ك ٦٧٩
بدراین زرکشی .ك: ٦٧٩
بدرالدین محمد : ٤٥٥
بدرالدین محمد پسر احمد مدنی ٤٣٥
بدرالدین محمد پسر رضی‌الدین محمد
غزی معنی شام : ٣٥٤، ٧١٨
بدرالدین محمد قدسی : ٥٠٣
بدرالدین محمود پسر احمد عینی حنفی
٤٣٢
بدرة المعانی فی ترجمة الاذانی . ن :
[١٣٨]
بدرعلی هندی : ٤٦
بدوانی : ٥٢٠
بدیع (علم ...) : ٣٤١، ٣٥٠
بدیع الزمان ابو عبدالله حسینی پسر ابراهیم
بظری : ٣٩٠
بدیع الزمان همدانی : ٤٤٥
بدیعی اندجانی یوسف شاگرد صنعانی :
٣٩٤
براون (خاورشناس) : ١٠٥، ١١٠، ١٨٣،
٣٨٨، ١٩١

بربر ، ج ٥٥٩
بربط (موسیقی) : ٢٠٤
برنلس (خاورشناس روس) ٤١،٤٠
برج بن مسهر : ٣١٦، ٣٢٣
برده (نام یك چکاوك) ٢٣٦ ـ ٧١٥،
٧٢٠
برزالی (قاسم پسر محمد دمشقی) ٤٩١
بررسی نامهای آذربایجان در (مان
نظامی . ن : ٤١
برسی شیخ رجب : ٣٠٤
برقی احمد پسر محمد بن خالد ٣٠١،
٤٨٢، ٤٨٦، ٤٨٦، ٥٠٦، ٥٥٠، ٥٧٦
برق رود . ج : ٤٨١
برقعی قمی (راهنمای دانشوران) ٢٧٧
برلن ، ج : ٧٩،٧٩، ٨٠٠، ٤٤٦، ١٠٤، ٧١،
٧٢٣
برمکیان ٦٧٧
بروخیم (چاپخانه ...) ٢٢٥
برو کلمان (خاورشناس) ٤٢٣
برهان (امضاء) ٣٩١
برهانپور ... ج ٢٢٦
برهان الدین برادرزاده گیلانی : ١٠٢
برهان‌الدین ابوالحسن علی پسر ناصر
غزنوی : ٢٦٩
برهان‌الدین بغدادی .د: ٥٩
برهان الدین نسفی : ٥١١
برهان قاطع . ن : ٣٩٧، ٥٢٠
برینش موزیوم . ج ... : ٧٣ ١٤٨
١٨٧، ٢٤٣، ٢٧٥، ٣٤٧، ٤٤٦،
٥٠٩، ٦٧٢، ٥٩٥، ٧٠٢
برید : ٤٧٣
برید پسر نوفل : ١١٤
میرزا بزرگ قائم مقام فراهانی :
١٥٣، ١٥٤

برم وصال . ن : ١٦٧
میرزا برمی .ك: ٢٠٢٥
بشارتنامه رضیعی . ن : ١١٠
بشرحافی .ك: ١٤٨، ٥٤٢
البشر الخیر البشر . ن : ٦٢٥
بشری اللبیب بذکر الحبیب . ن : [٦]
البصائر . ن : ٤٠٦
بصائر الدرجات : ن : ٣٠٤
بص (= استبصار شیخ طوسی) ٥٥٤
بصره . ج : ٣١٩، ٤٣١
بساتین العلماء . ن : ٥٣٦، ٥٨٨
باطنی سرقندی .ك: ٢٤٢، ٢٥٢،
٢٥٣
بستان افروزجان . ك : ١٤٢
بستان السیاحة . ن : ٩٠
بستان العقول . ك : ٨٠
بستانی (بطوس) ٧١١ .
بستوی، محمد پسر موسی . ك ٤١٧
بسطام . ج ٤٦٨، ٧١٧
بسطامی (بایزید) .
بطلیس . ج : ٧٥،
بطلیوسی (ابن سید) .ك ٣٨٣، ٧١٠
بطلیوسی حسن .ك ٢،
بطلیوسی عاصم : ٧٢٣
بعلبك . ج : ١٠٦
بغداد . ج : ٢، ١٤، ٣٣، ٥٩، ٦٦، ٦٧،
٨٤، ٨٩، ١٠٤، ١٠٦، ١١١، ١٣١،
١٦٢، ٢١٢، ٢٥٣، ٢٦٩، ٢٧٣،
٣٠٥، ٤٦٨، ٤٨٣، ٤٨٤، ٤٨٦،
٤٩٠، ٤٩١، ٥٠١، ٥٠٨، ٥٠٩،
٥٣٧، ٥٥٤، ٥٦٠، ٥٦١، ٥٦٧،
٥٧٠، ٥٧٩، ٦٢٧، ٦٣٨، ٧٦٣، ٧٠٧،
٧١٢
البغوی ابوالقاسم عبدالله پسر محمد .ك:
٥٠٣

بقیة الوعاة . ك : ١١٧، ١٢٧، ٣٣٤،
٣٣٨، ٣٥٧، ٣٨٦، ٣٩٠، ٣٩٩،
٤٠٠، ٤٠٧، ٤٠٩، ٤١٣، ٤٣٢،
٤٣٦، ٤٤٠، ٤٥٢، ٤٧٧، ٥٧٥
بقره (سوره ...) ٦٩٩
بقیه بقیه دهلوی .ك ١٧٧
بکتاش نقشبند .ك : ١١٠
بکتاشیان .د : ١١٠
البلاغة [٦٩٣]
بلال حبشی .ك : ٤٤٩
بلخ . ج : ٧٣، ٧٥، ٧٧، ٧٨، ١٢٥، ١٧٥،
٤٠١، ٦٥١، ٦٦٢ (و تاریخ بلخ)
البلدان . ن ٦٢٥
بلندی ابراهیم ادزنوی .ك : ٤٠٣
بلنسیة . ج: ٣٨٤، ٥٠٢ .
بمبئی ج : ٢٤، ١٦١، ١٧٣، ١٧٤، ١٨٤،
٢٢٥، ٢٦٦، ٢٦٩، ٢٧٤، ٢٧٥ ،
٢٩٩، ٣٠٦، ٣٣٩، ٤٣٦، ٤٧٣ ،
٤٧٤، ٤٨٣، ٤٩٨، ٤٩٩، ٥٠٠ :
٥٣٤، ٦١١، ٦١٤، ٦٣٦، ٦٧٣ ،
٦٧٤، ٧١١
بلوش کرانز .ك : ١٩١ ج : ٧٢٤
بندگی . ن : ٥٧٩
بنگاله ج : ١٧٩، ٥٩٥، ٦٣٩
بنگاه خاورشناسی چکسلواکی . ج :
٦١٨
بنیادگذار عقاید اسماعیله . ج : ٨٤
بنی اسد .د: ٧٠٨
بنی امیه .د: ٢٩٧، ٥٨٦، ٦٩٦
بنی زهره .د: ٥٠٦
بنی عباس .د: ٢٩٧، ٦٦٩، ٦٧٠
بنی عبدقیس (.د: ٢٩٦
بنی عبدالمومن : ٦٨٧

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

بنی علی ـ د: ٧١٤
بنی کلب ـ د: ٧٠٧
بنی مروان ـ د: ٦٧٠
بوستان سعدی (سعدی‌نامه) ـ ز: ١٠ | ١٩٣، ١٩٤
بوسعید خراز ـ ك: ٥٤٣
بوسهل زوزنی وزیر ـ ك: ٢٦
بوشنجی ـ ك: ٥٤٥
بوصیری محمد بن سعید ـ ك: ٣٥١ | ٧١٥ ـ ٧٢٠ |
بوعلی سینا ـ ك: ١٣٥، [٢٣٤] ، ٣٢٦، ٣٢٧
بوعلی طبرسی ـ ك: ١٣٨
بولاق ـ ج: ٩٤، ١٢٠، ١٧٣، ٣٤٥، ٣٤٦، ٣٨٧، ٤٠٧، ٤١٢، ٤٣٢، ٤٣٦، ٤٤٩، ٥٣٦، ٦٧٨، ٦٨٠، ٦٨٨، ٧١١، ٧٢٠
بویروغ ـ ن: ١٨٠
بهاءالدین احمد بن عبدعلی بن عبد ـ الکافی ـ کس: ٣٥٠
بهاءالدین علی بلخی حلی بن عبدالکریم ابن عبدالحمید ـ ك: ٤٩١
بهاءالدین ولد ـ ك: ٢١٧
بهاءالدین پسر حسام‌الدین ـ ك: ٢٢٠
بهاءالدین محمد بن شمس‌الدین محمد حوینی ـ ك: ٦٧، ٦٨
شیخ بهائی محمد بن حسین حارثی ـ ك: ٩٣، ١٧٣، ١٧٤، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٠ | ٢٨٩ | ٣٥٤، ٣٩١، ٤٠٦، ٤١٣، ٤٣١، ٤٤٢، ٤٣٠، ٤٥٠، ٤٥٨، ٤٨٠، ٤٩٢، ٤٩٣، ٥٠٨، ٥٤٥، ٥٦٦، ٥٧٥، ٥٧٧، ٥٨٠، ٥٩٠ | ٥٩١ | ٦٠٨، ٦٤٠، ٦٧٥
بهار ـ ك: ٢٦، ٢٥، ٢٧
بهار باران در شرح گلستان ـ ن: ١٤٢
بهاردانش ـ ن: ٥١٨
بهارستان ـ ن: ١٨٨ | ١٨٩ | ١٩٠، ٣٣٦
بهاروخزان ـ ن: ٤٤
بهبهان ـ ج: ٤٦٩، ٥٤٦، ٦٤٥
بهبهانی ـ ك: ٤٧٤، ٦٢٧، ٦٤٦، ٦٥٧
البهجة ـ ن: ٤٠٩
بهجة الحدائق السنیة گلستانه ـ ن: ٣٤
البهجة السنیة ـ ن: ١١٩
بهجة الشعراء ـ ن: ٤٦٦
بهجة المجالس و انس المجالس ـ ن: ٥٠٢
بهجة المرضیه ـ ن: ٣٧١
بهرام ـ ك: ٦٢٥
بهرامشاه ـ ك: ٥٥، ٥٧، ٥٨، ٤٧ | ٤٧
بهرام شاه غزنوی ـ ك: ٢٦٩
بهرام گورساسانی ـ ك: ٤٩
بهرام میرزا قاجار ـ ك: ٦٦٠
بهرام نامه ـ ن: ٤٤
بهرام نامه مقرره تویس ـ ن: ٤٣
بهروزوبهرام ارسنانی ـ ك: ٥٨
بهرام و گلندام ـ ن: ٤٢
بهشتی، سلیمان چلبی ـ ك: ٤٤
بهلول بغدادی ـ ك: ٢٣٧
بهلول پسر هندو پسر محمود شاه پسر عبدالله پسر محمد باقی ـ ك: ٥١٧
بهمن میرزا پسر فتحعلیشاه ـ ك: ٥٣٧
بیانی خواجه عبدالله صدر پسر خواجه محمد مروارید ـ ك: ٢٨٧
البیان (خطبه...) ـ ن: ٣٠٤
بیان (علم ـ ...) ٣٤١، ٣٥٠
البیان و التبیین ـ ك: ٢٩٦، ٢٩٧، ٢٩٨، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٣، ٣٠٧

بیاض زین‌الدین علی پسر یونس عاملی ـ ن: ٥٦٣
بیان مشکل اروی و صراط السوی ـ ن: ٤٢٤
بیانی شاعر ـ ك: ٥٣، ٢٨٧
بی‌بی (بازی ...) ٢٠٩
بی‌بی شهربانو ـ ك: ٦٦٩
بیت‌المقدس ـ ج: ٧٦، ٧٨
بیروت ـ ج: ٣٥٥، ٣٨٧، ٦١٨، ٦٤١، ٦٤٢، ٦٤٣، ٦٨٨، ٧١١، ٧١٢
بیرونی ابوریحان ـ ك: ١٢٦، ٤٤٤
بیستون ـ : ١٩٤
بیعت (خطبه...) ن: ٣١٢، ٣١٨
بیع نامه ـ ن: ٢٨٠
بیهقی صاحب الوشاح: ١١٧
بیهقی احمد پسر علی پسر ابوجعفر محمد پسر ابوصالح ـ ك: ٣٣٥ | ٣٣٩ | ٤٥٢
بارتها (پسر زمین...) ٣ ٦٩٣
بارسا تویسرکانی ـ ك: ٦١
پاریس ـ ج: ٧٢، ٧٩، ١٢٢، ١٤٥، ١٤٦، ٢٧٤، ٣٨٧، ٣٢٧، ٤٤٦، ٦٢٢، ٦٢٣، ٧٢٤
پاسخ بیراسکندرخان ـ ن: ٣٤٨
پاسخ پرسشهای حلاوی ـ ن ١٦٢
پرزورك ـ ج: ٣٤٩، ٧٢٤
پته ـ ج: ٥٩٤
پتیالی ـ ج: ١٧٥
پروین (خسرو...) ٢٥٥
پرویز رومی ٣٥٤
پریخانه (کلیات طغرا) ١٩٦
پسرابوالعلاء ـ ٥٦٤
پسر خواجه عبدالله احرار ـ ك: ٣٢٥
پسرشاه ولی سلیمانی ـ ك: [٢٣٧]
پطرس بستانی: ٧٢١
پلاو نیکا ـ ك: ٤٠
پنجاب ـ ج: ٣٣
پنج گنج دهلوی ـ ن: ١٨١
پنج گنج نظامی ـ ن: ٥٠، ٦٢٠
پنج مجلس ـ ن: ١٩٤
پندوموعظه ـ ن: ٩٠
پور محمودشاه ـ ك: ٤٥٤
پهلوان شیرعلی ـ ك: ١٩٧
پیام نو (مجله...) ٤٠
پیتابل ـ ك: ٦٨٠
پیردرویش ـ ك: ٢٧٩
پیشه‌ادیان ـ د: ٥٢٣
پیغمبر اسلام ـ ١١٦، ١٢٠، ١٢٦، ١٥٧، ١٥٩، ١٦٣، ١٩٠، ٢٣٠، ٢٣٦، ٥٧٩، ٦٥٦، ٦٦٠، ٦٦٣، ٧١٥
تاط شرا ـ ك: ١٤٤
تابعها (فصلی از کتاب) ـ ن: ٤٥١
تالیر (شاعر) ٧٣٢
تاج‌الاشعار ـ ن: ١١٨
تاج‌الدین تبریزی ـ ك: ٤١١، ٤٥٧
تاج‌الدین زاهد پسر امیر سیف‌الدین محمود ـ ك: ١٧٥
تاج‌الدین شیخ حکیم خوارزمی ـ ك: ٣٦٥
تاج‌الدین عبدالباقی پسر عبدالمجید مخزومی ـ ك: ٦٧٨، ٦٧٩
تاج‌الدین عیسی پسر محفوظ ـ ك: ٥٣٦
تاج‌الدین محمد پسر جلال‌الدین قاسم ـ ك: ٦٣٣
تاج‌الدین محمود پسر ابوالمعالی الحوازی ـ ك: ٣٣٨، ٣٦٢

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تاج سلمانی ك :٦٢٠
تاج المآثر ن : [٥١٤ـ٥١٧]٧٣٨
٧٣٩
تاج المدائح ن:١٩٦، ٢٠٤
تاج المحدثین ن:٥٧٤
تاج المصادر ن: ١٢٥، [٣٣٥ـ٣٣٩]
٤٥٢
تاج العروس ن:٤٣٥
تاج فاکهانی ك: ٤١٨
تاجك ن: ٥٢٠
تاریخ آل سلجوق ن:٦٥٣
تاریخ آل عباس ن:٥٣٧
تاریخ ابن خلکان ن:٤٤٥
تاریخ ابن مدینی ن:٤٨٦
تاریخ ابو الفداء ن :٣٣٤
تاریخ ادب اللغة ن: ٣٨٦، ٤٢٥، ٤٤٥
تاریخ ادبیات ادوارد براون ك :
١١٠، ١٧٦، ٢١١، ٣٨٨، ٥٣٥،
٦٦٣
تاریخ ایران ن: ٥٢٣
تاریخ ایران باستان وعلت عدم وجود
اطلاعات دقیق : ٣
تاریخ اکبری [٥١٧ـ٥٢٠]،
تاریخ الفی ن: [٥٢٠ـ٥٢٢]
تاریخ الهی ن:٥١٩
تاریخ باطنیان گیلان ن:١١٠
تاریخ برذالی ن:٤٩١
تاریخ بغداد ن:٤٨٩
تاریخ بلخ ن٦٥٣
تاریخ (تمدن اسلامی) ن:٢٩٦
تاریخ جهانگشای جوینی ن:٥٢٥
تاریخ جهانگشای نادری ن:٢٧٣
تاریخ جهانگیر ن:٦١٩
تاریخچهٔ معماری در ایران:٦١٧
تاریخ حافظ ابرو:٦٥٣
تاریخ حمزهٔ اصفهانی ٦٥٢
تاریخ خاتون ایادی ن: ٣٣
تاریخ دهلی ن : ١٨٠
تاریخ زادیه ن: [٥٢٢ـ٥٢٣]
تاریخ الرجال (من یروی عن الصادق)
ن:٤٨٧
تاریخ الرجال عقیقی ن :٤٨٧
تاریخ سقالیه ن:٦٥٣
تاریخ سیاقی ن : [٥٢٣ـ٥٢٤]
تاریخ شاعران در ایران ودرهند ٤٦٥
تاریخ شامهن:٦٥٣
تاریخ شاهی ن:٢٨٨
تاریخ طبری ن: ١٣٥، ٣٠٨، ٦٥٣
تاریخ صغیر ن: ٥٦٩
تاریخ عراق عرب ن: ١١٠
تاریخ علاءالدین محمدشاه خلجی ن :
١٨٠
تاریخ علماء الشیعه ن:٤٩٠
تاریخ فرشته ن:٢٢، ١٧٦، ٥٢٠
تاریخ کاکائیان ن:١١٠
تاریخ کبیر بخاری ن: ١٤٨٦، ٤٨٧،
٥٠٣
تاریخ کبیر برادر شیخ حر ن:٥٦٩
تاریخ کوچك بخاری ن:٤٨٦
تاریخ گزیده ن: ٢٢، ٢٦، ٦٠، ٦٥،
١٣٠، ١٧٠، ٦٥٣
تاریخ گیلان ن:٤٣٩
تاریخ متوسط بخاری ن:٤٨٦
تاریخ محمدی ن: [٥٢٤ـ٥٢٥]
تاریخ مصر ن:٣٢٨
تاریخ مغرب ٦٥٣
تاریخ نگارستان ن:٢١
تاریخ وصاف (تجزیة الامصار ن:)
[٥٢٥ـ٥٢٨]
تاریخ هرات ن: ٦٦٢

تاریخ هاشم خانی ن: ٥٢٠
تألیف امتزاجی (معما...) : ٤٠٢
تألیفات عزالدین محمود کاشانی :١٧٠
تألیفات ملا (حسین کاشفی): ١٥٥
تاویلات ن:١٢٧
تأییدات ن:٦٨
تبادکانی محمد : ك: ٧١٧
تبت ج :٢٣
تبریز ج: ٦١، ٦٤، ٦٥، ٧٥، ٧٩، ١٠٤،
١١٩، ١٢٦، ١٢٩، ١٤٣، ١٥٣،
٢٧٣، ٢٧٤، ٢٩٩، ٣٠٤، ٤١١،
٤٦٨، ٥٢٧، ٥٣٦، ٥٦٢، ٥٨٥، ٦٢٨،
٦٩٦
تبدیل (معما ...) : ٣٩٥، ٤٠٢
تبس ج ٤٦٨
تبصرة الصبیان ن: [٣٤٠] ٣٨٦
التبیان فی تفسیر القرآن ن: ٤٢٤
التبیان فی شرح الدیوان ٧٠٦، ٧١٣
التبیین فی اسماء المدلسین ن: ٦١٣
تتش ك : ٢٤
تتمیم الافصاح ن: ٥١٤
تتمیم امل الامل ن: ٤٩٥، ٥٠٧
تثقیف التعریف ن: [١٢ـ١٥]
تجارب السلف ن: ٢٢، ٢٥٤
التجرید ن: ٦٧٩
تجرید اسماء الصحابة ن : ٤٩١
تجرید خواجه طوسی ن: ٣٧٢، ٥٠٢
تجرید علامه ن: ٥٨٨
تجزیة الامصار (تاریخ وصاف) ن: ٤٢، ٦٩٤
تجلیات ن: ١٩٩، ٢٠٤
تجلی، علی رضا ك: ٤٥
تجنیس خط ن: ١٩٠
التجنی علی ابن جنی : ٧١٠
تجیبی هودی (سلسلهٔ پادشاهان) ٤٨٣
تحدی وصاف با کلیله ودمنه [٦٩٣، ٦٩٥]
تحریر اقلیدس ن : ٥٨٨
تحریر بطلمیوسی ن: ٤٩١، ٤٩٢، [٥٢٨ـ
٥٣٠]، ٦١٥
تحریر المیزان ن: ٦١٣
تحریر القواعد المنطقیه ن: ١٢٢
تحریك وتسکین (معما ...) ٤٠٢
تحصیل المانع ن: ٥٧٤
تحصیلی (معما ...) ٣٩٥، ٣٩٦، ٤٠٢
تحف العقول ن: ٣٠٧
تحفهٔ سنائی ن : ١٢٧
تحفة الاحباب ن: ٤٤٤
تحفة الاحباء ن: ٥٨٢
تحفة الاحرار ن: ١٩٠، ١٩٢، [٣٢٧]،
٣٣٠
تحفة الادب ن: ٤١٩
تحفة الازهار ن: ٣٢٢، [٥٣٠ـ٥٣٣]
تحفة الامیر [٦٩٥ـ٦٩٦]
تحفة الامثال ن: ٣٨١
تحفة اهل الحکمة ن: ٦٨٨
تحفة الحبیب بتحاة مغنی اللبیب ن: ٤١١
تحفة الخیالیه ن: ٦٣١
تحفة خامی ن : ٤١٩
تحفة الخل الودود فی معرفة الضوابط
والحدود ن: [٣٤١ـ٣٤٦]
تحفة الرجال وزبدة الاقوال ن: ٤٩٥
تحفة الزائرین ن: ١١٩
تحفهٔ حکیم مؤمن ن: ٣٩٧
تحفهٔ سامی ن: ٦٢، ٢٢١، ٢٨٣، ١٨٨،
٤٦٥

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تحفة السعدیه ،ن: ٥٧٤
تحفة سلیمانی ،ن: ١٨
تحفهٔ شاهی ،ن: ٣٢٦
تحفهٔ شطاریه ،ن: ٧٢٨
تحفة الصغر ،ن [١٧٦] ، ١٨١
تحفة الصلوات : ٧١٦
تحفة الطالب : ٦٣١
تحفة العراقین ،ن : ١٢٩ ، ١٣٠
تحفة العجایب : ٦٢٣
تحفة الغرایب ،ن: ٦٢٥، ٦٥٣
تحفة الغریب ، ن: ٤١١
تحفة المجالس ، ن ٤٧٠
تحفة المسافرین ،ن : ٥٤٨
تحفهٔ عشاق ،ن: ١١٠
تحفة المعانی لعلم المعانی ،ن: ٣٥٢
تحفة الملوك ،ن ١٨ ، ٢٠٧
تحفهٔ ناصری ،ن: ٤٦٦
تحفة النظار فی عرائب الامصار ٦٢٥
تحفة الولی ، ن ١٨
تحقیقات ، ن ١٩٩ ، ٢٠٤
تحقیقات العلویه ، ن: ٣٨١
تحقیق آیین صوفیان ،ن: ١٨٨
تحقیق معنی الحروف ٣٤٨
تحلیلی (معما ...) ٣٩٥
تحلیلی غیر مستقل (معما ..) ٤٠٢
تحلیلی مستقل (معما ...) ٤٠٢
تخلیص التخلیص فی علم التلخیص ،ن: ٣٥١
تخمیس لامیة العجم ،ن: ٧١٣،
تخمیسهای بوده : ٧١٥
تذکوتور: (خاورشناس): ٧٢٤
تذکرة الاحباء ،ن: ١٩٧ ، ٢٠٤
تذکرة الهی ،ن ٤٦٦
تذکرة الاولیاء ،ن : [٥٣٨] ، ٥٣٩ ، ٥٤٠ ، ٥٤١ ، ٥٤٥
تذکرهٔ میرتقی کاشی ،ن: ٦١
تذکرهٔ حزین ،ن : ٤٦٦
تذکرة الخواص ،ن ٣٠٤
تذکرهٔ خوشگو ،ن: ٥٣ ، ٤٦٥
تذکرهٔ دلگشا ،ن: ٩٠
تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی ،ن: ٣٨ ، ٥٣ ، ٦١ ، ٦٦ ، ٧٦ ، ٧٨ ، ١٢٩ ، ١٣٠ ، ١٧٦ ، ١٨٢ ، ١٨٧ ، ٢٠٦ ، ٢٤٠ ، ٢٤٢ ، ٢٤٩ ، ٢٥٠ ، ٢٥١ ، ٤٦٥ [٥٢٤ـ٤٣٥] ، ٥١٨ ، ٥٣٩ ، ٦٥٣ ، ٦٨٧
تذکرهٔ سامی (سام میرزا) ،ن: ١٢٩ ، ٢٤٦ ، ٢٤٨ ، ٢٥١ ، ٢٨٨
تذکرة التاویخ ٦٥٣
تذکرهٔ سیدن ٤٦٦
تذکرة الشعراء (تذکرهٔ دولتشاه)
تذکرهٔ عرفات ،ن ١٠٤
تذکرة العلماء المتاخرین ٤٩٤ ، [٥٠٥ـ٥٠٨]
تذکرة الغریب ،ن ٤٠٩
تذکرهٔ قاطعی ،ن ٤٦٦
تذکرة القبور ٦٦٢
تذکرة المتبحرین ،ن [٥٠٥ـ٥٠٧]
تذکرة المجتهدین ،ن ٤٩٦
تذکرهٔ ناظم تبریزی ،ن ٤٦٦
تذکرهٔ نصرآبادی ،ن ٦٨ ، ١٢١ ، ١٢٢ ، ١٢٣ ، ١٢٦ ، ١٨٣ ، ٢٠٠ ، ٢٤١ ، ٢٤٤ ، ٢٥٠ ، ٤٠١ ، ٣٩٣ ، ٤٩٤ ، ٤٤٣ ، ٤٤٤ ، ٤٦٥ ، ٥٣١ ، ٥٩٥ ، ٦١٧ ، ٦١٨
تذییلی (معما..) ، ٣٩٥ ، ٣٩٦ ، ٤٠٢
ترابی نامه ،ن ١١٠
التراجم ،از ابو عبدالله شاذانی ،ن: ٤٨٥
تراجم علماء البحرین ،ن: ٤٩٤

ترادف و اشتراك (معما ..) ٣٩٥ ، ٤٠١ ، ٤٠٢
ترتیب محمدعلی ك: ٥٨٠ ، ٦٠٠ ، ٦٩ ، ٩٨ ، ١٩٥ ، ٢٣٩ ، ٣٠٠ ، ٦٧٤ ،
ترتیب الفباء ابتی ٣٣٦
ترتیب الفباء ابجدی: ٣٣٦
ترتیب الفباء اندلسی: ٥٠١
ترتیب الفباء حلقی: ٣٣٦
ترجمان القرآن جرجانی ،ن: ٣٢٧ ، ٣٤٨ ، ٤٥٢
ترجمان اللغة ،ن [٣٤٤]
ترجمة الادب ،ن: ٣٨٠ ، ٣٨١ ،
ترجمة تاتاری برده ،ن: ٧٢٠
ترجمة تاریخ بیهقی [٥٣٦ـ٥٣٨] ٧٤٠
ترجمة تذکرة الاولیاء [٥٣٨ـ٥٤٥]
ترجمة ترکی برده ،ن : ٧٢٠
ترجمة ترکی عوامل جرجانی ،ن: ٤٣٢
ترجمة ترکی گلستان ،ن: ١٤٢
ترجمة ترکی مطول ،از آلتی ،ن: ٣٥٤
ترجمة «جزیرة الخضراء» ،ن : ٥٦٠ ،
ترجمة چهل حدیث: ١٨٨
ترجمة خطبه البیان: ١١٣
ترجمة «دانشهای کلاسیك» فارسی در دورهٔ صفوی ٤٠٨
ترجمة دیوان علی: ١١٩
ترجمة ضد کلمه حاطه: ١٣٩
ترجمة ضد کلمه علی ٢٩٠
ترجمة ضیده ابوریحان: ٤٤٤
ترجمة علی ابن طالب : ٣١٢
ترجمة عوارف سهروردی: ٢٧٠
ترجمة عهدنامهٔ مالك [١٦ـ١٨] ،
ترجمة عهد مالك ، ازروغنی: ١٨
ترجمة عهد مالك ،ازمجلسی: ١٨
ترجمة عهدمالك ،ازهادی مترجم: ١٨
ترجمة عهدمالك ،ازوفار: ١٨
ترجمة الفرج بعد الشدة ،ن: ٢٥
ترجمة قاموس المحیط: ٤٣٥
ترجمة قرآن: ٤٠٨
ترجمة کتاب جزیرة الخضراء ،ن: ٥٦٠
ترجمة مجالس: ٥٣٥
ترجمة معاد: ١٢٧
ترجمة منظوم ضد کلیه حاطه: ١٣٨
ترجمة منظوم نثر اللآلی: ١٣٨
ترجمة نهج البلاغة ١٥٢
ترجمة نثر اللآلی بفارسی: ١٤٠
ترجمة وشرح اطواق الذهب زمخشری ١٦٧ ،
ترسل عبدالواسع ،ن [١٩] [٢٨٠]
ترشیز ،ج ٤٦٨
ترك ،و: ١٢ ، ١٤ ، ٢٥٤ ، ٣١٥
ترکستان ،ج: ٧٥ ، ١٧٥ ، ٣٧٦
ترکمانی ،و: ١٩ ، ١٤٠
ترکیب (معما..) ٣٩٥
ترکیب مستقل (معما..) ٤٠٢
ترکیه ،ج: ١١٠ ، ١٣١ ، ١٤٢ ، ٢٨٠
ترمذ ،ج: ٤٦٩ ،
ترمذی ،ك: ٦٠٧
تراوروس: ١٥٣
تسبیع برده ،ن: ٧١٥
تسمیه (معما..): ٣٩٥ ، ٤٠٢
تسمیة من شهد الجمل وصفین: ٤٨٥
التسویه بین العرب والعجم: ٢٠
تسهیل (امضاء..) ٤٠٠
تسهیلی (معما..) ٣٩٤ ، ٣٩٦ ، ٤٠٢
تسهیل الفرائض: ٢٠
تشدید و تخفیف (معما..) ٤٠٢
تشریح التقویم ،ن: ٣٨١
تصحیح الاسانید: ٥٥٣
تصحیح مثنوی ٧٢٦
تصحیف (معما..): ٣٩٥ ، ٤٠٢

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

التصریح بمضمون التوضیح، ن: [۳٤٤ـ ۳٤٦] ٤۰۰
تصوف هندی: ۸۷
تضیض و تحضیض (معما...) ٤۰۲
تعازی، ن: ٥٦۱، ٥٦۲، ٥٦۳
تعبیر خواب، (علو...) ٦۰۰
تعداد النوادر، ن: ۲۰۳، ۲۰٤
تعریب و تعجیم (معما...) ٤۰۲
التعریفات، ن: [۳٤٦ـ۳٥۰]
التعریف بالمصطلح الشریف، ن: ۱۳
تعلیقات بهبهانی، ن: [٥٤٦ـ٥٤۷] ٦۰۹
تعلیقهٔ سجادیه، ن: ٦۰٦
سلطان تغلق، ك: ۱۷٥
تغلق نامه، ن: [۱۸۰]
تغییر المفتاح، ن: ٤٥۷
تفت، ج: ٦۱٦، ٦۱۷
تفتازانی، ك: ۱۳٥، ۳۳٥، ۳٥۳، ۳۷۲، ۳۷٥، ٤۰۰
تفرشی صاحب (عقد الرجال)، ك: ۳۸، ٥٥٤، ٥۷٥
تفسیر الائمه، ن: ۳٦٦ [٦۹۷، ٦۹۸] ۷٥۸
تفسیر آیة وا ای فارهبون، ن: ۱۸۸
تفسیر آیة الکرسی، ن: ٥۱۸
تفسیر آیة کلما القی [٦۹٦]
تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل)، ن: ۱۳٥
تفسیر التحریر، ن: ٤۰٦
تفسیر حسینی، ن: ۷۰۱
تفسیر الزهراوین، ن: [٦۹۹ـ۷۰۳]
تفسیر سورهٔ بقره، ن: ۹۰۲
تفسیر سورهٔ واقعه، ن: ۸۸
تفسیر سورهٔ یوسف، ٦٦۰، ٦۹۹
تفسیر طبری، ن: ٦٥۳
تفسیر قرآن، ن: ٥٦۹، ٦٦۳
تفسیر قرآن، از حسن پسر محمد اعرج: ٤۰٦
تفسیر قرآن، از ناصرخسرو: ۸۰
تفسیر کبیر: ۱۳٥
تفسیر گاز، ٦۹۸.
تفسیر محمد بن حسن شیبانی ٦٦۲
تفسیر مواهب علیه ٦٥۳
تفسیر وجیز للکتاب العزیز، ٥٦۹
تفسیر یسیر ٦٥۳
تفصیل وسایل الشیعه: ٥۰٦
تفضیل العرب علی العجم: ۳
تفلیس، ج: ۳۹
التفهیم، ن: ۱۲۷
تقریب، ن: ۲۹۹
التقریب در تفسیر قرآن: ۳٦۰
تقریرات و امالی: ۱٦۲
تقویم المیزان ٦۱۳
تقی (امام ...) ٦۷۰
تقی الدین محمد اوحدی بلیانی پسر سعد الدین، ۱۰٤، [۳۹۸]
تقی الدین (مقرتقوی) بن ناظر الجیش: [۱۰۲]
تقی زاده، ك: ۷۸، ۸۰، ۸٥، ۸۹، ۱۰٤، ۱۰٥،
تقی علی آبادی ۱۹٤
مرتقی کاشی: ٥۹، ٦۱، ۸۲، ۱۰٤، ۳۹۹، ٤٦٥، ٤٦۸، ٥۳۹
تقویم التواریخ جلیلی: ۷۳، ۷۸
تقویم المیزان ٦۱۳
تکاب بسکان، ج: ۷۸
تک خال (بازی ...) ۲۰۹
تکش خان: ۲۸٥
التکمله: ٤۹۰، ٤۹۱
تکملة امل الآمل: ٥۰۷
تکملة المعتبر: ٥۷٤
تکملة نقد الرجال: [٥٤۷ـ٥٤۸]
تکیلی (معما...) ۳۹٥، ۳۹٦، ٤۰۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تگودار پسر هولاکو: ٥۱۱
تلخیص، ن: ۳٤۱، ۳٥۱، ۳۷۲، ۳۷۷
تلخیص الاستبصار، ن: ٦۲۸
تلخیص الاقوال فی معرفة الرجال، ن: ٥٤۹
تلخیص التلخیص ملا پیر بزرومی: ۳٥٤
تلخیص التلخیص (عز الدین محمد) ۳٥۱
تلخیص التلخیص (ملا لطف الله) ۳٥۲
تلخیص التلخیص (ورالدین حمزه) ٥۳
تلخیص المفتاح: ۳۳٤، [۳٥۰ـ۳٥٥]، ۳۷٥
تلخیص المقال: ٤۹۲، ٤۹٤، ٤۹۸، [٥٤۹ـ٥٥۰]، ٥٥۳، ٥٥٤
تلمسانی سلیمان پسر علی: ك: ۹٥
تلسانی محمد پسر احمد: ۷۱٦
تلمیح: (معما ...) ۳۹٥، ٤۰۲
تمدن اسلام (تاریخ ...)، ن: ۱٤٤، ۲۹۷
تمر نامه: ٦۲۰
تمرین الطلاب فی صناعة الاعراب: ۳٤٥
التنبیه، ن: ۷۱۰
التنهید، ن: ٥۰۲
تمییز مشترکات الرجال، ن: ٤۷٤، ٤۹۳، ٤۹٦، ٥٥٦
تمیزی، از ابن الشیخ، ن: ٥۹۳
تنبور (آلت موسیقی): ۲۰٤
التنبیهات السنیه، ن: ٤۹٦
تنبیه الاریب: ٤۹٤، ٦۸۸
تنبیه العباد، ن: ۳۰۹
تنعیص (معما ...) ۳۹٥
تنقیح المرام، ن: ۷٥۸
تنقیح المقال، ن: ٤٥۷، ٤۹۷، ٥٥۳، ٥۷۳، ٥۸۰
تنکابنی، ك: ۲۷۹، ٤۰۸
التنوخی، ك: ٦۲٥
تنویر الدیباجی فی تفسیر الاحاجی: [۳٥٥ـ۳٥۹] ۳۹۱
توتمیس (فرعون ...): ۳۲۸
توبه نامه منثی: ۷۰۸
توبه (سورة ...) [٦۹۸ـ٦۹۹]
توتی نامه، ن: ۲۲۹
التوحید (خطبه ...) ۳۰٤، ۳۱۷
توحید افندی، ك: ۱۱۰
تورات، ن: ۳۲۸
توران: ج: ٤٦۹
توضیح الاشتباه والاشکال: [٥٥۰ـ٥٥۱] ٥٥٦
توضیح التذکرة، ن: ٤۰٦
توضیح خلاصة الحساب: ٥٤۸
توضیح المقال، ن: ٤۸۳، ٤۸٥، ٤۸٦، ٤۸۸، ٤۹۱، ٤۹۳، ٤۹٤، ٤۹٥، ٤۹٦، ٤۹۹، ٥۰۰، ٦٦٦
توفیق الفکیکی، ك: ۱۸
توقاتی، ك: ٤۱٤، ٤۱۷
تون، ج: ۸۹، ٤٦۸
تونس: ج: ۷٦
تویسرکانی، ك: ٤٤۲
تهذیب الاحکام، از طوسی، ن: ۱٦٦، ٤۷۲، ٤۸۱، ٤۹۲، ٥۰٦، ٥٥۳، ٥٥٤، ٥۸۸، ٦٤٤
تهذیب الکمال: ٦۰۷
تهذیب الاخبار: ٦۸۸
تهذیب اللغة: ۳۳٦، [۳٦۰ـ۳٦۳]، ٤٤۹، ۷٤۲
تهذیب التهذیب: ٦۰۷
تهذیب المنطق: ۳٦٥، ۳۷۲
تهران: ج: (در اغلب صفحات)، ج: د (چاپ تهران)
تهلیلیهٔ جامی، ن: ۷۲۸
تهلیلیهٔ دوانی، ن: ۷۲۸
تیاسب صفوی (شاه): ۱٦٦، ۳۰٥، ٥۸۱

تیمور بك . ك: ۲۷۹
تیمورتاش . ك: ۷۳، = ۸۷ =
تیمورخان . ك: ۱۹۷
امیرتیمور گورگانی: ۲۴۴، ۲۷۹، ۳۴۷، ۵۱۹، ۶۱۶، ۶۱۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۶۲
تیموری . ك: ۲۸۷، ۵۳۴، ۵۸۱، ۵۸۳
تیموربان: د: ۳۷۳، ۵۲۵، ۶۱۸، ۶۵۳، ۶۶۱، ۶۷۱
تیسیر . ن: [۳۶۳-۳۶۸]
تیغ وقلم . ن: ۲۴۷
تاءت یمانی (شعری)
ثعالبی ابومنصور عبدالملك بن محمد
ثعالبی . ك [۱۵۸]، ۳۶۸، ۵۲۸
ثعلب احمد بن یحیی . ك: ۷۴۳، ۷۴۴
ثعلبی . ك: ۶۵۳
ثقة (عدل امامی .) ۶۷۵
الثقات . ن: ۵۶۵
حاج میرزا ثقة الاسلام . ك ۵۳۶
ثمانینی (نسبت به بوی بردیك واسط) . ن: ۱۶۳
ثمرة طبی (کلیات طغرا) ۱۹۷، ۲۰۴
ثنائی ابوالقاسم قائم مقام فراهانی . ۱۵۳
ثنائی حسینی . ۴۳
ج (= یاران امام جواد) رمز: ۵۵۰
جابلسا . (شهر افسانه یی): ۱۳۵
جابلقا . (شهر افسانه یی): ۱۳۵
جاجرم . ج: ۴۶۸
جاحظ (ابوعثمان عمرو) . ك: ۴۸، ۱۳۷، [۱۵۷]، ۱۶۰، [۲۹۰]، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۲۷، [۷۲۹]، ۳۰۷، ۷۲۷، [۷۲۹].
جابر، از یاران امام باقر: ۷۰۳
جارالله زمخشری . ك ۱۴۵، ۳۵۶
جام . ج: ۴۶۸
جام جم . ن: ۲۴۹
جام جمشید . ك: ۴۳
جام جهان نما . ن: ۱۲۷
جامع الابات . ن: ۲۲۳
جامع، از جیب الدین . ن: ۵۱۱
جامع الازهر . ج: ۹۴
جامع الاسرار . ن: ۹۲
جامع الاقوال . ن: ۴۹۲
جامع بیان العلم . ن: ۵۰۲
جامع التحصیل . ن: ۶۱۳
جامع التواریخ . ن: ۷۷، ۴۶۷، ۶۵۳
جامع الحکایات عوفی [۲۱-۳۲] ۶۵۳ (جوامع الحکایات)
جامع الرواة . ن: ۳۳، ۴۸۴، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۴۹، [۵۵۱ - ۵۵۵]، ۷۴۳، ۷۴۴
جامع السنین . ن: ۱۵۵، ۶۹۹
جامع الشتات . ن: ۱۱۳
جامع کبیر . ن: ۲۰۶
جامع اللغات . ن: ۴۴۴
جامع مجارلی . ك: ۲۹۷
جامع مختصر صحاح . ن: [۳۶۸-۳۷۱]
جامع المقال . ن: ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۱۴، [۵۵۷ - ۵۵۵]، ۶۵۶، ۶۵۷.
جامع المقدمات . ن: ۴۳۲
جام گیتی نما . ن ۱۲۲
جامی . ن: ۳۲۶، ۷۰۲
جامی (نورالدین) (عبدالرحمن) . ك: ۴۲، ۵۳، ۶۰، ۶۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۴۵، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، [۳۹۵-۳۹۷]، ۳۹۸، ۴۰۱،

۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۶۸۸،
میرزاجان شیرازی . ك: ۳۵۴، ۳۷۹
جاودان عرفی . ن: ۱۱۰
جاودان کبیر . ن: ۱۱۰
جاودان نامه . ن: ۱۰۹، ۱۱۰
جب (= فهرست منتجب الدین) . رمز: ۵۵۴
جبرئیل مخلع پسر یوسف . ك: ۲۰۹
جبر واختیار: ۵۹۶
جبل طارق . ج: ۵۵۸
جبل عامل (مهاجرنشینان شیعه از جبل عامل به ایران) ۵۰۶
جبل عامل . ج: ۲۷۳، ۵۰۶، ۵۴۸، ۶۰۸
جخ (= رجال شیخ طوسی) . رمز: ۵۵۰، ۵۷۶
جذامی یوسف پسر موسی . ك: ۷۱۶
جرجانی (شریف . . .) و (عبدالقاهر . . .) . ك: ۲۹۴، ۴۶۲
جرجی زیدان . ك: ۱۴۴، ۲۹۶، ۳۸۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۴۵، ۴۵۲، ۵۰۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۳۱، ۶۳۴، ۷۲۲
الجرح والتعدیل . ن ۴۸۹
جرفادقانی . ك: ۴۶۸، [۵۳۶-۵۳۷]
جرم . ج: ۷۸
سیدجزائری (نعمة الله) و (عبدالله) . ك: ۴۷۸
جزایری علی پسرعباس . ك: ۴۸۶
جزولی عیسی پسرموسی ۷۰۹
جزیرة اخضر . ج: ۵۵۷
جزیرة الخضرا . ج: ۵۵۷
جزیرة خضر . ج: ۵۵۷، ۵۵۹
جزیرة الخضراء . ج: [۵۵۷، ۵۵۸]
جزیرة رقطه . ج: ۵۵۹
جزیرة صاحب الزمان . ن: [۵۵۷-۵۶۳]
جزیرة مشوی . ن: ۲۲۲
جش (= رجال نجاشی) . رمز: ۵۴۹، ۵۷۶
جعفر بن حیان . ك: ۵۰۵
جعفر بن فضل برمکی: ۶۸۰
جعفر پسرابوسعید شوان . ك: ۴۲۳، ۲۲۴
جعفر پسرشیخ خضر . ك: ۴۲۹
جعفرجهان پسر ابن الشیخ ۵۹۲
شیخ جعفر سلطان العلماء: ۶۳۵
جعفر سلطان القرائی . ك: ۱۱۹
جعفر صادق (امام . . .) . ك: ۱۳۴، ۱۴۸، ۵۴۰، ۵۴۱، ۷۰۳
شیخ جعفر قاضی . ك: ۵۵۳، ۵۵۴
جعفر کاشف الغطاء: ۶۲۷
جغتای . د: ۶۱۹، ۶۳۰
جغرافیا نگاری (تاریخچهٔ . . .) . ۶۲۱
جق زاده . ك: ۷۱۹
جلاءالاذهان . [۶۹۸]
جلال اردستانی . ك: ☆ ۲۰۲
جلال پسرقوام شارح برده . ك: [۷۱۵-۷۲۱]
جلال (دوانی) . ك: ۹۲۱، ۱۱۵، ۳۷۲، ۵۸۱
جلال الدین ابوالفرج علی پسرنقی . ك: ☆ ۳۵۷
جلال الدین پسر سید عضدالدین (جلال عضد)
جلال الدین حسن پسر علی ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۵
» حسینی . ك ۶۳۱
» خجندی . ك: ۷۱۶
» خجندی (احمد پسر محمد) . ك: ۷۱۶
» خوارزمشاه . ك: ۱۱۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

جلال الدين رسولا پسر احمد ، ك : ٣٥١
جلال الدين رومى (جلال الدين محمد بلخى)، و (مثنوى) ، و (ملاى رومى)
جلال الدين سيوطى : ١٣، ٩٤، ٣٧١، ٤١١، ٤٥٠، ٤٥١، ٤٨٤
جلال الدين فريدون بن (عكاشه)، [٢٧٦ـ ٢٧٧]، ٢٧٨، [٢٨١]
جلال الدين (محدث رومى) : ك : ٤٨١
« محمد اكبر شاه ، ك : ٦٤٧
« محمد بلخى (ملاى رومى) و (مولوى)، ك : ٢١٦، ٢٢١
« محمد پسر عبدالرحمان پسر احمد خجلى قزوينى دمشقى شافعى ، ك [٣٣٤] [٣٥٠ـ ٣٥٥]
« مصحح ديوان متنبى ٧١١
جلال عضد ، ك : [٢٤٠ـ٢٤١] ٢٥٢
جلال فراهانى ، ك : ٤٢
جلال همائى ، ك : ٦٣٦
جلال يمانى ، ك : ١٧٠
جلايرنامه ، ن ١٥٤
جلوتى افتابولى ، ك : ٢٢٤
جلودى ابو احمد عبدالعزيز ، ك ٣٠٢، ٤٨٧
جلوسيه ، ن : ٢٠١، ٢٠٤
جلوه (مجلهٔ ...) ٣٧٤
جلبلى پرسوى ، ك : ٤٣
شاهزاده جم ، ك : ١٨٣
جمال الاسبوع ، ن : ٥٥٩
آقا جمال خوانسارى ٥٥٣، ٥٨٨
جمال الدين (ابن الاعرج) ، ك : ٤٩١، ٤٩٢
جمال الدين ابن محمود (شاه ابو اسحاق)، ك : ٥٨٣
جمال الدين ابو عبدالله ، ك : [٣٨٦ـ ٣٨٧]
جمال الدين ابو عمرو عثمان پسر عمر پسر ابوبكر (ابن حاجب)
جمال الدين ابو محمد عبدالله پسر يوسف، ك : ٤١٠، ٤١٢
جمال الدين ابو منصور : ٥١١، ٥١٤
« احمد پسر على ، ك : ٦٣٢
« اصفهانى (جمال الدين محمد پسر عبدالرزاق (خلاق المعانى)
« الغ بك : ٥٣٧
« اينجوى ، ك : ٤٤٣
« حبشى ، ك : ١٥١
« عطاءالله ، ك : [٥٨١ـ٥٨٤] ٦٦٣
« محمد آخسرانى ، ك ٤٥٥
« محمد پسر ابن فارض ، ك ٩٣
« محمد پسر عبدالرزاق ، ك : ١٣٥ [٢٠٥ـ٢٠٦] ٦٨٧
« محمود ، ك : ٣٧٩
« مظهر (علامه حلى) :
جمال الملك النظامى ، ك ٣٨٩
جمع اضداد ، ن ٦٩٤
جمع الجوامع ، ن : ٤٥١
جمل ، ن : ٣٠٠
جمل جرجانى ، ن : ٣٨٢
جمل زجاجى ، ن : ٣٨٢، ٣٨٣، ٤٤٧
جمل النحو ، ن : ٤٣١، ٤٤٧
جمل واقدى ، ن : ٣٠٧
الجموع والمصادر ، ن : ٤٣٥

جمهرة اشعار العرب ، ن : ٧٢٢
جمهورى شورؤى ، ج : ٤٠، ٤١
جميز و هوس انگليسى ، ك : ١٤٥
جميل پسر دراج ، ك : ٤٧٣
جنات وصال ، ن : ٨٩، ٩٠
الجنان ، ن : ٦٧٨
جنبش دهقانان جنوب فرات : [٧٠٧ـ ٧٠٨]
جنبش زنكيان : ٣١٥، ٧٠٨
جنبش ضد عربى ، ن : ٨٢ تا ٨٤
جنبش قرامطه ، ك : ٨٣، ٧٠٨
جنبش مزدك ، ٧٠٨
جنة الاثار ، ن : ٤٣
جندح (امرءالقيس)
جنس انگليسى : ٧٢٣
جنسن انگليسى ، ك : ٧٢٣
جنة المأوى ، ن : ٥٦٣
جنك و كشكول و تاريخچهٔ آنها ١٧٢
الجنى الدانى فى حروف المعانى ن : ٤٠٠
جنيد بغدادى ، ك : ١٤٨، ٥٤٣
جواب پرسشهاى هندوستان ، ن : ١٨٨
جواب نود و يك پرسش ، ن : [٨٠]
جواد (امام...) : ٥٥٠، ٥٧٦
جواد پسر كاظم پسر محسن ، ك : ٤٠٦
جواليقى ، ك : ٢
جوامع الحكايات و لوامع الروايات : [٢١ـ٣٢]
جوانمردى وفتوت : ٥٩٧، ٦٣٣
جواهر الاخبار ، ٢٦٧، ٣٨١
جواهر الاخلاق ، ن : ٢٨٨
جواهر الادب ، ن : ١٤٤
جواهر الاسرار ، ن ١٤٧، ١٤٨، ١٥٥، ٢٢٢
جواهر التفسير ، ن : ١٥٥ [٦٩٩ـ٧٠٣]
جواهر خسروى ، ن : [١٨٠]
جواهر الملوك ، ن : ٥٠٤
جواهر العقود ، ن : ٤١٩
جواهر الكلام ، ن ٣٣، ٥٦٩
جواهرنامه ، ن : ٤٦
جوش بابل ، ن : ١٩٨، ٢٠٤
جوكنامه ، ن : ٥٢٠
جولقى ، ك : ٦٢٥
جونس ويليام ٧٢٣
جونپور : ٥٩٤
الجوهرة فى نظم السيرة ، ن : ٥٧٤
جوهرى ، ك : ٣٣٦، ٣٦٩، ٤١٩، ٤٢٧، ٤٣٤، ٤٣٩، ٤٤٩، ٤٥٢
جوهرى طنطاوى ، ك : ٤٥٤
جوهريه ، ن : ١٢٧
جوين ، ج : ٨٧
جوينى (صاحب ديوان) ، ك : ٦٧
جهادية بزرك ، ن : ١٥٤
جهادية كوچك : ١٥٤
خواجه جهان ، ك : ٢٧٩
جهان آرا ، ن : ٢٦، ٦٧٧
جهان بينى صوفيان و طرز تفكر آنها ، ٢١٨
جهانشاه پسر گيوميكالى ، ك : ٧٩، ١٠٧
جهانشاه قره قويونلو تركمان ، ك : ٢١٥
جهانشاه لارى ، ك : ١٠١
جهانگردهروى ابوالحسن على ٦٢٥
جهانگشاى جوينى ، ن : ٥٢٥، ٦١٩
جهانگشاى نادرى ، ن : ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤، ٥٢٥

كتابخانه مركزى دانشگاه تهران
library.utac.ir

جهانگیر ، ك : ۵۲۰، ۵۹۴، ۶۴۸
جهانگیرنگر : ۵۹۴
جهان‌نامه : ۶۵۳، ۶۷۲
جهینه ، د : ۵۶۴
چاپ ازهریه : ۷۱۴
چاپ ادبیة :
چاپ استانبول (استانبول)
چاپ ایران : ۱۲، ۱۴۲، ۱۹۴، ۱۲۵۴، ۲۷۴، ۳۰۰، ۳۷۵، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۳
چاپ بولاق (بولاق)
چاپ تهران ۵۸۵، ۵۹۵، ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۰۱
چاپخانه تهران :
چاپخانه حیدری : ۶۳۹
» دارالمأمون : ۶۸۰
» علمی : ۲۲۵
» عبدالرزاق : ۴۴۹
» علی گره : ۱۹۵
» الغری : ۶۵۸
» میمنه : ۲۵۷، ۷۲۴، ۶۸۰
» وطن : ۶۸۰
چاپ مصر : ۹۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۴، ۲۲۸، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۹۶، تا ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۰، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۸۴، ۴۰۰، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۲۳، تا ۴۲۵، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۵۵
۴۸۶، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۵۶، ۵۵۸، ۶۲۳، ۶۳۱، ۶۸۰، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۴
چاپ نجف (نجف) .
چاه وصال . ن : ۴۵
چچکنو . ج : ۴۶۹
چشمهٔ زنجبیل : ۷۲۸
چشمهٔ فش . ن : ۲۰۱، ۲۰۴
امیرچقماق : ۶۱۶
چك اسلواکی . ج : ۶۱۸
چکامهٔ بائی ابن‌معتز : ۷۱۴
چکامهٔ برده : [۷۱۵ـ۷۲۰]
چکامهٔ شافیه : ۷۱۳، ۷۱۵
چکامهٔ عینی ابن‌سکره : ۷۱۴
چکامهٔ لامی وطواط . ن : ۱۷۱
چکامهٔ میمی ابن‌فارض . ن : ۱۷۱
چکامه‌های پارسی . ن : ۱۹۳
چکامه‌های تازی . ن : ۱۹۳
چلبی (حاجی خلیفه) . ك : ۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۴۲، ۷۳، ۷۸، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۶۲، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۹، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۲، ۶۶۰، ۶۷۲، ۶۷۷، ۶۷۸، ۷۱۵، ۷۱۸

چنگیزخان . ك : ۵۲۶
چورنك (بازی) : ۶۰۲
چوگان (بازی) : ۶۰۲
چهارمقاله . ن : ۱۳۰
چهل حدیث جامی . ن : ۱۳۶، ۱۹۰
چهل حدیث و تاریخ آن : ۱۳۶، ۷۲۹
ح (= ممدوح) : ۶۷۵
حاتم اصم . ك : ۵۴۲
حاتم پسرعمران پسر کریم : ۴۲۲
حاتمی ابوعلی محمد : ۷۱۰
حاتمیه . ن : ۷۱۰
حاجب سعید : ۵۲۱
حاجب کبیرشهاب‌الدین : ۲۸۵
شیخ حاجی : ۶۱۶
حاجی بابا پسرابراهیم طوسی : ۴۳۲
حاجی خلیفه (چلبی) : ۳۸
حاجی‌محمد پسرخواجه احمد : ۵۳۵
حاجی نوری : ۱۵۱، ۳۰۰، ۳۰۹، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۹۵، ۴۹۸، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۵، = ۶۳۰، = ۶۸۵
حارث پسرسعید پسرحمدان (ابوفراس)
حارث‌محاسبی . ك : ۵۴۲
حارث حلزه : ۷۲۲، ۷۲۴
حارث یشکری . ك : ۷۲۲، ۷۲۴
حاشیهٔ آداب‌البحث عضدی (ازجرجانی) . ن : ۳۴۸
حاشیهٔ ابوالفتح برحاشیه دوانی . ن : ۳۷۲
حاشیهٔ اربعین بهائی : ۶۸۵
حاشیهٔ ایضاح‌المعانی از شمس‌الدین جزری . ن : ۳۳۵
حاشیهٔ بدرالدین محمد مدنی برشرح قاموس حلبی . ن : ۴۳۵
حاشیهٔ بستوی برشرح مفتاح‌العلوم جرجانی . ن : ۴۱۸
حاشیهٔ بهائی برخلاصة‌الاقوال . ن : ۵۶۶
حاشیهٔ تحریر اقلیدس از میبدی . ن : ۱۲۲، ۵۸۸
حاشیهٔ تحریر مجسطی ازمیبدی . ن : ۱۲۲
حاشیهٔ تفتیر بیضاوی ازهاذی مترجم . ن : ۴۰۸، ۶۸۵
حاشیهٔ جمل از جزولی نحوی . ن : ۳۸۳
حاشیهٔ تهذیب شیخ طوسی . ن : ۵۸۸
حاشیهٔ شریف جرجانی برعوامل عبدالقاهر جرجانی . ن : ۴۳۲
حاشیهٔ جرجانی برمطول . ن : [۳۷۵، ۳۷۶]
حاشیهٔ جرجانی بروافیه‌ملی شرح‌الکافیه . ن : ۴۶۲
حاشیهٔ حاشیهٔ خطابی (خفایی) برمطول ازملامیرزاجان شیرازی . ن : ۳۵۴
حاشیهٔ حاشیهٔ کهنهٔ دوانی . ن : ۵۸۸
حاشیهٔ حجة‌الاسلام . ن : ۵۸۸
حاشیهٔ حمیدی برشرح مفتاح‌العلوم . ن : ۴۱۷
حاشیهٔ خطائی برمختصر ملاحامدغفاری . ن : ۳۵۴
حاشیهٔ خطابی . ن : ۳۷۶

دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه
library.ut.ac.ir

حاشیهٔ خطایی (ختایی) بر مطول . ن :
[۳۷۶ تا ۳۷۹]
حاشیهٔ خطائی بر مطول از ملا حامد غفاری.
ن : ۳۵٤
حاشیهٔ خطائی ملازاده بر شرح مفتاح العلوم
ن : ٤۱۷
حاشیهٔ سامرائی بر شرح مفتاح العلوم
جرجانی . ن : ٤۱۷
حاشیهٔ سبزواری بر شرح میبوطی . ن :
[۳۷۱ تا ۳۷٤]
حاشیهٔ سعدی پسر تاجی بیك بر شرح
مفتاح العلوم . ن : ٤۱۷
حاشیهٔ سلیمان ماحوزی بر خلاصة الاقوال.
٥٦٦
حاشیهٔ میرسید شریف جرجانی بر مطول.
ن : ۳۷۹
حاشیهٔ سیوطی . ن : ۳۷۱، ۳۷۳
حاشیهٔ شرح اصفهانی بر تجرید (از جرجانی)
ن : ۳٤۸
حاشیهٔ شرح اشارات . ن : ٥۸۸
حاشیهٔ شرح نوین تجرید ترمذی . ن :
۱۲۷
حاشیهٔ شرح رضی بر کافیه (از جرجانی).
ن : ۳٤۸
حاشیهٔ شرح شمسیهٔ جرجانی . ن : ۳٤۸
حاشیهٔ شرح کافیه (شرح هندی) (از نوقانی)
ن : ٤۱٤
حاشیهٔ شرح کافیه (شرح هندی) از غیاث
الدین منصور . ن : ٤۱٤
حاشیهٔ شرح کافیه (شرح هندی) از کازرونی.
ن : ٤۱٤
حاشیهٔ شرح میانه کافیه (از جرجانی).
ن : ۳٤۸
حاشیهٔ شرح مطالع (از جرجانی) . ن :
۳٤۸
حاشیهٔ شرح مفتاح العلوم از محمد پسر حمزه
فناری . ن : ٤۱۷
حاشیهٔ شیروانی بر حاشیهٔ غیاثی ن : ۳۷۲
حاشیهٔ صحیفهٔ مجادیه . ن : ٥۸۸
حاشیهٔ طاشکبری زاده بر شرح مفتاح
العلوم جرجانی . ن : ٤۱۷
حاشیهٔ عزالدین حسینی جبعی بر خلاصة
الاقوال . ن : ٥٦٦
حاشیهٔ عجمی بر شرح مفتاح العلوم جرجانی
ن : ٤۱۷
حاشیهٔ علی اکبر یزدی بر سیوطی [۳۷٤]
حاشیهٔ علی منق بر شرح مفتاح العلوم
جرجانی . ن : ٤۱۸
حاشیهٔ غیاث الدین بر حاشیهٔ شریفی . ن :
۳۷۲
حاشیهٔ الفتح القریب . ن : ٤۱۱
حاشیهٔ فناری (حاشیهٔ شرح مفتاح).
حاشیهٔ فواید شیخ میثم بحرینی (از جرجانی).
ن : ۳٤۸
حاشیهٔ قاضی زاده بر شرح مفتاح العلوم
جرجانی . ن : ٤۱۸
حاشیهٔ قاضی نورالله بر حاشیه های خطائی
ن : ۳٥٤
حاشیهٔ قواعد علامه . ن : ٤۰۸
حاشیهٔ کشاف در تفسیر (از جرجانی). ن :
۳٤۸
حاشیهٔ کرمانشی بر شرح مفتاح العلوم
جرجانی . ن : ۳٥۳، ٤۱۷

حاشیهٔ کهنهٔ جلال الدوانی . ن : ۳۷۲
حاشیهٔ ماجد بحرینی بر خلاصة الاقوال .
ن : ٥٦٦
حاشیهٔ مجدی درانساب . ن ٥۸۸
حاشیهٔ مجمع التواریخ مرعشی . ن :
٦۳۲
حاشیهٔ محمد سبط بر خلاصة الاقوال .
ن : ٥٦٦
حاشیهٔ محمد پسر سنان الدین یوسف
بر شرح مفتاح العلوم جرجانی .
ن : ٤۱۸
حاشیهٔ محمد پسر ساری کرز بر شرح
مفتاح العلوم جرجانی . ن : ٤۱۸
حاشیهٔ محمد پسر عبدالله بردافیه فی شرح
کافیه . ن : ٤٦۲
حاشیهٔ محمد پسر علی عاملی
بر خلاصة الاقوال . ن : ٥٦٦
حاشیهٔ مختصر حسام زاده ملا مصلح . ن :
۳٥۳
حاشیهٔ مختصر شهاب الدین احمد پسر
قاسم عبادی ازهری . ن : ۳٥٤
حاشیهٔ مختصر ملا عبدالله یزدی . ن : ۳٥٤
حاشیهٔ مختصر سید احمد معلم مشقی .
ن : ۳٥٥
حاشیهٔ مختصر عبدالدین پسر افضل .
ن : ۳٥۳
حاشیهٔ مختصر شیخ الاسلام هرات . ن :
۳٥۳
حاشیهٔ مختصر ملا نظام الدین عثمان .
ن : ۳٥۳
حاشیهٔ مختصر ملا یوسف پسر حسین
کرمانشی . ن : ۳٥۳، ٤۱۷
حاشیهٔ مختصر الاصول ابن حاجب .
(از جرجانی) : ۳٤۸
حاشیهٔ مختصر ابن حاجب . ن : ٥۸۸
حاشیهٔ مختصر نافع (از برادر شیخ حر).
ن : ٥٦۹
حاشیهٔ مدارك : ٦۸٥
حاشیهٔ مرزیفولی بر شرح مفتاح العلوم
جرجانی . ن : ٤۱۷
حاشیهٔ مساعد جوزی بر خلاصة الاقوال.
٥٦٦
حاشیهٔ مسالك فاضل جوادی . ن : ٥۸۸
حاشیهٔ مشارق خوانساری . ن ٥۸۸
حاشیهٔ مصباح المنیر . ن : ٦۲۸
حاشیهٔ مصنف علاءالدین بر شرح
مفتاح العلوم میرسید شریف . ن :
٤۱۷
حاشیهٔ مطول از ابوالقاسم پسر ابوبکر
لبنی سمرقندی . ن : ۳٥۲
حاشیهٔ مطول از ملا احمد طاشی . ن .
۳٥۲
حاشیهٔ مطول از احمد پسر عبدالله فریمی.
ن : ۳٥۲
حاشیهٔ مطول از شیخ بهائی محمد پسر
حسین حارثی . ن : ۳٥٤
حاشیهٔ مطول از جرجانی . ن : ۳٤۸
حاشیهٔ مطول از ملا حسن پسر عبداحمد
سامسونی ن : ۳٥۲
حاشیهٔ مطول از حسن پسر محمد شاه فناری.
ن : ۳٥۲
حاشیهٔ مطول از حسین پسر شهاب الدین

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کرکی . ن : ۳۵۵
حاشیهٔ مطول از میرسیدشریف جرجانی .
ن : ۳۵۱
حاشیهٔ مطول از شمس‌الدین پسر جمال‌الدین
اهری . ن : ۳۵۵
حاشیهٔ مطول از شمس‌الدین محمد پسر
احمد باطلی . ن : ۳۵۲
حاشیهٔ مطول از میرصدرالدین محمد شکی
ن . ۳۵۳
حاشیهٔ مطول از سیدعبدالله جزائری . ن :
۳۵۵
حاشیهٔ مطول از عبدالحکیم سیالکوتی
حاشیهٔ مطول شیخ عبدالنبی نوری تهرانی
ن : ۳۵۵
حاشیهٔ مطول از علاءالدین علی پسر محمد
شاهرودی . ن : ۳۵۲
حاشیهٔ مطول از قطب‌الدین احمد امامی
هروی . ن : ۳۵۱
حاشیهٔ مطول از محمد پسر حسن پسر
زین‌الدین شهید . ن : ۳۵۴
حاشیهٔ مطول از مصلح‌الدین محمد لاری .
ن : ۳۵۴
حاشیهٔ مطول از میرزاجان شیرازی .
ن : ۳۵۴
حاشیهٔ مطول از ملا نظام‌الدین عثمان خطابی
ن : ۳۵۳
حاشیهٔ مفتی محمد عباسی بر قاموس
المحیط . ن : ۴۳۵
حاشیهٔ ملاعبدالله یزدی بر حاشیهٔ خطائی
ن : ۳۵۴ [۳۷۹-۳۸۰] و ۷۴۵،
۷۴۶
حاشیهٔ من لایحضر . ن : ۵۸۸
حاشیهٔ میرحسن بر شرح مفتاح‌العلوم
جرجانی . ن : ۴۱۸
حاشیهٔ نو بر جلال‌الدوانی . ن : ۳۷۲
حاشیهٔ نوین جلال‌الدوانی . ن : ۳۷۲
حاشیهٔ نهج‌البلاغه از کلستانه . ن : ۳۴
حاشیهٔ یلی بر خلاصة‌الاقوال . ن : ۵۶۶
حاشیهٔ وافی فیض . ن : ۵۸۸، ۶۲۸
حاشیهٔ وافیه‌الاصول . ن : ۶۲۸
حاشیهٔ یکانی بر شرح مفتاح‌العلوم جرجانی
ن : ۴۱۷
حاشیه‌های ملاعبدالله یزدی بر مطول
و شرح‌چغمینی . ن : ۳۵۴
حاشیه‌های ابن‌مالک بر کافیه . ن : ۴۱۵
حاشیه‌های آقارضی قزوینی بر حاشیه‌های
خطائی . ن : ۳۵۵
حافظ : ۱، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۹۲،
۵۶۱، ۶۲۰
حافظ ابراهیم : ۴۶۳
حافظ اویسی : ۴۴۴
حافظ پسر عبدالکریم : ۸۶=
حافظ رضی‌الدین رجب : ۱۱۲
حافظ شیرازی : ۵۱، ۱۲۷، ۱۷۲، =
۱۷۹=، ۱۸۳، ۴۵۴
حافظ عادل (عادل پسر علی) : ۱۵۷
حافظ میرک‌علی : ۱۹۷
الحافل . ن : ۶۱۳
حاکم - : ۵۰۱

حالی خوشنویس : ۱۴۰، ۱۶۱
حامد پسر جمال بخاری : ۴۶
حامد عطاری : ۳۵۴
حاوی‌الاقوال : ۱۶، ۴۹۲
حبانی حسینی پسر محمد : ۶۰۷
حبشه . ج : ۳۲
حبیب‌الله (خواجه) : ۶۳۶
حبیب‌الله رشتی : ۵۹۱ .
حبیب پسر اسحاق پسر عثمان پسر محمد
۴۰۶
حبیب‌الدین محمد پسر علی اصفر : ۵۳۷
حبیب‌السیر . ن : ۲۲، ۶۰، ۶۵، ۱۴۷،
۱۸۷، ۵۲۱، ۵۲۵، ۵۸۲، ۶۱۸،
۶۲۰، ۶۳۶، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۷۲،
۶۷۴
حبیب عجمی . ك : ۱۴۸، ۵۴۱
حج (سورهٔ ...) : ۶۹۸
حجاج یوسف . ك : ۲۹۷
حجاز . ج : ۵۴، ۸۷، ۹۳، ۵۷۱، ۵۸۷،
۶۶۵
حجت (مقامی در اسماعیلیان) ۸۳، ۸۴
حجة‌الاسلام . ن : ۵۸۸
حجة‌الاسلام شفتی . ك : ۴۷۱، ۴۷۴،
۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵،
۵۰۵، ۵۵۶، ۵۶۴، ۶۸۲
حجر (سورهٔ ...) : ۶۹۹
حدائق . ن : ۲۵۸، ۶۴۶
حدائق‌الحقایق : [۳۳]، ۱۱۸، ۶۵۹
حدائق‌العجم . ن : ۱۲۷
حدائق‌المقربین : ۱۶۳، ۴۹۴
حدائق ناشره . ن : ۶۲۸
حدود و ذیانت . ن : ۴۰۸
حدیث (فصلی از کتاب) : ۶۰۰
حدیث اول‌الدین معرفته . ن : ۳۱۰
حدیث عماء . ن : ۷۲۸
حدیقه (بختی از کتاب) : ۳۴۰
حدیقة‌الانظار : ۴۹۶
حدیقة‌الانیقه . ن : ۱۱۸
حدیقة‌السعداء : ۴۴
حدیقة‌الحقیقه و شریعة‌الطریقة از سنائی
ن : ۲۵، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰،
۱۴۷، ۲۶۸، ۲۶۹
حدیقة‌الشعراء : ۱۹۵
حدیقة‌الشیعه : ۵۶۲
حدیقة‌المتقین : ۶۰۹
حران . ج : ۷۶
حرانیان . د : ۸۳، ۸۴
شیخ حر عاملی : ۴۳۱، ۴۷۸، ۴۸۳،
۴۹۴، ۴۹۹، [۵۰۶-۵۰۸]،
۵۶۶، ۵۶۸، ۵۹۴
حر پسر یزید ریاحی . ك : ۶۷۱
حرفهای اسلی : ۳۶۰
حرفهای زلفی : ۳۶۰
حرفهای سهوی : ۳۶۰
حرفهای شجری : ۳۶۰
حرفهای غوائی یا جوفی : ۳۶۰
حرفی (معما ...) : ۴۰۲
حروف : (علم ...) : ۱۱۱، ۶۰۰، ۶۰۲،
۷۰۲
کتابچهٔ حروف : ۱۱۱
حروف ابجدی و اثر آن در نظر
اسماعیلیان : ۸۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حروف جمل و اسماعیلیان : ۱۰۶
حروف حلقی : ۳۶۱
حروف معجم : ۵۷۵
حروفیان در ایران و ترکیه و عراق :
د، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۶۴۲
حروفیان کردستان [۱۰۹] ، ۱۱۳
حروفیان صوفی : ۶۴۲
حریز بجلی ك: ۳۱۹
حزنی (شاعر) ۷۳۲
حساب (معما...) : ۳۹۵
حساب (علم...) : ۶۰۰
حسام‌الدین پسر محمد حکیم باشی شیرازی
ك: ۷۲
حسام‌الدین چلبی ك. ۷، ۲۱۹، ۲
حسام‌الدین حسینی اوقانی . ك: ۴۳۲
حسام‌الدین کانی ، ۴۵۶
حسام‌الدین مؤذنی خوارزمی : ۴۵۶
حسام‌زاده ملامصلح‌الدین پسر ملاحسام
رومی ۳۵۳
حسامی نامهٔ منثوی ن، ۲۲۱
حسن . (خطهٔ) : ۳۱۷
حسن = ایکو (روایت...) ۴۷۱
حسن : ۴۱۸
حسن بصری صوفی : ۱۴۸، ۵۴۱
حسن بوزینی : ۱۶۹
سلطان حسن بیك : ۱۰۱
حسن پسر ابوطالب طباطبائی : ۴۷۴
حسن پسر حسین تالش ، ۷۱۹
حسن پسر داود (ابن‌داود) : ۴۷۴
حسن پسر زین‌الدین بن علی: ۵۲۹
حسن پسر سعید : ۶۲۵
حسن پسر سلیمان حلی : ۲۹۹، ۳۰۴،
۱۶۳
حسن پسر شدقم (حسن پسر علی...)
حسن پسر صباح : ۳۸۶
حسن پسر عبدالصمد حدیقی : ۷۰۷
ملاحسن پسر عبدالصمد سامسونی : ۳۵۲
حسن پسر عبدالمؤمن خوئی مظفری :
[۲۹۲]
حسن پسر علی (امام...) : ۳۱۷، ۳۱۹،
۳۲۰، ۵۳۱، ۵۵۰، ۵۷۶، ۶۷۰
حسن پسر علی بن مثال : فطحی ۴۷۳،
۴۷۴، ۴۸۶
حسن پسر علی (ابن شعبه)
حسن پسر علی پسر حسن پسر علی پسر
شدقم حسینی مدنی : = ۳۲۲ = ۵۳۱
شیخ حسن پسر علی عاملی : ۴۹۴
حسن پسر علی یزدی کتنوی ۶۸۱، ۶۸۲
حسن پسر فتح الله شاعر : ۴۴
حسن پسر محبوب : ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۸۵،
۷۶۰
حسن پسر محمد پسر حسین (نظام اعرج)
[۴۰۶]
حسن پسر محمد صنعانی : ۶۱۳
حسن پسر محمد شاه قناری : ۳۵۲
حسن پسر محمد طبری : = ۳۲۴
امیر حسن پسر محمد نخعی : ۷۱۹
حسن پسر محمد پسر وکیع : ۷۱۰
حسن پسر منوچهر : ۶۷۰
حسن پسر نوح پسر یوسف هندی برجی :
۴۲۹

حسن (چاپ کشندهٔ قصیدهٔ رده) : ۷۲۰
حسن چلبی . ك: ۳۴۳
حسن حسنی بیك عزتلری : ۱۴۵
حسن حلی (... پسر سلیمان) .
حسن دهستانی پسر حسن پسر محمد پسر
علی [۶۸۸ تا ۶۸۹]
حسن دهلوی [۵۲ـ۵۵] ۲۵۲، ۲۵۳
میرزا حسن شیرازی : ۲۶۶
سیدحسن صدر : ۱۵۹، ۴۸۳، ۴۸۴،
۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۱،
۵۰۷، ۵۵۴، ۵۶۷، ۶۲۷،
۶۲۸، ۶۶۶
حسن عباسی: ۷۱۹
حسن عدوی حمزاوی : ۷۱۹
حسن عسکری (امام...) : ۶۵۵
حسن علی ابروانی : ۶۲۶
حسن علی ركن‌المسالك : ۱۹۴
شاهزاده حسنعلی میرزا : ۲۰۷
حسن کتنوی : (... پسر علی)
حسن گلوسوز : ۱۹۹، ۲۰۰
حسن مثنی پسر حسن بن علی بن ابیطالب
ك: ۶۳۳
حسن المحاضرة ، ن : ۱۳
شیخ حسن مظفر : ۵۷۱
حسن معانی‌چی : ۴۵۷
حسن وعشق . ن : ۴۲
آقاحسن وکیل‌السلطنه مازندرانی: ۱۵۲
حسنة‌الاخبار، ازضمیری : ۴۴
ملاحسن یزدی : ۶۸۲
حسین علیه‌السلام (حسین پسر علی)
حسین اخلاطی حروفی : ۶۱۶
حسین اصغر پسر امام زین‌العابدین
۶۴۷
سلطان حسین بایقراء : ۸۰۲، ۱۵۵،
۱۵۶، ۱۸۹، ۲۴۵، ۲۴۷،
۲۸۷، ۲۸۸، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰،
۳۹۵، ۴۰۲، ۴۶۷
حسین پسر ابان نحوی : ۵۱۱
حسین پسر ایلك : ۶۷۸
حسین پسر ادریس : ۴۸۷
حسین پسر اسماعیل حسینی : ۱۱۹
حسین پسر اسماعیل مازندرانی = ۱۵۲
حسین پسر حسن سبزواری : ۲۲۲
حسین پسر حسن اصولی (حسینی قزوینی)
حسین پسر حسین انصاری عطار :
[۵۲۷]
سید حسین پسر حیدر کرکی : ۴۷۸
حسین پسر خالد : ۴۷۵، [۵۶۴]
حسین پسر خالدین طهمان. ك : ۵۶۴
حسین پسر خالدین نحوی : ۷۱۴
حسین پسر شدقم (حسین پسر علی)
حسین پسر شهاب‌الدین کرکی : ۳۵۵
حسین پسر عبدالصمد : ۱۷۴، ۴۸۰،
۵۷۵، ۵۷۷ = ۵۷۸ = ۵۷۹، ۶۴۰
حسین پسر عبدالله (ابن غضائری) ۴۸۵
حسین پسر علی (امام...) : ۱۶۳،
۳۲۰، ۵۲۱، ۵۴۶، ۵۵۰، ۵۷۶،
۶۴۶، ۶۵۵، ۶۶۹، ۶۷۱
حسین پسر علی پسر الیاس حسینی
(مجدالدین استرآبادی) ، ۵۱۷
حسین پسر علی پسر حسن بن شدقم ، ۵۳۱
حسین پسر علی کاشف ، ۲۲۲ و مقدمه،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حسین پسر علی کرابیسی: ۶۱۲
سیدحسین پسر حاج میرمحمدعلی حسینی کاشانی آرانی، [۴۷۷-۴۸۰]=۴۸۱=
حسین پسر علی (حسین واعظ کاشفی)
ملاحسین پسر کرزبچه رستم پاشا حسینی: ۱۴۲
حسین پسر کمال‌الدین: ۵۰۱
حسین پسر کمال‌الدین الابرز: ۵۶۷
حسین پسر محمد نصیر حسینی: ۳۸۰
حسین پسر هساعد تجفی: ۶۳۲، ۶۳۵
حسین پسر یوسف هروی: ۱۳۹
حسین قرشی: ۵۷۵
حسین حسینی کاشانی (حسین پسر محمدعلی آرانی)
ملاحسین جوهری: ۸۷
حسین خوارزمی کمال‌الدین: [۱۴۶-۱۵۰] ۲۷۹، ۷۱۷
آقاحسین خوانساری: ۵۱۳، ۴۹۴
حسین شجره: ۲۱۵، ۲۱۷
میرحسین شفیعی (... معمائی): ۴۰۲
شاه سلطان حسین صفوی: ۱۶۱، ۳۴۴☆، ۵۶۹، ۶۴۵
سیدحسین طباطبائی: ۲۰۷
حسینعلی آل محفوظ کاظمینی: ۳۱۰، ۵۰۸
حسینعلی پسر عبدالله پسر حسن شوشتری: (۱۳۵)
حسین علیخان: ۴۰۸
حسنعلی نصرآبادی: ۱۲۶
میرحسین علی هندی: ۴۶
حسین عندلیب: ☆۶۱۱
سیدحسین قدسی شریفی: ۱۱۴
حسین قزوینی پسر محمد فصیح پسر میرولیا: ۴۹۵، ۵۰۴، ۵۵۶
ملاحسین واعظ کاشفی: ۱۳۵، ۱۴۷، [۱۵۵-۱۵۷] ۲۲۲، ۶۴۰، ۶۹۹، [۷۰۰-۷۰۲]
ملاحسین کعوی قاضی: ۱۴۲
حسین معلم ماهانی: ۷۰۵
میرحسین معمائی نیشابوری: ۱۲۲، ۳۹۲، ۳۹۳، [۴۰۱-۴۰۴]
حسین منصور حلاج: ۵۴۵
حاج میرزا حسین نوری: ك: ۴۹۶، ۵۸۹، ۶۴۶، ۶۶۶
میرحسین نیشابوری (... معمائی)
حسین وفائی: ۱۲۷، ۴۴۴
حسینی قزوینی شیرازی شاعر: ۴۵، [۲۲۴]
حسینیهٔ آملی: ۱۵۱
حسینیه (ج...): ۳۸۷، ۴۳۶
حصار شادمان: ج: ۴۶۹
حصیری: ك: ۲۴۲
حضرات خمسه: ۲۲۴

حضرت مخدومی: ۴۰۴
حقایق التأویل: ن: ۳۰۵، ۷۰۱
حقایق التفسیر سلمی: ۷۰۱، ۷۴۷
حقایق التهلیل: ن: ۶۱۷
حقایق نامه: ۱۱۰
حقیری، ملاشهاب‌الدین پسر نظام‌الدین: ۳۹۳
حقیقت نامه: ۷۱۰
حقیقت الواجب تعالی: ن: ۵۹۴
حکایت امام باقر: ن: ۳۰۸
حکایت ثعلب: ن: ۳۰۸
علی اصغر حکمت: ۱۸۷، ۲۱۵، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۵۳۵، ۶۶۳
حکمت اشراق: ن: ۱۲۵
حکمت بالغه: ۱۴۰
حکمة العین: ۳۴۸
حکمین (خطبهٔ...): ۳۱۶، ۳۱۸
حکیم ابوالخیر: ۶۵۲
حکیم شاه محمد قزوینی: ۲۸۷، ۶۵۹
حکیم محمدحسین پزشک: ☆۵۲۰۲
حکیم نصرالله قاضی بدخشان: ۱۰۷
حکیم نصرالله ساروی: ۱۰۷
حل الاشکال: ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۶۵، ۵۷۵، ۶۱۵
حلب: ج: ۱۰، ۱۶۰، ۴۱۶، ۶۴۲، ۶۷۶
حلیة اللسان: ن: ۶۳۱
حلزه: ك: ۷۲۴
حلقی (حروف...): ۵۰۱
حل المشکلات: ن [۳۸۰-۳۸۱]
حال مطرز درمعنا واثر: ن: ۳۸۲، ۶۱۷
الحلل فی شرح ابیات الجمل: ن: [۳۸۲-۳۸۵] ۷۴۸، ۷۴۹
الحلل السندسیه: ن: ۵۵۸
حلوانی سلمان: ۷۱۰
حمزه: ج: ۵۱۱، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵
حلیمی حلبی: ۴۱۹
حلیة الانسان: ن: ۶۳۱
حلیة الاولیاء از ابونعیم اصفهانی: ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۰۲
حلیة الحلل [۳۸۱-۳۸۲] ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۳
حماد پسر عثمان: ۴۷۳
حماد پسر عیسی: ۴۷۳، ۴۷۵، [۵۶۴]
حماد (راویهٔ شعر): ۷۲۲
حماه: ج: ۹۲
حمدان پسر احمد: ۴۷۴، ۴۹۹
حمدالله پسر ابوبکر (اثابك) پسر احمد مستوفی قزوینی: ۲۲، ۲۶، ۲۰۶، [۶۵۳] ۶۷۱-۶۷۴]
حمدالله پسر شمس‌الدین: ۴۲
حمدالله مستوفی (حمدالله پسر ابوبکر)
حمدوشکر: ن: [۳۸۶]
حمدون قصار: ۵۴۳
امامزاده حمزه: ۱۸۴
حمزه پسر علی پسر احمد اسماعیلی: ۸۵
حمزه پسر حسین پسر حارث خطیرالدین: ۵۶۱
حمص: ج: ۷۰۸
حموی (یاقوت): ك: ۴۹۷
حیدالدین ابوعبدالله محمود پسر عمر حاتی نیشابوری: ۵۳۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

حمیدالدین پسر افضل‌الدین حسینی :
۳۵۳
حمید نیتوالی دهقان : ۴۸۷
حمیدی یوسف سنان‌الدین : ۴۱۷
حنبلی : ۵۸۶
حنفی : ۵۸۶
حنفیان : ۱۴۶
حنین پسر اسحق . ك: ۳۲۶
حواشی ازهریة برمقدمه جزریه : ۳۴۵
الحواله . ن : ۶۲۵
حورالعین . ن: ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵
حیاة . ن: ۱۱۰
حیاة‌الحیوان . ن: ۵۲۸، ۶۲۲، ۶۲۴
حیاة‌الشعراء . ن: ۴۶۶
حیدرآباد . ج: ۲۰۱، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۰۳، ۵۰۴، ۶۵۵، ۶۹۴، ۶۹۶
حیدر پسر محمد خوافی (صدرهروی) : ۳۳۵،
حیدرحسین‌اف . ك : ۴۱
حیدرعلی : ۲۸۴
ملاحیدرعلی فنی : ۴۹۴، ۶۷۴
حیدرعلی مجلسی : ۵۶۶، ۶۷۴
حیره . ج : ۵۷۱
حیرة‌الابرار، از میرعلیشیر . ن: ۴۲
حیوان‌شناسی : ۶۲۴
خانه‌الحیات (جامی) . ن : ۱۸۹
خاتمة مستدرك‌الوسائل . ن : ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۹، ۴۷۴، ۴۹۸، ۵۵۳، ۵۶۲، ۵۶۳
خاتون‌آباد . ج : ۲۹۹، ۵۶۳
خادم انصاری محمدتقی : ۴۸۳
خارخك . ج : ۲۲
خارزنجی . ك : ۲
خاطریه . ن : ۲۳۲
خاقانی شاعر . ك : ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳
خالد ازهری . ك : ۳۴۵، ۳۴۶
خالد خداش : ۶۸۰
خان خانان عبدالرحیم سپهسالار . ك : ۸۷
خاندان پیغمبر : ۱۰۷، ۱۲۳، ۳۱۸
خاندان تیموری : ۶۱۷
خاندان حسن‌جان : ۷۱۸
خاندان دشتکی شیرازی : ۵۸۱، ۶۶۳
خاندان زند : ۶۱۰
خاندان طالبیان بغداد : ۱۶۲
خاندان عنبه : ۶۳۳
خاندان معیه : ۶۳۳
خانهٔ کعبه : ۶۹۱
خاور (ج ...) : ۲۲۵
خاورایران ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۹۳
خاورزمین . ج : ۵۰
خاورمیانه . ج : ۱۴۱، ۳۸۷، ۳۷۳، ۴۳۱، ۵۳۰، ۵۵۸، ۶۱۶، ۶۴۷
خاورنزدیك ومیانه . ج : ۱۴۱
خبرشناسی . (علم ...) : ۵۵۶، ۶۲۶
خبرواحد (تك‌خبر) : ۴۷۱، ۴۷۴
خبوشان . ج : ۴۶۸
خبیثات (شعرسعدی) : ۱۹۳، ۱۹۴
ختا . ج : ۳۷۶
ختم‌الغرائب . ن : ۱۳۰
الختیوا (جزیرة ...)

خجند . ج : ۴۶۹
خجندی . ك : ۲۰۵
خدا (مدعیان خدائی) : ۵۹۶
خداوردی افشار پسرقاسم . ك : ۴۹۳
خداوندزادهٔ جهان ـ شاه زاده : ۵۱۶
خداوندنامه : ۶۱۰
شاهزاده خدیجه : ۲۷۸
خدیجه (یکی از زنان فتحعلی‌شاه) : ۲۵۳
خدیوان مصر و (کتابخانهٔ ...) : ۶۴۱
خراسان . ج : ۲۳، ۵۶، ۶۰، ۶۶، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۹۸، ۹۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۸۷، ۳۸۱، ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۲۳، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۷، ۶۳۶، ۶۴۳، ۶۹۴
خردنامه . ن : ۱۹۲، ۳۲۵
خردنامهٔ اسکندری . ن : [۳۲۹-۳۳۰]
خردنامهٔ اعلی . ن : ۱۸۵
خردنامهٔ نظامی . ن : ۵۱
الخریدة‌العذراء فی‌المقیدة‌الغراء . ن : ۵۷۵
خریدة‌القصر . ن : ۴۲۳
خزانة‌الادب . ن : ۱۴۴، ۴۰۷، ۷۰۷
خزانهٔ عامره . ن : ۶۶، ۶۷، ۱۷۶، ۴۶۶
خزائن‌الفتوح دهلوی . ن : ۱۸۰
ملاخسرو . ك : ۲۷۸
خسرو (امضاء ...) : ۳۷۶
خسروپرویز . ك : ۴۱، ۴۸، ۱۶۶، ۳۹۷
امیرخسرودهلوی . ك : ۴۲، ۵۲، ۱۲۷، ۱۴۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۹، ۳۲۷، ۳۲۹
خسروشیرین بنائی . ن : ۲۸۸
» دشتی . ن : ۴۵۰
» روح‌الامین . ن : ۴۴
» شعلهٔ تبریزی . ن : ۴۵
» شهاب . ن : ۴۳، ۴۵
» عرفی . ن : ۴۳
» قاسمی . ن : ۴۳
» نظامی . ن : ۳۸، ۳۹، ۴۷، ۵۱، ۶۶، ۷۸، ۱۸۴، ۲۲۸
خطائی (ورق‌بازی) : ۲۰۹
خضر پسرجلال‌الدین . ك : ۲۷۸
خضر پسرمحمد اماسی . ك : ۳۵۴
خضرخان پسرملاءالدین محمدشاه‌خلجی ۱۸۰
خضرپسرعمرعطوفی . ك : ۷۱۸
خطابی ابرانی ساکن گجرات . ك : ۳۷۷
خطابی سرایندهٔ (یوسف و زلیخا) : ۳۷۷
خطابی سمرقندی . ك : ۳۷۷
خطابی ملازاده . ك : ۴۱۷
خطابی یزدی . ك : ۳۷۷
خطاباختری‌ایران، نزدیك بخط ترکی ۲۳۸، ۲۸۰، ۲۹۳، ۳۴۹
خطخاوری‌ایران، نزدیك بخط هندی ۶۶۱، ۷۲۱
خط هندی :
الخطب قزاری . ن : ۳۰۰
الخطب نهی . ن : ۳۰۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خطب الزهراء : ٢٩٩
الخطب زيه پسر وهب ، ن : ١٠٩
خطب على : ٣٠٠
الخطب مهران ، ن : ١٠٩
خطبة (استسقاء) : ٣٠٤
خطبة (اشباه)
خطبه الاشعث : ٣١٢
خطبة الافتخار : ١١٢، ٣٠٣
خطبة الاقاليم : ١١٢، ١١٣، ٣٠٣
خطبة الايمان والكفر : ٣٠٢
خطبة البالغة : ٢٩٩
خطبه البيان : ١١١، ١١٢، ١١٣، ١١٤، ١١٦، ٣٠٤، ٣٠٩، ٥٠٠، ٧٠٣٠
خطبة تطنجه : ١١١، ١١٢، ٧٠١
خطبة التوحيد : ٣٠٤
خطبة حكمين ٣١٦، ٣١٨
خطبة خطاش : ٣١٦
خطبة الدامغة : ٣٠٤
خطبة الدرة اليتيمه : ٣٠٣، ٣٠٤
خطبة (دفن فاطمه) : ٣١٧
خطبة (ذعلب)
خطبة (ذى قار)
خطبة سفاوت : ٣١٦
خطبة سلمانية : ٣٠٤
خطبة (شقشقيه)
خطبة طالوتيه : ٣٠٣
خطبة (الغراء)
خطبة (فاتحه) ٣٠٤
خطبة قاصعه : ٣٠٤، ٣٠٦
خطبة قصيبه : ٣٠٣
خطبة الكشف : ٣٠٤، ٣٠٥
خطبة اللؤلؤه : ٣٠٣
خطبة مخزون : ٣٠٤
خطبة (ملاحم) ٣٠٣
خطبة مناقين : ٣١٧
خطبة منبرية : ٣٠٤، ٣١٥
خطبة موقعه : ٣٠٤
خطبة ناطقه : ٣٠٤
خطبة نخيله : ٣٠٤
خطبة وسيله : ٣٠٣
خطبه‌هاى ابن نباته
خطبة همام : ٦٠٩
خطبة الهدايه : ٣٠٣
خطط الشام ، ن : ١٤
خطط مقريزى ، ن : ٧٦
خطيب بغدادى احمد پسر على : ٤٨٩، ٥٥٦
خطيب تبريزى : ٧٠٩
خطيب دمشق (خطيب قزوينى)
خطيب قزوينى (جلال الدين محمد پسر عبدالرحمان) [٣٣٤] [٣٥٠ـ٣٥٥]
٣٧٥، ٤٥٦
خطيب يمنى ، ك : ٤٥٦
١٨٠
خطير الدين (حمزه پسر مسيب)
خفاف ، ك : ١٢٧
الخلاص ، ن : ٣٨٩
خلاصة الاثر ، ن : ٤٤٢
خلاصة الاخبار : ٦٥٣
خلاصة الاشعار ، ن : ١٠٤، ٤٦٧
خلاصة الافكار ، ن : ٣٩٩، ٤٦٥
خلاصة الاقوال ، ن : ٤٨٤، ٤٨٧، ٤٩١
٤٩٣، ٤٩٤، ٥٠٠، ٥١٢، ٥١٣،
٥٤٩، [٥٦٥ ـ ٥٦٨]، ٥٧٣،
٥٨٩، ٦٧٦
الخلاصة الالفيه : ٣٧١، ٤١٤، ٤١٦
خلاصة التاريخ ، ن : ٥٢٣
خلاصة الترجمان ، ن : ١١٣
خلاصة الحساب ، ن : [٣٨٦ـ٣٨٧]،
٤٠٦، ٤٨٦، ٤٨٨، ٤٨٩
خلاصة روضة الاحباب ، ن : ٤٧٠

خلاصة عباسى ، ن : ٢٧٥
خلاصة علامه (خلاصة الاقوال) ٦٧٤
خلاصة المجمع ، ن : ٤٤٣
خلافت عباسى (دوسدهٔ چهارم) : ٧١٤
خلاف المذاهب الخمسة ، ن : ٥٧٤
خلاق المعانى (جمال الدين اصفهانى)
خلد برين وحشى ، ن : ١٦٦، ٤٣
خلفاى عباسى ، ن : ١٠٦.
« مقرب : ٥٨٦
خلف بن هشام : ٦٨٠
خلف پسر عبدعلى : ٦٤٤
« پسر فتنه قيس ، ك : ٣٨٢
« « قاسم حافظ : ٥٠٢
خلكان (امضاء) : ٥٢٨
الخلل الواقع فى الجبل : ٣٨٤
خليج فارس : ٢٥٤
خليفة ابن الخياط : ٤٨٦، ٥٠٣
« فاطمى : ٨٤
ملاخليل هروى : ٦٥٢
خليل بهادر پسر اميرانشاه : ٢٤٢
« پسر احمد نحوى : ٣٣٦، ٣٦٢
« « شاهين : ٥٦٥
« عروضى : ٣٣٧
شاه خليل الله : ٢٨٤
خليل مرعشى : ٦٣٢
خماسى (كلمهٔ پنج حرفى) : ٣٦١
خمرى ، ابن شدقم ، ك : ٥٣٢
خمسهٔ اصفهانى ، ن : ٤٤
« دهلوى ، ن : ٤٢، [١٧٧]
« جليل برسوى ، ن : ٤٣
« سيدحسن ، ن : ٤٤
خمسهٔ حسينى شيرازى ، ن : ٤٥
« داود : ٤٤
خمسهٔ درويش اشرف مراغى : ٤٢
« زلالى يزدى ، ن : ٤٥
« ضروريه ، ن ١٩٧، ٢٠٤
« عطائى ، ن : ٤٤
« فضولى ، ن : ٤٤
« فوق الدين ، ن : ٤٤
« فيضى دكنى ، ن : ٤٣، ٤٤
« لاهورى ، ن : ٤٥
« متحيره ، ن : ٤١، ١٨٧، ١٨٩
« مهردهٔ سوس ، ن : ٤٣
« مكتبى شيرازى ، ن : ٤٢
« نامى ، ن : ٤٥
« نظامى بانيج گنج ، ن : [٣٧]،
٤٠، ١٥
« هروى ، ن : ٤٥
ملاخنكار ، ك : ٤١٩
خواتيم شعر سعدى : ١٩٤
خواجكى رادهٔ بلخى ، ك : ١٣٩، ٣٩٤،
٤٠٣
خواجو كرمانى : ٤٢
خواجهٔ جهان : ١٩، ١٨٧
خواجه حسين ثنائى : ٨٧
خواجه زاده : ٢٧٨
خواجه عبدالله : ٥٢٧
خواجه لاله : ٢٠٢
خواجه مظفر بيكجى اسرايادى : ٥٨٢
خواجه (نصير الدين طوسى) ١٢٧، ٣٢٦،
٣٢٧، ٣٦٧، ٣٧٢، ٥١١، ١٤، ٦٥٥
خوارج ، د : ٥٤٥

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

خوارزم ـ ج : ٤٥٥،٤٦٩،٥٣٧
خوارزمشاهی ، ك : ٢٠٥
خوارزمشاهیان ، د : ٢٠٥، ٥١٥
خوارزمی ، ك : ١٥٩،٧٠٩،٧١٠
خواص‌القرآن : ٧٠٣،٧٠٤
خواف ، ج : ٤٦٨
خوان اخوان ـ ن : [٨٠]
خوان خلیل ، ن : [٢٨٤] ، ٢٨٥
خوانساری ، ك : (١١٩) ،
خورداك آهنگر : ٦٧٠
خوزستان ، ج : ٢٥٨ ، ٤٩٧ ، ٥٦٠، ٦٣٢
خوندمیر ، ك : ٢٢، ٦٥،١٢٧،١٤٧، ٥٢١،٦١٨،٦٥٩
خوی ، ج : ٦٤،٧٥،٢٧٣
خیابانی ، ك : ٢٩١
خیال شیرازی : ٧٠٢
خیالی بخارائی : [٢٤٢] ، ٢٥٢،٢٥٣
خیالی تونی ، ك : ٢٤٢
خیالی سبزواری ، ك : ٢٤٢
خیام ، ك : ١٩٩
خیرة‌الحفظ والواعظ ، ن : ١٥٨
خیرالدین (زرکلی) ، ك : ٥٤٠
خیرالنساج ، ك : ٥٤٣،٦٨٠
خیریه ، (ج...) : ٣٤٩،٤٤٩
خیوقی ، ك : ٧٢١
د (= رجال ابن‌داود) رمز : ٥٥٠
د (= یاران امام جواد) رمز : ٥٧٦
دائرة‌المعارف اسلامی ، ن : ١١٠
دائرة‌المعارف انگلیسی ، ن : ١٧٢
دائرة‌المعارف‌فخرالدین‌وجدی ، ن : ٢٧٦، ٧٢٣
دابول ، ج : ١٠٨
دادا محمد ، ك : ٦١٦
داراب ، ج : ٧٢
داراب جرد ، ج : ٧٢، ٤٦٩
دارالارشاد ، (اردبیل) ٢٣٣
دارالسلطنه ، ج : ٥٧٧،٥٧٨
دارالشفا ـ (آموزشگاه ...) : ٣٤٧
دارقطنی ، ك : ٥٠٤، ٥٥٥،٦١٣
دارالکتب (کتابخانهٔ...) ٣٩٠، ٤٤٦
داستان‌جزیرهٔ‌صاحب‌الزمان ، ن : ٥٦١
داستان‌سرائی درایران : ٣٧
داستان لیلی ومجنون : ٤٨
داعی (مقام مذهبی اسماعیلی) : ٧٦، ٨٤
داعی شیرازی ، ك : ٤٢
داغستانی ، ك : ٦٨٧
داماد (میرداماد)
دانستن ، ن : ٤١٩
دانش‌پژوه : ٦١٦،٦٣٧
دانشگاه ، ج : دربیشتر صفحه‌ها
دانشگاه اصفهان : ٥٥٢،٥٨٧،٦٠٨
دانشمندان آذربایجان ، ن : ٥٤، ٦٩، ١٣٠،١٣٨،٢٤٨،٢٤٩،٣٧٧
الدامغه (خطبهٔ ...)
دانیه ، ج : ٥٠٢
داود (پیغمبر) : ٢٣٥
شیخ‌داود (پیغامبر سلطان‌محمودخلجی هندی) : ٩٩، ١٠٢

داود پاشا : ٢٧٨
شیخ داود پسرحسن بحرینی : ٤٨٣ ، ٤٩٩
داود پسرحسن جزائری : ٤٩٦
داود طائی : ١٤٨،٥٤٢،٦٧٠
داود پسر عبدالله اصفهانی شاعر : ٤٤
دبستان‌المذاهب ناصرخسرو ، ج : ٧٧
دبیرسیاقی ، محمد : ك : ٧٢٧
دیلمی (محمد پسروهبان)
دجله ، ج : ٨٩،١٦٠ :
دجیل ، ج : ٥٦٠
الدر ، ن : ٥٠٢
درایهٔ بهائی ، ن : ٦٥٤
درایة‌الحدیث (علم...) ٤٧٢،٤٨٤،٥٥٦
درایهٔ شهید ، ن : ٦٤
دربارغزنوی : ٧١ :
درالثمین ، ن : ٥٧٥
الدرج ـ ن : ٥٧٥
درجات ومراتب اسماعیلیان ، ن : ٧٦
الدرجات‌الرفیعه فی طبقات‌الشیعه ، ن : ٤٩٤
درج‌الدرر ، ن : ٦٦٣
دررالکامنه ، ن : ٣٣٤
الدرالمسلوك‌فی‌احوال‌الانبیاء‌والاوصیاء والخلفاء والملوك ، ن : [٥٦٨ ـ ٥٧٠]
الدرالمنتقات‌فی‌عجائب‌المخلوقات ، ن : ٦٢٣
الدرالمنظم فی‌السرالاعظم‌الزشاقمی ، ن : ١١٣
درالمنظوم ، ن : ٧٥٩
الدرة‌الالفیة فی علم‌العربیة (الفیة‌ابن معطی) ، ن : ٤٠٩
درة‌البحرین‌فی‌مرثیة‌الحسین‌بن : ٦٨٥
الدرة‌المضیئة‌فی‌اللغة‌الترکیة ، ن : ٤١٩
درهٔ صفوی ، ٣٤٨
درهٔ‌فاخرهٔ حامی ، ن : ٦٨٨
درهٔ منظومه : [٧٠٤،٧٠٥]
درهٔ نادری ، ن : ٢٧١ تا ٢٧٤،٥٢٥
درهٔ بتیمه ، (خطبهٔ...) : ٣٠٣،٣٠٤
دروز (سوریه) ، ج : ٨٥
دزویشان ، د : ٨٧
درویش اشرف مراغی ، ك : ٤٢،١٣٨
درویش روستائی ، ك : ١٩٧
درویش شیخم ، ك : ٦٥٢
درویش عبدالله ، ك : ١٩٧
درویش علی ، ك : ٢٢٢،٤٩٦،٦١٤، ٦٦٦
درویش محمد بلخی ، ك : ٦٥١
درویش میرمظفر ، ك : ٢٥٧
دری (لهجهٔ...) تکامل وتساعد آن در ایران ١٣١،١٣٢،٦٩٣،٦٩٤
دریای سرخ ، ج : ٧٦
دریای سفید ، ج : ٥٥٩
دزبکر ، ج : ٢٤
دزرماح (زندانی)
دژ قزل ارسلان ، ج : ٣٩
دست‌چین کلیات امیرخسرو ، ن : ١٨٠
دستورالاخوان ، ن :
دستوراعظم ، ن : ٨٠،١٠٧
دستورالحکم ومآثرالشیم ، ن : ٣٠٣
دستورحکمت ، ن : ١٨
ـ حکومت : ١٨
دستورزبان عرب : ١٢٢
دستورشعراء ، ن : [٣٨٧،٣٨٨]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دستور اللغة ، ن : ۱۳۵ [۳۸۸–۳۹۱]
دستور معالم الحکم ، ن : ۳۰۳
دستور معمای چهارم جامی ، ن : ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۰۵
دستور معمای صغیر ، ن : ۳۹۶
دستور معمای کمال بدخشی ، ن : ۴۰۳
دستور معمای سوم جامی ، ن : ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۲
دستور معمای میر حسین معمائی ، ن : ۱۲۲، ۴۰۴، ۴۰۵
دستور معمای دوم جامی ، ن : ۳۹۱ تا ۳۹۵
دستور الوزراء ، ن : ۲۸۵
دسته اخوان الصفا ، د : ۸۶
دشتی محمدخان ، ك : ۴۵
دعاء ابوحمزهٔ ثمالی : ۷۵۸
دعائم الاسلام ، ن : ۲۹۸
دعلج ، ك : ۶۸۰
دفتر نه آسمان ، ن : ۴۶۸
دفترنامه‌های جامی ، ن : ۱۹۱
دفن فاطمه (خطبهٔ ...) : ۳۱۷
دقیقی ، ك : ۱۳۲، ۲۱۶
دکن ، ج : ۹۷، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۸۲، ۲۸۳، ۴۶۹، ۴۸۹، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۹۴، ۶۵۵
دلائل نبوت محمدی ، ن : ۶۶۰
دلدار علی نقوی ، ك ۶۶۵
دلگشا ، ن : ۴۶۶
دلفی محمد : ۷۰۹
دلی (بازی ورق) : ۲۰۹
دلیجان ، ج : ۵۹۳
دلیل المتحیرین ، ن : ۸۰
دماغی ، ج : ۷۳۰
دماوین شارح لامیة العجم ، ك : ۷۳۰
دماوینی ، ك : [۷۲۹–۷۳۰]
دمشق ، ج : ۷، ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۸۶، ۴۵۶، ۵۴۰، ۶۷۷
دمشقی (نخبة الدهر) ، ك : ۵۵۹، ۵۶۱
دمیاطی (احمد عزالدین) : ۴۹۱
دنبالهٔ فرهنگهای نازی (دزی) : ۹۷۲
دنبالهٔ فرهاد و شیرین از وصال : ۱۶۸
دنبالهٔ کتاب ابن کمال پاشا : ۴۵۷
دوانی جلال الدین محمد ، ك : ۳۷۹، ۵۲۰، ۶۵۰
دوبیتی‌ها ، ن : ۱۹۳
دوحرفی (مضاعف) : ۳۶۰
دوزی ، ك : ۱۷۲
دوگونه ، ك : ۶۲۲
دولاتی احمد پسر محمد پسر حماد ، ك : ۴۸۷، ۵۰۱، ۵۰۳
دولاصی (بوصیری)
دولت آباد ، ج : ۵۳، ۵۹۳
دولت آبادی ، ك : ۱۹۲
دولت ایران : ۱۷۹
دولت بیدار از رشیدا ، ن : ۴۶
دولتشاه سمرقندی ، ك : ۳۸، ۴۲، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۶، ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۷۶، ۱۸۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۹۰، ۴۶۵، ۴۶۶ [۵۳۴–۵۳۵]، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۸۷
دولت عباسی (بنی ...) : ۸۴
دولزالی خضرخانی ، ن : ۱۸۰ تا ۱۸۲

دویدن در عرب (عروه پسر ورد) : ۱۴۴
دهخدا ، ك : ۱۷۹، ۳۹۰، ۴۱۹، ۴۶۰، ۵۲۳، ۶۷۰
دهقان ، ك : ۶۱۱
دهقانان جلوب فرات : ۷۰۷، ۷۰۸
دهقان علی شطرنجی ، ك : ۷۴
ده غال (بازی ـ) : ۲۰۹
دهلوی (حسن ...)
دهلوی (خسرو ...)
دهلی ، ج : ۲۲، ۲۴، ۱۷۵، ۱۸۰، ۲۰۸، ۴۰۵، ۴۶۹، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۶، ۶۱۶
دهنامه ، ن : ۲۴۹
ده یعقوبی نقشبندی : ۲۲۴
دی (= یاران امام هادی؛ رمز) ، ۵۵۰، ۵۷۶
دیباج (خطبهٔ ...) : ۳۱۴
دیباچهٔ حدیقهٔ سنائی : ۵۸
دیباچهٔ طفرا (برای ...) : ۲۰۰
دیباچه نورس ، ن : ۲۸۳، ۲۸۵
دیتریشی ، ك : ۷۱۱
دیدهٔ بیدار ، ن : ۴۴
دیر الماقول ، ج : ۷۰۸
دینور ، ج : ۲۰
دیوان ابدال ، ن : ۱۱۱
دیوان ابن فارض : [۹۲]
دیوان ابوفراس : ۷۱۴
دیوان اختیار : [۲۴۵]
دیوان الادب : ۴۵۲
دیوان اسراز : ۳۷۳
دیوان امیر (خسرو)
دیوان انوری (شرح ...) ، ۱۲۵
دیوان اوحدی [۲۴۸]
دیوان بساطی [۲۴۲]
» بیانی (مونس الاحباب) ۲۸۶
دیوان جامی [۱۸۸]
» جلال عضد [۲۴۰]
» حافظ : ۵۱
» حسن دهلوی : [۵۲]
» خاقانی (شرح ...) : ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲
» خسرو دهلوی : [۱۷۶]
» خیالی [۲۴۲]
» روحی بغدادی : ۱۱۱
» ریاضی سمرقندی [۲۴۳]
» رمام : ۵۶۰
» سحاب [۵۴–۵۵]
» سجاد : ۱۷۴
» سعد بخاری [۲۴۱]
» سنائی [۵۵–۵۸]
» سیفی بخاری : ۲۴۴
» شرف یزدی : ۶۱۸
» صبا : ۶۱۰
» علی (ع) (شرح ...) : ۱۱۷
» غزل اختیار : [۲۴۵]
» » اوحدی : [۲۴۸]
» » بساطی : [۲۴۲]
» » جلال عضد : [۲۴۰]
» » خیالی بخارائی [۲۴۲]
» » سیفی بخاری : [۲۴۴]
» » صفائی [۲۴۸]
» » مسعود قمی [۲۴۷]
» » مهدی استرآبادی [۲۴۶]
» فضولی بغدادی : ۱۹۱
» فغانی : [۶۱]
» فنائی [۶۳]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

دیوان منتبی - [٧٠٦،٧١٣]
» مجد همگر [٦٥]
» مجدوب تبریزی [٦٨]
» محیطی : ١١١
» سید مرتضی : ١٦٤
» مسعود سعد : ٥٨ ، ٧٥٩
» مسعود قمی : [٢٤٧]
» معصومین (امامان) : ١٢٠
» منوچهری [٧٠-٧٢]
» ناصرخسرو [٧٣-١٠٤]
» نسیمی : ١١١
» نظیری [٨٧]
» نورعلیشاه ٧٠ [٨٨-٩١]
» وصال شیرازی : ١٦٧
» ویرانی : ١١١
دیوانهای جامی : [١٨٨]
دیوان یمینی : ١١١
دیوگنس - ك : ٥٣
دیهیم (شاعر) : ٧٣٢
ذخیرة المعاد - ن : ٥٩١
ذریعه - ن : ١١١
ذریعه و رشید - ن : ٢٠٠
الذریعة الی تصانیف الشیعه - ن: در بیشتر رویهها بنام ذریعه آمده است.
ذریعة النجاح - ن : ٥٢٧
ذعلب یمانی (خطبة ...)
ذکری المحسنین - ن : ٦٢٧،٦٢٨
ذکرای شهید - ن : ٢٦٥
ذکرودعا - ن: [٧٠٥]
ذوالنون حکیم - ك : ٣٩٣
ذوالنون مصری - ك : ١٤٨،٣٩٣،٥٤٢
الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز - ن: ٤٤٩
ذهبی شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد - ك : ٤٩١ ، ٥٠١ ، ٥٠٣ ، ٥٥٥ ، ٥٨٢ ، ٦١٣
ذهنی جندی - ك : ٢٨٤
ذی قار (خطبة ...) : ٣١٨
ذیل کشف الظنون - ن : ١٤٢
ذیل المقیل - ن : ٥٠٣
الرائع - ن : ٥٧٤
الرائض فی الفرائض - ن : ٥٧٤
رابعه - ج : ٥٦١
رابعه عدویه - ك : ١٤٨،٥٤١
راحة الصدور راوندی - ك : ٧٧
راجهٔ فیض آباد : ٤٩١
راجح ابن اسماعیل - ك : ٦٨٠
رازی - (غضائری) و (ابوالمعالی ...) و(امین احمد...) و(فخرالدین ...).
راست فرزین - (صفت) : ١٩٦
مستر رامن - ك : ٢٧٥
الراعی والرعیة - ك : ١٨
رافضیان (شیعه) - د : ٥٩٦
راموز - ن : ٣٦٩،٣٧٠
راورتی (مترجم طبقات) : ٢٥
راوندی علی بن فضل الله راوندی - ك : ٢٩١
راوی شناسی (علم ...) ٤٨٤ ، ٤٢٦
راهنمای دانشوران - ن : ٢٧٧
راهنمای قطعن و بدخشان - ن : ٧٧
رباب (موسیقی) - ن : ٢٠٤
ربعی بن خراش - ك : ٦٨٠
ربعی علی : ٧١٠

رباعی - (کلمه چهارحرفی) : ٣٦١
ربنجن - ج : ٤٦٠
ربیع الابرار - ن : ١٢٧،٦٥٣
رجال ابن داود - ن : ١٦،٤٩١،٤٧٤،٤٩٩،٥٤٩،٥٥٠،[٥٧٣-٥٧٩]،٦٤٠
رجال ابن طاوس (حل الاشکال).
رجال ابن غضائری - ن ٥٢٨ ، ٥٥٠
رجال بخاری - ن : ٦٠٦،٦٠٧
رجال برقی - ن : ٥٧٦
رجال بهاءالدین علی نیلی حلی - ن : ٤٩١
رجال حایری - ن : ٥٧٣
رجال حدیث : (علم ...) ٤٨٤
رجال حسن بن علی بن فضال - ن : ٤٨٦
رحلة ابن بطوطه - ن : ٦٢٥
رجال حبیب السیر - ن : ٦٣٦
رجال سنن ابوداود - ن : ٦٠٧
رجال الشیعه - ن : ٤٩٠
رجال شیخ مرتضی انصاری - ن : ٤٩٦
الرجال الضعفاء - ن : ٤٨٩ ، ٦١٤
رجال طوسی (الابواب): ٤٨٣،٥٠٦،٤٩٠،٤٩٢،٥٢٨،٥٦٥،٥٥٠،[٥٧٦ ـ ٥٧٩ ـ ٥٨١]،٦١٤،٦٤٠،٧٦٠
رجال عبدالله بن رجبله بن رحمان - ن : ٤٨٥
رجال عقیقی علی بن احمد - ن : ٤٨٧،٥٥٠
» علی بن فضال قطحی - ن : ٤٨٦
» علی بن محمد بن زبیر قرشی - ن : ٤٨٨
» قهپائی (مجمع الرجال) : ٦١٤
» کتاب بخاری - ن : ٦٠٦
» کتاب مسلم، از ابن منجویه - ت : ٦٠٧
» کتاب مسلم، از احمد بن علی - ن : ٦٠٧
رجال کشی - ن : ٤٩٢، ٥٦٥، ٦١٤، ٦٣٩
» کلینی محمد بن یعقوب - ن :
» مجلسی محمد تقی - ن : ٦٠٩
» المشکوة - ن : ٦٠٧
» مؤطا مالك - ن : ٦٠٧
» نجاشی - ن : ٣٠٠،٣٠١،٣٠٢،٣٠٤،٤٨٢،٤٩٦،٥٠٨،٥٦٥،٦١٤
رجال یحیی - ن : ٤٨٥
شیخ رجب برسی بیجانی - ك : ١١٢
رجز (نوعی شعر) ١١٦
رحیم - ك : ٤٠،٢٠٢
ردالاخبار یه - ن : ٥٤٨
ردها بر ابن فارض : ٩٥
رذائل النتبی : ٧١١
رزمنامه - ن : ٥٢٠
رسالهٔ امیرخسرو دهلوی - ن : ١٧٩

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

رسالهٔ انسانیه ، ن : ٦٥٥، ٦٧١
رسالهٔ شوقیه ، ن : [٢٧٦]
رسالهٔ صرف [٤٢٤ – ٤٢٥]
رسالهٔ صغیره در معما ، ن : ٣٩٥
رسالهٔ طبیه ، ن : ٢٧٧
رسالهٔ عرفان ازفیض ، ن : ٤٢٠
رسالة فی ذکر المجاهیل ، ن : ٦٦٦
رسالهٔ منطقیه ، ن : ٢٧٧
رسالهٔ نائیه ، ن : ١٩١
رسالهٔ نجومیه ، ن : ٢٧٧
الرسالة الوافیه فی علم القافیه ، ن : ١٩٠
رسول (ص) (محمد بن عبدالله) : ٥٥٠، ٥٢٤
رشت : ٦٨٣
رشحات حیات : ٤٣
رشحات سحاب : ٥٤
رشحات عین الحیات ، ن : ١٨٧، ٧٠٢
رشید ، ك : ١٩٩، ٢٩٠
رشیدا (شاعر) : ٧٣٢
رشید ابن غالب مجتبی : ١٦٩، ٩٤
رشیدالدین عبداد ، ك : ٤٣٨
رشیدالدین فضل‌الله وزیر ، ك : ٥٢٦، ٦٧٢
رشید وطواط ، ك : ١٣٨، ١٤٠، ١٧١
رشید یاسمی ، ك : ٥٨، ٣٢٧
رشیدی ، ك : ٥٢٠
رشیدی‌نژاد ، ك : ٤٦٧
رضا (امام ...) : ٧٠٦، ٥٧٦، ٥٦٤
رضا ابوالمجد ، ك : ٥٥١
سیدرضا پسر بحرالعلوم ، ك : ٤٧٤
رضا توفیق ، ك : ١١١
آقارضا درخشی پسر آقا باقر قائنی ، ك : ٤٧٩
رضاعلی پسر فتح‌الله کاشانی ، ك : ٥٦٢
رضاعلیه حاج آقاحسین بروجردی ، ك : ٦٤١
رضا قلیزاده ، ك : ٤٠
رضاقلی هدایت ، ك : ٤٦٥
ملارضا همدانی ، ك : ١٥٤
رضوی (کتابخانهٔ ...) : ٥٩، ٣٨٨
رضویه (کتابخانهٔ ...) : ٤٤٢
سیدرضی ، ك : ١٦، ١٠٨، ١٠٩، ١٥٢، ١٦٠، ١٦٣، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٠، ٣٠٢، ٣٠٣، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣٠٨، ٣١٠، ٣٢٢، ٣٢٤، ٦٧٩
رضی‌الدین ابن‌طاوس علی پسر موسی ، ك : ٤٧٨، ٥٥٩
رضی اردوبادی ، ك : ٤١٣
رضی‌الدین پسر سیدمحمد پسرعلی پسر حیدرعاملی موسوی ، ك : ٤٩٥، ٥٢٨
آقارضی خوانساری ، ك : ٤٣، ٥٥٣
رضی‌الدین عبدالغفور لاری ، ك : ١٨٧
آقارضی قزوینی ، ك : ٣٥٥، ٤٩٣
سلطان رضیه دخت التمش ، ك : ٢٤
رعد (سورهٔ ...) ٦٩٩
میرزارفیع‌الدین نظام‌العلماء پسرمیرزا علی اصغر پسرمیرزارفیع تبریزی طباطبائی [٣٨٠–٣٨١]

رفیع‌الدین محمد ، ك : ٤٢٩
رفیع‌الدین نظام‌بن علی اصغربن میرزا رفیع وزیر ، ك : ١٨
رقیعی ، ك : ١١٠
رقیق (یکی ازمقامات‌ملاهبی اسماعیلیان) : ٨٥
رقص (فصلی از کتاب) : ٦٠٢
رقمی (معما ...) : ٤٠٢
رقهٔ طبس ، ج : ٨٩
رکنا شاعر : ٧٣٢
رکن‌الدین ارسلان ، ك : ٦٨٧
رکن‌الدین امام‌زاده بخارائی ، ك : ٢٢
٤ حسن پسرمحمد استرآبادی حسینی ، ك : ٤٦٢
٤ (اوحدی مراغه‌ئی)
شیخ رکن‌الدین شیرازی ، ك : ٩٥
رکن‌الدین طغرل ، ك : ٦٨٧
رکن‌الدین فیروزشاه‌بن التمش ، ك : ٢٤
رم (روم)
رماح (دز ...)
رمزی کاشانی : ٧٣٢
رمزی یوسف پسرزکی ، ك : ٦٠٧
رمل (علم ...) : ٦٠٠
رمتوزولیت ... : [٤٨، ٤٩] ٣٢٩
روابط ایران وروسیه : ١٥٣
روابط مکاتباتی دانشمندان ایران وهند وترکیه : ٩٧
رواجنی عباد پسریعقوب ، ك : ٤٨٦
رواشح سماویه ، ٤٩٣
روایت‌یمانی ، (مدرك نهج‌البلاغه) ن : ٣٠٨
کتاب‌الروح ، ن :
روح‌الامین (میرجمله) ، ك : ٤٤
روح عطار ، ك : ٢٥٢
رود (موسیقی) : ٤٠٤
رود سلد ، ج : ٢٣
رود قره‌سو ، ج : ٨٩
رودکی ، ك : ٢١٦
روزبهان ، ك : ١٨٤
روزبهان پسراحمداهوازی ، ك : ٥٦١
روزروشن ، ن : ٤٠١، ٤٦٦
روسیه ، ج : ٦٤٢
روش خافانی درسرودن شعر ، ن : ١٣٠
روش صوفیان (ازجامی) ، ن : ١٨٨
روشن‌آباد ، ج : ٦٥٥
روشنائی نامه (ازناصرخسرو) ، ن : [٧٩]
روشن‌قلم ، ك : ☆٢٠٢☆
روضات‌الجنات ، ن : ٣٤، ١٢٢، ١٣٧، ١٥٠، ٢٦٥، ٣٣٤، ٣٤٥، ٣٨٦، ٣٨٧، ٤٠٠، ٤٠١، ٤٠٦، ٤٠٧، ٤٠٨، ٤٣٦، ٤٣٢، ٤٤٥، ٤٥٢، ٤٧٢، ٤٩٢، ٤٩٧، ٥١٢، ٥١٣، ٥١٤، ٥٤٦، ٥٥١، ٥٦٥، ٥٨١، ٦١٧، ٦١٨، ٦٢٨، ٦٥٠، ٦٥٧، ٦٨٥، ٧٠٠، ٧٠٢
روض‌الناظر فی علم‌الاوایل والاخر ، ن : ٥٠٧
روض‌الناظرین فی‌علوم‌الاوایل‌والاخرین ، ن : ٥٦٩
روضة‌الاحباب ، ن : ٤٧٠، ٤٩٠، ٥٠٤ [٥٨١ – ٥٨٤]، ٦٥٣
روضة‌الازهار ، ازمفردتویس ، ن : ٤٣
روضة‌البهیه ، ن : ٤٧٧
روضة‌الاسرار ، از کرمانی ، ن : ٤٢

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

روضة الشهداء، از ابن داود . ن : ٥٨٨
روضة الشهداء، از کاشفی . ن : ٦٤، ١٥٥
روضة الشهداء گلستانه . ن : ٣٤
روضة الشهداء نورعلیشاه . ن : ٩٠
روضة الصفا از خوندمیر . ن : ٥٠، ١٢٧، ٢٥١، ٢٨٢، ٥٢١، ٦١٠، ٦٢٠، ٦٥٣، ٦٥٩، ٦٦١
روضة الصفا مفرده نویس . ن : ٤٣
روضة الصفویه . ن : ٥٨٣
روضة العابدین . ن : ٥١٢
روضة العارفین . ن : ٤٩٤
روضة الفصاحة . ن : ٤٤٩
روضة کاهی . ن : ٣٠٢
روضة الواعظین . ن : ٦٥٩ و ٦٦٠
رو کرت (خاور شناس) . ك : ١٩١
روم . ج : ٢٨، ٦٣، ٩٧، ١٠٣، ٣٣٤، ٤٠١، ٤١٢، ٥٣٧، ٦٢١، ٦٤٠
رومی (ملای روم) (جلال الدین)
رومئوزولیت (رمئوزولیت)
رونق علیشاه . ك : ٩١
روی . ج : ٤٦٨
ری . ج : ٧٠، ٧٥، ٣٠١ و ٤٦٨، ٥٣٦، ٦٦٩، ٦٧٣
ری (= یاران امام حسن عسکری) رمز : ٥٥٠
ریاحین القدس . ن : ٥٨٨
ریاض الازهار . ن : ٥٨٨
ریاض الانشاء خواجه جهان گیلانی . ن : [٩٢-٩٨] ١٨٧، ٢٧٩
ریاض الشعراء . ن : ٤٤٤، ٤٦٥، ٦٥٠، ٦٨٧
ریاض الصافی مشاهیر الرجال و النساء . ن : [٥٨٤ و ٥٨٦]
ریاض العارفین جرجانی . ن : ٣٤٨
ریاض العارفین نورعلیشاه . ن : ٩٠
ریاض العارفین، از هدایت . ن : ٦٠، ٦٢، ٦٨، ٨٧، ٨٩، ٩٠، ٢٥٢، ٣٧٣، ٦١٠، ٦١٨، ٦٥٠
ریاض العلماء و حیاض الفضلاء . ف : ١١٧، ١٥٩، ١٦٢، ٢٥٧، ٢٩١، ٤٠١، ٤٩٣، ٤٩٤، ٥٦٥، ٥٧٤، ٥٧٥، ٥٧٦، [٥٨٧-٥٩٠]، ٦٤٩، ٦٥٠
ریاض المسائل . ن : ٦٦٥
ریاضی سمرقندی . ك : [٢٤٣]، ٢٤٤، ٢٤٥، ٢٥٢، ٢٥٣
ریحانة الادب . ن : ١٢٠، ١٢٢، ١٤٤، ١٩٥، ٤٠٧، ٤١٣، ٤٤٤، ٥٧٥، ٦١٨، ٦٢٨، ٦٥٠، ٦٦١، ٧٠٢
ریس آمالی . ك : ١٤٥
ریسکی . ك : ٧٢٤
ریشوله الین بیکلسون . ك : ٢٢٥
ریو . ك : ٧٠٢ و (فهرست ریو)
ریولدی دخت رانی هندی . ك : ١٨٠
زادالزائرین . ن : ١٩
زادالسالکین . ن : ٥٨
زادالمسافرین . ن : ٧٧، ٧٩، ٨٠، ١٠٧
زادالمعاد : ٧٥٠ تا ٧٥٣
زادالمفسر . ن : ٦٥٣
زاروبین روسی . ك : ٨٠
زاویه بایزیدی در استانبول : ٧١٨
زاهد علوی محمد بن علی حسنی . ك : ٥٦٢، ٥٦٣

الزاهره . ن : [٥٩٠، ٥٩١]
Zaragozd . ح : ٣٨٤ (سرقسطه)
زبان دری و تاریخ تکامل و تسلط آن بر ایران (دری)
زبان عامیانهٔ مصر : ٩٢
زبان محلی سوریه : ٧٠٧
» » عراق : ٧٠٧
» » مصر : ٧٠٧، ٩٢
زبانهای محلی عرب : ٧٠٧
زبدة الاشعار . ن : ٤٣
زبدة الافکار . ن : ٤٦
زبدة التواریخ . ن : ٦٥٣
زبدة الحقایق . ن : ١٣٩
زبدة الرائمه : ٧١٧
زبدة الرجال . ن : ٤٩٣
الزبدة فی شرح البرده : ٧١٧، ٧١٨
زبور داود . ن : ١١٩، ٢٣٥
زبیده . ك : ٤٣٦
زبیر صحابی . ١٧، ٣١٥، ٣٢١
زترش ثین سوئدی . ك : ٤٠٩
زراره . ك : ٤٧٣
زرکشی (بدرالدین محمد) . ك : ٧١٦
زرکلی (خیرالدین) : ٥٤٠
زکریا پسر محمد انصاری : ٧١٧
زکریا پسر محمد قزوینی . ك : ١٠٥
زکی پاشا . ك : ٥٠٩
زکی الدین عبدالعظیم محدث . ك : ٩٤
زلالی خوانساری . ك : ١٩٩، ٢٠٠
زلالی یزدی . ك : ٤٥
زمخشری جارالله محمود بن عمر . ك : ١٢٧، ٢٢٨، ٣٣٦، ٣٥٦، ٦٧٩، ٦٨٦
زمردی (محمد پسر عبدالرحمن) : ٧١٦
زنجبیل (جشنهٔ ..) . ن : ٧٢٨
زندگی گزاری (علم ..) : ٤٨٤، ٤٩٧
زندیقان : ٦٧٨
زندیه . د : ٨٩
زنگیان . د : ٢٥٤، ٢٥٥، ٣١٥، ٧٠٨
زنوز . ج : ٦٩
زوزنی ابوعبدالله حسین پسر احمد : ٣٣٧، ٣٣٩، [٤٥٢ - ٤٥٣]، ٤٦١، [٧٢٢-٧٢٤]
زهراء . ج : ٥٦١
زهرا ام قاسم . ك : ٣٩٩، ٤٠٠
زهرالربیع . ن : ٥٠٨
زهرالریاض . ن : ٥٣١، ٦٦٥
زهیر پسر ابوسلمی : ٧٢٢
زیادبن ابیه . ك : ٢٩٧، ٣١٩، ٣٢٠
الزیارة (رساله فی ...) : ٧٠٦
زیارت حضرت سید (میر ناصرخسرو) : ٧٨
زیب نامه (اورنگ ...) . ن : ٥٢٠
زیج هندی . ن : ٥٢٠
زید جهنی . ك : ٢٩٩
زید پسر حسن کندی : ٧١١
زید پسر علی بن حسین شهید . ك : ٣٠٣، ٦٨٠، ٦٨١
زیرگچ . ج : ٤٩٧
زینب دخت ابوالقاسم جرجانی : ٦٧٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

زیبیه ، ن : ۱۲۰
زین‌الدین ابوعز طاهر پسر حسن پسر حبیب حلبی : ۳۵۱
زین‌الدین ابومحمد عبدالرحمان پسر ابوبکر عینی : ۳۵۲
زین‌الدین عراقی عبدالرحیم : ۴۹۱ ، ۶۱۳، ۶۷۹
زین‌الدین علی پسر فاضل مازندرانی : ۵۵۹، ۵۶۰
زین‌الدین قاسم پسر قطلوبغا : ۵۶۵
زین‌الدین محمد پسر شمس‌الدین ابوبکر پسر عبدالقادر رازی : [۴۴۹]
زین‌العابدین (امام ...) : ۱۳۵، ۵۷۶، ۶۵۲، ۶۶۹
شیخ زین‌العابدین پسر عبدالرؤف مناوی ، ك : ۹۵
شیخ زین‌العابدین مازندرانی ، ك : ۳۷۴، ۳۹۱
زینة‌الاوراق ، از مفرده نویس ، ن : ۴۳
ژانتیوس ، ك : ۲۰۹
ژرمنها ، د : ۶۳
ساتق‌الاطعان ، ن : ۹۴
ساسانی ، د : ۵۰، ۱۶۶
ساسانیان ، د : ۲۸، ۶۵، ۸۱، ۸۴، ۱۰۵، ۱۷۲، ۵۲۳
ساقینامهٔ اعلی ، ن : ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۱۱، ۲۸۳
ساقینامهٔ ثانی ، ن : ۴۳
سالم تبریزی ، ن : ۴۴
سامانیان ، د : ۱۳۲ ، ۵۳۰
سامراء ، ج : ۱۱۸، ۲۶۶، ۴۸۶، ۵۰۹،
۶۵۲، ۶۵۵
سامسونی محیی‌الدین محمد پسر حسن ، ك : ۴۱۷
سام‌میرزا ، ك : ۶۲، ۱۲۱، ۱۸۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۸۷، ۴۶۵
السامی فی‌الاسامی ، ن : ۱۲۷ـ۴۴۰، ۴۵۲
سانسکریت (خط ...) : ۳۳۷
ساوجلاغ ، ج : ۴۲۰، ۴۵۰
ساوه ، ج : ۴۶۸
سبأ ، ج ، و ، د : ۵۷۱
سبحانی ، ك : ۱۹۹
سبحة‌الابرار جامی ، ن : ۱۹۰، ۱۹۲، ۳۲۵ [۳۲۷] ، ۳۳۰
سبزوار ، ج : ۳۶۷، ۳۷۴، ۴۸۶
سبط‌الحسن فتح‌پوری : ۷۵۹
سبع‌العلویات ، ن : ۲۵۴
سبع‌المثانی ، ن : ۲۲۳
سبعهٔ سیاره ، ن : ۴۲، ۱۹۹
سبعهٔ معلقه ، ن : ۴۵۲
السبعین فی فضائل امیرالمؤمنین ، ن : ۱۵۷
سبکتکین ، ك : ۴۱، ۵۳۶
سبك خراسانی : ۱۶۸
سبك شناسی ، ن : ۲۷۲، ۶۹۴، ۷۰۲
سبك نگارش دوسدهٔ یازدهم در ایران : ۲۷۲
سبك هندی و سبك صفوی : ۱۶۶
سبکی ، ك : ۳۳۴
سبزوار ، ك : ۲
سبهسالار ك و (کتابخانهٔ ...) : ۲۲۶،

۲۲۷، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۹۴، ۳۰۳، ۵۹۲
ست (= فهرست طوسی) : ۵۴۹، ۵۷۶
ستاره‌شناسی (علم ...) : ۶۰۰
ستهٔ ضروریه ، ن : ۴۱، ۱۹۷
سجاد (امام ...) : ۱۲۰، ۳۱۱، ۷۱۴
سجع‌بندی ، ن : ۶۹۴
سحاب‌البکاء ، ن : ۵۵
سحبان وائل ، ك : ۲۹۷، ۲۹۸
سحر (علم ...) : ۷۰۲
سحرحلال ، ن : ۱۸۳، ۱۸۶
سخا ، ج : ۳۵۶
سخاوی ، ك : [۳۵۷] ، ۳۸۶
سخنان خواجه پارسا ، ن : ۱۸۸، ۱۹۰
سخنان کوتاه (کلمات‌قصار) پندوانددرز و تاریخچهٔ آن (مائه کلمه) (ضد کلمه) .
سخنان کوتاه شافعی ، ن : ۲۳۷
سخن و سخن‌وران ، از فروزانفر ، ن : ۶۰، ۷۱، ۱۳۰
سخنوری در دورهٔ مغول ، ن : ۱۰۹
سد سکندری میرعلی‌شیر : ۴۲
سدیدالدین یوسف ، ك : ۵۱۱
سلاسراج ، ك : ۲۷۸
سراج‌الدین حسن ، ك : ۱۱۳
سراج‌الدین علی‌خان آرزو ، ك : ۲۰۸
سراج‌الدین عمر بن علی بن عمر قزوینی ، ك : ۵۴۰
سراج‌الدین بلقینی ، ك : ۵۰۴
السراج یعقوب پسر اسحاق ، ك : ۶۲۷
سرالاسرار ناصرخسرو ، ن : ۸۱
سرانجام ، از ملاعابدین ، ن : ۱۱۱
سرباز (بازی ...) : ۲۰۹
سرجان ملکم ، ك : ۲۶۶
سرخاب آذربایجان ، ج : ۱۲۹
سردارخان‌خان حاکم یزد و کرمان : ۸۶
سرفلاندزپتری ، ك : ۳۲۸
سرقسطه ، ج : ۳۸۴
سرکیس ، از شیبانی ، ن : ۱۰۶
سرگذشت ناصرخسرو : ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۵۹۰
سرمهٔ سلیمانی [۳۹۷ـ۳۹۹]
سرمهٔ مصری ، ن : ۳۹۷
سروج ، ج : ۷۶
سروری کاشانی ، ك : ۱۳۵ ، ۳۹۳ ، ۴۱۹
سروری مصطفی پسر شبان : ۲۲۲
سروی (ورق‌بازی) : ۲۰۹
سری سقطی ، ن : ۱۴۸، ۵۴۲
سعادتنامه ناصرخسرو ، ن : [۷۹]
سعد بخاری ، ك : [۲۴۱] ، ۲۵۲، ۲۵۳،
سعد پسر عبدالله اشعری قمی ، ك : ۳۰۴، ۴۸۸
سعد پسر محمد وحید : ۷۱۰
سعدالدین تفتازانی ، ك : ۳۴۷، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۵۶
سعدالدین تتوی ، ك : ۲۰۸
سعد حموی ، ك : ۱۳۵
سعدالدوله پسر ارذشیر : ۶۷۰
سعدالدین طغرائی ، ك : ۱۹۳
سعدالدین هروی ، ك : ۲۴۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

سعدی پسر تاجی بیک ، ك : ٤٧٠
سعدی مصلح الدین شیرازی ، ك : [١٠] ، ١٣١ ، [١٤١] ١٤٣ ، ١٧٥ ، ١٨٤ ، ١٨٩ ، [١٩٢] ١٩٤ ، ١٩٩
سلطان سعید الخ بیك كرگانی ، ك : ٤٠٥
سعید پسر احمد پسر محمد میدانی ، ك : ٤٤٠
سعید پسر سلام (بوعثمان) مغربی : ٥٤٥
سلطان سعید میرزا بایسنقر خان ، ك : ١٧٦ ، ٢٤٠
سعید قیسی ، ك : ٥٠ ، ٢٢٩ ، ٤٥٣ ، ٥٣٩ ، ٦١٠ ، ٧٥٩
سقف ، ج : ٤٦٠
سقارت هند در ایران : ١٠١
سقارتنامه (روش نگارش ...) : ١٢
سفرنامهٔ ابن الشیخ : [٥٩٣] ، ٥٩١
سفرنامهٔ ناصرخسرو ، ن : ٧٤ ، ٧٥ ، ٧٦٠ [٧٩] ، ٨٣ ، ١٣٢
سفیان ثوری : ١٤٨ ، ٥٤٢
سفینة الاولیاء ، ن : ٥٣٩
سفینة الشعراء ، ن : ٥٣٤
سفینهٔ وصال ، ن : ١٦٧
سقیفه (مسجد ...) : ٣١٣
سکاك ، ك : ٢٥١ ، ٢٥٣
سکاکی ، ك : ٣٣٤ ، ٣٥٠ ، ٣٧٥ ، ٤٣٣ ، [٤٥٥ـ٤٥٧]
سکاکی سمرقندی ، ك : ٢٥١
سکوت ، ك : ١٦٨ ، ٢٢٤
سکونی ، ابو یعقوب اسماعیل پسر مهران پسر محمد ، ك : ٣٠٠
سلاجقه ، د : ٥٨٦
سلاسل الحدیث ، ن : ٢٥٧ ، ٢٥٨
سلالة العصر ، ن : ٤٣١ ، ٤٤٢ ، ٤٩٣ ، ٤٩٤ ، ٤٩٥ ، ٥٣١ ، ٥٦٧
سلالة الاجتهاد ، ن : ٦٢٨
سلامان و ابسال ، ن : ١٤٤ ، ١٩٠ ، ١٩٢ ، [٣٢٦] ، ٣٢٧ ، ٣٣٠
سلجوقنامه ، ن : ٦٧
سلجوقنامه امیر ناصر الدین ترجمان وقائعی طوسی ، ن : ٦٨
سلجوقی ، د : ٢٦ ، ٧٧ ، ٥٣٧
سلجوقیان ، د : ٧٣ ، ٧٥ ، ١٣٦ ، ٥١٥
سلسلة الذهب ، ن ١٩٢ ، ٣٢٥ ، ٣٣٠ ، ٤١٩
سلطان ابوسعید گورکان ، ك : ٦٦٢
سلطان (سلیم عثمانی) .
ملا سلطان شاه ، ك : ٤٥٦
سلطان الفرائی ، ك : ٢٤٢
السلطان المفرج عن اهل الایمان ، ن : ٥٦٣
سلطانی ، ك : ٤٣٦
سلطانیه ، ج : ٥١١ ، ٥٢١ ، ٥٢٣ ، ٥٦٧ ، ٥٨٢
سلغریان ، د : ٦٦
سلم نامه ، ن : ٢٨٠ صحیح است
سلمان پارسی ، ك : ١٩٩ ، ٣٢١
سلمان ساوجی : ٢٠٦
سلمانیه (خطبهٔ ...) ٣٠٤ .
سلم السموات ، ن : ٥٠٨ [٥٩٤ـ٥٩٣]
سلوة الشیعة ، ن : ١١٨
سلیم آباد ، ج : ٥٩٥

شاه سلیمان ، ك : ٢٥٧ ، ٥٥٤
سلیمان افندی کانی ، ك : ١١٠
سلیمان پادشاه یهود در فلسطین ، ك : ٣٩٧
سلیمان پسر ابوحنیفه ، ك : ٦٨٥
سلیمان پسر احمد پسر ایوب ، ك : ٤٨٨
سلیمان پسر علی قرامانی : ٧١٨
سلیمان پسر محمد زهراوی ، ك : ٢
سلیمان پسر محمد مکری قاضی ، ك : ٢٣٦ = ٢٣٨ = ٢٩٣
سلطان سلیمان عثمانی : ٤١٩
سلیمان چلبی ، ك : ٢٧٩
شاه سلیمان صفوی ، ك : ١٨ ، ٣٣ ، ٣٦
سلیمان فهمی ، ك : ٥٣٤
شیخ سلیمان ماحوزی پسر عبدالله ، ك : ٤٩٤ ، ٥٠٧ ، ٦٦٥ ، ٦٣٨ ، ٦٨٥ ، ٦٨٦
سلیمان نامه ، ن : ٢٠٠
سلیمانیه ، ج : ٢٣٧
سلیم شاه ، ك : ٢٧٩
سلطان سلیم عثمان : ٦٧٩ ، ٤١٩
سماء القال ، ن : ٦١٥
سماوه : ٦٥٨
سمرقند ، ج : ٢٢ ، ٥٥ ، ٧٣ ، ٢٨١ ، ٣٤٧ ، ٤٠١ ، ٤١٦ ، ٤١٧ ، ٤٦٩ ، ٤٩٧ ، ٦٢٥ ، ٧٢١
سمعانی ، ك : ٧٣ ، ٣٣٨ ، ٤٦٠ ، ٤٩٠ ، ٤٩٧ ، ٥٠١
سمعانی محمد بن صاحب انساب : ٧٠٩
سمنان ، ج : ٧٥ ، ٤٦٨
سمنگان ، ج : ٧٧ (پنگان)
سمنون محب ، ك : ٥٤٣
ملاسمی ، ك : ٢٧٩
سنائی حکیم شاعر ، ك : ٢٥ ، ٥٧ ، ١٩٩ ، ٢١٨ ، ٢٦٨ ، ٢٦٩ ، ٦٠٧
سنان پاشا ، ك : ٢٧٨
سنان پسر سلیمان از امراء بایزید ، ك : ٤٢
سنان الدین یوسف ، ك : ٤٥٧
سلطان سنجر سلجوقی ، ك : ١٢٥ ، ١٩٩ ، ٢٠٢ ☆ ٤٦٠ ، ٥٣٧
سنجری ، ك : ٤٦٠
سند ، ج : ٢٣ ، ٧٥
سنگلاخ ، ك : ٢٧٥
سنان خراسان در دورهٔ تیموری مقایسه باشیعیان در دورهٔ صفوی : ٦٨٣ ، ٥٨٣
سودان ، ج : ٧٦
ملاسودی ك : ١٤٢ ، ٢٢٢
سورات ، ج : ٥٩٤
سورة الرحمان از کتاب زبور ، ن : ٢٣٥
سوریه ، ج : ١٢ ، ٨٥ ، ١٧٣ ، ٤٩٧ ، ٥٠٥ ، ٦٤١
سوسیال دمکراتهای مفاز و آزادیخواهان ایران : ٥٩٢
سوسیالیستها ، د : ٦٤٢
سوق الغرب ، ج : ٦٤٢
سوگندنامه (روش نگارش ...) : ١٢ ، ٣٢١
سه حرفی صحیح ، ن : ٣٦٠
سه حرفی معتل ، ن : ٣٦٠

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

میرسهرابیک وزیرهرات ، ك : ۲۷۵
سهرابی ، ك : ۷۱۵،۷۱۹
سهرند ، ج : ۴۶۹
سهروردی ، ك : ۶۶۲،۱۰۱۲
سهل پسرحنیف
سهل پسر زیاد ، ك : ۴۷۵
سهل پسرهارون ، ك : ۲۹۵
سهل تستری ، ك : ۵۴۲
سهیلی ، ك : ۱۹۹
سیاستنامه ، ن : ۶۲۵
سی حدیث ، ن : ۱۳۶
سید (معنی این کلمه درایران) : ۱۶۱
سیدالشهداء ، ك : ۶۳
سیدالطائفة : ۷۰۱
سید مرتضی (علم‌الهدی) : ۱۶۵
سیرالعباد الی‌المعاد ، ن : ۵۸
السیرة الجامعة لاخبارملوك التابعه ، ن: ۴۲۳
سیرةالنبی ، ن : ۱۱۸
سیستان ، ج : ۲۲۰۲،۴۶۱،۶۱۶
سیف اسفرنك شاعر ، ك : ۱۳۴،۱۹۹
سیف‌ابن عمر ، ك : ۱۶
سیف‌خان وسول گجرات ، ك : ۱۰۲
سیف‌الدوله‌حمدانی : ۷۱۲،۷۱۳،۷۱۴
سیف‌الدین ابهری ، ك : ۴۵۶
سیف‌الدین محمود ، ك : ۲۶۸
سیفیات (شعر متنبی) : ۷۰۹
سیفی ازسرداران امیرتیمور ، ك : ۲۴۴
سیفی بخاری ، ك : [۲۴۴] ، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۶۳، ۴۰۳
سیفی نیشابوری ، ك : ۲۴۴
سیلوستردوساسی ، ك : ۱۴۵،۳۸۷
سین (= یاران حسین‌بن‌علی) : ۵۵۰، ۵۷۶
سینه چاك ، ملایوسف‌موسوی ، ك : ۲۲۲
سیواس ، ج : ۷۳۰
سیوطی (جلال‌الدین...) ، ك : ۱۱۷، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۸۳، ۴۸۷، ۳۹۰، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۵۲، ۴۸۶، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۴، ۵۴۰، ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۸۵
ش (= نقدالرجال تفرشی) : ۵۵۴
شاپور پسرارد‌شیربابکان ، ك : ۲۲۵
شاپورتهرانی ، ك : ۱۱۵
شاپورکاشانی ، ك : ۱۱۳ [۱۱۵]
شاپورنیشابوری ، ك : ۱۱۵
شادی‌آباد ، ج : ۱۲۶
شادی‌آبادی ، ك : ۱۲۹
شاطبیه ، ن : ۳۵۷،۵۰۲
شافعی (فقه...) : ۹۲،۵۴۲
شافیة ابن حاجب ، ن : [۴۰۴-۴۰۷] ۴۱۴
شافیة ابوفراس ، [۷۱۳-۷۱۵]
شاکر (نصرالله‌دزفولی) ، ك : ۷۵۹
شاگردان وجانشینان نورعلیشاه : ۸۹
شام ، ج : ۷۶،۹۲
شاماتی ابوعبدالله ، ك : ۷۱۰
شامیات (شعر...) ، ج : ۷۰۹
شانه‌شناسی (علم ...) ۶۰۰
شاه (بازی ...) : ۲۰۹
شاه‌جهان دخترفتحعلی‌شاه ، ك : ۲۰۷
شاه جهان هندی ، ك : ۵۹۴

شاه چراغ شیراز ، ج : ۱۶۸
شاه‌صادق ، ن : ۱۲۶ [۵۹۴-۶۰۵] ۶۶۳
شاه‌راه نجات‌ازمجذوب ، ن ۶۹
شاهرخ پسرامیرتیمورگورگانی ، ك : ۱۴۶، ۴۲۶، ۴۷۹، ۵۳۵، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۰
شاهزاده جهانگیر ، ك : ۵۱۸
شاه شجاع ، ك : ۳۴۷، ۵۴۲
شاه علیرضا دکنی شاه‌نعمةاللهی ، ك : ۸۹
شاهنامهٔ فردوسی ، ن : ۴۹، ۲۱۶
شاهنامه قاسمی ، ن : ۴۳
شاه و درویش‌هلالی ، ن : ۴۳
شاه و گدا شیخوی ، ن : ۴۳
میرشاهی ، ك : ۱۹۹، ۲۵۰، ۲۵۳
سید شیر ، ك : ۱۱۳
سید شیر پسرمحمد تنوان خویزی ، ك : ۱۱۳، ۵۶۰
شبلی ، ك : ۱۱۹
شبلی نعمانی ، ك : ۴۵، ۱۱۹، ۱۷۶
شجرةالانراك ، ن : ۶۳۰
شجرهٔ مبارکه ، ن : ۴۹۶
شجری زاهدعلوی حسینی (مجدد پسر علی) و (زاهدعلوی) ، ك : ۵۶۲
شدالازار ، ن : ۱۱۷
شدقمی ، ك : ۵۳۲
شذرات‌الذهب ، ن : ۳۶۹ و ۳۸۶ و ۴۰۱ و ۴۳۳ و ۴۳۶ و ۴۴۵ و ۶۲۳
الشذور الذهبیه والقطع الاحمدیه ، ن : [۴۱۸ - ۴۲۰]
الشذور الرجالی من شعرالارجانی ، ن : ۳۳۴
شراری شاعر ، ك : ۷۳۲
شرایع محقق حلی ، ن : ۵۱۱، ۵۷۴
شرح شیخ آذری بر دیوان خاقانی ، ن : ۱۳۳
شرح ابن ابی‌الحدید ، ن : ۳۵ [۲۵۳] (ابن ابی‌الحدید)
» ابن‌عقیل برالفیه ، ن : ۳۸۷
» ابن‌مالك برالفیه ، ن : ۷۸۷
» ابن‌میثم برنهج‌البلاغه ، ن : ۳۵
» ابن‌ناظم ، ن : ۳۸۷
» ابن‌ناظم‌پسر ابن‌مالك برکافیه ، ن : ۴۱۵
» ابن‌هشام برالفیه ، ن : ۳۸۷
» ابوامامه برکافیه ، ن : ۴۱۵
» ابوالثناء برکافیه ، ن : ۴۱۵
» ابهری برمفتاح‌العلوم ، ن : ۴۵۶
» اجرومیه ، ن : ۳۴۵
» احمد میبذی برچکامه بهائی ، ن : ۱۷۴
» احوال ناصرخسرو ، ن : ۸۶
» اذرنوی بلخی‌ردستور معمای‌میرحسین ، ن : ۳۴۹، ۴۰۳
» اسماءالله‌الحسنی ، ن : ۳۶۰
» اسماءالله (کاشف‌الاسماء) از گلشن‌نامه‌ن : ۳۴
» اشارات ، ن : ۵۸۸
» اصلاح‌المنطق ، ن : ۳۶۰
» الفاظ مزنی ، ن : ۳۶۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح الفیهٔ سیوطی (بهجة المرضیه) ، ن : ۳۷٤
» الفیهٔ ابن‌مالك ، ن : [۳۹۹ - ٤۰۰ | ٤۰۹
» ایضاح ابوعلی ، ك: ۷۱۲،۵۸۸
» ایضاح المعانی از (حیدر بن محمد) و از (محیی‌الدین محمد) و (علاءالدین علی) ن:۳۳۵
» بزرك الفیه ، ن : ۵۸۸
» بزرك بر تلخیص ابن‌ملاحلبی ، ن : ۳۵٤
» بزرك جمل ابوبكر محمد بن عبدالله عبقری فرحلی ، ن : ۳۸۳
» بعضی ابیات ابن‌فارض، ازجامی، ن : ۱۸۸
» بغدادی بر گلستان ، ن : ۱٤۲
» بیتی ازدهلوی : ۷۲۸
» بیتی ازمثنوی : ۷۲۸
» بیکندی بر مفتاح‌العلوم، ن: ٤۵٦
» پانیهٔ بوزینی ، ن : ۹۵
» تاج‌الدین عسی بر تاریخ یمینی ، ن : ۵۳٦
» تجرید ، ن : ۱۲٦،۵۸۸
» تجرید خواجه نصیر ، ن ۳٤۸
» تجرید قوشچی ، ن : ۱۲۵
» تذکرهٔ شمس‌الدین ، ن : ۱۲۷
» تذکرهٔ نصیریه جرجانی ، ن : ۳٤۸
» التسهیل، از ناظر الجیش ، ن : ۱۳
» شرح شریف العزی، از شریف جرجانی ، ن : ۳٤۸
» تفتازانی بر مفتاح‌العلوم ، ن : ٤۵٦
» تلخیص تفتازانی ، ن ٤۱۹
» تلخیص ملا محمد پسر فرامرز ملاخسرو ، ن : ۳۵۲
» تلخیص المفتاح، از بهاءالدین احمد پسر عبدعلی پسر عبدالکافی سبکی ن : ۳۵۰
» تلخیص المفتاح شمس‌الدین محمد پسر عثمان پسر محمد زوزنی ، ن : ۳۵۱
» تلخیص المفتاح سید عبدالله پسر حسن بغره کار ، ن : ۳۵۰
» تلخیص عصام‌الدین ابراهیم پسر عربشاه ، ن : ۳۵۳ [٤۰۰ - ٤۰۱]
» تلخیص المفتاح محب‌الدین محمد پسر یوسف ناظر الجیش ، ن : ۳۵۱
» تلخیص المفتاح محمد پسر احمد موفق قیصری ، ن : ۳۵۰
» تلخیص المفتاح محمد پسر مظفر خلخالی ، ن : ۳۵۰
» تلخیص ناظر الجیش ، ن : ۱۳
» تهذیب ، ن : ۵۷۵
» ثعلب بر لامیهٔ العرب ، ن : ۱٤٤
» جامی بر تائیه ، ن : ۹۵
» حاجی بابا بر عوامل جرجانی ، ن : ٤۳۲

شرح جامی بر دستور معمای میرحسین ، ن : ٤۰۳
» جدید تجرید ، ن : ۵۸۸
» جمل جرجانی، از بطلیوسی ، ن : ۳۸٤
» جمل زجاجی ، از ابوالقاسم عبدالرحمان پسر عبدالله سهیلی ، ن : ۳۸۳
» جمل زجاجی ، از بطلیوسی ، ن : ۳۸٤
» جمل زجاجی، از علی پسر عبدالله وهرانی ، ن : ۳۸۳
» چکامهٔ برده ، ن : ۳٤۵،٦۱۸
» چکامهٔ تائی ابن‌فارض، از کاشی نطنزی ،ن : ۱۷۰
» چکامهٔ میمی خمریهٔ ابن فارض ازجامی ، ن : ۱۹۰
» چهل حدیث ، ن : ۵۱۳
» حال جامی، از عبدالغفور لاری، ن: ۱۸۷
» حدیث ابوذر غفاری، از جامی ، ن : ۱۸۸
» حدیث صعدة ذری العقائق از میبدی ن : ۱۲۲
» حدیث عمامه (عماه) ، ن : ۱۸۳
» حدیث همام (خطبهٔ...)، ن : ٦۰۹
» حسام‌الدین حسین توقاتی بر عوامل جرجانی ، ن : ٤۳۲
» حسام‌الدین کاشی بر مفتاح‌العلوم، ن : ٤۵٦
» حسام‌الدین مؤذنی بر مفتاح‌العلوم ن : ٤۵٦
» شرح خطبة‌البیان ، ن : [۱۰۸] [۷۰۳]
» خطبة‌البیان ، از نورعلیشاه ، ن : ۹۰
» خطب بیانیه ، ن : ۷۱۲
» خطیب بیتی بر مفتاح‌العلوم ، ن : ٤۵٦
» خلاصة‌الحساب، ن : ٤۲۰،٤۵۸
» خواجکی بلخی بر دستور معمای میرحسین ، ن : ٤۰۳
» دستور معمای میرحسین ، ن : [٤۰۱-٤۰۵]
» شعیبی ضیاءالدین اردوبادی بر دستور معمای میرحسین ، ن : ٤۰۲
» دیوان ابن فارض از بورینی ، بدرالدین دمشقی ، ن : ۹٤
» دیوان ابن فارض ، از عبدالغنی نابلسی ، ن : ۹٤
» دیوان ابوتمام ، ن : ۳٦۰
» دیوان امیرالمؤمنین، ازمیبدی، ن: [۱۱٦-۱۲۵]
» دیوان انوری از ازهانی ، ن : [۱۲۵-۱۲۹]
» دیوان انوری، از شادآبادی ، ن : ۱۲٦،۱۳۳
» دیوان خاقانی، آذری، ن: ۱۲۷
» شرح دیوان خاقانی، ازجامی ، ن : ۱۳۳
» دیوان خاقانی، از شادی آبادی ، ن : ۱۲٦ و ۱۳۳
» دیوان خاقانی، خلخالی، عبدالوهاب ن : [۱۲۹-۱۳۵]

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شرح دیوان منتبی ، ن : ۳۸۴، [۷۰۶ـ۷۱۳]
» رسالهٔ میرحسین، ن: ۳۹۴، ۴۰۳، ۴۰۴
» رضی بر کافیه ابن حاجب ، ن : ۴۰۷
» زوزنی بر معلقات [۷۲۲ـ۷۲۴]
» زیارت جامعه ، ن : ۶۰۹
» سامی فی الاسامی ، ن : ۴۴۴
» سلاسلطان شاه بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۶
» سنان الدین یوسف بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» سودی بر گلستان ، ن : ۱۴۲
» سیوطی ، ن : ۳۸۷، ۴۵۰
» سیوطی بر الفیه ، ن : ۳۸۷
» سیفی بخاری بر دستور معمای میرحسین ، ن : ۴۰۳
» شاطبیهٔ سخاوی ، ن : ۳۵۷
» شافیهٔ ابوفراس [۷۱۰ـ۷۱۵]
» شافیهٔ ابن حاجب ، ن : ۵۸۸
» شافیه، ازرضی، ن : ۴۰۷
» شافیهٔ نظام‌الغرج ، ن : [۴۰۵ـ۴۰۶]
» شافیه ازهادی مترجم ، ن : [۴۰۷ـ۴۰۹]
» شرفنامهٔ ، آرزو ، ن : ۴۶
» شرفنامهٔ اسکندری بدولعلی ، ن : ۴۶
» شرفنامهٔ ثنائی ، ن : ۴۶
» شرفنامهٔ ، محمد عمران ، ن : ۴۶
» شفای قاضی عیاض ، ن : ۶۶۳
» شرح میرسید شریف بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» شمس الدین محمد بر مفتاح العلوم ن : ۴۵۶
» شمس الدین رمزی بر مفتاح العلوم ن : ۴۵۶
» شمسیه ، ازهادی مترجم ، ن : ۴۰۸
» شمسیه ، ازجرجانی ، ن : ۳۴۸
» ملاشمسی بر گلستان ، ن : ۱۴۲
» شواهد جمل ، ن : ۳۸۴
» شواهد ضوءالسراج ، ن : [۴۰۹ـ۴۱۰]
» شواهد مغنی اللبیب ، ن : [۴۱۰ـ۴۱۲] ۴۵۸
» شیخ زاده بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» صحیفه ، ن : ۴۴۲، ۶۰۹، ۷۰۲
» عربی مجلسی بر صحیفهٔ سجادیه ن : ۶۰۹
» فارسی صحیفهٔ سجادیه، ن : ۶۰۹
» صحیفهٔ سجادیه، ازهادی مترجم ، ن : ۴۰۸
» صدرالافاضل خوارزمی بر تاریخ یمینی ، ن : ۵۳۶
» طاشکبری‌زاده بر عوامل جرجانی ن : ۴۳۲
» طاشکبرزاده بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» طوالع الانوار، ازبیضاوی ، ن : ۱۲۲
» عبدالوهاب صابونی بر دستور معمای میرحسین ، ن : ۴۰۳
» علیزاده بر گلستان ، ن : [۱۴۱]

شرح عمادالدین بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۶
» المهذب ، ن : ۱۸
» عینی بر گلستان : ۱۴۲
» غررالحکم و درر الکلم ، ن : ۱۶۱
» فقه بعربی و فارسی (شرح من لایحضر) ، ن : ۶۰۹
» فرائض سراجیه جرجانی ، ن : ۳۴۸
» فصوص ، جامی ، ن : ۱۸۸
» قاضی مرعی بر مفتاح : ۴۵۶
» قاضی بر گلستان ، ن : ۱۴۲
» قاموس حلبی ، ن : ۴۳۵
» محمدبرحسن شیروانی بر قاموس المحیط ، ن : ۴۳۵
» قدوت احمد بر قران السعدین ، ن : ۱۷۹
» قرمانی بر گلستان ، ن : ۱۴۲
» قصیدهٔ برده [۷۱۵ـ۷۲۰]
» قصیدهٔ صدرالدین ساوی ، ن : ۵۷۵
» قواعد علامه ، ن : ۴۰۸، ۵۴۸
» کافیه، از حنفی پسر اصغر ، ن ۴۱۴
» کافیه، ازهادی مترجم ، ن : ۴۰۸
» کافیهٔ ابن حاجب ، از بلندی ، ن : ۴۱۴
» کافیهٔ ابن‌حاجب ، از رضی ، ن : [۴۱۲ـ۴۱۳]
» کافیهٔ ابن مالک ، ن : [۴۱۴ـ۴۱۶]
» کدخدا بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» کلمات قصار ابن میثم ، ن : ۱۵۰
» کلمات قصار امیرالمؤمنین ، ن : ۱۳۷، ۱۵۰ (و ضد کلمه)
» کلمات قصار پیغمبر ، ن : [۱۳۶]
» کفروی بر گلستان ، ن : ۱۴۲
» کوچك بر تلخیص ابن ملاعلی ، ن : ۳۵۴
» کوچك بر شافیه ، ن : ۵۸۸
» کوچك جمل ابوبکرمحمد پسر عبدالله عیفری قرطبی ، ن : ۳۸۳
» گلستان ، ن : ۱۴۱و۴۱۹
» گلستان ، محمد ولی صاحب ، ن : ۱۴۱
» لامعی بر گلستان : ۱۴۱
» لامیه العرب واسطی ، ن : ۱۴۴
» لمع ، ن : ۷۱۲
» مثنوی مولوی یا جواهر الاسرار و زواهر الانوار ، ن : [۱۴۶ـ۱۵۰]
» چند بیت مثنوی مولوی، از جامی ، ن : ۱۸۸
» مجدالدین کرمانی بر تاریخ یمینی ، ن : ۵۳۶
» محمد ابوالحسن بر مطلع انوار دهلوی ، ن : ۱۷۸
» محمد پسر احمد شریشی بر مفتاح العلوم ، ن : ۴۵۷
» محمد پسر علی اردبیلی بر کافیه ، ن : ۴۱۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.utac.ir

شرح مختصر الاصول عضدی ازجرجانی ن : ۳٤۸
« مختصر نافع ، ن : ٦٦٥
« مخزن الاسرار نظامی ، ن : ٤٦، ۱۳٥
« « از شمعی ، ن : ٤٦
« « از بلخی محمد بن قوام الدین ، ن : ٤٦
« مرادی بر الفیهٔ ابن مالک ، ن : ۳۸۷ [۳۹۹–٤۰۰]
« مشیخهٔ من لایحضره الفقیه ، از مجلسی ، ن : ٤۸٥ [٦۰٥–٦۱۰] ٦۲۹
« مشیخهٔ من لایحضره الفقیه از حاجی نوری ، ن : ٦۰٦
« مشیخهٔ من لا یحضره الفقیه ، از طریحی ، ن : ٦۰٦
« مشیخهٔ من لایحضره الفقیه ، از صاحب المعالم ، ن : ٦۰٦
« مشیخهٔ من لایحضره الفقیه ، از سید هاشم بحرینی ، ن : ٦۰٦
« معالم ، از هادی مترجم ، ن : ٤۰۸
« کتاب معمای میرحسین ، از بلندی ادرنوی ، ن : ۳۹٤ ، ٤۰۳
« کتاب معمای میرحسین ، از خواجکی بلخی ، ن : ۳۹٤
« مطول ، از یحیی پسر یوسف سیرامی مصری حنفی ، ن ۳٥۲
شرح معلقات [۷۲۲–۷۲٤]
« مفتاح العلوم سکاکی ، از جرجانی ، ن : ۳٤۸ [٤۱٦–٤۱۸]
« مفاتیح ، جامی ، ن : ۱۸۸
« المفصل زمخشری ، از سخاوی ، ن : ۳٥۷
« مقامات حریری ، ن : ۱۲۷ ، ٤٤۹ ، ۷۱۲
« مقدمهٔ ازهری ، ن : ۳٤٥
« ملامحمد تبری بر گلستان ، ن : ۱٤۲
« ملامصطفی سروری بر گلستان ، ن : ۱٤۱
« منازل السائرین : ۷۲۱
« منظومه ، ن : ٥٤۸
« منظومهٔ معمائی اسماءالله الحسنی ، ن : ۳۹۳
« من لایحضره الفقیه ، ن : [٦۰٥–٦۱۰]
« منجی بر گلستان ، ن : ۱٤۱ ، ۱٤۲۰
« مواقف عضدی از جرجانی ، ن : ۳٤۸
« الموطاء ، ن : ۳۸٤
« ناصرالدین قرمندی بر مفتاح العلوم ، ن : ٤٥٦
« نخجوانی بر لامیهٔ العرب ، ن : ۱٤٤
« نصاب ، ن : ٤۳۹
« نظام بر شافیه ، ن : ٤۰۷
« نظام اعرج بر مفتاح العلوم ، ن : ٤٥٦

شرح نهج البلاغه ، ن : ۱۳۸ ، ۱۸٦ ، ۳۰۲ [۷۳٥–۷۲٦]
« نهج البلاغه ، از ابن میثم ، ن : [۱٥۰–۱٥۱]
« نهج البلاغه ، از عزالدین آملی ، ن : [۱٥۱–۱٥۲]
« واسطی بر لامیهٔ العرب ، ت : [۱٤٤–۱٤٥]
« وافیه ، ن : ٦۲۷
« هفت چکامه ، ابن ابی حدیده ، از رضی استرآبادی ، ن : ٤۰۷
« هوائی برسوی بر گلستان ، ن : ۱٤۲
« هدایهٔ اثیرالدین ابهری ، از میبدی ، ن : ۱٤۲
« هیاکل النور ، دوانی ، ن : ۱۲۷
« یك بیت از میرخسرو ، از جامی ، ن : ۱۸۸
« یحیی عبدالمجید پسر صوح بر عوامل جرجانی ، ن ٤۳۲
شرف باروزی ، ك : ٤۰۹
شرف الدین داود پسر محمود قیصری ، ك : ۹٥
شرف الدین پسر زین الدین نائینی ، ك : ٤۰۸
شرف الدین شولستانی علی پسر حجة الله ك : ٤۷۸
شرف الدین صدرجهان ، ك : ۱۰۲
شرف الدین عبدالمؤمن شفروه ، ك : [٦۸٦ – ٦۸۸]
شرف الدین علی ، ك : ۲۰٥
شرف الدین علی مرعشی ، ك : ٦٦٦
شرف الدین علی یزدی ، ك : ٦۷ ، ۹۹ ، ۱۰۳ ، ۲۰٥ ، ۲۷۹ ، ۲۸۲ ، ۲۹۳ ، ٥۲٥ ، ٦۱٦ ، ٦۲۱ ، ٦۳۰ ، ۷۱۷
شرف الدین هاشم پسر کمال الدین عبدالعزیز پسر شهاب الدین فضل الله کاتب ، ك : ۲۷۹
شرف الزمان محمد پسر ضیاءالدین عدنان برشك ، ك : ۲۲
شرف عقیلی مالکی ، ك : ٤۰۰
شرف الملك وزیر ، ك : ۱۰۰ ، ٥۱٥
شرفنامه ، ك : ٤٦ ، ۱۳٥
شرفنامهٔ احمدمنیری ، ك : ۱۲۷ ، ٤٤٤
شرفنامهٔ نظامی ، ك : ٤۰ ، ٥۰ ، ٥۱
شریف ، ج : ٦۱٦
شریف ، (ج–) ٤٤۹
شروان شاه ، ك : ٤۸ ، ٤۹
شروح بر گلستان ، ن : ۱٤۱
شروح و ترجمه های خطبهٔ البیان ، ن : ۱۰۸ ، ۱۱۳ ، ۱۱٤ ، ۱۱٥ ، ۷۰۳
شروح دیوان حافظ ، ن : ۱۳۳
شروح لامیهٔ العرب ، ن : ۱٤٤
شریح پسرهانی ، ك : ۳۲۱
شریح حارث ، ك : ۳۱۸
شریعت اصفهانی ، ك : ٥٥٤
شریعهٔ جرجانی : ۳٤۸
شریف ، ك : ٥۲۸
سیدشریف ، (شریف جرجانی)
شریف پسر بهاءالدین علی رامندی ، ك : ٥۷۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شریف تبریزی ، ک : ۶۸۵
میرسیدشریف جرجانی علی پسر محمد پسرعلی استرابادی : ک : ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۸۴، ۲۰۲/۳۴۶ – ۳۵۰] ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۹۲، ۴۰۷، ۴۱۳ [۴۱۶ – ۴۱۸] ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۵۷
الشریف الرضی ، ن : [۲۹۵ – ۳۲۴] و (رضی)
شریف زاهدعلوی شجری ، ک : ۵۶۰ ۵۶۱
شریف العلماء مازندرانی ، ک : ۴۹۶، ۵۰۷، ۶۶۶
شریف مرتضی ، ک : ۳۵۳، ۱۶۴
شریف معمائی ، ک : ۶۷، ۳۹۲
شریف مکه ، ک : ۵۸۷
شربنی ، ک : ۳۷۲
شربنی ابراهیم ، ک : پسرحسام کرمیانی ۴۵۷
شش فصل یا روشنائی نامه ناصرخسرو ن : ۸۰
شصت کله (منوچهری دامغانی)
شطرنج : ۶۰۲ – ۲۸۴
شعبان پسرمحمد قریشی : ۷۲۰
شعرالعجم شبلی ، ن : ۴۵ – ۱۷۶
شعرعرب جاهلی : ۷۲۳
شعرعلی ، ن : ۱۱۶ – ۱۱۷
الشعروالشعراء : ۱۴۴، ۳۲۹
شعلهٔ اصفهانی ، ک : ۴۵
شعلهٔ تبریزی ، ک : ۴۵
شعلهٔ دیدار ، ن : ۲۰۰
شموری ، ک : ۷۳۲
شفاء ، ن : ۶۲۵
شفائی اصفهانی ، ک : ۴۴
شفروه ، ک : [۶۸۶ – ۶۸۸]
شفیعی ضیاءالدین اردوبادی ، ک : ۳۹۳، ۴۰۱، ۴۰۲
شفیقی ضیاءالدین ارزنجانی ، ک : ۳۹۳
شقایق نعمانیه ، ن : ۱۸۷، ۴۳۶، ۶۸۰، ۷۱۸
شقشقیه (خطبهٔ ...) ۳۵، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۲
شقیق بلخی ، ک : ۱۴۸، ۵۴۲
شکسپیرانگلیسی ، ک : ۴۸، ۴۹، ۳۲۹
شکوائیه ، ن : ۱۵۴
شکیات نماز : ۷۲۸
امیرشکیب ارسلان ، ک : ۵۵۸
شمایل خاقان ، ن : [۱۵۳ – ۱۵۴]
شمسا خوشنویس ، ک : ۲۰۲۵
شمس پسرمحمد پسرمراد ، ک : ۲۵۷
شمس تبریزی ، ک : ۲۱۷، ۴۵۴
شمس الدین ، ک : ۲۷۹، ۵۵۹
شمس الدین افلاکی ، ک ، ۵۷، ۲۱۷، ۲۲۱
شمس الدین اولیاء ، ک : ۳۲۴
سلطان شمس الدین ایلتمش دهلوی ، ک : ۲۲
شمس الدین پسر جمال الدین بیهانی ، ک : ۳۵۵
شمس الدین تازی ، ک : ۱۹۳
شمس الدین صاحب دیوان ، ک : ۱۹۳
شمس الدین غوری ، ک : ۲۳
شمس الدین کاشی ، ک : ۶۷
شمس الدین محمد پسرانابک ایلدگز ، ک ، ۶۸۷
شمس الدین محمد پسر احمد باطی ، ک : ۳۵۲ و ۴۹۱
شمس الدین محمد پسر احمد ترکمانی ، ک : ۶۷۸
شمس الدین محمد پسر احمد نکساری ، ک : ۳۳۵
شمس الدین محمد پسر اسدالله شوشتری ک : ۵۶
شمس الدین محمد پسر حمزهٔ فناری ک : ۴۱۷
شمس الدین محمد پسرسیدشریف جرجانی ک : ۳۴۸
شمس الدین محمد پسر عبدالرحمن بن علی بن الصائغ ، ک : ۱۰
شمس الدین محمد پسرعثمان پسرمحمد زوزنی ، ک : ۳۵۱
شمس الدین محمد پسر محمدبن عبدالله الواعظ ک ۱۰
شمس الدین محمد پسر مظفر خلخالی ، ک ۴۵۶
شمس الدین (محمد جزری) ک : ۳۳۵
» محمد (حافظ شیرازی)
» (محمد خفری)
» محمدفرهادمیرزای کاشان ک : ۱۱۵۷
سلطان شمس الدین محمد گیلانی ، ک : ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱
شمس الدین معزی ، ک : ۴۳۳، ۴۵۶
شمس منامی ، ک : ۲۷۲
شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم ن : [۴۲۰ – ۴۲۴] ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷
شمس فخری ، ک : ۱۲۷، ۱۳۵، ۴۶۴
» قیس ، ک : ۴۷، ۱۲۷
» مشرقی ، ک : ۲۱۷
» وفمر ، ن : ۲۴۷
شمیسان دهلی ، ک : ۲۳
شمیهٔ منطق ، ن : ۱۲۲
شمع انجمن ، ن : ۲۵۰، ۴۶۶
شمع و پروانهٔ اهلی ، ن : [۱۸۴] ، ۱۸۶
ملاشمعی ، ک : ۱۴۲، ۲۲۲
الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم ، ن : ۴۹۱
شنبرین ، ج : ۵۰۲
شنفری شاعرعرب ، ک : [۱۴۴]
شنقیطی احمد پسرامین
شواهدمغنی ، ن : ۴۱۰، ۴۵۰
شواهدالنبوة جامی ، ن : ۱۸۸، ۱۹۰، ۶۵۳، ۶۷۸
شوروی ، ج : ۴۰
شوری (خطبهٔ ...) ن : ۳۱۵
شوشتر ، ج : ۴۶۹، ۶۴۷، ۶۶۰
شوقیه ، ن : ۳۵۳
شهاب ابن عبدربه ، ک : ۴۷۵
شهاب ترشیزی ، ک : ۴۵
خواجه شهاب الدین ، ک : ۲۷۹
شهاب الدین یا شرف الدین عبدالله وصاف الحضرة ک : ۵۲۵
شهاب الدین احمد حموی ، ک : ۶۲۳
» احمد پسرعبدالله فلجی ، ک : ۳۵۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

شهاب‌الدین احمد پسر عبدالله شافعی . ك: ۶۷۹
شهاب‌الدین احمد پسر عنبه . ك: ۶۳۲ (ابن عنبه)
« احمد پسر عمر دولت آبادی . ك : [۴۱۴]
« احمد پسر قاسم عبادی ازهری ك : ۳۵۴
« احمد پسر محمد صاحب . ك: ۳۵۱
« احمد پسر یوسف اودعی مالکی ك : ۴۸۹، ۵۰۴
« سهروردی . ك : ۹۴، ۱۷۰، ۲۰۵
خواجه شهاب‌الدین عبدالله صدر ملقب بمروارید (بیانی) . ك : ۴۳، ۲۸۷
شهاب‌الدین مسعود بن کوشاب . ك : ۲۸۵
سلطان شهاب‌الدین (معزالدین غوری) ك : ۲۳
سید شهاب‌الدین نجفی . ك : ۳۱۰، ۵۳۱، ۵۸۹، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۶۳
شهاب معمائی . ك : ۶۵۲
شهداء الفضیلة . ن : ۶۵۰
شهربانو، مادر زین العابدین. ك: ۱۳۵
شهرستانی . ك : ۳۲
شهربانو : ۶۶۹
شهریار غازی خسرو هندوستان ابوالحارث ایبك السلطانی ك : ۵۱۶
شهنواز ابن شاه‌مرادبیك نوائی . ك : ۴۷۰
شهنشاه‌نامه ، ازصبا : [۶۱۰ـ۶۱۲]
شهیدان بدر : ۷۲۰
شهید اول . ك : ۲۹۹، ۳۰۴، ۴۷۸، ۵۰۶، ۵۵۹، ۵۷۴، ۵۸۸
شهید دوم . ك : ۴۹۹، ۴۷۸ : [۴۸۰] ۵۰۶، ۵۶۶
شهید صاحب قواعد . ك : ۲۶۵
شیخ الاسلام اصفهانی . ك : ۶۰۸
« امین‌الدین . ك : ۲۷۷
« زنجانی . ك : ۶۱۶
شیخ الدیان . ك : ۶۱۶، ۶۱۷
شیخ الحفاظ . ك : ۶۵۴
شیخ حرم مدینه : ۷۱۸
شیخ‌زاده . ك : ۳۴۲
شیخ‌زاده محیی‌الدین ك: ۷۱۸
شیخ‌زاده مصطفی افندی . ك : ۴۴۷
شیخ عراقی . ك : ۲۰۲
شیخ العراقین . ك : ۴۱۸
شیخ العراقین عبدالحسین تهرانی کربلائی ك : ۴۷۹
شیخ طوسی (طوسی)
شیخم پسر ملاخواجه‌خواص ك = ۳۹۰ =
شیخونیة . ج : ۱۳
ملاشیدا . ك : ۴۶
شیراز . ج : ۱۰، ۱۲، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۸۹، ۹۰، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۳،

۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۳، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۰، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۷۹، ۴۲۶، ۴۵۴، ۴۶۹، ۵۲۷، ۵۴۶، ۵۸۱، ۵۸۲، ۶۱۰، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۴۵، ۶۶۳، ۶۸۵،
شیرازیات شرمتنبی: ۷۰۹
شیرخداعلی . ك : ۶۸۹
شیروان . ج : ۱۲۹، ۴۶۸، ۳۷۲
شیروشکر . ازبهائی : ن: ۱۷۳، ۲۸۹
شیرین‌دختر ارمنی معشوقهٔ خسروپرویز ك : [۴۸] ۱۶۶، ۱۶۷
شیرین وخسرو . ن : [۴۸] (خسرو..)
شیرین‌وخسرو. دهلوی ن: ۴۴، ۱۸۲ [۱۸۷]
شیرین وخسرو.. ازهاتفی . ن : ۴۳
شیرین وفرهاد . ن : ۴۸ و (فرهادو شیرین)
شیطوی یحیی ارنیوری . ن : [۴۳]
شیعه . ن : ۵۶ و ۶۲ و ۱۱۲ و ۱۲۱ و ۱۲۴ و ۱۳۴ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۵۸۶ و ۷۳۱
شیعهٔ اسماعیلی . ن : ۷۸ و ۷۷
شیعهٔ سبعی . ن : ۸۳
الشیعه من اصحاب الحدیث . ن : ۴۸۸
شیمیگری : ۱۲۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۱۴
صائب . ك : ۷۳۲
صابئیان . د : ۸۳
صابونی عبدالوهاب . ك : ۳۹۳، ۴۰۳
صاحب‌ابن عباد (صاحب‌عباد)
صاحب اعیان‌الشیعه . ك : ۵۶۹، ۵۷۰
صاحب اقرب‌الموارد . ك : ۲۹۰
« انوارالشهاده . ك : ۶۸۳
« جهان‌آرا . ك : ۶۷۷
« حدائق . ك : ۶۴۶
« حدیقة‌الشیعه . ك : ۵۶۲
« دیوان، خواجه شمس‌الدین . ك : ۶۶، ۱۹۴
« دیوان علی‌آبادی . ك : ۱۵۴
« الذریعه . ك : ۱۰۵، ۱۳۴، ۵۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۳۴۷، ۴۱۲، ۴۳۵، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۳۱، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۸، ۶۴۴، ۶۸۲، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۶
صاحب‌الروضات . ك : ۳۵، ۱۲۲، ۲۹۱، ۴۷۲، ۴۹۱، ۴۹۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۶۵، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۹۴، ۶۰۹، ۶۱۷، ۶۴۹، ۶۵۶، ۷۲۷
« ریاض‌العلماء . ك : ۴۰۱، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۸۲
« زهرة‌الادب . ك : ۴۱۳
« الزمان . ك : ۱۲، ۵۵۷، ۵۵۹، ۷۰۳، ۷۰۸
« شذرات‌الذهب . ك : ۴۰۱
صاحب عباد : ۴۴۵، ۷۰۸، ۷۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

صاحب لؤلؤة . ك : ۴۹۵، ۶۳۸، ۶۴۴
صاحب فصول . ك : ۴۹۶
صاحبقران، تيمور . ك : ۶۲۰
» معالم حسن پسر شهيد دوم : ۴۷۸، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۱، ۵۰۶، [۵۲۸، ۵۳۰ ـ ۶۰۶]
» مقامات حريرى . ك : ۶۷۹
» نقد الرجال : ۵۱۲
صاحبه (شعر سعدى) : ۱۹۴
صادق (امام...) : ۳۴، ۲۹۹، ۵۵۰، ۵۶۴، ۵۷۶، ۵۸۰، ۶۷۰
صادق دست غيب : ۷۳۲
صادق صادقى اصفهانى [۵۹۴ ـ ۶۰۵]
صادق انصارى . ك : ۱۰۴
ميرزا صادق : (نامى)
صادقى كتابدار . ك : ۴۶۵
صادقى ميلا : (صادق صادقى)
صاوى قارى : ۷۱۸
صاعدى (خاندان ...) : ۲۰۵
صاعدى خبوشانى . ك : ۴۲
صافيه . ج : ۵۶۱
صالح پسر جلال : ۴۳، ۴۲۷، ۴۱۷
صالح پسر رجب خبوشانى . ك : ۴۷۰
صالح پسر محمد حر : ۵۷۰
صالح پسر ملك شعبان بن محمد ناصر بن قلاوون بمصر . ك : ۱۴
صالح طبيب . ك : ۴۵۹
صالحيه . ج : ۳۸۶
ميرزا صامى . ك : ۲۰۲
صايب : ۷۳۲
صائن الدين على تركه . ك : ۲۷۲، ۵۲۵
صباحى كاشانى . ك : ۴۶۸، ۴۶۹ [۶۱۰ ـ ۱۲]
صاحبيان . ن : ۸۵
صبح الاعشى . ن : ۱۳۰۱، ۱۲۴، ۶۲۳، ۶۴۴
صبح صادق . ن : ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۴
صبح گلشن . ن : ۱۰۱، ۱۶۶، ۲۵۰، ۲۷۲، ۳۷۷، ۴۴۴، ۴۶۶
الصبح المنبى . ن : ۷۰۸، ۷۰۹
صبح وصال . ن : ۱۶۷
الصحاح، از عقيلى . ن : ۴۸۹، ۵۰۳
صحاح العجم . ن : ۴۱۹
صحاح اللغة، از جوهرى . ن : ۱۳۵، ۳۳۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۹۱، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۳۴، ۴۲۷، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۹، ۵۲۷
صحايف العالم : ۵۸۵، ۵۸۶
صحف ابراهيم . ن : ۲۴۸
صحيح (علم صرف) ۳۶۱۰
صحيفة الاخلاص . ن : ۴۳
صحيفة دوم، در رسالة سجاديه . ن : ۵۸۸
صحيفة سجاديه . ن : ۳۱۱، ۵۸۸، ۷۵۸
صحيفة شاهى . ن : [۱۵۵ ـ ۱۵۶] ۷۰۲
صحيفة كاملة (صحيفة سجاديه)
صحيفة المحبه . ن ۱۳۶، ۱۳۷، [۱۵۷]، ۲۳۰
صد الدرز يونانى . ن : ۷۲۹
صدر (حسن ـ) :
ملاصدرا . ك : ۳۵۵، ۶۸۸
صدر اعظم (مدرسة...) : ۴۵۸
صدر الافاضل . ك : ۳۸۵ (لطفعلى)
صدر الافاضل خوارزمى : ۵۳۶
صدر جهان احمد بن عبد الرزاق . ك : ۱۰۱

صدر جهان طبسى حسين پسر روح . ك : ۱۰۱
ميرصدر الدين (ابراهيم امينى) . ك : ۱۱۹، ۶۳۷
صدر الدين حسن پسر محمد نظامى . ك : ۵۱۵
صدر الدين دشتكى دوم پسر ميرغياث . ك : ۳۵۳، ۵۸۱
» رواسى . ك : ۹۸
» ساوى . ك : ۵۷۵
» على اصفهانى . ك : ۹۵
» قمى . ك : ۶۲۷
» قونوى . ك : ۹۵
» محمد عاملى . ك : ۶۶۶
» موسوى . ك : ۳۸۵
امير صدر الدين يكم . ك : ۵۸۱
صدر عالى ميرشمس الدين . ك : ۵۵۹
صدر نقيب ميرغياث الدين محمد حسين . ك : ۶۳۶
صدر هروى خوافى (حيدر پسر محمد) : ضد كلمه : ۷۲۸، ۷۲۸ (مائة كلمه)
ضد كلمه حافظ . ن : ۱۳۸، ۱۳۹، [۱۵۷] و (مائة كلمه)
ضد كلمة عادل . ۷۲۸
ضد كلمة يونانى . ن : ۷۲۹
ضد وصيت لقمان . ن : ۲۳۶
صدوق . ك : ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۴، ۴۸۸، ۴۹۳، ۵۰۶، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۲۹، ۶۷۶
صراح (امضاء) : ۴۰۷
الصراط المستقيم . ن : ۵۶۳
صرف (رساله در ...) : [۳۲۴ ـ ۴۲۵]
صرف (علم ...) : ۳۴۱، ۳۵۱، ۳۵۶
» مير . ن : ۳۴۸
صرفى . ك : ۴۵
صعاليك بنى اسد : ۷۰۸، ۷۰۹
صعاليك . د : ۱۴۴
صغرى، از جرجانى . ن : ۹۰، ۳۴۸
صفائى . ك : ۳۹۴
صفات العاشقين . ن : ۴۳
صفائى . ك : [۲۴۸]
صفدى . ك : ۱۶۲، ۳۰۱، ۳۵۹
صفر على پسر سيزعلى موسوى خراسانى = ۶۷۶ = ۶۸۹ =
صفوان پسر يحيى سابرى . ك : ۴۷۳، ۴۷۴
صفوة الصفوة . ن : ۴۹۰، ۶۵۳
صفوى ـ صفويان . د : ۱۹، ۶۸، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۶، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۸۰، ۲۸۹، ۳۴۸، ۳۷۲، ۴۷۰، ۵۰۶، ۵۳۱، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۷، ۶۰۸، ۶۲۶، ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۷۱، ۷۲۵، ۷۲۹
شيخ صفى . ك : ۱۱، ۲۳۲
صفى الدين ابن سرايا : ۷۱۴
صفى پسر نصير . ك : ۴۱۴
صفين . ج : ۲۹۹، ۳۰۰، ۶۶۹
صلاح الدين زركوب . ك : ۲۱۷
» محمد پسر شاكر كتبى : ۶۷۸
صلح كل جاودان و تاريخچهٔ آن : ۶۴۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

صوارم مهرقه ، ن : ۶۵۰
صوبه بهار ، ج : ۲۳
صور الاقالیم : ۶۵۳ و ۶۷۲
صوفی ، ک : ۱۷۵، ۱۹۰
صوفیان ، د : ۱۲، ۵۷، ۹۲، ۱۲۱، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۹ و ۶۰۸، ۶۴۷
صوفیان سنی : ۷۰۳
صوفی‌زاده محمد پسر احمد ، ک : ۴۳۲
صوفیگری : ۱۲۱، ۷۰۲
صوفیه ، ج : ۱۴، ۷۰، ۱۳۴
صولی (محمد پسر حسین)
صه (= خلاصة الاقوال علامه) رمز ۲ ۵۴۹
صیدا ، ج : ۷۶ .
صیرفی ، ک : ۵۶۴
صیقل الارواح ، ن : ۲۲۱
ض (= ضعیف) : ۶۷۵
ضا (= یاران امام رضا) : ۵۵۰، ۵۷۶
ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح والتهذیب ، ۳۳۸، ۳۶۲
ضامن پسر شدقم پسر علی = [۵۳۱] = ضج (= ایضاح الاشتباه علامه) ، رمز ۵۵۰
ضرار پسر حمزه جنابی : ۳۰۸
الضعفاء ابن غضائری ، ن : ۴۷۳، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۶۵ [۶۱۲–۶۱۶]
الضعفاء بخاری ، ن : ۶۱۳
» دارقطنی ، ن : ۶۱۳
» والمتروکین ابن جوزی : ۶۱۳
» » بستی ، ن : ۶۱۳
الضعفاء والمتروکین عقیلی ، ن : ۶۱۳
» » صنعانی ، ن : ۶۱۳
» » ماردینی ، ن : ۶۱۳
» » نسائی ، ن : ۶۱۳
ملاضعیفی قرطوی ، ک : ۱۴۲، ۲۲۴
ضمیری اصفهانی ، ک : ۴۴، ۱۹۹
ضوء السقط ، ن : ۳۸۴
ضوء الصباح علی ترجیز المصباح ، ن : ۴۵۶
ضوء اللامع ، ن : ۶۲۳
ضوء المصباح ، ن : ۴۵۶
ضوابط الاحکام ، ن : ۶۸۲
ضیاء الحق حسام الدین سعید ، ک : ۲۱۹، ۲۲۰
ضیاء العلوم فی مختصر شمس العلوم ، ن : ۴۲۳ ، [۴۲۵–۴۲۹]
ضیاء الدین (ابن اثیر) ، ک : ۲۵۳
ضیاء الدین حدائق : ۳۱۱
ضیاء الدین یوسف پسر جمامی ، ک : ۸۹۴
ضیاء نخشبی ، ک : ۵۲۰
ضیافة الاخوان ، ن : ۴۹۳
ضیافت معنوی ، ن : ۲۰۰، ۲۰۴
طارق ، ک : ۵۵۸
طاشکبری زاده ، احمد پسر مصطفی ، ک : ۴۱۷ ، ۴۳۲، ۴۵۷، ۴۹۲، ۵۰۴
طالب آملی ، ک : ۱۹۹، ۲۵۰
طالب شیرازی ، ک : ۱۹۹، ۲۵۰، ۲۵۳
طالع هروی ، ک : ۲۷۵
الطالوتیه (خطبهٔ ...) : ۳۰۳

طاوس (خطبهٔ ...) : ۳۱۶
شاه طاهر ، ک : ۱۹۹
میرزا طاهر ، ک : ۲۷۳
طاهر پسر احمد ادیب ، ک : ۴۳۷
» پسر احمد معروف بابن باشاذ نحوی (ک) ۳۸۳
» پسر حسن (ابن حبیب)
» » صاحب الامر ، ک ۵۶۱
» تنکابنی ، ک : ۳۴، ۳۵
خواجه طاهر ثقة الاسلام ، ک : ۵۸
طاهر دبیر عمید عراقی ، ک : ۷۰
طاهر نصر آبادی ، ک : ۵۹۴، ۵۹۵
طایف (شاعر) : ۷۳۲
طب پزشکی (فصلی از کتاب) ، ن : ۶۰۰
طبرانی (سلیمان پسر احمد پسر ایوب) ، طبرستان ، ج : ۱۳۱، ۴۶۸، ۶۵۵
طبرسی ، ک : ۱۱۸، ۲۹۱، ۴۰۸، ۴۷۲
طبری محمد پسر جریر پسر یزید ، ک : ۳۰۲، ۴۷۲، ۴۸۵
طبس ، ج : ۸۹
طبقات ، ن : ۴۷۷
طبقات واقدی ، ن : ۵۰۳
» ابن سعد ، ن : ۴۸۶، ۴۹۰
» اکبری ، ن : ۹۸
» الحفاظ ذهبی ، ن : ۵۴۰
» خواجه عبدالله انصاری ، ن : ۶۶۲
» الرجال ، ن : ۴۸۶
طبقات سبکی ، ن : ۳۳۴، ۳۸۶، ۴۳۸
» سلاطین اسلام ، از لین پول ، ن : ۱۴، ۶۱، ۹۹، ۲۹۲
» الشیعه ، ن : ۴۸۷
» القراء ، ن : ۴۰۰
» ابن بول (طبقات سلاطین)
» المحدثین ، ن : ۴۹۱
» مسلم پسر حجاج ، ن : ۴۸۶
» ناصری ، ن : ۲۵
» النساین ، ن : ۵۳۱
طبرانیس ، ج : ۷۶
طراز البرده ، ن : ۷۱۸
طرایق الحقایق ، ن : ۸۹، ۹۰، ۶۱۸
طرفه پسر عبد بکر ، ک : ۷۲۲، ۷۲۴
طریحی (فخر الدین ...) ، ک : ۴۹۳، ۵۶۶ [۵۵۵–۵۵۷]
طریق الحقیق ، ن : ۵۸، ۶۰۶، ۶۵۶، ۶۵۷
طریق واجب : ۷۲۸
طریقهٔ علائی ، ن : ۲۶۹
طغتنجیه (خطبهٔ ...) : ۳۰۹
طغا تیمور ، ک : ۲۴۰
طغرائی : ۱۱۳
طغرائی پدر ابن بیتی ، ک : ۱۹۵
ملاطغرای تبریزی (طغرای مشهدی)
ملاطغرای مشهدی ، ک : ۱۹۵–۲۰۴ [۲۱۰، ۲۸۳]
طغرل سلجوقی ، ک : ۲۶، ۴۷، ۷۱
طلحة بن عبدالله ، ک : ۲۶۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

طلحه‌وزبیر (خطبهٔ ...) : ۳۱۷
طلوم ، ج : ۵۶۱
الطلیعه ، ن : ۵۷۴
طنطرانی (حکمة ...) : ۲۳۷
طوس ، ج : ۵۷۹، ۶۳۸، ۶۴۷
طوسی (شیخ ...) ، ک : ۱۶، ۶۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۶۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۸۳، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۶، ۵۲۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۵، ۵۷۶، ۵۷۷، [۵۷۹–۵۸۱]، ۶۰۵، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۸۸
طومار نامه ، ن : ۵۲۰
طه (سورهٔ ...) : ۶۹۸
طه حسین ، ک : ۷۲۲، ۷۲۳
شاه‌طهماسب یکم صفوی ، ک : ۳۹۸، ۴۴۹، ☆۵۶۰
طیبة ، ن : ۷۶
طیب‌الحبیب ، ک : ۷۱۶
طیبی مجدالدین فضل پسر یحیی ، ک : ۵۵۹، ۵۶۰
ظاهریان ، د : ۸۲
ظریفی (حسن چلپی) ، ک : ۲۲۳
ظفرالامالی فی مختصر الجرجانی ، ن : ۳۴۸
ظفرنامه ، ن : ۵۲۵، ۶۳۰
« تیموری ، ن : [۶۱۶–۶۲۱]
« شامی ، ن : ۶۱۸
« منظوم ، ن : ۶۷۲
ظفریه (ناحیه‌ای به بغداد) : ۵۶۱
ظلم (= یاران امام کاظم) رمز : ۵۵۰
ظهوری ، ک : ۴۵، ۱۹۹، ۲۰۲ | ۲۸۲ – ۲۸۵]
ظهیرالدین ، ک : ۶۸۷
ظهیرفاریابی ، ک : ۶۷، ۱۳۵
« مرعشی ، ک : ۴۳۹
ظلاغابدین : ۱۱۱
عادل‌پسرعلی پسرعادل حافظ : ۱۳۸، ۱۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۷۲۷
عارف : ۶۸، ۷۰
عارفان : ۹۲، ۱۹۰
عارف حکمت : ۲۲۴
عارفنامهٔ ایرج میرزا : ۱۵۴
عالم‌آرا ، ن : ۱۷۳
عالمگیر پادشاه : ۲۲۷
عامل (در نحو ...) ۴۳۱
عایشه : ۱۷
عب (= ابن‌عبدون) رمز : ۵۷۶
شاه‌عباس : ۳۹، ۴۴، ۲۸۲
عباس‌ابن عبدالمطلب ، ک : ۶۷۷
عباس اقبال : ۱۸۷، ۵۸۹
عباس پسر محمد پسر علی طالقانی : ۴۵۹
عباس عزاوی : ۱۱۰، ۱۱۱
عباسعلی کرمانشاهی : ۷۲۸
شیخ عباس قمی : ۳۳، ۳۴، ۱۲۲، ۱۴۰، ۵۰۱
عباس‌میرزانایب‌السلطنه(ولیعهد) پسر فتحعلیشاه : ۱۵۳، ۲۷۵، ۵۸۵

عباسیان : ۵۳۰، ۷۰۸
عباسی عبدالله کبیر : ۲۲۶
عباسی (دولت ...) : ۵۵۸
شاه عباس یکم : ۳۹۸
عبداد رشیدالدین : ۶۳۸
عبدالاحد پسر برهان‌الدین پسر علی سیرجانی : ۳۰۵
عبدالاحد پسرعبدالغالب : ۳۵۶
عبدالباقی عمری : ۱۲۱
شاه عبدالباقی : ۵۸۲
عبد پسرحمید : ۴۹۷
عبدالجلیل قصیری : ۲۷۵
عبدالجواد حسینی ، ک : ۶۶۷
عبدالجواد گلپایگانی ، ک : ۶۶۱
عبدالحسیب : ۶۰۸
عبدالحسین بغدادی : ۵۶۶
« پسرحسن نجفی : ۷۲۹
« پسرمحمد زمان : ۳۶۷
« پسرمحمدمهدی پسراسماعیل پسرابراهیم پسرمحمدصادق اردستانی = ۳۷۴ = ۳۷۵
« حسام‌الدین : ۷۹۱
« خراسانی : ۵۷۲
« رشتی : ۱۸۶
« کمره‌ئی : ۲۰۰
« نوائی : ۶۳۶
عبدالحکیم سیالکوتی : ۳۵۴
عبدالحمید اخگش ، ک : ۶۷۸
« (ابن ابی‌حدید)
« ابن‌یحیی : ۲۹۸
« العطار : ۴۷۵
عبدالرحمان (ابن عنابقی)
« انباری : ۷۰۹
« عبدالحی : = ۱۲۴ =
« پسر افضل : ☆۳۴۰☆
« (ابوشامه قدسی)
« بزغش پسرعلی پسربزغش : ۱۷۰
« پسرصاحب‌الرای : ۵۶۱
« پسرعوف : ۲۲
« جامی : ۹۸، ۱۰۰، [۱۸۶]، ۲۳۵، ۲۷۹، [۳۸۱–۳۸۲]، ۴۰۰ و (وجامی)
« رمفی : ۶۲۵
« دارائی : ۵۴۲
« (سیوطی) و (جلال‌الدین) و ۳۵۳
« شیری : ۵۷۷
سیدعبدالرحیم : ☆۲۰۲☆
عبدالرحیم بهاری : ۱۳۵
عبدالرحیم پسر احمد عبادی عباسی : ۳۵۳
عبدالرحیم‌خان خانان : ۵۹۴،
سیدعبدالرحیم‌خلخالی : ۳۹
عبدالرحیم صفی‌پوری : ۷۲۳
عبدالرزاق : ۶۱۸
عبدالرزاق : (ج...) ۴۴۹
« کاشی کمال‌الدین : ۹۵، ۱۲۷، ۱۳۵، [۱۶۹]، ۱۷۰، ۱۹۹
عبدالرسول : ۱۳۳، ۱۳۴
میرزا عبدالرسول زنوزی تبریزی پسر حسن : ۶۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عبدالصالح پسر محمدمهدی پسر حاجی
محمد اسماعیل پسرمحمد ابراهیم
=٣٧٥=
میرزاعبدالصمد نوادهٔ جزائری : ٤٧٨
ملاعبدالصمد همدانی : ٩٠
عبدالعالی پسرمحمد پسرعلی جزائری:
٥٦٨
عبدالعالی حویزی : ٥٦٧
سلطان عبدالعزیز بهادر ☆٣٩٤☆
عبدالعزیزپسراسحاق‌ابوالقاسم زیدی:
٤٨٧
عبدالعزیزپسراسحاق،ابوالقاسم زیدی
٤٨٧ :
عبدالعزیزجرجانی : ٧١٠
عبدالعزیز جلودی : ١١٦،١١٧
عبدالعظیم پسرعبدالقوی منذری: ٤٩٠
عبدالعظیم پسرعبدالله : ٣٠١
عبدالعظیم گرگانی : ٧٥٩
عبدالعلاءالرفاعی : ٥٣٨
عبدعلی بیرجندی : ٦٥٣
عبدالعلی پسرعبدالله =٦٩٨=
عبدالعلی حویزی پسرناصر پسر رحمة
بحرینی : [٤٢٩-٤٣١] ، ٥٠١
عبدعلی طباطبائی کربلائی : ٥٠٧
عبدعلی عاملی : ٥٤٩
عبدالغافر ـ ك : ٤٥٢
عبدالغفار نجم‌الدوله : ١٧٤
عبدالغنی پسرسعید : ٥٥٥
» نابلسی : ٩٤،١٦٩
عبدالفتاح طباطبائی : ٧١٣
عبدالقادر : ٥٢٠،٦٥٠
عبدالقادرپسرعمر بغدادی: ٤٠٧
» » عمربن‌محمد =١٧٠=
» پسر محمد عمری شافعی :
[٤٥١]
عبدالقادرپسرملوك شاه بداونی ٥٧
شیخ عبدالقادر گیلانی : ٢٣٥
عبدالقاهر جرجانی پسر عبدالرحمن :
٣٨٢،٤٣١،٧٠٩
عبدالقاهر حلبی : ٧١١
عبدالکریم : =٦٥=٣٨٠
عبدالکریم احراری : ٦٦٣
عبدالکریم پسر احمد پسر موسی پسر
جعفر : ٤٩١
عبدالکریم پسرعبدالجواد : ٦٦٧
عبدالکریم پسر عطاءالله اسکندری :
٣٦٢
» پسر محمد یحیی قزوینی
١٣٩،١٤٠
» پسرهوازن : ٦٧٩
عبدالکریم دربیتی : ١٩٧
» قزوینی : ١٦١
عبدالله احرار (عبیدالله ..)
عبدالله اعرج پسرحسین اصغر : ٦٢٧
عبدالله افندی پسرعیسی پسرصالح‌بیك
اصفهانی صاحب ریاض‌العلماء :
١٥٩،٢٥٧،٤٧٨،٤٩٤|٥٨٧=
٥٩٠|٦٤٩
عبدالله انصاری:٥٢٧،٦٥٩،٦٦٢،٧٢٨
عبدالله بدری دمشقی شافعی : ٣٤٢
سید عبدالله بهبهانی شوشتری : ١٤٠
عبدالله پسربکیر : ٤٧٣

عبدالله پسر ابراهیم : ٩
» » ابورافع : ٤٨٥
» » احمد بغدادی : ٣٨٣
» » اهتم : ٢٩٨
» » جارود : ٤٨٩،٥٠٣
» » جبله : ٤٨٤،٤٨٥
» » جعفرحفی کوفی : ٥١١
» » حسن لقره‌کار : ٣٥٠
» » خواجه محمود گیلانی : ١٠٣
» » سعدی عفیف‌الدین : ٧١٦
» » شیخ زین‌العابدین : ٥٩١
» » عبدالرحمان حسینی ـ ك
[٦٦٢-٦٦٤]
» » علی پسرحسن ماحوزی ـ ك:
٦٨٥
» » قتیبه پسرمسلم باهلی : ٣٠١
» » مجمه : =٦٢٣=
» » محمدرئیس‌الکتاب‌عثمانی:
٢٢٣
» » حاج محمد نجل آغا : ٤٢٩
» » محمود : ٧١٩
» » مسعود : ٢٩٧
» » مشکان : ٤٧٣
» » نورالدین شوشتری جزائری:
٣٥٥
» » یوسف (ابن‌هشام)
ملاعبدالله تونی : ٦٢٨
عبدالله جلا : ٥٤٣
عبدالله حسین پسرخواجه‌محمود گیلانی :
١٠٠
عبدالله خبوشانی (هاتفی)
» خیبق : ٥٤٣
» روعدی تروغبدی : ٥٤٤
» سماهیجی : ٤٩٥
» شایق : ٤٠
» شرپسرمحمدرضا : ٥٤٨،
٤٩٦
عبدالله شراوی : ٣٨٧
ملاعبدالله‌شوشتری : ٤٨٣،٤٩٠،٤٩٢
٤٩٣،٥٤٧،٥٧٥،٥٨٧|[٦١٢-
٦١٦]
خواجه عبدالله صدر پسر خواجه محمد
مروارید : [٢٨٦ - ٢٨٨]
(بیانی) و(مروارید).
سلطان عبدالله قطب شاه پادشاه هند :
١٧٣
عبدالله ماحوزی : ٦٤٥
» مازندرانی : ٥٩١
شیخ عبدالله مامقانی : ٥٥٣،٥٧٢
عبدالله مبارك صوفی : ١٤٨،٥٤٢
» محفوظ حسینی : ٦٣٢
» مروارید (بیانی) و(مروارید).
» مصحح دیوان متنبی : ٧١٧
» معتزلی : ٣٠١
شیخ عبدالله مغربی : ٥٤٤
» منازل : ٥٤٤
» موسوی : ٧٢
» موسوی : (جنید) : ٢٠٨
» میمون (فتاح) : ٨٤
» وزیری : ١٨٤
ملاعبداللهی : ٤٨٣

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ملاعبدالله یزدی شهابادی پسر شهاب‌الدین حسینی : ۳۵٤ [۳۷۹=۳۸۰]
عبداللطیف بغدادی : ٦۲۳
» عباسی پسر عبدالله کبیر : [۲۱٦-۲۲۸]، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲٦، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲٦۹
» پسر علی پسر شیخ احمد عاملی شاگرد صاحب‌المعالم: ٤۹۲
» پسر مرحل : ٤۱۱
عبدالمجید (یحیی) پسر نصوح پسر اسرائیل ٤۵۷
» شرنوئی : ۳۸۷
» شیخی سبواسی : ۲۲۳
عبدالمطلب (بنی ....) : ۳۲۰
عبدالمعطی سملاوی : ۱۱۹
عبدالملک بن ابی‌محمد جوینی : ۷۱
عبدالمنعم پسر محمد پسر مشقر : ٤۵۱=
عبدالنبی پسر محمد رفیع مازندرانی : ۳۸۰
ملاعبدالنبی جزائری پسر سعد : ٤۹۲
عبدالنبی قزوینی : ۲۱، ٤۹۵، ۵۰۷
شیخ عبدالنبی کاظمینی پسر علی پسر احمد کلیدار : ٤۹٦، ۵٤۸
شیخ عبدالنبی نوری تهرانی : ۳۵۵
عبدالواحد شوشتری : ٦٤۷
عبدالواحد مفسر صوفی : ۱۳۹
عبدالوارث پسر سفیان : ۵۰۲
عبدالواسع [۱۹] =[۲۸۰]=۲۸۸
عبدالوهاب : ۵٦۳، ۳۹۳
» اصفهانی معتمدالدوله : ۲۱۱
» حسینی : (معموری عنائی) .
» طوسی : ۲۷۹
» قائم‌مقامی : ۱۵٤
» معموری پسر محمد حسینی حسنی عنائی : [۱۲۹-۱۳۵]
» منجم‌باشی : ۱۷٤
» موسوی : ٦۱۱، ٦۱۲
عبرت اصفهانی : ۷۳۰، =۷۳۱=
عبرت‌نامه : ۲۰۲، ۲۰٤
عقری‌الحسان : ۲۵٤
عقریة الشریف الرضی . ن : ۳۰۵
عبید (شاعر) : ۱۹۹
عبید پسر ابرص : ۷۲۲
عبید زاکان : ٤۵٤
عبیدالله احرار سرور قشلاقیان: ۳۲۸، ۳۲۹
عبیدالله زیاد : ۲۹۷
عبیدالله محمد پسر یعقوب (صاری‌قاری)
عتبة غلام . ك : ۵٤۱
عتبی : ۵۳۷
عثمان پسر ابراهیم :(فاتح ارسلان) ۲۳
» » ابی‌العاص : ۲۹۷
» » عمر پسر ابوبکر پسر یونس مالکی (ابن‌حاجب)
» » خلیف : ۳۲۰
» » عیسی : ٤۷٤
» خانی : [۳۷٦-۳۷۹]

عثمان خلیفهٔ سوم : ۱٦، ۳۳، ۳۵، ۷٤، ۲٦۰، ٤۷۰، ۵۸۳، ٦۵۱
عثمانی (دولت ...) : ۲۷، ۱۱۹، ۱٤۳، ۲۱۲، ۲۷۳، ۲۷۹، ۳۱۸، ۵۰٦، ٦۲۵، ٦۲٦، ٦۲۵، ۷۳۰
العجایب قزوینی : ٦۲۵
عجائب‌الاخبار : ٦۵۳
» البحر : ٦۵۳
» البلدان : ٦۵۳
» الدنیا : ٦۵۳
» العالم : ٦۵۳
» المخلوقات: ۱۲۷ [٦۲۱-٦۲٦]
» » حموی : ٦۲۳
» » صوفی ٦۲۳
» » قزوینی : ٦۲۲، ۲۳، ٦۲٤
» » محمود طوسی: ٦۲۳
» » فلکشناسی : ٦۲٤
» القدور فی نوائب تیمور: ٦۱۹
عجلی : ۵٦۵
عجم : (فارسی) ٤، ۵۰
عدل وجود . ن : ٤۷۵
عدة‌الرجال امرجی . ن [٦۲٦-٦۳۰]
عدة‌کلینی . ن ٤۷۵
عدة‌الناسك فی قضاء المناسك . ن : ۵۷٤
عدنان : ٤۲۲
عراق : ۱۲، ٦٤، ۸۹، ۹٤، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۳۲، ۲۹۲، ۳۱۰، ٤۳٦، ٤۷۷، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۳۷، ۵٦۰، ۵٦۹، ۵۷۰، ۵۸۷، ٦۱٦، ٦۱۹، ٦۳۳، ٦٤٦، ٦۷٦
العراق بین الاحتلالین . ن : ٦۱۹
» عجم : ۷۰، ۹۸، ٤٦۸
عراق عرب : ۸۹، ٤٦۸، ۵۷۹، ٦٦۹
عرب : ۲، ۱۳، ٦٤، ۱۲۰، ۱٤۰، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱٦، ۱۱۷، ۱٤٤، ۱٦۱، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۳۵، ۳۳٦، ۳۳۸، ۳٤٤، ۳٤۵، ۳٤٦، ۳۵٦، ۳۵۷، ۳٦۰، ۳٦۲، ۳۶۳، ۳٦۸، ۳۷۱، ۳۸۵، ۳۸٦، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۳۱، ۵۹۲، ۶۱۵، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶٤٦، ۶۹۳
عربان : ۲۱
عربستان : ۴۸، ۲۵۸، ۲۹٦، ۳۲۹، ۳٦۹
» سعودی : ۲۱۲
عربی‌سرایان ایران و هند و ترکیه و فارسی گویان هند و ترکیه . د : ۱۳۱
عرشنامهٔ استرآبادی . ن : ۹۱۱
» علی‌الاعلی . ن : ۱۱۱
عرشیهٔ ملاصدرا . ن ٦۸۸
عرض‌الحقایق . ن : ۱۹٦
عرفات‌العاشقین . ن : ۱٦٦، ۳۹۸، ٤٦٦
عرفان (علم ...) ٦٤، ۱۲۳، ۱۸٦
عرفانی : ۵٦
عرف اسلام‌پوری . ك : ۲۲۷
عرفنامه . از فضل‌الله استرآبادی . ن : ۱۱۱
عرفی شیرازی . ك : ٤۳، ۱۳۱، ۱۳٤، ۱۹۹، ۲۸۵، ٤٦۵
العروس . ن : [٦۹۹-۷۰۳]
عروض (علم ...) ٦۰۰
» جامی . ن : ۱۸۸
عروة پسر ورد . ك : ۱٤٤
عزاوی عباس . ك : ٦۱۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

عزالدين آملى پسر جعفر ، ك : [١٥١–١٥٢]
عزالدين احمد پسر محمد : ٤٩١
» تفوخى ، ك : ٣٦٠
» حسين جمى : ٥٦٦
» فاروقى : ٥١١
» محمد بن جماعة : ٣٥١
» محمود نطنزى كاشانى : ٩٥ ، [١٦٩–١٧٢] ٢١٣
» مسعود پادشاه موصل : ٥١
» موسك صلاحى : ٤٠٥
عزرائيل (خطبة ...) : ٣١٤
عزيزالله مجلسى : ٥٦٦
عسقلانى ، ك : ١٦ ، ٦١٧ ، ٦١٣ ، ٦٠٧ و (ابن حجر)
عسكرى (امام ...) : ١٢٢ ، ٥٥٠ ، ٥٧٦
عشقنامهٔ سنائى ، ن : ٥٨
» فرشته ، ن : ١١١
عشقيه (يا عشيقه) دهلوى ، ن : ١٨١
عصار ، ك : ١٩٩
عصام الدين ابراهيم پسر عز بشاه اسفرائينى ك : ٣٥٣ ، ٤٠٠ ، ٧١٨
عصمة الانبياء ، ن : ٣٥٣
عصمت بخارى ، ك : ٢٤٢
العصيدة الشهدة ، ن : ٧١٩
عصمت الدين ، ك : ٦٦
عضدالدوله آل بويه : ٧٠٨
عضدالسلطان قاجار ، ك : ٥٩٣
عضد وزير مبارزالدين مظفر ، ك : ٢٤٠
عضدى : ٣٤٠ ، ٣٤٩
عطاءالله جمال الدين دشتكى ، ك : [٥٤٢–٥٨٤] ٦٦٣ ، ٧٦٠
عطاءالملك جوينى : (عطاملك)
ميرعطاءالله : ١٢٧
عطار باشى موصلى : (١٤٤)
» بغدادى ، ك : ١١٨
» شيرازى ، ك : = ١٢ =
عطار نيشابورى : ٧ ، ٥٧ ، ٩١ ، ١٣٥ ، ١٩٩ ، ٢٠٢ ، ٢١٨ ، ٣٥٣ ، ٢٧٧ ، ٢٤١
عطاملك جوينى : ٦٧ ، ٦٨ ، ١٥٠
عطوفى خضر پسر عمر : ٧١٨
عظيم الدين احمد : ٤٢٣
عفيف الدين : ١٨٤
عق (= على بن احمد عقيقى) رمز ٥٥٠ ، ٥٧٦
العقال فى مكارم الخصال : ٣٦٧
عقدالجواهر فى الاشباه والنظائر : ٥٧٤
عقدالفريد ، ن : ١٦ ، ١٧ ، ١١٦ ، ١٤٤ ، ٣٠٢ ، ٧٢٢
عقدالنضيد ، ن : ٢٥٧
عقدالنفيس ونزهة الجليس ، ن : [١٥٨]
عقدالآلى البهيه فى الرد على الطائفة البغيه ن : ٦٦٥
العقدالمنظوم فى ذكر افاضل روم ، ن : ٦٨٠
عقلانى (عسقلانى) .
عقل كل (اصطلاح اسماعيليان) : ٨٤
عقل نامهٔ سنائى ، ن : ٥٨

عقل وعشق ، ن : ١٩٤
العقل والعقلاء ، ن : ٥٠٢
عقودالجمان ، ن : ٦٧٩
العقودالرقيعه فى الصنايع البديعية ، ن : [٤٢٩–٤٣١]
عقيدهٔ اديبه (ترجمهٔ زيبيه) : ١٢٠
عقيلى احمد پسر على ، ك : ٤٨٧ ، ٥٥٠
» على پسر احمد ، ك : ٤٨٧
عقيل (پدر مسلم) : ٣٢٠
» پسر عقله : ٢٩٧
عقيلى محمد پسر عمرو : ٤٨٩ ، ٥٠٣
عكاشه پسر ثورغوثى : ٢٧٦
» پسر عبدالصمد عنى : ٢٧٦
» پسر محصن اسدى : ٢٧٦
عكاظ (بازار ...) ٧٢٢
علاءالدولة محمد رحيم خان : = ٢٢٥ =
علاءالدين پسر على مشهدى طوسى ٢١٥
» خانصاحب : ٢٦٩
شيخ علاءالدين عطيه (علوان عينى) : ٩٥
علاءالدين على پسر عمر اسود : ٣٣٥
» على پسر محمد شاهرودى بسطامى ٣٥٢
شيخ علاءالدين على مصنف پسر محمد : ٢٢٢
علاءالدين عليشاه پسر محمود برادر خسرو دهلوى : ١٧٥
» على فنارى : ٤١٧
» فيروزشاه : ٥٢ ، ٥٣
» گلسنانه : [٣٣–٣٦] ٥٥٣
علاءالدين ماردينى : ٦١٣
» محمد : ٦٠٦
» محمد پسر شاه ابوتراب محمدعلى حسينى : (علاءالدين گلسنانه)
علاءالدين محمدشاه : ١٧٧ ، ١٧٨
علاءالسلطنه گيلانى : ٩٩ ، ١٠٠ ، ١٠٣
علاءالملك پسر قاضى نورالله : ٦٥٠
علائى (صاحب جامع التحصيل) ، ك : ٦١٣
» پسر مجبى واعظ شيرازى نزيل ك : ٢٢٣
علامات الظهور ، ن : ١١٣
العلامة ، ن : ٦١٥
علامهٔ حلى حسن پسر يوسف ، ك : ١٦ ، ١٥١ ، ٣٢٣ ، ٣٦٧ ، ٤٨٤ ، ٤٩١ ، ٤٩٣ ، ٤٩٤ ، ٤٩٩ ، ٥٠٠ ، ٥٠٦ ، ٥٤٩ ، ٥٥٠ ، ٥٥١ ، ٥٦٥ ، ٥٦٦ ، ٥٧٣ ، ٥٧٤ ، ٥٨٨ ، ٥٨٩ ، ٦٠٥ ، ٦٣٩ ، ٦٧٠ ، ٦٧٢ ، ٦٧٣ ، ٦٧٤ ، ٦٧٦
» مجلسى (مجلسى دوم) .
علامى ، (ابوالفضل ناگورى)
علل الشرايع ، ن : ٣٠١ ، ٣٠٣
علل القراآت ، ن : ٣٦٠
علم جدل وخلاف و مناظره (علم ...) ٣٤١
علم الدين سخاوى پسر محمد همدانى ٣٥٦
علىشاه عبدالرحمان پسر صاحلى : ٢١٣ ، ٤١٨

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

علیشاه : ٦٢٥
علم‌الهدی پسر فیض . ك : ٥١٤، ٦٣٩
علوم عشرة . ن : ٣٤٣
علویان . د : ٦٣٢
علی (امیرالمؤمنین امام...) ١٦، ١٩، ٧٤، ٩٣، ١٠٨، ١٠٩، ١١٢، ١١٤، ١١٦ تا ١٢١، ١٣٠، ١٣٦، [١٣٧]، [١٥٧ تا ١٦٠]، ١٦٣، ١٧٧، ٢٠١، ٢٣٠، [٢٣٢-٢٣٥]، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٥٨، ٢٦١، ٢٦٧، ٢٦٩، ٢٨٦، ٢٩٠، ٢٩٣، ٢٩٧ تا ٣١١، ٤٨٤، ٤٨٥، ٥١١، ٥٣١، ٥٣٣، ٥٥٠، ٥٥١، ٥٧٦، ٥٨٢، ٥٨٤، ٦٣٤، ٦٥٠، ٦٥٢، ٦٦٩، [٦٧٧]، [٧٢٩]
میرعلی . ك : ٩١١
سیدعلی . ك : ٤١٩
علی‌اصغر اصفهانی . ك : ١١٧
» » (حکمت)
علی‌الاعلی . ك : ١١٠، ١١١
علی‌اکبر برقعی . ك : ٣١٠، ٥٠١
» پسر آخوند یزدی . = ٤٥٨ =
» عبدعلی زمان کرمانی . ك: [٢٦٥] - ٢٦٦ =
» عبدالکریم یزدی . ك: ٣٧٤
» عبدالله کرمانی . ك : = ٢٦٧ =
» زرندی تهرانی . ك: ٢٦٥
» مروج . ك : ٥٢٣
علی‌اکبر یزدی . ك : ١١٣، ٤٥٧
» بارچینی یزدی . ك : ١١٣
» بغدادی . ك : [٢٦٧]، ٦٦١
» بلیمانی . ك : ٦١٦
» پاشا . ك : ٢٧٨
» پسر احمد بیستون . ك : ٥٧٦
» احمد عقیقی . ك : ١٩٢
» احمد واحدی : ٧٠٩
» جعفر خزاعی مروزی . ك : ٥٠٠
» حسن پسر علی پسر فضال فطحی . ك : ٤٨٦، ٦١٤
» حسین (امام ..) . ك: ٥٥٠، ٦٣١
» حسین پسر موسی (شریف مرتضی علم‌الهدی) [١٦٢-١٦٣]
» » حسین (حسین واعظ) و (کاشفی)
» » حسین (مسعودی)
» » حسین (موصلی)
» » حیان . ك : ٥٠٥
ملاعلی پسر میرزاخلیل . ك . ٦٦٦
علی پسر زین‌العابدین . ك . ٥٩١
» » سلیمان الخفش . ك : ٦٧٨
» » سهل اصفهانی . ك : ٥٤٤
» » شهاب همدانی . ك . ٥١٣
» » طاوس . ك : ٢٩٩، ٣٠٢ و (ابن‌طاوس علی)
» » عباس (جزادینی)
» » عبدالحمید نیلی . ك : ٥٦٣
» » عبدالرسول ك: ٦٣٤، ٦٣٥
» » عبدالله مقناعی بحرینی . ك : ٤٩٤، ٦٣٨

» » عبدالله (مدینی)
» » عبدالله ناشی . ك : ٩٣
» » » وهرانی ك : ٣٨٣
» » عثمان (ماردینی) . ك : ٥٥٦
» » علی همدانی . ك : ١٥٧
» » عمران رازی . ك : ٧٠
» » فضال مجاشعی . ك : ٤٣١
» » فضل‌الله (راوندی) : ٢٩١
» » قاسم پسر وفاق شیبلی . ك: ٣٨٣
» » محسن (اعرجی) . ك : ٦٦٤
» » محمد (ابن‌الفرات)
» » محمد بسطامی : ٧١٧
» » محمد پسر حاجی مقیم = ٧٠٤ =
» » محمد پسر دهقان سعی بکندی ك : ٤٥٦
» » محمدقرشی . ك : ٤٨٨
» » محمد (مؤدب ایتی واسطی)
» » محمد پسر شیران کازرونی . ك : ٦١٤
علی پسر محمد پسر صالح کنانی . ك : ٣٨٣
» » محمد پسر علی جوینی . ك : ٣٣٩
» » محمد پسر قمابخش . ك : ٥٥٥
» » محمداسدی ك: ٥٠٨، ٥٠٩
» » محمد علی پسر ابوالمعالی . ك: ٦٦٤
» » محمد ایتی واسطی . ك : [١٣٨] [١٥٨-١٦٠]
» » مهدی حمیری . ك : ٤٢٢
» » موسی‌الرضا (امام...) ك : ٦٢، ١٠٦، ٣٠٠، ٥٥٠
» » موسی‌بن‌طاوس (ابن‌طاوس) . ك : ٥٢٨
» تبریزی . ك : = ٥٢٧ =
علی پسر هبةالله (ابن‌ماکولا) . ك: ٥٥٥
» » هلال جزایری . ك : ١٥١
سیدعلی چاپ کنندهٔ برده : ٧٢٠
علی چلبی یگانی . ك : ٢٧٨
شیخ علی حزین . ك : ٣٣
علی حسن پسر محمد صدیق حسنخان . هندی . ك : ٢٧٢، ٤٦٦
دکتر سیدعلی حسین وردی کاظمی . ك: = ٣١٠ =
آقاعلی‌خان پسر سلیمان‌خان خوشنویس . ك : ١٣٥
سیدعلی‌خان مدنی (ابن‌معصوم) . ك : ٤٣١، ٤٤٢ = ٤٩٤ = ٦٨٥
علی‌رضا شیرازی پسر عبدالکریم . ك : [٥٢٢ - ٥٢٣]
ع . علی‌زاده . ك : ٤٠
علیزاده، سیدیعقوب پسر سیدعلی . ك : [١٤١-١٤٣]
سیدعلی شاعر پسر محمد پسر احمدنویس پسر ابراهیم طباطبائی . ك : ٣٨١
علی شیرلودی . ك : ١٨٧، ٤٦٥
علیشیر نوائی . ك : ٤٦، ٦١، ١٣٨، ١٤٧، ١٥٥، ١٥٦، ١٨٣ تا ١٨٩، ٢٣٠، ٢٤١، ٢٤٢ تا ٢٤٨، ٢٧٥، ٢٨٧، ٢٩١، ٣٢٨، ٣٩٣، ٤٠١ تا

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

٤٠٤، ٤٦٥، ٥٣٤، ٥٣٥، ٥٨٣،
٥٨٤، ٦٥٩، ٨٩٥، ٧٠١
علی صادق سکزی ممرس . ك : ٣٤٢
« طباطبائی . ك : ٦٢٧
سیدعلی فیض . ك : ٣٠
علی‌قلی بن احمد تبریزی = ٦٣٧ =
علی‌قلی واله داغستانی . ك : ٦٥٠
علی‌قلی میرزا . ك : ٦٣٤
میرزا علی کارکیا : ك ٤٣٩
علی کر . ك = ٣٩٣
شیخ علی کرکی . ك : ٥٨١
علیکره ج : ١٧٨، ١٧٩
ملاعلی کنی تهرانی . ك : ٤٩٦، ٦٦٦
میرعلی اودی ← (علی‌شیر)
شیخ علی محلاتی . ك : ٤٨٣، ٤٩٨
علی منق . ك : ٤١٨، ٤٥٧
علی نائینی . ك : ٨٦
علی‌نقی مؤتمن . ك : ٢٦٩
عمادالدین . ك : ٤٢٣
عمادالدین ابوالفداء . ك : ٦٧٩
« فضل‌الله ك : ٢١٥
« یحیی بن احمد کاشی . ك : ٤٥٦
عماد فقیه . ك : ٤٢
حاج عماد فهرسی . ك : ٥٧٠
عمار یاسر . ك : ١٤٩، ٦٦٩
عمان . ج : ٢٩٦
عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب.
ن : ٤٩١، ٥٣١، ٦٣٠–٦٣٥،
٧٦٠
عمر بن احمد بن عثمان (ابن شاهین)
« « احمد خربوتی : ٧١٩
« « عبدالعزیز . ك : ٢٩٨، ٧٢١
« « علی ملقن . ك : ٤٩١–٦٠٧
« « عمر بیاسی . ك : ٢٣٤
« « مظفر بن عمر بن محمد بن عمر
ابوالفوارس زین‌الدین ابن الوردی
ك : ٤٠٩
« « یزید . ك : ٤٧٥
« خطاب حلیمه . ك : ٢٢، ٣٥، ١١٦،
٢٥٥، ٢٩٧، ٤٧٠، ٥٨٣، ٦٥١
عنبرشاه . ك : ٢٨٤
« مخزومی . ك : ٣٢٠
« (شفرق)
« رافعی مصحح دیوان متنبی : ٧٢٢
« بن ابوالحسن علی بن مرشد بن
علی . ك : ٩٢
عمرو بن کلثوم (از شاعران جاهلی عرب)
ك : ٧٢، ٧٢٢
« « معدیکرب . ك : ٢٩٧
« عباس . ك : ٣١٣، ٣٢٠
« حداد . ك : ٥٤٣
« عثمان مکی . ك : ٥٤٣
عبدالملك گیلانی . ك : ٩٩، ١٠٠، ١٠١
ملاعنائی قاضی . ك : ٦٢٢
عناطیس . ج : ٥٦١

ملاعنایت‌الله قهپائی . ك : ٤٨٣، ٤٩٢،
٤٩٩، ٥٢٨، ٥٨٠، ٦١٤، ٦١٦
٦٣٨
عنتره بن شداد : ٧٢٢
عنصری . ك : ٧١، ١٩٩، ٤٥٤
عنوان‌الریاسة . ن : ١٨
عهدی گوناوی . ك : ٤٥
عوارف‌المعارف . ن : ٩٠–١٧٠، ٦٦٢،
٧٠١
عوامل جرجانی . ن : ٤٣١، ٤٦٢
عود (موسیقی) : ٢٠٤
عوفی محمدبن محمدبن یحیی . ك ١٢٣،
٦٨٧
عوة‌الخطیب . ن : ٥٨٨
عون‌الجمل . ن : ٣٨٣
عیاشی سمرقندی محمد بن مسعود .
ك : ٤٨٦، ٤٩٧، ٤٩٨
عیاض : (فضیل...) و (قاضی...)
عیدان بدومتنبی . ك : ٧٠٧
عیداب . ك : ٧٦
عیسی بن احمد علوی پادشاه بدخشان.
ك : ١٠٧
عیسی بن مهران . ك : ٤٨٧
میرزا عیسی قائمقام فراهانی . ك :
٢٥٣
عین خلیل . ن : ٣٣٦، ٣٦٠
عین‌الاصابه . ن : ٤٩٢، ٥٠٤
عین‌الملك فخرالدین حسین بن شرف‌الملك
اشتری . ك :
عیون‌الاثر فی فنون‌المغازی والسیر .
ن ٧
عیون‌الاخبار . ن : ٥٠٣، ٢
عیون‌الحکم . ن : ١٣٧، ١٣٩، ٣٠٣
عیون‌الحکم‌والمواعظ و ذخیرة‌الحفظ
والواعظ . ن : ١٣٨|١٥٨–
|١٦٠
العیون والمحاسن . ن : ١٥٩
عینیه (چکامه...) ٣٥٧
غازان شاه . ك : ٥٢٦
غازی بن سلیمان شریف . ك : ٢٥٣
غجك (موسیقی ـ) : ٢٠٤
الغرا، (خطبهٔ ـ) : ٣٠٤، ٣١٣، ٧٥٨
غراب (نوعی کشتی) : ٦٤٥
غرایب‌القرآن . ن : ٤٠٦
غرجستان . ج : ٤٦٨
غررالادله . ن : ٢٥٣
غررالحکم و دررالکلم . ن : ١٣٧،
١٣٨، ١٥٩، ١٦٠–
١٦٢|٢٦٧
غررالفوائدودررالقلاید . ن : ١٦٢–
١٦٦|٣٧٣
غرةالکمال . ن : ١٧٦|، ١٨٢
غرة (منطق) : ٣٧٣
غریب‌الحدیث . ن : ٢٠٢، ٢٣٠، ٣٣٨
غریب‌القرآن . ن : ٢

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

غریبنامه ازرستائی ، ن : ۵۸
غزالی ، ک : ۱۹۹، ۶۴۹
غزالی مشهدی ، ک : ۴۳
غزل سعدی ، ن : ۱۹۲
غزلنامهٔ بدایع ، ن : ۱۹۳
غزلنامهٔ خواتیم ، ن : ۱۹۳
غزلنامهٔ سعدی ، ن : ۱۹۳
غزلنامهٔ صاحبیه ، ن : ۱۹۳
غزلنامهٔ طیبات ، ن : ۱۹۳
غزلیات جامی ، ن : ۱۹۱
غزنوی ، ۵۳۶
غزنویان ، د ، : ۷۵، ۱۳۲، ۵۳۰
غزه ، ج : ۵۱۵
غزین ، ج : ۵۶، ۶۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۶۹۴
غسل پیغمبر (خطبهٔ ...) : ۳۲۴
غض (= ابن غضائری) رمز: ۵۵۰، ۵۷۶
غضائری ، ک : ۱۳۲
غلامحسین منشی ، ک : ۴۶
غلام سبحان ، ن : ۷۱۱
غلامعلی آزاد بلگرامی ، ک : ۱۹۵، ۴۶۶
غنائی عبدالوهاب [۱۲۹–۱۳۵]
غنائی قاضی : ۶۲۲
و کتر غنی : ۷۰۲
غور ، ج : ۴۶۸
غوری ، (خاندان ...) : ۲۳، ۵۱۵
غیاثا شاعر : ۷۳۲
غیاث پسر فارس مکی ، ک : ۳۵۷
خواجه غیاث‌الدین (ممدوح شمس فخری) ۴۵۴
غیاث‌الدین ابوالفتح شاه ملك : ۱۴۸
سلطان غیاث‌الدین تغلق تیمور : ۱۷۷، ۶۱۷
غیاث‌الدین جمشید : ۳۷۲
میرغیاث‌الدین حروفی ، ۲۱۰
غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاوس احمد پسر موسی (ابن طاوس) : ۴۷۸
غیاث‌الدین محمد پسر همام‌الدین خوندمیر ک : [۶۳۶–۶۳۷]
غیاث‌الدین منصور دشتکی پسر صدرالدین ۱۲۷، ۴۱۴، ۵۹۳، ۵۸۱
غیاثی ، ک : ۳۷۲
فائز دشتستانی ، ک : ۸۶
فارق ، ک : ۳۷۰
فاتح‌الابیات ، ن : ۲۲۳
فاتحه ، (سورهٔ ...) : ۶۹۹
فاتحة‌الشباب ، ن : ۱۸۹
فاتك اسدی : ۷۰۸
فاتکیات (شعر متنبی) : ۷۰۹
فاخر : ۷۳۲
فارابی ، ج : ۲
فارابی ، ک : ۷۸
فارس ، ج : ۴۶۹، ۵۲۵، ۶۴۶
فارسنامه ، ن ، : ۶۵۳
فارسی ، ک : ۶۳
فارسی گویان هند و ترکیه و عربی سرایان ایران و هند و ترکیه : ۱۳۱
فاروق ، ک : ۲۳۰
الفاضحة (خطبهٔ ...) : ۳۰۴
فاضل جواد ، ک : ۵۸۸
فاضل گروسی ، ک : ۱۵۴، ۴۶۵
فاطمة دختر پیغمبر ، ک : ۱۲۰، ۴۹۸، ۶۶۹
فاطمه دخت هارون ابن موسی ، ک : ۵۷۷، ۵۸۰
فاطمه مادر محمدحسن خوزانی ، ک : ۳۴۰

فاطمی ، ک : ۸۳
فاطمیان مصر ، د ، ۸۴، ۵۸۶
فاگنان فرانسوی ، ک : ۷۹
فالگیری (علم ...) : ۶۰۰
فانوستیقا ، ازدهلوی ، ن : ۱۸۱
فانی فیروزاحسن زنوزی پسر عبدالرسول ، ک : ۶۴
فتحعلی خان صبا ملك‌الشعراء کاشانی ، ک : ۴۵، ۵۴، ۱۵۳، ۱۷۳، [۶۱۰–۶۱۲]
» » قاجار ، ک : ۲۷۴
» شاه ، ک : ۵۴، ۱۵۳، ۱۶۷، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۵۳، ۵۲۳، ۶۱۰، ۶۱۱، ۷۰۴
الفتح‌القریب ، ن : ۴۱۱
فتح‌الله کاشانی ، ک : ۳۱۰، ۴۰۸
فتح موصلی ، ک : ۵۴۲
فتحنامه (روش نگارش ...) : ۱۲، ۲۷۷، ۲۷۹
فتحنامهٔ روم ، ن : ۲۷۹
الفتح‌الوهبی بمصر ، ن : ۵۳۶
فتوت ، د ، ۵۹۷، ۷۰۲
فتوحات شاهی ، ازامینی ، ن : ۱۱۹ ، [۶۳۶–۶۳۷]
فتوحات‌الفتاح ، ن : ۴۱۶، [۴۳۳]
فتوی (خطبهٔ ...) : ۳۱۲، ۵۹۸
فخرالدین احمد : ۷۱۷
» احمد اسفرائینی منجم ، ک : ۹۹
فخرالدین رازی (فخررازی) ، شیخ فخرالدین طریحی پسر محمد علی پسر احمد پسر طریح جناجی
مسلمی ، ک : ۴۹۳، ۵۵۶ ، ۷۵۷
فخرالدین عبدالله پسر مؤید بالله ، ک : ۲۵۷
فخرالدین عراقی ، ک : ۱۹۰
فخرالدین فتح‌الله پسر ابوبکر ، ک : ۶۷۱
» صبری ، ک : (۵۵) (۳۹۰)
فخرالدین گرگانی شاعر ، ک : ۴۸ ، ۳۲۸
فخررازی ، ک : ۲۵۳، ۳۲۷
فخر زمان ، ک : ۴۶۶
فدائی شاعر : ۷۳۲
فدائی بیگی ارمرائب مذهبی اسماعیلیان : ۸۵
فرائدالفوائد دهلوی ، ن : ۵۳
فرائدوالقلائد ، ن ، ثعالبی : [۱۵۸]
الفرائد والقلائد اسفرائینی ، ن : ۱۳۷
فرات ، ج : ۱۳۶، ۱۶۰، ۵۱۱، ۷۰۷
فراغی ، ک : ۲۷۵
فراسه ، ج : ۷۲، ۱۷۲، ۲۱۲، ۲۷۴، ۳۸۷، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۴۲
فراهانی ابوالحسن حسینی شیرازی ، [۱۲۶]
ملافرج‌الله حویزی پسر محمد پسر درویش ک : ۴۹۴
فرج‌المهموم ، ن : ۴۸۲، ۴۹۸
فرخار ، ج : ۴۹۹
ملافرخ حسین خدام ، ک : ۲۸۴
فرخ (فریدون میرزا) ،
فرخة‌الشامی ، ۶۴۴

فرخی سیستانی ، ک : ٥٦،٥٧،١٩٩،
٤٥٤
فردویك اکسن باخ ، ک : ٢٠٩
» دیترشی ، ك : ٧١١
فردوسی ، ک : ٨٩،١٣١،١٣٤ و ١٩٩،
٢١٦،٣٢٨،٦١٠،٦١١
فردوسیه ، ن : [٢٠١] ٢٠٤
فرشته‌زاده ، ک : ١١٠،١١١
فرعونان مصر ، (سلسلهٔ ...) : ٣٢٨
فرغانه ، ج : ٤٦٩
فرقان‌الاخبار ، ن : ١١١
» اهل‌الحق ، ن : ١١١
فرق‌الشیعه ، ن : ٤٨٦
فرمان (روش نگارش ...) : ١٢
فروزانفر ، بدیع‌الزمان : ٥٧ ، ١٣٠ ،
(١٤٨) ، ٢١٧ ، ٢٢١
فروغ اصفهانی ، پسر بیجت اصفهانی ،
ک : = [٥٨٤-٥٨٦] =
فروغی ، ک : ١١،١٨
فرهاد (یکی از سران خسرو ، عاشق
شیرین) ، ک : ٤٨،١٦٦،١٦٧
فرهاد وشیرین امیرعلیشیر ، ن : ٤٢،
٤٨،١٦٦،١٦٨
فرهاد میرزا شاهزاده ، ک ، : ٣٩ ،
(٩٧) ، ١٥٣ ، ١٦٤ ، ١٦٨ ،
٣٩٠،٦٦١
فرهومند مهرانی ، ک : (٦٨٣) ،
فرهناك (امضاء) ٤٤١،٥٢٨
» ابوحفص سغدی ، ن : ٤٤٤
» اسدی طوسی ، ن : ٤٤٤
» اسکندرنامه ، ن : ٤٦
» برهان‌قاطع ، ن : ١٣٥
» حسین وفائی ، ن : ٤٤٤
» زبان‌گویا ، ن : ٤٤٤
» شمس فخری ، ن : ١٢٧
» فارسی ابوالفضل ، ن : ٥١٨
» محمد هندوشاه ، ن : ٤٤٤
» میرزا : ١٢٧
» میرزا ابراهیم پسرشاه حسین
اصفهان : ١٢٧،٤٤٤
» نعمت‌اللهی ، ک : ٤١٩،٤٥٤
» وفائی ، (حسین ...)
فریدوجدی ، ک : ٧٢٣
سیدفریدون پسر سپهسالار : ٢١٧
فریدون میرزا فرخ پسر عباس‌میرزا :
ك : ٥٨٥
فراری ابراهیم پسرحکیم پسر ظهیر :
ك : ٣٠٠
فش (= فضل بن شاذان) رمز ، ك : ٥٧٦
فصل‌الخطاب ، ن : ١٢٥،٥٤٨
فصوص فارابی ، ن : ٦٨٨
فصول‌الائمه ، ن : ١٣٧
فصول‌المهمه ، ن : ١١٧،٢٦٧
فض (= ابن‌فضال) رمز : ٥٧٦
فضاله پسر ایوب ، ک : ٤٧٣،٤٧٤
فضل شاذان ، ک : ٥٠٠،٥٧٦
شیخ فضل‌الله نوری ، ک : ٥٩٢
فضل‌الله استرآبادی ک : ١٠٩،١١٠،
١١١،١١٢،٢٥٢
» راوندی ، ك : [١٣٨]
» شریف پسر محمد شریف ،
ک : [٣٤٠]

فضولی بغدادی ، ک : ٤٤ ، [٢٣٥] ،
٣٩٣
فضیل پسر یسار ، ک : ٤٧٣
» عیاض ، ک : ٥٤٢
فغانی (بابا ...) ، ک : ٦٢،١٩٩،٧٣٢
فقه واصول فقه (فصلی از کتاب) : ٦٠٠
فقهیه مستطرفه ، ن : ٦٢٧
فلاحة ، ن : ٦٢٥
فلاشیر آلمانی ، ک : ١٤٠
فلسطین ، ج : ٧٦،٣٩٧
فلسفهٔ ایران وناصرخسرو : ٨٣
فلسفهٔ کلاسیك ایران‌دوسدهٔ سیزدهم :
٣٧٣
» یونان ، ٨٤ :
الفلك‌الدائر ، ن : ٢٥٣
فلیکس تاور ، ک : ٦١٨
فنجگرد ، ج : ١١٧
فنجگردی علی بن احمدبن محمد ، ک :
١١٧
فن زوزنروبك ، ک : ١٩١
فوات‌الوفیات ، ن : ٤٣٢،٦٧٨
فوائدالرجال ، ن : ٦٥٧
» الشمسیه ، ن : ٥٥٩
» الفیائیه ، ن : ٤٥٧
» ضیائیه ، ن : ١٨٨،١٩١
» فیروزشاهی ، ن : ٦٥٣
» مدینه ، ن : ٦٦٥
فوزالاصغر ، ازابن‌مسکویه ، ٦٨٨،٦٩٢
فوق‌الدین احمد یزدی ، ك : ٤٤
فولرس آلمانی : ٧٢٤
فولوگل ، ک : ٤٨٨
فون کریمر ، ک : ٤٢٣
فون‌هامر ، ک : ٥٣٤
الفهرست ، (فهرست طوسی)
فهرست آصفیه (فهرست کتابخانهٔ ...)
فهرست ابن‌بطه ، ن : ٤٨٧
» ابن‌عبدون‌بن‌جاشر ، ن : ٤٨٨
» ابن‌الندیم ، ن : ١٣٧،٣٠٩،٤٨٨
فهرست برینش‌موزیوم (فهرست ریو) ،
» دارالکتب‌العربیه ، ن : ٣٨٩
» دارالکتب مصری ، ن : ٣٧٠
» دیوانهای کتابخانهٔ ملك ، ن :
٦٩
» الرجال ، ن ٤٨٦،٤٩٢
» الرجال ، از ابن‌ولید قمی ، ن :
٤٨٨
فهرست رضویه (فهرست کتابخانهٔ ...)
» ریو ، ن : ١٢٦،١٥٦،٢٤٣ ،
٢٧٢،٢٨٢،٤٤٤،٥٣٥ ،
٥٩٤،٥٩٥،٦١٨،٦٧٢،٦٧٤ ،
٧٠٢ و (ریو)
فهرست سپهسالار (فهرست کتابخانهٔ
...) ،
» طوسی ، ن : ٢٩٩،٣٠١،٣٠٢ ،
٣٠٤،٤٧٢،٤٨٣،٤٨٤،٤٨٥ ،
٤٨٦،٤٨٧،٤٨٨،٤٨٩،٤٩٠ ،
٤٩١،٤٩٢،٤٩٤،٤٩٨،٥٠٠ ،
٥٠٦،٥٢٨،٥٤٩،٥٥٣،٥٥٦ ،
٥٧٦،٥٧٧،٥٨٠،٥٨١،٦٠٥ ،
٦١٤،٦٣٦،[٦٣٧-٦٤٠] .
» کتابخانهٔ آصفیه ، ن : ١٨٠
» » رضوی ، ن : ٢٥٩ ،
٣٠٤،٣٢٠،٣٢١،٤٠٧
فهرست کتابخانهٔ سپهسالار ، ن : ٥ ،
٣٤،٣٥

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

١٣٧،٩٠،٦٢،٦٠،٥٦،٤٧،٤٦
٢٥٠ ،١٥٧،١٥٢،١٥٠،١٣٩
٣٧٦،٣٦٩،٣٣٩،٣١١،٣٠٩
٤٤٥،٤٤٤،٤٣٥،٤٠٧،٣٨٩
فهرست کتابخانهٔ مجلس ، ن : ١٧٩،
٣٣٩ ،٢٨٢،٢٧٣،٢٥٧،١٨٣
٥٧٢ ،٣٩٤،٣٩٣،٣٩٠،٣٨٨
٦١٨،٥٩٥،٥٨٤
» کتابخانهٔ معارف(ملی) ن : ٣٣
» کتب عربی لندن ، ن : ١٣٩
» مجمع التواریخ مرعشی ن ١٠،٤١١
» منتجب الدین ن ، ٤٩٠،
٥٠٦،٥٥٤
» مسعودی علی پسر حسین ، ن :
٤٨٧
» کتب المصنفین ن : ٤٨٢
» نگارش و تاریخچهٔ آن : ٤٨٤
ن (= کافی کلینی) رمز : ٥٥٤
نیشر جرالد ، ک : ٣٢٧
نیشاپور ک : ٢٠٢
نیروزآباد شیراز ، ج : ٤٣٦
فیروزآبادی شیرازی صاحب قاموس ،
ک ، ١٢١،٣٧٠،٣٤٤،٤٣٥،
٤٤٦،٧١٦
امیرفیروزشاه ، ک : ٢٧٩،٥٣٥
فیض (ملامحسن کاشانی) ، ک : ٤٢٠،
٤٥٠،٥٨٨
فیض الآله فی ترجمة القاضی نورالله ، ن :
٦٥٠
فیض القدسی ، ن : ٣٣،٥٨٨ـ٥٥٤
میرزا فیض‌الله قرشی پسر عبدالقاهر
حسینی ، ک : ٤٩٣
فیض علی پسر محمدعلی قمی طبیبی ،
ک : ٨٨
فیضل (قاضی عیاض صوفی) ، ک :
١٤٨
فیضنامه ، ن : ٦١١
فیضی دکنی پسر شیخ مبارک ، ک : ٤٣،
٤٤،١٩٩،٢٥٠،٢٥٣،٢٨٥ و
(ابوالفیض)
فیلسوف الدوله ، ک : ٢٩١
فیوم : ٧١٩
ق (= یاران امام صادق) ، رمز :
٥٥٠،٥٧٦
ق (= نقت غیرامامی) رمز : ٦٧٥
قابوس وشمگیر ، ک : ٥٣٦
قاجار ، د : ٢٥٩،٣٧٢
القادر بالله ، ک : ١٠٤،١٠٦
میرقاری کوکبی گیلانی ، ک : ١٣٩
قارنیان هفتگانه ودهگانه ، د : ٥٨٦
قازان ، ج : ٤١٢،٤١٣،٤٥٤
میرقاسم انوار ، ک : ٢٤١
قاسم‌بیک ، ک : ١٨٤
» پسر صاحب‌الامر ، ک : ٥٦١
» محمد واسطی ، ک : ٣٨٣
» خان‌فرمانداروبنگاله ، ک : ٥٩٥
» علی پسر محمد تقی خوانساری ،
ک : ١١٩
» مشهدی : ٥٣٢
قاسمی ، ک : ٢٥١،٢٥٣
» گوتابادی ، ک : ٤٣

قاسیون ، ج : ٣٥٧
الفاطمة (خطبهٔ ...) : ٣٠٤،٣٠٦،٣١٧
٣٢٣
قاضی (امضاء) : ٥٢٨
» احمد تتوی ، (قاضی زاده ...)
» احمد غفاری ، ک : ٢١،٢٦
» (اختیار) تربتی ، ک : ٢٤٥،
٢٤٦،٢٥٢،٢٥٣،[٦٨٩ـ٦٩٢]
» بدرالدین سخاوی ، ک : ٦٧٦
» بهاءالدین ابن شداد ، ک : ٦٧٦
» توشی ، ک : ٢٥
» جهابی ، ک : ٤٨٨
» حسام‌الدین رومی ، ک : ٤٥٦
» میرحسین پسر معین میبدی ، ک :
١٢٠،١٢٣،١٢٧
» حمیدالدین ، ک : ١٢٥
» خان دهار دهلوی ، ک : ٤٤٤
» زاده ، احمد پسر محمود ، ک :
٤١٨
» زاده شیخ احمد پسر عبدالله تتوی ،
ک ، ٥١٧ | ٥٢٠ـ٥٢٢ | ٦٥٠
» زاده تتوی ، ک : ٥١٧،٥٦٠،
٦٥٠
قاضی‌زاده (کبیر پسر اویس)
» سراج هندی ، ک : ٩٥
» سعید قمی ، ک : ١١٣
» سلام ، ک : ١٨٤
» سنجابی ، ک : ٤٤
» شرف‌الدین صدرجهان ، ک : ١٠٦
» شمس‌الدین محمد باطی ، ک :
» شهاب‌الدین ، ک : ١٧٩
قاضی صنع‌الله پسر ابراهیم ، ک : ٦١٣
» عیاض : ١٤٨،٦٢٥،٦٦٣
» عضد ایجی ، ک : ٤٥٤،٤٥٧
» قضاعی ابوعبدالله ، ک : ٣٠٣
» محمود پسر عباس ، ک : ١٤٢
» محمدقاسم ، ک : ١٩٧
» مسعود ، ک : ١٨٤
» نظاما ، ک : ٢٠٢
» نورالله شوشتری ، ک : ٦٠،٩٣
٢٦٥،٣٥٤،٤٨١،٤٩٢،٥١٧،
٥٥٩،٥٨١،٥٨٢،٥٨٩،٦٤٧،
٧٠٨
قانیه ، ن : ٤١٠،٦٠٠
» جامی ، ن : ١٨٨
» (رساله در ...) : [٤٣٤]
قاموس ، ن : ١٢٥،٤٣٤،٣٣٦،٣٤٤،
٣٩١،٤٣٥
» الاعلام ترکی ، ن : ٢٢٢،٤٤٤،
٦٦٩،٦٧٢
قاموس‌الاعلام زرکلی ، ن : ١٤٤
القاموس‌المحیط والقابوس‌الوسیط ،
ن : ١٢١،٣٧٠ [٤٣٤ـ٤٣٨]
٤٤٦،٥٠٤
قانعی طوسی ، ملک‌الشعراء بهاءالدین ،
ک : ٦٨
قانون اعظم ، ن : ٨٠
» دیوان عالی تمیز ، ن : ٥٩٣
قاهره ، ج ، ٦،١٣٠،٧٦،٩٢،٩٤،١٢٠
٣٥٧،٣٤٢،٤٣٥،٤٣٦،٦٧٧،
٧١٩
قاین ، ج : ٤٦٨

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

قبایل‌العرب ، ن : ۵۰۲
قبادیان ، ج : ۷۳
قباء ، ح : ۴۶۹
قتیبه پسرمسلم ، ك : ۲۹۷،۳
قثم‌پسر عباس ، ك : ۳۲۰،۳۲۱
قحطان ، د : ۴۲۲
قد (= ابن‌عقده) ، رمز : ۵۷۶
قدرت ، شاعر : ۷۳۲
قدسی محمد پسرحسن رموزی : ۷۱۸
قر (= یاران امام‌باقر) ، رمز : ۵۵۰، ۵۷۶
قرائت (فصلی از کتاب) : ۶۰۰
قرآن ، ن : ۱۶۲،۲۰۴،۲۳۸، ۲۵۴، ۲۸۷،۲۹۲،۲۹۳،۲۹۴، ۳۲۸، ۳۳۸،۳۳۹،۳۵۷،۳۶۳، ۳۶۶، ۳۹۱،۳۹۶،۴۰۶،۴۳۹،۴۴۰، ۴۵۸، ۴۶۳،۴۷۱،۵۲۸،۵۶۳، ۶۲۵، ۶۹۹،۷۰۳،۷۰۷،۷۳۰،۷۳۱
» پارسی : ۶۹۴،۶۹۵
» منتبی : ۷۰۸
قراباغ ، ج : ۴۶۸
قراح ابونجم ، ج : ۶۲۸
قرافة ، ج : ۹۲
قران‌السعدین ، ن : [۱۷۹]، ۱۸۱
قرامانی سلیمان پسرعلی : ۷۱۸
ملاقربانعلی : ۵۹۲
قرب‌الاسناد ، ن : ۴۸۱،۵۰۶
قرة عین‌الخلیل فی شرح‌النظم‌الجلیل ، ن : ۵۷۵
قرطبه ، ج : ۵۰۲
قرمطی : ۷۰۷
قرمطیان ، د : ۸۳،۳۶۰
قره‌بالی پسر ایلدین ، ك : ۴۱۷
قریش پسرسبیع پسرمهنی ، ك : ۴۹۰
قریحی احمد پسرعبدالله ، ك : ۳۵۲
قریه‌سازی : ۶۹۴
قزل ارسلان ، ك : ۳۹
قزلباش ، د : ۱۱۰،۵۸۲
قزوین ، ج : ۷۵ ، ۸۵، ۴۶۸، ۵۷۷، ۵۹۰،۶۴۲،۶۷۱
قزوینی میرزا محمدخان : ۶۸۷
» زکریا پسرمحمد، صاحب آثارالبلاد ، ك : ۲۴،۲۵،۷۱، ۱۰۵،۴۷۰،۵۴۰،۶۲۲،۶۸۷
» ترجمان مجالس‌النفائس ، ك : ۶۴۷،۲۴۸
قسطانپسراوقا ، ك : ۱۰۶
قسطلانی احمد پسرمحمد : ۷۱۷
قسطنطنیه ، ج : ۹۹،۳۸۷،۶۲۴، ۷۱۸
قصه‌نامه (سوگندنامه) ، ن : ۱۱
قشیری ، امام ، ۷۰۱
قصاری احمد آزدی : ۷۱۹
قصبه (خطبهٔ ...) : ۳۰۳
قصص موسی ، ن : ۶۶۰،۶۵۹
قصص‌العرب ، ن : ۲۲
قصص‌العلماء ، ن : ۲۸۹،۴۰۸،۶۴۵
القصیدة‌الحمیریة : ۴۲۳
قصیدهٔ زینبیة : ۱۱۹
قصیدهٔ مضریه : ۷۲۰
قضاوقدر : ۵۹۶
قضاء (خطبهٔ ...) : ۳۱۲

قطب‌الدین مظفرعبادی ، ك : ۶۰۴
» ابوحسن کندری ، ك : ۳۲۴
» احمد امامی هروی ، ك : ۳۵۱
» اونیقی ، ك : ۲۷۸
» اشکووری لاهیجی ، ك : ۱۲۴،۴۹۳
» ایبك ، ك : ۵۱۴،۵۱۵
» سرخسی ، ك : ۲۲
» سعید پسر هبةالله راوندی (قطب راوندی) .
» شیرازی ، ك : ۴۵۶،۵۱۱، ۵۳۶
» مبارك ، ك : ۱۷۷
» محمد شریف ، (قطب‌الدین اشکوری) .
» بن محمد الکیدری ، ك : ۱۱۸ =۴۵۷=
قطب راوندی ، ك : [۱۳۷ ـ ۱۳۸] ۲۹۰ـ۲۹۱
» کیدری ، ك : ۱۱۸ =۴۵۷=
قطر ، (امضاء) : ۴۰۰
قطران شاعر ، ك : ۷۵،۱۳۲،۱۹۹
» ، ج : ۵۰۹
قطن ، ج : ۷۷
قطف‌الزهور فی تاریخ‌الدهور ، ك : [۶۴۱ـ۶۴۴]
قطیف ، ج : ۲۸۷،۶۴۵
قطیفی ، ك : ۱۵۱
قفطی ، ك : ۴۲۲
قفقاز ، ج : ۳۹،۴۰،۱۵۳ و (آذربایجان شوروی)
قلاوون ، ك : ۱۴
قلب (معما ...) : ۳۹۵،۴۰۲
قلج ارسلان، عثمان‌بن‌ابراهیم ، ك : ۲۲
قلج طغان خان، ابراهیم ، ك : ۲۲
قلعهٔ ... (دژ ...)
قلعهٔ کولاوطاوس : ۶۲۰
قلقشندی شهاب‌الدین ابوالعباس احمد : ۱۳۰۱، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۴۴
امیر شاه‌قلی بیك ، ك : ۱۸۴
قم ، ج : ۳۸، ۲۰۷، ۲۴۷، ۴۵۴، ۴۶۷ ۴۶۸، ۴۸۱، ۴۹۶، ۵۳۶، ۵۸۹ ۵۹۲، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۳۲
قمرنامه هاشمی ، ن : ۴۳
قهپالی ك : ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶
قواعد شهید ، ن : ۲۶۵، ۵۸۸
القوافی ، ن : ۴۲۳، ۴۲۴
قوام‌الدین شرف ، ك : ۲۳۴
» نظام‌الملك ك : ۲۴
قوامی گنجوی ، ك : ۳۸
قوانین‌الاحکام ، ن : ۶۸۲
قوبلای قاآن ، ك : ۳۷۶
قوشچی ، ك : ۳۷۲
القول‌الماًنوس ، ن : ۴۳۶
قی (= برقی) رمز : ۵۵۰، ۵۷۶
قیافه شناسی : ۶۵۳
قیامتنامه ، ن : ۱۱۱
قیروان ، ج : ۷۶
قیس‌بن خارجه ، ك : ۲۹۷
» » سعدبن عباده ، ك : ۱۶
قیس عامری ، ك : ۴۸، ۳۲۹
قیصری شیخ داود پسر محمود ، ك : ۴۱۳

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کابل، ج: ۷۷، ۲۲۶، ۴۶۹، ۶۵۱
کابینان بربد، ك: ۴۲۳
» ناسولیس، ك: ۱۸۷
کاتب الهی (وصال شیرازی).
کاتبی ترشیزی، ك: ۴۲، ۱۹۹
کاخ دلاویز، ن: ۳۰۵، ۳۱۰
سلطان کارکیا محمد پسر کارکیا: ۴۳۹
کارنامه بلخ، از سنائی، ن: ۵۸، ۶۱
» جهان [۶۴۱-۶۴۴]
» قاسمی، ن: ۴۳
کارهای حج: ۱۸۸
کازرون، ج: ۳۹۸، ۴۱۴، ۴۳۶، ۴۶۹
کازرونی، ك: ۵۰۴
کازرین، ج: ۴۳۶
کاریمیسکن، ك: ۷۲، ۲۰۹
سید کاسه گرانی، ک: ۲۱۵
کاشان، ج: ۶۷، ۱۱۵، ۴۶۸، ۶۱۰، ۶۲۶
کاشف اسرار بکناشیان، ن: ۲۱۰
» الاسرار، ن: ۲۲۳
» شیرازی، ك: ۴۴
» الغطاء، ک: ۴۲۹، ۴۹۲
کاشفی، علی پسر حسین کاشفی: ۱۸۷
» ملاحسین، ك: ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۸۸، ۷۱۶
کاظم (امام...)، ک: ۵۶۴، ۵۷۶، ۵۸۰، ۶۲۷
کاظم پسر محسن اهرجی: ۶۲۷
» » محمد گیلانی، ک: ۱۴۰
» قرشی، کریم، ک: ۴۴۹
سید کاظم رشتی، ك: ۱۱۲
کاظمین، ج: ۱۵۲، ۱۶۳، ۴۲۹، ۴۹۹، ۵۴۸، ۵۹۲، ۶۱۶، ۶۲۷، ۶۶۵
کافر (روش نامه نگاری برای ...): ۱۲
کافور اخشیدی: ۷۰۸
کافوریات (شعر متنبی): ۷۰۹
کافی، ن: ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۵۳، ۵۷۴، ۶۲۸، ۶۴۴
کافی الدین عمر پسر عثمان، ك: ۱۲۹
کافیه، ن: ۱۹۱، ۴۰۶، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۶۲
کاکیان، د: ۱۱۰
کالیستنس، ك: ۵۰
الکامل، ازمبرد، ن: ۱، ۳۰۱
الکامل، ازابن عدی، ن: ۶۱۳
کانپور، ج: ۴۰۵، ۴۱۲
کبری، ن: ۳۴۸
کبیر پسر اویس پسر محمد لطیفی قاضی زاده ک: ۶۷۹
کتابشناسی (علم...): ۴۸۴، ۶۳۷
کتابچه درسی، ن: ۸۰
» درعلم یونانی: ۸۰
» دروجود، ن: ۱۸۸
» لاإله إلا الله: ۱۸۸
کتاب الحروف فی الصحابه، ن: ۵۰۳
» المحدثین، ن: ۴۸۷
کتابخانه سید اسدالله: ۵۷۴
» آل طعان سنری: ۶۸۵

کتابخانهٔ ایاصوفیه: ۳۶۲، ۴۲۵
» ایکی جامع: ۳۷۰
» تربیت، محمدعلی: ۶۷۴
» تهرانی نکربلا: ۵۴۸، ۵۴۹
» تهرانی بنامره: ۴۸۶، ۴۹۹
» حاجی اوزی: ۶۱۳
» خدیوی: ۴۲۴، ۵۰۹، ۵۶۶، ۶۱۳
» خواتساری: ۳۹۰، ۴۸۳
» خیام: ۲۷۱
» دارالکتب العربیه: ۳۹۰، ۳۴۶
» دانشگاه: ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۹۴، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۵۷، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۶، ۶۵۸، ۶۶۷، ۶۹۲، ۶۹۴
» دهخدا: ۴۱۹
» راجه فیض آبادی: ۴۹۱
» آقارضا ابوالمجد: ۵۵۱
» رضوی: ۱۹۶۷، ۳۰۴، ۳۲۰، ۳۳۶، ۳۶۲، ۳۶۷، ۵۲۱، ۵۶۹، ۵۷۰ (وفهرست رضوی)
» سپهسالار: ۴، ۲۰۷، ۲۴۹، ۳۱۴، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۳۵، ۴۶۰، ۶۰۵
کتابخانهٔ سلطان حسین میرزا ی قرا: ۲۸۸، ۵۲۷
» سلطنتی: ۲۵۰، ۴۳۶
» سلیم آقا: ۲۱۸
» شاهرخ: ۱۵۰، ۴۲۶
» شاهنشاهی: ۶۸۹
» شرافت: ۷۰۲
» شریعت اصفهانی: ۵۵۴
» شیخ العراقین: ۲۸۰، ۴۱۸
» صدر: ۳۳، ۳۸۳، ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۷۰، ۶۳۸
» ضیع الدوله محمدحسن: ۴۵۴
» آقاضیاءالدین نوری: ۶۳۰، ۶۴۶، ۶۸۵
» عاشریه ۴۲۵
» غروی: ۵۶۰
» کوپرلو: ۳۶۲
» گلشنی: ۱۱۱
» مجلس: ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۰، ۲۵۲، ۲۷۵، ۲۸۵، ۳۰۹، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۴۳، ۴۵۳، ۵۷۲، ۵۸۴
» مجلس: ۴۸۶
» مروی: ۳۷۷، ۴۹۲
» مظفر شیخ حسن: ۵۷۷
» ملک: ۵۸، ۱۰۴، ۱۹۴، ۲۴۰، ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۱۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانهٔ ملی : ۱۹۱،۲۱۶،۲۲۱
« ورعثمانیه : ۳۶۲
« نهضت : ۶۸۰
کتابخانهٔ شیخ هادی کاشف الغطاء : ۴۸۰، ۴۹۲
کتاب رد برمحمد زکریا رازی . ن : ۸۰
کتابی ابومحمد پسر عبدالعزیز : ۴۸۹، ۵۴۳
کچوك محمودزاده : ۷۱۹
کدخدا محمد پسر مصطفی : ۴۵۷
کریم قرشی، کاظم : ۴۴۹ .
کر (= باران امام عسکری) . رمز : ۵۷۶
کرابیسی، حسن پسرعلی . ك : ۶۱۲
کراجکی، ابوالفتح محمد پسرعلی : ۳۰۳
کربلا . ج : ۱۱، ۸۹، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۳، ۳۲۴، ۳۷۴، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۶۹، ۵۸۲، ۶۳۳، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۶۴، ۶۷۱
کردستان . ج : ۱۱۰، ۱۳۱، ۲۱۵، ۲۳۷، ۲۹۳، ۶۳۳
کرمینامه . ن : ۱۱۱
کرماستی یوسف پسر حسین : ۴۱۷
کرمان . ج : ۶۶، ۸۶، ۸۹، ۲۶۵، ۴۶۸، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۴۵، ۶۶۴
کرمانشاه . ج : ۱۱۰، ۲۶۵، ۵۴۶، ۵۲۹، ۵۹۳
کروکربهدان (جدا) : ۶۴۳
کریستن سن . ك : ۱۷۲
کریمخان زند . ك : ۸۹، ۱۵۳، ۴۶۸، ۵۲۷
کسائی . ك : ۱۳۴
کسری (انوشیروان)
کش (= رجال کشی) رمز : ۵۴۹، ۵۷۶
کش . ج : ۴۹۷
کشاف . ن : ۱۲۵
کشف الاسرار . ن : ۶۵۳، ۷۰۱
کشف (خطبهٔ ..) : ۳۰۵
کشف الاشیاء . ن : ۴۹۱
کشف الحجب . ن : ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۸۶، ۲۹۱، ۴۰۷
کشف الرموز . ن : ۱۹۶
کشف الظنون . ن : ۲۱، ۲۲، ۴۳، ۴۵، ۶۰، ۷۸، ۹۵، ۹۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۷۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۲۷، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۵۰، ۴۵۵، ۵۰۲، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۳۹، ۵۸۳، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۳۴، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۷۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۹، ۷۳۰
کشف الغمه . ن : ۲۶۷، ۵۵۹

کشف القناع فی اصحاب الاجماع . ن : ۴۷۴
کشف المقال . ن : ۴، ۵۰۵، ۵۶۵
کشفنامه میرعلی . ن : ۱۱۱
کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدرر . ن : ۹۵ [۱۶۹-۱۷۲]
کشف الوقایع . ن : ۴۶
کشکول بهائی . ن : ۹۳، [۱۷۲ - ۱۷۵]، ۴۱۳، ۴۴۳، ۴۴۲، ۵۰۸
کشکول شیخ سلیمان (ازهار الریاض)
کشکول، شیخ یوسف بحرینی . ن : ۳۰۰
کشیخ . ج : ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۳، ۴۶۹
کشی . ك : ۱۷۵، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۰۴، ۵۴۹، ۵۶۴، ۵۷۶، ۵۷۵، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۳۹
کعبه (مکه) . ج : ۷۲۲
کفایة الحساب . ن : ۱۲۷
کفایة الطالب . ن : ۳۰۴
کفعمی . ک : = ۵۷۴ =
کلام (فصلی از کتاب) : ۶۰۰
کلبی ابومنذر هشام . ك : ۳۰۰
کلثم الکرخیه . ك : ۵۷۷
کلثوم پسرعمرو . ك : ۲۹۷
کلکته . ج : ۴۶، ۵۸، ۱۷۸، ۱۸۰، ۳۴۵، ۳۵۵، ۳۷۷، ۴۰۵، ۴۳۲، ۴۳۵، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۳۸، ۶۳۹، ۷۱۱، ۷۲۰، ۷۲۳
کلمات الشعراء، از سرخوش . ن : ۴۶۵
کلمات علیه غراء . ن : ۱۳۹
« قصار . ن : ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۴۰ و (صد کلمه) و (مائة کلمه)
کلیات امیر خسرو دهلوی : [۱۷۵-۱۸۲] ۷۵۴
« اعلی شیرازی . ن : [۱۸۳ - ۱۸۶] ۲۱۱
« بیستون، از سعدی . ن : ۱۹۳
« جامی . ن : [۱۸۶-۱۹۲].
« سعدی . ن : ۱۱، ۵۲ [۱۹۲-۱۹۴].
« سنائی . ن : [۵۵-۵۸].
« طغرا . ن : [۱۹۵-۲۰۴] ۲۱۰
« کمال اسماعیل . ن : [۲۰۵-۲۰۷].
« مجیر . ن : [۲۰۷-۲۰۸]
کلیله اسکندر (فرهنگ ..) . ن : ۴۶
کلیله ودمنه . ن : ۲۱۶، ۵۱۸، ۶۹۵
کلیمان هوار . ك : ۱۱۱
کلینی، محمد پسر یعقوب . ن : ۳۰۲، ۴۸۷، ۵۰۶، ۵۵۴، ۶۰۶، ۶۲۸
کمال، از مقیسی . ن : ۶۰۷
« اسماعیل . ك : [۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۷] ۲۷۹، ۴۵۴، ۶۳۲
« چلبی تاجزاده . ك : ۲۷۸
« چلبی . ك : ۲۴۲
کمال الدوله محمد حسن قاجار . ك : ۱۴۰
کمال الدین ابن یوسف . ك : ۶۲۶
« اسماعیل اصفهانی (کمال اسماعیل)

دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی دانشگاه
library.ut.ac.ir

کمال‌الدین پسر عبادالدین یحیی ، ك : ٤٥٦،٤٥٦
» حسین‌خوارزمی ، ك : [١٤٦-١٥٠] ٢٢٢
» حسینی حلبی : ٤٩٣
» عبدالرزاق کاشی ، ك : ٩٥
» عطاءالله‌فرزند فضل‌الله حسینی دشتکی ، ك ٥٨٢ و (عطاءالله جمال‌الدین) .
» محمد : (طاش کبری‌زاده)
» محمد بدخشی : ٤٠٤
» محمود : ٢٠٥
» مدرس : ٤٣٢
» میثم پسرمیثم بحرینی : [٢٨٥-٢٨٦]
کمال سنائی : ١١٠
» مصطفی ، ٤٢١،٤٢٣،٤٢٥
» نامه کرمانی ، ن : ٤٢
کماچه (موسیقی ...) : ٢٠٤
کمونیستها ، د : ٦٤٢
کمیل زیاد ، ك : ٣٢١
کنا‌شیوا‌حاورشناس ٧٢٤
کنایت (معما ...) : ٣٩٥،٤٠٢
کنایت‌التعلیم ، ن : ١٢٥
کنبانی ، (ج ...) : ٥٥٩،٥٦٠
» حاوری هنده : ٦٣٩
کنت رشید دحداح ، ك : ٩٤
کندری ، ك : ١١٨
کنده ، (بنی ...) : ٥٧١
کنز (اعطاء) : ٣٩١،٤١٣
کنزالاسرار ، ن : ٩٠
» نورعلی‌شاه : ٧٢٨
کنزالحقایق ، ن : ٨٠
کنزاللغات ، ن : ١٣٥ ، ٣٩١،٤١٣ [٤٣٩]
کنزاللغة (کنزاللغات)
کنزالفوائد ، ن : ٣٠٣
کنزالمعانی ، ن : ١٩٨،٢٠٤
کنوزالحقایق ، ن : ١٤٧،١٤٨،٢٢٢
کنه‌الزاد در علم وفق اعداد : ٦١٧
الکنی والاسماء ، ن : ٤٨٧،٥٠٣
الکنی والالقاب ، ن : ٤٩٣
الکواکب‌الدریه (برده)
کوچبان ، ج : ١٠٠
کورگیس مرقس ٧٢٤
کوسین‌وی‌پرسفال : ٧٢٤
کوه ، ج : ١٦،١٧،٨٩،٩٣،٣١٨، ٣٢١،٥٥٨،٥٦٤،٦٧١،٧٠٧، ٧٠٨
کولا (قلعة...)
کوه بامیان ، ج : ٦٥١
کوه‌پردار ، ج : ٢٥
» دم ، ج : ١٠٠
» سرمورپردار ، ج : ٢٥
» صبر ، ج : ٤٢٢
» صفا ، ج : ٤٣٥
» مقطم ، ج : ٩٢
کوهی کرمانی ، ك : ١٦٨
کوی پرس، حاورشناس ، ك : ١٢٠
» شیخ یوسف ، ج : ٥٨٧
کهانت (علم...) : ٦٠٠
کهف سورة : ٦٩٨،٦٩٩

کیانیان ، د : ٥٢٣
کیخاتو ، ك : ١٠١
کیخسرو ، ك : ٢٧٧
کیستن‌فراسلطان ، ک : ٦٥٢
کیمیا (علم ...) : ٧٤
گای‌لسترانج ، ك : ٦٧٣
گجرات ، ج : ٧٨،١٠١،١٠٢
گرشاسپنامه ، ن : ١٣٤،٢١٦
گرگان ، ج : ٤٦٨،٤٩٧
گروب ارسلان ، ك : ٤٩
گروریتسکی : ٣٩
گزارش توقفاتی برشرح مفتاح‌العلوم جرجانی ، ن : ٤١٧
گشایش ورهایش ، ن : [٨٠]
گشتیزی (ورق‌بازی ...) : ٢٠٩
گل (معشوق شاهزاده جم ...) ، ك : ١٨٣
گلبانگان ، ج : ٤٤٥
گلچین ازشمس‌العلوم ، ن : ٤٢٣
گلزارابراهیم ، ن : ٢٨٤،٢٨٥
گلستان ارم ، ن : ١٧٣
» سعدی ، ن : ١١ ، ٥٢ ، ١٤١، ١٤٢،١٤٣،١٦٧،١٨٩،١٩٣، ١٩٤، [٢٠٨] ٦٠٦
گلستانه (علاءالدین...)
گلشن ابرار ، ن : ٤٥
» انوار ، ن : ٤٣
گلشن صبا ، ن : ٦١٠
گلوگاهی (حروف ...) : ٥٠١
گل ونوروز ، ن : ٤٢
گنج دانش : ٦١٦،٦١٨
گنج شایگان ، ن : ٢٧٣،٤٦٦
گنجفه(بازی...) : ١٨٥،٢٠٩،٦٠٢
» (اهلی شیرازی) ن: ١٨٥،١٨٦
گنجه ، ج : ٣٨،٣٩،٤٠،٤٦٨
گنجی شافعی ، محمد پسریوسف پسر محمد : ٣٠٤
گنجینه (گنجفه) :
گنجینهٔ تبریت ، ن : ١٣٨
گنجینهٔ راز ، ازشیطوی ، ن : ٤٣ ،
گنجینهٔ نشاط ، ن : ٢١١،٢١٢،٢١٤
گنجینهٔ نظامی گنجوی ، ن : ٣٩،٤٧
گواهیهای مفنی(شرح ...) ، ك : ٤١١
گوتن گن ، ج : ٦٢٢
گوه ، ج : ٦٧٩
گوستاوگلوگل ، ك : ٣٤٩
گوگیه فرانسوی ، ك : ٣٨٧
گوهرشهوار ، ن : ٤٥
گهرنامه ، ن : ٤٢
گیاهشناسی ، ٦٢٤
گیتی کشا ، ن : ٢٧٣،٥٢٥
گیدیوی آلمانی ، ك : ٢٧٤
گیران (گبر) ، د : ٧٨
گیلان ، ج : ١٠٣،١٠٩،١٣١،٤٦٨
گیلکی ، (لهجة...) : ١٣١
ل (= یاران رسول خدا) ، رمز : ٥٥٠،٥٧٦
لاذقیه : ج ٧٠٧
لار ، ج : ٤٦٩ ،
خواجه لاله ، ك : ٢٠٢ ☆
اللامع‌المعلم‌المحاب ، ن : ٤٣٤
لامعی برسوی محمودپسرعثمان ، ك : ٣٩٣
لایة ابن‌الحکیم ، ك : ١٤٤

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

لامیة البرك . ن : ١٤٥
لامیة الروم . ن : ١٤٤
لامیهٔ طغرائی . ن : ١٤٤
لامیة العجم . ن : ١٤٥، ٧١٣، ٧٣٠
لامیة العرب . ن : ١٤٤، ١٤٥
لامیهٔ هند . ن : ١٤٤
لاهور . ج : ٧٥، ٨٧، ٤٤٣، ٤٤٩، ٤٦٩، ٤٧٠، ٥٢١، ٥٣٤، ٥٣٦، ٦٤٧، ٦٤٨، ٦٨٨
لاهیجان . ج : ٤٦٨
لایزیك . ج : ٢، ٧٩، ١٤٠، ٣٤٩، ٤٠٩، ٤٢٣، ٤٨٨، ٥٥٩، ٦٢٢
لایل انگلیسی : ٧٢٣
اللباب . ن : ٤٠٩، ٤٩٥
لباب الالباب . ن : ٢٢، ٢٣، ٢٥، ٢٦، ٧٤، ١٣٠، ٤٦٥، ٦٨٧
اللباب فی علل النحو : ٧١٢
لباب المعنوی . ن : ٢٢٢
لب لباب مثنوی . ن : ١٥٥
لب التأویل . ن : ٤٠٦
لبنان . ج : ٥٠٥، ٦٤١، ٦٤٢
لبید بسرو بیعه : ٧٢٢
لرستان . ج : ٤٥٤
لسان الشعراء . ن : ٤٤٤
لسان الملك سپهر . ن : ١٣٩، ١٥٩
لسان المیزان . ن : ٤٩٠، ٦١٣
لسان الواعظین : ٥٨٨
لطائف الحقائق . ن : ٢٦٩
لطائف الطوائف . ن : ١٨٧، ٦٥٣
لطائف الظرائف : ٧٠٢
لطائف اللغات . ن : ٢٢٥، ٢٢٦، ٢٢٨
لطائف معنوی از حقایق مثنوی . ن : ٢٢٦، ٢٢٨
لطفعلی ابن محمدقاسم . ك : ٨٨ =
لطفعلی آذر . ك : ١٠٤، ٣٢٨، ٤٦٧
» زند . ك : ٥٢٢، ٦١٠
» صدر الافاضل . ك : ٣٩٠، ٥٦٦
ملالطف الله پسر حسن توقنائی . ك : ٣٥٢
لطف الله پسر یوسف حلیمی . ك : ٤٤٤
لطف الله هندی : ٧٦٠
لطیف بن جعفر امام شریف = ٦٥٤ =
لطیف المعانی . ن : ٣٥١
لطیفة العرفان . ن : ٢٦٩
لغات گلستان . ن : ٤١٩
لغة الاعراب . ن : ٤٥٨
لغت عربی بفارسی . ن : [٤٤٠–٤٤١]
لغت فرس اسدی : ١٣٥
لغت قرآن . ن : ٣٣٧
لغت نامهٔ دهخدا . ن : ٢٠، ١٧٩، ٢٩٢
لغز الزبدة . ن : ١٧٥ [٤٤١–٤٤٢]، ٤٤٣
لغز القانون . ن : ٤٤٢
لغز الکافیه . ن : [٤٤٢]
لغز الکشاف . ن : ٤٤٢
لغز النحو . ن : ٤٤٢
لغزیه . ن : ٤٤٢
لفیف . (نحو) : ٣٦٠، ٣٦١
لقمان الحکیم . ك : ٢٣٦
لکهارت . ك : ٢٧٢، ٢٧٤، ٢٧٥
لکهنو . ج : ٢٤، ٤٦، ١٥٦، ١٧٨، ١٧٩

١٩١، ٢١٥، ٤١٣، ٤٣٦، ٥١٨، ٥١٩، ٦٢٢، ٦٢٨، ٦٥٠
لم، (= کسی که روایت ندارد) . رمز : ٥٥٠، ٥٧٦
لمع المسائل النحویه . ن : ٤٣٢
لمسدن . ك : ٤٣٦، ٧٢٣
اللمعه . ن : ١٥٢، ٥٧٤
لمعة الغرائب : ٦٥٣
لمعهٔ مهدیة . ن : ٢٧٧
لندن . ج : ١٠٥، ١٣٩، ١٤٥، ٢٧٤، ٦٤٢، ٦٧٣، ٧٢٣
لنینگراد . ج : ٣٩، ٨٠
لوامع انوار الکشف . ن : [٢١٢–٢١٥]
» جامی . ن : ١٩٠، ٢١٢، ٢١٣، ٧٢٨
لوامع الوصول : ٦٨٢
لوایح جامی . ن : ١٨٨، ١٩٠، ٢١٤، [٢١٥–٢١٦]، ٧٢٨
لوایح الجنان وروایح الجنان . ن : ٩٥
لوایح القمر . ن : ١٥٥
میرلوحی . ك : ٦٠٨
لؤلؤ . امیر ... : ٧٠٨
لؤلؤة البحرین . ن : ١٥٠، ٤٧٢، ٤٧٧، ٤٩٥، ٥٠٠، ٥٧٤ | ٦٤٤–٦٤٦ | ٦٨٥
لوهاور . ج : ٤٦، ٢٦٩
لهجهٔ ... (زبان ...)
لهجهٔ دری و تاریخچهٔ گسترش آن درایران بعداز اسلام (دری) دیده شود
لهستان . ج : ٧٢
لیثی واسطی . ك : ١٣٧
لیث بخری ابوبصیر . ك : ٤٧٣
لیدن . ج : ٣، ١٢٠، ٤٢٣، ٤٣٢، ٤٤٦، ٥٢٢، ٥٣٤، ٥٣٥، ٥٣٩، ٥٤١، ٥٤٣، ٥٤٥، ٦٢٢، ٦٧١
لیلاوتی . ن : ٥٢٠
لیلة الهریر : ٦١٠
لیلی ومجنون (مجنون و لیلی)
لیلی ومجنون درایران : ٣٢٩
» » تبریزی . ن : ٤٤
» » تجلی . ن : ٤٥
» » تنالی . ن : ٤٣
» » جامی . ن : ١٩٠، ١٩٢، [٣٢١]، ٣٣٠
» » حمدالله . ن : ٤٢
» » دهلوی . ن : ٤٢
» » روح الامین . ن : ٤٤
» » شفائی . ن : ٤٤
» » صاعدی . ن : ٤٢
» » صالح . ن : ٤٣
» » صرفی . ن : ٤٥
» » قاسمی . ن : ٤٣
» » کاشف . ن : ٤٤
» » معزده یوسف . ن : ٤٣
» » مکتبی . ن : ٤٩
» » ملامراد . ن : ٤٤
» » موجی . ن : ٤٣
» » نجاتی . ن : ٤٣
» » نظامی . ن : ٤٠، ٤٨، ٤٩، ١٦٦، ١٧٨
» » هاتفی . ن : ٤٣
» » هلالی . ن : ٤٣
» » هوس . ن : ٤٥

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

لیلی معشوق قیس . ك : ۴۸
لین پول . ك : ۲۹۲،۹۹
م (= ابن شهر آشوب) . رمز : ۵۵۰
م (= یاران امام کاظم) . رمز : ۵۷۶
م (= مجهول) رمز : ۶۷۵
ماله کلمه : [۱۵۷] ۷۲۹ و (صد کلمه)
المآثر والآثار . ن : ۴۷۹،۵۸۵
سید ماجد پسر محمد حسینی بحرینی .
ك : ۱۸،۵۶۶
ماجیلونه . ن ، ك : ۴۷۵
المآخذ الکندیه من المعانی الطائیه : ۷۱۰
ماخوز . ج : ۶۴۵
ماذون . ن : ۷۶،۸۴
ماردین . ج : ۲۹۲
ماردینی علی پسر عثمان . ك : ۵۵۶
مارسیل . ج : ۹۴
مازندران . ج : ۷۷،۱۵۷،۴۶۸،۵۸۲
۵۸۷،۶۷۰
ماژوراستفانسون . ك : ۲۶۹
ماکس گرونرت . ك : ۳۱
مالفه . ج : ۵۵۸
مالك اشتر . ك : ۱۶،۱۷،۱۹،۱۱۴،
۲۵۴،۲۹۸،۳۰۷،۳۰۹،۳۲۰
» دینارصوفی . ك : ۱۴۸،۵۴۱
مالکی . د : ۵۸۶
مالوه . ج : ۹۹
مامقانی ، شیخ عبدالله . ك : ۴۹۷
مأمون ، ك : ۵۰۰
مانی . ك : ۱۷۲
مانویان . د : ۷۸
ماوراء جیحون . ج : ۷۳
ماوراءالنهر . ج : ۲۲،۹۹،۲۶۶،۴۶۹
ماهو نهج البلاغه . ن : ۳۰۲،۳۰۸،
۳۰۹،۳۱۰
مایة کلمه (مائة ...)
امیرمبارزالدین . ك : ۲۴۰
مبارك ابن فاخر النحوی : ۲
مبارکه . ج : ۵۶۱
مبداء ومعاد . ن : ۱۱۱،۳۶۵،۳۶۷
مبرد ابوالعباس محمد پسر یزید . ك :
۳۰۱
مثارکه نامه (روش نگارش ...) : ۱۲
مترادف : ۶۹۴
المتفق والمفترق . ن : ۵۵۵
متنبی (شهری افسانه‌یی) : ۵۵۸
متنبی شاعر . ك : ۱۶۳ [۷۰۶،۷۱۳]
متوالی (مرتضی قلی)
متوکل علی الله : ۳۸۵،۴۲۲،۶۷۱
مثالب رواة الحدیث . ن : ۴۸۸
المثل السائر . ن : ۲۵۳
مثنوی شیروشکر . ن : [۲۲۸ـ۲۳۰]
» مسدس . ن : ۲۲۵
» مولوی . ن : ۱۳۱،۱۴۷،۱۴۸
۱۹۱،۲۱۸،۲۱۹ تا ۲۲۶،۲۲۸،
۲۲۹،۲۸۹ ، [۲۱۶ـ۲۲۸] ،
۲۲۱،۲۱۷
مجازات النبویه . ن : ۳۰۵
مجالس العشاق . ن : ۵۳،۱۸۷،۴۶۶،
۴۶۷،۶۱۶،۶۱۸
مجالس المؤمنین : ۶۰،۶۲،۹۳،۱۳۰،
۱۵۰،۲۶۵،۴۰۷،۴۳۹،۴۹۲،
۵۰۰،۵۳۹،۵۸۳،۶۰۵ ، [۶۴۷ـ
۶۵۱] ۷۰۲،۷۰۸

مجالس التظامیه . ن : ۳۸۱
مجالس الثمانی . ن : ۴۲، ۶۱، ۶۲،
۱۱۹،۱۴۷،۱۸۷،۲۴۱،۲۴۸،
۲۵۰،۲۵۱،۲۸۷،۳۷۷،۳۹۳،
۳۹۴،۴۰۱،۴۶۵،۵۳۵،۶۵۹،
۶۶۱
سید مجاهد . ك : ۶۸۲
المجاهیل . ن : ۶۱۴ .
مجتهد الشعراء . ك : ۵۴،۲۰۷
مجدالاشراف شیرازی . ك : ۱۱۳
مجدالدین أستر آبادی . ك : ۵۱۷
» اسماعیل شوشتری . ك :
۴۰۰
» پسر احمد یزدی . ك : [۶۵]
» » لطفعلی صدرالافاضل .
ك : ۵۶۶
» فضل پسر یحیی : ۵۵۹
» فیروزآبادی : ۳۳۶
» کرمانی : ۵۳۶
مجدالملك . ك : ۵۱۵
مجد همگر . ك : ۶۶،۶۸
مجدی درانساب . ن : ۵۸۸،۶۳۶
مجذوب . ك : ۸۹
» تبریزی : [۶۸ـ۷۰]
» علیشاه مراغه : ۷۰،۹۱
» همدانی (مجذوب علیشاه) : ۶۹،
۹۰
مجرورها (از جمع الجوامع) : ۴۵۱
مجلس گو = واعظ : ۲۲، ۵۲۵
مجلس (بالا و پائین ...) : ۶۰۱
مجلهٔ ارمغان : ۳۹،۱۳۰،۱۵۴، ۱۹۱
» آسیائی لندن : ۱۴۵
مجلهٔ خاوری آلمان : ۱۴۵
» دانش : ۲۱۰
» گنجینهٔ فنون : ۱۳۰
» مهر : ۵۹،۶۰،۱۳۰،۱۷۹
» یادگار : ۷۱
مجلس (کتابخانهٔ ...) .
مجلسی : ۳۳،۴۷۴،۴۸۴،۴۹۳
مجلسی اول محمد تقی : ۴۷۸، ۴۹۳،
۴۹۴،۵۶۶،۶۰۶،۶۰۸
مجلسی دوم محمدباقر : ۱۸،۳۴،۱۰۹،
۱۱۹،۲۵۷،۴۰۸،۴۷۸،۴۹۰،
۴۹۴،۵۰۶،۵۰۷،۵۱۳،۵۵۲،
۵۵۳، ۵۵۴،۵۶۰،۵۶۶،۵۸۷،
۵۸۸،۶۰۷،۶۰۸ [۶۷۵ـ۶۷۶]
۷۲۵
مجمع الابکار . ن : ۴۳
مجمع الامثال . ن : ۱۲۵،۱۲۷
مجمع الاقوال : [۷۲۹ـ۷۳۰]
مجمع الانساب : ۶۵۳
مجمع البحرین . ن : ۱۸۳،۵۱۲
مجمع البیان . ن : ۴۰۸،۵۲۸
مجمع الخواص . ن : ۴۶۵
مجمع الرجال . ن : از قهپائی ۴۸۳،
۴۹۲،۶۳۸،۶۱۴،۶۱۶
مجمع الشعراء . ن : ۶۱
مجمع العشاق . ن : ۶۱
مجمع الغرایب طغرا . ن : ۱۹۷،۲۰۴
مجمع الغرایب بلخی [۶۵۱ـ۶۵۴]
مجمع الفرس . ن : [۴۴۳ـ۴۴۵]
و (فرهنگ اسدی) .

مجمع الفصحاء ، ن : ۲۲، ۳۸، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۶۰، ۷۱، ۷۲، ۱۳۰، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۴۹، ۲۷۳، ۳۷۷، ۴۶۵، ۵۵۸، ۶۱۰
مجمل اللغة ، ن : ۱۲۵، ۳۳۶، [۴۴۵-۴۴۸]، ۵۲۸
مجمل التواریخ ، ن : ۱۲۷، ۴۱۸
مجمل الاقوال فی الحکم والامثال : [۷۲۹-۷۳۰]
مجموعه ، ن : [۲۳۰-۲۳۱]
» ، ن : [۲۳۱-۲۳۹]
» شعر نشاط ، ن : [۲۳۹]
» غزلها ، ن : [۲۳۹=۲۵۳]
مجنون و لیلی (لیلی ومجنون) .
مجنون ولیلی دهلوی ، ن : ۱۷۸، ۱۸۲
» » میرعلی شیر ، ن : ۴۲
مح (= محمد أسترآبادی) ۶۶۵
محاجات ، ن : ۳۵۶
محاربی ، ابوعبدالله محمد پسر حسین پسر علی : ۴۸۶
محاسبة النفس ، ن : ۳۰۲
المحاسن والاضداد ، ن : ۴۸
المحاسن برقی ، ن : ۴۸۱، ۵۰۶
محبت نامه ، ن : ۱۱۱
محب الدین محمد پسر یوسف ناظر الجیش حلبی : ۳۵۱
محب ومحبوب ، از کاتبی ، ن : ۴۲
محبوب القلوب ، ن : ۱۵۰، ۴۹۳
محتسبی ، (مقام...) : ۵۹۸
محتشم السلطنه اسفندیاری : ۲۵۷، ۴۴۴
محتشم کاشی : ۶۴
محدث ارومی جلال الدین ، ك : ۱۷۴، ۵۸۴، ۶۱۶، ۶۵۰
» تویلی ، سیدهاشم بحرینی : ۴۹۴
کتاب المحدثین ، ن : ۴۸۷
محرابی ، کرمانی : ۶۶۲
محرمنامه ، ن : ۱۱۱
محرمی زورآبادی ، ك : ۱۹۱
محزون (خطبهٔ ...) : ۳۰۴
محمد پسر متنبی : ۷۰۸
سید محسن اعرجی کاظمینی ك : ۴۹۶ [۶۲۷-۶۳۰]
سیدمحسن امین عاملی : ۱۲۰، ۴۹۷، ۵۶۹، ۵۷۴، ۵۷۵
میرزامحسن حالی خوشنویس اردبیلی : ۱۶۱
سیدمحسن کاظمینی ، ك : ۶۶۹
محشر نامه ، ن : ۱۱۱
محصول ازفخررازی ، ن : ۲۵۳، ۶۲۸
محفظة الانوار بهبهانی ، ن : ۱۴۰
محفل الفردوس ، ن : ۶۵۰
محقق حلی نجم الدین ابوالقاسم صاحب شرایع ، ك : ۴۹۱، ۵۷۴، ۶۳۲
» خوانساری آقاجمال : ۵۵۳
» کرکی : ۱۵۱، ۵۰۶، ۵۶۰
محمد (ص) : ۱۰، ۶۵، ۸۴، ۱۲۴، ۱۷۷، ۲۵۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۳
سلطان محمد : ۴۳۹*
محمد ابراهیم (امضاء) : ۳۸۰

محمدابراهیم تبریزی : ۵۹۴
» » بدایع نگار : ۱۸
» » پسر محمد باقر رضوی : =۴۵۳=
» » پسرمیرمعصوم قزوینی : ۴۹۵، ۵۰۷
» » تبریزی شیرازی : ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۹۴
محمدابن عبدالناس [۶-۱۰]
» ابوحامد قدسی شافعی : ۳۴۱، ۳۴۲
» ابوزید ، (ج...) : ۳۸۷
میرزامحمداحیاری : ۴۹۵ [۶۴۴] ۶۶۵
ملامحمد اردبیلی پسر علی حائری : ۴۹۴، [۵۵۲-۵۵۵]
محمد ازغدی ، ك : ۷۱۳
» ازهری بصری کاتب واقدی : ۴۸۶
میرزامحمدأسترآبادی پسرعلی : ۱۱۶ =۱۴۱= ، =۱۵۷= ، ۲۳۱
محمد اقبال صافی : ۵۳۴
» امداد عندی : ۲۲۴
» امین کاظمی ، ك : ۴۹۳، ۵۵۷، [۶۵۶-۶۵۷]
» باقر (امام...) ۱۴۸، ۵۴۵، ۴۷۳
» » اصفهانی : ۶۹۴، ۶۹۵
شیخ محمد باقر داماد ابن شیخ ، ك : ۵۹۲ ،
» » بهبهانی پسر محمد اکمل : [۵۴۶-۵۴۷]
» » پسرعلاءالدین گلستانه : ۳۴
» » حاجی محمد شریفی : =۱۹۱= ، =۳۸۲=
محمدباقر پسرمرتضی یزدی : =۲۳۰=
» » حجة الاسلام اصفهانی : [۴۷۴ ۴۷۶] ، ۴۹۶
» » خوانساری پسرمحمد حسن : =۱۲=
» » مجلسی (مجلسی دوم)
» بدرالدین عمالی : ۱۶۴
» بدل الرحمان هندی : ۷۹
محمد بطحائی ، ك : ۳۳ ،
» بهبهانی : ۶۴۹
» پاشا : ۲۷۸
محمد پسرابراهیم الضراب : ۶۲۵
» ابوبکر : ۳۱۹، ۳۲۰
» ابوبکر جهرانی : ۷۱۹
» ابوالحسن مازندرانی : ۳۴۰
» ابوسعد جنیدی : ۵۲۲*
» ابوسعیدشوان : ۴۲۳
» ابوطالب أسترابادی : ۱۳۹
» ابوعمیر : ۴۷۳
» ابوقره قنائی : ۴۸۹
» احمد : ۳۳۵، ۴۷۵
» احمد ابیوردی : ۵۵۶
» احمد اشعری : ۴۸۸
» احمد پسرموفق قیصری : ۳۵۰
» احمد پسرنعیم : ۴۸۵
» احمد (تلمستانی)
» احمد جلال الدین شافعی : ۷۱۷
» احمد حسینی اردوبادی : سحاب [۵۴-۵۵]
» احمدراشد : ۲۳۲، ۲۹۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد پسر احمد شریشی جمال‌الدین : ۴۵۷
» » احمد هرغانی : ۹۵
» » احمد (فلفشندی) : ۷۱۷
» » اخی محمد کاتب : ۶۴۰
» » ادریس شافعی : ۲۳۷
» » اسحاق : ۱۱۸
» » اسحاق (ابن‌الندیم) : ۴۸۸
» » اسعد شوشتری : ۲۷
» » اسلم طوسی : ۵۴۲
» » اسماعیل (یکی از امامان اسماعیلیان) : ۸۴
» » اسماعیل : ۴۷۵
» » اسماعیل بخاری : ۴۸۶
» » بدرالدین سنجستانی : =۹۷=
» » بهاءالدین : ۷۱۶
» » جریر طبری : ۳۰۸
» » جعفر پسر محراب هروی : =۶=
» » جعفر مؤدب قمی : ۴۸۷
» » حبیب پسر امیه پسر عمر : [۵۰۸-۵۱۰]
» » حسن استرآبادی (محدث رضی)
» » حسن پسر زین‌الدین شهید : ۳۵۴
» » حسن پسر شدقم : ۵۳۱ و (حسن پسر شدقم)
» » حسن پسر سیدعلی : [۳۶۹-۳۷۱]
» » حسن پسر ولید : ۴۸۸
» » حسن شیبانی : ۶۶۲،۱۰۶
» » حسن معروف بشیخ الطائفه : [۶۳۷-۶۴۰] و (طوسی)
محمد پسر حسن شیروانی : ۴۳۵
» » حسین (ابن امیرالحاج)
» » حسین پسر موسی [۲۹۵-۳۲۴] و(رضی)
» » سلطان حسین طوسی : =۴۰۳=
» » حیان بصری : ۶۱۳
» » خالد برقی : ۴۷۵
» » خطیب (خطیب‌زاده رومی): ۳۵۲
» » خلف پسر علاء پسر مرتضی : ۴۴۸
» » خلیل مقری حلبی : ۷۱۷
» » داود کرد ۶۰۶
» » داود پسر محمود شاه آبادی: ۱۳۳
» » زکریا: ۳۸،۶۲۵ و(قزوینی).
» » زنگی (اژاتابکان فارس): ۶۶
» » شیخ زین‌العابدین : ۵۶۱
» » سعدالله : =۱۱۵=
» » سعید دلاصی (بوصیری)
» » سعید (محمد پسر شوان)
» » سلیمان جماستانی : ۴۶۲
» » سلیمان تنکابنی. ك: [۶۴۵] و (تنکابنی) .
» » سنان‌الدین یوسف : ۴۱۸، ۴۷۵
» » شحنه حلبی : ۵۶۹
» » شریف جرجانی . ك : ۴۶۲
» » صاری کرز : ۴۱۸
» » صالح پسر عطاءالله : =۹۷=
» » طلحه شافعی : =۱۱۳=

محمد پسر عبدالحنین نجفی : ۷۲۹،۷۰۶
» » عبدالخالق : [۴۳۹]
» » عبدالرحمان حزیر مراکشی: ۴۵۵
» » عبدالغنی (ابن نقطهٔ حنبلی)
» » عبدالله پسر موران کرخی : ك: ۴۸۷
» » عبدالله خطیب : ۶۰۷
» » عبدالله عیفری قرطبی سبوطی (ابوبکر عیفری)
» » عبدالله مرتین : ۴۶۲
» » عبدالله هاشمی (ابن سکره)
» » عبدالمنعم : = ۳۵۷ = ، =۳۵۹=
» » عبدالنبی بحرینی : ۷۰۶،۷۰۵
» » عبدالنبی نیشاوری . ك : (محمد اخباری)
» » عبدالوهاب قزوینی : ۵۴۱
» » عبدالوهاب همدانی : ۴۷۹
» » عثمان پسر محمد حلبی: =۴۱۵=
» » علی باقر (محمد باقر)
» » علی بصری : ۲۵۴
» » علی بلادی بحرینی : ۴۹۵
» » علی پسر ابوشاکه بحرینی : ۵۰۷
» » علی پسر حسین ابن بابویه : ۶۰۵
» » علی تنبنی عاملی : ۴۷۸
» » علی ترمذی : ۵۴۴
محمد پسر رفا : ۱۵۶ = ۲۶۹ =
» » علی سروی (ابن شهر آشوب)
» » علی شامی : ۳۸۳
» » علی عاملی : ۵۶۶
» » علی نقاش مصری (ابوامامه)
» » علی نوندا کی : [۴۰۳-۴۰۴]
» » حاجی عمر : ۳۷۶، =۳۷۸=
» » عمر پسر محمد پسر عمر حافظ : =۳۳۹=
» » عمر پسر محمد اخلاطی : =۴۱۳=
» » عمر عقیلی ، ك : ۶۱۳
سلطان محمد غیاث‌بك : ۲۷۹
ملامحمد پسر فرامرز : ۳۵۲
محمد پسر فضیل : ۴۷۵
سیدمحمد پسر فلاح مشعشعی ك: ۶۳۲
محمد پسر فیض رومی : ۷۱۹
» » قاسم آل کشکول جابری : ك : ۶۶۶
» » قزوینی . ك : ۶۲۵
» » قوام‌الدین بن رستم : ۴۶
» » محمد : ۲۳۶
» » محمد آلنی : ۳۵۴
» » محمد بخاری : ۷۰۱
» » محمد پسر احمد العلسی ابن سیدالناس . ك: [۶-۱۰]
» » محمد پسر احمد کشی : ۵۱۱
» » محمد پسر حسن الحسینی : =۱۶۱=
» » محمد پسر محمد پسر عبدالرحمان . ك : ۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمدپسر محمد تبریزی : ۳۵۱
» » محمد حلبی : ۱۴۴
» » محمدرضا تبریزی (مجلوب تبریزی)
» » محمد کاشغری : ۵۰۳
» » محمود بابرتی : ۳۵۱
» » محمود دهدار : ۱۱۳
» » محمود شاه‌آبادی : ۱۲۶
» » محمود طوسی : ۶۲۳
سلطان محمد پسر محمود غزنوی : ۷۱
» » » مراد عثمانی : ۹۹
محمد پسر مسعود : ۵۰۰
» » مسلم طائفی : ۴۷۳
» » مظفر خلخالی : ۳۵۰
» » مهدی حسینی : [۶۹۵-۶۹۶]
» » ناصر حسینی کیلانی : ۲۱۳
ملامحمد پسر ملاجعفلی باکوئی : ۱۷۳
محمدپسر نشوان (محمدپسر سعید نشوان)
[۴۲۵-۴۲۹]
» » نظامی : ۵۱
» » واسع (محمد واسع)
» » وصال شیرازی : =۱۶۸=
» » وفا : ۷۲۰
» » ویس پسر یوسف : ۳۸
» » هارون ممزی . ك : ۶۲۵
» » یحیی (ابن‌منده ابوعبدالله)
» » یحیی نحوی . ك : ۱۴۵
» » یحیی قزوینی : ۳۴۴، ۴۳۵
» » یعقوب (ابن‌نحویه)
» » یعقوب پسر اسحاق رازی :
۳۰۳
محمدپسر یعقوب : ۴۷۲، ۵۶۴ و (کلینی)
» » یوسف : =۲۸۰=
» » یوسف پسر محمد (گنجی شافعی)
» » یوسف حلبی : ۱۳
محمد تاج‌الدین بیهقی : ۲۰۸
» تبادکانی : ۷۱۷
سیدمحمد تبریزی . ك : ۶۴۶
محمدتقی پسر عبدالحسین صیرفی طوسی :
[۳۶۳-۳۶۸]
» » پسر ملامحسن مازندرانی :
۳۴۰
محمدتقی پسر مقصودعلی (مجلسی اول) :
» » خان : ۶۴۶
» » شیرازی، حاج آقابابا طبیب :
۴۴۲
میرزا محمد تقی صاحب‌السیف : ۳۸۸
محمدتقی کرمانی : ۸۹
» » (مدرس رضوی) :
میرزامحمد تهرانی سامرائی : ۴۷۹
شیخ محمد جعفر : =۵۴۸=
محمد جعفر استرآبادی : ۲۶۶
» » خراسانی پسر محمدطاهر :
۴۹۴
محمد جلال‌الدین : ۱۹۰
» جواد پسر محمد علی پسر شیخ جعفر : ۳۰۹
» چلبی : ۲۷۸
» حایری پسر شیخ زین‌العابدین
[۵۹۱-۵۹۳]

محمد حر : ۵۷۰
» حسن استرآبادی : ۴۷۸
» حسن پسر احمد پسر محمد علی پسر علی : ۶۴۷
» حسنخان پسر امیرعلی شهید : ۴۱۸
» حسن صنیع‌الدوله : ۴۵۴
» حسین : ۶۴۶
» حسین آزاد : ۴۷۷
» » اصفهانی پسر حاجی محمد علی : ۴۰۹
میرزا محمد حسینا ضابطه‌نویس : ۵۲۸
محمد حسین یمنجی طوسی : ۶۵۷
» » پسر ابوطالب حسینی اصفهانی :
۶۸۳
محمدحسین پسر احمد یزدی : ۱۸
» » زین‌الدین اصفهانی : ۹۰
» » علی‌اکبر کرمانی : ۲۶۶
» » علی‌نقی هندانی : ۱۸
» » میرزا عیسی قائم مقام :
۱۵۳
» » قطب‌الدین : ۵۵۰
» » محمد امین : ۵۷۲
» » محمد علی تبریزی : ۶۵۷
» » ملامحمدباقر : ۴۷۹
محمدحسین جلایر : =۶۲=
» » رونق کرمانی : ۸۹
» » شهرستانی : ۴۷۹
» » قاضی تبریزی : ۶۰۶
» » نظیری : [۸۷-۸۸]
شیخ محمد خاتون : ۱۹۷
امیرمحمد خان : ۲۶۶
شاهزاده محمدخان عثمانی : ۲۷
محمدخان قزوینی : ۵۳۹ (وقزوینی)
محمدخان هندی ۲۰۲
محمد خجابنده : ۳۹۸
محمدخوئی : ۲۷۵
محمد داودالفلکی : =۵۱۶=
محمد (دبیرسیاقی) : ۷۲۷، ۷۲۲
محمد درویش : ۶۹۵
محمد رائف پسرمحمد سلیم : ۷۱۹
محمد رجبالی (محمد استرآبادی)
محمدرحیم عقیلی : ۵۵۳، ۵۵۳
محمدرضا پسرعبدالحسین صیرفی طوسی
۶۹۷، ۳۶۷، ۳۶۶
محمدرضا پسر محمدعلی قزوینی : ۴۳۷
۴۳۸
محمدرضا تهرانی : ۱۱
محمدرضا خراسانی : ۱۹۷
محمدرضا منشی الممالک : ۳۶۷
محمدرضا صیرفی طوسی : (محمدرضا پسر عبدالحسین)
محمدرضا یزدی : ۳۳۹
محمد رضی استرآبادی [۴۰۷]
محمد رفیع پسرعبدالوهاب : ۲۶۶
محمد رمضانی : ۲۲۵
محمد ساسی : ۴۴۶
شیخ محمد سبط پسر حسن پسر شهید دوم : ۵۶۶، ۳۵۴
شیخ محمد سجادی : ۵۸
ملامحمد سراب : ۵۵۳، ۳۳
شیخ محمد سروی : ۵۱۵
ملامحمد سعدالله بتنائی : ۴۶
شیخ محمد سلطانی : ۱۹
سلطان محمد سلیمانی : ۲۷۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد سلیم رازی : ۴۴۲
محمد سماك : ۵۴۲
محمد شافعی : ۳۰۴
محمد شاه بهمنی : ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲
محمد شاه پسر سلغر پسر سعد زنگی : ۶۶
محمد شاه قاجار : ۱۵۳، ۲۷۳، ۵۸۴، ۶۱۰، ۶۹۶
محمد شریف پسر شیخ ابوتراب : ۶۹۶
محمد شریف (خیال شیرازی)،
محمد شفیع پسر محمد مقیم : =۱۷۰=
محمد شفیع وصال شیرازی : =۲۷۰=
سید محمد صاحب شیرازی بمبئی : ۱۲، ۲۲۵
محمد صاحب ملك الكتاب بمبئی : ۲۰۶، ۳۳۹
محمد صادق تویسرکانی : ۴۴۲
محمد صادق بحر العلوم : ۴۷۹، ۶۵۳
محمد صادق خوشنویس : ۵۲
محمد صادق (نامی)،
میر محمد صالح : ۲۰۲۵
محمد صالح پسر ابوالقاسم بیوانی : =۴۴۵=
محمد صالح جراح : ۱۹۷
محمد صالح خاتون آباد اصفهانی : ۴۹۴
محمد صالح روغنی : ۱۸
محمد صالح ، کازدار میرزا عبدالرحیم، خان خانان ـ ك : ۵۹۴
محمد صدیق حسنخان : ۲۶۶
شیخ محمد طاهر : ۱۹۷
محمد طاهر پسر محمد طالب حسینی اردبیلی : ۴۹۶
محمد طاهر قمی : ۵۸۸، ۶۰۸
محمد طاهر نصر آبادی : ۱۲۶، ۴۶۵
محمد طه پسر مهدی پسر محمد رضا تبریزی : ۴۷۹
ملا محمد عاملی : ۶۱۶
محمد عبدالرحمان قطة العدوی : ۶۸۰
محمد عبدالرزاق : ۲۰۵
محمد عبدالعزیز الخولی : ۵۵۶
محمد عبده : ۱۸
محمد علی = : ۱۴۶ ـ ۱ = ۱۵۵ =
میرزا محمد علی حاکم رضا : ۶۴۶
ملا محمد علی اردبیلی : ۴۸۴
محمد علی امام جمعه فردوس : ۸۹
محمد علی انصاری : ۳۱۰
محمد علی بهبهانی : = ۳۵ =
محمد علی پسر خواجه قاسم علی مازندرانی : ۶۵۵، ۶۷۰
محمد علی پسر میرزا عبدالحسین پسر محمد علی طبسی : (نورعلیشاه)،
محمد علی پسر عبدالخالق (عبرت اصفهانی)
محمد علی پسر قاسم آل کشکول : ۴۹۶
محمد علی پسر محمد حسین خراسانی : =۴۰۷=
محمد علی پسر محمد رضا تونی وقی ، ك : ۴۱۳
محمد علی پسر محمد رضا ساروبی : [۵۵۰ـ۵۵۱]
محمد علی پسر محمد صادق : = ۱۶۰ =
محمد علی تبتی : ۱۹۷☆
محمد علی تبریزی (طغری) : ۱۹۵
محمد علی تربت : ۲۷۳

محمد علی جراح نظام : ۱۴۰
محمد علی خواساری : ۴۸۳
محمد علی خیابانی مدرس تبریزی قاموسی صاحب ریحانة الادب : ۱۲۰، ۵۰۱
محمد علی ذکاء الملك فروغی : ۱۹۴
محمد علی شاه قاجار : ۵۹۳
محمد علی شاه عبدالعظیمی : ۶۳۹
محمد علی قزوینی : ۴۶ ،
محمد علی کرمانشاهی بهبهانی : ۶۶۵
محمد علی مدرسی چهاردهی : ۳۰۹
محمد علی مشرف شیرازی : = ۴۶۹ =
محمد علی (هبة الدین شهرستانی)
محمد عیسی : = ۱۲۸ =
سلطان محمد غوری پسر سام : ۵۱۵
محمد غیاث الدین هندی : ۱۴۲
سلطان محمد فاتح پسر سلطان مراد عثمانی : ۲۷۰☆، ۴۱۷
محمد فریدون نافذ : ۲۱۷، ۲۱۸
محمد فضل : ۵۴۵
محمد قاسم سروری کاشی : [۴۴۳ـ۴۴۵]
محمد قاسم کرمانی : = ۸۸ =
محمد قزوینی : (محمد خان)
محمد قزوینی دمشقی (جلال الدین)
محمد قزوینی (محمد پسر زکریا)،
محمد قرمطوی رومی : ۲۲۴
محمد کاسه لیس : ۱۷۵
محمد کاشی : ۴۵
محمد کاظم خراسانی : ۵۹۱
خواجه محمد کرمانی : ۲۸۷
محمد کریم : ۲۰۲☆
شیخ محمد کوفی : ۵۱۵
محمد لاهیجی ، ك : ۴۴۴
ملا محمد لاری ، ك : ۱۰۲
سلطان محمد الشکری : ۹۷
محمد محسن پسر عبدعلی عاملی : ۴۷۸
محمد محسن خوزانی : ۳۴۰
محمد محیی الدین عبدالحمید : ۶۸۰
محمد محیط طباطبائی : ۲۴۳
محمد مشکاة : ۲۷۱، ۶۵۸
محمد مصطفی (ج ...) : ۳۴۶، ۴۴۹
محمد مظفر حسین صبا : ۴۶۶
محمد معصوم پسر محمد باقر منشی : = ۱۳۵ =
محمد مقیم : = ۲۲۷ =
محمد ملك الكتاب بمبئی (محمد صاحب)،
محمد منشی خالدی : ۲۸۰
محمد مهدی : (امام ...) ۶۵۲،
محمد مهدی اصفهانی (فروغ)
محمد مهدی پسر حاج محمد اسماعیل ۳۷۵
محمد مهدی پسر محمد سر آستر آبادی : [۲۷۱ـ۲۷۵]
محمد مهدی قزوینی سیفی : ۴۴۲
سید محمد مهدی موسوی = ۶۶۸ = ۶۶۹ =
محمد یادگار خان سپهسالار : ۷۷
محمد ناصر پیرهلاون پسر ایوب : ۱۴
شیخ محمد نجار : ۶۸۰
محمد نجفی پسر جابر : ۴۹۳
محمد نخجوانی ، ك : ۱۸۷
محمد نصیر پسر رضی الدین : ۵۲۷☆
محمد منیر عبدالقادر : ۶۸۸
ملا محمد نیری : ۱۴۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

محمد واسع صوفی : ۱۴۸، ۵۴۱
محمد وحیدزاده : ۱۸۰
محمد ولی صاحب هندی : ۱۴۲
» ولی میرزا : ۱۸۵
» هادی پسرحسین قائنی : ۱۸
» هادی پسرمحمدصالح (آقاهادی مترجم) : [۴۰۸-۴۰۹]
» هاشم پسرمیرمحمدرضی : ۵۲۰
» هاشم هروی : ۴۵
محمد هاشمی کرمانی : ۲۶۵
محمد هندوشاه : ۴۴۴
محمود وایاز . ن : ۱۹۹، ۲۰۰
» پاشا وزیر . ك : ۱۰۰، ۲۷۸، ۷۲۰
» پسرشیخ اسماعیل پسرابراهیم : ۵۴۵=
» » حضر احمد قاضی : ۴۴۷=
» » غلامعلی طبسی : ۲۵۷
» » محمد خطیب الریفیة حموی : ۴۱۵
خواجه محمودپسر شیخ محمد گیلانی : [۹۷-۱۰۳]
محمودپسرعمر پسرمحمود پسر منصور رینجنی: [۴۵۹-۴۶۱]
» خاطر بیك : ۴۴۹
» خان ملك الشعراء : ۱۵۳
سلطان محمود خلجی : ۱۰۲
محمود خوانساری : ۲۲۵
» طالع پسرمحمد پسرآدم بغدادی ۱۴۲
محمودشاه گجراتی : ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲
» غزنوی : ۷۱
» غوری : ۵۱۵
» قاجار : =۶۱=
آقامحمودکرمانشاهی پسر آقا باقر بهبهانی : ۷۲۵، ۷۵۸
محمود لامعی : ۳۲۷
» لاهیجی : ۱۰۱
» مازندرانی : ۱۷۳
» مطرود : ۱۱۲
» هندوی : ۱۰۲
محیی (شاعر) : ۲۵۱
محیی الدین ابن عربی : ۱۹۰، ۶۴۹ (و ابن عربی)
» پسرمحمدشاه فناری : ۴۱۷
» محمد پسرابراهیم نکساری : ۳۳۵
» محمد پسرمصطفی : ۴۵۷
المحیط بعلم القرآن . ن : ۳۳۸
المحیط بلغات القرآن : ۳۳۸
محیطی بابا : ۱۱۱
المخبر ، ازابن حبیب . ن : ۵۰۹
مختار الانوار . ن : ۲۴۵
مختار الصحاح . ن : ۳۷۰، [۴۴۹]
مختصر . ن : ۳۷۷، ۳۷۹، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۶۹
مختصر ابن حاجب . ن : ۵۸۸
مختصر اسرار العربیة . ن : ۵۷۵
مختصر الاقبال . ن : ۵۴۸
مختصر الایضاح . ن : ۵۷۵

مختصر جواهر التفسیر : ۷۰۱
مختصر شرح تلخیص المفتاح . ن : ۳۵۱، ۳۵۳
مختصر شواهد مغنی . ن : ۴۲۰، ۴۵۰
مختصر اللمحه . ن : ۴۰۹
مختصر المجمع . ن : [۴۵۱]
مختصر مفتاح العلوم ، ازحسن معالی چی . ن : ۴۵۷
مختصر مفتاح العلوم ، ازخطیب دمشق . ن : ۴۵۶
مختصر مفتاح العلوم ، ازعبدالمجید یحیی . ن : ۴۵۷
مختلف الشیعه ، ازعلامه . ن : ۵۸۸
المختلف والمؤتلف . ن : ۵۰۹
مخدوم پسرشمس الدین پسرمیرسیدشریف جرجانی : ۳۴۸
مخدوم الملك لاهوری . ك : ۵۸۲
مخزن الادویه . ن : ۳۹۷
مخزن الاسرار آصفی . ن : ۴۳
مخزن الاسرار شفائی . ن : ۴۴
مخزن الاسرار مراغانی . ن : ۴۲
مخزن الاسرار نظامی . ن : ۴۵، ۴۷، ۵۱، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۳۲۷
مخزن الانشاء : ۷۵۹
» کاشفی . ن : ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۷۴
» نشاط : ۱۵۴، ۷۵۹
مخزن الجوهر و مجمع الصنایع . ن : ۴۵۴
مخلات ، ازشیخ بهائی . ن : ۱۷۳
مدارك ، ازمحمد پسرعلی عاملی . ن : ۵۶۶
مدارك نهج البلاغه : ۳۰۶، ۳۱۰
مدایح السلطان . ن : ۲۵
مدایح ممتدیه . ن : ۵۸۴
مداینی ابوالحسن . ك : ۳۰۱
المدد الفائض . ن : ۹۵
مدراس . ج : ۷۲۰
مدرس رضوی . ك : ۵۷ تا ۶۱، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۹۵، ۲۶۹
مدرسة باسطیه . ج : ۴۳۵
مدرسة سیاره . ج : ۵۱۲
مدرسة سلطانیه سمرقند : ۷۲۱
مدرسة الفیضیه . ج : ۴۱۰
مدرسة گوهرشاد . ج : ۶۶۳
مدرسة منصوریه . ج : ۳۷۹
مدرسی چهاردهی . ك : ۳۷۴
مدفصر (معما ...) : ۴۰۲
المدلین . ن : ۶۱۳
مدینه . ج : ۴۲۰، ۴۹۸، ۶۱۷، ۶۳۴، ۶۶۰
مدینة السادات . ن : ۲۰۷
مذهب رسمی ایران : ۵۸۱
مرائی وصال . ن : ۶۸۲
مرآت الادوار . ن : ۲۶
مرآت الحق . ن : ۵۸۵، ۵۸۶
مرآت الخیال . ن : ۵۳، ۱۲۹، ۱۸۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۸۲، ۳۸۱، ۴۶۵، ۶۱۸
مرآت الصفا . ن : ۵۳۵
مرآت العالم . ن : ۴۴۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

مرآت الفتوح ، ن : ١٩٨، ٢٠٤
مرآت كائنات ، ن : ٤٣
مرآت مثنوی ، ن : ٢٢٦ ،
مرآت المحققين ، ن : ٨٩
ملامرادبن میرزاجان ، ك : ٤٤
مرادبخش پسرجهانشاه ، ك : ١٩٥، ١٩٦
ملامراد هرشی ، ك : ٦٠٦
سلطان مراد عثمانی ، ك : ٢٧
مرادی: برادر وحشی شاعر ، ١٦٦
مراعات النظیر : ٦٩٤
مراغه ، ج : ٧٠، ٢٤٩، ٤٦٨
مرواثیان ، د : ٥٥٨
سیدمرتضی (برادر سیدرضی) : ١٥٢،
١٦٠، ٣٠٥، ٣٠٦
شیخ مرتضی انصاری : ٤٩٦
مرتضی پسراحمد حسین الرشتی : ٤٢٩
مرتضی پسر محمد یوسف : ٣٣، ٥٥٤
مرتضی حسینی : ٣٢
مرتضی قلی متوالی : [٢٣٢–٢٣٣]
مرتضی مدرسی چهاردهی : ٣٠٩
مرتعش ، ك : ٥٤٣
مرتفعات ، ن : ١٩٦، ١٩٧، ٢٠٤
مرتیها ، ن : ١٩٦
مرزبانی ، ك : ١٦
مرزیفونی قطب الدین : ٤١٧
مرشد : ١١١
مرشدالدین شاه عبدالله مشهور : ٦٧٠
مرغوب القلوب ، ن : ٤٥٤
مرفوعها (جمع الجوامع) : ٤٥١
مرقاة ، ن : ٣٩٠
مرقات البیان ، ن : ٤١٩
مرقات اللغة ، ن : ٤١٩
مرند ، ج : ٧٥
مرو ، ج : ٧٣، ٧٥، ٤٦٨، ٤٩٠
مروارید (بیاض) و (عبدالله صدر)
مروانیان ، د : ٦٦٩
مروی ، (کتابخانهٔ) : ٤٩٢
مرهوب پسراحمد پسرجوالیقی : ٢
مریم (سورهٔ ...) : ٦٩٨، ٦٩٩
مزارات هرات : [٦٦١–٦٦٤]
مزدوج (هنر بدیعی) : ٦٩٤
المزهر، ازسیوطی ، ن : ٣٦٨، ٤٣٦
مزید ، ك : = ٣٢٣ =
مسائل حلاریة ، ن : ١٦٤
مسائل الملقة ، ن : ٤٠٩
مسائل المنثورة درنحو ، ن : ٣٨٤
شیخ مساعد حویزی ، ك ، ٥٦٦
مسالك، ازفاضل جواد ، ن : ٥٨٨
المسالك والممالك : ٦٢٢، ٦٥٣، ٦٧٦
مستجیب (مقام مذهبی) : ٧٦، ٨٤
مستدرك نهج البلاغه : ٢٩٨، ٣١٠
مستدرك الوسائل : ١٥١، ١٦٠، ٤٩٧،
٥٧٥، ٦٠٦، ٦٢٧، ٦٦٨
مستجد ، ك ، : ٥٦٠
مستنصر اسماعیلی ، ك : ٧٤
مستنصر بالله فاطمی اسماعیلی : ٧٧
المستوفی، از ناصرخسرو ، ن : ٨٠
مستوفی الربنی ، ك : ٦٠، ٦٥، ١٢٨
(وحمدالله پسرابوبکر)
مسجدالاقصی ، ج : ٦٥٤
مسجد امیرچقماق ، ج : ٦١٦

مسجد جامع کوفه ، ج : ٩٣
مسجد جامع هرات : ٥٨٢، ٦٥٩
مسعدة پسرصدقة عبدی : ٢٩٩
مسعود پسر علاءالدین : ١٧٨
» » محمود : ٧١٧
» شاه : ٢٧٧
» غزنوی : ٧٠
» قمی : [٢٤٧–٢٤٨] ، ٢٥٣
مسعودی ، ابوالحسن علی پسرحسین :
٣٠٣، ٣٠٨، ٤٨٧
مسلم پسرحجاج : ٤٨٦
مسح پیغمبر : ١٢٩،
مسیحیان ، د : ٧٨
مسیو پرنی مستشار فرانسوی : ٥٩٢
مشابهات ربیعی ، ن : ١٩٨، ٢٠٤
مشارق الانوار ، ن : ١١٢، ٣٠٤
مشارق الانوار البهیه : ٧١٧
مشارق خواساری ، ن : ٥٨٨
مشاعر ملاصدرا ، ن : ٣٥٥
مشتبهات ، ن ، ٥٥٥
مشترکات ، ن : ٥٥٥، ٦٦٨
المشترکات سیدحسین قزوینی ، ن : ٤٩٥
مشترکات الرجال ، ن : ٥٥٦، ٦٥٦، ٦٥٧
» کاظمی ، ن : ٤٩٣، ٥٥٦، ٥٥٧
المشجر الکشاف ، ن : ٦٣١
مشرقی ، ك : ١٩٩
مشعشعیان خوزستان ، د : ٥٦٠
مشغر ، ج : ٥٠٦
مشفق قمی : ٧٣٢
مشکاة بیرجندی ، ك : ٣٦، ٦١، ٦٣٥،
٦٣٧
مشکات ، ن : ٥٨١
مشکات النجاة ، ٩٠
مشکان (محمد پسرمحمود)
مشکلات القرآن ، ن : ٢٥٣
مشکل الحدیث ، ن : ٢
مشکل القرآن ، ن : ٢
مشهد ، ج : ٢٦٥، ٤٦٧، ٥٠٦، ٥٠٧،
٥٢٣، ٥٦٩، ٦٤٣، ٦٦٩
مشهدی ، (امضاء ...) : ٣٩١
مشیخه ، ن : ٤٨٤
» احمدپسرحسین ازدی ، ن : ٤٨٥
المشیخة بنا اسناد المصنف (مشیخهٔ
صاحب ذریعه) .
مشیخة تهذیب ، ن : ٤٩٦
» حسن پسرمحبوب ، ن : ٤٨٥
» صاحب الذریعه (اسناد المصنف).
ن : ٤٨٧، ٤٨٨، ٤٩٠ تا ٤٩٣،
٤٩٥، ٥٥٦ [٦٥٨]
مشیخة صدوق : ٦٧٦
» من لایحضره الفقیه ، ن : ٤٩٢ ،
٥٤٧، ٦٠٥، ٦٠٦، ٦٢٩
» نهایه ، ن : ٥٥٣
مصابیح سیزاقی ، ن : ٤٨٩
» صدوق ، ن : ٤٨٨
مصابیح الظلام : [٧٣١–٧٣٣]
مصاب المظلومین : ٧٠٣
المصادر ابی زید بلخی ، ن : ٤٥٣
مصادر اللغة زوزنی ، ن : [٤٥٢–٤٥٣]
٤٤١، ٢٦١، ٣٣٧، ٣٣٩
مصباح ابن مالك ، ن : ٤٥٦
مصباح السالکین ، ن : ١٥١، ٢٢٣
مصباح طوسی ، ن : ٧٥٦، ٧٥٧

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

المصباح فی اختصار المفتاح . ن : ٤٥٥
المصباح فی شرح المفتاح . ن : ٤١٦
مصباح المنیر . ن : ٣٩١، ٤٥٣، ٦٢٨
مصباح الهدایة . ن : ١٦٩، ١٧٠
مصر . ج : ١٢، ١٣، ١٤، ١٦، ١٧، ٥٠،
٧٤، ٧٦، ٩٣، ٩٥، ١٠٦، ١٦٩،
١٧٣، ١٨٦، ١٩٠، ٢٥٤، ٣١٣،
٣١٨، ٣٢٠، ٣٢١، ٣٢٤، ٣٤٢،
٣٥٦، ٣٥٧، ٣٨٩، ٤٠٩، ٥٧١،
٦٣١، ٦٣٥، ٦٤١، ٦٤٤
٦٧٦، ٦٧٩، ٦٨٨، ٧٠٨، ٧١٢
وزیر رجوع شود بجاب مصر :
مصطفی (ص) . ك : ٢٧٠
ملامصطفی . ك : ٤٩٢، ٥٠٤
مصطفی النایی . ك : ٢٥٥
مصطفی بیك . ك : ٣٩٤
مصطفی پسر بالی : ٧١٩
» پسر سلیمان . ن : ١٤٢٥
ملامصطفی پسر شعبان سروری : ١٤١
میرمصطفی قرشی . ك : ٤٩٣، ٤٩٦،
٥٤٧
مصطفی چلبی . ك : [٢٧٦]
مصطفی خان شاملو : ٢٧٣
مصطفی الواعظ : ٤٤٧
مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال :
٤٩٧، ٦٥٨
مصقلة شیبانی . ن : ٣٢٠
مصلح الدین محمد لاری : ٢٦، ٣٥٤
» مصطفی پسر حسام : [٢٧٦]
» » قره حصاری : ٤١٩

المصنف . ن : ٧١٠
مصنفك، علاءالدین علی پسر محمد بك :
٧٢٧، ٤١٧
مصیب . ك : ٦٦٩
مضاعف (علم صرف ...) : ٣٦١
مطارح الانظار . ن : ١٧٣
مطارق الحق والیقین فی کسر معاول
الشیاطین : ٦٦٥
مطاعن الثلاث . ن : ٥٤٨
مطالبی دربارهٔ حدیث . ن : ١٣٦، ٤٧١
مطایب نامه، ازسنائی . ن : ٥٨
مطرزی . ك : ٣٣٦، ٣٣٨، ٧١٦
مطری . ك : ٤٠٠
مطلع الانوار، ازدهلوی . ن : ٤٢، [١٧٧]
١٨١، ٣٢٧
مطلع الانوار، ازمیرداماد . ن : ٤٤
مطلع السعدین . ن : ٦١٨
مطلع الشمس . ن : ٣٧٣
مطلوب کل طالب . ن : ١٣٨، ٢٩٠
مطلع الانظار، ازخزین : ٤٦
» ازروح الامین : ٤٤
مطول . ن : ١٣٥، ٣٥١ تا ٣٥٤، ٣٧٥،
٣٧٧، ٤٠٠
مظفر، محمد پسر عبدالله . ك : ٤٨٧
مظفر پسر افطس . ك : ٥٠٢
مظفر الدین شاه . ك : ١٤٠
مظفر بیکچی . ك : ٥٨٢
مظهر الآثار . ن : ٤٦
مظهر الآیات . ن : ٢٥٨، ٦٩٥
مظهر الاسرار لاهیجی : ٤٣
مظهر الانوار . ن : ٤٦

مظهر البینات . ن : [٢٥٣-٢٦٤]
مظهر الدلالات (مظهر البینات) : ٢٥٨
معارج الاحکام . ن : ٤٩٥
معارج النبوة : ٦٥٣ [٦٥٩-٦٦١]
المعارف (ابن قتیبه) . ن : ٦٥٣
معارف سلطان ولد بهاءالدین : ٢١٦،
٢١٧
معالم . ن : ٤٩١، ٤٩٢، ٥٠١، ٥٢٨،
٥٢٩، ٥٣٠
» (التنزیل . ن : ١١٣
» العلماء . ن : ١٠٩، ١٦١، ٤٩٠
معانی (علم ..) : ٣٤١، ٣٥٠
» ابیات متنبی : ٧١٠
» الاخبار . ن : ٣٠٣
» اهل البیان من وفیات ابن خلکان :
٦٧٩
معاول العقول اقسم اساس الاصول . ن :
٦٦٥
معاویه . ك : ٢٩٧، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣١٧ تا
٣٢١، ٤٧٥
معاهدالتنصیص فی شواهد التلخیص :
٣٥٣
المعتصم . ك : ٦٢٨
معتل (علم صرف ...) : ٣٦١
معتمدالدولة شاط : ١٥٤، ٢٠٧
معجم الادباء . ن : ٩٣، ١١٧، ٢٩٠،
٣٣٨، ٣٦٨، ٣٦٩، ٤٢٣، ٤٤٥،
٥٢٥
معجم البلدان . ن : ١١٧، ١٦٠، ٣٧٦،
٤١٣، ٤٤٤، ٥٥٧، ٥٦١، ٦٣٨،
٦٥٣
معجم الرجال ابی مفضل . ن : ٤٨٦، ٤٨٩
معجم الشعراء، ازمرزبانی . ن : ١٦
معجم فی آثار ملوك المعجم . ن : ٥٢٥
المعجم فی معاییر اشعار العجم، از
شمس قیس . ن : ٢٦، ٤٧، ١٢٧
معجم المطبوعات . ن : ٩٤، ١٤٤، ١٦١،
٣٨٤، ٣٨٦، ٤٠١، ٤٢٠، ٤٤٥،
٤٥١، ٦٢٢، ٦٤١، ٦٨٧
المعراج . ن : ٤٩٤
معراج الخیال . ن : ٤٥
معراج الفصاحة . ن : ٢٠٣، ٢٠٤
معراج الکمال فی معرفة الرجال : ٦٣٨
معرة . ج : ٧٦
معرفة الرجال . ن : ٤٩١
معرفة رواة الاخبار . ن : ٤٨٥
المعرفة فی معرفة الصحابة . ن : ٤٨٦
معرفة الناقلین . ن : ٤٨٦، ٤٩٧، ٤٩٨،
٤٩٩
معرفة الناقلین بلخی . ن : ٤٨٦
» کشی . ن : ٤٨٨ (ورجال
کشی)
معروف قاضی : ٧١٩
ملامعروف قاضی مصر . ك : ٩٥
معروف پسر خربوز . ك : ٤٧٣
» کرخی . ك : ١٤٨، ٥٤٢
معزالدوله بهرام میرزا . ك : ٢٥٨،
٢٥٩
معزالدین کیقباد پسر ناصرالدین . ك :
١٧٩
معزی . ك : ١٩٩
امیرمعصوم خان بیگی . ك : ٢٦٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

معصوم علیشاه ، ك : ۸۹
معقل رباجی ، ك : ۳۱۹
معلقات جیست [۷۲۲-۷۲۴]
« دهگانه یا هفتگانه [۷۲۲-۷۲۴]
معلقهٔ امرؤالقیس : ۷۲۲-۷۲۴
معلم ناجی ترك ، ك : ۱۳۹، ۲۹۱
معما (فصلی از کتاب) : ۶۰۰
معمائی ، ك : ۹۹ (وحشی ،)
معمای جامی ، ن : ۱۹۰
معماسرائی : ۳۹۱ تا ۳۹۴، ۶۱۷
معمای بزرك جامی ، ن : ۱۸۸
« کوچك جامی ، ن : ۱۸۸
« متوسط جامی ، ن : ۱۸۸
« جرجانی ، ن : ۳۴۸، ۴۰۳
« میرحسین ، ن : ۳۹۷
معموری (عنائی) ،
معمیات میرحسین ، ن : ۱۲۲
معیارالاشعار ، ن : ۱۲۷
معیار جمالی و مفتاح بوامحاقی ، ن : [۴۵۳-۴۵۴]
« نصرتی ، ن : ۴۵۴
معید (دانشیار) : ۷۱۹
دکتر معین ، ك : ۱۷۹
معین‌الدین پروانه : ۲۱۷
« عبدالکریم : ۲۰۵
« گدا : ۱۰۱
امیرمعین‌الدین محمد اشرف : ۴۵۸
معین‌الدین محمد پسر ملاشرف‌الدین حاج محمد : ۶۵۹
معین‌الدین محمد صاعدی : ۱۸۴
معین‌السلطنه ابومنصور درویش‌خان : ۶۳۶
شیخ معین قاضی : ۶۴۷
معین‌اللغات ترکی ، ن : ۴۴۴
معین‌النبیه فی رجال من لایحضره‌الفقیه ، ن : ۴۹۵
مغازی ، ن : ۳۰۰، ۶۲۵
المغازی الدلسی ، ن : ۷
مغازی سعید اموی ، ن : ۳۰۷
المغالین ، ن : ۵۰۹
مغرب ، ن : ۱۲۵، ۳۳۶، ۳۳۸، ۴۴۵، ۶۲۵
مغرب مظرزی ، ن : ۳۷۰
مغربی ، ك : ۹۱، ۱۹۹
مغنی‌اللبیب ، ن : ۱۲۵، ۴۱۰، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۵۹
مفول ، د : ۲۲، ۶۳، ۶۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۷۲، ۲۱۱، ۲۸۳، ۴۶۷، ۵۱۱، ۵۱۷، ۵۶۶، ۵۷۳، ۶۰۵، ۶۱۷، ۶۵۰
مفولان ، د : ۲۳، ۶۶، ۱۷۵
مفیث‌الدین ابوالفتح ، ك : ۵۲۷
مفاخرالعرب ، ن : ۶۵۳
مفتاح ، ن : ۴۱۶
مفتاح‌السعاده ، ن : ۳۳۴، ۳۸۶، ۴۳۲
مفتاح‌العلوم ، ن : ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۷۵، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۵۵ تا ۴۵۷
مفتاح‌الفتاح ، ن : ۴۵۶
مفتاح‌النبوة ، ن : ۱۵۴
مفتی میرمحمد عباس ، ن : ۴۳۵
مفردات سعدی ، ن : ۱۹۳
« مثنوی ، ن : ۲۲۲

مفرده نویس ، ك : ۴۳
مفصل زمخشری ، ن : ۳۵۷
مفضلیات ، ن : ۱۴۴
مفید : ۱۶۳
مفید استرآبادی ، ك : ۲۷۵
مفید بغدادی محمد پسر محمد پسر نعمان ، ك : ۳۰۳، ۴۲۹
المفاخر المشهوره والمشاهد المزوره ، ن : ۶۶۱
مقاصداللغات ، ن : [۴۵۷-۴۵۸]
مقالات شمس تبریزی ، ن : ۲۱۶
« نظامیه ، ن : ۳۸۱
مقالیدالعلوم ، ن : ۳۴۶ تا ۳۴۸
مقامات درمذهب اسماعیلیان : ۸۴
« حریری : ۱۶۰، ۶۷۹
« حمیدی : ۱۲۵
« ومناقب علی : ۳۰۸
مقامع‌الفضل : ۶۴۹
مقتبس‌السیاسه ، ن : ۱۸
المقتصر ، ن : ۵۷۴
مقتضب ، ن : ۳۰۱، ۳۰۷
مقداد پسر اسود : ۱۱۴
مقدس اردبیلی (احمد) : ۵۶۲
مقدسی‌احمد پسر ابراهیم : ۶۱۳
مقدسی علی پسر مفضل : ۴۹۰
« محمد پسرطاهر : ۶۰۷
مقدمةالادب ، ن : ۳۲۶
مقدمه ازهری ، ن : ۳۴۵
مقرشهابی (احمد پسرفضل) ، ك : ۱۳
مقریزی ، ك : ۷۶
مقصدالاقبال‌السلطانیه و مرصدالآمال الخاقانیه ۶۵۳ [۶۶۱-۶۶۴]
مقصدالاقصی ، ن : ۱۴۷
مقصود حلخالی ، ك : ۲۳۷
« کبرعلی : ۶۵۰
مقطعات ، ن : ۱۹۳
مقیمی ، ك : ۱۱۱
مکتبی شیرازی ، : ۴۲، ۱۳۹، ۱۹۹
مکمل‌خان ، ك : ۵۲۰
مکیلو ، ج : ۵۵۸
مکه ، ج : ۵۴، ۷۵، ۷۶، ۸۷، ۹۲، ۱۰۰، ۱۴۲، ۴۱۱، ۴۲۹، ۴۳۵، ۴۳۶، ۵۱۸، ۵۶۹، ۵۸۷، ۶۶۰
ملاحده ، د : (ملحدان)
ملاحده گیلان : ۴-۱۰۶
ملازاده خطائی ، ك : [۳۷۶-۳۷۹]
ملای‌روم (مولوی)
ملتان ، ج : ۲۳
ملحدان ، د : ۸۳، ۶۷۸
ملخص‌المقال ، ن : ۴۹۶
ملك ، ك : ۶۹، ۸۸، ۱۹۹
ملك‌الکتاب ، ك : ۵۳۷
ملك شعبان ، ك : ۱۴۵
ملك‌الشعراء : ۶۸۷
« بهار : ۲۵، ۲۲۷
« فاضی : ۶۸
ملك صالح پسرشعبان : ۱۴
ملك‌الفضل عباسی پسر مالك مجاهد : ۶۷۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ملك قمی : ۴۵، ۲۸۲
ملمعات . ن : ۱۹۳، ۱۹۴
ملوه . ج : ۱۲۶
ممتاز شاعر : ۷۳۲
ممدوحین ومذمومین . ن : ۴۸۶ تا ۴۸۸
ممشاد دینوری . ك : ۵۴۳
مناجات منظوم . ن : ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳
المنار (مجله ...) : ۵۵۶
منازل الصحابه . ن : ۴۸۶
مناظر الانشاء . ن : ۹۸
مناقب . ن : ۱۶۱، ۳۰۳، ۳۰۴، ۴۹۸
» ابن شهرآشوب . ن : ۱۰۹
» بکتاش . ن : ۱۱۱
» خوارزمی . ن : ۱۶۰
» الرجال . ن : ۴۸۸
» رواة الحدیث . ن : ۴۸۸
» العارفین . ن : ۵۷، ۲۱۷
» قشیلدیان : ۷۰۲
مناقد الرایین . ن : ۴۱۷
منبع الابهار . ن : ۴۵
منتبی (شهر افسانه‌یی) : ۵۵۸
منتخب امل الامل . ن : [۵۰۵ـ۵۰۸]
منتخب البصائر . ن : ۲۹۹، ۳۰۴
منتخب التماثیل . ن : [۲۶۵ـ۲۶۷]
منتخب تکمیل . ن : ۱۲۷
منتخب مغنی . ن : [۴۵۸ـ۴۵۹]
منتخب نورالعیون . ن : ۲۶۵، ۲۶۶
منتهی المقال فی علم الرجال : ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۵، ۶۲۷، ۶۲۹، [۶۶۴ ـ ۶۶۹]
منتهی الوصول . ن : ۵۱۳
منجیك شاعر . ك : ۱۳۲
منده . ج : ۱۲۶
منشور : [۶۶۹ ـ ۶۷۱]
منشور الحکم . ن : ۱۶۰
منشور مبارك : ۶۵۵
منتخب التواریخ : ۶۵۰
» » بدوانی . ن : ۵۲۰
» » ملکشاهی . ن : ۵۷
منتخب الجواهر العلیه . ن : [۲۶۷ ـ ۲۶۸]
منتخب حدیقة الحقیقة . ن : [۲۶۸ ـ ۲۷۱]
منتخب حلل : ۶۱۷
منتخب الدین علی بن عبیدالله . ك : ۳۶۷، ۴۹۰، ۵۰۶، ۵۵۳، ۵۵۴
منتخب شعر نظامی . ن : [۲۷۱]
» کتب الرجال : ۶۳۹
منذر بن جارود . ك : ۳۲۱
منذری . ك : ۴۹۱
من رواعن امیرالمؤمنین . ن ۴۸۶
منشآت ابوالفضل . ن : ۵۱۸
» اختیار : ۶۸۹
» امام‌قلی میرزا . ن : ۲۷۴
» شرف‌الدین هاشم : [۲۷۹]
» شمس‌الدین : ۲۷۹
» ظهوری ترشیزی : [۲۸۲ ـ ۲۸۵]
» عکاشه جلال‌الدین : [۲۷۶]، [۲۸۱]
» قائم‌مقام : ۱۵۳، ۱۵۵

منشآت فطب محیی : [۲۸۱]
» مفرقه : [۲۷۶]
» منصور : ۲۷۹
» میرزامهدی آسترابادی : ۱۵۴، ۲۱۲، ۲۱۴، [۲۷۱ـ۲۷۵]
» نادری : ۲۷۴
منشور (روش نگارش ...) : ۱۲
منصب ترخانی : ۷۱
منصف قاجار . ك : ۲۱۱
منصور : ۲۷۹، ۴۱۹، ۵
» پسرحلیم : ۵۵۵
» پسرعم ناصرخسرو : ۷۵، ۱۰۷
» دوانیقی : ۶۷۰
» عماد . ك : ۵۴۳
منطق (علم ...) : ۳۴۱، ۴۷۵
» شفا . ن : ۴۷۹
» فارسی منظوم . ن : ۹۰
» الطیر . ن : ۲۷۷، ۴۰۹
» الطیر عطار : ۹۱
» » خسرو . ن : ۱۴۵
» العشاق . ن : ۲۴۹
منطقی (میبدی)
منظر الابصار . ن : ۴۴
منظور ناظر . ن : ۴۲ تا ۴۵
منظومه بحرالعلوم . ن : ۵۴۶
» تعبیرخواب . ن : ۴۰۹
» کلام . ن : ۵۷۵
منتهای الصاری . ن : ۱۸۸
» مولوی . ن : ۱۸۸
من لایحضره الفقیه . ن : ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۸۸، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۲۹، ۶۴۴
من نسب الی امه . ن : ۵۰۹
منوچهرخان معتمدالدوله : ۵۸۴
» کاتب : ۶۵۰
» شروان‌شاه : ۱۲۹
» قابوس : ۷۰
منوچهری شاعر : ۵۶، ۵۷، ۷۱
منهاج العارفین . ن : ۱۳۸، ۲۱۵، [۲۸۵ـ۲۸۶]
منهج الصادقین . ن : ۴۰۸
المنهج القویم . ن : ۵۷۵
منهج المقال . ن : ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۶۹، ۵۸۸
منهج الیقین . ن : ۳۴
المنهل الصافی . ن : ۳۳۴، ۳۸۶
منیرالدین اصفهانی . ك : ۴۷۴
الموائد . ن : ۶۸۲
موارد الکلم . ن : ۵۱۸
موازنه‌سازی (قریه‌سازی) : ۶۹۴
مواطن یا مناظر : ۶۱۸
مواقف . ن : ۱۲۵
مواعظ . ن : ۴۴۱
مواهب علیه . ن : ۱۵۵، ۷۰۰، ۷۰۱
الموت . ج : ۱۰۴
المؤتلف والمختلف . ن : ۵۵۵
موجی شاعر . ك : ۴۳
مؤدب لیتی واحطی : علی بن محمد بن رشاکر : ۱۵۹
مؤرخ‌الدوله سپهر . ك : ۱۴۰
موزیك . ن : ۱۸۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

موسی پیغمبر : ۲۳۶
» » =۴۶۱=
» پسر رضا مشهدی ك: =۳۵۵=
» » نصیر : ۵۵۸
موسیقار : ۲۰۴
موسی کاظم : ۴۸۳، ۵۵۰، ۶۵۵
موش و گربه : ۲۲۸
موصل . ج : ۵۱، ۶۶، ۸۹، ۱۴۴، ۳۳۴، ۶۷۳، ۶۷۶
موصل الطلاب ، ن : ۳۴۵
المولد والوفاة ، ن : ۵۰۳
مولوی رومی : ۱۱، ۵۷، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۹، ۱۹۹، ۲۱۷، [۲۱۶–۲۲۸]، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۸۹
مولوی عبدالحق : ۶۳۸
» محمدالهداء : ۶۲۰
مؤمن آباد : ۱۷۵
مؤمنون ، (سورهٔ ...) : ۶۹۸
مونس الاحباب بیانی ، ن : ۵۳، ۲۸۶ تا ۲۸۸
مونس الاحرار ، ن : ۶۷
مونس الاسرار ، ن : ۴۲
خواجه مؤید اسماعیلی ، ك : ۷۶
مؤیدالدین نخجوانی : ۱۴۴
مؤیدزاده : ۲۷۹
مؤیدالفضلا ، ن : ۴۴۴، ۶۷۰
مهابهارات ، ن : ۵۱۸، ۵۲۰
مهجةالتوحید ، ن : ۱۲۷
مهجور شیرازی (وصال...) وکاتب الهی
سیدمهدی ، ك : ۱۰۰
مهدی امام زمان : ۲۵۲، ۲۷۸
مهدی (بحرالعلوم) : ۴۹۵، ۵۰۷
سیدمهدی قزوینی : ۴۱۶
مهدی پسر عبدالمراد : =۵۴۷=
» پسر علیقی : =۳۸۱=
» استرآبادی وزیر نادر : ۱۵۴، ۲۱۲، ۲۱۴، [۲۴۶]، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۲۵
» پسر احمد فاسی : ۷۱۲
» بحرالعلوم : ۶۴۵
شیخ مهدی پسر عبدالمراد : ۶۵۷
مهدیخان خویی منشی محمدشاه : ۲۷۳
» شرف‌الدین : ۶۶۰
» طباطبائی : ۲۴۶
» عباسی : ۷۲۴
» قمی : ۲۴۶
مهذب (رمز ...) : ۳۹۱
مهذب‌الاسماء : ۳۳۷، ۴۱۱، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۶۰
مهذب‌الدین خوی : ۱۴۵
مهر (مجلهٔ ...) : ۴۶۳
مهرووفا ، ن : ۴۴
مهروماه ، ن : ۲۲۴
مهلبی وزیر : ۷۰۸
مهنه ، ج : ۴۶۸
مهیج‌الاجزان : ۶۸۲، ۶۸۳
میافارقین : ج : ۷۵
میبدی ، ك : ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴
میثم بحرینی : ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۲۳
میثم پسر میثم : ۴
میخانه ، ن : ۲۰۰
میدانی ، ك : ۱۴۴، ۴۴۴، ۴۵۲

میرالهی ، ك : ۱۹۷
میرداماد ، ك : ۴۴، ۲۸۹، ۴۹۳، ۵۰۸، ۶۰۸
میرشاهی (شاهی)
میرفندرسکی : ۲۱۵
میرزا آقا پسر ملاسلمان : ۴۲۰، ۴۵۰
میزان‌الاعتدال ، ن : ۵۴۲، ۶۱۳
میزان‌الانتظام ، ن : ۱۲۲
میرك دشت بیاضی : ۲۰۲
میرلوحی : ۶۰۸
میکائیل رافیل : ۴۱
میکده ، ن : ۴۶۶
میرك ، ك : ۱۸۳
میرمخدوم شریفی : ۶۴۹
میمند ، ك : ۴۶۹
میمنه (ج...) : ۳۸۷
ن (= پاوان امام حسن بن علی) ، رمز : ۵۵۰، ۵۷۶
نائب‌السلطنه : ۵۹۲
ناپلئون : ۶۱۱
نابغهٔ ذبیانی ك : ۷۲۲
نادرشاه ، ك : ۱۵۴، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۴۶۷، ۵۲۴
نازوبیاز ، ن : ۴۴
ناس (سورهٔ ...) : ۶۹۹
ناسخ‌التواریخ ، ن : ۱۳۹، ۱۵۹
ناسولیس ، ك : ۱۸۷
ناصر پسر حسین : =۴۲۰=
» » فضل‌الله العمری : ۷
ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد ، ك : [۱۳۸]، [۱۶۰]
ناصرخسرو علوی : ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۲، ۵۹۰، ۶۵۵، ۶۷۵
ناصرخلیفه : ۳۳۴، ۶۳۳
ناصرالدوله والدین شمس‌الاسلام : ۴۶۲
ناصرالدوله همدانی : ۷۱۴
ناصرالدین : ۱۳۳
ناصر پسر خسرو پسر حارث [۷۳–۸۷] و ناصرخسرو
ناصرالدین ترمذی ، ك : ۴۵۹
» بقراخان پادشاه ، ك : ۱۷۹
» پادشاه ، ك : ۵۱۶
» پسر عبدالصمد ، ك : ۷۱۹
» خلجی ، ك : ۱۲۶
» شاه ، ك : ۸۶، ۲۵۸، ۵۲۳
» عبیدالله احرار ك : ۳۲۷
» عمر ، ك : ۲۸۱
» عباجه ، ك : ۲۳، ۵۳۷
امیرناصرالدین یحیی پسر مجدالدین : ۶۸
ناصرعلی سرهندی ، ك : ۲۸۲
ناصرفاطمی ، ك : ۳۳۴، ۶۳۳
ناصرالملك : ۶۴۳
ناطق (مقامی ازان اسماعیلیان) : ۸۴
الناطفة (خطبهٔ ...) : ۳۰۴
ناقوس مغربی ، ن : ۱۰۶
ناظر ومنظور کاتبی ، ن : ۴۲
» » باقی ، ن : ۴۳، ۴۵
ناظر ومنظور وحشی ، ن : ۱۶۶

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

ناظم تبریزی ، ك : ٤٦٦
نامهٔ دانشوران ، ن : ٤٤٥
نامی، محمدصادق ك : ٤٥، ٢٧٣، ٥٢٥
نان و پنیر ، ن : ٢٢٨، ٢٨٩
نان وحلوا ، ن : ٢٢٨، ٢٢٩
النبذة فی طی العدة ، ن : ٧١٨
النبی (س) ١٤٥، ١٤٦ و(محمد)
نتایج الافکار ، ن : ٤٦٦، ٥٠٤، ٧٢٠
نثر الدرر ، ن : ٣٠٣
نثر فارسی ظهوری ترشیزی : ٢٨٢
نثر اللآلی ، ن : ١٣٨، ١٣٩، [٢٩٠ـ ٢٩٤] ٧٢٧ [٧٣٣] ، ٧٥٩
نجاتی شاعر ترك ، ك : ٢٧
نجاتی عیسی ، ك : ٤٣
نجاشی ، ك : ١١٦، ١١٧، ٢٩٩، ٣٠٠ تا ٣٠٢، ٣٠٤، ٣٠٦، ٤٨٢، ٤٨٣، ٤٨٥ تا ٤٩٠، ٤٩٦ تا ٤٩٨، ٥٢٨، ٥٤٩، ٥٥٥، ٥٦٥، ٥٧٦، ٦٠٥، ٦١٤، ٦٣٩
نجف ، ج : ٥٤، ٨٩، ١١٩، ١٨٦، ٢١٢، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٩٠، ٤٢٩، ٤٨٠ ، ٤٨٢ تا ٤٨٤، ٤٩١، ٤٩٧، ٤٩٨، ٥١١، ٥٥٣، ٥٥٤، ٥٦٠، ٥٧١، ٥٧٩، ٥٨٩، ٥٩١، ٥٩٢، ٦٠٩، ٦١٤، ٦٢٧، ٦٣١، ٦٣٢، ٦٣٣، ٦٣٤، ٦٣٥، ٦٣٨، ٦٣٩، ٦٥٨، ٦٥٩
نجم الثاقب ، ن : ٥٦٣
امیر نجم ثانی : ٥٨٢
نجم الدوله ك : ٢٢٩
نجم الدین (امضاء ...) : ٤٦٢
امیر نجم الدین محمود : ١٨٤
نجم الدین کبری : ١٤٩
» قزوینی : ٥١١
» (حسن دهلوی پسر علی)
» جعفر ك : ٥١١ و(محقق حلی)
» احمد حرانی پسر حمدان : ٩٧
» واسطی پسر عبدالقادر : ٧١٧
نجوم (علم ...) : ٧٠٢
نجوم السماء ، ن : ٦٢٧، ٦٢٨، ٦٥٠، ٦٥٧
نجیب الدین رضا : ٢٢٣
» یحیی پسر سعید : ٥١١، ٥٧٤
نحاس نحوی ، احمد : ٧٢٣
نحو (علم ...) : ٣٤١، ٣٤٣، ٣٥٠، ٣٥٦، ٣٥٧
» (رساله در...) ، ن : [٤٦١]
» (فصلی از کتاب) : ٦٠٠
نخبة الدهر دمشقی ، ن : ٥٥٩
نخبة المقال ، ٦٤٦
نخجوانی ، ك : ٥٣
نخجیروشیر ، ن : ٢٢٣
النخیله (خطبهٔ ...) : ٣٠٤
ندرعلی ، ك : ٢٧٥
نرد (بازی ...) : ٦٠٢
نرماشیری، یحیی پسر زکریا: ٤٨٦
نزهة الادیب فی سرقات المتنبی من حبیب ، ن : ٧١٠
نزهة الاباء : ٧٠٩
نزهة الخاطر ، ن : ٥٥٦
نزهة الطالبین در شرح برده : ٧١٦
نزهة القلوب سجستانی : ٧٥٨

نزهة القلوب مستوفی ، ن : ١٢٧، ٣٧٦ ٦٥٣ [٦٧١ ـ ٦٧٤]
نزهة الکتاب ، ن : ٢٣٢ ، [٢٩٢]
نزهة الناظر ، ن : ٥٧٤
نسا ، ج : ٢٣
نساء (سورهٔ ...) : ٦٩٩
نسائی : ٥٠١، ٦٣١
النسب ، ن : ٦٣١ ،
نسب (علم ...) : ٦٠٠
نسخنامه نگاری در ایران و خاورمیانه : ٥٣٠، ٦٣٠، ٦٥٥، ٦٦٩
نسخنامهٔ پادشاهان طبرستان : [٦٦٩ ـ ٦٧١]
نستوری (مذهب...) : ١٢٩
نسخهٔ شاهدی ، ن : ٤١٩
نسخه‌های غرر الفوائد ، ن : ١٦٤
میر نسیم الدین محمد : ٥٨٢
نسیمی شیرازی ، ك : ٢٥٢، ٢٥٣
نشاط میرزا عبدالوهاب : ٢١٢، ٢١٤، [٢٣٩]
نصاب الصبیان ، ن : ١٣٥، ٤١٩
نصاب موادی ، ن : ٢٢٣
نصار پسر محمد حویزی ك : = ٥٠٠ = ٥١٤ = ٥٦٧ = ، = ٥٦٨ =
نصایح حضرت امیر ، ن : ١٤٠ و(سد کلمه) .
» عبدالوهاب امامی ، ن : ٢٢٩ ، ٥٦٣
» الملوك ، ن : ١٨
نصر آبادی ، ك : ٦٨، ٦٩، ١٢٣، ١٢٦
١٩٥، ٢٤١، ٢٤٤، ٢٤٦، ٢٥١، ٣٩٤، ٣٩٨، ٤٠٩، ٤٤٣
نصر البیان ، ك : ٥٩٤
نصر پسر مزاحم : ٣٠٠
امیر نصر پسر ناصر الدین : ٥٣٧
نصر الله ك : ٢٦٢
» اخویان : ٦٣٧
» پسر آخوند ملا اصفعلی : ٢٥٨
» » عبدالمؤمن : ٢٨١
» نحوی : ٢٢٧، ٢٩٤
سید نصر الله مانکی : ٤٧٨، ٧١٤، ٦٥٧
» فارسی ابوالمعالی : ٦٩٤
نصر هورینی (هوزینی)
نصیب طبسی : ٧٣٢
نصیرا : ٢٠٢
نصیحة الملوك ، ن : ١٩٤
خواجه نصیر الدین طوسی ، ك : ١٤ ، ١٢٢، ١٢٧، ٢٥٢، ٣٢٦، ٣٢٧، ٣٦٧، ٣٧٢، ٥١١، ٦٥٥
نصیر الدین عبدالله طوسی شارحی : ٣٦٧
» علی طوسی : ٣٦٧
» علی کاشانی : ٣٦٧
» محمد طبری : ٣٦٧
ملا نصیر محمد جوهی : ٢٠٢٥
نصیری طوسی : [٣٦٣ـ٣٦٨] ٦٩٧ و (محمدتقی پسر عبدالحسین)
نضد الایضاح : ٥١٤، ٥٥٦، ٦٣٩
نضیر اطنزی : ٣٨٩
نظارت معارف ، ج : ٤٤٩
النظام ، ن : ٧١٠
نظام اعرج : ٤٠٧، ٤٥٦

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نظام‌الاحوال . ن : ۴۹۳
نظام دشتکی : ۶۸۸
» شامی : ۶۱۸، ۶۲۰ .
نظام‌الدین احمد . ك : ۵ ، ۶۸۴۰
نظام‌الدین احمد گیلانی . ك : [۴ـ۶]
» اولیا : ۵۲، ۵۳، ۱۷۵، ۲۰۲
» گیلانی : [۵] ، ۴۲۷
» حکیم‌الملك گیلانی (نظام‌الدین احمد) .
» داعی نیشابوری : ۲۲۲
ملانظام‌الدین عثمان خطائی : ۳۵۳
نظام‌الدین قرشی ساوجی : ۴۹۳
نظام شاه پسر همایون شاه : ۱۰۳
نظام علیشاه . ك : ۹۰
نظام‌الغریب . ن : ۳۳۸
قاضی نظام‌الدین محمد : برادر مسکین فراهی . ك : ۲۴۵، ۶۵۹
نظام‌الملك (خواجه ...) : ۶۲۵
نظام معمائی : ۲۴۶
نظام‌الملك جنیدی : ۲۴، ۱۰۱
نظام وفا : ۴۷۹
نظامی : ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۱۴۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۱۹ ، [۲۷۱] ، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰
نظامی گنجوی : [۳۷ـ۵۲] ۴۷، ۱۳۵ [۲۷۱] ۲۸۲ و (نظامی)
نظربای ، یدالله . ك : ۴۰۷
نظم‌الجمان فی تاریخ‌الاکابر والاعیان . ن : ۴۹۴
نظم‌الجواهر . ن : ۱۳۹
نظم‌الدرر با نظم‌السلوك : ۹۵، ۱۶۹
نظم عوامل جرجانی ترکی . ن : ۴۳۲
نظم‌العهد . ن : ۱۸
نظم‌الغالی . ن : ۲۳۰، [۲۹۳] ۷۲۷
نظم‌المصباح فی اختصار‌المفتاح . ن : ۴۵۵
شیخ نعمة‌الله . ك : ۲۷۸، ۴۱۹
نعمة‌الله پسر احمد پسر مبارك رومی : ۴۱۹
سیدنعمة‌الله (جزائری) : ۵۰۷، ۵۶۲
شاه نعمة‌الله ولی کرمانی . ۸۹، ۱۱۱، ۶۱۷
نفائس‌النفیس . ن : ۳۵۱
نفایس‌الفنون : ۶۵۳
نفحات‌الانس . ن : ۵۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۵۱، ۳۹۸، ۵۳۹
نفحات شاذلیه : ۷۱۹
نفح‌الطیب . ن : ۳۸۶
نفس کل (اصلاح اسماعیلیان) : ۸۴
نفیسی . ك : ۲۵، ۳۹، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۱۷۳ و (سعید ...)
النقایه : ۶۸۵
نقدالرجال تفرشی . ن : ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۱۲، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۵، ۷۶۰
نقدالنصوص . ن : ۱۸۸، ۱۹۰
نقش بدیع . ن : ۴۳
نقشبند، بهاءالدین : ۷۰۹
نقشبندیان . د : ۳۲۷، ۳۲۹، ۷۰۲
نقض‌المحصول . ن : ۲۵۳
نقطویان گیلانی . د : ۱۰۹، ۱۱۳
نقطویان قزوین . د : ۶۴۲
کنایچهٔ نقطه : ۱۱۱
نقطه‌چی‌زاده : ۲۷۸

النکات . : ۵۷۴
نگارستان . ن : ۲۶، ۵۵، ۴۶۶
نکت‌الرجال : ۶۶۶
نکته آلمانی . ك : ۱۴۵، ۷۲۳
نمونهٔ انشاء : ۲۰۳، ۲۰۴
نوائی شاعر . ك : ۱۴۳ و (علیشیر)
نوادر ابوعلی‌قالی . ك : ۱
نوادرالحکایات . ن : ۲۱ .
شاه نوازخان . ك : ۲۸۴
نواقض‌الروافض . ن : ۳۴۸، ۶۶۵
نوبه ج : ۷۶
نوراباری : ۷۱۴
نوراللیان فیلسوف . ك : ۵۹۴
نورالحسن : ۴۶۶
نورالحق پسرعبدالحق : ۱۷۹
نورالدین حمزه پسرطورغود : ۳۵۳
» عبدالرحمان ۴۰۴ و (جامی) و (عبدالرحمان)
» عبدالصمدپسرعلی اصفهانی ۱۷۰
» علی پسرحسین : ۵۶۰
» علی پسرحیدر علی قمی : [۶۷۴ـ۶۷۵]
» محمد پسر محمد پسر یحیی بخارائی عوفی : [۲۱ـ۳۲]
» محمد (ظهوری)
نورس دماوندی شاعر : ۷۳۲
نورعلیشاه . ك : ۷۰ [۸۸ـ۹۱] ۱۱۳
نورالعین . ن : ۶۸۲
نورالعیون . ن : ۷
سیدنوراللهٔ شوشتری : ۱۱۹
قاضی نوراللهٔ شوشتری . ك : ۱۱۹ ، [۶۴۷ـ۶۵۱] و (قاضی ...)
میر نوراللهٔ احراری هندی : ۲۰۷
نورالملة والدین خواجه عبیدالله : ۹۸
حاجی نوری : ۱۶۰، ۱۶۱، ۴۷۴، ۶۰۶
نوشیروان : ۶۵
وهبی . ك : ۱۹۹
وهبی‌زاده، عطاءالله : ۴۴
نوکشوی، (چاپ ...) : ۱۹۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۹۸، ۶۱۶
نوناکی (محمد پسرعلی) ۳۹۴
نووی . ك : ۳۸۶، ۵۰۴
نهایة‌الآمال . ن : ۴۹۴، ۵۶۶، ۶۷۴، ۶۷۵
نهایة ابن‌اثیر . ن : ۳۷۰، ۴۲۷
نهایة‌الکمال . ن [۱۷۷]
نهج‌البلاغه . ن : ۴، ۱۶، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۸۶ ، [۲۹۵ـ۳۲۴] ، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۶۰۹، ۷۲۵
نهج‌البلاغه چیست . ن : ۳۰۹، ۳۱۱
نهج‌الحق . ن : ۳۶۷
نهروان . ج : ۳۱۲
نه سپهر . ن : [۱۸۰]
نهضت ضد عرب درمصر : ۸۳
نهلیشها ، د : ۶۴۲
نهی، ابراهیم پسرسلیمان : ۳۰۲
نیازی، ابراهیم : ۳۹۳
نیریز . ج : ۴۶۹

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

نیشابور ، ج : ۲۲، ۸۷، ۱۰۷، ۱۱۷، ۳۳۸، ۳۶۹، ۴۶۸، ۵۱۵، ۵۳۸، ۶۸۷
نیکلسون ، ک : ۲۱۹، ۲۲۱، ۶۴۳
نیکی اصفهانی ، ک : ۴۶
نیلی : ۵۶۶ و (علی پسر عبدالحمید)
نی نامه ، ن : ۱۹۱
واوا عبدالقاهر ، ک : ۷۱۰
الواحدة ، ن : ۲۶۷
واحدی شرح متنبی ، ک : ۷۰۹، ۷۱۱
وادی ابین ، ج : ۴۶۶
وادی النیل : (۴۴۹)
واسطی ، ک : [۱۴۴ـ۱۴۶]
واسعی ، علی سی ، ک : ۴۱۸
الواضحة فی اسرار الفاتحة ، ن : ۶۵۹
وافی ، شرح الفیه ، ن : ۶۲۸
وافی فیض ، ن : ۵۸۸، ۶۲۸
وافی بالوفیات ، ن : ۱۶۲، ۳۰۱، ۳۵۷
وافیة الاصول ، ن : ۶۲۸
وافیه در شرح کافیهٔ ابن حاجب ، ن : ۴۱۴، ۴۳۳ [۴۶۲ـ۴۶۳]
الوافیه در نظم کافیه ، ن : ۴۱۲
واقدی ، محمد پسر عمر استاد ابن سعد ، ک : ۳۰۰، ۴۸۶، ۵۰۳
واقعات بابری ، ن : ۵۹۴
والن (بلنسیه) ج : ۳۸۴
واله داغستانی ، ک : ۴۶۵
وامق وعذرا ، از شمیری : ۴۴، ۲۲۴
وان ، ج : ۷۵
وثیقة النجاة ، ن : ۵۸۸
وجدی ، ن : ۲۰۲، ۲۰۴
وجه دین ، ن : ۷۵، ۸۰، ۸۳
الوجیز (رجال استرآبادی) ، ن : ۴۹۲، ۵۴۹
وجیزهٔ مجلسی : ۱۶ [۶۷۵ـ۶۷۶]، ۶۸۹
وجیه الدین سلیمان فارسی ، ک : ۵۹۳
وحدت نامه ، ن : ۱۱۱
وحدی ابراهیم پسر مصطفی فرضی : ۶۷۹
وحشی بافقی کرمانی ، ک : ۴۳ [۱۶۶ـ۱۶۸] ۱۹۹
وحید ، ک : ۴۷، ۵۱
وحید دستگردی ، ک : ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۴۹
وحید قزوینی ، ک : ۵۲۵
ورامین ، ج : ۴۵۸
ورق ، معما : ۳۹۱
ورق بازی : ۲۰۹ ،
وزیر اوبلی ، علی پسر عیسی ، ک : ۵۵۹
وزیر خطائی ، ک : ۳۷۶
الوساطة بین المتنبی وخصومه ، ن : ۷۱۰
وسایل الشیعه (تفصیل...) : ۴۷۴، ۵۶۹، ۶۲۸
وستنفلد ، ک : ۵۰۹، ۶۲۲، ۶۷۹
وضاح الحیات ازدهلوی ، ن : [۱۷۶]، ۱۸۱، ۱۸۲
وضاح العقد ، ازجامی : ۱۸۹
الوسیله (خطبهٔ ...) : ۳۰۳
وسیلة الاصابة ، ن : ۴۱۵
وسیلة الفوز والامان ، ن : ۱۷۴
وسیلة النجاة : ۷۰۵

الوشاح بیهقی ، ن : ۱۱۷
وشی البرده : ۷۱۶
وصاف الحضرة ، ادیب شرف الدین عبدالله ، ک : ۴۲ [۵۲۵ـ۵۲۸] ۶۹۴، ۶۹۵
وصال شیرازی (کاتب الهی) محمد شفیع پسر اسمعیل ، ک : [۱۶۶ـ۱۶۸] ـ ۲۷۰ ـ
وضیه (رسالهٔ ...) عضدی ، ن : ۳۴۰، ۳۴۹
وطواط ، (رشید ...) : ۲۹۰
وفات الزهراء : ۷۰۳
وفیات الاعیان ، ن : ۹۲، ۹۴، ۱۶۲، [۶۷۶ ـ ۶۸۱]
وقار شیرازی ، ک : ۲۸ = ۲۲۵ =
وقاری شاعر ، ک : ۷۳۲
وقایع الایام خیابانی ، ن : ۳۳، ۱۳۹، ۱۵۹، ۲۹۱
ولایتنامه ، ن : ۱۱۱
وهبیه (ج ...) : ۷۲۰
ویس ورامین ، ن : ۴۸، ۳۲۸
ویکرهوز ، ک : ۱۹۱
وین ، ج : ۱۹۱، ۵۳۴، ۷۲۰
هاتف احمد حسینی اردوبادی ، ک ۵۴، ۴۶۸
هاتفی ، عبدالله جوشانی ، ک : ۴۳، ۱۹۹، ۶۲۰
هادی (امضاء) ک : ۴۰۶، ۴۰۷
هادی اشکوری ۶۵۹
ملاهادی سبزواری پسر مهدی ، ک : ۲۲۴، [۳۷۲ـ۳۷۴]
هادی (امام ، ع) : ۵۵۰، ۵۷۶
شیخ هادی کاشف الغطاء ، ک : ۳۰۱، ۳۰۶، ۴۸۰
هادی مترجم ، ک : [۴۰۸ـ۴۰۹]
هارون پیرموسی تلمکبری ، ک : ۴۹۸
هارون الرشید ۶۷۷
سیدهاشم بحرینی ، ک : ۲۵۷، ۶۰۶
سیدهاشم توبلی کنکانی : ۶۸۸
هاشم قائنی ، ک : ۵۲۰
هاشمی بحلوائی ، ک : ۴۶
امیرهاشمی کرمانی ، ک : ۴۶
الهامیه ، ن ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۴
هبة الدین شهرستانی ، ک : ۱۴۰، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۳، = ۴۴۸ =
هبة الله لکانی : ۶۰۷
هدایات الحسام ، ن : ۱۸
هدایت رضاقلی خان ک : ۵۸، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۸، ۱۰۴، ۲۱۱، ۲۷۳، ۲۸۲، ۵۸۵، ۶۱۰
هدیة الاحباب ، فمی ، ن : ۳۳، ۳۴، ۱۲۲، ۶۵۰
هدایة الاسماء : [۶۸۱ـ۶۸۳]
هدایة السبیل ، ن : ۳۹
هدایت الله جودی : ۶۴۴
هدایة المحدثین : ۶۵۷
هدایت نامه ، ن : ۱۱۱
عرات ، ج : ۱۹۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۷۵، ۳۸۱، ۴۶۸، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۹۱، ۶۳۶، ۶۵۹، ۶۶۲، ۶۶۳، ۷۰۲،
الهروی ، ک : ۶۲۵
هشام کلبی ، ک : ۳۰۸
هشت بهشت ن : ۴۱، ۴۲، ۱۷۹، ۱۸۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

هفت اختر ، ن : ۴۳
هفت آسمان ، ن : ۴۵، ۴۶
هفت آشوب ، ن : ۱۹۹، ۲۰۰
هفت اقلیم ، ن : ۲۶، ۵۳، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۸۰۰، ۸۷، ۹۷، ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۵۱، ۲۰۶، ۲۴۹، ۲۸۲، ۴۶۵، ۴۶۸، ۵۳۹، ۶۱۸
هفت اورنگ ، ن : ۴۱، ۴۲، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۴۰ [۳۲۵-۳۳۰]
هفت پیکر کاشف ، ن ۴۴
» » نظامی ، ن : ۳۹، ۴۰، ۴۹، ۵۱، ۱۷۹
هفت منظر هاتفی ، ن : ۴۳
هلالی جغتائی ، ك : ۴۳، ۱۹۹
همائی ، ك : ۱۶۹، ۲۱۷ و (جلال ،)
همام (خطبهٔ ...) ۳۰۹، ۳۱۷، ۶۰۹
هما وهمایون ، ن : ۴۲
همایون بن اکبرشاه ، ك : ۵۱۹
همایون شاعر ، ك : ۲۵۳
همدان ، ج : ۴۸، ۶۹، ۲۱۵، ۳۲۱، ۴۵۱، ۴۵۹، ۴۶۸، ۶۴۳
هند ، ج : ۱۲، ۲۲، ۴۶، ۴۷، ۵۳، ۶۰، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۲۲، ۲۵۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۴۸، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۱۳، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۹۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۳۱، ۵۳۷، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۹۱، ۵۹۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۴۸، ۶۵۴، ۶۶۰، ۷۳۱
هند ، (آزاد ایرانی بزرگان هند) : ۵۱۷
هندوستان : (هند)
هندسه (علم ...) : ۶۰۰
هندوشاه صاحب تجارب السلف ، ك : ۲۲، ۲۵۴
هندوشاه نخجوانی ، ك : ۴۱۹
هوائی برسوی ، ك : ۱۴۲
هود : (سورهٔ) ... ۶۹۸، ۶۹۹
هوربنی (نصر ...) ، ك : ۴۳۶، ۶۸۰، ۷۲۴
هوس ، محمدتقی ، ك : ۴۵
هوکلی ، ج : ۷۱۱
هوله ، ج : ۶۴۵
هونها ، د : ۶۳
ی (= یاران علی بن ابیطالب) رمز : ۵۵۰، ۵۷۶
یأجوج ومأجوج ، فصلی از کتاب : ۶۰۳
یارجی ، ابراهیم : (۷۱۲)
یاسی : ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۲، ۷۵۸
شیخ یاسین بحرینی : ۴۹۵
یافث پسر نوح : ۴۶۷
یاقوت حموی صاحب معجم الادباء ، ك : ۹۳، ۱۱۷، ۱۲۱، ۲۵۴، ۲۹۰، ۳۳۸، ۳۶۸، ۴۲۳، ۴۹۷، ۵۵۷، ۵۵۸
یاقوت ، ازاین نوبخت ، ن : ۲۵۴
یب (= تهذیب شیخ طوسی) : ۵۵۴
یتیمة الدهر (ثعالبی) ، ن : ۱۵۸، ۳۶۸

یحیی افندی دستجینی ، ك : ۲۲۳
یحیی پسر یختی ، ك : ۴۳۲
یحیی پسر جمال‌الدین پسر ابوطاهر : ۶۷۰
» پسر حبیب‌الله ، ك : ۴۰۶
» » حسن پسر حسین ابن البطریق : ۴۹۰
» » حمیده حلبی ك : ۴۹۰
» » سیف میرامی مصری حنفی ، ك : ۳۵۲
» » عبدالمعطی پسر عبدالنور زواوی مغربی : [۴۰۹-۴۱۰]
» » علی (ابن خطیب تبریزی)
» » عبدالله دمشقی ، ك : ۷۲۰
» » محمدشفیع اصفهانی : (۵۸۰)
» » منصور حسنی ، ك : ۷۲۰
» خشاب ، ك : ۸۰
» رازی ، ك : ۵۴۲
» عبدالمجید پسر نصوح پسر اسرائیل ك : ۴۳۲
» مصری پسر علی : ۵۵۵
شیخ یحیی مفتی بحرین ، ك : ۴۹۶
ید (= من لایحضره الفقیه ، ازابن بابویه) رمز ، ك : ۵۵۰، ۵۷۶
ید بیضا ، از آزاد ، ن : ۴۶۶
میرزا یدالله (نظر باك ...)
یزد ، ج : ۶۵، ۸۶، ۱۲۱، ۱۶۶، ۲۶۵، ۲۶۸، ۴۹۵، ۵۲۶، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸
یزدجرد = یزدگرد (۶۶۹)
سلطان یعقوب آق‌قویونلو ، ك : ۶۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۴۸، ۲۸۷، ۳۶۶
یعقوب‌پاشا ، ك : ۲۷۹
یعقوب‌خان ، ك : ۱۸۴
یعقوب طهمان ، ك : ۶۸۰
یعقوب ایك صفاری : ۶۸۰
یعقوبه ، ج : ۵۹۲
یغطینی ، محمد پسر عیسی پسر عبید یغطینی ، ك : ۴۷۵، ۴۸۴
یکانی ، ملاباشا چلبی ، ك : ۴۱۷
یمن ، ج : ۲۹۷، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۸۸، ۵۱۷، ۵۷۱، ۶۶۵، ۶۷۹
یمکان از نواحی بدخشان ، ج : ۷۳، ۷۷، ۱۰۷
یمین‌الدین محمود (سبکتکین ،) ك : ۵۳۶
یمن (= یاران زین العابدین) رمز : ۵۵۰، ۵۷۶
ینابیع اللغة ، ن : ۳۳۸
ینی جامع (مسجد ...) در استامبول ، ج : ۴۴۶
یکی فکر ، روزنامه ، ن : ۳۹
یواقیت البیان : ۶۲۵
یوحنا ایکاریوس ، ك : [۶۴۱-۶۴۴]
یوسفا عالی حضرت میرزا محمد : ۶۳۷
یوسف اسباط ، ك : ۵۴۴
شیخ یوسف بحرینی صاحب حدائق ، ك : ۲۵۸، ۳۰۰، ۴۹۵، ۵۰۷، ۵۱۳، ۶۲۸ [۶۴۴-۶۴۶]
یوسف بدیعی : ۷۰۸ و (بدیعی اندجانی)
یوسف پسر ابولطیف : ۷۱۸
» » احمد پسر ابراهیم : یوسف بحرینی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

یوسف پسر حسین صوفی، ك : ۵۴۲
» » محمد حسینی عاملی، ك : ۴۹۲،۴۹۹
» » یعقوب (س)، ك : ۳۲۸
» » خواجه یونس، ك : ۴۵۷
» علی انجاری : ۶۵۰
» کرماسنی پسر حسین، ك : ۳۵۳
» نیهانی، ك : ۶۸۸
» وزلیخا، از جامی، ك : ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۴۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۴۶۸
» وزلیخا، از شمله اصفهانی، ك : ۴۵
» وزلیخا، از شیطوی، ن : ۴۳
یوسف وزلیخا، از موجی، ك : ۴۳
» شاملو : ۷۳۲
» صیب، ك : ۱۳۹، ۲۹۱
یوسفی، ك : ۱۳
یولچی خان، ك : ۱۹۷
یولق ارسلان پسر الیبورك ك : ۲۹۲، ۲۹۳
یونان، ج : ۴۷، ۵۱، ۸۳، ۸۴، ۳۲۶، ۵۷۱، ۶۲۱، ۷۲۹
یونس (سورهٔ ...) : ۶۹۸، ۶۹۹
» پسر عبدالرحمن : ۴۷۳، ۴۷۴
» شیبانی : ۶۸۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

تذکر

اولاً : درمجلدات این فهرست هر کجا نام کتابخانهٔ دانشگاه آمده مقصود همین کتابخانهٔ اهدائی آقای سیدمحمد مشکوة است .

ثانیاً : درصفحهٔ ۷۵۶ اشتباهاً کلیشهٔ صفحهٔ دوم کتاب مصباح شیخ طوسی بجای کلیشهٔ صفحهٔ اول بچاپ رسیده است .

ثالثاً : درصفحهٔ ۷۴۷ ذیل کلیشهٔ کتاب حقائق التأویل سلمی عبارت « سدهٔ هفتم » غلط وصحیح «سدهٔ پنجم» است ـ و نیز ذیل کلیشهٔ صفحهٔ ۷۵۵ احمد بربری غلط وصحیح احمد لیزیری است .

انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » پرژو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهان
٥ - تاریخ بیهقی جلد دوم	تصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود عیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰- نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمس
۱۱- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲- اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	تصحیح مدرس رضوی
۱۳- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱٥- تاریخ افضل - بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸- راهنمای دانشگاه	—
۱۹- مقررات دانشگاه	—
۲۰- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲- راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
۲۳- Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشرودی
۲٤- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦- زیست شناسی (۳) بحث در نظریهٔ لامارك	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۲۸- اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
۳۰- اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »
۳۱- ریاضیات در شیمی	» » هورفر
۳۲- جنگل شناسی جلد اول	» مهندس کریم ساعی
۳۳- اصول آموزش و پرورش	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- فیزیولژی گیاهی جلداول	» » اسمعیل زاهدی
۳۵- جبر و آنالیز	» » محمدعلی مجتهدی
۳۶- گزارش سفرهند	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
۴۰- تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
۴۱- تاریخ اسلام	» دکتر قیاض
۴۲- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » مشترودی
۴۴- کالبد شناسی توصیفی(۱) - استخوان شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نامی
۴۵- روان‌شناسی کودک	» دکتر مهدی جلالی
۴۶- اصول شیمی پزشکی	» » آ. وارتانی
۴۷- ترجمه وشرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- اکوستیک « صوت» (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
۵۲- درس اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
۵۳- جانور شناسی سیستماتیک	» » آزرم
۵۴- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
۵۵- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- مامائی	» » آهی
۵۷- فیزیولژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی

۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	تألیف دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر برهمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶- مکانیك فیزیك	» » کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی(۲) - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی » دو	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصادجلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیك گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمنه‌ی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مهندس حاجی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیك گازها	» دکتر لطفاری
۸۶- آئین دادرسی دراسلام	» محمد تنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سرین تا یونسکو - دو جلد در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار

کتابخانه دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۹۰- میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب‌ید-دکتر میرزا مادی
۹۱- میزراه جلد اول	» » حسین گلاوژ
۹۲- » » دوم	» » »
۹۳- کالبد شکافی (تشریح عملی دست‌وپا)	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی	» دکتر امیر اعلم-دکتر حکیم
	دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی-دکتر نیک نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » »
۹۷- بیماریهای گوش وحلق وبینی جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- هندسهٔ تحلیلی	» کامکار پارسی
۹۹- جبر و آنالیز	» » »
۱۰۰- قوق وبرتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)	» بیانی
۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	» میر بابائی
۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی	» محسن عزیزی
۱۰۳- آزمایش وتصفیه آبها	» محمد جواد جلیدی
۱۰۴- هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- مبادلات انرژی درگیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القرآن	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- شیمی آلی جلداول انوری واصول کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	» » شیخ
۱۱۳- حکمت‌الهی عام و خاص	» مهدی‌قشقا
۱۱۴- امراض‌حلق‌وبینی وحنجره	» دکتر علیم‌نروستی
۱۱۵- آنالیز ریاضی	» منوچهر وصال
۱۱۶- هندسه تحلیلی	» » احمد عقیلی
۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم	» » امیر کیا
۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱۱۹- اساس‌التوحید	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- فیزیك پزشکی	» دکترفرهاد
۱۲۱- اکوستیك «صوت» (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل‌بیگی
۱۲۲- جراحی فوری‌اطفال	» » مرعشی

۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة(۱)	تألیف علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- چشم‌پزشکی جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵- شیمی‌فیزیك	» » بازرگان
۱۲۶- بیماریهای‌گیاه	» » خبیری
۱۲۷- بحث‌درمسائل‌پرورش‌اخلاقی	» » سپهری
۱۲۸- اصول‌عقاید وکرائم‌اخلاق	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- تاریخ کشاورزی	» دکتر تقی‌بهرامی
۱۳۰- کالبدشناسی انسانی(۱) سر وگردن	» » حکیم ودکتر گنج‌بخش
۱۳۱- امراض‌واگیردام	» » رستگار
۱۳۲- درس‌اللغة والادب(۴)	» » محمدی
۱۳۳- واژه نامه گرگانی	» » صادق کیا
۱۳۴- آب‌یاخته‌شناسی	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- عضله وزیبائی‌پلاستیك	» » کیهانی
۱۳۷- طیف‌جذبی واشعه ایکس	» » فاضل زندی
۱۳۸- مصنفات‌افضل‌الدین‌کاشانی	» » مینوی ویحیی مهدوی
۱۳۹- روان‌شناسی (ازلحاظ تربیت)	» » علی‌اکبر میاسی
۱۴۰- ترمودینامیك (۱)	» مهندس بازرگان
۱۴۱- بهداشت روستائی	» دکترزوین
۱۴۲- زمین شناسی	» » یدالله سحابی
۱۴۳- مکانیك عمومی	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- فیزیولوژی جلداول	» » کانوزیان
۱۴۵- کالبدشناسی وفیزیولوژی	» » نصرالله نیك‌نفس
۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلداول	» سعیدنفیسی
۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت اول	» دکتر امیر اعلم-دکتر حکیم
سلسله اعصاب محیطی	دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی-دکتر نیك نفس
۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی(۵) قسمت دوم	» » »
اعصاب مرکزی	» » »
۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای‌حواس پنجگانه	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۰- هندسه‌عالی (گروه و هندسه)	» پارسا
۱۵۱- اندام‌شناسی‌گیاهان	» » ضرابی
۱۵۲- چشم پزشکی (۳)	» » اعتمادیان
۱۵۳- بهداشت شهری	» » بازارگادی
۱۵۴- انشاء انگلیسی	» » دکتر شیخ
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیك) (۳)	» » آرمین
۱۵۶- آسیب شناسی (گانگلیوت استلر)	» » ذبیح‌الله صفا
۱۵۷ تاریخ علوم‌عقلی درتمدن اسلامی	

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

۱۵۸	تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی اصغر حکمت
۱۵۹	حشره شناسی	تألیف جلال افشار
۱۶۰	نشانه‌شناسی (علم العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میبدی‌نژاد
۱۶۱	نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱۶۲	آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱۶۳	احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴	الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱۶۵	آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶	اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی اصغر پورهمایون
۱۶۷	فیزیك (تابش)	« « روشن

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
library.ut.ac.ir